

کتاب اول - کلیات

بخش اول - مواد عمومی

فصل اول - تعاریف

مقدمه

در حقوق جزای عمومی کلیات و قواعد عام حقوق جزا و اصول مشترک حاکم بر جرائم و مجازات‌ها از قبیل: شروع به جرم، معاونت و شرکت در ارتکاب جرم، شرایط و موانع مسؤولیت کیفری، تعدد و تکرار جرم، مرور زمان و نظایر آنها را مورد بررسی قرار می‌دهد و در حقوق جزای اختصاصی از عناصر و خصوصیات مربوط به هر یک از جرائم به‌طور جداگانه بحث و گفتگو می‌شود (دکتر حسین میرمحمدصادقی، جرائم علیه اموال و مالکیت، ص ۱۹).

ماده ۱- تعریف قانون مجازات اسلامی

قانون مجازات اسلامی مشتعل بر جرائم و مجازات‌های حدود، قصاص، دیات و تعزیرات، اقدامات تأمینی و تربیتی، (مجازات‌های بازدارنده در این ماده مورد اشاره قرار نگرفته است) (به استناد ماده ۱ قانون اقدامات تأمینی که مقرر می‌داشت: اقدامات تأمینی عبارت است از تدابیری که به‌منظور جلوگیری از تکرار جرم در مورد مجرمین خطرناک اتخاذ می‌شد اما بر اساس قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ اقدامات تأمینی و تربیتی فقط در خصوص اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود چه دارای حالت خطرناک باشند و چه نباشند) شرایط و موانع مسؤولیت کیفری و قواعد حاکم بر آنها است. (برای دیدن اقدامات تأمینی و تربیتی ر.ک مواد ۱ و ۱۰ و ۱۲ و مواد ۸۸ تا ۹۵ ق.م.ا و برای دیدن موانع مسؤولیت کیفری ر.ک به ماده ۱۴۶ به بعد قانون مجازات اسلامی).

نکته ۱- مقررات موضوعه مربوط به نهاد حقوقی اقدامات تأمینی و تربیتی طبق قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ به‌صراحت نسخ شده است. هرچند قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۳۹ به‌موجب ماده ۷۲۸ ق.م.ا جدید نسخ صریح گردیده است اما در قانون فعلی اقدامات تأمینی و تربیتی بر اساس مواد فصل دهم ق.م.ا نسبت به اطفال و نوجوانان و مجانین اعمال می‌شود و لذا به مجرمین بزرگ‌سال قابل تسری نمی‌باشد و حالت خطرناک لزوماً برای اقدام تأمینی و تربیتی نیاز نیست.

نکته ۲- مراد از شرایط مسؤولیت کیفری این است که برای تحقق جرمی که عقوبتش مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی است شرایط عامه تکلیف باید وجود داشته باشد.

نکته ۳- قاضی در صدور احکام کیفری نمی‌تواند به عرف استناد کند.

نکته ۴- کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) در سال ۱۳۷۵ تصویب شده است.

نکته ۵- در سال ۱۳۹۴ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی به تصویب قانون‌گذار ایران رسیده است.

نکته ۶- منابع اصلی (الزامی یا صوری یا استنباطی) قانون مجازات اسلامی:

۱- قانون

۲- مصوبات کمیسیون‌های تخصصی مجلس

۳- معاهدات بین‌المللی

۴- رویه قضائی به معنای خاص

۵- برخی از مصوبات قوه مجریه (آیین‌نامه‌های اجرائی)

۶- منابع فقهی معتبر.

نکته ۷- منابع فرعی (ارشادی یا مکمل یا استدلالی):

۱- عرف و عادت

۲- رویه قضائی به معنای عام

۳- دکترین.

نکته ۸- آرای دیوان عالی کشور در مقام وحدت رویه قضائی از نوع منابع اصلی حقوق جزا است؛ به عبارت دیگر رویه قضائی به معنای خاص (آراء وحدت رویه) که برای تمام مراجع اعم از قضائی و غیر قضائی لازم‌الاجرا و در حکم قانون است از منابع اصلی و رویه قضائی به معنای عام (نظریه مشورتی) که الزامی نیست از منابع فرعی حقوق جزا است.

نکته ۹- موضوع طبقه‌بندی و تفکیک هر یک از عناصر جرائم گوناگون خارج از محدوده مطالعات حقوق جزای عمومی است.

نکته ۱۰- با توجه به ماده ۱ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ این قانون مشتمل بر مجازات‌های بازدارنده نمی‌باشد.

نکته ۱۱- سیاست جنائی: یعنی مجموعه تدابیر و شیوه‌های پیشگیری به منظور اصلاح و تربیت مجرمان.

نکته ۱۲- گستره قانون مجازات اسلامی دربرگیرنده انواع جرائم و مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی و شرایط و موانع مسؤولیت کیفری می‌باشد.

نکته ۱۳- طبقه‌بندی و تفکیک هر یک از عناصر جرائم گوناگون خارج از محدوده مطالعات حقوق جزای عمومی است.

نکته ۱۴- قانون مجازات اسلامی قانون ماهوی است که عموماً باید شامل قواعد عمومی جرم و مجرم و مجازات باشد اما در برخی موارد به بیان قواعد شکلی مانند نحوه تعلیق مجازات- اجرای مجازات شلاق و ... پرداخته است (عباس زراعت شرح مختصر قانون مجازات اسلامی ج ۲ ص ۴۳).

نکته ۱۵- حقوق جزا شاخه‌ای از حقوق عمومی داخلی است.

ماده ۲ - تعریف جرم

هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل (فعل ناشی از ترک فعل در این ماده مورد اشاره قرار نگرفته است و جرم انگاری نشده است) که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود. (دربرگیرنده تمام حالات جرم اعم از: فعل، ترک فعل، حالت، داشتن و نگهداری می‌باشد و نیز بیانگر تمام حالت جرم از لحاظ عنصر مادی اعم از آنی، مستمر، مرکب و به عادت و ... می‌باشد و از نظر عنصر معنوی شامل جرائم عمدی و غیرعمدی می‌شود).

این ماده بیانگر اصل قانونی بودن جرم است و این اصل دو نتیجه دارد؛

۱- تفسیر مضیق قوانین کیفری

۲- عطف به ما سبق نشدن قوانین کیفری

تفسیر مضیق: یعنی پایبندی قاضی دادگاه به قدر متیقن مدلول الفاظ قانون و خودداری از توسعه‌ی تفسیر آن، این تفسیر مربوط به قوانین ماهوی است.

نکته ۱- این ماده مهم در مقام تعریف جرم برآمده و جرم را تعریف کرده است.

نکته ۲- با توجه به اصول حقوق کیفری در خصوص رابطه‌ی میان «انگیزه» و «قصد مجرمانه» انگیزه از قصد مجرمانه جدا است و به طور کلی از ارکان عنصر معنوی جرم به شمار نمی‌رود.

نکته ۳- اصل تفسیر مضیق قوانین جزائی مربوط به اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها است. به معنای ممنوعیت تفسیر قوانین جزائی و محدود کردن آن به نص صریح قانون است.

نکته ۴- از نتایج اصل قانونی بودن جرم و مجازات می‌توان به تفسیر مضیق قانون کیفری و اصل عطف به ما سبق نشدن قوانین کیفری اشاره کرد.

نکته ۵- اصل «قبح عقاب بلا بیان» در مقام بیان اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها است و باید گفت این قاعده از میانی اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها در نظام جزائی اسلام است.

نکته ۶- در مذهب شیعه «قیاس» به عنوان یکی از منابع استنباط احکام، اگر منصوص‌العینه باشد قابل پذیرش است.

نکته ۷- اگر قانون عملی را جرم نداند؛ قاضی باید حکم برائت متهم را صادر کند.

نکته ۸- از لحاظ منابع قانونی در امور جزائی، وقتی شخص از اقلیت‌های مذهبی با خانمی که برادرزاده‌اش بوده ازدواج کرده باشد روابط زناشویی ناشی از این ازدواج به علت آزادی قانونی اقلیت‌ها در احوال شخصیه جرم نیست.

نکته ۹- انتشار قوانین به منظور اجرای قاعده‌ی قبح عقاب بلا بیان می‌باشد.

نکته ۱۰- قاعده‌ی «درأ» به مبحث تفسیر مضیق قوانین کیفری نزدیک‌تر است.

نکته ۱۱- مبنای قاعده‌ی تفسیر محدود قوانین جزائی اصل قانونی بودن جرم و مجازات است.

نکته ۱۲- در حال حاضر در حقوق ایران قاعده‌ی تفسیر مضیق در مسائل جزائی مبتنی بر اصول حقوقی مسلم است؛ که تفسیر عبارت است از: آشکار کردن معنی الفاظ قانونی و عباراتی است که در ظاهر مبهم و مجمل می‌نماید به عبارت دیگر غرض از تفسیر متن قانونی در یافتن و بازگو کردن معنی کامل آن است.

نکته ۱۳- انواع تفسیر با توجه به مقام تفسیرکننده:

الف- تفسیر قانونی

ب- تفسیر قضائی

پ- تفسیر از نظر دکتربین

نکته ۱۴- تفسیر قانون اساسی بر عهده شورای نگهبان و تفسیر قوانین عادی بر عهده مجلس شورای اسلامی است.

نکته ۱۵- مراحل تفسیر قضائی به ترتیب عبارتند از:

الف- احراز نظر مقنن (تفسیر منطقی یا تفسیر توضیحی یا تفسیر غائی)

ب- تفسیر مضیق (منطوقی)

پ- تفسیر به نفع متهم.

نکته ۱۶- تفسیری که حاکی از کشف منظور، مقصود و نیت واقعی مقنن باشد، تفسیر منطقی یا توضیحی است.

نکته ۱۷- حاکمیت اصل برائت در حال شک بیانگر اصل تفسیر به نفع متهم است.

نکته ۱۸- تبرئه در حال شک از نتایج، تفسیر مضیق قوانین جزائی است.

نکته ۱۹- از لحاظ عنصر مادی، به عمل کسی که به قصد سرقت به دفعات متعدد، گندم داخل انبار دیگری را خارج می‌کند جرم استمرار یافته گفته می‌شود.

نکته ۲۰- فرق اساسی جرائم مطلق و مقید این است که «حصول نتیجه» در جرائم مقید برخلاف جرائم مطلق شرط تحقق جرم است.

نکته ۲۱- با توجه به معیارهای حقوق جنائی اراده آگاهانه‌ی عمل در ارتکاب عمل مجرمانه، در تعریف سوءنیت عام آمده است.

نکته ۲۲- جرائم قراردادی، جرائمی هستند که مصالح و ضرورت‌های اجتماعی قانون‌گذار را به جرم شناختن آن‌ها وادار کرده است.

نکته ۲۳- تقسیمات جرائم به عمدی و غیرعمدی بر مبنای رکن معنوی جرائم انجام می‌شود.

نکته ۲۴- تقسیم جرائم به مستمر و آنی بر مبنای رکن مادی جرائم انجام می‌شود.

نکته ۲۵- در جرم کلاهبرداری سوءنیت عام و سوءنیت خاص به ترتیب عبارتند از:

الف) عمد در توسل به وسایل متقلبانه

ب) قصد بردن مال دیگری

نکته ۲۶- رکن مادی جرم کلاهبرداری مشتمل است بر:

الف) توسل به وسایل متقلبانه

ب) فریب دادن صاحب‌مال

ج) تحصیل و به دست آوردن سند و مال دیگری

نکته ۲۷- موارد زیر توجیه‌کننده اصل قانونی بودن جرم و مجازات در کشور ایران است:

۱) آیه شریفه «لَا يَكْفُرُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا»

۲) قاعده فُجِ عِقَابِ بِلَا بَيَان

۳) اصل تفکیک قوا

۴) حدیث رَفَع

۵) سوره‌ی اسراء آیه ۱۵

۶) اصل اباحه

۷) قاعده درأ

نکته ۲۸- ماده ۲ ق.م.ا، ناظر است به اصل قانونی بودن جرائم.

نکته ۲۹- اصل قانونی بودن جرم و مجازات را نخستین بار سزاربکاریا و منتسکیو به‌عنوان بنیان‌گذاران مکتب کلاسیک به‌کاربرده‌اند؛ و در ایران نخستین بار در متمم قانون اساسی مصوب سال ۱۳۲۵ پیش‌بینی شد.

نکته ۳۰- مهم‌ترین نتایج اصل قانونی بودن جرم و مجازات:

۱- تفسیر مضیق قوانین کیفری

۲- عطف به ما سبق نشدن قوانین کیفری

نکته ۳۱- اگر قانون عملی را جرم نداند قاضی باید حکم برائت متهم را صادر کند و فقط در مورد حدود طبق ماده ۲۲۰ ق.م.ا و اصل ۱۶۷ قانون اساسی و مواد ۸ و ۹ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، طبق منابع معتبر فقهی عمل می‌شود.

نکته ۳۲- اصل قانونی بودن مجازات اولین بار توسط مکتب فایده اجتماعی مطرح شد؛ و این اصل اولین بار در اعلامیه حقوق بشر فرانسه مطرح شد و این اصل در ایران نخستین بار در سال ۱۳۲۵ هجری قمری در متمم قانون اساسی پذیرفته شد.

نکته ۳۳- اصل قانونی بودن خود زیرمجموعه‌ی اصل حاکمیت قانون است. اصل حاکمیت قانون بدان معنا است که ارزیابی رفتارها و نهادها و فرآیندها بایستی با یک معیار برتر صورت گیرد (درآمدی بر حقوق جزای عمومی، جلد اول، دکتر غلامحسین الهام و دکتر محسن برهانی ص ۹۰).

نکته ۳۴-

جرم مرکب: جرمی است که عنصر مادی آن از اجزاء متعدد به قصد نتیجه‌ی واحد تشکیل شده است. مثل جرم کلاهبرداری و جاسوسی.

جرم ساده: جرمی است که عنصر مادی آن از یک جزء تشکیل شده است و اجزاء عنصر مادی از هم قابل تفکیک نیستند. مثل قتل و سرقت.

جرم مستمر: جرمی است که خواه ناشی از اراده فاعل و خواه ناشی از طبیعت اشیاء در زمان به‌طور مستمر ادامه دارد. مثل: اخفای مال مسروقه، توقیف غیرقانونی اشخاص، جرم ترک انفاق.

کلمه جرم مستمر از این نظر هائز اهمیت است که اگر رفتار مهربانه حتی یک لفظه در دایره شمول قانون بریدر قرار بگیرد، قانون لاهق (پیرید) در مورد مهربان اعمال می‌شود هر چند این قانون نسبت به قانون سابق اشد باشد.

جرم به عادت: جرمی است ساده ولی مجازات آن مشروط به این است که چند بار و به‌کرات (حداقل دو بار) انجام شود و به‌صورت عادت دربیاید بی‌آنکه ضرورتاً عنوان خاص تکرار جرم به آن اطلاق شود.

نکته ۳۵- جرم همواره یک عمل خارجی از جانب انسان است و این عمل گاهی فعل است و زمانی ترک فعل، بنابراین تصمیم مجرمانه اصولاً جرم تلقی نمی‌شود و جرم عقیده وجود ندارد یعنی عقیده هرچه باشد جرم تلقی نمی‌شود اما انتشار عقیده ممکن است جرم باشد (نگرشی بر حقوق جزای عمومی، دکتر محمد باهری، مجد، صص ۷۸ و ۷۹).

نکته ۳۶- قانون‌گذار برای جرم مجازات پیش‌بینی نموده است، بنابراین به‌صرف اینکه عملی ممنوع باشد آن عمل را نباید جرم دانست، باید ممنوعیت عملی توأم با ضمانت اجرای جزائی باشد (دکتر باهری همان).

نکته ۳۷- انسان در ارتکاب عمل ممنوعی که قانون‌گذار برای آن مجازات تعیین کرده است برخلاف حق اقدام کرده باشد بنابراین

عملی که قانوناً ممنوع و قابل مجازات است در مقام سوءاستفاده از حق یا انجام وظیفه جرم شناخته نمی‌شود.

نکته ۳۸- حقوق جزای اسلام هم اصل قانونی بودن جرم را پذیرفته است به جزء در تعزیرات (اسماعیل ساولانی، حقوق جزای عمومی، نشر دادآفرین، ص ۶۷).

فصل دوم - قلمرو اجرای قوانین جزائی در مکان

ماده ۳ - صلاحیت سرزمینی (ملاک اصلی در صلاحیت سرزمینی رکن مادی است)

قوانین جزائی ایران درباره کلیه اشخاصی که (چه تبعه ایران باشند و چه غیر ایرانی مقیم ایران) و اعم از شخص حقیقی یا حقوقی در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مُرتکب جرم (مطلق جرم بیان شده و شامل هر نوع جرمی مثلاً جعل ارز خارجی هم می‌شود) شوند اعمال می‌شود مگر آنکه به موجب قانون، ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

استثناء: ۱ - مصونیت ۲ - کشتی‌ها و هواپیماهای جنگی.

نکته ۱- مبنای صلاحیت سرزمینی محل وقوع جرم است.

نکته ۲- این ماده بیانگر اصل سرزمینی بودن قوانین کیفری است. صلاحیت سرزمینی بودن جرم یعنی صلاحیت کشوری که جرم در آن واقع شده است.

نکته ۳- صلاحیت سرزمینی بدین معناست که یک دولت نسبت به تمام اموری که در قلمروی سرزمینی‌اش واقع می‌شود، دارای صلاحیت (تقنینی و اجرائی) می‌باشد (دکتر الهام و برهانی همان ص ۱۱۰).

نکته ۴- ذکر عبارت اشخاص که در ماده بیانگر امکان مجازات اشخاص حقوقی است در احکام ماده هم در مورد اشخاص حقیقی است هم حقوقی به عبارتی کلیه اصول صلاحیتی هم شامل شخص حقیقی می‌شود و هم شامل شخص حقوقی هر دو می‌شود.

نکته ۵- هواپیمای نظامی جزئی از قلمرو کشوری است که پرچم آن را دارد و جرائمی که در آن به وقوع می‌پیوندد و مطیع قوانین جزائی دولت صاحب پرچم است.

نکته ۶- صلاحیت سرزمینی عبارت است از صلاحیت کیفری دولت نسبت به جرائم ارتکاب یافته در قلمرو آن به عبارت دیگر جرم واقع شده در قلمرو و حاکمیت یک کشور تابع قوانین آن کشور است (مجموعه سؤالات طبقه‌بندی شده جزای عمومی، اسماعیل ساولانی، ص ۲۵۵).

نکته ۷- صلاحیت سرزمینی دارای دو جنبه مثبت و منفی است.

الف) جنبه مثبت: اصولاً کلیه اشخاصی که در قلمرو حاکمیت ایران مرتکب جرم شوند طبق قوانین ایران قابل محاکمه هستند مگر در موارد استثناء مانند مصونیت‌ها، مصونیت سیاسی - مصونیت پارلمانی.

ب) جنبه منفی: اصولاً افرادی که خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب جرم شوند در ایران قابل محاکمه نیستند مگر در موارد استثناء مانند موارد مطروحه در ماده ۵ ق.م.ا. (صلاحیت واقعی) و ماده ۷ ق.م.ا. (صلاحیت شخصی) و ماده ۹ ق.م.ا. (صلاحیت جهانی).

نکته ۸- اگر جرم در کشتی مسافری فرانسوی که در اجاره دولت جمهوری اسلامی ایران است ارتکاب یابد رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه‌های ایران است.

نکته ۹- رسیدگی به جرائم ارتکابی در کشتی‌های جنگی در صلاحیت دولت صاحب پرچم است بنابراین دولت ساحلی حق مداخله در کشتی‌های جنگی را ندارد و تنها می‌تواند درخواست خروج آن‌ها را از آب‌های ساحلی خود نماید.

نکته ۱۰- اگر مأمور سیاسی یا کنسولی بیگانه در ایران مرتکب جرمی شود به دلیل مصونیت سیاسی از تعقیب و مجازات در ایران معاف است؛ اما کشور فرستنده حق تعقیب او را دارد اما مأموران کنسولی از مصونیت کم‌تری برخوردارند مثلاً جرائم مشهودشان مشمول مصونیت قرار نمی‌گیرد.

نکته ۱۱- استثنائات اصل صلاحیت سرزمینی:

۱- مصونیت سیاسی

۲- مصونیت پارلمانی: که در کشور ما محدود به وظایف نمایندگی است (موضوع اصل ۸۶ قانون اساسی).

نکته ۱۲- در صورتی که نماینده سیاسی کشور خارجی در ایران مرتکب عملی شود که مطابق قانون ایران جرم ولی مطابق قانون کشور متبوعش جرم نباشد می‌توان او را به عنوان عنصر نامطلوب از کشور اخراج نمود و یا از کشور متبوعش تقاضای تعقیب وی را نمود.

نکته ۱۳- اگر نماینده مجلس شورای اسلامی مرتکب کلاهبرداری شود قابل تعقیب و مجازات در مراجع قضائی است.

نکته ۱۴- اصل سرزمینی بودن قوانین جزائی بر حقوق جزای اسلام حاکم نمی‌باشد.

نکته ۱۵- طبق اصل صلاحیت سرزمینی، ملاک در تعیین صلاحیت محل وقوع جرم تام یا بخشی از یک جرم است. صرف نظر از اینکه مجرم تبعه‌ی کدام کشور باشد یا جرم انجام شده چه ماهیتی داشته باشد، جرم و محاکمه آن، چه از لحاظ ماهوی و چه از لحاظ شکلی تأثیرگذار بوده و تأکید دارد (دکتر ایرج گلدوزیان - بایسته‌های حقوق جزای عمومی ص ۳۵).

نکته ۱۶- سیستم سرزمینی صلاحیت قانون قاضی محل بازداشت مجرم را بدون در نظر گرفتن تابعیت وی با تابعیت قربانی جرم مورد تأیید قرار می‌دهد به عبارتی در سیستم سرزمینی فقط محل وقوع جرم در نظر گرفته می‌شود.

نکته ۱۷- مجازات فردی که به نحو غیرمجاز وارد کشور دیگر شده است مجازات او در آن کشور، مانع مجازات او از لحاظ خروج غیرمجاز از کشور ایران نیست چراکه جرائم ارتكابی شخص فعل واحد نمی‌باشد.

نکته ۱۸- اگر جرمی که در ایران واقع شده است دارای معاون یا معاونینی باشد که خارج از کشور معاونت نموده است به دلیل اینکه اصل جرم در ایران واقع شده است معاون یا معاونین نیز به موجب قانون ایران تعقیب می‌شوند همین قاعده در مورد شرکای جرم نیز صادق است.

نکته ۱۹- محل وقوع جرم مکانی است که تمام یا جزئی از عملیات اجرایی در آنجا انجام یافته و یا اینکه نتیجه‌ی مجرمانه در آنجا حاصل شده است (اسماعیل ساولانی، همان، ص ۹۹).

نکته ۲۰- هرگاه جرم، واقع شده در ایران تلقی نگردد، معاونت در آن هرچند عمل معاونت در ایران فعلیت یافته باشد بر طبق قانون ایران مجازات نخواهد شد، معاونت جرم ارتكابی در خارج از ایران هرچند عمل معاونت در داخل ایران واقع شده باشد مطیع قوانین جزایی ایران نیست (دکتر محمد باهری، همان، ص ۱۳۲ و ۱۳۹).

نکته ۲۱- در خصوص صلاحیت قوانین جزائی ایران در خصوص اعمال ارتكابی در کشتی‌های غیرجنگی رجوع کنید به ماده ۱۰ قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس.

نکته ۲۲- اصل مجرمیت متقابل شرط نیست و صرف جرم بودن عمل با قانون ایران کافی است.

نکته ۲۳- بحث تعزیرات منصوص و غیرمنصوص در صلاحیت سرزمینی مطرح نیست.

ماده ۴- صلاحیت سرزمینی تکمیلی

هرگاه قسمتی از جرم (منظور بخشی از عملیات اجرایی جرم است نه تهیه مقدمات) یا نتیجه آن در قلمرو حاکمیت ایران (اصطلاح قلمرو حاکمیت حسب مورد به معنی مناطقی است که تحت حاکمیت یا صلاحیت هر طرف متعاقد بوده و شامل مناطق دریایی آنها نیز می‌شود) واقع شود (یعنی وجود هر کدام از دو مورد مطروحه در این ماده) در حکم جرم واقع شده در جمهوری اسلامی ایران است.

نکته ۱- برای تحقق هر جرم ۴ مرحله لازم و ضروری است. مراحل ارتكاب جرم عبارتند از:

۱- قصد ارتكاب جرم

۲- تهیه مقدمات جرم

۳- شروع به عملیات اجرایی جرم

۴- اتمام جرم

نکته ۲- منظور از جرم مدنظر این ماده جرم یا جرائمی است که عنصر مادی آن برحسب زمان قابل تجزیه باشد مانند: جرائم مستمر، مرکب، به عادت و مقید اما در جرائم ساده‌ی آنی کاربرد ندارد.

نکته ۳- قاعده احتساب وضع محاکمه مجدداً در این ماده قابل اعمال نیست و مرتکب تمام و کمال در ایران مجازات می‌شود و مجازات اجرا شده در خارج در حکم ایران کسر نخواهد شد.

نکته ۴ - محل ارتکاب جرائم مبتنی بر ترک فعل نیز محلی است که مجرم موظف به انجام فعلی در آن محل بوده است و ترک فعل عمدی، موجب تحقق جرم شده است، مانند جرم ترک انفاق (گلدوزیان، دکتر ایرج، همان ص ۳۷).

نکته ۵ - ماده ۴ به اصل صلاحیت سرزمینی نوعی یا عینی اشاره دارد و مفهوم آن این است که مقصود از ارتکاب جرم انجام تمام جرم در ایران نیست بلکه صرف انجام قسمتی از جرم یا تحقق جرم در ایران برای صلاحیت دادگاه‌های ایران کافی است.

نکته ۶ - یکی از مأموران سیاسی کشور ترکیه داخل هواپیمای متعلق به خطوط هوایی کشور فرانسه ضمن عبور از قلمرو فضائی ایران با ضربه چاقوی یکی از مسافران به شدت مجروح می‌شود پس از فرود در کشور پاکستان می‌میرد رسیدگی به اتهام قتل با مقامات قضائی ایران است چراکه قسمتی از جرم (چاقو خوردن) در قلمرو حاکمیت ایران واقع شده است.

نکته ۷ - فقط جرائم مرکب و مقید منطبق با ماده مذکور می‌باشد.

نکته ۸ - به نظر می‌رسد در این ماده و ماده ۳، امکان رسیدگی غیابی وجود دارد با توجه به اینکه از لفظ در ایران یافت یا به ایران اعاده گردد استفاده نشده است.

نکته ۹ - از نظر دکترین حقوقی، معاونت همیشه تابع جرم اصلی است بنابراین معاونت در جرمی که در ایران واقع شده است، هر چند در خارج از ایران تحقق یافته باشد، تابع قوانین ایران است لکن هرگاه جرم واقع شده در ایران تلقی نگردد، معاونت در آن هر چند معاونت در ایران تحقق یافته باشد بر طبق موازین ایران مجازات نخواهد شد و ایران دارای صلاحیت رسیدگی نیست (دکتر الهام و برهانی، همان ص ۱۱۳).

ماده ۵ - صلاحیت عینی یا واقعی یا همایتی (این اصل استثنائی است بر اصل صلاحیت سرزمینی)

هر شخص ایرانی یا غیر ایرانی (اعم از شخص حقیقی یا حقوقی) که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران (اگر در داخل قلمرو سرزمینی جمهوری اسلامی ایران مرتکب این اعمال گردند بر اساس اصل صلاحیت سرزمینی مذکور در ماده ۴ مجازات می‌شوند) مرتکب (فقط مباشر و شریک را شامل می‌شود و معاون را در بر نمی‌گیرد و نیز شامل شروع به جرم نیز نمی‌شود) یکی از جرائم زیر (این جرائم حصری هستند پس مطلق جرم مورد توجه قرار نگرفته است) یا جرائم مقرر در قوانین خاص گردد، (مثل موضوع ماده ۷۵۶ ق.م.ا.بخش تعزیرات در خصوص جرائم رایانه‌ای) طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود و (در این ماده برخلاف ماده ۷ و ۸ در ایران یافت شود و یا به ایران اعاده گردد قید نشده پس در مورد این ماده امکان محاکمه و صدور رأی غیابی وجود دارد) هرگاه رسیدگی به این جرائم در خارج از ایران به صدور حکم محکومیت و اجرای آن منتهی شود، دادگاه ایران در تعیین مجازات‌های تعزیری، میزان محکومیت اجرا شده را محاسبه می‌کند: (در موارد مضرحه در ماده ۵ امکان مجازات مجدد مرتکب وجود دارد اما میزان مجازات اجرا شده بر مرتکب در جرائم تعزیری محاسبه و مدنظر قرار می‌گیرد. به این اعمال، قاعده احتساب مجازات گفته می‌شود به عبارتی قاعده منع محاکمه مجدد و منع مجازات مضاعف در این خصوص رعایت نمی‌شود بلکه فقط مجازات اجرا شده محاسبه می‌شود (قاعده احتساب) آن‌هم صرفاً در تعزیرات اعم از منصوص و غیرمنصوص).

الف - اقدام علیه نظام، امنیت داخلی یا خارجی، تمامیت ارضی یا استقلال جمهوری اسلامی ایران (رجوع کنید به مواد ۴۹۸ الی ۵۱۲ ق.م.ا.بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵).

ب - جعل مهر، امضاء، حکم، فرمان یا دست خط (منظور مطلق دستخط ایشان می‌باشد به عبارتی صرف دستخط معظم له برای شمول این ماده کفایت می‌کند پس شامل رسمی و غیررسمی می‌شود) مقام رهبری یا استفاده از آن (ر.ک ماده ۵۲۴ ق.م.ا.بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵)

پ - جعل مهر، امضاء، حکم، فرمان یا (فقط) دست خط رسمی (شامل دستخط غیررسمی نمی‌شود برخلاف موضوع مورد ب) رئیس‌جمهور، رئیس قوه قضائیه، رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، رئیس مجلس خبرگان، (شامل اعضای محترم مجلس خبرگان نمی‌شود) رئیس دیوان عالی کشور، (شامل مستشاران و قضات و دادپاران و سایر اعضا نمی‌شود) دادستان کل کشور، اعضای شورای نگهبان، رئیس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، وزرا یا معاونان رئیس‌جمهور یا استفاده از آن‌ها (شامل معاونان رؤسای قوه مقننه و قضائیه نمی‌شود).

ت - جعل آراء مراجع قضائی (به صورت عام بیان شده است و شامل داسرا و دادگاه می‌شود، این مراجع، مراجعی هستند که تصدی‌گری آن‌ها

را قضات بر عهده دارند) یا اجرائیه‌های صادره از این مراجع یا سایر مراجع قانونی (مانند شورای حل اختلاف) و یا استفاده از آن‌ها
ث - جعل اسکناس رایج (جعل اسکناس خارجی هر چند جرم است اما مشمول این ماده نمی‌گردد) (منظور از اسکناس و مسکوکات رایج
پول قانونی یک کشور بوده و صرفاً آن‌هایی را که داخل در چرخه پولی کشور می‌باشند را شامل می‌شود در نتیجه جعل اسکناس و تهیه و
ترویج مسکوکاتی که از چرخه پولی کشور خارج گردیده‌اند مانند اسکناس و سکه‌های زمان طاغوت مشمول این ماده نخواهد بود) یا اسناد
تعهدآور بانکی ایران و همچنین جعل اسناد خزانه و اوراق مشارکت صادرشده یا تضمین‌شده از طرف دولت یا تهیه یا ترویج سکه قلب (صدقه دادن هم نوعی
ترویج این سکه‌ها است) در مورد مسکوکات رایج داخل. (ر.ک به مواد ۵۲۵ و ۵۲۶ ق.م.ا.بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵).

نکته ۱- این ماده مبین اصل صلاحیت حمایتی (که حفاظتی یا واقعی نیز نامیده می‌شود) است.

نکته ۲- مبنای صلاحیت واقعی، نوع جرم ارتكابی می‌باشد.

نکته ۳- به نظر می‌رسد که این ماده احکام برائت را در این جرائم به رسمیت نشناخته و حکم برائت صادرشده توسط محاکم خارجی
برای محاکم داخلی فاقد اعتبار است و این حکم برائت مانع تعقیب و محاکمه در دادگاه‌های داخلی نیست (دکتر الهام، همان،
ص ۱۲۳).

نکته ۴- فقط مباشرت در جرائم مذکور در این ماده، مرتکب را مشمول این ماده می‌گرداند و معاونت در این جرائم یا شروع به این
جرائم مشمول این ماده نیست (ر.ک ماده ۳۱۶ قانون آیین دادرسی کیفری).

نکته ۵- در فرضی که شخصی در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب تقلب در مورد مسکوکات رایج داخله‌شده و در ایران یافت شود،
مجازات او با توجه به اصل صلاحیت واقعی طبق قانون ایران خواهد بود.

نکته ۶- اصل مجرمیت متقابل در صلاحیت واقعی نیز همانند صلاحیت سرزمینی وجود ندارد و به عبارتی همین‌که عمل ارتكابی در
خارج طبق قوانین ایران جرم محسوب می‌شود کافی است.

نکته ۷- اگر یک آمریکایی در آمریکا امضاء رئیس‌جمهور ایران را جعل کرده و از آن استفاده نماید در ایران قابل تعقیب و مجازات است
(با دستخط اشتباه گرفته نشود).

نکته ۸- منظور از جعل مهر رئیس‌جمهور که جرم محسوب می‌شود، ساختن یا به کار بردن مهر رئیس‌جمهور با سوءنیت است.

نکته ۹- در قانون مجازات در هر ماده‌ای که از لفظ جرائم تعزیری استفاده شد اگر چنانچه آن ماده جزء مواد مطروحه در تبصره ۲ ماده
۱۱۵ ق.م.ا. نبود می‌گوییم جرم تعزیری، هم شامل جرائم تعزیری منصوص شرعی است و هم جرائم غیرمنصوص شرعی.

نکته ۱۰- در این ماده برخلاف ماده ۷ و ۸ هیچ شرطی مبنی بر یافت شدن یا اعاده شدن به ایران وجود ندارد و صرف اینکه شخصی
اعم از حقیقی و حقوقی و اعم از شخصی ایرانی یا غیر ایرانی مرتکب جرائم مذکور در ماده ۵ شود دادگاه می‌تواند به جرم وی رسیدگی
کند.

نکته ۱۱- در جرائم موضوع این ماده چنانچه مرتکب خارج از ایران به خاطر این جرائم محاکمه و مجازات هم شده باشد مجدداً در ایران
قابل محاکمه و مجازات خواهد بود یعنی قاعده منع محاکمه مجدد و منع مجازات مضاعف در این خصوص رعایت نمی‌شود و فقط بنا به
قاعده احتساب میزان مجازات اجرا شده محاسبه می‌گردد.

نکته ۱۲- در مورد صلاحیت واقعی می‌توان به بند ت ماده ۶۶۴ ق.آ.د.ک (ماده ۲۸ قانون جرائم رایانه‌ای) نیز اشاره شود.

ماده ۶ - جرائم ارتكابی از سوی مأموران دولت ایران در خارج از کشور (صدر، ماده ۶ ادامه صلاحیت واقعی یا به عبارت دیگر صلاحیت واقعی تکمیلی است)

به جرائم مُستخدِمان دولت، (مهم نیست که این استخدام به صورت رسمی یا غیررسمی باشد) اعم از ایرانی یا غیر ایرانی که در رابطه با شغل و وظیفه
خود در خارج از قلمرو حاکمیت ایران (اگر در داخل ایران این اشخاص مرتکب جرم شوند بر اساس اصل صلاحیت سرزمینی محاکمه و مجازات
می‌شوند) مُرتکِب شده‌اند و به جرائم مأموران سیاسی و کُنسولی و دیگر وابستگان دولت ایران که از مصونیت سیاسی برخوردارند طبق قوانین جمهوری اسلامی
ایران رسیدگی می‌شود. (چه جرم ارتكابی در رابطه با شغل یا وظیفه‌ی آن‌ها باشد یا نباشد) (بر اساس این ماده جرم بودن عمل در ایران شرط
می‌باشد).

نکته ۱- به اعتقاد برخی از حقوقدانان در صدر این ماده دو نوع صلاحیت پیش‌بینی شده است: صلاحیت شخصی نسبت به مستخدمین دولتی و صلاحیت واقعی نسبت به اتباع بیگانه که در خدمت دولت ایران هستند و به مناسبت شغل خود مرتکب جرم شده‌اند.

نکته ۲- این ماده یکی از استثنائات بر جنبه‌ی مثبت اصل صلاحیت سرزمینی است.

نکته ۳- مأموران کنسولی از مصونیت محدودتری برخوردارند زیرا اولاً در جرائم مشهود قابل تعقیب هستند ثانیاً در جرائم مهم قابل بازداشت هستند و در صورت محکومیت امکان مجازات آن‌ها از سوی کشور پذیرنده وجود دارد (آشوری - آیین دادرسی کیفری جلد ۲ ص ۱۸۲).

نکته ۴- برخی معتقدند که شرط رسیدگی به عمل مأمور سیاسی - کنسولی و دیگر وابستگان دولت ایران آن است که عمل در هر دو کشور جرم باشد (رضا شکر - قادر سیروس).

نکته ۵- اگر اتباع بیگانه در خدمت دولت ایران در خارج از ایران در ارتباط با شغل و وظیفه خود مرتکب جرم شوند دادگاه ایران صالح به رسیدگی می‌باشد، اگر این جرم در ارتباط با شغل آن‌ها نباشد در این حالت ایران صالح به رسیدگی نیست و طبق قانون محل وقوع جرم قابل رسیدگی خواهد بود مگر اینکه جرم ارتكابی از جرائم مقرر در ماده ۵ ق.م.ا. باشد که ارتكاب آن در خارج نیز نافی صلاحیت دادگاه ایران نیست.

ماده ۷ - صلاحیت شخصی مثبت (بزهکار، مأمور یا فعال) (رک ماده ۳۱۶ ق. آ. د. ک)

علاوه بر موارد مذکور در مواد فوق هریک از اُتیاع (فقط دربرگیرنده اشخاص حقیقی است و شامل اشخاص حقوقی نمی‌شود) ایران در خارج از کشور مُرتکب (صرفاً شامل مباشرت در ارتكاب می‌گردد و فروض معاونت در جرم و شروع به جرم را در بر نمی‌گیرد) جُرمی شود، (مرتکب باید ایرانی باشد و جرم باید در خارج از کشور واقع شده باشد و لزومی ندارد بزه دیده هم ایرانی باشد بلکه خارجی یا ایرانی بودن بزه دیده در این مورد اهمیتی ندارد) در صورتی که در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد، (محاكمه و صدور حکم غیابی در خصوص جرم موضوع این ماده ممنوع است) طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران مُحاكمه و مُجازات می‌شود (در دادگاه محل دستگیری محاکمه خواهند شد با توجه به ماده ۲۲۶ ق.آ.د.ک)، مشروط بر اینکه: الف - رفتار ارتكابی به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران جُرم باشد. (اصل مجرمیت متقابل در صلاحیت شخصی مثبت وجود ندارد و صرف جرم بودن عمل در ایران کافی است باید حتماً بر اساس قانون ایران عمل مرتکب جرم باشد و چنانچه عمل مرتکب طبق قوانین ایران جرم نباشد مرتکب قابل مجازات در ایران نیست هرچند در محل وقوع جرم باشد و مرتکب محاکمه و مجازات نشده باشد مگر مورد شمول ماده ۸ ق.م.ا. قرار گیرد).

ب - در صورتی که جُرم ارتكابی از جرائم موجب تعزیر باشد، (منظور تعزیرات غیرمنصوص شرعی است و تعزیری غیرشرعی و شامل تعزیرات منصوص شرعی نمی‌شود ر.ک به تبصره ۲ ماده ۱۱۵ ق.م.ا) (در نتیجه و در صورت ارتكاب تعزیرات منصوص شرعی و جرائم مستوجب حد، قصاص و دیه مجدداً در ایران قابل محاکمه خواهد بود) (پس در جرائم تعزیرات منصوص شرعی و حدود و قصاص و دیات حتی اگر در محل وقوع جرم محاکمه و مجازات شده باشد در ایران قابل مجازات است) مُتَّهَم در محل وقوع جُرم مُحاكمه و تَبَرَّئه نشده (پذیرش قاعده منع محاکمه مجدد) یا در صورت محکومیت، مُجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجراء نشده باشد (پذیرش قاعده منع مجازات مضاعف).

پ - طبق قوانین ایران موجبی برای مَنع یا موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مُجازات یا سقوط آن نباشد. (رجوع کنید به ماده ۷ قانون مبارزه با قاچاق انسان).

نکته ۱- مبنای صلاحیت شخصی مثبت تابعیت مرتکب می‌باشد.

نکته ۲- اصل مجرمیت متقابل در صلاحیت شخصی مثبت وجود ندارد و صرف جرم بودن عمل در ایران کافی است.

نکته ۳- شرایط صلاحیت شخصی مثبت:

۱- مرتکب ایرانی باشد

۲- در خارج از کشور مرتکب جرم شود

۳- در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد

۴- رفتار ارتكابی به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران جرم باشد

۵- جرم ارتكابی از جرائم تعزیرات غیر منصوص شرعی باشد

۶- در محل وقوع جرم محاکمه و تبرئه نشده باشد

۷- اگر محکوم شده مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجرا نشده باشد

۸- به موجب قانون ایران موجب برای منع یا موقوفی تعقیب یا اجرای مجازات یا سقوط آن نباشد.

نکته ۴- احراز تبعه بودن یک فرد منوط به قوانین داخلی هر کشور است. به طور معمول برای اعمال صلاحیت مبتنی بر تابعیت، تبعه بودن مرتکب در زمان ارتكاب جرم منطوق و ملاک خواهد بود تا از این رهگذر اصل قانون بودن جرم و مجازات نیز رعایت شده باشد.

نکته ۵- ترک تابعیت ایران پس از ارتكاب جرم مانع از محاکمه وی در ایران نخواهد بود.

نکته ۶- به موجب بند ب ماده ۷ و بند الف ماده ۸ در مورد جرائم تعزیری تحت شرایط مشخص اعتبار امر مختوم به استناد آراء دادگاه‌های خارجی در مورد جرائم تعزیری پذیرفته شده است. در حالی که آراء دادگاه‌ها در مورد جرائم مستوجب حدود، قصاص و دیات تحت هیچ شرایطی از اعتبار امر مختوم برخوردار نیست (دکتر طهماسبی، همان، ص ۱۰۸).

نکته ۷- در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد فقط در اعمال اصل صلاحیت شخصی به غیر از جرائم تعزیر منصوص شرعی پذیرفته شده است.

نکته ۸- طبق سیستم شخصی بودن قوانین جزائی صلاحیت قانونی و قضائی یک کشور علاوه بر اتباع مقیم داخل نسبت به کلیه اتباع آن کشور که در خارج از مرزهای کشور مزبور مرتکب جرم شوند تسری می‌یابد.

نکته ۹- چنانچه یک ایرانی در ترکیه اقدام به جعل سند رسمی کرده و در آنجا به ۶ ماه زندان محکوم شده است او پس از اتمام مدت محکومیت به ایران می‌آید، با توجه به اینکه مجازات قانونی این جرم در ایران یک تا ۵ سال حبس است در این صورت قابل محاکمه و مجازات مجدد در ایران نیست. بر اساس قاعده منع مجازات مجدد که ماده ۷ ق.م.ا از این اصل تبعیت می‌کند.

نکته ۱۰- اگر صلاحیت شخصی مثبت و منفی هم زمانی محقق شود یعنی هم مرتکب و هم بزه دیده ایرانی باشد در این صورت اصل صلاحیت شخصی مثبت ارجحیت دارد و شرایط ماده ۷ ق.م.ا رعایت خواهد شد.

ماده ۸ - صلاحیت شخصی منفی (بزه زبره معور - منفعل)

هرگاه شخص غیر ایرانی (در اینجا برخلاف موضوع ماده ۷ مرتکب ایرانی نیست بلکه مجنی علیه ایرانی است یا جرم علیه کشور ایران توسط غیر ایرانی انجام شده است) در خارج از ایران، علیه شخصی ایرانی (اعم از اینکه تابعیت کشور دیگری را هم غیر ایران داشته باشد، البته دقت شود که تابعیت وی در زمان ارتكاب بزه باید ایرانی باشد اگر چنانچه چند تابعیتی است) یا علیه کشور ایران مرتکب جرمی به جز جرائم مذکور در مواد قبل شود (منظور قانون‌گذار بندهای الف تا ث ماده ۵ ق.م.ا است) و در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد، (محاکمه و صدور حکم غیابی در این مورد ممنوع است به مانند موضوع ماده ۷ ق.م.ا) طبق قوانین جزائی جمهوری اسلامی ایران به جرم او رسیدگی می‌شود، (حسب مورد در دادگاه تهران به جرم وی رسیدگی می‌شود با توجه به ماده ۳۱۶ ق.آ.د.ک) مشروط بر اینکه:

الف - **مُتَّهَم در جرائم موجب تعزیر (تعزیرات منصوص شرعی و حدود، قصاص و دیات را شامل نمی‌شود به عبارت دیگر شامل تعزیر غیر منصوص شرعی و تعزیر غیر شرعی می‌شود)** در محل وقوع جرم، مُحَاکِمَه و تَبْرَه نشده (پذیرش قاعده منع محاکمه مجدد) یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او **اجراء نشده باشد**. (پذیرش قاعده منع مجازات مضاعف).

ب - رفتار ارتكابی در جرائم موجب تعزیر (تعزیرات منصوص شرعی را شامل نمی‌شود ر. ک تبصره ۲ ماده ۱۱۵ ق.م.ا) به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران و قانون محل وقوع، جرم باشد. (بیانگر اصل جرم انگاری متقابل است هرچند توسط شخص غیر از تابعین محل وقوع باشد) (ر. ک ماده ۳۱۶ ق. آ. د. ک پس در صلاحیت سرزمینی، واقعی و شخصی فعال، جرم بودن رفتار ارتكابی طبق قانون ایران کافی است، همین‌طور رجوع شود به ماده ۵۹۸ ق. آ. د. ک).

نکته ۱- جرم بودن عمل ارتكابی مجرم به موجب قانون ایران و محل وقوع، شرط اعمال صلاحیت شخصی منفعل (بزه دیده محور) است به عبارتی اصل مجرمیت متقابل در صلاحیت شخصی منفی وجود دارد و صرفاً در تعزیرات غیر منصوص شرعی راه دارد.

نکته ۲- شرایط صلاحیت شخصی منفی:

- ۱- مرتکب شخص غیر ایرانی باشد
- ۲- در خارج از ایران مرتکب جرم شود
- ۳- جرم علیه شخص ایرانی یا علیه کشور ایران ارتکاب یابد
- ۴- در ایران یافت یا به ایران اعاده گردد
- ۵- جرم ارتكابی به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران و قانون محل وقوع جرم باشد
- ۶- جرم ارتكابی از جرائم تعزیری غیر منصوص شرعی باشد
- ۷- در محل وقوع جرم محاکمه و تبرئه نشده باشد
- ۸- اگر محکوم شده، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجرا نشده باشد.

نکته ۳- رسیدگی به جرم واقع شده علیه تبعه ایران در داخل هواپیمای خارجی طبق قانون ایران صورت می‌گیرد.

نکته ۴- در صورتی که یک ایرانی در خارج از کشور، مجنی‌علیه جرم ارتكابی توسط تبعه خارجی شود رسیدگی به شکایت مشارالیه در صلاحیت دادگاه کیفری ایران (تهران) است.

نکته ۵- چنانچه شخص غیر ایرانی در کشور فرانسه به دلیل جعل چک عادی تبعه‌ی ایران تحت تعقیب قرار گرفته و تبرئه شده است. او سپس برای بازدید به ایران مسافرت می‌کند و شاکی ایرانی او علیه وی در مراجع کیفری مبادرت به طرح دعوا می‌نماید در این صورت مراجع کیفری ایران نمی‌توانند او را مورد تعقیب قرار دهند چون در محل وقوع جرم محاکمه و تبرئه شده است.

نکته ۶- در خصوص صلاحیت شخصی می‌توان به بند ت ماده ۶۶۴ ق.آ.د.ک (ماده ۲۸ قانون جرائم رایانه‌ای) نیز اشاره کرد.

مواد مرتبط

ماده ۳۱۶ قانون آیین دادرسی کیفری؛ به اتهامات اشخاصی که در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم می‌شوند و مطابق قانون، دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی به آن‌ها را دارند، پناهنده از اتباع ایران باشند، حسب مورد در دادگاه محل دستگیری و پناهنده از اتباع بیگانه باشند حسب مورد، در دادگاه تهران رسیدگی می‌شود.

ماده ۹- صلاحیت جهانی

مُرْتَكِب (در این مورد هر چند تابعیت بزهدکار و بزه دیده موضوعیت ندارد اما باید مرتکب این جرائم تابعیتی غیر ایرانی داشته باشد) جَرَائِمِ (ملاک برای تشخیص جرم بودن عمل ارتكابی قانون ایران است) که به موجب قانون خاص (منظور از قانون خاص، قوانین داخلی کشورهاست که بر اساس مصوبات برای خود صلاحیت جهانی ایجاد می‌کنند) یا عهدنامه‌ها و مقررات بین‌المللی در هر کشوری یافت شود در همان کشور مُحَاکِمَه می‌شود، (برابر اصل صلاحیت جهانی موضوع استرداد مجرمان منتفی است) اگر در ایران یافت شود (محاکمه و صدور حکم غیابی در این مورد ممنوع است) (ملاک برای تشخیص جرم بودن عمل ارتكابی قانون ایران است) طبق قوانین جزائی جمهوری اسلامی ایران مُحَاکِمَه و مجازات می‌گردد. (رجوع کنید به بند ت ماده ۶۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اصلاحی ۱۳۹۴) (موضوع ماده ۲۸ قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸) (ماده ۱۱ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۳۹۴) (جرائمی از قبیل: تروریسم، قاچاق مواد مخدر، تجارت و فروش برده و دزدی دریایی).

نکته ۱- اگر مأمور سیاسی بیگانه در ایران مرتکب جرم شود، به دلیل مصونیت سیاسی از تعقیب و مجازات معاف است.

نکته ۲- تعقیب و محاکمه‌ی یک تبعه خارجی جاعل اسکناس رایج در ایران در خارج از قلمرو حاکمیت ایران با اصل صلاحیت واقعی، توجیه‌پذیر است.

- نکته ۳-** اتباع بیگانه در خدمت دولت جمهوری اسلامی ایران که در خارج از ایران مرتکب جرم شوند، طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شوند.
- نکته ۴-** کسی که با شلیک گلوله از داخل خاک ایران، شخصی را در خاک ترکیه به قتل برساند، این عمل در حکم جرم واقع شده در ایران است و شخص خاطی طبق قوانین ایران محاکمه و مجازات می‌شود.
- نکته ۵-** با توجه به قانون مجازات اسلامی، اگر بیگانه‌ای در خارج ایران مرتکب جعل نوشته‌ی غیررسمی رئیس‌جمهور شود و در ایران یافت شود، مجازات نخواهد شد.
- نکته ۶-** در مورد کشتی‌های غیرجنگی اعم از داخلی و خارجی، رسیدگی به جرائم ارتكابی در آب‌های ساحلی ایران، در شرایط فعلی داخل در صلاحیت محاکم ایرانی است.
- نکته ۷-** اگر یک آلمانی در ایران به قصد قتل یک تبعه‌ی اتریشی سلاحی تهیه نماید و پس از عزیمت به ترکیه مبادرت به قتل او نماید، ایران صلاحیت تعقیب و مجازات او را به اتهام قتل عمدی ندارد.
- نکته ۸-** در موردی که یک نفر از داخل خاک یکی از کشورهای همسایه‌ی ایران با شلیک گلوله شخصی را در خاک ایران به قتل برساند، محل وقوع جرم قتل ایران است.
- نکته ۹-** تبعه‌ی یک کشور خارجی که در قلمرو کشوری خارجی مرتکب جعل نوشته رسمی رئیس قوه قضائیه می‌شود و بر طبق مقررات به ایران مسترد می‌شود، طبق اصل واقعی بودن صلاحیت قوانین کیفری ایران قابل مجازات است.
- نکته ۱۰-** اگر جرمی در کشتی مسافربری فرانسوی که در اجاره دولت جمهوری اسلامی است ارتکاب یابد، رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه‌های ایران است.
- نکته ۱۱-** سیستم جهانی صلاحیت قانون و قاضی محل بازداشت مجرم را بدون در نظر گرفتن تابعیت وی یا تابعیت قربانی جرم مورد تأیید قرار می‌دهد.
- نکته ۱۲-** اگر شخصی در خارج از کشور به اتهام ارتکاب قتل عمدی به ۲۰ سال حبس محکوم شده و پس از گذراندن مدت محکومیت در ایران یافت شود قانوناً، دادگاه به تقاضای اولیاء دم و وجود شرایط مقرر برای قصاص حکم قصاص را صادر می‌کند.
- نکته ۱۳-** رسیدگی به جرم واقع شده علیه تبعه‌ی ایران در داخل هواپیمای خارجی طبق قانون ایران، صورت می‌گیرد.
- نکته ۱۴-** اگر یک ایرانی در خارج از ایران مرتکب جرمی شود و در دادگاه محل وقوع جرم محاکمه شود، در دادگاه‌های کیفری ایران، به شرط آنکه جرم ارتكابی از تعزیرات غیر منصوص شرعی باشد قابل محاکمه‌ی مجدد نیست.
- نکته ۱۵-** یک ایرانی در ترکیه توسط تبعه‌ی ترکیه مورد ضرب و جرح واقع می‌شود. بعد از چند ماه که ضارب در ایران حضور می‌یابد، تبعه‌ی ایرانی از ایشان شکایت می‌کند. در این فرض به شرط جرم بودن عمل در محل وقوع جرم و عدم محاکمه یا تبرئه، مطابق قوانین ایران قابل رسیدگی است.
- نکته ۱۶-** هرگاه یک ایرانی در فرانسه مرتکب جرم جاسوسی علیه منافع جمهوری اسلامی ایران و فرانسه، به نفع آمریکا گردد و در دادگاه‌های کیفری فرانسه محاکمه و حکم محکومیت وی صادر شود، دادگاه‌های ایران در مورد وی تعیین مجازات‌های تعزیری، میزان محکومیت اجراشده را محاسبه می‌کنند به استناد قاعده‌ی احتساب مقرر در ماده ۵ ق.م.ا.
- نکته ۱۷-** مجرمیت متقابل در اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزه دیده در جرائم مستوجب مجازات تعزیرات غیر منصوص شرعی اعمال می‌شود.
- نکته ۱۸-** مصونیت نمایندگان سیاسی در محل مأموریت موجب معافیت آنان از تعقیب و محاکمه است.
- نکته ۱۹-** هر جرمی که اتباع بیگانه در خدمت دولت جمهوری اسلامی ایران به مناسبت شغل و وظیفه‌ی خود در خارج از کشور مرتکب شوند، طبق قوانین جزائی جمهوری اسلامی ایران مجازات می‌گردند.
- نکته ۲۰-** اگر تبعه‌ی ایران در خارج از کشور مرتکب سرقت شده و در ایران دستگیر شود، در دادگاه‌های ایران محاکمه و برابر قانون جزای ایران مجازات می‌شود.

نکته ۲۱- کسی که اسناد تعهدآور بانکی را در خارج از کشور جعل نماید و سپس در ایران دستگیر شود، در ایران محاکمه و مطابق قانون جزای ایران مجازات می‌شود؛ اما اگر در کشور محل وقوع جرم محاکمه و مجازات شده باشد میزان مجازات اعمال شده برای او محاسبه می‌گردد.

نکته ۲۲- اگر تاجر ژاپنی در ارسال کالا به طرف ایرانی تقلب نماید و جنس نامرغوب بفرستد و بعداً در ایران دستگیر گردد، در ایران محاکمه و برابر قانون جزای ایران مجازات می‌شود.

نکته ۲۳- تبعه‌ی خارجه که در خدمت دولت جمهوری اسلامی ایران و در خارج از کشور مرتکب جرمی شود در موارد وقوع جرم به سبب شغل و وظیفه بر طبق قوانین ایران قابل مجازات است.

نکته ۲۴- در نظام کیفری ایران اگر یک ایرانی در خارج از ایران مورد کلاهبرداری قرار گیرد، در صورت یافت شدن (طرف مقابل او در ایران) دادگاه‌های ایران صالح به رسیدگی هستند و اگر (طرف مقابل او) در کشور محل وقوع جرم مجازات نشده باشد، دادگاه‌های ایران صالح به رسیدگی‌اند.

نکته ۲۵- برخی از جرائم علیه دولت معینی نیستند بنابراین در هر جا متهم دستگیر شد صرف‌نظر از محل وقوع جرم در دادگاه محل دستگیری محاکمه می‌شود، از مهم‌ترین این جرائم می‌توان به قاچاق مواد مخدر، دزدی دریایی، هواپیمارمایی و ... اشاره کرد.

نکته ۲۶- کلیه قضاات کشورها صلاحیت رسیدگی به جرائم موضوع این اصل را دارند و محل دستگیری متهم صلاحیت قضائی را مشخص می‌نماید (حسینقلی حسینی نژاد حقوق بین‌المللی کیفری ص ۳۸).

نکته ۲۷- سیستم جهانی صلاحیت قانونی و قاضی محل بازداشت مجرم را بدون در نظر گرفتن تابعیت وی یا تابعیت قربانی جرم مورد تأیید قرار می‌دهد.

نکته ۲۸- اصل صلاحیت جهانی در جایی قابلیت اعمال دارد که اصل صلاحیت سرزمینی قابلیت اعمال نداشته باشد و همچنین اصل صلاحیت واقعی و اصل صلاحیت شخصی نیز به عنوان استثنائات وارده بر اصل صلاحیت سرزمینی و برای رفع نواقص آن اصل وارد عمل می‌شوند و بر اصل صلاحیت جهانی مقدم هستند (وکیل یار ح. ج. ع جلد اول ص ۹۰).

نکته ۲۹- در اصل صلاحیت جهانی برخلاف اصل صلاحیت شخصی، شرط اعاده شدن به ایران ذکر نشده است بلکه فقط شرط یافت شدن در ایران ذکر گردیده است.

فصل سوّم - قلمرو اجرای قوانین جزائی در زمان

ماده ۱۰- قانون جزا عطف به گذشته نمی‌شود

در مقررات و نظامات دولتی، مجازات (منظور از مجازات در اینجا فقط مجازات تعزیری است چرا که اعمال این ماده مُنصرف از قوانین و احکام الهی از جمله راجع به قصاص و حدود است که در صدر اسلام تشریح شده‌اند) و اقدام تأمینی و تربیتی باید به موجب قانونی باشد که قبل از وقوع جرم مُقرر شده است و (دستورات این ماده شامل اصل عطف به ما سبق نشدن قوانین کیفری است) مُرتکب هیچ رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل را نمی‌توان به موجب قانون مُؤخّر به مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی محکوم کرد لکن چنانچه پس از وقوع جرم، قانونی مبنی بر تخفیف یا عدم اجرای مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی یا از جهاتی مُساعدتر به حال مُرتکب وضع شود نسبت به جرائم سابق بر وضع آن قانون تا صدور حکم قطعی، مؤثر است. هرگاه به موجب قانون سابق، حکم قطعی لازم‌الاجرا صادر شده باشد به ترتیب زیر عمل می‌شود:

الف - اگر رفتاری که در گذشته جرم بوده است به موجب قانون لاحق جرم شناخته نشود، حکم قطعی اجراء نمی‌شود و اگر در جریان اجراء باشد اجرای آن موقوف می‌شود. در این موارد و همچنین در موردی که حکم قبلاً اجراء شده است هیچ‌گونه اثر کیفری بر آن مترتب نیست. (یعنی علاوه بر مجازات اصلی، مجازات تبعی و تکمیلی نیز اعمال نمی‌شود ر.ک مواد ۲۳ و ۲۵ ق. م. ا).

ب - اگر مجازات جرمی به موجب قانون لاحق، تخفیف یابد، قاضی اجرای احکام موظف است قبل از شروع به اجراء یا در حین اجراء از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، (این دادگاه رأساً تکلیفی در اعمال مقررات این ماده ندارد بلکه یا باید از طریق قاضی اجرای احکام یا محکوم‌علیه و در مواردی ولی یا سرپرست قانونی شخص، مورد مطروحه در این ماده را اعمال کند) اصلاح آن را طبق قانون جدید تقاضا کند. محکوم نیز می‌تواند (تکلیفی برای محکوم در خصوص این تقاضا وجود ندارد و کاملاً اختیاری است) از دادگاه صادرکننده حکم، تخفیف مجازات را تقاضا نماید. دادگاه صادرکننده

حکم با لحاظ قانون لاحق، مجازات قبلی را تخفیف می‌دهد. (دادگاه صادرکننده حکم موظف به تخفیف مجازات است) مقررات این بند در مورد اقدام تأمینی و تربیتی که در مورد اطفال بزهکار اجراء می‌شود نیز جاری است. در این صورت ولی یا سرپرست وی نیز می‌تواند تخفیف اقدام تأمینی و تربیتی را تقاضا نماید.

تبصره -

مقررات فوق در مورد قوانینی که برای مدّت معین و یا موارد خاص وضع شده است، (منظور قوانینی است که به اعتبار شرایط فوق‌العاده از قبیل جنگ به معرض اجرا گذاشته می‌شود و محدود به مدتی است که شرایط مزبور ادامه دارد ولی به محض اینکه شرایط مزبور از بین بروند اعتبار این گونه قوانین هم از بین می‌رود) مگر به تصریح قانون لاحق، اعمال نمی‌شود. (در نتیجه قاعده مذکور در ماده ۱۰ طبق قوانین حاکم در دادگاه‌های ایران به طور محدود رعایت می‌شود).

نکته ۱- اصل بر عطف به ما سبق شدن قوانین کیفری شکلی است مگر در موارد استثنایی: ۱- تصریح قانون گذار

۲- قانون جدید برخلاف حقوق مکتسبه باشد.

اصل بر عطف به ما سبق نشدن قوانین ماهوی است مگر در موارد استثنایی:

۱- قانون مساعدتر به حال متهم باشد

۲- قانون جرم‌زدا

۳- قانون مبتنی بر تخفیف.

نکته ۲- قاعده عطف به ما سبق نشدن قوانین کیفری فقط در خصوص مقررات و نظامات دولتی و تعزیرات غیر منصوص شرعی اعمال می‌شود و در موارد حدود، قصاص، دیات و تعزیرات منصوص شرعی امکان اعمال ندارد.

نکته ۳- رأی وحدت رویه شماره ۴۵ مورخ ۱۳۶۵/۱۰/۲۵ مقرر می‌دارد که؛ اصل عطف به ما سبق نشدن قوانین در مورد احکام الهی از جمله قصاص که از صدر اسلام تشریح شده اجرا نمی‌شود.

نکته ۴- قانونی که مجازات تکمیلی جرمی را حذف کند و مجازات تبعی یک جرم را به مجازات تکمیلی اختیاری تبدیل کند، قانونی اخف از قانون سابق است.

نکته ۵- هرگاه مجازات جرمی به موجب قانون لاحق قابل گذشت باشد، گذشت نسبت به گذشته مؤثر است (نظریه مشورتی شماره ۷/۶۱۷۲ مورخ ۱۳۶۱/۱۱/۲۵).

نکته ۶- مستنبط از قوانین جزائی سابق و فعلی مخصوصاً قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح آن است که حبس اشد از جزای نقدی و شلاق است (نظریه مشورتی شماره ۷/۷۱۴۶ مورخ ۱۳۷۷/۱۰/۲۳).

نکته ۷- مقنن نمی‌تواند با تصویب قانونی جرم تعزیری را وضع کرده و در آن قانون تصریح به عطف به ما سبق شدن آن نماید چون چنین مصوبه‌ای خلاف قانون اساسی است. (رجوع کنید به اصل ۱۶۹ قانون اساسی).

نکته ۸- رأی وحدت رویه صادره از هیئت عمومی دیوان عالی کشور عطف به ما سبق نمی‌شود، اما اگر مساعد به حال محکوم‌علیه باشد عطف به ما سبق می‌شود.

نکته ۹- برای اثبات اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها در حقوق اسلام به اصل صحت نمی‌توان استناد نمود.

نکته ۱۰- قوانین تفسیری مطلقاً و قوانین شکلی اصولاً عطف به ما سبق می‌شوند.

نکته ۱۱- اگر قانون مجازات تبعی یک جرم را به مجازات تکمیلی اختیاری تبدیل کند از حیث شدت مجازات‌ها قانون لاحق اخف است و قانون سابق اشد است.

نکته ۱۲- تشخیص مجازات اخف و اعمال آن معمول به نظر دادگاه صادرکننده حکم یا جانشین آن است.

نکته ۱۳- شخصی در اثر ارتکاب جرمی محکومیت قطعی یافته است. سپس قانون جدیدی تصویب می‌شود که مجازات آن خفیف‌تر از مجازات سابق است محکوم‌علیه برای استفاده از تخفیف مجازات باید به دادگاه صادرکننده حکم قطعی مراجعه کند.

نکته ۱۴- قوانین موقتی، قوانینی اعم از آزمایشی و معمولی است که مدت اجرای آن صریحاً یا ضمناً برای زمان مشخص است.

نکته ۱۵- ماده فوق‌الذکر مبین قاعده عطف به ما سبق نشدن قوانین کیفری است. عطف به ما سبق نشدن معادل قاعده فقهی جَب است.

نکته ۱۶- نوجوانی به موجب قانون سابق محکوم به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت شده است اگر به موجب قانون لاحق مدت نگهداری کاهش یابد، قاضی اجرای احکام موظف است قبل از شروع به اجرا یا در حین اجرا از دادگاه صادرکننده حکم، اصلاح آن را طبق قانون جدید تقاضا کند.

نکته ۱۷- اگر در فاصله بین تصویب یک قانون تا زمان لازم‌الاجرا شدن آن یعنی قبل از انقضای مدت ۱۵ روز پس از انتشار در روزنامه رسمی، جرمی اتفاق افتد این جرم تابع قانون سابق است زیرا قانون لاحق هنوز لازم‌الاجرا نشده است.

موارد مرتبط

ماده ۴ قانون مدنی؛ اثر قانون نسبت به آتیه است و قانون نسبت به ماقبل فوراً اثر ندارد مگر اینکه در فوراً قانون، مقررات فاسی نسبت به این موضوع مقرر شده باشد.

اصل ۱۶۹ قانون اساسی؛ هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است مجرم محسوب نمی‌شود.

ماده ۱۱- قوانین شکلی عطف به گذشته می‌شود

قوانین زیر نسبت به جرائم سابق بر وضع قانون، فوراً اجراء می‌شود: (به گذشته هم سرایت می‌کند یا به عبارتی عطف به ما سبق می‌شوند)

الف - قوانین مربوط به تشکیلات قضائی و صلاحیت (استثناء: تبصره ۳ ماده ۲۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری).

ب - قوانین مربوط به ادله اثبات دعوی تا پیش از اجرای حکم (در این حالت حکم قطعی صادر شده ولی هنوز اجرا نشده است).

پ - قوانین مربوط به شیوه دادرسی (رجوع کنید به ماده ۳۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری) (جریان دادرسی عموماً تابع قواعدی است که راه حق و اجرای عدالت را هموار می‌سازد فرض بر این است که قانون لاحق بهترین مقاصد را تأمین می‌کند. در صورت اولی آن است که فوراً به اجرا درآید) (دکتر اردبیلی- همان ص ۱۷۲).

ت - قوانین مربوط به مرور زمان (رجوع کند به مواد ۱۰۵ الی ۱۱۳ ق. م. ا).

تبصره -

در صورتی که در مورد بند (ب) حکم قطعی صادر شده باشد، پرونده برای بررسی به دادگاه صادرکننده حکم قطعی ارسال می‌شود.

نکته ۱- اگر قانون لاحق، حداقل مجازات جرمی را در قانون سابق افزایش و حداکثر آن را کم کند، قانون لاحق نسبت به قانون سابق خفیف است.

نکته ۲- اگر مجازات جرمی به موجب قانون لاحق تخفیف یابد، محکوم‌علیه می‌تواند نسبت به آن حکم، تقاضای تخفیف مجازات نماید.

نکته ۳- اگر کسی به دلیل ارتکاب عملی که به موجب قانون زمان ارتکاب آن جرم شناخته شده است، محکومیت قطعی پیدا کند و در حال تحمل کیفر، قانون دیگری تصویب شود که آن عمل را جرم نداند، حکم موقوف‌الاجرا می‌گردد و دیگر اثر کیفری هم بر آن مترتب نمی‌گردد.

نکته ۴- اخفای مال مسروقه از لحاظ مجازات تابع قانون لاحق است هر چند شدیدتر باشد چراکه اخفای مال مسروقه جرمی مستمر است.

نکته ۵- از نظر قواعد حقوق جزا در بحث عطف بما سبق شدن قوانین، اصل بر عدم عطف قوانین جزائی ماهوی به ما سبق است ولی استثنائاً عطف می‌شوند.

نکته ۶- اصل تفسیر از طریق قیاس در حقوق جزا حاکمیت ندارد مگر قیاس منصوص‌العله.

نکته ۷- قانونی که حداکثر مجازات آن نسبت به قانون قبلی بیشتر و حداقل آن کمتر شده باشد، نسبت به قانون پیشین اشد است (در این موارد به حداکثر مجازات دقت می‌کنیم).

نکته ۸- یکی از مواردی که قوانین کیفری ایران در آن مورد عطف به ما سبق می‌شود، موارد تغییر صلاحیت محاکم می‌باشد.

نکته ۹- قوانینی که برای مدت معین یا موارد خاص وضع شده است، نسبت به جرائم سابق بر وضع قانون، فوراً اجرا نمی‌شوند.

نکته ۱۰- قوانین مربوط به تشکیلات قضائی و صلاحیت، ادله اثبات دعوا تا پیش از اجرای حکم، شیوه دادرسی و مرور زمان، نسبت به جرائم سابق بر وضع قانون، فوراً اجرا می‌شود.

نکته ۱۱- نوجوانی به موجب قانون سابق، محکوم به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت شده است، اگر به موجب قانون لاحق مدت نگهداری کاهش یابد، قاضی اجرای احکام موظف است قبل از شروع به اجرا یا در حین اجرا از دادگاه صادرکننده حکم، اصلاح آن را طبق قانون جدید تقاضا کند.

نکته ۱۲- شخصی در حال تحمل مجازات زندان است که با وضع قانون جدید عنوان مجرمانه‌ی عمل وی که باعث مجازاتش شده، زایل می‌شود. زوال عنوان مجرمانه باعث توقف اجرای مجازات و زوال هرگونه اثر کیفری می‌شود.

نکته ۱۳- قانونی که مدت زمان تحت نظر متهمان را کاهش دهد، نسبت به جرائم سابق بر وضع قانون، فوراً اجرا می‌شود.

نکته ۱۴- قوانینی که مدت‌زمان مرور زمان تعقیب را افزایش دهد، نسبت به جرائم سابق بر وضع قانون فوراً اجرا می‌شود.

نکته ۱۵- بند ب و تبصره این ماده ناظر بر موارد محکومیت می‌باشد به این معنا که اگر در مورد شخصی بر اساس قانون قدیم حکم برائت صادر شده باشد و بر اساس قانون جدید ادله اثبات تغییر کرده باشد دیگر نمی‌توان او را مجدداً محاکمه نمود (شمس ناتری، ص ۶۲).

نکته ۱۶- قوانین مربوط به قوانین کیفری ایران در مورد تغییر صلاحیت محاکم عطف به ما سبق می‌شود.

فصل چهارم - قانونی بودن جرائم، مجازات‌ها و دادرسی کیفری

ماده ۱۲- اصل قانونی بودن مجازات‌ها

حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی (تدابیری هستند که دادگاه برای جلوگیری از تکرار جرم در مورد مجرمین خطرناک اتخاذ می‌کند) و اجرای آنها باید از طریق دادگاه صالح، به موجب قانون (استثنا: رجوع کنید به ماده ۲۰۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) و با رعایت شرایط و کیفیات مقرر در آن باشد. (رجوع کنید به اصل ۳۶ قانون اساسی).

نکته ۱- این ماده مبین اصل قانونی بودن حقوق جزا است که دامنه‌ی وسیع‌تری از اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها داشته و علاوه بر قانونی بودن اعمال مجرمانه، مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی، شامل قانونی بودن صلاحیت مراجع رسیدگی و آیین رسیدگی نیز می‌شود.

نکته ۲- اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها برای اولین بار در اعلامیه‌ی حقوق شهروندی ۱۷۸۹ فرانسه عنوان شده است.

ماده ۱۳- ضمانت اجرای اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها

حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی و اجرای آن‌ها حسب مورد نباید از میزان و کیفیتی که در قانون یا حکم دادگاه (منظور دادنامه است) مشخص شده تجاوز کند و هرگونه صدمه و خسارتی (هم شامل مادی و هم شامل معنوی می‌شود) که از این جهت حاصل شود، در صورتی که از روی عمد یا تقصیر باشد حسب مورد، موجب مسؤولیت کیفری و مدنی است و در غیر این صورت، خسارت از بیت‌المال جبران می‌شود. (رجوع کنید به ماده ۵۸۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ و نیز اصل ۱۷۱ قانون اساسی).

نکته ۱- طبق اصل ۳۶ قانون اساسی «حکم به مجازات و اجرا آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد» مؤید اصل قانونی بودن جرم، مجازات و دادرسی در حقوق جزا است.

نکته ۲- با توجه به اصل قانونی بودن مجازات‌ها و لزوم دادگاه صالح برای صدور حکم و مجازات و اجرای آن موضوع اصل ۳۶ قانون اساسی و ضمانت اجرای آن در ماده‌ی ۵۷۵ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵، دادگاه در جرم شناختی و کیفر رفتار افراد در خارج از موارد قانونی فاقد اختیار در تعیین جرم و مجازات و اجرای آن می‌باشد.

نکته ۳- در خصوص رابطه‌ی میان اصل قانونی بودن جرائم مجازات‌ها و قاعده‌ی عطف به ما سبق نشدن قوانین کیفری باید گفت که قاعده‌ی عطف به ما سبق نشدن از نتایج مسلم اصل قانونی بودن است.

نکته ۴- با توجه به اصل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ناظر به اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها، صدور حکم به مجازات و اجرای آن با

سکوت قانون منتفی بوده و منتهی به برائت متهم می‌گردد.

نکته ۵- هرگاه بر اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا تطبیق حکم بر موضوع، ضرر مادی متوجه کسی گردد، به عهده‌ی قاضی است.

نکته ۶- دادگاه‌ها مطلقاً نمی‌توانند برای مجازات عمل خلاف شرعی که در قانون برای آن مجازات تعیین نشده، به منابع شرعی از جمله کتب فقهی مراجعه کنند.

نکته ۷- منظور از هرگونه در این ماده هم شامل صدمه و خسارت مادی است و هم صدمه و خسارت معنوی.

نکته ۸- در صورتی که قاضی در تفسیر خود اشتباه کند جبران خسارت بر عهده‌ی دولت می‌باشد نه قاضی (ر.ک مواد ۴۸۵ و ۴۸۶ ق.م.ا).

بخش دوم - مجازات‌ها

فصل اول - مجازات‌های اصلی

ماده ۱۴ - اقسام مجازات‌ها

مجازات‌های مقرر در این قانون، چهار قسم است: (این تقسیم‌بندی فقط نسبت به مجازات‌های اصلی انجام شده است و تقسیم‌بندی موجود نافذ و وجود مجازات‌های تکمیلی، تبعی و تتمیمی نیست).

الف - حدّ

ب - قصاص (مجازات‌هایی است که فقط در جنایات عمدی قابل اعمال است و در ردیف حق‌الناس و جرائم قابل گذشت است)

پ - دیه (به معنی منع، اعانه و نصرت می‌باشد)

ت - تعزیر

تبصره -

چنانچه رابطه علیت بین رفتار شخص حقوقی و خسارت وارده‌ی اِجْزَاءِ شُود دِیَه و خسارت، قابل مطالبه خواهد بود. (اعمال مسؤلیت عاقله در خصوص اشخاص حقوقی منتفی است) اعمال مجازات تعزیری بر اشخاص حقوقی مطابق ماده (۲۰) خواهد بود.

(در این ماده مجازات‌های بازدارنده مورد اشاره قانون‌گذار قرار نگرفته است).

نکته ۱- این ماده بیانگر مجازات اصلی است که مجازات اصلی مجازاتی است که برای هر جرم قانون‌گذار یک یا چند مجازات تعیین کرده که اجرای آن‌ها فقط به موجب حکم قطعی دادگاه ممکن است، این مجازات‌ها اصلی‌اند از این حیث که ضمانت اجرایی امر و نهی قانون‌گذار به شمار می‌آیند و تابع مجازات دیگری نیستند (دکتر اردبیلی ح.ج.ع. جلد سوم ص ۶۶).

مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی یعنی مسؤلیت قابل انتساب به فورگروه یا شفص حقوقی و نه اجزاء و اعضاء تشکیل‌دهنده آن.

ماده ۱۵ - تعریف حدّ

حدّ مجازاتی است که موجب، (آن علتی است که باعث اجرای مجازات می‌شود) نوع، (یعنی ماهیت آن اعم از شلاق، اعدام، رجم و ...) میزان (مثلاً در شلاق حدی تعداد آن) و کیفیت اجرای آن (به حق‌الناس هم ارتباط دارد مثل حق کذب و به معنی شدت و ضعف اجرای مجازات) در شرع مقدّس، تعیین شده است.

نکته ۱- فقط مباشرت در جرائم حدی، جرم حدی است و معاونت و شروع به این جرائم تعزیری محسوب می‌شود.

نکته ۲- هرگاه کسی محکوم به چند حد بر حسب ارتکاب جرم‌های حدی متفاوت گردد مانند شرب مسکر و حد سرقت در مرتبه‌ی چهارم، اجرای آن‌ها باید به ترتیبی باشد که هیچ‌کدام از آن‌ها مانع دیگری نشود.

نکته ۳- منظور از موجب در این ماده همان جرم ارتكابی است یعنی جرمی که مستوجب حد است.

نکته ۴- یمین و سوگند وسیله اثبات حد نیست «لایمین فی الحد» این قاعده بیانگر این است که سوگند در موضوعات کیفری به طور کلی از ادله محسوب نمی‌شود چراکه می‌توان گفت در تعزیرات به طریق اولی سوگند دلیل مثبت نیست.

نکته ۵- قانون‌گذار نمی‌تواند موجب مجازات حدی را تعیین کند چراکه شرع این مجازات را تعیین و قانون‌گذار در قانون آن مجازات را تصریح می‌کند.

ماده ۱۶ - تعریف قصاص

قصاص (که یک حق شخصی است متفاوت با اعدام است) مجازات اصلی جنایات عمدی (در جنایات غیر عمدی امکان قصاص نیست) بر نفس (قصاص النفس)، اعضاء (قصاص طرف) و منافع (مانند زوال عقل، از بین بردن حس بویایی یا چشایی) است که به شرح مُندَرَج در کتاب سوّم این قانون اعمال می‌شود. (منظور از جنایت، جرائم علیه تمامیت جسمی اشخاص است).

نکته ۱- قصاص یک مجازات است که فقط در جرائم عمدی قابل اعمال است و در ردیف حق الناس و مجازات‌های قابل گذشت است.

ماده ۱۷ - تعریف دیه

دیه، اعم از مُقَدَّر و غیر مُقَدَّر، (منظور ارش است. برای دیدن تعریف ارش رجوع کنید به ماده ۴۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) مالی است که در شرع مُقَدَّس برای ایراد جنایت غیر عمدی بر نفس، اعضاء و منافع و یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهت قصاص ندارد به موجب قانون مُقَرَّر می‌شود. (رجوع کنید به مواد ۴۴۸ و ۴۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲).

نکته ۱- با توجه به ماده ۱۴ و نیز ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی باید گفت که اصل دیه نه مجازات است و نه جبران خسارت مالی، بلکه نهاد مستقل حقوقی است که ماهیت دوگانه دارد.

نکته ۲- دیه گاهی کیفر اصلی است (در جنایات شبه عمد و خطای محض) و گاهی کیفر بدلی است (با منتفی شدن یا امکان‌ناپذیر بودن قصاص در جنایت عمدی) (گلدوزیان، محشای قانون مجازات اسلامی، ص ۶۴).

ماده ۱۸ - تعریف تعزیر

تعزیر مجازاتی است که مَشمول عنوان خدّ، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد. نوع، مقدار، کیفیت اجراء و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می‌شود. دادگاه در صدور حکم تعزیری، با رعایت مقررات قانونی، (در بحث تعزیرات نمی‌توانیم به فقه مراجعه کنیم چراکه مقنن در این ماده سه مرتبه به مجازات قانونی اشاره کرده است) موارد زیر را مورد توجه قرار می‌دهد: (دادگاه مکلف است این موارد را مورد توجه قرار دهد)

الف- انگیزه مُرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی، حین ارتکاب جُرم

ب - شیوه ارتکاب جُرم، گُسْتَرِه نقض وظیفه و نتایج زیان‌بار آن

پ - اقدامات مُرتکب پس از ارتکاب جُرم (رجوع کنید به تبصره ۲ ماده ۷۱۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵).

ت- سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مُرتکب و تأثیر تعزیر بر وی (اشاره به اصل فردی کردن مجازات دارد. این اصل فقط در بحث تعزیرات قابلیت اعمال دارد برخلاف اصل شخصی بودن مجازات که در تمام جرائم جاری است).

تبصره - چنانچه دادگاه در حکم صادره مجازات حبس را بیش از حداقل مجازات مقرر در قانون تعیین کند، باید مبتنی بر بندهای مقرر در این ماده و یا سایر جهات قانونی، علت صدور حکم به بیش از حداقل مجازات مقرر قانونی را ذکر کند و عدم رعایت مفاد این تبصره موجب مجازات انتظامی درجه چهار می‌باشد.

نکته ۱- در نظام حقوقی ایران اصل فردی کردن مجازات فقط در تعزیرات وجود دارد؛ اما اصل شخصی بودن در تمام جرائم (حدود، قصاص، دیات و تعزیرات) جاری است مگر در مواردی که صراحتاً استثناء شده است.

نکته ۲- تعزیرات منصوص شرعی تا حدود زیادی مانند حدود هستند و مقصود از تعزیرات منصوص شرعی بر اساس نظر اداره حقوقی قوه قضائیه و دکترین حقوقی اعمالی است که در شرع اسلام برای یک عمل معین - نوع و مقدار کیفر تعیین شده بدون اینکه در زمره حدود باشند مانند فحش و نسبت زنا دادن به مسلمان توسط کافر، قرار گرفتن زن و مرد نامحرم در یک بستر و اعمال ماده ۲۲۲ قانون مجازات اسلامی و ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری.

نکته ۳- اصل فردی کردن مجازات به این معنی است که در اعمال مجازات شخصیت فرد و میزان تأثیر مجازات بر وی مورد نظر قرار گیرد به عبارت دیگر در اعمال این اصل اصولاً مجازات‌ها ثابت نبوده و دارای حداقل و حداکثر می‌باشند.

نکته ۴- اصل شخصی بودن مجازات که در ماده ۱۴۱ ق.م.ا مورد اشاره قرار گرفته است بدین معنی است که در ارتکاب جرم فقط خود شخص مرتکب مسئول شناخته شده و مجازات بر وی اعمال می‌گردد و این مجازات به دیگر افراد خانواده‌اش اصولاً تسری پیدا نکند.

موار مرتبط

ماده ۲۲۲ قانون مجازات اسلامی؛ جماع با میت، زنا است مگر جماع زوج با زوجه متوفیای خود که زنا نیست لکن موجب سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش می‌شود.
ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری؛ به جرائم منافی عفت به طور مستقیم، در دارگاه صالح رسیدگی می‌شود.
تبصره: منظور از جرائم منافی عفت در این قانون، جرائم پستی عری، همپنین جرائم رابطه نامشروع تعزیری مانند تقبیل و مضایحه است.

ماده ۱۹ - درجیات مجازات تعزیری

مجازات‌های تعزیری به هشت درجه تقسیم می‌شود:

درجه ۱

- حبس (در تمام درجات ۸ گانه وجود دارد) بیش از بیست و پنج سال
- جزای نقدی (در تمام درجات ۸ گانه وجود دارد) بیش از یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال
- مصادره کل اموال (جدای از ضبط اموال است و به معنی استیلائی دولت بر تمام دارایی موجود محکوم‌علیه به حکم دادگاه)
- انحلال شخص حقوقی

درجه ۲

- حبس بیش از پانزده تا بیست و پنج سال
- جزای نقدی بیش از پانصد و پنجاه میلیون (۵۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال

درجه ۳

- حبس بیش از ده تا پانزده سال
- جزای نقدی بیش از سیصد و شصت میلیون (۳۶۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا پانصد و پنجاه میلیون (۵۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال

درجه ۴

- حبس بیش از پنج تا ده سال
- جزای نقدی بیش از یکصد و هشتاد میلیون (۱۸۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا سیصد و شصت میلیون (۳۶۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال
- انفصال دائم (فقط در این درجه مورد اشاره قرار گرفته است و آن هم فقط انفصال دائم و اسمی از انفصال موقت برده نشده است) از خدمات دولتی و عمومی

درجه ۵

- حبس بیش از دو تا پنج سال
- جزای نقدی بیش از هشتاد میلیون (۸۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا یکصد و هشتاد میلیون (۱۸۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال
- محرومیت از حقوق اجتماعی، (این مورد فقط در درجه‌های ۵ و ۶ و ۷ آمده است که این مجازات می‌تواند به عنوان مجازات اصلی هم مورد حکم قرار گیرد مثل ماده ۵۷۰ ق.م.ا.بخش تعزیرات که البته در موارد مطروحه در این ماده نیز جزو مجازات‌های اصلی هستند) بیش از پنج تا پانزده سال
- ممنوعیت دائم از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشخاص حقوقی ممنوعیت دائم از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه برای اشخاص حقوقی

درجه ۶

- حبس بیش از شش ماه تا دو سال
- جزای نقدی بیش از بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا هشتاد میلیون (۸۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال
- شلاق (این مورد فقط در درجه‌های ۶ و ۷ و ۸ مورد اشاره قرار گرفته است) از سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه و تا نود و نه ضربه در جرائم منافی عفت (موضوع ماده ۶۳۷ ق.م.ا.بخش تعزیرات مثل تقبیل و مضایحه و ...)
- محرومیت از حقوق اجتماعی (هم می‌تواند به عنوان مجازات اصلی مورد حکم قرار گیرد و هم بر اساس ماده ۲۶ همین قانون به عنوان مجازات تبعی) بیش از شش ماه تا پنج سال
- انتشار حکم قطعی در رسانه‌ها (فقط در این مورد از موارد ۸ گانه مورد اشاره قرار گرفته است)
- ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدّت پنج سال

- ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال
- ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری، (فقط در درجه ۶ اعمال می شود) توسط اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال

درجه ۷

- حبس از نود و یک روز تا شش ماه
- جزای نقدی بیش از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال
- شلاق از یازده تا سی ضربه
- محرومیت از حقوق اجتماعی تا شش ماه

درجه ۸

- حبس تا سه ماه
- جزای نقدی تا ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال
- شلاق تا ده ضربه

تبصره ۱-

موارد محرومیت از حقوق اجتماعی همان است که در مجازات‌های تبعی (موضوع ماده ۲۶ ق.م.ا) ذکر شده است.

تبصره ۲-

مجازات‌هایی که حداقل آن منطبق بر یکی از درجات فوق و حداکثر آن منطبق با درجه بالاتر باشد، از درجه بالاتر محسوب می شود.

تبصره ۳-

در صورت تعدد مجازات‌ها، مجازات شدیدتر و در صورت عدم امکان تشخیص مجازات شدیدتر، مجازات حبس ملاک است. همچنین اگر مجازاتی با هیچ یک از بندهای هشت‌گانه این ماده مطابقت نداشته باشد مجازات درجه هفت (پس انفصال موقت در درجه ۴، درجه ۷ محسوب می شود) محسوب می شود. (مثلاً: شخص مرتکب مشمول این تبصره به انفصال موقت از خدمات دولتی محکوم می شود). (به موجب رأی وحدت رویه شماره ۷۴۴ مورخ ۱۳۹۴/۸/۱۹ به «... در مواردی که تشخیص مجازات بزه حبس توأم با جزای نقدی تعیین گردیده، کیفر حبس ملاک درجه مجازات و در نتیجه صلاحیت دادگاه است و در بقیه موارد به درجه بندی‌های مقرر در ماده ۱۹ ق.م.ا دقت شود»). (رأی وحدت رویه شماره ۷۵۹ مورخ ۱۳۹۶/۴/۲۰ ... جزای نقدی نسبی درجه ۷ در صلاحیت دادگاه کیفری دو و قابل تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر استان است).

تبصره ۴-

مقررات این ماده و تبصره‌های آن تنها جهت تعیین درجه مجازات است و تأثیری در میزان حداقل و حداکثر مجازات‌های مقرر در قوانین جاری ندارد.

تبصره ۵-

ضبط اشیاء (به معنای ممنوعیت از مداخله و تصرف در مال به صورت موقت) و اموالی که در ارتکاب جرم به کار رفته یا مقصود از آن به کارگیری در ارتکاب جرم بوده است از شمول این ماده و بند (ب) ماده (۲۰) خارج و در مورد آن‌ها برابر ماده (۲۱۵) این قانون عمل خواهد شد. در هر مورد که حکم به مصادره اموال (به معنی محرومیت دائمی مالک از مال خود به موجب حکم یا دستور دادگاه) صادر می شود باید هزینه‌های متعارف زندگی محکوم و افراد تحت تکفل او مستثنی شود.

تبصره ۶-

تمام حبس‌های ابد غیرحدی مقرر در قانون به حبس درجه یک تبدیل می شود.

نکته ۱- مجازات‌های تعزیری درجه بندی شده در این ماده در مورد اشخاص بالای ۱۸ سال قابلیت اعمال دارد.

نکته ۲- بر اساس نظریه مشورتی اداره‌ی حقوقی شماره ۱۹۵۳/۹۲/۷ مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۸؛ مجازات حبس ابد با توجه به ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی حبس بیش از ۲۵ سال مجازات تعزیری درجه ۱ محسوب شده است.

نکته ۳- شلاق در درجه ۶ و ۷ و ۸ اعمال می شود.

نکته ۴- در مورد نوع مجازات‌ها باید گفت که آنچه در قواعد حقوقی از نظر ملاک شدت پذیرفته شده است بدین ترتیب می باشد:

۱- مجازات‌های سالب حیات

۲- مجازات‌های قصاص عضو و قطع عضو

۳- مجازات‌های محدودکننده آزادی مثل حبس

۴- شلاق

۵- جزای نقدی (شمس ناتری، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، جلد اول، نشر میزان ص ۹۴).

ماده ۲۰- اقسام مجازات اشخاص حقوقی

در صورتی که شخص حقوقی (یا اعتباری به شخصی اطلاق می‌شود که وجود خارجی نداشته ولی وجود آن به نوعی به وسیله عقلا اعتبار شده و قانون نیز آن را به رسمیت شناخته است) بر اساس ماده (۱۴۳) این قانون، مسئول شناخته شود، با توجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیان‌بار آن به یک تا دو مورد (بیش از دو مورد نمی‌تواند قرار دهد یعنی حداکثر ۲ مورد می‌تواند) از موارد زیر محکوم می‌شود، این امر مانع از مجازات شخص حقیقی نیست:

الف- انحلال شخص حقوقی

ب- مصادره کل اموال

پ- ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال

ت- ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال

ث- ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری حداکثر برای مدت پنج سال

ج - جزای نقدی

چ- انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه‌ها (تعزیر درجه ۶ مقرر در ماده ۱۹) (در اینجا در زمره مجازات‌های اصلی است که در خصوص اشخاص حقوقی اعمال می‌شود).

تبصره -

مجازات موضوع این ماده، در مورد اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیردولتی (مثل شهرداری‌ها) در مواردی که اعمال حاکمیت (آن دسته از اموری است که تحقق آن موجب اقتدار و حاکمیت کشور است و منافع آن بدون محدودیت شامل همه‌ی اقشار جامعه گردیده و بهره‌مندی از این نوع خدمات موجب محدودیت برای استفاده دیگران نمی‌شود و صرفاً در انحصار قدرت عمومی می‌باشد) می‌کند، اعمال نمی‌شود. (معنای مخالف: اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیردولتی در مواردی که به کار تصدی مشغول هستند از قبیل تصدی در امور صنعتی، کشاورزی و... در صورت اجتماع سایر شرایط خصوصاً رفتار موجد مسؤولیت از لحاظ کیفری مسئول‌اند).

نکته ۱- هر جرمی اعم از اینکه جرم موجب حد یا قصاص یا دیه یا تعزیر باشد و اعم از اینکه جرم ارتكابی عمدی یا غیرعمدی باشد می‌تواند موجب مسؤولیت کیفری شخص حقوقی گردد.

نکته ۲- زمانی می‌توان شخص حقوقی را به جزای نقدی محکوم کرد که مجازات قانونی جرم ارتكابی برای اشخاص حقیقی جزای نقدی باشد. ماده ۱۴۳ ق.م.ا و ماده ۷۷۷ ق.م.ا بخش تعزیرات (جرائم رایانه‌ای).

نکته ۳- اشخاص حقوقی عمومی غیردولتی در موارد اعمال حاکمیت قابل مجازات نیستند.

نکته ۴- وزارت نیرو برای تأمین برق منطقه‌ای مبادرت به احداث سد می‌کند بر اثر آب‌گرفتگی بعضی از منازل مسکونی ساکنان پشت سد تخریب می‌شود و آنان به اتهام تخریب شکایت می‌کنند. در این صورت، از آنجا که این عمل وزارت نیرو (احداث سد) جزء اعمال تصدی محسوب می‌شود شخص حقوقی حقوق عمومی (وزارت نیرو) دارای مسؤولیت کیفری خواهد بود.

ماده ۲۱- میزان جزای نقدی اشخاص حقوقی

میزان جزای نقدی قابل اعمال بر اشخاص حقوقی، حداقل دو برابر و حداکثر چهار برابر (در قانون جرائم رایانه‌ای میزان جزای نقدی ۳ تا ۶ برابر جزای نقدی اشخاص حقیقی است) مبلغی است که در قانون برای ارتكاب همان جرم به وسیله اشخاص حقیقی تعیین می‌شود.

نکته ۱- زمانی می‌توان شخصی حقوقی را به جزای نقدی محکوم کرد که مجازات قانونی جرم ارتكابی برای اشخاص حقیقی جزای نقدی باشد اما اگر مجازات قانونی جرم ارتكابی جزای نقدی نباشد دادگاه نمی‌تواند شخص حقوقی را محکوم به جزای نقدی کند.

ماده ۲۲ - انفال و مصادره اموال اشخاص حقوقی

انحلال شخص حقوقی و مصادره اموال آن (هر دو با هم قابل اعمال هستند و جدای از هم نبوده و در صورت شمول موضوع ماده باید با هم اعمال گردند) زمانی اعمال می‌شود که برای ارتکاب جرم، به وجود آمده (هر چند جرمی انجام نداده باشد) یا با انحراف از هدف مشروع نخستین، فعالیت خود را منحصرأً (بنابراین اگر شرکتی بخشی از فعالیت‌های خود را به اعمال مجرمانه اختصاص دهد مشمول انحلال شخص حقوقی و مصادره اموال نخواهد بود اگر ارتکاب جرم فعالیت انحصاری شخص حقوقی نباشد و این اشخاص فعالیت قانونی و مجرمانه‌ی هم زمان داشته باشند دادگاه نمی‌تواند حکم به انحلال و مصادره‌ی اموال شخص حقوقی صادر کند) در جهت ارتکاب جرم، تغییر داده باشد.

موارد مرتبط

تبصره ماده ۷۰ قانون بارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲: در صورتی که شرکت و مؤسسه به قصد قاچاق تأسیس شود و یا پس از تأسیس، فعالیت و هدف آن به این منظور منصرف گردد در مرتبه‌ی اول، فعالیت شرکت سه ماه تا یک سال تعلیق می‌شود و در صورت تکرار، شرکت منحل می‌گردد.

ماده ۲۰ قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸: اشخاص حقوقی موضوع ماده فوق، با توجه به شرایط و اوضاع و احوال جرم ارتكابی، میزان درآمد و نتایج حاصله از ارتكاب جرم، علاوه بر سه تا شش برابر حداکثر جزای نقدی جرم ارتكابی، به ترتیب ذیل مکوم فوآهند شد:

الف- پناهنه حداکثر مجازات حبس آن جرم تا پنج سال حبس باشد، تعطیلی موقت شفص فوقی از یک تا نه ماه و در صورت تکرار جرم تعطیلی موقت شفص فوقی از یک تا پنج سال.

ب- پناهنه حداکثر مجازات حبس آن جرم بیش از پنج سال حبس باشد، تعطیلی موقت شفص فوقی از یک تا سه سال و در صورت تکرار جرم، شفص فوقی منحل فوآهر شد.

تبصره: مدیر شفص فوقی که طبق بند (ب) این ماده منحل می‌شود تا سه سال حق تأسیس یا نمایندگی یا تصدیم‌گیری یا نظارت بر شفص فوقی دیگری فوآهر داشت.

نکته ۱- نظریه‌های زیر به عنوان مبنای مسؤولیت کیفری برای رفتار دیگری (مسؤولیت نیابتی) مورد اشاره قرار می‌گیرند:

الف- نظریه‌ی خطر

ب- نظریه فاعل معنوی جرم

ج- نظریه تقصیر

نکته ۲- شرکتی برای صادرات و واردات لاستیک خودرو تأسیس می‌شود، پس از مدتی فعالیت خود را منحصر به قاچاق لاستیک می‌کند، دادگاه در این صورت مجازات انحلال و مصادره‌ی اموال را در خصوص آن اعمال می‌کند.

نکته ۳- در قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ فعل مشخصی برای مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی برای نخستین بار به رسمیت شناخته شده است.

نکته ۴- موارد زیر در خصوص «شرایط مسؤولیت جنائی» در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مورد اشاره قرار گرفته‌اند:

۱- مسؤولیت نیابتی

۲- مسؤولیت جنائی شخصی

۳- مسؤولیت اشخاص حقوقی

نکته ۵- هرگاه برای دادگاه محرز شود که شخص حقوقی افزون بر فعالیت‌های قانونی به فعالیت‌های مجرمانه‌ی مستمری هم می‌پردازد، دادگاه، می‌تواند یک تا دو مورد از مجازات‌های مختص شخص حقوقی، غیر از انحلال و مصادره‌ی اموال را اعمال کند.

نکته ۶- شخص حقوقی در صورتی دارای مسؤولیت کیفری است که نماینده‌ی شخص حقوقی در راستای منافع شخص حقوقی یا به نام آن، مرتکب جرم شود.

نکته ۷- برای امکان مجازات شخص حقوقی در شروع به جرم و معاونت این اشخاص رجوع کنید به مواد ۱۲۲ و بند ت ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی.

فصل دوم - مجازات‌های تکمیلی و تبعی

ماده ۲۳ - اقسام مجازات‌های تکمیلی

دادگاه می‌تواند (اعمال این مجازات‌ها کاملاً اختیاری است) فردی (فقط در خصوص اشخاص حقیقی قابل اعمال هستند به استثناء ماده ۷۵۳

ق.م.ا جرائم رایانه‌ای و این فرد باید داری مسؤولیت کیفری باشد) را که به حد، قصاص (اعم از قصاص نفس که به هر دلیل قصاص انجام نشود ماده ۶۱۲ ق.م.ا بخش تعزیرات یا عضو) یا مجازات تعزیری (مجازات‌های تکمیلی حصری‌اند که هم در جرائم عمدی و هم در جرائم غیرعمدی قابل اعمال هستند و در حکم دادگاه باید ذکر شوند) محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی (برای اعمال مجازات تکمیلی، مجازات تعیین شده در دادنامه ملاک می‌باشد نه مجازات قانونی مقرر در قانون) به یک یا چند مجازات از مجازات‌های تکمیلی (به مجازاتی گفته می‌شود که در تکمیل مجازات اصلی به آن افزوده می‌گردد و به تنهایی مورد حکم قرار نمی‌گیرد و در جرائم غیرعمدی نیز امکان اعمال این جرائم وجود دارد). (دکتر اردبیلی ح.ج.ع. ص ۱۸۳) زیر محکوم نماید:

الف - اقامت اجباری در محل معین

ب - منع از اقامت در محل یا محل‌های معین

پ - منع از اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین (ماده ۳۰ ق.م.ا)

ت - انفصال از خدمات دولتی و عمومی

ث - منع از رانندگی با وسایل نقلیه موتوری و یا تصدّی وسایل موتوری (ماده ۳۱ ق.م.ا)

ج - منع از داشتن دسته چک و یا اصدار اسناد تجارتي (ماده ۳۲ ق.م.ا)

چ - منع از حمل سلاح (ماده ۳۳ ق.م.ا)

ح - منع از خروج اتباع ایران از کشور (ماده ۳۴ ق.م.ا)

خ - اخراج بیگانگان از کشور (پس از محاکمه و مجازات) (ماده ۳۵ ق.م.ا)

د - الزام به خدمات عمومی

ذ - منع از عضویت در احزاب، گروه‌ها و دستجات سیاسی یا اجتماعی

ر - توقیف وسایل ارتكاب جرم یا رسانه یا مؤسسه دخیل در ارتكاب جرم

ز - الزام به یادگیری حرفه، شغل یا کار معین

ژ - الزام به تحصیل

س - انتشار حکم محکومیت قطعی

تبصره ۱ -

مدّت مجازات تکمیلی، بیش از دو سال نیست مگر در مواردی که قانون به نحو دیگری مقرر نماید. (استثناء: ماده ۲۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که می‌تواند بیش از ۲ سال مورد حکم قرار گیرد و همچنین ماده ۷۱۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵).

تبصره ۲ -

چنانچه مجازات تکمیلی و مجازات اصلی از یک نوع باشد، فقط مجازات اصلی مورد حکم قرار می‌گیرد.

تبصره ۳ -

آیین‌نامه راجع به کیفیت اجرای مجازات تکمیلی، ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون توسط وزیر دادگستری تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

نکته ۱- زمان تعیین مجازات تکمیلی باید حین صدور حکم باشد نه بعد از صدور حکم.

نکته ۲- دادگاه در صدور و اعمال مجازات تکمیلی کاملاً مختار است.

نکته ۳- در جرائم مشمول دیه مجازات‌های تکمیلی اعمال نمی‌گردد یعنی تنها جرائمی که در مورد آنها نمی‌توان مجازات تکمیلی اعمال کرد جرائمی است که صرفاً مستوجب پرداخت دیه یا ارش هستند و در سایر جرائم (جرائم مستوجب مجازات قصاص، حد و تعزیر) امکان اعمال مجازات تکمیلی وجود دارد.

نکته ۴- در خصوص قصاص باید گفت زمانی مجازات تکمیلی اعمال می‌شود که فرد به هر نحو ممکن قصاص نشود و گرنه محلی برای اجرای مجازات تکمیلی باقی نمی‌ماند.

نکته ۵- تعیین کیفر حبس به عنوان مجازات تکمیلی برخلاف قانون است (نظریه‌ی مشورتی ۸۴۸۱/۷).

نکته ۶- دادگاه تجدیدنظر در صورتی صلاحیت اعمال مجازات تکمیلی را دارد که یا در مرحله بدوی مورد حکم واقع شده باشد که دادگاه تجدیدنظر نسبت به تشدید یا تخفیف آن اقدام کند یا اینکه در مرحله بدوی مورد حکم واقع نشده باشد اما دادگاه تجدیدنظر حکم بدوی را نقض کند و مبادرت به صدور حکم جدید با اعمال مجازات تکمیلی نماید (گلدوزیان، همان، ذیل ماده ۲۳).

نکته ۷- در موارد زیر دادگاه می‌تواند متهم را به مجازات تکمیلی نیز محکوم کند.

۱- محکومیت به حد

۲- محکومیت به قصاص

۳- محکومیت به مجازات تعزیری (تمام جرائم تعزیری درجه یک تا هشت)

نکته ۸- چنانچه نوع کیفرهای اصلی و تکمیلی در قانون یکسان باشد، فقط کیفر اصلی اعمال می‌شود.

نکته ۹- در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مجازات‌های تکمیلی، اختیاری و در موارد، حدود، قصاص و جرائم تعزیری با مجازات تا درجه ۶ اعمال می‌شوند.

نکته ۱۰- قاضی برخلاف قانون دستور بازداشت کسی را صادر نموده است و دادگاه قاضی را به انفصال دائم از سمت قضائی محکوم کرده است. در این صورت انفصال دائم از سمت قضائی مجازات از نوع اصلی می‌باشد.

نکته ۱۱- مجازات‌های تکمیلی فقط در مورد اشخاص حقیقی قابل اعمال است و در مورد اشخاص حقوقی قابل اعمال نیست.

نکته ۱۲- در مقایسه‌ی کیفرهای تکمیلی و تبعی باید گفت که هر دو مطابق قانون هستند، ولی اولی با درج در حکم و دومی بدون درج در حکم می‌باشد و اولی هم در جرائم عمدی و هم در جرائم غیرعمدی امکان اعمال دارد ولی دومی فقط در جرائم عمدی قابلیت اعمال دارد.

نکته ۱۳- مجازات‌های تکمیلی در مورد اشخاص حقوقی اعم از عمومی و خصوصی قابل اعمال نیست.

نکته ۱۴- با توجه به ماده ۱۵ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مجازات تکمیلی در همه موارد اختیاری هستند و مجازات تکمیلی اجباری وجود ندارد.

نکته ۱۵- در محکومیت به حد- قصاص یا مجازات‌های تعزیری نوع یا میزان محکومیت ملاک است نه میزان مجازات مقرر قانونی.

نکته ۱۶- قانونگذار حداکثری برای تعداد مجازات تکمیلی قرار نداده است و قاضی اختیار دارد با رعایت شرایط این ماده هر تعداد از موارد مجازات مذکور در این ماده را مورد حکم قرار دهد.

نکته ۱۷- مجازات تکمیلی به ۲ نوع اجباری و اختیاری تقسیم می‌شود:

مجازات تکمیلی اختیاری: موارد مذکور در این ماده هستند (ماده ۲۳ ق.م.ا) و

مجازات تکمیلی اجباری: مجازات‌هایی هستند که قانون‌گذار مقام قضائی را موظف به اعمال آن کرده است مانند ضبط اشیاء و اموالی که از جرم تحصیل شده یا وسیله ارتکاب جرم بوده در مواردی که قانون ضبط آن‌ها را الزامی دانسته است (اردبیلی، ص ۷۰ - گلدوزیان، ص ۷۴).

نکته ۱۸- تعلیق مجازات علی‌القاعده شامل مجازات تکمیلی نمی‌شود چون ممکن است عنوان اقدام تأمینی داشته باشند در این صورت چون اقدام مذکور برای مقابله و خنثی کردن حالت خطرناک وضع شده تعلیق اجرای مجازات اصلی شامل آن نمی‌شود (دکتر اردبیلی).

ک استثناء؛ مهرمیت از حق رانندگی مجازات تکمیلی و قابل تعلیق است (رأی وحدت رویه ۲۰۳-۱۳۴۸/۱۲/۲۰).

نکته ۱۹- برای دیدن مسؤولیت کیفری اشخاص و موانع مسؤولیت کیفری رجوع کنید به ماده ۱۴۰ الی ۱۴۶ قانون مجازات اسلامی.

نکته ۲۰- در تمامی جرائم تعزیری (اعم از اینکه جرم عمدی باشد یا غیرعمدی و اعم از اینکه مجازات حبس داشته باشد یا غیر آن) امکان اعمال مجازات حبس تعزیری وجود دارد.

ماده ۲۴ - ضمانت ابرای تلافی از مجازات تکمیلی (تشدید-تبدیل)

چنانچه محکوم، طی مدت اجرای مجازات تکمیلی، مفاد حکم را رعایت ننماید، دادگاه صادرکننده حکم به پیشنهاد قاضی اجرای احکام برای بار اول، مدت

مجازات تکمیلی مُندرج در حکم را تا یک‌سوم افزایش می‌دهد (الزامی است) و در صورت تکرار، بقیه مدّت (الزامی است) محکومیت را به حبس یا (در مورد این حبس محکوم‌علیه نمی‌تواند از آزادی مشروط استفاده کند) جزای نقدی درجه هفت یا هشت تبدیل می‌کند. همچنین بعد از گذشتن نیمی از مدّت مجازات تکمیلی، دادگاه می‌تواند (دادگاه حتی در صورت مهیا بودن تمام شرایط اجباری نسبت به لغو یا کاهش مدت زمان مجازات تکمیلی ندارد) با پیشنهاد قاضی اجرای حکم در صورت اطمینان به عدم تکرار جرم و اصلاح مجرم، نسبت به لغو یا کاهش مدّت زمان مجازات تکمیلی وی اقدام کند.

ماده ۲۵ - مجازات‌های تبعی (تبصره ۴۰ ق.ا.م.ا)

محکومیت (مجازات مقرر در دادنامه ملاک است) قطعی (شامل حکم غیرقطعی نمی‌شود) کیفری در جرائم عمدی، (مجازات‌های تبعی اصولاً در جرائم غیرعمدی با هر مجازاتی قابلیت اعمال و اجرا ندارند. این مجازات‌ها در اختیار قاضی نبوده و خود قانون آن را بر مرتکب تحمیل می‌کند و از آثار مترتب بر محکومیت به مجازات اصلی است که هیچ‌گاه در دادنامه قید نمی‌شود) پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان، (اجرای مجازات) در مدّت زمان مقرر در این ماده محکوم را از حقوق اجتماعی (فقط اشخاص حقیقی را شامل می‌شود) به عنوان مجازات تبعی محروم می‌کند:

الف - هفت سال در محکومیت به مجازات‌های سالب حیات (سالب حیات اعم از اعدام از باب حد یا تعزیر و قصاص نفس) و حبس ابد (اعم از حدی مانند مجازات مرتکب به سرقت در مرتبه سوم و تعزیر از باب جرائم در خصوص مواد مخدر یا...) از تاریخ توقف اجرای حکم اصلی

ب- سه سال در محکومیت به قطع عضو، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده بیش از نصف دیه مجنی‌علیه باشد، نفی بلد و حبس تا درجه چهار (یعنی حبس درجه یک تا درجه چهار)

پ- دو سال در محکومیت به شلاق حدی، (شلاق تعزیری به هر میزان که باشد باعث اعمال مجازات‌های تبعی نمی‌گردد) قصاص عضو (چنانچه قصاص عضو به هر علتی ممکن نباشد و مرتکب به حبس تعزیری محکوم شود، این حبس مرتکب را از حقوق اجتماعی محروم می‌کند) در صورتی که دیه جنایت وارد شده نصف دیه مجنی‌علیه یا کمتر از آن باشد و حبس درجه پنج

تبصره ۱ -

در غیر موارد فوق، (منظور موارد سه‌گانه مقرر در ماده ۲۵ می‌باشد) مراتب محکومیت در پیشینه کیفری محکوم درج می‌شود لکن در گواهی‌های صادره از مراجع ذی‌ربط، منعکس نمی‌گردد مگر به درخواست مراجع قضائی برای تعیین یا بازنگری در مجازات.

تبصره ۲ -

در مورد جرائم قابل گذشت در صورتی که پس از صدور حکم قطعی با گذشت شاکی یا مدّعی خصوصی، اجرای مجازات، موقوف شود اثر تبعی آن نیز رفع می‌شود.

تبصره ۳ -

در عفو (منظور عفو خصوصی است چراکه فقط در عفو خصوصی است که مجازات تبعی باقی می‌ماند به عبارتی عفو خصوصی موجب زوال آثار محکومیت نمی‌شود) و آزادی مشروط، اثر تبعی محکومیت پس از گذشت مدّت‌های فوق از زمان عفو یا اتمام مدّت آزادی مشروط، رفع می‌شود. محکوم در مدّت زمان آزادی مشروط و همچنین در زمان اجرای حکم نیز از حقوق اجتماعی محروم می‌گردد. (ر.ک ماده ۲۸ و ۹۹ ق.ا.م.ا).

نکته ۱- مبنای شروع محرومیت از حقوق اجتماعی از زمان اجرای مجازات است، یا از زمان توقف اجرای مجازات یا اینکه از زمان مشمول مرور زمان است.

نکته ۲- مجازات تبعی و تکمیلی فقط در خصوص اشخاص حقیقی قابلیت اعمال دارند و قابلیت اعمال در خصوص اشخاص حقوقی به طور عام را ندارند.

نکته ۳- جرائم غیرعمدی، شلاق تعزیری، جزای نقدی به هر میزان، حبس‌های درجه ۶ تا ۸، جرائم مشمول انفصال، شامل مجازات تبعی نمی‌شوند.

نکته ۴- محکومیت به قصاص عضو در صورتی دارای آثار تبعی است که اجرای آن متوقف شده باشد، در صورت اجرای مجازات سالب

حیات محکوم زنده نیست که آثار تبعی در مورد وی صدق کند (با مورد الف ماده ۲۵ اشتباه نشود چراکه در این مورد مجازات سالب حیات صورت نگرفته است).

نکته ۵- برای اعمال مجازات تبعی باید حکم محکومیت قطعی کیفری از دادگاه صادر شده باشد. حکم محکومیت قطعی در جرائم عمدی باعث محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی محروم می‌کند و اگر اجرای حکم مشمول مرور زمان شده است بعد از انقضای مدت مرور زمان، وی از حقوق اجتماعی محروم می‌ماند.

نکته ۶- اثر محکومیت‌های تبعی، یعنی محروم شدن از حقوق اجتماعی، از پایان اجرای حکم آغاز می‌گردد و ابتدای آن خاتمه‌ی اجرای حکم است (گلدوزیان، همان، ص ۸۷).

نکته ۷- پس از گذشت زمان معین‌شده، محکوم‌علیه خود به خود حقوق اجتماعی را به دست می‌آورد و به عبارتی «باز اجتماعی» می‌شود و برای این امر نیازی به حکم دادگاه نیست.

نکته ۸- تأثیر محکومیت به قتل غیرعمدی ناشی از راندگی، بر محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی منتفی است.

نکته ۹- مجازات تبعی محرومیت از بعضی از حقوق اجتماعی بدون ذکر آن در حکم دادگاه و ناظر به برخی از محکومیت‌ها است که در قانون معین شده است.

نکته ۱۰- شخصی به موجب حکم قطعی به حبس ابد محکوم می‌شود، این محکومیت او را برای مدت هفت سال از تاریخ توقف اجرای حکم از حقوق اجتماعی محروم می‌کند.

نکته ۱۱- در خصوص مجازات‌های مختلف، مجازات به شلاق تعزیری فاقد مجازات تبعی است.

نکته ۱۲- مجازات تبعی از آثار مرتبط بر محکومیت به مجازات اصلی است و هیچ‌گاه در حکم دادگاه قید نمی‌شود. تبعات محکومیت جزایی عمدتاً محرومیت از حقوق اجتماعی است که قانون‌گذار آن را به زمان محدود کرده است (دکتر اردبیلی ج.ع.ع جلد ۳ ص ۷۷).

نکته ۱۳- محرومیت از حقوق اجتماعی، چه به عنوان مجازات اصلی مورد استفاده واقع شود و چه به عنوان مجازات تبعی یا تکمیلی، در هر صورت ماهیتاً یک اقدام تأمینی خنثی‌ساز است.

نکته ۱۴- همان‌گونه که از متن ماده ۹۵ مشخص است محکومیت کیفری اطفال و نوجوانان (افراد کمتر از ۱۸ سال) تمام شمسی تمام فاقد آثار کیفری است و دارای مجازات تبعی نیست. در واقع حکم ماده ۲۵ فقط در مورد جرائم ارتكابی افراد دارای سن ۱۸ سال شمسی و بالاتر است.

نکته ۱۵- اصولاً اعمال مجازات تبعی الزامی است به استثناء ماده ۸۷ ق.م.ا در خصوص حکم به مجازات‌های جایگزین حبس.

نکته ۱۶- چنانچه علیه فردی حکمی صادر گردیده و به مجازات تعزیری محکوم شده اما حکم اجرا نشده و به دلیل شمول مرور زمان اجرای حکم صادره موقوف شده باشد در این صورت آثار تبعی حکم به قوت خود باقی است.

موار مرتبط

ماده ۹۵ قانون مجازات اسلامی، محکومیت‌های کیفری اطفال و نوجوانان فاقد آثار کیفری است.

ماده ۲۶ - حقوق اجتماعی

حقوق اجتماعی موضوع این قانون به شرح زیر است:

الف - داوطلب شدن در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس خیرگان رهبری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا

ب - عضویت در شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام یا هیئت دولت و تصدی معاونت رئیس‌جمهور

پ - تصدی ریاست قوه قضائیه، دادستانی کل کشور، ریاست دیوان عالی کشور و ریاست دیوان عدالت اداری (بند الف، ب، پ به طور دائم محروم می‌کند).

تبصره ۲ ماده ۲۶ ق.م.ا.

ت - انتخاب شدن یا عضویت در انجمن‌ها، شوراها، احزاب و جمعیت‌ها به موجب قانون یا با رأی مردم

ث - عضویت در هیئت‌های منصفه و امناء و شوراهای حل اختلاف

ج - اشتغال به عنوان مدیرمسئول یا سردبیر رسانه‌های گروهی

چ - استخدام و یا اشتغال در کلیه دستگاه‌های حکومتی اعم از قوای سه‌گانه و سازمان‌ها و شرکت‌های وابسته به آنها، صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، نیروهای مسلح و سایر نهادهای تحت نظر رهبری، شهرداری‌ها و مؤسسات مأمور به خدمات عمومی و دستگاه‌های مستلزم تصریح یا ذکر نام برای شمول قانون بر آنها

ح - اشتغال به عنوان وکیل دادگستری و تصدای دفاتر ثبت اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفتریاری

خ - انتخاب شدن به سیمت قیّم، امین، متولی، ناظر یا متصدی موقوفات عام (اشاره‌ای به موقوفات خاص نشده پس شامل این قسمت از موقوفات نمی‌گردد).

د- انتخاب شدن به سیمت داوری یا کارشناسی در مراجع رسمی (شامل مراجع غیررسمی نمی‌شود).

ذ - استفاده از نشان‌های دولتی و عناوین افتخاری

ر - تأسیس، اداره یا عضویت در هیئت‌مدیره شرکت‌های دولتی، تعاونی و خصوصی یا ثبت نام تجارتنی یا مؤسسه آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و علمی
تبصره ۱ -

مستخدمان دستگاه‌های حکومتی در صورت محرومیت از حقوق اجتماعی، خواه به عنوان مجازات اصلی و خواه مجازات تکمیلی یا تبعی، حسب مورد در مدت مقرر در حکم یا قانون، از خدمت منقصل می‌شوند.

تبصره ۲ -

هر کس به‌عنوان مجازات تبعی از حقوق اجتماعی محروم گردد پس از گذشت موعده مقرر در ماده (۲۵) این قانون اعاده حیثیت (اعاده حیثیت بازگردانده شدن حقوق اجتماعی سلب شده از فرد پس از اجرای مجازات و انقضای مدت تعیین شده است که نیاز به تقاضا ندارد) می‌شود و آثار تبعی محکومیت وی زایل می‌گردد مگر در مورد بندهای (الف)، (ب) و (پ) این ماده که از حقوق مزبور به‌طور دائمی محروم می‌شود. (موارد محرومیت از حقوق اجتماعی که در این ماده ذکر شده است حصری‌اند و تمثیلی نیستند).

نکته ۱- طبق قانون در مراجع رسمی نمی‌توان افرادی را به سمت داوری و کارشناسی به دلیل محرومیت از حقوق اجتماعی انتخاب کرد.

نکته ۲- سلب تابعیت دولت ایران که یکی از حقوق اجتماعی اتباع ایرانی می‌باشد اصولاً به تبع حکم دادگاه ممکن نیست.

نکته ۳- محرومیت از تصدی دفاتر اسناد رسمی در صورت محکومیت قطعی کیفری در جرائم عمدی به شرح قانون مجازات اسلامی از جمله مجازات‌های تبعی است.

نکته ۴- انتخاب شدن به سمت داوری و کارشناسی در کلیه مراجع از حقوق اجتماعی مندرج در قانون مجازات اسلامی خارج است.

نکته ۵- موارد زیر محرومیت از حقوق اجتماعی ناشی از محکومیت کیفری می‌باشند:

(۱) استفاده از نشان‌های دولتی

(۲) استفاده از عناوین افتخاری

(۳) انتخاب شدن به سمت داوری در مراجع رسمی

نکته ۶- محرومیت از انتخاب شدن به نمایندگی مجلس از مصادیق محرومیت از حقوق اجتماعی از مجازات‌های تبعی به حکم قانون و بدون ذکر در حکم دادگاه است.

فصل سوّم - نحوه تعیین و اعمال مجازات‌ها

ماده ۲۷ - احتساب مرتب بازداشت و شلاق و نیزای نقری در مجازات

مدت حبس از روزی آغاز می‌شود که محکوم، به موجب حکم قطعی (حکم قطعی حکمی است که قابل اعتراض طرق عادی «تجدیدنظر و واخواهی» نیست) لازم‌الاجرا حبس می‌گردد. در صورتی که فرد، پیش از صدور حکم به علت اتهام یا اتهاماتی که در پرونده مطرح بوده بازداشت شده باشد، (اعم از این که این بازداشت به دلیل صدور قرار بازداشت باشد و یا عدم معرفی کفیل و وثیقه گذار و تبدیل قرارهای مذکور به قرار بازداشت) مدت بازداشت قبلی در حکم (ایام تحت نظر یا بازداشت قبلی کمتر از یک روز مثلاً چند یا یک ساعت نیز قابل احتساب است و در احتساب این مدت‌ها یک روز کامل محسوب می‌شوند)، محاسبه می‌شود (مرجع احتساب ایام بازداشت قبلی دادگاه صادرکننده حکم

می‌باشد). در صورتی که مجازات مورد حکم، شلاق تعزیری یا جزای نقدی باشد، هر روز بازداشت، معادل سه ضربه شلاق یا سیصد هزار (۳۰۰,۰۰۰) ریال است. چنانچه مجازات متعدّد باشد به ترتیب نسبت به حبس، شلاق و جزای نقدی مُحاسبیه می‌گردد. (شامل تعزیرات منصوص شرعی نمی‌شود). (ر.ک تبصره ۲ ماده ۱۱۵ ق.م.ا)

نکته ۱- این ماده فقط در خصوص جرائم غیر منصوص شرعی قابلیت اعمال دارند (ر.ک تبصره ۲ ماده ۱۱۵ ق.م.ا) (رجوع کنید به مواد ۳۷۷ و ۵۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحیه ۱۳۹۴).

نکته ۲- بر طبق مصوبه هیئت دولت در تاریخ ۹۸/۱۱/۲۶ مبلغ مذکور در این ماده به یک میلیون (۱/۰۰۰/۰۰۰) ریال افزایش یافته است.

نکته ۳- اگر شخصی محکوم به شلاق حدی شود و قبل از آن مدتی در بازداشت به سر برده باشد مدت بازداشت قبلی او از میزان حد کسر نمی‌شود چون حدود غیر قابل تغییر می‌باشند و این ماده نیز شامل حدود و تعزیرات منصوص شرعی نمی‌شود.

موار مرتبط

ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری؛ مدت تمام کیفرهای حبس از روزی شروع می‌شود که مملوک‌علیه به موجب حکم قطعی لازم‌الاجرا حبس شود. پناهی مملوک‌علیه پیش از صدور حکم به علت اتهام یا اتهاماتی که در همان پرونده مطرح بوده تمت نظر یا بازداشت شده باشد، مدت بازداشت قبلی از میزان حبس او کسر می‌شود. تبصره: اگر مدت زمان تمت نظر یا بازداشت شرن متهم کمتر از بیست و چهار ساعت باشد، در احتساب ایام بازداشت، یک روز مناسبه می‌شود.

ماده ۲۸- تعدیل مُر احتساب ایام بازداشت، میزات‌های مالی

کلیه مبالغ مذکور در این قانون و سایر قوانین از تاریخ تصویب آنها در مورد تمام جرائم و تخلفات از جمله مجازات نقدی، به تناسب نرخ تورّم اعلام شده به وسیله بانک مرکزی، هر سه سال یک بار به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب هیئت وزیران تعدیل (به معنای متعادل کردن است نه کم کردن صرف) و در مورد احکامی که بعد از آن صادر می‌شود لازم‌الاجرا می‌گردد. (این ماده به صراحت قانون عطف به ما سبق نمی‌شود).

ماده ۲۹- نحوه اجرای حبس و بازداشت بدل از جزای نقدی

هرگاه بازداشت بدل از جزای نقدی، توأم با مجازات حبس باشد بازداشت بدل از جزای نقدی (شخصی که محکوم به بازداشت بدل از جزای نقدی شده است نمی‌تواند از نظام آزادی مشروط استفاده کند) از تاریخ اتمام حبس شروع می‌شود که از حداکثر مدت حبس مقرر در قانون برای آن جرم بیشتر نیست و در هر حال مدت بازداشت بدل از جزای نقدی نباید از سه سال تجاوز کند. (مثال: شخصی به مجازات حبس و جزای نقدی محکوم شده است).

(استثناء: ر.ک قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۹۲).

نکته ۱- امکان احتساب بازداشت موقت، از بازداشت بدل از جزای نقدی وجود ندارد به دلیل ماهیت بازداشت بدل از جزای نقدی (زراعت).

نکته ۲- بر طبق تبصره ۲ ماده ۳۱ قانون مبارزه با مواد مخدر حداکثر بازداشت بدل از جزای نقدی در جرائم مواد مخدر ۱۰ سال و بر طبق ماده ۶۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در جرائم مربوط به قاچاق کالا و ارز حداکثر بازداشت بدل از جزای نقدی ۱۵ سال است.

نکته ۳- در جرائم ناشی از فعل شرط است که فعل باید متقارن با قصد ارتکاب باشد لذا هرگاه فعل بر قصد پیشی بگیرد یا فعل به فاصله‌ی پس از نیت مجرمانه واقعیت پیدا کند جرم محقق نشده است (محمد باهری ص ۱۶۳).

نکته ۴- با توجه به اصل قانونی بودن جرم و مجازات قاضی نمی‌تواند به استناد این اصل عملی که شرعاً حرام است ولی در قوانین برای آن مجازاتی تعیین نشده را جرم انگاری کرده و مرتکب آن را مجازات کند بلکه دادگاه در این موارد باید به استناد اصل برائت حکم به بی‌گناهی متهم صادر کند (اردبیلی ج ۱ ص ۲۰۲-۲۰۳) البته در مورد حدود قانون‌گذار در ماده ۲۳۰ ق.م.ا صراحتاً اجازه تعیین کیفر بر اساس اصل ۱۶۷ قانون اساسی را به قاضی داده است بنابراین در مورد حدودی که در قانون ذکر نشده است (مانند ارتداد) قاضی باید با مراجعه به منابع معتبر اسلامی یا فتوای معتبر نسبت به تعیین کیفر اقدام کند. قاضی فقط در حدود می‌تواند اقدام به جرم انگاری و محاکمه و مجازات نماید در سایر جرائم چنین حقی ندارد.

نکته ۵- اراده ارتکاب فعل باید با قصد مجرمانه در جرائم عمدی یا خطای جزائی در جرائم غیرعمدی توأم باشد که در غیر این صورت

به علت فقدان عنصر معنوی عمل ارتكابی جرم تلقی نمی‌شود.

نکته ۶- عنصر معنوی در جرائم غیر عمدی عبارت است از اراده ارتكاب جرم به همراه خطای جزائی.

ماده ۳۰ - نحوه ابرای مَنع از اشتغال

مَنع از اشتغال به شُغل، کَسب، حرفه یا کار مُعین مُستلزم لغو جواز کار یا پروانه کَسب، حرفه یا کار است مشروط به اینکه جُرم به سبب اشتغال به شُغل، کَسب، حرفه یا کار، ارتكاب یابد یا آن اشتغال وقوع جُرم را تسهیل نماید. (مشابه مورد مقرر در بند پ ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی)

ماده ۳۱ - نحوه ابرای ممنوعیت رانندگی

مَنع از رانندگی (یعنی کنترل وسیله نقلیه) و تصدّی (به معنی هدایت وسیله نقلیه) وسیله نقلیه موتوری مُستلزم ابطال گواهینامه و ممنوعیت از درخواست مجدد است. (مشابه مورد مقرر بند ب ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی)

نکته ۱- اجرای احکام کیفری به عهده دادستان می‌باشد که معاونت اجرای احکام متولی این امر است. موضوع ماده ۴۸۴ قانون آیین دادرسی کیفری.

ماده ۳۲ - نحوه ابرای ممنوعیت صدور چک

مَنع از اصدار چک، مُستلزم ابطال برگه‌های سفید دسته چک و اِنسداد حساب جاری و ممنوعیت از درخواست مجدد افتتاح حساب جاری است. (مشابه مورد مقرر در بند ج ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی)

ماده ۳۳ - نحوه ابرای ممنوعیت حمل اسلحه

مَنع از حمل اسلحه مجاز، مُستلزم ابطال پروانه حمل و توقیف سلاح است. (مشابه مورد مقرر در بند چ ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی)

ماده ۳۴ - نحوه ابرای ممنوعیت خروج از کشور

مَنع از خروج اتباع ایران از کشور مُستلزم ابطال گذرنامه و ممنوعیت از درخواست مجدد است. (مشابه مورد مقرر در بند ح ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی)

ماده ۳۵ - نحوه ابرای اخراج بیگانگان از کشور

اخراج موقت یا دائم بیگانگان محکوم به مجازات از کشور، پس از اجرای مجازات و با حکم دادگاه انجام می‌شود. (مشابه مورد مقرر در بند م ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی)

نکته ۱- هر چند مواد ۳۰ الی ۳۵ قانون مجازات اسلامی تشابه با موارد مذکور در ماده ۲۳ دارند اما دقت شود که قسم اول مجازات اصلی و موارد قسم دوم در زمره مجازات‌های تکمیلی‌اند.

ماده ۳۶ - نحوه ابرای انتشار کلمه مملوئیت

حُکم محکومیت قطعی در جرائم موجب حدّ مُحاربه و افساد فی الارض یا تعزیر تا درجه چهار (یعنی تعزیر درجه ۱ تا ۴) و نیز کلاهبرداری بیش از یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال (خود یک میلیارد ریال را شامل نمی‌شود) در صورتی که موجب اخلال در نظم یا امنیت نباشد در یکی از روزنامه‌های محلی در یک نوبت منتشر می‌شود. (انتشار حکم محکومیت در رسانه‌ها در این مورد اختیاری است و در زمره‌ی مجازات‌های تکمیلی‌اند و اعمالش مشروط به عدم اختلال در نظم و امنیت می‌باشد).

تبصره - (این تبصره بیانگر جرائم اقتصادی می‌باشد. جرائم ذیل شامل مرور زمان می‌شوند مگر اینکه مبلغ بیش از یک میلیارد ریال باشد).

انتشار حُکم محکومیت قطعی (صدور حکم انتشار محکومیت قطعی در روزنامه بر عهده‌ی دادگاه صادر کننده حکم است و اجرای آن بر عهده‌ی دادستان مجری حکم است) در جرائم زیر که میزان مال موضوع جُرم ارتكابی، یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا بیش از آن باشد، الزامی است (و غیر مشروط و در زمره‌ی مجازات‌های اصلی) و در رسانه ملی یا یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر می‌شود: (این جرائم با موضوع جرم بیش از یک میلیارد ریال غیر قابل تعلیق‌اند)

الف- رشوه (رشوه دادن) و اِرتشاء (رشوه گرفتن)

ب- اِختلاس (مورد الف و به مستند به مواد ۳ و ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا اختلاس و کلاهبرداری و نیز مواد ۵۸۸ الی ۵۹۴

قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات

- پ- اِعمالِ نفوذِ برخلافِ حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال، توسط مجرم یا دیگری
 ت - مُداخله وُزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری
 ث - تبانی در معاملات دولتی
 ج - اخذ پورسانت در معاملات خارجی (شامل دریافت پورسانت از معاملات داخلی نمی‌شود)
 چ - تَعَدَّیّاتِ مأموران دولتی نسبت به دولت (مثل تصرف غیرقانونی، تدلیس در معاملات دولتی موضوع مواد ۵۹۸ الی ۶۰۶ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات)
 ح- جَرّائِمِ گمرکی
 خ- قاچاق کالا و ارز
 د- جَرّائِمِ مالیاتی
 ذ- پول‌شویی (مشروع و قانونی جلوه دادن پول غیرقانونی، کسب درآمد از یک منشأ غیرقانونی و جلوه دادن آن به صورت قانونی)
 ر- اخلال در نظام اقتصادی کشور
 ز- تَصَرُّفِ غیرقانونی در اموال عمومی یا دولتی (موضوع ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات)

نکته ۱- در اختلاس بیش از یک میلیارد ریال، مورد انتشار حکم محکومیت قطعی در رسانه‌ی ملی یا یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار الزامی است.

نکته ۲- انتشار حکم محکومیت در رسانه‌ی ملی یا در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار، وقتی مال موضوع جرم یک میلیارد ریال یا بیش از آن باشد در جرم استفاده‌ی غیرمجاز از اموال دولتی لازم است.

نکته ۳- انتقال مال غیر در حکم کلاهبرداری است و مشمول مرور زمان می‌شود مگر اینکه مبلغ بیش از ۱ میلیارد ریال باشد.

نکته ۴- جرائم موضوع این تبصره با حدنصاب مقرر به استناد ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی مشمول مرور زمان نمی‌شوند.

مواد مرتبط

ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی؛ جرائم ذیل مشمول مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات نمی‌شوند:

الف- جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور

ب- جرائم اقتصادی شامل کلاهبرداری و جرائم موضوع تبصره ماده (۳۶) این قانون با رعایت مبلغ مقرر در آن ماده

پ- جرائم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر

فصل چهارم - تخفیف مجازات و معافیت از آن

ماده ۳۷ - تخفیف یا تبدیل مجازات

در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف (ماده ۳۸ ق.م.ا)، دادگاه (اعمال تخفیف در دادگاه ممکن بوده و در دادسرا امکان اعمال تخفیف موضوع این ماده وجود ندارد، به صورت عام بیان شده و شامل دادگاه‌های عمومی، انقلاب و نظامی می‌شود) می‌تواند (اختیار دارد اما چنانچه برابر قانون خاص تخفیف مجازات ممنوع باشد، دادگاه حق اعمال تخفیف ندارد مانند: جرم کلاهبرداری) مجازات تعزیری (بر اساس این ماده مجازات حد، قصاص و دیه مشمول تخفیف نمی‌شوند) (در این مورد منظور از مجازات، مجازات اصلی است و مجازات تکمیلی قابل تخفیف بر اساس این ماده نیستند) را به نحوی که به حال مُتَّهَم مناسب‌تر باشد به شرح ذیل تقلیل دهد (ماهیت مجازات تغییر نمی‌کند اما از میزان مجازات کاسته می‌شود) یا تبدیل (ماهیت مجازات تغییر کرده و مجازاتی مناسب‌تر به حال مرتکب اعمال می‌گردد) کند: (اعمال یکی از دو مورد تبدیل یا تقلیل امکان دارد نه هر دوی آن‌ها).

الف - تقلیل حبس به میزان یک تا سه درجه در مجازات‌های درجه چهار و بالاتر؛ (حبس قابل تبدیل نیست) (مطابق ماده ۹۳ ق.م.ا در نوجوانان تا نصف حداقل)

ب - تقلیل مجازات حبس درجه پنج و درجه شش به میزان یک تا دو درجه یا تبدیل این مجازات و مجازات حبس درجه هفت حسب

مورد به جزای نقدی متناسب با همان درجه؛

پ - تبدیل مصادره کل اموال به جزای نقدی درجه یک تا چهار؛

ت - تقلیل انفصال دائم به انفصال موقت به میزان پنج تا پانزده سال

ث - تقلیل سایر مجازات‌های تعزیری به میزان یک یا دو درجه یا تبدیل آن به مجازات دیگر از همان درجه یا یک درجه پایین‌تر؛

تبصره - چنانچه در اجرای مقررات این ماده یا سایر مقرراتی که به موجب آن مجازات تخفیف می‌یابد، حکم به حبس کمتر از نود و یک روز صادر شود، به مجازات جایگزین مربوط تبدیل می‌شود.

نکته ۱ - در مورد این ماده اعمال تخفیف و احراز شرایط بر عهده قاضی است.

نکته ۲ - در تعزیرات درجه ۸ امکان تخفیف وجود ندارد بلکه فقط امکان اعمال معافیت از کیفر وجود دارد اما به جز مجازات تعزیری درجه ۸ تمامی مجازات‌های تعزیری می‌توانند مشمول تخفیف قرار گیرند.

نکته ۳ - در خصوص اعمال تخفیف در جرائم اطفال رجوع کنید به ماده ۹۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.

نکته ۴ - تخفیف مجازات، موجب کاهش کیفر از حداقل مجازات مقرر برای هر جرم است. (گلدوزیان، همان، ص ۹۹)

نکته ۵ - تبدیل مصادره‌ی اموال به جزای نقدی درجه یک تا چهار، از اختیارات قاضی در مقام تخفیف مجازات تعزیری است.

نکته ۶ - دادگاه در صورت احراز جهات مخففه، می‌تواند مجازات تعزیری را تخفیف دهد. ملاک، مجازات مقرر در قانون است نه مجازات مقرر در دادنامه پس اگر شامل تخفیف شود دیگر نمی‌شود مجازات جایگزین حبس را اعمال کرد.

نکته ۷ - تغییر ماهیت مجازات به مجازات دیگر (مناسب‌تر به حال متهم) به معنی تبدیل مجازات است.

نکته ۸ - در رابطه با این ماده به رأی وحدت رویه‌ی ۵۴۰-۱۴/۸/۲۹، ۱۳۶۹، ۱۰/۱۳۶۹، ۶۲۸/۱۰/۱۳۶۹، ۱۳۷۲-۱۳۷۷/۶/۳، ۶۴۲-۱۳۷۸/۹/۹، ۶۶۱-۱۳۸۲/۷/۲۲ هیئت عمومی دیوان عالی کشور رجوع کنید.

نکته ۹ - در صورت خفیف بودن مداخله شریک در ارتکاب یک جرم تعزیری درجه ۶ دادگاه مخیر به تخفیف مجازات است.

نکته ۱۰ - در جرائم تعزیری در خصوص اقدام دادگاه در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف باید گفت که نمی‌توان مجازات حبس را تبدیل به جزای نقدی کرد.

نکته ۱۱ - قاضی در حالت عادی اختیار دارد که مجازات را میان حداقل و حداکثر تعیین کند پس تخفیف باید کمتر از حداقل قانونی باشد.

نکته ۱۲ - مقررات مربوط به کیفیات مخففه فقط ناظر به جرائم مستوجب تعزیر هستند و سایر جرائم از جمله جرائم مستوجب حد، قصاص و دیه مشمول این احکام نمی‌شوند. اعمال جهات تخفیف از طرف دادگاه اختیاری است.

نکته ۱۳ - در خصوص امکان اعمال تخفیفات مجازات موضوع این ماده توسط دادگاه تجدیدنظر رجوع کنید به ماده ۴۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری و در خصوص عدم امکان اعمال تشدید مجازات توسط این دادگاه رجوع کنید به ماده ۴۵۸ قانون آیین دادرسی کیفری.

نکته ۱۴ - این ماده (۳۷) در راستای اصل فردی کردن مجازات است.

نکته ۱۵ - مثال برای تقلیل حبس ماده ۶۷۴ ق.م.ا.بخش تعزیرات که باید تا درجه ۷ یا ۸ تقلیل بدهیم یعنی کمتر از حداقل. اگر به درجه ۶ یعنی شش ماه حبس تقلیل بدهیم چون کمتر از حداقل (شش ماه) نیست پس تقلیل نمی‌شود. دو نکته باید مدنظر قرار گیرد:

۱- کمتر از حداقل

۲- یک تا سه درجه.

نکته ۱۶ - تخفیف مجازات به دو صورت تقلیل یا تبدیل مجازات است، تفاوت تقلیل و تبدیل در این است که در تقلیل، ماهیت مجازات تغییر نمی‌کند مثلاً حبس درجه ۳ به حبس درجه ۵ تقلیل پیدا می‌کند اما در تبدیل، ماهیت مجازات تغییر می‌کند مثلاً شلاق به جزای نقدی تبدیل می‌شود.

نکته در خصوص تبصره ماده ۳۷: تا پیش از تصویب این تبصره، در قسمت مجازات‌های جایگزین حبس (مواد ۶۵ تا ۶۸) برای اعمال

مجازات جایگزین حبس، حداکثر مجازات قانونی ملاک بود (نه مجازات قضایی) مثلاً در جرائم عمدی اگر حداکثر مجازات جرمی بیش از یک سال بود دادگاه تحت هیچ شرایطی نمی‌توانست به جایگزین حبس حکم دهد (حتی اگر مجازات قضایی را دو ماه تعیین می‌کرد) اما هم‌اکنون تبصره ماده ۳۷، یک استثناء به این امر وارد کرده است و فقط در یک مورد مجازات قضایی را ملاک قرار داده است و آن موردی است که مجازات قضایی کمتر از ۹۱ روز حبس (یعنی از ۱ روز تا ۳ ماه حبس) باشد که در این صورت حکم به جایگزین حبس الزامی است (صرف نظر از اینکه مجازات قانونی جرم ارتكابی چقدر است) اما در مواردی که مجازات قضایی ۹۱ روز حبس یا بیشتر باشد برای تعیین مجازات جایگزین حبس به حداکثر مجازات قانونی توجه می‌شود مثلاً اگر مجازات قانونی جرم عمدی، ۶ ماه تا دو سال حبس باشد، قاضی با اعمال کیفیات مخففه به سه ماه حبس حکم دهد باید مجازات را به جایگزین حبس تبدیل کند اما اگر به ۴ ماه حبس حکم دهد امکان صدور حکم به جایگزین حبس وجود ندارد به این دلیل که حداکثر مجازات قانونی، بیش از دو سال است و در جرائم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها بیش از یک سال و مجازات قضایی آنها بیش از سه ماه حبس است امکان اعمال مجازات جایگزین حبس وجود ندارد.

اگر در آزمون‌های حقوقی فقط به مجازات قانونی جرمی اشاره شده باشد (مثلاً مجازات قانونی جرمی، سه ماه تا دو سال حبس ذکر شده باشد ولی به مجازات قضایی اشاره نشده باشد) باید فرض را بر این گذاشت که مجازات قضایی بیش از سه ماه است و منطبق با مجازات قانونی، نحوه اعمال جایگزین حبس را تعیین کرد.

موارد مرتبط

ماده ۴ قانون مسؤلیت مرنی؛ دادگاه می‌تواند میزان فسارت را در موارد زیر تفهیف دهد؛

۱- هرگاه پس از وقوع فسارت واردکننده‌ی زیان به نحو مؤثری به زیان دیده کمک و مساعدت کرده باشد.

۲- هرگاه وقوع فسارت ناشی از غفلتی بوده که صرفاً قابل اغماض باشد و ببران آن نیز مویب عسرت و تنگدستی واردکننده زیان شود.

۳- وقتی که زیان دیده به نوعی از انشاء مویبات تسهیل ایبار زیان را فراهم نموده یا به اضافه شدن آن کمک و یا وضعیت واردکننده‌ی زیان را تشدید کرده باشد.

ماده ۴۵۸ قانون آیین دادرسی کیفری؛ دادگاه تهریر نظر استان نمی‌تواند میازات تعزیری یا اقرامات تأمین و تربیتی مقرر در حکم تهریر نظر فواسته را تشدید کند، مگر در مواردی که میازات مقرر در حکم نفسستین بر خلاف بهات قانونی، کمتر از حداقل میزانی باشد که قانون مقرر داشته و این امر مورد تهریر نظر فواهی شاکی و یا دارستان قرار گرفته باشد. در این موارد، دادگاه تهریر نظر استان با تمهیح حکم، نسبت به تعیین حداقل میزانی که قانون مقرر داشته است، اقرام می‌کند.

ماده ۴۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری؛ هرگاه دادگاه تهریر نظر استان، مکوم علیه را مستحق تفهیف میازات براند، ضمن تأیید اساس حکم می‌تواند به نحو مستهل میازات او را در مورد قانون تفهیف دهد، هر چند مکوم علیه تقاضای تهریر نظر نکرده باشد.

ماده ۳۸ - بهات تفهیف

جهات تخفیف (جهات تخفیف مقرر در این ماده حصری هستند) عبارتند از:

الف- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی (ماده ۱۰۴ ق.م.ا) (در جرائم غیر قابل گذشت مدنظر است، چراکه اعلام گذشت در جرائم قابل گذشت سبب موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات می‌گردد نه اعمال تخفیف ولو اینکه شکات یا مدعیان خصوصی متعدد باشند و تنها برخی از آنها اعلام گذشت نمایند. برای مشاهده گذشت شاکی در جرائم قابل گذشت ر. ک ماده ۱۰۰ ق.م.ا)

ب- همکاری مؤثر متهم در شناسایی شرکا یا معاونان، تحصیل ادله یا کشف اموال و اشیاء حاصله از جرم یا به کار رفته برای ارتکاب آن (رجوع کنید به ماده ۵۰۷ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات)

پ- اوضاع و احوال خاص مؤثر در ارتکاب جرم، از قبیل (تمثیلی است) رفتار یا گفتار تحریک‌آمیز بزه دیده (مثل مورد موضوع ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات) یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم (رجوع کنید به ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲)

ت- اعلام متهم قبل از تعقیب یا اقرار مؤثر وی در حین تحقیق و رسیدگی (اعلام: قبل از تعقیب اقرار: در حین تحقیق) (اقرار در هر مرحله‌ای از دادرسی باشد قابلیت استماع دارد)

ث - ندامت، (حین ارتکاب عمل مجرمانه محقق می‌شود و متفاوت از توبه موضوع ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی است) (این مورد در خصوص جرائم تعزیری درجه ۱ تا ۵ و موارد مقرر در این قانون اعم از حدود و ... قابلیت اعمال دارد و منجر به تخفیف می‌گردد و در

جرایم درجه ۶ تا ۸ می‌تواند سبب معافیت از مجازات گردد) حُسن سابقه و یا وضع خاص متهم از قبیل کُهولت یا بیماری

ج- کوشش متهم به منظور تخفیف آثار جرم یا اقدام وی برای جبران زیان ناشی از آن (مثلاً رساندن مجنی‌علیه در تصادفات به بیمارستان موضوع ماده ۷۱۹ قانون

مجازات اسلامی بخش تعزیرات)

چ - خفیف بودن زیان وارده به بزه دیده یا نتایج زیانبار جرم

ح - مداخله ضعیف شریک یا معاون در وقوع جرم

تبصره ۱ -

دادگاه مکلف است جهات تخفیف مجازات را در حکم خود، قید کند. (معافیت قانونی، الزام قانون‌گذار بر دادگاه مبنی بر تخفیف خواهد بود. رجوع

کنید به ماده ۵۲۵ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵).

تبصره ۲ -

هرگاه نظیر جهات مُندرَج در این ماده (این موارد حصری‌اند و تمثیلی نیستند) در مواد خاصی پیش‌بینی شده باشد، دادگاه نمی‌تواند به موجب همان جهات،

مجازات را دوباره تخفیف دهد. (رجوع کنید به ماده ۷۱۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ و نیز ماده ۴۸۳ قانون آیین

دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحی ۱۳۹۴) (تعدد مانع تخفیف نیست ر.ک تبصره ۳ ماده ۱۳۴ ق.م.ا و تبصره ماده ۶۶۶ ق.م.ا بخش

تعزیرات)

نکته ۱- دیوان عالی کشور در یکی از آراء خود صراحتاً عدم ذکر جهات تخفیف در حکم را تخلف انتظامی تلقی کرده است.

نکته ۲- اصولاً جهات مخففه عبارتند از:

الف) گذشت شاکی یا مدعی خصوصی

ب) رفتار یا گفتار تحریک‌آمیز مجنی‌علیه

ج) وجود انگیزه‌ی شرافتمندانه

نکته ۳- یک نظامی با اتومبیل در یک مأموریت اداری، مرتکب تصادف شده و کسی را به طور غیر عمد به قتل می‌رساند. چنانچه این

فرد مستحق تخفیف باشد، مستند قانونی دادگاه نظامی، قانون مجازات اسلامی است.

نکته ۴- پیش‌بینی کیفیات مخففه در قوانین جزائی با اصل فردی کردن مجازات‌ها سازگاری دارد.

نکته ۵- اگر تأثیر مداخله و مباشرت شریکی در حصول جرم ضعیف باشد، مجازات او مجازات فاعل مستقل است. البته دادگاه می‌تواند

مجازات او را به تناسب تأثیر عملش تخفیف دهد.

نکته ۶- در جرائم غیر قابل گذشت اگر جرمی چند شاکی داشته باشد لازم نیست همه‌ی آن‌ها گذشت کنند، اگر ۴ نفر باشند و ۳ نفر

گذشت کند و ۱ نفر گذشت نکند باز دادگاه می‌تواند طبق بند الف تخفیف دهد و گذشت همه‌ی آن‌ها ضرورت ندارد.

نکته ۷- تخفیف در مورد شرکا و معاونین نیز با توجه شرایط آن‌ها از مقررات کلی تبعیت می‌کند اعمال تخفیف نسبت به مجرم اصلی

نمی‌تواند موجبی برای تخفیف سایر شرکا و معاونین باشد مگر اینکه جهات تخفیف در مورد آن‌ها نیز وجود داشته باشد.

نکته ۸- در فهرست مجازات‌های تعزیری، از مجازات اعدام نامی برده نشده است ولی اگر مجازات اعدام عنوان تعزیر داشته باشد با

احراز جهات تخفیف دادگاه می‌تواند آن را به حبس تبدیل کند (ارdebیلی ج ۳ ص ۱۰۲).

نکته ۹- در مواردی که برای یک جرم دو یا چند مجازات تعیین شده است (مانند ماده ۶۵۲) هم مجازات حبس و هم شلاق دادگاه

می‌تواند تمام مجازات‌ها را تخفیف دهد (ارdebیلی ج ۳ ص ۱۰۳)

نکته ۱۰- علاوه بر موارد مذکور در این ماده بر طبق ماده ۱۱۵ ق.م.ا توبه مرتکب در جرائم تعزیری درجه ۱ تا ۵ هم از جهات تخفیف

محسوب می‌شود.

نکته ۱۱- در خصوص مانع‌الجمع بودن معاذیر قانونی و قضایی رجوع کنید به ماد ۵۲۱ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات و ماده ۳۸

قانون مجازات اسلامی در مورد همکاری متهم و اعلام یا اقرار وی.

نکته ۱۲- تفاوت عوامل موانع مسؤولیت کیفری با معاذیر قانونی در این است که در عوامل مانع مسؤولیت کیفری فرض بر این است که متهم از جرم انتسابی تبرئه می‌شود بنابراین هیچ‌گونه مجازاتی در مورد او صورت نمی‌گیرد حتی پرداخت مخارج محکمه نیز بر عهده‌ی او نخواهد بود در حالی که در معاذیر قانونی مسؤولیت جزائی متهم از بین نمی‌رود نهایتاً به خاطر بعضی از ملاحظات از مجازات معاف می‌گردد، بنابراین با آنکه مجازات اصلی درباره‌ی او اجرا نمی‌شود ممکن است به مجازات تبعی یا تکمیلی محکوم گردد (شمس ناتری، همان، ص ۱۵۲)

مواد مرتبط

ماده ۵۰۷ قانون مجازات اسلامی بفسخ تعزیرات: هرکس دافل دستجات مفسدین یا اشخاصی که علیه امنیت دافلی یا فاریبی کشور اقدام می‌کنند بوره و یا ریاست یا مرکزیتی نداشته باشد و قبل از تعقیب، قصد جنایت و اسامی اشخاصی را که در فتنه و فساد دافیل هستند به مأمورین دولتی اطلاع دهد و یا پس از شروع به تعقیب با مأموران دولتی همکاری مؤثری به عمل آورد از مجازات معاف و در صورتی که شخصاً مرتکب جرم دیگری شده باشد فقط به مجازات آن جرم محکوم خواهد شد.

ماده ۵۲۱ قانون مجازات اسلامی بفسخ تعزیرات: هرگاه اشخاصی که مرتکب جرائم مذکور در مواد (۵۱۸) و (۵۱۹) و (۵۲۰) می‌شوند قبل از کشف قضیه، مأمورین تعقیب را از ارتکاب جرم مطلع نمایند یا در ضمن تعقیب به واسطه‌ی اقرار خود مویبات تسهیل تعقیب سایرین را فراهم آورند یا مأمورین دولت را به نحو مؤثری در کشف جرم کمک و راهنمایی کنند بنا به پیشنهاد رئیس هوزه‌ی قضائی مربوط و موافقت دادگاه و یا با تشفیه دادگاه در مجازات آنان تخفیف متناسب داده می‌شود و حسب مورد از مجازات عیس معاف می‌شوند. مگر آنکه اقرار خود قبل از دستگیری توبه کرده‌اند که در این صورت از کلیه مجازات‌های مذکور معاف خواهند شد.

ماده ۵۲۵ قانون مجازات اسلامی بفسخ تعزیرات: هرکس یکی از اشیاء ذیل را فعل کند یا به علم به فعل یا تزویر استعمال کند یا دافل کشور نماید علاوه بر جبران خسارت وارده به بیس از یک تا ده سال محکوم خواهد شد:

۱- احکام یا امضاء یا مهر یا دستخط معاون اول رئیس‌جمهور یا وزرا یا مهر یا امضای اعضای شورای نگهبان یا نمایندگان مجلس شورای اسلامی یا مجلس خبرگان یا قضات یا یکی از رؤسا یا کارمندان یا مسؤولین دولتی از هیئت مقام رسمی آنان.

۲- مهر یا تمبر یا علامت یکی از شرکت‌ها یا مؤسسات یا ادارات دولتی یا نهادهای انقلاب اسلامی.

۳- احکام دادگاه‌ها یا اسناد یا هواله‌های صادره از فزانه‌ی دولتی.

۴- منگنه یا علامتی که برای تعیین عیار طلا یا نقره بکار می‌رود.

۵- اسکناس رایج دافلی یا فاریبی یا اسناد بانکی نظیر برات‌های قبول شده از طرف بانک‌ها یا یک‌های صادره از طرف بانک‌ها و سایر اسناد تعهدآور بانکی.

تبصره: هرکس عمداً و بدون داشتن مستندات و مجوز رسمی دافلی و بین‌المللی و به منظور الغا شعبه در کیفیت تولیدات و فرمات از نام و علائم استاندارد ملی یا بین‌المللی استفاده نماید به حداکثر مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهد شد.

ماده ۳۹ - معافیت از کیفر در صورت وجود جهات تخفیف (معاذیر قضائی)

در جرائم تعزیری (منظور تعزیرات غیرمنصوص شرعی است به عبارتی شامل تعزیرات منصوص شرعی نمی‌شود تبصره ۲ ماده ۱۱۵ ق.م.ا) درجه‌های هفت و هشت در صورت اِحراز جهات تخفیف (یعنی این جهات باید موجود بوده و توسط مقام تخفیف دهنده محرز شوند) چنانچه دادگاه پس از اِحراز مجرمینت (یعنی پس از رسیدگی به جرم و نظر به مجرم بودن مرتکب) تشخیص دهد که با عدم اجرای مجازات نیز مرتکب، اصلاح می‌شود در صورت فقدان سابقه کیفری مؤثر و (موضوع ماده ۲۵ ق.م.ا) گذشت شاکی (در جرائم غیرقابل گذشت) و جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران آن می‌تواند (اختیاری است) حکم به معافیت از کیفر صادر کند. (این ماده در زمره‌ی معاذیر قانونی معاف کننده است).

نکته ۱- حدود اختیار دادگاه در تخفیف مجازات در شرایطی که جهات تشدید و تخفیف هر دو موجود است، حداکثر تا نصف میانگین یا نصف مجازات است.

فصل پنجم - تعویق صدور حکم

ماده ۴۰ - شرایط تعویق صدور حکم

در جرائم موجب تعزیر (تعزیر منصوص شرعی را شامل نمی‌شود و همین‌طور شامل حد و قصاص و دیات و درجه ۱ تا ۵ نمی‌شود) درجه شش تا هشت (به استثناء جرائم تعزیری توسط نوجوانان) (در مورد نوجوانان در تمام جرائم. ماده ۹۴ ق.م.ا) دادگاه می‌تواند (اعمال این موارد کاملاً اختیاری است حتی جایی که تمام شرایط مقرر هم فراهم باشد) پس از اِحراز مجرمینت متهم (یعنی متهم قابلیت محکومیت به ارتکاب جرم را داراست) (در نتیجه: فقط دادگاه می‌تواند اقدام به صدور این قرار نماید و دادسرا مجاز به این کار نیست) با ملاحظه وضعیت فردی (اصولاً نهادهای ارفاقی در راستای اصل فردی کردن مجازات‌ها می‌باشند)، خانوادگی و اجتماعی (بیانگر اصل فردی کردن مجازات) و سوابق و اوضاع و

احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است در صورت وجود شرایط زیر (تمامی این شرایط باید مهیا باشند)، صدور حکم (تعویق صدور حکم به صورت قرار است نه حکم و در این صورت کل حکم مورد تعویق قرار می‌گیرد و امکان تعویق قسمتی از صدور حکم امکان ندارد برخلاف تعلیق) را به مدّت شش ماه تا دو سال به تعویق اندازد:

الف- وجود جهات تخفیف (بر اساس موارد مُصرّحه در قانون علی‌الخصوص ماده ۳۸ همین قانون)

ب- پیش‌بینی اصلاح مُرتکب

پ- جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران

ت- فقدان سابقه کیفری مؤثر (منظور از سابقه محکومیت، سابقه‌ی محکومیت مندرج در دادنامه است نه مجازات قانونی جرم) (ر.ک به ماده ۲۵ همین قانون و همچنین برای دیدن قرار تعلیق تعقیب و شرایط آن رجوع کنید به ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری علی‌الخصوص تبصره ۳ ماده مذکور).

تبصره -

محکومیت مؤثر، محکومیتی است که محکوم را به تبع اجرای حکم، بر اساس ماده (۲۵) این قانون از حقوق اجتماعی محروم می‌کند. (اعمال تعویق صدور حکم احتیاجی به رضایت شاکی یا مدعی خصوصی ندارد و در صورتی که تمام شرایط مهیا باشد دادگاه تکلیفی در اعمال آن ندارد).

نکته ۱- تعویق صدور حکم در مورد جرائم تعزیری درجه ۶ تا ۸ امکان‌پذیر است.

نکته ۲- در خصوص تعویق، حکم محکومیت صادر نمی‌شود، بنابراین تعیین مجازات هم نخواهد شد و فقط دادگاه مکلف به احراز مجرمیت متهم گردیده است تا در صورتی که مجرمیت وی اثبات نشود، وی را تبرئه نماید نه اینکه قرار تعویق صدور حکم صادر نماید (ح. ج. ع. د. کتر فخرالدین عباس زاده ص ۲۴۰).

نکته ۳- قانون‌گذار در ماده ۹۴ ق.م.ا. کلیه جرائم تعزیری ارتكابی توسط اطفال و نوجوانان را مشمول تعویق دانسته است.

نکته ۴- اصولاً برای تعیین درجه جرم باید به مجازات قانونی توجه شود بنابراین اگر مجازاتی تخفیف یابد یا تشدید شود نمی‌توان مجازات تخفیف یافته یا مشدد را ملاک قرار داد (زراعت).

نکته ۵- تعویق صدور حکم در حدود، قصاص، دیات و تعزیرات از درجه‌ی ۱ تا درجه ۵ امکان‌پذیر نیست و فقط در جرائم تعزیری غیرمنصوص شرعی درجه ۶ تا ۸ قابلیت اعمال دارد.

مواد مرتبط

ماده ۹۴ قانون مجازات اسلامی؛ دادگاه می‌تواند در مورد تمام جرائم تعزیری ارتكابی توسط نوجوانان، صدور حکم را به تعویق اندازد یا اجرای مجازات را معلق کند. ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری؛ در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آن‌ها قابل تطبیق است، پنهان‌پوشی شکلی وجود نداشته، گذشت کرده یا فسارت وارده پیران گردیده باشد و یا با موافقت بزه دیر، ترتیب پرداخت آن در مدت مشخصی داده شود و متهم نیز فاقد سابقه‌ی محکومیت مؤثر کیفری باشد دادستان می‌تواند پس از اخذ موافقت متهم و در صورت ضرورت با اخذ تأمین متناسب، تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق کند. در این صورت، دادستان متهم را حسب مورد، مکلف به اجرای برخی از دستورهای زیر می‌کند:

الف-...

ماده ۴۱- اقسام تعویق صدور حکم

تعویق به شکل ساده یا مراقبتی است.

الف- در تعویق ساده مُرتکب به طور کتبی متعهد می‌گردد (در این مورد خبری از دستور یا تدابیر نیست)، در مدّت تعیین شده به وسیله دادگاه، مرتکب جرمی نشود (منظور ارتکاب جرم به طور مطلق است یعنی مرتکب هیچ جرمی نشود حتی اگر این جرائم جزو جرائم مذکور در ماده ۴۴ نباشند) و از نحوه رفتار وی پیش‌بینی شود که در آینده نیز مُرتکب جرم نمی‌شود.

ب- در تعویق مراقبتی، علاوه بر شرایط تعویق ساده، (تعهد به صورت کتبی) مُرتکب متعهد می‌گردد دستورها و تدابیر مقرر شده به وسیله دادگاه را در مدّت تعویق رعایت کند یا به موقع اجراء گذارد.

تبصره ۱-

دادگاه نمی‌تواند قرار تعویق صدور حکم را به صورت غیابی صادر کند (قرار غیابی مطلقاً قابلیت صدور ندارد).

تبصره ۲ -

چنانچه متهم در بازداشت باشد، دادگاه پس از صدور قرار تعویق صدور حکم، بلافاصله دستور آزادی وی را صادر می‌نماید. دادگاه می‌تواند در این مورد، تأمین مناسب اخذ نماید. در هر صورت اخذ تأمین نباید به بازداشت مرتکب منتهی گردد.

(برای دیدن استثناء وارد بر این ماده رجوع کنید به ماده ۶۱۰ ق.م.ا. بخش تعزیرات).

ماده ۴۲ - تدابیر ضمن تعویق مراقبتی

تعویق مراقبتی همراه با تدابیر (تدابیر مقرر در این ماده الزامی هستند و حصری‌اند) زیر است:

- الف - حضور به موقع در زمان و مکان تعیین شده توسط مقام قضائی یا مددکار اجتماعی ناظر
 - ب - ارائه اطلاعات و اسناد و مدارک تسهیل کننده نظارت بر اجرای تعهدات محکوم برای مددکار اجتماعی
 - پ - اعلام هرگونه تغییر شغل، اقامتگاه یا جابه‌جایی در مدت کمتر از پانزده روز و ارائه گزارشی از آن به مددکار اجتماعی
 - ت - کسب اجازه از مقام قضائی به منظور مسافرت به خارج از کشور
- تبصره -

تدابیر یادشده می‌تواند از سوی دادگاه، همراه با برخی تدابیر معاضدتی از قبیل معرفی مرتکب به نهادهای حمایتی باشد.

نکته ۱- در ماده تدابیر مذکور به صورت عام مجموعی تمامی آن‌ها باید رعایت شود.

نکته ۲- شخص مرتکب ملزم به رعایت این امور در دوره تعویق است.

ماده ۴۳ - دستورات ضمن تعویق صدور حکم

در تعویق مراقبتی، دادگاه صادرکننده قرار می‌تواند با توجه به جرم ارتكابی و خصوصیات مرتکب (بیانگر اصل فردی کردن مجازات است) و شرایط زندگی او به نحوی که در زندگی وی یا خانواده‌اش اختلال اساسی و عمده ایجاد نکند مرتکب را به اجرای یک یا چند مورد از دستورهای زیر در مدت تعویق، ملزم نماید:

الف - جرفه‌آموزی یا اشتغال به حرفه‌ای خاص

ب - اقامت یا عدم اقامت در مکان معین

پ - درمان بیماری یا ترک اعتیاد

ت - پرداخت نفقه افراد واجب‌النّفقه

ث - خودداری از تصدّی کلیه یا برخی از وسایل نقلیه موتوری

ج - خودداری از فعالیت حرفه‌ای مرتبط با جرم ارتكابی یا استفاده از وسایل مؤثر در آن

چ - خودداری از ارتباط و معاشرت با شرکا یا معاونان جرم یا دیگر اشخاص از قبیل بزه دیده به تشخیص دادگاه

ح - گذراندن دوره یا دوره‌های خاص آموزش و یادگیری مهارت‌های اساسی زندگی یا شرکت در دوره‌های تربیتی، اخلاقی، مذهبی، تحصیلی یا ورزشی

نکته ۱- دستورات مقرر در این ماده حصری هستند و به غیر از این دستورات نمی‌توان دستورات دیگری را بر محکوم‌علیه تحمیل کرد.

نکته ۲- دادگاه مخیر به الزام مرتکب به اجرای دستورهای این ماده است.

ماده ۴۴ - لغو قرار تعویق صدور حکم

در مدت تعویق، در صورت ارتكاب جرم (چه حکمی صادر شده باشد و چه حکمی صادر نشده باشد) و در صورت صدور حکم چه این حکم قطعی شده باشد و چه قطعی نشده باشد) موجب حدّ، قصاص، جنایات عمدی (جرائم غیرعمدی به هر میزان هم که باشد سبب الغای قرار تعویق صدور حکم نمی‌شود) موجب دیه یا تعزیر تا درجه هفت، (جرائم عمدی موجب تعزیر درجه ۱ تا ۷ را مدنظر قرار داده است) (موارد مذکور در این ماده سبب الزامی بودن لغو قرار تعویق صدور حکم هستند) دادگاه به لغو قرار تعویق اقدام و حکم محکومیت صادر می‌کند. در صورت عدم اجرای دستورهای دادگاه، قاضی می‌تواند (اعمال این مورد کاملاً اختیاری و در اختیار مقام قضائی است) برای یک بار تا نصف (یعنی حداکثر تا نصف) مدت مقرر در قرار، به مدت تعویق اضافه یا حکم محکومیت صادر کند.

تبصره -

در صورت الغای قرار تعویق و صدور حکم محکومیت، صدور قرار تعلیق اجرای مجازات ممنوع است.

نکته ۱- چنانچه مجازات تکمیلی یا تتمیمی در جرائم تعزیری به پیوست مجازات اصلی مورد حکم قرار گیرد، مجازات‌های مورد بحث (تکمیلی و تتمیمی) نیز مورد حکم تعلیق اجرای مجازات قرار می‌گیرد به عبارتی این مجازات‌ها تکمیلی و تبعی به تنهایی قابل تعلیق

نیستند.

نکته ۲- در صورت عدم اجرای دستورهای دادگاه برای مرتبه‌ی دوم قاضی مکلف به لغو قرار صدور تعویق حکم و صدور حکم محکومیت است.

ماده ۴۵ - تعیین کیفر یا معافیت از آن

پس از گذشت مدّت تعویق با توجه به میزان پایبندی مرتکب به اجرای دستورهای دادگاه، گزارش‌های مددکار اجتماعی و نیز ملاحظه وضعیت مرتکب، دادگاه حسب مورد به تعیین کیفر یا صدور حکم معافیت از کیفر، اقدام می‌کند. (این ماده شامل جرائم منصوص شرعی نمی‌شود و فقط در خصوص جرائم تعزیری غیرمنصوص قابلیت اعمال دارد. ر.ک تبصره ۲ ماده ۱۱۵ ق.م.ا.).

نکته ۱- اگر قاضی حکم معافیت را صادر نمود، اساساً محکومیتی در پرونده کیفری شخص ایجاد نمی‌شود، بنابراین این گونه نیست که شخص از مجازات معاف شده اما حکم اجرا شده تلقی شود (مانند آزادی مشروط و عفو خاص) بلکه در این مورد هیچ محکومیتی صادر نمی‌شود تا بحث از رفع آثار کیفری آن محکومیت به میان آید (دکتر الهام برهانی، همان ص ۲۶۶، ج ۲).

نکته ۲- صرف انقضای مدت تعویق موجب بی‌اثر شدن تعقیب نمی‌شود. بلکه باید حکم به معافیت صادر شود.

فصل ششم - تعلیق اجرای مجازات

ماده ۴۶ - شرایط تعلیق اجرای مجازات

در جرائم تعزیری (شامل تعزیرات منصوص شرعی و حدود و قصاص و دیات و جرائم تعزیری درجه ۱ و ۲ نمی‌شود) درجه سه تا هشت دادگاه (در مورد نوجوانان در تمام جرائم تعزیری ماده ۹۴ ق.م.ا) (دادسرا صلاحیت صدور قرار تعلیق اجرای مجازات را ندارد) می‌تواند (اعمال این نظام کاملاً اختیاری است حتی با وجود تمام شرایط مقرر تکلیفی در اعمال ندارد) در صورت وجود شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را (تعلیق اجرای مجازات شامل اقدامات تأمینی و تربیتی نمی‌شود) از یک تا پنج سال معلق نماید. دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری نیز پس از اجرای یک‌سوم مجازات (منظور مجازات مورد حکم است نه مجازات قانونی در خصوص عمل ارتكابی) می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، (می‌تواند دادگاه بدوی یا تجدیدنظر باشد) تقاضای تعلیق نماید. همچنین محکوم (خودش مستقیم نمی‌تواند تقاضای تعلیق حکم نماید) می‌تواند پس از تحمّل یک‌سوم مجازات، در صورت دارا بودن شرایط قانونی، از طریق دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری تقاضای تعلیق نماید.

نکته ۱- تعلیق اجرای مجازات علی‌الاصول شامل تمام مجازات‌ها (تبعی، تکمیلی و اصلی) خواهد بود مگر اینکه قانون رأساً خود تعلیق این مجازات‌ها را ممنوع کند؛ مانند موارد مقرر در ماده ۴۷ ق.م.ا و نیز مواد ۷۰۲ و ۷۰۳ ق.م.ا. بخش تعزیرات.

نکته ۲ - تعدد جرم مانع از صدور قرار تعلیق اجرای مجازات نیست.

نکته ۳- رد درخواست تعلیق اجرای بخشی از مجازات فاقد اعتبار امر مختوم است یعنی درخواست مجدد بلامانع است.

نکته ۴- شعب تعزیرات حکومتی دادگاه نبوده و توانایی صدور قرار تعلیق ندارند.

نکته ۵- در جرم اختلاس هرگاه مرتکب تمام وجه یا مال را قبل از صدور کیفرخواست مسترد نماید، مرتکب از تمام یا قسمتی از جزای نقدی معاف می‌شود و حبس معلق می‌شود و انفصال دربارهی او اجرا می‌شود.

نکته ۶- حکم تبصره ۱ ماده ۴۱ فقط در مورد نهاد تعویق صدور حکم پیش‌بینی شده است و اعمال سایر نهادها مانند تعلیق اجرای مجازات به‌صورت غیابی نیز ممکن است.

نکته ۷- تعلیق جزای نقدی وقتی مقدور است که شاکی خصوصی وجود نداشته باشد و محکوم نیز استطاعت پرداخت تمام یا قسمتی از جزای نقدی را ندارد.

نکته ۸- تعلیق جزای نقدی وقتی مقدور است که شاکی خصوصی وجود نداشته باشد و محکوم نیز استطاعت پرداخت تمام یا قسمتی از جزای نقدی را ندارد.

ماده ۴۷ - موارد ممنوعیت تعلیق

صدور حکم و اجرای مجازات در مورد جرائم زیر و شروع به آن‌ها قابل تعویق و تعلیق نیست:

الف - جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، (رجوع کنید به مواد ۴۹۸ الی ۵۱۲ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) خرابکاری در تأسیسات آب، برق، گاز، نفت و مخابرات (رجوع کنید به ماده ۶۸۷ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵).

ب - جرائم سازمان‌یافته، سرقت مسلحانه یا مقرون به آزار، (سرقت همراه با سلاح اعم از سلاح سرد یا گرم به همراه آزار اعم از آزار مادی یا معنوی. رجوع کنید به ماده ۶۵۲ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) آدم‌ربایی و (رجوع کنید به ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) (معاونت در اسیدپاشی قابل تعلیق می‌باشد)

پ- قدرت‌نمایی و ایجاد مزاحمت با چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر، (رجوع کنید به ماده ۶۱۷ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) جرائم علیه عفت عمومی، (مثل رابطه‌ی نامشروع. رجوع کنید به ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) تشکیل یا اداره مراکز فسّاد و فحشاء

ت- قاچاق عمده مواد مخدر یا روان‌گردان، (قاچاق عمده) مشروبات الکلی و (قاچاق عمده) سلاح و مهمات و (و خرید و فروش و نگهداری این موارد) قاچاق انسان (به صورت مطلق بیان شده و شامل عمده و غیر آن می‌گردد).

ث - تعزیر بدل از قصاص نفس، (رجوع کنید به ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) معاونت در قتل عمدی و (معاونت در جرم) محاربه و (معاونت در جرم) افساد فی‌الأرض

ج- جرائم اقتصادی، (به استثناء تبصره ۳ ماده ۵ قانون مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری در خصوص مسترد کردن مال مورد اختلاس قبل از صدور کیفرخواست) با موضوع جرم بیش از یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال

تبصره- در جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور در صورت همکاری مؤثر در کشف جرم و شناسایی سایر متهمان، تعلیق بخشی از مجازات [نه همه آن] بلامانع است. همچنین تعلیق مجازات جرائم علیه عفت عمومی به جز جرائم موضوع مواد ۶۳۹ [دایر یا اداره کردن مراکز فساد و فحشا / تشویق کردن مردم به فساد و فحشا / فراهم نمودن موجبات فساد و فحشا] و ۶۴۰ [ساختن یا در معرض فروش قرار دادن تصاویر و فیلم‌های ... که عفت و اخلاق عمومی را جریحه‌دار می‌کند] «کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی» در کلاهبرداری و جرائمی که مجازات کلاهبرداری درباره آنها مقرر شده یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب می‌شود و شروع به جرائم مقرر در این تبصره، بلامانع است. رعایت ماده ۴۶ این قانون در خصوص این تبصره الزامی است. (تعلیق مجازات انفصال دائم یا موقت چه در جرائم مواد مخدر و چه در سایر جرائم برخلاف قانون است مگر اینکه در خود قانون قید شده باشد یا در حکم دادگاه که در خصوص این موارد امکان تعلیق وجود دارد).

نکته ۱- معاونت در سرقت موجب حد قابل تعلیق است، معاونت در حدود به استثنای حد محاربه قابل تعلیق می‌باشند.

نکته ۲- در صورتی که محکوم‌علیه به ۱۰ سال حبس تعزیری بدل از قصاص نفس محکوم شود، صدور حکم و اجرای مجازات، قابل تعویق و تعلیق نمی‌باشد.

نکته ۳- شخصی به اتهام اسیدپاشی تحت تعقیب دادسرا قرار گرفته است. پس از صدور کیفرخواست در جلسه‌ی محاکمه، ضمن پذیرش اتهام از دادگاه تقاضای تعویق صدور حکم یا تعلیق اجرای آن را می‌کند. در این خصوص هم تعویق صدور حکم و هم تعلیق اجرای مجازات، ممنوع است.

نکته ۴- جرائم اقتصادی با موضوع جرم کمتر از یکصد میلیون ریال، (۱۰ میلیون تومان) قابل تعلیق است و همچنین است مجازات معاونت در سرقت مستوجب حد.

نکته ۵- شخصی مرتکب جرم شروع به آدم‌ربایی شده است، مجازات وی قابل تعلیق نیست اما معاونت در آدم‌ربایی قابلیت تعلیق را دارا می‌باشد.

نکته ۶- ماده ۷۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مقرر داشته، جزای نقدی مقرر در این قانون از سوی مرجع رسیدگی‌کننده قابل تعلیق و تخفیف نیست و مجازات‌های حبس و شلاق در جرائم قاچاق کالاهای ممنوعه حرفه‌ای و سازمان‌یافته موضوع این قانون نیز قابل تعویق نیست. این ممنوعیت در خصوص اطفال و نوجوانان مرتکب اعمال نمی‌شود.

نکته ۷- در ماده ۴۷ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲ دسته‌ای از جرایم، غیر قابل تعویق و غیر قابل تعلیق اعلام شده است در تبصره الحاقی این ماده مصوب ۱۳۹۹، امکان تعلیق اجرای مجازات چند جرم از جرایم مذکور در ماده و همچنین شروع به آنها ممکن شده است (به عبارتی تبصره الحاقی ماده، حکم ماده را تخصیص زده است و چند جرم که تا پیش از الحاق این تبصره، غیر قابل تعلیق بودند هم‌اکنون قابل تعلیق هستند).

نکته ۸- سایر جرائم علیه عفت عمومی (غیر از جرائم مذکور در مواد ۶۳۹ و ۶۴۰) از جمله جرائم روابط نامشروع مادون زنا (ماده ۶۳۷) و تظاهر

به عمل حرام در اماکن و انتظار عمومی، حضور بدون حجاب شرعی در معابر و انتظار عمومی (ماده ۶۳۸) قابل تعلیق است.

نکته ۹- کلاهبرداری و کلیه جرائم در حکم کلاهبرداری و جرائمی که مجازات کلاهبرداری درباره آنها مقرر شده یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب می شود (مانند انتقال مال غیر، تبانی برای بردن مال غیر، معرفی مال دیگری به عنوان مال خود، تقاضای ثبت ملک متعلق به دیگری، تحصیل انحصار وراثت با علم به وجود وراثت دیگری یا با علم به عدم وارث بودن خود و ...) صرف نظر از مبلغ آن قابل تعلیق هستند.

نکته ۱۰- لازم به توضیح است در جرائم مذکور در تبصره الحاقی، صرفاً تعلیق اجرای مجازات جایز است (نه تعویق صدور حکم) مثلاً اگرچه طبق این تبصره، تعلیق اجرای مجازات روابط نامشروع مادون زنا (ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی [تعزیرات]) جایز دانسته شده است اما چون این جرم، از جرائم علیه عفت عمومی است (که در بند پ ماده ۴۷ به آن اشاره شده است) تعویق صدور حکم در این جرم همچنان ممنوع است ضمناً لازم به توضیح است غیر از جرائم مذکور در تبصره الحاقی ماده، که تعلیق اجرای مجازات در آنها جایز اما تعویق صدور حکم ممنوع است در مابقی جرائم مذکور در ماده ۴۷ ق.م.ا.م.صوب ۱۳۹۲ هم امکان تعویق و هم امکان تعلیق تمام یا بخشی از مجازات وجود ندارد و جز در موارد مذکور در تبصره الحاقی، جرمی که فقط یکی از نهادهای تعویق و تعلیق در آن قابل اجرا نباشد وجود ندارد.

ماده ۴۸ - تعلیق ساره یا مراقبتی

تعلیق مجازات با رعایت مقررات مندرج در تعویق صدور حکم، ممکن است به طور ساده یا مراقبتی باشد.

ماده ۴۹ - صدور قرار تعلیق

قرار تعلیق اجرای مجازات به وسیله دادگاه ضمن حکم محکومیت یا پس از صدور آن صادر می گردد. کسی که اجرای حکم مجازات وی به طور کلی (برای دیدن شرایط کسی که قسمتی از مجازاتش معلق می شود رجوع کنید به ماده ۵۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) معلق شده است، اگر در بازداشت باشد فوری آزاد می گردد. (در تعلیق مجازات نیازی به اخذ تأمین نیست).

مواد مرتبط

ماده ۳۷۶ قانون آیین دادرسی کیفری؛ هرگاه رأی بر برائت، منع یا موقوفی تعقیب و یا تعلیق اجرای مجازات صادر شود و متهم در بازداشت باشد، بلافاصله به دستور دادگاه آزاد می شود.

نکته ۱- بر طبق ماده ۲۵۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحی ۱۳۹۴؛ با صدور قرار تعلیق اجرای مجازات، قرار نظارت قضائی لغو می شود. در این حالت و در حالت آزادی مجرم، نیازی به قطعیت یافتن قرار تعلیق اجرای مجازات نیست.

ماده ۵۰ - ضمانت اجرای تلف از دستور دادگاه

چنانچه محکومی که مجازات او معلق شده است در مدت تعلیق بدون عذر موجه از دستورهای دادگاه تبعیت نکند، دادگاه صادرکننده حکم قطعی می تواند (کاملاً اختیاری است) به درخواست دادستان یا قاضی اجرای احکام، برای بار اول یک تا دو سال به مدت تعلیق اضافه یا قرار تعلیق را لغو نماید. تخلف از دستور دادگاه برای بار دوم، موجب إلغای قرار تعلیق (در نوبت دوم برخلاف نوبت اول، الغای قرار تکلیف و اجباری است) و اجرای مجازات می شود.

نکته ۱- چنانچه محکوم برای بار دوم در مدت تعلیق اجرای مجازات، بدون عذر موجه از دستورهای دادگاه پیروی نکند، دادگاه صادرکننده حکم قطعی، اقدام به الغای قرار تعلیق و اجرای مجازات می کند.

ماده ۵۱ - عزم تأثیر تعلیق در حقوق اشخاص

تعلیق اجرای مجازات محکوم، نسبت به حق مدعی خصوصی تأثیری ندارد و حکم پرداخت خسارت یا دیه (همچنین صدور این قرار تأثیری در پرداخت هزینه دادرسی ندارد) در این موارد اجراء می شود.

مواد مرتبط

ماده ۹۸ قانون مجازات اسلامی؛ عفو، همه آثار محکومیت را منتفی می کند لکن تأثیری در پرداخت دیه و جبران خسارت زیان دیرینه ندارد.

ماده ۱۱۳ قانون مجازات اسلامی؛ موقوف شدن تعقیب، صدور حکم یا اجرای مجازات، مانع استیفای حقوق مدعی خصوصی نیست و متقصر از جرم می تواند دعوی خصوصی را در مربع صالح اقامه نماید.

ماده ۵۲ - بی اثر شدن تعلیق

هرگاه محکوم از تاریخ صدور قرار تا پایان مدّت تعلیق، مرتکب جرم عمدی (جرم غیر عمدی مطلقاً سبب لغو قرار تعلیق نمی شود) موجب حدّ، قصاص (اعم از نفس و اعضاء)، دیه یا تعزیر (اعم از منصوص شرعی یا غیر منصوص شرعی) تا درجه هفت نشود، محکومیت تعلیقی، بی اثر می شود. (یعنی از سبج کیفری وی حذف خواهد شد و اگر بعد از آن مرتکب جرم دیگری شود، مشمول قواعد تکرار جرم نخواهد بود و بزهدکار عیناً مانند کسی است که برای نخستین بار مرتکب جرم شده است و قاعدتاً باید بتواند بار دیگر از تعلیق استفاده کند البته در موضوع جرمی دیگر نه همان جرمی که یکبار مجازاتش تعلیق شده و تعلیقش لغو شده است).

ماده ۵۳ - نحوه ابرای تعلیق قسمتی از مجازات

در صورتی که قسمتی از مجازات یا یکی از مجازات‌های مورد حکم معلق شود، مدّت تعلیق از زمان خاتمه اجرای مجازات غیرمعلق محاسبه می گردد. (نتیجه: تعلیق در مورد اشخاصی که بخشی از مجازات ایشان معلق شده است یا یکی از مجازات‌های ایشان معلق شده است نیز قابل اجرا است).

تبصره -

در مواردی که به موجب قوانین اداری و استخدامی، محکومیت کیفری موجب انفصال است در صورت تعلیق، (اصل بر این است که) محکومیت معلق، موجب انفصال نمی گردد، مگر آنکه در قانون (منظور قانون اداری و استخدامی است) تصریح یا قرار تعلیق لغو شود.

نکته ۱ - مجازات انفصال دائم از شغل به لحاظ ارتشاء قابل تعلیق نیست (نظریه مشورتی شماره ۶۷۴/۷ مورخ ۶۸/۲/۳۱).

ماده ۵۴ - لغو قرار تعلیق

هرگاه محکوم از تاریخ صدور قرار تا پایان مدّت تعلیق، مرتکب یکی از جرائم عمدی موجب حدّ، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت شود، پس از قطعیت حکم اخیر، (یعنی حکم در خصوص جرم حدی، قصاص، دیه و تعزیرات تا درجه ۷) دادگاه قرار تعلیق را لغو و دستور اجرای حکم معلق را نیز صادر و مراتب را به دادگاه صادرکننده قرار تعلیق اعلام می کند. دادگاه به هنگام صدور قرار تعلیق به طور صریح به محکوم اعلام می کند که اگر در مدّت تعلیق مرتکب یکی از جرائم فوق شود، (رجوع کنید به ابتدای ماده ۵۲ و ماده ۵۴ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) علاوه بر مجازات جرم اخیر، مجازات معلق نیز درباره وی اجرا می شود.

نکته ۱ - چنان چه دادگاه ضمانت اجرای تخلف از دستورها را قید نکرده باشد، تخطی از آنها در تعلیق بی اثر خواهد بود (گلدوزیان، ص ۱۱۶).

نکته ۲ - جرم فرار از خدمت بر طبق ماده ۱۹ تعزیر درجه ۶ است. جرم درجه ۶ هم از موارد مذکور در این ماده است لذا رأی وحدت رویه ۶۷۱ نسخ شده است در صورتی که شخصی که مجازات وی تعلیق شده مرتکب بزه فرار از خدمت شود قرار تعلیق اجرای مجازات لغو می شود.

ماده ۵۵ - ابراز محکومیت کیفری پس از صدور قرار تعلیق

هرگاه پس از صدور قرار تعلیق، دادگاه ابراز نماید که محکوم دارای سابقه محکومیت کیفری مؤثر (منظور محکومیتی است که محکوم را به تبع اجرای حکم، بر اساس ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی از حقوق اجتماعی محروم می کند) یا محکومیت‌های قطعی (اگر پرونده در جریان باشد این امر موجب الغای قرار تعلیق نمی شود) دیگری بوده است که در میان آنها محکومیت تعلیقی وجود داشته و بدون توجه به آن، اجرای مجازات معلق شده است، قرار تعلیق را لغو می کند. دادستان یا قاضی اجرای احکام نیز موظف است در صورت اطلاع از موارد فوق، (اشخاص مذکور موظف هستند لغو قرار تعلیق اجرای مجازات را از دادگاه درخواست نمایند) لغو تعلیق مجازات را از دادگاه درخواست نمایند. حکم این ماده در مورد تعویق صدور حکم نیز جاری است.

نکته ۱ - پس از لغو تعلیق مجازات محکوم، به علت وجود سابقه محکومیت مؤثر که اجرا شده است چون دارای سابقه محکومیت اجرا شده می باشد مجازات به علت تکرار جرم تشدید می شود.

مواد مرتبط

ماده ۵۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص امکان کاهش مدت تعلیق؛

هرگاه محکوم علیه پس از سپری شدن حداقل شش ماه از مدت تعلیق ابرای مجازات، به طور مستمر حسن اطلاق و رفتار نشان دهد، قاضی ابرای اعلام کیفری، مراتب را با پیشنهاد کاهش مدت تعلیق یا لغو تمام یا برقی از دستورهای تعیین شده به دادگاه صادرکننده حکم اعلام می کند. دادگاه در وقت فوق العاده در مورد پیشنهاد قاضی ابرای

احکام کیفری تصمیم می‌گیرد.

تبصره: در صورت عدم پذیرش پیشنهاد از سوی دادگاه، قاضی اجرای احکام کیفری می‌تواند هر دو ماه یک بار مهراً اجرای این ماده را به دادگاه پیشنهاد نماید.

فصل هفتم - نظام نیمه آزادی

ماده ۵۶ - تعریف نظام نیمه آزادی

نظام نیمه آزادی، شیوه‌ای است که بر اساس آن محکوم (کسی است که محکومیت وی قطعی و لازم‌الاجرا شده و متهم را در بر نمی‌گیرد) می‌تواند در زمان اجرای حکم حبس، (این نظام فقط مجازات حبس را شامل می‌شود آن هم فقط حبس تعزیری نه سایر مجازات‌ها مثلاً مجازات حبس در حدود را در بر نمی‌گیرد) فعالیت‌های حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی درمانی و نظایر این‌ها را (پس این موارد تمثیلی‌اند) در خارج از زندان انجام دهد. اجرای این فعالیت‌ها زیر نظر مراکز نیمه آزادی است که در سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی تأسیس می‌شود.

ماده ۵۷ - شرایط نظام نیمه آزادی (رک تبصره ۱ ماده ۵۱۳ و ۵۵۳ و ۵۵۶ و ۵۵۸ ق. آ.ر.ک)

در حبس‌های تعزیری (حبس تعزیری به صورت خاص مدنظر قرار گرفته است اعم از تعزیر منصوص شرعی و غیرمنصوص شرعی و شامل حبس حدی نمی‌شود) درجه پنج تا هفت دادگاه صادرکننده حکم قطعی (می‌تواند دادگاه بدوی باشد یا دادگاه تجدیدنظر) می‌تواند (اعمال و اجرای این نظام کاملاً اختیاری است و حتی در صورت وجود تمام شرایط دادگاه الزامی به اعمال آن ندارد) مشروط به گذشت شاکی (اعمال این نظام نیازمند گذشت شاکی است این گذشت در جرائم غیر قابل گذشت مدنظر است چراکه در جرائم قابل گذشت باگذشت شاکی و صدور قرار موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات، دیگر محلی برای اعمال این نظام باقی نمی‌ماند) و سپردن تأمین مناسب و تعهد به انجام یک فعالیت شغلی، حرفه‌ای، آموزشی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی یا درمان اعتیاد یا بیماری که در فرآیند اصلاح یا جبران خسارت وارد بر بزه دیده مؤثر است، محکوم را با رضایت خود او، (این نظام نیازمند رضایت محکوم است) تحت نظام نیمه آزادی قرار دهد. همچنین محکوم می‌تواند در طول دوره تحمل مجازات در صورت دارا بودن شرایط قانونی، صدور حکم (صدور این نظام برخلاف تعویق و تعلیق که به صورت قرار بودند در غالب حکم صادر می‌شود) نیمه آزادی را تقاضا نماید و دادگاه موظف به رسیدگی است. (این تکلیف به رسیدگی به منزله‌ی تکلیف در اعمال نیست و اعمال این نظام کاملاً اختیاری است).

تبصره - مقررات این ماده در مورد حبس‌های تعزیری درجه دو، درجه سه و درجه چهار، در صورت گذراندن یک‌چهارم مدت حبس قابل‌اعمال است.

نکته ۱- تا پیش از الحاق تبصره به ماده فوق، صرفاً در جرائم تعزیری درجه پنج تا هفت امکان اعمال مقررات نظام نیمه‌آزادی وجود داشت اما طبق این تبصره در جرائم تعزیری درجه دو تا چهار نیز امکان اعمال نیمه آزادی وجود دارد بنابراین هم‌اکنون در جرائم تعزیری درجه دو تا هفت امکان اعمال مقررات نظام نیمه‌آزادی وجود دارد با این توضیح که در جرائم درجه دو تا چهار پس از گذشت مدت یک چهارم از مجازات امکان اعمال نظام نیمه‌آزادی وجود دارد (مثلاً اگر شخصی به هشت سال محکوم شده باشد چون این جرم درجه چهار است پس از گذشت یک چهارم از مدت مجازت یعنی دو سال، امکان اعمال مقررات نیمه‌آزادی وجود دارد) ولی در جرائم درجه پنج تا هفت از همان ابتدا و بدون نیاز به گذشت مدت زمانی خاصی می‌توان مقررات نیمه‌آزادی را اعمال کرد.

فصل هشتم - نظام آزادی مشروط

ماده ۵۸ - شرایط آزادی مشروط

در مورد محکومیت به حبس تعزیری، (شامل حبس اعم از تعزیر منصوص شرعی است چراکه در تبصره ۲ ماده ۱۱۵ اشاره‌ای به این ماده نشده است و شامل تعزیر غیرمنصوص از درجه ۱ تا درجه ۸ می‌گردد) دادگاه صادرکننده حکم (منظور دادگاه صادرکننده حکم قطعی است که می‌تواند دادگاه بدوی یا دادگاه تجدیدنظر باشد در نتیجه دادسرا صلاحیت صدور این حکم را ندارد) می‌تواند (اعمال این نظام کاملاً اختیاری است حتی در صورت وجود تمام شرایط برای محکوم) در مورد محکومان به حبس (منظور حبس مقرر در دادنامه است) بیش از ده سال پس از تحمل نصف و در سایر موارد پس از تحمل یک‌سوم مدت مجازات (مجازات مقرر در دادنامه نه مجازات مقرر قانونی) به پیشنهاد دادستان یا

قاضی اجرای احکام (این اشخاص خود شخصاً توانایی صدور حکم به آزادی مشروط را ندارند و فقط پیشنهاددهنده‌اند که قاضی دادگاه می‌تواند پیشنهاد آن‌ها را بپذیرد یا رد نماید) با رعایت شرایط زیر، حکم به آزادی مشروط را صادر کند:

الف- محکوم در مدت اجرای مجازات همواره از خود حسن اخلاق و رفتار نشان دهد.

ب- حالات و رفتار محکوم نشان دهد که پس از آزادی، دیگر مرتکب جرمی نمی‌شود.

پ- به تشخیص دادگاه محکوم تا آنجا که استطاعت دارد ضرر و زیان مورد حکم یا مورد موافقت مدعی خصوصی را بپردازد یا قراری برای پرداخت آن ترتیب دهد. (نتیجه: جبران خسارت شرط اعمال نظام آزادی مشروط نیست).

ت- محکوم پیش از آن از آزادی مشروط استفاده نکرده باشد. (جلب رضایت شاکی یا مدعی خصوصی شرط اعطای آزادی مشروط نیست یعنی برای اعمال نیازمند گذشت شاکی نیست) انقضای مواعد فوق و همچنین مراتب مذکور در بندهای (الف) و (ب) این ماده پس از گزارش رئیس زندان محل به تأیید قاضی اجرای احکام می‌رسد. قاضی اجرای احکام موظف است مواعد مقرر و وضعیت زندانی را درباره تحقق شرایط مذکور بررسی و در صورت اجراز آن، پیشنهاد آزادی مشروط را به دادگاه تقدیم نماید. (ر.ک تبصره ۳ ماده ۲۵ ق.م.ا)

نکته ۱- حبس بدل از جزای نقدی شامل اعمال نظام آزادی مشروط نمی‌شود.

نکته ۲- اگر مجازات شخصی به استناد کیفیت مخففه یا عفو تقلیل یابد برای محاسبه‌ی مدت زمان مذکور در ماده مجازات تقلیل یافته باید محاسبه شود. (دکتر اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی جلد سوم صفحه ۲۲۸)

نکته ۳- جلب رضایت مدعی خصوصی شرط اعطای نظام آزادی مشروط نمی‌باشد.

نکته ۴- شخصی که به دلیل عدم رعایت مفاد مجازات تکمیلی به حبس محکوم شده است نمی‌تواند از آزادی مشروط استفاده کند.

نکته ۵- تبعید و اقامت اجباری را نمی‌توان حبس دانست بنابراین امکان صدور حکم آزادی مشروط در تبعید و اقامت اجباری وجود ندارد (نوربها، ص ۴۳۲).

نکته ۶- استفاده از عفو مانع از استفاده از آزادی مشروط نیست (نظریه ۷۱۷۹۶۶-۶۶/۱۰/۰۸) اداره حقوقی قوه قضائیه.

نکته ۷- در مجازات به حبس ابد هم در صورتی که با عفو به مجازات مدت‌دار تبدیل شود می‌توان مقررات آزادی مشروط را اعمال کرد. (اردبیلی، ص ۲۲۸).

نکته ۸- تعدد جرم مانع استفاده از آزادی مشروط نیست. (نظریه ۱۷۲/۲/۲۱-۱/۵۲۹) اداره حقوقی قوه قضائیه.

نکته ۹- وجود سابقه قبلی مانع از استفاده از آزادی مشروط نیست حتی اگر مقررات تکرار جرم در وی اعمال شده باشد؛ اما سابقه قبلی استفاده از آزادی مشروط مانع اعمال این نظام است.

نکته ۱۰- در استفاده از آزادی مشروط نهادهای مختلفی مداخله و مشارکت دارند، زندان، قاضی اجرای احکام و دادگاه صادرکننده رأی قطعی (اعم از بدوی یا تجدیدنظر).

نکته ۱۱- دادگاه مختار است که درخواست آزادی مشروط را قبول یا رد کند و به این حکم دادگاه هیچ‌گونه اعتراضی وارد نیست زیرا آزادی مشروط حقی نیست که دادگاه مکلف به اعطای آن باشد اما رد درخواست آزادی مشروط مانع از درخواست مکرر نیست.

نکته ۱۲- آزادی مشروط فرصت و مجالی است که پیش از پایان دوره محکومیت به محکوم در بند داده می‌شود تا در طول مدتی که دادگاه تعیین می‌کند چنانچه از خود رفتاری پسندیده نشان دهد و دستورات دادگاه را به موقع اجرا گذارد از آزادی مطلق برخوردار شود.

نکته ۱۳- اگر فردی در مدت آزادی مشروط تمام شرایط و ضوابط و دستورهای دادگاه را رعایت کرد، آزادی او بعد از اتمام مدت آزادی مشروط قطعی می‌شود اما این آزادی باعث زوال سابقه محکومیت کیفری فرد نمی‌شود و آثار ناشی از محکومیت فرد به جای خودش محفوظ است و در صورت ارتکاب جرم جدید این محکومیت به عنوان سابقه برای تکرار جرم محسوب می‌شود.

نکته ۱۴- پرونده‌ای که دادگاه تجدیدنظر رسیدگی کرده، اعطای آزادی مشروط آن با همان دادگاه تجدیدنظر است، لکن حکمی را که دیوان عالی کشور مورد تأیید قرار داده با دادگاه بدوی صادرکننده رأی است زیرا دیوان عالی کشور جز نقض و ابرام آراء محاکم وظیفه‌ی دیگری ندارد. (نظریه‌ی مشورتی شماره ۴۶۵/۷ مورخ ۱۳۸۳/۶/۳۱)

ماده ۵۹ - مُدَّت آزادی مَشْرُوط

(اصل بر این است که) مُدَّت آزادی مَشْرُوط شامل بقیه مُدَّت مجازات می‌شود، لکن دادگاه می‌تواند مُدَّت آن را تغییر دهد و در هر حال آزادی مَشْرُوط نمی‌تواند کمتر از یک سال و بیشتر از پنج سال باشد (پس حبس تعزیری درجه ۷ و ۸ نمی‌توانند مشمول این نظام شوند) جز در مواردی که مدت باقیمانده کمتر از یک سال باشد که در این صورت مدت آزادی مَشْرُوط معادل بقیه مُدَّت حبس است.

ماده ۶۰ - آزادی مَشْرُوط همراه با دستورات

دادگاه می‌تواند با توجه به اوضاع و احوال وقوع جرم و خصوصیات روانی و شخصیت محکوم، (بیانگر اصل فردی کردن مجازات است) او را در مُدَّت آزادی مَشْرُوط، به اجرای دستورهای مُنَدَرَج در قرار تعویق صدور حکم، ملزم کند (یا اینکه بدون صدور هرگونه دستوری خاصی او را رها نماید) (رجوع کنید به ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲). دادگاه، دستورهای مذکور و آثار عدم تبعیت از آن‌ها و نیز آثار ارتکاب جرم جدید را در حکم خود قید و به محکوم تفهیم می‌کند.

ماده ۶۱ - ضمانت اجرای تلافی از دستورات

هرگاه محکوم در مُدَّت آزادی مَشْرُوط، بدون عذر موجه از دستورهای دادگاه تبعیت نکند برای بار اول یک تا دو سال به مُدَّت آزادی مَشْرُوط وی افزوده می‌شود. در صورت تکرار (یعنی برای بار دوم و بعد از آن) یا ارتکاب یکی از جرائم عمدی (برای اولین بار پس از صدور حکم آزادی مَشْرُوط سبب الغاء حکم آزادی مَشْرُوط می‌شود برخلاف عدم تبعیت از دستورات دادگاه که برای دومین بار سبب الغاء می‌گردد) (جرائم غیرعمدی به هر درجه و با هر مجازاتی که باشند سبب الغای حکم آزادی مَشْرُوط نمی‌شوند) موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت، علاوه بر مجازات جرم جدید، مُدَّت باقیمانده محکومیت نیز به اجراء درمی‌آید، (در این صورت معیار مجازات قانونی است نه قضائی) در غیر این صورت آزادی او قطعی می‌شود.

نکته ۱- مطابق قانون مجازات مصوب ۹۲ اصولاً آزادی مَشْرُوط به میزان ۱ تا ۵ سال است.

نکته ۲- حداکثر مدت آزادی مَشْرُوط ۵ سال است. مدت آزادی مَشْرُوط شامل بقیه مدت مجازات می‌شود، لکن دادگاه می‌تواند مدت آن را تغییر دهد و در هر حال آزادی مَشْرُوط نمی‌تواند کمتر از یک سال و بیش از ۵ سال باشد، جز در مواردی که مدت باقی‌مانده کمتر از یک سال باشد که در این صورت مدت آزادی مَشْرُوط معادل بقیه مدت حبس است.

نکته ۳- از جمله شرایط اعطای آزادی مَشْرُوط، عدم استفاده‌ی قبلی از آزادی مَشْرُوط است.

نکته ۴- اگر مجرم در مدت آزادی مَشْرُوط مرتکب جرم جدیدی گردد تصمیم دادگاه به قرار ذیل است:
اجرای بقیه‌ی مدت مجازات و تشدید مجازات به دلیل شمول تکرار جرم.

ماده ۶۲ - نظارت الکترونیکی

در جرائم تعزیری از درجه پنج تا درجه هشت، دادگاه می‌تواند (کاملاً اختیاری است حتی در صورت فراهم بودن تمام شرایط) در صورت وجود شرایط مقرر در تعویق مراقبتی، (رجوع کنید به ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) محکوم به حبس را با رضایت وی (مانند نظام نیمه آزادی) در محدوده مکانی مشخص تحت نظارت سامانه (سیستم)های الکترونیکی قرار دهد. (فقط در خصوص مجازات حبس و آن هم نه تمامی حبس‌ها بلکه فقط حبس‌های مقرر در ماده قابلیت اعمال دارد البته با رضایت محکوم).

تبصره ۱ -

دادگاه در صورت لزوم می‌تواند محکوم را تابع تدابیر نظارتی یا دستورهای ذکرشده در تعویق مراقبتی قرار دهد. (رجوع کنید به ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اصلاحی ۱۳۹۴ و نیز ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی در خصوص تدابیر مقرر در تعویق مراقبتی).

تبصره ۲ -

مقررات این ماده در مورد حبس‌های تعزیری درجه دو، درجه سه و درجه چهار نیز پس از گذراندن یک‌چهارم مجازات‌های حبس قابل اعمال است.

تبصره ۳ -

قوه قضاییه می‌تواند برای اجرای تدابیر نظارتی موضوع این ماده یا سایر مقرراتی که به موجب آن متهم یا محکوم تحت نظارت الکترونیکی قرار

می‌گیرد، با نظارت سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور از ظرفیت بخش خصوصی استفاده کند. آیین‌نامه اجرایی این تبصره توسط معاونت حقوقی قوه قضاییه با همکاری مرکز آمار و فناوری و سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضاییه می‌رسد.

نکته ۱- تا پیش از الحاق تبصره ۲، صرفاً در جرائم تعزیری درجه ۵ تا ۸، امکان قراردادن تحت سامانه‌های الکترونیکی وجود داشت اما طبق این تبصره، در جرائم تعزیری درجه دو تا چهار نیز امکان قراردادن تحت سامانه‌های الکترونیکی وجود دارد بنابراین هم‌اکنون در جرائم تعزیری درجه دو تا چهار پس از گذشت مدت یک چهارم از مجازات، امکان قراردادن تحت سامانه‌های الکترونیکی وجود دارد (مثلاً اگر شخصی به هشت سال محکوم شده باشد چون این جرم درجه چهار است پس از گذشت یک چهارم از مدت مجازات یعنی دو سال، امکان قراردادن تحت سامانه‌های الکترونیکی وجود دارد) ولی در جرائم درجه پنج تا هفت از همان ابتدا و بدون نیاز به گذشت مدت زمانی خاص می‌توان شخص را تحت سامانه‌های الکترونیکی قرار داد.

ماده ۶۳- نحوه تدوین آیین‌نامه نظام نیمه آزادی و آزادی مشروط

آیین‌نامه اجرائی مواد مربوط به نظام نیمه‌آزادی و آزادی مشروط ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون به‌وسیله سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضاییه می‌رسد.

مواد مرتبط

نوعی اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، قرار تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی مطابق مقررات راجع به ادرسی الکترونیکی و نیز نوعی اجرای مجازات‌های جایگزین حبس به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون توسط وزیر دادگستری با همکاری وزیر کشور و رئیس سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضاییه می‌رسد. تبصره: آیین‌نامه این ماده در مورد پرائم در صلاحیت سازمان قضائی نیروهای مسلح، توسط رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح و با همکاری مراجع مذکور در صدر این ماده تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضاییه می‌رسد.

فصل نهم - مجازات‌های جایگزین حبس

ماده ۶۴- انواع مجازات‌های جایگزین حبس

مجازات‌های جایگزین حبس (مجازات‌های مقرر در این ماده فقط در خصوص حبس قابلیت اعمال دارد نه سایر جرائم تعزیری البته فقط در جرائم تعزیری غیر قابل گذشت اعمال می‌شوند) عبارت از دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، (ماده ۸۴ ق.م.ا) جزای نقدی، (جزای نقدی جایگزین حبس ماده ۸۶ ق.م.ا) جزای نقدی روزانه (ماده ۸۵ ق.م.ا) و محرومیت از حقوق اجتماعی است (ماده ۸۷ ق.م.ا) (رجوع کنید به ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) که در صورت گذشت شاکی (در جرائم غیر قابل گذشت منظور می‌باشد چراکه در جرائم قابل گذشت، گذشت شاکی یا مدعی خصوصی موجب صدور قرار موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرا می‌گردد و محلی برای اعمال مجازات‌های جایگزین باقی نمی‌ماند) و وجود جهات تخفیف (این دو مورد: ۱- گذشت شاکی ۲- وجود جهات تخفیف ماده ۳۸ ق.م.ا که به‌عنوان شرایط صدور مجازات‌های جایگزین حبس ذکر شده‌اند باید باهم وجود داشته باشند تا قابلیت اعمال به وجود آید) با ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه دیده و سایر اوضاع و احوال، (موارد مذکور در این ماده تمثیلی‌اند و حصری نیستند) تعیین و اجراء می‌شود.

تبصره -

دادگاه در ضمن حکم، به سنخیت و تناسب مجازات مورد حکم با شرایط و کیفیات مقرر در این ماده تصریح می‌کند. دادگاه نمی‌تواند به بیش از دو نوع از مجازات‌های جایگزین حکم دهد.

نکته ۱- بر طبق رأی وحدت رویه شماره ۷۴۶ مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۹ اعمال مجازات‌های جایگزین حبس در مواردی که قانون‌گذار اعمال آن را الزامی دانسته است نیازمند گذشت شاکی و اعمال کیفیات مخففه نیست.

نکته ۲- برای صدور مجازات جایگزین حبس، تحقق دو پیش شرط (۱ گذشت شاکی ۲) وجود جهات تخفیف مندرج در ماده ۳۸ ضروری است.

نکته ۳- مجازات‌های جایگزین حبس:

۱- دوره مراقبت

۲- خدمات عمومی رایگان

۳- جزای نقدی جایگزین حبس

۴- جزای نقدی روزانه

۵- محرومیت از حقوق اجتماعی.

ماده ۶۵ - تبدیل حبس تا سه ماه

مُرْتَبِّیان جَرَّائِمِ عَمْدِی که حداکثر مُجازات قانونی (مجازات قانونی ملاک است نه مجازات مقرر در دادنامه) آن‌ها سه ماه حبس است (تعزیر درجه ۸) به جای حبس به مُجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند (در خصوص این مورد دادگاه مکلف به اعمال مجازات‌های جایگزین حبس است).

نکته ۱- اعمال مجازات جایگزین حبس در قبال مرتکبان جرائم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آن‌ها سه ماه است، در صورت گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف و سایر اوضاع و احوال الزامی است.

ماده ۶۶ - تبدیل حبس تا شش ماه

مُرْتَبِّیان جَرَّائِمِ عَمْدِی که حداکثر مُجازات قانونی آن‌ها نود و یک روز تا شش ماه حبس است (تعزیر درجه ۷) به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند (تا این قسمت ماده اعمال مجازات‌های جایگزین حبس الزامی و تکلیف است) مگر اینکه به دلیل ارتکاب جرم عمدی دارای سابقه محکومیت کیفری به شرح زیر باشند و از اجرای آن پنج سال نگذشته باشد (استثناء بر قسمت ابتدایی ماده ۶۶).

الف - بیش از یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس تا شش ماه یا جزای نقدی بیش از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا شلاق تعزیری

ب- یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس بیش از شش ماه یا حدّ یا قصاص یا پرداخت بیش از یک‌پنجم دیه

ماده ۶۷ - تبدیل حبس تا یک سال

دادگاه می‌تواند (اعمال مجازات‌های جایگزین حبس در این ماده اختیاری است) مُرْتَبِّیان جَرَّائِمِ عَمْدِی را که حداکثر (در اعمال مجازات‌های جایگزین حبس باید توجه داشت که حداکثر مجازات قانونی ملاک است نه مجازات مقرر در دادنامه) مُجازات قانونی آن‌ها بیش از شش ماه تا یک سال حبس است (تعزیر درجه ۶) به مُجازات جایگزین حبس محکوم کند، در صورت وجود شرایط ماده (۶۶) (۱- گذشت شاکی ۲- وجود جهات تخفیف ماده ۳۸ ق.م.ا). این قانون، اعمال مُجازات‌های جایگزین حبس ممنوع است.

ماده ۶۸ - تبدیل حبس در جرائم غیر عمدی

مُرْتَبِّیان جَرَّائِمِ غیرِ عَمْدِی (اصل) به مُجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند مگر اینکه مُجازات قانونی جرم ارتكابی بیش از دو سال حبس باشد (استثناء بر اعمال مجازات‌های جایگزین حبس در جرائم غیر عمدی) که در این صورت حکم به مُجازات جایگزین حبس، اختیاری است (تا ۲ سال الزامی و بیش از ۲ سال اختیاری است).

نکته ۱- اعمال مجازات جایگزین حبس، در جرائم غیر عمدی که مجازات قانونی جرم ارتكابی بیش از دو سال است برای دادگاه اختیاری است.

کج به عبارت دیگر حتی در صورتی که مجازات جرم غیر عمدی بیش از دو سال حبس هم باشد امکان تبدیل مجازات وجود دارد.

ماده ۶۹ - جایگزین سایر تعزیرات

مُرْتَبِّیان جَرَّائِمِی که نوع یا میزان تعزیر آن‌ها در قوانین موضوعه تعیین نشده است به مُجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند. (الزامی است) (مثل: معاونت در جرائم تعزیری درجه ۸ یا موضوع ماده ۳۳ قانون انتخابات ریاست جمهوری مصوب ۱۳۶۴).

ماده ۷۰ - لزوم تعیین مرتب حبس ضمن مجازات جایگزین

دادگاه (صادرکننده رأی) ضمن تعیین مجازات جایگزین، مدت مجازات حبس را نیز تعیین می‌کند تا در صورت تعدد اجرای مجازات جایگزین، تخلف از دستورها یا عجز از پرداخت جزای نقدی، مجازات حبس اجراء شود.

نکته ۱- دادگاه صادرکننده رأی هم در مرحله صدور حکم جهت تعیین مجازات جایگزین حبس مقام صلاحیت‌دار است و هم پس از صدور حکم و در مرحله اجرای حکم دارای صلاحیت جهت تغییر حکم می‌باشد (دکتر الهام و برهانی، همان، ص

ماده ۷۱ - ممنوعیت جایگزینی در جرائم علیه امنیت

اعمال مجازات‌های جایگزین حبس در مورد جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور ممنوع است.

نکته ۱- با توجه به استفاده از لفظ جرائم به صورت مطلق می‌تواند گفت هم شامل جرائم عمدی می‌گردد هم جرائم غیرعمدی و هم اینکه شامل مرتکب یا مرتکبین و معاون یا معاونین این جرائم می‌گردد.

ماده ۷۲ - ممنوعیت جایگزینی در تعزیرات عمده

تعزیرات عمده که مجازات قانونی حداقل یکی از آنها بیش از یک سال حبس باشد، مانع از صدور حکم به مجازات جایگزین حبس است. (معنی مخالف: قانون‌گذار در خصوص تعدد جرائم عمدی استفاده از مجازات جایگزین حبس را اصولاً ممکن دانسته است).

ماده ۷۳ - ملاک بودن مجازات قانونی در جایگزین کردن مجازات‌ها

در جرائم عمدی که مجازات قانونی آن‌ها بیش از یک سال حبس است در صورت تخفیف مجازات به کمتر از یک سال، دادگاه نمی‌تواند به مجازات جایگزین حبس حکم نماید. (چون ملاک مجازات قانونی است نه مجازات تعیین شده در دادنامه).

ماده ۷۴ - عطف به ما سبق نشدن مقررات این فصل

مقررات این فصل در مورد احکام قطعی که پیش از لازم‌الاجرا شدن این قانون صادر شده است اجراء نمی‌شود. (رجوع کنید به ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲).

ماده ۷۵ - امکان جایگزین کردن حبس همراه با سایر مجازات‌ها

همراه بودن سایر مجازات‌ها با مجازات حبس، مانع از صدور حکم به مجازات جایگزین حبس نیست. در این صورت دادگاه می‌تواند (اختیاری است) به مجازات‌های مذکور هم‌زمان با مجازات جایگزین حبس حکم دهد. (بنابراین، اگر شلاق و یا جزای نقدی همراه با حبس مورد حکم قرار گرفته بود، منعی جهت استفاده از مجازات جایگزین حبس وجود ندارد).

ماده ۷۶ - مجازات قانون ملاک صلاحیت‌ها و تهریدنظرخواهی است

ملاک تعیین صلاحیت دادگاه و تجدیدنظرخواهی از حکم محکومیت به مجازات جایگزین حبس، مجازات قانونی (نه مجازات مقرر در دادنامه) جرم ارتكابی است. (رجوع کنید به تبصره ۱ ماده ۴۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اصلاحی ۱۳۹۴).

نکته ۱- ملاک تعیین صلاحیت دادگاه و تجدیدنظرخواهی از حکم محکومیت به مجازات جایگزین حبس، مجازات قانونی جرم ارتكابی است.

ماده ۷۷ - پیشنهاد تخفیف، تبدیل یا توقف مجازات از سوی قاضی اجرای مجازات‌ها

قاضی اجرای احکام می‌تواند (اختیاری است) با توجه به وضعیت محکوم و شرایط و آثار اجرای حکم، تشدید، تخفیف، تبدیل یا توقف موقت مجازات مورد حکم را به دادگاه صادرکننده رأی پیشنهاد کند. (استثنا: در یک مورد آن هم تبصره ۴ ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی قاضی اجرای احکام خود شخصاً می‌تواند اقدام کند و در باقی موارد فقط پیشنهاد می‌دهد) قاضی مذکور به تعداد لازم مددکار اجتماعی و مأمور مراقبت در اختیار دارد.

ماده ۷۸ - تکلیف مأموم به اعلام تغییر شغل و محل اقامت

محکوم در طول دوره محکومیت باید تغییراتی نظیر تغییر شغل و محل اقامت را که مانع یا مخل اجرای حکم باشد به قاضی اجرای احکام اطلاع دهد.

ماده ۷۹ - انواع خدمات عمومی و مؤسسات با آیین‌نامه تعیین می‌شود

تعیین انواع خدمات عمومی و دستگاه‌ها و مؤسسات دولتی و عمومی پذیرنده محکومان و نحوه همکاری آنان با قاضی اجرای احکام و محکوم، به‌موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون به‌وسیله وزارتخانه‌های کشور و دادگستری تهیه می‌شود و با تأیید رئیس قوه قضائیه به تصویب هیئت‌وزیران می‌رسد. مقررات این فصل پس از تصویب آیین‌نامه موضوع این ماده لازم‌الاجرا می‌شود.

ماده ۸۰ - تقلیل مجازات به پیشنهاد قاضی اجرای احکام

چنانچه رعایت مفاد حکم دادگاه از سوی محکوم حاکی از اصلاح رفتار وی باشد دادگاه می‌تواند به پیشنهاد قاضی اجرای احکام برای یک‌بار بقیه مدت مجازات را تا نصف آن تقلیل دهد.

نکته ۱- تخفیف مجازات فقط برای یکبار و تا نصف مدت مجازات امکان‌پذیر است.

ماده ۸۱ - ضمانت ابرای تفلّف مَلوم

چنانچه محکوم از اجرای مُفاد حُکم یا دستورهای دادگاه تَخَلّف نماید، به پیشنهاد قاضی اجرای احکام و رأی دادگاه برای بار نخست یک‌چهارم تا یک‌دوم به مجازات مورد حُکم افزوده می‌شود (الزامی است) و در صورت تکرار، مجازات حبس اجراء می‌گردد. (الزامی است)

تبصره -

دادگاه در متن حُکم آثار تبعیت و تَخَلّف از مُفاد حُکم را به طور صریح قید و به محکوم تفهیم می‌کند. قاضی اجرای احکام نیز در ضمن اجراء با رعایت مُفاد حُکم دادگاه و مقررات مربوط، نحوه نظارت و مُراقبت بر محکوم را مشخص می‌نماید.

نکته ۱- نحوه نظارت و مراقبت از محکوم توسط قاضی اجرای احکام تعیین می‌شود نه دادگاه.

ماده ۸۲ - عروت مانع ابرای مَلَم

چنانچه اجرای تمام یا بخشی از مجازات‌های جایگزین حبس با مانعی مواجه گردد، مجازات مورد حُکم یا بخش اجراء نشده آن بعد از رفع مانع اجراء می‌گردد. چنانچه مانع مذکور به واسطه رفتار عمدی محکوم و برای متوقف کردن مجازات ایجاد گردد مجازات اصلی اجراء می‌شود.

ماده ۸۳ - دوره مُراقبت

دوره مُراقبت دوره‌ای است (سبک‌ترین نوع مجازات جایگزین حبس) که طی آن محکوم، به حُکم دادگاه و تحت نظارت قاضی اجرای احکام به انجام یک یا چند مورد از دستورهای مُندرج در تعویق مُراقبتی (موضوع مواد ۴۲ و ۴۳ ق.م.ا) به شرح ذیل محکوم می‌گردد:

الف - در جرائمی (اعم از عمدی و غیرعمدی) که مجازات قانونی آن‌ها

حداکثر سه ماه حبس است تا شش ماه

ب - در جرائمی که مجازات قانونی (منظور مجازات مقرر در دادنامه نیست) آن‌ها نود و یک روز تا شش ماه حبس است و جرائمی که نوع و میزان تعزیر آن‌ها در قوانین موضوعه تعیین نشده است، شش ماه تا یک سال

پ - در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها بیش از شش ماه تا یک سال است، یک تا دو سال

ت - در جرائم غیرعمدی که مجازات قانونی آن‌ها بیش از یک سال است، دو تا چهار سال

ماده ۸۴ - فرمات عمومی رایگان

خدمات عمومی رایگان، خدماتی است که (شرط اعمال این نظام برخلاف سایر مجازات‌های جایگزین با رضایت محکوم) برای مدّت مُعین به شرح ذیل مورد حُکم واقع می‌شود و تحت نظارت قاضی اجرای احکام اجراء می‌گردد:

الف - جرائم موضوع بند (الف) ماده (۸۳) تا دویست و هفتاد ساعت

ب - جرائم موضوع بند (ب) ماده (۸۳) دویست و هفتاد تا پانصد و چهل ساعت

پ - جرائم موضوع بند (پ) ماده (۸۳) پانصد و چهل تا هزار و هشتاد ساعت

ت - جرائم موضوع بند (ت) ماده (۸۳) هزار و هشتاد تا دو هزار و صد و شصت ساعت

تبصره ۱ -

ساعات ارائه خدمت عمومی برای افراد شاغل بیش از چهار ساعت و برای افراد غیر شاغل بیش از هشت ساعت در روز نیست. در هر حال ساعات ارائه خدمت در روز نباید مانع امرار معاش متعارف محکوم شود.

تبصره ۲ -

حُکم به ارائه خدمت عمومی مشروط به رعایت همه ضوابط و مقررات قانونی مربوط به آن خدمت از جمله شرایط کار زنان و نوجوانان، محافظت‌های فنی و بهداشتی و ضوابط خاص کارهای سخت و زیان‌آور است.

تبصره ۳ -

دادگاه نمی‌تواند به بیش از یک خدمت عمومی مقرر در آیین‌نامه موضوع این فصل حُکم دهد. در هر حال در صورت عدم رضایت محکوم، به انجام خدمات عمومی، مجازات اصلی مورد حُکم واقع می‌شود.

تبصره ۴ -

قاضی اجرای احکام می‌تواند بنا به وضع جسمانی و نیاز به خدمات پزشکی یا معذوریت‌های خانوادگی و مانند آن‌ها، انجام خدمات عمومی را به طور موقت و حداکثر تا سه ماه در طول دوره، تعلیق نماید (نوعی توقف موقت مجازات محسوب می‌شود) یا تبدیل آن را به مجازات جایگزین دیگر به دادگاه

صادرکننده حکم پیشنهاد دهد. (خود وی شخصاً توانایی اعمال این موارد را به صورت مستقل ندارد و موارد مذکور را فقط پیشنهاد می‌دهد).

ماده ۸۵ - جزای نقدی روزانه

جزای نقدی روزانه عبارت است از یک‌هشتم تا یک‌چهارم درآمد روزانه محکوم که به شرح زیر مورد حکم واقع می‌شود و با نظارت اجرای احکام وصول می‌گردد:

الف - جرائم موضوع بند (الف) ماده (۸۳) تا یکصد و هشتاد روز
ب - جرائم موضوع بند (ب) ماده (۸۳) یکصد و هشتاد تا سیصد و شصت روز
پ - جرائم موضوع بند (پ) ماده (۸۳) سیصد و شصت تا هفتصد و بیست روز
ت - جرائم موضوع بند (ت) ماده (۸۳) هفتصد و بیست تا هزار و چهارصد و چهل روز

تبصره -

محکوم (شخصی است که حکم محکومیت قطعی لازم‌الاجرا در خصوص وی صادر شده است) موظف است در پایان هر ماه ظرف ده روز مجموع جزای نقدی روزانه آن ماه را پرداخت نماید.

نکته ۱- جزای نقدی برخلاف دیه، دین نیست که بر ذمه‌ی محکوم علیه مستقر شود و نمی‌توان پس از فوت از ترکه او استیفاء کرد، علاوه بر آن جزای نقدی قابل مصالحه نیست و به مجنی علیه یا وراث او تعلق نمی‌گیرد.

ماده ۸۶ - میزان جزای نقدی جایگزین

میزان جزای نقدی جایگزین حبس به شرح زیر است:

الف - جرائم موضوع بند (الف) ماده (۸۳) تا نه میلیون (۹,۰۰۰,۰۰۰) ریال
ب - جرائم موضوع بند (ب) ماده (۸۳) از نه میلیون (۹,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا هجده میلیون (۱۸,۰۰۰,۰۰۰) ریال
پ - جرائم موضوع بند (پ) ماده (۸۳) از هجده میلیون (۱۸,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا سی و شش میلیون (۳۶,۰۰۰,۰۰۰) ریال
ت - جرائم موضوع بند (ت) ماده (۸۳) از سی و شش میلیون (۳۶,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا هفتاد و دو میلیون (۷۲,۰۰۰,۰۰۰) ریال

ماده ۸۷ - کلمه به مجازات تبعی یا تکمیلی

دادگاه می‌تواند (اختیاری است) ضمن حکم به مجازات جایگزین حبس، با توجه به جرم ارتكابی و وضعیت محکوم، وی را به یک یا چند مورد از مجازات‌های تبعی (این ماده استثنایی است بر اصل قهری بودن اعمال مجازات تبعی توسط قانون؛ یعنی در اصل این قانون است که در خصوص جرم یا مرتکب جرمی اعمال مجازات تبعی را پیش‌بینی می‌کند) و یا تکمیلی نیز محکوم نماید. (منظور موارد مذکور در مواد ۲۳ و ۲۶ ق.م.ا است) در این صورت مدت مجازات مذکور نباید بیش از دو سال شود.

نکته ۱- دقت شود که در این مورد اعمال مجازات‌های تبعی و تکمیلی نیازمند شرایط مقرر در ماده ۲۳ و ۲۵ قانون مجازات اسلامی نمی‌باشد. ولو اینکه جرم تعزیری درجه ۸ هم باشد.

فصل دهم - مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان

ماده ۸۸ - تصمیمات در مورد اشخاص نه تا پانزده سال

درباره اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرائم تعزیری می‌شوند و سن آن‌ها در زمان ارتكاب، نه تا پانزده سال تمام شمسی است (در خصوص جرائم مستوجب تعزیری معیار سال شمسی است ولی در خصوص جرائم مستوجب حدی و قصاص معیار سال قمری است) حسب مورد، دادگاه یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ می‌کند:

الف - تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی یا اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان

تبصره -

هرگاه دادگاه مصلحت بداند می‌تواند حسب مورد از اشخاص مذکور در این بند تعهد به انجام اموری از قبیل موارد ذیل و اعلام نتیجه به دادگاه در مهلت مقرر را نیز اخذ نماید:

- ۱- معرفی طفل (فردی است که به سن بلوغ نرسیده که دختر زیر ۹ سال قمری و پسر زیر ۱۵ سال قمری) یا نوجوان به مددکار اجتماعی یا روانشناس و دیگر متخصصان و همکاری با آنان
- ۲- فرستادن طفل یا نوجوان (فرد بالغی است که به ۱۸ سال تمام شمسی نرسیده است) به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه‌آموزی

۳- اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان تحت نظر پزشک

۴- جلوگیری از معاشرت و ارتباط مضر طفل یا نوجوان با اشخاص به تشخیص دادگاه

۵- جلوگیری از رفت و آمد طفل یا نوجوان به محل‌های مُعین

ب - تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه به مصلحت طفل یا نوجوان بداند با الزام به انجام دستورهای مذکور در بند (الف) در صورت عدم صلاحیت والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان و یا عدم دسترسی به آن‌ها با رعایت مقررات ماده (۱۱۷۳) قانون مدنی.

تبصره -

تسلیم طفل (افراد زیر سن ۹ سال تمام شمسی در زمان ارتکاب جرم، در صورت ارتکاب جرائم تعزیری فاقد مسؤولیت و مبرای از مجازات هستند) به اشخاص واجد صلاحیت منوط به قبول آنان (یعنی اشخاص واجد صلاحیت) است.

پ - نصیحت به وسیله قاضی دادگاه

ت - اخطار و تذکر و یا اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم (مختص افراد ۱۲ تا ۱۵ سال)

ث - نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال (مختص افراد ۱۲ تا ۱۵ سال) در مورد جرائم تعزیری درجه یک تا پنج

تبصره ۱ -

تصمیمات مذکور در بندهای (ت) و (ث) فقط درباره اطفال و نوجوانان دوازده تا پانزده سال قابل اجرا است. اعمال مقررات بند (ث) در مورد اطفال و نوجوانانی که جرائم موجب تعزیر درجه یک تا پنج را مرتکب شده‌اند، الزامی است.

تبصره ۲ -

هرگاه نابالغ (در اینجا فقط منظور پسران است) مرتکب یکی از جرائم موجب حد یا قصاص گردد در صورتی که از دوازده تا پانزده سال قمری داشته باشد به یکی از اقدامات مقرر در بندهای (ت) و (ث) محکوم می‌شود و در غیر این صورت (منظور نابالغ کمتر از ۱۲ سال قمری است) یکی از اقدامات مقرر در بندهای (الف) تا (پ) این ماده در مورد آن‌ها اتخاذ می‌گردد.

تبصره ۳ -

در مورد تصمیمات مورد اشاره در بندهای (الف) و (ب) این ماده، دادگاه اطفال و نوجوانان می‌تواند با توجه به تحقیقات به‌عمل آمده و همچنین گزارش‌های مددکاران اجتماعی از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او، هر چند بار که مصلحت طفل یا نوجوان اقتضاء کند در تصمیم خود تجدیدنظر نماید. (و یک بار در رأی خود تجدیدنظر کند).

نکته ۱- مصادیق عدم صلاحیت والدین بر طبق ماده ۱۱۷۳ ق.م. به قرار ذیل است:

۱- اعتیاد زیان‌آور به الکل، مواد مخدر و قمار

۲- اشتها به فساد اخلاق و فحشا

۳- ابتلا به بیماری‌های روانی با تشخیص پزشک قانونی

۴- سوءاستفاده از طفل یا اجبار او به ورود در مشاغل ضد اخلاقی مانند فساد و فحشا و تکدی‌گری و قاچاق

۵- تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف.

ماده ۸۹ - مجازات اشخاص پانزده تا هجده سال

درباره نوجوانانی که مرتکب جرم تعزیری می‌شوند و سن آن‌ها در زمان ارتکاب، بین پانزده تا هجده سال تمام شمسی است مجازات‌های زیر اجرا می‌شود:

الف - نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از دو تا پنج سال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها تعزیر درجه یک تا سه است.

ب - نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از یک تا سه سال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها تعزیر درجه چهار است.

پ - نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال یا پرداخت جزای نقدی از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا انجام یکصد و هشتاد تا هفتصد و بیست ساعت خدمات عمومی رایگان در مورد جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها تعزیر درجه پنج است.

ت - پرداخت جزای نقدی از یک میلیون (۱,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا انجام شصت تا یکصد و هشتاد ساعت خدمات عمومی رایگان در مورد جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها تعزیر درجه شش است.

ث - پرداخت جزای نقدی تا یک میلیون (۱,۰۰۰,۰۰۰) ریال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها تعزیر درجه هفت و هشت است.

تبصره ۱ -

ساعات ارائه خدمات عمومی، بیش از چهار ساعت در روز نیست. (چه طفل یا نوجوان شاغل باشد و چه نباشد).

تبصره ۲ -

دادگاه می‌تواند با توجه به وضع مُتَّهَم و جرم ارتكابی، به جای صدور حُکم به مجازات نگهداری یا جزای نقدی موضوع بندهای (الف) تا (پ) این ماده، (جرائم تعزیری درجه ۱ الی ۵) به اقامت در منزل در ساعاتی که دادگاه معین می‌کند یا به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت در دو روز آخر هفته حَسَبِ مورد (با توجه به درجه جرم ارتكابی توسط فرد) برای سه ماه تا پنج سال حُکم دهد.

نکته ۱- در این ماده فقط در جرائم تعزیری درجه ۱ الی ۵ نگهداری در کانون اصلاح و تربیت پیش‌بینی شده است.

نکته ۲- جزای نقدی مقرر در خصوص اطفال و نوجوانان در جرائم تعزیری درجه ۵ تا ۸ قابلیت اعمال دارد.

ماده ۹۰ - *تبدیل نظر در رأی*

دادگاه می‌تواند (اختیاری است) با توجه به گزارش‌های رسیده از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او در کانون اصلاح و تربیت، یک بار در رأی خود تجدیدنظر کند و مدّت نگهداری را تا یک سوّم تقلیل دهد یا نگهداری را به تسلیم طفل یا نوجوان به ولی یا سرپرست قانونی او تبدیل نماید. تصمیم دادگاه مبنی بر تجدیدنظر در صورتی اتخاذ می‌شود که طفل یا نوجوان حداقل یک‌پنجم از مدّت نگهداری در کانون اصلاح و تربیت را گذرانده باشد. رأی دادگاه در این مورد قطعی است. این امر مانع استفاده از آزادی مشروط و سایر تخفیفات قانونی با تحقّق شرایط آنها نیست.

نکته ۱- با دقت در ذیل ماده ۹۰ ق. م. ا متوجه می‌شویم که در خصوص نگهداری در کانون اصلاح و تربیت نیز مانند مجازات حبس، امکان استفاده از آزادی مشروط وجود دارد اما مقررات آن نظیر مدت آزادی مشروط یا اینکه مرتکب بعد از گذراندن چه مقدار از مدت نگهداری می‌تواند از آزادی مشروط استفاده کند و... مشخص نگردیده است (ح. ج. ع دکتر فخرالدین عباس زاده - ص ۱۲۱).

نکته ۲- قانون‌گذار فقط در موارد؛

(۱) تسلیم به والدین و اولیاء یا سرپرست قانونی

(۲) تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگر

(۳) نگهداری در کانون اصلاح و تربیت

امکان تجدیدنظر در حکم را به دادگاه داده است و در مورد بقیه اقدامات تأمینی و تربیتی نظیر خدمات عمومی، جزای نقدی و ... دادگاه امکان تجدیدنظر در حکم خود را ندارد (شرح آزمونی مجازات، احمد غفوری، ص ۱۱۹).

ماده ۹۱ - *نوع میازات اقرار بالغ زیر هجده سال در جرائم مستوجب قتل و قصاص*

در جرائم موجب حدّ یا قصاص هرگاه افراد بالغ کمتر از هجده سال، ماهیت جرم انجام‌شده (همان شبهه یا جهل موضوعی است) و یا حرمت آن را درک نکنند (همان شبهه یا جهل حکمی است) و یا در رُشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حَسَبِ مورد با توجه به سن آنها به مجازات‌های پیش‌بینی‌شده در این فصل محکوم می‌شوند.

تبصره -

دادگاه برای تشخیص رُشد و کمال عقل می‌تواند نظر پزشکی قانونی را استعلام یا از هر طریق دیگر که مقتضی بداند، استفاده کند.

نکته ۱- صغر یا جنون مرتکب در پیوند با عناصر مادی و معنوی قتل در زمان ارتکاب جرم است و اگر پس از بلوغ (۱۸ سال) یا افاقه‌ی مرتکب، مجنی‌علیه در اثر سرایت فوت شود، مرتکب موجب قصاص نیست، اما برای اشخاص مرتکب بالغ و مسئول فاصله‌ی زمانی ارتکاب قتل و نتیجه‌ی بعدی در تعیین نوع قتل عمدی، شبهه عمدی و یا خطای محض و کیفر هر کدام از آنها قابل اعمال است (گلدوزیان، همان، ص ۱۳۶).

ماده ۹۲ - *نوع کفم به ربه یا ضمان مالی*

در جرائمی که مُسْتَلَزِم پرداخت دیه یا هر ضَمَان مالی دیگری است، (به استناد ماده ۶۶۶ قانون مجازات اسلامی در مورد ضمان‌های مالی غیر از دیه خطای محض خود طفل ضامن است و خسارت از اموال طفل جبران و تأدیه می‌شود) دادگاه اطفال و نوجوانان مطابق مقررات مربوط به پرداخت دیه و خسارت حُکم می‌کند.

ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی؛ ینایت در موارد زیر فضای محض مسموب می‌شود:

الف- در حال خواب و بیهوشی و مانند آن‌ها واقع شود.

ب- به وسیله صغیر و مهنون ارتکاب یابد.

پ- ینایتی که در آن مرتکب نه قصد ینایت بر مبنی‌علیه داشته و نه قصد ایراد فعل واقع شده بر او را، مانند آنکه تیری به قصد شکار رها کند و به فردی برخورد نماید. تبصره: در مورد پندهای (الف) و (ب) هرگاه مرتکب آگاه و متوجه باشد که اقدام او نوعاً موجب ینایت بر دیگری می‌گردد، ینایت عمدی مسموب می‌شود.

ماده ۴۶۷ قانون مجازات اسلامی؛ عاقله، مکلف به پرداخت دیه ینایت‌های کمتر از موضفه نیست، هر چند مرتکب، نابالغ یا مهنون باشد.

تبصره: هرگاه در اثر یک یا چند ضربه فطایی، صدمات متعددی بر یک یا چند عضو وارد آید، ملاک رسیدن به دیه موضفه، دیه هر آسیب به طور جداگانه است و برای ضمان عاقله، رسیدن دیه مجموع آن‌ها به دیه موضفه کافی نیست.

ماده ۹۳- تقلیل یا تبدیل مجازات‌ها

دادگاه می‌تواند (اختیاری است) در صورت إحراز جهات تخفیف، (مقرر در ماده ۳۸ ق.م.ا) مجازات‌ها را تا نصف حداقل تقلیل دهد و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان را به اقدام دیگری تبدیل نماید. (در خصوص این ماده باید گفت مجازات‌ها تقلیل می‌یابند و اقدامات تأمینی و تربیتی تبدیل می‌شوند).

نکته ۱- این ماده فقط در خصوص جرائم تعزیری و آن هم تعزیر غیرمنصوص شرعی قابلیت اعمال دارد و تعزیرات منصوص شرعی را شامل نمی‌شود (ر.ک تبصره ۲ ماده ۱۱۵ ق.م.ا).

ماده ۹۴- تعویق حکم یا تعلیق مجازات اطفال و نوجوانان

دادگاه می‌تواند (اختیاری است) در مورد تمام (اما در بزرگسالان در جرائم تعزیری درجه ۶ تا ۸) جرائم تعزیری (منظور تعزیرات غیرمنصوص شرعی است و تعزیرات منصوص شرعی را شامل نمی‌شود ر.ک تبصره ۲ ماده ۱۱۵ ق.م.ا) ارتكابی توسط نوجوانان، صدور حکم را به تعویق (ماده ۴۰ ق.م.ا) اندازد یا اجرای مجازات را معلق (در مورد بزرگسالان در جرائم تعزیری درجه ۳ تا ۸) کند.

نکته ۱- در خصوص تعویق و تعلیق مجازات اطفال باید گفت که امکان تعویق صدور حکم یا تعلیق اجرای مجازات در کلیه‌ی جرائم تعزیری (البته غیرمنصوص شرعی) وجود دارد.

مواد مرتبط

ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی؛ در جرائم تعزیری درجه سه تا هشت دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را از یک تا پنج سال معلق نماید. دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری نیز پس از اجرای یک‌سوم مجازات می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، تقاضای تعلیق نماید. همچنین مکوم می‌تواند پس از تحمل یک‌سوم مجازات، در صورت دارا بودن شرایط قانونی، از طریق دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری تقاضای تعلیق نماید.

ماده ۹۵- فقدان آثار کیفری در ملکومیت‌ها

محکومیت‌های کیفری اطفال و نوجوانان (افراد کمتر از ۱۸ سال تمام شمسی) فاقد آثار کیفری است. (در خصوص جرائم ارتكابی توسط اطفال و نوجوانان بحث تکرار جرم و اعمال مجازات‌های تبعی منتفی است) (ر.ک مواد ۴۰ و ۱۳۸ قانون مجازات اسلامی).

نکته ۱- در خصوص محکومیت‌های کیفری اطفال و نوجوانان باید گفت که این محکومیت‌ها فاقد هرگونه آثار کیفری می‌باشد.

مواد مرتبط

ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی؛ در جرائم موجب تعزیر درجه شش تا دهم هشت دادگاه می‌تواند با ابراز مبرمیت متهم با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است در صورت وجود شرایط زیر صدور حکم را به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق اندازد؛

الف- وجود جهات تقفیف

ب- پیش‌بینی اصلاح مرتکب

پ- ببران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات ببران

ت- فقدان سابقه کیفری مؤثر

تبصره: ملکومیت مؤثر، ملکومیتی است که مکوم را به تبع اجرای حکم، بر اساس ماده (۲۵) این قانون از حقوق اجتماعی مبروم می‌کند.

ماده ۱۳۸ قانون مجازات اسلامی؛ مقررات مربوط به تکرار جرم در جرائم سیاسی و مطبوعاتی و جرائم اطفال اعمال نمی‌شود.

فصل یازدهم - سقوط مجازات

مبحث اول - عفو

ماده ۹۶ - عفو خصوصی توسط مقام رهبری

عفو یا تخفیف (اختصاص به جرائم تعزیری ندارد و می‌تواند جرائم حدی را نیز با شرایطی در برگیرد) مجازات محکومان، (شامل متهمان نمی‌شود پس تعویق صدور حکم مانع از عفو خصوصی است) در حدود موازین اسلامی (مبین این است که این نوع عفو فقط در جرائم حق الهی و یا حقوق عمومی کاربرد دارد) پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه با مقام رهبری است. (این نوع عفو صرفاً مجازات اصلی را در برمی‌گیرد و شامل مجازات تبعی و تکمیلی نمی‌شود که در صورت اعطاء اثر آن فوری است).

نکته ۱- اعطای عفو در جرائم قابل گذشت و حق الناس جایز نبوده و صرفاً در جرائم دارای جنبه‌ی عمومی (غیر قابل گذشت) امکان اعمال دارد و مجازات‌های قصاص و دیه از شمول عفو مستثنی هستند.

نکته ۲- عفو خاص از موجبات عدم اجرای مجازات است. لذا اگر مرتکب پس از عفو مجدداً مرتکب جرمی شود محکومیت سابق او از لحاظ اعمال مقررات تکرار جرم، سابقه محسوب می‌شود برخلاف اعمال عفو عمومی.

نکته ۳- نتیجه‌ی تصمیم به قبول یا رد عفو خصوصی الزام‌آور است و محکوم‌علیه، امکان اعتراض ندارد. به عبارتی می‌توان گفت که مقررات عفو در زمره‌ی قواعد آمره است.

نکته ۴- عفو خصوصی در مورد هر محکوم به طور جداگانه اعطا می‌گردد یعنی صورتی از افرادی که پیشنهاد عفو برای آن‌ها می‌شود تهیه و توسط رئیس قوه قضائیه برای رهبری ارسال می‌گردد.

نکته ۵- عفو به معنی بخشیدن متهم البته نه از جانب شاکی که می‌شود رضایت بلکه این بخشش از طرف جامعه است که اقدام به آن از جانب جامعه توسط نمایندگان آن یا شخص رهبری صورت می‌گیرد.

نکته ۶- با توجه به اینکه عفو خصوصی شامل حال محکومان است یعنی کسانی که حکم قطعی در مورد آن‌ها صادر شده است در نتیجه در موردی که قرار تعویق صدور حکم صادر شده مانع از برخورداری از آن است و این حکم باید قابلیت اجرا داشته باشد پس شامل احکام غیابی نمی‌شود چون ممکن است با اعتراض محکوم‌علیه از قطعیت خارج شود و قابل عفو نخواهد بود.

نکته ۷- فقط اجرای مجازات اصلی را متوقف می‌کند نه مجازات‌های تبعی و تکمیلی مگر اینکه تصریح شده باشد.

نکته ۸- عفو خصوصی در مرحله اجرا اعطا می‌شود و تعلیق اجرای مجازات مانع اعطای آن نمی‌شود.

نکته ۹- تدابیری که مجازات به معنی اخص تلقی نمی‌شود، نظیر مجازات‌های انتظامی، اداری، جریمه‌های مالیاتی، هزینه‌های دادرسی و خسارات‌های مدنی هیچ‌گاه موضوع عفو قرار نمی‌گیرند (شمس ناتری، همان، ص ۲۳۸).

نکته ۱۰- عفو خصوصی تصمیمی است که به ابتکار و با پیشنهاد رئیس قوه قضائیه و با موافقت علی‌ترین مقام اجرائی کشور یعنی مقام معظم رهبری گرفته می‌شود و به موجب آن تمام یا قسمتی از مجازات محکومان (کسانی که حکم محکومیت قطعی لازم‌الاجرا در خصوص آن‌ها صادر شده) بخشوده و یا به مجازات خفیف‌تری تبدیل می‌گردد (شمس ناتری، همان، ص ۲۳۷).

نکته ۱۱- لغو حکم آزادی مشروط یا لغو قرار تعلیق اجرای حکم مانع استفاده از عفو نمی‌شود (نظریه مشورتی شماره ۸۴۵۱/۷ مورخ ۱۳۷۴/۱/۱۹).

ماده ۹۷ - عفو عمومی

عفو عمومی (برخلاف عفو خصوصی که جنبه‌ی شخصی داشت دارای جنبه‌ی نوعی است) که به موجب قانون در جرائم موجب تعزیر (منظور جرائم تعزیری غیرمنصوص شرعی و شرعی است. در جرائم موجب حد و قصاص و دیه امکان اعمال عفو عمومی وجود ندارد) اعطاء می‌شود، تعقیب و دادرسی را موقوف می‌کند. (قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود) در صورت صدور حکم محکومیت، اجرای مجازات موقوف (قرار موقوفی اجرا صادر می‌شود) و آثار محکومیت نیز زایل می‌شود. (کیفر جزای نقدی با عفو ساقط می‌شود اما امکان مطالبه خسارت مدعی خصوصی وجود دارد و اثر اعطای آن فوری است).

نکته ۱- عفو عمومی آثار محکومیت جزائی را منتفی می‌کند و سابقه‌ی محکومیت مورد عفو دیگر، برای تکرار جرم به حساب نمی‌آید و مانع تعلیق اجرای مجازات احتمالی نمی‌شود و از سجل کیفری حذف می‌گردد (گلدوزیان، همان، ص ۱۲۹) و موجب سقوط مجازات اصلی، تکمیلی و تبعی می‌شود.

نکته ۲- چون عفو عمومی به موجب قانون صورت می‌گیرد بنابراین سبب سلب عنوان مجرمانه از اعمال افراد مشمول عفو می‌گردد در نتیجه نسبت به معاونین و همچنین شرکا جرم نیز مؤثر است و برخلاف عفو خصوصی که به محکومان اختصاص داشت شامل متهمان نیز می‌شود.

نکته ۳- عفو عمومی هم در مرحله تعقیب و هم در مرحله رسیدگی و هم در مرحله اجرا اعطا می‌شود و اثر اعمال عفو از تاریخ اعطا (در این مورد تصویب) نسبت به گذشته است لذا عفو عمومی نسبت به آینده تأثیری ندارد.

نکته ۴- عفو عمومی شامل موارد زیر نمی‌شود:

۱- اصولاً شامل اقدامات تأمینی و تربیتی نمی‌شود

۲- تأثیری بر پرداخت دیه و جبران خسارت زیان‌دیده ندارد

۳- شامل محکومیت‌های انتظامی که منشأ آن‌ها رفتار مجرمانه است.

ماده ۹۸- اثر عفو عمومی

عفو، (اثر عفو فقط نسبت به گذشته است و جرائم احتمالی آینده را شامل نمی‌شود) همه آثار محکومیت را منتفی می‌کند (این ماده ناظر بر عفو عمومی است و در عفو خصوصی بر طبق تبصره ۳ ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی، مجازات تبعی باقی می‌ماند) لکن تأثیری در پرداخت دیه و جبران خسارت زیان‌دیده ندارد (عفو خصوصی مانند آزادی مشروط مجازات را اجرا شده فرض می‌نماید بنابراین ارتکاب مجدد جرم باعث تکرار جرم خواهد شد).

نکته ۱- در مورد تأثیر عفو بر مجازات‌های تبعی ناشی از محکومیت باید گفت که عفو عمومی سبب زوال مجازات‌های تبعی می‌شود، ولی عفو خصوصی تأثیری بر آن‌ها ندارد.

نکته ۲- عفو خصوصی یا تخفیف مجازات محکومان پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه با موافقت مقام معظم رهبری است.

مبحث دوم - نسخ قانون

ماده ۹۹- اثر نسخ قانون

نسخ قانون، (اثر نسخ قانون برخلاف اثر عفو هم نسبت به گذشته است و هم نسبت به آینده، به صورت مطلق بیان شده است و شامل نسخ ضمنی و نسخ صریح می‌شود) تعقیب و اجرای مجازات را موقوف می‌کند. (در اینجا فقط مجازات تعزیری مدنظر است چراکه نسخ قوانین در خصوص حدود، قصاص و دیات موضوعیت ندارد) آثار نسخ قوانین کیفری به شرح مُندَرَج در ماده (۱۰) این قانون است (علی‌الخصوص بند الف ماده ۱۰ ق.م.ا).

نکته ۱- نسخ بر دو نوع است:

الف: نسخ صریح: قانون‌گذار نسخ قانون را صریحاً اعلام می‌کند.

ب: نسخ ضمنی: از تعارض میان دو قانون سابق و لاحق به نحوی که مانع اجرای هم‌زمان هر دو آن‌ها گردد.

نکته ۲- با نسخ قانون، اعمال انجام‌شده دیگر جرم نیست پس باید قرار منع تعقیب صادر شود چون زمانی که عمل انجام‌شده جرم نیست از موارد صدور قرار منع تعقیب است اما چون در ماده ۱۳ ق.آ.د. ک پیش‌بینی شده بایستی قرار موقوفی تعقیب صادر شود.

نکته ۳- حتی اگر قانون جدیدی وضع نشود ولی قانون سابق اعتبار اجرائی خود را از دست بدهد باز هم نوعی نسخ محسوب می‌شود. مثلاً اجرای قوانین موقت و در زمان خاص و عدم توانایی اجرای آن قوانین در زمان عادی.

نکته ۴- نسخ در لغت به معنای ابطال، لغو و از بین بردن چیزی و جایگزین کردن چیز دیگر به جای آن است و در اصطلاح اصولیان

عبارت است از: برداشتن و لغو یک حکم به وسیله حکم دیگری که متأخر از آن است (اصول فقه کاربردی، جلد اول، حسین قافی و سعید شریعتی صص ۲۳۷ و ۲۳۸).

موار مرتبط

ماره ۵۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری؛ موقوف شدن اجرای مجازات در حقوق شاکی یا مدعی خصوصی و اجرای اموال ضبط اشیاء و اموالی که وسیله ارتکاب جرم بوده و یا از ارتکاب جرم تفهیل شده است، تأثیری نفاذ داشت، مگر اینکه علت موقوف شدن اجرای مجازات، نسخ مجازات قانونی باشد.

مبحث سوم - گذشت شاکی

ماده ۱۰۰ - موقوفی تعقیب بر اثر گذشت شاکی (رک ماره ۱۰۳ ق.ا.م.ا)

در جرائم تعزیری قابل گذشت، (چه تعزیر منصوص و چه تعزیر غیرمنصوص) گذشت شاکی یا مدعی خصوصی (گذشت ممکن است پیش از صدور حکم و در دادسرا یا در هنگام رسیدگی و یا حتی پس از صدور حکم و در هنگام اجرای آن باشد برای دیدن تعریف شاکی و مدعی خصوصی رجوع کنید ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری) حسب مورد موجب موقوفی تعقیب (ماده ۱۵ ق.ا.د.ک) یا موقوفی اجرای مجازات (ماده ۱۳ و ۵۰۵ ر.ک.ا.د.ک) است.

تبصره ۱ -

جرائم قابل گذشت، جرائمی می باشد که شروع و ادامه تعقیب و رسیدگی و اجرای مجازات، منوط به شکایت شاکی و عدم گذشت وی است.

تبصره ۲ -

جرائم غیر قابل گذشت، جرائمی می باشد که شکایت شاکی و گذشت وی در شروع به تعقیب و رسیدگی و ادامه آن ها و اجرای مجازات تأثیری ندارد. (اما ممکن است موجب تخفیف مجازات پیش از صدور حکم و موجب درخواست تجدیدنظر در میزان مجازات پس از صدور حکم محکومیت قطعی، در دادگاه تجدیدنظر شود).

تبصره ۳ -

مقررات راجع به گذشت شاکی، در مورد مجازات های قصاص نفس و عضو، (در خصوص این مورد رجوع کنید به ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) حد قذف (بند پ ماده ۲۶۱ ق.ا.م.ا) و حد سرقت (بند ذ ماده ۲۶۸ ق.ا.م.ا) (تا قبل از اثبات در این مورد گذشت شاکی موجب سقوط حد است. رجوع کنید به مواد ۲۵۵ و ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی) همان است که در کتاب دوم «حدود» و سوم «قصاص» این قانون ذکر شده است. گذشت شاکی در سایر حدود، (مانند زنا و لواط و ...) تأثیری در سقوط و تخفیف مجازات ندارد.

نکته ۱- برای دیدن تأثیر گذشت شاکی در جرائم غیر قابل گذشت پس از قطعیت حکم. رجوع کنید به ماده ۴۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری و نیز برای دیدن تأثیر گذشت شاکی در جرائم قابل گذشت چنانچه پرونده در دیوان عالی کشور مطرح باشد (رجوع کنید به ماده ۴۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری علی الخصوص بند اول شق دوم این ماده).

نکته ۲- مجازات حبس ابد برای اکراه کننده مشروط به وجود شرایط عمومی قصاص در اکراه کننده و حق اولیاء دم می باشد و قابل گذشت و مصالحه است، اگر اکراه کننده به هر علت به حبس ابد محکوم نشود به مجازات معاون در قتل محکوم می شود (موضوع ماده ۳۷۶ قانون مجازات اسلامی).

موار مرتبط

ماره ۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری؛ بزه دیده شفهی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می گردد و پتانیه تعقیب مرتکب را در خواست کند، (شاکی) و هرگاه پیران ضرر و زیان وارده را مطالبه کند، (مدعی خصوصی) نامیده می شود.

ماره ۲۵۵ قانون مجازات اسلامی؛ هر قزف حق الناس است تعقیب و اجرای مجازات منوط به مطالبه مقزوف است. در صورت گذشت مقزوف در هر مرحله، حسب مورد تعقیب، رسیدگی و اجرای مجازات موقوف می شود.

ماده ۱۰۱ - شرایط گذشت

گذشت باید مُنَجَّر باشد (عدم حضور شاکی در جلسه دادرسی به معنای گذشت وی تلقی نمی شود) و به گذشت مشروط و مُعَلَّق در صورتی ترتیب اثر داده می شود که آن شرط یا مُعَلَّقٌ عَلَیْهِ تَحَقُّق یافته باشد. (و نیز صاحب حق گذشت اهلیت داشته باشد) همچنین عدول از گذشت، مسموع نیست.

تبصره ۱ -

گذشت (بدون هیچ تشریفاتی قابل اعمال است اعم از اینکه کتبی باشد یا شفاهی و اعم از اینکه در غالب سند عادی باشد یا رسمی) مُشروط یا مُعَلَّق مانع تعقیب، رسیدگی و صدور حکم نیست، ولی اجرای مجازات در جرائم قابل گذشت منوط به عدم تحقق شرط یا مُعَلَّقُ عَلَیْهِ است. در این صورت، مَحْکُومُ عَلَیْهِ با قرار تأمین مناسب آزاد می‌شود. (برای دیدن قرارهای تأمین کیفری رجوع کنید به ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری) (ر.ک ماده ۳۶۱ ق.م.ا در خصوص محفوظ بودن حق قصاص تا حصول شرط).

تبصره ۲ -

تأثیر گذشت قیّم اتفاقی، منوط به تأیید دادستان است. (رجوع کنید به ماده ۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اصلاحی ۱۳۹۴).

نکته ۱- گذشت معمولاً بعد از اعلام شکایت صورت می‌گیرد ولی ممکن است مقدم بر آن نیز باشد که در این حالت حق شکایت متضرر از جرم ساقط می‌شود و دیگر نمی‌تواند اعلام شکایت نماید مع الوصف اگر مبادرت به شکایت کرد متهم می‌تواند به همان گذشت اولیه استناد نماید و به گذشت مجدد نیازی نخواهد بود اما گذشت قبل از وقوع جرم مؤثر در مقام نیست، زیرا گذشت قبل از وقوع جرم از مصادیق رضایت برای ارتکاب جرم است نه از موارد گذشت به معنی واقعی کلمه (شمس ناتری، همان، ص ۲۵۵).

نکته ۲- اصولاً اثر گذشت شخصی است و قابل سرایت به شرکا و معاونین جرم نیست مگر اینکه مقنن خود صراحتاً پیش‌بینی کرده باشد، مانند گذشت اولیاء دم نسبت به مباشر قتل عمدی که به معاون آن نیز سرایت می‌کند و موجب کاهش مجازات وی می‌شود (موضوع تبصره ۲ ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی) (شمس ناتری، همان، ص ۲۵۶).

نکته ۳- شروط گذشت؛

۱- منجز بودن گذشت

۲- بقای گشت (عدول از گذشت مسموع نیست).

مواد مرتبط

ماده ۳۶۱ قانون مجازات اسلامی؛ اگر مبنی علیه یا ولی گذشت و اسقاط حق قصاص را مشروط به پرداخت وجه‌المصالحه یا امر دیگری کند، حق قصاص تا حصول شرط، برای او باقی است.

ماده ۱۰۲-۱ - تعذر متضرران

هرگاه متضررین از جرم، متعدّد باشند تعقیب جزائی با شکایت هر یک از آنان شروع می‌شود (شکایت یک نفر از متضررین برای تعقیب جزائی کافی است) ولی موقوفی تعقیب، رسیدگی و اجرای مجازات، موکول به گذشت تمام کسانی است که شکایت کرده‌اند. (دقت شود تمام کسانی که شکایت کرده‌اند اگر گذشت کنند سبب موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرا می‌شود نه کسانی که متضرر از وقوع جرم‌اند و شکایت نکرده‌اند).

تبصره -

حق گذشت، به وراث قانونی متضرر از جرم، منتقل و در صورت گذشت همگی وراث حسب مورد تعقیب، رسیدگی یا اجرای مجازات موقوف می‌گردد. (در نتیجه؛ گذشت حق است و قابل توارث).

ماده ۱۰۳-۱ - اصل غیر قابل گذشت بودن جرائم

چنانچه قابل گذشت بودن جرمی در قانون تصریح نشده باشد، غیرقابل گذشت محسوب می‌شود مگر اینکه از حق الناس بوده و شرعاً قابل گذشت باشد. (پس اصل بر غیر قابل گذشت بودن جرائم است و قابل گذشت بودن جرائم استثناء است و استثناء نیاز به تصریح دارد).

ماده ۱۰۴-۱ - جرائم قابل گذشت

علاوه بر جرائم تعزیری مندرج در کتاب دیات (ماده ۴۵۰ و ۴۵۲ ق.م.ا) و فصل حدّ قذف این قانون و جرائمی که به موجب قوانین خاص (شامل ماده ۵۳ قانون حمایت از خانواده (جرم ترک انفاق) ماده ۱۲ قانون صدور چک، ماده ۳۰ و ۳۱ مطبوعات، ماده ۳۱ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان) قابل گذشت می‌باشند، (قانون گذار از روش احصایی استفاده کرده است) جرائم مندرج در مواد (۵۳۶)، (۵۹۶)، (۶۰۸)، (۶۰۹)، (۶۲۲)، (۶۳۲)، (۶۳۳)، (۶۴۱)، (۶۴۷)، (۶۴۸)، (۶۴۸)، (۶۶۸)، (۶۶۹)، (۶۷۳)، (۶۷۴)، (۶۷۶)، (۶۷۷)، (۶۷۹)، (۶۸۲)، (۶۸۴)، (۶۸۵)، (۶۹۰) در مواردی که املاک و اراضی متعلق به اشخاص خصوصی باشد، (۶۹۲)، (۶۹۳)، (۶۹۴)، (۶۹۷)، (۶۹۸)، (۶۹۹)، (۷۰۰)، (۷۱۶)، (۷۱۷) و ۷۴۴ از کتاب پنجم ق.م.اسلامی «تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۷۵» و جرائم انتقال

مال غیر و کلاهبرداری موضوع ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام به شرطی که مبلغ آن از نصاب مقرر در ماده ۳۶ این قانون بیشتر نباشد و نیز کلیه جرائم در حکم کلاهبرداری و جرائمی که مجازات کلاهبرداری درباره آنها مقرر شده یا طبق قانون، کلاهبرداری محسوب می‌شود در صورت داشتن بزه‌دیده و سرقت موضوع مواد ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۶۱، ۶۶۵ کتاب پنجم ق.م.اسلامی «تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۷۵» به شرطی که ارزش مال مورد سرقت بیش از دویست میلیون ریال نباشد و سارق، فاقد سابقه مؤثر کیفری باشد و **شروع و معاونت** در تمام جرائم مزبور همچنین کلیه جرائم تعزیری درجه ۵ و پایین‌تر ارتكابی توسط افراد زیر ۱۸ سال در صورت داشتن بزه‌دیده مشمول تبصره یک ماده ۱۰۰ این قانون و ماده ۱۲ قانون آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ بوده و قابل گذشت است. (نظریه‌ی مشورتی شماره ۷/۳۳۳۰ مورخ ۱۳۷۳/۵/۱۵؛ با رعایت شرایط قانونی بین گذشت در مرجع قضائی و انتظامی تفاوتی نیست و گذشت در مرجع انتظامی نیز غیر قابل عدول است).

تبصره: حداقل و حداکثر مجازات‌های حبس تعزیری درجه چهار تا هشت مقرر در قانون برای جرائم قابل گذشت به نصف تقلیل می‌یابد.

نکته ۱- گذشت مشروط و معلق شاکی خصوصی در صورتی که شرط یا معلق علیه تحقق یابد مؤثر است.

نکته ۲- در مورد گذشت شاکی و رضایت مجنی‌علیه باید گفت که: گذشت شاکی مربوط به پس از وقوع جرم و از عوامل موقوفی تعقیب یا کیفیات مخفیه است. در صورتی که رضایت مجنی‌علیه مربوط به قبل از وقوع جرم در مواردی که قانوناً مجاز است از عوامل موجهه جرم می‌باشد.

نکته ۳- هرگاه متضررین از جرم متعدد باشند، تعقیب کیفری با شکایت یکی از متضررین شروع و با گذشت همگی آن‌هایی که شکایت کرده‌اند موقوف می‌شود.

نکته ۴- در جرائم غیر قابل گذشت اگر شاکی خصوصی پس از قطعیت حکم گذشت نماید، دادگاه می‌تواند، مجازات را به درخواست محکوم‌علیه و در صورت اقتضاء در حدود قانون تخفیف دهد (ر.ک ماده ۳۹ ق.م.ا در خصوص تأثیر گذشت شاکی در منتفی شدن مجازات).

نکته ۵- گذشت اعم از کتبی یا شفاهی باید بعد از وقوع جرم باشد و اگر قبل از وقوع جرم باشد، رضایت نامیده می‌شود.

نکته ۶- عدم حضور شاکی و عدم پیگیری او به معنی گذشت نیست.

نکته ۷- در مورد گذشت در قصاص به مواد ۳۸۱ و ۳۴۷ و ۳۶۴ و ۳۶۵ و ۳۷۶ ق.م.ا رجوع کنید.

نکته ۸- ر.ک رأی وحدت رویه شماره ۵۲۵ مورخ ۱۳۶۸.

نکته ۹- جرائم قابل گذشت عبارتند از:

۱. جعل و تزویر در اسناد و نوشته‌های غیررسمی (۵۳۶)

۲. سوءاستفاده از ضعف نفس شخصی (۵۹۶)

۳. توهین ساده، توهین به کارمندان دولت، توهین به رئیس کشور خارجی و نماینده سیاسی کشور خارجی که در قلمرو خاک ایران وارد شده است (۶۰۸، ۶۰۹ و ۵۱۷) (سایر توهین‌های مشدد، غیر قابل گذشت هستند).

هر چند ماده ۵۱۷ در ماده ۱۰۴ نیامده است اما طبق تبصره ماده ۵۱۷، جرم مذکور در این ماده قابل گذشت است.

۴. سقط جنین زن حامله به واسطه ضرب یا اذیت و آزار زن حامله (۶۲۲) (بقیه موارد سقط جنین از جمله سقط جنین توسط پزشک، غیر قابل گذشت است)

۵. امتناع شخص از دادن طفلی که به او سپرده شده است (۶۳۲)

۶. رها کردن طفل یا شخصی که قادر به محافظت از خود نیست در محلی که خالی از سکنه است (۶۳۳)

۷. مزاحمت با تلفن یا دستگاه‌های مخابراتی دیگر (۶۴۱)

۸. تدلیس در نکاح (۶۴۷)

۹. افشای اسرار مردم (۶۴۸)

۱۰. اخذ نوشته یا سند یا امضاء یا مهر با جبر و قهر یا اکراه و تهدید (۶۶۸)

۱۱. تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی یا افشای اسرار (۶۶۹)

۱۲. سوءاستفاده از سفید امضاء یا سفید مهر (۶۷۳)

۱۳. خیانت در امانت (۶۷۴)

۱۴. برخی از مصادیق تخریب (۶۷۶ و ۶۷۷)

۱۵. کشتن حیوان حلال گوشت متعلق به دیگری یا حیواناتی که شکار آنها توسط دولت ممنوع است (۶۷۹)
۱۶. اتلاف اسناد غیردولتی (۶۸۲) (اتلاف اسناد دولتی غیر قابل گذشت است).
۱۷. چراندن محصول متعلق به دیگری، تخریب نخلستان، تاکستان، باغ میوه، آسیاب، درخت نخل متعلق به دیگری (۶۸۴ و ۶۸۵)
۱۸. تخریب محیط زیست و منابع طبیعی و تصرف عدوانی و ایجاد مزاحمت یا ممانعت از حق در مواردی که املاک و اراضی متعلق به اشخاص خصوصی باشد (۶۹۰) (تا قبل از اصلاحات ۱۳۹۹ جرائم موضوع ماده ۶۹۰ به طور مطلق قابل گذشت بود اما هم‌اکنون فقط زمانی که املاک و اراضی متعلق به اشخاص خصوصی باشد قابل گذشت است).
۱۹. تصرف ملک دیگری به قهر و غلبه (۶۹۲)
۲۰. تصرف عدوانی یا مزاحمت یا ممانعت از حق برای بار دوم (۶۹۳)
۲۱. ورود به منزل یا مسکن دیگری به عنف یا تهدید (۶۹۴)
۲۲. افترا (۶۹۷)
۲۳. نشر اکاذیب (۶۹۸) (نشر اکاذیب رایانه‌ای غیر قابل گذشت است)
۲۴. افترای عملی (۶۹۹)
۲۵. هجو و انتشار هجویه (۷۰۰)
۲۶. برخی مصادیق تصادفات رانندگی ۷۱۶ و ۷۱۷)
۲۷. هتک حیثیت رایانه‌ای (۷۴۴)
۲۸. سرقت مقرون به یکی از پنج شرط مشدد و کیف‌بری و امثال آن و سرقت ساده و ربایش (هر چهار جرم زمانی قابل گذشت هستند که ارزش مال مسروق (مال مورد سرقت) بیش از دویست میلیون ریال نباشد و سارق فاقد سابقه مؤثر کیفری باشد) (۶۵۶، ۶۵۷، ۶۶۱، ۶۶۵)
۲۹. انتقال مال غیر، کلاهبرداری به شرطی که مبلغ آن یک میلیارد ریال یا کمتر باشد، جرائم در حکم کلاهبرداری و جرائمی که مجازات کلاهبرداری درباره آنها مقرر شده یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب می‌شود در صورت داشتن بزه‌دیده (صرف نظر از مبلغ آن)، تمام جرائم درجه ۵ تا ۸ که مرتکب آن زیر ۱۸ سال دارد در صورت داشتن بزه‌دیده.
- نکته ۱۰-** علاوه بر جرائم فوق که به تصریح ماده ۱۰۴ ق.م.ا قابل گذشت هستند جرائم تعزیری مندرج در فصل حد قذف و کتاب دیات هم قابل گذشت هستند.
- نکته ۱۱-** در مورد جرائمی که مرتکب آن زیر ۱۸ سال سن دارد لازم به توضیح است اگر جرم ارتكابی از جرائمی باشد که طبق قانون قابل گذشت هستند آن جرم، در مورد افراد زیر ۱۸ سال نیز (صرف نظر از میزان مجازات آن) قابل گذشت است اما علاوه بر این جرائم، کلیه جرائم افراد زیر ۱۸ سال که بزه‌دیده دارند قابل گذشت هستند.
- نکته ۱۲-** از جمله جرائمی که در قوانین خاص قابل گذشت محسوب شده است می‌توان به جرم صدور چک پرداخت نشدنی و ترک انفاق افراد واجب‌النفقه اشاره کرد که بر طبق ماده ۱۱ قانون صدور چک و ماده ۱۵ قانون حمایت خانواده از جرائم قابل گذشت محسوب می‌شوند.

مبحث چهارم - مرور زمان

ماده ۱۰۵ - مرور زمان تعقیب و صدور حکم

مرور زمان، (از قواعد آمره است و ناظر به نظم عمومی بوده جنبه‌ی عام و کلی دارد) در صورتی تعقیب جرائم موجب تعزیر (تعزیرات منصوص شرعی و همین‌طور حدود و قصاص و دیات را شامل نمی‌شود و فقط شامل جرائم تعزیری غیرمنصوص شرعی اعم از قابل گذشت و غیرقابل گذشت است. ر.ک تبصره ۲ ماده ۱۱۵ ق.م.ا. در بین مجازات‌های مقرر در ماده ۱۴ اما مرور زمان اجرای حکم در خصوص تعزیرات منصوص شرعی هم جاری است) را موقوف می‌کند که از تاریخ وقوع جرم تا انقضای موعده زبر، تعقیب نشده (مرور زمان تعقیب) یا از تاریخ آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی تا انقضای این مواعد به صدور حکم قطعی منتهی نگردیده باشد (مرور زمان صدور حکم) (تعقیب متهم در دادگاه کیفری برای پرداخت ضرر و زیان مدعی خصوصی قاطع مرور زمان دعوای کیفری نیست) (قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود، با سقوط مجازات

اصلی، مجازات تکمیلی نیز ساقط می‌شود، ولی مرور زمان تأثیری بر محرومیت از حقوق به عنوان مجازات تبعی ندارد).

الف- جرائم تعزیری درجه یک تا سه با انقضای پانزده سال

ب- جرائم تعزیری درجه چهار با انقضای ده سال

پ- جرائم تعزیری درجه پنج با انقضای هفت سال

ت- جرائم تعزیری درجه شش با انقضای پنج سال

ث- جرائم تعزیری درجه هفت و هشت با انقضای سه سال.

تبصره ۱-

اقدام تعقیبی یا تحقیقی، اقدامی است که مقامات قضائی (شامل کارکنان اداری و مأمورین انتظامی نمی‌شود) در اجرای یک وظیفه قانونی از قبیل (تمثیلی است، حضری نیست) إحضار، جلب، بازجویی، اِستماع اظهارات شهود و مُطَّلَعان، تحقیقات یا معاینه مَحَلّی و نیابت قضائی انجام می‌دهند. (شامل مواردی مانند صدور قرارهای اعدادی، صدور قرارهای نهایی، صدور کیفرخواست، صدور حکم غیرقطعی و ... نیز می‌شود).

تبصره ۲-

در مورد صدور قرار اِناطِه (و نیز مصونیت پارلمانی در کشورهایی که در آنها اصل تعرض ناپذیری پذیرفته شده - بازداشت متهم در خارج از کشور توسط کشوری که از استرداد او خودداری می‌کند - کسب مجوز و یا تعلیق قاضی متهم به ارتکاب جرم از سوی دادگاه انتظامی قضات - همچنین در جرم افترا تا تعیین تکلیف و رسیدگی به جرم انتسابی از سوی مفتی به مفتی‌علیه - مرور زمان به حالت تعلیق درمی‌آید)، مرور زمان تعقیب از تاریخ قطعیت رأی مرجعی که رسیدگی کیفری منوط به صدور آن است، شروع می‌شود. (رجوع کنید به ماده ۲۱ و نیز ماده ۶۲۰ الی ۶۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اصلاحی ۱۳۹۴).

نکته ۱- تصرف عدوانی و تجاوز به اراضی ملی مستوجب مجازات بازدارنده است اما مشمول مرور زمان نمی‌شود.

نکته ۲- برخلاف امور حقوقی، در امور کیفری مرور زمان همیشه است اما هیچ‌گاه موجب امحای محکومیت نمی‌گردد و به این علت فقط مجازات به مرحله‌ی اجرا گذاشته نمی‌شود و در صورت ارتکاب جرم مجدد از سوی مرتکب، با رعایت مقررات تکرار جرم برای او مجازات تعیین می‌شود (دکتر خالقی، آیین دادرسی کیفری، ص ۲۹).

نکته ۳- در جرائم تعزیری قابل گذشت، اگر قبل از اطلاع بزه دیده از وقوع جرم یا قبل از شمول مرور زمان (شکایت) مدت‌های مقرر در ماده ۱۰۵ ق.م.ا سپری شده باشد و جرم مشمول مرور زمان گردد شاکی دیگر حق شکایت ندارد. مگر اینکه تحت سلطه متهم باشد؛ بنابراین اگر شاکی بعد از ۲ سال و نیم از وقوع جرم تعزیری درجه ۷ مطلع گردد، ۶ ماه وقت دارد شکایت کند نه یک سال چون بعد از ۶ ماه (۳ سال کامل می‌گردد) و جرم مورد نظر مشمول مرور زمان مقرر در ماده ۱۰۵ خواهد شد (ح. ج. ع فخرالدین عباس زاده ص ۲۶۸).

نکته ۴- می‌توان گفت که اقدامی قاطع مرور زمان تعقیب است که دارای دو ویژگی باشد؛ ۱- دستور جهت تعقیب و تحقیق صورت گیرد

۲- دستور ناشی از مقام قضائی دارای صلاحیت باشد (دکتر الهام و برهانی، همان، ص ۲۹۳).

نکته ۵- در جرائم مستمر که رکن مادی آنها در طول زمان شکل می‌گیرد تا زمانی که جرم استمرار دارد مرور زمان ایجاد نشده و مبدأ آغاز مرور زمان از تاریخ انقطاع جرم یعنی پایان رفتار مجرمانه است. در جرائم مرکب هم مبدأ مرور زمان، تحقق آخرین جزء تشکیل‌دهنده‌ی جرم است.

نکته ۶- انقطاع مرور زمان مطلق و غیرشخصی است، یعنی نسبت به کلیه‌ی شرکت‌کنندگان در ارتکاب بزه اعم از مباشر و شریک و معاون جرم مؤثر است هرچند تعقیب فقط علیه یکی از آنان یا حتی علیه شخص ناشناس که به اصطلاح آن را تعقیب از شخص ایکس (X) می‌نامند صورت پذیرفته باشد (شمس ناطری، همان، ص ۲۶۷).

نکته ۷- مرور زمان در قوانین خاص:

۱) جرائم و مجازات‌های نیروهای مسلح: همانند قانون مجازات اسلامی است.

۲) مدت مرور زمان تعقیب انتظامی قضات: از تاریخ وقوع تخلف و یا آخرین اقدام تعقیبی ۳ سال است.

۳) مرور زمان نسبت به تعقیب انتظامی و تخلفات سردفتران و دفتریاران: ۲ سال از تاریخ وقوع امر مستوجب تعقیب و یا از آخرین تعقیب انتظامی خواهد بود.

نکته ۸- نظر به اینکه مرور زمان ناظر به نظم عمومی است، چنانچه دو جرم با یکدیگر ارتباط داشته باشند قطع مرور زمان نسبت به یکی از آن‌ها در دیگری نیز مؤثر است (قتل حین سرقت) لیکن چنانچه دو جرم که ارتباطی با یکدیگر ندارند توأمان مورد رسیدگی قرار گیرند قطع مرور زمان یکی از آن‌ها سبب قطع مرور زمان دیگری نیست (قتل یکی و جرح شخصی دیگر) (آیین دادرسی کیفری، جلد اول، محمد آشوری، ص ۳۴۵).

نکته ۹- مرور زمان مانند عفو عمومی یکی از طرق زایل کننده دعوی عمومی است به طوری که تعقیب جزائی و آثار آن را از بین می‌برد و چنانچه حکمی صادر شده باشد باعث عدم اجرای آن می‌گردد بنابراین ارتکاب جرم بعد از شمول مرور زمان مشمول مقررات تعدد و تکرار جرم نخواهد بود (شمس ناتری، همان، ص ۲۶۲).

ماده ۱۰۶ - مرور زمان شکایت

در جرائم تعزیری (اعم از تعزیرات منصوص شرعی و تعزیرات غیرمنصوص شرعی ر.ک تبصره ۲ ماده ۱۱۵ ق.م.ا) قابل گذشت (جرائم غیرقابل گذشت هیچ‌گاه مشمول مرور زمان شکایت نمی‌شود) هرگاه مُتَضَرَّر از جرم در مدت یک سال از تاریخ اطلاع از وقوع جرم، شکایت نکند (آنچه باعث قطع مرور زمان شکایت می‌شود، شکایت کیفری توسط بزه دیده در مراجع ذیصلاح اعم از کلاتری، دادسرا و شورای حل اختلاف است)، حق شکایت کیفری او ساقط می‌شود مگر اینکه تحت سلطه مُتَّهَم بوده یا به دلیلی خارج از اختیار، قادر به شکایت نباشد (موردی که متضرر از جرم در بازداشت قانونی به سر می‌برده با وجود اطلاع از وقوع جرم را در بر نمی‌گیرد) که در این صورت، مهلت مزبور از تاریخ رفع مانع محاسبه می‌شود. هرگاه مُتَضَرَّر از جرم قبل از انقضای مدت مذکور، فوت کند و دلیلی بر صرف نظر وی از طرح شکایت نباشد هر یک از ورثه وی در مهلت شش ماه از تاریخ وفات حق شکایت دارد. (از آنجا که حق شکایت حق است، امکان به ارث رسیدن آن نیز وجود دارد چراکه قائم به شخص نمی‌باشد).

تبصره -

غیر از مواردی که شاکی تحت سلطه مُتَّهَم بوده، در صورتی به شکایت وی یا ورثه او رسیدگی می‌شود که جرم موضوع شکایت طبق ماده (۱۰۵) این قانون، مشمول مرور زمان نشده باشد. (ر.ک نظریه اداره حقوقی قوه قضائیه شماره ۷/۹۲/۲۰۲۴۵ مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۱۷ در خصوص مرور زمان چک).

نکته ۱- ویژگی‌های مرور زمان شکایت:

- ۱- اصولاً یک سال از تاریخ (اطلاع از) وقوع جرم (یا برطرف شدن مانع) است.
- ۲- هر یک از ورثه متوفی در مهلت ۶ ماه از تاریخ وفات حق شکایت خواهند داشت.
- ۳- فقط در جرائم تعزیری قابل گذشت جریان دارد (بنابراین در جرائم مستوجب قصاص، دیات و حدود و جرائم تعزیری غیرقابل گذشت جریان ندارد).

نکته ۲- قلمرو مرور زمان شکایت، جرائم قابل گذشت موجب تعزیر به جز تعزیرات منصوص شرعی و مندرج در ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی (شمس ناتری، همان، ص ۲۷۰).

مواد مرتبط

ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی؛ جرائم ذیل مشمول مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات نمی‌شوند:

الف- جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور

ب- جرائم اقتصادی شامل کلاهبرداری و جرائم موضوع تبصره ماده (۳۶) این قانون با رعایت مبلغ مقرر در آن ماده

پ- جرائم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر.

ماده ۱۰۷ - مرور زمان اجرای مجازات

مرور زمان، اجرای احکام قطعی (زمان آن بیشتر از مرور زمان تعقیب مجازات است) تعزیری (شامل تعزیرات غیرمنصوص شرعی و منصوص شرعی اعم از قابل گذشت و غیرقابل گذشت می‌شود اما شامل حدود و قصاص و دیات نمی‌شود) را موقوف می‌کند و مدت آن از تاریخ قطعییت حکم به قرار زیر است: (مدت مرور زمان مجازات، ملاک برای محاسبه‌ی مرور زمان، مجازات مقرر قانونی است).

الف - جرائم تعزیری درجه یک تا سه با انقضای بیست سال

- ب - جرّام تعزیری درجه چهار با انقضای پانزده سال
 پ - جرّام تعزیری درجه پنج با انقضای ده سال
 ت - جرّام تعزیری درجه شش با انقضای هفت سال
 ث - جرّام تعزیری درجه هفت و هشت با انقضای پنج سال
 تبصره ۱ -

اگر اجرای تمام یا بقیه مجازات موقوف به گذشتن مدّت یا رفع مانعی باشد، (بیانگر تعلیق مرور زمان است) مرور زمان از تاریخ انقضای آن مدّت یا رفع مانع محاسبه می‌شود. (زمانی که جرم ارتكابی مشمول مرور زمان اجرای حکم شود علاوه بر مجازات اصلی، مجازات تکمیلی نیز ساقط می‌شود ولی مجازات تبعی به تصریح ماده ۲۵ همین قانون اعمال خواهد شد).

تبصره ۲ -

مرور زمان اجرای احکام دادگاه‌های خارج از کشور درباره اتباع ایرانی در حدود مقررات (منظور مفاد مواد ۵ و ۷ ق.م.ا است) و موافقت‌نامه‌های قانونی، مشمول مقررات این ماده است.

نکته ۱- اقدامات تأمینی و تربیتی با حصول مرور زمان ساقط نمی‌شود.

مواد مرتبط

ماده ۴۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری: آراء کیفری در موارد زیر پس از ابلاغ به موقع اجرا گذاشته می‌شود:
 الف- رأی قطعی که درگاه نخستین صادر می‌کند.

ب- رأیی که در مهلت قانونی نسبت به آن واخواهی یا درخواست تجدیدنظر یا فریام نشده باشد یا درخواست تجدیدنظر یا فریام آن رد شده باشد.

پ- رأیی که مرجع تجدیدنظر آن را تأیید یا پس از نقض رأی نخستین صادر کرده باشد.

ت- رأیی که به تأیید مرجع فریام رسیده باشد.

ماده ۵۰۱ قانون آیین دادرسی کیفری: اجرای مجازات در موارد زیر به تشفیص و دستور قاضی اجرای احکام به تعویق می‌افتد:

الف- دوران بارداری

ب- پس از زایمان هرآنگاه تا شش ماه

پ- دوران شیردهی هرآنگاه تا رسیدن طفل به سن دو سالگی

ت- اجرای مجازات شلاق در ایام حیض یا استاضه.

ماده ۵۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری: هرگاه مملوک علیه به بیماری مسمی یا روانی مبتلا باشد و اجرای مجازات موجب تشدید بیماری یا تأخیر در بهبودی وی شود، قاضی اجرای احکام کیفری با کسب نظر پزشکی قانونی تا زمان بهبودی، اجرای مجازات را به تعویق می‌اندازد. چنانچه در جرائم تعزیری امیدی به بهبودی بیمار نباشد، قاضی اجرای احکام کیفری، پس از ابراز بیماری مملوک علیه و مانع بودن آن برای اعمال مجازات، با ذکر دلیل، پرونده را برای تبدیل به مجازات مناسب دیگر با در نظر گرفتن نوع بیماری و مجازات به مرجع صادرکننده رأی قطعی ارسال می‌کند.

نکته ۱- مرور زمان اجرای مجازات در تعزیرات اعم از منصوص شرعی و غیرمنصوص شرعی اعم از قابل گذشت و غیر قابل گذشت پذیرفته شده است.

نکته ۲- مرور زمان مجازات، مسقط مجازات است اما موجب امحای محکومیت نمی‌شود؛ یعنی فقط مجازات به مرحله اجرا گذاشته نمی‌شود.

نکته ۳- تبصره ماده ۲۵ قانون نظارت بر نحوه رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰، مدت مرور زمان تعقیب انتظامی قضات را از تاریخ وقوع تخلف و یا آخرین اقدام تعقیبی ۳ سال می‌داند.

نکته ۴- مقررات مرور زمان در خصوص جرائم نظامی نظامیان از شمول قانون مجازات اسلامی خارج بوده و مشمول مقررات آیین دادرسی کیفری است (ر.ک مواد ۶۲۰ الی ۶۲۴ ق.آ.د.ک).

نکته ۵- در مرور زمان اجرای مجازات، مدت بدون توجه به محاسبه‌ی کیفیات مخففه و مشدده منط است و مورد محاسبه قرار می‌گیرد یعنی مجازات مقرر در قانون نه مجازات مقرر در دادنامه.

ماده ۱۰۸ - انقطاع مرور زمان مجازات

هرگاه اجرای مجازات، (حکم در حال اجرا هیچ‌گاه مشمول مرور زمان نمی‌شود) شروع ولی به هر علت قطع شود، تاریخ شروع مرور زمان، تاریخ قطع

اجرای مجازات است و در مواردی که بیش از یک نوبت قطع شود شروع مرور زمان از تاریخ آخرین انقطاع است مگر اینکه اجرای مجازات بر اثر رفتار عمدی محکوم قطع شده باشد (مانند فرار از زندان یا عدم بازگشت از مرخصی) که در این صورت مرور زمان اعمال نمی‌شود.

نکته ۱- رأی دیوان عالی کشور در خصوص پذیرش ادعا دادرسی، اجرای حکم را در صورت عدم اجرا تا اعاده دادرسی و صدور حکم مجدد به تعویق خواهد انداخت لذا قاطع مرور زمان است (شمس ناتری، همان، ص ۲۷۵).

ماده ۱۰۹- پیرامین خارج از شمول مرور زمان

جرّائم ذیل مشمول مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات نمی‌شود:

الف- جرّائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور (رجوع کنید به مواد ۴۹۸ الی ۵۱۲ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵).

ب- جرّائم اقتصادی شامل کلاهبرداری (بر این اساس جرائم در حکم کلاهبرداری مانند فروش مال غیر و معامله معارض می‌تواند مشمول مرور زمان باشد) و جرّائم موضوع تبصره ماده (۳۶) این قانون (استثناء: به استناد نظریه‌ی مشورتی شماره ۷/۹۳/۲۰۴۰ مورخ ۹۳/۸/۲۸ که مقرر می‌دارد: با رعایت مقررات ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جرم پول‌شویی مشمول مرور زمان می‌شود). با رعایت مبلغ مقرر در آن ماده (پس منظور مبلغ مقرر در ماده ۳۶ ق.م.ا یعنی بیش از ۱ میلیارد ریال است نه مبلغ مقرر در تبصره ماده ۳۶ یعنی ۱ میلیارد ریال یا بیش از آن. این شرط شامل کلاهبرداری هم می‌شود) (نظریه مشورتی اداره کل قوه قضائیه شماره ۷/۳۶۱ مورخ ۹۳/۲/۲۰؛ فروش مال غیر به صراحت ماده یک قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر مصوب ۱۳۰۸ کلاهبرداری قلمداد شده است. نظریه اداره کل حقوقی قوه قضائیه شماره ۷/۲۴۸۱ مورخ ۹۲/۱۲/۲۴ با رعایت نصاب مقرر در بند ب ماده ۱۰۹ ق.م.ا مشمول مرور زمان نخواهد بود).

پ- جرّائم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدّر

نکته ۱- برخی از جرائم مذکور در این ماده در صورت وجود سایر شرایط لازم مشمول مرور زمان شکایت می‌توانند قرار گیرند.

نکته ۲- جرم شنود غیرمجاز داده‌های در حال انتقال مشمول مرور زمان تعقیب صدور حکم و اجرای مجازات می‌شود.

نکته ۳- جرائم موجب تعزیرات منصوص شرعی مشمول مرور زمان نمی‌شوند به دلیل وجود ماده ۱۰۵ قانون مجازات اسلامی در تبصره ۲ ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی.

نکته ۴- معامله معارض: به انجام بیش از یک معامله نسبت به مال واحد گفته می‌شود که معامله دوم باید با سند رسمی باشد اعم از اینکه مال مورد معامله منقول باشد یا غیرمنقول.

نکته ۵- ماده ۱۱۷ ق. ثبت مقرر می‌دارد که: «هرکس به موجب سند رسمی یا عادی نسبت به عین یا منفعت مالی اعم از منقول و غیرمنقول حقیقی به شخص یا اشخاص داده و بعد به موجب سند رسمی معامله یا تعهد معارض با حق مزبور غایب به حبس با اعمال شاقه از ۳ تا ۱۰ سال محکوم خواهد شد.»

نکته ۶- چنانچه معامله اول و دوم هر دو با سند عادی واقع شوند یا معامله اول با سند رسمی و معامله دوم با سند عادی انجام گرفته، معامله معارض محسوب شده و ممکن است با جرم انتقال مال غیرقابل انطباق باشد اما اگر هر دو معامله با سند رسمی و یا این که معامله اول با سند عادی و معامله دوم با سند رسمی انجام شده باشد، رفتار مرتکب مشمول حکم معامله معارض مذکور در م ۱۱۷ قانون ثبت خواهد بود.

نکته ۷- معامله معارض هم نسبت به مال منقول و هم نسبت به مال غیرمنقول اعم از عین یا منفعت یا حق قابل تحقق است.

نکته ۸- فروش ملکی که در رهن دیگری است (وثیقه طلب) بدون ذکر آن و بدون حفظ حقوق مرتتهن، حسب مورد ممکن است مشمول م ۱۱۷ ق. ثبت یا مقررات جزایی دیگر از قبیل کلاهبرداری باشد.

نکته ۹- اگر مالک از وقوع معامله مطلع شود، تکلیف قانونی دارد که ظرف یک ماه اظهاریه‌ای را برای ابلاغ به انتقال گیرنده و مطلع کردن او از مالکیت خود ارائه نماید. در غیر این صورت مالک معاون در جرم انتقال مال غیر محسوب می‌شود. اگرچه رفتار وی بعد از وقوع جرم بوده است که اصولاً معاونت بعد از وقوع جرم وجود ندارد.

نکته ۱۰- اگر انتقال گیرنده نیز به عدم مالکیت انتقال دهنده علم داشته باشد، انتقال گیرنده نیز مشمول جرم انتقال مال غیر شده و در

حکم کلاهبردار است.

مواد مرتبط

ماده ۶۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری: کارکنان فراری نیروهای مسلح تا به طور رسمی فوراً را برای ادامه‌ی خدمت به یگان مربوط معرفی نمایند، فرار آنان مستمر محسوب می‌شود و مشمول مقررات مرور زمان تعقیب نمی‌شود.
ماده ۶۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری: مقررات مرور زمان تعقیب نسبت به جرم فرار از خدمت کارکنان پایور (کادر) نیروهای مسلح در مواردی که ارتکاب این جرم برابر مقررات استقامتی مربوط، مستلزم افراف آنان از خدمت باشد، قابل اعمال نیست.

ماده ۱۱۰ - اجرای یکی از چند مجازات، قاطع مرور زمان مجازات دیگر است

هرگاه در مورد یک شخص به موجب حکم یا احکامی محکومیت‌های قطعی متعدّد صادر شود، شروع به اجرای هر یک از محکومیت‌ها، نسبت به دیگر محکومیت‌ها، قاطع مرور زمان است.

نکته ۱ - منظور مقنن این است که اجرای هریک از محکومیت‌ها، مرور زمان محکومیت‌های دیگر را به حال تعلیق درمی‌آورد و مدتی که حکم محکومیت اجرا نشده است، جزء مدت مرور زمان به شمار نمی‌آید (دکتر اردبیلی، همان، جلد سوم، ص ۲۵۵).

ماده ۱۱۱ - لغو قرار یا حکم، مبدأ مرور زمان است

در موارد تعلیق اجرای مجازات یا اعطای آزادی مشروط در صورت لغو قرار تعلیق یا حکم آزادی مشروط، مبدأ مرور زمان، تاریخ لغو قرار یا حکم است. (نه زمان صدور حکم و قرار).

نکته ۱ - اگر محکوم از تعلیق اجرای مجازات و یا آزادی مشروط استفاده می‌نموده است ولی با ارتکاب جرم یا عدم تبعیت از دستور دادگاه باعث لغو قرار تعلیق و حکم آزادی مشروط شده باشد، مرور زمان از تاریخ لغو قرار یا حکم شروع خواهد شد و نه زمان صدور حکم (دکتر الهام و محسنی، همان، ص ۲۹۳).

ماده ۱۱۲ - اثر قطع مرور زمان

قطع مرور زمان، مطلق است (و غیر شخصی است) و نسبت به کلیه شرکا و معاونان اعم از آنکه تعقیب شده یا نشده باشند، اعمال می‌شود هر چند تعقیب فقط درباره یکی از آنها شروع شده باشد. همچنین شروع به اجرای حکم در مورد برخی از شرکا یا معاونان جرم قاطع مرور زمان نسبت به دیگر محکومان است. (این ماده در خصوص قطع مرور زمان تعقیب جاری است).

نکته ۱ - بر اساس این ماده تعقیب یا مجازات یک نفر از مباشرین یا معاونین جرم باعث قطع مرور زمان نسبت به بقیه‌ی مباشرین یا معاونین است.

ماده ۱۱۳ - عدم تأثیر موقوفی تعقیب یا مجازات در حقوق اشخاص

موقوف شدن تعقیب، صدور حکم یا اجرای مجازات، مانع از استیفای حقوق مدعی خصوصی نیست و متضرر از جرم می‌تواند دعوی خصوصی را در مرجع صالح، اقامه نماید. (به مرور زمان تنها بر دعوی عمومی تأثیرگذار خواهد بود).

نکته ۱ - جرائم زیر مشمول مرور زمان نمی‌شوند:

(۱) کلاهبرداری

(۲) جمع‌آوری اطلاعات طبقه‌بندی شده

(۳) داخل شدن به اماکن سیاسی و امنیتی

نکته ۲ - انواع مرور زمان کیفری:

الف) مرور زمان شکایت

ب) مرور زمان تعقیب

ج) مرور زمان صدور حکم

د) مرور زمان اجرای مجازات

نکته ۳ - می‌توان گفت که بعد از شمول مرور زمان اجرای مجازات، محکومیت از سجل کیفری شخص حذف می‌گردد.

نکته ۴- احکام دادگاه‌های خارج از کشور نسبت به اتباع ایرانی در امور کیفری، در حدود مقررات و موافقت‌نامه‌های قانونی، مشمول مرور زمان می‌شوند.

نکته ۵- تردیدی نیست که موقوفی تعقیب و توقف اجرای حکم بر اثر مرور زمان، از این نظر که اعمال تعقیب و مجازات و یا انصراف از آن ناظر به حقوق جامعه و منافع جمعی است. نمی‌تواند نسبت به حقوق متضرر یا متضررین از جرم تأثیری داشته باشد و مانع استیفای حقوق آنان گردد (دکتر آشوری همان، ص ۲۱۹).

نکته ۶- ملاک محاسبه مدت‌های مرور زمان، مجازات‌های مقرر در قانون است نه در حکم دادگاه (دکتر آشوری، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، ص ۲۱۷).

نکته ۷- سقوط دعوی عمومی به هر جهت منجر به سقوط دعوی خصوصی نمی‌شود (ر.ک ماده ۲۰ ق.آ.د.ک).

مبحث پنجم - توبه مجرم

ماده ۱۱۴ - اثر توبه در جرائم موجب مَر

در جرائم موجب حدّ به استثنای قَذَف (تحت هیچ شرایطی با توبه ساقط نمی‌شود) و مُحَارَبَه (اما اگر قبل از دستگیری یا تسلط (منظور از تسلط یا دستیابی بر مجرم یک مرحله قبل از دستگیری است که لزوماً به دستگیری منتهی می‌شود) بر او توبه کند حد ساقط می‌شود. تبصره ۱ ماده ۱۱۴ ق.م.ا) هرگاه مُتَّهَم قبل از اثبات جرم (منظور قبل از صدور رأی قطعی است)، توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی (اعم از قضات دادسرا و دادگاه است بدین ترتیب که احراز توبه در دادسرا قابل قبول می‌باشد و در خصوص محرز بودن توبه دادیار یا بازپرس بر اساس بند ج ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری قرار موقوفی تعقیب صادر می‌کنند) مُحَرَز شود، حدّ از او ساقط می‌گردد. (الزامی است) همچنین اگر جرائم فوق غیر از قَذَف با اقرار ثابت شده باشد، در صورت توبه مُرتکب حتی پس از اثبات جرم، دادگاه می‌تواند (اختیاری است یعنی تکلیفی برای انجام این امر ندارد) عفو مجرم را توسط رئیس قوه قضائیه از مقام رهبری درخواست نماید (عفو خصوصی).

تبصره ۱ -

توبه مُحَارَب قبل از دستگیری یا تسلط بر او موجب سقوط حد است. (معنای مخالف: در صورت دستگیری و تسلط بر محارب، با توبه به استناد ماده ۱۱۶ همین قانون مجازات محارب ساقط نمی‌شود).

تبصره ۲ -

در زنا و لواط هرگاه جرم به عُنْف، اِکْرَاه و یا با اغفال بزه‌دیده انجام گیرد، مُرتکب در صورت توبه و سقوط مجازات به شرح مُنْدَرَج در این ماده به حبس یا شلّاق تعزیری درجه شش یا هر دوی آن‌ها محکوم می‌شود. (در نتیجه: توبه در این حالت از معاذیر مخففه‌ی مجازات محسوب می‌شود).

نکته ۱- احراز توبه در دادسرا قابل قبول می‌باشد و در خصوص محرز بودن آن دادیار یا بازپرس بر اساس بند ج ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری قرار موقوفی تعقیب صادر می‌کند.

نکته ۲- توبه مرتکب پیش از ثبوت جرم و یا دستگیری او در زمره‌ی سقوط مجازات به عنوان موارد معافیت از مجازات است. این موضوع در زمره‌ی عذرهای معاف‌کننده از مجازات است.

نکته ۳- توبه، باعث سقوط، تقلیل یا تبدیل حدود شرعی می‌شود.

نکته ۴- جرائم قذف، محاربه، قصاص و دیه با توبه ساقط نمی‌شوند و در خصوص جرائم تعزیری هم فقط جرائم درجه ۶ تا ۸ با توبه ساقط و جرائم درجه ۱ تا ۵ شامل تخفیف می‌توانند قرار گیرند.

نکته ۵- در جرائم تعزیری درجه ۶ الی ۸ در صورت توبه دادگاه مکلف است مرتکب را از مجازات معاف کند.

نکته ۶- مقررات مربوط به توبه با توجه به ذکر عبارت «دادگاه» در مواد ۱۱۴ و ۱۱۵ ق.م.ا در مرحله‌ی دادسرا قابل اعمال نبوده و دادسرا فقط می‌تواند ادله‌ی مربوط به توبه را به دادگاه کیفری اعلام نماید (آیین دادرسی کیفری، دکتر هادی رستمی، ص ۱۴۲).

ماده ۱۱۵ - اثر توبه در برخی جرائم تعزیری

در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت چنانچه مرتکب توبه نماید (چه قبل از دستگیری باشد و چه بعد از دستگیری) و ندامت و اصلاح او برای قاضی مُحَرَّر شود، مجازات ساقط می‌شود. (الزامی است) (چه توبه قبل از اثبات جرم باشد چه بعد از اثبات جرم) در سایر جرائم (درجه ۱ تا ۵) موجب تعزیر دادگاه می‌تواند (اختیاری است) مقررات راجع به تخفیف مجازات را اعمال نماید. (ر.ک ماده ۳۸ ق.م.ا) (این ماده شامل تعزیرات منصوص شرعی نمی‌شود به استناد تبصره ۲ ماده ۱۱۸ ق.م.ا بنا بر این اثر توبه در تعزیرات غیرمنصوص شرعی می‌باشد).

تبصره ۱ -

مقررات راجع به توبه درباره کسانی که مقررات تکرار جرائم تعزیری (اعم از منصوص یا غیرمنصوص) در مورد آنها اعمال می‌شود، جاری نمی‌گردد. (تکرار جرم حدی مشمول این تبصره قرار نمی‌گیرد همچنین در مورد کسانی که مرتکب تعزیر منصوص شرعی شده‌اند. تبصره ۲ ماده ۱۱۵ ق.م.ا).

تبصره ۲ -

إطلاق مقررات این ماده (جالب اینکه توبه در حد داریم اما در تعزیرات منصوص شرعی نداریم) و همچنین بند (ب) ماده (۷) و بندهای (الف) و (ب) ماده (۸) و مواد (۲۷)، (۳۹)، (۴۰)، (۴۵)، (۴۶)، (۹۳)، (۹۴) و (۱۰۵) این قانون شامل تعزیرات منصوص شرعی نمی‌شود. (تعزیرات منصوص شرعی به تعزیراتی گفته می‌شود که در شرع مقدس اسلام، برای یک عمل معین نوع و مقدار و کیفر مشخص شده باشد بنا بر این مواردی که به موجب روایات و یا هر دلیل شرعی دیگر، به طور کلی و مطلق برای عمل تعزیر مقرر گردیده است و نوع و مقدار آن معین نشده است، تعزیر منصوص شرعی محسوب نمی‌شود (نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه شماره ۷/۱۰۱۹ مورخ ۹۲/۶/۲)).

نکته ۱- در جرائم تعزیری درجه ۶ تا ۸ توبه قبل از اثبات جرم موجب سقوط کلیه مجازات می‌شود.

نکته ۲- برای دیدن تخصیص این ماده رجوع کنید به ماده ۵۱۲ ق.م.ا بخش تعزیرات.

نکته ۳- توبه در این موارد پذیرفته نمی‌شود و اثر ندارد:

۱- قصاص

۲- دیات

۳- حد قذف

۴- حد محاربه مگر اینکه قبل از دستگیری و تسلط بر او توبه کند

۵- در جرائم تعزیری منصوص شرعی

۶- در فرض تکرار جرم، در جرائم تعزیری

نکته ۴- ر.ک به مواد ۱۱۶ و ۲۴۸ و تبصره ۲۲ ماده ۲۷۸ ق.م.ا.

مواد مرتبط

ماده ۲۱۹ قانون مجازات اسلامی: دارگاه نمی‌تواند کیفیت، نوع و میزان مرور شرعی را تغییر یا مجازات را تقلیل دهد یا تبدیل یا ساقط نماید. این مجازات‌ها تنها از طریق توبه و عفو به کیفیت مقرر در این قانون قابل سقوط، تقلیل یا تبدیل است.

ماده ۱۱۶- عزم تأثیر توبه در دیه، قصاص، حد قذف و محاربه

دیه، قصاص، حد قذف و محاربه (منظور توبه بعد از تسلط یا دستگیری است. ر.ک تبصره ۱ ماده ۱۱۴ ق.م.ا) با توبه ساقط نمی‌گردد.

نکته ۱- به طور کلی جرائم قذف و محاربه از میان جرائم مستوجب حد، قصاص، دیات، جرائم مکرر تعزیری و جرائم تعزیری درجه ۱ تا ۵ با توبه ساقط نمی‌گردد و توبه تنها در جرائم تعزیری درجه ۱ تا ۵ می‌تواند موجب تخفیف مجازات مرتکب گردد (شمس ناتری، همان، ص ۲۸۴).

ماده ۱۱۷- لزوم اصرار توبه

در مواردی که توبه مرتکب، موجب سقوط یا تخفیف مجازات می‌گردد، توبه، اصلاح و ندامت وی باید احراز گردد و به ادعای مرتکب اکتفاء نمی‌شود. چنانچه پس از اعمال مقررات راجع به توبه، ثابت شود که مرتکب تظاهر به توبه کرده است سقوط مجازات و تخفیفات در نظر گرفته شده ملغی و مجازات اجراء می‌گردد. در این

مورد چنانچه مجازات از نوع تعزیر باشد مرتکب به حداکثر مجازات تعزیری محکوم می‌شود. (الزامی است) (و در مورد جرائم مستوجب حدی اجرا می‌شود و در این خصوص تشدید اعمال نمی‌گردد).

نکته ۱- در جرم محاربه، قبل از دستگیری مرتکب، توبه وی موجب سقوط مجازات است.

نکته ۲- در جرم محاربه، توبه قبل از اثبات جرم موجب سقوط کلی مجازات می‌شود. در جرائم موجب حد غیر از قذف که با اقرار ثابت شده باشد، در صورت توبه مرتکب، حتی پس از اثبات جرم، دادگاه می‌تواند عفو مجرم را توسط رئیس قوه قضائیه از مقام رهبری درخواست نماید.

ماده ۱۱۸ - زمان اعلام توبه

مُتَّهِم می‌تواند تا قبل از قطعیت حکم، (در صورتی که به هر دلیلی قبل از قطعیت حکم، متهم نتواند ادله‌ی مربوط به توبه را به مقامات مربوطه ارائه کند و پس از قطعیت حکم ادله مربوط به توبه به ویژه توبه قبل از اقرار را به دست آورد می‌تواند از طریق اعاده دادرسی دلایل را ارائه نماید و این امر از موجبات اعاده دادرسی است) ادله مربوط به توبه خود را حسب مورد به مقام تعقیب (در دادسرا) یا رسیدگی (در دادگاه) ارائه نماید.

نکته ۱- هر چند مرجع احراز توبه قاضی دادگاه اعم از بدوی یا تجدیدنظر است و قضات دادسرا در احراز توبه نقشی ندارند اما مطابق این ماده، این حق به متهم داده شده که تا قبل از قطعیت حکم، ادله‌ی مربوط به توبه‌ی خود را به مرجع تعقیب یا رسیدگی ارائه نماید که منظور از مرجع تعقیب، دادسرا است ولی در این حالت نیز دادسرا نمی‌تواند به استناد توبه قرار موقوفی تعقیب صادر کند و اتخاذ تصمیم نهایی با دادگاه است (آیین دادرسی دانشگاهی، مجتبی باری، ص ۹۶ و ۹۷).

ماده ۱۱۹ - اعتراض دادستان به سقوط یا تفتیف مجازات

چنانچه دادستان مخالف سقوط یا تخفیف مجازات باشد، می‌تواند به مرجع تجدیدنظر (که حسب مورد دادگاه تجدیدنظر یا دیوان عالی کشور است) اعتراض کند. (و همچنین است شاکی).

نکته ۱- در مقابل جرائم حدی مثل زنا، لواط و مساحقه که با شهادت ۴ شاهد اثبات می‌شوند، محاربه با شهادت دو مرد عادل اثبات می‌شود.

موارد مرتبط

ماده ۴۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری: آراء دارگاه‌های کیفری نیز در موارد زیر که قطعی محسوب می‌شود، حسب مورد در دارگاه تهرینظر استان همان حوزه قضائی قابل تهرینظر و یا در دیوان عالی کشور قابل فرجام است:

الف- جرائم تعزیری درجه هشت باشد.

ب- جرائم مستلزم پرداخت ریه یا ارش، در صورتی که میزان یا جمع آن‌ها کم‌تر از یک‌دهم ریه‌ی کامل باشد.

تبصره ۱: در مورد مجازات‌های پایگترین حبس، معیار قابلیت تهرینظر، همان مجازات قانونی اولیه است.

تبصره ۲: آراء قابل تهرینظر، اعم از مکومیت، برائت، یا قرارهای منع و موقوفی تعقیب، اناطه و تعویق صدور حکم است. قرار در درخواست واثواهی یا تهرینظر فواهی، در صورتی مشمول این حکم است که رأی راجع به اصل دعوا، قابل تهرینظر فواهی باشد.

مبحث ششم - اعمال قاعده درآ

ماده ۱۲۰ - اثر شبیه

هرگاه وقوع جرم (جرم به صورت مطلق مورد اشاره قرار گرفته است و شامل تمام جرائم مقرر در ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی می‌باشد البته دیه در هر حال باید جبران شود چون هم جنبه‌ی جبران خسارت دارد و هم حق خصوصی افراد است) یا برخی از شرایط آن و یا هریک از شرایط مسؤولیت کیفری مورد شبیهه (این شبیهه ناظر بر تردید مقام قضائی است نه شخص متهم) یا تردید قرار گیرد و دلیلی بر نفی آن یافت نشود حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود.

نکته ۱- اعمال قاعده درآ در قانون مجازات اسلامی به شرط، ایجاد شبیهه در شرایط وقوع جرم و شرایط مسؤولیت کیفری و عدم وجود دلیل نفی بر شبیهه مذکور صورت می‌گیرد.

نکته ۲- شخصی مرتکب زنا ساده می‌شود، در ضمن رسیدگی ادعا می‌نماید که به زنا اقرار شده است، به صرف ادعا، در صورتی که صدق احتمال گفتار وی داده شود، مسؤولیت ندارد.

نکته ۳- در جرائم غیر حدی، به صرف وجود شبهه و عدم ارائه دلیل بر نفی آن مجازات ساقط می‌گردد.

نکته ۴- شرایط اعمال قاعده درأ؛

۱- ایجاد شبهه در وقوع جرم یا در شرایط وقوع جرم و یا شرایط مسؤولیت کیفری.

۲- عدم وجود دلیل بر نفی شبهه مذکور.

نکته ۵- قاعده‌ی مذکور در این ماده، عدم مجازات متهم در صورت شک بر مجرم بودن یا نبودن متهم صدق می‌کند و در واقع دایره‌ی مجرمیت را تنگ‌تر و بسته‌تر می‌کند و از این جهت با تفسیر مضیق قوانین کیفری قابل قیاس است.

نکته ۶- در صورت وجود شبهه یا تردید در وقوع جرم، هر یک از اجزاء و شرایط تشکیل‌دهنده جرم یا هر یک از شرایط مسؤولیت کیفری، دادرس مکلف است بر نفی این شبهه و تردید اقامه‌ی دلیل کند و اگر نتوانست شبهه را رفع کند، جرم یا شرایط مذکور ثابت نمی‌شود و دادرس مکلف به صدور حکم برائت است (دکتر الهام و برهانی، همان، ص ۲۶۸).

نکته ۷- در مواردی که جرم با همه‌ی شرایط آن و همین‌طور شرایط مسؤولیت کیفری محقق باشد ولیکن در ارتباط با شرایط تشدید مجازات شک و تردید باشد در این صورت قاعده درأ نسبت به اصل جرم قابل اعمال نیست ولیکن نسبت به تشدید مجازات قابل اعمال خواهد بود (شمس ناری، همان، ص ۲۸۷).

مواد مرتبط

ماده ۲۱۸ قانون مجازات اسلامی؛ در جرائم موجب هرگاه متهم ادعای فقدان علم یا قصد یا وجود یکی از موانع مسؤولیت کیفری را در زمان ارتکاب جرم نماید در صورتی که احتمال صدق گفتار وی داده شود و اگر ادعا کند که اقرار او با تهدید و ارباب یا شکنجه گرفته شده است ادعای مذکور بدون نیاز به بیینه و سوگند پذیرفته می‌شود.

تبصره ۱؛ در جرائم مباربه و افساد فی الارض و جرائم منافی عفت با عتف، اکراه، ربایش یا اغفال، صرف ادعا، مسقط هر نیست و دادگاه موظف به بررسی و تحقیق است. تبصره ۲؛ اقرار در صورتی اعتبار شرعی دارد که نزد قاضی در مملکه انجام گیرد.

ماده ۱۲۱- اثر شبهه در جرائم موجب حد

در جرائم موجب حد به استثنای مجاربه، افساد فی الارض، سرقت و قذف، به صرف وجود شبهه یا تردید و بدون نیاز به تحصیل دلیل، حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود. (مثل جرم زنا محصنه).

نکته ۱- اصولاً قاعده درأ قاعده‌ی ماهوی بوده که در اعمال آن در فرض بروز شبهه صورت می‌گیرد و شبهه نیز موجب تزلزل در رکن روانی (معنوی) و در نتیجه عدم تحقق جرم می‌گردد از این رو در مقام اعمال قاعده درأ مقام قضائی باید حسب مورد اقدام به صدور قرار منع تعقیب یا حکم برائت نماید (اسماعیل ساولانی، مجموعه‌ی طبقه‌بندی‌شده‌ی سؤالات چهارگزینه‌ای جزای عمومی، ص ۴۱۵).

بخش سوم - جرائم

فصل اول - شروع به جرم

(اعمالی که دال بر وجود قصد مجرمانه در تعقیب و تکمیل جرم به نحوی که تگر عامل خارجی دخالت نکند و مانع تحقق جرم نگردد)

جرم به طور کامل واقع می‌گردد)

ماده ۱۲۲ - شروع در جرم

هر کس قصد ارتکاب جرمی کرده (اصولاً شروع به جرم در جرائمی که عنصر مادی آن‌ها ترک فعل است قابل تحقق نیست) و شروع به اجرای آن نماید، (شروع به جرم فقط در جرائم عمدی امکان تحقق دارد و در جرائم غیر عمدی یا جرائم حاصل از بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی فرض شروع به جرم مصداق ندارد و نیز جرائم مقید هستند که شروع به جرم دارند هر چند امکان شروع به جرم در جرائم مطلق نیز خیلی دور از ذهن نیست رجوع کنید به بند ب ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات) لکن به واسطه عامل خارج از اراده او قصدش معلق بماند، (یعنی

اینکه شخص مصر بر ارتکاب بوده است اما بدون میل و رضای وی خواست مجرمانه‌اش به نتیجه نرسیده است) به شرح زیر مجازات می‌شود: (یعنی در همه جرائم شروع به جرم نداریم مگر مواردی که تصریح شده باشد)

الف- در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات، (اعم از اعدام یا قصاص) حبس دائم یا حبس تعزیری درجه یک تا سه است به حبس تعزیری درجه چهار (بند الف ماده ۱۲۲ ق.م.ا، ماده ۶۱۳ ق.م.ا بخش تعزیرات را نسخ ضمنی کرده است)

ب- در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها قطع عضو یا حبس تعزیری درجه چهار است (حبس بیش از ۵ تا ۱۰ سال با دو سال محرومیت از حقوق اجتماعی) به حبس تعزیری درجه پنج

پ- در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها شلاق حدی (مانند شرب مسکر، قوادی و ...) یا حبس تعزیری درجه پنج است به حبس تعزیری یا شلاق یا جزای نقدی درجه شش

(قانون‌گذار در مواردی استثنایی تهیی مقدمات را به طور مستقل جرم‌انگاری نموده است، مانند: ساختن کلید برای ارتکاب سرقت (گلدوزیان، همان، ص ۱۰۹)).

تصهره -

هرگاه رفتار ارتكابی، ارتباط مستقیم با ارتکاب جرم داشته، لکن به جهات مادی که مرتکب از آن‌ها بی‌اطلاع بوده وقوع جرم غیرممکن باشد (در مقام بیان جرم محال مادی است)، اقدام انجام‌شده در حکم شروع به جرم است. (مطابق نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه ۷/۲۳۰۰ مورخ ۹۲/۱۲/۴ که می‌گوید صدر ماده ۱۲۲ ق.م.ا سال ۹۲ شامل جرم عقیم هم می‌شود پس ماده ۱۲۲ ق.م.ا شامل جرم عقیم و محال می‌شود).

نکته ۱- شخصی که مرتکب جرم محال نسبی شده است به مجازات شروع به جرم محکوم می‌شود.

نکته ۲- شروع به جرم در خصوص قصاص عضو ساکت است.

نکته ۳- جرائم تعزیری درجه ۶ الی ۸ شروع به جرمشان مجازات قانونی ندارد اگر عمل انجام‌گرفته عنوان مجرمانه‌ی مستقلی نداشته باشد.

نکته ۴- هر شروع به جرمی مجازات ندارد و در واقع جرم نیست. مگر اینکه مشمول بندهای الف، ب و پ ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی باشد یا در قوانین خاص جرم‌انگاری شده باشد؛ مانند: شلاق تعزیری. (ر.ک ماده ۵۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۹۲. اصلاحی ۹۴).

نکته ۵- مفهوم شروع به جرم، شروع عملیات اجرای جرم و معلق ماندن قصد به واسطه‌ی عامل خارج از اراده می‌باشد.

نکته ۶- طبق قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ بدون توجه به مقررات قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ جرم شروع به آتش زدن جنگل، به عنوان شروع به جرم پیش‌بینی شده است.

نکته ۷- با توجه به قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری چنانچه در اصل ارتشاء، انفصال دائم پیش‌بینی شده باشد در شروع به ارتشاء مجازات سه سال انفصال موقت داده می‌شود.

نکته ۸- مجازات شروع به جرم در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها شلاق تعزیری است، در قانون پیش‌بینی نشده است.

نکته ۹- جرم محال جرمی است که به علت عدم امکان تحقق موضوع یا به علت عدم تکافوی وسیله واقع نمی‌شود و مجازات آن اصولاً مجازات مقرر برای شروع به جرم است.

نکته ۱۰- دیوان عالی کشور در بحث شروع به جرم بیشتر از نظریه‌ی عینی استفاده کرده است.

نکته ۱۱- شروع به جرم مطابق اصول عبارت است از توسل به عوامل اجرائی جرم که اگر برای مرتکب انصراف حاصل شود و عایقی نرسد جرم ناگزیر به وقوع بپیوندد (رای وحدت رویه شماره ۱۹۲۴ مورخ ۱۳۲۹/۸/۱۲).

نکته ۱۲- منظور از سوءقصد به جان مقامات سیاسی داخلی و خارجی در قانون مجازات اسلامی، شروع به قتل مقامات فوق‌الذکر است.

نکته ۱۳- «الف» به قصد کشتن «ب» طنابی خریداری کرده است، با فرض تعقیب موضوع و احراز مطلب مزبور توسط قاضی، «الف» با این میزان از اقدام، فاقد تعقیب کیفری است.

نکته ۱۴- شخصی کلیدساز که از سرقت سارق اطلاع داشته کلیدی برای ورود به مکان وقوع سرقت می‌سازد و در اختیار سارق قرار می‌دهد، لکن قبل از وقوع سرقت کلید گم می‌شود و سرقت مورد نظر انجام نمی‌شود. در این فرض اقدام سازنده کلید، جرم تام است.

نکته ۱۵- اگر شخصی تیری را به سوی انسانی پرتاب نموده و تیر مزبور به فرد مورد نظر اصابت ننماید، جرم عقیم اتفاق افتاده است.

نکته ۱۶- شروع به جرم از دو رکن ایجابی و سلبی تشکیل شده است:

۱- ورود به عملیات اجرایی (شروع به اجرا)

۲- عدم انصراف ارادی.

که اگر هر یک از دو رکن تحقق نیافت، شروع به جرم انجام نپذیرفته و نمی‌توان شخص را به خاطر ارتکاب شروع به جرم، مجازات نمود (دکتر الهام و برهانی، همان، ص ۲۴۵).

نکته ۱۷- در صورتی که شخص حقیقی در راستای منافع شخص حقوقی مرتکب شروع به جرم شود به استناد مواد ۲۰ و ۱۴۳ و ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی قابل تعقیب و مجازات می‌باشد.

نکته ۱۸- مجازات شروع به کلاهبرداری، حداقل مجازات کلاهبرداری و برحسب مورد انفصال دائم و موقت از خدمات دولتی است.

نکته ۱۹- در رابطه با این ماده به رأی وحدت رویه ۶۳۵ دیوان عالی کشور رجوع کنید.

نکته ۲۰- شروع به جرم در جرائم زیر جرم محسوب نمی‌شود:

(۱) معاونت در شروع به قتل عمد

(۲) جرائم تعزیری درجه ۶ تا ۸

نکته ۲۱- خانمی آلوده به ویروس ایدز با هدف مبتلا کردن مردان به ویروس مزبور به قصد قتل آن‌ها با چند نفر ارتباط جنسی برقرار می‌کند اما هیچ‌کدام از مردان مبتلا به ویروس نمی‌شوند. در صورت نامشروع بودن ارتباط، علاوه بر زنا مرتکب شروع به جرم قتل عمدی شده است.

نکته ۲۲- قصد مجرمانه عبارت است از اراده ارتکاب به حصول نتیجه‌ی مجرمانه.

نکته ۲۳- عنصر مادی شروع به جرم، شروع به اجرا و اوضاع و احوال حاکم بر آن و عدم ترک ارادی است.

نکته ۲۴- اگر فردی یک فقره شروع به جرم و یک فقره جرم تام انجام دهد مجازات وی بر اساس قواعد تعدد جرم تعیین خواهد شد (نظریه مشورتی شماره ۷۱۹۳۱۲۱۴۸ مورخ ۱۳۹۳).

مثال: اگر شخص «الف» به سوی «ب» تیراندازی نموده، ولی پس از اصابت تیر در مغز او که کشنده بوده است معلوم شود که قبل از تیراندازی با ایست قلبی فوت کرده است.

نکته ۲۵- شروع به جرم از زمانی محقق می‌شود که مرتکب شروع به اجرای جرم نماید یعنی وارد قلمرو عملیات اجرای جرم شود و بر اثر اوضاع و احوالی مستقل از اراده مرتکب انجام و به پایان رساندن جرم معلق مانده و به نتیجه نرسد (دکتر الهام و برهانی، همان، ص ۲۴۵).

نکته ۲۶- در خصوص شروع به جرم دو نظریه عینی و ذهنی وجود دارد طبق نظریه عینی شروع به اجرا زمانی تحقق پیدا می‌کند که فاعل یکی از افعالی را که در تعریف قانونی جرم آمده است چه به عنوان عنصر تشکیل‌دهنده و چه به عنوان کیفیت مشدده جرم مرتکب شود. برای مثال در جرم سرقت به محض اینکه مرتکب حرز را شکست یا از دیوار بالا رفت شروع به اجرا تحقق پیدا می‌کند. دیوان عالی کشور از نظریه‌ی عینی تبعیت نموده است (دکتر اردبیلی، ح.ج.ع، ج ۱، ص ۲۲۰).

نکته ۲۷- شخصی به قصد قتل در خانه الف را شکسته و وارد حیاط می‌شود و پیش از ورود به اتاقی که الف در آن حضور دارد، دستگیر می‌شود او برای جرم تخریب عمدی و ورود به عنف به مسکن دیگری قابل تعقیب است و در خصوص شروع به قتل قابل تعقیب نیست چراکه مطابق با نظریه عینی شروع به قتل زمانی قابل تحقق است که مرتکب وارد مرحله‌ی اجرای شده باشد و در خصوص قتل هنوز مرتکب وارد مرحله اجرایی نشده است تا به اتهام شروع به قتل نیز تحت تعقیب قرار گیرد بنابراین اتهامات وی صرفاً تخریب عمدی و ورود به عنف به مسکن دیگری است.

نکته ۲۸- جرم محال برخلاف شروع به جرم، جرمی است که به اجرا درآمده و به مرحله‌ی وقوع رسیده ولی همانند شروع به جرم

نتیجه‌ای از آن عاید نشده است، توضیح اینکه ضروری است که امکان یا عدم امکان نتیجه، هیچ‌گاه شرط تحقق شروع به جرم نیست به‌بیان‌دیگر هرگاه کسی قصد ارتکاب جرمی کند که محال است و به واسطه موانع خارجی اجرای جرم معلق بماند مرتکب شروع به جرم شده است (دکتر اردبیلی، ج. ۳، ع. ۴، ج. ۲، ص. ۳۲۹).

نکته ۲۹- در جرم عقیم فرد کلیه‌ی مقدمات جرم را فراهم می‌کند، عملیات اجرایی را نیز شروع می‌کند ولی بنا به علتی غیرقابل‌پیش‌بینی خارج از اراده‌ی او مانند عدم مهارت یا دقت قصد مجرمانه‌اش معلق می‌شود. با توجه به قانون مجازات اسلامی، اگر جرم عقیم عنوان مجرمانه‌ی خاص داشته باشد قابل مجازات خواهد بود.

نکته ۳۰- در ارتباط با انصراف ارادی: نکته قابل تأمل زمانی است که مداخله‌ی ثالث باعث قطع جریان ارتکاب شود اما این مداخله، صفت ارادی بودن انصراف را زایل نمی‌نماید. مثلاً ثالث با توصیه به مرتکب یا متنبه کردن او با نصیحت و بدون اعمال قوه قهریه باعث انصراف او شود یا زمانی که مرتکب با شنیدن آژیر نیروهای انتظامی که مشغول گشت زنی هستند از ادامه مسیر مجرمانه انصراف می‌دهد. صورت دیگر زمانی است که انصراف مرتکب کاملاً به صورت ارادی نیست مانند زمانی که مرتکب نه به علت متنبه شده بلکه به‌واسطه‌ی این تصور غلط که شخصی در صحنه جرم حضور دارد اقدام به انصراف می‌نماید.

به نظر می‌رسد در تمامی این موارد انصراف ارادی است و به واسطه عامل خارج از اراده قصد مرتکب معلق نمانده است بنابراین شروع به جرم تحقق پیدا نکرده است (دکتر الهام و دکتر برهانی، همان، ص. ۲۴۹).

نکته ۳۱- شروع به ارتکاب جرم محال و شروع به ارتکاب جرم عقیم، جرم نبوده و قابل مجازات نمی‌باشد.

نکته ۳۲- این ماده برای جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات، حبس دائم، شلاق حدی، قطع عضو و حبس تعزیری درجه‌یک تا پنج باشد شروع به جرم را جرم انگاری نموده است بنابراین شروع به جرم در جرائمی که مجازات آن حبس تعزیری درجه ۶ و ۷ و ۸ است و نیز در جرائمی که مجازات آن‌ها مصادره اموال، شلاق تعزیری، جزای نقدی به هر میزان، انفصال دائم یا موقت، محرومیت از حقوق اجتماعی و انتشار حکم در رسانه‌ها است، دارای مجازات نمی‌باشد (دکتر الهام و برهانی، همان، ص. ۲۵۲).

نکته ۳۳- شروع به اجرا مستلزم عمل مادی است؛ بنابراین شروع به جرائم در جرائمی که عنصر مادی آن‌ها ترک فعل است محقق و ثابت نیست زیرا به محض اینکه تکلیفی به عهده‌ی شخص ثابت گردید و تکلیف انجام نگرفت جرم محقق است و فرصت و مجالی برای شروع به آن نیست (اردبیلی، ج. ۳، ع. ۴، جلد اول، ص. ۲۱۹).

نکته ۳۴- برای تحقق شروع به جرم، قصد مجرمانه‌ی قبلی برای ارتکاب جرم (عنصر معنوی) ضروری است و لذا در جرائم غیرعمدی و جرائم ناشی از تخلف از نظامات دولتی، فرض شروع به جرم منتفی است (گلدوزیان، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، ص. ۱۶۸).

نکته ۳۵- مجازات شروع به جرم موضوع ماده ۱۲۳ و ۱۲۴ ق.م.ا:

الف: در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها:

۱- سلب حیات ۲- حبس ابد (دائم) ۳- حبس تعزیری درجه ۱ تا ۳ = حبس تعزیری درجه ۴

ب: در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها:

۱- قطع عضو ۲- حبس تعزیری درجه ۴ = حبس تعزیری درجه ۵

ج: در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها:

۱- شلاق حدی ۲- حبس تعزیری درجه ۵ =

۱- حبس تعزیری درجه ۶ یا ۲- شلاق تعزیری درجه ۶ یا ۳- جزای نقدی درجه ۶

نکته ۳۶- مراحل ارتکاب جرم:

۱- قصد ارتکاب جرم (اصولاً جرم نیست مگر تبانی که برخلاف شروع به جرم وارد عملیات اجرایی نمی‌شود)

۲- تهیه مقدمات (اصولاً جرم نیست مگر در مورد مواد ۶۱۰ و ۶۱۱ و ۶۶۴ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات)

۳- شروع به عملیات اجرایی

۴- اتمام جرم (جرم تام)

نکته ۳۷- شروع به جرم در جرمی که عنصر مادی آن به صورت ترک فعل است: مربی شنا با شخصی قراردادی مبنی بر آموزش شنا به فرزند وی منعقد نماید و در ضمن قرارداد حفظ حیات فرزند، شرط شود. حال اگر شخص، فرزند خود را برای آموزش شنا به وی بسپارد و فرزند جهت آموزش شنا وارد آب شود و در معرض غرق شدن قرار گیرد و مربی شنا با روئیت وی و با قصد غرق شدن او هیچ اقدامی انجام ندهد (ترک فعل قراردادی) و در همین لحظه پدر فرزند وارد استخر شده و او را نجات دهد به نظر می‌رسد محکومیت مربی شنا به شروع به قتل عمدی بلاشکال باشد (شمس ناتری، همان، ص ۲۹۲).

ماده ۱۲۳- قصد ارتکاب جرم

مُجَرِّدِ قِصْدِ اِرْتِکَابِ جُرْمٍ و یا عملیات و اقداماتی که فقط مقدمه جرم است (به استثناء موارد مذکور در مواد ۶۱۱ و ۶۶۹ و ۶۶۴ ق.م.ا. بخش تعزیرات) و ارتباط مستقیم با وقوع جرم ندارد، شروع به جرم نیست و از این حیث قابل (منظور شروع به جرم است) مجازات نمی‌باشد. (مثال: تهیه پله برای سرقت که ممکن است برای سرقت مورد استفاده قرار گیرد یا خیر به استثناء موارد مذکور در مواد ۶۰۹ و ۶۱۰ ق.م.ا. بخش تعزیرات).

نکته ۱- معنی مخالف: عملیات و اقداماتی که ارتباط مستقیم با وقوع جرم دارد می‌تواند جرم باشد و از این حیث نیز قابل مجازات باشد.

ماده ۱۲۴- ترک ارادی جرم

هرگاه کسی شروع به جرمی نماید و به اراده خود آن را ترک کند به اتهام شروع به آن جرم، تعقیب نمی‌شود لکن اگر همان مقدار رفتاری که مُرْتَكِب شده است جرم باشد به مجازات آن محکوم می‌شود. (مثال: تهیه اسلحه برای قتل و کمین کردن و انصراف ارادی).

نکته ۱- تجری به معنی ترمّد و بی‌اعتنایی به شارع و بی‌پروا بودن در انجام دادن جرم و گناه است، یعنی شخصی با علم به اینکه رفتاری، جرم و گناه است آن را مرتکب شود سپس معلوم شود که آن کار گناه نبوده است مثلاً شخصی با قصد نوشیدن شراب، مایعی را که شبیه شراب است می‌آشامد و پس از خوردن مشخص می‌شود که آن مایع شراب نبوده است و مثلاً آب سیب یا آب انگور بوده است (دکتر الهام و برهانی، همان، ص ۲۵۹).

فصل دوم - شرکت در جرم

ماده ۱۲۵- مشارکت در جرم

هر کس با شخص یا اشخاص دیگر در عملیات اجرائی جرمی (در شرکت در جرم فقط عنصر مادی در نظر گرفته می‌شود نه عنصر معنوی و نوع جرم چه عمدی و چه غیرعمدی مهم نیست) مشارکت کند (نیاز به وجود بیش از یک شخص است) و جرم، (در اینجا جرم مستوجب مجازات تعزیری ملاک است) مُسْتَنَد به رفتار (اعم از فعل یا ترک فعل) همه آن‌ها باشد خواه رفتار هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنان مساوی باشد خواه متفاوت (شرکت در جرائمی محقق می‌شود که امکان شرکت و مشارکت در آن باشد مثل سرقت و نه شرب خمر و یا زنا). شریک در جرم محسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم است. در مورد جرائم غیرعمدی (شرکت در جرم در جرائم غیرعمدی قابل تحقق است اما در این جرائم معاونت قابل تحقق نیست) نیز چنانچه جرم، مُسْتَنَد به تقصیر دو یا چند نفر باشد (مثال: کوتاهی در حفظ و نگهداری مرتکبی که به مأموران سپرده شده در دادگاه حاضر شود اما فرار کند) مُقْصِرَان، شریک در جرم محسوب می‌شوند و مجازات هر یک از آنان، مجازات فاعل مستقل آن جرم است. (اگر میزان مداخله شریک در مقایسه با دیگران کمتر باشد قاضی می‌تواند متناسب با آن مجازات را تخفیف دهد بند ج ماده ۳۸ ق.م.ا).

تبصره -

إِعْمَالِ مُجَازَاتِ حُدُودِ، (مجازات هر یک از شرکا مانند تعزیرات مجازات فاعل مستقل است) قِصَاصِ (در این مورد هم مجازات شریک مجازات فاعل مستقل است) (ر.ک ماده ۳۷۸ تا ۳۷۴ ق.م.ا) و دیات (در این مورد برخلاف قصاص، حدود و تعزیرات مجازات شرکا مجازات فاعل مستقل جرم نیست بلکه شرکا به صورت مساوی مسئول پرداخت دیه‌اند) در مورد شرکت در جنایت با رعایت مواد کتاب‌های دوّم، سوّم و چهارم این قانون انجام می‌گیرد. (پس این ماده شامل مجازات شرکا در جرائم تعزیری است اعم از عمدی و غیرعمدی).

- نکته ۱-** در شرکت در جرم ممکن است مجنی علیه نیز جزء شرکا باشد، مانند اینکه: الف و ب در قتل (ب) نقش داشته باشند که در این صورت خود ب نیز جزء شرکا محسوب می شود هر چند دیگر قابل مجازات به دلیل عدم حیات نباشد.
- نکته ۲-** برای تحقق شرکت در جرم برخلاف معاونت، وحدت قصد شرکا ضروری نیست و تحقق شرکت در جرم نیازمند توافق قبلی و حتی اطلاع از قصد و رفتار دیگری اصلاً لازم نیست.
- نکته ۳-** رفتار مجرمانه جهت شرکت در جرم می تواند به صورت فعل یا ترک فعل چه با تبانی و چه بدون تبانی باشد در نتیجه شرکت در جرم برخلاف معاونت در جرم، هم به صورت فعل و هم به صورت ترک فعل قابل تحقق یافتن است.
- نکته ۴-** در شرکت در جرم ممکن است رفتار یکی از شرکا عمدی و رفتار دیگری غیرعمدی باشد (ماده ۳۶۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲).
- نکته ۵-** مباشر معنوی کسی است که جرم را توسط دیگری انجام می دهد مانند کسی که مردم را به قصد برهم زدن امنیت به جنگ و کشتار با یکدیگر اغوا و تحریک کنند (ماده ۵۱۲ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات) یا شخصی که توسط دیگری آدم ربایی کند (ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات) (گلدوزیان، همان، ص ۱۶۴).
- نکته ۶-** مطابق مبانی و قواعد کلی «شرکت در جرم» در حقوق کیفری ایران در صورتی که شریکی از کیفیات تخفیف دهنده عینی و نه شخصی برخوردار باشد، این کیفیات نیز در مورد سایر شرکا مقرر است؛ و در صورتی که شخصی دارای کیفیات مشدده شخصی باشد در تشدید مجازات سایر شرکا تأثیری ندارد برخلاف کیفیات مشدده عینی مثلاً سرقت در شب.
- نکته ۷-** ماده ۵۱۲ قانون مجازات اسلامی به این شرح است؛ «هرکس مردم را به قصد برهم زدن امنیت کشور به جنگ و کشتار با یکدیگر اغوا کند، صرف نظر از اینکه موجب قتل و غارت شود یا نشود به ۱ تا ۵ سال حبس محکوم می گردد» اگر مردم با تحریک این فرد مبادرت به کشتار کنند، عنوان مجرمانه ای این فرد محرک، می باشد.
- نکته ۸-** در خصوص جرائم مرکب امکان مشارکت در جرم تحقق دارد. زمانی که عنصر مادی جرم از اجزاء مختلفی تشکیل شده باشد و هر یک از شرکا بخشی از آن را انجام می دهند به عنوان مثال اگر چند نفر به وسایل متقلبانه جهت فریب دیگری تمسک جویند و برخی دیگر اموال را از شخص فریب خورده تحصیل نمایند تمامی این افراد شریک در جرم محسوب می شوند (دکتر الهام و برهانی، همان، ص ۱۴۹).
- نکته ۹-** کسی که کودکی را توسط دیگری برآید، عنوان وی فاعل معنوی جرم است.
- نکته ۱۰-** ملاک شرکت در جرم در قانون مجازات اسلامی، این است که جرم ارتكابی مستند به عمل همه ای آنها باشد؛ یعنی اعمال ارتكابی مؤثر در وقوع جرم باشد هر چند این تأثیر کم باشد.
- نکته ۱۱-** برای تحقق شرکت در جرم وحدت قصد شرکا ضروری نیست.
- نکته ۱۲-** در جرائم غیرعمدی که ناشی از خطای دو نفر یا بیشتر باشد، مجازات هر یک از آنان مجازات فاعل مستقل است.
- نکته ۱۳-** ضعیف بودن مداخله و مباشرت شریک در ارتكاب جرم، باعث می شود که دادگاه اختیار به تخفیف مجازات او به تناسب تأثیر عملش داشته باشد. به استناد ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی.
- نکته ۱۴-** معیار شرکت در جرم شرکت در عملیات اجرائی و استناد جرم به رفتار همه ای اشخاص است.
- نکته ۱۵-** شرط اساسی قابلیت تعقیب مرتکب معنوی جرم به عنوان مباشر پیش بینی قانون گذار است.
- نکته ۱۶-** مجازات شرکای جرائم غیرعمدی، مجازات فاعل مستقل است.
- نکته ۱۷-** شرایط تحقق شرکت در جرم؛
- ۱- مداخله ای حداقل ۲ نفر در عنصر مادی جرم البته تأثیر مداخله آنها مهم نیست.
 - ۲- مستند بودن جرم به عمل همه شرکا یعنی رفتار هر کدام جزئی از علت وقوع جرم باشد.
 - ۳- احراز علم و عمد یا تقصیر همه ای شرکا ضروری است.

نکته ۱۸- چون مجازات شرکت در جرم مجازات فاعل مستقل است بنابراین کیفیات مخففه و مشدده به صورت مستقل در نظر گرفته می‌شود. البته این مورد استثنایی دارد؛ مثلاً در خصوص جرم سرقت موضوع ماده ۶۵۱ حتی اگر یکی از شرکا حامل سلاح باشد تشدید مجازات بر همگی آن‌ها بار می‌شود (دکتر فخرالدین عباس زاده، حقوق جزای عمومی، ص ۱۱۵).

نکته ۱۹- منتقل‌الیه آگاه است که بایع، ملکی را با انگیزه فرار از ادای دین به دومی فروخته و سایر اموال او کفاف پرداخت دیون را نمی‌کند. در این خصوص با عنوان در حکم شریک می‌توان وی را مورد تعقیب کیفری قرار داد (رجوع کنید به ماده ۲۱ قانون نحوه‌ی اجرای محکومیت‌های مالی).

نکته ۲۰- در جرائم مرکب یعنی جرائمی که عنصر مادی جرم از افعال متعدد و متفاوت تشکیل شده ممکن است هر یک از شرکت‌کنندگان به یکی از افعال متنوع مبادرت کنند، به طوری که مجموع افعال ارتكابی به جرم عینیت بخشد مثلاً در جرم کلاهبرداری یکی از شرکا به وسایل متقلبانه دست آویزد اما شریک دیگر مال را تحصیل کند در این صورت نیز هر دو شریک در جرم شناخته می‌شوند (دکتر اردبیلی، ج. ج. ع. ج. ۲، ص ۸۲).

نکته ۲۱- شرکت در جرم به معنای مداخله افراد در عنصر مادی جرم است، به گونه‌ای که جرم منتسب به همه‌ی مرتکبین و شرکت‌کنندگان محسوب گردد (دکتر الهام و برهانی، همان، ص ۲۴۵).

نکته ۲۲- کمیت و میزان دخالت شریک در جرم، مدخلیتی در تحقق یا عدم تحقق مشارکت ندارد. مثلاً شخص الف بر اثر ۵ ضربه چاقو شخص ب و ۲ ضربه چاقو شخص ج به قتل می‌رسد و قتل مستند به ضربات وارده باشد. مشارکت در قتل عمد محقق شده است.

نکته ۲۳- در مشارکت در جرم برخلاف معاونت، وحدت قصد مرتکبان جرم شرط مشارکت نیست یعنی این‌گونه نیست که حتماً بایستی قبل از ارتکاب جرم یا در حین ارتکاب با یکدیگر جهت تحقق جرم به تفاهم و توافق رسیده باشند (ر.ک. ماده ۳۶۹ ق.م.ا). (دکتر الهام و برهانی، همان، ص ۳۴۹).

نکته ۲۴- شرایط مشارکت در جرم:

۱- جرم ارتكابی بایستی قابلیت مشارکت داشته باشد.

کجی پرائمی مثل ترک نفقه همسر، زنا، لواط، شرب فمر و ... امکان شرکت در این جرائم بی‌معنا است.

۲- مشارکت در عملیات اجرائی (انجام عنصر مادی مجرمانه).

۳- استناد رفتار به همه‌ی شرکت‌کنندگان.

مثال الف و ب شخص ج را با ضربات چاقو زخمی می‌نمایند. گزارش پزشکی قانونی بیان می‌دارد که از ده ضربه‌ای که به مقتول زده شده است، ضربه‌ای که به قلب او وارد شده باعث مرگ شده است در این حالت نمی‌توان الف و ب را به عنوان شرکت در قتل مورد پیگرد قرار داد چراکه قتل به هر دوی ایشان استناد ندارد (دکتر الهام و برهانی، همان، صص ۳۴۷-۳۴۸).

نکته ۲۵- در جرائم غیرعمدی نیز امکان مشارکت وجود دارد مثلاً دو داروساز که بر اثر اشتباه در محاسبه موجب مسموم شدن داروی تولیدشده و در نتیجه مرگ یا صدمات بدنی بر مصرف‌کنندگان وارد گردد شریک در جرم در حادثه‌ی واقع‌شده محسوب می‌گردند (دکتر الهام و برهانی، همان، ص ۳۴۹).

مواد مرتبط

ماده ۳۷۳ قانون مجازات اسلامی؛ در موارد شرکت در جنایت عمدی، حسب مورد، مبنی‌علیه یا ولی دم می‌تواند یکی از شرکا در جنایت عمدی را قصاص کند و دیگران باید بلافاصله سهوم خود را از دیه را به قصاص شونده بپردازند و یا اینکه همه‌ی شرکا یا بیش از یکی از آنان را قصاص کند، مشروط بر اینکه دیه مازاد بر جنایت پدید آمده را پیش از قصاص، به قصاص شونده بپردازد. اگر قصاص شونده‌ها همه‌ی شرکا نباشند، هر یک از شرکا که قصاص نمی‌شود نیز باید سهوم خود را از دیه‌ی جنایت را به نسبت تعداد شرکا بپردازد.

تبصره؛ اگر مبنی‌علیه یا ولی دم فواهان قصاص برقی از شرکا باشد و از فق خود نسبت به برقی دیگر میانی گذشت کند یا با آنان مصالحه نماید، در صورتی که دیه قصاص شونده بیش از سهوم جنایتشان باشد، باید پیش از قصاص، مازاد دیه‌ی آنان را به قصاص شونده‌ها بپردازد.

ماده ۴۵۳ قانون مجازات اسلامی؛ هرگاه دو یا چند نفر به نحو اشتراک مرتکب جنایت موجب دیه‌گردن، حسب مورد هر یک از شرکا یا عاقله‌ی آن‌ها به طور مساوی مکلف به پرداخت دیه است.

فصل سوم - معاونت در جرم

ماده ۱۲۶ - مَمَارِيقُ مُعَاوَنَتٍ دَرُ جُرْمٍ

اشخاص زیر، مُعَاوَنُ جُرْمٍ (کسی است که شخصاً در ارتکاب عنصر مادی قابل استناد به مباشر یا شرکای جرم دخالت نداشته بلکه از طریق تحریک، ترغیب، تهدید، تطمیع، دسیسه یا فریب و نیرنگ، ایجاد تسهیلات در وقوع جرم، تهیه وسایل و یا ارائه طریق در ارتکاب رفتار مجرمانه همکاری و دخالت داشته باشد) محسوب می‌شوند:

الف - هرکس، دیگری را تَرغِیب (هم می‌تواند جنبه‌ی مالی داشته باشد هم غیرمالی)، تَهْدِید (نوع تهدید مهم نیست اما با اکراه متمایز است و اگر دارای شرایط اکراه مثلاً نامشروع بودن باشد دیگر از مصادیق معاونت نیست)، تَطْمِیع (فقط جنبه‌ی مالی دارد)، یا تَحْرِیک (باید فردی، مستقیم و مؤثر در وقوع جرم باشد) به ارتکاب جرم کند (معاونت با ترک فعل محقق نمی‌شود مگر در مواردی که عمل شخصی که سکوت کرده را بتوان به منزله وحدت قصد و پیوند و تأیید فعل مباشرت دانست اما معاونت در ترک فعل قابل تصور است ترغیب پسر برای ندادن نفقه همسرش توسط مادر) یا با دسیسه یا فریب یا سوءاستفاده از قدرت، موجب وقوع جرم گردد. (موارد بند الف معاونت به صورت رفتارهای غیرمادی هستند اگر این رفتار یعنی دسیسه و فریب و نیرنگ سبب جهل مرتکب نسبت به موضوع جرم باشد، مورد از مصادیق معاونت نبوده بلکه سبب اقوی از مباشر می‌باشد).

ب - هرکس وسایل ارتکاب جرم (به صورت مطلق بیان شده است) را بسازد یا تهیه کند یا طریق ارتکاب جرم را به مرتکب ارائه دهد. (که البته این موضوع گاهی می‌تواند به عنوان جرم مستقل جرم انگاری شده باشد رجوع کنید به ماده ۶۶۴ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) (موارد بند ب معاونت به صورت رفتارهای مادی هستند).

پ - هرکس وقوع جرم را تَسْهیل کند.

تبصره -

برای تحقق معاونت در جرم، وحدت قصد (با تبانی قبلی فرق دارد) (یک وحدت اجمالی است که با توجه به شرایط وقوع بزه و روابط معاون و مباشر و دیگر اوضاع و احوال حاکم بر شرایط مکانی و زمانی احراز می‌گردد) و تَقَدُّم (به معنی زودتر بودن) یا اِقْتِرَانِ زَمَانِی (به معنی هم‌زمان بودن) بین رفتار معاون و مرتکب جرم شرط است. چنانچه فاعل اصلی جرم، جرمی شدیدتر از آنچه مقصود معاون بوده است (ولی از نوع همان جرم مثلاً سرقت ساده و مشدد نه سرقت و قتل) مرتکب شود، معاون به مجازات معاونت در جرم خفیف‌تر محکوم می‌شود.

نکته ۱- معاونت در جرائمی که با ترک فعل به وقوع می‌پیوندد هم قابل تحقق است؛ مانند اینکه فردی زوج را در ندادن نفقه ترغیب کند.

نکته ۲- معاونت در جرائم غیرعمدی به واسطه فقدان قصد در مباشر جرم غیرعمدی ممکن نیست.

نکته ۳- شروع به معاونت امکان‌پذیر و قابل مجازات نیست (نداریم) اما معاونت در شروع به جرم قابل تحقق و قابل مجازات است (داریم).

نکته ۴- تحقق معاونت در جرم مستلزم این است که اعمال ارتكابی از برای معاونت، پیش از وقوع جرم یا هم‌زمان با وقوع جرم باشد، به طوری که اعمال پس از وقوع جرم هرچند مرتبط با جرم اصلی باشند، ممکن است موضوع جرم مستقلی قرار گیرند در نتیجه در معاونت همانند شرکت در جرم تبانی شرط نیست مانند اخفای مال مسروقه (گلدوزیان، ص ۱۶۷).

نکته ۵- معاون در جرم کسی است که شخصاً در ارتکاب عنصر مادی قابل استناد به مباشر یا شرکای جرم دخالت نداشته و تنها در ارتکاب جرم از طریق معنوی (ولی متمایز از عنصر مادی نفس جرم) با قصد مجرمانه همکاری داشته است (دکتر گلدوزیان، محشای قانون مجازات اسلامی زیرنویس ۱ ماده ۱۲۶).

نکته ۶- فاعل اصلی جرم، جرمی شدیدتر از آنچه مقصود معاون بوده است مرتکب می‌شود. در این صورت معاون به مجازات معاونت در جرم خفیف‌تر محکوم می‌شود.

نکته ۷- مقصود معاون جرم از کمک به مرتکب انجام تخریب بوده ولی مباشر هنگام تخریب مرتکب سرقت نیز می‌شود. مسؤولیت جنایی معاون مطابق قانون ایران مجازات معاونت در جرم تخریب می‌باشد.

نکته ۸- شخص الف مدیر مدرسه‌ای است و شخص ب را تهدید می‌کند که اگر شخص ج را به قتل نرساند از ثبت‌نام فرزند شخص ب در مدرسه تحت مدیریت خود خودداری خواهد کرد. شخص ب نیز شخص ج را به قتل می‌رساند. در این صورت شخص الف معاون در قتل عمدی است.

نکته ۹- اگر کسی با علم و اطلاع برای تاجر ورشکسته قرض کند و تا مدتی مانع ظهور ورشکستگی او شود عمل او معاونت در جرم است (شکل خاص معاونت که شامل موارد مطروحه در ماده ۱۲۶ نمی‌باشد).

نکته ۱۰- شرایط تحقق معاونت به قرار ذیل است؛

۱- جرم بودن عمل فاعل از شرایط تحقق معاونت در جرم است.

۲- معاونت در جرم تنها به صورت فعل واقع می‌شود.

۳- مباشر باید عمل مجرمانه را انجام داده یا شروع به اجرای آن کرده باشد.

۴- عمل معاون باید در وقوع جرم مؤثر باشد.

۵- باید بین عمل معاون و فاعل تقدم یا اقتران زمانی وجود داشته باشد.

۶- باید بین معاون و فاعل جرم وحدت قصد وجود داشته باشد.

نکته ۱۱- تهدید بایستی غیرقانونی و عمدی بوده و به مقداری باشد که عرف آن را تهدید تلقی کند؛ بنابراین مجرد خوف از کسی یا چیزی تهدید به شمار نمی‌رود و ترس فاعل باید از عمل تهدیدآمیز معاون سرچشمه گرفته باشد. تهدید و تأثیر آن تابع اوضاع و احوال شخصی و سایر اوضاع و احوال حاکم بر جرم است که می‌تواند در مواردی جرم مستقل شناخته شود. مثل موضوع ماده ۶۱۷ ق.م.ا. بخش تعزیرات و نیز مواد ۶۶۸ و ۶۶۹ ق.م.ا. بخش تعزیرات.

نکته ۱۲- تحریک باید دارای ویژگی‌های ذیل باشد: تحریک باید فردی باشد و موضوع آن فرد باشد نه افراد یک قوم و قبیله و شهر و روستا و امثال آن. تحریک بایستی مؤثر در وقوع جرم باشد به عبارتی تحریک بایستی جزو عوامل مؤثر بر عمل مجرمانه باشد. تحریک باید مستقیم باشد یعنی اندیشه‌ی ارتکاب جرم به وضوح بیان و به دیگری القاء شده باشد پس مطلب دوپهلوی و ابهام‌آمیز که ذهن مباشر را به ارتکاب جرم خاص سوق ندهد تحریک به حساب نمی‌آید.

نکته ۱۳- معاون همین اندازه که مباشر اصلی را قاصد در ارتکاب جرم بداند و یا قاصد بسازد و در جهت تحقق این قصد به او یاری رساند، وحدت قصد حاصل است.

نکته ۱۴- فاعل معنوی یا مباشر معنوی: اگر در جرم خاصی، شخصی توسط دیگری مرتکب جرم شده باشد علی‌رغم اینکه این شخص معاون است اما مجازات مباشر به وی تحمیل می‌گردد. مثل جرم موضوع ماده ۶۲۱ ق.م.ا. بخش تعزیرات و یا انجام جرم در حالتی که فاعل در حکم شیء یا غیر انسان توسط معاون مرتکب جرم گردد مانند سرقت توسط حیوان دست‌آموز یا جرم موضوع ماده ۲۷۲ ق.م.ا.

نکته ۱۵- شروط مورد نیاز تحقق معاونت در جرم:

۱- وجود فعل اصلی قابل مجازات شرط نخستین جرم معاونت به شمار می‌آید. (اگر فعل مباشر اصلی به استناد نص صریح قانون جرم نباشد هر چند به موجب احکام شرع قابل مجازات باشد، معاونت در ارتکاب فعل مذکور جرم نخواهد بود).

۲- جرم بودن فعل اصلی به تنهایی شرط تحقق معاونت نیست، بلکه فعل مذکور باید به اجرا درآید. (به عبارت دیگر مباشر جرم تمام مراحل تهیه مقدمات را پشت سر گذاشته و دست‌کم جرم را شروع کرده باشد). چنانچه اعمال مباشر اصلی در حد مقدمه جرم بوده و یا پس از شروع به میل و اراده او متوقف بماند، به شرط آنکه این مقدار عمل خود جرم نباشد فعل معاونت نیز محقق نخواهد بود (جزوه حقوق جزای عمومی، دپارتمان، چاپ دوم، ۱۳۹۱).

۳- جرم شناختن فعل معاونت به اجرای کامل آن است. (اگر معاونت به هر دلیل صورت نگیرد و یا در مرحله‌ی شروع به اجرا باقی بماند فعل مذکور جرم نیست چرا که معاونت در شروع به جرم مجازات دارد ولی شروع به معاونت مجازات ندارد. مگر آنکه فعل معاون فی‌نفسه جرم باشد که در این صورت فعل مذکور نه به عنوان معاونت بلکه به عنوان جرم مستقل که شروع به آن نیز جرم است قابل مجازات خواهد بود).

۴- برای اینکه معاونت در جرم تحقق پیدا نماید وقوع جرم اصلی به تنهایی شرط نمی‌باشد. بلکه شخص معاون بایستی به یکی از اشکالی که در ماده ۱۲۶ ذکر گردیده در ارتکاب جرم مداخله کند.

نکته ۱۶- شرایط تحقق عنصر مادی معاونت:

الف- رفتار مرتکب، فعل مثبت مادی است؛ یعنی معاونت اصولاً نمی‌تواند از طریق افعال منفی و سلبی ایجاد شود. چراکه تمام مصادیق ذکرشده در ماده ۱۲۶ ق.م.ا افعال مثبت مادی هستند (مثال برای معاونت به صورت ترک فعل: نگهبان کارخانه‌ای که در جهت همکاری با سارقان به ایشان اطمینان خاطر می‌دهد که در هنگام سرقت مقاومتی نکرده و آزر خطر را به صدا درنیآورد و نیز ماده ۱۴ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴).

ب- تحقق عمل معاونت بایستی مقدم یا مقارن عمل اصلی باشد. (اعمالی که بعد از وقوع انجام می‌شوند داخل در معاونت نخواهند بود و ممکن است تحت عناوینی دیگر مانند اخفای مجرمین، اخفای مال مسروقه و ... قابل مجازات باشد).

نکته ۱۷- بایستی گفت معاونت در جرم فقط در جرائم عمدی محقق می‌شود، چون در جرائم غیر عمد مباشر قصد ارتکاب جرم را ندارد، اصلاً فعل انجام‌یافته، هیچ‌گاه برای وی آشکار نبوده و او درباره‌ی آن قصدی نداشته در نتیجه قصد معاونت در فعلی که حتی برای مباشر مجهول است ناممکن خواهد بود (دکتر محمدعلی اردبیلی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم).

نکته ۱۸- مصادیق معاونت که به عنوان خاص مورد نظر قانون‌گذار قرار گرفته‌اند:

۱- مساعدت مأمور حفظ و مراقبت محبوس در فرار مجرم موضوع ماده ۵۴۹ ق.م.ا بخش تعزیرات.

۲- تهیه مکان ارتکاب جرم با علم و اطلاع موضوع ماده ۵۸۴ ق.م.ا بخش تعزیرات.

۳- ترغیب به فرار از خدمت موضوع ماده ۵۳ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح.

۴- تحریک مردم به جنگ و کشتار یکدیگر به قصد برهم زدن امنیت موضوع ماده ۵۱۲ ق.م.ا بخش تعزیرات.

۵- تهدید با چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر موضوع ماده ۶۱۷ و ۶۶۹ ق.م.ا بخش تعزیرات.

۶- تشویق افراد به فساد اخلاق و منافیات عفت موضوع ماده ۶۳۹ ق.م.ا بخش تعزیرات.

۷- مبادرت به تشویق افراد به معامله اشیایی نماید که عفت و اخلاق عمومی را جریحه‌دار نماید موضوع ماده ۶۴۰ ق.م.ا بخش تعزیرات.

۸- جرم موضوع ماده ۶۶۲ ق.م.ا بخش تعزیرات در خصوص مساعدت در اخفای مال مسروقه برای سارقان.

۹- اغوا و تحریک برای برهم زدن امنیت کشور جرم موضوع ماده ۵۱۲ ق.م.ا بخش تعزیرات (دکتر ایرج گلدوزیان، محشای قانون مجازات اسلامی).

نکته ۱۹- صور مختلفی که ممکن است در خصوص معاونت در جرم به وجود آید:

۱- گاهی مباشر اصلی جرم عملی کاملاً متفاوت و مغایر با آنچه که معاون آن را می‌خواسته و اراده کرده مرتکب می‌شود. مثلاً فردی اسلحه‌اش را برای شکار غیرمجاز در اختیار فرد دیگری قرار می‌دهد اما وی به وسیله آن مرتکب قتل عمدی می‌گردد. در اینجا معاون نمی‌تواند تحت عنوان معاونت در جرم قتل تحت تعقیب قرار گیرد.

۲- گاهی معاون جرم به نحوی به مباشر اصلی یاری رسانده و او را در انجام جرم معاونت می‌نماید که منظور از معاونت، معاونت در ارتکاب انواع جرائم به طور کلی بوده است (به اصطلاح چک سفید امضاء داده است) مثلاً معاون فرد را تحریک و تشویق می‌کند که انتقام شخص وی را به هر صورت از قربانی بگیرد در اینجا فاعل اصلی جرم ممکن است جرائم متعددی مانند ضرب و جرح، قتل، تخریب اموال، سرقت اموال قربانی و جرائم دیگری را مرتکب شود. در اینجا معاون در جرائم یادشده محسوب می‌شود.

۳- گاهی قصد معاون از معاونت در ارتکاب جرم به صورت عادی بوده است ولی مباشر در حین ارتکاب جرم دست به ارتکاب همان جرم با کیفیات مشدده‌ای می‌زند. مثلاً معاون نردبانی را برای ورود به منزل دیگری و سرقت از آن در اختیار مباشر جرم قرار می‌دهد ولی مباشر از این نردبان در شب استفاده می‌کند یا حین ورود با عنف و تهدید وارد منزل غیر می‌شود در اینجا فرض بر این است که معاون بایستی تمام نتایج این کار را پیش‌بینی کند بنابراین به لحاظ چنین بی‌احتیاطی نتایج مشدده‌ی جرم در انتظار وی نیز خواهد بود.

۴- گاهی مباشر همان جرم مورد نظر معاون را انجام می‌دهد ولی کیفیت اجرا و طریق ارتکاب جرم را تغییر می‌دهد. مثلاً معاون فردی را تحریک و تشویق می‌کند که فردی را با اسلحه به قتل برساند ولی این فرد قربانی را در آب غرق کرده و او را به قتل می‌رساند در این مورد تغییر روش‌های اجرای جرم از مسؤلیت معاون نمی‌کاهد وی هم چنان معاون در جرم تلقی می‌شود.

۵- گاهی مباشر در شرایط ارتكابی علاوه بر جرم تسهیل شده توسط معاون، جرم دیگری را نیز مرتکب می‌شود. مثلاً معاون رمز گاوصندوق شرکت را در اختیار مباشر قرار داده و مباشر پس از سرقت از گاوصندوق به خانمی هم که در شرکت تنها بوده تعرض می‌کند که در این صورت معاون فقط در خصوص معاونت در سرقت قابل تعقیب است و در خصوص تعرض مسؤلیتی ندارد و قابل تعقیب نمی‌باشد.

۶- هرگاه مرتکب اصلی جرم، جرمی خفیف‌تر از جرم مورد توافق را انجام دهد. مثلاً توافق شده که شخص مرتکب جرم سرقت مشدده گردد ولی مرتکب اصلی جرم سرقت ساده را مرتکب شده. شخص به معاونت در جرم سرقت ساده محکوم می‌گردد.

نکته ۲۰- شعبه‌ی دیوان عالی کشور در رأی شماره ۱۷۲۳- مورخ ۱۳۱۸/۷/۲۴ بیان می‌دارد: صدور قرار موقوفی تعقیب مجرم اصلی به لحاظ گذشت شاکی خصوصی موجب معافیت معاون آن نیز از کیفر خواهد بود (دکتر الهام و برهانی، همان، ص ۳۲۷ پانوشت).

ماده ۱۲۷- مجازات معاونت در جرم

در صورتی که در شرع (مثل مجازات ممسک یا دیده‌بان در شرع) مجازات دیگری برای معاون تعیین نشده باشد، مجازات وی به شرح زیر است:

(علی‌الاصول مجازات معاون از جنس مجازات مباشر می‌باشد مگر در ۳ موردی که مجازات معاون متفاوت از مجازات مرتکب است:

۱) مصادره اموال - مجازات معاون جزای نقدی درجه ۴

۲) انفصال دائم - مجازات معاون جزای نقدی درجه ۶

۳) انتشار حکم محکومیت - مجازات معاون جزای نقدی درجه ۷).

الف - در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات یا حبس دائم است، حبس تعزیری درجه دو یا سه (مجازات معاون در قتل عمدی در صورتی که فاعل قصاص شود حبس تعزیری درجه ۲ یا ۳ است)

ب - در سرقت حدی و قطع عمدی عضو، (موضوع جرائم سرقت حدی در مرتبه‌ی اول و دوم و محاربه) حبس تعزیری درجه پنج یا شش

پ- در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها شلاق حدی است سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش (شخصی با قرار دادن مشروبات الکلی در اختیار دیگری در جرم شرب خمر معاونت کرده باشد).

ت - در جرائم موجب تعزیر یک تا دو درجه پایین‌تر از مجازات (مجازات قانونی ملاک است نه مجازات قضائی) جرم ارتكابی (مجازات معاون در قتل عمدی در صورتی که فاعل قصاص نشود حبس تعزیری درجه ۵ یا ۶ است) (معاونت در جرائم تعزیری درجه ۸ مجازات ندارد که مطابق ماده ۶۹ ق.م.ا به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌شود) (مثال: مباشر به استناد ماده ۶۷۳ ق.م.ا بخش تعزیرات به خیانت در امانت محکوم شود بر اساس ماده ۱۹ ق.م.ا حبس مندرج در ماده ۶۷۳ ق.م.ا حبس درجه ۵ است. پس معاون به حبس تعزیری درجه ۶ یا ۷ محکوم می‌گردد (دکتر الهام و برهانی، همان، ص ۳۴۲)) (مجازات معاونت در جرائمی که مجازات آن‌ها مصادره اموال و انفصال دائم و انتشار حکم محکومیت است تنها جزای نقدی است در خصوص این بند دقت شود که مجازات جرم ربطی به مجازات مباشر ندارد و در اینجا مجازات مباشر ملاک نمی‌باشد).

تبصره ۱-

در مورد بند (ت) این ماده (اصولاً) مجازات معاون از نوع مجازات قانونی جرم ارتكابی (و نه مجازات مقرر در دادنامه) است مگر در مورد مصادره اموال، انفصال دائم و انتشار حکم محکومیت که مجازات معاون به ترتیب جزای نقدی درجه چهار، شش و هفت است.

تبصره ۲-

در صورتی که به هر علت قصاص نفس یا عضو اجرا نشود، مجازات معاون بر اساس میزان تعزیر فاعل اصلی جرم، (۳ تا ۱۰ سال حبس درجه ۴) مطابق بند (ت) این ماده اعمال می‌شود. (درجه ۵ حبس بیش از ۲ تا ۵ سال و درجه ۶ حبس بیش از ۶ ماه تا ۲ سال) (مانند: قتل فرزند توسط پدر و

مجازات معاون پدر در قتل فرزند (رجوع کنید به ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ و تبصره ۳ ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان) (مجازات معاون در قتل عمدی که فاعل قصاص نشود، حبس تعزیری درجه ۵ یا ۶ است).

نکته ۱- مجازات معاون با توجه به جرم ارتكابی مباشر بین درجه ۲ یا ۳ و ۵ یا ۶ می‌باشد و در هیچ صورتی برای مجازات معاون درجه ۱ و درجه ۴ به عنوان مجازات قرار نمی‌گیرند.

نکته ۲- اگر عمل اصلی در قالب یکی از علل موجهه جرم باشد مانند دفاع مشروع، معاون هم قابل مجازات نیست چون عمل اصلی (فعل مباشر) فاقد وصف مجرمانه است بنابراین اگر در رسیدگی کیفری محقق شود که فردی در مقام دفاع مشروع مرتکب قتل یا ضرب و جرح فردی شده است که متهم به معاونت در چنین قتلی بوده لاجرم تبرئه می‌شود.

ماده ۱۲۸- وسیله قرار دادن فرد نابالغ (فاعل معنوی - سبب اقوی از مباشر)

هرکس از فرد نابالغ (منظور از فرد نابالغ، نابالغ غیر ممیز و نابالغ ممیزی است که به دلیل اکراه یا جهل، در حکم وسیله است) به عنوان وسیله ارتکاب جرم مستند به خود استفاده نماید به حداکثر مجازات (در اینجا مجازات تعزیری مدنظر است چون مجازات دیگر فاقد حداقل و حداکثر هستند و میزان مشخصی دارند) قانونی همان جرم محکوم می‌گردد. همچنین هرکس در رفتار مجرمانه فرد نابالغی (اینجا نابالغ ممیز مدنظر است) معاونت کند (اصولاً جایی که این حداکثر مجازات فقط در خصوص نابالغ مورد استفاده قرار گرفته قابلیت اعمال دارد «سبب اقوی از مباشر» و در سایر افراد مانند سفیه و مجنون باید گفت به مجازات همان جرم محکوم می‌شود نه حداکثر آن) به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌شود. (ر.ک ماده ۲۷۲ ق.م.ا)

موار مرتبط

ماده ۲۷۲ قانون مجازات اسلامی؛ هرگاه کسی مال را توسط مینون، طفل غیر ممیز، هیوان یا هر وسیله‌ی بی‌اراده‌ای از هرز قارچ کند مباشر محسوب می‌شود و در صورتی که مباشر طفل ممیز باشد رفتار آمر حسب مورد مشمول یکی از سرقت‌های تعزیری است.

ماده ۱۲۹- عدم تأثیر فقدان مسوولیت مباشر نسبت به معاون

هرگاه در ارتکاب رفتار مجرمانه، مرتکب به جبهتی از جهات شخصی (جهات شخصی فقط برای خود شخص دارنده‌ی آن جهات قابل اعمال است و قابل تسری به معاونین و شرکا نمی‌باشد اما در مقابل: جهات نوعی موجب زوال عنصر قانونی شده و باعث عدم تعقیب مباشر، شرکا و معاون یا معاونین جرم می‌شود) مانند صغر و جنون، قابل تعقیب نباشد یا تعقیب یا اجرای مجازات او به جبهتی از این جهات، موقوف گردد تأثیری در تعقیب و مجازات معاون (همچنین وجود جهات شخصی در معاون ارتباطی با مباشر) جرم ندارد.

نکته ۱- اگر فردی دیگری را به انجام سرقت ساده تحریک کند ولی مباشر مرتکب سرقت مشدد شود، مجازات فرد محرک، مجازات معاونت در سرقت ساده تعیین می‌شود.

نکته ۲- مجازات معاونت در جرائمی که مجازات قانونی آن سلب حیات است، حبس تعزیری درجه دو یا سه می‌باشد.

نکته ۳- فاعل اصلی جرم، جرمی شدیدتر از آنچه مقصود معاون بوده است مرتکب می‌شود. در این صورت معاون به مجازات معاونت در جرم خفیف‌تر محکوم می‌شود.

نکته ۴- حقوق ایران در خصوص معاونت در جرم تابع نظریه‌ی مجرمیت عاریه‌ای و در پاره‌ای از موارد مجرمیت مستقل است.

نکته ۵- شخصی با علم و آگاهی از اینکه وکیل دادگستری از طریق دادگاه انتظامی کانون وکلای متبوع خود در حالت تعلیق به سر می‌برد به نامبرده وکالت می‌دهد تا بر اساس آن طرح دعوا نماید و بدین ترتیب وکیل با قبول وکالت در جلسه دادگاه شرکت کرده و دفاع می‌کند. به ترتیب باید گفت که وکیل تحت عنوان مباشر جرم و موکل به عنوان معاون قابل تعقیب هستند.

نکته ۶- در معاونت در جرم، دخالت در عملیات اجرائی جرم توسط معاون منتفی است.

نکته ۷- شخصی که در جرم تعزیری درجه ۵ معاونت نموده است، مجازات وی حبس تعزیری درجه ۶ تا ۷ است.

نکته ۸- «الف» با علم به اینکه «ب» پسر چهارده ساله قصد آتش زدن اتومبیل «ج» را دارد حسب درخواست او بنزین به وی داده

است و «ب» اتومبیل را آتش زده است. «الف» معاون جرم است.

نکته ۹- «الف»، «ب» را برای ارتکاب جرم ساده تهدید کرده است، ولی «ب» مرتکب جرم مشدد شده است، در این حالت «الف» مرتکب معاونت در جرم ساده شده است.

نکته ۱۰- «الف»، «ب» را به قتل «ج» تحریک می‌کند. مدتی بعد «ب» به انگیزه‌ی شخصی «ج» را به قتل می‌رساند. «الف» در هر حال معاون جرم قتل است.

نکته ۱۱- اگر تعقیب یا اجرای حکم مجازات فاعل جرم به جهتی از جهات (شخصی) نه قانونی، موقوف شود، تأثیری در حق معاون جرم نخواهد داشت.

نکته ۱۲- در تحقق معاونت در جرم:

الف) وحدت قصد معاون و مباشر

ب) تقدم زمانی عمل معاون بر عمل مباشر

ج) اقتران زمانی بین عمل معاون و مباشر، شرط است

نکته ۱۳- «الف» مدیر مدرسه است و «ب» را تهدید می‌کند که اگر «ج» را به قتل نرساند از ثبت نام فرزند او (فرزند ب) در مدرسه‌ی تحت مدیریت خود خودداری خواهد کرد. شخص «ب»، شخص «ج» را به قتل می‌رساند. اتهام «الف» معاونت در قتل عمدی است.

فصل چهارم - سردستگی گروه مجرمانه سازمان یافته

ماده ۱۳۰ - سردستگی گروه مجرمانه سازمان یافته

هر کس سردستگی یک گروه مجرمانه را بر عهده گیرد به حداکثر مجازات شدیدترین (در این مورد قاضی مکلف است که نه تنها وی یعنی سردسته را به حداکثر مجازات شدیدترین جرم که اعضای گروه در راستای اهداف گروه مرتکب شده‌اند محکوم نماید) جرمی (منظور جرائم تعزیری است) که اعضای آن گروه در راستای اهداف همان گروه مرتکب شوند، (نه هر جرمی) محکوم می‌گردد (اجباری است نه اختیاری) مگر آنکه جرم ارتكابی موجب حد یا قصاص یا دیه باشد که در این صورت به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌شود. در محاربه و افساد فی الارض زمانی که عنوان محارب یا مفید فی الارض بر سردسته گروه مجرمانه (آنچه مجرمانه بودن گروه را تشکیل می‌دهد، وجود هدف برای ارتکاب جرم است چه در بدو تشکیل گروه و چه بعد تشکیل) صدق کند حسب مورد به مجازات محارب یا مفید فی الارض محکوم می‌گردد. (مجازات این ماده برای سردسته اعمال می‌شود نه اعضای گروه مجرمانه و سردستگی عامل تشدیدکننده‌ی مجازات به صورت شخصی است).

تبصره ۱-

گروه مجرمانه عبارت است از گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر (خود سردسته هم نفری از سه نفر مذکور می‌تواند باشد) که برای ارتکاب جرم تشکیل می‌شود یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف می‌گردد.

تبصره ۲-

سردستگی عبارت از تشکیل یا طراحی (اگر شخصی یک گروه مجرمانه را طراحی نمود ولی بعد از مدتی از گروه جدا شد نمی‌توان وی را به عنوان سردسته این گروه مجرمانه تحت تعقیب قرار داد) یا سازمان‌دهی یا اداره گروه مجرمانه است.

(اگر جرم دیگری غیر از جرائمی که هدف گروه بوده است انجام شود ولی در راستای اهداف آن گروه نباشد در تعیین مجازات سردسته لحاظ نمی‌شود) (سردستگی شامل موارد: ۱- تشکیل ۲- طراحی ۳- سازمان‌دهی ۴- اداره گروه مجرمانه می‌شود).

نکته ۱- شخصی اداره‌ی یک گروه مجرمانه را که اعضای آن مرتکب ده فقره قتل عمدی شده‌اند، بر عهده دارد، مجازات وی حداکثر مجازات معاونت در قتل عمدی است.

نکته ۲- شخصی گروه ۵ نفره را برای سرقت از منزلی تشکیل می‌دهد و به هر یک وظیفه‌ای محول می‌کند، در شب سرقت، وی در صحنه حاضر نمی‌شود و دو نفر از گروه با اسلحه وارد منزل شده و مبادرت به سرقت تعزیری می‌کنند. مجازات وی، حداکثر مجازات شدیدترین جرم ارتكابی اعضای گروه در راستای سرقت است.

نکته ۳- اگر سردسته علاوه بر سردستگی، مرتکب یکی از جرائم گروه مجرمانه نیز گردد، تعدد مادی جرم تحقق یافته است (دکتر

فصل پنجم - تَعَدُّدُ جُرْم

ماده ۱۳۱ - تَعَدُّدُ مَعْنَوِي یا اعتباری (تعدد عنوانی) جَرَائِمُ تَعْزِيرِي

در جَرَائِمُ مَوْجِبُ تَعْزِيرٍ (حکم تعدد جرم در تمام حالات منحصر به جرائم تعزیری است و حکم تعدد در جرائم غیر تعزیری جمع مجازات‌ها است) هرگاه رفتار (فعل یا ترک فعل) واحد، (و نتیجه‌ی واحد) دارای عناوین مجرمانه متعدد باشد، (مانند استفاده از سند مجعول و بردن مال) مُرْتَكِبٌ بِهٖ مُجَازَاتٍ أَشَدَّ (مجازات‌های است که در بین مجازات‌های در نظر گرفته شده برای چند عنوان مجرمانه سنگین‌تر از بقیه است) محکوم می‌شود. (بر اساس درجه‌بندی مجازات مقرر در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی).

نکته ۱- تعدد معنوی: یک فعل و یک نتیجه اما عناوین مجرمانه متعدد مثل فروش مال توسط امین (خیانت در امانت و فروش مال غیر) یا اینکه اگر کسی در اراضی، تپه‌ها و اماکن ملی و مذهبی به قصد استفاده حفاری کند و در عین حال به اشیاء عتیقه دسترسی یابد و آن‌ها را تملک نماید، چون با صرف عمل حفاری تجاوز نیز خود به خود صورت گرفته و فعل واحدی از فردی صادر شده که دارای دو عنوان تجاوز و حفاری غیرمجاز است در این مورد باید مجازات‌ها را بین جرائم انجام یافته اعمال شود (زمینه حقوق جزای عمومی، دکتورنوربها، ص ۴۱۰).

نکته ۲- در صورت نقض مجازات‌ها در مرحله‌ی تجدیدنظر یا فرجام‌خواهی مجازات‌ها دیگر اعمال خواهد شد، زیرا فرد مرتکب آن جرم هم شده است.

نکته ۳- تعدد مادی: شخص مرتکب دو یا چند جرم در زمان‌های مختلف می‌شود به طوری که هریک از این جرائم به مرحله‌ی محکومیت قطعی نرسیده باشد.

نکته ۴- تعدد معنوی: مشمول چند وصف جزایی بر فعل یا ترک فعل واحد. بدین معنی که ترک فعل یا فعل واحد نقض چندین ماده قانونی است. مثال: سرقت کتیبه‌ی منقوش که سارق ناگزیر از کندن و تخریب آن شده است. یا مزاحمت تلفنی همراه با تهدید یا رشوه دادن مال متعلق به غیر.

نکته ۵- تحقق تعدد جرم در جرائم حدی امکان دارد؛ مانند تفریض در هنگام لواط.

نکته ۶- فرض تعدد اعتباری در جرائم حدی موجب جمع مجازات است مثلاً زنا یا غیر محصنه با محارم نسبی از دو جرم حدی زنا یا غیر محصنه و زنا با محارم تشکیل شده و از قاعده جمع مجازات‌ها استفاده می‌شود و حد جلد و حد قتل بر این فرد اجرا می‌شود.

نکته ۷- منظور از علل عام تشدید مجازات، عوامل و جهاتی هستند که اختصاص به جرم خاصی ندارد در هر جرمی که تحقق پیدا کنند باعث تشدید مجازات خواهند شد در حقوق کیفری، تعدد جرم و تکرار جرم به عنوان علل عام تشدید مجازات قابل طرح‌اند و همچنین است سردستگی (دکتر الهام و دکتر برهانی، همان، ص ۲۲۲).

نکته ۸- مصادیقی از تعدد مادی و معنوی:

۱- سارقی که اقدام به فروش اموال مسروقه می‌نماید، این فروش از یک سو مصداق فروش مال مسروقه موضوع ماده ۶۶۲ ق.م.ا. بخش تعزیرات است و از سوی دیگر مصداق فروش مال غیر. در این صورت میان سرقت و فروش مال تعدد مادی برقرار است و میان فروش مال مسروقه و فروش مال غیر تعدد معنوی.

۲- شخصی به قصد سرقت وارد منزل غیر شده و در این مرحله دستگیر شود. در این صورت میان شروع به سرقت و هتک حرمت منزل موضوع ماده ۶۹۴ ق.م.ا. بخش تعزیرات تعدد معنوی وجود دارد.

۳- شخصی به قصد کلاهبرداری از غیر مدرکی را جعل می‌کند و از آن استفاده می‌نماید در این حالت میان جعل و کلاهبرداری تعدد مادی برقرار است ولی میان شروع به کلاهبرداری و استفاده از سند مجعول تعدد معنوی تحقق پیدا کرده است (دکتر الهام و برهانی، همان، ص ۲۴۲).

نکته ۹- تعدد عنوانی آن است یک رفتار مشمول دو یا چند وصف یا عنوان مجرمانه باشد به بیان دیگر متهم در واقع مرتکب یک رفتار شده است اما این رفتار با چند عنوان مجرمانه موضوع مواد قانونی مختلف قابل تطبیق است و در واقع یک رفتار عنصر مادی دو یا چند

جرم را تشکیل می‌دهد (دکتر حیدری، علیمراد، حقوق جزای عمومی، نشر سمت، چاپ دوم، ص ۲۴۳).

ماده ۱۳۲ - تَعَدُّ مَادِي جَرَائِمِ مَوْجِبِ قَرِّ بِأَمْبَارَاتِ بَلْكَان

در جَرَائِمِ مُوجِبِ حَدِّ تَعَدُّ جُرْمِ، (تعدد مادی: عبارت است از یک فعل اما با دو یا چند نتیجه مثل: بمب‌گذاری در ماشین دیگری) (در تعدد مادی دو یا چند فعل مجرمانه از مرتکب سر می‌زند بدون اینکه حکمی صادر شود) موجب تَعَدُّ مُجَازَاتِ است مگر در مواردی که جَرَائِمِ اِرتکابی و نیز مُجَازَاتِ آن‌ها یکسان باشد. (که در این صورت تعدد جرائم موجب حد موجب تعدد مجازات نمی‌باشد و فقط یک حد بر مرتکب جاری می‌گردد مثل ۲ بار شرب خمر کردن که فقط یک‌بار محکوم به ۸۰ ضربه شلاق می‌شود و یک‌بار حد بر وی جاری می‌شود در صورت محقق بودن هر دو شرط فوق).

تبصره ۱ -

چنانچه مُرتکِبِ به اعدام و حبس یا اعدام و تبعید محکوم گردد، تنها اعدام اجراء می‌شود. (زمانی که اعدام با شلاق یا تراشیدن موی سر «جرم موضوع ماده ۲۲۹ ق.م.ا» مورد حکم قرار گیرد باید جمع مجازات‌ها را مورد حکم قرار داد).

تبصره ۲ -

چنانچه دو یا چند جُرْمِ حَدِّي در راستای هم و در یک واقعه باشند، فقط مُجَازَاتِ اَشَدِّ اجراء می‌شود؛ مانند تَفْخِيز (ماده ۲۳۵ ق.م.ا) در هنگام لواط که تنها مُجَازَاتِ لواط اجراء می‌شود. (اگر طرفین ارتکاب جرم افراد متفاوتی باشند، این استثناء جاری نمی‌شود و جمع مجازات‌ها اجرا می‌گردد).

تبصره ۳ -

اگر مرد و زنی چند بار با یکدیگر مُرتکِبِ زنا شوند، (در اینجا باید زن و مرد واحد باشند مثلاً اگر آقای الف یک‌بار زنا با خانم ب و یک‌بار زنا با خانم ج انجام دهد که در این صورت به هر دو مجازات محکوم می‌گردد) چنانچه مُجَازَاتِ اعدام (زنا با عتف ماده ۲۲۴ ق.م.ا) و جَلْد (ماده ۲۲۸ و ۲۲۹ و ۲۳۰ ق.م.ا) یا رَجْم (شرایط احسان ماده ۲۲۵ ق.م.ا) و جَلْد ثابت باشد، تنها اعدام یا رَجْمِ حَسَبِ مورد اجراء می‌شود.

تبصره ۴ -

چنانچه قَذْف، نسبت به دو یا چند نفر باشد، دو یا چند مُجَازَاتِ اجراء می‌گردد. (ر.ک مواد ۲۵۶ و ۲۵۷ ق.م.ا)

نکته ۱- تفاوت تعدد جرم با تکرار جرم آن است که در تکرار جرم میان ارتکاب جرائم مختلف محکومیت قطعی (در جرائم تعزیری) یا اجرای مجازات (در جرائم حدی) فاصله انداخته است اما در تعدد جرم این‌گونه نیست و محکومیت و اجرای مجازاتی در بین نمی‌باشد (دکتر الهام و دکتر برهانی، همان، ص ۲۲۲).

نکته ۲- تنها در صورتی که انجام جرمی جزء جدانشدنی جرم دیگر باشد قواعد تعدد جرم اعمال نمی‌شود (مثل شکستن درب زندان برای فرار).

نکته ۳- در صورتی که جرم حدی از جنس جرم تعزیری باشد مانند سرقت حدی و سرقت تعزیری یا مانند زنا و روابط نامشروع کمتر از زنا، مرتکب فقط به مجازات حدی محکوم می‌شود و مجازات تعزیری ساقط می‌گردد به استثناء قذف که می‌تواند نسبت به یکی قذف و نسبت به دیگری توهین باشد که هم به مجازات قذف و هم مجازات توهین محکوم می‌گردد.

نکته ۴- جرائم مستمر که رکن مادی و روانی جرم در طول زمان بدون انقطاع جریان می‌یابد و استمرار دارد مشمول قواعد تعدد مادی جرم از نوع مشابه نخواهد شد و در جرائم به عادت که تکرار حداقل دو مرتبه فعل مادی عمل مجرمانه، شرط تحقق جرم به عادت است به دلیل ماهیت خاص این جرائم که تکرار حالت و وضعیت یا افعال خاصی اصل این جرائم را تشکیل می‌دهد مشمول قواعد تعدد نخواهد بود؛ بنابراین جرم تکدی‌گری حتی اگر پس از مدت زمان مدیدی مورد تعقیب قرار گیرد، فاعل آن را نمی‌توان مستحق تشدید مجازات دانست.

نکته ۵- گاهی افعال متعدد در قانون عنوان جرمی مستقل می‌یابند که در اینجا بحث تعدد مطرح نمی‌شود. مثلاً سرقت مسلحانه قابل تجزیه به سرقت و حمله اسلحه نیست و مصداق تعدد جرم نیست یا سرقت همراه با هتک حرز یا نهب (چپاول) و غارت قابل تجزیه

به جرائم سرقت و هتک حرز و یا سرقت و اذیت و آزار و تهدید و تخریب نمی‌باشد چراکه مجموعه‌ی این اعمال یک جرم بوده و دارای مجازات مستقلی هستند.

نکته ۶- تعدد جرم در حدود:

۱- جرم ارتكابی و مجازات آن یکسان باشد مانند اینکه فرد سه بار مرتکب شرب خمر شود در این حالت فقط یک حد بر او جاری می‌شود.

۲- جرم ارتكابی یکسان (از یک نوع) ولی مجازات آن متفاوت باشد؛ مانند اینکه شخص یک بار زنای مستوجب حد شلاق و یک بار مرتکب زنای مستوجب رجم یا اعدام شده باشد. در این حالت مجازات‌ها باهم جمع می‌شود و تداخل صورت نمی‌پذیرد.

۳- جرم ارتكابی و مجازات آن‌ها متفاوت باشد مانند زنا و شرب خمر که در این حالت قاعده جمع مجازات‌ها اجرا می‌شود (اسما عیل ساولانی، همان، ص ۵۱۵).

نکته ۷- هرگاه جرم ارتكابی مقدمه‌ی لازم جرم دیگر باشد جرم متعدد نخواهد بود مانند اینکه کسی با وارد کردن مواد مخدر به کشور و حمل آن تحت اتهام (حمل مواد مخدر) محاکمه شود و در اینجا هم وارد کردن عنوان مجرمانه خاص دارد و هم حمل مواد مخدر، اما نکته اینجاست که مقدمه‌ی لازم حمل مواد مخدر توسط این شخص، وارد کردن آن است و اگر وی آن را وارد کشور نمی‌کرد به اتهام حمل مواد مخدر هم محاکمه و تعقیب نمی‌شد.

ماده ۱۳۳ - جمع مجازات در قیصاص

در تعدد جرائم موجب حد و قیصاص، مجازات‌ها جمع می‌شود (قاعده جمع مجازات‌ها و قاعده‌ی استقلال و فردی در ایجاب کیفر حاکم است). لکن چنانچه مجازات حدی، موضوع قیصاص را از بین ببرد یا موجب تأخیر در اجرای قیصاص گردد، (با وجود هر یک از این دو شرط قیصاص مقدم می‌باشد) اجرای قیصاص، مقدم است و در صورت عدم مطالبه فوری اجرای قیصاص یا گذشت یا تبدیل به دیه، مجازات حدی اجرا می‌شود.

ماده ۱۳۴ - تعدد ماری یا واقعی در جرائم تعزیری

در تعدد جرائم تعزیری، تعیین و اجرای مجازات به شرح زیر است:
الف- هرگاه جرائم ارتكابی مختلف نباشد، فقط یک مجازات تعیین می‌شود و در این صورت، دادگاه می‌تواند مطابق ضوابط مقرر در این ماده که برای تعدد جرائم مختلف ذکر شده، مجازات را تشدید کند.

ب- در مورد جرائم مختلف، هرگاه جرائم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد، حداقل مجازات هر یک از آن جرائم بیشتر از میانگین حداقل و حداکثر مجازات مقرر قانونی است.

پ- چنانچه جرائم ارتكابی مختلف، بیش از سه جرم باشد، مجازات هر یک، حداکثر مجازات قانونی آن جرم است. در این صورت دادگاه می‌تواند مجازات هر یک را بیشتر از حداکثر مجازات مقرر قانونی تا یک چهارم آن تعیین کند.

ت- در تعدد جرائم درجه هفت و درجه هشت با یکدیگر، حسب مورد مطابق مقررات این ماده اقدام می‌شود و جمع جرائم درجه هفت و درجه هشت با درجه شش و بالاتر سبب تشدید مجازات جرائم اخیر نمی‌شود. در جمع این جرائم با جرائم درجه شش و بالاتر، به طور جداگانه برای جرائم درجه هفت و درجه هشت مطابق این ماده تعیین مجازات می‌شود و در هر صورت مجازات اشد قابل اجرا است.

ث- در هر یک از بندهای فوق، فقط مجازات اشد مندرج در دادنامه قابل اجرا است و اگر مجازات اشد به یکی از علل قانونی تقلیل یابد یا تبدیل شود یا به موجبی از قبیل گذشت شاکی خصوصی، نسخ مجازات قانونی یا مرور زمان غیرقابل اجرا گردد، مجازات اشد بعدی اجرا می‌شود و در این صورت میزان مجازات اجرا شده قبلی در اجرای مجازات اشد بعدی محاسبه می‌شود. آزادی مشروط، تعلیق اجرای مجازات و عفو در حکم اجرا است.

ج- در هر مورد که مجازات قانونی فاقد حداقل یا ثابت باشد، اگر جرائم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد دادگاه می‌تواند تا یک ششم و اگر بیش از سه جرم باشد تا یک چهارم به اصل آن اضافه کند.

چ- در صورتی که در جرائم تعزیری، از رفتار مجرمانه واحد، نتایج مجرمانه متعدد حاصل شود، مرتکب به مجازات جرم اشد محکوم می‌شود.

ح- هرگاه در قانون برای جرمی یکی از مصادیق مجازات‌های مندرج در مواد (۲۳) یا (۲۶) این قانون به عنوان مجازات اصلی مقرر شده باشد، آن مجازات در هر صورت اجرا می‌شود، حتی اگر مربوط به مجازات غیر اشد باشد. همچنین اگر مجازات اشد وفق ماده (۲۵) این قانون، فاقد آثار تبعی و مجازات خفیف‌تر دارای آثار تبعی باشد، علاوه بر مجازات اصلی اشد، مجازات تبعی مزبور نیز اجرا می‌شود.

خ- در تعدد جرم در صورت وجود جهات تخفیف مجازات برای هر یک از جرائم، مطابق مواد (۳۷) و (۳۸) این قانون اقدام می‌شود.

د- در صورتی که مجموع جرائم ارتكابی در قانون عنوان مجرمانه خاصی داشته باشد، مقررات تعدد جرم اعمال نمی‌شود و مرتکب به مجازات مقرر در قانون

محکوم می‌شود.

قبل از ورود به نکات ماده ۱۳۴ لازم است چند نکته در مورد تعدد معنوی و تعدد نتیجه و تعدد مادی گفته شود و سپس به نکات ماده ۱۳۴ بپردازیم.

انواع تعدد در جرائم تعزیری عبارتند از:

تعدد معنوی (اعتباری یا مفادی یا روانی): یعنی **یک فعل** از مرتکب سر می‌زند و از این یک فعل **یک نتیجه** حاصل می‌شود ولی این یک نتیجه بر **دو یا چند عنوان جرمانه** صدق می‌کند. مثلاً اگر «الف» مال خود را به امانت نزد «ب» بگذارد و «ب» مال را به «ج» بفروشد در اینجا «ب» یک فعل انجام داده و از این یک فعل یک نتیجه حاصل شده است (که این نتیجه، انتقال مال «الف» به «ج» است) ولی این یک فعل و یک نتیجه با دو عنوان مجرمانه (انتقال مال غیر و خیانت در امانت) منطبق است (ماده ۱۳۱) مثال‌های دیگر تعدد معنوی عبارتند از: کلاهبرداری با استفاده از سند مجعول، مزاحمت تلفنی همراه با تهدید و رشوه‌دادن مال متعلق به غیر.

تعدد نتیجه: یک فعل از مرتکب سر می‌زند و از این یک فعل دو یا چند نتیجه حاصل شود مانند اینکه «الف» در اتومبیل «ب» بمب بگذارد و با انفجار بمب، هم «ب» آسیب موجب تعزیر ببیند هم اتومبیل وی تخریب شود یا اینکه «الف» با بمب‌گذاری در یک محل باعث تخریب مال چند نفر شود در این موارد، فعل یکی است ولی نتیجه‌ای که اتفاق افتاده چند تا است. (بند چ ماده ۱۳۴)

تعدد مادی (واقعی، عینی، حقیقی): دو یا چند فل مجرمانه از مرتکب سر می‌زند اعم از اینکه این دو یا چند جرم همه مانند هم باشند (مانند دو بار کلاهبرداری) یا متفاوت (مانند یک کلاهبرداری و یک سرقت) (ماده ۱۳۴)

تفاوت تعدد معنوی با تعدد نتیجه در این است که در تعدد معنوی، هم فعل یکی است هم نتیجه یکی است و این یک فعل و یک نتیجه دو عنوان مجرمانه دارد ولی در تعدد نتیجه فعل یکی است ولی دو نتیجه مجرمانه اتفاق افتاده است به عبارتی تفاوت این دو مورد در این است که در تعدد معنوی از یک فعل یک نتیجه حاصل می‌شود ولی در تعدد نتیجه از یک فعل چند نتیجه حاصل می‌شود.

طبق ماده ۱۳۱ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ و همچنین طبق بند چ ماده ۱۳۴ (اصلاحی ۱۳۹۹) در تعدد معنوی و تعدد نتیجه، مرتکب به مجازات اشد محکوم می‌شود مقصود از اعمال مجازات اشد حداکثر شدیدترین مجازات نیست بلکه دادگاه بین اعمال حداقل و حداکثر مجازات مخیر است مثلاً وقتی عمل مرتکب هم انتقال مال غیر (با مجازات ۱ تا ۷ سال حبس) و هم خیانت در امانت (با مجازات ۶ ماه تا ۳ سال حبس) باشد مجازات ۱ تا ۷ سال اشد است و دادگاه می‌تواند بین ۱ تا ۷ سال مجازات تعیین کند (و الزامی به تعیین ۷ سال حبس ندارد). لازم به توضیح است یکسان بودن مجازات تعدد معنوی و تعدد نتیجه به این معنی نیست که این دو قسم تعدد مانند هم هستند بلکه صرفاً مجازات این دو مورد شبیه هم است اما ماهیتاً دو نوع تعدد متفاوت هستند بنابراین ممکن است در آزمون‌های حقوقی از اینکه عمل مرتکب چه نوع تعددی است سؤال پرسیده شود و یکی از گزینه‌ها تعدد معنوی و گزینه دیگر تعدد نتیجه باشد که باید به تفاوت این دو مورد دقت داشت اما اگر از مجازات مرتکب، سؤال شود تفاوتی بین تعدد معنوی و نتیجه وجود دارد و در هر دو مورد، مرتکب به مجازات اشد محکوم می‌شود.

در قانون سابق، تعدد نتیجه در حکم تعدد مادی بود ولی در قانون جدید در حکم تعدد مادی نیست و قسم جداگانه‌ای از تعدد است و مجازات آن نیز شبیه تعدد معنوی است.

نکته ۱- شخصی به مجازات کلاهبرداری، خیانت در امانت و تخریب محکوم شده است، حداکثر مجازات اشد در مورد وی اجرا می‌شود.

نکته ۲- در صورتی که از رفتار مجرمانه‌ی واحد، نتایج مجرمانه‌ی متعددی حاصل شود، این مورد از موارد تعدد معنوی است.

نکته ۳- در رابطه با این ماده به رأی وحدت رویه ۱۱۸-۱۳۶۶/۳/۳۰-۳، ۱۳۵۹/۱۲/۲-۳، ۱۳۶۰/۸/۳۰-۳۴، ۱۳۶۴/۱/۱۸-۶۲۴، ۱۳۷۷/۱/۱۸-۶۳-۱۳۷۸/۱، ۶۸۵-۱۳۸۴/۱۲/۲۳ هیئت عمومی دیوان عالی کشور رجوع کنید.

نکته ۴- در جرائم تعزیری درجه ۸ تعدد مادی جرم موجب جمع مجازات است.

نکته ۵- شخصی مرتکب یک جرم تعزیری درجه ۲ و یک جرم تعزیری درجه ۷ شده است. در چهارچوب مقررات تعدد جرم جمع مجازات‌ها اعمال می‌شود.

نکته ۶- برخی از مصادیق تعدد مادی:

- ۱- تخریب منابع طبیعی و محیط زیست به منظور تصرف.
 - ۲- جعل و استفاده از سند مجعول.
 - ۳- جعل و کلاهبرداری.
- برخی از مصادیق تعدد معنوی:
- ۱- استفاده از سند مجعول و کلاهبرداری با آن سند.
 - ۲- رانندگی بدون گواهینامه و صدمه بدنی غیر عمدی بر اثر نقض قوانین راهنمایی و رانندگی.
 - ۳- اقدام یکی از وراثت در انتقال سهم بقیه‌ی ورثه با جعل امضاء.
 - ۴- انتقال مال غیر و خیانت در امانت.
 - ۵- تحصیل مال با امضاء به جای دیگری در دفترخانه.
 - ۶- شخص الف به قصد قتل شخص ب وی را مورد ضرب و جرح قرار می‌دهد اما به دلیل خارج از اراده‌اش قصد وی به نتیجه نمی‌رسد. در این حالت شخص به جرم ضرب و جرح عمدی و شروع به قتل عمدی محکوم می‌شود (اسماعیل ساولانی، همان، صص ۵۱۶-۵۱۷).
- نکته ۹-** تعدد رفتاری که به آن تعدد واقعی یا تعدد مادی هم گفته می‌شود در مقابل تعدد عنوانی و ناظر به وضعیتی است که شخصی چند رفتار انجام داده که هر کدام مشمول عنوان مجرمانه است و هنوز برای هیچ یک از رفتارهای مجرمانه حکم محکومیت قطعی صادر نشده است (دکتر علیمراد، حیدری، ص ۲۵۳).
- نکته ۱۰-** در جرائم تعزیری، قانونگذار به سه صورت میزان مجازات را تعیین کرده است که عبارتند از:
- در برخی از موارد قانونگذار مجازات ثابتی تعیین نکرده بلکه مجازات را دارای حداقل و حداکثر قرار داده است مثلاً مجازات مخفی کردن جسد مقتول را سه ماه و یک روز تا یک سال حبس تعیین کرده است. (ماده ۶۳۶ قانون تعزیرات)
- در برخی موارد، قانونگذار یک مجازات ثابت تعیین کرده است (بدون اینکه این مجازات دارای حداقل و حداکثر باشد) مثلاً در جرم جعل مدرک تحصیلی توسط کارمند دولت، مجازات مرتکب سه سال حبس است. (ماده ۵۲۷ قانون تعزیرات)
- در برخی موارد مجازات فاقد حداقل است مثلاً در تخریب ساده که میزان خسارت یکصد میلیون ریال است مجازات مرتکب تا دو بیست میلیون ریال است. (بدون اینکه قانونگذار حداقل میزان مجازات را تعیین کرده باشد). (ماده ۶۷۷ قانون تعزیرات)
- قانونگذار در احکام مربوطه به تعدد مادی بین زمانی که جرم دارای حداقل و حداکثر است با زمانی که جرم فاقد حداقل یا دارای مجازات ثابت است تفاوت گذاشته است و جرمی که دارای حداقل و حداکثر است را در یک دسته و جرائمی که فاقد حداقل بوده یا دارای مجازات ثابت هستند را در یک دسته دیگر قرار داده و برای این دو دسته، احکام متفاوتی مقرر کرده است.
- نکته ۱۱-** در احکام مربوط به تعدد، قانونگذار در برخی موارد بین تعیین مجازات و اجرای مجازات تفاوت گذاشته است به این ترتیب که در برخی موارد چند مجازات تعیین اما فقط یک مجازات اجرا می‌شود بنابراین در نکات بعدی و در آزمون‌های حقوقی به تفاوت تعیین و اجرا توجه شود.
- نکته ۱۲-** در بند الف ماده، قانونگذار بین زمانی که جرائم ارتكابی متعدد، مشابه هستند (مانند اینکه شخصی مرتکب دو بار کلاهبرداری شده باشد) با زمانی که جرائم ارتكابی متعدد متفاوت هستند (مانند اینکه شخصی یک بار کلاهبرداری و یک بار سرقت کرده است) دو تفاوت گذاشته است که عبارتند از:
- زمانی که جرائم ارتكابی شبیه هم هستند فقط یک مجازات تعیین می‌شود در حالی که وقتی جرائم ارتكابی متفاوت باشند چند مجازات تعیین می‌شود (لازم به توضیح است هر چند همانطور که در ادامه خواهد آمد در جرائم ارتكابی متفاوت، فقط یک مجازات اجرا می‌شود اما باید مجازات همه جرائم تعیین شود به عبارتی در جرائم ارتكابی متفاوت چند مجازات تعیین ولی فقط یک مجازات اجرا می‌شود اما در جرائم مشابه، یک مجازات تعیین و همان مجازات اجرا می‌شود).
- در جرائم ارتكابی مشابه، تشدید مجازات اختیاری است اما در جرائم ارتكابی متعدد، تشدید مجازات اجباری است. (البته لازم به توضیح

است میزان و نحوه تشدید جرائم مشابه و متفاوت یکی هستند به عبارتی اگر قاضی بخواهد مجازات جرائم مشابه را تشدید کند ضابطه و میزان تشدید مانند جرائم مختلف است و تنها تفاوت، در اختیاری یا اجباری بودن تشدید مجازات است.

نکته ۱۳- در تعیین مجازات تعدد مادی دو حالت وجود دارد حالت اول زمانی که مجرم دو یا سه جرم انجام داده است و حالت دوم زمانی است که مجرم بیش از سه جرم (چهار جرم یا بیشتر) انجام داده است. احکام و میزان تشدید جرم، به شرح مذکور در جدول زیر است: (لازم به توضیح است در جدول زیر مثلاً وقتی حداقل مجازاتی که در فرض تعدد تعیین می‌شود، ۸ سال حبس و حداکثر مجازاتی که در فرض تعدد تعیین می‌شود، ۱۰ سال حبس قید شده است به این معنی است که در آن جرم، در فرض تعدد، قاضی باید بین ۸ تا ۱۰ سال حبس تعیین کند).

تعداد جرایم ارتكابی	مجازات قانونی جرم	حداقل مجازاتی که در فرض تعدد تعیین می‌شود	حداکثر مجازاتی که در فرض تعدد تعیین می‌شود.
دو یا سه جرم	دارای حداقل و حداکثر (مثلاً) جرم ارتكابی یک تا هفت سال حبس داشته باشد.	بیش از میانگین حداقل و حداکثر (۴ سال و یک روز ^۱)	حداکثر مجازات جرم ارتكابی (۷ سال)
	مجازات ثابت یا فاقد حداقل (مثلاً جرم ارتكابی ۶ سال حبس یا تا ۶ سال حبس داشته باشد).	همان مجازات ثابت (۶ سال)	مجازات ثابت به علاوه یک ششم آن. (۷ سال ^۲)
بیش از سه جرم	دارای حداقل و حداکثر (مثلاً) جرم ارتكابی دو تا هشت سال حبس داشته باشد.	حداکثر مجازات جرم ارتكابی (هشت سال)	حداکثر به علاوه یک چهارم (ده سال ^۳)
	مجازات ثابت یا فاقد حداقل (مثلاً) جرم ارتكابی هشت سال یا تا هشت سال حبس داشته باشد.	همان مجازات ثابت (هشت سال)	مجازات ثابت به علاوه یک چهارم آن (ده سال)

۱. برای به دست آوردن میانگین حداقل و حداکثر جرم، باید حداقل را به علاوه حداکثر کرده و سپس عدد به دست آمده را تقسیم بر دو کرد بنابراین در مورد جرمی با مجازات یک تا هفت سال حبس باید عدد یک را بعلاوه هفت کرد که عدد به دست آمده (هشت) تقسیم بر دو مساوی با چهار خواهد بود لذا میانگین حداقل و حداکثر جرم، چهار سال است و چون در فرض مذکور در متن، دادگاه باید بیش از میانگین حداقل و حداکثر تا حداکثر مجازات قانونی را حکم دهد مجازات مرتکب برای کلاهبرداری از بیش از میانگین حداقل و حداکثر (از چهار سال و یک روز) تا حداکثر مجازات قانونی (تا هفت سال) خواهد بود.

۲. یک ششم ۶ سال یک سال و با افزودن عدد یک به ۶ عدد ۷ حاصل می‌شود.

۳. چون یک چهارم ۸ سال دو سال است لذا برای به دست آوردن حداکثر مجازات به علاوه یک چهارم آن، باید ۸ بعلاوه ۲ کرد که عدد ۱۰ حاصل می‌شود.

نکته ۱۴- در مورد تشخیص اینکه تعداد جرائم چند جرم است (و میزان تشدید بر اساس احکام مربوط به دو یا سه جرم است یا بر اساس احکام بیش از سه جرم) باید به این نکته توجه داشت که تعداد جرائم درجه یک تا شش جداگانه و تعداد جرائم درجه هفت و هشت

جداگانه شمارش و تشدید می‌شود برای مثال اگر شخصی مرتکب پنج جرم از درجات، دو، سه، پنج، هفت و هشت شده باشد در اینجا اگرچه تعداد کل جرائم پنج تاست اما چون تعداد جرائمی که از درجه یک تا شش هستند سه تاست این سه جرم منطبق با ضوابط مربوط به تشدید مجازات دو یا سه جرم تشدید می‌شود همچنین چون جرائم درجه هفت و هشت دو تاست این دو جرم نیز منطبق با قواعد مربوط به تشدید دو یا سه جرم تشدید می‌شود.

بدیهی است که اگر بین جرائم ارتكابی یک جرم درجه یک تا شش یا یک جرم درجه هفت و هشت وجود داشته باشد آن جرم تشدید نمی‌شود مثلاً اگر شخصی مرتکب یک جرم درجه پنج و سه جرم درجه هفت شده باشد جرم درجه پنج تشدید نمی‌شود و سه جرم درجه هفت منطبق با ضوابطی که برای تشدید سه جرم گفته شد تشدید می‌شود همچنین اگر شخصی مرتکب سه جرم درجه شش و یک جرم درجه هفت شود ضمناً اگر شخصی مرتکب یک جرم درجه یک تا شش و یک جرم درجه هفت باشد هیچ کدام تشدید نمی‌شود (در قانون فعلی، جرائم درجه هفت و هشت با هم و با جرائم درجه یک تا شش جمع نمی‌شود بنابراین در فرضی که تمام جرائم درجه هفت و هشت یا چند جرم درجه یک تا شش و چند جرم درجه هفت و هشت وجود دارد باز هم یک مجازات می‌شود).

در تعدد مادی، در تمامی مواردی که حکم به چند مجازات داده شده است (صرف نظر از اینکه همه آنها درجه یک تا شش باشند یا هفت و هشت یا برخی یک تا شش و برخی هفت و هشت باشند) صرفاً مجازات اشد مذکور در دادنامه اجرا می‌شود (نه مجازات جرمی که مجازات قانونی آن اشد است). برای مثال اگر شخصی مرتکب جرم سرقت با مجازات قانونی یک تا پنج سال حبس و جرم کلاهبرداری با مجازات قانونی یک تا هفت سال حبس شده باشد و دادگاه با اعمال مقررات تعدد، برای جرم سرقت به پنج سال حبس و برای جرم کلاهبرداری به چهار سال و نیم حبس حکم دهد (بر طبق ماده ۱۳۴ چون تعداد جرائم دوتاست دادگاه باید برای جرم سرقت از سه سال و یک روز تا پنج سال حبس و برای جرم کلاهبرداری از چهار سال و یک روز تا هفت سال حبس تعیین کند) در اینجا اگرچه مجازات قانونی جرم کلاهبرداری اشد است اما چون مجازات جرم سرقت، در دادنامه بیشتر تعیین شده است مجازات جرم سرقت اجرا می‌شود.

هرگاه در قانون برای جرمی یکی از مصادیق مجازات‌های مندرج در مواد ۲۳ یا ۲۶ این قانون (مصادیق مجازات تبعی و تکمیلی) به عنوان مجازات اصلی مقرر شده باشد، آن مجازات در هر صورت اجرا می‌شود حتی اگر مربوط به مجازات غیرارشد باشد مثلاً اگر شخصی مرتکب دو جرم جعل (با مجازات قانونی سه تا ده سال حبس) و صدور چک بلامحل (با مجازات شش ماه تا یک سال حبس و ممنوعیت از داشتن دسته چک به مدت دو سال) شده باشد و قاضی برای جرم جعل به هشت سال حبس و برای جرم صدور چک بلامحل یک سال حبس و دو سال از ممنوعیت از داشتن دسته چک حکم دهد در اینجا اگرچه مجازات قضایی جعل، اشد از مجازات صدور چک بلامحل است اما چون ممنوعیت از داشتن دسته چک از مجازات‌های مذکور در ماده ۲۳ است لذا علاوه بر مجازات جعل (هشت سال حبس) مجازات ممنوعیت از داشتن دسته چک اجرا می‌شود (باید توجه داشت در اینجا مجازات حبس صدور چک بلامحل اجرا نمی‌شود بلکه فقط مجازات ممنوعیت از صدور دسته چک که از موارد مذکور در ماده ۳۲ است اجرا می‌شود) و به عبارتی در این فرض، مجازات قابل اجرا در مورد مرتکب، هشت سال حبس و دو سال ممنوعیت از داشتن دسته چک است.

همچنین اگر الف مرتکب اختلاس با مجازات شش ماه تا سه سال حبس و شش ماه تا سه سال انفصال از خدمت شده باشد و مرتکب جرم کلاهبرداری با مجازات یک تا هفت سال حبس شده باشد و قاضی برای جرم اختلاس به دو سال حبس و دو سال انفصال حکم و برای کلاهبرداری به شش سال حبس حکم دهد در اینجا اگرچه مجازات جرم کلاهبرداری اشد است اما چون انفصال از خدمت از مصادیق مذکور در ماده ۲۳ است مرتکب علاوه بر مجازات کلاهبرداری (شش سال حبس)، دو سال نیز از خدمت منفصل می‌شود.

اگر مجازات اشد دارای مجازات تبعی بوده ولی مجازات غیرارشد دارای مجازات تبعی نباشد، علاوه بر اجرای مجازات جرم اشد، مجازات تبعی جرم غیرارشد نیز اجرا می‌شود مثلاً اگر شخصی به دلیل ارتکاب دو جرم به مجازات انفصال ابد (که طبق ماده ۱۹ جرم درجه چهار محسوب می‌شود)، و حبس درجه پنج محکوم شده باشد در اینجا طبق ماده ۲۵ ق.م.ا مجازات انفصال ابد فاقد مجازات تبعی ولی مجازات حبس درجه پنج دارای مجازات تبعی است در این مورد چون مجازات انفصال ابد اشد است این مجازات اجرا می‌شود اما مجازات تبعی حبس درجه پنج در مورد مرتکب اجرا می‌شود.

در مواردی که مجازات اشد به یکی از علل قانونی تقلیل یابد یا تبدیل شود یا به موجبی از قبیل گذشت شاکی خصوصی، نسخ مجازات

قانونی یا مرور زمان غیر قابل اجرا گردد، مجازات اشد بعدی اجرا می‌شود و در این صورت میزان مجازات اجراشده قبلی در اجرای مجازات اشد بعدی محاسبه می‌شود. مثلاً اگر شخصی برای دو جرم قابل گذشت به ترتیب به سه سال حبس و چهار سال حبس محکوم شود و بعد از گذشت دو سال از اجرای مجازات، در مورد جرمی که چهار سال حبس دارد به دلیل گذشت شاکی قرار موقوفی اجرا شود در این صورت، جرم بعدی که سه سال حبس دارد اجرا می‌شود البته در این فرض با توجه به اینکه دو سال از مدت حبس گذشته است مرتکب فقط یک سال دیگر در زندان می‌ماند.

باید توجه داشت آزادی مشروط، تعلیق اجرای مجازات و عفو در حکم اجرا است. مثلاً اگر در مورد شخصی به دلیل ارتکاب دو جرم، مجازات پنج سال و سه سال حبس صادر شده باشد و در مورد مجازات پنج سال حبس، دو سال پس از شروع به اجرای مجازات، آزادی مشروط صادر شود و در مدت آزادی مشروط مجکوم، مرتکب جرم نشده و از دستورات دادگاه تبعیت کرده و آزادی وی قطعی شود این امر در حکم اجرای مجازات پنج‌ساله است و مجازات اشد بعدی اجرا نخواهد شد.

نکته ۱۵- در آزمون‌های حقوقی اگر به طور مطلق از قواعد مربوط به تعدد سؤال شود و به جرم و مجازات خاصی (و به اینکه جرم دارای حداقل و حداکثر است یا نه) اشاره نشود باید مطابق با فرضی که جرم، دارای حداقل و حداکثر است به سؤال پاسخ داده شود.

نکته ۱۶- در برخی از موارد قانونگذار برای ارتکاب برخی جرائم جمع مجازات‌ها را قابل اعمال دانسته است در این موارد مقررات ماده ۱۳۴ اعمال نمی‌شود بلکه مجازات‌ها جمع می‌شود نمونه‌های این موارد عبارتند از:

جعل سند برای دخالت یا معرفی خود در مشاغل دولتی بدون داشتن سِمَت یا اذن از طرف دولت (ماده ۵۵۵ قانون تعزیرات)

جعل یا تزویر برای ارتکاب جرم توقیف غیرقانونی (ماده ۵۸۶ قانون تعزیرات)

ارتکاب جرم در هنگام ترمرد از مأمور دولت (ماده ۶۰۷ قانون تعزیرات)

ارتکاب جرم در هنگام نیش قبر (ماده ۶۳۴ قانون تعزیرات)

نکته ۱۶- در مورد بند د لازم به توضیح است قانونگذار در برخی موارد برای انجام دو فعل مجرمانه یک مجازات واحد تعیین کرده است مثلاً رانندگی بدون پروانه بر طبق ماده ۷۲۳ قانون تعزیرات جرم است از طرفی تصادفات رانندگی منجر به فوت هم در ماده ۷۱۴ جرم‌انگاری شده است ولی قانونگذار در ماده ۷۱۸ قانون تعزیرات برای فردی که بدون گواهینامه مرتکب تصادف رانندگی منجر به فوت شده (و در واقع، مرتکب دو عنوان مجرمانه شده است) یک مجازات خاص تعیین کرده است در اینجا مرتکب رانندگی بدون پروانه‌ی منجر به فوت فقط به مجازات ماده ۷۱۸ قانون تعزیرات محکوم می‌شود و مقررات تعدد اعمال نمی‌شود.

نکته ۱۷- طبق بند خ در فرض تعدد جرم، تخفیف مجازات تابع قواعد عمومی است و طبق مواد ۳۷ و ۳۸ ق.م.ا. رفتار می‌شود.

ماده ۱۳۵- نحوه اجرای مجازات‌های مُتَعَرِّد

در تعدد جرائم موجب حد و تعزیر و نیز جرائم موجب قصاص و تعزیر مجازات‌ها جمع (قاعده جمع مجازات‌ها) و ابتدا حد یا قصاص اجرا می‌شود مگر حد یا قصاص، سالب حیات و تعزیر، حق الناس یا تعزیر معین شرعی (همان تعزیرات منصوص شرعی است) باشد و موجب تأخیر اجرای حد نیز نشود که در این صورت ابتدا تعزیر اجراء می‌گردد. (اصولاً حد و قصاص مقدم بر تعزیر است مگر در یک حالت و آن زمانی که حد و قصاص سالب حیات باشد و در عین حال تعزیر نیز حق الناس بوده یا تعزیر معین شرعی باشد و موجب تأخیر اجرای حد نشود).

تبصره-

در صورتی که جرم حدی از جنس جرم تعزیری باشد مانند سرقت حدی و سرقت غیرحدی یا مانند زنا و روابط نامشروع کمتر از زنا، (در صورتی که با شخص واحد باشد یا شخص متفاوت) مرتکب فقط به مجازات حدی محکوم می‌شود و مجازات تعزیری ساقط می‌گردد، مگر در حد قذف که اگر قذف نسبت به شخصی و دشنام به دیگری باشد، مرتکب به هر دو مجازات محکوم می‌شود.

نکته ۱- اصل بر مجازات حدی و تعزیر است مگر مطابق نص قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مقررات تعدد جرم، در جرم قذف اگر بزه حدی از جنس بزه تعزیری باشد، مرتکب به هر دو کیفر محکوم می‌شود.

نکته ۲- شخصی مرتکب یک جرم تعزیری درجه دو و یک جرم تعزیری درجه ۷ شده است. در چهارچوب مقررات تعدد جرم، جمع مجازات‌ها اعمال می‌شود.

- نکته ۳-** در جرائم تعزیری درجه هشت، تعداد مادی جرم موجب جمع مجازات است.
- نکته ۴-** در جرائم موجب تعزیر هرگاه جرائم ارتكابی بیش از سه جرم باشد مجازات مرتکب، مجازات اشد است که بیش از حداکثر مقرر قانونی است، مشروط بر آنکه از حداکثر به اضافه‌ی نصف آن تجاوز نکند.
- نکته ۵-** اقدام احد ورثه در انتقال سهم بقیه با جعل امضاء از مصادیق ارتکاب جرم موضوع ماده ۱ قانون راجع به انتقال مال غیر، تعدد معنوی است.
- نکته ۶-** چنانچه رفتار واحد (در جرائم تعزیری) دارای عناوین مجرمانه‌ی متعدد باشد، مجازات جرمی داده می‌شود که مجازات آن اشد باشد.
- نکته ۷-** در رویه‌ی قضائی ایران هرگاه راننده حین رانندگی مرتکب قتل غیر عمد شود و فاقد پروانه‌ی رانندگی باشد، مورد از مصادیق تعدد معنوی است.
- نکته ۸-** شخصی در حال شرب خمر به وسیله‌ی ضابطان دادگستری دستگیر می‌گردد و در رسیدگی‌های به عمل آمده ثابت می‌شود که قبلاً سه بار مرتکب زنا‌ی غیر محصن مشابه، بودن اینکه حد زناهای قبلی درباره‌ی او اجرا شود گردیده است. در این صورت دادگاه به عنوان اجرای حدود باید او را به یکصد و هشتاد ضربه شلاق محکوم کند.
- نکته ۹-** تعدد مادی جرم در جرم آدم‌ربایی و مخفی کردن شخص ربوده شده و همچنین در سرقت و اخفای مال مسروقه توسط سارق منتفی است.
- نکته ۱۰-** در مورد تعدد جرم هرگاه جرائم ارتكابی مختلف بوده و همگی مستوجب حد باشند در این صورت، تعدد جرم در این‌گونه موارد موجب تعدد مجازات شده و همه‌ی حدود با هم جمع می‌شوند.
- نکته ۱۱-** در مورد تعدد جرم می‌توان جهات مخففه را رعایت کرد.
- نکته ۱۲-** در جرائم تعزیری هرگاه فعل واحد دارای عناوین متعدد جرم باشد، مجازات جرمی داده می‌شود که جزای آن اشد است.
- نکته ۱۳-** ترک انفاق زن و فرزندان صغیر از ناحیه‌ی شوهر تعدد معنوی یا اعتباری است.
- نکته ۱۴-** شخصی با استفاده از سند مجعول مال دیگری را برده است اقدام انجام‌شده از مصادیق تعدد مادی در جعل و کلاهبرداری است.
- نکته ۱۵-** دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه‌ی شماره‌ی ۱۱۸۸ در مورد «تعدد مادی» جعل و استفاده از سند مجعول توسط مجرم این استدلال را قبول کرده است: چون استفاده از سند مجعول عمل جداگانه است، حتی نسبت به جاعل نیز جرم جداگانه محسوب می‌شود.
- نکته ۱۶-** در صورتی که شخص مرتکب سرقت حدی و سرقت تعزیری شود، فقط به مجازات سرقت حدی محکوم می‌شود.
- نکته ۱۷-** اگر قذف و توهین یا قذف و افترای موجب تعزیر نسبت به شخص واحد صورت گیرد فقط مجازات حدی (حد قذف) اجرا می‌گردد.

فصل ششم - تکرار جرم

ماده ۱۳۶ - تکرار جرائم قَرَى (رک ماهه ۲۷۸ ق.م.ا)

هرگاه کسی سه بار مُرتکِبِ یک نوع جرم موجب حدّ شود (جرائم حدی متنوع از شمول بحث تکرار جرم خارج‌اند اما در جرائم تعزیری یک نوع بودن یا نبودن جرم ارتكابی اهمیتی ندارد) و هر بار حدّ آن جرم (باید همان جرم را مجدداً مرتکب شود) بر او جاری گردد (لازمه تحقق تکرار در جرائم حدی اجرای مجازات حدی است نه صدور حکم محکومیت)، حدّ وی در مرتبه چهارم اعدام است. (مشروط بر اینکه هر چهار جرم ارتكابی از یک نوع باشد).

نکته ۱- در جرائم حدی باید حکم اجرا گردد تا مشمول تکرار جرم شود نه فقط حکم قطعی صادر شود.

نکته ۲- در جرائم تعزیری صدور حکم قطعی برای مشمول تکرار جرم کافی است.

نکته ۳- تکرار جرم وصف احوال کسی است که به موجب حکم قطعی لازم‌الاجرا از یکی از دادگاه‌های ایران محکومیت کیفری که مستلزم محکومیت شدید کیفری است می‌باشد (دکتر اردبیلی، ج ۳، ص ۱۹۵).

نکته ۴- در حدودی که مجازات آن‌ها شلاق است در صورت تکرار تا سه بار همان مجازات اولیه اعمال می‌گردد و در بار چهارم مرتکب کشته می‌شود.

نکته ۵- تکرار جرم تنها در جرائم موجب تعزیر و نیز جرائم موجب حد قابلیت اعمال دارد و تحقق آن موجب تشدید مجازات می‌شود؛ اما در جرائم موجب قصاص یا دیه تکرار جرم هیچ تأثیری بر تشدید مجازات ندارد (دکتر الهام و دکتر برهانی، همان، ص ۲۴۴).

ماده ۱۳۷ - تکرار جرائم تعزیری

هر کس به علت ارتکاب جرم عمدی به موجب حکم قطعی به یکی از مجازات‌های تعزیری از درجه یک تا درجه پنج محکوم شود و از تاریخ قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان اجرای مجازات، مرتکب جرم عمدی تعزیری درجه یک تا شش گردد، حداقل مجازات جرم ارتكابی میانگین بین حداقل و حداکثر مجازات قانونی آن جرم است و دادگاه می‌تواند وی را به بیش از حداکثر مجازات تا یک چهارم آن محکوم کند.

نکته ۱- هم جرم قبلی و هم جرم فعلی مرتکب باید از جرائم عمدی باشد.

نکته ۲- تکرار یکی از علل اجباری تشدید است.

نکته ۳- سابقه‌ی محکومیت قطعی به مجازات‌های درجه ۷ و ۸ مشمول قواعد تکرار نیست.

نکته ۴- محکومیتی که قطعی نشده یا قطعی شده ولی مدت مجازات اعم از اینکه در حال اجرا باشد یا تمام نشده است، پیشینه‌ی کیفری محسوب نمی‌شود (حکم شماره ۳۲۷۲ مورخ ۱۳۱۹/۹/۳۰ شعبه ۵ به نقل از دکتر گلدوزیان - همان ص ۱۸۴).

نکته ۵- سابقه‌ی محکومیت به جرائم حدی در خصوص تکرار جرائم تعزیری بی‌تأثیر است.

مثال: شخصی سابقه محکومیت قطعی به ۸۰ تازیانه جهت شرب خمر دارد که یک سال و نیم پس از اجرای مجازات، مرتکب جرم اخفای مال مسروقه می‌شود که در این صورت فقط مجازات قانونی اخفای مال مسروقه برای وی تعیین می‌شود.

نکته ۷- شرایط اعمال ماده ۱۳۷ ق.م.ا:

۱. طبق نظر من ملاک‌ریمی معلم، برای اینکه جرمی مشمول تکرار جرم قرار بگیرد شرایط زیر لازم است:

جرم دوم بعد از قطعیت حکم جرم اول باشد زیرا اگر جرم دوم قبل از قطعیت حکم جرم اول باشد مورد از موارد تعدد است نه تکرار.

۲. جرم اول، جرم تعزیری درجه یک تا پنج و جرم دوم جرم تعزیری درجه یک تا شش باشد بنابراین اگر شخصی محکوم به حد یا قصاص شده باشد و قبل از اعاده حیثیت مرتکب جرم تعزیری گردد جرم تعزیری وی مشمول مقررات تکرار جرم نمی‌شود. همچنین اگر جرم اول درجه شش تا هشت یا جرم دوم درجه هفت یا هشت باشد نیز نمی‌توان مقررات تکرار جرم را حتی با وجود سایر شرایط بر وی اعمال کرد.

۳. جرم دوم قبل از شمول مرور زمان اجرای حکم یا اعاده حیثیت جرم اول ارتکاب یافته باشد بنابراین اگر شخصی بعد از اعاده حیثیت یا بعد از شمول مرور زمان اجرای مجازات مرتکب جرم شود محکوم به تکرار جرم نمی‌شود.

نکته ۸- قاعده تکرار یکی از علل اجباری تشدید مجازات است و تشدید در این مورد از قاعده تشدید ساده تبعیت می‌کند نه از تشدید تصاعدی (که در بحث حدود قابلیت اعمال دارد) تشدید تصاعدی به این قرار است که شدت مجازات متناسب با دفعات تکرار جرم است که در مقابل آن تشدید ساده قرار دارد که در آن مرات و دفعات تکرار مؤثر در تشدید نیست (اسماعیل، ساولانی، همان، ص ۵۳۵).

نکته ۹- مطابق رأی وحدت رویه شماره ۷۹۵ مورخ ۱۳۹۹/۶/۱۸: با توجه به اینکه مطابق قسمت دوم ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی «نوع، مقدار، کیفیت اجراء و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و

سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می‌شود» و تشدید مجازات موضوع ماده ۱۳۷ قانون مذکور شامل انواع تعزیر از جمله شلاق نیز می‌شود همچنین مقررات ماده ۱۹ همین قانون بنا به صراحت تبصره ۴ آن، تنها جهت تعیین درجه مجازات است و لذا دلالتی بر استثنای مجازات شلاق تعزیری از شمول احکام عام راجع به تشدید مجازات ندارد و قاعده «تعزیر دون الحد» نیز ناظر به تعیین مجازات بدون اعمال کیفیات مشدده است؛ بنا به مراتب، تشدید مجازات شلاق تعزیری با رعایت سایر شرایط قانونی فاقد اشکال است.

نکته ۱۰- مجازات مرتکب در تکرار جرم، از میانگین حداقل و حداکثر تا حداکثر جرم به علاوه یک چهارم آن است مثلاً اگر مجازات قانونی جرمی چهار تا ده سال حبس باشد و این جرم مشمول تکرار جرم شده باشد مجازات مرتکب از میانگین حداقل و حداکثر (هفت سال) تا حداکثر به علاوه یک چهارم (دوازده سال و نیم) حبس است.

اگر جرمی دارای مجازات ثابت باشد و مشمول تکرار جرم شود مجازات مرتکب از همان مجازات قانونی تا مجازات قانونی به علاوه یک چهارم آن خواهد بود مثلاً اگر مجازات جرمی ده سال حبس باشد و مشمول تکرار جرم قرار گیرد مجازات مرتکب بین ده سال حبس تا دوازده سال و نیم حبس تعیین می‌شود.

ماده ۱۳۸ - تکرار جرائم سیاسی و مطبوعاتی و اطفال

مقررات مربوط به تکرار جرم در جرائم سیاسی و مطبوعاتی و جرائم اطفال (منظور افراد نابالغ است و در مورد جرائم نوجوانان افراد بالغ زیر ۱۸ سال مقررات تکرار جرم اعمال می‌شود) اعمال نمی‌شود. (همچنین جرائم تعزیری درجه ۶ تا ۸ که مقررات تکرار جرم اعمال نمی‌شود).

(در خصوص جرائم و افراد مقرر در این ماده مقررات تعدد جرم قابل اعمال است).

نکته ۱- جرم سیاسی از شمول تکرار جرم به همراه جرائم مطبوعاتی و جرائم اطفال خارج است.

نکته ۲- تفاوت اصلی بین حالت تعدد و تکرار جرم این است که در تعدد جرم، شخص چند جرم انجام داده که راجع به هیچ کدام از آن‌ها رسیدگی نشده و حکمی صادر نشده است ولی در فرض تکرار با وجود سابقه محکومیت قطعی (در جرائم تعزیری) و اجرای مجازات (در جرائم حدی) شخص مجدداً مرتکب جرم شده است (اسماعیل ساولانی، همان، ص ۵۳۶).

ماده ۱۳۹ - تخفیف مجازات در صورت تکرار جرم

در تکرار جرائم تعزیری، در صورت وجود جهات تخفیف مطابق مواد (۳۷) و (۳۸) این قانون اقدام می‌شود. تبصره -

چنانچه مرتکب دارای سه فقره محکومیت قطعی مشمول مقررات تکرار جرم یا بیشتر از آن باشد، مقررات تخفیف اعمال نمی‌شود.

نکته ۱- مقررات مربوط به تکرار جرم در جرائم سیاسی، مطبوعاتی و جرائم اطفال اعمال نمی‌شود.

نکته ۲- در حقوق ایران مقررات تکرار جرم در جرائم تعزیری منوط به صدور حکم قطعی قبلی است.

نکته ۳- در جرائم اقتصادی، مقررات مربوط به تکرار جرم اعمال می‌شود.

نکته ۴- در فرض تکرار جرم، احکام عام مربوط به تخفیف مجازات که در مواد ۳۷ و ۳۸ ق.م.ا آمده است اجرا می‌شود. در فرضی که دارای سه فقره محکومیت قطعی مشمول مقررات تکرار جرم یا بیشتر از آن باشد مقررات تخفیف ممنوع است اما در سایر موارد تکرار جرم، مقررات تخفیف ممنوع نبوده و ضابطه و میزان تخفیف نیز تابع قواعد عام است.

در آزمون‌های حقوقی اگر به طور مطلق از قواعد مربوط به تخفیف در فرض تکرار جرم پرسیده شد و به اینکه مرتکب سه فقره محکومیت قطعی مشمول مقررات تکرار جرم دارد یا نه اشاره نکرده باشد باید منطبق با فرض مذکور در ماده به سؤال پاسخ داده شود و تخفیف را تابع قواعد عمومی دانست.

مواد مرتبط

ماده ۵۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری؛ هرگاه هنگام اجرای حکم معلوم شود مکوم علیه محکومیت‌های قطعی دیگری داشته است که در اعمال مقررات تکرار جرم مؤثر است، قاضی اجرای احکام کیفری، پرونده را نزد دادگاه صادرکننده حکم قطعی ارسال می‌کند. در این صورت، چنانچه دادگاه، محکومیت‌های سابق مصرح دانست، مطابق مقررات

بخش چهارم - شرایط و موانع مسؤولیت کیفری

فصل اول - شرایط مسؤولیت کیفری

ماده ۱۴۰ - شرط اهلیت برای مسؤولیت کیفری (مسؤولیت کیفری یعنی مبرمیت + قابلیت انتساب)

مسؤولیت کیفری (به معنای الزام شخص به پاسخگویی در قبال جرم ارتكابی است و لازمه آن بلوغ، عقل و اختیار مجرم است) در حدود، قصاص و تعزیرات تنها زمانی مُحَقَّق است که فرد حین ارتكاب جرم، عاقل، (ماده ۱۴۹ و بند ب ماده ۲۹۲ و ۳۰۸ ق.م.ا) بالغ (ماده ۱۴۶ و ۱۴۷ و ۱۴۸ و بند ب ماده ۲۹۲ و ماده ۳۰۸ ق.م.ا) و مُخْتار (ماده ۳۰۱ و ۳۰۸ ق.م.ا) (همچنین در جرائم عمدی وجود قصد الزام است و شرط دانسته شده است ماده ۱۴۴ ق.م.ا) باشد به جُز در مورد اکراه بر قتل که حکم آن در کتاب سوّم «قصاص» آمده است.

نکته ۱- این ماده در خصوص دیه ساکت است و الزاماً نیازی به شرایط مطروحه در این مورد نیست. به استناد تبصره ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی.

نکته ۲- شرایط مسؤولیت کیفری شامل: ۱- عقل ۲- بلوغ ۳- اختیار ۴- قصد در جرائم عمدی می‌شود که در این ماده به سه مورد آن اشاره شده و مورد چهارم در ماده ۱۴۴ این قانون بیان شده است. مجازات دیه در خصوص شخص حقوقی تحت شرایطی قابل اعمال است.

نکته ۳- در موارد معاذیر قانونی معافیت از مجازات، مرتکب مسئول رفتار مجرمانه‌ی خویش است، اما قانون‌گذار در برخی جرائم ارتكابی، بنا بر ملاحظات سیاست کیفری به منظور تشویق در کمک به کشف جرائم خاصی و یا جلوگیری از ادامه‌ی عملیات مجرمانه، به جای برائت متهم، مرتکب را از کیفر معاف می‌کند (گلدوزیان، همان، ص ۱۸۷).

نکته ۴- سلب اراده در همه‌ی جرائم اعم از عمدی و غیرعمدی و خطائی و آن دسته از جرمی که خلاف نامیده می‌شود یعنی عدم رعایت نظامات دولت ناشی می‌گردد صادق است (دکتر اردبیلی، ح. ج. ع، جلد دوم، ص ۱۷۲).

نکته ۵- برخی از حقوقدانان اجبار را به ۲ دسته اجبار مادی و اجبار معنوی تقسیم نموده‌اند و خود اجبار مادی به ۲ گروه الف- با منشأ بیرونی مثل قوه قاهره و ب- با منشأ درونی مثل خواب و بیماری و اجبار معنوی نیز دارای ۲ گروه الف- با منشأ بیرونی مثل تهدید یا تحریک و یا تلقین و ب- با منشأ درونی مثل تعصب یا میل شدید به انتقام که این مورد آخر مانع مسؤولیت کیفری نیست.

نکته ۶- علل رافع مسؤولیت جنبه شخصی دارند و در این موارد جرم محقق می‌شود و مسؤولیت مدنی نیز باقی است ولی قابل استناد به مرتکب نمی‌باشد و در حق شریک و معاون صدق نمی‌کند. علل توجیه‌کننده جرم جنبه عینی و نوعی دارند و در این صورت موارد محقق نشده و علی‌الاصول مسؤولیت مدنی هم وجود ندارد و در حق شریک و معاون نیز مؤثر است و در هر دو مجازات وجود ندارد (دکتر اردبیلی، ح. ج. ع، ج دوم، ص ۱۲۶).

موارد مرتبط

ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی: در تحقق جرائم عمدی علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، باید قصد او در ارتكاب رفتار مجرمانه امر از گزردن، در جرائمی که وقوع آن‌ها بر اساس قانون منوط به تحقق نتیجه است، قصد نتیجه یا علم به وقوع آن نیز باید مبرز شود.
 ماده ۳۷۵ قانون مجازات اسلامی: اگر در قتل میوهز قتل نیست و مرتکب، قصاص می‌شود و اگر آگاه‌کننده، به حبس ابد محکوم می‌گردد.
 تبصره ۱: اگر آگاه شونده طفل غیر ممیز یا مینون باشد فقط اگر آگاه‌کننده محکوم به قصاص است.
 تبصره ۲: اگر آگاه شونده طفل ممیز باشد عاقله‌ی او دیه مقتول را می‌پردازد. در این مورد آگاه‌کننده به حبس ابد محکوم می‌شود.

ماده ۱۴۱ - اصل شفهی بودن مسؤولیت کیفری

مسؤولیت کیفری، شخصی است. (استثناء: مسؤولیت عاقله در پرداخت دیه در خصوص جنایات عمدی و شبه عمدی نابالغ و دیوانه و مسؤولیت مدیران و دستوردهندگان ناشی از جرائم اشخاص حقوقی).

نکته ۱- ر.ک ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بیانگر اصل فردی کردن مجازات‌ها است.

ماده ۱۴۲ - مسؤولیت کیفری شفص ثالث (مسؤولیت ناشی از رفتار دیگری)

مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری تنها در صورتی ثابت است که (۱) شخص به طور قانونی مسئول اعمال دیگری باشد یا (۲) در رابطه با نتیجه رفتار ارتكابی دیگری، مرتکب تقصیر شود.

نکته ۱- اگر کسی به علت اشتباه در هویت مرتکب قتل انسان بی‌گناهی شود جنایت ارتكابی وی مشمول عنوان قتل عمدی است.

ماده ۱۴۳- مسئولیت کیفری شخص فوقی

در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی (کسی است که یا به موجب قانون و یا به موجب قرارداد اختیاراتی به او داده شده تا برای دیگری کار یا کارهایی انجام دهد) (دکتر اردبیلی، ج. ۳، ج. ۴، ج. ۲ ص ۱۶۷) به نام یا (یکی از دو شرط مذکور در این ماده کافی است) در راستای منافع آن (اعم از منافع مادی، معنوی و منافع ممکن‌الحصول است) مرتکب جرمی شود. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، مانع مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست. (رجوع کنید به مواد ۱۹ الی ۲۲ ق.م.ا و همچنین ماده ۷۴۴ و ۷۴۷ و ۷۴۸ ق.م.ا بخش تعزیرات و ماده ۱۹ و ۲۰ جرائم رایانه‌ای).

نکته ۱- در صورتی که نماینده‌ی شخص حقوقی در راستای منافع شخص حقوقی یا به نام آن مرتکب جرم شود دارای مسئولیت کیفری است.

نکته ۲- مدیر یکی از شعب بانک در راستای منافع بانک مرتکب جرم جعل سند می‌شود. در این فرض اگر مدیر نماینده قانونی بانک محسوب می‌شود و بنام بانک مرتکب جرم شود علاوه بر شخص مرتکب مسئولیت کیفری متوجه شخصیت حقوقی بانک نیز می‌باشد.

نکته ۳- اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است.

ماده ۱۴۴- لزوم اراده در مسئولیت کیفری

در تحقق جرائم عمدی علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، باید قصد (برخلاف قصد که یکی از ارکان به وجود آورنده جرم است، انگیزه در وقوع جرم اصولاً مؤثر نیست اما می‌تواند در مجازات مؤثر باشد) او در ارتكاب رفتار مجرمانه احراز گردد (سوءنیت عام). در جرائمی که وقوع آن‌ها بر اساس قانون، منوط به تحقق نتیجه است، (منظور جرم مقید به نتیجه است) قصد نتیجه (سوءنیت خاص، قصد اضرار) یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود.

نکته ۱- تمام جرائم مقید دارای سوءنیت خاص می‌باشند.

نکته ۲- در جرائم عمدی مرتکب باید علم به موضوع داشته باشد.

نکته ۳- در جرائم مطلق که احتیاجی به تحقق نتیجه نیست دو موضوع یا عامل باید وجود داشته باشد:

(۱) علم مرتکب به موضوع جرم و

(۲) قصد مرتکب در ارتكاب رفتار مجرمانه اما در جرائم مقید به نتیجه موضوع یا عامل سومی تحت عنوان

(۳) قصد نتیجه یا علم به تحقق نتیجه نیز در مرتکب باید وجود داشته باشد.

ماده ۱۴۵- شرط تقصیر در جرائم غیرعمدی

تحقق جرائم غیرعمدی، منوط به احراز تقصیر مرتکب است (به عبارتی باید جرم ارتكابی در نتیجه‌ی تقصیر به وجود آمده باشد نه در نتیجه عوامل دیگر). در جنایات (منظور جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص است) غیرعمدی اعم از شبه عمدی و خطای محض، مقررات کتاب قصاص و دیات اعمال می‌شود.

تبصره -

تقصیر (فقط شامل بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی است) اعم از بی‌احتیاطی (فعلی است که نباید انجام می‌گرفت ولی انجام گرفته است) و بی‌مبالاتی (ترک فعل است یعنی باید فعلی را انجام می‌داده ولی نداده است) است. مُسامِحِه، غِفْلَت، عَدَمِ مَهَارَت و عَدَمِ رِعَايَتِ نِظَامَاتِ دَوْلَتِی و مانند آن‌ها، حَسَبِ مَوْرِد، از مصادیق بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی محسوب می‌شود.

نکته ۱- مسئولیت کیفری یعنی، ایجاد پل ارتباطی بین جرم و مجازات و قابلیت انتساب جرم به فاعل.

نکته ۲- با توجه به قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در جرائم مقید علم به وقوع آن باید محرز گردد.

نکته ۳- ضابطه‌ی تحقق بی‌احتیاطی و بی‌مبادلاتی عرف است.

نکته ۴- عنصر روانی در جرائم غیرعمدی خطای جزائی است.

نکته ۵- غفلت و سهل‌انگاری در حقوق جزا، خطای کیفری در جرائم غیرعمدی است.

نکته ۶- غفلت و سهل‌انگاری در حقوق جزا خطای کیفری در جرائم غیرعمدی است.

فصل دوم - موانع مسؤولیت کیفری

عبارت‌اند از: صغر، جنون، اضطراب، خواب و مستی، دفاع مشروع، اجازه قانون و اجرای قانون باهم، ر.ک به ماده ۲۲۱ قانون مجازات اسلامی رضایت مجنی‌علیه و امر آمر قانونی.

ماده ۱۴۶ - اثر عرم بلوغ در مسؤولیت کیفری

افراد نابالغ مسؤولیت کیفری ندارند. (صرفاً در خصوص اطفال نابالغ زیر ۹ تا ۱۵ سال قمری حسب مورد می‌باشد) (اثر رفع مسؤولیت کیفری معافیت از مجازات است).

نکته ۱- به‌طور کلی دوران طفولیت در مقررات کیفری کشور ما که ملهم از احکام شرعی است به دو دوره تقسیم شده است:

۱- دوره فقدان تمییز و عدم مسؤولیت کیفری مطلق (صغیر غیرممیز)

۲- دوره تمییز و برخورداری از مسؤولیت کیفری نسبی (صغیر ممیز)

نکته ۲- موانع مسؤولیت کیفری را باید به عوامل رافع مسؤولیت کیفری و علل موجهه جرم تقسیم کرد.

الف- علل رافع مسؤولیت کیفری:

کیفیاتی هستند شخصی و درونی که باعث مبری شدن شخص از مسؤولیت کیفری می‌شوند و فرد مرتکب مجازات نمی‌شود ولی مسؤولیت مدنی به قوت خود پابرجاست این شرایط تأثیری در حق معاون و شریک جرم ندارد (ساولانی، همان، ص ۳۱۵). به عبارتی عوامل رافع مسؤولیت عواملی است که موجب زوال مسؤولیت مجرم است. در اینجا عمل جرم محسوب می‌شود، بنابراین مسؤولیت مدنی پابرجا خواهد بود و شرکا و معاونین بر اساس اصل شخصی بودن مجازات، مجازات خواهند شد. عوامل رافع مسؤولیت کیفری را به دو دسته تقسیم می‌کنند:

الف- علل تام: صغر (عدم بلوغ)، جنون، اجبار.

ب- علل نسبی: اشتباه، خواب، مستی.

در فرض وجود عوامل رافع مسؤولیت کیفری، جرم واقع می‌شود ولی قابل انتساب به مجرم نیست.

ب- عوامل موجهه جرم:

کیفیاتی هستند عینی و بیرونی و علاوه بر اینکه نسبت به مجرم اصلی تأثیرگذارند در حق معاون و شریک جرم نیز مؤثرند و مسؤولیت مدنی را نیز از بین می‌برند.

عوامل موجهه جرم عبارت‌اند از:

الف- حکم قانون

ب- اجازه قانون

پ- اجرای قانون اهم

ت- امر قانونی آمر قانونی

ث- دفاع مشروع

ج- ضرورت

چ- رضایت بزه دیده در موارد خاص و استثنایی

نکته ۳- در خصوص اطفال، صدور حکم برائت و جاهت قانونی ندارد زیرا به حکم قانون مبرا از مسؤولیت و غیرقابل تعقیب می‌باشند.

ماده ۱۴۷ - سن بلوغ

سن بلوغ، در دختران و پسران، به ترتیب نه و پانزده سال تمام قمری (یک سال قمری در مقایسه با یک سال شمسی ۱۰ روز کمتر است) است. (رجوع کنید به ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲).

نکته ۱- سال قمری ۱۰ روز کمتر از سال شمسی در طول سال است. پس نه سال قمری برابر است با هشت سال و نه ماه شمسی و پانزده سال قمری برابر است با چهارده سال و هفت ماه شمسی.

ماده ۱۴۸ - اعمال اقرامات تأمینی و تربیتی برای افراد نابالغ (رک ماده ۱۳ ق.م.ا)

در مورد افراد نابالغ، (ملاک محاسبه‌ی بلوغ یا عدم بلوغ، زمان وقوع جرم است) بر اساس مقررات این قانون، اقدامات تأمینی و تربیتی اعمال می‌شود. (مثل تبصره ۲ ماده ۲۲۱ ق.م.ا) (رجوع کنید به ماده ۸۸ الی ۹۵ و ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲).

ماده ۱۴۹ - اثر اختلال روانی در مسؤولیت کیفری

هرگاه مرتکب در زمان ارتکاب جرم (ملاک مسؤولیت، وضعیت مرتکب در زمان ارتکاب جرم است بنا بر این اگر قبل از ارتکاب و بعد از ارتکاب متهم در سلامت روانی بسر برد لکن حین ارتکاب جرم دچار جنون باشد، مسؤولیت نخواهد داشت) دچار اختلال روانی بوده به نحوی که فاقد اراده یا قوه تمیز باشد مجنون محسوب می‌شود و مسؤولیت کیفری ندارد.

نکته ۱- جنون در حین ارتکاب جرم به هر درجه‌ای که باشد (دائمی یا ادواری) رافع مسؤولیت کیفری است.

ماده ۱۵۰ - دادرسی تعقیب شخص ممنون (ماده ۲۰۲ ق.آ.د.ک در جریان تحقیقات)

هرگاه مرتکب جرم در حین ارتکاب، مجنون باشد (جنون، زوال عقل و فقدان شعور است) یا در جرائم موجب تعزیر پس از وقوع جرم مبتلا به جنون شود چنانچه جنون و حالت خطرناک مجنون با جلب نظر متخصص، ثابت و آزاد بودن وی مخل نظم و امنیت عمومی باشد به دستور دادستان (این دستورات یک دستور اداری است نه دستور قضائی) تا رفع حالت خطرناک در محل مناسب نگهداری می‌شود.

شخص نگهداری شده یا خویشاوندان او می‌توانند در دادگاه به این دستور اعتراض کنند که در این صورت، دادگاه با حضور معترض، موضوع را با جلب نظر کارشناس در جلسه اداری رسیدگی می‌کند و با تشخیص رفع حالت خطرناک در مورد خاتمه اقدام تأمینی (پس دستور دادستان مبنی بر نگهداری در محل مناسب مجازات نیست، بلکه اقدام تأمینی است) و در غیر این صورت در تأیید دستور دادستان، حکم صادر می‌کند. این حکم قطعی است ولی شخص نگهداری شده یا خویشاوندان وی، هرگاه علائم بهبود را مشاهده کردند حق اعتراض به این حکم را دارند.

این امر مانع از آن نیست که هرگاه بنا به تشخیص متخصص بیماری‌های روانی، مرتکب، درمان شده باشد برحسب پیشنهاد مدیر محل نگهداری او دادستان دستور خاتمه اقدام تأمینی را صادر کند. (دادستان دستور نگهداری در محل مناسب و دستور خاتمه آن را صادر می‌کند) (ر.ک تبصره ۲ ماده ۱۳ و ماده ۲۰۲ ق.آ.د.ک).

تبصره ۱ -

هرگاه مرتکب یکی از جرائم موجب حد پس از صدور حکم قطعی (ر.ک ماده ۵۰۲ ق.آ.د.ک برای دیدن اجرای حد بر محکوم) دچار جنون شود حد ساقط نمی‌شود. (حدود به طور مطلق از دیوانه ساقط می‌شود. جنون باید در حین ارتکاب جرم حدی باشد). در صورت عارض شدن جنون قبل از صدور حکم قطعی در حدودی که جنبه حق الهی دارد تعقیب و محاکمه تا زمان افاقه به تأخیر می‌افتد (مانند حکم تبصره ۲ ماده ۱۳ ق.آ.د.ک). نسبت به مجازات‌هایی که جنبه حق الناسی دارد مانند قصاص و دیه و همچنین ضرر و زیان ناشی از جرم، (همچنین حکم به جزای نقدی) جنون مانع از تعقیب و رسیدگی نیست. (رجوع کنید به ماده ۵۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحی ۱۳۹۴ و نیز ماده ۵۰۲ از همین قانون و تبصره ۲ ماده ۱۳ ق.آ.د.ک در حق الناس).

تبصره ۲ -

قوه قضائیه موظف است مراکز اقدام تأمینی را در هر حوزه قضائی برای نگهداری افراد موضوع این ماده تدارک ببیند. تا زمان شروع به کار این اماکن، قسمتی از مراکز روان درمانی بهزیستی یا بیمارستانی موجود به این افراد اختصاص داده می‌شود. (رجوع کنید به تبصره ۲ ماده ۱۳ و ماده ۵۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحی ۱۳۹۴).

نکته ۱- شخصی مرتکب «شرب خمر» شده است، در ضمن رسیدگی به جنون مبتلا می‌شود. در این صورت تعقیب و محاکمه تا زمان افاقه به تأخیر می‌افتد.

نکته ۲- با توجه به ماده‌ی ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در دادگاه با حضور معترض، موضوع اعتراض به دستور دادستان مبنی بر نگهداری مجنون در محل مناسب را با جلب نظر کارشناس در جلسه اداری، رسیدگی می‌کند، هرگاه به نظر متخصص بیماری‌های روانی مرتکب درمان شده باشد، برحسب پیشنهاد مدیر محل نگهداری، دادستان دستور خاتمه‌ی اقدام تأمینی را صادر می‌کند.

نکته ۳- وزارت نیرو برای تأمین برق منطقه‌ای، مبادرت به احداث سد می‌کند، بر اثر آب‌گرفتگی، بخشی از منازل مسکونی ساکنان پشت سد تخریب می‌شود و آنان به اتهام تخریب شکایت می‌کنند. در این حالت وزارت نیرو مسؤولیت کیفری ندارد.

نکته ۴- اطفال (افراد نابالغ) در صورت ارتکاب جرم، از مسؤولیت کیفری مبری هستند.

نکته ۵- جنون حادث پس از قطعیت حکم محکومیت نسبت به اجرای کیفرهای مالی و محرومیت از حقوق اجتماعی بی‌تأثیر است.

نکته ۶- هرگاه دستور اعاده دادرسی دعوی عمومی صادر شده و بعداً جنون عارض گردیده است، انجام دادرسی مجدد موکول به افاقه متهم است (دکتر محمد باهری- حقوق جزای عمومی- ص ۲۵۰).

نکته ۷- جنون از اسباب شخصی مانع مسؤولیت کیفری است و فقط در مجنون مؤثر است و از شرکا و معاونان جرم که حین ارتکاب جرم عاقل بوده‌اند رفع مسؤولیت نمی‌کند بنابراین تعقیب آنان بلامانع است حال آنکه تعقیب متهم مجنون ممنوع است (سا و لانی- اسماعیل- همان- ص ۳۴۳).

نکته ۸- جنون حادث پس از قطعیت حکم محکومیت نسبت به اجرای کیفرهای مالی و محرومیت از حقوق اجتماعی بی‌تأثیر است (دکتر اردبیلی- همان- ص ۸۴).

ماده ۱۵۱- اثر اکراه در مسؤولیت کیفری (فاعل معنوی)

هرگاه کسی بر اثر اکراه (اکراه حالتی است که در آن مرتکب فاقد رضا می‌باشد و اجبار حالتی است که در آن مرتکب فاقد قصد و اراده می‌باشد) غیر قابل تَحْمُل (هم ملاک نوعی و هم ملاک شخصی مؤثر است) مُرتکِب رفتاری شود که طبق قانون جُرم محسوب می‌شود (اصولاً مگر مجازات قاتلی که بر اثر اکراه مرتکب قتل عمد شده است) مجازات نمی‌گردد. در جُرّائِم موجب تَعزیر، اِکراه‌کننده به مجازات فاعل جُرم محکوم می‌شود (در نتیجه اگر شخص الف، ب را تهدید کند که اگر سند را برای من جعل نکنی تو را خواهم کشت و ب این کار را انجام دهد شخص الف به مجازات جعل سند محکوم می‌شود) در جُرّائِم موجب حَذّ (ر.ک به مواد ۲۱۷ و ۲۱۸ ق.م.ا) و قِصاص (ر.ک به مواد ۳۷۵ تا ۳۸۰ ق.م.ا) طبق مقررات مربوط رفتار می‌شود (ر.ک ماده ۶۲۳ ق.م.ا بخش تعزیرات).

نکته ۱- در حقوق کیفری ایران، اکراه نسبت به شخص مکره، در صورت تحقق شرایط آن در بعضی صور در غیر موارد قتل عمدی رافع مسؤولیت کیفری است.

نکته ۲- در صورت تحقق اکراه تفاوتی میان آن نیست که متعلق اکراه جرم علیه غیر باشد یا جرم علیه خود مکره.

نکته ۳- الجاء یعنی وارد کردن کسی به انجام کاری یا به عبارتی یعنی اکراهی که به حد اجبار برسد.

نکته ۴- تهدید و اکراه به خودی خود و بدن آنکه مکره متعلق اکراه را اجرا نماید یا ننماید، جرم مستقلی است که در مواد ۶۶۸ و ۶۶۹ ق.م.ا بخش تعزیرات جرم انگاری شده است.

نکته ۵- سلب اراده در همه‌ی جرائم اعم از عمدی و خطایی و آن دسته از جرائمی که خلاف نامیده می‌شوند یعنی از عدم رعایت نظامات دولتی ناشی می‌گردند، صادق است (دکتر اردبیلی- همان- ص ۹۶).

نکته ۶- در ذیل ماده ۱۵۱ در مورد اکراه به انجام رفتاری که موجب دیه می‌گردد صحبتی به میان نیامده است که در این مورد نیز مسؤولیت متوجه اکراه کننده است و وی بایستی دیه را پرداخت نماید. البته در این مورد نیز اکراه بر قتل استثناء می‌باشد و در صورت تحقق آن به دیه کماکان بر مکره‌ی است که به ارتکاب قتل مباشرت نموده است (دکتر الهام و دکتر برهانی- همان- ص ۳۱۶).

هرکس هنگام بروز خطر (منشأ خطر یا بیرونی است مثل؛ آتش سوزی؛ سیل و زلزله یا درونی مثل بیماری) شدید (یعنی شخص در صورتی در مقام ضرورت مرتکب جرم می شود که اصل خطر وجود داشته باشد و این خطر ناگهانی و شدید باشد) فعلی یا قریب الوقوع از قبیل (این موارد تمثیلی اند و حصری نیستند) آتش سوزی، سیل، طوفان، زلزله یا بیماری به منظور حفظ نفس یا مال خود یا دیگری (برای حفظ موارد دیگر نظیر عرض و آبرو و ناموس و آزادی تن برخلاف دفاع مشروع مرتکب نمی تواند به اضطرار استناد کند) مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می شود قابل مجازات نیست (اما مسؤولیت مدنی فاعل فعل اضطراری بر جای خویش باقی است ر.ک. ماده ۳۲۸ ق.م.ا و در خصوص پرداخت دیه با توجه به مجازات شناختن آن توسط مرتکب مضطر با منطق هم خوانی ندارد) مشروط بر اینکه خطر را عمداً (پس شامل غیر عمد نمی شود) ایجاد نکند و رفتار ارتكابی با خطر موجود متناسب و برای دفع آن ضرورت (اگر خطر بدون ارتكاب جرم عمل مجرمانه قابل دفع باشد، استناد به ضرورت منتفی است) داشته باشد (شرایط تحقق حالت ضرورت ۱- خطر فعلی یا قریب الوقوع ۲- خطر را عمداً ایجاد نکند ۳- تناسب عمل ارتكابی با خطر موجود ۴- برای دفع خطر ضرورت داشته باشد).

تبصره -

کسانی که حسب وظیفه یا قانون، مکلف به مقابله با خطر می باشند نمی توانند با تمسک به این ماده از ایفای وظایف قانونی خود امتناع نمایند. (اما اگر در هنگام انجام وظیفه به دلیل اضطرار مرتکب عمل مجرمانه شوند به اضطرار استناد کنند مثلاً آتش نشان برای نجات جان کودک اسیر در آتش دیوار همسایه را تخریب کند اما نمی تواند به اضطرار استناد کرده و برای جان کودک اقدام ننماید).

نکته ۱- برخی از حقوقدانان بین اضطرار و ضرورت تفاوت می گذارند و ضرورت را که ناشی از خطر عوامل بیرونی و محیطی بوده از عوامل موجهه می دانند و اضطرار را از عوامل رافع مسؤولیت شخصی می دانند (گلدوزیان، ایرج، صص ۱۳۱-۱۳۲). برخی از حقوقدانان ضرورت و اضطرار را از عوامل موجهه جرم می دانند و فرقی بین عامل و منشأ خطر که بیرونی یا درونی باشد نمی گذارند و مثال آن نوشیدن شراب برای حفظ جان است یا آیه ۱۷۳ سوره بقره که خوردن گوشت مردار، خون و گوشت خوک را ممنوع نمی داند مگر در جایی که ناچار باشد و همچنین حدیث رفع. دکتر نوریها نیز ضرورت و اضطرار را یکی می داند و مترادف یکدیگر (اردبیلی، محمدعلی، ص ۱۷۴).

نکته ۲- اضطرار وصف کیفری جرم ارتكابی را می تواند از بین ببرد ولی شخص مضطر باید خسارت مالی و دیه را پرداخت کند و نیز باید افزود اضطرار مجوز قتل شخص دیگر برای نجات جان یا مال خود، مرتکب قتل دیگری شود نیست.

نکته ۳- حالت ضرورت در فرآیند ارتكاب عمل مجرمانه عنصر قانونی را از بین می برد.

نکته ۴- در حقوق جزا وضع اضطرار آمیز آن چنان وضعی است که انسان برای حفظ جان یا مال یا حق خود یا دیگری ناچار از ارتكاب جرم می شود مانند نوشیدن شراب برای رفع تشنگی یا بیماری (دکتر اردبیلی ح. ج. ع. ج ۲ ص ۲۵۳).

نکته ۵- هرچند در مورد عوامل موجهه قائل به عدم مسؤولیت کیفری و عدم مسؤولیت مدنی هم هستیم اما استثنائاً در مورد ضرورت مسؤولیت مدنی جبران خسارت مادی و ضمان دیه همچنان برقرار خواهد بود نه از باب ضرر و زیان ناشی از جرم بلکه جبران خسارت بر اساس قواعد اتلاف و تسبیب امکان پذیر است (دکتر اردبیلی ح. ج. ع. ج ۲ ص ۲۵۷).

نکته ۶- شرایط تحقق حالت ضرورت:

۱- خطر شدید فعلی یا قریب الوقوع باشد

۲- مرتکب عمداً خطر را ایجاد نکرده باشد

۳- اقدام متناسب باشد

۴- ضرورت داشته باشد.

نکته ۷- اضطرار موقعیت شخصی است که با فقدان هرگونه تعرض بیرونی برای حفظ حقوق یا اموال در معرض خطر خود یا دیگری، ناگزیر از ارتكاب جرم می گردد؛ مانند سرقت مواد غذایی برای تغذیه یا سقط جنین برای نجات مادر قبل از دمیده شدن روح.

ماده ۱۵۳ - اثر فقران اراده در مسؤولیت کیفری

هرکس در حال خواب (مصدق اجبار مادی درونی است)، (هم خواب طبیعی را شامل می‌شود و هم خواب مصنوعی یا همان هیپنوتیزم را) بیهوشی و مانند آن‌ها، مُرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود مجازات نمی‌گردد مگر اینکه شخص با علم به اینکه در حال خواب یا بیهوشی مُرتکب جرم می‌شود، عمداً بخوابد و یا خود را بی‌هوش کند. (ر.ک بند الف ماده ۲۹۲ ق.م.ا. و تبصره آن)

نکته ۱- اگر شخصی در حالت خواب مرتکب جرمی گردد به علت اینکه در این حالت فاقد شعور و آگاهی است از مسؤولیت کیفری میری است و شخصی که خواب مصنوعی می‌شود نیز از همین مزیت بهره‌مند می‌شود به شرطی که در قرار گرفتن در این حالت خود مقصر نبوده و نتایج اعمال خود را پیش‌بینی نکرده و آگاه نباشد.

نکته ۲- قانون‌گذار شخص در حال خواب را از مسؤولیت معاف کرده است و تنها در یک صورت وی را مسئول رفتار خود دانسته است و آن زمانی است که شخص با علم به اینکه در حال خواب یا بی‌هوشی مرتکب جرم شود، عمداً بخوابد و یا خود را بی‌هوش کند.

نکته ۳- اگر کسی دیگری را خواب کند (هیپنوتیزم) و او را وادار به ارتکاب جرم کند، او مسئول است از باب سبب اقوای از مباشر و گرنه اگر خواب شونده خود را در اختیار هیپنوتیزم‌کننده قرار دهد تا مرتکب جرم شود هر دو مسئول خواهند بود (سا و لانی، همان، ص ۳۷۴).

ماده ۱۵۴ - اثر مستی در مسؤولیت کیفری

مستی و بی‌ارادگی حاصل از مصرف اختیاری مُسکرات، مواد مُخدّر و روان‌گردان و نظایر آن‌ها، (اصولاً) مانع مجازات نیست (یعنی اصل بر مجازات کردن مصرف‌کننده‌ی مسکرات است) مگر اینکه ثابت شود مُرتکب حین ارتکاب جرم به‌طور کلی مسلوب‌الاختیار بوده است. لکن چنانچه ثابت شود مصرف این مواد به‌منظور ارتکاب جرم یا با علم به تحقق آن بوده است و جرم موردنظر واقع شود (نشان از مقید بودن جرم دارد)، به مجازات هر دو جرم محکوم می‌شود. (رجوع کنید به ماده ۳۰۷ و ماده ۷۱۸ ق.م.ا. بخش تعزیرات) البته دقت شود که اگر مرتکب خود را برای سرعت مست کرده باشد و به هنگام ورود به محل سرعت مرتکب قتل شود در خصوص قتل نمی‌توان عمل وی را عمدی و قابل قصاص دانست.

نکته ۱- الف در حال «مستی» مرتکب جرم ایراد جرح شده است، اصل بر مجازات اوست مگر اینکه ثابت شود حین ارتکاب جرم به‌کلی مسلوب‌الاختیار بوده است.

نکته ۲- شرب خمر به‌منظور ارتکاب جرم، موجب جمع مجازات شرب خمر و مجازات جرم ارتكابی است.

نکته ۳- قانون‌گذار صرف شرب خمر را صرف نظر از اینکه موجب مستی بشود یا نشود، جرم می‌داند ولی اگر کسی مضطر شود که برای نجات از مرگ یا جهت درمان بیماری سخت، به مقدار ضرورت شراب بخورد محکوم به حد نخواهد شد (سا و لانی، همان، ص ۳۸۰).

مواد مرتبط

ماده ۲۶۳ قانون مجازات اسلامی؛ هرگاه متهم به سب، ادعا نماید که اظهارات وی از روی اکراه، غفلت، سهو یا در حالت مستی یا غضب یا سبق لسان یا برون توجه به معانی کلمات و یا نقل قول از دیگری بوده است ساب‌الثبی محسوب نمی‌شود.

تبصره: هرگاه سب در حال مستی یا غضب یا به نقل از دیگری باشد و صدق اهانت کند موجب تعزیر تا هفتاد و چهار ضربه شلاق است.

ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی؛ بنایت در موارد زیر فضای مفض محسوب می‌شود:

الف- در حال خواب و بی‌هوشی و مانند آن‌ها واقع شود.

ماده ۳۰۷ قانون مجازات اسلامی؛ ارتکاب بنایت در حال مستی و عدم تعادل روانی در اثر مصرف مواد مفر، روان‌گردان و مانند آن‌ها، موجب قصاص است. مگر اینکه ثابت شود بر اثر مستی و عدم تعادل روانی، مرتکب به‌کلی مسلوب‌الاختیار بوده است که در این صورت، علاوه بر دیه به مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم تعزیرات محکوم می‌شود. لکن اگر ثابت شود که مرتکب قبلاً فوراً برای چنین عملی مست کرده و یا علم داشته است که مستی و عدم تعادل روانی وی ولو نوعاً موجب ارتکاب آن بنایت یا نظیر آن از جانب او می‌شود، بنایت، عمدی محسوب می‌شود.

ماده ۱۵۵ - عدم تاثیر قبول به حکم در مسؤولیت کیفری

جهل به حکم، (اشاره به اشتباه حکمی دارد که این نوع اشتباه برخلاف اشتباه موضوعی اصولاً رافع مسؤولیت کیفری نیست) مانع از مجازات مُرتکب نیست مگر اینکه تحصیل علم عادتاً برای وی ممکن نباشد یا جهل به حکم شرعاً (ماده ۲۱۷ ق.م.ا) عذر محسوب شود.

تبصره-

جهل به نوع یا میزان مجازات مانع از مجازات (اشتباه در کیفیات مشدده هر چند رافع مسئولیت کیفری نیست اما سبب عدم اعمال مجازات مشدده می شود و مرتکب به مجازات ساده محکوم می گردد) نیست. (اشتباه و جهل موضوعی در جرائم غیر عمدی (مبتنی بر بی احتیاطی یا بی مبالاتی) و جرائمی که قانون گذار رعایت نظام دولتی را واجب دانسته بی تأثیر است).

نکته ۱- شخصی در دفاع از اتهام سرقت مدعی می شود چون نوع و میزان مجازات جرم سرقت را نمی دانسته مرتکب آن شده است، در این خصوص باید گفت که جهل به نوع و میزان مجازات مانع مجازات نیست.

مواد مرتبط

ماده ۲۱۷ قانون مجازات اسلامی؛ در جرائم موجب مر، مرتکب در صورتی مسئول است که علاوه بر داشتن علم، قصد و شرایط مسئولیت کیفری به فرمت شرعی رفتار ارتكابی نیز آگاه باشد.

ماده ۱۵۶ - اثر دفاع مشروع در مسئولیت کیفری

هرگاه فردی در مقام دفاع از نفس، عرض، (مقصود از عرض؛ آبرو، شرافت و حیثیت خانوادگی و اجتماعی است) ناموس، (منظور از ناموس، زنان خانواده و وابسته به فرد و رعایت حریم آنان از نظر موازین اخلاقی و مذهبی است که اعم از همسر و مادر، خواهر و دختر است در عین حال برادر و پسر هم ناموس تلقی می شود) مال یا آزادی تن خود یا دیگری (مثل دفاع در مقابل آدم ربایی یا بازداشت غیرقانونی یا هر رفتاری که مانع از تحرک انسان گردد) در برابر هرگونه تجاوز (البته این حمله نباید نتیجه تحریک مدافع باشد و تجاوز باید غیرقابل دفع به طرق دیگر و همچنین واقعی باشد به طوری که جز با انجام جرم نشود آن را دفع کرد) یا خطر فعلی یا قریب الوقوع (و نه مربوط به گذشته باشد که می شود انتقام و نه برای تهدیدی که از آینده بر وی شده است که ممکن است انجام گیرد) با رعایت مراحل دفاع مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می شود، (عامل تهدید در دفاع مشروع انسان باشد و این خصوصیت را می توان از وجوه تمایز بین دفاع مشروع و اضطرار دانست) در صورت اجتماع شرایط زیر مجازات نمی شود:

الف- رفتار ارتكابی برای دفع تجاوز (دفع تجاوز ارتباطی به شخصیت و خصوصیات روانی شخص متجاوز ندارد. منظور از تأسیس حقوق دفاع مشروع این است که فرد بتواند تحت شرایطی جان و ناموس و عرض و مال خود را در مقابل تجاوز دیگری حفظ نماید بنابراین حتی اگر متجاوز طفل یا دیوانه باشد باز دفاع مشروع جایز است) یا خطر ضرورت داشته باشد.

ب - دفاع مستند به قرائن معقول یا خوف عقلایی باشد (در نتیجه خطر و تجاوز باید به مرحله فعلیت رسیده باشد).

پ- خطر و تجاوز به سبب اقدام آگاهانه یا تجاوز خود فرد و دفاع دیگری صورت نگرفته باشد.

ت - توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد یا مداخله آنان در دفع تجاوز و خطر مؤثر واقع نشود. (هرگاه مدافع بتواند به طریقی غیر از ارتكاب جرم خطر را دفع نماید ولی علیه متجاوز متوسل به جرم شود، دفاع او مشروع نخواهد بود (دکتر اردبیلی ج. ۰ ج. ۰ ع. ۰ ج. ۱)

ص (۲۹۲))

تبصره ۱-

دفاع از نفس، ناموس، عرض، مال و آزادی تن دیگری در صورتی جایز است که او از نزدیکان دفاع کننده بوده یا مسؤولیت دفاع از وی بر عهده دفاع کننده باشد (بر عهده بودن مسؤولیت دفاع از دیگری چه به موجب قانون باشد چه به موجب قرارداد فرقی نمی کند) یا ناتوان از دفاع بوده یا تقاضای کمک نماید یا در وضعیتی باشد که امکان استمداد نداشته باشد.

تبصره ۲ -

هرگاه اصل دفاع مُحَرَز باشد ولی رعایت شرایط آن مُحَرَز نباشد اثبات عدم رعایت شرایط دفاع بر عهده مهاجم است.

تبصره ۳ -

در موارد دفاع مشروع دیه نیز ساقط است جز در مورد دفاع در مقابل تهاجم دیوانه که دیه از بیت المال پرداخت می شود. (رجوع کنید به تبصره ۲ ماده ۳۰۲ و ماده ۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و نیز ماده ۳۸۰ ق. م. ا و همچنین رجوع کنید به ماده ۱۵ قانون مسئولیت مدنی).

نکته ۱- با توجه به قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، هرگاه اصل دفاع مشروع محرز باشد ولی رعایت شرایط آن محرز نباشد، اثبات عدم رعایت شرایط دفاع بر عهده‌ی مهاجم است.

نکته ۲- در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ در مورد مستی حکمی پیش‌بینی نشده بود.

نکته ۳-

(۱) شرایط دفاع مشروع:

(الف) ضرورت دفاع

(ب) دفاع برای تجاوز و خطر ناشی از رفتار غیر

(پ) رعایت مراحل دفاع

(۲) شرایط تجاوز:

(الف) تجاوز یا خطر فعلی قریب‌الوقوع

(ب) تجاوز غیرقانونی

نکته ۴- اکراه تام (یا غیرقابل تحمل یا ملجی) اختیار را زایل می‌کند اما اکراه ناقص (غیرملجی) رضا را زایل می‌کند.

نکته ۵- در حقوق کیفری ایران اکراه تنها در قتل موردپذیرش قرار نگرفته است.

نکته ۶- موضوع دفاع مشروع به ترتیب شامل نفس، عرض، ناموس، مال و آزادی است.

نکته ۷- در صورت ارتکاب جرم توسط صغیر و ایجاد خسارت از سوی وی، مجازات نمی‌شود اما پرداخت خسارت بر عهده‌ی خود اوست که ولی از مال صغیر پرداخت می‌کند.

نکته ۸- کودکی و جنون از علل تام مسؤولیت کیفری هستند.

نکته ۹- در قانون اصلاحی مجازات عمومی مصوب سال ۱۳۵۲ اصطلاح «اختلال تام یا نسبی شعور» به جای کلمه‌ی «جنون» استفاده شده است.

نکته ۱۰- در صورتی که شخص متهم به قتل عمدی، قبل از صدور حکم قطعی مبتلا به جنون شود، تعقیب کیفری ادامه خواهد یافت.

نکته ۱۱- راننده‌ی خودرویی که بر اثر ریزش ناگهانی سطح جاده و انحراف با عابر پیاده برخورد می‌کند تحت اجبار مادی بیرونی بوده است.

نکته ۱۲- طبق قانون مجازات اسلامی در صورت اضطرار ربادهنده در مقام پرداخت وجه یا مال اضافی از مجازات معاف خواهد بود.

نکته ۱۳- خواب اجباری مادی درونی است.

نکته ۱۴- در مورد دفاع در مقابل تهاجم دیوانه، شخص مدافع مسئول پرداخت دیه نیست ولی دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود.

نکته ۱۵- شرکا و معاونین جرم در صورت وجود علل موجهه‌ی جرم قابل تعقیب کیفری نمی‌باشند.

نکته ۱۶- جنون در حال ارتکاب جرم به هر درجه که باشد، رافع مسؤولیت کیفری است.

نکته ۱۷- ماهیت دفاع از جان یک فرد بیگانه حق و حکم آن منوط به ناتوانی و استمداد است.

نکته ۱۸- در مقایسه‌ی «علل موجه جرم» و «علل رافع مسؤولیت کیفری» باید گفت: در اولی جرم تحقق نمی‌یابد و مسؤولیت کیفری منتفی است، اما در دومی جرم تحقق یافته ولی مسؤولیت کیفری منتفی است.

نکته ۱۹- دفاع در مقابل حمله‌ای که در گذشته بود (انتقام‌جویی) جایز نیست، همچنین دفاع در مقابل خطر محتمل در آینده جایز نمی‌باشد (دکتر گلدوزیان - بایسته‌های جزای عمومی - ص ۱۲۳).

نکته ۲۰- به استناد ماده ۵۲۵ ق.م.ا مقنن دفاع در برابر حمله حیوان را از مصادیق دفاع مشروع می‌داند نه اضطرار.

نکته ۲۱- در قانون مجازات اسلامی تناسب دفاع از شرایط دفاع مشروع پیش‌بینی نشده است البته تناسب دفاع را می‌توان با عنایت به عبارت رعایت مراحل دفاع مقرر در صدور ماده ۱۵۶ استنباط نمود.

نکته ۲۲- تناسب دفاع با حمله از شرایط دفاع مشروع نیست.

نکته ۲۳- اگر کسی در برابر حمله گاو متعلق به دیگری که متضمن خطر فعلی جانی است، برای نجات جان خود، مبادرت به شلیک تیر به گاو و اتلاف آن کند با وجود شرایط به واسطه مانع مسؤولیت کیفری به نام دفاع مشروع مجازات نمی‌شود.

نکته ۲۴- در دفاع مشروع هرگاه مهاجم مجنون بوده و دفع وی مستلزم جنایت بر او باشد بیت‌المال عهده‌دار جبران صدمه است.

نکته ۲۵- استناد به دفاع مشروع در مورد ارتکاب جرائم غیرعمدی ناشی از بی‌احتیاطی با توجه به ارکان و شرایط حمله و دفاع منتفی است (دکتر گلدوزیان - همان - ص ۱۱۸).

نکته ۲۶- با توجه به اینکه در دفاع مشروع برخلاف اضطرار اصولاً دیه هم ساقط است و نیز اینکه خسارت هم در دفاع مشروع برعکس اضطرار قابل مطالبه نیست.

نکته ۲۷- عکس‌العمل در مقابل توهین و اهانت موجب دفاع مشروع به عنوان دفاع از شرف و حیثیت نیست زیرا دفاع مشروع برای جلوگیری از وقوع تجاوز است ولی وقتی توهین کتبی یا شفاهی، شرف و حیثیت کسی را لکه‌دار نمود از صورت فعلیت خارج شده و عکس‌العمل دیگر، دفاع نیست بلکه انتقام است (گلدوزیان، ایرج، ص ۱۲۵-۱۲۷).

نکته ۲۸- اگر مدافع در حین دفاع مرتکب اضرار به شخص ثالث شده باشد در این حال مدافع می‌تواند به جبران آنچه در حق متضرر تقبل کرده است به متعدی رجوع کند (اردبیلی، محمدعلی، همان، ۲۰۶-۲۰۷).

نکته ۲۹- قانون‌گذار به موجب ق.م.ا مصوب سال ۱۳۹۲ مواد ۶۲۵ تا ۶۲۹ ق.م.ا از کتاب پنجم مصوب سال ۱۳۷۵ را ممنوع اعلام کرده.

نکته ۳۰- ر.ک ماده ۱۵ قانون مسؤولیت مدنی و مواد ۳۳۰ و ۸۸۱ قانون مدنی و مواد ۳۰۸ و بند ت ماده ۳۰۲ و ماده ۵۱۰ ق.م.ا.

مواد مرتبط

ماده ۱۵ قانون مجازات اسلامی؛ هر مجازاتی است که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقرر تعیین شده است.

تبصره ۲ ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی؛ در مورد بند (ت) پناهنده نفس دفاع صدق کند ولی از مراتب آن تجاوز شود قصاص منتفی است، لکن مرتکب به شرع مقرر در قانون به دیه و مجازات تعزیری مکلف می‌شود.

ماده ۳۸۰ قانون مجازات اسلامی؛ اگر شفهی برای دفاع و رهایی از آگراه با رعایت شرایط مقرر در دفاع مشروع، مرتکب قتل آگراه کننده شود یا آسیبی به او وارد کند، قصاص، دیه و تعزیر ندارد.

ماده ۱۵ قانون مسؤولیت مدنی؛ کسی که در مقام دفاع مشروع موجب فسارت برنی یا مالی شفص متعدی شود مسئول فسارت نیست مشروط بر اینکه فسارت وارده بر حسب متعارف متناسب با دفاع باشد.

ماده ۱۵۷- مقاومت در برابر قوای انتظامی

مقاومت در برابر قوای انتظامی و دیگر ضابطان دادگستری در مواقعی که مشغول انجام وظیفه خود باشند، دفاع محسوب نمی‌شود (عنوان مجرمانه ترمذ است مطابق ماده ۶۰۷ ق.م.ا بخش تعزیرات) لکن هرگاه قوای مزبور، از حدود وظیفه خود خارج شوند و حسب ادله و قرائن موجود خوف آن باشد که عملیات آنان موجب قتل، جرح، تعرض به عرض یا ناموس یا مال گردد، دفاع جایز است. (دفاع از ضرب و آزادی تن دیگری در برابر مأمورین دولتی پیش‌بینی نشده است).

نکته ۱- مأمور نیروی انتظامی که از حدود وظیفه‌ی خود خارج شده اگر موجب تعرض به آزادی تن شود نمی‌تواند در برابر او مقاومت کرد.

نکته ۲- در مورد گذشت شاکی و رضایت مجنی‌علیه باید گفت که با گذشت شاکی مربوط به پس از وقوع جرم از عوامل موقوفی تعقیب یا کیفیات مخففه در صورتی که رضایت مجنی‌علیه مربوطه به قبل از وقوع جرم در مواردی که قانوناً مجاز است از عوامل موجهه‌ی جرم می‌باشد.

نکته ۳- در دفاع مشروع چنانچه نفس دفاع صدق کند، لکن مدافع با تجاوز از مراتب دفاع مرتکب قتل مهاجم شود، قصاص منتفی و مرتکب مستوجب دیه و تعزیر است.

نکته ۴- اگر پزشکی به عمل جراحی مشروع با رضایت شخص و تحصیل اذن از او یا اولیاء و سرپرستان وی اقدام کند در صورت وقوع حادثه، در صورت تقصیر ضامن است.

نکته ۵- اجبار معنوی درونی (داخلی) مطلقاً رافع مسؤولیت کیفری نیست.

نکته ۶- در خصوص این ماده دو شرط برای دفاع لازم است:

۱- خروج مأموران از حدود وظایفشان

۲- وجود دلایل و قرائنی که شخص را بی‌مناک کند که عملیات قوای تأمینی موجب قتل یا جرح یا تعرض به عرض یا ناموس یا مال خواهد شد (سا ولانی- همان- ص ۱۳۹).

ماده ۱۵۸- سایر علل موبهه بزم

علاوه بر موارد مذکور در مواد قبل، ارتکاب رفتاری که طبق قانون مجرم محسوب می‌شود، در موارد زیر قابل مجازات نیست:

الف - در صورتی که ارتکاب رفتار به حکم یا اجازه قانون باشد. (ر.ک ماده ۶۴۸ و ۵۸۳ ق.م.ا بخش تعزیرات و تبصره ۱ ماده ۴۵ ق.آ.د.ک نیز ماده ۳ قانون بیماری‌های آمیزشی).

ب - در صورتی که ارتکاب رفتار برای اجرای قانون اهم لازم باشد. (در تزامن بین قانون مهم و قانون اهم اجرای قانون اهم ارجحیت دارد)

پ - در صورتی که ارتکاب رفتار به امر قانونی (اختصاص به کارمندان و مأموران دولتی اعم از کشوری و لشکری دارد در نتیجه شامل دستور شوهر به زن یا کارفرما و کارگر نمی‌شود) (دکتر گلدوزیان- بایسته‌های حقوق جزای عمومی ص ۱۱۲) مقام ذی‌صلاح باشد (امر قانونی) و امر مذکور، خلاف شرع نباشد (و مأمور هم قانوناً مکلف به اجرای امور نباشد) (ر.ک ماده ۱۵۹ ق.م.ا) (پس باید امر قانونی باشد و خلاف شرع نباشد و امر قانونی باشد)

ت- اقدامات والدین (شامل پدر و مادر می‌شود. شامل ناپدری و نامادری نمی‌شود) و اولیای قانونی (شامل پدر، جد پدری و وصی از طرف ایشان) و سرپرستان (منظور از سرپرستان زن و شوهرانی هستند که با توافق یکدیگر کودکی را با تصویب دادگاه و به موجب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بد سرپرست به سرپرستی پذیرفته‌اند که وظایف و تکالیف سرپرستان از لحاظ نگهداری، تربیت و نفقه نظیر حقوق و تکالیف اولاد و پدر و مادر است لذا شامل سایر افراد مانند معلم و ناظم و مدیر مدرسه نمی‌شود) صیغار و مجانین که به منظور تأدیب (منظور از تأدیب اقداماتی است که منجر به تغییر رنگ پوست نگردد) یا حفاظت آن‌ها انجام می‌شود، مشروط بر اینکه اقدامات مذکور در حد متعارف و حدود شرعی تأدیب و محافظت باشد.

ث - عملیات ورزشی و حوادث ناشی از آن، مشروط بر اینکه سبب حوادث، نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد و این مقررات هم مغایر موازین شرعی (اعم از قانون است) نباشد. (شرایط: ۱- مقررات مربوط به آن ورزش رعایت شده باشد ۲- مقررات مغایر موازین شرعی نباشد).

ج- هر نوع عمل جراحی یا طبی مشروع که با رضایت (باید قبل از وقوع جرم اظهار شود والا گذشت خواهد بود) شخص یا اولیاء یا سرپرستان یا نمایندگان قانونی وی و رعایت موازین فنی و علمی و نظامات دولتی انجام می‌شود. (رجوع کنید به ماده ۴۹۵ تا ۴۹۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) در موارد فوری، اخذ رضایت ضروری نیست. (چراکه در این صورت عمل تقریباً وارد دایره اضطرار می‌شود) گذشت شاکه مربوط به پس از وقوع جرم و از عوامل موقوفی تعقیب یا کیفیات مخففه است در صورتی که رضایت مجنی‌علیه مربوط به قبل از وقوع جرم و در مواردی که قانوناً مجاز است از علل موجهه جرم می‌باشد. (شرط: ۱- عمل جراحی مشروع باشد ۲- رضایت از جانب بیمار یا اولیا یا سرپرست یا نمایندگان قانونی ۳- رعایت موازین فنی و علمی و نظامات دولتی).

نکته ۱- در دفاع در مقابل قوای انتظامی و ضابطین دادگستری به آزادی تن و ضرب اشاره نشده است بنابراین در این دو مورد حتی اگر قوای مذکور از حدود وظیفه خارج شوند شخص نمی‌تواند در مقابل آن‌ها دفاع مشروع نماید.

نکته ۲- حکم این ماده در مورد اعمال پزشکی فقط ناظر به اعمال پزشکی ضروری و درمانی نیست بلکه اعمالی مانند جراحی پلاستیک که فقط برای زیبایی به کار می‌روند هم مشمول حکم این ماده می‌شود (میرمحمدصادقی، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، ص ۳۸۶).

نکته ۳- آمر ذی صلاح کسی است که انجام اوامر او وظیفه مأمور است. مأمور فردی است که در هرم سلسله مراتب اداری به موجب قانون اصولاً مکلف به اطاعت از مافوق می‌باشد.

نکته ۴- برای مقایسه قانون اهم، ملاک تشخیص را اولویت مقام شارع و مقنن دانسته‌اند که این اولویت‌ها عبارت‌اند از: ۱- حدود ۲- قصاص ۳- دیات ۴- تعزیرات.

اولویت‌ها و ارزش‌های مورد احترام هم عبارت‌اند از: ۱- حفظ جان یا نفس ۲- حفظ نسل، شرف یا حیثیت (جرایمی چون زنا و قذف) ۳- حفظ مال ۴- حفظ عقل ۵- حفظ آزادی (سا ولانی- همان- ص ۱۳۲-۱۳۳).

ماده ۱۵۹- آمر آمر قانونی

هرگاه به آمر غیرقانونی یکی از مقامات رسمی، جرمی واقع شود آمر و مأمور به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شوند لکن مأموری که آمر را به علت اشتباه (در اینجا منظور اشتباه حکمی است) قابل قبول و (در نتیجه اشتباه مأمور در صورتی وی را از مسؤلیت مبرا خواهد نمود که قابل قبول باشد و قابل قبول بودن اشتباه امری موضوعی است و با دادگاه است) به تصور اینکه قانونی است، اجرا کرده باشد، مجازات نمی‌شود و در دیه و ضمان تابع مقررات مربوطه است. (رجوع کنید به ماده ۴۷۳، ۵۷۴، ۵۷۸، ۵۷۹ و ۵۸۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲).

نکته ۱- مأموری آمر را به علت اشتباه قابل قبول و به تصور اینکه قانونی است اجرا می‌کند که در نتیجه آن جرمی توسط مأمور واقع می‌شود، در چنین صورتی مأمور در دیه و ضمان تابع مقررات مربوطه است.

نکته ۲- هرگاه بر اثر امر غیرقانونی یکی از مقامات رسمی جرمی واقع شود، آمر و مأمور هر دو مسئول هستند.

نکته ۳- هرگاه مأمور به علت اشتباه قابل قبولی تصور کند که آمر، قانونی بوده است در صورت اجرای دستور از مجازات معاف است و مأمور (ممکن است) فقط به دیه یا ضمان مالی محکوم شود (دیه و ضمان تابع مقررات مربوط است) و آمر نیز مجازات می‌شود.

نکته ۴- در خصوص اجرای امر آمر سه نظریه وجود دارد: ۱- نظریه اطاعت محض ۲- نظریه مسؤلیت مأمور ۳- نظریه رعایت ظواهر قانون. قانون ایران نظریه رعایت ظواهر قانون را پذیرفته و از آن پیروی می‌کند. بدین ترتیب اجرای اوامر غیرقانونی به وسیله مأمور بر اساس اشتباه قابل قبول از طرف وی از عوامل موجهه تلقی نمی‌شود بلکه موضوع اشتباه در حکم قانون با فقدان عمد و قصد در نص قانون و همچنین فقدان عنصر معنوی در جرائم ارتكابی است که نهایتاً موجب تحقق مسؤلیت مدنی مأمور در غالب دیه یا ضمان مالی می‌باشد (دکتر گلدوزیان- بایسته‌های ح.ج.ع. ص ۱۱۶).

موارد مرتبط

ماده ۴۷۳ قانون مجازات اسلامی؛ هرگاه مأموری در اجرای وظایف قانونی، عملی را مطابق مقررات انجام دهد و همان عمل موجب فوت یا صدمه‌ی بدنی کسی شود، دیه بر عهده‌ی بیت‌المال است.

تبصره: هرگاه شفهی با علم به فطر یا از روی تقصیر، وارد منطقه‌ی ممنوعه‌ی نظامی و یا هر مکان دیگری که ورود به آن ممنوع است، گردد و مطابق مقررات، هدف قرار گیرد، ضمان ثابت نیست و در صورتی که از ممنوعه بودن مکان مزبور آگاهی نداشته باشد، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود.

بخش پنجم - ادله اثبات در امور کیفری

فصل اول - مواد عمومی

ماده ۱۶۰- انواع ادله

ادله اثبات جرم عبارت از اقرار، شهادت، قسامه (تبصره ماده ۱۶۰ ق.م.ا) و سوگند (ماده ۲۰۸ ق.م.ا) (تفاوت سوگند و قسامه به عنوان دلیل، تعداد آنها است) در موارد مقرر قانونی و علم قاضی است. (رجوع کنید به ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) (این علم باید مستند به قوانین قطعی و روشن باشد).

تبصره-

احکام و شرایط قسامه که برای اثبات یا نفی قصاص و دیه معتبر است، (در مورد حدود و تعزیرات نمی‌شود از قسامه استفاده کرد، قسامه در موارد جنایات راه دارد و اعم از عمد و غیر عمد است) مطابق مقررات مذکور در کتاب قصاص و دیات این قانون می‌باشد. (در حدود، قصاص و دیات ادله‌ی اثبات موضوعیت دارد اما در تعزیرات این ادله طریقت دارند).

نکته ۱- حسب اشعار تبصره این ماده احکام و شرایط قسامه به عنوان یکی از انواع ادله اثبات جرم در جنایات مطابق مواد ۳۱۲ الی ۳۶۴ کتاب قصاص و مواد ۴۵۴ الی ۴۶۱ کتاب دیات قانون مجازات اسلامی است.

موار مرتبط

ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی، علم قاضی عبارت است از یقین حاصل از مستندات بین در امری است که نزد وی مطرح شود در مواردی که مستند کلم، علم قاضی است، وی موظف است قرائن و امارات بین مستند علم خود را به طور صریح در کلم قید کند. تبصره: مواردی از قبیل نظریه‌ی کارشناس، معاینه‌ی محل، تحقیقات معلی، اظهارات مطلع، گزارش ضابطان و سایر قرائن و امارات که نوعاً علم آور باشند می‌تواند مستند علم قاضی قرار گیرد. در هر حال مهرد علم استنباطی که نوعاً موجب یقین قاضی نمی‌شود، نمی‌تواند ملاک صدور کلم باشد.

ماده ۱۶۱- موضوعیت داشتن برشی ارده

در مواردی که دعوای کیفری با ادله شرعی از قبیل اقرار و شهادت که موضوعیت دارد، اثبات می‌شود، قاضی به استناد آن‌ها رأی صادر می‌کند مگر اینکه علم به خلاف آن داشته باشد.

ماده ۱۶۲- ارده فاخر شرایط قانونی

هرگاه ادله‌ای که موضوعیت دارد فاقد شرایط شرعی و قانونی لازم باشد، می‌تواند به عنوان اماره قضائی (این اماره باید برای قاضی علم آور باشد) مورد استناد قرار گیرد مشروط بر اینکه همراه با قرائن و امارات دیگر، موجب علم قاضی شود. (رجوع کنید به ماده ۱۷۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲).

موار مرتبط

ماده ۱۷۶ قانون مجازات اسلامی، در صورتی که شاهد واجد شرایط شهادت شرعی نباشد، اظهارات او استماع می‌شود. تشفیض میزان تأثیر و ارزش این اظهارات در علم قاضی در مورد اماره‌ی قاضی با دادگاه است.

ماده ۱۶۳- ضمانت اجرای بطلان ارده

اگر پس از اجرای حکم، دلیل اثبات‌کننده جرم باطل گردد، مانند آنکه در دادگاه مشخص شود که مجرم، شخص دیگری بوده یا اینکه جرم رخ نداده است و متهم به علت اجرای حکم، دچار آسیب بدنی، جانی یا خسارت مالی شده باشد، کسانی که ایراد آسیب یا خسارت مذکور، مستند به آنان است، اعم از اداکننده سوگند، شاکی یا شاهد حسب مورد به قصاص یا پرداخت دیه یا تعزیر مقرر در قانون و جبران خسارت مالی محکوم می‌شوند. (مصدیقی است از سبب اقوای از مباشر ر. ک ماده ۶۵۰ ق. م. ا بخش تعزیرات).

موار مرتبط

ماده ۶۵۰ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: هرکس در دادگاه نزد مقامات رسمی شهادت دروغ ببرد به سه ماه و یک روز تا دو سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی معلوم فواید شد. تبصره: مجازات مذکور در این ماده علاوه بر مجازاتی است که در باب حدود و قصاص و دیات برای شهادت دروغ ذکر گردیده است.

فصل دوم - اقرار

ماده ۱۶۴- تعریف اقرار

اقرار عبارت از اقرار شخص به ارتکاب جرم از جانب خود است. (رجوع کنید به ماده ۱۲۵۹ قانون مدنی).

موار مرتبط

ماده ۱۲۵۹ قانون مدنی: اقرار عبارت است از اقرار به حقی است برای غیر بر ضرر خود.

نکته ۱- در تفاوت اقرار با دعوا و شهادت باید گفت اخبار به ضرر خود به نفع دیگری اقرار و اگر اخبار به حق خود بر دیگری باشد آن را دعوا و اگر اخبار به حق دیگری بر دیگری باشد آن را شهادت گویند (شرح قانون مجازات اسلامی - دکتر محبی ص ۸۲۱).

ماده ۱۶۵- بی‌اثر بودن اقرار وکیل

اظهارات وکیل علیه موکل و ولی و قیم، علیه مولی‌علیه اقرار محسوب نمی‌شود. تبصره -

اقرار به ارتکاب جرم، قابل توکیل نیست. (رجوع کنید به ماده ۶۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴ و نیز تبصره ۲ ماده ۳۵ قانون آیین

دادرسی مدنی مصوب (۱۳۷۹).

نکته ۱- اقرار به ارتکاب جرم با توجه به تصریح تبصره ماده ۱۶۵ ق.م.ا قابل توکیل نیست و با توجه به صراحت قانونی نیازی به تعمیم حکم ماده ۲۰۵ و تبصره ۲ ماده ۳۵ ق.آ.د.م به اقرار در امور کیفری نیست (دکتر محبی همان ص ۸۲۳).

مواد مرتبط

ماده ۶۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری: اظهارات نماینده قانون شفص فوقی علیه شفص فوقی اقرار مسبب نمی‌شود و اتیان سوگند نیز متوجه او نیست. تبصره ۲ ماده ۳۵ قانون آیین دادرسی مدنی: سوگند، شهادت، اقرار، لعان و ایلاء قابل توکیل نمی‌باشد.

ماده ۱۶۶- شرط لفظی یا کتبی بودن اقرار

اقرار باید با لفظ یا نوشتن باشد و در صورت تعدر، با فعل از قبیل اشاره نیز واقع می‌شود و در هر صورت باید روشن و بدون ابهام باشد.

ماده ۱۶۷- شرط تمیز اقرار

اقرار باید مُجَزَّز باشد و اقرار مُعَلَّق و مُشْرُوط مُعْتَبَر نیست. (رجوع کنید به مواد ۱۲۶۰ و ۱۲۶۱ قانون مدنی).

مواد مرتبط

ماده ۱۲۶۰ قانون مدنی: اقرار واقع می‌شود به هر لفظی که دلالت بر آن نماید. ماده ۱۲۶۱ قانون مدنی: اشاره‌ی شفص لال که صریحاً حاکی از اقرار باشد صحیح است.

ماده ۱۶۸- شرط اهلیت داشتن اقرارکننده

اقرار در صورتی نافذ است که اقرارکننده در حین اقرار، عاقل، بالغ، قاصد و مختار (برای دیدن مجازات اجبار به اقرار، رجوع کنید به ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) باشد. (برای معتبر بودن اقرار، مقر باید دارای شرایط عامه‌ی تکلیف باشد. رجوع کنید به ماده ۱۲۶۲ قانون مدنی).

مواد مرتبط

ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: هر یک از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیر قضایی دولتی برای اینکه متهمی را مجبور به اقرار کند او را اذیت و آزار برنی نماید علاوه بر قصاص یا پرداخت ربه حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال مکوم می‌گردد و پانزده کسی در این فصول دستور داره باشد فقط دستور دهنده به مجازات حسب مذکور مکوم فواید شد و اگر متهم به واسطه‌ی اذیت و آزار فوت کند مباشر مجازات قاتل و آمر مجازات آمر قتل را فواید داشت. ماده ۱۲۶۲ قانون مدنی: اقرارکننده باید بالغ و عاقل و قاصد و مختار باشد بنابراین اقرار صغیر و مهنون در حال دیوانگی و غیر قاصد و مکره مؤثر نیست.

ماده ۱۶۹- بی‌اثر بودن اقرار آکراهی

اقراری که تحت اِکراه، اجبار، شکنجه و یا اذیت و آزار روحی یا جسمی اخذ شود، فاقد ارزش و اعتبار است و دادگاه مکلف است از مُتَّهَم تحقیق مجدّد نماید. (رجوع کنید به اصل ۳۸ قانون اساسی و نیز بند ۹ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳).

نکته ۱- فقد حجیت شرعی و قانونی اقرار ناشی از شکنجه در قانون اساسی و احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی تصریح شده است.

مواد مرتبط

اصل ۳۸ قانون اساسی: هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است، اقرار شفص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و پنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است متکلف از این اصل طبق قانون، مجازات می‌شود.

ماده ۱۷۰- اقرار شفص سفیه

اقرار شخص سفیه که حکم حَجْر او صادر شده است و شخص ورشکسته، نسبت به امور کیفری نافذ است، اما نسبت به ضَمَان مالی ناشی از جُرْم مُعْتَبَر نیست. (رجوع کنید به مواد ۱۲۶۳ الی ۱۲۶۵ قانون مدنی).

مواد مرتبط

ماده ۱۲۶۳ قانون مدنی: اقرار سفیه در امور مالی مؤثر نیست. ماده ۱۲۶۴ قانون مدنی: اقرار مفلس و ورشکسته نسبت به اموال خود بر ضرر دیان نافذ نیست.

۱۲۶۵ قانون مرنی: اقرار مرعی اخلاس و ورشکستگی در امور رابعه به اموال فور به ملاحظه‌ی مفظ حقوق دیگران منشأ اثر نمی‌شود. تا اخلاس یا عدم اخلاس او معین گردد.

ماده ۱۷۱ - اثر اقرار

هرگاه متهم اقرار به ارتکاب جرم کند، اقرار (به تعبیری اقرار، شاه دلیل است) وی معتبر است و نوبت به ادله دیگر نمی‌رسد، مگر اینکه با بررسی قاضی رسیدگی‌کننده قرائن و امارات برخلاف مفاد اقرار باشد که در این صورت دادگاه، تحقیق و بررسی لازم را انجام می‌دهد و قرائن و امارات مخالف اقرار را در رأی ذکر می‌کند.

نکته ۱- با توجه به قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، اگر متهم اقرار به ارتکاب جرم کند، اقرار وی معتبر است و نوبت به ادله‌ی دیگر نمی‌رسد، مگر اینکه قرائن و امارات برخلاف مفاد اقرار باشد.

ماده ۱۷۲ - تعدد اقرار

در کلیه جرائم، (اصل) یکبار اقرار کافی است، مگر در جرائم زیر که نصاب آن به شرح زیر است: (استثناء):

الف - چهار بار در زنا، لواط، تفخیز و مساحقه (در مورد مطروحه در این بند باید گفت با کمتر از ۴ بار اقرار گرچه جرم ثابت نمی‌شود اما مرتکب به ۳۱ تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیری درجه ۶ محکوم می‌شود (شرح آزمونی قانون مجازات، احمد غفوری، ذیل ماده ۱۷۲))

ب - دو بار در شرب خمر، قوادی، قذف و سرقت موجب حد (در سرقت موجب تعزیر با یکبار اقرار جرم ثابت می‌شود).

تبصره ۱ -

برای اثبات جنبه غیر کیفری کلیه جرائم، یکبار اقرار کافی است.

تبصره ۲ -

در مواردی که تعدد اقرار شرط است، اقرار می‌تواند در یک یا چند جلسه انجام شود. (رجوع کنید به ماده ۲۳۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲).

نکته ۱- محاربه و قتل عمدی با یکبار اقرار متهم ثابت می‌شود.

نکته ۲- در جرائم مذکور در این بند با یکبار اقرار هیچ جرمی ثابت نمی‌شود و هیچ مجازاتی اعمال نمی‌گردد.

نکته ۳- برای اثبات ضرر و زیان ناشی از جرم و جنبه‌های حقوقی دعوی ناشی از امور کیفری، مانند دعاوی با ماهیت حقوقی، یکبار اقرار کافی است.

مواد مرتبط

ماده ۲۳۲ قانون مجازات اسلامی: هرگاه مرد یا زنی کمتر از چهار بار اقرار به زنا نماید به سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش محکوم می‌شود. کلام این ماده در مورد لواط، تفخیز و مساحقه نیز جاری است.

ماده ۱۷۳ - انکار بعد از اقرار

(اصل بر این است که) انکار بعد از اقرار موجب سقوط مجازات نیست به جز در اقرار به جرمی که مجازات آن رجم یا حد، قتل (اگر مجازات قتل از باب قصاص یا تعزیر باشد انکار بعد از اقرار باعث سقوط مجازات نمی‌شود) است که در این صورت در هر مرحله، ولو در حین اجرا، مجازات مزبور، ساقط و به جای آن در زنا و لواط صد ضربه شلاق و در غیر آن‌ها حبس تعزیری درجه پنج (حبس بیش از ۲ تا ۵ سال) ثابت می‌گردد. (ر.ک ماده ۱۲۷۷ ق.م.)

نکته ۱- حد زنا یا به عنف در صورتی ساقط می‌شود که زانی پس از اقرار، انکار کند.

نکته ۲- انکار پس از اقرار مجازات رجم و قتل را در بزه زنا ساقط می‌نماید.

نکته ۳- هرگاه کسی اقرار به زنا یا رجم یا قتل است، در صورت انکار متهم، انکار مورد پذیرش قرار می‌گیرد و حد قتل و رجم ساقط می‌شود.

فصل سوم - شهادت

ماده ۱۷۴ - تعریف شهادت

شهادت عبارت از اخبار شخصی غیر از طرفین دعوی به وقوع یا عدم وقوع جرم توسط متهم یا هر امر دیگری نزد مقام قضائی است. (صرفاً قاضی را مدنظر دارد چه قضات مستقر در دادگاه و چه قضات مستقر در دادسرا و شامل ضابطین دادگستری و اشخاص غیر قضائی نمی‌شود).

نکته ۱- وفق ماده ۱۲۸۵ قانون مدنی شهادت‌نامه سند محسوب نمی‌شود و فقط اعتبار شهادت را خواهد داشت.

نکته ۲- حسب اشعار ماده ۱۳۱۵ قانون مدنی شهادت باید از روی قطع و یقین باشد نه به طور شک و تردید.

ماده ۱۷۵- تعریف شهادت شرعی

شهادت شرعی آن است که شارع آن را معتبر و دارای حجیت دانسته است اعم از آن که مفید علم باشد یا نباشد.

نکته ۱- شهادت شرعی آن است از شهادتی که شارع آن را معتبر و دارای حجیت دانسته، خواه مفید علم باشد یا نباشد.

ماده ۱۷۶- اثر شهادت شرعی فاقه شرایط

در صورتی که شاهد، واجد شرایط شهادت شرعی نباشد، اظهارات او اِستماع می‌شود. تشخیص میزان تأثیر و ارزش این اظهارات در علم قاضی در حدود آماره قضائی با دادگاه است.

ماده ۱۷۷- شرایط شاهد شرعی

شاهد شرعی در زمان ادای شهادت باید شرایط زیر (در زمان ادای شهادت ملاک است نه در زمان تحمل شهادت چراکه اگر شخصی در زمان

تحمل شهادت صغیر ممیز باشد و در زمان ادای شهادت بالغ گردد شهادت او معتبر است) را دارا باشد:

الف - بلوغ (در مقابل صغیر قرار می‌گیرد و در وجود یا عدم وجود آن سال قمری ملاک عمل است)

ب - عقل

پ - ایمان

ت - عدالت

ث - طهارت مؤلّد (ناشی از ازدواج مشروع زاییده شده باشد. مؤلّد = فاعل مؤلّد = مفعول)

ج - ذی نفع نبودن در موضوع (اعم از اینکه این نفع مستقیم باشد یا غیرمستقیم و اعم از نفع مادی یا معنوی وجود رابطه‌ی خادم مخدومی و

سببی و نسبی مانع از پذیرش شهادت شرعی نیست. ر.ک ماده ۳۲۲ ق.آ.د.ک و ج ۲ تحریرالوسیله حضرت امام (ره) ص ۴۰۲).

چ - نداشتن خصومت با طرفین یا یکی از آنها (اگر با طرفین یا یکی از آنها خصومت داشته باشد اما به نفع آنها شهادت بدهد پذیرفته می‌شود)

ح - عدم اشتغال به تکذبی

خ - ولگرد نبودن

تبصره ۱ -

شرایط موضوع این ماده باید توسط قاضی احراز شود.

تبصره ۲ -

در مورد شرط خصومت، هرگاه شهادت شاهد به نفع طرف مورد خصومت باشد، پذیرفته می‌شود.

نکته ۱- عدالت، ایمان و عقل جزء شروط شهادت است اما مذکور بود. جزء این شروط نیست.

نکته ۲- اگر دادگاه به شهادت شاهدان به عنوان بین‌ی شرعی برای صدور حکم استناد کند، احراز عدالت شاهدان، از یکی از راه‌های

شرعی، پیش از صدور حکم، تکلیف دادگاه است و نیاز به ایراد جرح نیست.

موارد مرتبط

ماده ۳۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری؛ دادگاه پیش از شروع به تحقیق از شاهد، حرمت و معازات شهادت دروغ را به او تفهیم می‌نماید و سپس نام، نام خانوادگی، نام

پدر، سن، شغل، شماره شناسنامه و شماره ملی، میزان تمصیلات، مذهب، محل اقامت، شماره تلفن ثابت و همراه و سابقه‌ی مکومیت کیفری شاهد و درجه قرابت

سببی یا نسبی و وجود یا عدم رابطه‌ی قارم و مفرومی او با طرفین را سؤال و در صورت مجلس قید می‌کند.

تبصره؛ رابطه‌ی قارمی و مفرومی و قرابت نسبی یا سببی مانع از پذیرش شهادت شرعی نیست.

ماده ۱۷۸- شهادت مینون ادواری در حالت افاقه

شهادت مجنون ادواری در حال افاقه پذیرفته می‌شود (شهادت مجنون دائمی یا اطباقی در هیچ صورتی پذیرفته نمی‌شود) مشروط بر آنکه تحمل

شهادت نیز در حال افاقه بوده باشد.

ماده ۱۷۹- شرط بلوغ شاهد در زمان ادا

هرگاه شاهد در زمان تحمّل شهادت، غیر بالغ ممیّز باشد، اما در زمان ادای شهادت به سن بلوغ برسد، شهادت او معتبر است. (رجوع کنید به ماده ۱۳۱۴ قانون مدنی).

مواد مرتبط

ماده ۱۳۱۴ قانون مدنی: شهادت اطفالی را که به سن پانزده سال تمام نرسیده اند فقط ممکن است برای مزید اطلاع استماع نمود مگر در مواردی که قانون شهادت این قبیل اطفال را معتبر شناخته باشد.

ماده ۱۸۰ - شهادت اشخاص غیر عاری

شهادت اشخاص غیر عادی، مانند فراموش کار و ساهی (کسی که بسیار مزاح و شوخی می کند) به عنوان شهادت شرعی معتبر نیست مگر آنکه قاضی به عدم فراموشی، سهو و امثال آن در مورد شهادت علم داشته باشد.

ماده ۱۸۱ - معنای عاری

عادل کسی است که در نظر قاضی یا شخصی که بر عدالت وی گواهی می دهد، اهل معصیت نباشد. شهادت شخصی که اشتهار به فسق داشته باشد، مرتکب گناه کبیره شود یا بر گناه صغیره اصرار داشته باشد تا احرار تغییر در اعمال او و اطمینان از صلاحیت و عدالت وی، پذیرفته نمی شود.

ماده ۱۸۲ - شرط و عدت موضوع شهادت

در شهادت شرعی، در صورت تعدّد شهود، وحدت موضوع شهادت ضروری است و باید مفاد شهادت ها در خصوصیات مؤثر در اثبات جرم یکسان باشد. هرگاه اختلاف مفاد شهادت ها موجب تعارض شود و یا وحدت موضوع را مخدوش کند، شهادت شرعی محسوب نمی شود. (اما می توانند در حد اماره موجب علم قاضی شوند) (رجوع کنید به مواد ۱۳۱۶ الی ۱۳۱۸ قانون مدنی).

ماده ۱۸۳ - شرط یقینی بودن شهادت

شهادت باید از روی قطع و یقین به نحوی که مستند به امور حسی و از طریق متعارف باشد، ادا شود. (رجوع کنید به ماده ۱۳۱۵ قانون مدنی).

ماده ۱۸۴ - شرط لفظی یا کتبی بودن شهادت

شهادت باید با لفظ یا نوشتن باشد و در صورت تعدّد، با فعل از قبیل اشاره نیز واقع شود و در هر صورت باید روشن و بدون ابهام باشد.

ماده ۱۸۵ - تعارض دو شهادت

در صورت وجود تعارض بین دو شهادت شرعی، هیچ یک معتبر نیست.

ماده ۱۸۶ - تعدّد حضور شاهد

چنانچه حضور شاهد متعدّد باشد، گواهی به صورت مکتوب، صوتی - تصویری زنده و یا ضبط شده، با احرار شرایط و صحّت انتساب، معتبر است. (ر.ک ماده ۲۱۶ ق.آ.د.ک)

ماده ۱۸۷ - شرط عدم علم به فلاف مفاد شهادت

در شهادت شرعی نباید علم به خلاف مفاد شهادت وجود داشته باشد. هرگاه قرائن و امارات برخلاف مفاد شهادت شرعی باشد، دادگاه، تحقیق و بررسی لازم را انجام می دهد و در صورتی که به خلاف واقع بودن شهادت، علم حاصل کند، شهادت معتبر نیست.

ماده ۱۸۸ - شرط اعتبار شهادت بر شهادت

شهادت بر شهادت شرعی در صورتی معتبر است که شاهد اصلی فوت نموده و یا به علت غیبت، بیماری و امثال آن، حضور وی متعدّد باشد.

تبصره ۱ -

شاهد بر شهادت شاهد اصلی باید واجد شرایط مقرر برای شاهد اصلی باشد.

تبصره ۲ -

شهادت بر شهادت شاهد فرع، معتبر نیست. (رجوع کنید به ماده ۱۳۲۰ قانون مدنی).

مواد مرتبط

ماده ۱۳۲۰ قانون مدنی: شهادت بر شهادت در صورتی مسموع است که شاهد بر اصل، وفات یافته یا به واسطه مانع دیگری مثل بیماری و سفر و هبس و غیره نتواند حاضر شود.

ماده ۱۸۹ - عدم اعتبار شهادت بر شهادت در ضرور و تعزیرات

جرائم موجب حد و تعزیر (اعم از تعزیر منصوص شرعی و غیرمنصوص شرعی) با شهادت بر شهادت اثبات نمی‌شود لکن قصاص، دیه و ضمان مالی با آن قابل اثبات است.

ماده ۱۹۰ - انکار شهادت توسط شاهد اصلی

در صورتی که شاهد اصلی، پس از اقامه شهادت به وسیله شهود فرع و پیش از صدور رأی، مُنکر شهادت شود، گواهی شهود فرع از اعتبار، ساقط می‌شود اما بر انکار پس از صدور حکم، اثری مُرتب نیست.

ماده ۱۹۱ - فرج و تعدیل شاهد

شاهد شرعی قابل جرح (ادعای فقدان شرایط قانونی در شاهد که از ناحیه طرفین به عمل می‌آید) و تعدیل (اقامه دلیل مبتنی بر وجود شرایط در شاهد) است. جرح شاهد عبارت از شهادت بر فقدان یکی از شرایطی که قانون برای شاهد شرعی مُقرر کرده است و تعدیل شاهد عبارت از شهادت بر وجود شرایط مذکور برای شاهد شرعی است.

ماده ۱۹۲ - لزوم اعلام حق فرج و تعدیل

قاضی مُکلف است حق جرح و تعدیل شهود را به طرفین اعلام کند.

ماده ۱۹۳ - زمان فرج شاهد

جرح شاهد شرعی (اصل) باید پیش از ادای شهادت به عمل آید مگر آنکه موجبات جرح پس از شهادت معلوم شود. در این صورت، جرح تا پیش از صدور حکم به عمل می‌آید و در هر حال دادگاه مُکلف است به موضوع جرح، رسیدگی و اتخاذ تصمیم کند. (ر.ک ماده ۱۶۹ ق.آ.د.ک)

ماده ۱۹۴ - تعدیل شاهد

در صورت رد شاهد شرعی از سوی قاضی یا جرح وی، مدعی صلاحیت شاهد می‌تواند برای اثبات آن دلیل اقامه کند.

ماده ۱۹۵ - عدم لزوم ذکر اسباب فرج یا تعدیل

در اثبات جرح یا تعدیل شاهد، ذکر اسباب آن لازم نیست و گواهی مطلق به تعدیل یا جرح، کفایت می‌کند مشروط بر آنکه شاهد دارای شرایط شرعی باشد. تبصره -

در اثبات یا نفی عدالت، علم شاهد به عدالت یا فقدان آن لازم است و حسن ظاهر به تنهایی برای احراز عدالت کافی نیست.

ماده ۱۹۶ - تعارض گواهی شهود فرج و تعدیل

هرگاه گواهی شهود معرفی شده در اثبات جرح یا تعدیل شاهد با یکدیگر مُعارض باشد از اعتبار، ساقط است.

ماده ۱۹۷ - لزوم اصرار شرایط شاهد

هرگاه دادگاه، شهود معرفی شده را واجد شرایط قانونی تشخیص دهد، شهادت را می‌پذیرد و در غیر این صورت، شهادت را شهادت شرعی محسوب نمی‌کند و اگر از وضعیت آن‌ها اطلاع نداشته باشد تا زمان احراز شرایط و کشف وضعیت که نباید بیش از ده روز طول بکشد، رسیدگی را متوقف و پس از آن، حسب مورد، اتخاذ تصمیم می‌کند مگر اینکه به نظر قاضی، احراز شرایط در مدت ده روز ممکن نباشد.

ماده ۱۹۸ - رجوع از شهادت

رجوع از شهادت شرعی، قبل از اجرای مجازات موجب سلب اعتبار شهادت می‌شود و إعادة شهادت پس از رجوع از آن، مسموع نیست. (رجوع کنید به ماده ۱۳۱۹ قانون مدنی).

مواد مرتبط

ماده ۱۳۱۹ قانون مدنی؛ در صورتی که شاهد از شهادت فور رجوع کند یا معلوم شود بر خلاف شهادت داده است به شهادت او ترتیب اثر داده نمی‌شود.

ماده ۱۹۹ - نصاب شهادت (اثبات بنایت موجب ربه از طریق شهادت)

نصاب شهادت در کلیه جرائم، (اصل) دو شاهد مرد است مگر (استثناء) در زنا، لواط، تفخیز و با چهار شاهد مرد اثبات می‌گردد. برای اثبات زنا می‌تواند موجب حد جلد، تراشیدن و یا تبعید، (رجوع کنید به ماده ۲۲۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) شهادت دو مرد و چهار زن عادل نیز کافی است. زمانی که مجازات غیر از موارد مذکور است، (منظور زنا می‌تواند مستوجب حد رجم است و یا حد اعدام) حداقل شهادت سه مرد و دو زن عادل لازم است. در این مورد هرگاه دو مرد و چهار زن عادل به آن شهادت دهند (رجم یا اعدام اجرا نمی‌شود) تنها حد شلاق، ثابت می‌شود. جنایات موجب دیه با شهادت یک شاهد مرد

و دو شاهد زن نیز قابل اثبات است. (اثبات جنایت موجب دیه از طریق شهادت: الف - شهادت دو مرد. صدر ماده ۱۹۹ ق.م.ا، ب - شهادت یک مرد و دو زن. ذیل ماده ۱۹۹ ق.م.ا، ج - شهادت یک مرد و قسم مدعی. ماده ۲۰۹ ق.م.ا، د - شهادت دو زن و قسم مدعی. ماده ۲۰۹ ق.م.ا.)

نکته ۱- به عنوان یکی از ادله‌ی اثباتی قتل شبه عمد یا خطای محض، با گواهی یک مرد عادل و دو زن عادل قابل اثبات است.
نکته ۲- شهادت دروغ جرم است.

موار مرتبط

ماده ۶۵۰ قانون مجازات اسلامی بفسخ تعزیرات: هرکس در دادگاه نذر مقامات رسمی شهادت دروغ بدهد به سه ماه و یک روز تا دو سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی معلوم فواید شد.
تبصره: مجازات مذکور در این ماده علاوه بر مجازاتی است که در باب ورود و قصاص و دیات برای شهادت دروغ ذکر گردیده است.

ماده ۲۰۰ - نحوه شهادت بر زنا یا لواط

در خصوص شهادت بر زنا یا لواط، شاهد باید حضوری (پس دیدن فیلم یا عکس را شامل نمی‌شود) عملی را که زنا یا لواط با آن محقق می‌شود دیده باشد و هرگاه شهادت مُسْتَنَد به مشاهده نباشد و همچنین در صورتی که شهود به عَدَد لازم نرسند شهادت در خصوص زنا یا لواط، قَدْ ف محسوب می‌شود و موجب حدّ (منظور حد قذف است که ۸۰ ضربه شلاق می‌باشد) است.

فصل چهارم - سوگند

ماده ۲۰۱ - تعریف سوگند

سوگند عبارت از گواه قرار دادن خداوند بر درستی گفتار اداکننده سوگند است.

ماده ۲۰۲ - شرایط اداکننده سوگند

اداکننده سوگند (یکی از طرفین دعواست) باید عاقل، بالغ، قاصد و مختار باشد. (شرایط عامه‌ی تکلیف می‌باشند).

ماده ۲۰۳ - صیغه سوگند

سوگند باید مطابق قرار دادگاه (قرار اتیان سوگند) و با لفظ جلاله **وَالله**، **بِالله**، **تالله** یا نام خداوند متعال به سایر زبان‌ها ادا شود و در صورت نیاز به تغلیظ و قبول اداکننده سوگند، دادگاه کیفیت ادای آن را از حیث **زمان**، **مکان**، **الفاظ** و **مانند آنها** تعیین می‌کند. در هر صورت، بین مسلمان و غیرمسلمان (منظور ادیان دیگر مثل یهودیت و مسیحیت و زردشتی است نه کفار) در ادای سوگند به نام خداوند متعال تفاوتی وجود ندارد.

ماده ۲۰۴ - لزوم مطابقت سوگند با ادعا

سوگند باید مطابق با ادعا، صریح در مقصود و بدون هرگونه ابهام باشد و از روی قطع و یقین ادا شود.

ماده ۲۰۵ - لزوم لفظی بودن سوگند

سوگند باید با لفظ باشد و در صورت تعدّر، با نوشتن یا اشاره‌ای که روشن در مقصود باشد، ادا شود.

ماده ۲۰۶ - سوگند با اشاره

در مواردی که اشاره، مفهوم نباشد یا قاضی به زبان شخصی که سوگند یاد می‌کند، آشنا نباشد و یا اداکننده سوگند قادر به تکلم نباشد، دادگاه به وسیله مترجم یا متخصص امر، مُراد وی را کشف می‌کند.

ماده ۲۰۷ - اصل نسبی بودن سوگند

سوگند فقط نسبت به طرفین دعوی و قائم‌مقام آنها مؤثر است.

نکته ۱- مبنای ویژگی نسبی بودن سوگند توافق طرفین دعوا در مورد سوگند است و لذا نسبت به سایرین اثری ندارد (دکتر محبی - همان ص ۸۷۷).

ماده ۲۰۸ - عدم اثبات مُردود و تعزیرات با سوگند

خُدود و تعزیرات با سوگند نفی یا اثبات نمی‌شود (همانند شهادت بر شهادت که در حدود و تعزیرات امکان اثبات نداشت) لکن **قصاص**، **دیه**، **ارش** و **ضرر** و **زبان ناشی از جرائم**، مطابق مقررات این قانون با سوگند اثبات می‌گردد.

ماده ۲۰۹ - سوگند در دعاوی مالی

هرگاه در دعاوی مالی مانند دیه جنایات و همچنین دعاوی ای که مقصود از آن، مال است مانند جنایت خطایی و شبه عمدی (غیر عمدی) موجب دیه، برای مدعی خصوصی امکان اقامه بینه شرعی نباشد، وی می‌تواند با معرفی یک شاهد مرد یا دو شاهد زن به ضمیمه یک سوگند، ادعای خود را فقط از جنبه مالی اثبات کند.

تبصره -

در موارد مذکور در این ماده، ابتدا شاهد واجد شرایط شهادت می‌دهد و سپس سوگند توسط مدعی ادا می‌شود.

ماده ۲۱۰ - سوگند دروغ

هرگاه ثابت شود سوگند، دروغ و یا آداکننده سوگند فاقد شرایط قانونی بوده است، به سوگند مزبور ترتیب اثر داده نمی‌شود. (اصل بر صحت سوگند و وجود شرایط لازمه برای ادای سوگند است مگر اینکه خلافش ثابت شود) (سوگند دروغ جرم است. ماده ۶۴۹ ق.م.ا.بخش تعزیرات)

فصل پنجم - علم قاضی

ماده ۲۱۱ - تعریف علم قاضی

علم قاضی (مراد از قاضی، قاضی صادرکننده رأی است و علم قاضی تحقیق یا دادستان برای حاکم دادگاه حجیت ندارد و دلیل قاطع محسوب نمی‌گردد ولی می‌تواند از امارات باشد) عبارت از یقین حاصل از مستندات بین در امری است که نزد وی مطرح می‌شود. در مواردی که مستند حکم، علم قاضی است، وی موظف است قرائن و امارات بین مستند علم خود را به‌طور صریح در حکم قید کند (طبق قوانین جزای فعلی ایران حاکم شرع درباره‌ی حق الله و حق الناس می‌تواند به علم خود عمل کند).

تبصره -

مواردی از قبیل نظریه کارشناس، معاینه محل، تحقیقات محلی، اظهارات مطلع، گزارش ضابطان و سایر قرائن و امارات که نوعاً علم آور باشند می‌تواند مستند علم قاضی قرار گیرد. در هر حال مجرّد علم استنباطی که نوعاً موجب یقین قاضی نمی‌شود، نمی‌تواند ملاک صدور حکم باشد.

نکته ۱- برای اجرای حدود اسلامی علم حکمی و موضوعی هر دو لازم است.

ماده ۲۱۲ - تعارض علم قاضی با سایر ادله

در صورتی که علم قاضی با ادله قانونی دیگر در تعارض باشد اگر علم، بین (به معنای آشکار - روشن - واضح) باقی بماند، آن ادله برای قاضی معتبر نیست (اولویت با علم قاضی است) و قاضی با ذکر مستندات علم خود و جهات ردّ ادله دیگر، رأی صادر می‌کند. چنانچه برای قاضی علم حاصل نشود، ادله قانونی معتبر است و بر اساس آن‌ها رأی صادر می‌شود.

ماده ۲۱۳ - تعارض ادله با یکدیگر

در تعارض سایر ادله با یکدیگر، اقرار بر شهادت شرعی، قسامه و سوگند مقدم است. همچنین شهادت شرعی بر قسامه و سوگند تقدم دارد.

نکته ۱- مراتب اولویت ادله‌ی اثبات دعوا به قرار ذیل است:

اول: علم قاضی

دوم: اقرار

سوم: شهادت

چهارم: قسامه و سوگند.

بخش ششم - مسائل متفرقه

ماده ۲۱۴ - لزوم رد مال ناشی از جرم (رک، ماده ۱۵ و ۱۹ ق.آ.ر.ک)

مجرّم باید مالی را که در اثر ارتکاب جرم تحصیل کرده است، اگر موجود باشد عین آن را و اگر موجود نباشد (اگر عین مال موجود باشد برای استرداد احتیاجی به تقدیم دادخواست نیست اما اگر عین از بین رفته باشد و یا به هر نحوی امکان دسترسی به آن نباشد برای مطالبه‌ی قیمت باید دادخواست تقدیم گردد) مثل آن را و در صورت عدم امکان ردّ مثل، قیمت آن (قیمت یوم‌الادا را باید) را به صاحبش ردّ کند و از عهده خسارات وارده نیز برآید. هرگاه از حیث جزائی وجهی بر عهده مجرم تعلق گیرد، استرداد اموال یا تأدیه خسارت مدعیان خصوصی بر آن مقدم است. (رجوع کنید به مواد ۱۵ و

۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری)

نکته ۱- طبق قوانین مجازات اسلامی، مجرم مالی را که در اثر ارتکاب جرم، تحصیل کرده؛ اگر موجود باشد، باید عیناً به صاحبش رد کند و اگر موجود نباشد مثل یا قیمت آن را به صاحبش رد کند و از عهده‌ی خسارت وارده برآید.

ماده ۲۱۵ - لزوم تعیین تکلیف اموال

بازپرس یا دادستان در صورت صدور قرار منع یا موقوفی تعقیب (موضوع مواد ۲۶۵ و ۱۳ ق. آ. د. ک) باید تکلیف اشیاء و اموال کشف شده را که دلیل یا وسیله ارتکاب جرم بوده و یا از جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب، استعمال و یا برای استعمال اختصاص داده شده است تعیین کند تا حسب مورد، مسترد، ضبط یا معدوم شود. در مورد ضبط، (صرفاً در صلاحیت دادگاه است و دادسرا چنین صلاحیتی ندارد چون ضبط مجازات است) دادگاه تکلیف اموال و اشیاء را تعیین می‌کند. همچنین بازپرس و یا دادستان مکلف است مادام که پرونده نزد وی جریان دارد به تقاضای ذی‌نفع و با رعایت شرایط زیر دستور رد اموال و اشیاء مذکور را صادر نماید:

الف - وجود تمام یا قسمتی از آن اشیاء و اموال در بازپرسی یا دادرسی لازم نباشد.

ب - اشیاء و اموال، بلامعارض باشد. (یعنی اختلافی در مالکیت آن اشیاء محرز نباشد و نیز کسی غیر از مرتکب جرم بر آن ادعای مالکیت نداشته باشد).

پ - جزء اشیاء و اموالی نباشد که باید ضبط یا معدوم گردد. در کلیه امور جزائی دادگاه نیز باید ضمن صدور حکم یا قرار یا پس از آن اعم از اینکه مبنی بر محکومیت یا برائت یا موقوفی تعقیب متهم باشد، در مورد اشیاء و اموالی که وسیله ارتکاب جرم بوده یا در اثر جرم، تحصیل شده یا حین ارتکاب، استعمال و یا برای استعمال اختصاص یافته است، باید رأی مبنی بر استرداد، ضبط یا معدوم شدن آن صادر نماید.

تبصره ۱-

مُنصراً از قرار بازپرس یا دادستان یا قرار یا حکم دادگاه می‌تواند از تصمیم آنان راجع به اشیاء و اموال مذکور در این ماده شکایت کند و طبق مقررات در دادگاه‌های جزائی شکایت خود را تعقیب و درخواست تجدیدنظر نماید هرچند قرار یا حکم دادگاه نسبت به امر جزائی، قابل شکایت نباشد. (اگر در دادسرا صادر شده باشد قابل اعتراض در دادگاه و اگر در دادگاه صادر شده باشد قابل اعتراض در دادگاه است ر.ک ماده ۱۴۸ و ۱۴۹ ق.آ.د.ک)

تبصره ۲-

مالی که نگهداری آن مستلزم هزینه نامتناسب برای دولت است یا موجب خرابی یا کسر فاجش قیمت آن می‌گردد و حفظ مال هم برای دادرسی لازم نیست و همچنین اموال ضایع شدنی و سریع‌الفساد حسب مورد به دستور دادستان یا دادگاه به قیمت روز فروخته می‌شود و وجه حاصل تا تعیین تکلیف نهائی در صندوق دادگستری به‌عنوان امانت، نگهداری می‌گردد.

نکته ۱- در مورد صدور رأی برائت و موقوفی تعقیب، دادگاه بایستی تکلیف اموال تحصیل شده از جرم را معلوم کند.

نکته ۲- سارقی پس از سپردن اموال مسروقه به یکی از انبارهای وزارت راه فوت می‌کند، انباردار به علت فقدان سوءنیت از اتهام اختفای اموال مزبور بی‌گناه شناخته می‌شود. با توجه به صدور قرار موقوفی تعقیب سارق و حکم برائت انباردار اتخاذ تصمیم در مورد استرداد اموال مسروقه با دادگاه صادرکننده حکم برائت است.

نکته ۳- در جرم کلاهبرداری، مال‌باخته برای وصول مال خویش، نیاز به دادخواست ندارد و دادگاه ضمن صدور رأی کیفری باید حکم به رد مال، مال‌باخته صادر نماید.

ماده ۲۱۶ - آیین‌نامه اجرای مجازات‌ها

اجرای احکام خدود، (اجرای حدود تأخیر بردار هست اما تعطیل بردار نیست) قصاص و دیات بر اساس آیین‌نامه‌ای است که تا شش ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون توسط رئیس قوه قضائیه تهیه، تصویب و ابلاغ می‌شود.

کتاب دوم - حدود

بخش اول - مواد عمومی

ماده ۲۱۷ - شرط علم به حرمت شرعی ضروری

در جرائم موجب حد، مرتکب در صورتی مسئول است که علاوه بر داشتن علم (بیانگر علم موضوعی است)، قصد و شرایط مسؤلیت کیفری به حرمت شرعی رفتار ارتكابی نیز آگاه (بیانگر علم حکمی است) باشد. (در تمامی جرائم حدی علم به حرام بودن، یعنی علم به حرمت شرعی لازم است) (برای دیدن تعریف مجازات حد رجوع کنید به ماده ۱۵ ق. م. ا) (زنا ماده ۲۲۴ و لواط ماده ۲۳۴ ق. م. ا).

ماده ۲۱۸ - ادعای چهل و ایراد شبهه

در جرائم موجب حد هرگاه متهم ادعای فقدان علم یا قصد یا وجود یکی از موانع مسؤلیت کیفری را در زمان ارتكاب جرم نماید در صورتی که احتمال صدق گفتار وی داده شود و اگر ادعا کند که اقرار (توجه شود بر اساس تبصره ۱ ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری، در جرم زنا هرگاه مرتکب قصد اقرار داشته باشد قاضی باید وی را به پوشاندن جرم و عدم اقرار توصیه نماید) او با تهدید و ارباب یا شکنجه گرفته شده است ادعای مذکور بدون نیاز به بینه و سوگند پذیرفته می‌شود.

تبصره ۱ -

در جرائم محاربه و افساد فی الارض و جرائم منافی عفت با عنف، اکراه، ربایش یا اغفال، صرف ادعاء، مسقط حد نیست و دادگاه موظف به بررسی و تحقیق است.

تبصره ۲ -

اقرار در صورتی اعتبار شرعی دارد که نزد قاضی (منظور قاضی مستقر در دادگاه است و اقرار نزد غیر قاضی مثلاً ضابطان دادگستری یا مقامات دادسرا اعتبار ندارد) در محکمه انجام گیرد. (توجه نمایید که بر اساس تبصره ۱ ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اصلاحی ۱۳۹۴، در جرم زنا هرگاه مرتکب قصد اقرار داشته باشد قاضی باید وی را به پوشاندن جرم و عدم اقرار توصیه نماید) (رجوع کنید به ماده ۱۷۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲).

نکته ۱- هرگاه مرد و زنی که باهم جماع نموده‌اند، ادعای اشتباه و ناآگاهی کنند در صورتی که احتمال صدق مدعی داده شود، ادعای مذکور بدون شاهد و سوگند پذیرفته شده و حد ساقط می‌شود.

نکته ۲- شخصی مرتکب زنا ساده می‌شود. در ضمن رسیدگی ادعا می‌نماید که به زنا اکراه شده است. دادگاه در خصوص مسؤلیت کیفری وی ملزم به تحقیق است و تحمیل مسؤلیت به وی مستلزم نبودن دلیلی مخالف ادعایش است.

نکته ۳- شخصی به اتهام سرقت مشمول حد، پس از تعقیب دادسرا در محضر بازپرس به جرم ارتكابی اقرار کرده، لیکن در دادگاه منکر اقرار قبلی خود شده و ادعا می‌کند با تهدید مجبور به اقرار شده است. در این صورت ادعای او بدون نیاز به بینه و سوگند پذیرفته می‌شود.

نکته ۴- در جرائم مستوجب حد، هرگاه متهم مدعی فقدان قصد در زمان ارتكاب جرم شود، در صورتی که احتمال صدق گفتار وی داده شود، ادعای او بدون نیاز به بینه و سوگند پذیرفته می‌شود.

ماده ۲۱۹ - ممنوعیت تغییر ضروری

دادگاه نمی‌تواند کیفیت، نوع و میزان حدود شرعی را تغییر یا مجازات را تقلیل دهد یا تبدیل یا ساقط نماید. (اصل بر این است که حدود غیر قابل تغییر، تقلیل، تبدیل و سقوط می‌باشند) این مجازات‌ها تنها از طریق توبه و عفو به کیفیت مقرر در این قانون قابل سقوط، تقلیل یا تبدیل است. (رجوع کنید به ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲).

نکته ۱- توبه پیش از ثبوت جرم و یا دستگیری، در زمره عذرهای معاف کننده که یکی از اسباب معافیت از مجازات است قرار دارد.

ماده ۲۲۰ - ضروری که در قانون نیامده است

در مورد حدودی که در این قانون ذکر نشده است (این ماده استثنایی است بر اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها مانند ارتداد) طبق اصل یکصد و شصت و هفتم (۱۶۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عمل می‌شود. (یعنی به منابع فقهی معتبر یا فتاوی معتبر رجوع می‌کنیم).

بخش دوم - جَرَّائِمُ مَوْجِبُ حَدِّ

فصل اول - زِنا

ماده ۲۲۱ - تعریف زنا

زنا عبارت است از جماع مرد و زنی (جماع با خنثی اعم از خنثی ملحق به زن یا خنثی ملحق به مرد و خنثی مشکل شامل این ماده نبوده و زنا نمی‌باشد) که علقه زوجیت (اعم از ازدواج دائم یا موقت) بین آن‌ها نبوده و از موارد وَطِی به شبهه نیز نباشد.

تبصره ۱ -

جماع با دَفول اندام تناسلی مرد به اندازه فَتَنَه‌گاه در قُبُل یا دُبُر زن مَفَقَّ می‌شود.

تبصره ۲ -

هرگاه طرفین یا یکی از آن‌ها نابالغ باشد، زنا محقق است لکن نابالغ مجازات نمی‌شود و حَسَبِ مورد به اقدامات تأمینی و تربیتی مقرر در کتاب اول این قانون محکوم می‌گردد. (رجوع کنید به ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات).

نکته ۱ - ماده‌ی ۶۳ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) مقرر می‌داشت: زنا عبارت است از جماع مرد با زنی که ذاتاً بر او حرام است، در این ماده، ذاتاً حرام یعنی جماع مرد با هر زنی که بر انسان حرام است، زنا محسوب می‌شود.

نکته ۲ - در جرم زنا، اگر طرفین نابالغ باشند، جرم زنا محقق می‌شود و طرفین به اقدامات تأمینی و تربیتی محکوم می‌شوند و حد زنا در خصوص آنان جاری نمی‌شود.

موارد مرتبط

ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: هرگاه زن و مردی که بین آن‌ها علقه‌ی زوجیت نباشد، مرتکب روابط نامشروع یا عمل منافق عفت غیر از زنا از قبیل تقبیل یا مضامعه شوند، به شلاق تا ۹۹ ضربه محکوم خواهند شو و اگر عمل با عنف و آکراه باشد آکراه‌کننده تعزیر می‌شود.
نکته: تعزیر مذکور در این ماده، تعزیر غیرمنصوص است نه تعزیر منصوص شرعی لذا امکان اعمال نواهای مذکور در تبصره ۲ ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی مانند کسر ایام بازداشت قبلی از مکومیت (ماده ۲۷ قانون مجازات اسلامی) تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات و ... در مورد این برم وجود دارد (رای وحدت رویه شماره ۷۷۰ مورخ ۱۳۹۷/۴/۲۶)

ماده ۲۲۲ - جماع با میت

جماع با میت، زنا است مگر جماع زوج با زوجه متوفای خود که زنا نیست لکن موجب سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش می‌شود. (معنای مخالف این ماده بدین صورت است که اگر چنانچه میت زوجه‌ی زانی نباشد مشمول زنا و مرتکب با توجه به نوع آن مشمول مجازات می‌شود).

ماده ۲۲۳ - وَطِی به شبهه

هرگاه مُتَهَم به زنا، مدّعی زوجیت یا وَطِی به شبهه باشد، ادعای وی بدون بینه یا سوگند پذیرفته می‌شود مگر آنکه خلاف آن با حُجَّت شرعی (مانند شهادت شهود) لازم ثابت شود.

نکته ۱ - هرگاه زانی یا زانیه ادعای اشتباه و ناآگاهی کنند، ادعای آنان بدون شاهد و سوگند پذیرفته می‌شود و حد ساقط می‌گردد.

نکته ۲ - صرف وجود شبهه موجب عدم تحقق جرم می‌شود.

ماده ۲۲۴ - موارد اعدام

حدّ زنا در موارد زیر اعدام است:

الف- زنا با محارم نسبی (در این حالت مجازات اعدام برای هر دو (زانی و زانیه) می‌باشد، البته با توجه به شرایط مقرر در این قانون این تشدید از نوع علل مشدده‌ی شخصی است).

ب- زنا با زن پدر که موجب اعدام زانی (حسب مورد زانیه به رجم یا جلد محکوم می‌شود) است.

پ- زنا‌ی مرد غیرمسلمان با زن مسلمان که موجب اعدام زانی (حسب مورد زانیه به رجم یا جلد محکوم می‌شود) است.

ت- زنا‌ی به عُنْف یا اکراه از سوی زانی که موجب اعدام زانی است.

تبصره ۱-

مجازات زانیه در بندهای (ب) و (پ) حَسَبِ مورد، تابع سایر احکام مربوط به زنا است.

تبصره ۲-

هرگاه کسی با زنی که راضی به زنا با او نباشد در حال بیهوشی، خواب یا مستی زنا کند رفتار او در حکم زنا با او مانند: عدم رضایت زن یا تسلیم شدن ناشی از تهدید و اکراه در زنا از طریق اغفال و فریب دادن دختر نابالغ (رجوع کنید به ماده ۶۵۸ قانون مجازات اسلامی بخش دیات مصوب ۱۳۹۲) (پس زنا با فریب و اغفال دختر بالغ در حکم زنا با او مانند: تهدید و یا ترساندن زن اگرچه موجب تسلیم شدن او شود نیز حکم فوق جاری است).

نکته ۱- حد زنا در زنا با محارم نسبی و زن پدر و زنا با غیرمسلمان با زن مسلمان که موجب قتل زانی است و زنا با او به عنف و اکراه که موجب قتل اکراه کننده است، قتل است.

نکته ۲- حد زنا با محارم نسبی، قتل است.

نکته ۳- مطابق قوانین جزائی ایران، مجازات زنا با محارم نسبی مشدد بوده و قتل است. این تشدید از نوع علل مشدده‌ی شخصی است.

نکته ۴- زنا با مرد غیرمسلمان با زن مسلمان، فقط موجب قتل زانی است و زانیه حسب مورد مجازات می‌شود.

نکته ۵- زنا با مسلمان با زن غیرمسلمان موجب قتل زانی نیست.

نکته ۶- زنا با مرد محصن به صورت عنف مشمول مجازات قتل است.

نکته ۷- زنا با زن در حال خواب یا مستی در حکم زنا با او به عنف است.

نکته ۸- اگر کسی دختر نابالغ باکره‌ای را اغفال کرده و با جلب رضایت او با وی زنا کند، در این حالت مشمول حکم اعدام و به پرداخت ارش البکاره و مهرالمثل می‌شود.

ماده ۲۲۵ - زنا با مُحصَنه

حد زنا برای زانی مُحصَن و زانیه مُحصَنه رَجْم است. در صورت عدم امکان اجرای رَجْم با پیشنهاد دادگاه صادرکننده حکم قطعی و موافقت رئیس قوه قضائیه چنانچه جرم با بیّنه (در اینجا منظور شهادت شهود است) ثابت شده باشد، موجب اعدام زانی مُحصَن و زانیه مُحصَنه است و در غیر این صورت (یعنی اثبات زنا با مُحصَنه با دلیل یا دلایلی غیر از شهادت شهود مثلاً: با اقرار یا علم قاضی اثبات شده باشد) موجب صد ضربه شَلَّاق (از باب حد) برای هر یک می‌باشد.

ماده ۲۲۶ - إحصان

إحصان در هر یک از مرد و زن به نحو زیر محقق می‌شود:

الف- إحصان مرد عبارت است از آنکه دارای همسر دائمی (داشتن همسر موقت سبب محصن شدن مرد نمی‌گردد) و بالغ باشد و در حالی که بالغ و عاقل بوده از طریق قُبُل با وی در حال بلوغ جماع کرده باشد و هر وقت بخواهد امکان جماع از طریق قُبُل را با وی داشته باشد.

ب- إحصان زن عبارت است از آنکه دارای همسر دائمی و بالغ باشد و در حالی که بالغ و عاقل بوده، با او از طریق قُبُل جماع کرده باشد و امکان جماع از طریق قُبُل را با شوهر داشته باشد.

نکته ۱- در طلاق بائن برخلاف طلاق رجعی، زن و مرد از إحصان خارج می‌شوند.

ماده ۲۲۷ - موانع إحصان

اموری از قبیل مسافرت، حبس، حیض، نفاس، بیماری مانع از مقاربت یا بیماری‌ای که موجب خطر برای طرف مقابل می‌گردد مانند ایدز و سیفلیس، زوجین را از إحصان خارج می‌کند.

نکته ۱- در طلاق بائن، زن یا مرد از إحصان خارج می‌شود.

نکته ۲- زنا با مرد با زنی که هر یک همسر دائمی دارند، ولی به واسطه‌ی مسافرت یا حبس و مانند آن‌ها به همسر خود دسترسی ندارند، موجب رجم نیست.

ماده ۲۲۸ - زنا با مَمارِم نَسَبی

در زنا با مَمارِم نَسَبی و زنا با مُحصَنه، چنانچه زانیه بالغ و زانی نابالغ باشد (مجازات از باب حد ساقط و صرفاً به اقدامات تأمینی و تربیتی محکوم

خواهد شد) مجازات زانیه فقط صد ضربه شلاق است.

نکته ۱- مجازات شروع به جرم در جرم زنا محصنه، ۳۱ ضربه تا ۹۹ ضربه شلاق یا حبس تا ۲ سال است.

نکته ۲- زناى زن محصنه با نابالغ، موجب حد تازیانه به میزان صد ضربه است.

نکته ۳- در زناى محصنه چنانچه زانیه بالغ و زانی نابالغ باشد، مجازات زانیه صد ضربه شلاق است.

ماده ۲۲۹ - زناى مَرءِ مَآهَل

مردی که همسر دائم دارد، هرگاه قبل از دخول، مُرْتَكِبِ زنا شود حَذَّوِی صد ضربه شلاق، تراشیدن موی سر و تبعید (دقت شود که در تبعید ذکر شده در این ماده برخلاف تبعید در جرم محاربه، مرتکب حق مراوده با اطرافیان در زمان تبعید را دارد) به مدّت یک سال قَمَرِی است. (به موجب بند ب ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ محکوم به مجازات تبعید به مدت ۳ سال از حقوق اجتماعی مقرر در قانون محروم می شود).

نکته ۱- مجازات تبعید، در جرائم مشمول حد به شرح زیر آمده است:

قوادی، زنا، محاربه و افساد فی الارض.

نکته ۲- مجازات مرد متأهلی که قبل از دخول و زناشویی با همسر دائم خود، مرتکب زنا با دیگری شود، حد جلد و تراشیدن موی سر و تبعید به مدت یک سال تمام قمری است.

ماده ۲۳۰ - مَرءِ شَلَّاق

حَذَّوِی در مواردی که مُرْتَكِبِ غیرمُحَصَّن باشد، صد ضربه شلاق است. (این شلاق از باب حد است و موجب محرومیت ۲ ساله برای محکوم می گردد).

ماده ۲۳۱ - زناى به عُنْف

در موارد زناى به عُنْف و در حُکْم آن، در صورتی که زن باکره باشد مُرْتَكِبِ علاوه بر مُجَازَاتِ مُقَرَّر (منظور اعدام است) به پرداخت اَرشِ الْبِکَارِه و مَهْرَالْمِثْل نیز محکوم می شود و در صورتی که باکره نباشد، فقط به مُجَازَات و پرداخت مَهْرَالْمِثْل محکوم می گردد. (رجوع کنید به ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی بخش دیات علی الخصوص تبصره ۱ آن ماده).

ماده ۲۳۲ - تَعْزِیر در صورت اقرار کم تر از چهار مرتبه

هرگاه مَرءِ یا زَنِی کمتر از چهار بار اقرار به زنا نماید به سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تَعْزِیرِی دَرَجَه شش محکوم می شود. حُکْم این ماده در مورد لواط، تَفْخِیز و مُسَاحَقَه نیز جاری است.

نکته ۱- اگر کسی سه بار اقرار به زنا کند، محکوم به تعزیر می شود.

فصل دوم - لواط، تَفْخِیز و مُسَاحَقَه

ماده ۲۳۳ - تَعْرِیْفِ لِوَاط

لواط عبارت از دخول اندام تناسلی مَرءِ به اندازه ختنه گاه در دُبُرِ انسان مُذْکَر است.

نکته ۱- با توجه به قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، لواط عبارت از دخول اندام تناسلی مَرءِ به اندازه ی ختنه گاه در دبر انسان مذکر.

ماده ۲۳۴ - مَرءِ لِوَاط

حَذَّوِی لِوَاطِ بَرای فاعل، (فاعل در جرم لواط تنها در ۳ مورد اعدام می شود: ۱- در لواط به عُنْف و اکراه ۲- در لواطی که فاعل شرایط احصان را دارد ۳- فاعل مسلمان و مفعول غیرمسلمان) در صورت عُنْف، اکراه یا دارا بودن شرایط احصان، اعدام و در غیر این صورت (اصل) صد ضربه شلاق است. حَذَّوِی لِوَاطِ بَرای مفعول (حد لواط در صورت رضایت، برای مفعول به صورت مطلق اعدام است یعنی محصن یا غیرمحصن بودن مفعول سبب عدم اعدام شدن وی نمی گردد.) در هر صورت (وجود یا عدم احصان) اعدام است.

تبصره ۱-

در صورتی که فاعل غیرمسلمان و مفعول، مسلمان باشد، حَذَّوِی فاعل اعدام است.

تبصره ۲-

إحصان عبارت است از آنکه مرد همسر دائمی و بالغ داشته باشد و در حالی که بالغ و عاقل بوده از طریق قُبُل با همان همسر در حال بلوغ وی جماع کرده باشد و هر وقت بخواهد امکان جماع از همان طریق را با وی داشته باشد.

نکته ۱- حد لواط برای فاعل و مفعول، در غیر موارد عنف و اکراه و عدم احصان فاعل برای هردو اعدام است.

ماده ۲۳۵ - تَفْئِيز

تَفْئِيز عبارت از قرار دادن اندام تناسلی مرد بین ران‌ها یا نشیمنگاه انسان مُذْكَر است.

تبصره -

دخول کمتر از ختنه‌گاه (با انسان مذکر مدنظر است) در کَلَم تَفْئِيز است.

ماده ۲۳۶ - عَرَّ تَفْئِيز

در تَفْئِيز، حَدَّ فاعل و مفعول، صد ضربه شلاق است (به صورت مطلق بیان شده است به جزء موارد مطروح در تبصره همین ماده) و از این جهت فرقی میان مُحْصَن و غیر مُحْصَن و عُنْف و غیر عُنْف نیست.

تبصره -

در صورتی که فاعل غیرمسلمان و مفعول، مسلمان باشد، حَدَّ فاعل اعدام است.

ماده ۲۳۷ - همجنس‌گرایی انسان مُذْكَر

همجنس‌گرایی انسان مُذْكَر در غیر از لواط و تَفْئِيز از قبیل تَقْبِيل و مُلامسه از روی شهوت، موجب سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش است.

تبصره ۱ -

حُكْم این ماده در مورد انسان مؤنث نیز جاری است.

تبصره ۲ -

حُكْم این ماده شامل مواردی که شرعاً مستوجب حَدَّ است، نمی‌گردد.

نکته ۱- در جرائم منافی عفتی که رفتار مرتکب مشمول عنوان مجرمانه‌ی حدی از قبیل: لواط، تَفْئِيز، مساحقه و زنا نمی‌شود مرتکب به مجازات حدی محکوم نمی‌شود و مجازات وی عبارت خواهد بود از: سی و یک تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیری درجه ۶.

ماده ۲۳۸ - مُسَاحِقَه

مُسَاحِقَه عبارت است از اینکه انسان مؤنث، (به صورت مطلق بیان شده است و شامل بالغ و غیر بالغ و محصن و غیر محصن می‌گردد که البته با توجه به نکات قبل باید از حرمت شرعی عمل ارتكابی آگاهی و اطلاع داشته باشند) اندام تناسلی خود را بر اندام تناسلی همجنس خود قرار دهد.

ماده ۲۳۹ - عَرَّ مُسَاحِقَه

عَرَّ مُسَاحِقَه، صد ضربه شلاق (به صورت مطلق بیان شده است و شامل مسلمان و غیرمسلمان، عنف و اکراه و محصن و غیر محصن می‌گردد) است.

نکته ۱- مجازات مقرر در این ماده از باب حد است و بر اساس بند پ ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ باعث محرومیت اجتماعی به مدت ۲ سال می‌گردد.

ماده ۲۴۰ - شمول مُسَاحِقَه

در حَدَّ مُسَاحِقَه، فرقی بین فاعل و مفعول و مسلمان و غیرمسلمان و (در صورتی که در تَفْئِيز حد فاعل غیرمسلمان اعدام است) مُحْصَن و غیر مُحْصَن و عُنْف و غیر عُنْف نیست.

ماده ۲۴۱ - ممنوعیت تحقیق و بازجویی در جرائم منافی عفت

در صورت نبود ادله اثبات قانونی بر وقوع جرائم منافی عفت و انکار مُتَّهَم (اصل بر این است که) هرگونه تحقیق و بازجویی (به صورت مطلق بیان شده است و این ممنوعیت چه از جانب ضابطین قضائی و چه از جانب مقام قضائی ممنوع است) جهت کشف امور پنهان و مستور از انظار ممنوع است. موارد احتمال ارتكاب با عُنْف، اکراه، آزار، رُبایش یا اغفال یا مواردی که به موجب این قانون در حُكْم ارتكاب به عُنْف است

از شمول این حکم مُستثنی است. (رجوع کنید به ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴).

فصل سوم - قَوّادی

ماده ۲۴۲ - تعریف قَوّادی

قَوّادی (جرمی مقید به نتیجه است و باید زنا و یا لواط صورت گیرد و برای تحقق آن باید سوءنیت خاص وجود داشته باشد) عبارت از به هم رساندن (به نظر می‌رسد این به هم رساندن با رضایت طرفین باشد نه اکراه یا اجبار یا ربایش یک نفر برای عمل زنا یا لواط با نفر دیگر) دو یا چند نفر برای زنا یا لواط است. (توجه داشته باشید که در ماده فقط زنا و لواط مورد اشاره قرار گرفته است پس به هم رساندن دو یا چند نفر برای انجام تفخیز یا مساحقه مشمول قوادی نمی‌شود).

تبصره ۱-

حدّ قَوّادی منوط به تحقق زنا یا لواط است (بیانگر مقید بودن جرم قوادی است) در غیر این صورت (یعنی چنانچه عمل زنا یا لواط صورت نگیرد حد قوادی ساقط و عامل مستحق تعزیر می‌شود) عامل، (منظور قواد است) مستوجب تعزیر مقرر در ماده (۲۴۴) این قانون است.

تبصره ۲-

در قَوّادی، تکرار عمل، شرط تحقق جرم نیست. (به عبارت دیگر قوادی جرمی به عادت نیست بلکه عنصر مادی آن به صورت آنی محقق می‌شود).

نکته ۱- قوادی عبارت است از جمع و مرتبط کردن دو نفر یا بیش‌تر برای زنا یا لواط.

ماده ۲۴۳ - حدّ قَوّادی

حدّ قَوّادی برای مرد هفتاد و پنج ضربه شلاق است و برای بار دوم علاوه بر هفتاد و پنج ضربه شلاق به عنوان حدّ، به تبعید تا یک سال نیز محکوم می‌شود که مدت آن را قاضی مشخص می‌کند و برای زن (همواره) فقط هفتاد و پنج ضربه شلاق است. (مگر اینکه تکرار شود که حد آن در مرتبه‌ی چهارم اعدام است) (در قانون سابق برای مرد ۷۵ ضربه شلاق و تبعید و برای زن ۷۵ ضربه شلاق).

ماده ۲۴۴ - جمع میان نابالغان برای زنا یا لواط

کسی که دو یا چند نابالغ را برای زنا یا لواط به هم برساند مستوجب حدّ نیست لیکن به سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود. (همچنین است در صورت عدم تحقق نتیجه‌ی جرم قوادی).

فصل - چهارم - قَذَف

ماده ۲۴۵ - تعریف قَذَف

قَذَف عبارت است از نسبت دادن زنا یا لواط به شخص دیگر هرچند مُرده باشد (قذف هم حق‌الله است و هم حق‌الناس، لیکن حق‌الناس بودن آن ارجح می‌باشد).

(اگر زنی، مردی را متهم به زنا یا لواط کند و نتواند اثبات نماید در صورت شکایت آن مرد، زن محکوم به حد قذف خواهد شد) (نظریه مشورتی).

نکته ۱- قذف عبارت است از نسبت دادن زنا یا لواط به شخص دیگری.

نکته ۲- قذف حق‌الناس است (قذف از حدود است و اجرای آن منوط به مطالبه‌ی مقذوف می‌باشد).

نکته ۳- کسی که به دیگری نسبت زنا می‌دهد، مرتکب جرم قذف می‌شود.

ماده ۲۴۶ - لزوم روشن بودن معنای قَذَف

قَذَف باید روشن و بدون ابهام بوده (یعنی صریح و واضح باشد)، نسبت دهنده به معنای لفظ آگاه و قصد انتساب داشته باشد گرچه مقذوف یا مخاطب در حین قذف از مفاد آن آگاه نباشد.

تبصره -

قَذْف علاوه بر لفظ با نوشتن، (وسایل ارتکاب جرم قذف طریقت دارد نه موضوعیت) هرچند به شیوه الکترونیکی نیز محقق می‌شود.

نکته ۱- شرط اینکه قذف کننده باید بالغ، عاقل، قاصد، مختار و عالم به عمل خود باشد، در مورد مرتکب جرم قذف از نظر قانون مجازات اسلامی ایران ضروری است.

ماده ۲۴۷ - قَرَف مادر، فرزند فور

هرگاه کسی به فرزند مشروع خود بگوید «تو فرزند من نیستی» و یا به فرزند مشروع دیگری بگوید «تو فرزند پدرت نیستی»، قَذْف مادر وی محسوب می‌شود.

نکته ۱- هرگاه کسی به فرزند مشروع خود بگوید «تو فرزند من نیستی» مرتکب جرم قذف شده است.

ماده ۲۴۸ - منظور نبورن قَرَف

هرگاه قرینه‌ای در بین باشد که مشخص گردد منظور قذف نبوده است، حد ثابت نمی‌شود. (مرتکب در این خصوص حسب مورد، مستحق تعزیر خواهد بود).

ماده ۲۴۹ - قَرَف مخاطب

هرگاه کسی به دیگری بگوید «تو با فلان زن زنا یا با فلان مرد لواط کرده‌ای» فقط نسبت به مخاطب، قاذف محسوب می‌شود.

ماده ۲۵۰ - مَر قَرَف

حد قَذْف، هشتاد ضربه شلاق است. (این شلاق از باب حد است و به استناد بند پ ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی موجب محرومیت اجتماعی به مدت ۲ سال می‌گردد).

نکته ۱- مجازات جرم قذف حدی است، گرچه قذف از حق الناس است.

نکته ۲- حد قذف برای قذف کننده‌ی مرد یا زن هشتاد تازیانه است.

ماده ۲۵۱ - شرایط قَرَف شویده

قَذْف در صورتی موجب حد می‌شود که قذف‌شونده در هنگام قذف، بالغ، عاقل، مسلمان، معین و غیرمتظاهر به زنا یا لواط باشد. تبصره ۱-

هرگاه قذف‌شونده، نابالغ، مجنون، غیرمسلمان یا غیرمعین باشد قذف‌کننده به سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش محکوم می‌شود لکن قذف متظاهر به زنا یا لواط، مجازات ندارد.

تبصره ۲-

قَذْف کسی که متظاهر به زنا یا لواط است نسبت به آنچه متظاهر به آن نیست موجب حد است مثل نسبت دادن لواط به کسی که متظاهر به زنا است.

نکته ۱- بلوغ، عقل، مسلمان و عقیف بودن او، شروط مربوط به قذف‌شونده است.

نکته ۲- قذف در صورت فرزند بودن قاذف نسبت به مقذوف مجازات حدی ندارد.

نکته ۳- در صورت به امر نسبت داده‌شده به متظاهر بودن مقذوف، به امر نسبت داده‌شده قاذف با داشتن مسئولیت، تعقیب کیفری نمی‌شود.

نکته ۴- اگر کسی بگوید که شخص الف وقتی ۸ ساله بود مرتکب جرم لواط شده است، مجازاتش ۳۱ تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیری است.

ماده ۲۵۲ - انتساب الفاظی غیر از زنا یا لواط

کسی که به قصد نسبت دادن زنا یا لواط به دیگری، الفاظی غیر از زنا یا لواط به کار برد که صریح در انتساب زنا یا لواط به افرادی از قبیل همسر، پدر، مادر، خواهر یا برادر مخاطب باشد، نسبت به کسی که زنا یا لواط را به او نسبت داده است، محکوم به حد قذف و درباره مخاطب اگر به علت این انتساب اذیت شده باشد، به مجازات توهین محکوم می‌گردد. (رجوع کنید به تبصره ماده ۱۳۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲).

نکته ۱- اگر کسی به قصد نسبت دادن زنا یا لواط به دیگری، الفاظی به کار برد که صریح در انتساب زنا یا لواط به خواهر یا برادر مخاطب باشد، نسبت به کسی که زنا یا لواط متوجه او شده، جرم قذف و نسبت به مخاطب، جرم توهین محقق شده است.

ماده ۲۵۳ - انتساب زنا یا لواط غیر موجب قَرَف

هرگاه کسی زنا یا لواطی که موجب حد نیست مانند زنا یا لواط در حال اکراه یا عدم بلوغ را به دیگری نسبت دهد به سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش محکوم می‌شود.

ماده ۲۵۴ - نسبت دادن به شخص مَلُوم به زنا یا لواط

نسبت دادن زنا یا لواط به کسی که به خاطر همان زنا یا لواط محکوم به حد شده است، قبل از توبه مقذوف، مجازات ندارد. (معنی مخالف: یعنی بعد از توبه مقذوف، برای قاذف مجازات در نظر گرفته می‌شود).

ماده ۲۵۵ - حق الناس بودن قَرَف

حد قَذف حق الناس (با توجه به اینکه قذف حق الناس است با توبه‌ی قاذف مجازات ساقط نمی‌شود. رجوع کنید به مواد ۱۱۴ و ۱۱۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) است و تعقیب و اجرای مجازات منوط به مطالبه مقذوف است. در صورت گذشت مقذوف در هر مرحله، حسب مورد تعقیب، رسیدگی و اجرای مجازات موقوف می‌شود. (از جمله جرائم قابل گذشت می‌باشد مستند به ماده ۱۰۴ ق.م.ا).

نکته ۱ - مجازات حد قذف، منوط به مطالبه‌ی شاکی است.

ماده ۲۵۶ - قَرَف چند نفر هرگاه

کسی که چند نفر را به طور جداگانه قذف کند خواه همه آن‌ها با هم خواه جداگانه شکایت کنند، در برابر قذف هر یک، حد مستقلاً بر او جاری می‌شود.

ماده ۲۵۷ - قَرَف چند نفر با یک لفظ

کسی که چند نفر را به یک لفظ قذف نماید هر کدام از قذف شوندگان می‌تواند جداگانه شکایت نماید و در صورت صدور حکم محکومیت، اجرای آن را مطالبه کند. چنانچه قذف شوندگان یکجا شکایت نمایند بیش از یک حد جاری نمی‌شود.

نکته ۱ - هرگاه شخصی چند نفر را به یک لفظ قذف نماید، اگر هر کدام از آن‌ها جداگانه مطالبه‌ی حد قذف نمایند، برای هر یک از آن‌ها حد جداگانه‌ای اعمال می‌گردد، ولی اگر همه آن‌ها یکجا خواهان حد شوند، فقط یک حد جاری می‌گردد.

ماده ۲۵۸ - تعدد قَرَف

کسی که دیگری را به یک یا چند سبب، یک‌بار یا بیشتر قبل از اجرای حد، قذف نماید فقط به یک حد محکوم می‌شود، لکن اگر پس از اجرای حد، قذف را تکرار نماید حد نیز تکرار می‌شود و اگر بگوید آنچه گفته‌ام حق بود به سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش محکوم می‌گردد.

نکته ۱ - کسی که به دیگری چندبار نسبت ارتکاب زنا داده است، مجازات وی این‌گونه است که فقط یک حد علیه وی ثابت می‌شود.

نکته ۲ - چنانچه قاذف پس از اثبات جرم قذف و اجرای آن، حقانیت اسناد قذف را تصریح نماید، صرفاً به تعزیر محکوم می‌شود.

ماده ۲۵۹ - قَرَف فرزند

پدر یا جد پدری که فرزند یا نوه خود را قذف کند به سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش محکوم می‌گردد. (حد قذف ساقط می‌شود در این مورد و حد تبدیل به تعزیر می‌شود).

ماده ۲۶۰ - به ارث رسیدن حد قَرَف

حد قذف اگر اجرا نشده و مقذوف نیز گذشت نکرده باشد به همه ورثه به غیر از همسر منتقل می‌گردد و هر یک از ورثه می‌تواند تعقیب و اجرای آن را مطالبه کند هر چند دیگران گذشت کرده باشند. (گذشت برخی از ورثه سبب هیچ مقداری از حد قذف نمی‌گردد). در صورتی که قاذف، پدر یا جد پدری وارث باشد، وارث نمی‌تواند تعقیب متهم یا اجرای حد را مطالبه کند.

نکته ۱ - مثال: هرگاه مردی، زن خود را قذف کند، فرزند یا فرزندان وی نمی‌توانند علیه پدر خود اجرای حد قذف را مطالبه کنند.

نکته ۲ - حد قذف اگر اجرا نشده و مقذوف نیز گذشت نکرده باشد، به همه‌ی ورثه، غیر از همسر منتقل می‌شود.

ماده ۲۶۱ - موارد سقوط حد قَرَف

در موارد زیر (این موارد حصری‌اند و نه تمثیلی) حد قذف در هر مرحله از مراحل تعقیب، رسیدگی و اجرا ساقط می‌شود:

الف - هرگاه مقذوف، قاذف را تصدیق نماید.

ب - هرگاه آنچه به مقذوف نسبت داده شده با شهادت یا علم قاضی اثبات شود.

پ - هرگاه مقذوف و در صورت فوت وی، ورثه او، گذشت کند. (جزو جرائم قابل گذشت است)

ت- هرگاه مردی زنش را پس از قذف به زناى پيش از زوجیت یا زمان زوجیت لعان کند.
ث- هرگاه دو نفر یکدیگر را قذف کنند، خواه قذف آنها همانند، خواه مختلف باشد.
تبصره-

مجازات مرتکبان در بند (ث)، سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش است (از باب تعزیر نه از باب حد).

نکته ۱- اثبات صحت اسناد در جرم قذف، موجب سقوط حد قذف می‌گردد.

نکته ۲- هرگاه قذف شونده یا همه‌ی ورثه‌ی او، قذف را موکول به قسم قذف کننده نمایند، حد قذف ساقط نمی‌شود.

نکته ۳- در خصوص مجازات دو نفر که یکدیگر را با الفاظ متفاوتی قذف می‌کنند باید گفت که حد قذف ساقط و هر دو تعزیر می‌شوند.

نکته ۴- هرگاه دو نفر یکدیگر را قذف کنند، خواه قذف آنها همانند و خواه مختلف باشد، حد ساقط و هر یک تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر می‌شوند.

فصل پنجم - سبّ نبی

ماده ۲۶۲ - (دُشنام به انبیاء عظام (ر.ک ماده ۱۳۳ ق.م.ا.ب.ف.ش تعزیرات)

هر کس پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلم و یا هر یک از انبیاء عظام الهی (منظور همه‌ی پیامبران الهی است نه فقط پیامبران اولوالعظم) را دُشنام دهد یا قذف کند سبّ‌النبی است و به اعدام (این اعدام از باب حد است نه تعزیر و قصاص) محکوم می‌شود.

تبصره -

قذف هر یک از ائمه معصومین علیهم‌السلام و یا حضرت فاطمه زهرا سلام‌الله علیها یا دُشنام به ایشان در حکم سبّ نبی است.

(در خصوص عدم شمول سب نسبت به عمل مرتکب رجوع کنید به ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵).

ماده ۲۶۳ - اعلام بھوات عذر در سبّ‌النبی

هرگاه مُتَّهَم به سبّ، ادّعاء (صرف ادعا موجب سقوط حد است؛ زیرا ادعاء ایجاد شبهه است و شبهه مسقط حد است) نماید که اظهارات وی از روی اکراه، غفلت، سهو یا در حالت مستی یا غَضَب یا سَبَقِ لِسَان (اشتباه لفظی) یا بدون توجه به معانی کلمات و یا نقل قول از دیگری بوده است سبّ‌النبی محسوب نمی‌شود.

تبصره -

هرگاه سبّ، در حالت مستی یا غَضَب یا به نقل از دیگری باشد و صدق اهانت کند موجب تعزیر تا هفتاد و چهار ضربه شلاق است. (رجوع کنید به مواد ۱۲۰ و ۱۲۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در خصوص اعمال قاعده در آن).

فصل ششم - مصرف مُسکِر

ماده ۲۶۴ - مصرف مُسکِر

مصرف مُسکِر از قبیل خوردن، تزریق و تدخین (به معنی دود کردن و استنشام) آن کم باشد یا زیاد، جامد باشد یا مایع، مست کند یا نکند، (شرب خمر جرمی مطلق است که نتیجه، مستی یا عدم مستی تأثیری در مجازات ندارد) خالص باشد یا مخلوط به گونه‌ای که آن را از مُسکِر بودن خارج نکند، موجب حدّ است.

تبصره -

خوردن فُقاع (آب جو مُسکِر) موجب حدّ است هرچند مستی نیآورد.

نکته ۱- تزریق ماده‌ی سکرآور، موجب حد است.

نکته ۲- خوردن مسکر موجب حد است در صورتی که خورنده بالغ و عاقل و مختار و آگاه به مسکر بودن و حرام بودن آن باشد.

نکته ۳- در جرم شرب خمر، عنصر مادی فقط از طریق یک نفر محقق می‌شود.

نکته ۴- شخصی مشروب لیوانی را به تصور (قصد) اینکه شراب است، می‌خورد لیکن بعداً معلوم می‌شود که شراب نبوده و آب بوده است. در این فرض عمل ارتكابی تجری نام دارد.

نکته ۵- شخصی در حال شرب خمر به وسیله‌ی ضابطان دادگستری دستگیر می‌شود، در رسیدگی‌هایی که به عمل می‌آید، ثابت می‌شود که وی سه بار دیگر مرتکب زنا‌ی غیرمحصن شده، بدون اینکه حد زناهای قبلی درباره‌ی او جاری شده باشد. در این صورت دادگاه رسیدگی‌کننده به عنوان اجرای حدود باید او را به یک‌صد و هشتاد ضربه شلاق محکوم کند و نه اعدام.

نکته ۶- در شرب خمر عنصر مادی فقط از طریق یک نفر محقق می‌شود در نتیجه بحث مشارکت منتفی است.

ماده ۲۶۵ - *قَرَّ مُسْکِرٌ*

خَدَّ مَصْرَفِ مُسْکِرٍ، هشتاد ضربه شلاق است. (موجب محرومیت اجتماعی به مدت ۲ سال به استناد بند پ ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی می‌گردد).

ماده ۲۶۶ - *تَظَاهِرٌ غَیْرِ مُسْلِمَانٍ بِهٖ مَصْرَفِ مُسْکِرٍ*

غیرمسلمان تنها در صورت تظاهر به مصرف مسکر، محکوم به حد می‌شود (یعنی در صورت تظاهر حد بر وی جاری می‌شود نه تعزیر).

تبصره -

اگر مصرف مسکر توسط غیرمسلمان، علنی نباشد لکن مرتکب در حال مستی در معابر یا اماکن عمومی ظاهر شود به مجازات مقرر برای تظاهر به عمل حرام محکوم می‌گردد. (رجوع کنید به ماد ۶۳۸ و ۷۰۱ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵).

نکته ۱- اگر غیرمسلمان در حال مستی در اماکن عمومی ظاهر شود به مجازات تظاهر به عمل حرام محکوم می‌شود.

فصل هفتم - سرقت

ماده ۲۶۷ - *تَعْرِیْفُ سَرَقَتٍ*

سرقت عبارت از ربودن (ربودن دارای ۲ جنبه است: مادی: وضع ید و تصرف مال و معنوی: سوءاستفاده از عدم توجه صاحب مال) مال مُتَعَلِّقٌ به غیر است. (سرقت از سارق، ادامه‌ی غضب ناشی از سرقت مال غیر توسط ثالث است و خود سرقت تلقی نمی‌شود).

نکته ۱- سرقت، عبارت است از ربودن مال منقول متعلق به غیر.

نکته ۲- گذشت شاکی بعد از صدور حکم، در جرم سرقت مشمول حد مؤثر نیست و حد جاری می‌شود.

ماده ۲۶۸ - *شُرَاطُ سَرَقَتِ قَرِّی*

سرقت در صورتی که دارای تمام شرایط زیر باشد موجب حد است:

الف - شیء مسروق شرعاً مالیت داشته (در زمان ارتکاب سرقت مدنظر است) باشد.

ب - مال مسروق در جرز باشد.

پ - سارق هتک جرز (قانون‌گذار ما فقط حرز مکانی را قبول کرده و قابل استناد دانسته است) کند.

ت - سارق مال را از جرز خارج (در خصوص خارج کردن باید بین ۲ مسئله تفکیک قائل شد مثلاً: اگر مالی را از جیب کسی خارج کند سرقت

محقق شده است ولی اگر مال را در منزل بردارد ولی هنوز از خانه خارج نشده است، باید آن را شروع به سرقت برشمرد) کند.

ث - هتک جرز و سرقت مخفیانه باشد.

ج - سارق پدر یا جد پدری صاحب مال نباشد. (رجوع کنید به ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی).

چ - ارزش مال مسروق در زمان اخراج از جرز، معادل چهار و نیم نخود طلای مسکوک باشد.

ح - مال مسروق، از اموال دولتی یا عمومی، وقف عام و یا وقف بر جهات عامه نباشد (چنین سرقتی تعزیری است).

خ - سرقت در زمان قحطی صورت نگیرد (به صورت مطلق بیان شده و احتیاجی به مضطر بودن یا نبودن سارق نیست).

د - صاحب مال از سارق نزد مرجع قضائی شکایت کند. (تحقق سرقت مستلزم شکایت شاکی خصوصی نیست بلکه مستلزم احراز عدم رضایت صاحب مال است).

ذ - صاحب مال قبل از اثبات سرقت سارق را نبخشد. (مطابق بند د و ذ این ماده اگر صاحب مال شکایت نکند یا قبل از اثبات جرم مرتکب را ببخشد حد جاری نمی‌شود)

ر- مال مسروق قبل از اثبات سرقت تحت ید مالک قرار نگیرد. (استرداد مال پس از سرقت نافی عمل سرقت نیست بلکه آن را از سرقت مشمول حد خارج می‌سازد).

ز- مال مسروق قبل از اثبات جرم به ملکیت سارق در نیاید.

ژ- مال مسروق از اموال سرقت شده یا مغضوب نباشد.

نکته ۱- شکستن حرز در صورتی از شرایط سرقت موجب حد است که برای مال مناسب و سارق خود آن را شکسته و مال را خارج نماید.

نکته ۲- در سرقت موجب حد علاوه بر سایر شرایط، شرط اینکه سارق پدر صاحب مال نباشد لازم الرعایه است.

نکته ۳- شرایط:

(۱) مخفیانه بودن ربایش

(۲) مخفیانه بودن هتک حرز

(۳) رسیدن سهم شریک به حد نصاب برای مستوجب حد شدن سرقت ضروری است.

نکته ۴- گذشت شاکی بعد از صدور حکم، در جرم سرقت مشمول حد، مؤثر نیست و حد جاری می‌شود.

نکته ۵- در صورتی می‌توان شرکت کننده در یک سرقت دسته جمعی را به ارتکاب سرقت مستوجب حد محکوم کرد که شرکت داشتن وی در عمل ربایش و شرکت داشتن وی در هتک حرز و رسیدن سهم وی به حد نصاب محرز باشد.

نکته ۶- اگر کسی در حال مستی، مرتکب سرقت مشمول حد شود با فقدان قصد، فاقد مسؤلیت کیفری است.

ماده ۲۶۹- تعریف حرز

حرز عبارت از مکان متناسبی است که مال عرفاً در آن از دستبرد محفوظ می‌ماند. (خیابان حرز ماشین پارک شده در آن و حسب مورد وسایل موجود بر روی صندلی ماشین نمی‌باشد هر چند با شکستن شیشه‌ی ماشین آن وسایل ربوده شوند، همچنین است سیستم صوتی روی ماشین).

نکته ۱- سرقت اتومبیلی که در کنار خیابان پارک شده و درب آن قفل شده است، سرقت موجب تعزیر است.

نکته ۲- در جرم سرقت، تناسب حرز با مال بیش تر توسط عرف مشخص می‌شود.

نکته ۳- حرز در قانون مجازات اسلامی یعنی محل نگهداری مال به منظور حفظ از دستبرد.

ماده ۲۷۰- سرقت از حرز مغضوب

در صورتی که مکان نگهداری مال از کسی غصب شده باشد، نسبت به وی و کسانی که از طرف او حق دسترسی به آن مکان را دارند، حرز محسوب نمی‌شود. (و اگر چنانچه مالی در آن مکان ربوده شود مشمول سرقت تعزیری می‌گردد).

ماده ۲۷۱- هتک حرز

هتک حرز (می‌تواند به ۲ صورت مادی و معنوی باشد، مادی مثل شکستن و تخریب و معنوی مثل باز کردن با کلید یا هر وسیله‌ی دیگر و یا ورود با حیله و تقلب مثلاً جازدن خود به جای مأمور خواندن کنتور) عبارت از نقض غیرمجاز حرز است که از طریق تخریب دیوار یا بالا رفتن از آن یا بازکردن یا شکستن قفل و امثال آن (تمثیلی است پس حصری نیست) محقق می‌شود.

ماده ۲۷۲- خارج کردن مال با وسیله بی‌اراده از حرز

هرگاه کسی مال را توسط مجنون، طفل غیر ممیز، حیوان یا هر وسیله بی‌اراده‌ای از حرز خارج کند (مانند اینکه شخصی به وسیله یک میمون دست‌آموز طلا را از منزل همسایه برداشته باشد) مباشر محسوب می‌شود و در صورتی که مباشر طفل ممیز باشد رفتار آمر حسب مورد مشمول یکی از سرقت‌های تعزیری است. (ر.ک ماده ۱۲۸ ق.م.ا).

نکته ۱- کودک غیر ممیزی با بازکردن درب بسته‌ی فروشگاه، مالی را از فروشگاه بیرون می‌آورد و پدرش آن را در خارج از فروشگاه از او می‌گیرد. در مورد اتهام پدر می‌توان گفت که پدر ممکن است با وجود شرایطی، به سرقت مستوجب حد محکوم شود.

نکته ۲- فردی که توسط یک میمون تربیت شده، یک قطعه طلا از منزل همسایه برداشته است، مباشرت در سرقت نموده است.

(مباشرت معنوی)

نکته ۳- چنانچه ربودن مال دیگری بالمباشره نبوده و به وسیله‌ی کودک، حیوان و سایر وسایل انجام پذیرد، تأثیری در تحقق عنوان مجرمانه نداشته و این موارد در حکم مباشرت در جرم است.

نکته ۴- عنوان استفاده از اشخاص فاقد مسؤولیت کیفری و یا حیوانات در ارتکاب جرم مباشرت مادی و معنوی در جرم است.

نکته ۵- در صورتی که شخصی مال را توسط صغیر ممیز از حرز خارج کند، مباشر محسوب می‌شود و در صورت وجود شرایط دیگر، مستوجب حد است.

ماده ۲۷۳ - میرزهای متعدّد

در صورتی که مال در حرزهای متعدّد باشد، ملاک، اخراج از بیرونی‌ترین حرز است. (هتک حرز باید برای خروج از حرز باشد و در مورد این ماده آخرین حرز برای خروج پس از سرقت مدنظر است).

ماده ۲۷۴ - لزوم تحقق نصاب در یک سرقت

ربایش مال به اندازه نصاب باید در یک سرقت انجام شود.

ماده ۲۷۵ - سرقت مال به طور مشترک

هرگاه دو یا چند نفر به طور مشترک مالی را برابیند باید سهم جداگانه هر کدام از آن‌ها به حد نصاب برسد.

ماده ۲۷۶ - سرقت فاقده شرایط عری

سرقت در صورت فقدان هریک از شرایط موجب حدّ، حسب مورد مضمول یکی از سرقت‌های تعزیری است.

ماده ۲۷۷ - سرقت توسط شریک

هرگاه شریک یا صاحب حقّ، بیش از سهم خود، سرقت نماید و مازاد بر سهم او به حدّ نصاب برسد، مستوجب حدّ است.

نکته ۱- هرگاه شریک مال مشترک را سرقت نماید، چنانچه بیش از سهم خود سرقت کرده باشد و مازاد او به حد نصاب برسد، مستوجب سرقت می‌باشد.

نکته ۲- هرگاه شریک به بیش از سهم خود از مال مشاع سرقت نماید، چنانچه مازاد بر سهم او به حد نصاب برسد، مستوجب حد است همچنین است در صورتی که شریک بیش از سهم خود از مال مشاع سرقت نماید پس سرقت حدی در مورد مال مشاع تحقق پیدا می‌کند اما سرقت تعزیری در مال مشاع تحقق پیدا نمی‌کند (محل اختلاف است).

ماده ۲۷۸ - مَرّ سرقت

حدّ سرقت به شرح زیر است:

الف- در مرتبه اول، قطع چهار انگشت دست راست سارق از انتهای آن است، به طوری که انگشت شست و کف دست باقی بماند.

ب- در مرتبه دوّم، قطع پای چپ سارق از پایین برآمدگی است، به نحوی که نصف قدّم و مقداری از محلّ مسح باقی بماند.

پ- در مرتبه سوّم، حبس ابد است.

ت- در مرتبه چهارم، اعدام است هر چند سرقت در زندان باشد.

تبصره ۱-

هرگاه سارق، (مطلق عدم مدنظر است، پس در صورت شل یا فلج بودن عضو، حد بر همان عضو اجرا می‌گردد) فاقد عضو متعلّق قطع باشد، حسب مورد مضمول یکی از سرقت‌های تعزیری می‌شود.

تبصره ۲-

در مورد بند (پ) این ماده و سایر حبس‌هایی که مضمول عنوان تعزیر نیست هرگاه مرتکب حین اجرای مجازات توبه نماید و مقام رهبری آزادی او را مصلحت بداند با عفو ایشان از حبس آزاد می‌شود. همچنین مقام رهبری می‌تواند مجازات او را به مجازات تعزیری دیگری تبدیل نماید.

نکته ۱- مجازات سومین بار سرقت موجب حدّ، عبارت است از: حبس ابد.

نکته ۲- هرگاه در سرقت مستوجب حدّ، سارق فاقد دست راست باشد، وی تعزیر می‌شود.

فصل هشتم - مُحاربه

ماده ۲۷۹ - تعریف مُحاربه

مُحاربه عبارت از کشیدن سلاح (به صورت مطلق بیان شده و صرف کشیدن هرچند استفاده نکند مشمول محاربه است. سلاح اعم است از گرم یا سرد) به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا إرعاب آنها است، به نحوی که موجب ناامنی (یعنی قصد محارب باید عمومیت داشته باشد) در محیط گردد. (محاربه جرمی مقید (محل اختلاف است اما اکثراً اعتقاد به مطلق بودن آن دارند) به نتیجه که همان ایجاد ناامنی می‌باشد است و محاربه جرمی علیه امنیت و آسایش عمومی است) هرگاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد (اوضاع و احوال حاکم بر تحقق جرم محاربه عمومیت داشتن است) و نیز کسی که به روی مردم سلاح بکشد، ولی در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود، مُحارب محسوب نمی‌شود.

نکته ۱- تأثیر مکان در تحقق جرم محاربه بدین نحو است که مکان خاصی در تحقق جرم، شرط نیست.

نکته ۲- محاربه جرمی است علیه امنیت و آسایش عمومی با سوءنیت خاص.

نکته ۳- تحقق جرم محاربه نیاز به ترس در تعداد زیادی از مردم ندارد.

نکته ۴- اگر کسی سلاح خود را به انگیزه‌ی عداوت شخصی به سوی شخص معین بکشد، اگر جنبه‌ی عمومی نداشته باشد، محاربه محسوب نمی‌شود.

نکته ۵- برای تحقق جرم محاربه، داشتن مذهب خاص برای طرفین جرم شرط نیست.

نکته ۶- در رابطه با این ماده به رأی وحدت رویه ۵۴۱-۱۰/۴-۱۳۶۹ هیئت عمومی دیوان عالی کشور رجوع کنید.

نکته ۷- محارب باید قصد برهم زدن امنیت داشته باشد که این قصد سوءنیت خاص محسوب می‌شود، سوءنیت عام در این جرم کشیدن سلاح است.

نکته ۸- در جرم محاربه علاوه بر سوءنیت عام، یعنی عمد در کشیدن سلاح، سوءنیت خاص یعنی تعرض به جان مال یا ناموس مردم، برای تحقق این جرم ضرورت دارد (دکتر حسین میرمحمد صادقی- جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی ص ۴۸).

ماده ۲۸۰ - استغاره از اسلحه برای مقابله با مُحاربان

فرد یا گروهی که برای دفاع و مقابله با مُحاربان، دست به اسلحه ببرد مُحارب نیست. (به علت فقدان سوءنیت خاص مشمول تعریف محارب نمی‌شود، درست اما عنوان محارب بر آنها صدق نمی‌کند ولی عمل ارتكابی آنها جرم است و قابل مجازات مگر اینکه مصداق دفاع مشروع باشد).

نکته ۱- برای تحقق جرم محاربه، داشتن مذهب خاص برای طرفین جرم شرط نیست و همچنین است مکان خاص در تحقق جرم محاربه.

ماده ۲۸۱ - سلب امنیت مردم با اسلحه

راهزنان، سارقان و قاچاقچیان که دست به سلاح ببرند و موجب سلب امنیت مردم و راه‌ها شوند محارب‌اند. (دقت شود موارد مذکور در این ماده خود محارب‌اند نه در حکم محارب چراکه اولاً دست به سلاح برده‌اند و ثانیاً موجب ایجاد ناامنی در راه‌ها و سلب امنیت مردم شده‌اند) (رجوع کنید به ماده ۶۵۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات).

نکته ۱- قطع طریق، اگر موجب برهم زدن امنیت مردم شود، در حکم محاربه است.

نکته ۲- در جرائم در حکم محاربه، مجازات محاربه، به جرم در حکم محاربه تسری پیدا می‌کند.

نکته ۳- مجازات محاربه و افساد فی الارض، قتل است؛ و سایر موارد مجازات آن عبارت‌اند از: آویختن به دار، اول قطع دست راست و سپس پای چپ و نفی بلد.

نکته ۴- نفی بلد و تبعید در محاربه، از انواع مجازات اصلی می‌باشند.

ماده ۲۸۲ - قَرَّ مُحاربه

حَدِّ مُحَارَبَةٍ یکی از چهار مجازات زیر است: (انتخاب یکی از چهار مجازات مقرر در این ماده کاملاً در اختیار قاضی است و احتیاجی به رعایت ترتیب نیست).

الف - اعدام

ب - صلب

پ - قطع دست راست و پای چپ

ت - نَفَى بَلَد (یا تبعید در محاربه جزو مجازات‌های اصلی‌اند)

(به استناد بند ب ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی موجب محرومیت از حقوق اجتماعی به مدت ۳ سال می‌گردد)

نکته ۱- نفی بلد در این مورد با نفی بلد (تبعید) در جرم زنا قبل از دخول برای بار اول متفاوت است بدین نحو که در این نفی بلد مراد و معاشرت منع شده است.

نکته ۲- مجازات تبعید در جرم‌های: قوادی، زنا، محاربه و افساد فی الارض که از جرم‌های مشمول حد هستند آمده است.

نکته ۳- محاربه و افساد فی الارض با یک‌بار اقرار مشروط به آنکه اقرارکننده دارای شرایط عامه‌ی تکلیف باشد ثابت می‌شود.

ماده ۲۸۳ - انتحاب مجازات‌ها توسط قاضی

انتخاب هر یک از امور چهارگانه مذکور در ماده (۲۸۲) به اختیار قاضی است (منظور قاضی صادرکننده حکم محاربه است).

ماده ۲۸۴ - مَرَّت نَفَى بَلَد

مَدَّت نَفَى بَلَد در هر حال کمتر از یک سال نیست، (یعنی حداقل آن یکسال است) اگرچه مُحَارَب بعد از دستگیری توبه نماید و در صورتی که توبه نکند همچنان در تبعید باقی می‌ماند.

ماده ۲۸۵ - مراقبت از مُحَارَب در مَرَّت نَفَى بَلَد

در نَفَى بَلَد، مُحَارَب باید تحت مراقبت قرار گیرد و با دیگران مُعَاشِرَت، مُرَاوِد و رِفَت و آمد نداشته باشد (منع معاشرت و مراد و تبعید در این خصوص از مصادیق مجازات تبعی است در تبعید برای زنا پیش از دخول و قوادی مرد در مرتبه‌ی دوم این ممنوعیت وجود ندارد).

فصل نهم - بَغَى و افساد فی الارض

ماده ۲۸۶ - تعریف مُفسِد فی الارض

هر کس به‌طور گسترده، مُرْتَكِبِ جِنَايَتِ عَلَيْهِ تمامیت جسمانی افراد، جَرَّائِمِ عَلَيْهِ امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر آکاذیب (اعم از اینکه در شبکه‌های مجازی باشد یا به صورت سنتی)، اخلال در نظام اقتصادی کشور، إحراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد به‌گونه‌ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشاء در حد وسیع گردد مُفسِدِ فی الارض (افساد فی الارض جرمی مقید به نتیجه است) محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد.

تبصره -

هرگاه دادگاه از مجموع ادله و شواهد قصد اخلال گسترده در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمده و یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع و یا علم به مؤثر بودن اقدامات انجام‌شده را إحراز نکند و جرم ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد، با توجه به میزان نتایج زیانبار جرم، مُرْتَكِبِ به حبس تعزیری درجه پنج یا شش محکوم می‌شود.

ماده ۲۸۷ - قیام مسلمانان در مقابل نظام (بغی)

گروهی که در برابر اساس (یعنی جمهوریت و اسلامیت نظام) نظام جمهوری اسلامی ایران، قیام مسلحانه کند باغی (جرم بغی جرمی مطلق است و در صورت استفاده از سلاح هر چند صدمه‌ای به کسی وارد نکند مرتکب شناخته شده و به مجازات اعدام محکوم می‌شود) محسوب می‌شود و در صورت استفاده از سلاح، (یعنی هم خود گروه باید از سلاح استفاده کرده باشد هم خود عضو) اعضای آن به مجازات اعدام محکوم می‌گردند.

ماده ۲۸۸ - دستگیری اعضای گروه باغی

هرگاه اعضای گروه باغی، قبل از درگیری و استفاده از سلاح، دستگیر شوند، چنانچه سازمان و مرکزیت آن وجود داشته باشد به حبس تعزیری درجه سه و در صورتی که سازمان و مرکزیت آن از بین رفته باشد به حبس تعزیری درجه پنج محکوم می‌شوند (اعضای گروه باغی در هر صورت محکوم به مجازات حبس تعزیری می‌شوند اما در شرایط خاص با درجه‌های متفاوت).

نکته ۱- اعضای گروه باغی، در هر صورت متحمل حبس تعزیری می‌شوند.

نکته ۲- هرگاه گروهی که در برابر اساس جمهوری اسلامی ایران قیام مسلحانه کرده‌اند، قبل از درگیری و استفاده از سلاح دستگیر شوند، مشمول مجازات تعزیر خواهند شد.

کتاب سوّم - قصاص

بخش اوّل - موادّ عمومی

فصل اوّل - اقسام و تعاریف جنایات

ماده ۲۸۹ - اقسام جنایات

جنایت بر نفس، عضو و منفعت (ممکن است بالمباشره باشد موضوع ماده ۴۹۳ یا به تسبیب موضوع ماده ۵۰۶ قانون مجازات اسلامی (در خصوص جنایت بر منفعت رجوع کنید به مواد ۶۷۵ الی ۷۰۸ قانون مجازات اسلامی بخش دیات) بر سه قسم عمدی، شبه عمدی و خطای محض است. (در این قانون جنایات در حکم شبه عمد و در حکم خطای محض مورد اشاره قرار نگرفته است).

نکته ۱- در قانون مجازات اسلامی، انواع قتل عبارت‌اند از: عمد، شبه عمد و خطای محض.

نکته ۲- در رابطه با این ماده به رأی وحدت رویه ۳۲-۱۳۶۵/۸/۲۰ هیئت عمومی دیوان عالی کشور رجوع کنید.

نکته ۳- فرق ماهوی بین عمد و شبه عمد در صدمات بدنی در صدمات عمدی، مرتکب تمام نتیجه و در شبه عمدی جزئی از آن را خواستار است.

مواد مرتبط

ماده ۴۹۳ قانون مجازات اسلامی؛ و مورد فاصله‌ی زمانی، میان رفتار مرتکب و نتیجه‌ی ناشی از آن، مانع از تحقق جنایت نیست مانند فوت ناشی از انتقال عامل بیماری کشته که مسبب مورد موجب قصاص یا ریه است کلم این ماده و ماده (۴۹۲) این قانون در مورد کلیه‌ی جرائم جاری است.
ماده ۵۰۶ قانون مجازات اسلامی؛ تسبیب در جنایت آن است که کسی سبب تلف شدن یا مهردومیت دیگری را فراهم کند و مورد مستقیماً مرتکب جنایت نشود به طوری که در صورت فقدان رفتار او جنایت حاصل نمی‌شد مانند آنگه پاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند.

ماده ۲۹۰ - جنایت عمدی (رک ماده ۳۸۱ ق.م.ا)

جنایت در موارد زیر عمدی محسوب می‌شود:

الف - هرگاه مرتکب با انجام کاری (سوءنیت عام) (دلالت بر افعال مادی و غیرمادی دارد) قصد ایراد جنایت (سوءنیت خاص) (در این مورد احراز قصد تحقق نتیجه لازم است) بر فرد یا افرادی معین (منظور معین بودن هدف است نه هویت) یا فرد یا افرادی غیرمعین از یک جمع را داشته باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن واقع شود، خواه کار ارتكابی نوعاً موجب وقوع آن جنایت یا نظیر آن بشود، خواه نشود. (کشنده بودن عمل می‌تواند به اعتبار عمل، وسیله یا موضع اصابت باشد)

ب - هرگاه مرتکب، عمداً کاری انجام دهد (سوءنیت عام) که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، می‌گردد، هرچند قصد ارتکاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد (پس در این خصوص امکان معاونت متفی است) ولی آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود (عمل مرتکب به کشنده بودن نوعی کار، ضروری است) (نوعاً کشنده بودن عمل جزو عنصر مادی جرم قتل عمدی است).

پ - هرگاه مرتکب، قصد ارتکاب جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته (در این خصوص نیز امکان معاونت متفی است) (در این مورد قصد قتل وجود ندارد یعنی قصد تحقق نتیجه وجود ندارد) و کاری را هم که انجام داده است، (سوءنیت عام) نسبت به افراد متعارف نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، نمی‌شود (هرگاه عمل نوعاً کشنده باشد ادعای فقدان قصد قتل پذیرفته نمی‌شود) لکن در خصوص مجنی‌علیه، به علت بیماری، ضعف، پیری یا هر وضعیت دیگر و یا به علت وضعیت خاص مکانی یا زمانی نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود مشروط بر آنکه مرتکب به وضعیت نامتعارف مجنی‌علیه یا وضعیت خاص مکانی یا زمانی آگاه و متوجه باشد.

ت - هرگاه مرتکب قصد ایراد جنایت واقع شده یا نظیر آن را داشته باشد، بدون آنکه فرد یا جمع معینی مقصود وی باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن، واقع شود، مانند اینکه در امکان عمومی بُمب‌گذاری کند. (در این مورد صرف سوءنیت عام کافی است و احتیاجی به سوءنیت خاص نیست).

تبصره ۱ -

در بند (ب) عدم آگاهی و توجه مرتکب باید اثبات گردد (اصل بر آگاهی مرتکب است) و در صورت عدم اثبات، (آگاهی) جنایت عمدی است مگر جنایت واقع شده فقط به علت حساسیت زیاد موضع آسیب، واقع شده باشد و حساسیت زیاد موضع آسیب نیز غالباً شناخته شده نباشد که در این صورت آگاهی و توجه

مُرْتَكِب باید اثبات شود (در مواردی که نوعاً کشنده بودن برای همه شناخته شده نیست در این فرض اصل بر عدم آگاهی مرتکب است) و در صورت عدم اثبات، جنایت عمدی، ثابت نمی‌شود.

تفسیر ۲-

در بند (پ) باید آگاهی و توجه مُرْتَكِب به اینکه کار نوعاً نسبت به مَجْنِيْ عَلِيْه، موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن می‌شود ثابت گردد (اصل بر عدم آگاهی مرتکب از وضعیت مَجْنِيْ عَلِيْه است) و در صورت عدم اثبات، جنایت عمدی ثابت نمی‌شود.

نکته ۱- در تحقق قتل عمد، بعضاً (تحت شرایطی) قصد قتل و بعضاً (تحت شرایطی) قصد فعل کافی است.

نکته ۲- هرگاه کسی قصد کشتن شخص غیر معینی را داشته باشد و تیر او به انسان بی‌گناه دیگری اصابت کند، این جنایت قتل عمد است.

نکته ۳- اگر «الف» و به قصد شوخی «ب» را با علم به اینکه او شنا بلد نیست به داخل استخر بیفکند و «ب» غرق شود. «الف» مرتکب قتل عمد شده است.

نکته ۴- شخص «الف» به قصد متوقف ساختن شخص «ب» پای او را هدف گلوله قرار می‌دهد لیکن گلوله به قلب شخص «ب» اصابت کرده و موجب مرگ وی شده است. در این فرض قتل عمدی است.

نکته ۵- شخص «الف» به قصد قتل پیرزنی و با علم به اینکه وی به تازگی عمل جراحی قلب انجام داده است، تلفنی خبر دروغ تصادف و فوت فرزندش را به او می‌دهد و او هم با شنیدن این خبر فوت می‌کند. قتلی که محقق شده است قتل عمدی است.

نکته ۶- اگر شخصی یک خبر ناگوار را با علم به کشنده بودن آن با توجه به شرایط روحی و جسمی ضعیف دیگری، به وی بدهد و در نتیجه شخص مذکور بمیرد، مرتکب به عنوان ارتکاب قتل عمدی، مورد تعقیب و مجازات قرار خواهد گرفت.

نکته ۷- کسی که به قصد ایراد جرح، عمل نوعاً کشنده‌ای را علیه دیگری انجام می‌دهد. مثلاً ضربه‌ی چماقی حواله‌ی گیجگاه او می‌کند، ولی قربانی جاخالی می‌دهد که در نتیجه ضربه به دست او خورده و وی را مجروح می‌سازد. در این فرض جرمی که اتفاق افتاده است، ایراد جرح عمدی است.

نکته ۸- با توجه به قانون مجازات اسلامی، در خصوص قتل یا جرح عمدی باید گفت، اگر کسی بدون قصد قتل، با وسیله‌ای به نقطه‌ی حساسی از سر دیگری بزند ولی مضروب نمیرد، نمی‌توان مرتکب را به شروع به قتل عمدی محکوم کرد بلکه محکوم به ضرب و جرح عمدی می‌باشد.

نکته ۹- در رابطه با این ماده به رأی وحدت رویه ۴۶۶۸-۱۳۳۶/۹/۷ هیئت عمومی دیوان عالی کشور رجوع کنید.

نکته ۱۰- مطابق بند الف ملاک و ضابطه برای تشخیص قتل عمدی (قصد قتل) است هرچند عمل انجام شده به خودی خود قابلیت سلب حیات نداشته باشد (جرائم علیه اشخاص- امیر خان سپهوند- ص ۴۵)

نکته ۱۱- قتل از روی ترحم یا احسان به جهت بی‌تأثیری انگیزه در وقوع جرم مانع ثبوت حکم قصاص و تحقق قتل عمدی نمی‌باشد چنانچه شرایط عمدی بودن عمل ارتكابی فراهم باشد.

نکته ۱۲- مرتکب در فرض بند ب علم به حکم و علم به موضوع و سوءنیت عام دارد یعنی مرتکب قصد رفتار را بر روی مَجْنِيْ عَلِيْه دارد ولی سوءنیت خاص ندارد یعنی قصد کشتن مَجْنِيْ عَلِيْه را ندارد ولی قانون‌گذار به خاطر وجود شرایط و نیز نسبت به مَجْنِيْ عَلِيْه که عمل نسبت به وی نوعاً کشنده بوده و مرتکب نیز نسبت به این ویژگی آگاهی دارد و رفتار وی منجر به مرگ مَجْنِيْ عَلِيْه کشنده است قتل عمد محسوب می‌شود (اسماعیل ساولانی - نکاتی از حقوق جزای اختصاصی ۱ جلد اول ص ۲۸)

نکته ۱۳- عبارت قصد ایراد جنایت دلالت بر لزوم وجود قصد نتیجه با ارتکاب رفتار ارادی و عمدی و به عبارت اخیری دلالت بر قصد قتل یا قصد ایراد صدمه‌ی جسمانی دارد و با احراز این قصد تفاوتی ندارد که فعل ارتكابی نوعاً کشنده بوده یا خیر (رضا شکری- قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی جلد اول ص ۶۹۶)

نکته ۱۴- چنانچه شخصی به قصد کشتن فرد معینی مثلاً حسن به سوی او اقدام به تیراندازی نماید اما به لحاظ عدم مهارت گلوله به دیگری مثلاً حسین اصابت کند و سبب مرگ او شود چون در هر حال مقصود مرتکب سلب حیات از انسانی بوده و چنین مقصودی نیز

حاصل گردیده است قتل واقع شده عمدی محسوب می شود و عدم مهارت نیز نمی تواند تغییری در ماهیت آن ایجاد نماید.

نکته ۱۵- در خصوص مصادیق این ماده می بایست قصد قتل در زمان انجام فعل موجب قتل وجود داشته باشد. به عبارت دیگر می بایستی رکن علم مرتکب به وضعیت خاص جسمی یا روانی و یا وضعیت خاص زمانی و مکانی می بایست ثابت شود و در صورت عدم اثبات، جنایت عمدی نخواهد بود. مادی و معنوی تقارن زمانی داشته باشند.

نکته ۱۶- علم مرتکب به وضعیت خاص جسمی یا روانی و یا وضعیت خاص زمانی و مکانی می بایست ثابت شود و در صورت عدم اثبات، جنایت عمدی نخواهد بود.

نکته ۱۷- بند الف موردی را بیان می کند که مرتکب قصد فعل دارد و نیز هفته نتیجه مجرمانه را نیز دارد از در اینجا با توجه به وجود قصد فعل و قصد نتیجه تفاوتی نمی نماید که فعل ارتكابی نوع آن موجب جنایت بشود یا نشود.

نکته ۱۸- موضوع جنایت در بند الف به صراحت بند مذکور باید معین و مشخص باشد که این معین و مشخص نبودن به دو صورت حاصل می شود: الف: فرد یا افرادی معین ب: فرد یا افراد غیر معین از یک جمع معین (جهت افتراق بند الف و بند دال)

نکته ۱۹- در رابطه با این که بار اثبات آگاهی یا عدم آگاهی از نوع کشنده بودن عمل ارتكابی بر عهده کیست، مطابق تبصره ۱ این ماده دو فرد مطرح می شود: الف: اصولاً مرتکب آگاه فرض می شود اما امکان اثبات عدم آگاهی و توجه مرتکب وجود دارد. ب: در مواردی که جنایت واقع شده فقط به دلیل حساسیت زیاد موضوع آسیب واقع شده باشد و حساسیت زیاد موضوع آسیب نیز غالباً شناخته شده نباشد که در این صورت آگاهی و توجه مرتکب باید توسط مجنی علیه یا ولی دم اثبات شود در غیر این صورت جنایت عمدی ثابت نمی شود.

نکته ۲۰- کسی که به قصد ایراد جرح، فعل نوعاً کشنده ای را علیه دیگری انجام می دهد مثلاً ضربه چماقی را حواله گیجگاه او می کند ولی قربانی جاخالی می دهد که در نتیجه ضربه به دست او خورده و وی را مجروح می سازد. در این صورت جرم ارتكابی ایراد جرح عمدی است و عملاً امکان تحقق شروع به قتل عمدی به قصد قتل منتفی است.

ماده ۲۹۱ - جنایت شبه عمدی

جنایت در موارد زیر شبه عمدی (وجهی ممیزه ی قتل شبه عمدی از عمدی به عمد در فعل و خطای در نتیجه است) محسوب می شود:

الف- هرگاه مرتکب نسبت به مجنی علیه (باید معین و مشخص باشد) قصد رفتاری را داشته (اعم از اینکه رفتار قانونی باشد مثل تنبیه توسط والدین یا غیرقانونی) لکن قصد جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته باشد و از مواردی که مَشْمُول تعریف جنایات عمدی می گردد، نباشد.

ب- هرگاه مرتکب، جهل به موضوع (غرض از جهل موضوعی فقدان آگاهی از احراز و شروط رکن مادی جرم است و رکن مادی جرم قتل نیز ارتکاب رفتار موجب سلب حیات است) داشته باشد مانند آنکه جنایتی را با اعتقاد به اینکه موضوع رفتار وی شیء یا حیوان و یا افراد مَشْمُول ماده (۳۰۲) این قانون است به مجنی علیه وارد کند، سپس خلاف آن معلوم گردد. (صرف اشتباه قاتل در میزان مجازات مثلاً اینکه قربانی را از روی اشتباه غیرمسلمان یا فرزند خود پنداشته و در نتیجه تصور می کرده که کشتن او موجب محکومیت به قصاص نمی شود، موجب سقوط قصاص نخواهد شد)

پ- هرگاه جنایت به سبب تقصیر مرتکب واقع شود، مشروط بر اینکه جنایت واقع شده مَشْمُول تعریف جنایت عمدی نباشد. (رجوع کنید به ماده ۶۱۶ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات).

موارد مرتبط

ماده ۶۱۶ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: در صورتی که قتل غیر عمد به واسطه بی احتیاطی یا بی مبالائی یا اقرار به امری که مرتکب در آن مهارت نداشته است یا به سبب عدم رعایت نظامات واقع شود مسبب به هیس از یک تا سه سال و نیز به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناهیه ی اولیاء ۳ مکوم فواید شد مگر اینکه قطعی ممض باشد.

تبصره- مقررات این ماده شامل قتل غیر عمد در اثر تصادف رانندگی نمی گردد.

نکته ۱- بر طبق ضوابط عمومی، قتل در صورتی شبه عمد است که قاتل بدون قصد قتل و داشتن قصد فعل، کاری را انجام می‌دهد، نوعاً کشنده نیست.

نکته ۲- هرگاه مرتکب، جهل به موضوع داشته باشد، آنکه با اعتقاد به اینکه موضوع رفتار وی حیوان است جنایتی را وارد کند سپس خلاف آن معلوم گردد، عمل صورت گرفته جنایت شبه عمدی محسوب می‌شود.

نکته ۳- در جرم قتل در صورت وجود قصد در فعل ارتكابی اگر مرتکب، شبهه‌ی موضوعیه نسبت به موضوع رفتار خود داشته باشد، عمل وی مشمول قتل شبه عمدی می‌گردد.

نکته ۴- دادسرا آقای «الف» را که به علت عدم مهارت، به جای اینکه شخص «ب» را مورد هدف قرار دهد، آقای «ج» را به قتل رسانده است، به عنوان قاتل عمد به دادگاه معرفی می‌کند. باید متذکر شد که قتل واقع شده، شبهه عمد محسوب می‌شود.

نکته ۵- تعریف «قتل در حکم شبهه عمد» فعل اتفاقاً کشنده، بدون قصد قتل، به همراه خطای جزائی می‌باشد.

نکته ۶- قتل در حکم شبهه عمد (بند پ ماده ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) در حقوق جزای ایران، قتلی است با ماهیت خطای محض، همراه با تقصیر جزائی همراه می‌باشد.

نکته ۷- در موارد جهل به موضوع فعل مرتکب می‌بایستی بر همان موضوع مورد نظر مرتکب واقع شود و به عبارت دیگر، فعل بر قصد معین فاعل اعمال گردد. این موضوع اشتباه در ماهیت است نه اشتباه در هدف که خطای محض است.

ماده ۲۹۲ - جنایت خطای محض

جنایت در موارد زیر خطای محض (از حیث رکن روانی جنایت خطای محض صرف مبتنی بر صرف اراده‌ی ارتکاب در رفتار است و عاری از هرگونه خطای جزایی یا قصد مجرمانه می‌باشد) محسوب می‌شود:

الف- در حال خواب و بیهوشی و مانند آن‌ها (مثل هیپنوتیزم) واقع شود. (به شرطی که مرتکب تقصیر نشده باشد و اگر مرتکب تقصیر شده باشد جنایت شبهه عمدی است)

ب- به وسیله صغیر و مجنون ارتکاب یابد.

پ- جنایتی که در آن مرتکب نه قصد جنایت بر مَجْنُونِ عَلَیْهِ را داشته باشد و نه قصد ایراد فعل واقع شده بر او را، مانند آنکه تیری به قصد شکار رها کند و به فردی برخورد نماید.

تبصره-

در مورد بندهای (الف) و (پ) هرگاه مرتکب آگاه و متوجه باشد که اقدام او نوعاً موجب جنایت بر دیگری می‌گردد، جنایت عمدی محسوب می‌شود.

نکته ۱- مادری در حال خواب بر اثر حرکت و غلتیدن موجب مرگ نوزاد خود می‌گردد، جنایت او به منزله‌ی خطای محض است و عاقله‌ی وی عهده‌دار دیه است.

نکته ۲- مطابق قوانین کیفری ایران اگر نابالغی به طور عمد فردی را به قتل برساند، در این صورت نابالغ مرتکب قتل خطای محض شده و عاقله‌ی وی باید دیه‌ی قتل خطای محض را به ورثه مقتول بدهد.

نکته ۳- اگر شخصی دیوانه مرتکب قتل عمد شود، قتل از نوع خطائی می‌باشد و دیه را عاقله باید پرداخت نماید.

نکته ۴- قتل در صورتی خطای محض یا خطائی محسوب می‌شود که قاتل قصد فعل واقع شده بر مقتول و قصد نتیجه را ندارد.

نکته ۵- شخصی در اثر وقوع آتش‌سوزی از روی اضطرار به پایین پریده و اتفاقاً روی عابر افتاده و موجب مرگ وی می‌شود، قتل ارتكابی از نوع خطای محض است.

نکته ۶- شخصی در حال خواب جنایتی بر دیگری وارد کرده است. او پیش از خواب آگاه بوده که اقدام وی در خوابیدن در آن حال نوعاً موجب جنایت می‌شود. در این فرض جنایت وارده از نوع جنایت عمدی است.

نکته ۷- قتل در حال خواب یا بیهوشی، قتل سببی و خطای محض است.

نکته ۸ - در جنایت در اثر قوهی قاهره اساساً مرتکب هیچ‌گونه مسؤولیتی ندارد، زیرا هیچ رفتاری از ناحیهی او سر نزده و در حکم آلت و وسیله است نظیر کسی که در اثر زمین‌لرزه بی‌اختیار از جایی پرت می‌گردد که نه مرتکب و نه عاقله‌اش در این مورد هیچ‌یک ضامن نخواهند بود (رضا شکری - همان - ص ۷۲۴ و ۷۲۳)

نکته ۹ - در خصوص بند ب باید خاطر نشان کرد که اولاً صغیر به طور مطلق بیان شده و شامل صغیر ممیزو غیر ممیز می‌شود و در خصوص شخص مجنون باید گفت در صورتی شامل مجنون ادواری می‌شود که وی عمل ارتكابی را در غیر زمان افاقه یعنی زمان جنون مرتکب شده باشد و اگر در زمان افاقه مرتکب جنایتی شود، حسب مورد عمدی، شبه عمدی یا خطای محض محسوب می‌شود.

ماده ۲۹۳ - جنایت مُتَماوَز از قصر

هرگاه فردی مُرتکِب جنایت عمدی گردد لکن نتیجه رفتار ارتكابی، بیشتر از مقصود وی واقع شود، چنانچه جنایت واقع شده، مَسْمول تعریف جنایات عمدی نشود، نسبت به جنایت کمتر، عمدی و نسبت به جنایت بیشتر، شبه عمدی محسوب می‌شود، مانند آنکه انگشت کسی را قطع کند و به سبب آن دست وی قطع شود و یا فوت کند که نسبت به قطع انگشت عمدی و نسبت به قطع دست و یا فوت شبه عمدی است. (رجوع کنید به ماده ۵۴۰ قانون مجازات اسلامی بخش دیات مصوب ۱۳۹۲).

موار مرتبط

ماده ۵۳۰ قانون مجازات اسلامی: هرگاه صدمه‌ی وارده عمری باشد و نوعاً کشنده یا موجب قطع عضو یا آسیب بیشتر نباشد لکن اتفاقاً سرایت کند، علاوه بر حق قصاص یا دیه، نسبت به جنایت عمدی کم‌تر، حسب مورد دیه جنایت بیشتر نیز باید پرداخت شود مانند اینکه شفصی عمداً انگشت دیگری را قطع کند و اتفاقاً این قطع سرایت کند و موجب فوت مَمْنیْ عَلَیْهِ یا قطع دست او گردد، علاوه بر حق قصاص یا دیه انگشت، حسب مورد دیه نفس یا دیه دست مَمْنیْ عَلَیْهِ نیز باید پرداخت شود.

ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: هرکس مرتکب قتل عمد شود و شاکلی نداشته یا شاکلی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد و یا به هر علت قصاص نشود در صورتی که اقرار وی موجب اقلال در نظم و هیانت و امنیت جامعه یا بیم تفری مرتکب یا دیگران گردد درگاه مرتکب را به حبس از سه تا ده سال مکوم می‌نماید.

تبصره: به استناد ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی نسخ شده است.

نکته ۱ - قانونگذار در این ماده در برخی شرایط، جنایات ناشی از سرایت جنایت عمدی قبلی را در برخی شرایط، عمدی و در برخی شرایط غیر عمدی می‌داند. بنابراین جنایت ناشی از سرایت جنایت عمدی همیشه عمدی نیست اما جنایت ناشی از سرایت جنایت عمدی، هیچگاه خطای محض نخواهد بود.

ماده ۲۹۴ - اشتباه در هویت

اگر کسی به علت اشتباه در هویت، (منظور ویژگی‌های شخصیتی و شناسنامه‌ای فرد مورد نظر است از نظر نام و نام خانوادگی و سایر اوصاف هویتی) (سبب تغییر جنایت از عمد به شبه عمد یا خطای محض نمی‌شود) مُرتکِب جنایتی بر دیگری شود در صورتی که مَجْنیْ عَلَیْهِ و فرد مورد نظر هردو مَسْمول ماده (۳۰۲) این قانون نباشند، جنایت عمدی محسوب می‌شود. (اما در برخی فروض اشتباه در هویت در میزان مجازات پرداخت دیه و تعزیر مؤثر می‌شود رجوع کنید به مواد ۳۰۲ و ۳۰۳ قانون مجازات اسلامی) (پس در صورتی که مَجْنیْ عَلَیْهِ و فرد مورد نظر هر دو مَسْمول ماده ۳۰۲ باشد و وی اشتباه در هویت کرده باشد جنایت عمدی محسوب نمی‌شود و به موجب ماده ۳۰۳ به دیه و تعزیر محکوم می‌شود)

نکته ۱ - اشتباه در ماهیت موضوع (جهل به موضوع) در نوع جنایت تأثیر دارد و آن را به شکل عمدی تبدیل می‌نماید (بند ب ماده ۲۹۱) ولی جهل در هویت، تأثیری در قتل ندارد اما در صورتی که اشتباه در هویت تأثیری در قتل ندارد که فرد مورد نظر مرتکب و فردی که مورد جنایات واقع شده هیچکدام نباشند و در صورت مهدورالدم بودن فرد مورد نظر در مرتکب و یا مهدورالدم بودن فردی که جنایت در واقع شده است، جنایت شبه عمدی خواهد بود.

ماده ۲۹۵ - جنایت به صورت ترک فعل

هرگاه کسی فعلی که انجام آن را بر عهده گرفته (ترک فعل دارای منشأ قراردادی) یا وظیفه خاصی را که قانون بر عهده (ترک فعل با منشأ قانونی) او گذاشته است، ترک کند (ترک تعهد می‌بایست در زمانی صورت گیرد که مرتکب در حین انجام وظیفه باشد و شامل زمان خارج از آن نمی‌گردد) و به سبب آن، جنایتی واقع شود، چنانچه توانایی (منظور قدرت بر انجام فعل مورد تعهد است) انجام آن فعل را داشته باشد (دلالت بر لزوم وجود اراده‌ی ارتكاب و قدرت بر انجام فعل دارد) جنایت حاصل به او مُسْتَد می‌شود (قابلیت انتساب داشتن، رابطه علیت داشتن) و حسب مورد

عمدی، شبه عمدی، یا خطای محض است، مانند اینکه مادر یا دایه‌ای که شیر دادن را بر عهده گرفته است، (مادر کاملاً مختار است) کودک را شیر ندهد (مثال برای ترک فعل با منشأ قراردادی) یا پزشک یا پرستار، وظیفه قانونی خود را ترک کند. (مثال برای ترک فعل با منشأ قانونی) (وظیفه‌ی عرفی و اخلاقی شامل این ماده نمی‌شود).

همواره برای شمول این ماده در ابتدا باید بین *جنایت* و *علت جنایت رابطه‌ی علیت* یا *سببیت* برقرار باشد.

نکته ۱- قول مشهور حقوقدانان عنصر مادی جرم قتل عمدی در قانون مجازات اسلامی را با ارتکاب فعل مادی، غیرمادی و فعل محقق می‌داند.

نکته ۲- آقای «الف» که در ساحل دریا به حرفه نجات‌غریق اشتغال دارد، با مشاهده‌ی استمداد فردی در دریا، در شرایطی که امکان کمک‌رسانی به او دارد، از نجات وی خودداری می‌کند. ترک فعل او بر اساس ترک وظیفه‌شناسی ناشی از قانون یا قرارداد جرم تلقی می‌شود.

نکته ۳- پزشک یا پرستاری که از پذیرش بیمار به هر دلیلی خودداری نموده و بیمار در راه رسیدن به بیمارستان دیگری فوت نماید از شمول ماده ۲۹۵ خارج است زیرا با عدم پذیرش تعهد به درمان صورت پذیرفته است (دکتر حسین آقایی نیا، جرائم علیه اشخاص، ص ۴۰)

نکته ۴- شاخص‌ترین تفاوت این ماده و ماده واحده خودداری از کمک به اشخاصی که در معرض خطر جانی قرار دارند آن است که در ماده ۲۹۵ احراز رابطه‌ی علیت بین ترک فعل و نتیجه ممکن نمی‌باشد؛ زیرا کمک به کسی که در معرض مخاطره‌ی جانی قرار دارد یک تکلیف اخلاقی و وجدانی است و وظیفه‌ای بر دوش اشخاص از باب الزام به کمک، قرار داده نشده است (رضا شکری، همان، ص ۷۳۱)

نکته ۵- ترک فعل مشروط به اجماع شرایط زیر می‌تواند عنصر مادی جنایت واقع شود: انجام فعل بر عهده شخص باشد یا شخص متعهد به انجام فعل باشد. یا وظیفه خاصی باشد که قانون بر عهده شخص گذاشته است. جنایت واقع شده به سبب ترک فعل محقق شده باشد. شخص متعهد یا موظف توانایی انجام فعل را داشته باشد. در این صورت (موارد چهارگانه فوق‌الذکر) جنایت حاصل به شخص میشود و حسب مورد عمدی یا شبه عمد یا خطای محض می‌باشد.

فصل دوم - تداخل جنایات

ماده ۲۹۶ - سرایت جنایت به فوت

اگر کسی، عمداً جنایتی را بر عضو فردی وارد سازد و او به سبب سرایت جنایت فوت کند، چنانچه جنایت واقع شده مشمول تعریف جنایات عمدی باشد، قتل عمدی (برای تحقق جرم قتل لازم است میان رفتار فیزیکی و ازهاق روح از بدن رابطه‌ی سببیت وجود داشته باشد) محسوب می‌شود، در غیر این صورت، قتل شبه عمدی است و مرتکب علاوه بر قصاص عضو به پرداخت دیه نفس نیز محکوم می‌شود.

نکته ۱- جنایت بر عضو در صورتی قتل عمد محسوب می‌شود که با قصد قتل صورت بگیرد یا عمل مرتکب کشنده باشد و الی نمی‌توان عمدی دانست.

ماده ۲۹۷ - جنایت بر عضو و نفس با یک ضربه‌ی عمدی

اگر مرتکب با یک ضربه‌ی عمدی، موجب جنایتی بر عضو شود که منجر به قتل مَجْنِیْ عَلَیْهِ گردد، چنانچه جنایت واقع شده مشمول تعریف جنایات عمدی باشد، قتل عمدی محسوب می‌شود (مبین تعدد نتیجه که قسمی از تعدد مادی است که جرم به صورت فعل واحد و نتایج متعدد است در اینجا حکم تعدد، اعمال کیفر اشد یعنی قصاص نفس قرار داده شده است) و به علت نقص عضو یا جراحی که سبب قتل شده است به قصاص یا دیه محکوم نمی‌گردد.

نکته ۱- فردی با ایراد جرحی که با یک ضربت انجام شده، هم موجب نقص عضو و هم موجب قتل می‌شود، مجازات چنین شخصی منحصراً به مجازات قصاص نفس محکوم می‌گردد.

نکته ۲- فردی طلبکار به علت نیاز شدید به مطالبات خود و استیصال از وصول آن اقدام به اسیدپاشی به بدنه‌کار خویش که فردی تاجر است می‌نماید و این عمل موجب وحشت مردم و تاجر می‌شود. حکم او در این فرض، محارب بوده و مشمول یکی از مجازات‌های چهارگانه محاربه است.

نکته: در صورتی که جنایت بر عضو عمدی باشد، نهایتاً موجب فوت مجنی علیه شود دو فرض مطرح است: الف) در صورتی که جنایت بیشتر (قتل) مشمول تعریف جنایت عمدی باشد در این صورت قتل عمدی محسوب می‌شود و جنایات متعدد (جنایت به اعضا و نفس) تداخل می‌کنند و اجنایت اشد ملاک قرار می‌گیرد و مرتکب تنها به قصاص نفس محکوم می‌شود.

ب) در صورتی که جنایات بیشتر (قتل) مشمول تعریف جنایت عمدی نشود در این صورت قتل شبه عمد محسوب می‌شود و تداخل جنایات رخ نمی‌دهد و نتیجتاً مرتکب قصاص به عضو در صورت امکان و پرداخت دیه نفس محکوم می‌شود.

ماده ۲۹۸ - جنایات مُتَعَرِّد با یک ضربه

اگر کسی با یک ضربه عمدی، موجب جنایات مُتَعَرِّد بر اعضای مَجْنیْ عَلَیْهِ شود، چنانچه همه آن‌ها به طور مشترک موجب قتل او شود و قتل نیز مشمول تعریف جنایات عمدی باشد فقط به قصاص نفس محکوم می‌شود.

نکته ۱- هرگاه ایراد جرح، هم موجب نقص عضو و هم موجب قتل شود و اولیای دم بخواهند قصاص کنند، می‌توانند فقط نسبت به نفس، قصاص کنند و نسبت به نقص عضو قصاص و دیه نیست.

نکته ۲- جنایت در صورت عمدی است که فرد هم قصد انجام فعل را داشته باشد و هم قصد وقوع نتیجه را و در صورتی شبه عمدی است که فرد قصد فعل را داشته ولی قصد نتیجه را نداشته باشد و فعل او از مواردی باشد که نوعاً موجب آن جنایت یا آسیب یا مانند آن شود و در صورتی خطای محض است که فرد نه قصد فعل را داشته باشد و نه قصد وقوع نتیجه را.

نکته ۳- فردی با یک ضربه چاقو جراحی را بر بازو و سینه قربانی ایجاد نماید، در صورتی که تمامی جراحات به طور مشترک موجب قتل قربانی شود و قتل عمدی باشد، مرتکب فقط به قصاص نفس محکوم می‌شود ولی در صورتی که قتل شبه عمدی باشد، علاوه بر دیه کامل نفس به قصاص عضو شود، قصاص نداشته و در هر حال جنایت خطای محض است.

نکته ۴- هرگاه فردی عاقل و بالغ مرتکب جنایت (نفس و عضو) علیه مجنون شود، قصاص وجود نخواهد داشت.

نکته ۵- هرگاه نابالغ مرتکب جنایت (نفس و عضو) علیه مجنون شود، قصاص منتفی بوده و جنایت خطای محض خواهد بود.

نکته ۶- هرگاه مجنون مرتکب جنایت (نفس و عضو) علیه نابالغ شود قصاص منتفی است و جنایت خطای محض خواهد بود.

نکته ۷- هرگاه فردی عاقل و بالغ مرتکب جنایت (نفس و عضو) علیه نابالغ شود در صورت عمدی بودن قصاص خواهد شد.

نکته ۸- هرگاه غیر بالغ مرتکب (جنایت و عضو) علیه فرد بالغ شود قصاص وجود نخواهد داشت و جنایت خطای محض خواهد بود.

نکته ۹- موضوع جنایت می‌تواند نسبت به نفس، عضو و منفعت باشد و نوع جنایت وارده نسبت به این هر یک از موضوعات فوق، حسب مورد عمدی، شبه عمدی، خطای محض باشد

ماده ۲۹۹ - جنایات مُتَعَرِّد با ضربه‌های مُتَعَرِّد (تعدد در قصاص)

اگر کسی با ضربه‌های مُتَعَرِّد عمدی، موجب جنایات مُتَعَدِّد و قتل مَجْنیْ عَلَیْهِ شود و قتل نیز مشمول تعریف جنایات عمدی باشد، چنانچه برخی از جنایات موجب قتل شود و برخی در وقوع قتل نقشی نداشته باشند، مُرْتَكِب علاوه بر قصاص نفس، حسب مورد، به قصاص عضو یا دیه جنایت‌هایی که تأثیری در قتل نداشته است، محکوم می‌شود. لکن اگر قتل به وسیله مجموع جنایات پدید آید، در صورتی که ضربات به صورت متوالی وارد شده باشد در حکم یک ضربه است. در غیر این صورت به قصاص یا دیه عضوی که جنایت بر آن، مُتَّصِل به فوت نبوده است نیز محکوم می‌گردد.

تبصره -

احکام مُقَرَّر در مواد (۲۹۶)، (۲۹۷)، (۲۹۸) و (۲۹۹) در مواردی که جنایت یا جنایات ارتکابی به قسمت بیشتری از همان عضو یا اعضای دیگر مَجْنیْ عَلَیْهِ سیرایت کند نیز جاری است.

نکته ۱- شخصی جهت کشتن دیگری سنگ بزرگی را بر سر او کوبیده و او را به زمین انداخته است. یک ساعت بعد مراجعه کرده و متوجه می‌شود که مَجْنیْ عَلَیْهِ زنده بوده و تلاش دارد خود را نجات دهد. ضربات مهلکی را با چاقو به وی وارد می‌کند، مجازات مرتکب در صورت مرگ مَجْنیْ عَلَیْهِ علاوه بر مجازات قصاص نفس، به پرداخت دیه و مجازات بابت صدمات وارده به سر محکوم خواهد شد.

نکته ۲- در صورتی که ضربات متعدد عمدی موجب جنایات متعدد و قتل منجی علیه شود و قتل نیز عمدی باشد، فروض زیر قابل طرح اند:

الف) برخی جنایات موجب قتل شده و برخی جنایات موجب قتل نشده که در این صورت: جنایاتی که موجب قتل شده با قتل عمدی تداخل می‌کند و تنها قصاص نفس ثابت می‌شود. جنایاتی که تاثیر در وقوع قتل نداشته است، قصاص نفس با قصاص عضو یا پرداخت دیه عضو در صورت امکان قصاص عضو تداخل نمی‌کند. ب) مجموع جنایات موجب قتل شده است: ضربات متعدد، متوالی بوده است که در حکم یک ضربه است و فقط قصاص نفس اجرا می‌شود. به بیان دیگر تداخل جنایات رخ می‌دهد.

ضربات متعدد، غیر متوالی می‌باشد. در این صورت مرتکب علاوه بر قصاص نفس، به قصاص یا دیه ی عضوی که جنایت بر آن متصل به فوت نبوده است نیز محکوم می‌گردد. به بیان دیگر در این فرض در خصوص جنایات متصل به فوت تداخل جنایات رخ می‌دهد و در خصوص جنایات غیر متصل به فوت تداخل جنایات رخ نمی‌دهد.

ماده ۳۰۰ - فوت مَبْنِيَّ عَلَيَّهٔ پَس از قِصاص عضو

اگر مَجْنِيَّ عَلَيَّهٔ به تصور اینکه جنایت وارده بر او به قتل مُنَجَّر نمی‌شود و یا اگر به قتل مُنَجَّر شود قتل، عمدی محسوب نمی‌شود، قِصاص کند یا گذشت یا مُصَالِحِه بر دیه یا غیر آن نماید و بعد از آن، جنایت واقع شده، به نفس سِرَائِت کند و به فوت مَجْنِيَّ عَلَيَّهٔ مُنَجَّر شود، هرگاه قتل مَشْمُول تعریف جنایات عمدی باشد، قاتل به قِصاص نَفْس محکوم می‌شود و چنانچه عضو مُرْتَكِب، قِصاص شده یا با او مُصَالِحِه شده باشد، ولی دَم باید قبل از قِصاص نَفْس، دیه عضو قِصاص شده یا وجه المصالحه را به وی بپردازد؛ لکن اگر جنایت مَشْمُول تعریف جنایات عمدی نگردد، به پرداخت دیه نَفْس، بدون احتساب دیه عضو قِصاص شده یا وجه المصالحه اخذ شده، محکوم می‌شود. مفاد این ماده، در موردی که جنایت ارتكابی به قسمت بیشتری از همان عضو مورد جنایت سِرَائِت کند نیز جاری است.

نکته ۱- اگر کسی به اعتقاد قصاص یا مهدورالدم بودن، دیگری را بکشد و این امر بر دادگاه ثابت شود ولی معلوم گردد که مقتول، مورد قصاص یا مهدورالدم نبوده است در این صورت جنایت وی در حکم خطای شبه عمد است.

فصل سوّم - شرایط عمومی قِصاص

ماده ۳۰۱ - شرط عزم بنوت و تساوی در رین (رک ماده ۳۰۹)

قِصاص (اعم از نفس و مادون نفس) در صورتی ثابت می‌شود که مُرْتَكِب، پدر یا از اجداد پدری مَجْنِيَّ عَلَيَّهٔ نباشد و مَجْنِيَّ عَلَيَّهٔ، عاقل (ماده ۳۰۵ ق.م.ا) و در دین (ماده ۳۱۰ ق.م.ا) با مُرْتَكِب مساوی باشد. (قصاص نفس منوط به استیذان از ولی امر می‌باشد و در زمره جرائم قابل گذشت می‌باشد).

تبصره -

چنانچه مَجْنِيَّ عَلَيَّهٔ مسلمان باشد، مسلمان نبودن مُرْتَكِب، مانع قِصاص نیست. (بر اساس قاعده نفی سیل).

نکته ۱- وجود رابطه ابوت عامل مستقلى برای عدم قصاص پدر می‌باشد و در این مورد تساوی دو دین بین پدر و پسر ضروری نیست، بدین ترتیب حتی اگر پدری که کافر است فرزند مسلمان خود را به قتل رسانیده یا مضروب و یا مجروح کند قصاص نخواهد شد (میر محمد صادقی - دکتر حسین جرائم علیه اشخاص ص ۱۵۵).

نکته ۲- پدری فرزند خود را عمداً به قتل می‌رساند. در این صورت و با جمع شرایط، به پرداخت دیه‌ی قتل به ورثه‌ی مقتول محکوم شده و تعزیر هم می‌شود.

نکته ۳- مجازات مادری که فرزند خود را عمداً به قتل برساند، قصاص است. همچنین است در خصوص سایر خویشاوندان.

نکته ۴- قصاص نشدن پدر به خاطر قتل فرزند به معنی آن نیست که فرزندان نمی‌توانند قصاص پدر خود را به دلیل قتل کسی که آن فرزندان اولیاء دم وی محسوب می‌شوند بنمایند، عکس آنچه در قذف مورد نظر است. (میر محمد صادقی - دکتر حسین جرائم علیه اشخاص ص ۱۵۶).

نکته ۵- عاقل به دلیل کشتن مجنون قصاص نمی‌شود حتی در مورد مجنون ادواری هم در صورتی که مرگ در حالت جنون مقتول رخ داده باشد قاتل را نمی‌توان قصاص کرد (میر محمد صادقی - حسین - جرائم علیه اشخاص ص ۱۵۷).

نکته ۶- در صورتی که مجنی علیه مسلمانان باشد، شرط تساوی در دین الزام نیست اما در فرض عکس، یعنی فرضی که منجی علیه غیر مسلمان باشد و مرتکب مسلمان باشد، شرط تساوی در دین لازم است.

نکته ۷- وجود رابطه ابوت عامل مستقلى برای عدم قصاص پدر می‌باشد و در این مورد تساوی در دین بین پدر و پسر ضروری نیست. بدین ترتیب حتی اگر پدر کافر است فرزند مسلمان خود را به قتل رسانیده یا مضروب و مجروح کند قصاص نخواهد شد. چراکه با توجه

به استثنایی بودن این حکم شمول آن به مادر و نیز به پدر نامشروع بعید به نظر می‌رسد. همانطور که در مورد دوم (پدر نامشروع) مقررات ارث نیز جاری نخواهد بود.

نکته ۸- هرگاه شخص عاملی بر اثر همان ضربه‌ای که دریافت کرده است ابتدا عقل خود را از دست داده و سپس بمیرد، می‌توان قصاص را در صورت وجود سایر شرایط آن قابل اجرا دانست زیرا جنون حادث شده در این حالت، عامل غیر مرتبط با ضربه وارد شده نبوده است و هرگاه شخص مجنون بر اثر همان ضربه ای که دریافت کرده است، ابتدا عقل خود را بازیافته و سپس بمیرد، قصاص اعم از قصاص نفس یا مادون نفس قابل اجرا نخواهد شد. زیرا ضربه در حالت جنون قربانی به وی وارد شده و عاقل شدن وی نیز ناشی از اصابت همان ضربه بوده است و در این مورد هرگاه بازیافتن عقل، قبل از مرگ در نتیجه عامل مستقل دیگری غیر از ضربه وارده باشد، ظاهراً می‌توان قصاص نفس را در صورت وجود سایر شرایط آن قابل اجرا دانست.

موارد مرتبط

ماده ۲۵۹ قانون مجازات اسلامی: پدر یا پدر پدري که فرزند یا نوه خود را قذف کند به سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه ششم محکوم می‌شود.
بند ج ماده ۲۶۸ قانون مجازات اسلامی: سرقت در صورتی که دارای تمام شرایط زیر باشد موجب مرگ است:
ج- سارق پدر یا پدر پدري صاحب مال نباشد.

ماده ۳۰۲- مماریق مهور الدم بودن

در صورتی که مجنی علیه دارای یکی از حالات زیر (در زمان ارتکاب فعل مجرمانه یا رکن مادی) باشد، مُرتکِب (در صورتی که غیرمسلمان نباشد) به قصاص و پرداخت دیه، محکوم نمی‌شود (بلکه امکان تعزیر وی وجود دارد) (دقت شود که موارد مطروحه در این ماده حصری‌اند و نباید مورد تفسیر و قیاس قرار بگیرند).

الف- مُرتکِب جُرْم حَدّی که مستوجب سلب حیات است. (بر اساس اباحه‌ی مطلق هر فرد مسلمان می‌تواند چنین فردی را به قتل برساند. مثل: مرتکبین زنا‌یی که حدشان سلب حیات است و همچنین مرتکبین به سب نبی و سرقت در مرتبه‌ی چهارم).

ب- مُرتکِب جُرْم حَدّی که مستوجب قطع عضو است، مشروط بر اینکه جنایت وارد شده، بیش از مجازات حدّی او نباشد، در غیر این صورت، مقدار اضافه بر حد، حَسَب مورد، دارای قصاص و یا دیه و تعزیر است.

پ- مُستَحَقِّ قصاص نفس یا عضو (کسی است که بر اثر ارتکاب عمل استحقاق بالقوه را یافته است پس ضرورتی ندارد که حکم به محکومیت صادر شده باشد)، فقط نسبت به صاحب حق قصاص (مشمول اباحه‌ی نسبی است و به غیر از صاحب حق قصاص نسبت به بقیه محقون الدم و معصوم است) و به مقدار آن قصاص نمی‌شود.

ت - متجاوز و کسی که تجاوز او قریب الوقوع است و در دفاع مشروع به شرح مقرر در ماده (۱۵۶) این قانون جنایتی بر او وارد شود.

ث- زانی و زانیه در حال زنا (فقط شوهر در همان زمان حق چنین کاری را دارد و بعد از آن شامل معافیت این ماده نمی‌گردد) (فقط مطلق زنا را در برمی‌گیرد و شامل تقبیل و مضاجعه نمی‌شود) نسبت به شوهر (زن چنین حقی در خصوص شوهر خود حتی به عین ببیند که در حال آمیزش با زن اجنبی است را ندارد) زانیه (اباحه‌ی نسبی فقط نسبت به شوهر است اعم از اینکه زانیه همسر دائمی یا موقت مرتکب باشد و نه برادر و پدر و عمو و دایی و ...) در غیر موارد اکراه و اضطرار به شرحی که در قانون مقرر است.

تبصره ۱-

اقدام در مورد بندهای (الف)، (ب) و (پ) این ماده بدون اجازه دادگاه جرم است و مُرتکِب به تعزیر مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود.

تبصره ۲-

در مورد بند (ت) چنانچه نفس دفاع صدق کند ولی از مراتب آن تجاوز شود قصاص منتفی است، لکن مُرتکِب (دلالت بر شمول حکم این ماده بر کسی که حکم محکومیت وی صادر نگردیده نیز دارد) به شرح مقرر در قانون به دیه و مجازات تعزیری محکوم می‌شود.

(صرف اثبات مهدورالدم بودن مقتول برای عدم قصاص قاتل کفایت می‌کند، اعم از اینکه قاتل در زمان قتل از این موضوع اطلاع داشته یا بعداً از آن مطلع شود، زیرا در هر حالت یکی از شرایط لازم برای تحقق عنصر مادی جرم وجود ندارد). (میرمحمد صادقی، دکتر حسین، جرائم علیه اشخاص ص ۷۴).

نکته ۱- در خصوص کسی که مرتکب قتل سارقی شود که محکوم به مجازات جرم سرقت گردیده، چنانچه مجنی‌علیه سرقت مستوجب حد اعدام مرتکب شده باشد، قاتل وی به قصاص و پرداخت دیه محکوم نمی‌شود.

نکته ۲- در دفاع مشروع چنانچه نفس دفاع صدق کند، لکن مدافع با تجاوز از مراتب دفاع سبب قتل مهاجم شود، قصاص منتفی و مرتکب مستوجب دیه و تعزیر است.

نکته ۳- قتل نفس در صورتی موجب قصاص است که مقتول شرعاً:

(۱) مستحق کشتن نباشد

(۲) مهدورالدم نباشد

(۳) محقون‌الدم باشد

نکته ۴- شخصی مرتکب جرم حدی مستوجب سلب حیات را، بدون اجازه دادگاه به قتل می‌رساند، در این صورت آن شخص تعزیر می‌شود.

نکته ۵- شخص الف بدون سلاح برای ایراد ضرب به «ب» به سوی وی حمله‌ور می‌شود ولی قبل از اینکه بتواند و قصد خود را عملی سازد با شلیک گلوله‌ی «ب» کشته می‌شود در این حالت مجازات «ب» دیه و مجازات تعزیری است.

نکته ۶- در موارد مذکور در ماده فوق، برخی موارد مانند بند الف و ت مهدورالدم بودن مطلق است. یعنی که در آن شخص نسبت به همه مهدورالدم محسوب می‌شود و موارد بند ب، پ و ث مهدورالدم بودن نسبی است، یعنی آن شخص فقط نسبت به اشخاص خاص مهدورالدم محسوب می‌شود.

موارد مرتبط

ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: هرگاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اینبی مشاهده کند و علم به تکمیل زن داشته باشد می‌تواند در همان حال آنان را به قتل برساند و در صورتی که زن مکره باشد فقط مرد را می‌تواند به قتل برساند. کلمه ضرب و بچر در این مورد نیز مانند قتل است.

ماده ۳۰۳ - اعتقاد به مهدورالدم بودن

هرگاه مرتکب، مدعی باشد که مجنی‌علیه، حسب مورد در نفس یا عضو، مشمول ماده (۳۰۲) این قانون است یا وی با چنین اعتقادی، مرتکب جنایت بر او شده است این ادعا باید طبق موازین در دادگاه ثابت شود و دادگاه موظف است نخست به ادعای مذکور رسیدگی کند. اگر ثابت نشود که مجنی‌علیه مشمول ماده (۳۰۲) است و نیز ثابت نشود که مرتکب بر اساس چنین اعتقادی، مرتکب جنایت شده است مرتکب به قصاص محکوم می‌شود ولی اگر ثابت شود که به اشتباه با چنین اعتقادی، دست به جنایت زده و مجنی‌علیه نیز موضوع ماده (۳۰۲) نباشد مرتکب علاوه بر پرداخت دیه به مجازات مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود. (پس قصاص نمی‌شود و مجازات دیه و تعزیر دارد - ماهیتاً عمد است اما مجازات شبه عمد دارد).

نکته ۱- اگر کسی به اعتقاد قصاص یا مهدورالدم بودن، دیگری را بکشد و این امر بر دادگاه ثابت شود ولی معلوم گردد که مقتول، مورد قصاص یا مهدورالدم نبوده است، در این صورت عمل انجام گرفته در حکم خطای شبه عمد است.

نکته ۲- مهدورالدم بودن مقتول در زمان ایراد ضربه یا وقوع مرگ موجب عدم ثبوت قصاص نفس یا دیه‌ی نفس می‌شود.

ماده ۳۰۴ - جنایت عمدی بر نابالغ

جنایت عمدی نسبت به نابالغ، موجب قصاص است. (مگر اینکه جانی اعتقاد به مهدورالدم بودن مجنی‌علیه نابالغ داشته باشد که در این حالت قصاص ساقط است اما عکس این قضیه صادق نیست به عبارتی جنایت عمدی نابالغ بر بالغ موجب قصاص نیست).

نکته ۱- در مورد قتل مجنون به وسیله‌ی عاقل و قتل صغیر به وسیله‌ی کبیر، باید گفت که: اولی موجب قصاص نمی‌شود، ولی دومی با وجود سایر شرایط موجب قصاص است.

نکته ۲- اگر بالغ، نابالغ را به قتل برساند، مجازات شخص بالغ قصاص است.

نکته ۳- تساوی در عقل بین مرتکب و منجی علیه برای قصاص شرط است. در صورت مجنون بودن مجنی علیه قصاص منتفی و دیه و تعزیر در خصوص مرتکب جایگزین مجازات قصاص می شود.

نکته ۴- در خصوص جنایات علیه جنین اصل بر این است که جنایات وارد موجب قصاص مرتکب نیست مگر در یک فرض است که جنایت عمدی به جنین مستوجب قصاص می شود و آن عبارت است از فرضی است که در دوران جنینی، جنایت عمدی بر وی وارد شده و در صورتی که شرایط زیر مجتمعاً وجود داشته باشند، مرتکب قصاص می شود:

- ۱_ جنین زنده متولد شود.

- ۲_ جنین دارای قابلیت ادامه حیات باشد.

- ۳_ جنایت قبل از تولد یعنی در دوران جنینی موجب نقض یا مرگ بعد از تولد شود.

ماده ۳۰۵ - جنایت عمدی بر مینون (رک ماده ۳۰۱ ق.م.ا)

مُرْتَكِبِ جِنَايَتِ عَمْدِي نَسَبَتِ بَه مَجْنُونٍ (قصاص به دلیل عدم تساوی در عقل ساقط است) علاوه بر پرداخت دیه به تعزیر مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» نیز محکوم می شود. (رجوع کنید به مواد ۶۱۲ و ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵).

نکته ۱- هرگاه بالغ، نابالغی را بکشد، قصاص می شود اما چنانچه عاقل دیوانه‌ای را بکشد قصاص نمی شود. لازم به ذکر است هرگاه دیوانه یا نابالغی عمداً کسی را بکشد قتل از نوع خطائی بوده و قصاص نمی شود.

نکته ۲- هرگاه کسی بدون اذن ولی دم، محکوم به قصاص را بکشد، قصاص می شود.

ماده ۳۰۶ - جنایت عمدی بر مینون

جنایت عمدی بر جنین، هرچند پس از حلول روح باشد، موجب قصاص نیست. در این صورت مرتکب علاوه بر پرداخت دیه به مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می شود. (رک ماده ۶۲۲ الی ۶۲۴ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات - حبس ۱ تا ۳ سال).

تبصره -

اگر جنینی زنده متولد شود و دارای قابلیت ادامه حیات باشد و جنایت قبل از تولد، مُنَجَّرٌ بَه نَقْصِ یَا مَرِغٍ اَوْ پَسِ اَز تَوْلِدِ شُود و یا نَقْصِ اَوْ بَعْدِ اَز تَوْلِدِ باقی بماند قصاص ثابت است.

نکته ۱- مجازات طبیعی که بدون ضرورت مشروع عمداً مبادرت به سقط جنین کند که روح در آن پیدا شده است، دیه و تعزیر است.

نکته ۲- حکم جنایت عمدی وارده بر جنین پس از حلول روح، اگر جنین زنده متولد نشود به پرداخت دیه و مجازات تعزیری محکوم می شود.

نکته ۳- در اثر سهل انگاری قابل‌ه‌ای در هنگام وضع حمل زن، جنین ضایعه مغزی پیدا کرده و چند روز پس از تولد می میرد. جرمی که به قابل استناد است قتل شبه عمدی می باشد.

نکته ۴- مجازات جنایت عمدی بر جنین دیه و تعزیر است.

مواد مرتبط

ماده ۶۲۲ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: هرکس عالماً عامداً به واسطه‌ی ضرب یا اذیت و آزار زن حامله، موجب سقط جنین وی شود علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص حسب مورد به حبس یک تا سه سال محکوم خواهد شد.

ماده ۶۲۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: هرکس به واسطه‌ی دادن ادویه یا وسایل دیگری موجب سقط جنین زن گردد به شش ماه تا یکسال حبس محکوم می شود و اگر عالماً و عامداً زن حامله‌ای را دلالت بر استعمال ادویه یا وسایل دیگری نماید که جنین وی سقط گردد به حبس از سه تا شش ماه محکوم خواهد شد مگر اینکه ثابت شود این اقدام برای حفظ حیات مادر می باشد و در هر مورد کلم به پرداخت دیه مطابق مقررات مربوط داده خواهد شد.

ماده ۶۲۴ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: اگر طبیب یا ماما یا دارو فروش و اشفاصی که به عنوان طبابت یا مامایی یا جراحی یا دارو فروشی اقدام می کنند وسایل سقط جنین فراهم سازند و یا مباشرت به اسقاط جنین نمایند به حبس از دو تا پنج سال محکوم خواهند شد و کلم به پرداخت دیه مطابق مقررات مربوط صورت خواهد پذیرفت.

ماده ۳۰۷ - ارتکاب جنایت در حال مستی

ارتکاب جنایت در حال مستی و عدم تعادل روانی در اثر مصرف مواد مخدر، روان گردان و مانند آن‌ها، (اصل بر این است که) موجب قصاص است مگر اینکه ثابت شود بر اثر مستی و عدم تعادل روانی، مرتکب به کلی مسلوب‌الاختیار بوده است (مرتکب باید مسلوب‌الاختیار بودن را ثابت کند) که در این صورت، علاوه بر دیه به مجازات تعزیری (قصاص نمی‌شود) مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود. لکن اگر ثابت شود که مرتکب قبلاً خود را برای چنین عملی مست کرده (دادستان باید آن را اثبات کند) و یا علم داشته است که مستی و عدم تعادل روانی وی ولو نوعاً موجب ارتکاب آن جنایت یا نظیر آن از جانب او می‌شود، جنایت، عمدی محسوب می‌گردد. (رجوع کنید به ماده ۱۵۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲).

نکته ۱- کسی که در حال مستی مرتکب قتل عمدی شود، به حد شرب مسکر و قصاص نفس محکوم می‌گردد.

نکته ۲- قتل در حال مستی در حالی که قاتل در اثر مستی به کلی مسلوب‌الاختیار باشد و اراده‌ی او سلب شده و خود را برای قتل مست نکرده باشد قابل قصاص نیست.

نکته ۳- توجهاً به اینکه نوع قتل ارتكابی در فرض سؤال قصاص از انواع قتل غیر عمد است به واسطه فقدان شرط وحدت قصد مطروح در ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی معاونت از این حیث قابل کیفر نیست (رضا شکری، همان، ص ۷۶۰)

نکته ۴- در صورتی مستی و عدم تعادل روانی ناشی از مواد الکلی و روانگردان و... موجب انتفای قصاص می‌شود که:

۱_ فرد به کلی مسلوب‌الاختیار شده باشد.

۲_ فرد قبلاً برای ارتکاب چنین عملی خود را مست نکرده باشد.

۳_ فرد عالم به این موضوع نباشد که عدم تعادل روانی وی ولو نوعاً موجب ارتکاب آن جنایت یا نظیر آن از جانب او می‌شود.

در صورت وجود شرایط سه گانه فوق، قصاص منتفی بوده و مرتکب علاوه بر دیگه به تعزیر مقرر در ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات محکوم خواهد شد و در صورت فقدان هر یک از شرایط بیان شده فوق و عمدی بودن قتل و وجود سایر شرایط لازم مرتکب قصاص خواهد شد.

ماده ۳۰۸ - تردید در بلوغ و عقل

اگر پس از تحقیق و بررسی به وسیله مقام قضائی (منظور قاضی دادگاه است و شامل قضات دادرسی اعم از بازپرس و دادیار نمی‌شود)، در بالغ یا عاقل بودن مرتکب، هنگام ارتکاب جنایت، تردید وجود داشته باشد و ولی دم یا مجنی‌علیه ادعا کند که جنایت عمدی در حال بلوغ وی یا افاقه او از جنون سابق انجام گرفته است لکن مرتکب خلاف آن را ادعا کند، ولی دم یا مجنی‌علیه باید برای ادعای خود بینه اقامه کند. در صورت عدم اقامه بینه، قصاص منتفی است. اگر حالت سابق بر زمان جنایت، افاقه مرتکب بوده است، مرتکب باید جنون خود در حال ارتکاب جرم را اثبات کند تا قصاص ساقط شود؛ در غیر این صورت با سوگند ولی دم یا مجنی‌علیه یا ولی او قصاص ثابت می‌شود.

ماده ۳۰۹ - لزوم اثبات ارعای بنوت

این ادعا که مرتکب، پدر یا یکی از اجداد پدری مجنی‌علیه است، باید در دادگاه ثابت شود و در صورت عدم اثبات، حق قصاص، حسب مورد، با سوگند ولی دم یا مجنی‌علیه یا ولی او ثابت می‌شود.

نکته - اصل بر این است که مرتکب پدر یا جد پدری مجنی‌علیه نیست (اصل عدم) و خلاف آن می‌بایست در دادگاه با دلیل ثابت شود.

ماده ۳۱۰ - جنایت توسط غیرمسلمان

هرگاه غیرمسلمان، مرتکب جنایت عمدی بر مسلمان، ذمی، (کافر اهل کتاب) مستأمن (کافری که حکومت به وی امان از تعرض داده است) یا معاهد (کافری که با حکومت معاهده صلح بسته است) شود، حق قصاص ثابت است. در این امر، تفاوتی میان ادیان، فرقه‌ها و گرایش‌های فکری نیست. اگر مسلمان، ذمی، مستأمن یا معاهد، بر غیرمسلمانی که ذمی، مستأمن و معاهد نیست جنایتی وارد کند، قصاص نمی‌شود. (اما اگر به این کار خو گرفته باشد کشته می‌شود نه از باب قصاص که از باب حد به عنوان مفسد فی الارض) در این صورت مرتکب به مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود.

تبصره ۱ -

غیرمسلمانانی که ذمی، مستأمن و معاهد نیستند و تابعیت ایران را دارند یا تابعیت کشورهای خارجی را دارند و با رعایت قوانین و مقررات وارد کشور شده‌اند، در حکم مستأمن می‌باشند.

تبصره ۲ -

اگر مَجْنِيٌّ عَلَيَّه غیرمسلمان باشد و مُرْتَكِبِ پيش از اجرای قصاص، مسلمان شود، (بیانگر قاعده جَب است. مسلمان شدن باید احراز گردد و صرف اظهار کافی نیست) قصاص (اعم از قصاص نفس و قصاص اعضاء) ساقط و علاوه بر پرداخت دیه به مجازات تعزیری (در قصاص نفس به استناد ماده ۶۱۲ و در قصاص اعضاء به استناد ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات) مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات»، محکوم می‌شود.

نکته ۱- قاعده جَب، هرگاه مرتکب در زمان جنایت کافر باشد اما قبل از اجرای قصاص توبه کند و مسلمان شود در برابر مَجْنِيٌّ عَلَيَّه غیرمسلمان قصاص نخواهد شد.

نکته ۲- از نظر اسلام هم کفار در ردیف هم قرار دارند و هیچ‌کدام ترجیح بر دیگری ندارد؛ بنابراین اگر کافر ذمی کافر معاهدی را بکشد قصاص می‌شود. (رضا شکری همان ص ۷۶۳)

نکته ۳- عکس مسئله‌ی مذکور در تبصره ۲ هم صادق است یعنی اگر مسلمانی کفاری را به قتل برساند و سپس خود کافر شود قصاص منتفی است چراکه در زمان ارتکاب جرم تساوی در دین وجود نداشته است.

نکته ۴- از مفاد ماده ۳۱۰ مستفاد می‌گردد که جنایت بر غیرمسلمانی که خارج از ایران به طور غیرقانونی وارد کشور شده است صرفاً موجب تعزیر است (محمد هادی صادقی- جرائم علیه اشخاص- ص ۲۱۶)

نکته ۵- در صورتی که فرد مسلمان یا کافر ذمی، مستامن یا معاهد، مرتکب قتل، غیر مسلمانی که جزء این سه دسته نباشد گردند، قصاص منتفی خواهد بود و به تعزیر موجود در ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات و در برخی موارد پرداخت دیه محکوم می‌شود، و در مورد غیر مسلمانی که جزء سه گروه فوق ذکر شده نباشد، تفاوتی در فقره و ادیان و گرایش فکری آن‌ها نیست و یکسان فرض می‌شود.

ماده ۳۱۱ - تردید در مسلمان بودن مَجْنِيٌّ عَلَيَّه

اگر پس از تحقیق و بررسی به وسیله مقام قضائی، در مسلمان بودن مَجْنِيٌّ عَلَيَّه، هنگام ارتکاب جنایت، تردید وجود داشته و حالت او پیش از جنایت، عَدَمِ اسلام باشد و ولی دَم یا مَجْنِيٌّ عَلَيَّه ادعا کند که جنایت عمدی در حال اسلام او انجام شده است و مُرْتَكِبِ ادعا کند که ارتکاب جنایت، پیش از اسلام آوردن وی بوده است، ادعای ولی دَم یا مَجْنِيٌّ عَلَيَّه باید ثابت شود و در صورت عدم اثبات، قصاص منتفی است و مُرْتَكِبِ به پرداخت دیه و مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود. اگر حالت پیش از زمان جنایت، اسلام او بوده است، وقوع جنایت در حالت عَدَمِ اسلام مَجْنِيٌّ عَلَيَّه باید اثبات شود تا قصاص ساقط گردد و در صورت عدم اثبات، حسب مورد با سوگند ولی دَم یا مَجْنِيٌّ عَلَيَّه یا ولی او قصاص ثابت می‌شود. حکم این ماده در صورتی که در مَجْنُون بودن مَجْنِيٌّ عَلَيَّه تردید وجود داشته باشد نیز جاری است.

نکته ۱- مطابق ماده در صورت تردید پیرامون مسلمان یا عاقل بودن مجنی علیه در حین ارتکاب جنایت، دو فرض قابل طرح است. الف) حالت سابقه قبل از جنایت، اسلام یا عقل مجنی علیه است. در این صورت اثبات عدم اسلام و جنون مجنی علیه هنگام ارتکاب جرم بر عهده مرتکب است و در صورت عدم اثبات با سوگند مجنی علیه یا ولی دم قصاص ثابت می‌شود. ب) حالت سابقه قبل از جنایت، عدم اسلام و جنون مجنی علیه بوده است. در این صورت اثبات عاقل و مسلمان بودن مجنی علیه حین ارتکاب جنایت با مجنی علیه یا ولی دم است و در صورت عدم اثبات، دیه و تعزیر ثابت می‌شود.

فصل چهارم - راه‌های اثبات جنایت

ماده ۳۱۲ - اثبات جنایت با قسامه

جنایات علاوه بر طرق مقرر (اقرار، شهادت، سوگند، علم قاضی ماده ۱۶۰ ق.م.ا) در کتاب اول «کلیات» این قانون از طریق قسامه (فقط در جنایات به کار می‌رود و سایر جرائم را با قسامه نمی‌توان نفی یا اثبات کرد) نیز ثابت می‌شود.

نکته ۱- راه‌های ثبوت قتل در دادگاه، مطابق قانون مجازات اسلامی عبارت‌اند از: اقرار، شهادت، قسامه و علم قاضی.

نکته ۲- اثبات جرم قتل از طریق شهادت:

(۱) قتل عمدی: شهادت دو مرد عادل

۲) قتل شبه عمد و خطای محض: شهادت دو مرد عادل، شهادت یک مرد عادل و دو زن عادل، شهادت یک مرد عادل و سوگند مدعی، شهادت دو زن عادل و

قسم مدعی (اسماعیل ساولانی، نکته‌های حقوق جزای اختصاصی، جلد اول، ص ۱۳۶)

ماده ۳۱۳ - تعریف قسامه

قسامه (با قسامه هم مجرمیت قابل اثبات است و هم براءت و در بحث مجرمیت هم اصل جنایت با قسامه قابل اثبات است و هم نوع جنایت) عبارت از سوگندهایی است که در صورت فقدان ادله دیگر (یعنی اقرار، شهادت و علم قاضی) غیر از سوگند منکر و وجود لوث (عبارت از وجود قراین و اماراتی است که موجب ظن قاضی به ارتکاب جنایت یا نحوه ارتکاب از جانب متهم می‌شود)، شاکی برای اثبات جنایت عمدی یا غیرعمدی (حدود و تعزیرات با سوگند نفی یا اثبات نمی‌شوند) یا خصوصیات آن (از لحاظ عمدی یا غیرعمدی بودن آن جنایت) و متهم برای دفع اتهام از خود اقامه می‌کند. (احکام و شرایط قسامه برای اثبات یا نفی قصاص و دیه معتبر است و در سایر جرائم نمی‌توان برای اثبات جرم از قسامه استفاده کرد)

نکته ۱ - قسامه، برای اثبات محکومیت یا براءت از ارتکاب جنایت و یا اثبات نوع جنایت به کار می‌رود و با آن هم می‌شود اصل قتل یا جرم را ثابت کرد و هم نوع آن را.

نکته ۲ - لازمه‌ی قسامه لوث است و لازمه‌ی لوث وجود اماره و قرینه، ایجادکننده ظن است. (دکتر آقای نیاء، جنایت علیه اشخاص، ص ۲۰۴)

ماده ۳۱۴ - تعریف لوث

لوث عبارت از وجود قرائن و اماراتی است که موجب ظن قاضی به ارتکاب جنایت یا نحوه ارتکاب از جانب متهم می‌شود (به عبارتی، لوث اماره‌ای است قانونی که موجب ظن قاضی به صدق مدعی می‌شود).

نکته ۱ - لوث اماره‌ای است قانونی که موجب ظن قاضی به صدق مدعی شود.

نکته ۲ - «لوث» در فرهنگ لغت فارسی در معانی، آلوده کردن به آلودگی، آرایش، پلیدی، خلط شدن، مشتبه شدن و ... آمده است.

نکته ۳ - تنها آن دسته از قرائن و اماراتی لوث محسوب می‌شود که موجب ظن قاضی به ارتکاب جنایت یا نحوه ارتکاب آن از جانب متهم بشود، مانند حضور متهم در محل حادثه با چاقوی آغشته به خون، شهادت یک مرد عادل و ... دقت شود که قصاص در موارد لوث احتیاج به تقاضای مدعی ندارد.

ماده ۳۱۵ - لزوم امارات برای تحقق لوث

فقدان قرائن و امارات (هر چیزی که جنبه‌ی کاشفیت و حکایت از چیزی را دارد) موجب ظن و صرف حضور فرد در محل وقوع جنایت (موضوع جنایت می‌تواند نفس، عضو و منفعت باشد)، از مصادیق لوث محسوب نمی‌شود (در لوث مظنون به قتل باید معین باشد) و او با ادای یک سوگند، تبرئه می‌گردد. (چون این شخص بیشتر در مظان ارتکاب جنایت است اصل براءت در خصوص وی مصداق پیدا نمی‌کند).

ماده ۳۱۶ - لزوم ذکر امارات در حکم

مقام قضائی موظف است در صورت استناد به قسامه، قرائن و امارات موجب لوث را در حکم خود ذکر کند. مواردی که سوگند یا قسامه، توسط قاضی رد می‌شود، مشمول این حکم است.

نکته ۱ - اجرای قسامه از جانب مدعی نیازی به درخواست متهم ندارد، زیرا اگر چنین باشد، متهم با عدم درخواست خویش جلوی دلیل مدعی را می‌گیرد اما اجرای قسامه از جانب متهم نیاز به درخواست مدعی دارد چون قسامه حق مدعی است که می‌تواند آن را به متهم واگذار کند و اگر چنین کاری نکند ضرر دیگری را در بر ندارد بلکه به ضرر خود مدعی تمام می‌شود.

نکته ۲ - در صورت استفاده از قسامه عدم بیان قرائن و امارات موجب لوث (ظن) در حکم موجب نقص حکم بوده و تخلف است. ضمناً در مواردی که سوگند یا قسامه توسط قاضی رد می‌شود نیز قاضی می‌بایست قرائن و امارات موجب ظن را در حکم خود بیان نماید.

ماده ۳۱۷ - ترتیب قسامه بر لوث

در صورت حصول لوث، نخست از مُتَّهَم، مُطالبه دلیل بر نفی اتهام می‌شود. اگر دلیلی ارائه شود، نوبت به قسامه شاکی نمی‌رسد و مُتَّهَم تبرئه می‌گردد. در غیر این صورت با ثبوت لوث، شاکی می‌تواند اقامه قسامه کند یا از مُتَّهَم درخواست قسامه نماید.

ماده ۳۱۸ - اعطای مهلت برای قسامه

اگر شاکی اقامه قسامه نکند و از مُطالبه قسامه از مُتَّهَم نیز خودداری ورزد، مُتَّهَم در جنایات عمدی، با تأمین مناسب (غیر از بازداشت موقت) و در جنایات غیرعمدی، بدون تأمین آزاد می‌شود لکن حق اقامه قسامه یا مُطالبه آن برای شاکی باقی می‌ماند.
تبصره -

در مواردی که تأمین گرفته می‌شود، حداکثر سه ماه به شاکی فرصت داده می‌شود تا اقامه قسامه نماید یا از مُتَّهَم مُطالبه قسامه کند و پس از پایان مهلت از تأمین اخذشده رفع اثر می‌شود. (این رفع اثر مانع از آن نیست که شاکی مجدداً اقامه قسامه کند یا آن را از متهم مطالبه کند).

ماده ۳۱۹ - عزم ابرای قسامه توسط مُتَّهَم

اگر شاکی از مُتَّهَم درخواست قسامه کند (در خصوص تعدد شکات و متهمان نیز حکم این ماده حسب مورد نسبت به هر کدام اجرا می‌شود) و وی حاضر به قسامه نشود به پرداخت دیه محکوم می‌شود و اگر اقامه قسامه کند، تبرئه می‌گردد (و هرگاه قاتل نامعلوم باشد به حکم ماده ۴۸۴ قانون مجازات اسلامی دیه مقتول از بیت‌المال پرداخت می‌شود) و شاکی حق ندارد برای بار دیگر، با قسامه یا بینه، دعوی را علیه او تجدید کند. در این مورد مُتَّهَم نمی‌تواند (به هیچ وجه) قسامه را به شاکی رد نماید.

نکته ۱- در جنایت عمدی، اگر شاکی از متهم درخواست قسامه کند و او حاضر به قسامه نشود، متهم به پرداخت دیه محکوم می‌شود.
نکته ۲- در قتل عمدی که نوبت به قسامه رسیده باشد، اگر مدعی علیه در صورت مطالبه‌ی مدعی از اقامه‌ی قسامه خودداری نماید، محکوم به پرداخت دیه می‌شود.

نکته ۳- اگر قتلی از مصادیق لوث باشد و شاکی از متهم درخواست قسامه کند، اگر متهم اقامه قسامه کند تبرئه می‌شود. در غیر این صورت به پرداخت دیه محکوم می‌شود.

نکته ۴- قسامه را ابتدا مدعی می‌بایست اقامه نماید یا از متهم درخواست اقامه آن را بکند، چنانچه مدعی و شاکی از متهم درخواست اقامه قسامه کند، متهم نمی‌تواند اقامه قسامه را به مدعی رد کند. به عبارت دیگر، تنها یک بار می‌توان اقامه قسامه را به طرف مقابل را رد کرد و آن هم مدعی به متهم است.

ماده ۳۲۰ - اشخاصی که حق درخواست قسامه دارند

اقامه قسامه یا مُطالبه آن از مُتَّهَم، باید حسب مورد، توسط صاحب حق قصاص یا دیه، (شاکی و یا اولیای دم) یا ولی یا وکیل آن‌ها باشد. همچنین است اقامه قسامه (یعنی درخواست قسامه و معرفی کسانی که باید سوگند یاد کنند که قابل توکیل می‌باشند) برای برائت مُتَّهَم که حسب مورد به وسیله مُتَّهَم، ولی یا وکیل آن‌ها صورت می‌گیرد. ایتیان سوگند به وسیله افراد، قابل توکیل نیست.

مواد مرتبط

ماده ۲۰۱ قانون مجازات اسلامی؛ سوگند عبارت است از گواه قرار دادن فراوند بر درستی گفتار ادالکنده‌ی سوگند است.

ماده ۳۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری؛ تقاضای سوگند قابل توکیل است و وکیل در دعوی می‌تواند در صورتی که در وکالت‌نامه تصریح شده باشد، طرف را سوگند دهد، اما سوگند یاد کردن قابل توکیل نیست و وکیل نمی‌تواند به جای موکل سوگند یاد کند.

ماده ۱۳۳۰ قانون مدنی؛ تقاضای قسم قابل توکیل است و وکیل در دعوی می‌تواند طرف را قسم دهد لیکن قسم یاد کردن قابل توکیل نیست و وکیل نمی‌تواند بجای موکل قسم یاد کند.

پنجاه و یک ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی مدنی؛ وکالت در دادگاه‌ها شامل تمام اختیارات رابع به امر دادرسی است جز آنچه را که موکل استثناء کرده یا توکیل در آن فلاف شرع باشد، لیکن در موارد زیر باید اختیارات وکیل در وکالت‌نامه تصریح شود:

...

۱۴- وکالت در قبول یا رد سوگند.

ماده ۳۲۱ - حق قسامه به ارث می‌رسد

اگر مَجْنی عَلَیْهِ یا ولیّ ذم فوت کند هر یک از وارثان مُتَوَفّی، (جنسیت نقشی در مطالبه قسامه ندارد) بدون نیاز به توافق دیگر ورثه مُتَوَفّی یا دیگر اولیای ذم، حق مُطَالِبَه یا اقامه قسامه را دارند. (پس برای اقامه قسامه تنها درخواست یکی از ورثه کافی می‌باشد و نیاز به درخواست تمام ورثه نیست).

ماده ۳۲۲ - امکان تفریه حق قسامه

اگر برخی از ورثه، اصل اتهام یا برخی خصوصیات آن را از متهم نفی کنند، (مثلاً این شخص نمی‌تواند پدرم را کشته باشد) حق دیگران با وجود لوث، برای اقامه قسامه محفوظ است.

ماده ۳۲۳ - کفایت یک قسامه برای چند متهم

اگر چند نفر، مُتَّهَم به شرکت (پس در صورتی که برخی از متهمان به عنوان شریک و برخی به عنوان معاون تحت تعقیب باشند نمی‌توان از حکم این ماده استفاده کرد) در یک جنایت (اعم از نفس و مادون نفس) باشند و لوث علیه همه آنان باشد، اقامه یک قسامه برای اثبات شرکت آنان در ارتکاب جنایت، کافی است (و می‌توان با یک قسامه همگی آنها را محکوم کرد) و لزومی به اقامه قسامه برای هر یک نیست.

نکته - در شرکت در جنایت از آنجا که اقامه قسامه از جانب مدعی در راستای اثبات جرم است، با اقامه یک قسامه بر وقوع جرم به صورت شرکت چند نفر در عملیات مجرمانه ثابت می‌شود و نیاز نیست به تعداد شرکاء و برای هر کدام از آنها به صورت جداگانه اقامه قسامه نمود.

ماده ۳۲۴ - ادعای مُهَرَم بودن یک نفر از چند نفر

اگر شاکی ادّعا کند که تنها یک شخص مُعین از دو یا چند نفر، مُجَرَّم است و قسامه بر شرکت در جنایت اقامه شود، شاکی نمی‌تواند غیر از آن یک نفر را قصاص کند و چنانچه دیه قصاص شونده بیش از سهم دیه جنایت او باشد شریک یا شُرکای دیگر باید مازاد دیه مذکور را به قصاص شونده بپردازند. (مثلاً اگر ۳ نفر باشد هر کدام یک سوم به قصاص شونده بپردازند) رجوع شاکی از اقرار به افراد مُرتکِب، پس از اقامه قسامه مسموع نیست. (معنی مخالف: تا قبل از اقامه قسامه مسموع است. مثال: چهار نفر به صورت شرکت مرتکب قتل عمدی شده باشند که با توجه به ادعای شاکی مبنی بر وقوع قتل به صورت انفرادی و عدم پذیرش رجوع او از افراد، سه نفری که قصاص نمی‌شوند باید هر کدام یک چهارم دیه به کسی که قصاص می‌شود قبل از قصاصش بدهند).

ماده ۳۲۵ - درخواست قسامه توسط برخی از صاحبان حق

اگر برخی از صاحبان حق قصاص یا دیه از مُتَّهَم درخواست قسامه کنند، قسامه مُتَّهَم فقط حق مُطَالِبَه کنندگان را ساقط می‌کند و حق دیگران برای اثبات ادعایشان محفوظ است و اگر بتوانند موجب قصاص را اثبات کنند، باید پیش از استیفای قصاص، سهم دیه گروه اول (آنهایی که به متهم رد کرده بودند) را حَسَبِ مورد به خود آنها (اولیای دم) یا به مُرتکِب بپردازند.

ماده ۳۲۶ - عدم ابرای قسامه توسط شاکی

اگر شاکی علی‌رغم حصول لوث علیه مُتَّهَم اقامه قسامه نکند و از او مُطَالِبَه قسامه کند و مُتَّهَم درباره اصل جنایت یا خصوصیات آن، ادّعا ی عَدَمِ عِلْمِ کند، شاکی می‌تواند از وی مُطَالِبَه اِتیانِ سوگند بر عَدَمِ عِلْمِ نماید. اگر مُتَّهَم بر عَدَمِ عِلْمِ به اصل جنایت سوگند یاد کند، دعوی متوقف و وی بدون تأمین آزاد می‌شود و اگر سوگند مُتَّهَم فقط بر عَدَمِ عِلْمِ به خصوصیات جنایت (عمد، شبه عمد یا خطا) باشد، دعوی فقط در مورد آن خصوصیات متوقف می‌گردد لکن اگر مُتَّهَم از سوگند خوردن خودداری ورزد و شاکی بر عِلْمِ داشتن او سوگند یاد کند، ادّعا ی مُتَّهَم به عَدَمِ عِلْمِ رد می‌شود و شاکی حق دارد از مُتَّهَم اقامه قسامه را درخواست نماید. در این صورت اگر مُتَّهَم اقامه قسامه نکند به پرداخت دیه محکوم می‌شود.

ماده ۳۲۷ - تعدد شکات

در صورتی که شاکی مُتَّعَدَّد باشد، اقامه یک قسامه (۵۰ قسم برای یک بار کافی است) برای همه آنان کافی است لکن در صورت تَعَدُّدِ مُتَّهَمان، برای بَرَأَتِ هریک، اقامه قسامه مُستقل (مثلاً هر کدام ۵۰ قسم به‌طور جداگانه) لازم است (به‌استثناء شرکت در جرم واحد توسط چند نفر).

نکته ۱ - اگر مقتولان متعدد ولی مدعی واحد باشد برای مثال کشته شدن دو فرزند یک نفر توسط کسی که حالت لوث علیه وی وجود دارد. با وجود قسامه توسط مدعی در مورد یکی از دو فرزند قصاص علیه متهم ثابت می‌شود و دیگر نیازی به اجرای قسامه در خصوص قتل دوم نیست اما در صورتی که قصاص در مورد مقتول اول به دلایلی ساقط شود قسامه مجدداً در مورد قتل دوم قابل اجرا خواهد بود

(مهدی صیادی، همان، ص ۲۴۰).

ماده ۳۲۸ - تعزیر مُتَّهَمَان

در صورت تَعَدُّد مُتَّهَمَان، هریک از آن‌ها می‌تواند به نفع مُتَّهَم دیگر، در قسامه شرکت کند. (خویشان و بستگان ذکور نسبی باید قسم بخورند اما در اینجا استثنا وارد می‌شود و متهمین دیگر نیز می‌توانند).

ماده ۳۲۹ - انفصار قسامه به مبرورۀ لوٹ

قسامه فقط نسبت به مقداری که لوٹ (مقدمه‌ی قسامه است و قسامه بدون لوٹ هیچ‌گونه اعتباری ندارد) حاصل شده است، (استناد به قسامه معلق به جنایت در مفهوم کامل آن نیست لذا هم اصل و هم خصوصیات جنایت نیز به صورت انفرادی و یا به صورت اجتماع در شمول قسامه قرار می‌گیرند) موجب اثبات می‌شود و اثبات خصوصیات جنایت از قبیل عمَد، شبه عمَد، خطا، مقدار جنایت و شرکت در ارتکاب جنایت یا انفراد در آن نیازمند حصول لوٹ در این خصوصیات است.

ماده ۳۳۰ - عزم حصول لوٹ یا ایتان قسامه

اگر نسبت به خصوصیات جنایت (مانند اینکه جنایت به صورت عمدی یا غیرعمدی صورت گرفته یا جرم در زمان یا مکان خاصی رخ داده باشد) لوٹ حاصل نشود یا سوگند خوردگان، بر آن خصوصیات سوگند یاد نکنند و فقط بر انتساب جنایت به مُرتکب سوگند بخورند، اصل ارتکاب جنایت اثبات می‌شود و دیه تعلق می‌گیرد. (قسم می‌خورند که این فرد، الف را به قتل رسانده است اما نمی‌گویند عمد یا غیر عمد که در اینجا دیه تعلق می‌گیرد).

ماده ۳۳۱ - اثبات خصوصیات جنایت با قسامه

چنانچه اصل ارتکاب جنایت، با دلیلی به جز قسامه اثبات شود، خصوصیات آن در صورت حصول لوٹ در هر یک از آن‌ها به وسیله قسامه قابل اثبات است مانند آنکه یکی از دو شاهد عادل، به اصل قتل و دیگری به قتل عمدی شهادت دهد که در این صورت اصل قتل با یقین اثبات می‌شود و در صورت لوٹ، عمدی بودن قتل با اقامه قسامه ثابت می‌گردد.

ماده ۳۳۲ - حصول لوٹ به شکل مُرَدَّد میان چند نفر

اگر لوٹ علیه دو یا چند نفر به شکل مُرَدَّد حاصل شود، پس از تعیین مُرتکب (مستلزم شناخت هویت شناسنامه‌ای او نیست بلکه انتساب جنایت به وی ملاک است) به وسیله مجنی علیه یا ولی دم و اقامه قسامه علیه او، وقوع جنایت اثبات می‌شود. (این مورد در خصوصی است که امکان شرکت در جرم متفی باشد بنابراین هرگاه امکان شرکت در جرم باشد دلیلی وجود ندارد که قسامه علیه یک نفر باشد).

نکته - در صورتی که لوٹ به گونه ای مردد و علیه دو یا چند نفر حاصل شود نیز امکان اقامه قسامه وجود دارد که در این صورت، ابتدا می‌بایست مرتکب به وسیله مجنی علیه یا ولی دم تعیین شده و سپس علیه او اقامه قسام نمود.

ماده ۳۳۳ - نحوه ابرای قسامه در صورت مُرَدَّد بودن لوٹ

اگر لوٹ علیه دو یا چند نفر به شکل مُرَدَّد ثابت باشد و قسامه به همین‌گونه علیه آنان اقامه شود، جنایت بر عهده یکی از چند نفر، به صورت مُرَدَّد اثبات می‌شود و قاضی از آنان می‌خواهد که بر برائت خود سوگند بخورند. اگر همگی از سوگند خوردن خودداری ورزند یا برخی از آنان سوگند یاد کنند و برخی نکنند، دیه بر مُمتنعان ثابت می‌شود. اگر مُمتنعان مُتَعَدَّد باشند، پرداخت دیه به نسبت مساوی میان آنان تقسیم می‌شود. (اگر مُمتنع یک نفر باشد ضامن پرداخت تمام دیه خواهد بود) اگر همه آنان بر برائت خود سوگند یاد کنند، در خصوص قتل، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود و در غیر قتل، دیه به نسبت مساوی میان آنان تقسیم می‌گردد.

نکته ۱- در موارد علم اجمالی به ارتکاب قتل توسط یک نفر از دو یا چند نفر معین در صورت عدم وجود لوٹ و تقاضای صاحب حق برای ادای سوگند، در صورت ادای سوگند توسط متهمین، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود.

ماده ۳۳۴ - ترور لوٹ و درخواست قسامه توسط شاکی

اگر لوٹ علیه دو یا چند نفر به شکل مُرَدَّد ثابت باشد، چنانچه شاکی از آنان درخواست اقامه قسامه کند (قسامه حق است پس اجرای آن نیاز به درخواست مجنی علیه یا ولی دم دارد) هر یک از آنان باید اقامه قسامه کند. در صورت خودداری همه یا برخی از آنان از اقامه قسامه، پرداخت دیه بر مُمتنع

ثابت می‌شود و در صورت تعدد مُمتنعان، پرداخت دیه به نسبت مساوی میان آنان تقسیم می‌شود. اگر همگی اقامه قسامه کنند، در قتل، (اعم از عمد، شبه عمد یا خطای محض) دیه از بیت‌المال پرداخت می‌گردد

موارد مرتب

ماده ۴۷۷ قانون مجازات اسلامی؛ در موارد علم اجمالی به ارتکاب جنایت، توسط یک نفر از دو یا چند نفر معین، در صورت وجود لوٹ بر برفی از اطراف علم اجمالی، طبق مواد قسامه در این باب عمل می‌شود و در صورت عدم وجود لوٹ، صاحب حق می‌تواند از متهمان مطالبه‌ی سوگند کند که اگر همگی سوگند یاد کنند در فصوص قتل دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود و در غیر قتل، دیه به نسبت مساوی از متهمان دریافت می‌شود. تبصره: هرگاه منشا علم اجمالی، اقرار متهمان باشد، مسبب مورد اولیای ۴ یا مبنی‌علیه مؤیراند برای دریافت دیه به هر یک از متهمان مراجعه کنند و در این امر تفاوتی بین جنایت عمدی و غیرعمدی و قتل و غیر قتل نیست.

ماده ۳۳۵ - تحقق لوٹ علیه برفی از اقرار

چنانچه لوٹ تنها علیه برخی از افراد حاصل شود و شاکی علیه افراد بیشتری ادعای مُشارکت در ارتکاب جنایت را نماید، با قسامه، جنایت به مقدار ادعای مُدعی، در موردی که لوٹ حاصل شده است اثبات می‌شود مانند آنکه ولیّ دم مُدعی مشارکت سه مرد در قتل عمدی مردی باشد و لوٹ فقط علیه مُشارکت دو نفر از آنان باشد، پس از اقامه قسامه علیه آن دو نفر، حق قصاص علیه آن دو به مقدار سهمشان ثابت است. اگر ولیّ دم بخواهد هر دو نفر را قصاص کند، باید به سبب اقرار خود به اشتراک سه مرد، دو سوّم دیه را به هر یک از قصاص‌شوندگان بپردازد.

تبصره -

رجوع شاکی از اقرار به شرکت افراد بیشتر پذیرفته نیست (یعنی اول بگوید ۳ نفر حالا بگوید ۲ نفر) مگر اینکه از ابتدا، شرکت افراد بیشتر را به نحو تردید، ذکر کرده باشد و کسانی که در قسامه ایتیان سوگند کرده‌اند نیز شرکت افراد دیگر را در ارتکاب جنایت نفی کرده و بر ارتکاب قتل توسط افراد کمتر سوگند یاد کرده باشند.

ماده ۳۳۶ - نصاب قسامه (ر.ک ماده ۴۵۵ ق.م.ا)

نصاب قسامه برای اثبات قتل عمدی، (برای دیدن نصاب قسامه در جراحات رجوع کنید به ماده ۴۵۶ قانون مجازات اسلامی) سوگند پنجاه (اصولاً) مرد (بالغ، عاقل، قاصد و مختار باشد) از خویشاوندان و بستگان مُدعی است (و از هر درجه اعم از سببی یا نسبی و اعم از امی، ابی یا ابوینی). با تکرار سوگند قتل ثابت نمی‌شود (اجرای قسامه در جلسات متعدد فاقد منع است).

نکته ۱- در طریق اثبات قتل عمدی از طریق قسامه، مدعی باید در هر حال پنجاه نفر برای ادای قسم حاضر کند و خودش می‌تواند یکی از آنان باشد.

نکته ۲ - قسامه در هیچ موردی متوجه عاقله نیست و در صورتی که جنایت بر طفل وارد شود اگر قتل باشد و از موارد لوٹ باشد طبق ماده ۳۳۶ قانون مجازات اسلامی عمل می‌شود و اگر جنایت غیر از قتل باشد به جای طفل صغیر مجنی‌علیه، ولی او به همراه سایر بستگان نسبی مرد او، قسم یاد خواهند کرد و همچنین است در مورد طفل جانی. (نظریه‌ی مشورتی شماره ۷۶۲۱/۷ مورخ ۱۳۸۴/۱۰/۲۶)

نکته ۳- اگر تعداد خویشاوندان و بستگان متهم کم‌تر از حد نصاب باشد تکرار قسم تا حد نصاب (پنجاه قسم) برای برائت مجاز است چه خودش به تنهایی باشد و پنجاه قسم بخورد و چه پنج خویشاوند داشته باشد و هر کدام ده قسم بخورند.

ماده ۳۳۷ - استناب سوگند شاکی در قسامه

سوگند شاکی، خواه مرد باشد خواه زن، جزء نصاب محسوب می‌شود.

ماده ۳۳۸ - تکرار قسامه توسط متهم

در صورتی که شاکی از متهم درخواست اقامه قسامه کند، متهم باید برای برائت خود، اقامه قسامه نماید که در این صورت، باید حسب مورد به مقدار نصاب مُقرر، (مثلاً در عمد ۵۰ قسم) اداکننده سوگند داشته باشد. اگر تعداد آنان کمتر از نصاب باشد، سوگندها تا تحقق نصاب، توسط آنان یا خود او تکرار می‌شود (امکان تکرار قسم از مدعی علیه در قتل پذیرفته می‌شود) و با نداشتن اداکننده سوگند، خود متهم، خواه مرد باشد خواه زن، همه سوگندها را تکرار می‌نماید (تکرار قسم از ناحیه‌ی مدعی علیه موافق اصل برائت است) و تبرئه می‌شود. (در اینجا چون برای برائت است قانون‌گذار سخت نمی‌گیرد اما در فرض اثبات قتل سختگیری می‌کند) (رجوع کنید به مواد ۴۵۵ و ۴۵۶ قانون مجازات اسلامی بخش دیات).

ماده ۳۳۹ - لزوم شرایط سوگند برای قسامه

در قسامه، همه شرایط مقرر در کتاب اول «کلیات» این قانون که برای اتیان سوگند ذکر شده است رعایت می‌شود. (رجوع کنید به مواد ۲۰۱ الی ۲۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲).

ماده ۳۴۰ - کفایت علم اداکننده سوگند

لازم نیست اداکننده سوگند، شاهد ارتکاب جنایت بوده باشد و علم وی به آنچه بر آن سوگند یاد می‌کند، کافی است. همچنین لازم نیست قاضی، منشأ علم اداکننده سوگند را بداند و ادعای علم از سوی اداکننده سوگند تا دلیل معتبری برخلاف آن نباشد، معتبر است. (تصمیم قاضی به فقدان علم باید مستند و مستدل باشد) در هر صورت تحقیق و بررسی مقام قضائی از اداکننده سوگند بلامانع است.

نکته ۱ - صحت قسامه منوط به علم و یقین است.

ماده ۳۴۱ - لزوم تحقیق در صورت احتمال فقدان علم

اگر احتمال آن باشد که اداکننده سوگند، بدون علم و بر اساس ظن و گمان یا با تبانی سوگند می‌خورد، مقام قضائی موظف به بررسی موضوع است. اگر پس از بررسی، امور یادشده احراز نشود، سوگند وی معتبر است.

ماده ۳۴۲ - لزوم احتمال اطلاع سوگند فورنرگان

لازم است اهداءکنندگان سوگند از کسانی باشند که احتمال اطلاع آنان بر وقوع جنایت، موجه باشد. (اطلاع و آگاهی اداکننده سوگند ممکن است به نحو غیرمستقیم باشد و ضرورت ندارد. خود شاهد واقعه بوده یا در زمان وقوع جنایت لازم را دارا بوده باشد).

ماده ۳۴۳ - اعلام مجازات و مکافات سوگند دروغ

قاضی می‌تواند (کاملاً مختار است) پیش از اجرای قسامه، مجازات قانونی و مکافات اخروی سوگند دروغ و عدم جواز توبیه (پنهان کردن حقیقت - یعنی جایز نیست که سوگند خورنده الفاظی را بیان کند که ظاهر آن الفاظ دلالت بر معنایی می‌کند که مقصود گوینده آن الفاظ نبوده است به عبارتی کذبی است که ظاهر راست دارد و گوینده ظاهر آن را قصد می‌کند ولی باطن آن را به رخ شنونده می‌کشد) در آن را برای اداکنندگان سوگند بیان کند.

مواد مرتبط

ماده ۶۴۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات؛ هرکس در دعوی حقوقی یا جزایی که قسم متوجه او شده باشد سوگند دروغ یاد نماید به شش ماه تا دو سال حبس مملوم فواهر شد.

ماده ۳۴۴ - بطلان قسامه پس از اقامه آن

اگر پس از اقامه قسامه و پیش از صدور حکم، دلیل معتبری برخلاف قسامه یافت شود و یا فقدان شرایط قسامه اثبات گردد، قسامه باطل می‌شود (و در صورت نبودن دلیل دیگر و تا آوردن اداکننده قسامه در جنایات عمدی متهم با تأمین متناسب آزاد می‌شود) و چنانچه بعد از صدور حکم باشد (منظور حکم قطعی است) موضوع از موارد اعاده دادرسی است. (مثال: اگر پس از اجرای قسامه و صدور حکم قطعی بر اساس آن، معلوم شود که برخی از اداکنندگان سوگند، به دروغ سوگند خورده‌اند).

نکته ۱- اگر پس از اجرای قسامه و صدور حکم قطعی بر اساس آن معلوم شود که برخی از اداکنندگان سوگند، به دروغ سوگند خورده‌اند مورد از جهات اعاده دادرسی محسوب می‌شود.

نکته ۲- منظور ماده از صدور حکم، صدور حکم قطعی است. چرا که تا قبل از آن امکان اعتراض به حکم از طریق تجدید نظر خواهی به شیوه عادی وجود دارد. در صورت قطعیت یافتن حکم از طرق خاص یا استثنایی تجدید نظر یعنی اعاده دادرسی می‌توان به رای اعتراض نمود.

مواد مرتبط

ماده ۳۱۸ قانون مجازات اسلامی؛ اگر شاکی اقامه‌ی قسامه نکند و از مطالبه‌ی قسامه از متهم نیز خودداری ورزد، متهم در بنیایات عمدی، با تأمین مناسب و در بنیایات غیرعمدی، بدون تأمین آزاد می‌شود لیکن حق اقامه‌ی قسامه یا مطالبه‌ی آن برای شاکی باقی می‌ماند.

تبصره: در مواردی که تأمین گرفته می‌شود، حداکثر سه ماه به شاکی فرصت داده می‌شود تا اقامه‌ی قسامه نماید یا از متهم مطالبه‌ی قسامه کند و پس از پایان مهلت از تأمین افزوده رفع اثر می‌شود.

ماده ۳۴۵ - ممنوعیت تهریر دعوی پس از اقامه‌ی قسامه

پس از اقامه قسامه (صحیح) توسط متهم، شاکی نمی‌تواند با بینه یا قسامه، دعوی را علیه متهم تجدید کند. (چه حکمی صادر شده باشد و چه حکمی صادر نشده باشد).

نکته - علت حکم موجود در این ماده، اعتبار امر مختومه ی کیفری است.

ماده ۳۴۶ - اعاده دادرسی در صورت امر از بطلان قسامه پس از صدور حکم

اگر پس از صدور حکم، بطلان همه یا برخی از سوگندها ثابت شود مانند آنکه برخی از اداکنندگان سوگند، از سوگندشان عدول کنند یا دروغ بودن سوگند (الزاماً در نزد دادگاه صادرکننده حکم نخواهد بود و حتی ممکن است برابر اقرارنامه‌ی رسمی باشد) یا از روی علم نبودن سوگند، برای دادگاه صادرکننده حکم (قطعی) ثابت شود، مورد از جهات اعاده دادرسی است. (اعاده دادرسی راجع به براءت نیست).

فصل پنجم - صاحب حق قصاص

ماده ۳۴۷ - قابل‌گذشت بودن حق قصاص

صاحب حق قصاص در هر مرحله از مراحل تعقیب، رسیدگی یا اجرای حکم می‌تواند به طور مَجانی یا با مُصَالِحِه، در برابر حق یا مال گذشت کند. (امکان مصالحه یا گذشت قبل از اجرای حکم وجود دارد) (از جمله جرائم قابل گذشت می‌باشد مستند به ماده ۱۰۴ ق.م.ا).

نکته - گذشت در جنایات محدودیت زمانی ندارد. بنابراین صاحب حق قصاص در هر مرحله از مراحل رسیدگی (حتی در زمان اجرای حکم) می‌تواند از جانی گذشت نماید. با حصول گذشت اولیای دم، قصاص منتفی می‌شود ولی دادگاه می‌تواند قاتل را به تعزیر موجود در ماده ۶۱۲ و در مورد جنایات مادون نفس، در صدور صورت شمول به تعزیر موضوع ماده ۶۱۴ ق.م.ا. بخش تعزیرات محکوم نماید.

ماده ۳۴۸ - حق قصاص به ارث می‌رسد

حق قصاص، به شرح مُندَرَج در این قانون به ارث می‌رسد. (همه‌ی وراثت‌مقتول به جز همسر می‌توانند قصاص کنند و این حق برای همه‌ی آنانها ثابت است)

ماده ۳۴۹ - ممنوعیت قصاص قبل از فوت مَبْنی‌علیه

ولی دم نمی‌تواند پیش از فوت مَجْنی‌علیه، مُرتکب را قصاص کند و در صورتی که اقدام به قتل مُرتکب نماید، چنانچه جنایت در نهایت سبب فوت مَجْنی‌علیه نشود مُسْتَحَقِّ قصاص است، در غیر این صورت به تعزیر مُقَرَّر در قانون، محکوم می‌شود؛ مگر در موردی که ولی دم اعتقاد دارد مُرتکب مشمول ماده (۳۰۲) این قانون است که در این صورت، مُسْتَحَقِّ قصاص نیست. (چراکه به استناد بند ب ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی قتل مذکور شبه عمدی است).

ماده ۳۵۰ - ثبوت حق قصاص برای اولیای دم متعدّد

در صورت تعدّد اولیای دم، (مادر و دختر جزء اولیاء دم محسوب می‌شوند و حق قصاص دارند) حق قصاص برای هر یک از آنان به طور جداگانه ثابت است.

ماده ۳۵۱ - ولی دم

ولی دم، همان ورثه مقتول است (شامل ولدالزنا نمی‌شود چراکه ولدالزنا تز زانی یعنی پدر طبیعی خود ارث نمی‌برد) به‌جز زوج یا زوجه او که حق قصاص ندارد. (زوج یا زوجه حق درخواست قصاص در مورد همسر خود را اصولاً ندارند چون زوج و زوجه ولی دم محسوب نمی‌شوند - زوج و زوجه در قصاص و عفو اختیاری ندارند).

نکته ۱ - هر چند زوج و زوجه در قصاص نمودن یا نمودن مرتکب نقشی ندارند ولی در صورتی که به هر دلیل، قصاص تبدیل به دیه یا وجه‌المصالحه شود در آن سهم خواهند بود.

نکته ۲ - باید دقت شود که هرچند زوج و زوجه به صورت مستقیم از مجنی علیه حق قصاص را به ارث نمی‌برند ولی می‌توانند حق قصاص را به صورت غیرمستقیم و از اولیای دم به ارث ببرند. مانند حالتی که مجنی علیه دارای همسر و فرزند می‌باشد که فرزند قبل از تقاضای قصاص، فوت نماید. در این حالت

قصاص از جانب فرزند به مادر یا پدرش به ارث می رسد که در این حالت زوج یا زوجه در اینجا (مادر یا پدر) دارای حق قصاص می شوند.

ماده ۳۵۲ - ارث همسر مقتول از زوجه

اگر حق قصاص، به هر علت، تبدیل به دیه شود یا به مال یا حقی مصلحیه شود، همسر مقتول نیز از آن ارث می برد. اگر برخی از اولیای دم، خواهان قصاص و برخی خواهان دیه باشند، همسر مقتول، از سهم دیه کسانی که خواهان دیه می باشند، ارث می برد.

نکته ۱- پس از تیراندازی شخص الف به سوی شخص ب و تحقیق قتل مشخص می شود مقتول فردی غیر از شخص ب و دارای محکومیت قطعی به ارتکاب جرم حدی مستوجب سلب حیات بوده است. شخص الف در این حالت تعزیر می شود.

نکته ۲ - زوج و زوجه در صورتی که قتل ارتكابی عمدی باشد و برخی از اولیاء دم درخواست قصاص کنند نمی توانند مطالبه‌ی دیه کنند و اجرای قصاص منوط به پرداخت سهم دیه‌ی ایشان نیست (دکتر گلدوزیان، همان، ص ۳۲۹)

نکته ۳- هر چند زوج و زوجه حق قصاص یا عفو از آن را ندارند ولی حق شکایت دارند. به عبارت دیگر می بایست در نتیجه‌ی شکایت زوج و زوجه، تعقیب کیفری آغاز شود و پس از رسیدگی چنانچه قتل عمدی تشخیص داده شود، صدور حکم قصاص منوط به مطالبه سایر اولیای دم است.

ماده ۳۵۳ - وراثت حق قصاص

هرگاه صاحب حق قصاص فوت کند، حق قصاص به ورثه او می رسد حتی اگر همسر مجنی علیه باشد. (از باب ورثه صاحب حق قصاص نه از باب همسر مجنی علیه مثال: این مورد حالتی است که مقتول با دختر عمومی خود ازدواج کرده است و عمو تنها ورثه‌ی مقتول است که با فوت عمو دختر وی یعنی همسر مقتول که ورثه‌ی پدر خود است می تواند صاحب حق قصاص شود یا مجنی علیه دارای یک فرزند باشد که تنها دارنده‌ی حق قصاص باشد و این فرزند قبل از اجرای قصاص فوت نماید حق قصاص به مادرش که می شود همسر مجنی علیه به ارث می رسد).

نکته ۱- همسر مجنی علیه مقتول، دختر عمومی وی می باشد و مجنی علیه هیچ وارثی به جز عمویش ندارد. حق قصاص به عمویش به ارث می رسد اما عمومی مجنی علیه قبل از اجرای قصاص یا گذشت، فوت می کند. در این صورت حق قصاص به وارث عمومی مجنی علیه ارث می رسد. عمومی مجنی علیه تنها دارای یک دختر است که همان همسر مجنی علیه می باشد و طبیعتاً حق قصاص از مرتکب به همسر مجنی علیه می رسد.

ماده ۳۵۴ - مهور بودن اولیای دم

اگر مجنی علیه یا همه اولیای دم یا برخی از آنان، صغیر یا مجنون باشند، ولی آنان با رعایت مصلحتشان حق قصاص، مصلحیه و گذشت دارد (اولیاء دمی که صغیر هستند و یا مجنون پس از بلوغ و افاقه حق قصاص را دیگر نخواهد داشت) و همچنین می تواند تا زمان بلوغ یا افاقه آنان منتظر بماند. اگر برخی از اولیای دم، کبیر و عاقل و خواهان قصاص باشند، می توانند مرتکب را قصاص کنند لکن در صورتی که ولی صغیر یا مجنون خواهان آدا یا تأمین سهم دیه مولی علیه خود از سوی آن ها باشد باید مطابق خواست او عمل کنند. مفاد این ماده، در مواردی که حق قصاص به علت مرگ مجنی علیه یا ولی دم به ورثه آنان منتقل می شود نیز جاری است. این حکم در مورد جنایاتی که پیش از لازم الاجرا شدن این قانون واقع شده است نیز جاری است. (یعنی عطف به ما سبق می شود).

نکته ۱- اگر در میان اولیای دم مقتول، ولی دم صغیری وجود داشته باشد، نسبت به سهم صغیر ولی از حق قصاص مصلحیه و گذشت دارد.

نکته ۲- در صورتی که همگی اولیای دم صغیر یا مجنون باشند، ولی آنان با رعایت مصلحتشان، حق قصاص مصلحیه و گذشت دارد و یا می تواند تا زمان بلوغ یا افاقه‌ی آنان منتظر بماند.

نکته ۳- در رابطه با این ماده به رأی وحدت رویه ۳۱-۱۳۶۵/۸/۲ هیئت عمومی دیوان عالی کشور رجوع کنید.

نکته ۴- هرگاه بعضی از اولیای دم محجور باشند، ولی آن ها با رعایت مصلحت آنان، حق قصاص، مصلحیه، گذشت یا انتظار تا زمان رفع حجر را دارد.

نکته ۵- چنانچه ولی دم در قتل عمدی به سن بلوغ رسیده، ولی کم تر از ۱۸ سال سن داشته و رشد وی ثابت نشده باشد در نظر شخص بالغ در خصوص تقاضا یا اسقاط قصاص معتبر است هر چند رشد وی احراز نشده باشد.

نکته ۶ - مطابق قانون مجازات اسلامی آنچه برای مجازات قتل عمدی اصل محسوب می‌گردد قصاص قاتل است، بنابراین در صورت تعدد اولیاء دم و عدم توافق همگی آن‌ها در مطالبه‌ی قصاص یا اخذ دیه یا عفو قاتل، نظر کسی ملاک صدور حکم قرار خواهد گرفت که مطابق اصل است (سید مهدی حجتی، همان، ص ۴۶۶).

ماده ۳۵۵ - ولیّ دم بوردن یتیم

در مورد ماده (۳۵۴) این قانون، جینین در صورتی ولیّ دم محسوب می‌شود که زنده متولد شود. (اهلیت تمتع با زنده متولد شدن شخص در اشخاص حقیقی متصور می‌شود).

نکته - قابلیت ادامه‌ی حیات داشتن طفل در این ماده شرط شده است و طفل به محض تولد صاحب حق قصاص می‌شود. حتی اگر لحظه‌ای بعد از تولد، فوت نماید که در صورت تأخیر، حق قصاص وی به ورثه‌اش به ارث می‌رسد ولو اینکه ورثه‌اش به ارث می‌رسد و زوجه مقتول باشد.

ماده ۳۵۶ - فقران ولی

اگر مقتول یا مجنی‌علیه (اعم از مسلمان و غیرمسلمان و اعم از ایرانی یا غیر ایرانی) یا ولیّ دم که صغیر یا مجنون است ولیّ نداشته باشد و یا ولیّ او، شناخته نشود و یا به او دسترسی نباشد، ولیّ او، مقام رهبری است و رئیس قوه قضائیه با استیذان از مقام رهبری و در صورت موافقت ایشان، اختیار آن را به دادستان‌های مربوط تفویض می‌کند. (در این مورد حق عفو بلاعوض توسط دادستان وجود نخواهد داشت اما می‌تواند حق قصاص را به دیه تبدیل نماید البته دقت شود که این اختیار از جانب دادستان قابل تنفیذ نیست).

نکته ۱ - اگر به ولی دم مقتول دسترسی نباشد، در خصوص تعقیب و اجرای مجازات علیه قاتل، دادستان نسبت به تعقیب مجرم و تقاضای قصاص یا دیه اقدام خواهد کرد.

ماده ۳۵۷ - ولیّ دم نبودن وارث در جنایت عمدی

اگر مرتکب یا شریک (اشاره‌ی به معاون نشده است پس اعمال این ماده در مورد معاون صدق نمی‌کند) در جنایت عمدی، از ورثه باشد، ولیّ دم به شمار نمی‌آید و حق قصاص و دیه ندارد و حق قصاص را نیز به ارث نمی‌برد. (در این حالت اگر قاتل عمدی باشد قاتل از دیه و اموال ارث نمی‌برد و اگر قاتل شبه عمدی یا خطای محض باشد فقط از دیه ارث نمی‌برد) (رجوع کنید به ماده ۴۵۱ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات).

نکته ۱ - ارتکاب جنایت از جانب ولی یا ورثه، علیه مورث باعث از بین رفتن حق قصاص، دیه و ارث بردن حق قصاص و در کل سقوط عنوان ولی دم بودن می‌شود (مهدی صیادی، همان، ص ۲۷۶).

ماده ۳۵۸ - ارتکاب جرم توسط ولیّ ممیور

اگر مجنی‌علیه یا ولیّ دم، صغیر یا مجنون باشد و ولیّ او، مرتکب جنایت عمدی (علیه صغیر یا مجنون) شود یا شریک در آن باشد، در این مورد، ولایت ندارد. (این ماده تنها به مباشرت و مشارکت اشاره کرده است، پس معاونت را شامل نمی‌شود مانند آنکه مردی عمداً زن خود را به قتل برساند و دارای فرزند صغیر یا مجنون باشد که در این حالت نمی‌تواند پس از ارتکاب به عنوان ولی فرزند صغیر خود صاحب حق قصاص باشد اما در سایر موارد ولایت همچنان باقی است).

نکته ۱ - با توجه به ماده ۳۵۸ قانون مجازات اسلامی و مستنبط از ماده ۳۵۶ همین قانون، ولایت ولی قهری تنها در صورت ارتکاب جنایت عمدی نسبت به مولی‌علیه در خصوص مورد جنایت ساقط ولی در مورد جنایت غیرعمدی ولایت ولی قهری به قوت خودش باقی است (نظریه‌ی مشورتی شماره ۷/۹۳/۲۶۵ مورخ ۱۳۹۳/۲/۱۰).

ماده ۳۵۹ - امکان درفواست قصاص یا دیه یا کزشت از آن

در موارد ثبوت حق قصاص، اگر قصاص مشروط به ردّ فاضل دیه نباشد، (مثل اینکه یک مرد مسلمان یک مرد مسلمان را به قتل رسانده باشد) مجنی‌علیه یا ولیّ دم، تنها می‌تواند قصاص یا گذشت نماید و اگر خواهان دیه باشد، نیاز به مصالحه با مرتکب و رضایت او دارد. (چراکه در جنایت عمدی اصل بر قصاص مرتکب است، بنابراین دریافت دیه که مجازات بدلی است می‌بایست با توافق و رضایت یا مجنی‌علیه یا جانی صورت گیرد).

نکته ۱ - اگر مردی مرتکب قتل عمدی زنی شود و هردو مسلمان باشند، اولیاء دم زن، قبل از قصاص موظفاند فاضل دیه را به مرد

بپردازند و سپس می‌توانند قصاص کنند؛ اما اگر اولیاء دم زن خواهان دیه به میزان مقرر در قانون برای زن باشند و در واقع از قصاص انصراف داده باشند، قاتل ملزم به پرداخت دیه‌ی مقرر است و در این مورد نیازی به توافق و یا جلب رضایت قاتل نیست. این حکم در تمام مواردی که قصاص مستلزم پرداخت فاضل دیه به قصاص شونده است باید اجرا شود (مهدی صیادی، همان، ص ۲۸۷).

نکته ۲- مجازات جنایت عمدی اولاً به الذات قصاص است (ماده ۱۶ ق. م. ا.) و مجنی‌علیه یا ولی دم نمی‌تواند بدون موافقت جانی، آن را تبدیل به دیه کرده یا به وجه کمتر یا بیشتر از دیه مصالحه نماید و تنها می‌تواند قصاص کرده یا گذشت نماید. اما مطابق ماده ۳۶۰ ق. م. ا. چنانچه انجام اجرای قصاص از طرف مجنی‌علیه یا اولیای دم مشروط به پرداخت فاضل دیه باشد، مانند جایی که مردی مرتکب قتل زنی بشود، صاحب حق قصاص، میان قصاص با ردّ فاضل دیه و گرفتن دیه مقرر در قانون و بدون رضایت مرتکب، مخیر است.

ماده ۳۶۰ - اختیار میان قصاص با ردّ فاضل دیه و گرفتن دیه

در مواردی که اجرای قصاص، مستلزم پرداخت فاضل دیه به قصاص شونده است، (مانند حالتی که مردی، زنی را به قتل رسانده باشد) صاحب حق قصاص، میان قصاص با ردّ فاضل دیه و گرفتن دیه مقرر در قانون ولو بدون رضایت مرتکب، مخیر است.

نکته ۱- اگر اجرای قصاص مستلزم پرداخت دیه به قصاص شونده باشد، اخذ دیه منوط به رضایت جانی نیست.

نکته ۲- فاضل دیه جهت اجرای قصاص مشمول تغلیظ قرار نمی‌گیرد.

ماده ۳۶۱ - بقای حق قصاص تا مهول شرط

اگر مجنی‌علیه یا ولی دم، گذشت و اسقاط حق قصاص را مشروط به پرداخت وجه المصالحه یا امر دیگری کند، حق قصاص تا حصول شرط، برای او باقی است.

موارد مرتب

ماده ۱۰۱ قانون مجازات اسلامی؛ گذشت باید منجز باشد و به گذشت مشروط و معلق در صورتی ترتیب اثر دارد می‌شود که آن شرط یا معلق علیه تحقق یافته باشد. همچنین عدول از گذشت، مسموع نیست.

تبصره ۱- گذشت مشروط یا معلق مانع تعقیب، رسیدگی و صدور حکم نیست، ولی اجرای مجازات در جرائم قابل گذشت منوط به عدم تحقق شرط یا معلق علیه است. در این صورت، مکلف‌علیه با تأمین مناسب آزاد می‌شود.

تبصره ۲- تأثیر گذشت قییم اتفاقی، منوط به تأیید دادستان است.

ماده ۳۶۲ - نحوه اقرارم دارک در صورت عدم مهول شرط

اگر پس از مصالحه یا گذشت مشروط، مرتکب حاضر یا قادر به پرداخت وجه المصالحه یا انجام دادن تعهد خود نباشد یا شرط محقق نشود، حق قصاص محفوظ است و پرونده برای بررسی به همان دادگاه (دادگاه صادرکننده حکم) ارجاع می‌شود مگر مصالحه شامل فرض انجام ندادن تعهد نیز باشد. (مرتکب تلاش خود را به اندازه‌ی کافی برای انجام تعهد خود مبذول داشته باشد و وی عاجز از انجام تعهد باشد به عبارتی تعهدش تعهد به وسیله است).

نکته ۱- پیرو موافقت قاتل و اولیای دم مقتول، آنان به شرط گرفتن مبلغی پول از قصاص گذشت می‌کنند ولی قاتل از پرداخت مبلغ خودداری می‌کند. در این صورت به دلیل عدم تحقق شرط، حق قصاص برای اولیای دم محفوظ است.

ماده ۳۶۳ - سقوط حق قصاص با گذشت

گذشت یا مصالحه، پیش از صدور حکم یا پس از آن، (گذشت پیش از جنایت مسموع نیست) موجب سقوط حق قصاص (این گذشت تأثیری در مجازات مرتکب از باب تعزیر ندارد) است. (از جمله جرائم قابل گذشت است).

نکته ۱- هرگاه مرتکب شرط یا تعهد خود را انجام دهد حق قصاص به خودی خود ساقط است و نیازی به جلب رضایت مجدد از صاحب حق قصاص نخواهد بود.

نکته ۲- با حصول گذشت اولیای دم، قرار موقوفی تعقیب صادر نمی‌شود. چرا که فقط حق قصاص ساقط می‌شود و می‌بایست در مورد تعزیر موضوع ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات، تصمیم‌گیری شود. چرا که تعزیر موضوع این ماده غیر قابل گذشت است.

ماده ۳۶۴ - رجوع از گذشت

رجوع از گذشت پذیرفته نیست. اگر مجنی‌علیه یا ولی دم، پس از گذشت، مرتکب را قصاص کند، مستحق قصاص است.

نکته ۱- هرگاه صاحبان حق قصاص به طور مشروط گذشت کرده باشند و مرتکب تعللی در انجام شرط نکرده باشد از قبیل آنکه مهلت داده شده منقضی نشده باشد، صاحب حق قصاص نمی‌تواند برخلاف شرایط گذشت مبادرت به قصاص کند، در چنین حالتی صاحب حق قصاص، مستحق قصاص است (مهدی صیادی، همان، ص ۲۸۳).

نکته ۲- علت حکم موضوع ماده این است که با حصول گذشت از طرف صاحب حق قصاص، قاتل دیگر مهدورالدم نیست و خون او مورد احترام قانون قرار می‌گیرد. یعنی محقون الدم می‌شود و در صورتی که هر کس او را بعد از حصول گذشت، قصاص نماید، مستحق قصاص خواهد بود.

ماده ۳۶۵ - امکان گذشت مَبْنِیَّ عَلَیْهِ قَبْلَ از فوت (معاذیر معافیت از مجازات)

در قتل و سایر جنایات عمدی، (اگر جنایت غیرعمدی باشد حق گذشت مَجْنِیَّ عَلَیْهِ اعم از آنکه منتهی به مرگ شود یا نه نسبت به دیه پابرجاست و می‌تواند قبل از مرگ آن را ساقط کند) مَجْنِیَّ عَلَیْهِ می‌تواند پس از وقوع جنایت و پیش از فوت، (عفو باید پس از ایجاد منشأ قتل مثلاً جراحت اولیه صورت گرفته باشد تا بتواند واجد اثر حقوقی باشد) از حق قصاص گذشت کرده یا مُصَالِحِه نماید و اولیای دم و وارثان نمی‌توانند پس از فوت او، حَسَبِ مورد، مُطَالِبِه قِصَاص یا دیه کنند، لکن مُرْتَكَب به تعزیر مُفَرَّر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود (رجوع کنید به ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵).

نکته ۱- در جرم قتل عمدی، هرگاه مَجْنِیَّ عَلَیْهِ قَبْلَ از مرگ، جانی را از قصاص نفس عفو کند قصاص نفس ساقط می‌گردد. ولی تعزیر ناشی از قتل عمدی ساقط نمی‌شود و در صورتی که گذشت مَجْنِیَّ عَلَیْهِ به شرط دیه باشد، اولیای دم می‌توانند دیه اخذ کنند.

نکته ۲- قواعد حقوق جزا الزامی است و قواعد اختیاری و تکمیلی وجود ندارد. ولی به مَجْنِیَّ عَلَیْهِ در قتل اجازه داده شده است که قانوناً قبل از مرگ جانی را از قصاص نفس عفو نموده و حق قصاص اولیای دم را ساقط نماید.

نکته ۳- تأثیر قانونی عفو و رضایت قبلی مقتول قبل از نزاع منتهی به قتل عمدی با چاقو مشمول این مورد است که اولیای دم مقتول، حق قصاص دارند.

نکته ۴- هرگاه مَجْنِیَّ عَلَیْهِ پس از وقوع جرم و قبل از مرگ جانی را از قصاص عفو می‌کند. در این صورت مرتکب تعزیر می‌شود.

نکته ۵- اصولاً رضایت قربانی جرم قبل از قتل یک عامل توجیه کننده نیست و عمل قتل جرم و مستوجب کیفر قصاص است.

نکته ۶- ماهیت ماده ۳۶۵ ق.م.ا جزو معاذیر معافیت از مجازات است. لذا ماهیت سلب حیات بدون مجوز قانونی از دیگری، یعنی جرم قتل، باقی می‌ماند و شرکا و معاونین در قتل که چنین رضایتی را تحصیل نکرده‌اند، مسئول و مستوجب کیفر باقی می‌مانند (گلدوزیان، همان، ۱۴۰-۱۴۱)

ماده ۳۶۶ - ترور مقتول هر قاتل در صورت وقوع قتل از جانب چند نفر

اگر وقوع قتل‌های عمد از جانب دو یا چند نفر ثابت باشد، لکن مقتول هر قاتلی مُرَكَّد باشد مانند اینکه دو نفر، توسط دو نفر به قتل رسیده باشند و اثبات نشود که هر کدام به دست کدام قاتل کشته شده است، اگر اولیای هر دو مقتول، خواهان قصاص باشند، هر دو قاتل قصاص می‌شوند و اگر اولیای یکی از دو مقتول، به هر سبب، حق قصاص نداشته باشند یا آن را ساقط کنند، حق قصاص اولیای مقتول دیگر نیز به سبب مشخص نبودن قاتل، به دیه تبدیل می‌شود.

تبصره -

مُفَاد این ماده، در جنایت عمدی بر عضو نیز جاری است مشروط بر آنکه جنایت‌های وارده بر مَجْنِیَّ عَلَیْهِم یکسان باشد لکن اگر جنایت‌های وارده بر هر یک از مَجْنِیَّ عَلَیْهِم با جنایت‌های دیگری متفاوت باشد، امکان قصاص حتی در فرضی که همه مَجْنِیَّ عَلَیْهِم خواهان قصاص باشند نیز منتفی است و به دیه تبدیل می‌شود.

نکته ۱- از آنجا که قاتل هر مقتول مشخص نیست، در صورتی که یکی از اولیای دم در هر کدام از مقتولین از قصاص گذشت کنند، نمی‌توان هیچ کدام از قاتلان را قصاص نمود.

نکته ۲- در صورتی که جنایات متعدد وارده بر عضو مشابه و یکسان نباشند، امکان اجرای قصاص به دلیل عدم امکان تشخیص عامل هر جنایت منتفی خواهد بود حتی اگر تمامی اولیای دم خواهان قصاص باشند.

ماده ۳۶۷ - در فاضل دیه در موضوع ماده قبل

در ماده (۳۶۶) این قانون، اگر اولیای هر دو مجنی‌علیه، خواهان قصاص باشند و دو مجنی‌علیه از نظر دیه، یکسان نباشند و دیه مرتکبان بیش از دیه مجنی‌علیه باشد، مانند اینکه هر دو قاتل، مرد باشند و یکی از دو مقتول، زن باشد، خواهان قصاص از سوی زن باید نصف دیه کامل را بپردازد که در این صورت، به سبب مشخص نبودن مرتکب قتل زن، فاضل دیه مذکور میان مرتکبان به نسبت مساوی تقسیم می‌شود.

تبصره -

دیه موضوع این ماده طبق این قانون و قبل از قصاص به مستحق پرداخت می‌شود. (رجوع کنید به ماده ۴۷۷ قانون مجازات اسلامی بخش دیات).

نکته ۱- یک مرد و یک زن توسط دو مرد به قتل می‌رسند به طوری که قاتل هر مقتول مشخص نیست و اولیای دم مقتول خواهان قصاص هستند. در این فرض اولیای دم زن نصف دیه کامل را پرداخت می‌کنند که به تساوی بین قاتل‌ها تقسیم و قصاص اجرا می‌شود (همچنین رجوع کنید به ماده ۴۲۶ و ۴۲۷ قانون مجازات اسلامی).

نکته ۲- جهت اجرای قصاص در شرایط بیان شده در ماده می‌بایست: الف - اولیای دم هر دو مجنی علیه خواهان قصاص باشند. ب - اولیای دم مقتول زن پیش از قصاص فاضل دیه را به طرفین پرداخت نمایند.

فصل ششم - شرکت در جنایت

ماده ۳۶۸ - برای تحقق شرکت در قتل باید آسیب‌ها موجب قتل باشد

اگر عده‌ای، آسیب‌هایی را بر مجنی‌علیه وارد کنند و تنها برخی از آسیب‌ها موجب قتل او شود فقط واردکنندگان این آسیب‌ها، شریک در قتل می‌باشند و دیگران حسب مورد، به قصاص عضو یا پرداخت دیه محکوم می‌شوند.

نکته ۱- چنانچه کسی در اثر ضرب و جرح عده‌ای کشته شود و مرگ او مستند به عمل مرتکبین باشد، شرکت در قتل تحقق می‌یابد.
نکته ۲- برای تحقق جرم شرکت در قتل عمدی، طبق قوانین جزائی کشور ما ضروری است مرگ مجنی‌علیه مستند به عمل همه مرتکبین باشد.

نکته ۳- شرکت در جنایت در صورتی محقق می‌شود که چند نفر آسیب‌هایی به یک نفر وارد سازند و قتل محقق شود. مشروط به اینکه قتل تحقق یافته، مستند به رفتار ارتكابی همه آن‌ها و یا حداقل بیش از یک نفر از آن‌ها باشد. در این صورت شرکت در قتل پذیرفته است. دقت شود که جنایت رخ داده ممکن است نسبت به برخی از شرکاء عمدی و نسبت به برخی دیگر شبه عمدی و نسبت به عده ای دیگر خطای محض باشد.

ماده ۳۶۹ - امکان عمری یا غیرعمری بودن جنایت هر یک از شرکا

قتل یا هر جنایت دیگر، می‌تواند نسبت به هر یک از شرکا حسب مورد عمدی، شبه‌عمدی یا خطای محض باشد.

ماده ۳۷۰ - عزم تأثیر عمل یک شریک نسبت به شریک دیگر

ثابت نبودن حق قصاص بر بعضی از شرکا، به هر دلیل، مانند فقدان شرطی از شرایط معتبر در قصاص یا غیرعمری بودن جنایت نسبت به او، مانع از حق قصاص بر دیگر شرکا نیست و هریک از شرکا حکم خود را دارند. (حکم این ماده بیانگر مجازات فاعل مستقل برای شرکا جرم می‌باشد).

نکته ۱- شخص الف در حال مستی مرتکب جرم ایراد جرح شده است، در این حالت اصل بر مجازات اوست مگر اینکه ثابت شود مرتکب حین ارتکاب به طور کلی مسلوب‌الاختیار بوده است و برای انجام جرم خود را مست نکرده است.

نکته ۲- این ماده بیانگر اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری است.

نکته ۳- مطابق ماده ۱۲۵ قانون مجازات اسلامی، شریک در جرم، فاعل مستقل محسوب شده و نحوه محاکمه و مسئولیت او به دیگر شرکاء ارتباطی ندارد. بنابراین در صورت وجود برخی عوامل رافع مسئولیت کیفری و یا برخی شرایط مانع اعمال قصاص در مورد یک شریک (مانند وجود رابطه پدری و...) مانعی در اعمال قصاص در صورت اثبات آن و شریک دیگر، ایجاد نمی‌نماید و هر یک از شرکاء حکم خود را دارد.

ماده ۳۷۱ - قتل پس از برامت

هرگاه کسی آسیبی به شخصی وارد کند و بعد از آن دیگری او را به قتل برساند قاتل همان نفر دوم است اگرچه آسیب سابق به تنهایی موجب مرگ می‌گردید و اولی فقط به قصاص عضو محکوم می‌شود. (زیرا چیزی که سبب مرگ شده فعل شخص دوم است و خروج روح مستند به فعل اوست).

نکته ۱- هرگاه کسی جراحتی به شخصی وارد کند و بعد از آن دیگری را بکشد، قاتل دومی است و اولی فقط محکوم به قصاص طرف یا دیه محکوم می‌شود.

ماده ۳۷۲- بنایت بر شش فاقه حیات مستقر

هرگاه کسی آسیبی به شخصی وارد کند به گونه‌ای که وی را در حکم مرده قرار دهد و تنها آخرین رمق حیات در او باقی بماند و در این حال دیگری با انجام رفتاری به حیات غیرمستقر او پایان دهد نفر اول قصاص می‌شود (چرا که فعل این شخص حیات مستقر را از مقتول سلب کرده است و مجروح و در حال جان دادن بوده است و شخصی که در چنین حالتی قرار گیرد در حکم میت قرار دارد) و نفر دوم به مجازات جنایت بر میت محکوم می‌گردد. حکم این ماده و ماده (۳۷۱) این قانون در مورد جنایات غیرعمدی نیز جاری است. (رجوع کنید به مواد ۷۲۲ و ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵).

نکته ۱- «الف» جراحتی بر «ب» وارد کرده به نحوی که مجروح را در حکم مرده قرار داده و تنها آخرین رمق حیات برای «ب» باقی مانده و در این حال «ج» کاری انجام داده که به حیات «ب» پایان بخشیده است. در این فرض «الف» به دلیل قتل عمدی قصاص می‌شود و «ج» به پرداخت جنایت بر میت محکوم می‌شوند.

ماده ۳۷۳ - امکان قصاص برخی از شرکا

در موارد شرکت در جنایت عمدی، حسب مورد، مجنی علیه یا ولی دم می‌تواند یکی از شرکا در جنایت عمدی را قصاص (اعم از قصاص نفس و یا اعضا) کند و دیگران باید بلافاصله سهم خود از دیه را به قصاص شونده بپردازند و یا اینکه همه شرکا یا بیش از یکی از آنان را قصاص کند، (مثلاً دو زن مرتکب قتل مردی شوند که در این صورت هر دو زن بدون پرداخت دیه‌ای امکان قصاص را دارند) مشروط بر اینکه دیه مازاد بر جنایت پدید آمده را پیش از قصاص، به قصاص شونده بپردازد. اگر قصاص شونده همه شرکا نباشند، هر یک از شرکا که قصاص نمی‌شود نیز باید سهم خود از دیه جنایت را به نسبت تعداد شرکا بپردازد.

تبصره -

اگر مجنی علیه یا ولی دم، خواهان قصاص برخی از شرکا باشد و از حق خود نسبت به برخی دیگر مجانی گذشت کند یا با آنان مصالحه نماید، در صورتی که دیه قصاص شونده بیش از سهم جنایتشان باشد، باید پیش از قصاص، مازاد دیه آنان را به قصاص شونده بپردازد. (قبل از پرداخت دیه قصاص جایز نیست)

نکته ۱- در مواردی که اولیاء دم باید مقداری از دیه را به قاتل بدهند و سپس او را قصاص کنند پرداخت دیه به قاتل باید قبل از قصاص باشد.

نکته ۲- پنج نفر محکوم به شرکت در قتل عمدی یک نفر می‌باشند. ولی دم می‌تواند چهار پنجم دیه‌ی هر کدام را بدهد و تمامی پنج نفر را قصاص کند.

نکته ۳- چنانچه مرد و زنی به‌طور مشترک زنی را به قتل برسانند و اولیای دم مقتوله تقاضای قصاص هر دو را داشته باشند، مرد سه چهارم دیه‌ی کامل مرد و زن یک دوم دیه‌ی کامل زن باید پرداخت کند.

نکته ۴- اگر دو مرد یک مرد را بکشند و قتل از یکی خطایی و از دیگری عمدی باشد، اولیاء دم مقتول می‌توانند عامد را قصاص کنند؛ اما باید نصف دیه او را به او پرداخت نمایند و از عاقله‌ی خطایی یا خود او نصف دیه را مطالبه کنند و ولی دم می‌تواند از قصاص قاتل عامد صرف‌نظر کند و به اندازه‌ی سهمش از او دیه بگیرد و همچنین است در موردی که کودکی با مرد بالغی مردی را بکشند (دکتر گلدوزیان، همان، ص ۳۳۸).

نکته ۵- شرکت در جنایت در صورتی محقق می‌شود که چند نفر آسیبی هایی به یک نفر وارد سازند و قتل محقق شود. مشروط به اینکه قتل تحقق یافته، مستند به رفتار ارتكابی همه آن‌ها و یا حداقل بیش از یک نفر از آن‌ها باشد. در این صورت شرکت در قتل پذیرفته است. دقت شود که جنایت رخ داده ممکن است نسبت به برخی از شرکاء عمدی و نسبت به برخی دیگر شبه عمدی و نسبت به عده‌ای دیگر خطای محض باشد.

نکته ۶- عفو همه‌ی مرتکبان به شرط پرداخت دیه که در این حالت دیه مجنی علیه به تساوی از مرتکبان گرفته می‌شود.

نکته ۷- قصاص کردن برخی از مرتکبان و عفو سایرین با اخذ دیه که در چنین حالتی مجنی علیه یا اولیای دم باید به مرتکبان که قصاص می شوند، پرداخت نموده و از مرتکبان بخشیده شده دیه مناسب اخذ نمایند. نکته قابل ذکر در اینجا آن است که حتی اگر مجنی علیه یا اولیای دم با مرتکبانی مصالحه کرده و آنان را با اخذ مبلغی بیش از دیه مقدر عفو کرده باشند، تفاضل دیه قابل پرداخت به مرتکبان مورد قصاص، بر مبنای همان دیگه مقدر تعیین می شود و مجنی علیه یا اولیای دم در قبال آن، چیز بیشتری بر عهده نخواهند داشت. برای مثال اگر از یکی از دو مردی که مرد سومی را با شرکت یکدیگر کشته اند، ضمن مصالحه ی با او، ده برابر دیه مقدر توسط اولیای دم گرفته شده و قابل اثبات شده باشد، آنان تنها موظف به پرداخت یک دوم دیه مقدر به قاتل مورد قصاص خواهند بود.

نکته ۸- قصاص کردن بعضی از مرتکبان و از سایرین بدون قید و شرط، که در این حالت مجنی علیه یا اولیای دم باید از جیب خود دیه مازاد بر جنایت را به هریک از مرتکبان که می خواهند آنها را قصاص کنند پرداخت نمایند.

نکته ۹- قصاص کردن همه مرتکب آن که در چنین حالتی مجنی علیه یا اولیای دم موظف به پرداخت دیه مازاد بر جنایت به هر یک از مرتکبان خواهند بود.

ماده ۳۷۴ - عزم تساوی دیه مَبْنی عَلَیْهِ و مُرْتَكِب (رک ماده ۳۵۹ و ۳۶۰ ق.م.ا)

هرگاه دیه جنایت، بیش از دیه مقابل آن جنایت در مُرْتَكِب باشد مانند اینکه زنی، مردی را یا غیرمسلمانی، مسلمانی را عمداً به قتل برساند یا دست وی را قطع کند، اگر مُرْتَكِب یک نفر باشد، صاحب حق قصاص افزون بر قصاص، حق گرفتن فاضل دیه را ندارد و اگر مُرْتَكِبان متعدّد باشند، صاحب حق قصاص می تواند پس از پرداخت مازاد دیه قصاص شوندهگان بر دیه جنایت به آنان، همگی را قصاص کند. همچنین می تواند به اندازه دیه جنایت، از شرکا در جنایت، قصاص کند و چیزی نپردازد که در این صورت، شُرکایی که قصاص نمی شوند، سهم دیه خود از جنایت را به قصاص شوندهگان می پردازند. افزون بر این، صاحب حق قصاص می تواند یکی از آنان را که دیه اش کمتر از دیه جنایت است، قصاص کند و فاضل دیه را از دیگر شرکا بگیرد لکن صاحب حق قصاص نمی تواند بیش از این مقدار را از هریک مطالبه کند، مگر در صورتی که بر مقدار بیشتر مُصَالِحِه نماید. همچنین اگر صاحب حق قصاص خواهان قصاص همه آنان که دیه مجموعشان بیش از دیه جنایت است باشد، نخست باید فاضل دیه قصاص شونده نسبت به سهمش از جنایت را به او بپردازد و سپس قصاص نماید. (استثنای بر اصل اینکه صاحب حق قصاص فقط حق قصاص دارد)

فصل هفتم - اکراه در جنایت

ماده ۳۷۵ - اکراه در قتل

اکراه در قتل، مُجَوِّز قتل نیست و مُرْتَكِب، قصاص می شود و اکراه کننده، به حبس درجه یک محکوم می گردد.

تبصره ۱ -

اگر اکراه شونده، طفل غَیْر مُمِیِّز یا مَجْنُون باشد فقط اکراه کننده محکوم به قصاص است.

تبصره ۲ -

اگر اکراه شونده طفل مُمِیِّز باشد عاقله او دیه مقتول را می پردازد (چون قتل عمدی صغیر در حالت اکراه نیز خطائی محسوب می شود) و اکراه کننده به حبس درجه یک محکوم می شود.

نکته ۱- در حقوق کیفری ایران، اکراه تنها در جرم قتل مورد پذیرش قرار نگرفته است.

نکته ۲- اگر کسی را وادار به قتل دیگری کنند، مرتکب قتل به مجازات قصاص نفس محکوم می شود.

نکته ۳- اکراه از نظر حقوق ایران نسبت به شخص مکره، در غیر موارد قتل، رافع مسؤولیت کیفری است.

نکته ۴- اگر کسی دستور به قتل رساندن دیگری را بدهد، مرتکب قصاص و آمر به حبس درجه یک محکوم می شود.

نکته ۵- در صورت تحقق اکراه در قتل، مسؤولیت مکره و مکره بدین نحو است که؛ مکره قصاص می شود و مکره به حبس درجه یک محکوم می گردد.

نکته ۶- اگر شخصی یک طفل نابالغ را وادار به کشتن مجنی عَلَیْهِ نماید، مجازات آن شخص قصاص نفس است. «البته در صورتی که طفل مذکور غیر ممیز باشد».

نکته ۷- در اکراه در قتل اگر اکراه شونده طفل ممیز باشد، باید عاقله‌ی او دیه را بپردازد و اکراه کننده نیز به حبس درجه یک محکوم است.

نکته ۸- در موردی که کسی صغیر غیرممیز را وادار و امر به قتل می‌نماید آمر و دستور دهنده قصاص می‌شود، صغیر و عاقله‌ی صغیر مجازاتی ندارند.

نکته ۹- اگر طفل ممیز به قتل اکراه شده باشد، عاقله‌ی طفل مسئول پرداخت دیه و اکراه کننده به حبس درجه یک محکوم می‌شود.

نکته ۱۰- اکراه در جنایت بر نفس و یا عضو بدین صورت است که موجب قصاص مباشر بر نفس و قصاص اکراه کننده در جنایات بر عضو می‌شود.

نکته ۱۱- هرگاه طفل ممیزی، طفل غیر ممیزی را اکراه به قتل کند در این صورت عاقله طفل ممیز محکوم به پرداخت دیه می‌شود.

نکته ۱۲- هرگاه کسی در اثر اجبار یا اکراه که عادتاً قابل تحمل نباشد، مرتکب جرمی شود که مستوجب مجازات دیه باشد، در این صورت فاعل جرم به دلیل اکراه و اجبار مسؤولیتی نخواهد داشت ولی اجبار کننده به مجازات دیه محکوم می‌شود.

نکته ۱۳- چنانچه اکراه شونده به قتل مجنی‌علیه به هر علتی قصاص نشود مانع محکومیت اکراه کننده به حبس درجه یک نمی‌شود زیرا به هر حال سبب اقوی از مباشر در این واقعه تلقی می‌شود. (دکتر گلدوزیان، همان، ص ۳۴۰)

نکته ۱۴- به موجب تبصره‌ای که در سال ۱۳۹۹ به ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ الحاق شد «تمام حبس‌های ابد غیرحدّی مقرر در قانون [نه مثلاً حبس ابد حدّی‌ای که مجازات سرقت حدّی موضوع بند پ ماده ۲۷۸ ق.م.ا است] به حبس درجه یک تبدیل می‌شود» فلذا حبس ابد اکراه در قتل عمدی (موضوع صدر ماده ۳۷۵ ق.م.ا و تبصره ۲ آن ماده) و همینطور سایر حبس‌های ابد غیرحدّی همچون حبس‌های ابد مذکور در قانون مبارزه با مواد مخدر، به حبس بیش از بیست و پنج سال تبدیل می‌شود (نه حبس ابد).

نکته ۱۵- می‌بایست توجه نمود که جهت وقوع اکراه، می‌بایست تمامی شرایط بیان شده در مواد مختلف مثل ماده ۱۵۱ ق.م.ا. در مورد اکراه موجود باشد. در غیر اینصورت اکراه واقع نمی‌شود. به عنوان مثال، هر گاه کسی به دیگری پول بدهد که مرتکب قتل دیگری شود، اکراه نبوده و معاونت در قتل دور از ذهن نخواهد بود.

ماده ۳۷۶ - مجازات اکراه کننده

مجازات حبس درجه یک برای اکراه کننده مشروط به وجود شرایط عمومی قصاص (عبارت‌اند از: تساوی در دین، تساوی در عقل و عدم رابطه‌ی ابوت و...) در اکراه کننده و حق اولیای دم می‌باشد و قابل گذشت و مصالحه است. (از جرائم قابل گذشت است) اگر اکراه کننده به هر علت به حبس درجه یک محکوم نشود، به مجازات معاون در قتل محکوم می‌شود.

نکته ۱- زمانی که اولیای دم از قصاص قاتل صرف نظر کنند ولی از اکراه کننده گذشت نکرده باشند، مجازات اکراه کننده، همان حبس درجه یک است. (میرمحمد صادقی، جرائم علیه اشخاص، ص ۳۲۹).

ماده ۳۷۷ - اکراه در جنایت بر عضو

اکراه در جنایت بر عضو موجب قصاص اکراه کننده است. (و اکراه شونده در این حالت مجازات نمی‌شود).

نکته ۱- هرگاه کسی دیگری را اکراه کند که موروث او را بکشد، اکراه کننده طبق ماده ۸۸۰ ق.م.ا. از ارث محروم بوده و به تبع آن حق قصاص نیز نخواهد داشت و در صورتی که اکراه شونده به هر علت قصاص نشود، تأثیری در مجازات اکراه کننده نداشته و در هر حال اکراه کننده به حبس ابد محکوم می‌شود.

نکته ۲- اصل بر این است که اکراه در جرایم باعث سلب مسئولیت فرد اکراه شونده می‌شود، مگر موردی که استثناء شده باشد. به همین دلیل اکراه در جنایات مادون نفس، با رجوع به اصل پذیرفتنی خواهد بود. در صورتی که فردی دیگری را به جنایت بر عضو شخص ثالثی اکراه نماید، اکراه کننده قصاص شده و اکراه شونده مسئولیتی نخواهد داشت.

ماده ۳۷۸ - اصل عدم اکراه

ادعای اکراه بر جنایت بر عضو باید در دادگاه ثابت شود و در صورت عدم اثبات با سوگند صاحب حق قصاص، مباشر قصاص می‌شود.

ماده ۳۷۹ - جنایت بر اکراه شونده بر اثر اکراه

هرگاه کسی دیگری را به رفتاری اکراه کند که موجب جنایت (اعم از جنایت بر نفس قتل یا مادون نفس باشد) بر اکراه‌شونده گردد، جنایت عمدی است و اکراه‌کننده قصاص می‌شود مگر اکراه‌کننده قصد جنایت بر او را نداشته و آگاهی و توجه به اینکه این اکراه نوعاً موجب جنایت بر او می‌شود نیز نداشته باشد که در این صورت جنایت شبه‌عمدی است و اکراه‌کننده به پرداخت دیه محکوم می‌شود.

ماده ۳۸۰ - قتل اکراه‌کننده

اگر شخصی برای دفاع و رهایی از اکراه با رعایت شرایط مقرر در دفاع مشروع، مرتکب قتل اکراه‌کننده شود یا آسیبی به او وارد کند، قصاص، دیه و تعزیر ندارد.

بخش دوم - قصاص نفس

ماده ۳۸۱ - میازات قتل عمدی (رک ماده ۵۵۰ و ۵۵۱ ق.م.ا)

میازات قتل عمدی در صورت تقاضای ولی دم (موضوع ماده ۳۵۱ قانون مجازات اسلامی) و وجود سایر شرایط مقرر در قانون، (ماده ۱۴۰ ق.م.ا) قصاص و در غیر این صورت مطابق مواد دیگر قانون از حیث دیه و تعزیر عمل می‌گردد. (رجوع کنید به ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) (از جرائم قابل گذشت است مستند به ماده ۱۰۴ ق.م.ا)

نکته ۱- برخی از قتل‌های عمدی به واسطه‌ی زایل شدن عنصر قانونی فاقد وصف مجرمانه می‌باشند:

۱- قتل عمدی در اجرای عمر آمر قانونی

۲- قتل در فراش موضوع ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات

۳- قتل عمدی در مقام دفاع مشروع

۴- قتل عمدی مهدورالدم (امیر خان سپهوند، جرائم علیه اشخاص، ص ۳۲)

ماده ۳۸۲ - قتل زن مسلمان

هرگاه زن مسلمان عمداً کشته شود، حق قصاص ثابت است لکن اگر قاتل، مرد مسلمان باشد، ولی دم باید پیش از قصاص، نصف دیه کامل را به او بپردازد و اگر قاتل، مرد غیرمسلمان باشد، بدون پرداخت چیزی قصاص می‌شود. در قصاص مرد غیرمسلمان به سبب قتل زن غیرمسلمان، پرداخت ما به التفاوت دیه آن‌ها لازم است.

کج در فصول عدم اجرای قصاص و میازات قاتل در این مورد رجوع کنید به ماده ۶۱۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات.

ماده ۳۸۳ - قتل پسر نقر توسط یک نفر و درخواست قصاص توسط هر یک از اولیاء

اگر یک نفر، دو یا چند نفر را عمداً به قتل برساند، (یعنی حداقل دو قتل رخ داده است) اولیای دم هر یک از مقتولان می‌توانند به تنهایی و بدون گرفتن رضایت اولیای مقتولان دیگر و بدون پرداخت سهمی از دیه به آنان اقدام به قصاص کنند. (رجوع کنید به ماده ۴۲۲ قانون مجازات بخش دیات).

نکته ۱- مثلاً اگر حسن، مرتکب قتل احمد و رضا و خسرو شود و اولیاء دم خسرو بدون رضایت اولیاء دم احمد و رضا اقدام به قصاص حسن کنند ضامن دیه نیستند.

ماده ۳۸۴ - قتل پسر نقر توسط یک نفر و درخواست قصاص توسط همه اولیاء

اگر یک نفر، دو یا چند نفر را عمداً به قتل برساند و اولیای دم همه مقتولان، خواهان قصاص باشند، قاتل بدون اینکه دیه‌ای بپردازد، قصاص می‌شود. اگر اولیای دم برخی از مقتولان، خواهان قصاص باشند و اولیای دم مقتول یا مقتولان دیگر، خواهان دیه باشند، در صورت موافقت قاتل به پرداخت دیه به آنان در مقابل گذشت از حق قصاص‌شان، دیه آنان از اموال قاتل پرداخت می‌شود و بدون موافقت قاتل، حق اخذ دیه از او و یا اموالش را ندارند.

موارد مرتبط

ماده ۳۵۹ قانون مجازات اسلامی: در مورد ثبوت حق قصاص، اگر قصاص مشروط به رد فاضل دیه نباشد، مبنی‌علیه یا ولی دم، تنها می‌تواند قصاص یا گذشت نماید و اگر خواهان دیه باشد، نیاز به مصالحه با مرتکب و رضایت او دارد.

ماده ۳۸۵ - قتل در ماه‌های حرام

اگر قتل (تغلیظ دیه فقط مخصوص قتل است اعم از عمدی شبه عمدی و یا خطای محض و چه خودش مسئول پرداخت دیه باشد و چه عاقله‌اش و چه بیت‌المال نه جنایت کمتر از قتل و در اعضا به هیچ وجه بحث تغلیظ دیه محل ندارد حتی اگر دیه‌ی اعضا از دیه‌ی نفس هم بیشتر باشد) در یکی از ماه‌های حرام (مُحَرَّم، رَجَب، ذی‌القَعْدَه و ذی‌الحِجَه) یا در حَرَمِ مکه مُکَرَّمَه واقع شده باشد یا قاتل (اعم از اینکه بالغ باشد یا صغیر و یا معنون) در زمان یا مکان مذکور، قِصاص گردد و قِصاص مُستلزم پرداخت فاضلِ دیه از سوی ولیّ دَم به قاتل باشد، فاضلِ دیه تغلیظ نمی‌شود (چون ولی دَم مجازات نمی‌شود که دیه تغلیظ شود). همچنین دیه‌ای که ولیّ دَم به دیگر اولیاء می‌پردازد تغلیظ نمی‌شود، (چون ولی دَم را نمی‌توان مجازات کرد که دیه تغلیظ شود) لکن اگر قتل در زمان یا مکان مذکور باشد، دیه‌ای که شرکای قاتل، (چون شریک قابل مجازات است پس در مورد وی دیه تغلیظ می‌شود) به علت سهمشان از جنایت، حَسَبِ مورد به قِصاص شونده یا ولیّ دَم و یا به هر دو آنان می‌پردازند، تغلیظ می‌شود. (چون شرکا مجازات می‌شوند پس دیه تغلیظ می‌شود) (این تغلیظ از همان نوع دیه‌ای است که پرداخت می‌شود).

نکته ۱- اگر شخصی در ماه حرام مجروح و در ماه غیر حرام در حرم مکه بمیرد یا این که در ماه غیر حرام در حرم مکه مجروح و در ماه حرام در خارج از حرم بمیرد دیه تغلیظ نمی‌شود. (میرمحمد صادقی، جرائم علیه اشخاص، ص ۲۵۰)

نکته ۲- فقط دیه‌ی اقلیت‌های دینی مندرج در قانون اساسی با دیه‌ی مسلمان برابر است و برای تعیین دیه‌ی سایر اقلیت‌ها باید به منابع معتبر فقهی رجوع کرد (دکتر گلدوزیان، همان، ص ۳۴۴)

نکته ۳- فاضل دیه‌ای که شرکای قتل می‌پردازند در صورتی تغلیظ می‌شود که در ماه حرام رخ داده باشد و زمان اجرای قصاص اهمیتی ندارد.

نکته ۴- اگر شخصی در ماه حرام مجروح و در ماه حرام دیگری بمیرد دیه تغلیظ می‌شود و اگر شخصی در ماه حرام مجروح و در غیر ماه حرام در حرم مکه بمیرد یا اینکه در غیر ماه حرام در حرم مکه مجروح و در ماه حرام در خارج از حرم بمیرد دیه تغلیظ نمی‌شود (جرائم علیه اشخاص، دکتر میرمحمد صادقی، ص ۲۵۱)

نکته ۵- در موارد زیر دیه تغلیظ می‌شود:

۱- دیه‌ای که شرکای قتل به علت سهمشان در جنایت به ولی دَم یا دیگر شرکا می‌دهند.

۲- جنین پس از پیدایش روح

۳- قتل عمدی که به دلیل عدم وجود شرایط قصاص، مرتکب قصاص نشده و ملزم به پرداخت دیه است. (احمد غفوری، همان، ص ۲۹۵)

نکته ۶- در این موارد حتی باوجود سایر شرایط تغلیظ نمی‌شود:

۱- دیه‌ای که اولیاء دم به قاتلین یا دیگر اولیاء دم می‌پردازند.

۲- سقط جنین پیش از پیدایش روح. (احمد غفوری، همان، ص ۲۹۵)

نکته ۷- در صورت وقوع قتل مشمول مقررات تغلیظ دیه: الف_ در صورتی که قصاص مستلزم پرداخت فاضل دیه به قاتل باشد، فاضل دیه تغلیظ نمی‌شود. ب_ در صورتی که قصاص مستلزم پرداخت دیه به مرتکب (در صورتی که برخی از اولیای دم او را بخشیده باشند یا در برابر گذشت خود دیه گرفته یا به مقداری بیشتر یا کمتر از دیه مصالحه کرده باشند) باشد دیه پرداختی در این مورد تغلیظ نمی‌شود. پ_ در صورتی که اولیای دم خواهان قصاص برخی از شرکاء باشند در این صورت دیه ای که شرکای قاتل (که قصاص نمی‌شوند) به علت سهمشان از جنایت، حسب مورد به قصاص شونده (در صورتی قصاص بیش از سهم او در وقوع جنایت باشد) یا ولی دَم و یا به هردوی آنان می‌پردازند، تغلیظ می‌شود. به عبارت دیگر، در صورتی که دیه پرداختی توسط شرکاء قاتل، تغلیظ می‌شود که فقط در ماه‌های حرام یا حرم مکه مکرمه واقع شده باشد.

نکته ۸- هرگاه قتل در یکی از ماه‌های حرام یا حرم مکه مکرمه واقع نشده باشد، اجرای قصاص در زمان و مکان بیان شده باعث تغلیظ دیه ی پرداختی توسط شرکای قاتل نخواهد شد.

نکته ۹- وقوع قتل در زمان و مکان یاد شده موجب تقلید دیه است ولی اجرای قصاص در زمان و مکان یاد شده موجب تغلیظ دیه نیست.

بخش سوم - قصاص عضو فصل اول - موجب قصاص عضو

ماده ۳۸۶ - مجازات جنایت عمدی بر عضو

مجازات جنایت عمدی بر عضو در صورت تقاضای مجنی علیه یا ولی او و وجود سایر شرایط مقرر در قانون، قصاص و در غیر این صورت مطابق قانون از حیث دیه و تعزیر عمل می‌گردد. (رجوع کنید به ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی)

نکته ۱- جرح عضو، در صورتی که عمدی باشد با وجود شرایط قصاص عضو، موجب قصاص است.

نکته ۲- مجازات اولیه و اصلی جنایت عمدی (ماده ۱۶ ق. م. ا.) بر عضو قصاص است و در صورتی که امکان اجرای قصاص وجود نداشته باشد، به عنوان مثال امکان رعایت برابری وجود نداشته و یا در اجرای قصاص خطر سرایت به نفس مرتکب وجود داشته باشد و یا جانی فاقد عضو مورد جنایت باشد و یا در صورت توافق میان مجنی علیه و مرتکب، مطابق قانون، قصاص منتفی و از حیث دیه و تعزیر عمل می‌گردد.

ماده ۳۸۷ - معنای جنایت بر عضو

جنایت بر عضو عبارت از هر آسیب کمتر از قتل مانند قطع عضو، جرح (گسستگی بافت‌ها به همراه جریان خون) و صدمه‌های وارد بر منافع است.

نکته ۱- شخصی به قصد ایراد جرح، عمل نوعاً کشنده‌ای را علیه دیگری انجام می‌دهد. مثلاً ضربه‌ی چماقی را حواله گیجگاه می‌کند ولی قربانی جاخالی می‌دهد که در نتیجه ضربه به دست او خورده و وی را مجروح می‌سازد، جرم ارتکاب یافته ایراد جرح عمدی است.

ماده ۳۸۸ - تمییز قصاص زن

زن و مرد مسلمان، در قصاص عضو برابرند و مرد به سبب آسیبی که به زن وارد می‌کند، به قصاص محکوم می‌شود لکن اگر دیه جنایت وارد بر زن، مساوی یا بیش از ثلث دیه کامل باشد، قصاص پس از پرداخت نصف دیه عضو مورد قصاص به مرد، اجرا می‌شود. (این ماده مشمول مواردی است که زن و مرد در دین و عقل تساوی داشته باشند یعنی هرگاه مرد غیرمسلمان جنایتی بر زن مسلمان وارد نماید و از ثلث نیز فراتر رود قصاص بدون پرداخت فاضل دیه‌ی عضو، صورت خواهد گرفت) حکم مذکور در صورتی که مجنی علیه زن غیرمسلمان و مرتکب مرد غیرمسلمان باشد نیز جاری است. ولی اگر مجنی علیه، زن مسلمان و مرتکب، مرد غیرمسلمان باشد، مرتکب بدون پرداخت نصف دیه، قصاص می‌شود. (رجوع کنید به ماده ۵۶۰ الی ۵۶۲ قانون مجازات اسلامی)

نکته ۱- اگر مردی عمداً زنی را مجروح نماید، اگر دیه‌ی عضو کمتر از ثلث دیه‌ی کامل باشد قصاص مقدور است.

نکته ۲- در مقایسه‌ی زن و مرد در صورت جنایت مرد بر عضوی از بدن زن، دیه‌ی مرد و زن یکی است تا وقتی که مقدار دیه، به ثلث دیه‌ی کامل یا بیشتر برسد.

نکته ۳- در رابطه با این ماده به رأی وحدت رویه ۶۸۳-۱۳/۱۰/۱۳۸۴ هیئت عمومی دیوان عالی کشور رجوع کنید.

نکته ۴- در صورتی که مرتکب، مرد غیر مسلمان بوده و مجنی علیه، زن مسلمان باشد، در هر حال چه جنایت کمتر از یک سوم باشد چه بیشتر از آن پرداخت فاضل دیه توسط زن مسلمان به مرد غیر مسلمان صورت نمی‌گیرد.

ماده ۳۸۹ - تعدد جنایت بر اثر تعدد ضربه

اگر به علت یک یا چند ضربه، جنایت‌های متعددی در یک یا چند عضو به وجود آید، حق قصاص برای هر جنایت، به‌طور جداگانه ثابت است و مجنی علیه می‌تواند درباره بعضی با مرتکب مصالحه نماید، نسبت به بعضی دیگر گذشت و بعضی را قصاص کند. (رجوع کنید به ماده ۲۹۹ قانون مجازات اسلامی)

ماده ۳۹۰ - جنایت دارای مراتب (رک ماده ۷۰۹ و ۷۱۱ و ۷۱۳ و ۷۱۴ ق.م.ا.)

اگر جنایت بر عضو، دارای مراتب باشد، مجنی علیه می‌تواند با رضایت مرتکب (شرط اصلی قصاص قسمت کمتری از جنایت، رضایت مرتکب می‌باشد) قسمتی از جنایت را قصاص کند مانند آنکه در جراحت موضعی به مثلاً جرحه و در قطع دست از آرنج به قطع دست از مچ بَسَنده و از قصاص قسمت دیگر گذشت یا مصالحه نماید.

نکته ۱- در موردی که شخصی دست دیگری را عمداً از آرنج قطع کرده است مجنی‌علیه با رضایت جانی می‌تواند دست جانی را از قسمت مج قصاص کند.

ماده ۳۹۱ - جنایت بر اعضای متعدد یک نفر

هرگاه کسی جنایت عمدی بر اعضای متعدد یک نفر وارد کند و امکان قصاص همه آنها نباشد مانند اینکه هر دو دست یک نفر را قطع کند و خود یک دست بیشتر نداشته باشد، مرتکب در مقابل جنایتهایی که قصاص آن امکان دارد، قصاص می‌شود و برای دیگر جنایات، به پرداخت دیه و تعزیر مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود.

ماده ۳۹۲ - جنایت بر اعضای چند نفر

هرگاه کسی جنایت عمدی بر اعضای چند نفر وارد کند، اگر امکان قصاص همه آنها باشد، قصاص می‌شود و اگر امکان قصاص برای همه جنایات نباشد مجنی‌علیه اول که جنایت بر او پیش از دیگری واقع شده است، در استیفای قصاص مقدم است و در صورت انجام قصاص، مرتکب برای جنایاتی که محلی برای قصاص آن نیست به پرداخت دیه و تعزیر مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود. اگر وقوع دو جنایت، در یک زمان باشد، هریک از دو مجنی‌علیه می‌تواند مبادرت به قصاص کند و پس از استیفای قصاص، برای دیگر جنایتهایی که قصاص ممکن نیست، مرتکب به پرداخت دیه و تعزیر مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود. در صورتی که پس از قصاص اول، محل قصاص برای مجنی‌علیه دوم باقی باشد لکن کمتر از عضو مورد جنایت از او باشد، می‌تواند مقدار موجود را قصاص کند و مابقی تفاوت را دیه بگیرد مانند اینکه مرتکب، نخست انگشت دست راست کسی و آنگاه دست راست شخص دیگری را قطع کرده باشد که در این صورت، مجنی‌علیه اول در اجرای قصاص مقدم است و با اجرای قصاص او، مجنی‌علیه دوم می‌تواند دست راست مرتکب را قصاص کند دیه انگشت خود را نیز از او بگیرد. (رجوع کنید به ماده ۴۴۸ قانون مجازات اسلامی و نیز ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات)

فصل دوم - شرایط قصاص عضو

ماده ۳۹۳ - شرایط قصاص عضو

در قصاص عضو، علاوه بر شرایط عمومی قصاص، (فقدان رابطه پدری، تساوی در دین و تساوی در عقل نیز لازم است) شرایط زیر با تفصیلی که در این قانون بیان می‌شود، باید رعایت شود:

الف - محل عضو مورد قصاص، با مورد جنایت یکی باشد. (دست راست را قطع کرده، دست راستش را قطع می‌کنیم)

ب - قصاص با مقدار جنایت، مساوی باشد. (اگر تا مج قطع کرده تا همان مقدار می‌توان قطع کرد)

پ - خوف تلف مرتکب یا صدمه بر عضو دیگر نباشد. (برابری باید وجود داشته باشد پس اگر خطر این وجود دارد که قصاص باعث صدمه به عضو دیگر شود حق این کار را نداریم)

ت - قصاص عضو سالم، در مقابل عضو ناسالم نباشد. (دست فلج در مقابل دست سالم مجنی‌علیه قصاص می‌شود اما عکس آن نمی‌شود)

ث - قصاص عضو اصلی، در مقابل عضو غیراصلی نباشد. (مثل انگشت شست)

ج - قصاص عضو کامل در مقابل عضو ناقص نباشد.

تبصره -

در صورتی که مجرم دست راست نداشته باشد دست چپ او و چنانچه دست چپ هم نداشته باشد پای او قصاص می‌شود. (عدول از شرط مماثلت و برابری در محل عضو مورد قصاص صرفاً در خصوص نبود دست راست می‌باشد و قابل تسری به سایر اعضا نخواهد بود. مثلاً سرشانه مجنی‌علیه که ورزشکار است ۲۰ سانتی‌متر آسیب‌دیده و مجرم که لاغر و ضعیف است و سرشانه او ۱۰ سانتی‌متر است) (رجوع کنید به مواد ۳۰۱ و نیز ۴۱۷ قانون مجازات اسلامی)

ماده ۳۹۴ - شرط تساوی طول و عرض پیرامات

رعایت تساوی مقدار طول و عرض، در قصاص جراحات لازم است لکن اگر طول عضو مورد قصاص، کمتر از طول عضو آسیب‌دیده در مجنی‌علیه باشد، قصاص نباید به عضو دیگر سرایت کند و نسبت به مازاد جنایت، دیه گرفته می‌شود لکن میزان در عمق جنایت، صدق عنوان جنایت وارده است.

نکته ۱- هرچند اخذ دیه نسبت به مقداری از جنایت که قصاص در آن ممکن نیست به رضایت مرتکب نیازی ندارد، ولی در صورتی که مجنی علیه درخواست دیه نسبت به کل جنایت و عدم انجام قصاص را داشته باشد، به توافق و رضایت مرتکب نیازمند است.

ماده ۳۹۵ - قصاص عضو ناقص

اگر عضو مورد جنایت، سالم یا کامل باشد و عضو مُرتکب، ناسالم یا ناقص باشد، مَجْنی عَلَیْهِ می‌تواند قصاص کند یا با رضایت مُرتکب، دیه بگیرد.
تبصره -

عضو ناسالم، عضوی است که منفعت اصلی آن از بین رفته باشد مانند عضو فُلَج و در غیر این صورت، عضو سالم محسوب می‌شود، هر چند دارای ضعف یا بیماری باشد.

ماده ۳۹۶ - قِصاص عضو صمیح در برابر عضو معیوب

عضو قوی و صحیح، در برابر عضو ضعیف و معیوب غیر فُلَج، قصاص می‌شود.

ماده ۳۹۷ - عدم قِصاص عضو کامل در برابر عضو ناقص

عضو کامل، در برابر عضو ناقص قصاص نمی‌شود لکن عضو ناقص، در برابر عضو کامل قصاص می‌شود که در این صورت، مُرتکب باید مابۀ التَّفَاوَت دیه را بپردازد.

تبصره -

عضو ناقص، عضوی است که فاقد بخشی از اجزاء باشد مانند دستی که فاقد یک یا چند انگشت یا فاقد بخشی از یک یا چند انگشت است.

نکته ۱- در صورتی که عضو مرتکب ناقص بوده و عضو مجنی علیه کامل باشد، قصاص انجام می‌شود و مرتکب می‌بایست مابۀ التَّفَاوَت دیه ی عضو خود و مجنی علیه را به او پرداخت نماید و چنانچه مجنی علیه تقاضای دیه ی کامل و عدم اجرای قصاص را به نماید، به توافق و رضایت مرتکب نیازمند است.

نکته ۲- یکی از اساسی ترین اصول قصاص، رعایت برابری و مشابهت در جنایت و قصاص است. در صورتی که این موضوع ممکن نباشد، قصاص منتفی شده و مرتکب به پرداخت دیه و تعزیر مربوط به موضوع ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی، بخش تعزیرات محکوم خواهد شد.

ماده ۳۹۸ - قِصاص عضو ناقص در برابر عضو ناقص

اگر عضو مورد جنایت و عضو مورد قصاص، هر دو ناقص یا ناسالم باشند، فقط در صورتی که نقصان و عدم سلامت در عضو مورد قصاص، مساوی یا بیشتر از عضو مورد جنایت باشد، حق قصاص ثابت است.

ماده ۳۹۹ - جنایت بر عضو زائد

اگر عضو مورد جنایت، زائد باشد و مُرتکب، عضو زائد مشابه نداشته باشد، به پرداخت اَرش محکوم می‌شود. (اگر جانی عضو زائد داشته باشد می‌توان قصاص را اجرا نمود) (رجوع کنید به ماده ۳۹۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۳).

ماده ۴۰۰ - عدم تساوی طول و عرض و عمق

اگر رعایت تساوی در طول و عرض و عمق جنایت، ممکن نباشد و قصاص به مقدار کمتر ممکن باشد مَجْنی عَلَیْهِ می‌تواند به قصاص کمتر، اکتفا کند و مابۀ التَّفَاوَت را اَرش مُطالبه نماید و یا با رضایت جانی دیه جنایت را بگیرد.

ماده ۴۰۱ - سقوط قِصاص در برشی جنایت‌ها

در جنایت مأمومه، دامغه، جائفیه، هاشیمه، مُنْقَلَه، شکستگی استخوان و صدماتی که موجب تغییر رنگ پوست یا ورم بدن می‌شود، قصاص ساقط است (چون در این موارد امکان رعایت برابری ممکن نیست) و مُرتکب علاوه بر پرداخت دیه به تعزیر مُقَرَّر در کتاب پنجم «تعزیرات» نیز محکوم می‌شود. حکم مذکور در هر مورد دیگری که خطر تجاوز در قصاص عضو یا منافع وجود داشته باشد نیز جاری است. (رجوع کنید به ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵).

ماده ۴۰۲ - قِصاص شَفَس دارای یک چشم

اگر شخصی یک چشم کسی را درآورد یا کور کند، قصاص می‌شود، گرچه مُرتکب بیش از یک چشم نداشته باشد و دیه‌ای به وی پرداخت نمی‌شود. این حکم در مورد همه اعضای زوج بدن جاری است.

ماده ۴۰۳ - جنایت بر شَفَس دارای یک چشم

اگر شخصی که دارای دو چشم است، چشم کسی را که فقط یک چشم دارد، درآورد یا آن را کور کند، مَجْنی عَلَیْهِ می‌تواند یک چشم مُرتکب را قصاص کند و نصف دیه کامل را هم دریافت دارد یا از قصاص یک چشم مُرتکب مُنصرف شود و دیه کامل بگیرد مگر اینکه مَجْنی عَلَیْهِ یک چشم خود را قبلاً در اثر قصاص یا جنایتی که استحقاق دیه آن را داشته است، از دست داده باشد، که در این صورت می‌تواند یک چشم مُرتکب را قصاص کند و یا با رضایت مُرتکب، نصف دیه کامل را دریافت نماید. (رجوع کنید به ماده ۵۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲).

ماده ۴۰۴ - از بین بردن بینایی بدون آسیب به چشم

اگر شخصی بدون آسیب رساندن به حدقه چشم دیگری، بینایی آن را از بین ببرد، فقط بینایی چشم مُرتکب، قصاص می‌شود. چنانچه بدون آسیب به حدقه چشم مُرتکب، قصاص ممکن نباشد، تبدیل به دیه می‌شود و مُرتکب به پرداخت دیه (در این مورد دیگر نیازی به رضایت مرتکب برای تبدیل قصاص به دیه نمی‌باشد) و تعزیر مُقرر در قانون محکوم می‌شود.

ماده ۴۰۵ - قصاص چشم سالم در برابر چشم غیرمتعارف

چشم سالم، در برابر چشم‌هایی که از لحاظ دید و یا شکل، متعارف نیستند، قصاص می‌شود.

ماده ۴۰۶ - قصاص پلک

پلک دارای مُژه، در برابر پلک بدون مُژه قطع نمی‌شود لکن پلک چشم بینا در برابر پلک چشم نابینا قصاص می‌شود.

ماده ۴۰۷ - قطع لاله گوش

قطع لاله گوش که موجب زوال شنوایی یا قطع بینی (فقط در خصوص این ۲ اندام بدین نحو عمل می‌شود و قابل تسری به دیگر اندام مثل آسیب به چشم و زوال بینایی نیست) که موجب زوال بویایی شود، دو جنایت (عبارت‌اند از: ۱- جنایت بر عضو ۲ - جنایت بر منافع) محسوب می‌شود.

نکته ۱- شخصی «الف» عمداً مبادرت به قطع لاله‌ی گوش دیگری می‌کند که علاوه بر قطع، زوال شنوایی را نیز موجب می‌گردد. در این فرض فعل واحد انجام گرفته و دارای دو عنوان مجرمانه است.

ماده ۴۰۸ - قطع بینی یا گوش

قطع بینی یا گوش، موجب قصاص است گرچه حسَب مورد حس بویایی و شنوایی نداشته باشند.

نکته ۱- بینی و گوش دو عضو جدای از قدرت بویایی و شنوایی بوده و به دلیل تأثیر به‌سزایی که در شکل و زیبای افراد دارند، دارای دیه‌های جداگانه هستند و در صورت وقوع جنایت عمدی بر آن‌ها، قصاص ثابت می‌شود و در این مورد به وجود یا عدم وجود قدرت شنوایی و بویایی توجه نمی‌شود.

ماده ۴۰۹ - قطع زبان یا لب

قطع زبان یا لب، موجب قصاص است و باید مقدار و محل آن‌ها رعایت شود.

ماده ۴۱۰ - قطع زبان لال

اگر شخص گویا، زبان کسی را که لال است قطع کند، قصاص ساقط است و دیه گرفته می‌شود لکن زبان کسی که لال است، در برابر زبان لال دیگری و زبان گویا قصاص می‌شود و زبان دارای حس چشایی در برابر زبان بدون حس چشایی قصاص می‌شود.

ماده ۴۱۱ - قطع زبان کودک

زبان گویا در برابر زبان کودکی که هنوز به حد سخن گفتن نرسیده است، قصاص می‌شود مگر آنکه لال بودن کودک ثابت شود.

ماده ۴۱۲ - شکستن یا کندن دندان

اگر کسی دندان دیگری را بشکند یا بکند به قصاص محکوم می‌شود و در قصاص آن، رعایت تساوی در محل دندان، لازم است.

ماده ۴۱۳ - رویدن دندان مبنی علیه

اگر دندان کسی توسط دیگری کنده شود، چنانچه تا زمان قصاص، دندان سالمی به جای آن برآید، مُرتکب قصاص نمی‌شود و به تعزیر مُقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» و اُرش (در این مورد دیه پرداخت نمی‌شود) جَراحت و مدتی که مَجْنی علیه بدون دندان بوده است محکوم می‌شود. اگر دندان جدید معیوب باشد، مُرتکب افزون بر محکومیت‌های مذکور، به پرداخت اُرش عیب نیز محکوم می‌شود. اگر مَجْنی علیه کودک باشد، صدور حکم به مدت متعارف برای رویدن دندان به تأخیر می‌افتد و در صورت رویش دندان یک‌صدم دیه پرداخت می‌شود. اگر مَجْنی علیه در این مدت فوت کند، مُرتکب افزون بر تعزیر مذکور، به پرداخت دیه محکوم می‌شود.

ماده ۴۱۴ - دندان شیری و غیرشیری

اگر دندان مُرتکب، شیری و دندان مَجْنی علیه غیرشیری باشد، مَجْنی علیه بین قصاص دندان شیری و تأخیر قصاص تا رویش دندان غیرشیری در مُرتکب، مُختار است.

ماده ۴۱۵ - رویدن دندان مبنی علیه پس از قصاص یا دیه

اگر دندان مَجْنی علیه پس از اجرای قصاص یا گرفتن دیه برآید، چیزی بر عهده مَجْنی علیه نیست و اگر گرفتن دیه به جهت عدم امکان قصاص بوده باشد دیه نیز بازگردانده نمی‌شود.

ماده ۴۱۶ - رویدن دندان مُرتکب

اگر دندان مُرتکب، پس از اجرای قصاص بروید، مَجْنیُّ عَلَیْهِ حَقَّ قِصَاصٍ دُوبَارَهُ آن را ندارد.

بخش چهارم - اجرای قصاص

فصل اوّل - مواد عمومی

ماده ۴۱۷ - لزوم اذن ولی امر

در اجرای قصاص (اعم از قصاص نفس یا قصاص عضو)، اذن مقام رهبری یا نماینده او لازم است.

نکته ۱- هرچند قصاص حق شخصی مجنی علیه یا اولیای دم است اما مطابق سایر مجازات ها، اجرای آن از اختیارات حکومت است و به همین دلیل در اجرای قصاص، اذن مقام رهبری یا نماینده او لازم است

ماده ۴۱۸ - مرور استیذان

استیذان از مقام رهبری در اجرای قصاص، برای نظارت بر صحت اجرا و رعایت حقوق صاحب حق قصاص و اطراف دیگر دعوی است و نباید مراسم استیذان، مانع از امکان استیفای قصاص توسط صاحب حق قصاص و محروم شدن او از حق خود شود.

ماده ۴۱۹ - وراثت حق اجرای قصاص

اجرای قصاص و مباشرت در آن، حسب مورد، حق ولی دم و مَجْنیُّ عَلَیْهِ است که در صورت مرگ آنان، این حق به ورثه ایشان منتقل می شود و باید پس از استیذان از مقام رهبری از طریق واحد اجرای احکام کیفری مربوط انجام گیرد.

ماده ۴۲۰ - قصاص بر قلاف مقررات (رک ماده ۴۴۷ ق.م.ا)

اگر صاحب حق قصاص، برخلاف مقررات (از جمله اذن رهبر) اقدام به قصاص کند به تعزیر (در این مورد دیگر قصاص و دیه منتفی است) مُقَرَّر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می شود. (رجوع کنید به مواد ۶۱۲ و ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵).

نکته ۱- چنانچه یکی از اولیای دم برخلاف مقررات اقدام به اجرای قصاص قاتل عمدی نماید، به مجازات تعزیری مربوط در بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی محکوم می شود.

نکته ۲- اگر اولیای دم مقتول بدون اذن ولی امر، اقدام به قصاص قاتل کنند عمل آنان مشمول اخلال در نظم و امنیت بوده و به موجب ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی به سه تا ده سال حبس محکوم می شوند.

ماده ۴۲۱ - انصار حق قصاص در صامب حق

هیچ کس غیر از مَجْنیُّ عَلَیْهِ یا ولی او حق قصاص مرتکب را ندارد (بیانگر اصل اباحی نسبی است چون مرتکب فقط در مقابل دارندگان حق قصاص مهدورالدم است و نسبت به غیر از صاحبان حق قصاص معصوم و محقون الدم است) و اگر کسی بدون اذن آنان او را قصاص کند، مُسْتَحَقَّ قِصَاصٍ است.

نکته ۱- اگر شخصی مرتکب قتل عمد شود و دادگاه او را به قصاص محکوم نماید و شخص دیگری بدون اینکه از ولی دم مقتول اجاره گرفته باشد، محکوم را به قتل برساند این شخص مرتکب قتلی شده که مستوجب قصاص است.

نکته ۲- دادگاه شخصی را قاتل می شناسد و حکم به قصاص او صادر می کند. هنگامی که مأمورین متهم را به زندان می برده اند رهگذری متوجه می شود که آن مرد قاتل است و حکم قصاص او صادر شده است و به همین علت و انگیزه آن قاتل را به قتل می رساند. در این فرض اتهام رهگذر قتل عمدی است و قصاص می شود.

ماده ۴۲۲ - مستقل بودن حق هر یک از صامبان حق

در هر حق قصاصی هریک از صاحبان آن به طور مستقل حق قصاص دارند لکن هیچ یک از آنان در مقام استیفای نباید حق دیگران را از بین ببرد و در صورتی که بدون اذن و موافقت دیگر افراد خواهان قصاص، مُبادرت به استیفای قصاص کند، ضامن سهم دیه دیگران است. (در این مورد یک قتل افتاده است و ولی دم چند نفر هستند به عبارتی مقتول یکی است و اولیاء دم متعدد)

نکته ۱- اگر دیگر افراد در این ماده خواهان قصاص باشند که قصاص انجام شده یا خواهان دیه هستند که باید دیه به آنها پرداخت شود یا خواهان عفو هستند دیه باید به قاتل پرداخت شود.

نکته ۲- در این مورد اگرچه هریک از صاحبان حق قصاص به طور مستقل حق قصاص دارند اما اگر یکی از آنها بدون اذن سایرین اقدام به قتل دیگری کند ضامن سهم دیه دیگر اولیای دم است و در صورت درخواست دیگر اولیای دم باید دیه بدهد (احمد غفوری، همان، ص ۲۹۳)

ماده ۴۲۳- در فواست قصاص و دیه

در هر حق قصاصی اگر بعضی از صاحبان آن، خواهان دیه باشند یا از قصاص مُرتکب گذشت کرده باشند، کسی که خواهان قصاص است باید نخست سهم دیه دیگران را در صورت گذشت آنان به مُرتکب و در صورت درخواست دیه به خود آنان بپردازد.

ماده ۴۲۴- غیبت بر فی از صاحبان حق قصاص

در هر حق قصاصی اگر بعضی از صاحبان آن، غائب باشند و مدت غیبت آنان کوتاه باشد صدور حکم تا آمدن غائب به تعویق می‌افتد و اگر غیبت طولانی باشد و یا امیدی به بازگشتن آنان نباشد مقام رهبری به عنوان ولی غائب به جای آنان تصمیم می‌گیرد و چنانچه زمان بازگشت معلوم نباشد مقام رهبری برای آنها پس از گذشت زمان کوتاه و قبل از طولانی شدن زمان غیبت اتخاذ تصمیم می‌نماید، کسانی که حاضرند، می‌توانند پس از تأمین سهم غائبان در دادگاه، قصاص کنند و اگر حاضران، گذشت کنند یا با او مصالحه نمایند، حق قصاص غائبان محفوظ است و اگر آنان پس از حاضر شدن، خواهان قصاص باشند، باید نخست سهم دیه کسانی را که گذشت نموده‌اند یا با مُرتکب مصالحه کرده‌اند به مُرتکب بپردازند و سپس قصاص کنند.

نکته ۱- شخصی به قصاص محکوم شده است ولی صاحبان حق قصاص غیبت طولانی داشته و امیدی به بازگشت آنها نیست. در این صورت مقام رهبری به عنوان ولی غایب به جای آنها تصمیم می‌گیرد.

ماده ۴۲۵- بنایت عمری زن بر مرد

اگر مُرتکب عمداً جنایتی بر دیگری وارد کند و دیه جنایت وارد شده بر مجنی علیه بیش از دیه آن در مُرتکب باشد مانند آنکه زن مسلمانی مرد مسلمانی را به قتل برساند صاحب حق قصاص نمی‌تواند افزون بر قصاص، تفاوت دیه را نیز مطالبه کند.

ماده ۴۲۶- لزوم پرداخت فاضل دیه

در موارد ثبوت حق قصاص، اگر دیه جنایت وارده بر مجنی علیه کمتر از دیه آن در مُرتکب باشد، صاحب حق قصاص در صورتی می‌تواند قصاص را اجرا کند که نخست فاضل دیه را به او بپردازد و بدون پرداخت آن اجرای قصاص جایز نیست و در صورت مخالفت و اقدام به قصاص، افزون بر الزام به پرداخت فاضل دیه، به مجازات مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود.

ماده ۴۲۷- پرداخت دیه به دیگر صاحبان حق قصاص

در مواردی که صاحب حق قصاص برای اجرای قصاص باید بخشی از دیه را به دیگر صاحبان حق قصاص بپردازد، پرداخت آن باید پیش از قصاص صورت گیرد و در صورت تخلف صاحب حق قصاص از این امر، افزون بر پرداخت دیه مذکور به مجازات مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود.

ماده ۴۲۸- شرایط پرداخت فاضل دیه از بیت‌المال

در مواردی که جنایت، نظم و امنیت عمومی را بر هم زند یا احساسات عمومی را جریحه‌دار کند و مصلحت در اجرای قصاص باشد لکن خواهان قصاص تمکن از پرداخت فاضل دیه یا سهم دیگر صاحبان حق قصاص را نداشته باشد، (شروط مذکور باید باهم و در آن واحد وجود داشته باشند) با درخواست دادستان و تأیید رئیس قوه قضائیه، مقدار مذکور از بیت‌المال پرداخت می‌شود.

ماده ۴۲۹- تکلیف مُرتکب در صورت عدم پرداخت فاضل دیه

در مواردی که محکوم به قصاص، در زندان است و صاحب حق قصاص، بدون عذر موجه یا به علت ناتوانی در پرداخت فاضل دیه یا به جهت انتظار برای بلوغ یا افاقه ولی دم یا مجنی علیه، مُرتکب را در وضعیت نامعین رها نماید، با شکایت محکوم علیه از این امر، دادگاه صادرکننده حکم، مدت مناسبی را مشخص و به صاحب حق قصاص اعلام می‌کند تا ظرف مهلت مقرر نسبت به گذشت، مصالحه یا اجرای قصاص اقدام کند. در صورت عدم اقدام او در این مدت، دادگاه می‌تواند پس از تعیین تعزیر بر اساس کتاب پنجم «تعزیرات» و گذشتن مدت زمان آن با اخذ وثیقه مناسب و تأیید رئیس حوزه قضائی و رئیس کل دادگستری استان تا تعیین تکلیف از سوی صاحب حق قصاص، مُرتکب را آزاد کند.

ماده ۴۳۰- تهاتر فاضل دیه

در موارد لزوم پرداخت فاضل دیه اگر مقتول یا صاحب حق قصاص، طلبی از مُرتکب داشته باشد، طلب مذکور با رضایت صاحب آن، هر چند بدون رضایت مُرتکب، به عنوان فاضل دیه، قابل محاسبه است.

نکته ۱- خانمی توسط همسرش به قتل می‌رسد. در این حالت می‌توان مهریه خانم (مقتول) با تفاضل دیه، تهاتر نمود و مرتکب را قصاص کرد.

ماده ۴۳۱ - حق تصرف مالکانه در فاضل دیه

فاضل دیه یا سهم پرداختی شرکا از دیه جنایت، متعلق به قصاص شونده است و او می‌تواند آن را به صاحب حق قصاص یا شرکای خود ببخشد و یا هر نوع تصرف مالکانه دیگری در آن انجام دهد لکن اگر آن را دریافت کرده باشد و قصاص صورت نگیرد، باید آن را برگرداند.

ماده ۴۳۲ - قصاص مَجْنُوعِیَه مَرِیون

هرگاه مَجْنُوعِیَه پیش از استیفای حق قصاص، فوت کند و تَرکِیَه او برای ادای دیون او کافی نباشد، صاحب حق قصاص، بدون ادا یا تضمین آن دیون، حق استیفای قصاص را دارد لکن حق گذشت مجانی، بدون ادا یا تضمین دیون را ندارد و اگر به هر علت، قصاص به دیه تبدیل شود، باید در ادای دیون مذکور صرف شود. این حکم در مورد تَرکِیَه مقتول نیز جاری است.

نکته ۱- مَجْنُوعِیَه پیش از استیفای حق قصاص فوت کرده و ترکه برای ادای دیون کافی نیست. در این فرض وراثت مَجْنُوعِیَه بدون ادا یا تضمین آن دیون، حق استیفای قصاص را دارند.

ماده ۴۳۳ - کزشت از قصاص

اگر مَجْنُوعِیَه یا همه اولیای دم، پیش از قصاص یا در حین اجرای آن از قصاص مُرتکب گذشت کنند، قصاص متوقف می‌شود و آنان ضامن خساراتی که در حین اجرای قصاص به مُرتکب رسیده است، نمی‌باشند و اگر برخی از آنان گذشت نمایند یا مُصالحه کنند، خواهان قصاص باید پیش از اجرای قصاص، سهم آن‌ها را حَسَبِ مورد به آنان یا مُرتکب بپردازد.

ماده ۴۳۴ - فراری دادن بانی

هرگاه کسی فردی را که مُرتکب جنایت عمدی (ارتکاب جنایات غیر عمدی شامل این ماده نمی‌شود) شده است فراری دهد به تحویل وی الزام می‌شود. اگر در موارد قتل و جنایت بر عضو که مُنجر به قطع یا نقص عضو یا از بین رفتن یکی از منافع آن شده است، بازداشت فراری دهنده مؤثر در حضور مُرتکب یا الزام فراری دهنده به احضار مُرتکب باشد، دادگاه باید با درخواست صاحب حق قصاص تا زمان دستگیری مُرتکب، فراری دهنده را بازداشت کند. اگر مُرتکب پیش از دستگیری بمیرد یا دستگیری وی مُتَعَدَّر شود یا صاحب حق قصاص رضایت دهد، فراری دهنده آزاد می‌شود و صاحب حق قصاص در همه موارد قصاص نفس و عضو، می‌تواند در صورت فوت مُرتکب یا مُتَعَدَّر دستگیری او، دیه را از اموال وی یا فراری دهنده بگیرد. فراری دهنده می‌تواند پس از پرداخت دیه برای دریافت آن به مُرتکب رجوع کند. (رجوع کنید به مواد ۵۴۹ و ۵۵۱ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵).

ماده ۴۳۵ - عزم دسترسی به بانی

هرگاه در جنایت عمدی، به علت مرگ (اعم از اینکه به مرگ طبیعی بمیرد یا خودکشی کند) یا فرار، دسترسی به مُرتکب ممکن نباشد با درخواست صاحب حق، دیه جنایت از اموال مُرتکب پرداخت می‌شود و در صورتی که مُرتکب مالی نداشته باشد در خصوص قتل عمد، ولی دم می‌تواند دیه را از عاقله بگیرد (تنها موردی است که در قتل عمدی عاقله مسئول پرداخت دیه است) و در صورت نبود عاقله یا عدم دسترسی به آن‌ها یا عدم تمکن آن‌ها، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود و در غیر قتل، دیه بر بیت‌المال خواهد بود. چنانچه پس از اخذ دیه، دسترسی به مُرتکب جنایت اعم از قتل و غیر قتل، ممکن شود در صورتی که اخذ دیه به جهت گذشت از قصاص نباشد، حق قصاص حَسَبِ مورد برای ولی دم یا مَجْنُوعِیَه محفوظ است، لکن باید قبل از قصاص، دیه گرفته شده را برگرداند.

نکته ۱- تکلیف وقتی که قاتل پس از ارتکاب قتل عمدی موجب قصاص، خودکشی می‌کند این است که قصاص ساقط می‌شود ولی دیه از اموال او پرداخت می‌شود.

نکته ۲- شخصی مرتکب قتل عمد شده و سپس فرار کرده و مرده است. در این صورت دیه بایستی از ماترک پرداخت گردد و اگر قاتل مالی نداشته باشد از اموال بستگان نزدیک وی پرداخت می‌شود ولی هرگاه قاتل بستگانی نداشته باشد یا بستگان قاتل فاقد تمکن مالی باشند، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود.

نکته ۳- هرگاه کسی که مرتکب قتل عمد شده، فرار کند و تا هنگام مرگش به او دسترسی نباشد، پس از مرگ او، قصاص تبدیل به دیه می‌شود و باید از اموال قاتل پرداخت شود.

نکته ۴- کسی که به علت ارتکاب قتل عمدی، محکوم به قصاص شده است چنانچه از زندان فرار کند و اولیای دم به وی دسترسی نداشته باشند، قصاص او منتفی نمی‌شود و اولیای دم می‌توانند به دیگران اجازه‌ی اجرای قصاص را بدهند والا از اموال وی دیه خواهد گرفت.

فصل دوم - اجرای قصاص نفس

ماده ۴۳۶ - ممنوعیت مثله کردن قاتل

قصاص نفس فقط به شیوه‌های متعارف، که کمترین آزار را به قاتل می‌رساند، جایز است و مثله کردن او پس از قصاص، (در قصاص نفس جنایت بر میت محسوب و مرتکب علاوه بر پرداخت دیه جنایت بر میت طبق ماده ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات، تعزیر خواهد شد) ممنوع و موجب دیه و تعزیر مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» است.

نکته ۱- در صورتی که به شیوه غیر متعارف یا با آلت کند و... قصاص نفس انجام پذیرد، مطابق این ماده ضمانت اجرای خاصی نداشته و فقط قصاص کننده مرتکب گناه شده است. مگر اینکه فعل او مطابق قانون یا ماده ای خاص جرم باشد.

ماده ۴۳۷ - قصاص نفس زن حامله

زن حامله، که محکوم به قصاص نفس است، نباید پیش از وضع حمل قصاص شود. اگر پس از وضع حمل نیز بیم تلف طفل باشد تا زمانی که حیات طفل محفوظ بماند، قصاص به تأخیر می‌افتد.

ماده ۴۳۸ - زنده ماندن قاتل پس از ابرای قصاص

اگر پس از اجرای قصاص نفس، قاتل زنده بماند، حق قصاص برای ولی دم محفوظ است لکن اگر وی را به گونه‌ای که جایز نیست، (غیر متعارف) قصاص کرده باشد، در صورتی که قاتل آسیب ببیند مشروط به شرایط قصاص عضو از جمله عدم خوف تلف ولی دم، قاتل حق قصاص عضو او را دارد و حق قصاص نفس نیز برای ولی دم باقی است ولی قبل از اجرای قصاص نفس، قاتل باید حق خود را استیفا، مصالحه یا گذشت کند لکن اگر ولی دم نخواهد دوباره قصاص کند، قاتل حق قصاص او را ندارد. (لکن منعی برای مطالبه دیه مشاهده نمی‌شود) اگر قاتل برای فرار از قصاص نفس حاضر به گذشت، مصالحه و استیفاء حق خود نشود با شکایت ولی دم از این امر، دادگاه مدت مناسبی را مشخص و به قاتل اعلام می‌کند تا ظرف مهلت مقرر به گذشت، مصالحه یا مطالبه قصاص عضو اقدام کند. در صورت عدم اقدام او در این مدت، ولی دم به تعزیر مقرر در قانون محکوم می‌شود و با مطالبه او قصاص نفس اجرا می‌گردد و حق قصاص عضو برای ورثه جانی، محفوظ است.

فصل سوم - اجرای قصاص عضو

ماده ۴۳۹ - اوصاف ابزار قصاص عضو

ابزار قطع و جرح در قصاص عضو باید تیز، غیر آلوده و مناسب با اجرای قصاص باشد و ایذاء مرتکب، بیش از مقدار جنایت او ممنوع و موجب تعزیر مقرر در قانون است. اگر مرتکب، بیمار یا شرایط زمان و مکان به گونه‌ای باشد که در قصاص، بیم سرایت به نفس یا صدمه دیگر باشد، در صورت امکان، موانع رفع و قصاص اجرا می‌شود. در غیر این صورت تا برطرف شدن بیم سرایت، قصاص به تأخیر می‌افتد.

ماده ۴۴۰ - امکان ابرای فوری قصاص

قصاص عضو را می‌توان فوراً اجرا کرد لکن اگر علم به سرایت وجود نداشته باشد و قصاص اجرا شود و پس از آن، جنایت سرایت کند و سرایت پدید آمده، عمدی محسوب شود، مرتکب حسب مورد، به قصاص نفس یا عضو محکوم می‌شود لکن پیش از اجرای قصاص نفس ولی دم باید، دیه جنایتی را که به عنوان قصاص عضو بر مرتکب وارد شده است به او بپردازد و اگر سرایت پدید آمده، غیر عمدی محسوب شود، مرتکب به دیه جنایتی که به وسیله سرایت، پدید آمده است، محکوم می‌شود و دیه مقداری که قصاص شده است کسر نمی‌شود.

ماده ۴۴۱ - لزوم اندازه‌گیری درود جراثمت

برای رعایت تساوی قصاص عضو با جنایت، باید حدود جراثمت کاملاً اندازه‌گیری شود و هر چیزی که مانع از استیفاء قصاص یا موجب ازدیاد آن باشد، برطرف گردد.

ماده ۴۴۲ - قصاص بیش از جنایت بر اثر حرکت مرتکب

اگر مرتکب به سبب حرکت یا غیر آن، موجب شود که قصاص بیش از جنایت انجام شود، قصاص کننده ضامن نیست و اگر قصاص کننده یا فرد دیگری موجب زیاده باشد حسب مورد به قصاص یا دیه محکوم می‌شود.

نکته ۱- در اجرای قصاص عفو، اگر مرتکب به سبب حرکت، موجب شود که قصاص بیش از جنایت انجام شود قصاص کننده ضامن نیست.

ماده ۴۴۳- *قصاص عضو زن حامله*

اگر زن حامله، محکوم به قصاص عضو باشد و در اجرای قصاص، پیش یا پس از وضع حمل، بیم تلف یا آسیب بر طفل باشد، قصاص تا زمانی که بیم مذکور برطرف شود به تأخیر می‌افتد.

نکته ۱- تفاوت قصاص عضو و قصاص نفس زن حامله عبارت است از:

الف_ امکان قصاص نفس پیش از وضع حمل وجود ندارد ولی قصاص عضو ممکن است پیش از وضع حمل انجام شود. ب_ در مورد قصاص نفس زن حامله قانونگذار تنها به بیم تلف طفل اشاره کرده و آن را مانع اجرای قصاص دانسته ولی در قصاص عضو، بیم تلف یا آسیب بر طفل را مانع اجرای قصاص نمی‌داند.

ماده ۴۴۴- *قصاص بدون بی‌هوشی یا بی‌حس کردن عضو*

قصاص کردن مرتکب در جنایت بر عضو، (اصل بر این است که) بدون بی‌هوش کردن وی یا بی‌حس کردن عضو او، حق مجنی‌علیه است مگر اینکه جنایت در حال بیهوشی یا بی‌حسی عضو مجنی‌علیه اتفاق افتاده باشد.

ماده ۴۴۵- *جواز مداوا پس از قصاص*

مداوا و بی‌هوش کردن مرتکب و بی‌حس کردن عضو او پس از اجرای قصاص جایز است.

ماده ۴۴۶- *پیوند عضو قطع شده*

اگر شخصی همه یا مقداری از عضو دیگری را قطع کند و مجنی‌علیه قسمت جدا شده را پیوند بزند، قصاص ساقط نمی‌شود.

نکته ۱- پیوند عضوی که عمداً قطع گردیده است، مانع قصاص است.

نکته ۲- به محض وقوع جنایت قصاص ثابت می‌شود و اقدامات بعدی مجنی علیه در این موضوع تاثیری ندارد. عکس این موضوع نیز همین حکم را دارد. هرگاه مرتکب بعد از اجرای قصاص عضو، خود را درمان کند یا قسمت جدا شده را پیوند بزند، مجنی علیه در مورد آن حقی نخواهد داشت

ماده ۴۴۷- *تعزیر مرتکب*

در کلیه مواردی که در این کتاب به کتاب پنجم «تعزیرات» ارجاع داده شده است، در خصوص قتل عمدی مطابق ماده (۶۱۲) آن قانون و در سایر جنایات عمدی مطابق ماده (۶۱۴) و تبصره آن عمل می‌شود.

کتاب چهارم - دیات

بخش اول - مواد عمومی

فصل اول - تعریف دیه و موارد آن

ماده ۴۴۸ - تعریف دیه

دیه (بر اساس بند پ ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی و مواد ۴۵۲ و ۴۵۳ همین قانون، دیه ماهیتی دوگانه دارد که هم مجازات است و هم غرامت) مُقَدَّر، (در مقابل دیه‌ی غیر مقدر یا همان اَرش است) مال مُعینی است که در شرع مُقَدَّس به سبب جنایت غیرعمدی بر نفس، عضو یا منفعت، یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد، مُقَرَّر شده است.

نکته ۱- دیات به طور کلی مشمول موقوفی تعقیب موضوع ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اصلاحی ۱۳۹۴ و نیز مرور زمان قرار نمی‌گردد.

نکته ۲- وصول دیه نیازی به تقدیم دادخواست ندارد.

نکته ۳- تمام دیات قابل گذشت از سوی شاکی و اولیاء دم یا مَجْنیُّ عَلَیْهِ می‌باشد، دیات به طور مطلق قابل تخفیف و تعلیق نیستند.

نکته ۴- اگر کسی بر نفس یا عضو خود صدمه‌ای وارد کند، دیه به آن تعلق نمی‌گیرد زیرا گرچه کلمه نفس و عضو در این ماده به صورت مطلق به کار رفته است و شامل عضو و نفس خود جانی و دیگری می‌شود اما عقلایی نیست که کسی به خودش دیه بپردازد یا از اموالش چیزی برداشته شود و به ورثه‌اش داده شود. (عباس زراعت - کتاب دیات - ذیل ماده ۴۴۸ ص ۱۱).

نکته ۵- دیه مالی است که بر اثر جنایت بر نفس یا عضو به مَجْنیُّ عَلَیْهِ یا به ولی دم یا اولیای دم او پرداخت می‌شود که از سوی شارع برای جنایت تعیین شده است.

نکته ۶- قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ در ماده ۱۴ دیه را نیز یکی از انواع مجازات دانسته است ولی با توجه به این که دیه برخلاف جزای نقدی به دولت پرداخت نمی‌شود بلکه به مَجْنیُّ عَلَیْهِ یا خانواده‌اش پرداخت می‌گردد نمی‌توان آن را دقیقاً مجازات دانست. به نظر می‌رسد که دیه ویژگی‌هایی از مجازات و ویژگی‌هایی از غرامت را دارد. این مسئله که دیه ناشی از جرم و لاقط در جرائم غیرعمدی مقدار آن ثابت است آن را به مجازات شبیه می‌کند و برعکس، این که به جای دولت به قربانی جرم پرداخت می‌شود آن را شبیه به غرامت می‌سازد و بنابراین، تلاش برای طبقه‌بندی کردن آن تحت عنوان مجازات یا غرامت بی‌مورد می‌باشد. دیه است (دکتر حسین میر محمدصادقی - جرائم علیه اموال و مالکیت - ص ۴۶).

نکته ۷- دیه اگر هم مرتکب توانایی پرداخت نداشته باشد تبدیل به حبس نمی‌شود و حبس محکوم‌علیه هرگز بابت دیه محسوب نمی‌شود به این دلیل که دیه علاوه بر ماهیت مجازات ماهیت جبران خسارت نیز دارد.

ماده ۴۴۹ - تعریف اَرش

اَرش (حکومت نیز نامیده می‌شود و در لغت به معنای خون‌بهای جراحت، برانگیختن ارج و اندازه‌ی مشخصی به دست آمده است) (عباس زراعت همان ص ۴۸)، دیه غیرمُقَدَّر است که میزان آن در شرع تعیین نشده است (مسئول تعیین دیه شارع مُقَدَّس است) و دادگاه با لحاظ نوع و کیفیت جنایت و تأثیر آن بر سلامت مَجْنیُّ عَلَیْهِ و میزان خسارت وارده با در نظر گرفتن دیه مُقَدَّر و با جلب نظر کارشناس (نظر کارشناس در تعیین میزان اَرش طریقت دارد چراکه قاضی می‌تواند برخلاف نظر وی میزان اَرش را تعیین نماید) میزان آن را تعیین می‌کند. مقررات دیه مُقَدَّر (شامل دیه‌ی نفس و اعضاء می‌شود) در مورد اَرش نیز جریان دارد مگر اینکه در این قانون ترتیب دیگری مُقَرَّر شود.

دیه و اَرش در یک عضو یا منفعت قابل جمع نیستند بلکه یا دیه پرداخت می‌شود یا اَرش.

نکته ۱- موقعیت حقوقی «اَرش» در حقوق جزای اسلامی به شرح ذیل است:

اَرش خسارت غیرعمدی جنایت بر عضو است که برای آن عضو، دیه‌ای مقرر نشده است.

نکته ۲- در صدمات بدنی، پرداخت اَرش در موردی که صدمه وارده قانوناً دیه‌ی معینی ندارد عملی است.

نکته ۳- در صدمات بدنی، اَرش با توجه به دیه‌ی کامل انسان، نوع و کیفیت صدمات و نظر کارشناس تعیین می‌شود.

نکته ۴- در مورد میزان اُرش جنایت وارده بر زن و مرد، باید گفت: از لحاظ میزان، در مورد اُرش فرقی میان زن و مرد نیست.

ماده ۴۵۰ - موارد دیه

در جنایت شبه عمدی، (رجوع کنید به ماده ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) خطای محض (رجوع کنید به ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) و جنایت عمدی (رجوع کنید به ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) که قصاص در آن جایز یا ممکن نیست، در صورت درخواست مجنی علیه یا ولی دم (یعنی به صرف شکایت و محرز شدن جنایت موجب دیه، حکم به پرداخت آن نمی شود بلکه مجنی علیه یا ولی دم باید دیه را درخواست نمایند) دیه (در اینجا منظور دیهی مقدر است) پرداخت می شود مگر به نحو دیگری مُصالحه شود. (از جرائم قابل گذشت است مستند به ماده ۱۰۴ ق.م.ا)

نکته ۱- طبق قوانین ایران، «دیه، مالی که به مجنی علیه یا به اولیای دم او داده می شود، در کلیه جنایات قابل پرداخت است».

ماده ۴۵۱ - مرمویت قاتل از ارث

در صورتی که قاتل از ورثه مقتول باشد چنانچه قتل، عمدی باشد از اموال و دیه مقتول و در صورتی که خطای محض یا شبه عمدی باشد از دیه وی ارث نمی برد. (اثر مرمویت از ارث در این ماده شخصی و نسبی بوده و فقط خود مرتکب محروم می گردد و اولاد وی شامل چنین محرومیتی نمی شوند) در موارد فقدان وارث دیگر، مقام رهبری وارث است. (رجوع کنید به مواد ۸۸۰ و ۸۸۵ قانون مدنی).

نکته ۱- ممنوعیت ارث از دیه در صورتی است که علت مواجهه ای برای قتل وجود نداشته باشد، بنابراین اگر مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی (قتل در فراش) به قتل برساند از اموال وی ارث می برد و اگر مستحق دیه به هر نحو باشد از دیه هم ارث می برد.

فصل دوم - ضمان دیه

ماده ۴۵۲ - شمول اموال مسؤولیت مدنی نسبت به دیه

دیه، حسب مورد حق شخصی مجنی علیه یا ولی دم است و احکام و آثار مسؤولیت مدنی یا ضمان را دارد. ذمه مرتکب جز با پرداخت دیه، مُصالحه، ابرا و تَهاتر، بری نمی گردد.

تبصره -

ورثه مقتول به جز بستگان مادری (امی) به نسبت سهم الارث از دیه مقتول نیز ارث می برند.

در مورد وارثان دیه اختلاف نظر وجود دارد که آیا تمامی وارثان از دیه ارث می برند یا فویشاوندان مادری، همسر و از ارث هستند یا تمام وارث به جز زن و شوهر وارث دیه هستند؟ آیت اله مکارم شیرازی در پاسخ به این سؤال که دیه را چه کسانی به ارث می برند؟ می فرماید: تمام وارثان سببی و نسبی، مگر متفرقان به مادر مانند برادر و فواهر امی (مادری) (عباس زراعت، همان، ص ۱۲۳).

نکته ۱- دیه از لحاظ آثار و احکام، تنها جنبه ای مدنی دارد.

نکته ۲- دریافت دیه از سوی اولیای دم و پرداخت دیه از سوی عاقله به ترتیب به نسبت سهم الارث و مساوی انجام می شود.

ماده ۴۵۳ - تساوی شرکا برای پرداخت دیه

هرگاه دو یا چند نفر به نحو اشتراک مرتکب جنایت موجب دیه گردند، حسب مورد هریک از شرکا یا عاقله آن ها (اصولاً) به طور مساوی مکلف به پرداخت دیه است. (مگر در مورد مواد ۵۲۶ و ۵۲۷ قانون مجازات اسلامی)

نکته ۱- اگر نوع ضرب و جرح شرکت کنندگان در آن معلوم نباشد به صورت مساوی محکوم به پرداخت دیه می شوند. همچنین گفته شده است اگر جراحاتی در نزاع دسته جمعی وارد شده باشد و لوث هم وجود نداشته باشد قصاص امکان ندارد و اختلاف است که دیه باید به قید قرعه پرداخت شود یا میان همه ی شرکت کنندگان در نزاع تقسیم می شود.

نکته ۲ - در خصوص دیهی میت و مسئول پرداخت آن رجوع کنید به مواد ۷۲۵ و ۷۲۶ قانون مجازات اسلامی

مواد مرتبط

ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی: هرگاه دو یا چند عامل، برنی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی، تأثیر داشته باشند، عاملی که بنایت مستند به او است ضامن است و پناهی بنایت مستند به تمام عوامل باشد به طور مساوی ضامن می باشد مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هریک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول هستند. در صورتی که مباشر در بنایت بی اختیار، جاهل، معییر ممیز یا مینون و مانند آن ها باشد فقط سبب، ضامن است.

ماده ۵۲۷ قانون مجازات اسلامی؛ هرگاه دو نفر بر اثر برفورر بی‌واسطه یا یکدیگر کشته شوند یا آسیب ببینند، پانزده میزان تأثیر آن‌ها در برفورر، مساوی باشد در مورد جنایت شبه عمری نصف ریهی هرکدام از مال دیگری و در مورد خطای محض نصف ریهی هرکدام به‌وسیله‌ی عاقله‌ی دیگری پرداخت می‌شود و اگر تنها یکی از آن‌ها کشته شود یا آسیب ببیند، حسب مورد عاقله یا فور مرکب، نصف ریه را باید به مَفنی‌عَلیه یا اولیای د (او بپردازد).
رأی وحدت رویه‌ی شماره ۵۶۳-مورخ ۱۳۷۰/۳/۲۸؛ پانزده بر اثر تصادم بین دو وسیله‌ی نقلیه‌ی موتوری رانندگان آن‌ها فوت شوند و تعقیب کیفری راننده‌ی متخلف موقوف باشد، رسیدگی به دعوی اولیاء د یکی از راننده‌ها علیه ورثه‌ی راننده دیگر از آن جهت که جنبه‌ی مالی دارد در صلاحیت دادگاه‌های حقوقی است.

فصل سوّم - راه‌های اثبات دیه

ماده ۴۵۴ - ادله اثبات دیه

ادله اثبات دیه، علاوه بر قسامه، (رجوع کنید به ماده ۳۱۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) همان ادله اثبات دُیون و ضَمَان مالی است. (یعنی، اقرار، علم قاضی، دو شاهد مرد، یک شاهد مرد و دو شاهد زن، یک شاهد مرد یا دو شاهد زن به همراه سوگند مدعی)

ماده ۴۵۵ - تعدد قسامه در قتل عمری موهّب دیه

قتل عمدی موجب دیه، به شرح مقرر در باب قصاص با قسام پنج‌جاه مرد و قتل غیرعمدی (شبه عمد و خطای محض) با قسام بیست و پنج مرد، تنها در صورت حصول لوث (رجوع کنید به ماده ۳۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) و فقدان ادله دیگر غیر از سوگند مُنکر، اثبات می‌شود. (به جز رجولیت، رابطه‌ی خویشاوندی و وجود علم در قسامه لازم است)

نکته ۱- اگر طفل ممیزی، طفل ممیز دیگری را مجروح سازد و مورد از موارد لوث باشد، ولی طفل باید اقامه‌ی شهادت کند و سوگند یاد نماید و مسؤولیتی متوجه طفل برای اتیان سوگند نیست.

ماده ۴۵۶ - تعدد قسامه در جنایت بر اعضاء و منافع

در جنایت بر اعضاء و منافع اعم از عمدی و غیرعمدی در صورت لوث و فقدان ادله دیگر غیر از سوگند مُنکر، مَجْنی‌عَلیه می‌تواند با اقامه قسامه به شرح زیر، جنایت مورد ادعا را اثبات و دیه آن را مطالبه کند. لکن حق قصاص با آن ثابت نمی‌شود.
الف - شش قسام در جنایتی که دیه آن به مقدار دیه کامل است.
ب - پنج قسام در جنایتی که دیه آن پنج ششم دیه کامل است.
پ - چهار قسام در جنایتی که دیه آن دو سوّم دیه کامل است.
ت - سه قسام در جنایتی که دیه آن یک دوّم دیه کامل است.
ث - دو قسام در جنایتی که دیه آن یک سوّم دیه کامل است.
ج - یک قسام در جنایتی که دیه آن یک ششم دیه کامل یا کمتر از آن است.
تبره ۱ -

در مورد هریک از بندهای فوق در صورت نبودن نفرات لازم، (تکرار قسم در بحث جراحات از مدعی پذیرفته می‌شود اما در قتل پذیرفته نمی‌شود) مَجْنی‌عَلیه، خواه مرد باشد خواه زن، می‌تواند به همان اندازه قسام را تکرار کند.
تبره ۲ -

در هریک از موارد فوق چنانچه مقدار دیه، بیش از مقدار مقرر در آن بند و کمتر از مقدار مقرر در بند قبلی باشد، رعایت نصاب بیشتر لازم است.

نکته ۱- دادگاه به لحاظ جنایت بر عضو عمدی آقای «الف» با قسامه، وی را به قصاص عضو محکوم می‌کند. در جنایت بر اعضاء «اعم از عمدی و غیرعمدی» در صورت لوث، موجب اثبات حق قصاص نمی‌شود.

نکته ۲- نصاب قسامه در جائفه دو قسم است.

نکته ۳- در جراحتهایی که موجب سدس دیه یا کمتر است، نصاب قسامه یک قسم است.

ماده ۴۵۷ - تبرئه مدعی‌عَلیه با قسامه

اگر مدعی به ترتیب فوق، اقامه قسامه نکند، می‌تواند از مدعی‌عَلیه، مطالبه قسامه کند و در این صورت مدعی‌عَلیه با قسامه تبرئه می‌شود.

ماده ۴۵۸ - مقررات سوگند در قسامه دیه

مقررات سوگند در قسامه همان مقررات کتاب قصاص است. (رجوع کنید به ماده ۳۳۸ قانون مجازات اسلامی)

ماده ۴۵۹ - اثبات جنایت با قسامه

هرگاه در اثر جنایت واقع شده مجنی علیه یا ولی او مدعی زوال یا نقصان منفعت عضو شود در صورت لوٹ و عدم دسترسی به کارشناس مورد وثوق عدم امکان آزمایش و اختبار موجب علم، ادعای مجنی علیه یا ولی او با قسامه به ترتیبی که ذکر شد، اثبات می شود.

ماده ۴۶۰ - اقتلاف در بازگشت منفعت

در اختلاف میان مرتکب و مجنی علیه یا ولی او نسبت به بازگشت تمام یا بخشی از منفعت زائل شده یا نقصان یافته، در صورت فقدان دلیل اثباتی، قول مجنی علیه یا ولی او با سوگند مقدم است و نوبت به اجرای قسامه نمی رسد.

ماده ۴۶۱ - فوت مهنتی علیه در مهلت تعیین شده

هرگاه مجنی علیه در ایامی که کارشناس مورد وثوق برای بازگشت منفعت زائل شده تعیین نموده است فوت نماید و مرتکب، مدعی بازگشت منفعت قبل از وفات بوده و اولیای میت، منکر آن باشند، در صورتی که مرتکب نتواند ادعای خود را ثابت کند، قول اولیاء با سوگند مقدم است و نوبت به اجرای قسامه نمی رسد و چنانچه تنها برخی از اولیاء سوگند بخورند، دیه نسبت به سهم آنان ثابت می شود.

فصل چهارم - مسئول پرداخت دیه

ماده ۴۶۲ - مسؤولیت مرتکب برای پرداخت دیه در جنایت عمری و شبه عمری

دیه جنایت عمدی و شبه عمدی بر عهده خود مرتکب است.

نکته ۱- در مورد دیه‌ی سقط جنین شبه عمد، پرداخت دیه به عهده‌ی جانی است.

ماده ۴۶۳ - مسؤولیت مرتکب در جنایت خطای ممض

در جنایت خطای محض در صورتی که جنایت با بینه یا قسامه یا علم قاضی ثابت شود، پرداخت دیه بر عهده عاقله است و اگر با قرار مرتکب یا نکول او از سوگند یا قسامه ثابت شد بر عهده خود او است. (در صورتی که عاقله، اقرار مرتکب را تصدیق کنند خود ضامن (مسئول) پرداخت دیه می باشند و بعد از پرداخت نمی توانند به مرتکب رجوع کنند چون در موارد مصرح پرداخت دیه از جانب عاقله تکلیف شرعی و قانونی است).

تبصره -

هرگاه پس از قرار مرتکب به جنایت خطایی، عاقله اظهارات او را تصدیق نماید، عاقله مسئول پرداخت دیه است.

نکته ۱- در قتل «خطای محض» اثبات قتل با بینه، قسامه و علم قاضی باید انجام شود تا عاقله دیه را پرداخت کند.

نکته ۲- در خطای محض دیه‌ی سقط جنین بر عهده‌ی عاقله است، خواه جنین روح پیدا کرده یا نکرده باشد.

نکته ۳- آقای «الف» به اتهام ارتکاب قتل خطایی تحت تعقیب کیفری قرار گرفته و در جریان تحقیقات به ارتکاب قتل اقرار کرده است. در این فرض، خود جانی ضامن پرداخت دیه است.

نکته ۴- در صورتی که قتل با اقرار متهم ثابت شود، در قتل خطای محض پرداخت دیه به عهده عاقله نیست.

نکته ۵- قتل خطای محض با نکول قاتل از سوگند ثابت شده است. در این فرض پرداخت دیه به عهده قاتل است.

نکته ۶- اگر قتلی هم با اقرار قاتل ثابت شود و هم با شهادت شهود، می توان گفت که خود قاتل مسئول پرداخت دیه است، زیرا مسؤولیت عاقله، استثنایی بر اصل شخصی بودن مجازات‌ها است و در موارد استثناء باید به قدر متیقن اکتفا کرد. (دکتر

گلدوزیان، همان، ص ۳۵۷)

ماده ۴۶۴ - اقتلاف در قتل مجنی علیه

در موارد ثبوت اصل جنایت با شهادت، علم قاضی یا قسامه، اگر مرتکب مدعی خطائی بودن آن گردد و عاقله خطا بودن جنایت را انکار نماید، قول عاقله با سوگند پذیرفته می شود و دیه بر عهده مرتکب است و چنانچه عاقله از ایتان قسم نکول کند با قسم مدعی، عاقله مکلف به پرداخت دیه است.

تبصره -

در صورتی که برخی از افراد عاقله سوگند یاد نمایند از پرداخت دیه معاف می شوند و سهم آن‌ها به وسیله مرتکب پرداخت می گردد. (رجوع کنید به ماده ۶۱۶

قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات)

ماده ۴۶۵ - عزم مسؤولیت عاقله برای جنایت جانی بر فورش

عاقله، مُکَلَّف به پرداخت دیه جنایت‌هایی که شخص بر خود وارد می‌سازد (در این مورد همان‌طور که قبلاً ذکر شد عملاً مطالبه دیه منتفی است چرا که شخص علیه خود اقدام نموده است) نیست. (رجوع کنید به ماده ۴۶۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲).

ماده ۴۶۶ - انصار، مسؤولیت عاقله در دیه خطای مَمض

عاقله، (اصولاً) تنها مُکَلَّف به پرداخت دیه خطای مَحض است، (در خصوص پرداخت دیه در قتل عمدی توسط عاقله رجوع کنید به ماده ۴۳۵ قانون مجازات اسلامی) لیکن ضامن اتلاف مالی (اتلاف مال نمی‌باشد. مضمول پرداخت دیه نمی‌شود) که به طور خطائی تلف شده است.

نکته ۱- اگر طفل غیر بالغ، عمداً خسارت جانی و مالی به کسی وارد نماید، عاقله تنها خسارت جانی را ضامن می‌باشد.
نکته ۲- اگر طفلی نابالغی مرتکب جرمی شود، در جرائم مالی، طفل نابالغ مسئول می‌باشد و در جرائم علیه اشخاص، عاقله مسئول است.

نکته ۳- مطابق قوانین کیفری ایران اگر نابالغی به طور عمدی فردی را به قتل برساند، در این صورت، نابالغ مرتکب قتل خطئی شده و عاقله وی باید دیه‌ی قتل خطئی را به ورثه مقتول بدهد.

نکته ۴- جبران ضرر و زیان ناشی از جرم در دادگاه جزا وقتی که متهم صغیر باشد، به عهده‌ی شخص متهم صغیر است که از مال خود او برداشت می‌شود.

نکته ۵- اگر شخص دیوانه مرتکب قتل عمد شود، قتل خطایی و دیه را عاقله می‌پردازد.

نکته ۶- اگر کسی در خواب یا بیهوشی دیگری را بکشد، عاقله‌ی شخص در حال خواب یا عاقله‌ی شخص بی‌هوش مسئول پرداخت دیه است.

نکته ۷- مسؤولیت عاقله در پرداخت دیه در حقوق کیفری اسلام، استثنایی است بر اصل شخصی بودن مجازات.

ماده ۴۶۷ - عرم مسؤولیت عاقله برای جنایت کمتر از موضعه (رک ماده ۷۰۹ ق.ا.م.ا)

عاقله، مُکَلَّف به پرداخت دیه جنایت‌های کمتر از موضعه نیست، هرچند مُرتکب، نابالغ یا مَجنون باشد.
تبصره -

هرگاه اثر یک یا چند ضربه خطائی، صدمات متعددی بر یک یا چند عضو وارد آید، ملاک رسیدن به دیه موضعه، (ملاک رسیدن به دیه موضعه دیه‌ی هر ضربه است نه دیه‌ی مجموع ضربات) دیه هر آسیب به طور جداگانه است و برای ضامن عاقله، رسیدن دیه مجموع آن‌ها به دیه موضعه کافی نیست.

کلیه برای دیرین تعریف موضعه رجوع کنید به بند ث ماده ۷۰۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.

نکته ۱- عاقله در جنایت‌های خطائی که شخص بر خود وارد می‌آورد ضامن نیست. عاقله در مورد اتلاف مالی که به طور خطای محض حاصل می‌شود، ضامن نیست. عاقله در مورد پرداخت خسارت‌های حاصل از جنایت خطای محض از قتل تا موضعه، ضامن است.

نکته ۲- در قتل خطای محض، دادگاه مکلف به دعوت عاقله برای رسیدگی است.

نکته ۳- دیه جراحات کم‌تر از موضعه، با وجود خطای محض بودن جنایت بر عهده‌ی خود جانی است.

ماده ۴۶۸ - اقرار عاقله

عاقله عبارت از پدر، پسر و بستگان ذکور نسبی پدری (ابوینی) و مادری یا پدری (ابی) به ترتیب طبقات ارث است. (به طور کلی می‌توان گفت بستگان امی از طبقات ارث خارج‌اند) همه کسانی که در زمان فوت می‌توانند ارث ببرند به صورت مساوی (به نسبت سهم الارث) مُکَلَّف به پرداخت دیه می‌باشند.

نکته ۱- منظور از «عاقله» که مسؤولیت پرداخت دیه در قتل خطای محض و یا در حکم خطای محض را به عهده دارد، عبارت است از: کلیه بستگان ذکور نسبی ابوینی یا ابی که به ترتیب طبقات ارث و با اولویت هر طبقه نسبت به طبقه‌ی بعدی، به صورت مساوی عهده‌دار پرداخت دیه می‌باشند.

ماده ۴۶۹ - شرط عاقل و بالغ و متمکن بودن عاقله

عاقله در صورتی مسئول است که علاوه بر داشتن نسب مشروع، عاقل، بالغ و در مواعد پرداخت اقساط دیه، تمکن مالی داشته باشد.

نکته ۱- دیوانه، معسر و نابالغ جزء عاقله محسوب نمی‌شوند و عهده‌دار دیه قتل خطائی نخواهند بود.

نکته ۲- کسی که با عقد ضمان جریره، دیه‌ی جنایت بر دیگری را بر عهده گرفته، عاقله نامیده می‌شود.

نکته ۳- در قتل ناشی از حوادث رانندگی، وقتی قتل خطئی باشد و کسی که ارتکاب آن به او نسبت داده شده، هیچ‌گونه خطایی مرتکب نشده باشد و وقوع قتل هم صرفاً به لحاظ تخلف مقتول باشد، مسئول پرداخت دیه کسی نیست.

ماده ۴۷۰- مسؤولیت بیت‌المال در صورت فقران عاقله

در صورتی که مُرتکب، دارای عاقله نباشد، یا عاقله او به دلیل عدم تمکُن مالی نتواند دیه را در مهلت مُقرر بپردازد، دیه توسط مُرتکب و در صورت عدم تمکُن از بیت‌المال پرداخت می‌شود. در این مورد فرقی میان دیه نفس و غیر آن نیست.

در صورتی که عاقله تمکن پرداخت داشته باشد اما از پرداخت امتناع کند مویبی برای پرداخت از بیت‌المال به ویور نمی‌آید.

نکته ۱- در صورت عدم تمکن مالی عاقله برای پرداخت دیه در مهلت مقرر، توسط مرتکب پرداخت می‌شود و در صورت عدم تمکن مرتکب آن را بیت‌المال می‌پردازد.

ماده ۴۷۱- مسؤولیت دولت برای جنایت اقلیت‌های دینی

هرگاه فرد ایرانی از اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی (عبارت‌اند از: مسیحی، کلیمی (یهودی) و زرتشتی) که در ایران زندگی می‌کند، مُرتکب جنایت خطای محض گردد، شخصاً عهده‌دار پرداخت دیه است لکن در صورتی که توان پرداخت دیه را نداشته باشد، به او مهلت مناسب داده می‌شود و اگر با مهلت مناسب نیز قادر به پرداخت نباشد، معادل دیه توسط دولت پرداخت می‌شود. (فرض وجود عاقله فقط مخصوص مسلمانان است و نیز مسئول پرداخت دیه در صورت عدم تمکن توسط عاقله که بیت‌المال است شامل اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی نمی‌شود).

نکته ۱- اگر فردی از اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی که در ایران زندگی می‌کند مرتکب جنایت خطای محض شده و در مهلت مناسب به پرداخت دیه نباشد، معادل دیه توسط دولت پرداخت می‌شود.

ماده ۴۷۲- ثبوت اصل جنایت و عدم ثبوت نوع آن

در مواردی که اصل جنایت ثابت شود لکن نوع آن اثبات نشود (در این مورد اصل بر شبه عمدی بودن جنایت است) دیه ثابت و پرداخت آن برعهده مُرتکب است. (چراکه اصل بر شخصی بودن مجازات است و استثناء نیازمند تصریح)

ماده ۴۷۳- مسؤولیت بیت‌المال در صورت ایراد صدمه از سوی مأمور

هرگاه مأموری در اجرای وظایف قانونی، عملی را مطابق مقررات انجام دهد و همان عمل موجب فوت یا صدمه بدنی کسی شود، دیه برعهده بیت‌المال است. تبصره -

هرگاه شخصی با علم به خطر یا از روی تقصیر، وارد منطقه ممنوعه نظامی و یا هر مکان دیگری که ورود به آن ممنوع است گردد و مطابق مقررات، هدف قرار گیرد، ضمان ثابت نیست و در صورتی که از ممنوعه بودن مکان مزبور آگاهی نداشته باشد، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود. (رجوع کنید به ماده ۴۱ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ و نیز ماده ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲).

نکته ۱- مأمور انتظامی در اجرای دستور آمر قانونی، مرتکب قتل «الف» شده است. در صورت عدم تخفیف مأمور از مقررات و مهدورالدم نبودن «مقتول» دیه‌ی قتل به‌وسیله‌ی بیت‌المال پرداخت می‌شود.

نکته ۲- اگر مأموری در اجرای دستور مقام مافوق شخصی را به تصور اینکه جزء اشرار است به ضرب گلوله از پای درآورد دیه‌ی جنایت بر عهده‌ی بیت‌المال است.

ماده ۴۷۴- مسؤولیت بیت‌المال در صورت فرار جانی

در جنایت شبه‌عمدی در صورتی که به دلیل مرگ یا فرار به مُرتکب دسترسی نباشد، دیه از مال او گرفته می‌شود و در صورتی که مال او کفایت نکند از بیت‌المال پرداخت می‌شود.

ماده ۴۷۵- مسؤولیت بیت‌المال در جنایات مارون قتل

در جنایت خطای محض در مواردی که پرداخت دیه بر عهده مُرتکب است اگر به علت مرگ یا فرار، دسترسی به او ممکن نباشد دیه جنایت از اموال او پرداخت می‌شود و در صورتی که مُرتکب مالی نداشته باشد از بیت‌المال پرداخت می‌شود. (در این مورد امکان رجوع به عاقله منتفی است)

نکته - رأی وحدت رویه شماره ۷۹۰ مورخ ۱۳۹۹/۴/۱۰: قانونگذار به شرح مواد ۴۳۵، ۴۷۴، ۴۷۵ و ۴۸۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و با لحاظ موازین فقهی، در همه موارد قتل نفس یا مادون آن که به مرتکب دسترسی حاصل نشده است اعم از آنکه شناسایی شده یا نشده باشد، پرداخت دیه از بیت‌المال را مقرر کرده است که البته در موارد شناسایی مرتکب و عدم دسترسی به وی، پرداخت دیه از بیت‌المال در صورتی ممکن است که ترتب مذکور در مواد قانونی مربوطه رعایت شود. بنا به مراتب، در مواردی که مرتکب صدمه عمدی مادون قتل شناسایی نشده باشد، پرداخت دیه بر عهده بیت‌المال است.

ماده ۴۷۶ - تبعیت دیه از اهلکام سایر دیون متوفی

در صورت فوت مرتکب در مواردی که خود وی مسئول پرداخت دیه می‌باشد، دیه تابع احکام سایر دیون متوفی است.

ماده ۴۷۷ - علم اجمالی به ارتکاب جنایت از سوی فرد نامعین

در موارد علم اجمالی به ارتکاب جنایت، توسط یک نفر از دو یا چند نفر معین، در صورت وجود لوٲ بر برخی از اطراف علم اجمالی، طبق مواد قسامه در این باب عمل می‌شود و در صورت عدم وجود لوٲ، صاحب حق می‌تواند از متهمان مطالبه سوگند کند که اگر همگی سوگند یاد کنند در خصوص قتل دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود و در غیر قتل، دیه به نسبت مساوی از متهمان دریافت می‌شود. (رجوع کنید به ماده ۳۳۴ قانون مجازات اسلامی) تبصره -

هرگاه منشأ علم اجمالی، اقرار متهمان باشد، حسب مورد اولیای دم یا مجنی‌علیه مخیرند برای دریافت دیه به هر یک از متهمان مراجعه کنند و در این امر تفاوتی بین جنایت عمدی و غیرعمدی و قتل و غیر قتل نیست. (توجه شود که این مورد با شرکت در قتل تفاوت دارد، شرکت در قتل مستند به همهی افراد است ولی در اینجا عمل یک نفر باعث قتل شده است)

نکته ۱- در مورد علم اجمالی به ارتکاب قتل توسط یک نفر از دو یا چند نفر معین، در صورت عدم وجود لوٲ و تقاضای صاحب حق برای ادای سوگند، در صورت ادای سوگند توسط متهمین دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود.

ماده ۴۷۸ - امتناع از سوگند یا قسامه

هرگاه همه یا برخی از اطراف علم اجمالی، از ایتیان سوگند یا اقامه قسامه امتناع کنند دیه به‌طور مساوی بر عهده امتناع‌کنندگان ثابت می‌شود و در صورتی که امتناع‌کننده یکی باشد به تنهایی عهده‌دار پرداخت دیه خواهد بود. در حکم فوق تفاوتی میان قتل و غیر آن نیست.

ماده ۴۷۹ - معلوم نبودن مرتکب رفتار

هرگاه کسی در اثر رفتار عده‌ای کشته یا مصادوم شود و جنایت، مستند به برخی از رفتارها باشد و مرتکب هر رفتار مشخص نباشد، همه آن‌ها باید دیه نفس یا دیه صدمات را به‌طور مساوی بپردازند. (رجوع کنید به ماده ۶۱۵ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵).

نکته ۱- در منازعه‌ای یک نفر به قتل رسیده است. ولی اینکه عامل قتل کدام یک از منازعه‌کنندگان بوده است، به هیچ وجه مشخص نیست. در این حالت قصاص ساقط و دیه‌ی مجنی‌علیه به تساوی از آن‌ها اخذ می‌شود.

نکته ۲- سؤالی از اداره کل حقوقی قوه قضاییه در سال ۱۳۹۳ پرسیده شد: «در مورد ماده ۴۷۹ قانون مجازات اسلامی که به دلیل مشخص نبودن مرتکب هر رفتار دیه تقسیم می‌شود آیا تعیین مجازات تعزیری و جاهت دارد یا خیر؟» اداره کل حقوقی قوه قضاییه به موجب نظریه شماره ۷/۹۳/۱۸۷ مورخ ۹۳/۲/۶ بدین شرح پاسخ داد: «چون مرتکب یا مرتکبین رفتار یا رفتارهای مذکور در ماده ۴۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ مشخص نمی‌باشند، بنابراین تعیین مجازات تعزیری، علاوه بر دیه مقرر در قانون، برای مرتکب یا مرتکبین رفتارهای یادشده فاقد وجاهت قانونی است.»

ماده ۴۸۰ - جنایت شش معین از اطراف علم اجمالی

در موارد تحقق لوٲ و امکان اثبات جنایت، علیه شخصی معین از اطراف علم اجمالی با قسامه، طبق مقررات قسامه عمل می‌شود.

ماده ۴۸۱ - نامعین بودن مرتکب از دو یا چند نفر معین

هرگاه مجنی‌علیه یا اولیای دم ادعا کنند که مرتکب شخصی نامعین از دو یا چند نفر معین است، در صورت تحقق لوٲ، مدعی می‌تواند اقامه قسامه نماید. با اجرای قسامه بر مجرم بودن یکی از آن‌ها، مرتکب به علم اجمالی مشخص می‌شود و مفاد مواد فوق اجرا می‌گردد.

ماده ۴۸۲ - عدم امکان تعیین مرتکب

در موارد علم اجمالی به انتساب جنایت به یکی از دو یا چند نفر و عدم امکان تعیین مرتکب، چنانچه جنایت، عمدی باشد قصاص ساقط و حکم به پرداخت دیه می‌شود. (رجوع کنید به مواد ۳۳۱ الی ۳۳۴ قانون مجازات اسلامی)

ماده ۴۸۳ - اقرار دو نفر به یک جنایت

هرگاه کسی اقرار به جنایت موجب دیه کند سپس شخص دیگری اقرار کند که مرتکب همان جنایت شده است و علم تفصیلی به کذب یکی از دو اقرار نباشد مدعی مختیر است فقط از یکی از آن دو مطالبه دیه کند. (زیرا اقرار هر کدام علیه آن‌ها حجت است اما یکی از قرارها صحیح است)

نکته ۱- اگر ابتدا شخص الف و مدتی بعد شخص ب اقرار به جنایت موجب دیه علیه شخص ج نمایند، در این صورت در خصوص مدعی باید گفت که با فقدان علم تفصیلی به کذب بودن یکی از اقراریر مخیر است فقط از یک نفر مطالبه دیه کند.

ماده ۴۸۴ - پرداخت دیه از بیت‌المال در صورت عدم شناسایی قاتل

در موارد وقوع قتل و عدم شناسایی قاتل که با تحقق لوٓث نوبت به قسامه مدعی‌علیه برسد و او اقامه قسامه کند، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود و در غیر موارد لوٓث چنانچه نوبت به سوگند مٓتهم برسد و طبق مقررات بر عدم انجام قتل سوگند بخورد دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود.

ماده ۴۸۵ - جنایت ناشی از اجرای مجازات

هرگاه محکوم به قصاص عضو یا تعزیر یا حد غیرمستوجب سلب حیات در اثر اجرای مجازات کشته شود یا صدمه‌ای بیش از مجازات مورد حکم به او وارد شود، چنانچه قتل یا صدمه عمدی یا مستند به تقصیر باشد، مجری حکم، حسب مورد به قصاص یا دیه محکوم می‌شود. در غیر این صورت در مورد قصاص و حد، ضمان منتفی است و در تعزیرات، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود.

تبصره -

چنانچه ورود آسیب اضافی مستند به محکوم‌علیه باشد ضمان منتفی است.

ماده ۴۸۶ - جنایت ناشی از فطای قاضی

هرگاه پس از اجرای حکم قصاص، حد یا تعزیر که موجب قتل، یا صدمه بدنی شده است پرونده در دادگاه صالح طبق مقررات آیین دادرسی، رسیدگی مجدد شده و عدم صحت آن حکم ثابت شود، دادگاه رسیدگی کننده مجدد، حکم پرداخت دیه از بیت‌المال را صادر و پرونده را با ذکر مستندات، جهت رسیدگی به مرجع قضائی مربوط ارسال می‌نماید تا طبق مقررات رسیدگی شود. در صورت ثبوت عمد یا تقصیر از طرف قاضی صادرکننده حکم قطعی، وی ضامن است و به حکم مرجع مذکور، حسب مورد به قصاص یا تعزیر مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» و بازگرداندن دیه به بیت‌المال محکوم می‌شود.

نکته ۱- چنانچه پس از اجرای حکم قصاص عضو، پرونده در دادگاه صالح رسیدگی مجدد شده و عدم صحت حکم قبلی و تقصیر یا عمد قاضی صادرکننده حکم احراز شود، مسؤولیت قاضی صادرکننده حکم قبلی به قصاص عضو یا تعزیر و دیه ناشی از قطع عضو به‌علاوه مجازات تخلف از وظایف قضائی محکوم می‌شود.

نکته ۲- این ماده استثنایی است بر اصل اینکه صاحب حق قصاص فقط حق قصاص دارد.

ماده ۴۸۷ - پرداخت دیه از بیت‌المال در صورت قتل بر اثر ازدهام

اگر شخصی به قتل برسد و قاتل شناخته نشود یا بر اثر ازدحام کشته شود دیه از بیت‌المال پرداخت می‌گردد.

فصل پنجم - مهلت پرداخت دیه

ماده ۴۸۸ - مهلت‌های پرداخت دیه

مهلت پرداخت دیه، از زمان وقوع جنایت (نه از زمان صدور حکم یا زمان قطعیت حکم) به ترتیب زیر است مگر اینکه به نحو دیگری تراضی شده باشد:

الف - در عمد موجب دیه، ظرف یک سال قمری

ب - در شبهه عمد، ظرف دو سال قمری

پ - در خطای محض، ظرف سه سال قمری

تبصره -

هرگاه پرداخت کننده در بین مهلت‌های مقرر نسبت به پرداخت تمام یا قسمتی از دیه اقدام نماید، محکوم‌له مکلف به قبول آن است. (ملاک در پرداخت انواع دیه چه نقداً پرداخت شود و چه به صورت اقساط باشد، قیمت حین الادا و زمان پرداخت ملاک می‌باشد. مگر اینکه برخلاف این موضوع تراضی شده باشد).

مجموع کنید به تبصره ماده ۵۳۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحی ۱۳۹۴.

نکته ۱- مهلت پرداخت دیه از تاریخ وقوع جرم است.

نکته ۲- حکم به محکومیت به پرداخت دیه به اتهام ایراد صدمه‌ی غیر عمدی ناشی از بی‌احتیاطی در رانندگی صادر شده است. مهلت پرداخت دیه‌ی مزبور عبارت است از: دو سال از تاریخ وقوع حادثه.

نکته ۳- مهلت پرداخت دیه در قتل شبه عمدی و قتل در حکم شبه عمدی مدت دو سال است و مبدأ این مهلت، از زمان وقوع قتل محاسبه می‌شود.

نکته ۴- مهلت پرداخت دیه‌ی قتل جنین، در صورتی که شبه عمد شناخته شود دو سال است.

نکته ۵- قانون، مهلت پرداخت دیه از زمان وقوع قتل را معین کرده که در قتل عمد یکسال، شبه عمد دو سال و خطای محض سه سال است. تأخیر از این مهلت‌ها بدون تراضی طرفین جایز نیست.

ماده ۴۸۹- نحوه پرداخت دیه فضای مفض

در جنایت خطای محض، پرداخت‌کننده باید ظرف هر سال، یک سوم دیه و در شبه‌عمدی، ظرف هر سال نصف دیه را بپردازد.

ماده ۴۹۰- تعیین قیمت زمان پرداخت

در صورتی که پرداخت‌کننده بخواهد هر یک از انواع دیه را پرداخت نماید و یا پرداخت دیه به صورت اقساطی باشد، معیار، قیمت زمان پرداخت است مگر آنکه بر یک مبلغ قطعی توافق شده باشد.

ماده ۴۹۱- نحوه پرداخت دیه توافق شده

در مواردی که بین مرتکب جنایت عمدی و اولیای دم یا مَجْنُوعِ عَلَیْهِ بر گرفتن دیه توافق شود لکن مهلت پرداخت آن مشخص نگردد، دیه باید ظرف یک‌سال از حین تراضی پرداخت گردد.

فصل ششم - موجبات ضمان

ماده ۴۹۲- شرط استنار ینایت به رفتار مرتکب

جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد (استناد عرفی مدنظر است) اعم از آنکه به نحو مباشرت (ماده ۴۹۴ ق.م.ا) یا به تسبیب (ماده ۵۰۶ ق.م.ا) یا به اجتماع (ماده ۵۲۶ ق.م.ا) آن‌ها انجام شود.

نکته ۱- وفق رأی وحدت رویه شماره ۸۰۴ مورخ ۲ دی ۱۳۹۹: «جراحات ایجادشده در معالجات پزشکی، قابلیت استناد به رفتار واردکننده صدمه اولیه را ندارد تا مطابق ماده ۴۹۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مستوجب پرداخت دیه یا ارش از جانب وی باشد. از طرفی با عنایت به مواد ۴۹۵ و ۴۹۶ قانون مذکور چنانچه جراحات موصوف با رعایت مقررات پزشکی و موازین قانونی ایجاد شده باشد، معالجه‌کننده اعم از پزشک یا پرستار و مانند آن نیز مسؤولیتی برای پرداخت دیه یا ارش در قبال آن ندارند.»

نکته ۲- طبق این رأی وحدت رویه اگر مثلاً «الف» جراحی به «ب» وارد کند سپس «ب» برای مداوا به بیمارستان مراجعه و پزشک یا پرستار برای عمل جراحی ناشی از جراحی، بدن «ب» را بشکافد، «الف» تنها ملزم به پرداخت دیه آسیب اولیه است (و نباید دیه شکاف ایجادشده توسط پزشک را بدهد) در مورد دیه شکاف ایجادشده توسط پزشک نیز، مطابق مواد ۴۹۵ تا ۴۹۷ ق.م.ا رفتار می‌شود.

ماده ۴۹۳- عدم تأثیر فاصله زمانی

وجود فاصله زمانی، میان رفتار مرتکب و نتیجه ناشی از آن، مانع از تحقق جنایت نیست مانند فوت ناشی از انتقال عامل بیماری کشنده، (مثل انتقال ایدز) که حسب مورد موجب قصاص یا دیه است. حکم این ماده و ماده (۴۹۲) این قانون در مورد کلیه جرائم جاری است.

ماده ۴۹۴- تعریف مباشرت

مباشرت آن است که جنایت مستقیماً توسط خود مرتکب واقع شود.

مواد مرتبط

ماده ۵۰۶ قانون مجازات اسلامی: تسبیب در ینایت آن است که کسی سبب تلف شدن یا مهورمیت دیگری را فراهم کند و فور مستقیماً مرتکب ینایت نشود. به طوری که در صورت فقدان رفتار او ینایت حاصل نمی‌شد مانند آنکه پاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند.

هرگاه پزشک در معالجاتی که انجام می‌دهد موجب تلف یا صدمه بدنی گردد، ضامن دیه است مگر آنکه عمل او مطابق مقررات پزشکی و موازین فنی باشد یا این که قبل از معالجه برائت گرفته باشد و مرتکب تقصیری هم نشود (در صورت گرفتن برائت بیمار باید قصور پزشک را ثابت کند) و چنانچه اخذ برائت از مریض به دلیل نابالغ یا مجنون بودن او، معتبر نباشد و یا تحصیل برائت از او به دلیل بیهوشی و مانند آن ممکن نگردد، برائت از ولی مریض تحصیل می‌شود.

تبصره ۱-

در صورت عدم قصور یا تقصیر پزشک در علم و عمل برای وی ضمان وجود ندارد هرچند برائت اخذ نکرده باشد.

تبصره ۲-

ولی بیمار اعم از ولی خاص است مانند پدر و (جد پدری) ولی عام که مقام رهبری است. در موارد فقدان یا عدم دسترسی به ولی خاص، رئیس قوه قضائیه با استیذان از مقام رهبری و تفویض اختیار به دادستان‌های مربوطه به اعطای برائت به طبیب اقدام می‌نماید. (در صورت تلف بیمار یا ورود صدمه‌ی بدنی بر او اصل بر ضمان پزشک در پرداخت دیه خواهد بود لیکن مجازات تعزیری اعمال نخواهد شد) (رجوع کنید به تبصره ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲).

نکته ۱- چنانچه پزشک قبل از عمل جراحی، از مریض برائت ذمه حاصل نماید اگر رعایت مقررات و ضوابط مربوط را بنماید، ضامن نیست.

نکته ۲- پزشک در معالجاتی که انجام می‌دهد هرگاه موجب تلف یا صدمه‌ی بدنی شود، در صورت عدم قصور یا تقصیر در علم و عمل، ضامن نیست.

نکته ۳- چنانچه اقدامات درمانی پزشک منطبق با مقررات پزشکی و موازین فنی بوده و وی مرتکب تقصیری هم نشده باشد، لکن بیمار فوت نماید پزشک ضامن نیست.

نکته ۴- پزشک حاذق متخصص پس از اخذ اذن بیمار، عمل جراحی را انجام داده است. بر اثر عدم رعایت نظامات و احتیاط لازم، بیمار در حین عمل جراحی فوت نموده است. در رابطه با مسؤولیت پزشک باید گفت: با وجود اخذ اجازه، به دلیل عدم رعایت نظامات و عدم احتیاط لازم ضامن است؛ بنابراین اگر پزشک برائت اخذ نکرده باشد ضامن دیه است مگر اینکه ثابت کند در علم و عمل تقصیر و قصوری متوجه او نبوده است و اگر پزشک برائت اخذ کرده باشد ضامن نیست مگر اینکه بیمار یا کسانش ثابت کنند که پزشک مرتکب تقصیر شده است.

ماده ۴۹۶ - مسؤولیت پزشک در دستورات معالجه

پزشک در معالجاتی که دستور انجام آن را به مریض یا پرستار و مانند آن صادر می‌نماید، در صورت تلف یا صدمه بدنی ضامن است مگر آنکه مطابق ماده (۴۹۵) این قانون عمل نماید.

تبصره ۱-

در موارد مزبور، هرگاه مریض یا پرستار بداند که دستور اشتباه است و موجب صدمه و تلف می‌شود و با وجود این به دستور عمل کند، پزشک ضامن نیست بلکه صدمه و خسارت مستند به خود مریض یا پرستار است.

تبصره ۲-

در قطع عضو یا جراحات ایجاد شده در معالجات پزشکی طبق ماده (۴۹۵) این قانون عمل می‌شود.

ماده ۴۹۷ - عدم ضمانت پزشک

در موارد ضروری که تحصیل برائت ممکن نباشد و پزشک برای نجات مریض، طبق مقررات اقدام به معالجه نماید، کسی ضامن تلف یا صدمات وارده نیست.

ماده ۴۹۸ - ضمانت عمل کننده اشياء

هرگاه شیئی که توسط انسان یا وسیله نقلیه حمل می‌گردد به نحوی از انحاء موجب جنایت گردد حمل کننده ضامن دیه است. (در این مورد مسؤولیت مطلق برای حامل در نظر گرفته شده است).

ماده ۴۹۹ - مسؤولیت فراری دهنده

هرگاه کسی دیگری را بترساند (یکی از مصادیق اجبار معنوی بیرونی است و بدین دلیل مسؤلیت متوجهی کسی که ترسیده و بی اختیار باعث مرگ یا صدمه بر دیگری شده نخواهد بود) و آن شخص در اثر ترس بی اختیار فرار کند یا بدون اختیار حرکتی از او سر بزند که موجب ایراد صدمه بر خودش یا دیگری گردد، ترساننده حسب تعاریف جنایات عمدی و غیرعمدی مسئول است.

ماده ۵۰۰ - عرم ضمانت در صورت وقوع علق قهری

در مواردی که جنایت یا هر نوع خسارت دیگر مستند به رفتار کسی نباشد، مانند اینکه در اثر علق قهری واقع شود، ضمانت منتفی است.

ماده ۵۰۱ - مسؤلیت ترساننده

هرگاه کسی به روی شخصی سلاح بکشد یا حیوانی مانند سگ را به سوی او برانگیزد یا هر کار دیگری که موجب هراس او می‌گردد مانند فریاد کشیدن یا انفجار صوتی انجام دهد و بر اثر این اِرعاب، شخص بمیرد (رابطه‌ی علیت بین فعل و نتیجه باشد) یا مَصدوم گردد حسب مورد بر اساس تعاریف انواع جنایات به قصاص یا دیه محکوم می‌شود.

نکته ۱ - «الف» به قصد قتل سگی را به سوی «ب» برمی‌انگیزد و «ب» بر اثر هراس فوت می‌کند. در این فرض، «الف» مرتکب قتل عمدی شده است.

نکته ۲ - «الف» به قصد قتل و با فریاد کشیدن باعث وحشت «ب» شده و بر اثر این اِرعاب «ب» فوت کرده است. در این فرض «الف» مرتکب قتل عمدی شده است.

نکته ۳ - اگر شخصی به روی دیگری سلاح بکشد که موجب ترس او گردد و بر اثر ترس بمیرد، چنانچه این عمل نوعاً کشنده نباشد و قصد قتل نیز وجود نداشته باشد، جرم شبهه عمدی بوده و دیه بر عهده قاتل می‌باشد.

ماده ۵۰۲ - پرتاب فور روی دیگری

هرگاه کسی خود را از جای بلندی پرت کند و بر روی شخصی بیافتد و سبب جنایت شود بر اساس تعاریف انواع جنایت حسب مورد به قصاص یا دیه محکوم می‌شود لکن اگر فعلی از او سر نزند و به علق قهری همچون طوفان و زلزله پرت شود و به دیگری بخورد و صدمه به او وارد کند، کسی ضامن نیست.

نکته ۱ - شخصی بر اثر وقوع زلزله از پشت بام به پایین افتاده و موجب قتل دیگری می‌شود. در این صورت کسی مسئول پرداخت دیه نمی‌باشد.

نکته ۲ - اگر کسی به علت لغزش و یا علق قهری دیگر و بی اختیار به جایی پرت شود و موجب جنایت گردد. در این صورت نه خود وی و نه عاقله، هیچ یک ضامن نیستند.

ماده ۵۰۳ - پرتاب کسی روی دیگری

هرگاه کسی دیگری را به روی شخص ثالثی پرت کند و شخص ثالث یا شخص پرت شده بمیرد یا مَصدوم گردد در صورتی که مشمول تعریف جنایت عمدی نگردد، جنایت شبهه عمدی است.

ماده ۵۰۴ - عرم مسؤلیت راننده غیرمقصر

هرگاه راننده‌ای که با داشتن مهارت و سرعت مجاز و مطمئن و رعایت سایر مقررات در حال حرکت است در حالی که قادر به کنترل وسیله نباشد و به کسی که حضورش در آن محل مجاز نیست، بدون تقصیر برخورد نماید، ضمانت منتفی و در غیر این صورت راننده ضامن است.

تبصره ۱ -

در موارد فوق هرگاه عدم رعایت برخی از مقررات رانندگی تأثیری در حادثه نداشته باشد به گونه‌ای که تقصیر مرتکب علت جنایت حاصله نباشد، راننده ضامن نیست.

تبصره ۲ -

حکم مُندرج در این ماده در مورد وسایل و ابزارآلات دیگر نیز جاری است.

نکته ۱ - در خیابان‌هایی که عبور عابر پیاده مجاز نیست، چنانچه راننده‌ای با سرعت مجاز حرکت کند و وسیله‌ی نقلیه هم نقص فنی نداشته باشد، با عابر تصادف نموده و موجب مرگ وی گردد، اگر راننده قادر به کنترل وسیله‌ی نقلیه نباشد، ضامن دیه‌ی متوفی نبوده و مجازات تعزیری هم نخواهد داشت.

نکته ۲ - در تصادف اتومبیل با عابر پیاده، در صورتی که سرعت راننده مجاز باشد و وسیله نقلیه فاقد نقص فنی باشد و محل تصادف برای عبور عابر پیاده ممنوع باشد، راننده ضامن دیه نیست.

نکته ۳- چنانچه در دادگاه احراز شود که آقای «الف» در ضمن رانندگی مرتکب خلافی شده است و حادثه‌ی رانندگی منتهی به قتل صرفاً به لحاظ تخلف مقتول بوده است، راننده «آقای الف» هیچ‌گونه مسؤولیتی ندارد.

نکته ۴- در رابطه با این ماده به رأی وحدت رویه ۱۳-۱۳۶۲/۷/۶ هیئت عمومی دیوان عالی کشور رجوع کنید.

ماده ۵۰۵- اتساع وارثه به شفعین ثالث

هرگاه هنگام رانندگی به سبب حوادثی مانند واژگون شدن خودرو و یا برخورد آن با موانع، سرنشینان خودرو مصدوم یا تلف شوند در صورتی که سبب حادثه، علل قهری همچون زلزله و سیل نبوده و مستند به راننده باشد، راننده ضامن دیه است. چنانچه وقوع حادثه مستند به شخص حقوقی (مثل چاله‌های شهرداری یا حفاری ادارات) یا حقیقی دیگری باشد آن شخص ضامن است.

نکته ۱- شخص الف در حال رانندگی در جاده بوده که بر اثر جاری شدن سیل، خودروی وی واژگون و سرنشینان آن مصدوم می‌شوند. در این فرض شخص الف ضامن دیه نیست.

ماده ۵۰۶- تعریف تسبیب در جنایت

تسبیب در جنایت آن است که کسی سبب تلف شدن یا مصدومیت دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود به طوری که در صورت فقدان رفتار او جنایت حاصل نمی‌شد مانند آنکه چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند.

نکته ۱- تسبیب در قتل، مستوجب پرداخت دیه است.

ماده ۵۰۷- مفقود کردن در معابر عمومی

هرگاه شخصی در معابر و اماکن عمومی یا ملک دیگری بدون إذن مالک، گودالی حفر کند یا چیز لغزنده‌ای در آن قرار دهد و یا هر عملی انجام دهد که سبب آسیب دیگری گردد، ضامن دیه است مگر اینکه فرد آسیب‌دیده با علم به آن و امکان اجتناب، عمداً با آن برخورد نماید.

ماده ۵۰۸- مفقود کردن در ملک فرد

هرگاه شخصی یکی از کارهای مذکور در ماده (۵۰۷) این قانون را در ملک خویش یا مکانی که در تصرف و اختیار اوست، انجام دهد و سبب آسیب دیگری گردد، ضامن نیست مگر اینکه شخصی را که آگاه به آن نیست به آنجا بخواند و به استناد آن، جنایتی به وی وارد گردد.

تبصره ۱ -

هرگاه شخص آسیب‌دیده بدون إذن مالک یا با إذنی که قبل از انجام اعمال مذکور از مالک گرفته، وارد شود و صاحب ملک از ورود او اطلاع نداشته باشد، مالک ضامن نیست مگر اینکه صدمه یا تلف به علت اغوا، سهل‌انگاری در اطلاع دادن و مانند آن مستند به مالک باشد.

تبصره ۲ -

هرگاه کسی در ملک دیگری و بدون إذن او، مرتکب یکی از کارهای مذکور در ماده (۵۰۷) این قانون گردد و شخص ثالثی که بدون إذن وارد آن ملک شده است، آسیب ببیند، مرتکب عهده‌دار دیه است مگر اینکه بروز حادثه و صدمه مستند به خود مصدوم باشد که در این صورت مرتکب ضامن نیست مانند اینکه مرتکب علامتی هشداردهنده بگذارد یا درب محل را قفل کند لکن مصدوم بدون توجه به علائم یا با شکستن درب وارد شود.

ماده ۵۰۹- ارتکاب عمل به مصلحت عابران

هرگاه کسی در معابر یا اماکن عمومی با رعایت مقررات قانونی و نکات ایمنی عملی به مصلحت عابران انجام دهد و اتفاقاً موجب وقوع جنایت یا خسارت گردد، ضامن نیست.

نکته ۱- آقای «الف» در معبر عام عملی را به مصلحت عابران انجام داده که این عمل منجر به جنایت گردیده است. در این فرض آقای «الف» ضامن دیه نیست.

ماده ۵۱۰- ارتکاب عمل با انگیزه احسان

هرگاه شخصی با انگیزه احسان و کمک به دیگری رفتاری را که به جهت حفظ مال، جان، عرض یا ناموس او لازم است، انجام دهد و همان عمل موجب صدمه و یا خسارت شود در صورت رعایت مقررات قانونی و نکات ایمنی، ضامن نیست.

ماده ۵۱۱- توقف در مکان میاز

کسی که در ملک خود یا در مکان یا راهی که توقف در آنجا مجاز است توقف کند یا وسیله نقلیه خود یا هر شیء مجاز دیگری را در آنجا قرار دهد و شخصی با آن‌ها برخورد کند و مصدوم گردد یا فوت کند ضامن نیست و چنانچه خسارتی بر او یا مالش وارد شود، برخوردکننده ضامن است.

نکته ۱- «الف» در ملک متعلق به خود توقف کرده است. دیگری به او برخورد نموده و مصدوم شده است. در این فرض شخص متوقف مسئول پرداخت خسارت نیست.

نکته ۲- «الف» از بلندی به پایین پریده و در اثر برخورد با شخص «ب» که در پایین در حال راه رفتن در پیاده‌رو است جان می‌بازد. در این فرض قتلی به وی قابل انتساب نیست.

نکته ۳- اگر کسی را به آتش بیندازند و آن شخص به اختیار خود در آتش بماند و بسوزد عده‌ای از فقهای شیعه عقیده دارند که فاعل را نمی‌توان قاتل محسوب کرد. در این عقیده از نظریه شرط بی‌واسطه‌ی نتیجه پیروی شده است.

ماده ۵۱۲ - توقف در مکان غیرمجاز

هرگاه شخصی در محل‌هایی که توقف در آن‌ها مجاز نیست، توقف نماید یا شیء و یا حیوانی را در این قبیل محل‌ها مستقر سازد یا چیز لغزنده‌ای در آن قرار دهد و دیگری بدون توجه به آن‌ها در اثر برخورد یا لغزش مصدوم شود یا فوت کند یا خسارت مالی ببیند، شخص متوقف یا کسی که آن شیء یا حیوان را مستقر نموده یا راه را لغزنده کرده است، ضامن دیه و سایر خسارات می‌باشد مگر آنکه عابر با وسعت راه و محل عمداً با آن برخورد کند که در این صورت نه فقط خسارت به او تعلق نمی‌گیرد بلکه عهده‌دار خسارت وارده نیز می‌شود.

ماده ۵۱۳ - فراهانیدن شخص از محل اقامت فور

هرگاه شخصی را که شبانه و به‌طور مشکوکی از محل اقامتش فراخوانده و بیرون برده‌اند، مفقود شود، دعوت‌کننده، ضامن دیه اوست (در این حالت قصاص منتفی است مگر این که ثابت شود شخص توسط دعوت‌کننده عمداً به قتل رسیده است) مگر اینکه ثابت کند که دعوت‌شده زنده است یا اگر فوت کرده به مرگ عادی یا علل قهری بوده که ارتباطی به او نداشته است یا اگر کشته شده دیگری او را به قتل رسانده است. این حکم در مورد کسی که با حیل یا تهدید یا هر طریق دیگری، کسی را برآید و آن شخص مفقود گردد نیز جاری است.

تبصره -

هرگاه پس از دریافت دیه، مشخص شود که شخص مفقود زنده است و یا قاتل شناسایی گردد، دیه مسترد می‌گردد و چنانچه اثبات شود که دعوت‌کننده شخص مفقود را عمداً کشته است قصاص ثابت می‌شود.

ماده ۵۱۴ - آسیب در اثر علل قهری

هرگاه در اثر علل قهری مانند سیل و زلزله مانعی به وجود آید و موجب آسیب گردد، هیچ‌کس ضامن نیست، گرچه شخص یا اشخاصی تمکن برطرف کردن آن‌ها را داشته باشند و اگر سیل یا مانند آن، چیزی را به همراه آورد و لکن کسی آن را جایی نامناسب مانند جای اول یا در جای بدتری قرار دهد که موجب آسیب شود، عهده‌دار دیه است و اگر آن را از جای نامناسب بردارد و در جهت مصلحت عابران در جای مناسب‌تری قرار دهد ضامن نیست.

تبصره ۱-

هرگاه مانع مزبور توسط شخصی به وجود آمده باشد تغییردهنده وضعیت به حالت مناسب‌تر نیز ضامن نیست.

تبصره ۲ -

افراد یا دستگاه‌هایی که مسؤلیت اصلاح یا رفع آثار این‌گونه حوادث را برعهده دارند، در صورت تقصیر یا قصور قابل استناد در انجام وظیفه، ضامن می‌باشند.

ماده ۵۱۵ - قرار دادن اتومبیل یا کالا در مکان مجاز

هرگاه قرار دادن کالا در خارج مغازه یا توقف اتومبیل در مقابل منزل و امثال آن عرف و عادت شده باشد، گذارنده کالا یا متوقف‌کننده اتومبیل در صورت عدم منع قانونی و عریض بودن معبر و عدم ایجاد مزاحمت برای عابران ضامن زیان‌های وارده نیست.

ماده ۵۱۶ - اختارن اشیاء از مکان بایز

هرگاه کسی چیزی را در مکانی مانند دیوار یا بالکن خود که قرار دادن اشیاء در آن جایز است، قرار دهد و در اثر حوادث به معبر عام و یا ملک دیگری بیفتد و موجب صدمه یا خسارت شود ضامن منتفی است مگر آنکه آن را طوری گذاشته باشد که نوعاً مستعداً صدمه یا خسارت باشد.

ماده ۵۱۷ - آسیب ناشی از عمل مجاز

اگر مالک یا کسی که عهده‌دار احداث ملکی است بنایی را به نحو مجاز بسازد یا بالکن و مانند آن را با رعایت نکات ایمنی و ضوابط فنی که در استحکام بنا لازم است در محل مجاز، احداث کند و اتفاقاً موجب آسیب یا خسارت گردد، ضامن نیست.

تبصره -

اگر عمل غیرمجاز به‌گونه‌ای باشد که نتوان آن را به مالک مستند نمود مانند آنکه مستند به مهندسان ذی‌ربط ساختمان باشد ضامن از مالک منتفی و کسی که عمل مذکور مستند به اوست ضامن است.

ماده ۵۱۸ - سقوط اشیاء بر اساس موارد غیر مترقبه

هرگاه شخصی بنا یا دیواری را بر پایه محکم و با رعایت مقرراتی که در استحکام بنا و ایمنی لازم است احداث نماید لکن به علت حوادث پیش‌بینی نشده، مانند زلزله یا سیل، سقوط کند و موجب آسیب گردد، ضامن نیست و چنانچه دیوار یا بنا را به سمت ملک خود احداث نماید که اگر سقوط کند طبعاً در ملک خود، سقوط می‌کند لکن اتفاقاً به سمت دیگری سقوط نماید و موجب آسیب گردد، ضامن نیست.

ماده ۵۱۹ - ریزش بنای استوار

هرگاه دیوار یا بنایی که بر پایه استوار و غیر متمایل احداث شده است در معرض ریزش قرار گیرد یا متمایل به سقوط به سمت ملک دیگری یا معبر گردد اگر قبل از آنکه مالک تمکن اصلاح یا خراب کردن آن را پیدا کند ساقط شود و موجب آسیب گردد، ضامن منتفی است مشروط به آنکه به نحو مقتضی افراد در معرض آسیب را از وجود خطر آگاه کرده باشد. چنانچه مالک با وجود تمکن از اصلاح یا رفع یا آگاه‌سازی و جلوگیری از وقوع آسیب، سهل‌انگاری نماید، ضامن است.

تبصره -

هرگاه دیوار یا بنایی که ساقط شده متعلق به صغیر یا مجنون باشد ولی او ضامن است و اگر بنای مذکور از بناهای عمومی و دولتی باشد، متولی و مسئول آن ضامن است.

ماده ۵۲۰ - متمایل کردن بنای دیگری به سقوط

هرگاه شخصی دیوار یا بنای دیگری را بدون إذن او متمایل به سقوط نماید، عهده‌دار صدمه و خسارت ناشی از سقوط آن است.

ماده ۵۲۱ - روشن کردن آتش در مکان مهاز

هرگاه شخصی در ملک خود یا مکان مجاز دیگری، آتشی روشن کند و بداند که به جایی سرایت نمی‌کند و غالباً نیز سرایت نکند لکن اتفاقاً به جایی دیگر سرایت نماید و موجب خسارت و صدمه گردد ضامن ثابت نیست و در غیر این صورت ضامن است.

ماده ۵۲۲ - تقصیر در نگهداری حیوان

مُتَصَرِّف هر حیوانی که از احتمال حمله آن آگاه است باید آن را حفظ نماید و اگر در اثر تقصیر او، حیوان مزبور به دیگری صدمه وارد سازد، ضامن است. ولی اگر از احتمال حمله حیوان آگاه نبوده و عدم آگاهی ناشی از تقصیر او نباشد، ضامن نیست.

تبصره ۱ -

نگهداری حیوانی که شخص توانایی حفظ آن را ندارد، تقصیر محسوب می‌شود.

تبصره ۲ -

نگهداری هر وسیله یا شیء خطرناکی که دیگران را در معرض آسیب قرار دهد و شخص قادر به حفظ و جلوگیری از آسیب‌رسانی آن نباشد، مشمول حکم تبصره (۱) این ماده است.

ماده ۵۲۳ - وارد کردن صدمه توسط حیوان در منزل صاحب آن

هرگاه شخصی با إذن کسی که حق إذن دارد، وارد منزل یا محلی که در تصرف اوست، گردد و از ناحیه حیوان یا شیئی که در آن مکان است صدمه و خسارت ببیند، إذن‌دهنده ضامن است، خواه آن شیء یا حیوان قبل از إذن در آن محل بوده یا بعداً در آن قرار گرفته باشد و خواه إذن‌دهنده نسبت به آسیب‌رسانی آن علم داشته باشد خواه نداشته باشد.

تبصره -

در مواردی که آسیب مُسْتَنْد به مصدوم باشد مانند آنکه واردشونده بداند حیوان مزبور خطرناک است و إذن‌دهنده از آن آگاه نیست و یا قادر به رفع خطر نمی‌باشد، ضامن منتفی است.

ماده ۵۲۴ - مسؤولیت سوار حیوان

هرگاه کسی که سوار حیوان است آن را در معابر عمومی یا دیگر محل‌های غیرمجاز متوقف نماید در مورد تمام خسارت‌هایی که آن حیوان وارد می‌کند و مُسْتَنْد به فعل شخص مزبور می‌باشد ضامن است و چنانچه مهار حیوان در دست دیگری باشد مهارکننده به ترتیب فوق ضامن است.

ماده ۵۲۵ - تحریک کردن حیوان

هرگاه شخصی عملی انجام دهد که موجب تحریک یا وحشت حیوان گردد ضامن جنایت‌هایی است که حیوان در اثر تحریک یا وحشت وارد می‌کند مگر آنکه عمل مزبور مصداق دفاع مشروع باشد.

ماده ۵۲۶ - جمع سبب و مباشر

هرگاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی، تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مُسْتَنْد به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مُسْتَنْد به تمام عوامل باشد به طور مساوی ضامن می‌باشند مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هریک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول هستند. در

صورتی که مُباشِر در جنایت بی اختیار، جاهل، صغیر غیرمُمیز یا مجنون و مانند آن‌ها باشد فقط سَبب ضامن است. (قسمت اخیر این ماده بیان‌کننده سبب اقوای از مباشر است)

نکته ۱- هرگاه دو یا چند عامل، برخی از مباشرت و برخی به تسبیب باعث ایراد صدمه‌ی بدنی شوند و جنایت مستند به همه‌ی آنان باشد اما تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد، هر یک از عوامل به میزان تأثیر رفتارشان مسؤول‌اند.

نکته ۲- شخصی در نتیجه تأثیر مشترک یک ضربه‌ی چاقو و نیش سه حشره جان می‌سپارد، مسؤولیت ضارب برای پرداخت دیه به میزان نصف دیه‌ی کامل است.

ماده ۵۲۷- آسیب دیرین دو نفر بر اثر بر خورد با یکدیگر

هرگاه دو نفر بر اثر برخورد بی‌واسطه با یکدیگر کشته شوند یا آسیب ببینند، چنانچه میزان تأثیر آن‌ها در برخورد، مساوی باشد در مورد جنایت شبه‌عمدی نصف دیه هر کدام از مال دیگری و در مورد خطای محض نصف دیه هر کدام به‌وسیله عاقله دیگری پرداخت می‌شود و اگر تنها یکی از آن‌ها کشته شود یا آسیب ببیند، حَسَبِ مورد عاقله یا خود مرتکب، نصف دیه را باید به مَجْنُونِ عَلَیْهِ یا اولیای دم او بپردازند.

نکته ۱- دو نفر بر اثر برخورد با یکدیگر کشته می‌شوند و موضوع شبه عمد تشخیص داده می‌شود. در این صورت نصف دیه‌ی هر کدام از مال دیگری پرداخت می‌شود.

نکته ۲- مطابق ضوابط عرفی راجع به تشخیص اقوی بودن سبب از مباشر، در مورد خانمی که برای فرار از تعقیب ایذایی یک مرد معترض، با دویدن در خیابان خود را زیر چرخ‌های یک اتومبیل در حال حرکت می‌اندازد، شخص مباشر را می‌توان مسئول صدمه‌ی وارده قلمداد کرد.

ماده ۵۲۸- آسیب دیرین سر نشینان بر اثر برخورد دو وسیله نقلیه

هرگاه در اثر برخورد دو وسیله نقلیه زمینی، آبی یا هوایی، راننده یا سر نشینان آن‌ها کشته شوند یا آسیب ببینند در صورت انتساب برخورد به هر دو راننده، هر یک مسئول نصف دیه راننده مقابل و سر نشینان هر دو وسیله نقلیه است و چنانچه سه وسیله نقلیه با هم برخورد کنند هر یک از رانندگان مسئول یک سوم دیه راننده‌های مقابل و سر نشینان هر سه وسیله نقلیه می‌باشد و به همین صورت در وسایل نقلیه بیشتر، مُحاسبه می‌شود و هرگاه یکی از طرفین مُقَصِّر باشد به‌گونه‌ای که برخورد به او مُستند شود، فقط او ضامن است.

نکته ۱- هرگاه دو وسیله‌ی نقلیه بر اثر بی‌احتیاطی راننده‌ها با همدیگر برخورد کنند و هر دو راننده کشته شوند، هر یک ضامن نصف دیه‌ی دیگری است.

نکته ۲- هرگاه در اثر برخورد دو وسیله‌ی نقلیه سر نشینان آن‌ها کشته شوند، در صورت شبه عمدی بودن عمل، راننده‌ی هر یک از دو وسیله‌ی نقلیه ضامن نصف دیه‌ی تمام سر نشینان خواهد بود.

نکته ۳- در رابطه با این ماده به رأی وحدت رویه ۷۱۷-۱۳۹۰/۲/۶ هیئت عمومی دیوان عالی کشور رجوع کنید.

نکته ۴- در اثر برخورد دو خودرو با یکدیگر، سر نشینان هر دو خودرو به‌جز رانندگان فوت می‌کنند. کارشناسان مسؤولیت حادثه را به میزان هفتاد درصد برای شخص الف (راننده اول) و سی درصد برای شخص ب (راننده دوم) تعیین و اعلام می‌کنند. در این خصوص در مورد دیه باید گفت هر راننده مسئول پرداخت نصف دیه کلیه سر نشینان است.

ماده ۵۲۹- لزوم اضرار رابطه سببیت

در کلیه مواردی که تقصیر موجب ضمان مدنی یا کیفری است، دادگاه موظف است استناد نتیجه حاصله به تقصیر مرتکب را اِحراز نماید.

ماده ۵۳۰- بر خورد بر اثر عوامل قهری

هرگاه برخورد بین دو یا چند نفر یا وسیله نقلیه بر اثر عوامل قهری مانند سیل و طوفان به وجود آید، ضمان مُتَنفی است.

ماده ۵۳۱- انتساب هارثه به یک طرف

در موارد برخورد هرگاه حادثه به یکی از طرفین مُستند باشد مثل اینکه حرکت یکی از طرفین به‌قدری ضعیف باشد که اثری بر آن مُتَرَتب نگردد، تنها درباره طرفی که حادثه مُستند به او است، ضمان ثابت است.

نکته ۱- در مواردی که عامل دیگری مثل حیوانات به همراه شخص جانی در وقوع جنایات موثر بوده‌اند، باید تنها نیمی از دیه را از جانی مطالبه کرد، مثل اینکه کسی به دیگری زخمی وارد کند و بعد از آن حیوان درنده ای وی را گاز بگیرد یا نیش بزند و مجنی علیه در اثر سرایت هر دو زخم

بمیرد، قصاص ساقط نمی شود ولی نصف دیه به جانی قصاص شونده قابل پرداخت می باشد. به نظر می رسد که همین حکم در مواردی جاری باشد که تاثیر مشترک عمل جانی و اشیائی مثل سنگ فرو ریخته از کوه بر سر قربانی موجب مرگ وی شود.

ماده ۵۳۲ - قصاص یا دیه در صورت جنایت بودن برقرار

در برخورد دو وسیله نقلیه هرگاه رفتار هر دو یا یکی از آنها مشمول تعریف جنایات عمدی گردد حسب مورد به قصاص یا دیه حکم می شود.

ماده ۵۳۳ - تساوی شرکا

هرگاه دو یا چند نفر به نحو شرکت، سبب وقوع جنایت یا خسارتی بر دیگری گردند به طوری که آن جنایت یا خسارت به هر دو یا همگی مستند باشد، به طور مساوی ضامن می باشند.

ماده ۵۳۴ - مسؤلیت به وجود آورنده مانع یا سبب برقرار

هرگاه بر اثر ایجاد مانع یا سببی دو یا چند نفر یا وسیله نقلیه با هم برخورد کنند و به علت برخورد آسیب ببینند و یا کشته شوند، مسبب ضامن است.

ماده ۵۳۵ - ایثار سببها به شکل طولی

هرگاه دو یا چند نفر با انجام عمل غیرمجاز در وقوع جنایتی به نحو سبب و به صورت طولی دخالت داشته باشند کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب یا اسباب دیگر باشد، ضامن است مانند آنکه یکی از آنان گودالی حفر کند و دیگری سنگی در کنار آن قرار دهد و عابری به سبب برخورد با سنگ به گودال بیفتد که در این صورت، کسی که سنگ را گذاشته، ضامن است مگر آنکه همه قصد ارتکاب جنایت را داشته باشند که در این صورت شرکت در جرم محسوب می شود.

نکته ۱- هرگاه دو نفر عدواناً در وقوع جنایتی به نحو تسبیب دخالت داشته باشند، سبب مقدم در تأثیر ضامن است.

نکته ۲- اگر «الف» عدواناً چاهی را حفر نماید و «ب» نیز عدواناً سنگی در کنار آن قرار دهد و «ج» عابر با برخورد با سنگ به چاه افتاده و فوت کند، مجازات مورد نظر قانونگذار ایرانی در مورد این جرم با نظریه‌ی سبب مقدم در تأثیر منطبق است.

نکته ۳- هرگاه دو نفر عدواناً در وقوع جنایتی به نحو سبب دخالت داشته باشند، کسی که تأثیر کار او در جنایت قبل از تأثیر سبب دیگری باشد، ضامن خواهد بود.

نکته ۴- شخص الف در مقابل سنگی که ساعتی قبل از سوی شخص ب در خیابان بسیار پر ترددی گذاشته شده است چاهی حفر می کند. عابری پس از برخورد با سنگ به داخل چاه افتاده و مجروح می شود. در این فرض مسؤلیت جرح بر عهده شخص ب به عنوان سبب مقدم در تأثیر است.

ماده ۵۳۶ - مجاز بودن عمل یک طرف و غیرمجاز بودن عمل طرف دیگر

هرگاه در مورد ماده (۵۳۵) این قانون عمل یکی از دو نفر غیرمجاز و عمل دیگری مجاز باشد مانند آنکه شخصی وسیله یا چیزی را در کنار معبر عمومی که مجاز است، قرار دهد و دیگری کنار آن چاهی حفر کند که مجاز نیست، شخصی که عملش غیرمجاز بوده، ضامن است. اگر عمل شخصی پس از عمل نفر اول و با توجه به اینکه ایجاد آن سبب در کنار سبب اول موجب صدمه زدن به دیگران می شود انجام گرفته باشد، نفر دوم ضامن است.

نکته - اشخاص الف و ب مشترکاً تصمیم به قتل شخص ج می گیرند. شخص الف مانعی در خیابان ایجاد کرده و شخص ب در کف خیابان روغن می ریزد. شخص ج روی روغن لیز خورده و در اثر برخورد با مانع فوت می کند. در این فرض قتل به اشخاص الف و ب با عنوان شرکت در جنایت عمدی قابل استناد است.

ماده ۵۳۷ - مقصر بودن مبنی علیّه

در کلیه موارد مذکور در این فصل هرگاه جنایت منحصراً مستند به عمد و یا تقصیر مجنی علیّه باشد ضمان ثابت نیست. در مواردی که اصل جنایت مستند به عمد یا تقصیر مرتکب باشد لکن سیرایت آن مستند به عمد یا تقصیر مجنی علیّه باشد مرتکب نسبت به مورد سیرایت ضامن نیست.

فصل هفتم - تداخل و تعدد دیات

ماده ۵۳۸ - اصل تعدد دیات

در تعدد جنایات، اصل بر تعدد دیات و عدم تداخل آنها است مگر مواردی که در این قانون خلاف آن مقرر شده است. (رجوع کنید به ماده ۵۴۳ قانون مجازات اسلامی)

ماده ۵۳۹ - ومرت و تَعَرُّرُ صدمات

هرگاه مَجْنیُّ عَلَیْهِ در اثر سِرَایِیتِ صَدْمه یا صدمات غیر عمدی فوت نماید یا عضوی از اعضای او قطع شود یا آسیب بزرگتری ببیند به ترتیب ذیل دیه تعیین می‌شود:

الف - در صورتی که صدمه وارده یکی باشد، تنها دیه نفس یا عضو یا آسیب بزرگتر ثابت می‌شود.

ب - در صورت تَعَدُّدِ صدمات چنانچه مرگ یا قطع عضو یا آسیب بیشتر، در اثر سِرَایِیت تمام صدمات باشد، تنها دیه نفس یا عضو یا آسیب بزرگتر ثابت می‌شود و اگر مرگ یا قطع عضو یا آسیب بزرگتر در اثر سِرَایِیت برخی از صدمات باشد، دیه صدمات مُسری در دیه نفس یا عضو یا آسیب بزرگتر تَدَاخُل می‌کند و دیه صدمات غیر مُسری، جداگانه مُحاسبه و مورد حُکم واقع می‌شود.

ماده ۵۴۰ - عمری بودن صدمه و غیر عمری بودن نتیجه

هرگاه صدمه وارده عمدی باشد و نوعاً کُشنده یا موجب قطع عضو یا آسیب بیشتر نباشد لکن اتفاقاً سِرَایِیت کند، علاوه بر حقِّ قِصاص یا دیه، نسبت به چنایِیتِ عمدی کمتر، حَسَبِ مورد دیه چنایِیت بیشتر نیز باید پرداخت شود مانند اینکه شخصی عمداً انگشت دیگری را قطع کند و اتفاقاً این قطع سِرَایِیت کند و موجب فوت مَجْنیُّ عَلَیْهِ یا قطع دست او گردد، علاوه بر حقِّ قِصاص یا دیه انگشت، حَسَبِ مورد دیه نفس یا دیه دست مَجْنیُّ عَلَیْهِ نیز باید پرداخت شود. (رجوع کنید به ماده ۲۹۶ قانون مجازات اسلامی)

موار مرتبط

ماده ۲۹۶ قانون مجازات اسلامی: اگر کسی عمداً چنایِیتی را بر عوض فردی وارد سازد و او به سبب سِرَایِیت فوت کند، پَنانِیه چنایِیت واقع شده مشمول تعریف چنایِیتِ عمری باشد، قتل عمری مفسوب می‌شود، در غیر این صورت، قتل شبه عمری است و مرتکب علاوه بر قِصاص عضو به پرداخت ریهی نفس نیز مکوم می‌شود.

ماده ۵۴۱ - آسیب‌های متعدّد ناشی از یک رفتار

هرگاه در اثر یک ضربه یا هر رفتار دیگر، آسیب‌های متعدّد در اعضای بدن به وجود آید چنانچه هریک از آن‌ها در اعضای مختلف باشد یا همه در یک عضو بوده ولی نوع هر آسیبی غیر از نوع دیگری باشد و یا از یک نوع بوده ولکن در دو یا چند محل جداگانه از یک عضو باشد، هر آسیب دیه جداگانه دارد.

نکته ۱- هرگاه در اثر رفتار مرتکب آسیب‌های متعددی در بدن بزه دیده ایجاد شده باشد، چنانچه همه‌ی آسیب‌ها در یک عضو بوده، ولی نوع هر آسیب غیر از نوع دیگر باشد هر آسیب، دیه جداگانه‌ای دارد.

ماده ۵۴۲ - آسیب‌های متعدّد ناشی از چند رفتار

هرگاه در اثر رفتارهای متعدّد، آسیب‌های متعدّد ایجاد شود هر آسیبی دیه جداگانه دارد.

ماده ۵۴۳ - موارد تَدَاخُلِ دیات

در صورت وجود مَجْموع شرایط چهارگانه ذیل، دیه آسیب‌های متعدّد تَدَاخُل می‌کند و تنها دیه یک آسیب ثابت می‌شود:

الف - همه آسیب‌های ایجاد شده مانند شکستگی‌های متعدّد یا جراحات متعدّد از یک نوع باشد.

ب - همه آسیب‌ها در یک عضو باشد.

پ - آسیب‌ها متصل به هم یا به گونه‌ای نزدیک به هم باشد که عرفاً یک آسیب محسوب شود.

ت - مَجْموع آسیب‌ها با یک رفتار مُرتکب به وجود آید.

ماده ۵۴۴ - تعرر دیه منافع

هرگاه در اثر یک یا چند رفتار، منافع متعدّد زائل یا ناقص شود مانند اینکه در اثر ضربه به سر، بینایی، شنوایی و عقل کسی از بین برود یا کم شود، هریک دیه جداگانه دارد.

ماده ۵۴۵ - صدمه به عضو و منفعت

هرگاه منفعتی قائم به عضوی باشد در چنایِیت بر آن عضو که مُنجر به زوال یا اختلال منفعت گردد تنها دیه بیشتر ثابت می‌شود ولی اگر منفعت قائم به آن عضو نبوده و میان از بین رفتن عضو و زوال منفعت مُلازِمه نباشد، اگرچه وجود آن عضو در تقویت و تسهیل منفعت مؤثر باشد، مانند لاله گوش و بینی که در تقویت شنوایی و بویایی مؤثراند و به سبب قطع لاله گوش یا بینی، شنوایی یا بویایی نیز زائل یا ناقص گردد، هرکدام دیه جداگانه دارد.

ماده ۵۴۶ - صدمه بزرگتر

چنانچه به سبب ایراد ضربه یا جراحت، صدمه بزرگتری به وجود آید مانند اینکه با شکستن سر، عقل زائل شود، هرگاه آن جراحت علت و سبب زوال یا نقصان منفعت باشد اگر با یک ضربه یا جراحت واقع شده باشد دیه ضربه یا جراحت در دیه بیشتر تَدَاخُل می‌کند و تنها دیه زوال یا نقصان منفعت که بیشتر است پرداخت می‌شود و چنانچه زوال منفعت یا نقصان آن با ضربه یا جراحت دیگری غیر از ضربه‌ای که جراحت را ایجاد کرده است، واقع شده باشد و یا ضربه یا جراحت وارده

هرگاه رفتار مُرتکب و فِوت مَجْنی عَلَیْهِ (فعل و نتیجه باید در یک زمان یا در یک مکان به وقوع بپیوندد) هر دو در ماه‌های حَرَام «مُحَرَّم، رَجَب، ذِی الْقَعْدَه وَ ذِی الْحِجَّه» یا در مَحْدوده حَرَم مَكَّه، واقع شود خواه جِنایت عمدی خواه غیرعمدی باشد، علاوه بر دیه نفس، یک‌سوم دیه نیز افزوده می‌گردد. (الزامی است) سایر مکان‌ها و زمان‌های مُقَدَّس و مُتَبَرِّک مَشْمول حُکْم تَغْلِیظ دِیَه نیست. (رجوع کنید به ماده ۳۸۵ قانون مجازات اسلامی) تبصره - معیار شروع و پایان ماه‌های حَرَام، مَغْرَب شَرعی است مانند ماه رَجَب که از مَغْرَب شَرعی آخرین روز ماه جَمادِی‌الثانی، شروع و با مَغْرَب شَرعی آخرین روز ماه رَجَب به پایان می‌رسد.

کَلِمَةً بِأَمْعِ شَرْنِ دُو سَبَبِ تَغْلِیظِ دِیَهٍ دَرِ آنِ وَاوَر، مَثَلًا وَقُوعِ قَتْلِ دَرِ مَهِرِ مَرْمِ مَلْکَهِ مَکْرَمَهِ بَهِ لَهَافِ اَصْلِ بَرَاثَتِ وِ اَصْلِ عَرْمِ تَرَاغُلِ صَرَفًا یَکَ تَغْلِیظِ کَافِی بُوْرَه وِ تَعْلُقِ مِی‌گِیْرَد.

نکته ۱- شخصی در ماه ذی‌القعده در حرم مکه معظمه، دیگری را مجروح می‌سازد. شخص مجروح در ماه ذی‌الحجه در ایران می‌میرد. در این فرض دیه‌ی قابل پرداخت، به مقدار دیه‌ی کامل به‌علاوه یک سوم است.

نکته ۲- دیه‌ی قتل در صورتی که صدمه و فوت هر دو در ماه حرام واقع شود به عنوان تشدید مجازات ثلث دیه اضافه می‌شود. باید دقت نمود که ماه صفر جزء ماه‌های حرام محسوب نمی‌شود.

نکته ۳- ماه‌های حرام که باعث تغلیظ دیه می‌شود به ترتیب عبارت‌اند از: رجب، محرم، ذی‌القعده، ذی‌الحجه.

نکته ۴- طبق مقررات جزائی، دیه‌ی قتل در صورتی که صدمه و قتل در ماه‌های حرام از نظر شرعی واقع شود، تشدید می‌گردد. این تشدید نوعی و خاص است، چون مربوط به کیفیات مشدد زمانی و مکانی است و چون صرفاً در همین مورد خاص اعمال می‌شود البته از جمله کیفیات مشدد قانونی و اجباری نیز محسوب می‌شود.

نکته ۵- در ضرب و جرح منتهی به فوت، در صورتی دیه تغلیظ می‌شود که ضرب و جرح و قتل در ماه حرام باشد.

ماده ۵۵۶ - اطلاق تَغْلِیظِ دِیَه

دَرِ حُکْمِ تَغْلِیظِ دِیَهِ فَرْقِی مِیَانِ بَالِغِ وِ غَیْرِ بَالِغِ، زَنْ وِ مَرْدِ وِ مَسْلَمَانِ وِ غَیْرِ مَسْلَمَانِ نِیْسْت. سَقَطِ جَنینِ نِیْزِ پَسِ اَزِ پِیْدایشِ رُوحِ، مَشْمُولِ حُکْمِ تَغْلِیظِ اِسْت. تَغْلِیظِ دِیَه، دَرِ مَوَارِدِی کِه عَاقِلَه یا بَیْتِ‌الْمَالِ پَرْدَاخْت‌کُننده دِیَه بَاشْد نِیْزِ جَارِی اِسْت. دَرِ قَتْلِ عَمْدِی کِه بَه‌عِلْتِ عَدَمِ اِمْکَانِ قِصَاصِ یا عَدَمِ جَوَازِ اَن دِیَه پَرْدَاخْتِ مِی‌شُود نِیْزِ اِیْنِ حُکْمِ جَارِی اِسْت. (مَنْظُورِ تَغْلِیظِ دِیَه اِسْت).

نکته ۱- تغلیظ دیه، تمامی انواع قتل (عمد، شبه عمد، خطائی) را در برمی‌گیرد.

نکته ۲- در صورت ارتکاب قتل در ماه حرام، تغلیظ دیه در هر حال و بدون توجه به اینکه چه کسی مسئول پرداخت آن است، انجام می‌شود.

نکته ۳- مردی در ماه حرام زنی را به قتل رسانیده است. اولیای دم زن در ماه حرام قصد قصاص مرد را دارند. فاضل دیه‌ی قابل پرداخت به میزان نصف دیه‌ی کامل است.

ماده ۵۵۷ - اِنْمَارِ تَغْلِیظِ دِیَهٍ دَرِ قَتْلِ نَفْسِ

تَغْلِیظِ دِیَهِ مَخْصُوصِ قَتْلِ نَفْسِ (اعْمِ اَزِ قَتْلِ عَمْدِی، شِبْهِ عَمْدِی وِ خَطَاِیِ مَحْضِ) اِسْت وِ دَرِ جِنَايَتِ بَرِ اَعْضَاءِ وِ مَنَافِعِ جَارِی نِیْسْت.

نکته ۱- در جنایات مادون نفس، حکم تغلیظ دیه جاری نمی‌شود.

نکته ۲- قتل اقارب در صورتی که دیه به آن تعلق گیرد، موجب مستقلى برای تغلیظ دیه نیست.

نکته ۳- قتل اقارب تنها در ماه‌های حرام و در حرمین شرفین موجب تغلیظ دیه است.

نکته ۴- تغلیظ دیه مربوط به وقتی است که اولیای دم خواهان دریافت دیه به جای قصاص باشند و در صورت اجرای قصاص تغلیظ دیه موضوعیت ندارد و به عبارتی موضوعیت خود را از دست می‌دهد. (ساده ساز حقوق جزای اختصاصی، نور محمد صبری، ص ۱۹۸).

فصل دوّم - قواعد عمومی دیه اعضاء

ماده ۵۵۸ - مِمَالَه بَرِ دِیَهٍ دَرِ صُورَتِ عَرْمِ اِمْکَانِ قِصَاصِ

در جنایت غیر عمدی بر اعضاء و جنایت عمدی که قصاص ندارد یا قصاص در آن ممکن نیست یا بر دیه، مُصَالِحِه شده و مقدار آن مشخص نشده است به شرح مُقَرَّر در این قانون، دیه ثابت می‌شود.

ماده ۵۵۹ - موارد اَرش اعضاء

هرگاه در اثر جنایت صدمه‌ای بر عضو یا منافع وارد آید چنانچه برای آن جنایت در شرع دیه مُقَدَّر یا نسبت مُعَيَّنِی از آن به شرح مُنَدَرَج در این قانون مُقَرَّر شده باشد مقدار مُقَرَّر و چنانچه شرعاً مقدار خاصی برای آن تعیین نشده اَرش آن قابل مُطالبه است.

ماده ۵۶۰ - تمییز ریه زن

دیه زن و مرد در اعضاء و منافع تا کمتر از ثلث دیه کامل مرد یکسان است و چنانچه ثلث یا بیشتر شود دیه زن به نصف تقلیل می‌یابد.

نکته ۱- دیه زن و مرد یکسان است تا وقتی دیه به ثلث دیه‌ی کامل برسد. در این صورت، دیه زن، نصف دیه مرد است.

نکته ۲- در صدمات بدنی در موردی که مصدوم زن است، در صورتی که دیه‌ی متعلقه ثلث دیه کامل یا بیشتر باشد، دیه‌ی زن نصف دیه‌ی مرد است.

ماده ۵۶۱ - اصل عزم تبادل ریات اعضاء

هرگاه در اثر یک یا چند ضربه، آسیب‌های مُتَعَدِّدی بر یک یا چند عضو وارد شود، ملاک رسیدن دیه به ثلث، دیه هر آسیب به طور جداگانه است مگر اینکه آسیب‌های وارده بر عضو، عرفاً یک آسیب و جنایت محسوب شود.

ماده ۵۶۲ - اطلاق اَرش نسبت به زن و مرد

در موارد اَرش فرقی میان زن و مرد نیست لکن میزان اَرش جنایت وارده بر اعضاء و منافع زن نباید بیش از دیه اعضاء و منافع او باشد، اگرچه مساوی با اَرش همان جنایت در مرد باشد.

نکته ۱- از لحاظ میزان در مورد اَرش فرقی میان زن و مرد نیست.

ماده ۵۶۳ - ریه اعضاء فرد و زوج بدن

از بین بردن هر یک از اعضاء فرد و هر دو عضو از اعضاء زوج، دیه کامل و از بین بردن هریک از اعضاء زوج، نصف دیه کامل دارد. خواه عضو مزبور از اعضاء داخلی بدن باشد خواه از اعضاء ظاهری مگر اینکه در قانون ترتیب دیگری مُقَرَّر شده باشد.

نکته ۱- بر اساس رأی وحدت رویه شماره ۷۴۰ - مورخ ۱۳۹۴/۱/۱۸ با عنایت به منابع معتبر فقهی و عدم تعیین دیه مقدر برای طحال، برای از بین بردن طحال، اَرش پیش بینی نموده است.

ماده ۵۶۴ - ریه فلج کردن عضو

فلج کردن عضو دارای دیه مُعَيَّن، دو سوّم دیه آن عضو و از بین بردن عضو فلج، یک سوّم دیه همان عضو را دارد. در فلج کردن نسبی عضو که درصدی از کارایی آن از بین می‌رود، با توجه به کارایی از دست رفته، اَرش تعیین می‌گردد.

ماده ۵۶۵ - ریه از بین بردن مقراری از عضو

از بین بردن قسمتی از عضو یا منفعت دارای دیه مُقَدَّر به همان نسبت دیه دارد به این ترتیب که از بین بردن نصف آن به میزان نصف و از بین بردن یک سوّم آن به میزان یک سوّم دارای دیه است مگر اینکه در قانون ترتیب دیگری مُقَرَّر شده باشد.

تبصره ۱ -

در مواردی که نسبت از بین رفته قابل تشخیص نباشد، اَرش تعیین می‌شود.

تبصره ۲ -

هرگاه جنایت، عضو را در وضعیتی قرار دهد که به تشخیص کارشناس، مَجْنِیْ عَلَیْهِ ناگزیر از قطع آن باشد دیه قطع عضو ثابت می‌شود.

ماده ۵۶۶ - ریه عضو پیوند زده شده

دیه اعضائی که با پیوند و امثال آن در محل عضو از بین رفته، قرار گرفته است و مانند عضو اصلی دارای حیات می‌شوند به میزان دیه عضو اصلی است و اگر دارای حیات گردد ولی از جهت دیگری معیوب شود، دیه عضو معیوب را دارد. از بین بردن اعضاء مصنوعی، تنها موجب ضامن مالی است.

ماده ۵۶۷ - عزم ضامن در رفتار غیر آسیب‌زا

در مواردی که رفتار مُرتکب نه موجب آسیب و عیبی در بدن گردد و نه اثری از خود در بدن برجای بگذارد ضامن مُنتفی است لکن در موارد عمدی در صورت عدم تصالح، مُرتکب به حَسَب یا شَلَّاق تعزیری درجه هفت محکوم می‌شود.

نکته ۱- در مواردی که رفتار مرتکب موجب آسیب و عیبی در بدن نشود و اثری هم بر جای نگذارد ضمان منتفی است. ولی در صورت عمدی بودن و عدم مصالحه، مرتکب تعزیر می‌شود.

نکته ۲- در صورتی که ضربه‌ی مرتکب هیچ اثری بر مجنی‌علیه باقی نگذارد، یک جرم خاص مستوجب تعزیر از سوی وی ارتکاب یافته است.

نکته ۳- در مواردی که رفتار مرتکب موجب آسیب و عیبی در بدن نشود و اثری هم بر جای نگذارد ضمان منتفی است ولی در صورت عمدی بودن و عدم مصالحه مرتکب تعزیر می‌شود.

نکته ۴- در خصوص مورد این ماده، مرتکب به ارتکاب یک جرم خاص موجب تعزیر محکوم می‌شود.

ماده ۵۶۸ - ریه شلستکی التیام یافته

در شکستگی عضوی که دارای دیه مُقَدَّر است، چنانچه پس از جنایت به‌گونه‌ای اصلاح شود که هیچ عیب و نقصی در آن باقی نماند، چهار بیست و پنجم دیه آن عضو ثابت است و چنانچه با عیب و نقص اصلاح شود یا برای آن عضو دیه مُقَدَّری نباشد، آرش ثابت است مگر در مواردی که در این قانون خلاف آن مقرر شده باشد.

ماده ۵۶۹ - ریه شلستن، ترک برداشتن و خرد شدن استخوان

دیه شلستن، ترک برداشتن و خرد شدن استخوان هر عضو دارای دیه مُقَدَّر به شرح زیر است:

الف - دیه شلستن استخوان هر عضو یک پنجم دیه آن عضو و اگر بدون عیب درمان شود چهار پنجم دیه شلستن آن است.

ب - دیه خرد شدن استخوان هر عضو یک سوّم دیه آن عضو و اگر بدون عیب درمان شود چهار پنجم دیه خرد شدن آن استخوان است.

پ - دیه ترک برداشتن استخوان هر عضو چهار پنجم دیه شلستن آن عضو است.

ت - دیه جراحی که به استخوان نفوذ کند بدون آنکه موجب شکستگی آن گردد و نیز دیه موضیحه آن، یک چهارم دیه شکستگی آن عضو است.

ماده ۵۷۰ - ریه شلستن هند نقطه استخوان

هرگاه یک استخوان از چند نقطه جدای از هم بشکند یا خرد شود یا ترک بخورد، در صورتی که عرفاً جنایت‌های متعدّد محسوب گردد، هر یک دیه جداگانه دارد هر چند با یک ضربه به وجود آید و مجموع دیه جنایت‌های مزبور از دیه عضو هم بیشتر باشد.

ماده ۵۷۱ - ریه در رفتگی استخوان

در رفتگی استخوان از مفصل، در صورتی که موجب شللی یا از کار افتادگی کامل عضو نگردد، موجب آرش و در غیر این صورت موجب دو سوّم دیه همان عضو و در صورت درمان بدون عیب موجب چهار پنجم از دو سوّم دیه آن عضو می‌باشد.

ماده ۵۷۲ - ریه جدا شدن تکه استخوان

هرگاه در اثر جنایتی تکه کوچکی از استخوان از آن جدا شود، دیه شکستگی ثابت است.

ماده ۵۷۳ - صدمه بر استخوان همراه با نقص عضو

هرگاه صدمه بر استخوان، موجب نقص عضو یا صدمه دیگری گردد، هر یک دیه جداگانه‌ای دارد.

ماده ۵۷۴ - در رفتگی مفصل و شلستن استخوان

هرگاه بر اثر یک یا چند ضربه، علاوه بر در رفتگی مفصل، استخوان نیز بشکند یا ترک بخورد، دو جنایت محسوب می‌شود و هر یک دیه یا آرش جداگانه دارد. اگر بر اثر ضربه‌ای، هم استخوان بشکند و هم جراحی مانند موضیحه یا نافیّه یا جافیّه در بدن ایجاد شود نیز این حکم جاری است. (رجوع کنید به مواد ۷۰۹، ۷۱۱ و ۷۱۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲).

ماده ۵۷۵ - پیوند خوردن فوراً پس از جنایت

پیوند خوردن عضو پس از جنایت تأثیری در دیه ندارد.

فصل سوّم - دیه مُقَدَّر اعضاء

مبحث اوّل - دیه مو

ماده ۵۷۶ -

کندن و یا از بین بردن تمام موی سر یا ریش مرد، در صورتی که دیگر نروید، دیه کامل دارد و اگر دوباره بروید، نسبت به موی سر، آرش و نسبت به ریش یک سوّم دیه کامل ثابت است. در این حکم فرقی میان موی کم‌پشت و پرپشت و کودک و بزرگسال نیست.

ماده ۵۷۷ -

کندن و یا از بین بردن تمام موی سر زن، در صورتی که دیگر نروید، موجب ديه کامل زن و اگر دوباره بروید، موجب مَهْرُالمِثْل است. در این حکم فرقی میان موی کم‌پُشت و پرپُشت و کودک و بزرگسال نیست. تبصره- اگر مَهْرُالمِثْل بیش از ديه کامل زن باشد فقط به مقدار ديه کامل زن، پرداخت می‌شود.

ماده ۵۷۸ -

چنانچه قسمتی از موی سر مرد یا زن یا ریش مرد طوری از بین برود که دیگر نروید، باید به نسبت، ديه پرداخت شود و اگر دوباره بروید، در موی سر مرد، آرش و در ریش به نسبت از یک‌سوم ديه کامل و در موی سر زن به همان نسبت از مَهْرُالمِثْل، باید ديه پرداخت شود.

ماده ۵۷۹ -

کندن موی سر زن یا مرد یا ریش مرد، چنانچه با رضایت شخص یا در مواردی که اذن شخص معتبر نیست، با رضایت ولی او باشد یا به جهت ضرورت‌های پزشکی لازم باشد، ديه یا آرش ندارد.

ماده ۵۸۰ -

تشخیص روییدن و نرویدن مو با کارشناس مورد وثوق است. چنانچه نظر کارشناس بر نرویدن باشد و ديه پرداخت شود، ولی پس از آن خلاف نظر او ثابت گردد، باید مازاد بر آرش یا یک سوم ديه و یا مَهْرُالمِثْل، حسب مورد به پرداخت‌کننده ديه، مُسْتَرَد شود و اگر نظر کارشناس بر روییدن باشد و آرش یا یک‌سوم ديه و یا مَهْرُالمِثْل، حسب مورد پرداخت شود ولی خلاف نظر او ثابت گردد، باید مابه‌التفاوت آن پرداخت شود.

ماده ۵۸۱ -

کندن و یا از بین بردن هر یک از ابروها، اگر بدون رضایت شخص یا ولی او در مواردی که اذن شخص معتبر نیست و یا بدون ضرورت تجویزکننده باشد یک‌چهارم ديه کامل دارد و اگر دوباره بروید، موجب آرش است و اگر مقداری از آن بروید نسبت به مقداری که روییده، آرش و نسبت به مقداری که نرویده، ديه با احتساب مقدار مساحت، تعیین می‌شود.

ماده ۵۸۲ -

اگر مقداری از موی سر، ریش و ابرو پیش از جنایت از بین رفته باشد، زائل کردن باقیمانده آن‌ها، حکم از بین بردن قسمتی از مو را دارد.

ماده ۵۸۳ -

هرگاه با از بین بردن عضو یا پوست و مانند آن، موی سر، ریش یا ابرو از بین برود، علاوه بر ديه مو یا ریش یا ابرو، حسب مورد ديه یا آرش جنایت نیز پرداخت می‌شود.

ماده ۵۸۴ -

از بین بردن تمام یا قسمتی از موی پلک یا سایر موهای بدن در صورت بروز عیب و نقص موجب آرش است، خواه بروید خواه نروید و چنانچه با از بین بردن عضو یا کندن پوست و مانند آن باشد، تنها ديه یا آرش محل مو پرداخت می‌شود.

ماده ۵۸۵ -

هرگاه موی سر مرد یا زن یا ریش مرد که از بین رفته است با عیب و نقص بروید مانند آنکه رنگ یا حالت طبیعی آن تغییر کند یا کم‌پُشت بروید، آرش ثابت است. مقدار آرش مزبور در مورد ریش باید بیشتر از یک‌سوم ديه کامل و در مورد موی سر مرد، بیشتر از آرش باشد که در صورت رویش بدون عیب تعیین می‌شود. در مورد موی سر زن نیز علاوه بر آرش یا ثلث ديه یا مَهْرُالمِثْل حسب مورد باید آرش دیگری برای عیب حاصله پرداخت شود.

ماده ۵۸۶ -

ملاک مسؤولیت صدمه به مو، از بین بردن آن است و شیوه از بین بردن مانند کندن یا سوزاندن، تأثیری در حکم ندارد.

مبحث دوم - ديه چشم

ماده ۵۸۷ -

درآوردن و یا از بین بردن دو چشم بینا ديه کامل و هریک از آن‌ها نصف ديه دارد. چشم‌هایی که بینایی دارند در این حکم یکسان‌اند هر چند میزان بینایی آن‌ها متفاوت باشد یا از جهات دیگر مانند شب‌کوری و منحرف بودن با هم فرق داشته باشند.

تبصره -

هرگاه لگه دائمی موجود در چشم مانع بینایی قسمتی از چشم گردد، در صورتی که تعیین مقدار آن ممکن باشد به همان نسبت از ديه کسر و در غیر این صورت، آرش پرداخت می‌شود.

ماده ۵۸۸ -

درآوردن و یا از بین بردن چشم بینای کسی که فقط یک چشم بینا دارد و چشم دیگرش نابینای مادرزادی و یا به علل غیرجنایی از بین رفته باشد موجب دیه کامل است لکن اگر چشم دیگرش را در اثر قصاص یا جنایتی که استحقاق دیه آن را داشته است از دست داده باشد دیه چشم بینا، نصف دیه کامل می‌باشد.

ماده ۵۸۹ -

دیه درآوردن و یا از بین بردن هر چشمی که بینایی ندارد یک‌ششم دیه کامل است.

ماده ۵۹۰ -

دیه مجموع چهار پلک دو چشم، دیه کامل، دیه هریک از پلک‌های بالا، یک‌ششم دیه کامل و دیه هر یک از پلک‌های پایین، یک‌چهارم دیه کامل است.
تبصره -

هرگاه کسی چشم و پلک را یکجا از بین ببرد، هریک دیه جداگانه دارد.

ماده ۵۹۱ -

شکافتن هریک از پلک‌های بالا، موجب یک‌ششم دیه و شکافتن هریک از پلک‌های پایین، موجب یک‌چهارم دیه است.

مبحث سوم - دیه بینی

ماده ۵۹۲ -

قطع کردن و یا از بین بردن تمام بینی یا نرماه‌ای که پایین استخوان بینی است دیه کامل دارد. از بین بردن تمام نرماه با تمام یا مقداری از استخوان بینی در صورتی که در یک دفعه باشد، موجب دیه کامل است لکن اگر نرماه بینی در یک دفعه و تمام یا مقداری از استخوان بینی در دفعه دیگر از بین برود، برای نرماه دیه کامل و برای استخوان، آرش تعیین می‌شود.

ماده ۵۹۳ -

شکستن استخوان بینی در صورتی که موجب فساد بینی و از بین رفتن آن شود، دیه کامل دارد و چنانچه بدون عیب و نقص اصلاح شود موجب یک‌دهم دیه کامل و اگر با عیب و نقص بهبود پیدا کند، موجب آرش است. در کج شدن بینی یا شکستن استخوان بینی که منجر به فساد آن نشود، آرش ثابت می‌شود.

ماده ۵۹۴ -

از بین بردن هریک از پره‌های بینی یا پرده میان دو سوراخ، موجب یک‌سوم دیه کامل است.

ماده ۵۹۵ -

فلج کردن بینی، موجب دوسوم دیه کامل و از بین بردن بینی فلج، موجب یک‌سوم دیه کامل است.

ماده ۵۹۶ -

سوراخ کردن هر دو طرف بینی و پرده فاصل میان آن، خواه با پارگی همراه باشد خواه نباشد، در صورتی که باعث از بین رفتن بینی یا نوک آن نشود، موجب یک‌سوم دیه کامل است و اگر بهبود یابد، موجب یک‌پنجم دیه کامل است.

ماده ۵۹۷ -

دیه سوراخ کردن یک طرف بینی در صورتی که بهبود نیابد یک‌نهم دیه کامل و در صورتی که بهبود یابد، یک‌بیستم دیه کامل است و دیه سوراخ کردن یک‌طرف بینی یا پرده وسط آن در صورتی که بهبود نیابد دونهیم دیه کامل و در صورتی که بهبود یابد، یک‌پانزدهم دیه کامل است.

ماده ۵۹۸ -

دیه پاره کردن بینی در صورتی که سبب از بین رفتن بینی یا نوک آن نشود، یک‌سوم دیه کامل و اگر بهبود یابد یک‌دهم دیه کامل است.

ماده ۵۹۹ -

دیه از بین بردن نوک بینی که محل چکیدن خون است، نصف دیه کامل می‌باشد.

مبحث چهارم - دیه لاله گوش

ماده ۶۰۰ -

از بین بردن دو لاله گوش، دیه کامل و از بین بردن هریک از آن‌ها نصف دیه کامل دارد.

تبصره -

از بین بردن نرمه هر گوش، (از بین بردن نرمه‌ی هر دو گوش یک سوم دیه‌ی کامل دارد) موجب یک‌ششم دیه کامل است.

ماده ۶۰۱ -

پاره کردن لاله یک گوش، موجب یک‌ششم دیه کامل و پاره کردن نرمه یک گوش، موجب یک‌نهم دیه کامل است و در هر دو مورد در صورت بهبودی کامل، آرش ثابت است.

ماده ۶۰۲ -

فلج کردن لاله هر گوش، دوسوم دیه آن و بریدن لاله گوش فلج‌شده، یک‌سوم دیه آن را دارد.

ماده ۶۰۳ -

هرگاه لاله گوش به نحوی قطع شود که استخوان زیر آن ظاهر گردد علاوه بر دیه لاله گوش، دیه موضیحه نیز باید پرداخت شود.

ماده ۶۰۴ -

گوش شنوا و ناشنوا یا معیوبی که لاله آن سالم و دارای حس و حیات کامل باشد در احکام این فصل یکسان هستند.

ماده ۶۰۵ -

پاره کردن پرده گوش، موجب آرش است و اگر در اثر آن حس شنوایی نیز از بین برود یا نقصان پیدا کند، دیه آن نیز باید پرداخت شود.

ماده ۶۰۶ -

هرگاه آسیب رساندن به گوش به حس شنوایی سرایت کند یا موجب سرایت به استخوان و شکستگی آن شود هرکدام دیه جداگانه‌ای دارد.

مبحث پنجم - دیه لب

ماده ۶۰۷ -

از بین بردن دو لب، دیه کامل و هریک، نصف دیه کامل دارد و دیه از بین بردن مقداری از لب به نسبت تمام لب مُحاسبیه می‌شود.
تبصره -

خُدود لب بالا از نظر عَرْض، مقداری است که لثه را می‌پوشاند و به دو روزنه و دیواره بینی مُتصل و طول آن همان طول دهان است و خُدود لب پایین از نظر عَرْض، مقداری است که لثه را می‌پوشاند و طول آن همان طول دهان است. حاشیه گونه‌ها جزء لب‌ها محسوب نمی‌شود.

ماده ۶۰۸ -

جِنایتی که باعث جمع شدن یک یا دو لب و یا قسمتی از آن گردد موجب آرش است خواه موجب نمایان شدن دندان‌ها بشود خواه نشود.

ماده ۶۰۹ -

جِنایتی که موجب سُست و فلج شدن هریک از لب‌ها گردد به‌گونه‌ای که با خنده و مانند آن از دندان‌ها کنار نرود، موجب دوسوم دیه یک لب و از بین بردن هریک از لب‌های سُست و فلج شده موجب یک‌سوم دیه آن است.

ماده ۶۱۰ -

شکافتن هر دو لب به‌نحوی که باعث نمایان شدن دندان‌ها شود، یک‌سوم دیه کامل و در صورت بهبودی بدون عیب، یک‌پنجم دیه کامل دارد. شکافتن یک لب موجب یک‌ششم دیه کامل و در صورت بهبودی بدون عیب، موجب یک‌دهم دیه کامل است.

تبصره -

جِراحات وارده بر لب هرگاه باعث نمایان شدن دندان‌ها نگردد در صورتی که از مَصَادِیق حَارِصِیه، دامیه و مُتَلَاجِمِیه باشد، حُکم جِراحات مَذکور را دارد.

مبحث ششم - دیه زبان

ماده ۶۱۱ -

قطع و یا از بین بردن تمام زبان گویا موجب دیه کامل است و دیه از بین بردن قسمتی از آن به نسبت گویایی از بین رفته است که با تقسیم تمام دیه به حروف مُحاسبیه می‌شود.

تبصره ۱ -

دیه از بین بردن ادای هر حرف با توجه به حروف زبان تَكَلُّم مَجْنِئِ عَلَیْهِ تعیین می‌شود مانند اینکه از بین بردن قدرت ادای یک حرف شخص فارسی‌زبان، یک‌سی‌ودوم دیه کامل است.

تبصره ۲ -

شخصی که دارای لُکنت زبان است و یا به کُندی یا تندی سخن می‌گوید یا برخی از حروف را نمی‌تواند تلفظ کند، گویا محسوب می‌شود.

ماده ۶۱۲ -

قطع و از بین بردن تمام زبان لال موجب یک‌سوم دیه کامل است و از بین بردن مقداری از آن، موجب همان مقدار دیه به نسبت مساحت تمام زبان است.

تبصره -

لال اعم از مادرزادی و عارضی است لکن کسی که به واسطه عارضه‌ای به‌طور موقت قادر به سخن گفتن نیست، گویا محسوب می‌شود.

ماده ۶۱۳ -

هرگاه شخصی مقداری از زبان کسی را قطع کند و موجب از بین رفتن قدرت ادای تعدادی از حروف گردد و شخص دیگری مقداری دیگر از زبان او را قطع کند و موجب از بین رفتن قدرت ادای تعداد دیگری از حروف شود هر شخص به نسبت تعداد حروفی که قدرت ادای آن‌ها را از بین برده است، ضامن می‌باشد.

ماده ۶۱۴ -

قطع و از بین بردن تمام زبان کودکی که زمان سخن گفتن او فرا نرسیده، موجب دیه کامل است لکن اگر بعداً معلوم شود که لال بوده است، مازاد بر یک‌سوم دیه مُسترد می‌شود.

ماده ۶۱۵ -

هرگاه قسمتی از زبان کودکی که زمان سخن گفتن او فرا نرسیده است، قطع شود به میزان نسبت مساحت قطع شده، دیه پرداخت می‌شود لکن اگر بعداً معلوم شود که کودک لال بوده است، دوسوم آن مُسترد می‌گردد و چنانچه معلوم شود که گویا بوده است، در صورتی که دیه حروف از بین رفته از دیه نسبت گویایی از بین رفته بیشتر باشد، مابۀ التفاوت آن باید پرداخت شود.

مبحث هفتم - دیه دندان

ماده ۶۱۶ -

از بین بردن تمام دندان‌های دائم بیست و هشت‌گانه دیه کامل دارد که به‌ترتیب زیر توزیع می‌شود:
الف - دندان‌های جلو که عبارت‌اند از: پیش، چهارتایی و نیش که از هر کدام دو عدد در بالا و دو عدد در پایین می‌روید و جمعاً دوازده عدد است، هر کدام یک‌بیستم دیه کامل دارد.
ب - دندان‌های عقب که در چهار سمت پایانی از بالا و پایین در هر کدام یک ضاحک و سه ضرس قرار دارد و جمعاً شانزده عدد است، هر کدام یک‌چهارم دیه کامل دارد.

ماده ۶۱۷ -

دندان‌های اضافی به هر نام که باشد و به هر نحو که روییده باشد اگر در کندن آن‌ها نقصی حاصل شود، ارش ثابت می‌گردد و اگر هیچ‌گونه نقصی حاصل نشود ارش نیز ندارد.

تبصره ۱ -

هرگاه در کندن دندان زائد نقصی حاصل نشود لکن جراحی به وجود آید، برای جراحی مزبور، ارش ثابت است.

تبصره ۲ -

هرگاه در مورد اینکه دندان کُنده شده اصلی است یا زائد، تردید وجود داشته باشد و با رجوع به کارشناس، زائد یا اصلی بودن آن مشخص نشود، اقل‌الامرین از دیه دندان اصلی و ارش دندان زائد پرداخت می‌شود.

ماده ۶۱۸ -

هرگاه دندان‌های اصلی دائمی از بیست‌وهشت عدد کمتر باشد به همان نسبت از دیه کامل کاهش می‌یابد خواه خلقتاً کمتر باشد یا در اثر عارضه‌ای کم شده باشد.

ماده ۶۱۹ -

در میزان دیه تفاوتی میان دندان‌هایی که رنگ‌های گوناگون دارند، وجود ندارد و اگر دندانی در اثر جنایت، سیاه شود و نیفتد دیه آن دوسوم دیه همان دندان است و دیه دندانی که قبلاً سیاه شده است، یک‌سوم دیه همان دندان است.

تبصره -

در تغییر رنگ دندان، بدون آنکه سیاه شود یا منفعت آن از بین برود، ارش ثابت است و اگر پس از آن شخصی دندان مزبور را بکند، باید دیه کامل همان دندان را بدهد.

ماده ۶۲۰ -

ایجاد تَرَک یا لَقی کردن دندان هرگاه در حُکم از بین بردن آن باشد، موجب ديه همان دندان و در غير اين صورت موجب اُرش است.

ماده ۶۲۱ -

کَنَدَن دندان لَقی یا تَرَک خورده که مَنفَعَت آن باقی است، موجب ديه همان دندان و در غير اين صورت موجب اُرش است.

ماده ۶۲۲ -

شکستن آن مقدار از دندان که نمایان است با بقای ریشه، ديه همان دندان را دارد و اگر کسی بعد از شکستن مقدار مَزبور ریشه را بکند، خواه مُرتکب کسی باشد که مقدار نمایان دندان را شکسته است یا دیگری، اُرش تعیین می‌شود.

تبصره ۱ -

شکستن مقداری از قسمت نمایان دندان به همان نسبت ديه دارد.

تبصره ۲ -

هرگاه قسمتی از دندان کَنده شده در اثر جِنایت یا عارضه‌ای قبلاً از بین رفته باشد به همان نسبت از ديه دندان کاهش می‌یابد.

ماده ۶۲۳ -

در کَنَدَن دندان شیری یک‌صدم ديه کامل ثابت است مگر اینکه کَنَدَن آن موجب گردد دندان دائمی نروید که در این صورت باید ديه کامل دندان دائمی پرداخت شود.

تبصره -

شکستن، مَعیوب کردن و شکافتن دندان شیری موجب اُرش است.

ماده ۶۲۴ -

با کَنَدَن شدن دندان دائمی ديه همان دندان ثابت می‌شود، اگرچه دوباره در محل آن، دندان دیگری بروید و مانند سابق شود و چنانچه شخصی دندان روییده شده را دوباره بکند، باید ديه کامل همان دندان را بپردازد.

ماده ۶۲۵ -

هرگاه به جای دندان کَنده شده دندان دیگری یا همان دندان قرار گیرد و مانند دندان اصلی دارای حس و حیات شود، کَنَدَن آن، ديه همان دندان را دارد لکن اگر دارای حس و حیات نباشد، کَنَدَن آن موجب ضَمَان مالی است.

مبحث هشتم - ديه گردن

ماده ۶۲۶ -

کَج شدن و خمیدگی گردن در اثر شکستگی در صورت عدم بهبودی و باقی ماندن این حالت موجب ديه کامل و در صورت بهبودی و زَوَال حالت خمیدگی و کَج شدگی موجب اُرش است.

نکته ۱ - صدمات وارده بر گردن در موارد زیر موجب اُرش است:

۱- کَج شدن و خمیدگی گردن در اثر شکستگی در صورت بهبودی و زوال حالت خمیدگی و کَج شدگی

۲- شکستگی گردن بدون کَج شدن و خمیدگی آن

۳- جنایت برگردن که مانع فروبردن یا جویدن غذا و یا نقص آن و یا مانع حرکت گردن شود.

ماده ۶۲۷ -

شکستگی گردن بدون کَج شدن و خمیدگی موجب اُرش است.

ماده ۶۲۸ -

جِنایت بر گردن که مانع فرو بردن یا جویدن غذا و یا نقص آن و یا مانع حرکت گردن شود موجب اُرش است.

مبحث نهم - ديه فک

ماده ۶۲۹ -

قطع کردن و یا از بین بردن دو استخوان چپ و راست فک که محل رویش دندان‌های پایین است، ديه کامل، هرکدام از آن‌ها نصف ديه کامل و مقداری از آن‌ها به همان نسبت ديه دارد.

ماده ۶۳۰ -

دیه فک، مُستقل از دیه دندان و سایر اعضاء است و اگر با فک، دندان یا غیر آن از بین برود یا آسیب ببیند هر کدام دیه یا آرش جداگانه دارد.

ماده ۶۳۱ -

جنایتی که موجب کُندی حرکت فک شود، آرش دارد و چنانچه مانع جویدن یا موجب نقص آن شود، آرش آن نیز افزوده می‌شود.

ماده ۶۳۲ -

از بین بردن تمام یا قسمتی از فک بالا، موجب آرش است.

ماده ۶۳۳ -

شکستگی استخوان فک پایین مَشْمول حکم شکستگی استخوان و شکستگی استخوان فک بالا مَشْمول حکم شکستگی استخوان‌های سر و صورت است.

ماده ۶۳۴ -

فَلَج کردن فک پایین، دوسوم دیه کامل و قطع فک فَلَج، یک‌سوم دیه کامل دارد.

مبحث دهم - دیه دست و پا

ماده ۶۳۵ -

قطع کردن و یا از بین بردن هر یک از دست‌ها از مَفْصَلُ مِجْ به شرط آنکه دارای انگشتان کامل باشد، موجب نصف دیه کامل است خواه مَجْنُ عَلیه دارای دو دست و خواه به هر علت دارای یک دست باشد.

ماده ۶۳۶ -

قطع تمام انگشتان یک دست از انتهای انگشتان یا تا مِجْ، موجب نصف دیه کامل است.

ماده ۶۳۷ -

قطع کردن و یا از بین بردن کَفِ دستی که به هر علت دارای انگشت نمی‌باشد، موجب آرش است.

تبصره -

در قطع کردن و یا از بین بردن کَفِ دستی که کمتر از پنج انگشت دارد، علاوه بر دیه آن انگشتان، نسبتی از آرش کَفِ دست نیز ثابت است، بدین ترتیب که اگر مِجْ دست دارای یک انگشت باشد، علاوه بر دیه یک انگشت، چهارپنجم آرش کَفِ دست و اگر دارای دو انگشت باشد، علاوه بر دیه دو انگشت، سه‌پنجم آرش کَفِ دست و اگر دارای سه انگشت باشد، علاوه بر دیه سه انگشت، دوپنجم آرش کَفِ دست و اگر دارای چهار انگشت باشد، علاوه بر دیه چهار انگشت، یک‌پنجم آرش کَفِ دست نیز پرداخت می‌شود.

ماده ۶۳۸ -

قطع دست دارای ساعِد از آرنج، خواه دارای کَفِ باشد خواه نباشد نصف دیه کامل دارد و قطع دست دارای بازو از شانه، خواه دارای آرنج باشد خواه نباشد، نصف دیه کامل دارد.

ماده ۶۳۹ -

دستی که دارای انگشتان است اگر بالاتر از مَفْصَلُ مِجْ و نیز دستی که دارای ساعِد است اگر بالاتر از آرنج قطع گردد علاوه بر نصف دیه کامل، موجب آرش مقدار زائدی که قطع شده نیز می‌باشد.

ماده ۶۴۰ -

قطع دست اصلی کسی که از مِجْ یا آرنج یا شانه دارای دو دست است، موجب نصف دیه کامل و قطع دست زائد موجب آرش است. تشخیص دست اصلی و زائد برعهده کارشناس مورد وثوق است.

ماده ۶۴۱ -

دیه هر یک از انگشتان اصلی دست، یک‌دهم دیه کامل است.

ماده ۶۴۲ -

بریدن یا از بین بردن هر بند انگشت غیر شَسْت، موجب یک‌سوم دیه آن انگشت و هر بند انگشت شَسْت، موجب نصف دیه شَسْت است.

ماده ۶۴۳ -

دیه انگشت زائد، یک‌سوم دیه انگشت اصلی و دیه بندهای انگشت زائد، یک‌سوم دیه همان بند اصلی و دیه بند زائد انگشت اصلی یک‌سوم دیه بند اصلی همان انگشت است.

تبصره -

در صورتی که بند انگشت نقصان داشته باشد به همان میزان از مقدار دیه آن کاسته می‌شود.

ماده ۶۴۴ -

دیه فلج کردن هر دست دوسوم دیه دست، دیه فلج کردن هر انگشت دوسوم دیه همان انگشت، دیه قطع دست فلج یک‌سوم دیه دست و دیه قطع انگشت فلج یک‌سوم دیه همان انگشت است.

ماده ۶۴۵ -

دیه از بین بردن ناخن به طوری که دیگر نروید یا فاسد و معیوب برآید، یک‌درصد دیه کامل و اگر بدون عیب برآید، نیم‌درصد دیه کامل می‌باشد.

ماده ۶۴۶ -

احکام مذکور در دیه دست و انگشتان آن، در پا و انگشتان آن نیز جاری است.

مبحث یازدهم - دیه ستون فقرات، نخاع و نشیمنگاه

ماده ۶۴۷ -

دیه شکستن ستون فقرات به ترتیب ذیل است:

الف - شکستن ستون فقرات در صورتی که اصلاً درمان نشود و یا بعد از علاج به صورت خمیده درآید، موجب دیه کامل است.

ب - شکستن ستون فقرات که بی‌عیب درمان شود ولی موجب از بین رفتن یکی از منافع گردد مانند اینکه مجنی علیه توان راه رفتن یا نشستن نداشته باشد و یا توان جنسی یا کنترل ادرار وی از بین برود، موجب دیه کامل است.

پ - شکستن ستون فقرات که درمان نشود و موجب عوارضی از قبیل موارد مندرج در بند (ب) شود، علاوه بر دیه کامل شکستگی ستون فقرات، موجب دیه یا ارش هریک از عوارض حاصله نیز است.

ت - شکستن ستون فقرات که بدون عیب درمان شود، موجب یک‌دهم دیه کامل است.

ث - شکستن ستون فقرات که موجب فلج و بی‌حس شدن پاها گردد علاوه بر دیه ستون فقرات، موجب دوسوم دیه برای فلج دو پا نیز است.

تبصره ۱ -

مراد از شکستن ستون فقرات، شکستن یک یا چند مهره از مهره‌های ستون فقرات به جز مهره‌های گردن و استخوان دنبالچه می‌باشد.

تبصره ۲ -

چنانچه سبب خمیدگی پشت شود بدون آنکه موجب شکستن ستون فقرات گردد در صورتی که خمیدگی درمان نشود، موجب دیه کامل و در صورتی که بدون عیب درمان شود، دیه آن یک‌دهم دیه کامل است.

ماده ۶۴۸ -

قطع نخاع دیه کامل و قطع جزئی از آن به نسبت مساحت عرض، دیه دارد.

ماده ۶۴۹ -

هرگاه قطع نخاع موجب عیب عضو دیگر شود، حسب مورد دیه یا ارش آن عضو بر دیه نخاع افزوده می‌شود.

ماده ۶۵۰ -

از بین بردن دو کپل به نحوی که به استخوان برسد، دیه کامل و هر کدام از آنها، نصف دیه کامل و قسمتی از آن، به همان نسبت دیه دارد.

ماده ۶۵۱ -

شکستن استخوان دنبالچه، موجب ارش است مگر آنکه جنایت مزبور باعث شود مجنی علیه قادر به ضبط مدفوع نباشد که در این صورت دیه کامل دارد و اگر قادر به ضبط مدفوع باشد ولی قادر به ضبط باد نباشد، ارش آن نیز پرداخت می‌شود.

ماده ۶۵۲ -

هرگاه صدمه‌ای که به حد فاصل بیضه‌ها و مقعد وارد شده است موجب عدم ضبط ادرار یا مدفوع یا هر دو گردد، یک دیه کامل دارد.

مبحث دوازدهم - دیه دنده و ترقوه

ماده ۶۵۳ -

دیه شکستن هریک از دنده‌های محیط به قلب که از آن حفاظت می‌کند، یک‌چهارم دیه کامل و دیه شکستن هریک از دنده‌های دیگر، یک‌صدم دیه کامل می‌باشد.
تبصره -
کندن دنده موجب اُرش است.

ماده ۶۵۴ -

دیه موضیحه هریک از دنده‌ها، یک‌چهارم دیه شکستن آن، دیه ترک خوردن هریک از دنده‌های محیط به قلب، یک‌هشتادم دیه کامل و دیه دررفتگی آن، هفت‌ونیم هزارم دیه کامل است. دیه ترک خوردن هریک از دنده‌های دیگر هفت‌هزارم دیه کامل و دیه دررفتگی آن‌ها پنج‌هزارم دیه کامل است.

ماده ۶۵۵ -

قطع و از بین بردن دو استخوان ترقوه، موجب دیه کامل و هرکدام از آن‌ها، موجب نصف دیه کامل است.

ماده ۶۵۶ -

شکستن هریک از استخوان‌های ترقوه در صورتی که بدون عیب درمان شود، موجب چهار درصد دیه کامل و در صورتی که درمان نشود و یا با عیب درمان شود، موجب نصف دیه کامل است.

ماده ۶۵۷ -

دیه ترک خوردن هریک از استخوان‌های ترقوه، سی‌ودو هزارم، دیه موضیحه آن، بیست و پنج‌هزارم، دیه دررفتگی آن، بیست‌هزارم و دیه سوراخ شدن آن، ده‌هزارم دیه کامل است.

مبحث سیزدهم - دیه ازاله بکارت و افضاء

ماده ۶۵۸ -

هرگاه ازاله بکارت غیرهمسر با مقاربت یا به هر وسیله دیگری و بدون رضایت صورت گرفته باشد موجب ضمان مهرالمثل است.
تبصره ۱ -
هرگاه ازاله بکارت با مقاربت و با رضایت انجام گرفته باشد چیزی ثابت نیست.
تبصره ۲ -
رضایت دختر نابالغ یا مجنون یا مکرهی که رضایت واقعی به زنا نداشته در حکم عدم رضایت است.

ماده ۶۵۹ -

هرگاه به همراه ازاله بکارت جنایت دیگری نیز به وجود آید مانند آنکه مئانه آسیب دیده و شخص نتواند ادرار خود را ضبط کند، جنایت مزبور حسب مورد دیه یا اُرش جداگانه دارد.

ماده ۶۶۰ -

إفضای همسر به ترتیب ذیل موجب ضمان است:
الف - هرگاه همسر، بالغ و افضاء به سببی غیر از مقاربت باشد، دیه کامل زن باید پرداخت شود.
ب - هرگاه همسر، نابالغ و افضاء به سبب مقاربت جنسی باشد علاوه بر تمام مهر و دیه کامل زن، نفقه نیز تا زمان وفات یکی از زوجین بر عهده زوج است هر چند او را طلاق داده باشد.
تبصره -
إفضاء عبارت از یکی شدن دو مجرای بُول و حیض یا حیض و غایط است.

ماده ۶۶۱ -

إفضای غیرهمسر، به ترتیب ذیل موجب ضمان است:
الف - هرگاه افضاء شده نابالغ یا مکره بوده و افضاء به سبب مقاربت باشد، علاوه بر مهرالمثل و دیه کامل زن، در صورت ازاله بکارت، اُرش البکاره نیز ثابت خواهد بود و اگر افضاء به غیرمقاربت باشد، دیه کامل زن و در صورت ازاله بکارت، مهرالمثل نیز ثابت است.
ب - هرگاه افضاء با رضایت زن بالغ و از طریق مقاربت انجام گرفته باشد، تنها پرداخت دیه کامل زن ثابت خواهد بود.

پ- فضای ناشی از وطی به شبهه علاوه بر مهرالمثل و ديه، در صورت ازاله بکارت، موجب ارش البکاره نیز می‌باشد.

مبحث چهاردهم - ديه اندام تناسلی و بیضه

ماده ۶۶۲ -

قطع و از بین بردن اندام تناسلی مرد تا ختنه‌گاه و یا بیشتر از آن، موجب ديه کامل است و در کمتر از ختنه‌گاه به نسبت ختنه‌گاه محاسبه و به همان نسبت ديه پرداخت می‌شود.

تبصره ۱ -

در این حکم تفاوتی بین اندام کودک، جوان، پیر، عقیم و شخصی که دارای بیضه سالم یا معیوب یا فاقد بیضه است، وجود ندارد.

تبصره ۲ -

هرگاه با یک ضربه تا ختنه‌گاه از بین برود و سپس مُرتکب یا شخص دیگری باقیمانده یا قسمتی دیگر از اندام تناسلی را از بین ببرد، نسبت به ختنه‌گاه، ديه کامل و در مقدار بیشتر، ارش ثابت است.

تبصره ۳ -

هرگاه قسمتی از ختنه‌گاه را شخصی و قسمت دیگر از ختنه‌گاه را شخص دیگری قطع کند، هر یک به نسبت مساحتی که از ختنه‌گاه قطع کرده‌اند، ضامن می‌باشند و چنانچه شخصی قسمتی از ختنه‌گاه را قطع کند و دیگری باقیمانده ختنه‌گاه را به انضمام تمام یا قسمتی از اندام تناسلی قطع کند، نسبت به چنایت اول، ديه به مقدار مساحت قطع شده از ختنه‌گاه و نسبت به چنایت دوم، بقیه ديه و ارش مقدار زائد قطع شده از اندام تناسلی ثابت است.

ماده ۶۶۳ -

قطع اندام تناسلی فلج، موجب یک‌سوم ديه کامل و فلج کردن اندام سالم موجب دوسوم ديه کامل است لکن در قطع اندام عین (نوعی بیماری است که به واسطه‌ی آن، آلت تناسلی مرد منتشر نمی‌شود و حالت نعوض به وجود نمی‌آید و در نتیجه آن، زوج از عمل نزدیکی عاجز می‌شود، مردی را که دارای این حالت باشد عین گویند) ثلث ديه کامل ثابت است.

تبصره -

قطع قسمتی از اندام فلج به نسبت تمام اندام تناسلی، خواه قسمت مقطوع ختنه‌گاه باشد خواه غیر آن ديه دارد.

ماده ۶۶۴ -

قطع و از بین بردن هر یک از دو طرف اندام تناسلی زن، موجب نصف ديه کامل زن است و قطع و از بین بردن بخشی از آن، به همان نسبت ديه دارد. در این حکم فرقی میان باکره و غیر باکره، خردسال و بزرگسال سالم و معیوب از قبیل رتقاء و قرناء نیست.

ماده ۶۶۵ -

قطع دو بیضه یکباره ديه کامل و قطع بیضه چپ، دو ثلث ديه و قطع بیضه راست، ثلث ديه دارد.

تبصره -

فرقی در حکم مذکور بین جوان و پیر و کودک و بزرگ و عین و سالم و مانند آن نیست.

ماده ۶۶۶ -

دیه ورم کردن یک بیضه، دودهم ديه کامل است و اگر تورم مانع راه رفتن مفید شود ديه آن هشت‌دهم ديه کامل است.

ماده ۶۶۷ -

قطع بیضه‌ها یا اندام تناسلی مردانه خنثای ملحق به مرد، موجب ديه کامل است. قطع بیضه‌ها یا اندام تناسلی مردانه خنثای مشکلی یا ملحق به زن، موجب ارش است.

ماده ۶۶۸ -

از بین بردن عینه (رستنگاه موی بر بالای شرمگاه مرد و زن که از علائم بلوغ است) مرد یا زن، موجب ارش است.

مبحث پانزدهم - ديه پستان

ماده ۶۶۹ -

قطع و از بین بردن هریک از دو پستان زن، موجب نصف دیه کامل زن و از بین بردن مقداری از آن به همان نسبت موجب دیه است و اگر همراه با از بین رفتن تمام یا بخشی از پستان مقداری از پوست یا گوشت اطراف آن هم از بین برود یا موجب جنایت دیگری گردد، علاوه بر دیه پستان، دیه یا اَرش جنایت مزبور نیز باید پرداخت شود.

ماده ۶۷۰ -

در قطع کردن شیر پستان زن یا از بین بردن قدرت تولید شیر یا مُعَدَّر کردن خروج شیر از پستان و یا ایجاد هر نقص دیگری در آن، اَرش ثابت است.

نکته ۱- در موارد زیر به زن اَرش تعلق می‌گیرد:

۱- قطع کردن شیر پستان زن

۲- از بین بردن قدرت تولید شیر

۳- متعذر کردن خروج شیر از پستان

فصل چهارم - قواعد عمومی دیه منافع

ماده ۶۷۱ -

أدله اثبات دیه منافع، همان أدله اثبات دیه اعضاء است. در موارد اختلاف میان مُرتکب و مَجْنیِّ عَلَیْهِ در زَوَالِ مَنَفَعَتٍ یا نُقْصَانِ آن، چنانچه از طریق اختبار و آزمایش، اقرار، بیَّنه، عِلْمِ قَاضی یا قول کارشناس مورد وثوق، زَوَالِ یا نُقْصَانِ مَنَفَعَتٍ ثابت نشود در صورت تَحَقُّقِ لَوْثٍ، مَجْنیِّ عَلَیْهِ می‌تواند با قَسَامَه به نحوی که در دیه اعضاء مَقَرَّر است، دیه را ثابت کند و چنانچه نسبت به بازگشت مَنَفَعَتِ زَائِلِ یا ناقص شده اختلاف باشد دیه با یک سوگند مَجْنیِّ عَلَیْهِ ثابت می‌شود و نیازی به قَسَامَه نیست.

نکته ۱- در خصوص دیه‌ی منافع، چنانچه نسبت به بازگشت منفعت ناقص شده، میان مرتکب و مَجْنیِّ عَلَیْهِ اختلاف باشد، دیه با یک سوگند مَجْنیِّ عَلَیْهِ ثابت می‌شود و نیاز به قسامه نیست.

ماده ۶۷۲ -

در مواردی که نظر کارشناسی بازگشت مَنَفَعَتِ زَائِلِ یا ناقص شده در مدت معینی باشد چنانچه مَجْنیِّ عَلَیْهِ قبل از مدت تعیین شده فوت کند دیه ثابت می‌شود.

ماده ۶۷۳ -

هرگاه جنایتی که موجب زَوَالِ یکی از منافع شده است، سرایت کند و سبب مرگ مَجْنیِّ عَلَیْهِ شود دیه مَنَفَعَتِ در دیه نَفْسِ تَدَاخُلِ می‌کند و تنها دیه نَفْسِ قَابِلِ مُطَالَبَه است.

نکته ۱- هرگاه جنایتی که موجب زوال یکی از منافع شده است سرایت کند و سبب مرگ مَجْنیِّ عَلَیْهِ شود، دیه‌ی منفعت در دیه نَفْسِ تَدَاخُلِ می‌کند و تنها دیه نَفْسِ قَابِلِ مُطَالَبَه است.

ماده ۶۷۴ -

هرگاه در مُهَلَّتِی که به طریق مُعْتَبَرِی برای بازگشت مَنَفَعَتِ زَائِلِ یا ناقص شده، تعیین گردیده، عضوی که مَنَفَعَتِ، قائم به آن است از بین برود، به عنوان مثال چشمی که بینایی آن به طور موقت از بین رفته است از حَدِّقَه بیرون بیاید، مُرتکب، فقط ضامن اَرش زَوَالِ مَوْقَّتِ آن مَنَفَعَتِ است و چنانچه از بین رفتن آن عضو به سبب جنایت شخص دیگر باشد مُرتکب دوّم، ضامن دیه کامل آن عضو می‌باشد.

فصل پنجم - دیه مَقَرَّر مَنَافِع

مبحث اوّل - دیه عقل

ماده ۶۷۵ -

زائل کردن عقل موجب دیه کامل و ایجاد نقص در آن موجب اَرش است، خواه جنایت در اثر ایراد ضربه و جراحت و خواه ترساندن و مانند آن باشد. تبصره -

در صورتی که مَجْنیِّ عَلَیْهِ دچار جنون آدواری شود اَرش ثابت است.

ماده ۶۷۶ -

در زَوَالِ و نُقْصَانِ حَافِظَه و نیز اِخْتِلَالِ رَوَانِی در صورتی که به حدّ جنون نرسد اَرش ثابت است.

ماده ۶۷۷ -

جنایتی که موجب زوال عقل یا کم شدن آن شود هر چند عمدی باشد حَسَبِ مورد، موجب ديه یا اَرش است و مُرتکب قِصاص نمی شود.

ماده ۶۷۸ -

هرگاه در اثر صدمه‌ای مانند شکستن سر یا صورت، عقل زائل شود یا نُقصان یابد، هریک ديه یا اَرش جداگانه‌ای دارد.

ماده ۶۷۹ -

هرگاه در اثر جنایتی عقل زائل گردد و پس از دریافت ديه کامل عقل برگردد، ديه مُسترد و اَرش پرداخت می شود.

نکته ۱- هرگاه در اثر جنایتی عقل زایل گردد و پس از دریافت ديه کامل، عقل برگردد ديه مسترد و اَرش پرداخت می شود.

ماده ۶۸۰ -

هرگاه در اثر جنایتی مَجْنُونٌ عَلَیْهِ بی هوش شود و به اِغماء برود، چنانچه مُنتهی به فوت او گردد، ديه نَفَس ثابت می شود و چنانچه به هوش آید، نسبت به زمانی که بی هوش بوده، اَرش ثابت می شود و چنانچه عوارض و آسیب‌های دیگری نیز به وجود آید، ديه یا اَرش عوارض مزبور نیز باید پرداخت شود.

ماده ۶۸۱ -

جنایت بر کسی که در اِغماء یا بیهوشی و مانند آن است از جهت احکام مربوط به قِصاص و ديه، جنایت بر شخص هوشیار محسوب می شود.

مبحث دوم - ديه شنوایی

ماده ۶۸۲ -

از بین بردن شنوایی هر دو گوش ديه کامل و از بین بردن شنوایی یک گوش نصف ديه کامل دارد هر چند شنوایی دو گوش به یک اندازه نباشد.

ماده ۶۸۳ -

از بین بردن شنوایی گوش شنوای شخصی که یکی از گوش‌های او نمی‌شود، موجب نصف ديه کامل است.

ماده ۶۸۴ -

کاهش شنوایی در صورتی که مقدار آن قابل تشخیص باشد به همان نسبت ديه دارد.

ماده ۶۸۵ -

هرگاه با قطع یا از بین بردن گوش و یا هر جنایت دیگری شنوایی از بین برود یا نُقصان یابد هریک از جنایت‌ها، ديه یا اَرش جداگانه دارد.

نکته ۱- در قطع لاله‌ی گوش در یک جنایت که موجب زوال شنوایی شود، دو جنایت محسوب شده و برای هر جنایت ديه‌ی آن جنایت پرداخت می شود.

ماده ۶۸۶ -

هرگاه در اثر جنایتی در مجرای شنوایی، نقص دائمی ایجاد شود به نحوی که به طور کامل مانع شنیدن گردد، ديه شنوایی ثابت است و در صورتی که نقص موقتی باشد اَرش تعیین می شود.

ماده ۶۸۷ -

هرگاه کودکی که زمان سخن گفتن او فرا نرسیده است در اثر کُر شدن نتواند سخن بگوید و یا کودکی که تازه زمان سخن گفتن او فرا رسیده است در اثر کُر شدن نتواند کلمات دیگر را یاد گیرد و بر زبان آورد، علاوه بر ديه شنوایی، ديه یا اَرش زَوَال یا نقص گفتار نیز، حَسَبِ مورد ثابت می شود.

نکته ۱- هرگاه در اثر جنایتی، حس شنوایی و گویایی هر دو از بین برود، دو ديه کامل دارد.

ماده ۶۸۸ -

هرگاه در اثر جنایتی حس شنوایی و گویایی، هر دو از بین برود، هر کدام یک ديه کامل دارد.

مبحث سوم - ديه بینایی

ماده ۶۸۹ -

از بین بردن بینایی هر دو چشم ديه کامل و از بین بردن بینایی یک چشم نصف ديه کامل دارد.

تبصره

چشم‌هایی که بینایی دارند در حُکم مذکور یکسان هستند هر چند میزان بینایی آن‌ها متفاوت باشد یا از جهات دیگر مانند شب‌کوری و مُنحرف بودن با هم تفاوت داشته باشند.

ماده ۶۹۰ -

کاهش بینایی، در صورتی که مقدار آن قابل تشخیص باشد به همان نسبت دیه دارد و چنانچه قابل تشخیص نباشد، موجب آرش است.

ماده ۶۹۱ -

از بین بردن بینایی چشم کسی که فقط یک چشم بینا دارد و چشم دیگرش نابینای مادرزادی بوده و یا در اثر علل غیرجنایی از بین رفته باشد، موجب دیه کامل است لکن اگر چشم دیگرش را در اثر قصاص یا جنایتی که استحقاق دیه آن را داشته است، از دست داده باشد، دیه چشم بینا، نصف دیه کامل می‌باشد.

ماده ۶۹۲ -

از بین بردن یا بیرون آوردن چشم از حدقه فقط یک دیه دارد و از بین رفتن بینایی، دیه دیگری ندارد لکن اگر در اثر صدمه دیگری مانند شکستن سر، بینایی نیز از بین برود یا نقصان یابد، هر کدام حسب مورد دیه یا آرش جداگانه دارد.

مبحث چهارم - دیه بویایی

ماده ۶۹۳ -

از بین بردن کامل بویایی، موجب دیه کامل است و از بین بردن قسمتی از آن، آرش دارد.

تبصره -

اگر در اثر جنایت، بویایی یکی از دو سوراخ بینی به طور کامل از بین برود نصف دیه کامل دارد.

ماده ۶۹۴ -

هرگاه در اثر بُریدن یا از بین بُردن بینی یا جنایت دیگری بویایی نیز از بین برود یا نقصان یابد هر جنایت، دیه یا آرش جداگانه دارد.

نکته ۱- هرگاه در اثر بُریدن یا از بین بردن بینی یا جنایت دیگری بویایی نیز از بین برود یا نقصان یابد، هر جنایت دیه یا آرش جداگانه دارد.

مبحث پنجم - دیه چشایی

ماده ۶۹۵ -

از بین بردن حس چشایی و نقصان آن، موجب آرش است.

ماده ۶۹۶ -

هرگاه با قطع تمام زبان، حس چشایی از بین برود، فقط دیه قطع زبان پرداخت می‌شود و اگر با قطع بخشی از زبان، چشایی از بین برود یا نقصان یابد، در صورتی که چشایی از بین رفته مربوط به همان قسمت زبان باشد، هر کدام از آرش چشایی و دیه زبان که بیشتر باشد، باید پرداخت شود و اگر چشایی از بین رفته مربوط به همان قسمت از زبان نباشد، آرش چشایی و دیه زبان جداگانه باید پرداخت شود مگر اینکه از دیه کامل بیشتر باشد که در این صورت فقط به میزان دیه کامل پرداخت می‌شود و اگر با جنایت بر غیر زبان، چشایی از بین برود یا نقصان پیدا کند، دیه یا آرش آن جنایت بر آرش چشایی افزوده می‌گردد.

مبحث ششم - دیه صوت و گویایی

ماده ۶۹۷ -

از بین بردن صوت به طور کامل به گونه‌ای که شخص نتواند صدایش را آشکار کند، دیه کامل دارد گرچه بتواند با أَحْفَات و آهسته صدایش را برساند.

نکته ۱- از بین بردن صوت به طور کامل، به گونه‌ای که شخص نتواند صدایش را آشکار کند دیه کامل دارد.

ماده ۶۹۸ -

از بین بردن گویایی به طور کامل و بدون قطع زبان، دیه کامل و از بین بردن قدرت آدای برخی از حروف به همان نسبت دیه دارد.

تبصره -

شخصی که دارای لُکنت زبان است و یا به کُندی یا تندی سخن می‌گوید یا برخی از حروف را نمی‌تواند تلفظ کند، گویا محسوب می‌شود و دیه از بین بردن آدای هر حرف با توجه به تعداد حروف زبان تکلم مجنی علیه تعیین می‌شود؛ مانند اینکه از بین بردن قدرت آدای یک حرف شخص فارسی زبان، یک سی و دوم دیه کامل است.

ماده ۶۹۹ -

جنایتی که موجب پیدایش عیبی در گفتار یا آدای حروف گردد و یا عیب موجود در آن را تشدید کند، موجب آرش است.

ماده ۷۰۰ -

جنایتی که باعث شود مَجْنِيٌّ عَلَيْهِ حرفی را به جای حرف دیگر ادا نماید، مانند آنکه به جای حرف «ل»، حرف «ر» تَلَفُظ نماید اگر عرفاً عیب تلقی شود، موجب اُرش است.

ماده ۷۰۱ -

جنایتی که موجب عیبی در صوت مانند کاهش طنین صدا، گرفتگی آن و یا صحبت کردن از طریق بینی شود، اُرش دارد.

نکته ۱- در جنایتی که موجب نقصان صوت شود، اُرش تعیین می شود.

ماده ۷۰۲ -

از بین رفتن صوت بعضی از حروف، موجب اُرش است.

ماده ۷۰۳ -

در صورتی که جنایت، علاوه بر زَوَال صوت، موجب زَوَال نطق نیز گردد، دو دیه ثابت می شود.

مبحث هفتم - دیه سایر مَنَافِع

ماده ۷۰۴ -

جنایتی که به طور دائم موجب سَلَس (یعنی روان شدن ادرار بدون اختیار) و ریزش ادرار گردد، دیه کامل دارد و جنایتی که موجب ریزش غیردائمی ادرار گردد، موجب اُرش است.

ماده ۷۰۵ -

جنایتی که موجب عَدَم ضَبُط دائم مدفوع یا ادرار شود، دیه کامل دارد.

ماده ۷۰۶ -

از بین بردن قدرت اِنزال یا تولید مثل مرد یا بارداری زن و یا از بین بردن لذت مُقَارَبَت زن یا مرد موجب اُرش است.

نکته ۱- در موارد زیر جنایت ارتكابی موجب اُرش است:

۱- از بین بردن قدرت اِنزال یا تولید مثل مرد

۲- از بین بردن قدرت بارداری زن

۳- از بین بردن لذت مقاربت زن یا مرد

ماده ۷۰۷ -

از بین بردن کامل قدرت مُقَارَبَت، موجب دیه کامل است.

ماده ۷۰۸ -

از بین بردن یا نقص دائم یا موقت حواس یا مَنَافِع دیگر مانند لامِیَهِ، خواب و عادت ماهانه و نیز به وجود آوردن امراضی مانند لرزش، تشنگی، گرسنگی، ترس و غَش، موجب اُرش است.

فصل ششم - دیه جِراحات

ماده ۷۰۹ -

جِراحات سر و صورت و دیه آن‌ها به ترتیب ذیل است:

الف- حارِصِه: خَرَّاش پوست بدون آنکه خون جاری شود، یک‌صدم دیه کامل

ب- دامیه: جِراحی که اندکی وارد گوشت شود و همراه با جریان کم یا زیاد خون باشد، دوصدم دیه کامل (دم = خون)

پ- مُتَلَاجِمِه: جِراحی که موجب بریدگی عمیق گوشت شود لکن به پوست نازک روی استخوان نرسد، سه‌صدم دیه کامل (لحم = گوشت)

ت- سِمحاق: جِراحی که به پوست نازک روی استخوان برسد، چهارصدم دیه کامل

ث- موضِحِه: جِراحی که پوست نازک روی استخوان را کنار بزند و استخوان را آشکار کند، پنج‌صدم دیه کامل

ج- هاشیمِه: جنایتی که موجب شکستگی استخوان شود گرچه جِراحی را تولید نکند، ده‌صدم دیه کامل

چ - مُنْقَلِه: جنایتی که درمان آن جز با جابه‌جا کردن استخوان مُیسَّر نباشد، پانزده‌صدم دیه کامل

ح - مأمومیه: چِراختی که به کیسه مغز برسد، یک‌سوم دیه کامل

خ - دامغه: صدمه یا چِراختی که کیسه مغز را پاره کند، که علاوه بر دیه مأمومیه، موجب اُرش پاره شدن کیسه مغز نیز می‌باشد.

تبصره ۱ -

چِراحت گوش، بینی، لب، زبان و داخل دهان، در غیر مواردی که برای آن دیه مُعین شده است، در حُکم چِراحت سر و صورت است.

تبصره ۲ -

ملاک دیه در چِراحت‌های مذکور، مقدار نفوذ چِراحت بوده و طول و عرض آن تأثیری در میزان دیه ندارد.

تبصره ۳ -

چِنایت بر گونه در صورتی که داخل دهان را نمایان نسازد، موجب یک‌بیستم دیه کامل و اگر به نحوی باشد که داخل دهان را نمایان سازد، موجب یک‌پنجم دیه کامل است. در این مورد چنانچه پس از بهبودی چِراحت، اثر و عیب فاجِشی، در صورت باقی بماند، علاوه بر آن، یک‌بیستم دیه دیگر نیز باید پرداخت شود.

تبصره ۴ -

هرگاه چِنایت موضیحه صورت بعد از التیام، اثری از خود بر جای بگذارد، علاوه بر دیه موضیحه، یک‌هشتم دیه کامل نیز ثابت است و هرگاه چِنایت در حد موضیحه نبوده و بعد از التیام اثری از آن باقی بماند، علاوه بر دیه چِنایت، یک‌صدم دیه کامل نیز ثابت است و چنانچه چِنایت، شکافی در صورت ایجاد کند دیه آن هشت‌صدم دیه کامل است.

نکته ۱- دیهی چِراحت از نوع متلاحمه که در سروصورت ایجاد می‌شود، ۳ شتر است.

نکته ۲- چِراحتی که در پوست بگذرد و به پوست نازک روی استخوان برسد، سمحاق نام دارد.

نکته ۳- عملی که استخوان را بشکند، هر چند چِراحتی تولید نکرده باشد، منطبق با معنای «هاشمه» در چِراحت مشمول دیه است.

نکته ۴- دامغه، چِراحتی است که کیسه‌ی مغز را پاره کند.

ماده ۷۱۰ -

هرگاه یکی از چِراحت‌های مذکور در بندهای (الف) تا (ث) ماده (۷۰۹) این قانون در غیر سر و صورت واقع شود، در صورتی که آن عضو دارای دیه معین باشد، دیه به حساب نسبت‌های فوق از دیه آن عضو تعیین می‌شود و اگر آن عضو دارای دیه معین نباشد، اُرش ثابت است.

تبصره ۱ -

چِراحت وارده به گردن، در حُکم چِراحت بدن است.

تبصره ۲ -

هرگاه هریک از چِراحت‌های مذکور در ماده (۷۰۹) این قانون با یک ضربه به وجود آمده باشد که از حیث عمق متعدد باشد یک چِراحت محسوب می‌شود و دیه چِراحت بیشتر را دارد لکن اگر با چند ضربه ایجاد شود مانند اینکه با یک ضربه حارصه ایجاد شود و با ضربه دیگر آن چِراحت به موضیحه مُبدَل شود برای هر چِراحت، دیه مستقل ثابت است، خواه مُرتکب هر دو چِنایت یک نفر خواه دو نفر باشد.

نکته ۱- دیهی جرح وارده بر یک دست که از نوع حارصه است، ۱ شتر می‌باشد.

نکته ۲- نوع صدمه‌ی ناشی از جرح عمدی، دامیه ید ناحیه‌ی پیشانی و حارصه‌ی مچ دست و حارصه‌ی زانوی راست می‌باشد. مجموع دیهی مزبور ۳ درصد از دیه کامل است.

نکته ۳- جرح از نوع دامیه، در سر و صورت و هر عضوی که دیه‌ی معین دارد، دارای دیه معین است.

ماده ۷۱۱ -

جائِفه چِراحتی است که با وارد کردن هر نوع وسیله و از هر جهت به درون بدن انسان اعم از شکم، سینه، پُشت و پهلوی ایجاد می‌شود و موجب یک‌سوم دیه کامل است. در صورتی که وسیله مزبور از یک طرف وارد و از طرف دیگر خارج گردد، دو چِراحت جائِفه محسوب می‌شود.

تبصره -

هرگاه در جائِفه به اعضای درونی بدن آسیب برسد و یا از بین برود، علاوه بر دیه جائِفه، دیه یا اُرش آن نیز مُحاسبه می‌شود.

نکته ۱- در دیهی چِراحت از نوع جائِفه، دیه‌ی به میزان یک سوم دیه‌ی کامل می‌باشد.

نکته ۲- نصاب قسامه در جائِفه، دو قسم است.

نکته ۳- دیه وسیله‌ای است که از یک طرف بدن فرورفته و از طرف دیگر بیرون می‌آید، دوسوم دیه‌ی کامل است.

ماده ۷۱۲ -

هرگاه نیزه یا گلوله و مانند آن علاوه بر ایجاد جِراحتِ موضِیحِه یا هاشِمِه و یا مُنْقَلَه به داخل بدن مانند حَلَق و گلو یا سینه فرو رود، دو جِراحتِ مَحسوب و علاوه بر دیه موضِیحِه یا هاشِمِه و مُنْقَلَه، دیه جِراحتِ جَائِفِه نیز ثابت می‌شود.

ماده ۷۱۳ -

نافِذِه جِراحتی است که با فرو رفتن وسیله‌ای مانند نیزه یا گلوله در دست یا پا ایجاد می‌شود دیه آن در مرد یک‌دهم دیه کامل است و در زن اُرش ثابت می‌شود.

تبصره ۱ -

حُکْم مَذکور در این ماده نسبت به اعضائی است که دیه آن عضو بیشتر از یک‌دهم دیه کامل باشد، در عضوی که دیه آن مساوی یا کمتر از یک‌دهم دیه کامل باشد، اُرش ثابت است مانند اینکه گلوله در بند انگشت فرو رود.

تبصره ۲ -

هرگاه شیئی که جِراحتِ نافِذِه را به‌وجود آورده است از طرف دیگر خارج گردد، دو جِراحتِ مَحسوب می‌شود.

ماده ۷۱۴ -

دیه صَدَماتی که موجب تغییر رنگ پوست می‌شود، به شرح ذیل است:

الف - سیاه شدن پوست صورت، شش هزارم، کبود شدن آن، سه هزارم و سرخ شدن آن، یک‌ونیم هزارم دیه کامل

ب - تغییر رنگ پوست سایر اعضا، حَسَبِ مورد نصف مقادیر مَذکور در بند (الف)

تبصره ۱ -

در حُکْم مَذکور فرقی بین اینکه عضو دارای دیه مُقَدَّر باشد یا نباشد، نیست. همچنین فرقی بین تغییر رنگ تمام یا قسمتی از عضو و نیز بقاء یا زوال اثر آن نمی‌باشد.

تبصره ۲ -

در تغییر رنگ پوست سَر، اُرش ثابت است.

ماده ۷۱۵ -

صَدَمه‌ای که موجب تَوَرُّم بدن، سَر یا صورت گردد، اُرش دارد و چنانچه علاوه بر تَوَرُّم موجب تغییر رنگ پوست نیز گردد، حَسَبِ مورد دیه و اُرش تغییر رنگ به آن افزوده می‌شود.

فصل هفتم - دیه جَنین

ماده ۷۱۶ -

دیه سِقْطِ جَنین به‌ترتیب ذیل است:

الف - نُطْفِه‌ای که در رَجِم مُسْتَقَر شده است، دوصدم دیه کامل

ب - عَلَقَه که در آن جَنین به صورت خون بسته درمی‌آید، چهارصدم دیه کامل

پ - مَضْغَه که در آن جَنین به‌صورت توده گوشتی درمی‌آید، شش صدم دیه کامل

ت - عِظَام که در آن جنین به‌صورت استخوان درآمده لکن هنوز گوشت روییده نشده است، هشت‌صدم دیه کامل

ث - جَنینی که گوشت و استخوان‌بندی آن تمام شده ولی روح در آن دمیده نشده است یک‌دهم دیه کامل

ج - دیه جَنینی که روح در آن دمیده شده است اگر پسر باشد، دیه کامل و اگر دختر باشد نصف آن و اگر مُشْتَبَه باشد، سه‌چهارم دیه کامل

ماده ۷۱۷ -

هرگاه در اثر جنایت وارد بر مادر، جَنین از بین برود، علاوه بر دیه یا اُرش جنایت بر مادر، دیه جَنین نیز در هر مرحله‌ای از رشد که باشد پرداخت می‌شود.

نکته ۱- هرگاه در اثر کشتن مادر جنین بمیرد و یا سقط شود، دیه‌ی جنین در هر مرحله‌ای که باشد به دیه‌ی مادر افزوده می‌شود و اگر در مقابل مادر جانی قصاص شود، تأثیری در دیه‌ی جنین نخواهد داشت.

ماده ۷۱۸ -

هرگاه زنی جَنین خود را، در هر مرحله‌ای که باشد، به عَمَد، شِبِه عَمَد یا خطا از بین ببرد، دیه جَنین، حَسَبِ مورد توسط مُرتکب یا عاقلِه او پرداخت می‌شود.

تبصره -

هرگاه جَنینی که بقای آن برای مادر خطر جانی دارد به منظور حفظ نفس مادر سقط شود، دیه ثابت نمی‌شود.

نکته ۱- زن بارداری که عمداً جنین هشت‌ماهه‌ی خود را سقط کند به پرداخت دیه‌ی کامل مجازات می‌شود.

نکته ۲- از نظر قانون مجازات اسلامی، مجازات زنی که جنین خود را پس از ولوج روح در آن سقط می‌کند، پرداخت دیه‌ی نفس از سوی زن است.

ماده ۷۱۹ -

هرگاه چند جنین در یک رحم باشند سقط هر یک از آن‌ها، دیه جداگانه دارد.

نکته ۱- زنی شخصاً جنین خود را سقط می‌کند. در بررسی پزشکی مشخص می‌گردد که سه جنین در رحم مادر موجود بوده است. در چنین شرایطی، به عدد هر یک از جنین‌ها، دیه‌ی جداگانه بر عهده‌ی زن خواهد بود.

ماده ۷۲۰ -

دیه اعضاء و دیگر صدمات وارد بر جنین در مرحله‌ای که استخوان‌بندی آن کامل شده ولی روح در آن دمیده نشده است به نسبت دیه جنین در این مرحله محاسبه می‌گردد و بعد از دمیده شدن روح، حسب جنسیت جنین، دیه محاسبه می‌شود و چنانچه بر اثر همان جنایت جنین از بین برود، فقط دیه جنین پرداخت می‌شود.

ماده ۷۲۱ -

هرگاه در اثر جنایت و یا صدمه، چیزی از زن سقط شود که به تشخیص کارشناس مورد وثوق، منشأ انسان بودن آن ثابت نگردد، دیه و آرش ندارد لکن اگر در اثر آن، صدمه‌ای بر مادر وارد گردد، حسب مورد دیه یا آرش تعیین می‌شود.

فصل هشتم - دیه جنایت بر میت

ماده ۷۲۲ -

دیه جنایت بر میت، (اعم از عمدی و غیر عمدی و اعم از مسلمان و غیر مسلمان) یک‌دهم دیه کامل انسان زنده است مانند جدا کردن سر از بدن میت که یک‌دهم دیه و جدا کردن یک دست، یک‌بیستم دیه و هر دو دست، یک‌دهم دیه و یک انگشت، یک‌صدم دیه کامل دارد. دیه جراحات وارده به سر و صورت و سایر اعضاء و جوارح میت به همین نسبت محاسبه می‌شود. (سوزاندن بدن میت هم مشمول این ماده است).

تبصره -

دیه جنایت بر میت به ارث نمی‌رسد بلکه متعلق به خود میت است که در صورت مدیون بودن وی و عدم کفایت ترکه، صرف پرداخت بدهی او می‌گردد و در غیر این صورت برای او در امور خیر صرف می‌شود. (البته در این مورد وراثت می‌توانند جزء شکات باشند).

ماده ۷۲۳ -

هرگاه آسیب وارده بر میت، دیه مقدر نداشته باشد، یک‌دهم آرش چنین جنایتی نسبت به انسان زنده محاسبه و پرداخت می‌گردد.

ماده ۷۲۴ -

قطع اعضاء میت برای پیوند به دیگری در صورتی که با وصیت او باشد، دیه ندارد.

ماده ۷۲۵ -

دیه جنایت بر میت حال است (اعم از اینکه عمد، شبه عمد و یا خطای محض باشد؛ که به ترتیب مهلت‌های یک، دو و سه‌ساله در خصوص دیه‌ی جنایت بر میت مدخلیتی ندارد) مگر اینکه مرتکب نتواند فوراً آن را پرداخت کند که در این صورت به او مهلت مناسب داده می‌شود.

ماده ۷۲۶ -

دیه جنایت بر میت خواه عمدی باشد یا خطائی توسط خود مرتکب پرداخت می‌شود. (بر خلاف مسؤلیت عاقله در جنایت خطای محض است).

ماده ۷۲۷ -

هرگاه شخصی به‌طور عمدی، جنایتی بر میت وارد سازد یا وی را هتک نماید، علاوه بر پرداخت دیه یا آرش (مطابق رأی وحدت رویه ۷۴۰ مورخ ۹۴/۱/۱۸ فقط آرش دارد) جنایت، به سی‌ویک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش محکوم می‌شود.

ماده ۷۲۸ -

کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون از جمله قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۵/۸، مواد (۶۲۵) تا (۶۲۹) و مواد (۷۲۶) تا (۷۲۸) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی «تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده» مصوب ۱۳۷۵/۳/۲، قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹/۲/۱۲ و قانون تعریف محکومیت‌های مؤثر در قوانین جزائی مصوب ۱۳۶۶/۷/۲۶ و

اصلاحات و الحاقات بعدی آن‌ها نسخ می‌گردد. قانون فوق مشتمل بر هفتصد و بیست و هشت ماده در جلسه مورخ اول اردیبهشت‌ماه یک هزار و سیصد و نود و دو کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی طبق اصل هشتاد و پنجم (۸۵) قانون اساسی تصویب گردید و پس از موافقت مجلس با اجرای آزمایشی آن به مدت پنج سال، در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۱۱ به تأیید شورای نگهبان رسید.

عبارت «حداکثر مجازات کمتر از نود و یک روز حبس و یا» از بند (۱) ماده (۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸ و عبارت «یا قانون» از صدر ماده (۱۲۷) این قانون حذف می‌شود و تبصره (۱) ماده (۱) و تبصره (۶) ماده (۵) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام و مصادیق خاص قانونی که در آن‌ها برای شروع به جرم و معاونت در جرم مشخص تحت همین عناوین مجازات تعیین شده است و ماده (۶۶۶) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ و تبصره آن نسخ می‌گردد.

نکته ۱- در بند ۱ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸ برای زمانی که مجازات قضایی کمتر از ۹۱ روز حبس بود مجازات جزای نقدی در نظر گرفته شده بود که هم‌اکنون در این مورد طبق تبصره ماده ۳۷ مجازات جایگزین حبس تعیین می‌شود.

نکته ۲- مصادیق خاص معاونت در جرم که تحت همین عنوان (تحت عنوان معاونت در جرم) مجازات تعیین شده است نسخ شده است منظور از عبارت تحت همین عنوان این است که در متن قانون به عنوان معاونت در جرم تصریح شده باشد (نه اینکه صرفاً یکی از مصادیق معاونت مانند تحریک، تطمیع و ...) به عنوان جرم خاص جرم‌انگاری شده باشد مثلاً ماده ۵۹۳ قانون تعزیرات مقرر داشته است: «هر کس عالمماً و عامداً موجبات تحقق جرم ارتشا از قبیل مذاکره، جلب موافقت یا وصول و ایصال وجه یا مال یا سند پرداخت وجه را فراهم نماید به مجازات راشی بر حسب مورد محکوم می‌شود» این ماده به نوعی از تهسیل وقوع جرم اشاره دارد اما چون مستقلاً جرم‌انگاری شده است (نه به عنوان معاونت در جرم) همچنان به قوت خود باقی است همچنین ماده ۵۹۵ قانون تعزیرات مقرر داشته است: «هر نوع توافق بین دو یا چند نفر تحت هر قراردادی از قبیل بیع، قرض، صلح و امثال آن جنسی را با شرط اضافه با همان جنس مکیل و موزون معامله نماید و یا زاید بر مبلغ پرداختی، دریافت نماید ربا محسوب و جرم شناخته می‌شود. مرتکبین اعم از ربا دهنده، رباگیرنده و واسطه بین آنها علاوه بر رد اضافه به صاحب مال شش ماه تا سه سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق و نیز معادل مال مورد ربا به عنوان جزای نقدی محکوم می‌گردند.» در اینجا واسطه ربا نوعی معاونت در جرم کرده است اما چون برای وی مجازات مستقل در نظر گرفته شده است این ماده همچنان به قوت باقی است اما از جمله مواردی که برای معاونت در جرم مجازات تعیین شده است عبارتند از: (لازم به توضیح است موارد زیر نسخ شده است و مجازات معاونت در آنها طبق ماده ۱۲۷ تعیین می‌شود):

ماده ۵۸۴ قانون تعزیرات: «کسی که با علم و اطلاع برای ارتکاب جرم مذکور در ماده فوق [حبس یا توقیف غیرقانونی] مکانی تهیه کرده و بدین طریق معاونت با مرتکب نموده باشد به مجازات حبس از سه ماه تا یک سال یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال محکوم خواهد شد.»

تبصره ماده ۶۱۲ قانون تعزیرات در مورد مجازات معاونت در قتل عمدی که قاتل قصاص نمی‌شود.

طبق ماده ۷۱۰ قانون تعزیرات: «اشخاصی که در قمارخانه‌ها یا اماکن معد برای صرف مشروبات الکلی موضوع مواد ۷۰۱ و ۷۰۵ قبول خدمت کنند یا به نحوی از آنحاء به دایرکننده این قبیل اماکن کمک نمایند معاون محسوب می‌شوند و مجازات مباشر در جرم را دارند ولی دادگاه می‌تواند نظر به اوضاع و احوال و میزان تأثیر عمل معاون، مجازات را تخفیف دهد.»

تبصره ۳ ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان، که معاونت در قاچاق انسان را مستوجب ۲ تا ۵ سال حبس دانسته بود.

به نظر می‌رسد مقصود قانونگذار از نسخ مصادیق قانونی معاونت در جرم، مصادیقی است که قبل از تصویب قانون مجازات سال ۱۳۹۲ وجود داشته و مصادیقی که بعد از قانون ۱۳۹۲ تصویب شده‌اند همچنان به قوت خود باقی است که از جمله آن می‌توان به معاونت در اسیدپاشی اشاره کرد که طبق ماده ۴ قانون تشدید مجازات اسیدپاشی مصوب ۱۳۹۸: «مجازات معاونت در جرائم موضوع این قانون به ترتیب زیر تعیین می‌شود: الف - در صورتی که مجازات قانونی مرتکب، سلب حیات باشد، به حبس تعزیری درجه دو؛ ب - در صورتی که مجازات قانونی مرتکب، قصاص عضو باشد، به حبس تعزیری درجه سه؛ پ - در صورتی که مجازات مرتکب قصاص نباشد یا به هر

علتی قصاص نفس یا عضو اجراء نشود، به یک درجه پایین تر از مجازات تعزیری مرتکب.» که مجازات معاونت در اسیدپاشی طبق همین قانون تعیین می‌شود (نه ماده ۱۲۷ ق.م.ا).

نکته ۳- مصادیق خاص شروع به جرم که تحت عنوان شروع به جرم در قانون هستند نسخ شده‌اند (البته قبل از اصلاحات قانون جدید نیز بسیاری از حقوقدانان از جمله ملاکریمی حقیر حقوقخوان معتقد بودند ماده ۱۲۲ موارد خاص شروع به جرم را نسخ ضمنی کرده است که در این قانون، این امر مورد تصریح قانونگذار قرار گرفت) از جمله این موارد در قانون تعزیرات عبارت است از: ماده ۵۴۲، تبصره ۶۲۱، تبصره ۲ ۶۷۵، تبصره ۲ ماده ۶۸۷، ماده ۶۵۵، ماده ۵۹۴، به عبارتی تمامی موارد شروع به جرم هم‌اکنون طبق ماده ۱۲۲ ق.م.ا تعیین می‌شود.

به نظر می‌رسد منظور قانونگذار از نسخ مصادیق قانونی شروع به جرم، مصادیقی است که قبل از تصویب قانون مجازات ۱۳۹۲ وجود داشته است و مصادیقی که بعد از قانون ۱۳۹۲ تصویب شده‌اند همچنان به قوت خود باقی است که از جمله آن می‌توان به قانون قاچاق کالا و ارز اشاره کرد که ماده ۶۸ قانون قاچاق کالا و ارز که مقرر داشته است: «مجازات شروع به قاچاق، علاوه ضبط کالا یا ارز، حسب مورد حداقل مجازات قاچاق کالا و ارز موضوع این قانون است.» که مجازات شروع به جرم طبق همین قانون تعیین می‌شود (نه طبق ماده ۱۲۲).

نکته ۴- تبصره ۱ ماده ۱ و تبصره ۶ ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام نسخ شده است این دو تبصره در مورد دو جرم اختلاس و کلاهبرداری مقررات خاصی برای تخفیف مجازات در نظر گرفته شده بود که هم‌اکنون با نسخ این تبصره‌ها، میزان تخفیف مجازات در دو جرم کلاهبرداری و اختلاس تابع قواعد عمومی مذکور در ماده ۳۷ و ۳۸ ق.م.ا است.

نکته ۵- ماده ۶۶۶ قانون تعزیرات که در مورد تکرار جرم سرقت تعزیری، قوانین خاصی را مقرر داشته بود که هم‌اکنون نسخ شده است و تکرار جرم سرقت، تابع قواعد عمومی مربوط به تکرار جرم است تبصره این ماده نیز اعمال مقررات تخفیف در فرضی که شخص سه فقره محکومیت قطعی به اتهام سرقت را داشت ممنوع کرده بود که این تبصره نیز نسخ شده و هم‌اکنون در این فرض امکان اعمال مقررات تخفیف وجود دارد.

نکته ۶- باید توجه داشت در قانون اصلاحی ۱۳۹۹، در چهار مورد، قوانین خاص مربوط به تخفیف نسخ شده است و این چهار مورد هم‌اکنون تابع قواعد عمومی تخفیف است این چهار مورد عبارتند از:

۱: مقررات تعدد جرم؛ ۲: مقررات تکرار جرم؛ ۳: جرائم اختلاس و کلاهبرداری؛ ۴: شخصی که محکوم به تکرار سرقت است.

کتاب پنجم - تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده

فصل اول - جرائم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور

ماده ۴۹۸ - تشکیل یا اداره دستجات غیر قانونی

هرکس با هر مرامی، دسته، جمعیت یا شعبه جمعیتی بیش از دو نفر (حداقل دو نفر) در داخل یا خارج از کشور تحت هر اسم یا عنوانی تشکیل دهد یا اداره نماید که هدف آن برهم زدن امنیت کشور باشد (جرم مطلق است) و محارب شناخته نشود به حبس از دو تا ده سال (تعزیر درجه ۴) محکوم می‌شود.

نکته ۱- به موجب ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) تمامی جرائم تعزیری مطرح شده در این فصل (مواد ۴۹۸ الی ۵۱۲) صدور حکم و مجازاتشان غیر قابل تعلیق و تعویق می‌باشد؛ اما در سال ۱۳۹۹، قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ابلاغ شد که به موجب این قانون، یک تبصره به این شرح به ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ الحاق شد: «تبصره- در جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور در صورت همکاری مؤثر مرتکب در کشف جرم و شناسایی سایر متهمان، تعلیق بخشی از مجازات بلامانع است...»

نکته ۲- طرز فکر این افراد اصلاً مهم نیست اما هدف آن‌ها باید بر هم زدن امنیت کشور باشد.

نکته ۳- جنسیت، شغل، سمت و ملیت مرتکبین در این جرم تأثیری ندارد.

نکته ۴- به تعداد بیش از دو نفر افراد می‌توان گفت که: جمعیتی یا گروهی به هدف برهم زدن امنیت کشور تشکیل شده است که طبق قوانین جزائی می‌توان آن‌ها را مجازات نمود.

نکته ۵- تشکیل جمعیت در صورتی جرم است که هدف آن، برهم زدن امنیت کشور باشد.

نکته ۶- جنسیت، شغل، سمت و ملیت مرتکب و مرتکبان جرم موضوع این ماده از اهمیت برخوردار نمی‌باشد و هرکس می‌تواند مرتکب جرم موضوع این ماده و بسیاری دیگر از جرائم مذکور در فصل اول قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵ شود (دکتر حسین میرمحمد صادقی، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، ص ۶۹).

ماده ۴۹۹ - عضویت در دستجات غیر قانونی (عنصر ماری آن با وضعیت یا حالت صورت می‌گیرد)

هرکس در یکی از دسته‌ها یا جمعیت‌ها یا شعب جمعیت‌های مذکور در ماده (۴۹۸) عضویت یابد، (شامل طرفدار نمی‌گردد چون طرفدار عضو نیست) به سه ماه تا پنج سال حبس (تعزیر درجه ۵) محکوم می‌گردد مگر اینکه ثابت شود از اهداف آن بی‌اطلاع بوده است. (رجوع کنید به ماده ۱۷ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲).

نکته ۱- عضویت در دسته‌ها یا شعب جمعیت‌ها که هدف برهم زدن امنیت کشور را دارند، در صورتی که شرکت کننده از اهداف تشکیل این موضوع بی‌اطلاع باشد، در این حالت، بی‌اطلاعی از اهداف جمعیت‌ها از عوامل معاف کننده مجازات‌ها خواهد بود.

ماده ۴۹۹ مکرر (الحاقی ۱۳۹۹) - توهین به قومیت‌های ایرانی یا ادیان الهی یا مذاهب اسلامی مصرح در قانون اساسی

هرکس با قصد ایجاد خشونت یا تنش در جامعه و یا با علم به وقوع آن به قومیت‌های ایرانی یا ادیان الهی یا مذاهب اسلامی مصرح در قانون اساسی توهین نماید، چنانچه مشمول حد نباشد و منجر به خشونت یا تنش شده باشد به حبس و جزای نقدی درجه پنج یا یکی از آن دو محکوم و در غیر این صورت به حبس و جزای نقدی درجه شش یا یکی از آن دو محکوم می‌شود.

تبصره ۱- منظور از توهین موارد مندرج در «قانون استفساریه نسبت به کلمه اهانت، توهین و یا هتک حرمت مندرج در مقررات جزائی مواد (۵۱۳)، (۵۱۴)، (۶۰۸) و (۶۰۹) قانون مجازات اسلامی و بندهای (۷) و (۸) ماده (۶) و مواد (۲۶) و (۲۷) قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۴» می‌باشد.

تبصره ۲- چنانچه جرم موضوع این ماده در قالب گروه مجرمانه سازمان یافته ارتکاب یابد و یا از سوی مأموران یا مستخدمان دولتی یا عمومی در حین انجام وظیفه یا به مناسبت آن واقع شود و یا از طریق نطق در مجامع عمومی یا با استفاده از ابزارهای ارتباط جمعی در فضای واقعی یا مجازی منتشر شود، مجازات مقرر به میزان یک درجه تشدید می‌شود.

نکته ۱- قانون استفساریه نسبت به کلمه اهانت، توهین و یا هتک حرمت مندرج در مقررات جزائی مواد (۵۱۳)، (۵۱۴)، (۶۰۸) و

(۶۰۹) قانون مجازات اسلامی و بندهای (۷) و (۸) ماده (۶) و مواد (۲۶) و (۲۷) قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۴: موضوع استفسار:

آیا منظور از عبارت «اهانت، توهین و یا هتک حرمت» مندرج در مقررات جزایی از جمله مواد (۵۱۳)، (۵۱۴)، (۶۰۸) و (۶۰۹) قانون مجازات اسلامی و بندهای (۷) و (۸) ماده (۶) و مواد (۲۶) و (۲۷) قانون مطبوعات عبارت است از بکار بردن الفاظی که دلالت صریح بر فحاشی و سب و لعن دارد یا خیر؟ و در صورت عدم صراحت مطلب و انکار متهم بر قصد اهانت و هتک حرمت آیا موضوع از مصادیق مواد مورد ذکر می‌باشد یا خیر؟
نظر مجلس:

ماده واحده - از نظر مقررات کیفری اهانت و توهین و ... عبارت است از بکار بردن الفاظی که صریح یا ظاهر باشد و یا ارتکاب اعمال و انجام حرکاتی که با لحاظ عرفیات جامعه و با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی و موقعیت اشخاص موجب تخفیف و تحقیر آنان شود و با عدم ظهور الفاظ توهین تلقی نمی‌گردد.

نکته ۲- اصل دوازدهم قانون اساسی ج.ا.ا: دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی‌عشری است و این اصل الی الابد غیرقابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل هستند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب.

نکته ۳- اصل سیزدهم قانون اساسی ج.ا.ا: ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند.

نکته ۴- عنصر قانونی جرم توهین به قومیت‌های ایرانی و ادیان الهی و مذاهب اسلامی، ماده ۴۹۹ مکرر ق.م.ا.ت می‌باشد.

نکته ۵- به منظور تحقق یافتن این جرم، با توجه به عبارت هرکس در ماده قانون فوق‌الذکر، ویژگی خاصی برای مرتکب شرط نمی‌باشد.

نکته ۶- مرتکب با هر وسیله‌ای می‌تواند مرتکب جرم مذکور گردد.

نکته ۷- ارتکاب این جرم از طریق نطق در مجامع عمومی یا با استفاده از ابزارهای ارتباط جمعی در فضای واقعی یا مجازی، موجب تشدید مجازات مرتکب، به میزان یک درجه می‌شود.

نکته ۸- زمان و مکان در ارتکاب جرم مذکور به منظور تعیین مجازات مرتکب نقشی ندارد.

نکته ۹- چنانچه مرتکب این جرم از ماموران یا مستخدمان دولتی یا عمومی در حین انجام وظیفه باشد، موجب تشدید مجازات مرتکب، به میزان یک درجه خواهد شد.

نکته ۱۰- چنانچه قصد ایجاد خشونت یا تنش در جامعه یا علم به وقوع آن وجود داشته باشد، از جرائم مقید به نتیجه برشمارده می‌شود و اگر این قصد وجود نداشته باشد، جرم مذکور از جرائم مطلق خواهد بود.

نکته ۱۱- وجود سوءنیت عام و خاص در صورتی که فعل مقید به نتیجه باشد لازم است، البته ایجاب سوءنیت عام از جانب عامل در تحقق این جرم کفایت می‌کند.

راهنما: سوءنیت عام ← اراده آگاه عامل در ارتکاب جرم. سوءنیت خاص ← اراده آگاه نسبت به موضوع جرم یا شخص متضرر از جرم.

نکته ۱۲- این ماده برخلاف ماده ۶۰۸ ق.م.ا.ت که در خصوص توهین به افراد حقیقی می‌باشد، درباره توهین به قومیت‌ها، ادیان الهی و مذاهب اسلامی می‌باشد.

نکته ۱۳- مجازات جرم مذکور در صورتی که رفتار مرتکب، مشمول عناوین حد (جرائم سب‌النبی، افساد فی الارض و قذف) نباشد از مصادیق ماده قانون فوق‌الذکر (۴۹۹ مکرر) می‌باشد.

نکته ۱۴- چنانچه قصد ایجاد خشونت یا تنش در جامعه یا علم به وقوع آن در عامل وجود داشته باشد، مجازات این فعل، حبس و

جزای نقدی درجه پنج یا یکی از آن دو است.

نکته ۱۵- چنانچه قصد مذکور (ایجاد خشونت یا تنش در جامعه) در عامل وجود نداشته باشد، مجازات آن، حبس و جزای نقدی درجه شش یا یکی از آن‌ها خواهد بود.

نکته ۱۶- چنانچه ارتکاب این جرم، توسط گروه مجرمانه سازمان یافته، ماموران یا مستخدمان دولتی یا عمومی و یا از طریق نطق در مجامع عمومی (از قبیل فضای واقعی یا مجازی) انجام گیرد، مجازات آن، حبس و جزای نقدی درجه چهار یا یکی از آن دو می‌باشد.

ماده ۵۰۰ - فعالیت تبلیغی علیه نظام یا به نفع گروه‌های مخالف نظام

هرکس (به طور مطلق بیان شده است و جنسیت و شغل و ملیت ملاک نیست) علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروه‌ها و سازمان‌های مخالف نظام به هر نحو فعالیت تبلیغی نماید (شخصاً یا به واسطه نمایندگان) باید فعالیت تبلیغاتی داشته باشد) به حبس از سه ماه تا یکسال (تعزیر درجه ۶) محکوم خواهد شد.

نکته ۱- انجام فعالیت تبلیغی، در صورتی که علیه کلیت نظامیان به نفع گروه‌های مخالف نظام باشد، یک جرم علیه امنیت محسوب می‌شود.

نکته ۲- در تحقق جرم فعالیت تبلیغی علیه نظام، استمرار داشتن تبلیغ شرط است.

نکته ۳- جرم جاسوسی، از مصادیق جرم آنی است.

نکته ۴- در تحقق جرم فعالیت تبلیغی علیه نظام استمرار داشتن تبلیغ شرط است.

ماده ۵۰۰ مکرر (الحاقی ۱۳۹۹) - استفاده از شیوه‌های کنترل ذهن و القایات روانی در قالب فرقه، گروه، جمعیت یا مانند آن

هرکس در قالب فرقه، گروه، جمعیت یا مانند آن و استفاده از شیوه‌های کنترل ذهن و القایات روانی در فضای واقعی یا مجازی مرتکب اقدامات زیر گردد، چنانچه رفتار وی مشمول حد نباشد، به حبس و جزای نقدی درجه پنج یا یکی از این دو مجازات و محرومیت از حقوق اجتماعی درجه پنج محکوم می‌گردد. مجازات سردستگی فرقه یا گروه مزبور مطابق با ماده (۱۳۰) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ تعیین می‌شود:

• هر اقدامی که موجب تسلط روانی یا جسمی بر دیگری شود به نحوی که فرد، مورد بهره‌کشی و سوءاستفاده جنسی، جسمی یا مالی واقع شود و یا در اثر آسیب‌رسانی به قدرت تصمیم‌گیری فرد و تشویق وی به ارتکاب جرائمی از قبیل اعمال منافی عفت، مصرف مشروبات الکلی، مواد مخدر و یا مواد روان‌گردان، خودآزاری یا دیگر زنی، فرد مرتکب این اقدامات گردد.

• هرگونه فعالیت آموزشی و یا تبلیغی انحرافی مغایر و یا مخل به شرع مقدس اسلام از طرقی مانند طرح ادعاهای واهی و کذب در حوزه‌های دینی و مذهبی از قبیل ادعای الوهیت، نبوت یا امامت و یا ارتباط با پیامبران یا ائمه اطهار (علیهم السلام)

تبصره ۱- تأمین مالی و یا هر نوع حمایت مادی دیگر از گروه‌های موضوع این ماده با آگاهی از ماهیت آنها موجب محکومیت به حبس درجه پنج و جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر ارزش کمک‌های مالی و حمایت‌های مادی ارائه شده می‌باشد. چنانچه مرتکب شخص حقوقی باشد به انحلال و پرداخت جزای نقدی مذکور محکوم می‌گردد.

تبصره ۲- ارتباط گروه‌های موضوع این ماده با خارج از کشور برای دریافت حمایت یا هدایت‌های تشکیلاتی موجب تشدید مجازات مقرر به میزان یک درجه می‌گردد.

تبصره ۳- اموال سرده‌ها و اشخاص تأمین‌کننده مالی گروه‌های موضوع این ماده که ناشی از جرم بوده یا برای ارتکاب جرم استفاده یا به این منظور تهیه شده باشد و اموال متعلق به گروه‌های مزبور به نفع بیت‌المال مصادره می‌گردد.

در صورتی که مشخص شود اموال متعلق به دیگری بوده یا دیگری نسبت به آن صاحب حق باشد و آن اموال به منظور انجام افعال مجرمانه در اختیار اشخاص و گروه‌های مذکور قرار نگرفته باشد، اموال مزبور به مالک یا صاحب حق مسترد و مرتکب معادل ارزش آن به جزای نقدی محکوم می‌شود، و یا چنانچه مشخص

شود مجرم نسبت به دیگری دین حال دارد و اموال استفاده شده در ارتکاب جرم یا تهیه شده به منظور ارتکاب جرم، متعلق به خود او است و ناشی از جرم نیست، اموال وی معادل ارزش دین حال به طلبکار یا طلبکاران مسترد و مجرم معادل ارزش اموال مستردشده به جزای نقدی محکوم می‌شود.

تبصره ۴- امور آموزشی و پژوهشی و سایر اقدامات مشابه به منظور رد و طرد و پاسخگویی به شبهات و نقد عقاید گروه‌های موضوع این ماده از شمول حکم این ماده و ماده (۴۹۹ مکرر) این قانون خارج است.

نکته ۱- عنصر قانونی جرائمی از قبیل تسلط روانی یا جسمانی بر افراد و بهره‌کشی یا سوءاستفاده از افراد و فعالیت آموزشی و یا تبلیغی انحرافی مٌخِل به شرع با روش‌هایی مانند ادعای الوهیت، امامت یا ارتباط با پیامبران و ائمه اطهار (ع) از طریق گروه، جمعیت، فرقه، و... و استفاده از شیوه‌های کنترل ذهن و القائات روانی، که به تازگی توسط قانون‌گذار جرم‌انگاری شده‌اند، ماده ۵۰۰ مکرر ق.م.ا.ت می‌باشد.

نکته ۲- در تحقق جرائم موضوع ماده ۵۰۰ مکرر ق.م.ا.ت با توجه به عبارت هرکس، ویژگی خاصی برای مرتکب شرط نمی‌باشد، اما مرتکب جرائم مذکور نمی‌تواند یک یا دونفر باشد، بلکه ارتکاب جرائم فوق‌الذکر صرفاً باید در قالب گروه، فرقه و... انجام گیرد.

نکته ۳- رفتار مجرمانه در تحقق این جرم، شامل هر اقدامی که موجب تسلط روانی یا جسمانی بر افراد و تبلیغات انحرافی مغایر و مخل است. لازم به ذکر است تمامی اعمال مذکور باید در قالب گروه، فرقه و... انجام گیرد.

نکته ۴- وسیله ارتکاب جرائم موضوع این ماده دارای ویژگی خاص بوده و مرتکب باید از شیوه‌های کنترل ذهنی و القائات روانی در فضای مجازی و واقعی کمک گیرد.

نکته ۵- در بند ۱ ماده ۵۰۰ مکرر ق.م.ا.ت، دو رفتار توسط قانون‌گذار جرم‌انگاری شده است که هر دو از جرائم مقید به نتیجه است.

نکته ۶- رفتار اول «هر اقدامی که موجب تسلط روانی یا جسمی بر دیگری شود» می‌باشد. منظور از «هر اقدامی» اقداماتی است که از طریق استفاده از شیوه‌های کنترل ذهن و القائات روانی در فضای مجازی یا واقعی محقق می‌شود.

نکته ۷- رفتار دوم که در بند ۱ ماده ۵۰۰ مکرر ق.م.ا.ت به آن اشاره شده شامل آسیب‌رسانی به قدرت تصمیم‌گیری وی و تشویق به ارتکاب جرائمی از قبیل اعمال منافی عفت و... است. با توجه به عبارت «از قبیل» برخلاف بند ۱ (هر اقدامی) موارد مذکور، جنبه تمثیلی دارند.

نکته ۸- سایر رفتارهایی که در قالب رفتار دوم (نکته فوق‌الذکر) قرار می‌گیرند باید با فعالیت‌های مذکور همسانی داشته باشند.

نکته ۹- زمان و مکان، اصولاً در جرائم مذکور نقشی ندارند مگر اینکه اعضا و سرکرده، دارای حمایت و هدایت تشکیلاتی از مبداء خارج از کشور باشند که در این صورت مجازات به میزان یک درجه تشدید پیدا خواهد کرد.

نکته ۱۰- جرائم مذکور در بند های ۱ و ۲ ماده ۵۰۰ مکرر ق.م.ا.ت از جرائم عمدی می‌باشند.

نکته ۱۱- تبصره ۱ این ماده تأمین و حمایت مادی از گروه‌های موضوع این ماده را جرم‌انگاری نموده است.

نکته ۱۲- اموال متعلق به گروه، در هر حال به نفع بیت‌المال مصادره خواهد شد.

نکته ۱۳- اگر مجرم دارای دین حال باشد و نه موجد، اموال وی که در ارتکاب جرم استفاده شده و یا اموالی که به منظور ارتکاب جرم تهیه شده باشد، معادل ارزش دین حال به طلبکار وی مسترد می‌شود.

ماده ۵۰۱ - تسلیم نقشه‌ها و اسرار مربوط به سیاست داخلی و خارجی

هرکس نقشه‌ها یا اسرار یا اسناد و تصمیمات راجع به سیاست داخلی یا خارجی کشور را علماً و عمداً در اختیار افرادی که صلاحیت دسترسی به آن‌ها را ندارند قرار دهد یا از مفاد آن مطلع کند به نحوی که متضمن نوعی جاسوسی (جرمی آنی است) باشد، نظر به کیفیات و مراتب جرم به یک تا ده سال حبس (تعزیر درجه ۴) محکوم می‌شود. (رجوع کنید به ماده ۲۶ قانون جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲).

نکته ۱- برای تحقق جرم جاسوسی موضوع ماده ۵۰۱ قانون مجازات اسلامی «تعزیرات» «مرتکب» ممکن است صلاحیت دسترسی به اطلاعات و اسناد را نداشته باشد، ولی علم او به عدم صلاحیت گیرنده و عمد او در تسلیم اطلاعات شرط است.

نکته ۲- قرار دادن نقشه‌ها یا اسرار یا اسناد راجع به سیاست داخلی یا خارجی کشور در اختیار افرادی که صلاحیت دسترسی به آن‌ها را ندارند، در صورتی که به نحوی متضمن نوعی جاسوسی باشد، جرم می‌باشد.

نکته ۳- داشتن مأموریت خاص از ضوابط تشخیص جاسوسی است.

نکته ۴- در غیر موارد مفروض قانونی، جرم جاسوسی با داشتن مأموریت خاص قابل تشخیص است.

نکته ۵- هرگاه کسی برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه ببرد، بر اساس مقررات موجود، محارب است.

نکته ۶- در غیر موارد مفروض قانونی، جرم جاسوسی با داشتن مأموریت خاص قابل تشخیص است.

ماده ۵۰۲ - جاسوسی به نفع بیگانه‌ای و به ضرر بیگانه دیگر

هرکس به نفع یک دولت بیگانه و به ضرر دولت بیگانه دیگر (بیانگر سوءنیت خاص است) در قلمرو ایران مرتکب یکی از جرائم جاسوسی شود به نحوی که به امنیت ملی صدمه وارد نماید به یک تا پنج سال حبس (تعزیر درجه ۵) محکوم خواهد شد.

نکته ۱- «الف» در قلمرو ایران به نفع یک دولت بیگانه و به ضرر دولت بیگانه‌ای دیگر مرتکب یکی از اعمال جاسوسی می‌شود. در این فرض در صورتی که به امنیت ایران صدمه وارد آید، قابل مجازات است.

نکته ۲- در مورد جاسوسی علیه دولت «الف» و به نفع دولت «ب» در ایران، این عمل هرگاه به امنیت ملی ایران صدمه بزند جرم است.

نکته ۳- در جرم موضوع این ماده سوءنیت عام قصد جاسوسی و سوءنیت خاص ضرر رساندن به دولت بیگانه و صدمه به امنیت ملی، نتیجه‌ی مادی صرف است.

نکته ۴ - شرایط اعمال این ماده به‌قرار زیر است:

۱- جرم در قلمرو حاکمیتی ایران اتفاق افتاده باشد.

۲- جرم جاسوسی علیه کشور بیگانه و به نفع کشور بیگانه دیگر باشد.

۳- به منافع ملی ایران صدمه وارد نماید.

ماده ۵۰۳ - داخل شدن به مواضع سیاسی و امنیتی و نظامی به قصد اطلاع

هرکس به قصد سرقت یا نقشه‌برداری یا کسب اطلاع از اسرار سیاسی یا نظامی یا امنیتی به مواضع مربوطه داخل شود (عنصر مادی) و همچنین اشخاصی که بدون اجازه مأمورین یا مقامات ذیصلاح در حال نقشه‌برداری یا گرفتن فیلم یا عکس‌برداری از استحکامات نظامی یا اماکن ممنوعه دستگیر شوند به شش ماه تا سه سال (تعزیر درجه ۵) حبس محکوم می‌شوند. (جرم مطلق است) (رجوع کنید به ماده ۲۴ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲).

نکته ۱- این جرم نیازی به سوءنیت خاص ندارد و مرتکب این جرم را چه به قصد اخلال و امنیت انجام دهد یا به قصد نگهداری در آلبوم شخصی انجام دهد، تفاوتی در موضوع ندارد.

ماده ۵۰۴ - تحریک نیروهای رزمنده

هرکس نیروهای رزمنده یا اشخاصی را که به نحوی در خدمت نیروهای مسلح هستند تحریک مؤثر (یکی از مصادیق معاونت است اما به دلیل اهمیت موضوع قانون‌گذار آن را به عنوان جرمی مستقل قلمداد نموده و معاون را قانوناً در حکم مباشر دانسته است) به عصیان، فرار، تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی کند در صورتی که قصد براندازی حکومت یا شکست نیروهای خودی در مقابل دشمن را داشته باشد محارب محسوب می‌شود والا چنانچه اقدامات وی مؤثر واقع شود به حبس از دو تا ده سال و در غیر این صورت به شش ماه تا سه سال (تعزیر درجه ۵) حبس محکوم می‌شود. (رجوع کنید به ماده ۲۳ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲).

نکته ۱- تحریک نیروهای رزمنده به عصیان یا فرار هرگاه مؤثر باشد، جرم است.

نکته ۲- جرم «تحریک مؤثر نیروهای رزمنده یا اشخاصی که به نحوی در خدمت نیروهای مسلح هستند برای فرار، عصیان، تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی اعم از داشتن قصد براندازی حکومت یا شکست نیروهای خودی در برابر دشمن یا عدم آن» از مصادیق معاونت به عنوان جرم مستقل است.

نکته ۳- عنوان سرقت در این ماده ناظر به سرقت مطلق اموال و اشیاء نیست بلکه منظور سرقت اسناد محرمانه، نقشه‌ها و اطلاعات طبقه‌بندی شده است. (جرائم علیه آسایش عمومی، دکتر سید ضیاء الدین پیمانی، ص ۳۰)

ماده ۵۰۵- جمع آوری اطلاعات طبقه‌بندی شده به منظور در اختیار غیر قرار دادن

هر کس با هدف برهم زدن امنیت کشور به هر وسیله اطلاعات طبقه‌بندی شده را با پوشش مسؤولین نظام یا مأمورین دولت یا به نحو دیگر جمع‌آوری کند چنانچه بخواهد آن را در اختیار دیگران قرار دهد و موفق به انجام آن شود به حبس از دو تا ده سال (تعزیر درجه ۴) و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال (تعزیر درجه ۵) محکوم می‌شود. (رجوع کنید به ماده ۲۴ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح علی‌الخصوص بند الف و ب).

ماده ۵۰۶- تفلیه اطلاعاتی

چنانچه مأمورین دولتی که مسئول امور حفاظتی و اطلاعاتی طبقه‌بندی شده می‌باشند و به آن‌ها آموزش لازم داده شده است در اثر بی‌مبالاتی و عدم رعایت اصول حفاظتی توسط دشمنان تخلیه اطلاعاتی شوند به یک تا شش ماه حبس (تعزیر درجه ۶) محکوم می‌شوند. (جرم موضوع این ماده از جرائم غیر عمدی است و می‌توان گفت تنها جرم غیر عمدی علیه امنیت کشور) (رجوع کنید به مواد ۲۷ و ۲۸ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲).

نکته ۱- عنوان قانونی اتهام مأمور دولت که به واسطه بی‌مبالاتی، اطلاعاتی را در اختیار دشمن قرار دهد در حالی که به او آموزش داده شده است، عبارت است از: تخلیه اطلاعاتی.

نکته ۲- مسامحه و بی‌مبالاتی در حفظ و نگهداری اطلاعات طبقه‌بندی شده که منجر به تخلیه اطلاعاتی توسط دشمن گردد، در صورتی که فرد، مأمور دولتی و مسئول حفظ و نگهداری اطلاعات طبقه‌بندی شده باشد و آموزش لازم را نیز دیده باشد، جرم است.

نکته ۳- بر اثر بی‌مبالاتی و عدم رعایت اصول حفاظتی توسط مأموران دولتی که مسئول امور حفاظتی و اطلاعاتی طبقه‌بندی شده می‌باشند، اسنادی توسط دشمن ربوده می‌شود در این فرض جرم مأموران مذکور، اهمال در نگهداری اسناد دولتی است.

ماده ۵۰۷- عذر همکاری مقربین علیه امنیت کشور (عذر قانونی معاف‌کننده از مجازات)

هر کس داخل دستجات مفسدین یا اشخاصی که علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور اقدام می‌کنند بوده و ریاست یا مرکزیتی نداشته باشد و قبل از تعقیب، قصد جنایت و اسامی اشخاصی را که در فتنه و فساد دخیل هستند، به مأمورین دولتی اطلاع دهد و یا پس از شروع به تعقیب با مأمورین دولتی همکاری مؤثری به عمل آورد از مجازات معاف و در صورتی که شخصاً مرتکب جرم دیگری شده باشد فقط به مجازات آن جرم محکوم خواهد شد.

نکته ۱- این نوع معافیت به عنوان (عذر قانونی) مطرح است و در صورت احراز این شرایط دادگاه مکلف به اعمال معافیت از مجازات در حق فرد همکاری کننده می‌باشد.

ماده ۵۰۸- همکاری با دول متخاصم خارجی

هر کس یا گروهی با دول خارجی متخاصم به هر نحو علیه جمهوری اسلامی ایران همکاری نماید، در صورتی که محارب شناخته نشود به یک تا ده سال حبس محکوم می‌گردد.

ماده ۵۰۹- تشدید کیفر در زمان جنگ

هر کس در زمان جنگ مرتکب یکی از جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی موضوع این فصل شود به مجازات اشد همان جرم محکوم می‌گردد.

نکته ۱- چنانچه فردی در زمان جنگ مرتکب یکی از جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی موضوع فصل اول قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) گردد، کیفر وی مجازات اشد همان جرم است.

ماده ۵۱۰- انشاء جاسوسان

هر کس به قصد برهم زدن امنیت ملی یا کمک به دشمن، جاسوسانی را که مأمور تفتیش یا وارد کردن هرگونه لطمه به کشور بوده‌اند شناخته و مخفی نماید یا سبب اخفای آن‌ها بشود به حبس از شش ماه تا سه سال (تعزیر درجه ۵) محکوم می‌شود.

هرکس بدون آنکه جاسوسی کند و یا جاسوسان را مخفی نماید، افرادی را به هر نحو شناسایی و جذب نموده و جهت جاسوسی علیه امنیت کشور به دولت خصم یا کشورهای بیگانه معرفی نماید به شش ماه تا دو سال (تعزیر درجه ۶ بدون محرومیت از حقوق اجتماعی) حبس محکوم می‌شود. (رجوع کنید به تبصره ۲ ماده ۲۴ و ماده ۲۸ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲).

نکته ۱- مخفی کردن جاسوسان خارجی، در صورتی جرم است که به قصد برهم زدن امنیت ملی یا کمک به دشمن باشد.

نکته ۲- معرفی کسی به سفارت یک کشور خارجی جهت جاسوسی، در صورتی که معرفی مسبوق به شناسایی و جذب فرد باشد جرم است.

نکته ۳- صرف معرفی یک نفر به کشور بیگانه‌ای که دارای روابط خصمانه با ایران نمی‌باشد، جهت جاسوسی علیه امنیت کشور، در صورتی که معرفی مسبوق به جذب باشد.

نکته ۴- موضوع این ماده در صورتی جرم است که معرفی، مسبوق به شناسایی و جذب فرد باشد.

نکته ۵- جذب افراد برای جاسوسی عبارت است از تشویق، ترغیب و در صورت لزوم پرداخت و دادن وعده پرداخت به افرادی که زمینه‌ی لازم و مناسب برای جاسوسی را دارند. (جرائم بر ضد امنیت و آسایش عمومی، دکتر محمد صالح ولیدی)

ماده ۵۱۱ - تهدید به بمب‌گذاری

هرکس به قصد برهم زدن امنیت کشور و تشویش اذهان عمومی تهدید به بمب‌گذاری هواپیما، کشتی و وسایل نقلیه عمومی نماید یا ادعا نماید (این ادعا حتماً باید کذب و عاری از حقیقت باشد) که وسایل مزبور بمب‌گذاری شده است علاوه بر جبران خسارات وارده به دولت و اشخاص، به شش ماه تا دو سال (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) حبس محکوم می‌گردد.

نکته ۱- تهدید به بمب‌گذاری وسایل نقلیه‌ی عمومی یا هواپیما در صورتی جرم علیه امنیت کشور است که به قصد برهم زدن امنیت کشور و تشویش اذهان عمومی باشد.

نکته ۲- ادعای بمب‌گذاری هواپیما در صورتی که دروغ بوده و به قصد برهم زدن امنیت کشور و تشویش اذهان عمومی اظهار شده باشد جرم است.

ماده ۵۱۲ - اغوا و تحریک به جنگ و کشتار

هرکس مردم را به قصد برهم زدن امنیت کشور (بیانگر سوءنیت خاص است) به جنگ و کشتار با یکدیگر اغوا (به معنی گمراه ساختن) یا تحریک کند صرف‌نظر از اینکه موجب قتل و غارت بشود یا نشود (جرم موضوع این ماده جرمی مطلق است) به یک تا پنج سال (تعزیر درجه ۵ و ۲ سال محروم از حقوق اجتماعی) حبس محکوم می‌گردد. (ماهیتاً معاونت است اما به عنوان جرم مستقل در نظر گرفته شده است) (اغوا و تحریک مردم به جنگ و کشتار با همدیگر عنصر مادی جرم ماهیتاً نوعی معاونت در جرم می‌باشد که به عنوان مباشرت در جرم مستقل در نظر گرفته شده است).

تبصره - در مواردی که احراز شود متهم قبل از دستیابی نظام توبه کرده باشد مشمول مواد (۵۰۸) و (۵۰۹) و (۵۱۲) نمی‌شود.

نکته ۱- تحریک و اغوای مردم به قتل با یکدیگر، وقتی جرم علیه امنیت کشور تلقی می‌شود که به قصد برهم زدن امنیت کشور باشد.

نکته ۲- ماده‌ی ۵۱۲ قانون مجازات اسلامی به این شرح است: «هرکس مردم را به قصد برهم زدن امنیت کشور به جنگ و کشتار با یکدیگر اغوا یا تحریک کند، صرف‌نظر از اینکه موجب قتل و غارت بشود یا نشود، به یک تا پنج سال حبس محکوم می‌گردد». اگر مردم با تحریک این فرد مبادرت به کشتار کنند، عنوان مجرمانه‌ی این فرد محرک مباشر است.

نکته ۳- عنوان کیفری کسی که مردم را به کشتار با یکدیگر تحریک و اغوا می‌نماید، جرمی مستقل است.

نکته ۴- تحریک مردم به جنگ، هرگاه به قصد برهم زدن امنیت کشور انجام شود جرم است.

نکته ۵- تحریک اشخاص به جنگ و کشتار در صورتی یک جرم مستقل علیه امنیت محسوب می‌شود، تحریک هم در مورد نظامیان و اعضای نیروهای مسلح و هم در مورد مردم عادی، می‌تواند یک جرم علیه امنیت محسوب شود.

نکته ۶- تحریک مردم به قتل و کشتار با یکدیگر در صورتی از جرائم علیه امنیت است که به قصد برهم زدن امنیت باشد.

نکته ۷- در جمله‌ی: «هرکس مردم را به قصد برهم زدن امنیت کشور به جنگ و کشتار با یکدیگر اغوا کند، کلمه «اغوا» به معنی گمراه ساختن به کاررفته است.»

نکته ۸- جرم تحریک مردم به کشتار و جنگ با یکدیگر و به قصد برهم زدن امنیت کشور، با وجود شرایط، خواه موجب قتل و غارت بشود یا نشود، محقق می‌شود.

فصل دوم - اهانت به مقدسات مذهبی و سوء قصد به مقامات داخلی

ماده ۵۱۳ - توهین به مقدسات اسلام (توهین مشدر) (رک ماده ۲۶۲ و ۲۶۳ ق.م.ا)

هرکس (به صورت عام و مطلق بیان شده است و هرکس با هر جنسیت، پست، مقام و مذهبی را در برمی‌گیرد) به مقدسات اسلام (مثل: قرآن مجید، کعبه، ذات خداوند، خود نماز نه مهر و جانماز) و یا هریک از انبیای عظام (منظور ۱۲۴۰۰ پیامبر است) یا ائمه طاهرين (ع) یا حضرت صدیقه طاهره (س) اهانت نماید (جرم موضوع این ماده احتیاجی به سوء نیت خاص ندارد) اگر مشمول حکم ساب النبی باشد اعدام می‌شود و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم خواهد شد.

نکته ۱- توهین به مقدسات اقلیت‌های دینی، شناخته در ایران در صورتی جرم است که آن مقدسات، جزء مقدسات اسلام هم باشد.

نکته ۲- اگر اهانت به مقدسات مذهبی مشمول حکم ساب النبی باشد، مجازات مرتکب عبارت است از اعدام.

نکته ۳- توهین به مقدسات اقلیت‌های دینی شناخته شده در ایران در صورتی جرم است که آن مقدسات جزء مقدسات اسلام هم باشند.

ماده ۵۱۴ - اهانت به امام فمینی و یا مقام رهبری (توهین مشدر)

هرکس به حضرت امام خمینی، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی رضوان... علیه و مقام معظم رهبری به نحوی از انحاء اهانت نماید (جرم موضوع این ماده دارای ماهیت عمومی بوده و غیر قابل گذشت می‌باشد) به حبس از شش ماه تا دو سال (تعزیر درجه ۵ و ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم خواهد شد.

ماده ۵۱۵ - سوء قصد به رهبر و مراجع و روسای قوای سه‌گانه

هرکس (تابعیت مرتکب در این ماده فاقد اهمیت است) به جان رهبر و هر یک از روسای قوای سه‌گانه و مراجع بزرگ تقلید، سوء قصد نماید (به معنی شروع به قتل آن‌ها است) چنانچه محارب شناخته نشود به حبس از سه تا ده سال (تعزیر درجه ۴ و ۳ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم خواهد شد.

کج سوء قصد به جان اشخاص مذکور در ماده مدنظر است پس قصد ایراد ضرب و برح نسبت به آن اشخاص مشمول این ماده نمی‌گردد و اقدامات مرتکب در این بصره مصداق شروع به بصره است.

نکته ۱- منظور از سوء قصد به جان مقامات سیاسی، شروع به قتل آن‌ها است.

نکته ۲- از مقامات داخلی، رئیس مجلس شورای اسلامی مشمول مقررات سوء قصد است.

نکته ۳- در مورد مجازات سوء قصد به جان مقامات داخلی اگر محارب نباشد ۳ تا ۱۰ سال حبس است.

فصل سوم - سوء قصد به مقامات سیاسی خارجی

ماده ۵۱۶ - سوء قصد به رئیس کشور خارجی یا نماینده سیاسی آن

هرکس به جان رئیس کشور خارجی یا نماینده سیاسی آن در قلمرو ایران سوء قصد نماید (سوء قصد در خارج از کشور از شمول این ماده خارج است) به مجازات مذکور در ماده (۵۱۵) محکوم می‌شود مشروط به اینکه در آن کشور نیز نسبت به ایران معامله متقابل بشود والا اگر مجازات خفیف‌تر اعمال گردد به همان مجازات محکوم می‌شود. (جرم موضوع این ماده از جرائم قابل گذشت می‌باشد).

تبصره -

چنانچه سوء قصد منتهی به قتل یا جرح یا ضرب شود علاوه بر مجازات مزبور به قصاص (در صورتی اعمال می‌شود که مجنی علیه با مرتکب تساوی در دین داشته باشد) یا دیه مطابق ضوابط و مقررات مربوط محکوم خواهد شد.

نکته ۱- کسی که به قصد قتل رئیس یک کشور خارجی گلوله‌ای شلیک می‌کند، اما مقصودش حاصل نمی‌شود، عمل ارتكابی سوءقصد محسوب می‌شود.

نکته ۲- سوءقصد به جان مقامات خارجی در صورتی به موجب قوانین ایران جرم و قابل مجازات است که مقام مورد قصد رئیس کشور خارجی یا نماینده سیاسی آن بوده و سوءقصد در قلمرو رسمی ایران واقع شده باشد.

نکته ۳- سوءقصد به جان نماینده‌ی سیاسی کشور خارجی از جرائم علیه امنیت کشور است.

نکته ۴- چنانچه متهم علاوه بر سوءقصد به جان رئیس کشور خارجی او را مضرور کند، عمل او تعدد مادی است و به مجازات هر دو جرم محکوم می‌شود.

نکته ۵- سوءقصد به جان مقامات خارجی در صورتی به موجب قوانین ایران جرم و قابل مجازات است که مقام مورد قصد، رئیس کشور خارجی یا نماینده سیاسی آن و سوءقصد در قلمرو رسمی ایران باشد.

ماده ۵۱۷ - توهین به رئیس کشور خارجی یا نماینده سیاسی آن

هرکس علناً نسبت به رئیس کشور خارجی یا نماینده سیاسی آن که در قلمرو خاک ایران (پس قلمرو دریایی و هوایی را در بر نمی‌گیرد) وارد شده است توهین نماید به یک تا سه ماه حبس محکوم می‌شود مشروط به اینکه در آن کشور نیز در مورد مذکور نسبت به ایران معامله متقابل بشود. تبصره -

اعمال مواد این فصل منوط به تقاضای (جرم موضوع این ماده در زمره‌ی جرائم قابل گذشت می‌باشد) دولت مربوطه یا نماینده سیاسی آن دولت یا مطالبه مَجْنیِّعَلِیْهِ یا ولی او است و در صورت استرداد تقاضا تعقیب جزائی نیز موقوف خواهد شد.

نکته ۱- جرم توهین به رئیس خارجی در شرایط زیر قابل مجازات است:

(۱) علنی باشد

(۲) در قلمرو خاک ایران باشد

(۳) شرط متقابل هم وجود داشته باشد

نکته ۲- توهین به رئیس کشور خارجی یا نماینده‌ی سیاسی آن که در قلمرو ایران وارد شده است، در صورتی که توهین علنی باشد و در آن کشور نسبت به ایران معامله‌ی متقابل شود و دولت مربوطه با نماینده‌ی سیاسی آن دولت درخواست تعقیب کند، موجب محکومیت مرتکب به مجازات توهین مشدد می‌گردد.

نکته ۳- اگر کسی علناً نسبت به رئیس یک مملکت خارجی در ایران توهین نماید و بعد مدعی شود که به سمت او آشنا نبوده، جرم انجام شده نسبت به رئیس مملکت خارجی جرم تام است.

نکته ۴- شرط علنی و غیرعلنی بودن توهین در خصوص مجازات جرم توهین به مقامات سیاسی خارجی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ وجود ندارد.

نکته ۵- اگر کسی علناً نسبت به رئیس یک مملکت خارجی در ایران توهین نماید و بعد مدعی شود که به سمت او آشنا نبوده جرم انجام شده نسبت به رئیس مملکت خارجی جرم تام است.

فصل چهارم - تهیه و ترویج سکه قلب

ماده ۵۱۸ - تهیه و ترویج سکه قلب

هرکس شبیه هر نوع مسکوک طلا یا نقره داخلی یا خارجی از قبیل سکه بهار آزادی، سکه‌های حکومت‌های قبلی ایران، (سکه پهلوی) لیره و نظایر آن را از پول‌ها و ارزهای دیگر که مورد معامله واقع می‌شود، (یعنی رایج بودن این سکه‌ها شرط است) بسازد یا عالماً داخل کشور نماید یا مورد خرید و فروش قرار دهد یا ترویج سکه قلب نماید به حبس از یک تا ده سال (تعزیر درجه ۴ با ۳ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم می‌شود.

جرم موضوع این ماده جرمی است مطلق پس احتیاجی به حصول نتیجه ندارد جرم موضوع این ماده (قلب سکه) به دلیل عدم تصریح در ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی جزء جرائم غیر قابل گذشت و با ماهیت عمومی می‌باشد.

هرگاه شفعن واهر، مرتکب سافتن قلب سکه و فرید و فروش و ترویج و وارد کردن آن گردد طبق ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی رفتار فواهر شد.

- نکته ۱-** ساختن سکه تقلبی در صورتی جرم است که سکه‌ی تقلبی از نوع طلا و نقره و غیر طلا و نقره شبیه سکه‌ی اصلی باشد.
- نکته ۲-** ساختن سکه‌ی رایج خارجی که شبیه به اصل آن باشد، جرم است.
- نکته ۳-** درمورد جرم ساختن مسکوکات تقلبی در فرآیند احراز مادی، سکه‌ی تقلب باید شبیه سکه‌ی اصلی باشد ولی شباهت ظاهری کافی است.
- نکته ۴-** عمل کسی که با انداختن سکه‌ی تقلبی به داخل دستگاه مخصوص، مواد خوراکی دریافت می‌کند، ترویج سکه‌ی قلب است.
- نکته ۵-** ساختن سکه‌ی دویست ریالی چون در حال حاضر، سکه‌ی دویست ریالی وجود ندارد، هیچ‌گاه قلب سکه محسوب نمی‌شود.
- نکته ۶-** شبیه‌سازی که در جعل تقلب در مسکوکات مطرح می‌شود، درمورد رکن مادی، از ارکان تشکیل‌دهنده‌ی جرائم مزبور مطرح می‌شود.
- نکته ۷-** در ساختن مسکوکات تقلبی، طلا و نقره، شبیه‌سازی به موجب قانون از شرایط تحقق جرم است.
- نکته ۸-** ساختن تقلبی سکه‌ی طلا و نقره در صورتی جرم تقلب سکه موضوع ماده‌ی ۵۱۸ قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵ خواهد بود که سکه‌ی طلا و نقره «مورد معامله واقع شود» منظور از قید اخیر این است که سکه رواج نسبی بین مردم داشته و به سهولت قابل تبدیل به پول باشد.
- نکته ۹-** وارد کردن سکه‌ی رایج تقلبی به کشور، طبق قانون ایران جرم است.
- نکته ۱۰-** ساختن سکه‌ی رایج خارجی در صورت شبیه بودن با اصل آن جرم است.

ماده ۵۱۹ - تفریش یا وارد نمودن و ترویج مسکوک طلا و نقره

هر کس به قصد تقلب به هر نحو از قبیل تراشیدن، بریدن و نظایر آن از مقدار مسکوکات طلا یا نقره ایرانی یا خارجی بکاهد یا عالماً و عامداً در ترویج این قبیل مسکوکات شرکت یا آن را داخل کشور نماید به حبس از یک تا سه سال (تعزیر درجه ۵ و ۲ سال محروم از حقوق اجتماعی) محکوم می‌شود.

هرم موضوع این ماده یک برم مطلق و غیر قابل گذشت می‌باشد.

هرگاه تفریش کننده، ترویج کننده و وارد کننده به کشور فرود واهر باشد موضوع مشمول تعزیر مادی موضوع ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی فوادر بود.

- نکته ۱-** مخدوش کردن سکه، در صورتی جرم است که سکه از نوع طلا و نقره بوده و به قصد استفاده‌ی نامشروع باشد.
- نکته ۲-** قانون‌گذار در کاستن از تعداد مسکوکات طلا یا نقره‌ی ایرانی یا خارجی، داشتن قصد تقلب را شرط تحقق جرم دانسته است.
- نکته ۳-** تخدیش سکه‌ی طلا و نقره، کاستن از مقدار طلا و نقره به هر وسیله‌ی ممکن است.
- نکته ۴-** سوراخ کردن سکه‌ی بهار آزادی متعلق به دیگری بدون رضایت وی که باعث کاهش نیمی از وزن آن شود، موجب تحقق جرم تخریب است.
- نکته ۵-** در قانون تعزیرات، بزه تخدیش برای مسکوکات طلا و نقره‌ی داخلی و خارجی مورد معامله پیش‌بینی شده است.
- نکته ۶-** در تقلب در مسکوکات، مخدوش کردن مسکوکات طلا و نقره، شبیه‌سازی از شرایط تحقق جرم نیست.
- نکته ۷-** ترویج سکه‌های مخدوش، نسبت به مسکوکات طلا و نقره جرم است.
- نکته ۸-** زرگری مبادرت به برداشتن مقداری طلا از سکه‌های قانونی می‌نماید تا گردن‌بند بسازد، در چنین حالتی وی هیچ جرمی انجام نداده است.
- نکته ۹-** سوراخ کردن سکه‌ی بهار آزادی متعلق به دیگری بدون رضایت وی که باعث کاهش نیمی از وزن آن شود موجب تحقق جرم تخریب می‌گردد.

ماده ۵۲۰ - قلب یا وارد نمودن و ترویج یا فریب و فروش مسکوک غیر طلا و نقره

هر کس شبیه مسکوکات رایج داخلی یا خارجی غیر از طلا و نقره را بسازد یا عالماً عامداً آن‌ها را داخل کشور نماید یا در ترویج آن‌ها شرکت کند یا مورد خرید و فروش قرار دهد به حبس از یک تا سه سال (تعزیر درجه ۵ و ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم می‌شود.

هرم موضوع این ماده مطلق است و فوری و غیر قابل گذشت می‌باشد.

هرگاه فردی سکه‌ی مذکور در ماده ۵۲۰ را بفرد و سپس بفروشد و نسبت به آن علم داشته باشد از ظاهر ماده چنین مستفاد می‌گردد که مرتکب دو برم شده و

عمل وی نیز مشمول ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی فواید بود.

نکته ۱- جرم مطلق و فوری در مورد ساختن شبیه مسکوکات رایج داخلی و خارجی از طلا و نقره صحیح می‌باشد.

نکته ۲- تقلب در ساختن کلیه‌ی مسکوکات شبیه‌سازی از شرایط تحقق جرم است.

نکته ۳- شخصی یک سکه‌ی بهار آزادی تقلبی درست کرده و آن را با ذکر تقلبی بودن نصف قیمت به دیگری می‌فروشد. وی به تقلب سکه و فروش سکه‌ی تقلبی محکوم می‌شود.

ماده ۵۲۱ - عذر همکاری در جرائم قلب سکه و تهیه و ترویج و یا تفریش آن

هرگاه اشخاصی که مرتکب جرائم مذکور در مواد (۵۱۸) و (۵۱۹) و (۵۲۰) می‌شوند قبل از کشف قضیه، مأمورین تعقیب را از ارتکاب جرم مطلع نمایند یا در ضمن تعقیب به واسطه اقرار خود موجبات تسهیل تعقیب سایرین را فراهم آورند یا مأمورین دولت را به نحو مؤثری در کشف جرم کمک و راهنمایی کنند بنا به پیشنهاد رئیس حوزه قضائی مربوط و موافقت دادگاه و یا با تشخیص دادگاه در مجازات آنان تخفیف متناسب داده می‌شود و حسب مورد از مجازات حبس معاف می‌شوند مگر آن که احراز شود قبل از دستگیری توبه کرده‌اند که در این صورت از کلیه مجازات‌های مذکور معاف خواهند شد.

نکته ۱- هرگاه اشخاصی که مرتکب جرائم مربوط به تهیه و ترویج سکه‌ی تقلب شده‌اند قبل از دستگیری توبه کنند، در مجازات آن‌ها تخفیف مناسب داده می‌شود.

نکته ۲- چنانچه متهم بعد از دستگیری توبه کرده و در دادگاه نیز اقرار به جرم خود نماید، نمی‌تواند از معافیت یا تخفیف مجازات اتهامات جرائم مربوط به تهیه و ترویج سکه‌ی قلب موضوع مواد ۵۱۸ الی ۵۲۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات اسلامی) استفاده کند.

ماده ۵۲۲ - ضبط اموال تحصیلیه به عنوان کیفر تکمیلی جرائم قلب سکه و ملقات آن

علاوه بر مجازات‌های مقرر در مواد (۵۱۸) و (۵۱۹) و (۵۲۰) کلیه اموال تحصیلیه از طریق موارد مذکور نیز به عنوان تعزیر به نفع دولت ضبط می‌شود.

نکته ۱- مطابق قانون مجازات اسلامی اموالی که از طریق جرائم مربوط به تهیه و ترویج سکه‌ی قلب تحصیل شده به عنوان تعزیر به نفع دولت ضبط می‌گردد.

فصل پنجم - جعل و تزویر

ماده ۵۲۳ - تعریف جعل و تزویر

جعل (جرم جعل جرمی مطلق است و قصد انتفاع جاعل در تحقق آن شرط نمی‌باشد) و تزویر عبارتند از: ساختن نوشته یا سند یا ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمی یا غیررسمی، خراشیدن یا تراشیدن یا قلم بردن (در اسناد جعلی خود فرد هم جرم کیفری و جعل است) یا الحاق یا محو یا اثبات یا سیاه کردن (اگر تمام متن سند سیاه گردد عمل اتلاف و تخریب سند است نه جعل) یا تقدیم یا تأخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی یا الصاق نوشته‌ای به نوشته دیگر یا بکار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن و نظایر این‌ها (جعل در فتوکپی اسناد، جعل نیست مگر اینکه مصدق باشد) به قصد تقلب. (به لحاظ نص ماده موضوع جعل باید سند یا نوشته و یا سایر چیزهای مقرر در قانون مثل تمبر، مهر، امضاء، علامت یا منگنه باشد در نتیجه تغییر متقلبان‌های برنامه‌های رایانه‌ای، تابلو نقاشی، نوارهای کاست و نقشه‌های مهندسی از شمول موارد مقرر خارج است).

نکته ۱- در جرم جعل، خراشیدن و محو کردن بخشی از حروف و تراشیدن و محو نمودن با وسایلی چون تیغ است.

نکته ۲- شخصی عمداً مقداری جوهر سیاه، روی سند متعلق به دیگری ریخته، به طوری که متن سند قابل خواندن نباشد. در این فرض عنوان مجرمانه‌ی عمل مرتکب تخریب است.

نکته ۳- ساختن مهر دیگری از مصادیق جعل مادی و به کار بردن مهر دیگری از مصادیق جعل مادی است.

نکته ۴- در رابطه با این ماده به رأی وحدت رویه ۱۳۳۶/۳/۳۰-۱۱۸۸ هیئت عمومی دیوان عالی کشور رجوع کنید.

نکته ۵- ساختن مهر دیگری و به کار بردن مهر دیگری از مصادیق جعل مادی‌اند.

نکته ۶- جعل در چیزی قابل تصور است که خود آن ساختگی و تقلبی نباشد، بنابراین کسی که مندرجات سند مجعول را تغییر دهد جاعل نیست.

نکته ۷- قلب حقیقت در صورتی جعل و تزویر به حساب می‌آید که در آن ضرری به غیر وارد شده باشد، البته در جعل ضرر آنی شرط نیست بلکه اگر سند بالقوه متضمن ضرر به دیگری باشد باز هم جعل تحقق یافته است. (دکتر گلدوزیان، همان، ص ۴۹۷)

ماده ۵۲۴ - جعل نوشته رهبر و قوای سه‌گانه به اعتبار مقام (رئیس‌جمهور، ماده ۵ ق.م.ا)

هرکس احکام یا امضاء یا مهر یا فرمان یا دستخط (حتی غیررسمی) مقام رهبری و یا رؤسای سه قوه را به اعتبار مقام آنان جعل کند یا با علم به جعل یا تزویر استعمال نماید، به حبس از سه تا پانزده سال (تعزیر درجه ۳ و ۳ سال محروم از حقوق اجتماعی) محکوم خواهد شد.

نکته ۱- در صورتی که جاعل از سند مجعول استفاده کند، به مجازات جعل و استفاده از سند مجعول محکوم می‌شود.

نکته ۲- در مورد جعل و استفاده از سند مجعول، هرگاه توسط شخص واحدی انجام گیرد، از باب تعدد مادی قابل پیگرد است.

نکته ۳- شخصی که گواهی‌نامه‌ی رانندگی را جعل کرده ولی هنگام ارائه آن به مأمور پلیس جعلی بودن گواهی‌نامه احراز می‌شود، مرتکب جرم جعل و استفاده از سند مجعول از باب تعدد مادی جرائم مختلف شده است.

نکته ۴- «الف» چک پول بانک ملی را که به نشانه‌ی ابطال سوراخ شده است به دست می‌آورد و سوراخ‌های آن را با برگه‌ای هم‌رنگ آن می‌پوشاند و در قبال خرید مالی از «ب» آن را به او می‌دهد. در این فرض جعل مادی استفاده از سند مجعول و کلاهبرداری محقق شده است.

ماده ۵۲۵ - جعل امضاء و مهر و زرا، مهر و علامت دستگاه‌های دولتی، جعل اتمام درگاه‌ها، جعل اسکناس و اسناد بانکی

هرکس یکی از اشیای ذیل را جعل کند یا با علم به جعل یا تزویر استعمال کند یا داخل کشور نماید علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از یک تا ده سال (تعزیر درجه ۴ با ۳ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم خواهد شد:

۱. احکام یا امضاء یا مهر یا دستخط معاون اول رئیس‌جمهور یا وزرا یا مهر یا امضای اعضای شورای نگهبان یا نمایندگان مجلس شورای اسلامی یا مجلس خبرگان یا قضات یا یکی از رؤسا یا کارمندان و مسؤولین دولتی از حیث مقام رسمی آنان.

۲. مهر یا تمبر یا علامت یکی از شرکت‌ها یا مؤسسات یا ادارات دولتی (پس مجازات این ماده شامل شرکت‌ها و مؤسسات غیردولتی نمی‌شود) یا نهادهای انقلاب اسلامی.

۳. احکام دادگاه‌ها یا (اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای عالی امنیت ملی و شورای عالی انقلاب فرهنگی ذکر نشده‌اند) اسناد یا حواله‌های صادره از خزانه دولتی.

۴. منگنه یا علامتی که برای تعیین عیار طلا یا نقره بکار می‌رود.

۵. اسکناس رایج داخلی یا خارجی یا اسناد بانکی نظیر برات‌های قبول شده از طرف بانک‌ها یا چک‌های صادره از طرف بانک‌ها و سایر اسناد تعهدآور بانکی. (ساختن سربرگ ادارات مشمول این ماده نمی‌شود).

تبصره -

هرکس عمداً و بدون داشتن مستندات و مجوز رسمی داخلی و بین‌المللی و به منظور القای شبهه در کیفیت تولیدات و خدمات از نام و علائم استاندارد ملی یا بین‌المللی استفاده نماید به حداکثر مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهد شد.

نکته ۱- در مورد کسی که گذرنامه‌ای را جعل می‌کند و آن را به مأمور مرز نشان داده ولی موفق به خروج از کشور نمی‌شود وی مرتکب تعدد مادی به ارتکاب دو جرم مختلف شده است.

نکته ۲- اقدام احراز ورثه در انتقال سهم بقیه‌ی وراثت از طریق جعل امضاء در دفتر اسناد رسمی از مصادیق جعل و انتقال مال غیر است.

نکته ۳- طبق نظر دیوان عالی کشور، استفاده از سند مجعول توسط جاعل، جرم جداگانه‌ای محسوب می‌شود.

نکته ۴- ساختن متقلبانه و غیر قانونی مهر اعضای شورای نگهبان به اعتبار مقام آنان جعل است.

نکته ۵- مجازات جعل و استفاده از سند مجعول در مورد احکام دادگاه‌ها یکسان است. همچنین است مجازات جعل اسناد تعهدآور بانکی.

نکته ۶- جعل امضاء کارمندان و مسؤولین دولتی، نمایندگان مجلس خبرگان و وزراء به اعتبار مقام رسمی آنان جرم است.

نکته ۷- استفاده از علائم استاندارد ملی یا بین‌المللی در صورتی جرم است که به منظور القاء در کیفیات تولیدات و بدون مجوز رسمی

و عمدی باشد.

نکته ۸- استفاده‌ی عمدی و بدون مجوز از نام و علائم استاندارد ولی یا بین‌المللی، جرم ویژه است و مجازات جعل را در پی خواهد داشت.

نکته ۹- مجازات جعل و استفاده از سند مجعول در مورد احکام دادگاه‌ها یکسان است.

ماده ۵۲۶ - جعل اسکناس بانکی به قصد افلاک در وضع پولی یا بانکی یا برهم زدن نظام و امنیت سیاسی

هرکس اسکناس رایج داخلی یا خارجی یا اسناد بانکی نظیر برات‌های قبول شده از طرف بانک‌ها یا چک‌های صادره از طرف بانک‌ها و سایر اسناد تعهدآور بانکی و نیز اسناد یا اوراق بهادار یا حواله‌های صادره از خزانه را به قصد اخلال در وضع پولی یا بانکی یا اقتصادی یا برهم زدن نظام و امنیت سیاسی و اجتماعی جعل یا وارد کشور نماید یا با علم به مجعول بودن استفاده کند، چنانچه مفسد و محارب شناخته نشود به حبس از پنج تا بیست سال (تعزیر درجه ۲ با ۳ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم می‌شود.

نکته ۱- جعل اسکناس رایج داخلی و خارجی اگر به قصد برهم زدن نظام اقتصادی و پولی باشد مجازات محارب را دارد.

نکته ۲- قصد برهم زدن نظام و امنیت سیاسی از شرایط تحقق جعل اسناد بانکی است.

نکته ۳- اقدام باندی و تشکیلات جهت «اخلال» در نظام صادراتی کشور به هر صورت جرم است. با توجه به این مطلب «اخلال» یادشده در متن قانون با «انگیزه» تطبیق می‌کند.

ماده ۵۲۷ - جعل مدرک تحصیلی

هرکس مدارک اشتغال به تحصیل یا فارغ‌التحصیلی یا تأییدیه یا ریزنمرات تحصیلی دانشگاه‌ها (می‌توان گفت غیر از مدارک دانشگاهی را در خصوص ریزنمرات شامل نمی‌شود) و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی داخل یا خارج از کشور یا ارزش‌نامه‌های تحصیلات خارجی را جعل کند یا با علم به جعلی بودن آن را مورد استفاده قرار دهد علاوه بر جبران خسارت، به حبس از یک تا سه سال (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم خواهد شد. در صورتی که مرتکب، یکی از کارکنان وزارتخانه‌ها یا سازمان‌ها و مؤسسات وابسته به دولت یا شهرداری‌ها یا نهادهای انقلاب اسلامی باشد یا به نحوی از انحاء در امر جعل یا استفاده از مدارک و اوراق جعلی شرکت داشته باشد به حداکثر مجازات محکوم می‌گردد.

نکته ۱- جعل مدارک اشتغال تحصیل یا فارغ‌التحصیلی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، با ماده قانون معینی از قانون تعزیرات قابل مجازات است.

نکته ۲- «الف» کارمند یکی از سازمان‌های دولتی مهم است به جعل ریزنمرات تحصیلی یکی از دانشگاه‌های داخلی که در دادگاه نیز به جرم خود اقرار می‌کند. دادگاه او را به حداکثر مجازات حبس قانونی و جبران خسارت در خصوص آن جرم محکوم می‌کند.

ماده ۵۲۸ - جعل مهر و علامت مؤسسات عمومی غیردولتی یا استقاره از آن

هرکس مهر یا منگنه یا علامت یکی از ادارات یا مؤسسات یا نهادهای عمومی غیردولتی مانند شهرداری‌ها را جعل کند یا با علم به جعل استعمال نماید علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از شش ماه تا سه سال (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم خواهد شد.

ماده ۵۲۹ - جعل مهر و علامت شرکت‌های غیردولتی یا استقاره از آن

هرکس مهر یا منگنه یا علامت یکی از شرکت‌های غیردولتی که مطابق قانون تشکیل شده است یا یکی از تجارتخانه‌ها را جعل کند یا با علم به جعل، استعمال نماید علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از سه ماه تا دو سال (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم خواهد شد.

نکته ۱- جعل علامت شرکت‌ها جرم است و مرتکب علاوه بر جبران خسارات وارده به حبس محکوم می‌شود.

ماده ۵۳۰ - استقاره غیرمجاز از مهر و علامت نهادها و مؤسسات غیردولتی

هرکس مهر یا منگنه یا علامت ادارات یا شرکت‌ها یا تجارتخانه‌های مذکور در مواد قبل را بدون مجوز به دست آورد و به طریقی که به حقوق و منافع آن‌ها ضرر وارد آورد استعمال کند یا سبب استعمال آن گردد علاوه بر جبران خسارت وارده به دو ماه تا دو سال (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم خواهد شد. (جرم موضوع این ماده جرمی مقید به نتیجه است، ضرر وارد آوردن به حقوق و منافع).

ماده ۵۳۱ - عذر همکاری در جعل

اشخاصی که مرتکب جرائم مذکور در مواد قبل شده‌اند هرگاه قبل از تعقیب به دولت اطلاع دهند و سایر مرتکبین را در صورت بودن، معرفی کنند یا بعد از تعقیب

وسایل دستگیری آن‌ها را فراهم نمایند حسب مورد در مجازات آنان تخفیف داده می‌شود و یا از مجازات معاف خواهند شد.

ماده ۵۳۲ - جعل کارمندان دولت در اسناد رسمی در ابرای وظیفه

هریک از کارمندان و مسئولان دولتی که در اجرای وظیفه خود در (انجام این اعمال توسط افراد غیر کارمند مشمول این ماده نمی‌شود) احکام و تقریرات و نوشته‌ها و اسناد (چک هرچند از اسناد لازم‌الاجرا است ولی سند رسمی شناخته نمی‌شود و جعل در آن، جعل در اسناد رسمی نیست) و سجلات و دفاتر و غیر آن‌ها از نوشته‌ها و اوراق رسمی تزویر کند اعم از اینکه امضاء یا مهری را ساخته یا امضاء یا مهر یا خطوط را تحریف کرده یا کلمه‌ای الحاق کند یا اسامی اشخاص را تغییر دهد علاوه بر مجازات‌های اداری و جبران خسارت وارده به حبس از یک تا پنج سال (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) یا به پرداخت شش تا سی میلیون ریال (جزای نقدی درجه ۶) جزای نقدی محکوم خواهد شد. (رجوع کنید به ماده ۱۰۰ قانون ثبت اسناد و املاک).

ماده ۵۳۳ - جعل اسناد رسمی توسط غیر کارمند

اشخاصی که کارمند یا مسئول دولتی نیستند (این ماده ناظر بر جعل مادی است چراکه جعل مفادی یا جعل معنوی توسط غیر کارمند یا مسئول امکان‌پذیر نیست) هرگاه مرتکب یکی از جرائم مذکور در ماده قبل شوند علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از شش ماه تا سه سال (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) یا سه تا هجده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.

ماده ۵۳۴ - جعل مفاری و ماری مأمور دولت

هریک از کارکنان ادارات دولتی و مراجع قضائی و مأمورین به خدمات عمومی (مرتکبین جعل مفادی صرفاً افراد فوق می‌توانند باشند) که در تحریر نوشته‌ها و قراردادهای راجع به وظایفشان مرتکب جعل و تزویر شوند اعم از اینکه موضوع یا مضمون آن را تغییر دهند یا گفته و نوشته یکی از مقامات رسمی، مهر یا تقریرات یکی از طرفین را تحریف کنند یا امر باطلی را صحیح یا صحیحی را باطل یا چیزی را که بدان اقرار نشده است اقرار شده جلوه دهند، (جعل معنوی) علاوه بر مجازات‌های اداری و جبران خسارت وارده به حبس از یک تا پنج سال (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) یا شش تا سی میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد. (جعل مفادی به صورت ترک فعل نیز قابل تحقق می‌باشد و آن در صورتی است که تمام خواسته‌ی طرفین قید نگردد).

نکته ۱- سردفتری عامداً سندی را به اسم کسانی که آن را معامله را نکرده‌اند ثبت کرده است. در این فرض سردفتر مرتکب جعل معنوی شده است.

نکته ۲- موارد زیر جعل مفادی یا معنوی محسوب می‌شوند:

(۱) امر باطلی را صحیح یا امر صحیحی را باطل جلوه دادن

(۲) چیزی را که بدان اقرار نشده است، اقرار شده جلوه دادن

(۳) تقریرات یکی از طرفین دعوا را تحریف کردن

نکته ۳- سردفتری در انعکاس اظهارات خریدار به جای اینکه نویسد «ثمن را پرداخت کردم» نوشته است «ثمن را پرداخت نکردم»، این عمل سردفتر، جعل معنوی است.

نکته ۴- قاضی دادگاه عمومی جزای، موضوع و دلایل اتهام را وفق کیفرخواست دادسرا قرائت می‌کند با وجود اقرار متهم در دادسرا به عنوان دفاع در محکمه اعلام می‌کند «قبول ندارم» ولی منشی دادگاه نوشته «قبول دارم». در این فرض عمل منشی دادگاه از مصادیق جعل معنوی است.

نکته ۵- اقدام دفتردار ثبت اسناد در مورد اضافه کردن مطالبی برخلاف واقع مورد نظر طرفین قرار دارد، در حین تنظیم سند، مصداق مجرمانه جعل مفادی است.

نکته ۶- مسئول بنگاه معاملاتی در بیع نامه تنظیمی بر اساس تبانی به عمل آمده با خریدار، جریمه تأخیر در پرداخت ثمن را به قصد ضرر به فروشنده و نفع خریدار به جای روزی پنجاه هزار تومان، روزی پنج هزار ریال می‌نویسد. عنوان فعل ارتكابی جعل معنوی به اعتبار سمت مسئول بنگاه با معاونت خریدار است.

ماده ۵۳۵ - استفاده از اسناد مجعول

هرکس اوراق مجعول مذکور در مواد (۵۳۲) و (۵۳۳) و (۵۳۴) را با علم به جعل و تزویر مورد استفاده قرار دهد علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از شش ماه تا سه سال (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) یا به سه تا هجده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد. (صرف نگره داشتن سند مجعول بدون استفاده از سند و اوراق مجعول، استفاده از سند و اوراق مجعول نیست) (هرگاه جاعل مرتکب استفاده از سند مجعول هم شود عمل وی مشمول ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی خواهد بود).

ماده ۵۳۶ - جعل در اسناد و نوشته‌های عاری

هرکس (اعم از کارمند و غیر کارمند) در اسناد یا نوشته‌های غیررسمی جعل یا تزویر کند یا با علم به جعل و تزویر آن‌ها را مورد استفاده قرار دهد علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از شش ماه تا دو سال (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) یا به سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

نکته ۱- هرگاه دارنده‌ی چک با دست‌کاری در متن چک مبلغ آن را افزایش دهد، مرتکب جرم جعل سند عادی شده است.

نکته ۲- اگر سارق امضای صاحب دسته‌چک را در چک شبیه‌سازی کرده و با آن کالا خریده باشد، مرتکب سرقت، جعل سند عادی چک و استفاده از سند مجعول مذکور شده است.

نکته ۳- در جرم استفاده از نوشته‌های غیررسمی مجعول، استفاده با علم به جعل برای استفاده‌کننده از نظر قانونی شرط اعمال مجازات است.

نکته ۴- جرم مندرج در این ماده، قابل گذشت است.

نکته ۵- صدور چک از حساب دیگری بدون شبیه‌سازی در امضای صاحب حساب از مصادیق جرم کلاهبرداری است.

ماده ۵۳۷ - عکس‌برداری از اوراق هویت و مدارک دولتی و عمومی

عکس‌برداری از کارت شناسایی، اوراق هویت شخصی و مدارک دولتی و عمومی و سایر مدارک مشابه در صورتی که موجب اشتباه با اصل شود باید ممه‌ور به مهر یا علامتی باشد که نشان دهد آن مدارک رونوشت یا عکس می‌باشد، در غیر این صورت عمل فوق جعل محسوب می‌شود و تهیه‌کنندگان این‌گونه مدارک و استفاده‌کنندگان از آن‌ها بجای اصلی عالماً و عامداً، علاوه بر جبران خسارت به حبس از شش ماه تا دو سال (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) و یا به سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.

نکته ۱- عکس‌برداری از مدارک دولتی و عمومی، در صورتی جرم است که بدون علامت مشخص‌کننده‌ی اصل با عکس، موجب اشتباه شود.

نکته ۲- عکس‌برداری از اوراق هویت شخصی، مانند گواهینامه‌ی رانندگی در صورتی که موجب اشتباه با اصل شود، باید ممه‌ور به مهری یا علامتی باشد که نشان دهد مدارک مزبور رونوشت یا عکس است. در غیر این صورت، در حکم جعل است.

نکته ۳- ارائه‌ی فتوکپی گواهینامه‌ی رانندگی که کاملاً شبیه اصل است به افسر راهنمایی و رانندگی هرگاه به عنوان اصل ارائه شود، جرم است.

ماده ۵۳۸ - جعل گواهی پزشکی

هرکس شخصاً یا توسط دیگری برای معافیت خود یا شخص دیگری از خدمت دولت یا نظام‌وظیفه یا برای تقدیم به دادگاه (دادسرا را شامل نمی‌شود) گواهی پزشکی به اسم طبیب جعل کند به حبس از شش ماه تا یکسال (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) یا به سه تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

نکته ۱- جرم ارتكابی در این ماده مطلق است چه از گواهی استفاده کند و چه نکند مرتکب جعل شده است.

ماده ۵۳۹ - صدور تصدیق‌نامه خلاف واقع از سوی پزشک

هرگاه طبیب (توسط غیر پزشک مثلاً منشی محقق نمی‌شود) تصدیق‌نامه برخلاف واقع (جعل محسوب نمی‌شود) درباره شخصی برای معافیت (اعم از معافیت دائم یا موقت) از خدمت در ادارات رسمی یا نظام‌وظیفه یا برای تقدیم به مراجع قضائی (اعم از دادسرا و دادگاه و شورای حل اختلاف و ...

می‌باشد) بدهد به حبس از شش ماه تا دو سال (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) یا به سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد؛ و هرگاه تصدیق‌نامه مزبور به واسطه اخذ مال یا وجهی انجام گرفته علاوه بر استرداد و ضبط آن به عنوان جریمه، به مجازات مقرر برای رشوه گیرنده محکوم می‌گردد. (با توجه به اینکه صرف تصدیق‌نامه برخلاف واقع توسط پزشک چه از آن استفاده شود و چه نشود جرم است و نیز باید افزود جرم موضوع این ماده از جرائم مطلق است) (در خصوص پزشک نه شخص دریافت‌کننده گواهی).

نکته ۱- صدور تصدیق‌نامه‌ی پزشکی خلاف واقع، هرگاه توسط طبیب و برای معافیت از خدمت در ادارات رسمی یا نظام‌وظیفه یا تقدیم به مراجع قضائی صادر شود، جرم است.

نکته ۲- شخصی به طبیب مراجعه و پزشک به او گواهی خلاف واقع برای معافیت از خدمت سربازی می‌دهد. عمل طبیب در این حد، تصدیق برخلاف واقع است.

نکته ۳- تصدیق‌نامه‌ی خلاف واقعی پزشکی در صورتی که برای معافیت از خدمت نظام‌وظیفه صادر شود جرم است.

نکته ۴- چنانچه طبیبی تصدیق‌نامه‌ای برخلاف واقع درباره‌ی شخصی صادر کند و در ازای آن وجهی دریافت نماید، دادگاه طبیب را، فقط به مجازات رشوه گیرنده محکوم می‌کند.

ماده ۵۴۰ - صدور تصدیق خلاف واقع

برای سایر تصدیق‌نامه‌های خلاف واقع که موجب ضرر شخص ثالثی باشد یا آن که خسارتی بر خزانه دولت وارد آورد (در اینجا جرم مقید است) مرتکب علاوه بر جبران خسارت وارده به شلاق تا (۷۴) ضربه یا به دو بیست هزار تا دو میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

نکته ۱- تصدیق‌نامه‌های خلاف واقع که توسط اشخاصی غیر از پزشک صادر می‌شوند، اصولاً در صورتی که موجب ورود خسارت به شخص ثالث یا خزانه‌ی دولت گردد، جرم است.

ماده ۵۴۱ - شرکت در آزمون به جای دیگری

هرکس به جای داوطلب اصلی هریک از آزمون‌ها اعم از کنکور ورودی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، دانش‌سراها، مراکز تربیت‌معلم، اعزام دانشجوی به خارج از کشور یا امتحانات داخلی و نهایی واحدهای مزبور یا امتحانات دبیرستان‌ها، مدارس راهنمایی و هنرستان‌ها و غیره و در جلسه امتحان شرکت نماید حسب مورد مرتکب و داوطلب علاوه بر مجازات اداری و انتظامی به دو بیست هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد. (با توجه به تفسیر مضیق و نیز تفسیر به نفع متهم باید گفت موارد این ماده شامل آزمون کانون وکلا و استخدامی قضات و سر دفتران نمی‌گردد).

نکته ۱- هرکس به جای داوطلب اصلی شغل سردفتری اسناد رسمی شرکت نماید، حسب مورد مرتکب و داوطلب علاوه بر مجازات اداری و انتظامی به جزای نقدی محکوم خواهند شد.

نکته ۲- شخصی که کارمند دولت است به جای داوطلب اصلی در آزمون ورودی دانشگاه‌ها شرکت می‌کند. مراقبان آزمون او را شناسایی و دستگیری می‌کنند. این عمل جرم محسوب شده و قابل تعقیب کیفری است.

نکته ۳- کسی که در آزمون مؤسسات آموزش عالی به جای داوطلب اصلی در جلسه‌ی امتحان شرکت می‌نماید، مرتکب جرم خاصی غیر از جعل گردیده است.

نکته ۴- «الف» به جای «ب» در آزمون کنکور ورودی سراسری دانشگاه شرکت نموده است، «الف» و «ب» هر دو مسؤولیت جزائی دارند و مجازات آنان یکسان است.

نکته ۵- شخص شرکت‌کننده و داوطلب اصلی هر دو مسؤولیت جزائی دارند و مجازات آنان یکسان است.

ماده ۵۴۲ - شروع به جعل و تزویر

مجازات شروع به جعل و تزویر در این فصل حداقل مجازات تعیین شده همان مورد خواهد بود. (این ماده به موجب ماده ۱۲۲ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ نسخ ضمنی شده است) (در خصوص جرم جعل و تزویر نظامیان رجوع کنید به مواد ۹۵ لغایت ۱۰۷ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲).

نکته ۱- شروع به جرائم زیر به موجب قانون جرم پیش‌بینی شده است:

(۱) جعل اسکناس داخل

(۲) جعل اسکناس خارجی

(۳) آدم‌ربایی

نکته ۲- شروع به جرم جعل اسناد عالی، به موجب مقررات خاص جرم است و مجازات معین شده دارد.

فصل ششم - محو یا شکستن مهر و پلمب و سرقت نوشته‌ها از اماکن دولتی

ماده ۵۴۳ - محو یا شکستن مهر یا پلمب

هرگاه محلی یا چیزی برحسب امر مقامات صالح رسمی (اعم از مقامات قضائی و غیر قضائی) مهر یا پلمپ شده باشد و کسی عالماً و عامداً آن‌ها را بشکند یا محو نماید یا عملی مرتکب شود که در حکم محو یا شکستن پلمپ تلقی شود مرتکب به حبس از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد. در صورتی که مستحفظ آن مرتکب شده باشد به حبس از یک تا دو سال (تعزیر درجه ۶ بدون محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم می‌شود و اگر ارتکاب به واسطه اهمال مستحفظ واقع گردد مجازات مستحفظ یک تا شش ماه حبس یا حداکثر (۷۴) ضربه شلاق خواهد بود.

نکته ۱- حسب امر مقامات صالح رسمی، محلی مهر شده است. اگر کسی با علم و عمد، مهر را بشکند، به حبس از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

ماده ۵۴۴ - اهمال منبر به سرقت یا تفریب یا معروم شدن اسناد و مدارک مفوظ در اماکن دولتی

هرگاه بعضی یا کل نوشته‌ها یا اسناد یا اوراق یا دفاتر یا مطالبی که در دفاتر ثبت و ضبط دولتی مندرج یا در اماکن دولتی محفوظ یا نزد اشخاصی که رسماً مأمور حفظ آن‌ها هستند سپرده شده باشد، ربوده یا تخریب یا برخلاف مقررات معدوم شود، دفتردار و مباشر ثبت و ضبط اسناد مذکور و سایر اشخاص که به واسطه اهمال (غیر عمدی) آن‌ها (رجوع کنید به ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) جرم مذکور وقوع یافته است، به حبس از شش ماه تا دو سال (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم خواهند شد.

ماده ۵۴۵ - سرقت یا تفریب یا معروم نمودن اسناد و مدارک مفوظ در اماکن دولتی و یا در نزد مأمورین دولتی

مرتکبین هر یک از انواع و اقسام جرم‌های مشروح در ماده فوق به حبس از سه تا شش سال (تعزیر درجه ۴ با ۳ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم خواهند گردید و اگر امانت‌دار یا مستحفظ مرتکب یکی از جرائم فوق‌الذکر شود به سه تا ده سال حبس (تعزیر درجه ۴ با ۳ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم خواهد شد.

نکته ۱- مطابق قانون مجازات اسلامی، اگر سرقت نوشته‌ها از اماکن دولتی توسط امانت‌دار یا مستحفظ ارتکاب یافته باشد، مجازات سارق تشدید پیدا می‌کند. این نوع تشدید از علل مشدده شخصی است.

ماده ۵۴۶ - معوسه‌کشستن مهر یا پلمب به عنف ربایش و معروم نمودن اسناد و مدارک مفوظ در اماکن دولتی

در صورتی که مرتکب به عنف مهر یا پلمپ را محو نماید یا بشکند یا عملی مرتکب شود که در حکم محو یا شکستن پلمپ تلقی شود یا نوشته یا اسناد را بر باید یا معدوم کند حسب مورد به حداکثر مجازات‌های مقرر در مواد قبل محکوم خواهد شد و این مجازات مانع از اجرای مجازات جرائمی که از قهر و تشدد حاصل شده است نخواهد بود.

فصل هفتم - فرار مجبوسین قانونی و اخفای مقصرین

ماده ۵۴۷ - فرار از زندان (رک تبصره ۲ ماده ۱۳۴ ق.م.ا)

هر زندانی که از زندان یا بازداشتگاه فرار نماید (در صورتی که به مرخصی برود و بدون عذر موجه خود را در موعد مقرر معرفی ننماید مشمول فرار از زندان می‌شود) به شلاق تا (۷۴) ضربه یا سه تا شش ماه حبس (تعزیر درجه ۷ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم می‌شود و اگر برای فرار درب زندان را شکسته یا آن را خراب کرده باشد، علاوه بر تأمین خسارت وارده به هر دو مجازات محکوم خواهد شد. (شکستن درب زندان باید برای فرار باشد و زندانی عملاً فرار کرده باشد و هرگاه با شکستن درب نتواند فرار کند مشمول تشدید مقرر در این ماده نخواهد بود).

تبصره -

زندانیانی که مطابق آیین‌نامه زندان‌ها به مرخصی رفته و خود را در موعد مقرر بدون عذر موجه معرفی نمایند فراری محسوب و به مجازات فوق محکوم

می‌گردند. (فرار از زندان توأم با تخریب درب زندان جرمی واحد است با دو مجازات و دو جرم متفاوت که مشمول ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی نمی‌شود).

نکته ۱- فردی که محکوم به حبس ابد است و در زندان به سر می‌برد، از زندان فرار می‌کند و برای فرار از زندان درب زندان را می‌شکند، این امر مصداق تعدد مادی است.

نکته ۲- شخصی با شکستن درب زندان از آن فرار می‌کند. وی را می‌توان به مجازات جرم فرار از زندان به‌وسیله‌ی شکستن درب محکوم کرد.

ماده ۵۴۸ - تسامح و اهمال منبر به فرار متهم یا زندانی

هرگاه مأموری که موظف به حفظ یا ملازمت (به معنی همواره نزد کسی بودن است) یا مراقبت متهم یا فرد زندانی بوده در انجام وظیفه مسامحه و اهمالی (غیر عمد) نماید (جرم موضوع این ماده در زمره‌ی جرائم غیر عمدی می‌باشد و در صورت عمد مأمور در فرار زندانی موضوع خارج از بحث این ماده می‌باشد).

که منجر به فرار وی شود به شش ماه تا سه سال حبس (جرم درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی که البته این جرم با توجه به غیر عمد بودن مشمول این محرومیت قرار نمی‌گردد) یا جزای نقدی از سه تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.

نکته ۱- جرم مأموری که موظف به مراقبت از متهمی بوده و در اثر مسامحه‌ی او متهم فرار می‌کند، مطلق است.

نکته ۲- در قانون مجازات به دلیل مسامحه و اهمال مأموری که موظف به حفظ یا ملازمت یا مراقبت متهم بوده فرار کرده، مأمور مجرم شناخته شده است. در متن قانونی کلمه‌ی ملازمت در مفهوم همواره نزد کسی بودن به کار رفته است.

ماده ۵۴۹ - مساعدت یا تسهیل یا تبانی و مواضعه در فرار

هرکس مأمور حفظ یا مراقبت یا ملازمت زندانی یا توقیف شده‌ای باشد و مساعدت در فرار نماید (جرم موضوع این ماده در زمره‌ی جرائم عمدی است) یا راه فرار او را تسهیل کند یا برای فرار وی تبانی و مواضعه نماید به ترتیب ذیل مجازات خواهد شد:

الف: اگر توقیف شده متهم به جرمی باشد که مجازات آن اعدام یا رجم یا صلب است و یا زندانی به یکی از این مجازات‌ها محکوم شده باشد به سه تا ده سال حبس (تعزیر درجه ۴ با ۳ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) و اگر محکومیت محکوم علیه حبس از ده سال به بالا باشد و یا توقیف شده متهم به جرمی باشد که مجازات آن حبس از ده سال به بالاست به یک تا پنج سال حبس (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) و چنانچه محکومیت زندانی و یا اتهام توقیف شده غیر از موارد فوق‌الذکر باشد به شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد.

ب: اگر زندانی محکوم به قصاص یا توقیف شده متهم به قتل مستوجب قصاص باشد، عامل فرار موظف به تحویل دادن وی می‌باشد و در صورت عدم تحویل زندانی می‌شود و تا تحویل وی در زندان باقی می‌ماند و چنانچه متهم غیباً محاکمه و براءت حاصل کند و یا قتل شبه عمد یا خطئی تشخیص داده شود عامل فرار به مجازات تعیین شده در ذیل بند (الف) محکوم خواهد شد و اگر فراری فوت کند و یا تحویل وی ممتنع شود چنانچه محکوم به قصاص باشد فراری دهنده به پرداخت دیه به اولیای دم مقتول محکوم خواهد شد.

ج: اگر متهم یا محکومی که فرار کرده محکوم به امر مالی یا دیه باشد، عامل فرار علاوه بر مجازات تعیین شده در ذیل بند (الف) ضامن پرداخت دیه و مال محکوم به نیز خواهد بود.

نکته ۱- اگر مأمور مراقبت از محبوسی با او مساعدت در فرار نماید، این مساعدت می‌تواند به صورت فعل مثبت مادی و ترک فعل هردو باشد.

نکته ۲- یک مأمور انتظامی، فردی را که متهم به حمل و نگهداری مواد مخدر است فراری می‌دهد. دادگاه مأمور را برای فراری دادن به حبس و انفصال از خدمات دولتی محکوم می‌کند. مجازات انفصال از خدمات دولتی از نوع مجازات تکمیلی اجباری است.

ماده ۵۵۰ - تسامح و اهمال مأمور دستگیری یا به قصد مساعدت

هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی که طبق قانون مأمور دستگیری کسی بوده و در اجرای وظیفه دستگیری مسامحه و اهمال (غیر عمد) کرده باشد (جرم موضوع این ماده از دو قسمت غیر عمدی قسمت اول (اهمال) و عمدی در قسمت دوم (مساعدت) تشکیل شده است) به پرداخت یکصد هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد و چنانچه مسامحه و اهمال به قصد مساعدت (عمد) بوده که منجر به فرار وی شده باشد علاوه بر مجازات

مذکور به حبس از شش ماه تا سه سال (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم می‌شود.

ماده ۵۵۱ - مساعدت در فرار زندانی از سوی غیرمناظر، ملازم یا مراقب

اگر عامل فرار از مأمورین مذکور در ماده (۵۴۹) نباشد و عامداً موجبات فرار اشخاصی که قانوناً زندانی یا دستگیر شده‌اند را فراهم آورد به طریق ذیل مجازات خواهد شد.

الف: چنانچه زندانی محکوم به اعدام یا حبس دائم یا رجم یا صلب بوده مجازات او یک تا سه سال حبس (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) و اگر زندانی متهم به جرمی بوده که مجازات آن اعدام یا رجم یا صلب است مجازات از شش ماه تا دو سال حبس (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) و چنانچه محکومیت زندانی و یا مجازات قانونی توقیف شده غیر از موارد فوق‌الذکر باشد مجازات او سه ماه تا یک‌سال حبس خواهد بود.

ب: اگر زندانی محکوم به قصاص باشد عامل فرار موظف به تحویل دادن وی می‌باشد و در صورت عدم تحویل زندانی می‌شود و تا تحویل وی در زندان باقی می‌ماند. چنانچه فراری فوت کند و یا تحویل وی ممتنع شود فراری دهنده به پرداخت دیه به اولیای دم مقتول محکوم خواهد شد.

ماده ۵۵۲ - مساعدت در فرار از طریق اسلحه دارن

هرکس (اعم از مأمور دولت یا شخص عادی) به شخص زندانی یا توقیف شده برای مساعدت به فرار اسلحه بدهد (جرم موضوع این ماده در زمره جرائم مطلق است) به حبس از دو تا پنج سال (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم می‌شود.

ماده ۵۵۳ - افساء زندانی فراری

هرکس (اعم از مأمورین دولتی یا اشخاص عادی) شخصی را که قانوناً دستگیر شده و فرار کرده یا کسی را که متهم است به ارتکاب جرمی و قانوناً امر به دستگیری او شده است مخفی کند یا وسایل فرار او را فراهم کند (جرم موضوع این ماده همواره به صورت فعل بوده و با ترک فعل مثلاً عدم گزارش محل اختفاء محقق نمی‌شود) به ترتیب ذیل مجازات خواهد شد:

چنانچه کسی که فرار کرده محکوم به اعدام یا رجم یا صلب یا قصاص نفس و اطراف و یا قطع ید بوده مجازات مخفی کننده یا کمک کننده او در فرار، حبس از یک تا سه سال است (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) و اگر محکوم به حبس دائم یا متهم به جرمی بوده که مجازات آن اعدام یا صلب است محکوم به شش ماه تا دو سال (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) حبس خواهد شد و در سایر حالات مجازات مرتکب یک ماه تا یک سال حبس (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) خواهد بود.

تبصره -

در صورتی که احراز شود فرد فراری دهنده و یا مخفی کننده یقین به بی‌گناهی فرد متهم یا زندانی داشته و در دادگاه نیز ثابت شود از مجازات معاف خواهد شد.

ماده ۵۵۴ - مساعدت در استتلاف مهرم از مکالمه و مکومیت

هرکس از وقوع جرمی مطلع شده و برای خلاصی مجرم از محاکمه و محکومیت مساعدت کند از قبیل اینکه برای او منزل تهیه کند یا ادله جرم را مخفی نماید یا برای تبرئه مجرم ادله جعلی ابراز کند حسب مورد به یک تا سه سال (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) حبس محکوم خواهد شد.

تبصره -

در موارد مذکور در ماده (۵۵۳) و این ماده در صورتی که مرتکب از اقارب درجه اول متهم باشد مقدار مجازات در هر مورد از نصف حداکثر تعیین شده بیشتر نخواهد بود.

فصل هشتم - غصب عناوین و مشاغل

ماده ۵۵۵ - غصب عناوین و مشاغل دولتی

هرکس بدون سمت رسمی یا اذن از طرف دولت خود را در مشاغل دولتی اعم از کشوری یا لشگری و انتظامی که از نظر قانون مربوط به او نبوده است دخالت دهد (غصب شغل) یا معرفی (غصب عنوان) نماید (جرم موضوع این ماده صرفاً با فعل محقق می‌شود و در زمره جرائم مطلق است و به صرف گفتن محقق می‌شود پس اگر کسی دیگری را به جای مأمور دولت بگیرد و او سکوت کند مرتکب جرمی نشده است) به حبس از شش ماه تا دو سال (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم خواهد شد و چنانچه برای دخالت یا معرفی خود در مشاغل مزبور، سندی جعل کرده باشد

مجازات جعل را نیز خواهد داشت. (اگر شخص در راستای غضب عناوین، مدرک یا مدارکی را جعل و یا از طریق معرفی خود به عنوان سمت یا منصبی که غیر از آن است، مالی به دست آورد به عنوان کلاهبردار قابل مجازات و مشمول ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی می‌گردد) (از باب تعدد مادی).

نکته ۱- هرکس بدون سمت رسمی یا اذن از طرف دولت خود را در مشاغل دولتی اعم از کشوری یا لشکری و انتظامی دخالت دهد، مرتکب جرم غضب عنوان دولتی شده است.

نکته ۲- شخصی بدون اینکه سمت رسمی داشته باشد خود را مأمور انتظامی معرفی می‌نماید، این عمل عنوان جعل عنوان کیفری را دارد.

نکته ۳- فردی برای معرفی خود به عنوان کارمند یکی از سازمان‌های دولتی مبادرت به جعل سندی نیز می‌نماید. در چنین صورتی علاوه بر مجازات مداخله در کار دولتی بدون سمت رسمی به مجازات جعل نیز محکوم می‌شود.

نکته ۴- چنانچه شخصی برخلاف واقع خود را شفاهاً سرهنگ نیروی انتظامی معرفی نماید بدون آنکه هیچ اقدام دیگری در این راستا انجام دهد، بدون نیاز به شکایت شاکی یا نیروی انتظامی قابل تعقیب و مجازات است.

نکته ۵- شخصی با علم و آگاهی از اینکه وکیل دادگستری از طریق دادگاه انتظامی کانون وکلای متبوع خود در حالت تعلیق به سر می‌برد به نامبرده وکالت می‌دهد تا بر اساس آن طرح دعوی نماید و بر این اساس وکیل طرح دعوی کرده و در جلسه دادگاه شرکت کرده و دفاع می‌کند. در این حالت فقط عمل وکیل جرم محسوب و قابل تعقیب است.

ماده ۵۵۶ - استفاده غیرمجاز و علنی از لباس‌های رسمی مأموران نظامی و انتظامی و نشان‌ها و امتیازات دولتی

هرکس بدون مجوز و به صورت علنی لباس‌های رسمی مأموران نظامی یا انتظامی جمهوری اسلامی ایران (شامل مأموران غیر ایرانی، یا همان خارجی نمی‌گردد) یا نشان‌ها، مدال‌ها یا سایر امتیازات دولتی را بدون تغییر یا با تغییر جزئی که موجب اشتباه شود مورد استفاده قرار دهد (صرف استفاده برای تحقق جرم موضوع این ماده کافی است و اگر با استفاده از این لباس‌ها تحصیل مال هم کرده باشد کلاهبرداری و مشمول ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی می‌گردد) در صورتی که عمل او به موجب قانون دیگری مستلزم مجازات شدیدتری نباشد به حبس از سه ماه تا یک سال (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) و یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال محکوم خواهد شد؛ و در صورتی که از این عمل خود سوء استفاده کرده باشد به هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

تبصره -

استفاده از البسه و اشیای مذکور در این ماده در اجرای هنرهای نمایشی مشمول مقررات این ماده نخواهد بود (به عبارتی استفاده از لباس‌های رسمی مأموران نظامی یا انتظامی به شرط اشتباه جرم است) (در این خصوص رجوع کنید به ماده ۹۵ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح).

نکته ۱- استفاده از لباس‌های رسمی مأموران نظامی یا انتظامی به شرط اینکه موجب اشتباه شود جرم است.

نکته ۲- قانون مجازات استفاده‌ی غیر مجاز از عناوین علمی (۱۳۸۸/۱۲/۱۶) برای تعیین مجازات مرتکب موضوع این قانون به مجازات جرم استفاده از لباس‌های رسمی مأموران نظامی یا انتظامی ارجاع داده است.

نکته ۳- استفاده از عناوین علمی دکتر و مهندس برای کسانی که فاقد این عناوین هستند صرفاً در صورت استفاده در مکاتبات اداری یا تبلیغ در وسایل ارتباط جمعی یا نطق در مجامع یا انتشار اوراق چاپی یا خطی جرم است.

نکته ۴- استفاده از لباس‌های رسمی مأموران نظامی یا انتظامی که در اجرای هنرهای نمایشی به کار رفته باشد جرم نیست.

نکته ۵- در جنایات مادی، حکم تغلیظ دیه جاری نمی‌شود.

ماده ۵۵۷ - استفاده غیرمجاز و علنی از لباس‌های رسمی یا متحدالشکل مأموران کشورهای بیگانه و نشان‌ها و مدال‌های دولتی خارجی

هرکس علنی و به صورت غیرمجاز لباس‌های رسمی یا متحدالشکل مأموران کشورهای بیگانه یا نشان‌ها یا مدال‌ها یا سایر امتیازات دولتی خارجی در ایران را مورد استفاده قرار دهد به شرط معامله متقابل و یا در صورتی که موجب اختلال در نظم عمومی گردد مشمول مقررات ماده فوق است. (استفاده‌ی غیر مجاز از عناوین علمی از قبیل: دکتر، مهندس، وکیل، استاد و... در مکاتبات اداری یا از طریق وسایل ارتباط جمعی یا نطق در مجامع یا از طریق

انتشار اوراق چاپی یا خطی مشمول این ماده بوده و طبق قانون استفاده‌ی غیر مجاز از عناوین علمی به مجازات مقرر محکوم خواهد شد.
در این خصوص رجوع کنید به ماد ۹۶ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح

فصل نهم - تخریب اموال تاریخی، فرهنگی

ماده ۵۵۸ - تخریب آثار فرهنگی تاریخی

هرکس به تمام یا قسمتی از ابنیه، اماکن، محوطه‌ها و مجموعه‌های فرهنگی - تاریخی یا مذهبی که در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است، (در صورت عدم ثبت این آثار مشمول این ماده نمی‌گردد) یا تزئینات، ملحقات، تأسیسات، اشیاء و لوازم و خطوط و نقوش منصوب یا موجود در اماکن مذکور که مستقلاً نیز واجد حیثیت فرهنگی - تاریخی یا مذهبی باشد، خرابی وارد آورد علاوه بر جبران خسارات وارده به حبس از یک الی ده سال (تعزیر درجه ۴ با ۳ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم می‌شود.

نکته ۱- جرم تخریب آثار تاریخی و مذهبی، جرمی مقید و ساده است.

نکته ۲- هرکس به تمام یا قسمتی از ابنیه، اماکن، محوطه‌ها و مجموعه‌های فرهنگی-تاریخی یا مذهبی که در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است خرابی وارد آورد، علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از یک الی ده سال محکوم می‌شود.

نکته ۳- فردی بدون اجازه‌ی دولت مبادرت به خارج کردن اشیای عتیقه از کشور می‌کند، مقصود از اشیای عتیقه در قانون عبارت است از اشیای عتیقه با توجه به قانون حفظ آثار ملی مشخص می‌گردد.

ماده ۵۵۹ - سرقت و مداخله در اشیاء تاریخی از اماکن تاریخی

هر کس اشیاء و لوازم و همچنین مصالح و قطعات آثار فرهنگی - تاریخی را از موزه‌ها و نمایشگاه‌ها، اماکن تاریخی و مذهبی و سایر اماکن که تحت حفاظت یا نظارت دولت است، سرقت کند یا با علم به مسروقه بودن، اشیای مذکور را بخرد یا پنهان دارد در صورتی که مشمول مجازات حد سرقت نگردد علاوه بر استرداد آن به حبس از یک تا پنج سال (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم می‌شود.

نکته ۱- سرقت کردن و پنهان کردن اشیاء و لوازم و قطعات فرهنگی و آثار ملی و تاریخی موزه‌ها توسط فردی که به آن‌ها لطمه وارد کند جرم است.

نکته ۲- در مورد سرقت یک اثر تاریخی گران‌بها از موزه‌ی تحت حفاظت و نظارت دولت می‌توان گفت که این عمل ممکن است سرقت مستوجب حد باشد.

ماده ۵۶۰ - ایثار تزلزل بنیان، فریبی و لطمه در آثار تاریخی

هرکس (به صورت عام بیان گردیده است و می‌تواند صاحب ملک مزبور هم مشمول گردد) بدون اجازه از سازمان میراث فرهنگی کشور، یا با تخلف از ضوابط مصوب و اعلام‌شده از سوی سازمان مذکور در حریم آثار فرهنگی - تاریخی مذکور در این ماده مبادرت به عملیاتی نماید که سبب تزلزل بنیان آن‌ها شود، (جرم موضوع این ماده در زمره‌ی جرائم مقید به نتیجه که همان خرابی در اموال است می‌باشد) یا در نتیجه آن عملیات به آثار و بناهای مذکور خرابی یا لطمه وارد آید، (به نظر می‌رسد منظور از خرابی و لطمه خرابی فیزیکی باشد) علاوه بر رفع آثار تخلف و پرداخت خسارات وارده به حبس از یک تا سه سال (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم می‌شود.

ماده ۵۶۱ - قاچاق اموال تاریخی

هرگونه اقدام به خارج کردن اموال تاریخی - فرهنگی از کشور هرچند به خارج کردن آن نینجامد (جرم موضوع این ماده در زمره‌ی جرائم مطلق قرار دارد) قاچاق محسوب و مرتکب علاوه بر استرداد اموال به حبس از یک تا سه سال (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) و پرداخت جریمه معادل دو برابر قیمت اموال موضوع قاچاق محکوم می‌گردد.

تبصره -

تشخیص ماهیت تاریخی - فرهنگی به عهده سازمان میراث فرهنگی کشور می‌باشد.

نکته ۱- شخصی اقدام به خارج کردن اموال تاریخی-فرهنگی از کشور می‌نماید؛ اما به دلیل دستگیر شدن و کشف قضیه عمل او به

خارج کردن اموال مزبور نمی‌انجامد. عنوان جزائی عمل او قاچاق محسوب می‌شود.

نکته ۲- «الف» متهم به اقدام خارج کردن اموال تاریخی و فرهنگی از کشور می‌باشد. در دادگاه وکیل او این‌گونه دفاع می‌کند که: چون «الف» موفق به خارج کردن اموال از کشور نشده پس عمل او جرم نیست. به نظر می‌رسد این عمل جرم «قاچاق» بوده و قابل مجازات و جریمه می‌باشد.

نکته ۳- هر اقدامی به قصد خارج کردن میراث فرهنگی یا ثروت‌های ملی چنانچه با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام جمهوری اسلامی باشد، به مجازات اخلال در نظام اقتصادی کشور محکوم می‌شود، اگر چه به خارج کردن آن اموال منجر نگردد.

نکته ۴- خارج ساختن اشیای عتیقه از کشور بدون مجوز قانونی جرم است. مقصود از عتیقه بودن اشیاء در قانون با توجه به قانون حفظ آثار ملی معین می‌گردد.

ماده ۵۶۲ - حفاری و کاوش به قصد دستیابی به آثار تاریخی

هرگونه حفاری (با توجه به این که صرف حفاری بدون این که منتج به کشف اموال مذکور گردد جرم تلقی می‌گردد چرا که جرم موضوع این ماده در زمره جرائم مطلق است) و کاوش به قصد به دست آوردن اموال تاریخی - فرهنگی ممنوع بوده و مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) و ضبط اشیای مکشوفه به نفع سازمان میراث فرهنگی کشور و آلات و ادوات حفاری به نفع دولت محکوم می‌شود. چنانچه حفاری در اماکن و محوطه‌های تاریخی که در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است، یا در بقاع متبرکه و اماکن مذهبی صورت گیرد علاوه بر ضبط اشیای مکشوفه و آلات و ادوات حفاری، مرتکب به حداکثر مجازات مقرر محکوم می‌شود.

تبصره ۱-

هرکس اموال تاریخی - فرهنگی موضوع این ماده را حسب تصادف به دست آورد و طبق مقررات سازمان میراث فرهنگی کشور نسبت به تحویل آن اقدام ننماید به ضبط اموال مکشوفه محکوم می‌گردد.

تبصره ۲-

خرید و فروش اموال تاریخی - فرهنگی حاصله از حفاری غیرمجاز ممنوع است و خریدار و فروشنده علاوه بر ضبط اموال فرهنگی مذکور، به حبس از شش ماه تا سه سال (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم می‌شوند. هرگاه فروش اموال مذکور تحت هر عنوان از عناوین به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم به اتباع خارجی صورت گیرد، مرتکب به حداکثر مجازات مقرر محکوم می‌شود. (نظر به اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها، صرف داشتن اشیای عتیقه و خرید و فروش آن جرم محسوب نمی‌گردد و مقررات ماده ۵۶۲ و تبصره‌های آن ناظر به موردی است که شیء عتیقه از طریق حفاری و کاوش غیر مجاز به دست آمده باشد و متعاقباً مورد خرید و فروش قرار گیرد).

نکته ۱- اگر فردی حسب تصادف، اموال تاریخی- فرهنگی را به دست آورد و طبق مقررات سازمان میراث فرهنگی کشور از تحویل آن‌ها خودداری نماید، به ضبط اموال مکشوفه محکوم خواهد شد.

نکته ۲- اگر کسی در اراضی، تپه‌ها و اماکن ملی و مذهبی به قصد استفاده حفاری کند و به اشیای عتیقه دسترسی پیدا کند و آن‌ها را تملک نماید، مستلزم مجازات اشد است.

نکته ۳- جرم فروش اشیای عتیقه ثبت‌شده در فهرست آثار ملی، مطلق و آنی (فوری) است.

نکته ۴- در خرید و فروش اموال تاریخی- فرهنگی حاصل از حفاری غیر مجاز مجازات خریدار یا فروشنده، عبارت است از حبس ۶ ماه تا ۳ سال و ضبط اموال فرهنگی.

نکته ۵- اگر کسی اموال تاریخی- فرهنگی را از اماکن تاریخی که در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده، حسب تصادف به دست آورد، به مجازات جرم سرقت محکوم می‌شود.

نکته ۶- جرم فروش اشیای عتیقه‌ی ثبت‌شده در فهرست آثار ملی مطلق است و آنی.

نکته ۷- اگر کسی در حین فروش یک شیء عتیقه که بر حسب تصادف به دست آورده به یک تبعه‌ی خارجی دستگیر شود مرتکب هیچ جرمی نشده است.

ماده ۵۶۳ - تجاوز به آثار غیرمنقول ثبت‌شده

هرکس به اراضی و تپه‌ها و اماکن تاریخی و مذهبی که به ثبت آثار ملی رسیده (مرتکب باید مطلع باشد که اولاً اراضی و تپه‌ی مذکور به ثبت ملی رسیده باشد ثانیاً دارای مالک خصوصی نباشد) و مالک خصوصی نداشته باشد تجاوز کند (با استفاده از کلمه‌ی تجاوز بدون این که منجر به استخراج یا کشف اموال ثبت‌شده گردد نشان از این دارد که جرم موضوع این ماده در زمره‌ی جرائم مطلق است) به شش ماه تا دو سال (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) حبس محکوم می‌شود مشروط بر آن که سازمان میراث فرهنگی کشور قبلاً حدود مشخصات این قبیل اماکن و مناطق را در محل تعیین و علامت‌گذاری کرده باشد.

نکته ۱- تجاوز به اماکن تاریخی و مذهبی، در صورتی جرم است که به ثبت آثار ملی رسیده، مالک خصوصی نداشته باشد و قبلاً حدود و مشخصات آن توسط سازمان میراث فرهنگی تعیین و علامت‌گذاری شده باشد.

ماده ۵۶۴ - مرمت، تعمیر، تغییر، ترمیم و توسعه آثار ملی ثبت‌شده

هرکس بدون اجازه (اگر قبل از اقدام به موارد مذکور اجازه گرفته شود مشمول این ماده نخواهد شد البته ضوابط میراث فرهنگی در صورت کسب اجازه باید رعایت شود) سازمان میراث فرهنگی و برخلاف ضوابط مصوب اعلام‌شده از سوی سازمان مذکور به مرمت یا تعمیر، تغییر، تجدید و توسعه ابنیه یا تزیینات اماکن فرهنگی - تاریخی ثبت‌شده در فهرست آثار ملی مبادرت نماید، به حبس از شش ماه تا دو سال (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) و پرداخت خسارت وارده محکوم می‌گردد.

نکته ۱- شخصی با حسن نیت و بدون هیچ قصد مجرمانه‌ای به تعمیر و ترمیم یک مسجد که در فهرست آثار ملی ثبت‌شده می‌پردازد، در حالی که فاقد اجازه از سازمان میراث فرهنگی است. در چنین موردی عمل او جرم بوده و این شخص قابل مجازات است.

ماده ۵۶۵ - انتقال اموال غیرمنقول تاریخی

هرکس برخلاف ترتیب مقرر در قانون حفظ آثار ملی اموال فرهنگی - تاریخی غیرمنقول ثبت‌شده در فهرست آثار ملی را با علم و اطلاع (بیانگر سوءنیت عام است) از ثبت آن به نحوی به دیگران انتقال دهد (به صورت عام ذکر شده و تنها شامل بیع نمی‌شود) به حبس از سه ماه تا یک سال (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم می‌شود.

نکته ۱- چنانچه فردی اموال فرهنگی غیرمنقول ثبت‌شده را برخلاف ترتیب مقرر در قانون حفظ آثار ملی به نحوی به دیگران انتقال دهد، در صورت علم و اطلاع از ثبت اموال مرتکب جرم شده است.

ماده ۵۶۶ - لطمه به هیئیت معنوی آثار تاریخی

هرکس (به صورت عام بیان شده و شامل مالک ملک ثبت‌شده نیز می‌گردد) نسبت به تغییر نحوه استفاده از ابنیه، اماکن و محوطه‌های مذهبی - فرهنگی و تاریخی که در فهرست آثار ملی ثبت‌شده‌اند، برخلاف شئون اثر و بدون مجوز از سوی سازمان میراث فرهنگی کشور، اقدام نماید علاوه بر رفع آثار تخلف و جبران خسارت وارده به حبس از سه ماه تا یکسال (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم می‌شود.

نکته ۱- ساختن نمونه‌ی تقلبی آثار فرهنگی تاریخی به قصد فروش آن‌ها جرمی خاص است.

ماده ۵۶۶ مکرر (الحاقی ۱۳۸۸/۳/۲۶) - ساخت نمونه تقلبی آثار فرهنگی - تاریخی

هر کس نمونه تقلبی آثار فرهنگی - تاریخی اعم از ایرانی و خارجی (بدون شرط متقابل) را به جای اثر اصلی بسازد یا آن را به قصد عرضه، قاچاق یا فروش، معرفی، حمل یا نگهداری کند یا با آگاهی از تقلبی بودن اثر خریداری کند به حبس از نود و یک روز تا شش ماه (تعزیر درجه ۷ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) و جزای نقدی معادل نصف ارزش اثر اصلی با اخذ نظر کارشناس از سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری محکوم می‌شود.

تبصره ۱ -

نمونه تقلبی به اشیا‌ی اطلاق می‌گردد که در دوره معاصر ساخته شده و از حیث نقوش، خطوط، شکل، جنس، اندازه، حجم و وزن شبیه آثار فرهنگی - تاریخی اصیل بوده یا بدون آن که نمونه اصلی وجود داشته باشد به عنوان اثر فرهنگی - تاریخی اصیل معرفی شود و علامتی از سوی سازنده یا سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری برای تشخیص از اصل، بر روی آن حک نشده باشد.

تبصره ۲ -

چنانچه شیء تقلبی نمونه اصلی نداشته باشد، ارزش آن به فرض وجود توسط کارشناسان سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری تعیین می‌گردد.

تبصره ۳ -

اشیاء مکشوفه موضوع این ماده به نفع سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری ضبط می‌گردد. حکم این تبصره شامل اشیائی که قبل از لازم الاجرا شدن این قانون ضبط شده نیز می‌گردد.

ماده ۵۶۷ - شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم علیه میراث فرهنگی

در کلیه جرائم مذکور در این فصل، سازمان میراث فرهنگی یا سایر دوایر دولتی برحسب مورد شاکی یا مدعی خصوصی محسوب می‌شود (اما حق استرداد شکایت و رضایت به مرتکب را ندارند) (جرائم موضوع این فصل به استناد ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی و عدم ذکر موارد این فصل دارای جنبه عمومی و در زمره جرائم غیرقابل گذشت می‌باشند).

نکته ۱- جرم تخریب اموال تاریخی- فرهنگی از جرائم در قوانین کیفری قابل گذشت بودن یا غیرقابل گذشت بودن آن مشخص نشده است.

ماده ۵۶۸ - نفی مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی در جرائم علیه میراث فرهنگی

در مورد جرائم مذکور در این فصل که به وسیله اشخاص حقوقی انجام شود هریک از مدیران و مسئولان که دستور دهنده باشند، برحسب مورد به مجازات‌های مقرر محکوم می‌شوند. (اشخاص حقوقی دولتی یا عمومی غیردولتی در مواردی که اعمال حاکمیت نمی‌کنند مرتکب جرائم مذکور در این فصل شوند علاوه بر مجازات مقرر در این فصل، مجازات ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی نیز می‌تواند در مورد آنها اعمال شود).

تبصره -

اموال فرهنگی - تاریخی حاصله از جرائم مذکور در این فصل تحت نظر سازمان میراث فرهنگی کشور توقیف و در کلیه مواردی که حکم به ضبط و استرداد اموال، وسایل، تجهیزات و خسارات داده می‌شود به نفع سازمان میراث فرهنگی کشور مورد حکم قرار خواهد گرفت.

نکته ۱- چنانچه جرائم نسبت به اموال تاریخی- فرهنگی به وسیله اشخاص حقوقی انجام پذیرد، مسئول این جرائم طبق قانون، مدیران و مسئولان دستوردهنده هستند.

نکته ۲- در صورتی که بنا به امر غیرقانونی شهردار، جرمی توسط مأمور شهرداری صورت گیرد، شهردار و مأمور شهرداری به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شوند.

نکته ۳- چنانچه کارفرما شخص حقوقی باشد، به موجب قانون کار مسؤولیت جزائی متوجه مدیرعامل یا مدیرمسئول است.

ماده ۵۶۹ - معافیت مالک از کیفر به واسطه بی‌اطلاعی از ثبت اثر

در کلیه موارد این فصل در صورتی که ملک مورد تخریب، ملک شخصی بوده و مالک از ثبت آن به عنوان آثار ملی بی‌اطلاع باشد (به دلیل عدم وجود عنصر معنوی برای تحقق جرم) از مجازات‌های مقرر در مواد فوق معاف خواهد بود.

فصل دهم - تقصیرات مقامات و مأمورین دولتی

ماده ۵۷۰ (اصلاحی ۱۳۸۱/۱۰/۱۱) - سلب آزادی شفهی و حقوق اساسی افراد

هریک از مقامات و مأمورین دولتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند (رجوع کنید به اصل ۲۶ قانون اساسی) یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی محروم نماید علاوه بر انفصال (انفصال به استناد ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی قابل تعلیق نیست مگر این که در حکم دادگاه قید شود) از خدمت و محرومیت سه تا پنج سال از مشاغل دولتی به حبس از شش ماه تا سه سال (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم خواهد شد.

نکته ۱- هریک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که برخلاف قانون آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی محروم نماید به انفصال از خدمت، محرومیت یک تا چند سال از مشاغل حکومتی، حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

نکته ۲- سلب آزادی شخصی افراد برخلاف قانون توسط مقامات و مأمورین دولتی یا محروم کردن آنان از حقوق مقرر در قانون اساسی حسب مورد گوناگون با فعل و ترک فعل امکان دارد.

نکته ۳- سلب آزادی شخصی افراد برخلاف قانون توسط مقامات و مأمورین دولتی یا محروم کردن آنان از حقوق مقرر در قانون اساسی حسب موارد گوناگون با فعل و ترک فعل امکان دارد.

ماده ۵۷۱ - اقرارم خلاف قانون اساسی بر حسب امضاء معمول مأمور دولتی

هرگاه اقداماتی که برخلاف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد بر حسب امضای ساختگی وزیر یا مأمورین دولتی به عمل آمده باشد، مرتکب و کسانی که عالماً آن را به کار برده باشند به حبس از سه تا ده سال (تعزیر درجه ۴ با ۳ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم خواهند شد.

ماده ۵۷۲ - عدم استماع شکایت مبنی بر غیرقانونی (عنصر مادی با ترک فعل صورت می‌گیرد)

هرگاه شخصی برخلاف قانون حبس شده باشد و در خصوص حبس غیر قانونی خود شکایت به ضابطین دادگستری یا مأمورین انتظامی نموده و آنان شکایت او را استماع نکرده باشند (رجوع کنید به ماده ۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحی ۱۳۹۴) و ثابت نمایند که تظلم او را به مقامات ذیصلاح اعلام و اقدامات لازم را معمول داشته‌اند به انفسال دائم (به معنی قطع ارتباط استخدامی با آن وزارت خانه یا اداره اما محرومیت به معنی قطع با تمام ادارات یا وزارتخانه‌ها است) از همان سمت و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت سه تا پنج سال محکوم خواهند شد.

ماده ۵۷۳ - پذیرش زندانی برون افز برگ بازداشت

اگر مسؤولین و مأمورین بازداشتگاه‌ها و ندامتگاه‌ها بدون اخذ برگ بازداشت صادره از طرف مراجع و مقامات صلاحیت‌دار، شخصی را به نام زندانی بپذیرند به دو ماه تا دو سال (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) حبس محکوم خواهند شد.

ماده ۵۷۴ - امتناع از ارائه رفتار زندان یا تسلیم زندانی یا رسانیدن تظلمات آن‌ها

اگر مسؤولین و مأمورین بازداشتگاه‌ها و ندامتگاه‌ها از ارائه دادن یا تسلیم کردن زندانی به مقامات صالح قضائی یا از ارائه دادن دفاتر خود به اشخاص مزبور امتناع کنند یا از رسانیدن تظلمات محبوسین به مقامات صالح ممانعت یا خودداری نمایند مشمول ماده قبل خواهند بود مگر اینکه ثابت نمایند که به موجب امر کتبی رسمی از طرف رئیس مستقیم خود، مأمور به آن بوده‌اند که در این صورت مجازات مزبور درباره امر مقرر خواهد شد.

ماده ۵۷۵ - صدور دستور بر خلاف قانون مبتنی بر بازداشت و قرار مهربانیت

هرگاه مقامات قضائی یا دیگر مأمورین ذیصلاح برخلاف قانون توقیف یا دستور بازداشت یا تعقیب جزائی یا قرار مجرمیت کسی را صادر نمایند به انفسال دائم از سمت قضائی و (این مجازات در زمره مجازات‌های اصلی است) محرومیت از مشاغل دولتی به مدت پنج سال محکوم خواهند شد. (رجوع کنید به اصل ۳۲ قانون اساسی و ماده ۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحی ۱۳۹۴).

نکته ۱- یکی از مقامات قضائی برخلاف قانون دستور بازداشت فردی را صادر کرده است. مجازات انفسال دائم از سمت قضائی و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت ۵ سال در مورد او قابل اجرا است.

نکته ۲- چنانچه یک مقام قضائی برخلاف قانون دستور بازداشت کسی را صادر نماید عمل وی جرم آنی و مطلق است.

نکته ۳- فردی که در نتیجه بازداشت توسط مراجع قضائی، از حضور به موقع در واحد نظامی مربوط بازمانده است، به علت وجد عامل رافع مسؤولیت کیفری مجازات نمی‌شود.

نکته ۴- جرم موضوع ماده ۵۷۵ ق.م.ا بخش تعزیرات در زمره جرائم آنی و مطلق است.

ماده ۵۷۶ - سوءاستفاده از قدرت رسمی در جلوگیری از اجرای قوانین و یا اوامر کتبی یا مقامات قضائی

چنانچه هر یک از صاحب‌منصبان و مستخدمین و مأمورین دولتی و شهرداری‌ها (به نظر می‌رسد به جز شهرداری سایر ادارات غیردولتی عمومی از شمول این ماده خارج هستند) در هر رتبه و مقامی که باشد از مقام خود سوء استفاده نموده و از اجرای اوامر کتبی دولتی یا اجرای قوانین مملکتی و یا اجرای احکام یا اوامر مقامات قضائی یا هرگونه امری که از طرف مقامات قانونی صادر شده باشد جلوگیری نماید به انفسال از خدمات دولتی از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد.

ماده ۵۷۷ - مخالفت در امور قضائی

چنانچه مستخدمین و مأمورین دولتی اعم از استانداران و فرمانداران و بخشداران یا معاونان آن‌ها و مأمورین انتظامی در غیر موارد حکمیت (استثنائاً) در اموری که در صلاحیت مراجع قضائی است دخالت نمایند و با وجود اعتراض متداعیین یا یکی از آن‌ها یا اعتراض مقامات صلاحیت‌دار قضائی رفع مداخله نمایند به حبس از دو ماه تا سه سال (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم خواهند شد. (رجوع کنید به ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب

۱۳۹۲ و اصلاحی (۱۳۹۴).

ماده ۵۷۸ - اشد اقرار با اذیت و آزار بدنی

هریک از مستخدمین و مأمورین قضائی یا غیر قضائی دولتی برای اینکه متهمی را مجبور به اقرار کند او را اذیت و آزار بدنی نماید (هرگاه افراد غیر موارد مذکور در این ماده مرتکب موارد مذکور در این ماده شوند به ضرب و جرح عمدی محکوم می‌شوند) علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم می‌گردد و چنانچه کسی در این خصوص دستور داده باشد فقط دستور دهنده به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شد و اگر متهم به واسطه اذیت و آزار فوت کند مباشر، مجازات قاتل و امر مجازات امر قتل را خواهد داشت. (معاونت در قتل، در اینجا امر، فاعل معنوی است) (رجوع کنید به ماده ۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحی (۱۳۹۴)) (آزار و اذیت بدنی مقرر در این ماده باید برای گرفتن اقرار صورت گرفته باشد، هرگاه برای امر اقرار نباشد از شمول این ماده خارج و مشمول ضرب و جرح عمدی می‌گردد).

نکته ۱- اگر یکی از مأمورین دولتی برای اینکه متهمی را مجبور به اقرار کند، او را اذیت و آزار بدنی نماید و در نتیجه‌ی این اعمال آن شخص فوت شود، به عنوان مباشر قتل به مجازات قصاص نفس محکوم می‌شود.

نکته ۲- به موجب ماده‌ی ۵۷۸ قانون تعزیرات هرگاه یکی از مستخدمین دولت برای اینکه متهمی را مجبور به اقرار کند، امر به اذیت و آزار بدنی او کند، به حبس محکوم خواهد شد. در این ماده امر فاعل معنوی نام دارد.

نکته ۳- «الف» مبادرت به صدور دستور به «ب» برای ارتکاب قتل «ج» نموده است. «الف» به عنوان امر به مجازات حبس ابد محکوم می‌شود.

ماده ۵۷۹ - اعمال مجازات سفت‌تر از کیفر مورد ملامت و یا در غیر مورد ملامت

چنانچه هریک از مأمورین دولتی (به نظر می‌رسد منظور مأمورین اجرای احکام کیفری مد نظر است) محکومی را سخت‌تر از مجازاتی که مورد حکم است مجازات کند یا مجازاتی کند که مورد حکم نبوده است به حبس از شش ماه تا سه سال (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم خواهد شد و چنانچه این عمل به دستور فرد دیگری انجام شود فقط امر به مجازات مذکور محکوم می‌شود و چنانچه این عمل موجب قصاص یا دیه باشد مباشر به مجازات آن نیز محکوم می‌گردد و اگر اقدام مزبور متضمن جرم دیگری نیز باشد مجازات همان جرم حسب مورد نسبت به مباشر یا امر اجرا خواهد شد.

ماده ۵۸۰ - هتک حرمت منزل غیر به واسطه مأمورین دولتی (رک ماده ۶۹۴ ق.م.ا.ب.ش تعزیرات در مورد غیر مأمور)

هریک از مستخدمین و مأمورین قضائی یا غیر قضائی یا کسی که خدمت دولتی به او ارجاع شده باشد بدون ترتیب قانونی به منزل (به نظر می‌رسد منظور مکانی است که معد زندگی برای فرد باشد که می‌تواند اتاق هتل را نیز شامل شود که فرد در آن در حال زندگی است) کسی بدون اجازه و رضای صاحب منزل داخل شود به حبس از یک ماه تا یک سال (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم خواهد شد مگر اینکه ثابت نماید به امر یکی از رؤسای خود که صلاحیت حکم را داشته است مکره به اطاعت امر او بوده، اقدام کرده است که در این صورت مجازات مزبور در حق امر اجرا خواهد شد و اگر مرتکب یا سبب وقوع جرم دیگری نیز باشد مجازات آن را نیز خواهد دید و چنانچه این عمل در شب (عامل مشدده‌ی مجازات) واقع شود مرتکب یا امر به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد. (رجوع کنید به ماده ۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحی ۱۳۹۴ و نیز ماده ۶۹۴ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات).

نکته ۱- یک مأمور دولت در غیر موردی که قانوناً حق دخول به منزل دیگری دارد، به منزل وی وارد می‌شود. مقصود از منزل در این جرم عبارت است هر محلی که شخص در آن سکونت دارد.

ماده ۵۸۱ - سوءاستفاده از قدرت در فریب یا تسلط برحق غیر یا فروش آن

هریک از صاحب‌منصبان و مستخدمین و مأمورین دولتی که با سوء استفاده از شغل خود به جبر و قهر مال یا حق کسی را بخرد یا بدون حق بر آن مسلط شود یا مالک را اکراه به فروش به دیگری کند علاوه بر رد عین مال یا معادل نقدی قیمت مال یا حق، به مجازات حبس از یک سال تا سه سال (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم می‌گردد. (چنانچه شخص به عنوان یک خریدار عادی و بدون

سوء استفاده از شغل و سمت خود مال دیگری را با قهر و غلبه تصاحب کند مشمول این ماده نمی‌شود).

نکته ۱- فرماندار یکی از شهرستان‌ها با سوء استفاده از موقعیت خود مالکی را به فروش ملک خود اکراه می‌کند. در این فرض مجازات او حسب مورد، رد مال، حبس و یا جزای نقدی می‌باشد.

ماده ۵۸۲ - هتک حرمت مراسلات، مخابرات، مکالمات و افشاء مطالب آن‌ها

هریک از مستخدمین و مأمورین دولتی، مراسلات یا مخابرات یا مکالمات تلفنی اشخاص را در غیر مواردی که قانون اجازه داده حسب مورد مفتوح یا توقیف یا معدوم یا بازرسی یا ضبط یا استراق سمع نماید یا بدون اجازه صاحبان آن‌ها مطالب آن‌ها را افشاء نماید به حبس از یک سال تا سه سال (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) و یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد. (رجوع کنید به مواد ۸۷ و ۱۵۰ و ۱۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحی ۱۳۹۴) (چنانچه اشخاص عادی غیر از اشخاص مصرح در ماده فوق مرتکب اعمال مذکور شوند مشمول این ماده نمی‌شوند).

نکته ۱- «الف» مستخدم دولت، نام‌های فردی را که در غیر مواردی که قانون اجازه داده باز می‌کند و می‌خواند. عمل در صورتی مجازات دارد که صرف استخدام دولت برای انجام جرم کافی باشد.

نکته ۲- افشاء یا استراق سمع مراسلات، مخابرات یا مکالمات تلفنی از سوی مستخدمین و مأمورین دولتی در قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) واجد وصف مجرمانه شناخته شده است.

نکته ۳- برای اعمال مجازات مقرر در ماده ۵۸۲ نسبت به افراد مرتکب باید گفت که صرف استخدام دولت برای انجام جرم کافی است.

ماده ۵۸۳ - حبس و بازداشت غیر قانونی

هرکس از مقامات یا مأمورین دولتی یا نیروهای مسلح یا غیر آن‌ها بدون حکمی از مقامات صلاحیت‌دار در غیر مواردی که در قانون جلب یا توقیف اشخاص را تجویز نموده، شخصی را توقیف یا حبس کند یا عنفاً در محلی مخفی نماید به یک تا سه سال حبس (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد. (رجوع کنید به تبصره ۱ ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحی ۱۳۹۴) (جرم موضوع این ماده در زمره جرایم مستمر است) (چنانچه شخص مذکور در این ماده رضایت داشته باشد و جلب به دستور قانون باشد مشمول این ماده نمی‌گردد).

نکته ۱- یک مأمور دولت بدون حکم از مقامات صلاحیت‌دار در غیر موارد قانونی «ب» را توقیف می‌کند و «ج» نیز به دلیل تهیه‌ی مکانی برای توقیف به عنوان معاونت تحت تعقیب قرار می‌گیرد. در چنین مواردی مجازات «ج» عبارت است از: حبس از سه ماه تا یکسال یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال می‌باشد.

نکته ۲- در خصوص جرم توقیف یا حبس غیر قانونی باید در نظر داشته که جرمی است مستمر و مرتکب آن می‌تواند مقام دولتی یا غیردولتی باشد.

نکته ۳- یکی از کارکنان دادگستری در غیر موارد جلب قانونی و بدون حکم قضائی با جعل حکم قاضی دادگاه کیفری، شخصی را توقیف می‌کند. در این فرض اقدام او مشمول تعدد مادی و مستوجب تعدد مجازات است.

ماده ۵۸۴ - تهیه مکان برای بازداشت غیر قانونی

کسی که با علم و اطلاع برای ارتکاب جرم مذکور در ماده فوق مکانی تهیه کرده و بدین طریق معاونت با مرتکب نموده باشد به مجازات حبس از سه ماه تا یک سال (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال محکوم خواهد شد. (رجوع کنید به ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲).

نکته ۱- «الف» به اتهام معاونت در تهیه‌ی مکانی برای توقیف غیر قانونی شخصی تحت تعقیب قرار گرفته است. مجازات معاون در چنین مواردی عبارت است از حبس از سه ماه تا یکسال.

ماده ۵۸۵ - عزز نرامت و رهانیدن بازداشت شده

اگر مرتکب یا معاون قبل از آن که تعقیب شود شخص توقیف شده را رها کند یا اقدام لازم جهت رها شدن وی به عمل آورد در صورتی که شخص مزبور را زیاده

از پنج روز توقیف نکرده باشد مجازات او حبس از دو تا شش ماه (تعزیر درجه ۷ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) خواهد بود. (تخفیف قانونی: این تخفیف الزام‌آور است و شامل مرتکب و معاون جرم هم می‌گردد).

نکته ۱- حکم هرکس از مقامات و مأمورین دولتی که بدون داشتن حکمی از مقامات صلاحیت‌دار شخصی را توقیف یا حبس کرده باشد ولی قبل از آنکه تعقیب شود آن شخص را رها کند در صورتی که شخص مزبور را زیاده‌تر از ۵ روز توقیف نکرده باشد مجازات او از دو ماه تا شش ماه حبس خواهد بود.

نکته ۲- در توقیف غیرقانونی اگر توقیف‌کننده قبل از تعقیب، توقیف شده را آزاد نماید، توقیف‌کننده اگر بیش از ۵ روز توقیف نشده باشد، مجازات کمتری دارد.

نکته ۳- توقیف غیر قانونی شخص از مصادیق جرم مستمر است.

ماده ۵۸۶ - اتّخاذ اسم و عنوان مجعول و یا ارائه کلمه جعلی در بازداشت غیرقانونی

هرگاه مرتکب برای ارتکاب جرائم مذکور در ماده (۵۸۳) اسم یا عنوان مجعول یا اسم و علامت مأمورین دولت یا لباس منتسب به آنان را به تزویر اختیار کرده یا حکم جعلی ابراز نموده باشد علاوه بر مجازات ماده مزبور به مجازات جعل یا تزویر محکوم خواهد شد. (رجوع کنید به ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در خصوص تعدد مادی).

ماده ۵۸۷ - بازداشت غیرقانونی توأم با شکنجه و آزار (ر.ک تبصره ۲ ماده ۱۳۴ ق.م.ا)

چنانچه مرتکب جرائم مواد قبل توقیف شده یا محبوس شده یا مخفی شده را تهدید به قتل نموده یا شکنجه و آزار بدنی وارد آورده باشد علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به یک تا پنج سال حبس (تعزیر درجه ۵ به ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) و محرومیت از خدمات دولتی محکوم خواهد شد. (رجوع کنید به مواد ۱۳۴ و ۱۳۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) (شکنجه و آزار معنوی شامل این ماده نمی‌گردد).

فصل یازدهم - ارتشاء و ربا و کلاهبرداری

ماده ۵۸۸ - ارتشاء (اوران، ممیزان و کارشناسان غیرکارمند

هریک از داوران و ممیزان و کارشناسان اعم از اینکه توسط دادگاه معین شده باشد یا توسط طرفین، چنانچه در مقابل اخذ وجه یا مال (تعهد به پرداخت را شامل نمی‌شود) به نفع یکی از طرفین اظهارنظر یا اتخاذ تصمیم نماید به حبس از شش ماه تا دو سال (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) یا مجازات نقدی از سه تا دوازده میلیون ریال محکوم و آنچه گرفته است به عنوان مجازات مؤدی به نفع دولت ضبط خواهد شد.

نکته ۱- جرم موضوع این ماده در زمره جرائم مقید است و صرف اخذ مال کفایت نمی‌کند.

نکته ۲- اگر فرد عادی به عنوان حکم توسط طرفین یک دعوی انتخاب شود و به نفع یکی از طرفین اتخاذ رأی کند و در مقابل وجه یا مالی از او اخذ نماید عمل این فرد جرم است و مستحق مجازات حبس و تأدیه‌ی آنچه پذیرفته است.

نکته ۳- چون در این ماده برای شروع به گرفتن وجه یا مال مانند شروع به ارتشاء مجازات تعیین نشده است چنانچه یکی از اشخاص موضوع این ماده پیش از گرفتن وجه یا مال دستگیر شود، مشمول این ماده نخواهد بود و مجازاتی نخواهد داشت (محشای قانون مجازات اسلامی، دکتر ایرج گلدوزیان، ص ۵۵۶)

ماده ۵۸۹ - صدور حکم به کیفری اشد به واسطه ارتشاء

در صورتی که حکام محاکم به واسطه ارتشاء (اعم از وجه نقد، مال، سند و انجام معاملی صوری با قیمت بسیار ارزان‌تر است) حکم به مجازاتی اشد از مجازات مقرر در قانون داده باشند علاوه بر مجازات ارتشاء حسب مورد به مجازات مقدار زائدی (باید به صورت غیر قانونی در حق مرتکب اعمال شود نه اعمال کیفیات مشدده ی جرم) که مورد حکم واقع شده محکوم خواهند شد.

نکته ۱- هرگاه قاضی دادگاهی به واسطه‌ی ارتشاء حکم به مجازاتی اشد از مجازات مقرر در قانون داده باشد، به هر دو مجازات ارتشاء و مقدار زائدی که مورد حکم واقع شده است محکوم خواهد شد.

نکته ۲- در موردی که مرتشی از حکام محاکم باشد انجام امر مورد توافق راشی و مرتشی در مجازات مرتشی مؤثر است.

ماده ۵۹۰ - رشاء غیرتقری

اگر رشوه به صورت وجه نقد نباشد بلکه مالی (اعم از اینکه مال خود راشی یا شخصی دیگری باشد که در ید راشی بوده است و یا مال مسروقه باشد) بلاعوض یا به مقدار فاحش ارزان‌تر از قیمت معمولی یا ظاهراً به قیمت معمولی و واقعاً به مقدار فاحشی کمتر از قیمت به مستخدمین دولتی (کارمندان ادارات یا شرکت‌های خصوصی از شمول این ماده خارج است و در صورت انجام موارد مذکور در این ماده می‌توان آن‌ها را تحت عناوینی مثل تحصیل مال نامشروع و یا کلاهبرداری مورد تعقیب قرار داد) اعم از قضائی و اداری به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم منتقل شود یا برای همان مقاصد، مالی به مقدار فاحشی گران‌تر از قیمت (زمان اخذ مال ملاک است) از مستخدمین یا مأمورین مستقیم یا غیرمستقیم خریداری گردد، مستخدمین و مأمورین مزبور مرتشی و طرف معامله راشی محسوب می‌شود. (جرم رشاء و ارتشاء در زمره جرائم مطلق است و تحقق نتیجه در آن شرط نیست) (راشی باید از سمت مرتشی آگاه بوده و مرتشی هم در حیطة وظایف خود مال را اخذ کرده باشد).

نکته ۱- از نظر حقوق ایران، دادن مال به کارمند دولت انجام معامله با بهای غیرواقعی با کارمند دولت می‌تواند رشاء محسوب شود.

ماده ۵۹۱ - ناپاری از معاذیر قانونی معافیت از کیفر

هرگاه ثابت شود که راشی برای حفظ حقوق حقه خود ناچار از دادن وجه یا مالی بوده تعقیب کیفری ندارد و وجه یا مالی که داده به او مسترد می‌گردد. (در غیر مورد این ماده وجه مسترد نشده و به نفع دولت ضبط می‌گردد) (در خصوص این ماده راشی مطلقاً قابل تعقیب کیفری و مجازات نیست اما این موضوع ارتباط با مرتشی ندارد و وی تعقیب و مجازات می‌شود چراکه مجرمیت مرتشی ملازمه‌ای با مجرمیت راشی ندارد).

نکته ۱- نوع عمل شخصی که برای حفظ حقوق حقه‌ی خود و جوهی به عنوان رشوه به مأموریت می‌پردازد تعقیب کیفری ندارد و جوه داده شده به او مسترد می‌گردد.

نکته ۲- چنانچه ثابت شود که راشی مالی را به عنوان رشوه به مرتشی داده است ولی او ادعای دادن مال را برای حفظ حقوق خود کند، اثبات این امر بر عهده‌ی خود اوست. (دکتر ایرج گلدوزیان، همان، ص ۵۷۷)

ماده ۵۹۲ - رشاء

هرکس عالماً و عامداً برای اقدام به امری یا امتناع از انجام امری که از وظایف اشخاص مذکور در ماده (۳) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌باشد وجه یا مالی یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را مستقیم یا غیر مستقیم بدهد در حکم راشی است (هرگاه میزان رشوه از مبلغ دویست هزار ریال بیشتر باشد و با وجود دلایل کافی بر انتساب جرم نسبت به متهم، صدور قرار بازداشت موقت به مدت یک ماه الزامی است) و به عنوان مجازات علاوه بر ضبط مال، ناشی از ارتشاء به حبس از شش ماه تا سه سال (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) و یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌شود.

تبصره - (رک ماده ۵۹۲ ق.ا.م.ا)

در صورتی که رشوه دهنده (شامل افراد عادی و کارمندان اداری می‌شود برخلاف رشوه گیرنده که حتماً باید کارمند دولت باشد و رشوه در خصوص وظایف اداری وی باشد و خارج از صلاحیت اداری او نباشد) برای پرداخت رشوه مضطر (می‌توان گفت با توجه به اینکه اضطرار از عوامل رافع مسؤولیت کیفری است مجازات شلاق نیز اجرا نمی‌شود) بوده و یا پرداخت آن را گزارش دهد یا شکایت نماید از مجازات حبس مزبور معاف خواهد بود (مقصود قانون‌گذار معافیت از مجازات بوده است و نه اینکه شلاق اجرا شود و مرتکب فقط از حبس معاف شود) و مال به وی مسترد می‌گردد.

نکته ۱- چنانچه کارمند دولت، در مقابل انجام کار مربوط به وظایف خود چک سفید امضائی تحصیل نموده باشد رفتار وی جرم تام ارتشاء است.

نکته ۲- اقدام کارمند دولت در قبول چکی به عنوان رشوه در حالی که به علت بلامحل بودن موفق به دریافت وجه آن نمی‌شود با اخذ رشوه مطابقت دارد.

نکته ۳- در مورد اقرار به پرداخت رشوه، رشوه دهنده از مجازات حبس مقرر در قانون معاف نخواهد شد.

ماده ۵۹۳ - فراهم نمودن مویجات تحقق ارتشاء

هرکس عالماً و عامداً موجبات تحقق جرم ارتشاء از قبیل مذاکره، جلب موافقت یا وصول و ایصال وجه یا مال یا سند پرداخت وجه را فراهم نماید به مجازات

راشی برحسب مورد محکوم می‌شود (در خصوص این ماده باید گفت که عمل فرد نوعی معاونت در تحقق جرم ارتشاء می‌باشد لیکن مقنن معاونت را در حکم جرم مستقل مطرح نموده است).

نکته ۱- مجازات کسی که موجبات تحقق جرم ارتشاء را عالمأ فراهم نماید مجازات راشی است. پس در حکم راشی است و به مجازات راشی محکوم می‌شود.

نکته ۲- آقای «الف» عالمأ و عامدأ از طریق وصول و ایصال وجه موجبات تحقق جرم ارتشاء را فراهم نموده است. در این فرض آقای «الف» به مجازات راشی محکوم می‌شود.

نکته ۳- کسی که موجبات تحقق ارتشاء از قبیل مذاکره، جلب موافقت وصول یا ایصال وجه را فراهم می‌کند و خود ذی‌نفع در ارتشاء نیست عمل او در حکم رشاء است.

نکته ۴- اقدام کسی که وجه یا مال مورد ارتشاء را از راشی اخذ و به مرتشی می‌دهد جرم مستقلی است و مجازات راشی را دارد.

ماده ۵۹۴ - شروع به ارتشاء

مجازات شروع به عمل ارتشاء (به صورت ترک فعل قابلیت محقق شدن ندارد) در هر مورد حداقل مجازات مقرر در آن مورد است. (این ماده به موجب ماده ۱۲۲ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ نسخ ضمنی شده است) (در خصوص این ماده رجوع کنید به تبصره ۳ ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین و محکومین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری) (با امعان نظر به نظریه‌ی تفسیری شورای محترم نگهبان دال بر این که قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی نمی‌توانند نسخ قوانین مصوب مجمع تشخیص مصلحت باشند این ماده قابلیت اجرائی خود را حفظ نموده و کما فی السابق به قوت خود باقی است).

نکته ۱- شروع به عمل ارتشاء اگر مقدمات انجام شده خود جرم نباشد مجازات آن در هر مورد حداقل مجازات مقرر برای آن مورد است.

نکته ۲- مجازات شروع به عمل ارتشاء در هر مورد حداقل مجازات مقرر در آن مورد است.

ماده ۵۹۵ - ربا اضطرار در ربا

هر نوع توافق بین دو یا چند نفر تحت هر قراردادی از قبیل بیع، قرض، صلح و امثال آن جنسی را با شرط اضافه با همان جنس مکیل و موزون معامله نماید و یا زائد بر مبلغ پرداختی، دریافت نماید ربا محسوب و جرم شناخته می‌شود. (جرم موضوع این ماده در زمره‌ی جرائم مقید است و نیازمند به تحقق نتیجه) مرتکبین اعم از ربا دهنده، ربا گیرنده و واسطه (عمل واسطه معاونت است اما به عنوان مجازات مستقل مورد توجه قرار گرفته است، در اینجا مجازات ربا دهنده و ربا گیرنده و واسطه بین آن‌ها یکسان است) بین آن‌ها علاوه بر رد اضافه به صاحب مال به شش ماه تا سه سال (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) حبس و تا (۷۴) ضربه شلاق و نیز معادل مال مورد ربا به عنوان جزای نقدی محکوم می‌گردند.

تبصره ۱ -

در صورت معلوم نبودن صاحب مال، مال مورد ربا از مصادیق اموال مجهول‌المالک بوده و در اختیار ولی فقیه قرار خواهد گرفت.

تبصره ۲ -

هرگاه ثابت شود ربا دهنده در مقام پرداخت وجه یا مال اضافی مضطر بوده از مجازات مذکور در این ماده معاف خواهد شد. (رسیدگی به جرم رباخواری در صلاحیت دادگاه (عمومی - جزائی) می‌باشد اما رسیدگی به دعاوی مربوط به ثروت‌های ناشی از ربا به استناد اصل ۴۹ قانون اساسی در صلاحیت دادگاه انقلاب می‌باشد).

تبصره ۳ -

هرگاه قرارداد مذکور بین پدر و فرزند یا زن و شوهر منعقد شود یا مسلمان از کافر ربا دریافت کند مشمول مقررات این ماده نخواهد بود.

نکته ۱- هرگاه «الف» که برادر «ب» می‌باشد، مبادرت به دریافت مبلغی زائد بر مبلغ وام پرداختی نماید اقدام او موجب تحقق جرم ریاست.

نکته ۲- چند نکته در خصوص ربا:

- ۱- جرم ربا بین شوهر و زن محقق نمی‌شود.
- ۲- هرگاه ربا دهنده مضطر باشد از مجازات معاف است.
- ۳- هر نوع ربا اعم از قرض و معاملی، جرم بوده و قابل مجازات است.
- نکته ۳-** در صورتی که محرز شود دارنده‌ی چک‌ها، آن‌ها را به عنوان ربا دریافت نموده است به عنوان ربا گیرنده به مجازات قانونی محکوم می‌گردد.
- نکته ۴-** اگر مال مورد ربا از مصادیق اموال مجهول‌المالک باشد در اختیار ولی فقیه قرار خواهد گرفت.
- نکته ۵-** به موجب قانون مجازات اسلامی دریافت و پرداخت ربا جرم است و ربا دهنده تحت شرایط اضطرار از مجازات معاف می‌شود.
- نکته ۶-** دریافت ربا در صورتی که مسلمان از کافر باشد قابل مجازات نیست.
- نکته ۷-** مطابق قانون تعزیرات سال ۱۳۷۵ قرارداد ربا بین کافر و مسلمان در صورتی که کافر ربا دریافت کند جرم است.
- نکته ۸-** در رابطه با این ماده به رأی وحدت رویه ۶۸۲-۱۰/۶-۱۳۸۴ هیئت عمومی دیوان عالی کشور رجوع کنید. به موجب بند ۶ ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، رسیدگی به دعاوی مربوط به اصل ۴۹ قانون اساسی از جمله ثروت‌های ناشی از ربا در صلاحیت دادگاه انقلاب می‌باشد و بر طبق این ماده رسیدگی به جرم رباخواری در صلاحیت محاکم عمومی است.
- نکته ۹-** قانون‌گذار مجازات ربا دهنده و ربا گیرنده و واسطه بین آن‌ها را یکسان قرار داده است.

ماده ۵۹۶ - سوءاستفاده از ضعف نفس شخصی یا هوی و هوس افراد غیر رشید

هرکس با استفاده از ضعف نفس شخصی یا هوی و هوس او یا حوائج شخصی افراد غیر رشید به ضرر او نوشته یا سندی اعم از تجاری یا غیرتجاری از قبیل برات، سفته، چک، حواله، قبض و مفاصا حساب و یا هرگونه نوشته‌ای که موجب التزام وی یا براثت ذمه گیرنده سند یا هر شخص دیگر می‌شود به هر نحو تحصیل نماید علاوه بر جبران خسارات مالی به حبس از شش ماه تا دو سال (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) و از یک میلیون تا ده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شود و اگر مرتکب ولایت یا وصایت یا قیمومت بر آن شخص داشته باشد مجازات وی علاوه بر جبران خسارات مالی از سه تا هفت سال (تعزیر درجه ۴ با ۳ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) حبس خواهد بود. (به استناد قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ باید گفت جرم موضوع این ماده در زمره جرائم قابل گذشت می‌باشد).

نکته ۱- چنانچه با سوءنیت از ضعف نفس و حوائج شخصی فرد غیر رشید مبیعه‌نامه‌ای نسبت به منزل مسکونی او تنظیم و بدون پرداخت وجهی رسید پرداخت ثمن نیز به موجب آن اخذ شود این اقدام دارای عنوان خاص مجرمانه در قانون مجازات اسلامی با مجازات معین است.

نکته ۲- شخصی که قیم دیگری بوده است با استفاده از ضعف نفس شخصی وی موفق به اخذ سند پرداختی از وی می‌گردد. در این حالت شخص، مرتکب جرم خاصی از صور کلاهبرداری شده است.

نکته ۳- چنانچه شخص با توسل به وسایل متقلبانه مال خودش را ببرد کلاهبرداری محقق نمی‌شود زیرا کلاهبرداری بردن مال غیر است بنابراین اگر مالک اموال توقیف شده‌ای را با فریب امین، اموال خود را تحصیل کند و ببرد مرتکب جرم کلاهبرداری نشده است و تنها مشمول جرم مداخله در اشیاء توقیف شده موضوع ماده ۶۶۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات می‌باشد. (دکتر گلدوزیان، همان، ص ۵۶۱)

نکته ۴- قسمت اخیر این ماده مستند به ماده ۱۰۴ ق.م.ا از جرائم قابل گذشت می‌باشد.

فصل دوازدهم - امتناع از انجام وظایف قانونی

ماده ۵۹۷ - استکفاف مقام قضائی از رسیدگی و تافیر در صدور حکم بر خلاف قانون

هر یک از مقامات قضائی (اعم است مقامات قضائی مستقر در دادسرا و دادگاه) که شکایت و تظلمی مطابق شرایط قانونی (معنی مخالف: چنانچه شرایط قانونی رعایت نشود از شمول ضمانت اجرای این ماده خارج است) نزد آن‌ها برده شود و با وجود اینکه رسیدگی به آن‌ها از وظایف آنان بوده به هر عذر و بهانه اگرچه به عذر سکوت یا اجمال یا تناقض قانون از قبول شکایت یا رسیدگی به آن امتناع کند (رفتار مادی جرم موضوع این ماده به

صورت ترک فعل محقق می‌شود) یا صدور حکم را برخلاف قانون به تأخیر اندازد یا برخلاف صریح قانون رفتار کند دفعه اول از شش ماه تا یکسال و در صورت تکرار به انفصال دائم از شغل قضائی محکوم می‌شود و در هر صورت به تأدیه خسارات وارده نیز محکوم خواهد شد. (رجوع کنید به مواد ۳۷ و ۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحیه ۱۳۹۴ و نیز اصل ۱۶۷ قانون اساسی).

نکته ۱- شکایتی نزد قاضی برده شده به این عنوان که قاضی دادگاه در رسیدگی به پرونده‌ی وی تعلل می‌نماید و صدور حکم را برخلاف قانون به تأخیر می‌اندازد. در این صورت این عمل جرم است.

نکته ۲- در صورتی که قاضی از رسیدگی به پرونده امتناع یا صدور حکم را برخلاف قانون به تأخیر اندازد در هر حال قاضی مرتکب جرم شده و مستوجب تعقیب کیفری است.

نکته ۳- هرگاه یکی از مقامات قضائی صدور حکم را برخلاف قانون به تأخیر اندازد، به انفصال از شغل قضایی و تأدیه‌ی خسارت وارده محکوم می‌شود.

نکته ۴- مجازات انفصال برای قاضی مستنکف از احقاق حق از نوع مجازات اصلی است.

نکته ۵- در جرم استنکاف از رسیدگی یا عدم قبول شکایت، قاضی دادگاه در صورت تکرار جرم به انفصال دائم از شغل قضائی محکوم می‌گردد.

فصل سیزدهم - تعدیات مأمورین دولتی نسبت به دولت

ماده ۵۹۸ - تصرف غیرقانونی

هریک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمان‌ها یا شوراها و یا شهرداری‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و یا وابسته به دولت (اشخاص عادی و کارکنان شرکت‌های خصوصی خارج از موضوع این ماده قرار می‌گیرند) و یا نهادهای انقلابی و بنیادها و مؤسساتی که زیر نظر ولی فقیه اداره می‌شوند و دیوان محاسبات و مؤسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می‌شوند و یا دارندگان پایه قضائی و به طور کلی اعضا و کارکنان قوای سه‌گانه و همچنین نیروهای مسلح و مأمورین به خدمات عمومی اعم از رسمی و غیررسمی و جوه نقدی یا مطالبات یا حوالجات یا سهام و سایر اسناد و اوراق بهادار یا سایر اموال متعلق به هر یک از سازمان‌ها و مؤسسات فوق‌الذکر یا اشخاصی که برحسب وظیفه به آن‌ها سپرده شده است را مورد استفاده غیرمجاز قرار دهد بدون آن که قصد تملک آن‌ها را به نفع خود یا دیگری داشته باشد، متصرف غیرقانونی محسوب و علاوه بر جبران خسارات وارده و پرداخت اجرت‌المثل به شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم می‌شود و در صورتی که منتفع شده باشد علاوه بر مجازات مذکور به جزای نقدی معادل مبلغ انتفاعی محکوم خواهد شد و همچنین است در صورتی که به علت اهمال یا تفریط موجب تضییع اموال و جوه دولتی گردد و یا آن را به مصارفی برساند که در قانون اعتباری برای آن منظور نشده یا در غیر مورد معین یا زائد بر اعتبار مصرف نموده باشد. (بر اساس این ماده مرتکب قصد تصاحب و تملک اموال مزبور را ندارد و همین امر وجه تمایز بین جرم موضوع این ماده و اختلاس می‌باشد).

نکته ۱- شهردار یکی از شهرهای ایران، اعتباری در اختیار دارد که باید صرف احداث پرورشگاهی شود. وی به جای احداث پرورشگاه اعتبار مزبور را صرف احداث کتابخانه می‌نماید. در این فرض عمل شهردار تصرف غیرقانونی است.

نکته ۲- عنوان مجرمانه کارمند دولتی که جوه نقدی متعلق به دولت به او سپرده شده و وی آن را مورد استفاده غیرمجاز قرار دهد بدون آنکه قصد تملک آن را داشته باشد، تصرف غیرقانونی است.

نکته ۳- مهم‌ترین تفاوت اختلاس و تصرف غیرقانونی در اموال دولتی در وجود قصد تملک و عدم آن در تصرف غیرقانونی می‌باشد.

نکته ۴- اگر رئیس اداره‌ی آموزش و پرورش از محل بودجه‌ی عمرانی مربوط به نوسازی مدارس حقوق معلمان را پرداخت نماید عمل او جرم و در حکم تصرف غیرقانونی در اموال دولتی است.

نکته ۵- اگر بالاترین مقام اجرایی یک دستگاه دولتی بودجه‌ی مصوبه‌ی طرح و پروژه‌ی خاصی را بنا به مصالحی و به تشخیص خود در غیر مورد تصویب مجلس هزینه نماید عمل وی تصرف غیر مجاز در جوه و اموال دولتی محسوب و به مجازات تعزیری آن محکوم می‌شود. هرچند خود وی نیز منتفع شده یا نشده باشد.

نکته ۶- هرگاه یکی از کارمندان دولت به علت تفریط موجب تضییع اموال و جوه دولتی گردد اقدام او در حکم تصرف غیرقانونی محسوب و به مجازات تصرف غیرقانونی در اموال دولتی محکوم می‌شود.

نکته ۷- در مورد فرق اختلاس و تصرف غیرقانونی باید گفت که مقررات اختلاس کلی نیست اما تصرف غیرقانونی کلی است.

نکته ۸- در صورتی که مسئول یکی از سازمان‌های دولتی بودجه‌ی مربوط به حقوق و دستمزد را در راه تأمین نیازهای جنگ علیه دشمن به کار برد عمل او در کم تصرف غیرقانونی در اموال دولتی است.

نکته ۹- کارمندی حین خروج از اداره به علت نبودن انباردار از انبار دولتی مالی را می‌برد. در این فرض عمل وی سرقت است نه تصرف غیرقانونی.

نکته ۱۰- قاضی دادگاه با اخذ پول از شاکی، حکم به مجازاتی اشد از مجازات مقرر در قانون می‌دهد. در این فرض قاضی به مجازات ارتشاء و مجازات مقدار زائدی که مورد حکم واقع شده محکوم می‌شود.

نکته ۱۱- «رأی وحدت رویه شماره ۷۹۸ - ۱۳۹۹/۷/۱۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور» اینگونه اشعار داشته است: مطابق ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ مأمورین به خدمات عمومی همانند کارکنان دولت، مشمول حکم مقرر در خصوص تصرف غیرقانونی نسبت به وجوه یا سایر اموال سپرده‌شده به آنها برحسب وظیفه هستند. کارکنان بانک‌های خصوصی که تحت نظارت بانک مرکزی، به ارائه خدمات گسترده پولی و بانکی به مردم می‌پردازند، از مصادیق **مأمورین به خدمات عمومی** محسوب می‌شوند و مشمول مجازات مقرر در ماده فوق‌الذکر هستند.

ماده ۵۹۹ - تدلیس در معاملات دولتی

هر شخصی (اعم از اشخاص عادی یا مستخدمین دولت) عهده‌دار انجام معامله یا ساختن چیزی یا نظارت در ساختن یا امر به ساختن آن برای هر یک از ادارات و سازمان‌ها و مؤسسات مذکور در ماده (۵۹۸) بوده است به واسطه تدلیس در معامله از جهت تعیین مقدار یا صفت یا قیمت بیش از حد متعارف مورد معامله یا تقلب در ساختن آن چیز نفعی برای خود یا دیگری تحصیل کند (جرم موضوع این ماده در زمره جرائم مقید به نتیجه است) علاوه بر جبران خسارات وارده به حبس از شش ماه تا پنج سال (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم خواهد شد.

نکته ۱- شخص «الف» پیمانکار ساختن یک مدرسه برای دولت با به کار بردن مصالح نامرغوب برای خود تحصیل منفعت می‌کند. در این فرض عنوان رفتار وی تدلیس در معاملات دولتی است.

ماده ۶۰۰ - اضرار مال زائد بر میزان قانونی و یا امر به اضرار آن

هر یک از مسؤولین دولتی و مستخدمین و مأمورینی که مأمور تشخیص یا تعیین یا محاسبه یا وصول وجه یا مالی به نفع دولت است برخلاف قانون یا زیاد بر مقررات قانونی اقدام و وجه یا مالی اخذ یا امر به اخذ آن نماید (اگر میزان زیادی را برای خود اخذ نماید مشمول جرم اختلاس می‌گردد) به حبس از دو ماه تا یک سال (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم خواهد شد. مجازات مذکور در این ماده در مورد مسؤولین و مأمورین شهرداری نیز مجری است و در هر حال آنچه برخلاف قانون و مقررات اخذ نموده است به ذی‌حق مسترد می‌گردد.

نکته ۱- کارمند امور مالی یکی از سازمان‌های دولتی به منظور تحصیل منفعت، جنسی را به حساب دولت گران‌تر از قیمت خرید در دفاتر ثبت می‌کند. این عمل او تدلیس محسوب می‌شود.

نکته ۲- شخصی کارمند اداره‌ی دارایی و مأمور وصول مالیات است. او سه برابر مبلغ مربوطه را از مؤدی به نفع دولت وصول می‌کند. عمل او مشمول عنوان مجرمانه‌ی اخذ به نفع دولت است.

نکته ۳- هر یک از مسؤولین و مستخدمین دولتی که زیاد بر مقدار مقرر قانونی مال یا وجهی را به نفع دولت اخذ کند، علاوه بر اینکه باید وجوه اضافی مسترد شود مرتکب یا امر مستوجب مجازات نیز می‌باشد.

ماده ۶۰۱ - یبگاری گرفتن از اشخاص و تظاهر به اجیر نمودن آن‌ها و تصاحب اجرت

هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی که برحسب مأموریت خود اشخاص (به صورت عام بیان شده و اشخاص حقیقی و حقوقی را در برمی‌گیرد) را اجیر یا استخدام کرده یا مباشرت حمل و نقل اشیایی را نموده باشد و تمام یا قسمتی از اجرت اشخاص یا اجرت حمل و نقل را که توسط آنان به عمل آمده است به حساب دولت آورده ولی نپرداخته باشد به انفسال موقت از سه ماه تا سه سال محکوم می‌شود و همین مجازات مقرر است درباره مستخدمینی که اشخاص را به یبگاری گرفته و اجرت آن‌ها را خود برداشته و به حساب دولت منظور نموده است و در هر صورت باید اجرت مأخوذه را به ذی‌حق مسترد نماید.

ماده ۶۰۲ - استغرام اقرار معول و منظور نمودن مستخدمین شخصی نیز فرمه دولت

هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی که برحسب مأموریت خود حق داشته است اشخاصی را استخدام و اجیر کند و بیش از عده‌ای که اجیر یا استخدام کرده است به حساب دولت منظور نماید یا خدمه شخصی خود را جزء خدمه دولت محسوب نماید و حقوق آن‌ها را به حساب دولت منظور بدارد به شلاق تا (۷۴) ضربه و تأدیه مبلغی که به ترتیب فوق به حساب دولت منظور داشته است محکوم خواهد گردید.

ماده ۶۰۳ - مدافله ناروای دست‌اندرکاران و کارمندان دولتی در معاملات دولتی

هر یک از کارمندان و کارکنان و اشخاص عهده‌دار وظیفه مدیریت و سرپرستی در وزارتخانه‌ها و ادارات و سازمان‌های مذکور در ماده (۵۹۸) که بالمباشره یا به واسطه در معاملات و مزایده‌ها و مناقصه‌ها و تشخیصات و امتیازات مربوط به دستگاه متبوع، تحت هر عنوانی اعم از کمیسیون یا حق‌الزحمه و حق‌العمل یا پاداش برای خود یا دیگری نفعی در داخل یا خارج کشور از طریق توافق یا تفاهم یا ترتیبات خاص یا سایر اشخاص یا نمایندگان و شعب آن‌ها منظور دارد یا بدون مأموریت از طرف دستگاه متبوعه برعهده آن چیزی بخرد یا بسازد یا در موقع پرداخت وجوهی که حسب وظیفه به عهده او بوده یا تفریغ حسابی که باید به عمل آورد برای خود یا دیگری نفعی منظور دارد به تأدیه دو برابر وجوه و منافع حاصله از این طریق محکوم می‌شود و در صورتی که عمل وی موجب تغییر در مقدار یا کیفیت مورد معامله یا افزایش قیمت تمام شده آن گردد به حبس از شش ماه تا پنج سال (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) و یا مجازات نقدی از سه تا سی میلیون ریال نیز محکوم خواهد شد. (اشخاص مذکور برای این جرم علاوه بر اینکه باید کارمند دولت باشند باید دارای پست‌های مذکور در این ماده نیز باشند).

ماده ۶۰۴ - افشاء یا معروم نمودن یا تسلیم اسرار به اشخاص فاقد صلاحیت

هریک از مستخدمین دولتی اعم از قضائی و اداری نوشته‌ها و اوراق و اسنادی که حسب وظیفه به آنان سپرده شده یا برای انجام وظایفشان به آن‌ها داده شده است را معدوم یا مخفی نماید یا به کسی بدهد که به لحاظ قانون از دادن به آن کس ممنوع می‌باشد علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از سه ماه تا یک سال (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم خواهد شد. (رجوع کنید به ماده ۶۸۴ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵).

ماده ۶۰۵ - اظهار نظر یا اقرار مغرضانه و برفلاف مق

هریک از مأمورین ادارات و مؤسسات مذکور در ماده (۵۹۸) که از روی غرض و برخلاف حق درباره یکی از طرفین اظهار نظر یا اقدامی کرده باشد به حبس تا سه ماه (تعزیر درجه ۸ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) یا مجازات نقدی تا مبلغ یک میلیون و پانصد هزار ریال و جبران خسارت وارده محکوم خواهد شد. (در خصوص امکان معافیت از کیفر رجوع کنید به ماده ۳۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲).

ماده ۶۰۶ - امتناع مسئولان و مدیران وامدهای دولتی از اعلام وقوع جرائم خاص در وادع تمت نظر خود (عنصر مادی با ترک فعل صورت می‌گیرد)

هریک از رؤسا یا مدیران یا مسؤولین سازمان‌ها و مؤسسات (جرائم مذکور باید توسط کارکنان و مستخدمین انجام گرفته باشد و شامل افراد عادی نمی‌شود) مذکور در ماده (۵۹۸) که از وقوع جرم ارتشاء یا اختلاس یا تصرف غیرقانونی یا کلاهبرداری یا جرائم موضوع مواد (۵۹۹) و (۶۰۳) در سازمان یا مؤسسات تحت اداره یا نظارت خود مطلع شده و مراتب را حسب مورد به مراجع صلاحیت‌دار قضائی یا اداری اعلام ننماید (عنصر مادی جرم موضوع این ماده به صورت ترک فعل محقق می‌شود: عدم گزارش وقوع جرم) علاوه بر حبس از شش ماه تا دو سال به انفصال موقت از شش ماه تا دو سال (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم خواهد شد. (رجوع کنید به ماده ۷۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحی ۱۳۹۴).

نکته ۱ - اطلاع ندادن قصور و اهمال در انجام وظیفه در سازمان متبوع توسط مدیران به مراجع صالح قضائی جرم نیست.

فصل چهاردهم - تمبر نسبت به مأمورین دولت

ماده ۶۰۷ - تمبر نسبت به مأمورین دولت

هرگونه حمله یا مقاومتی که با علم و آگاهی نسبت به مأمورین دولت (اشخاص عادی و مأموریت به خدمات عمومی را شامل نمی‌شود) در حین انجام وظیفه آنان به عمل آید (یعنی از ابتدای تایم اداری یا در حال مأموریت بودن خارج از تایم اداری باشند) تمبر محسوب می‌شود و مجازات آن به شرح ذیل است:

۱. هرگاه متهم به قصد تهدید اسلحه خود را نشان دهد، حبس از شش ماه تا دو سال. (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی)
۲. هرگاه متهم در حین اقدام دست به اسلحه برد، حبس از یک تا سه سال. (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی)
۳. در سایر موارد حبس از سه ماه تا یک سال. (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی).

تبصره -

اگر متهم در هنگام تمبر مرتکب جرم دیگری هم بشود به مجازات هر دو جرم محکوم خواهد شد. (استثنائی بر اصل تعدد مادی و اجرای مجازات اشد

مقرر در ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب (۱۳۹۲) (این ماده در زمره‌ی جرائم قابل گذشت است)

کس فردی که متقابلاً در مقابل توهین دیگری به وی توهین می‌کند نیز مرتکب توهین کیفری می‌شود اما اگر در جواب توهین دیگری بگوید خودتی، توهین کیفری معفو نمی‌شود.

نکته ۱- هرگاه کسی با علم و آگاهی در برابر مأمورین دولت در حین انجام وظیفه مقاومت کند، عمل او وصف تمرد را دارد.
نکته ۲- حمله و مقاومت نسبت به مأمورین دولت در حین انجام وظیفه که تمرد محسوب می‌شود، طبق قانون مجازات باید با علم و آگاهی باشد.

نکته ۳- تمرد نسبت به مأمورین دولت در حین انجام وظیفه‌ی آنان به شکل حمله یا مقاومت بروز پیدا می‌کند.

نکته ۴- تمرد نسبت به مأمورین دولتی، عبارت است از هرگونه حمله یا مقاومتی که با علم و آگاهی در حین انجام وظیفه به عمل آید.

نکته ۵- اگر «فردی نسبت به مأمور دولت حین انجام وظیفه مقاومت کند و به قصد تهدید مأمور، اسلحه‌ی خود را به او نشان دهد» نشان دادن اسلحه به مأمور صرفاً علت تشدید مجازات است.

نکته ۶- تمرد نسبت به مأمور دولت و مجروح کردن او توسط متمرد، تعدد مادی است و مستوجب تحمل مجازات هر دو جرم می‌باشد.

فصل پانزدهم - هتک حرمت اشخاص

ماده ۶۰۸ - توهین ساده (جرمی است که نیازمند سوءنیت خاص نیز نمی‌باشد)

توهین به افراد (فقط شخص حقیقی را در برمی‌گیرد و آن فرد باید معین و مشخص و زنده باشد، توهین به میت مشمول این ماده نمی‌شود) از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک (وسیله‌ی ارتکاب در این جرم موضوعیت ندارد بلکه طریقت دارد و می‌تواند با هر نوع رفتاری محقق شود) چنانچه موجب حد قذف نباشد، جزای نقدی درجه شش خواهد بود. (حضور فردی که مورد توهین قرار می‌گیرد در لحظه‌ی وقوع جرم شرط نیست و می‌تواند نسبت به فرد غایب هم این جرم مصداق داشته باشد).

نکته ۱- توهین به افراد، از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک، چنانچه موجب حد قذف نباشد، موجب تعزیر است.

نکته ۲- منظور از توهین کیفری، فعل، گفتار، نوشته یا اشاره‌ی وهن آور است.

نکته ۳- در مورد جرم توهین ساده، موضوع ماده‌ی ۶۰۸ قانون تعزیرات باید گفت که جرمی است مطلق که نیازمند سوءنیت خاص نیز نمی‌باشد.

نکته ۴- برای تحقق توهین کیفری، حقیقی بودن و معین بودن شخص مورد توهین، ضروری است.

نکته ۵- معیار تشخیص تحقق توهین عرف است.

نکته ۶- رکن مادی جرم توهین به افراد عادی، می‌تواند به صورت فعل، لفظ و ترک فعل باشد.

نکته ۷- نظر دقیق مجلس شورای اسلامی در زمینه‌ی استفساریه راجع به کلمات توهین، هتک حرمت و اهانت، بدین نحو است که به کار بردن الفاظی که مورد صریح یا ظاهر باشد یا ارتکاب اعمال و انجام حرکاتی که با لحاظ عرفیات جامعه و با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی و موقعیت شخص موجب تخفیف و تحقیر آنان شود و با عدم ظهور لفظ، توهین تلقی نمی‌گردد.

نکته ۸- در مورد شرط لزوم ارتجالی بودن توهین به موجب قانون مجازات اسلامی باید گفت که وجود چنین شرطی، ضرورت ندارد.

نکته ۹- شخص «الف» شخص «ب» را نادان خطاب می‌کند و «ب» نیز با ذکر واژه‌ی «خودتی» پاسخ می‌دهد و در صورتی که «ب» واقعاً نادان باشد، فقط شخص «الف» مرتکب جرم توهین شده است؛ زیرا پاسخ «ب» عرفاً توهین تلقی نمی‌شود.

نکته ۱۰- اگر کسی دیگری را در غیاب وی در حضور دیگران «مجرم» خطاب کند، عمل وی مصداق جرم توهین است.

نکته ۱۱- منظور از توهین کیفری، فعل، گفتار، نوشته یا اشاره‌ی وهن آور است ناگفته نماند که در جرم توهین قصد ناراحت کردن طرف مقابل شرط نیست.

نکته ۱۲- اگر کسی دیگری را در غیاب وی و در حضور دیگران «مجرم» خطاب کند عمل وی مشمول جرم توهین است.

نکته ۱۳- معیار تشخیص تحقق توهین عرف است.

ماده ۶۰۹ - توهین به کارمند دولت (توهین مشدر)

هرکس با توجه به سمت، (یعنی مرتکب با علم و اطلاع مرتکب توهین شده باشد) یکی از رؤسای سه قوه یا معاونان رئیس‌جمهور یا وزرا یا یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی یا نمایندگان مجلس خبرگان یا اعضای شورای نگهبان یا قضات یا اعضای دیوان محاسبات یا کارکنان وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها در حال انجام وظیفه یا به سبب آن توهین نماید به سه تا شش ماه حبس (تعزیر درجه ۷ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) و یا تا (۷۴) ضربه شلاق و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شود.

۳۴۳ موضوع این ماده در زمره‌ی جرائم قابل‌گذشت می‌باشد.

نکته ۱- توهین به مأمور دولت، وقتی در حال انجام وظیفه یا به سبب انجام وظیفه از سوی او باشد، جرم توهین مشدد محسوب می‌شود.

نکته ۲- یکی از وزرا در زمان برگزاری جلسه‌ی هیئت دولت به رئیس‌جمهور اهانت می‌کند. عمل وی جرم توهین به کارمند دولت است.

نکته ۳- هرکس با توجه به سمت، به رئیس‌جمهور یا سایر رؤسای قوا یا وزرا و نمایندگان مجلس توهین کند، اگر این عمل در حین انجام وظیفه یا به سبب آن باشد، توهین مشدد محسوب می‌شود و شکایت شاکی خصوصی هم ضروری نیست.

نکته ۴- اگر کسی به یکی از مسؤولین قضائی توهین کند، درحالی‌که سمت او را می‌داند، دانستن سمت شخص عنصر روانی جرم است.

نکته ۵- اگر کسی علناً نسبت به رئیس یک کشور خارجی در ایران توهین کند و بعداً مدعی شود که به سمت او آشنا نبوده است، جرم انجام شده نسبت به رئیس کشور خارجی، جرم تام توهین است.

نکته ۶- در رابطه با این ماده به رأی وحدت رویه ۱۲-۱۳۶۴/۳/۲۰ هیئت عمومی دیوان عالی کشور رجوع کنید.

فصل شانزدهم - اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرائم

ماده ۶۱۰ - اجتماع و تبانی در ارتکاب جرائم بر ضد امنیت کشور

هرگاه دو نفر یا بیشتر (مرتکبین این جرم می‌تواند هرکسی باشد اعم از کارمند یا غیر کارمند اما باید حتماً از یک نفر بیشتر باشد) اجتماع و تبانی نمایند (جرم موضوع این ماده در زمره‌ی جرائم مطلق است و تحقق یا عدم تحقق نتیجه در آن شرط نیست) که جرائمی بر ضد امنیت داخلی یا خارج کشور مرتکب شوند یا وسایل ارتکاب آن را فراهم نمایند در صورتی که عنوان محارب بر آنان صادق نباشد به دو تا پنج سال حبس (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم خواهند شد.

نکته ۱- اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرائم بر ضد امنیت داخلی یا خارجی کشور به صورت مطلق و بدون هیچ‌گونه قیدی، جرم است. به عبارتی به صرف تبانی در خصوص این ماده جرم محقق شده است.

نکته ۲- تبانی برای ارتکاب جرائم علیه امنیت زمانی است که توافق نسبت به ارتکاب یک جرم علیه امنیت داخلی یا خارجی بین حداقل دو نفر وجود داشته باشد.

نکته ۳- تبانی برای ارتکاب جرم، هرگاه از مرحله‌ی تصمیم‌گیری فراتر نرود، هرگاه برای ارتکاب جرائم علیه امنیت باشد، جرم است.

نکته ۴- تبانی نسبت به کلیه‌ی جرائم، جرم می‌باشد.

نکته ۵- تبانی جرمی مستمر است.

نکته ۶- «مواضعه» در ارتکاب جرم، یعنی قرار گذاشتن.

نکته ۷- مذاکره با دیگری برای ارتکاب جرم، هرگاه برای ارتکاب جرائم علیه امنیت باشد، جرم است.

نکته ۸- هرگاه دو نفر یا بیشتر اجتماع و تبانی نمایند که جرائمی بر ضد امنیت داخلی یا خارجی کشور مرتکب شوند، در صورتی که عنوان محارب بر آن‌ها صادق نباشد به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهند شد.

ماده ۶۱۱ - اجتماع و تبانی علیه اعراض یا نفوس یا اموال مردم

هرگاه دو نفر یا بیشتر اجتماع و تبانی بنمایند که علیه اعراض یا نفوس یا اموال مردم اقدام نمایند و مقدمات اجرائی را هم تدارک دیده باشند ولی بدون اراده خود

موفق به اقدام نشوند (در صورت تحقق جرم غایبی مانند: سرقت یا هتک ناموس یا قتل، صرفاً مجازات جرم تام مزبور اعمال می‌شود) حسب مراتب به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهند شد.

نکته ۱- هرگاه اشخاصی با یکدیگر تبانی کند تا برای بردن مال متعلق به دیگری علیه یکدیگر اقامه‌ی دعوا نمایند در صورتی که مقدمات اجرایی را تدارک دیده باشند ولی بدون اراده‌ی خود موفق به بردن مال نشوند، به عنوان تبانی علیه اموال مردم محکوم می‌شوند.

فصل هفدهم - جرائم علیه اشخاص و اطفال

ماده ۶۱۲- تعزیر قتل عمری که به هر علتی قصاص نمی‌گردد

هرکس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته (به معنی نداشتن ولی دم نیست) یا شاکی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد (از جمله جرائم قابل گذشت می‌باشد) و یا به هر علت قصاص نشود (مانند وجود رابطه‌ی ابوت و بنوت و عدم تساوی در دین و عقل و ...) در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری (انجام عملی مباح به قصد فعل حرام مانند نوشیدن آب لیوان به قصد شراب) مرتکب یا دیگران گردد دادگاه مرتکب را به حبس از سه تا ده سال (تعزیر درجه ۴ با ۳ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم می‌نماید.

تبصره -

در این مورد (یعنی قاتل قصاص نشود) معاونت در قتل عمد موجب حبس از یک تا پنج سال خواهد بود. (رجوع کنید به بند ت ماده ۲۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحی ۱۳۹۴)

(این تبصره به موجب تبصره ۲ ماده ۱۲۷ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ نسخ ضمنی شده است).

نکته ۱- هرکس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته یا شاکی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد یا به هر علت قصاص نشود در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه، بیم تجری مرتکب و بیم تجری دیگران گردد دادگاه مرتکب را به حبس از سه تا ۱۰ سال محکوم می‌نماید؛ بنابراین در مورد جرم قتل عمدی مجازات آن جزو مجازات‌های قابل گذشت است ولی اگر قصاص به هر علت اجرا نشود مجازات تعزیری آن ۳ تا ۱۰ سال حبس غیرقابل گذشت است.

نکته ۲- ملاک اصلی تمیز شروع به قتل از جرم تعهد عملی به قتل عنصر مادی جرم است.

نکته ۳- تبصره این ماده به موجب ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نسخ ضمنی شده است.

ماده ۶۱۳ - شروع به قتل عمری

هرگاه کسی شروع به قتل عمد نماید ولی نتیجه منظور بدون اراده وی محقق نگردد (انصراف ارادی عمل را از شمول این ماده خارج می‌کند) به شش ماه تا سه سال حبس (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) تعزیری محکوم خواهد شد.

نکته ۱- این ماده به موجب ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نسخ ضمنی شده است.

نکته ۲- مجازات شروع به قتل عمد از نوع حبس تعزیری است.

ماده ۶۱۴ - تعزیر در ضرب و جرح منتهی به عوارض شدید

هرکس عمداً (شامل ضرب و جرح غیر عمدی مثلاً در اثر تصادف نمی‌گردد) به دیگری جرح یا ضربی وارد آورد (جرم موضوع این ماده از جرائم غیرقابل گذشت است و استفاده از سلاح برای ضرب و جرح هر چند قابلیت اعمال تخفیف و تعلیق را داراست اما از موارد صدور قرار بازداشت موقت الزامی نیز می‌باشد) که موجب نقصان یا شکستن یا از کار افتادن عضوی از اعضا یا منتهی به مرض دائمی یا فقدان یا نقص یکی از حواس یا منافع یا زوال عقل مجنی‌علیه گردد در مواردی که قصاص امکان نداشته باشد چنانچه اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد به حبس درجه ۶ (منطبق بر قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۹۹) محکوم خواهد شد و در صورت درخواست مجنی‌علیه (چنانچه مجنی‌علیه درخواست دیه نکند مرتکب فقط به مجازات حبس مقرر محکوم می‌گردد) مرتکب به پرداخت دیه نیز محکوم می‌شود.

تبصره -

در صورتی که جرح وارده منتهی به ضایعات فوق نشود و آلت جرح اسلحه یا چاقو و امثال آن باشد (به نظر می‌رسد در این مورد دیه پرداخت نمی‌گردد حتی اگر مجنی‌علیه درخواست دیه کرده باشد) مرتکب به سه ماه تا یک سال حبس (حبس تعزیری درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم خواهد شد.

نکته ۱- اگر شخصی با پرتاب سنگ به گروهی از دانش آموزان صدمه بزند موجب سلب آرامش عمومی نیز بشود، دادگاه وی را به مجموع دیه‌ی مصدومین و حبس و شلاق محکوم می‌کند.

نکته ۲- در رابطه با این ماده به رأی وحدت رویه ۶۷۳-۱۱/۶-۱۳۸۳ هیئت عمومی دیوان عالی کشور رجوع کنید.

ماده ۶۱۵ - شرکت در منازعه

هرگاه عده‌ای (بیش از ۲ نفر) با یکدیگر منازعه نمایند (اگر گروهی با گروه دیگر حمله‌ور شود و گروه دوم منفعل باشد مشمول این ماده نمی‌شود به عبارت دیگر منظور از نزاع دسته جمعی این است که عده‌ای با عده‌ای دیگر زدوخورد نمایند) هر یک از شرکت‌کنندگان در نزاع حسب مورد به مجازات زیر محکوم می‌شوند:

۱ - در صورتی که نزاع منتهی به قتل شود به حبس از یک تا سه سال. (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی)

۲ - در صورتی که منتهی به نقص عضو شود به حبس از شش ماه تا سه سال. (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی)

۳ - در صورتی که منتهی به ضرب و جرح شود به حبس از سه ماه تا یک سال. (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی)

تبصره ۱ -

در صورتی که اقدام شخص، دفاع مشروع تشخیص داده شود مشمول این ماده نخواهد بود.

تبصره ۲ -

مجازات‌های فوق مانع اجرای مقررات قصاص یا دیه حسب مورد نخواهد شد. (عنصر مادی جرم موضوع این ماده تنها به صورت فعل محقق می‌شود و ترک فعل نمی‌تواند عنصر مادی این جرم باشد) (جرم موضوع این ماده در زمره جرائم مقید به نتیجه است و نتیجه‌ی حاصله باید قتل یا نقص عضو یا ضرب و جرح باشد) (رجوع کنید به ماده ۴۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲).

نکته ۱- در بزه منازعه که منتهی به قتل یا ضرب و جرح شود باید تعداد شرکت‌کنندگان حداقل سه نفر باشند.

ماده ۶۱۶ - قتل ناشی از تقصیر جزائی غیر تهاجر رانندگی

در صورتی که قتل غیر عمد (منظور قتل غیر عمد ناشی از خطای جزائی یا همان قتل شبه عمد است) به واسطه بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی (از مصادیق تقصیر) یا اقدام به امری که مرتکب در آن مهارت نداشته است یا به سبب عدم رعایت نظامات واقع شود مسبب به حبس از یک تا سه سال (هر چند تعزیر درجه ۵ است اما به دلیل غیر عمدی بودن مشمول محرومیت از حقوق اجتماعی نمی‌گردد) و نیز به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه اولیای دم محکوم خواهد شد مگر اینکه خطای محض باشد.

تبصره -

مقررات این ماده شامل قتل غیر عمد در اثر تصادف رانندگی نمی‌گردد. (رجوع کنید به مواد ۷۱۴ لغایت ۷۱۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بخش تعزیرات).

نکته ۱- مجازات قتل عمد ناشی از بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی، زندان است. بدون لزوم تقاضای اولیای دم و دیه در صورتی تعیین می‌شود که اولیای دم درخواست کرده باشند.

نکته ۲- مجازات قتل غیر عمدی ناشی از تقصیر، حبس و پرداخت دیه است.

نکته ۳- چهار نفر در اثر بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی مرتکب قتل مرد مسلمانی شده‌اند. هر چهار نفر به اتهام شرکت در قتل غیر عمدی تحت تعقیب قرار گرفته‌اند. ولی دم مقتول نیز مطالبه‌ای دیه نموده است. در این صورت هریک از متهمین به یک تا سه سال حبس محکوم می‌شوند و باید متساویاً دیه‌ی یک مرد مسلمان را بپردازد.

ماده ۶۱۷ - تظاهر به قدرت‌نمایی و یا مزاحمت یا افزای یا تهور با هر نوع اسلحه

هرکس به وسیله چاقو و یا هر نوع اسلحه دیگر تظاهر یا قدرت‌نمایی کند یا آن را وسیله مزاحمت اشخاص یا اخاذی یا تهدید قرار دهد یا کسی گلاویز شود (اگر دارای شرایط منازعه باشد مشمول ماده ۶۱۵ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات می‌گردد) در صورتی که از مصادیق محارب نباشد به حبس از شش ماه تا دو سال (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد. (جرم موضوع این ماده در زمره جرم‌های مطلق است و تحقق نتیجه به طور مثال اخاذی در آن شرط نیست). رجوع کنید به ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات.

ماده ۶۱۸ - افلال در نظم و آسایش عمومی

هرکس با هیاهو و جنجال یا حرکات غیرمعارف یا تعرض به افراد موجب اخلال نظم و آسایش و آرامش عمومی گردد یا مردم را از کسب و کار باز دارد به حبس از سه ماه تا یک سال (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد. (جرم موضوع این ماده در زمره جرم‌های غیرقابل گذشت است اما قابل تخفیف و تعلیق بوده و می‌تواند مشمول مرور زمان گردد).

پیرم موضوع این ماده در زمره جرم‌های موقوت است و عمل مرتکب باید موجب افلال در نظم و آسایش عمومی و بازماندن مردم از کسب و کار شود.

نکته ۱- طبق ماده ۶۱۸ قانون مجازات اسلامی: «هرکس با هیاهو و جنجال یا حرکات غیرمعارف یا تعرض به افراد موجب اخلال نظم و آسایش عمومی گردد، به ... محکوم خواهد شد» جرم مذکور فوری و مقید است.

ماده ۶۱۹ - مزاحمت اطفال یا زنان

هرکس در اماکن عمومی یا معابر متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود یا با الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت به آنان توهین (رجوع کنید به ماده ۶۰۸ و ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) نماید به حبس از دو تا شش ماه (تعزیر درجه ۷ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

پیرم مذکور در این ماده به دلیل عدم تصریح در ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و پیرم‌های دیگر در افلاق عمومی در زمره جرم‌های غیرقابل گذشت می‌باشد و نیز در زمره جرم‌های مطلق است.

نکته ۱- چنانچه کسی در اماکن عمومی یا معابر با الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت به زنان و اطفال توهین نماید، جرم او مطلق است.

نکته ۲- تعرض به زنان یا ایجاد مزاحمت برای آن‌ها در صورتی جرم خاص است که در اماکن عمومی یا معابر انجام شود.

ماده ۶۲۰ - توطئه قبلی و دسته جمعی بودن عمل

هرگاه جرائم مذکور در مواد (۶۱۶) و (۶۱۷) و (۶۱۸) در نتیجه توطئه قبلی و دسته جمعی واقع شود هریک از مرتکبین به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد.

ماده ۶۲۱ - آدم‌ربایی

هرکس (به صورت مطلق بیان شده است که شامل مباشر شخصاً و کسی هم که به دستور دیگری مبادرت به ربودن نماید می‌شود) به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگر به عنف یا تهدید (در صورتی که آدم‌ربایی توأم با عنف یا تهدید باشد: حبس درجه ۴) یا حیله یا به هر نحو دیگر (در صورتی که آدم‌ربایی توأم با حیله یا به انحاء دیگر باشد: حبس درجه ۵) شخصاً یا توسط دیگری شخصی را برآید (رکن رکیب جرم آدم‌ربایی «ربودن» است که به صورت آنی محقق می‌شود) یا مخفی کند به حبس درجه ۴ (در صورت توأم بودن با عنف یا تهدید) یا درجه ۵ (در غیر عنفی یا تهدیدی) محکوم خواهد شد (آدم‌ربایی ساده). در صورتی که سن مجنی‌علیه (اعم از مؤنث یا مذکر) کمتر از پانزده سال تمام باشد یا ربودن توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی‌علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود (اعم از اینکه بزه دیده مؤنث باشد یا مذکر) مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد و در صورت ارتکاب جرائم دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌گردد (آدم‌ربایی مشدد).

تبصره -

مجازات شروع به ربودن سه تا پنج سال حبس است. (علاوه بر اینکه سابقاً این تبصره به موجب ماده ۱۲۲ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ نسخ ضمنی شده بود، قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۹۹ نیز در مورد شروع به جرم آدم‌ربایی به صراحت ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ را حکم‌فرما می‌داند) (آدم‌ربایی در زمره جرائم مطلق است و تحقق نتیجه جرم در آن حائز اهمیت نیست و این جرم در

صلاحیت دادگاه عمومی کیفری قرار دارد و این جرم در زمره جرائم آنی است).

کلمه «آدمربایی» در زمره جرائم مادی صرف به طور مثال صدور چک پرداخت نشدنی نمی‌باشد و نیازمند اضرار عمد مرتکب و اضرار قصد ربودن در مرتکب می‌باشد و در زمره جرائم غیر قابل گذشت بوده اما قابل تعلیق و تفهیم می‌باشد.

نکته ۱- تبصره این ماده به موجب ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی در سال ۹۲ نسخ ضمنی شده بود ولی یکسری‌ها این موضوع رو قبول نداشتند تا قانون کاهش مجازات حبس تعزیری (۱۳۹۹) اومد و نسخ صریح کرد اوون رو: «تبصره ماده (۶۲۱) قانون، نسخ و در مورد شروع به جرم آن مطابق ماده (۱۲۲) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ عمل می‌شود.»

نکته ۲- آدمربایی، در صورتی محقق می‌شود که ربودن به قصد مطالبه‌ی وجه و با هر وسیله‌ای باشد.

نکته ۳- تبانی قبلی آدمربا و ربوده‌شده بالغ به انگیزه‌ی ازدواج جرم آدمربایی را منتفی می‌سازد.

نکته ۴- جنسیت بزه دیده با محوریت مؤنث بودن بزه دیده از جهات تشدیدکننده‌ی مجازات جرائم آدمربایی و اخفای اشخاص در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ نمی‌باشد.

نکته ۵- آدمربایی و مخفی کردن شخص ربوده‌شده توسط آدمربا از شمول مصادیق تعدد مادی جرم خارج است.

نکته ۶- شخص بالغ عاقلی شخص بالغ عاقل دیگری را به قصد ربودن پول‌های داخل جیبش می‌رباید. رباینده به اتهام جرم آدمربایی قابل تعقیب است.

نکته ۷- در جرم آدمربایی، طبق اصلاحات سال ۱۳۹۹، تنها کیفیت مشدده‌ی آدمربایی «آدمربایی به عنف یا تهدید» است.

نکته ۸- در جرم آدمربایی، در مورد زیر، مجرم به حبس درجه ۴ محکوم می‌شود و در سایر موارد آدمربایی به حبس درجه ۵: ارتکاب آدمربایی به عنف یا تهدید.

نکته ۹- شروع به جرم مخفی کردن شخص ربوده‌شده در جرم آدمربایی منتفی است.

نکته ۱۰- جهات تشدیدکننده مجازات جرم آدمربایی و اخفای اشخاص در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ عبارت بود از:

(۱) سن مجنی علیه کمتر از ۱۵ سال باشد.

(۲) یا ربودن توسط وسایل نقلیه انجام گیرد.

(۳) یا به مجنی علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شده باشد.

مهم اینکه: هم‌اکنون اینها دیگه به موجب اصلاحات ۱۳۹۹ هـ ش کیفیت مشدده نیستند.

نکته ۱۲- آدمربایی و مخفی کردن شخص ربوده‌شده توسط آدمربا مصادق تعدد مادی جرم نمی‌باشد.

نکته ۱۳- مجازات شروع به آدمربایی به عنف و تهدید، حبس درجه ۵ (بند ب ماده ۱۲۲ ق.م.ا) است. مجازات شروع به آدمربایی به

جز موارد عنف و تهدید، حبس یا شلاق درجه ۶ (بند پ ماده ۱۲۲ ق.م.ا) است

ماده ۶۲۲ - اسقاط عمری جنین به واسطه ضرب یا اذیت (رک ماده ۳۰۶ ق.م.ا)

هر کس عالماً و عامداً (جرم عمدی) به واسطه ضرب یا اذیت و آزار زن حامله، موجب سقط جنین (مقید به نتیجه: سلب حیات جنین است) وی شود علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص (کلمه قصاص به مادر برمی‌گردد به استناد ماده ۳۰۶ ق.م.ا پس دیه و تعزیر به خاطر جنین است) حسب مورد به حبس از یک تا سه سال (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم خواهد شد. (با توجه به ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی و ذکر جرم موضوع ماده ۶۲۲، این جرم در زمره جرائم قابل گذشت می‌باشد) (مرتکب علاوه بر عمد در ایراد ضرب و آزار و اذیت، وی باید علم به حامله بودن زن نیز داشته باشد تا جرم محقق شود).

ماده ۶۲۳ - اسقاط عمری جنین یا وسایل شیمیایی یا فیزیکی

هر کس (منظور اشخاص عادی غیر از طبیب و ماما می‌باشد) به واسطه دادن ادویه یا وسایل دیگری موجب سقط جنین (مقید به نتیجه: سلب حیات جنین است) زن گردد به شش ماه تا یک سال (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) حبس محکوم می‌شود و اگر عالماً و عامداً زن حامله‌ای را دلالت به استعمال ادویه یا وسایل دیگری نماید که جنین وی سقط گردد به حبس از سه تا شش ماه (تعزیر درجه ۷ و عدم محرومیت از

حقوق اجتماعی) محکوم خواهد شد مگر اینکه ثابت شود این اقدام برای حفظ حیات مادر می‌باشد و در هر مورد حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات مربوط داده خواهد شد. (جرم موضوع این ماده به دلیل عدم ذکر در ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی غیرقابل گذشت می‌باشد).

نکته ۱- اگر کسی برای حفظ حیات زن حامله‌ای او را به استعمال ادویه دلالت نماید و موجب سقط جنین او شود، دیه‌ی جنین را برحسب وضعیت پرداخت و تعزیر می‌شود.

ماده ۶۲۴ - اسقاط جنین توسط شاغلین در امور پزشکی

اگر طبیب یا ماما یا داروفروش و اشخاصی (افراد عادی را در برنمی‌گیرد) که به عنوان طبابت یا مامایی یا جراحی یا دارو فروشی اقدام می‌کنند وسایل سقط جنین فراهم سازند (نوعی معاونت در جرم است که به صورت مستقل جرم انگاری شده است) و یا مباشرت به اسقاط جنین نمایند به حبس از دو تا پنج سال (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم خواهند شد (در اینجا مجازات فراهم نمودن وسایل سقط جنین و مباشرت یکسان است) و حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات مربوط صورت خواهد پذیرفت. (پس مجازات فراهم نمودن وسایل سقط جنین و مباشرت به اسقاط جنین در این ماده هر دو یکسان است).

نکته ۱- چنانچه طبیبی وسایل سقط جنین زنی را فراهم نماید، بدون اینکه شخصاً مبادرت به اسقاط جنین نماید و زن نیز از این وسایل استفاده نکند و جنین سقط نگردد، عمل طبیب جرم تام و مطلق است.

نکته ۲- خانمی به طبیب جهت سقط جنین خود مراجعه می‌کند. پزشک بی‌آنکه شخصاً مباشرت به اسقاط جنین نماید وسیله‌ی سقط را فراهم و خانم خود مبادرت به سقط با وسیله‌ی فراهم‌شده می‌نماید. در چنین صورتی عمل طبیب مستقلاً جرم است و قابل مجازات می‌باشد.

نکته ۳- «الف» به قصد کمک به سقط جنین خانمی وسایل ارتکاب سقط جنین را تهیه کرده و در اختیار وی قرار می‌دهد. خانم مذکور از این وسایل استفاده می‌کند ولی سقط محقق نمی‌گردد. فعل ارتكابی توسط «الف» جرم است و مجازات دارد.

نکته ۴- اگر طبیب عاملاً و عامداً مباشرت به اسقاط جنینی نماید که روح در آن دمیده شده باشد، به حبس از دو تا پنج سال و پرداخت دیه مطابق مقررات محکوم می‌شود.

نکته ۵- صرف فراهم کردن وسایل سقط جنین از سوی طبیب جرم تام و مطلق است چه استفاده بشود و چه استفاده نشود چه جنین سقط شود و چه سقط نشود.

ماده ۶۲۵ -

به موجب ماده ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ نسخ شده است.

ماده ۶۲۶ -

به موجب ماده ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ نسخ شده است.

ماده ۶۲۷ -

به موجب ماده ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ نسخ شده است.

ماده ۶۲۸ -

به موجب ماده ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ نسخ شده است.

ماده ۶۲۹ -

به موجب ماده ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ نسخ شده است.

ماده ۶۳۰ - قتل در فراش (معازیر قانونی معافیت از مجازات)

هرگاه مردی (زن، برادر، پدر، عمو و دایی و ... را شامل نمی‌شود) همسر خود (اعم از همسر دائم یا موقت و شامل مادر و خواهر و دختر نمی‌شود) را در حال زنا (شامل تقبیل و مضاجعه نمی‌شود) با مرد اجنبی مشاهده کند (مشاهده‌ی عین مدنظر است نه مشاهده از طریق فیلم، عکس، اسلاید و ...) و علم به تمکین زن داشته باشد (یعنی بداند که زن با رضایت آن کار را انجام می‌دهد) می‌تواند در همان حال آنان را به قتل برساند و در صورتی که زن مکروه باشد فقط مرد را می‌تواند به قتل برساند. حکم ضرب و جرح در این مورد نیز مانند قتل است. (حکم این ماده فقط سبب

اباحی عمل شوهر می‌شود و اگر چنانچه زنی، شوهر خود را در حال مواجهه با زن اجنبی ببیند حکم این ماده در خصوص وی قابل تسری نمی‌باشد) (اباحی قتل یا ضرب و جرح در این ماده صرفاً مختص شوهر زانیه است و شامل دیگر اقوام اعم از پدر و برادر و ... نمی‌شود به عبارتی زانی و زانیه در این مورد مهدورالدم نسبی‌اند و آن هم فقط نسبت به شوهر و افراد مذکور در مقابل سایرین محقون الدم هستند) (رجوع کنید به ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲).

ماده ۶۳۱ - نوزاد ربایی عوض نمودن نوزاد

هرکس (در این مورد مباشرت مرتکب شرط است برخلاف آدم‌ربایی) طفلی را که تازه متولد شده است (به عبارتی طفل باید نوزاد باشد یعنی تازه دیده به جهان گشوده باشد در غیر این صورت مشمول جرم آدم‌ربایی است) بدزدد یا مخفی کند یا او را بجای طفل دیگری یا متعلق به زن دیگری غیر از مادر طفل قلمداد نماید (جرم موضوع این ماده قابل تعلیق، قابل تخفیف و مشمول مرور زمان می‌باشد اما جرمی است غیر قابل گذشت) به شش ماه تا سه سال (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) حبس محکوم خواهد شد و چنانچه احراز شود که طفل مزبور مرده بوده مرتکب به یکصد هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

نکته ۱- شروع به جرم طفل ربایی، مجازات ندارد.

ماده ۶۳۲ - امتناع از استرداد طفل سپرده شده

اگر کسی از دادن طفلی که به او سپرده شده است در موقع مطالبه اشخاصی که قانوناً حق مطالبه دارند امتناع کند به مجازات از سه ماه تا شش ماه حبس (تعزیر درجه ۷ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) یا به جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار تا سه میلیون ریال محکوم خواهد شد. (به استناد ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی و با توجه به تصریح موضوع این ماده در ماده ۱۰۴، در زمره جرائم قابل گذشت است) (رجوع کنید به قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱).

نکته ۱- امتناع کسی از تحویل طفلی که به او سپرده شده، در صورتی جرم است که مطالبه کننده حق مطالبه داشته باشد. عنصر مادی با ترک فعل صورت می‌گیرد و از جرائم قابل گذشت است مستند به ماده ۱۰۴ ق.م.ا.

نکته ۲- جرم مندرج در ماده ۶۳۲ قانون مجازات اسلامی: «اگر کسی از دادن طفلی که به او سپرده شده است در موقع مطالبه اشخاصی که قانوناً حق مطالبه دارند امتناع کند، به مجازات از سه ماه تا شش ماه حبس و یا به جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا سه میلیون ریال محکوم خواهد شد» از جرائم، مطلق و فوری است.

نکته ۳- جرم موضوع این ماده در زمره جرائم مطلق و فوری است.

ماده ۶۳۳ - رها نمودن طفل یا فرزند ناتوان از حفاظت فوراً

هرگاه کسی شخصاً یا به دستور دیگری طفل یا شخصی را که قادر به محافظت خود نمی‌باشد در محلی که خالی از سکنه است رها نماید به حبس از شش ماه تا دو سال (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) و یا جزای نقدی از سه میلیون تا دوازده میلیون ریال محکوم خواهد شد و اگر در آبادی و جایی که دارای سکنه باشد رها کند تا نصف مجازات مذکور محکوم خواهد شد و چنانچه این اقدام سبب وارد آمدن صدمه یا آسیب یا فوت شود رها کننده علاوه بر مجازات فوق حسب مورد به قصاص یا دیه یا ارش نیز محکوم خواهد شد. (چنانچه شخص رها کننده ولی، وصی، یا قیم شخص رها شده باشد تعقیب امر کیفری در صورت عدم تعیین قیم موقت بر عهده دادستان است و رضایت دادستان نیز شرط صدور قرار موقوفی تعقیب یا قرار موقوفی اجرای مجازات است) (به استناد ماده ۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحی ۱۳۹۴).

برموضوع این ماده با توجه به تفسیر ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی در زمره جرائم قابل گذشت می‌باشد.

نکته ۱- آقای «الف» طفلی را که قادر به محافظت خود نبوده در جایی که خالی از سکنه است رها نموده و منتهی به مرگ طفل شده است. اقدام مرتکب، ارتکاب جرم از طریق فعل است.

ماده ۶۳۴ - نبش قبر

هرکس بدون مجوز مشروع نبش قبر نماید به مجازات حبس از سه ماه و یک روز تا یکسال (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم می‌شود و هرگاه جرم دیگری نیز با نبش قبر مرتکب شده باشد به مجازات آن جرم هم محکوم خواهد شد. (رسیدگی به این جرم در صلاحیت

دادگاه عمومی کیفری ۲ می‌باشد).

۴۳۰ برنیش قبر مقید به نمایان شدن جسد است و صرف کردن قبر موجب تحقق نبش قبر نمی‌باشد، این امر در زمره‌ی جرائم غیرقابل‌گذشت بوده اما قابل تفتیف و یا تعلیق می‌باشد.

نکته ۱- موارد زیر در قانون مجازات اسلامی جرم تلقی شده‌اند:

(۱) نبش قبر بدون مجوز مشروع.

(۲) دفن جنازه بدون رعایت نظامات مربوط.

(۳) اخفای جسد مقتول با علم به قتل.

نکته ۲- هرگاه شخصی علاوه بر نبش قبر، جرم دیگری نیز مرتکب شده باشد، به مجازات آن جرم هم محکوم خواهد شد.

ماده ۶۳۵ - دفن اموات بدون رعایت نظامات

هرکس بدون رعایت نظامات مربوط به دفن اموات جنازه‌ای را دفن کند (منظور میت است نه برخی از اعضای جدا شده از وی) یا سبب دفن آن شود یا آن را مخفی نماید به جزای نقدی از یکصد هزار تا یک میلیون ریال محکوم خواهد شد.

۴۳۱ موضوع این ماده در زمره‌ی جرائم مطلق است.

ماده ۶۳۶ - اطفاء یا دفن جسد مقتول

هرکس (غیر از قاتل مد نظر است چرا که اگر قاتل جسد مقتول را مخفی کند جرم جداگانه‌ای را مرتکب نشده است چراکه اخفای جسد از نتایج ارتکاب قتل است) جسد مقتولی را با علم به قتل (به صورت عام بیان شده است و شامل هر سه نوع قتل: عمدی، غیر عمدی و خطای محض می‌شود) مخفی کند یا قبل از اینکه به اشخاصی که قانوناً مأمور کشف و تعقیب جرائم هستند خبر دهد آن را دفن نماید به حبس از سه ماه و یک روز تا یک سال (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم خواهد شد.

فصل هجدهم - جرائم ضد عفت و اخلاق عمومی

ماده ۶۳۷ - رابطه نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا

هرگاه زن و مردی که بین آن‌ها علقه زوجیت (اعم از زوجیت به صورت دائم یا موقت و اعم از اینکه علقه‌ی زوجیت به صورت رسمی منعقد شده باشد یا غیررسمی) نباشد، مرتکب روابط نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا از قبیل تقبیل یا مضاجعه شوند، به شلاق تا نود و نه ضربه محکوم خواهند شد (مستقیماً در دادگاه مطرح می‌شود) و اگر عمل با عفت و اکراه باشد فقط اکراه‌کننده تعزیر می‌شود. (رجوع کنید به تبصره ماده ۱۳۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲).

نکته ۱- هرگاه زن و مردی که بین آن‌ها علقه‌ی زوجیت وجود ندارد، مرتکب روابط نامشروع یا عمل منافی عفتی از زنا گردند، مجازات آن‌ها شلاق تا نود و نه ضربه است.

نکته ۲- شخصی به اتهام ارتکاب عمل منافی عفت غیر از زنا به ۹۹ ضربه شلاق و هم‌چنین به یکسال تبعید در شهر مرزی محکوم شده است. در این صورت شلاق مجازات اصلی و تبعید مجازات تکمیلی بزه مزبور است.

نکته ۳- «الف» نامه‌ی عاشقانه برای «ب» می‌نویسد و بعداً نیز با او ازدواج می‌کند. در چنین حالتی و مشروط به فقدان موانع نکاح بین طرفین، عمل شخص الف اصلاً جرم نیست.

نکته ۴- روابط نامشروع یا اعمال منافی عفت مادون زنا از قبیل تقبیل (بوسیدن) و مضاجعه (خوابیدن در یک بستر) به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری (۱۳۹۹) قابل تعلیق است.

ماده ۶۳۸ - تظاهر به فعل حرام

هرکس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی (مثل شراب‌خواری) نماید علاوه بر کیفر عمل به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نمی‌باشد (مانند روزه‌خواری) ولی عفت عمومی را جریحه‌دار

نماید فقط به حبس از ده روز تا دو ماه (تعزیر درجه ۸ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد. (رجوع کنید به ماده ۷۵ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات).

تبصره -

زنانی که بدون حجاب شرعی (بدحجابی جرم انگاری نشده است) در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ده روز تا دو ماه (تعزیر درجه ۸ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) و یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد. (رجوع کنید به اصل ۱۶۷ قانون اساسی).

نکته ۱- ارتکاب فعل حرامی که نفس آن دارای کیفر نمی‌باشد هرگاه در انظار عمومی تظاهر به آن گردد و عفت عمومی را جریحه‌دار نماید، مستوجب مجازات است.

نکته ۲- سرکشی و نگاه کردن عمدی از روی بام و دیوار و امثال آن به حریم خانگی همسایه، از مصادیق جرم تظاهر به فعل یا عمل حرام است.

نکته ۳- ظاهر شدن زنان در معابر و انظار عمومی بدون حجاب شرعی، جرم بوده و مستوجب حبس تعزیری و یا جزای نقدی می‌باشد.

نکته ۴- نگهداری، طرح، نقاشی، نوار سینما و ویدیو در صورتی که تعداد آن معد برای امر تجاری و توزیع نباشد، جرم نیست.

نکته ۵- سرکشی و نگاه کردن عمدی از روی بام و دیوار و امثال آن به حریم خانگی همسایه از مصادیق جرم تظاهر به فعل یا عمل حرام است.

نکته ۶- تظاهر به عمل حرام به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری (۱۳۹۹) قابل تعلیق است.

ماده ۶۳۹ - دایر نمودن مرکز فساد و یا فحشا و یا تشویق به آن

افراد زیر به حبس از یک تا ده سال (تعزیر درجه ۴ با ۳ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم می‌شوند و در مورد بند «الف» علاوه بر مجازات مقرر، محل مربوطه به طور موقت با نظر دادگاه بسته خواهد شد:

الف - کسی که مرکز فساد و یا فحشا دایر یا اداره کند.

ب - کسی که مردم را به فساد یا فحشا تشویق (معاونت به عنوان جرم خاص جرم انگاری شده است) نموده یا موجبات آن را فراهم نماید. (افرادی که در این مراکز به عنوان خدمه مشغول به کار می‌باشند مشمول این ماده نمی‌گردند مگر این که مصداق مورد ب باشند).

تبصره -

هرگاه بر عمل فوق عنوان قوادی صدق نماید علاوه بر مجازات مذکور به حد قوادی (ماده ۲۴۳ ق.م.ا) نیز (یعنی به هر دو مجازات محکوم می‌شود) محکوم می‌گردد.

ماده ۶۴۰ - تهیه یا خرید و فروش و نمایش اشیاء منافی عفت

اشخاص ذیل به حبس از سه ماه تا یک سال (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) و جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال و تا (۷۴) ضربه شلاق یا به یک یا دو مجازات مذکور محکوم خواهند شد:

۱ - هرکس نوشته یا طرح، گراور، نقاشی، تصاویر، مطبوعات، اعلانات، علائم، فیلم، نوار سینما و یا به طور کلی هر چیز که عفت و اخلاق عمومی را جریحه‌دار نماید برای تجارت یا توزیع به نمایش و معرض انظار عمومی گذارد یا بسازد یا برای تجارت و توزیع نگاه دارد.

۲ - هرکس اشیای مذکور را به منظور اهداف فوق شخصاً یا به وسیله دیگری وارد یا صادر کند و یا به نحوی از انحاء متصدی یا واسطه تجارت و یا هر قسم معامله دیگر شود یا از کرایه دادن آن‌ها تحصیل مال نماید.

۳ - هرکس اشیای فوق را به نحوی از انحاء منتشر نماید یا آن‌ها را به معرض انظار عمومی بگذارد.

۴ - هرکس برای تشویق به معامله اشیای مذکور در فوق و یا ترویج آن اشیاء به نحوی از انحاء اعلان و یا فاعل یکی از اعمال ممنوعه فوق و یا محل به دست آوردن آن را معرفی نماید. (اعمال مندرج در این ماده باید با سوءنیت خاص آن یعنی به قصد تجارت و توزیع و تسهیل مال صورت گرفته شود، بنابراین صرف نگهداری اشیاء فوق در صورتی که معد برای تجارت نباشد وصف جزائی ندارد).

تبصره ۱-

شامل اشیایی نخواهد بود که با رعایت موازین شرعی و برای مقاصد علمی یا هر مصلحت حلال عقلایی دیگر تهیه یا خرید و فروش و مورد استفاده متعارف

علمی قرار می‌گیرد. (به دلیل عدم وجود عنصر روانی برای جرم مذکور).

تبصره ۲-

اشیای مذکور ضبط و محو آثار می‌گردد و جهت استفاده لازم به دستگاه دولتی ذی‌ربط تحویل خواهد شد.

نکته ۱- اگر شخصی نوار و تصاویر مستهجن را صرفاً نگهداری نماید، ولی به قصد تجارت و توزیع نباشد، فاقد جنبه‌ی جزائی است.

نکته ۲- در مورد فیلم، مطبوعات، تصاویر، نوار سینما که عفت و اخلاق عمومی را جریحه‌دار می‌کند، در حالت نگهداری و استفاده‌ی شخصی جرم نیست.

نکته ۳- شخصی که در محل کار خود دو عدد سی در غیر مجاز داشته فاقد عنوان مجرمانه بوده و مجازات ندارد.

نکته ۴- در رابطه با این ماده به رأی وحدت رویه ۶۴۵-۱۳۷۸/۹/۲۳ هیئت دیوان عالی کشور رجوع کنید.

نکته ۵- شخصی نوار و تصاویری که عفت و اخلاق عمومی را جریحه‌دار می‌نماید، فقط نگهداری می‌کند. در این فرض عمل وی فاقد وصف جزائی است.

نکته ۶- نشریات الکترونیکی تابع قوانین مطبوعات است.

ماده ۶۴۱ - ایثار مزاحمت تلفنی

هرگاه کسی به وسیله تلفن یا دستگاه‌های مخابراتی دیگر برای اشخاص ایجاد مزاحمت نماید (اعم از اینکه سکوت کند یا صحبت نماید) علاوه بر اجرای مقررات خاص شرکت مخابرات، مرتکب به حبس از یک تا شش ماه (تعزیر درجه ۷ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم خواهد شد. (جرم مذکور در این ماده در زمره‌ی جرائم مقید به نتیجه یعنی ایجاد مزاحمت است) (هرگاه مزاحمت تلفنی همراه با توهین یا تهدید باشد مشمول ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی خواهد بود و اگر مشمول قذف گردد مجازات حدی نیز قابل اجرا است به استناد ماده ۱۳۵ قانون مجازات اسلامی).

نکته ۱- اگر کسی به وسیله‌ی تلفن برای اشخاص ایجاد مزاحمت نماید، دادگاه او را به اجرای مقررات خاص شرکت مخابرات و حبس محکوم می‌کند.

نکته ۲- هرگاه کسی به وسیله‌ی تلفن یا دستگاه‌های مخابراتی دیگر برای اشخاص ایجاد مزاحمت نماید، علاوه بر اجرای مقررات خاص شرکت مخابرات، به حبس از یک ماه تا شش ماه محکوم خواهد شد.

نکته ۳- جرم مزاحمت تلفنی قابل گذشت است.

فصل نوزدهم - جرائم بر ضد حقوق و تکالیف خانوادگی

ماده ۶۴۲ -

به موجب ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ نسخ شده است.

ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده - هرکس با داشتن استطاعت مالی، نفقه زن فوراً در صورت تمکین او نرهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب‌النفقه امتناع کند به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود. تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی (بجز جرائم قابل گذشت است) فصولی است و در صورت گذشت وی از شکایت در هر زمان تعقیب جزائی یا اجرای مجازات موقوف می‌شود.

تبصره - امتناع از پرداخت نفقه زوجه‌ای که به موجب قانون مجاز به عدم تمکین است (ماده ۱۰۸۵ ق.ا.م.ا) و نیز نفقه فرزندان ناشی از تلقیح ممنوعی یا کودکان تحت سرپرستی مشمول مقررات این ماده است.

نکته ۱- شرایط:

۱- استطاعت مالی زوج

۲- تمکین زوج

۳- شکایت شاکی خصوصی.

ماده ۶۴۳ - عقد نمودن زن شوهردار یا معتده

هرگاه کسی (به صورت مطلق بیان شده و هر شخصی می‌تواند مرتکب جرم موضوع این ماده شود) عالمًا زن شوهردار یا زنی را که در عده دیگری است برای مردی عقد نماید (اعم از عقد دائم یا موقت)، به حبس از شش ماه تا سه سال (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) یا

از سه میلیون تا هیجده میلیون ریال جزای نقدی و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌شود و اگر دارای دفتر ازدواج و طلاق یا اسناد رسمی باشد برای همیشه از تصدی دفتر ممنوع خواهد گردید. (رجوع کنید به تبصره ماده ۱۳۵ قانون مجازات اسلامی).

نکته ۱- آقای «الف» به عنوان سردفتر ازدواج عالماً زنی را که در عده‌ی دیگری است، برای مردی عقد کرده است. در این فرض، آقای «الف» به حبس یا جزای نقدی و شلاق و محرومیت دائم از تصدی دفتر ازدواج محکوم می‌شود.

ماده ۶۴۴ - به عقر در آوردن و یا عقد شدن زن شوهردار یا معتده

کسانی که عالماً مرتکب یکی از اعمال زیر شوند به حبس از شش ماه تا دو سال (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) و یا از سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند:

۱ - هر زنی که در قید زوجیت یا عده دیگری است خود را به عقد (اعم از عقد موقت یا دائم) دیگری درآورد در صورتی که منجر به موقعه نگردد (رجوع کنید به تبصره ماده ۱۳۵ قانون مجازات اسلامی)

۲ - هر کسی که زن شوهردار یا زنی را که در عده دیگری است برای خود تزویج نماید در صورتی که منتهی به موقعه نگردد. (در صورتی که مرتکب علم به علقه‌ی زوجیت زن و یا عده‌دار بودن وی داشته و علم به حرمت چنین نکاحی هم داشته باشد عقد باطل و زن بر مرتکب حرام موبد می‌شود).

نکته ۱- زنی که در عده‌ی بائن قرار دارد خود را به عقد دیگری درمی‌آورد. عمل ارتكابی جرم محسوب و به حبس یا جزای نقدی محکوم می‌شود.

ماده ۶۴۵ -

به موجب ماده ۴۹ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ نسخ شده است.
(ماده ۴۹ قانون حمایت خانواده - پنانچه مردی بدون ثبت در دفتر رسمی به ازدواج دائم، طلاق یا فسخ نکاح اقدام یا پس از رجوع تا یک ماه از ثبت آن خودداری یا در مواردی که ثبت نکاح موقت الزامی است از ثبت آن امتناع کند، ضمن الزام به ثبت واقعه به پرداخت جزای نقدی درجه پنجم و یا حبس تعزیری درجه هفت مکلف می‌شود. این مجازات در مورد مردی که از ثبت انفساخ نکاح و اعلام بطلان نکاح یا طلاق استکفاف کند نیز مقرر است).

ماده ۶۴۶ -

به موجب ماده ۵۰ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ نسخ شده است.
ماده ۵۰ قانون حمایت خانواده - هرگاه مردی بر خلاف مقررات ماده (۱۰۴۱) قانون مدنی ازدواج کند، به حبس تعزیری درجه شش مکلف می‌شود. هرگاه ازدواج مذکور به موقعه منتهی به نقص عضو یا مرض دائم زن منجر گردد، زوج علاوه بر پرداخت ربه به حبس تعزیری درجه پنجم و اگر به موقعه منتهی به فوت زن منجر شود، زوج علاوه بر پرداخت ربه به حبس تعزیری درجه چهار مکلف می‌شود.

تبصره -

هرگاه ولی قهری، مادر، سرپرست قانونی یا مسئول نگهداری و مراقبت و تربیت زوجه در ارتکاب بجرم موضوع این ماده تاثیر مستقیم داشته باشند به حبس تعزیری درجه شش مکلف می‌شوند. این کلم در مورد عاقر نیز مقرر است.

ماده ۶۴۷ - تدلیس در نکاح

چنانچه هریک از زوجین (شامل شخص ثالثی غیر از زوجین حتی پدر و مادر آنها نیز نمی‌شود) قبل از عقد ازدواج (به صورت مطلق بیان شده و شامل ازدواج دائم و منقطع می‌شود) طرف خود را به امور واهی از قبیل داشتن تحصیلات عالی، تمکن مالی، موقعیت اجتماعی، شغل و سمت خاص، تجرد و امثال آن فریب دهد و عقد بر مبنای هریک از آنها واقع شود مرتکب به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم می‌گردد. (جرم موضوع این ماده در زمره‌ی جرائم مقید به نتیجه است یعنی عقد باید در نتیجه‌ی فریب محقق شود و صرف فریب اگر به عقد نی انجامد مشمول این ماده نیست).

نکته ۱- فریب در ازدواج وقتی محقق می‌شود که یکی از زوجین، طرف خود را در امور واهی که مبنای عقد واقع شود، اغفال نماید.

نکته ۲- مردی با کتمان ازدواج سابق خود، با دختری ازدواج نموده است، موضوع تحت عنوان فریب در ازدواج، قابل تعقیب کیفری است.

نکته ۳- جرم مندرج در این ماده، قابل گذشت است.

فصل بیستم - قسم و شهادت دروغ و افشای سر

ماده ۶۴۸ - افشاء اسرار حرفه‌ای

اطباء و جراحان و ماماها و داروفروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند (مثل وکلا، قضات و روان‌شناسان) هرگاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشاء کنند به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند. (رجوع کنید به ماده ۷۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحی ۱۳۹۴) (با توجه به ذکر این ماده در موارد مذکور ماده ۹ ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی باید گفت که جرم موضوع این ماده در زمره جرائم قابل گذشت می‌باشد) (هریک از افراد موضوع این ماده چنان چه رازی را از دوست خود که به عنوان دوست نه به مناسبت شغل با آنها در میان گذاشته، فاش کنند مشمول این ماده نمی‌گردد) (رجوع کنید به ماده ۷۴۵، ماده ۱۷ قانون جرائم رایانه‌ای).

- نکته ۱-** افشای اسرار حرفه‌ای منظور افشای اسرار بعضی از حرفه‌ها است که قانون‌گذار افشای آن را به وسیله‌ی مردم منع نموده است.
- نکته ۲-** اطباء و جراحان در قبال بیماران، اخلاقاً ملزم به حفظ اسرار آنان هستند. افشای اسرار شخصی جرم است و مستوجب حبس یا جزای نقدی است.
- نکته ۳-** مرتکبان جرم افشای اسرار، همه‌ی کسانی هستند که به مناسبت شغل، محرم اسرار دیگران شده‌اند و شامل افراد عادی نمی‌شود.
- نکته ۴-** پزشک در غیر از موارد مجاز، اسرار بیماران را افشاء می‌نماید. در این فرض جرم افشای سر حرفه‌ای محقق شده است.
- نکته ۵-** از جرائم قابل گذشت می‌باشد مستند به ماده ۱۰۴ ق.م.ا.

ماده ۶۴۹ - سوگند دروغ

هرکس (صرفاً شامل طرفین دعوا می‌باشد) در دعوای حقوقی یا جزائی که قسم متوجه او شده باشد سوگند دروغ یاد نماید (سوگند دروغ به تنهایی و در صورت عدم وجود شرایط این ماده فاقد وصف جزائی و غیر قابل مجازات است) به شش ماه تا دو سال (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) حبس محکوم خواهد شد.

- نکته ۱-** در دعوای حقوقی یا جزائی، اگر کسی که قسم متوجه او شده است قسم دروغ یاد کند به مجازات حبس محکوم می‌شود.
- نکته ۲-** چنانچه در دادگاه با وجود شرایط قانونی، اتیان سوگند متوجه یکی از اصحاب دعوی شده و به دروغ اقامه‌ی سوگند نماید، در دعوای حقوقی یا امر جزائی، اقامه‌ی سوگند دروغ از ناحیه‌ی طرفی که قسم متوجه اوست، متضمن وقوع جرم است.
- نکته ۳-** طبق قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) شهادت دروغ در دادگاه و نزد مقامات رسمی جرم است.

ماده ۶۵۰ - شهادت دروغ

هرکس (غیر از طرفین دعوا مدنظر است) در دادگاه نزد مقامات رسمی شهادت دروغ بدهد به سه ماه و یک روز تا دو سال حبس (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد. (صرف کتمان موضوع شهادت مشمول مجازات نمی‌گردد).

تبصره -

مجازات مذکور در این ماده علاوه بر مجازاتی است که در باب حدود و قصاص و دیات برای شهادت دروغ ذکر گردیده است.

نکته ۱- بر اساس مقررات قانونی لازم‌الاجرا شهادت دروغ در صورتی که نزد مقامات رسمی در دادگاه باشد، مستوجب مجازات حبس یا جزای نقدی است.

نکته ۲- شهادت دروغ نزد مقامات رسمی در دادگاه جرم است.

فصل بیست و یکم - سرقت و ربودن مال غیر

ماده ۶۵۱ - سرقت جمعی شبانه و مسلحانه توأم با آزار (سرقت تعزیری مشرد)

هرگاه سرقت جامع شرایط حد نباشد ولی مقرون به تمام پنج شرط ذیل باشد مرتکب از پنج تا بیست سال حبس (تعزیر درجه ۲ با ۳ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌گردد:

- ۱ - سرقت در شب واقع شده باشد.
- ۲ - سارقین دو نفر یا بیشتر باشند.
- ۳ - یک یا چند نفر از آنها حامل سلاح ظاهر یا مخفی بوده باشند. (صرف حمل سلاح برای جرم موضوع این ماده کافی بوده و استفاده از آن شرط نمی‌باشد).

تبصره (الهاقی ۱۳۸۷/۸/۲۲) -

منظور از سلاح (در هر حالت سلاح باید اصلی باشد و سلاح قلابی مشمول این ماده نمی‌گردد) مذکور در این بند موارد ذیل می‌باشد:

- ۱- انواع اسلحه گرم از قبیل تفنگ و نارنجک.
- ۲- انواع اسلحه سرد از قبیل قمه، شمشیر، کارد، چاقو و پنجه‌بوکس.
- ۳- انواع اسلحه سرد جنگی مشتمل بر کاردهای سنگری متداول در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران یا مشابه آنها و سرنیزه‌های قابل نصب بر روی تفنگ.
- ۴- انواع اسلحه شکاری شامل تفنگ‌های ساچمه‌زنی، تفنگ‌های مخصوص بی‌هوش کردن جانداران و تفنگ‌های ویژه شکار حیوانات آبی.
- ۴ - از دیوار بالا رفته یا حرز را شکسته (اعم از شکستن مادی مانند تخریب یا شکستن معنوی مانند باز کردن با کلید) یا کلید ساختگی به کاربرده یا اینکه عنوان یا لباس مستخدم دولت را اختیار کرده یا برخلاف حقیقت خود را مأمور دولتی قلمداد کرده یا درجایی که محل سکنی یا مهیا برای سکنی یا توابع آن است سرقت کرده باشند.
- ۵ - در ضمن سرقت کسی را آزار یا تهدید کرده باشند.

نکته ۱- با توجه به قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ تعریف ذیل در مورد جرم سرقت جامع می‌باشد: سرقت عبارت است از ربودن بدون اطلاع و بدون رضایت مال دیگری.

ماده ۶۵۲ - سرقت مقرون به آزار

هرگاه سرقت مقرون به آزار (اعم از این که آزار مادی باشد یا معنوی) باشد و یا سارق مسلح باشد به حبس از سه ماه تا ده سال (تعزیر درجه ۴ با ۳ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) و شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم می‌شود و اگر جرحی نیز واقع شده باشد علاوه بر مجازات جرح به حداکثر مجازات مذکور در این ماده محکوم می‌گردد.

نکته ۱- ربودن مال دیگری با یک سلاح تقلبی و توأم با نواختن سیلی بر گوش مال باخته اگر شرایط سرقت مستوجب حد وجود نداشته باشد، سرقت مقرون به آزار محسوب می‌گردد.

نکته ۲- شخصی با استفاده از سلاح گرم، مرتکب سرقت مقرون به آزار علیه شخص دیگری می‌شود که در نهایت منجر به مجروح شدن آن شخص می‌گردد. کیفر شخص ضارب حداکثر میزان حبس تعزیری و شلاق مقرر در قانون، علاوه بر مجازات جرح می‌باشد.

نکته ۳- سرقت مقرون به آزار واحد عنوان جرم خاص و مستلزم مجازات مقرر در قانون است.

ماده ۶۵۳ - راهزنی (رک ماده ۲۸۱ ق.م.ا)

هرکس در راه‌ها و شوارع (به طور احصایی ذکر شده و شامل موارد غیر از این اماکن نمی‌باشد) به نحوی از انحاء مرتکب راهزنی شود در صورتی که عنوان محارب بر او صادق نباشد به سه تا پانزده سال حبس (تعزیر درجه ۳ با ۳ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) و شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم می‌شود. (جرم موضوع این ماده در زمره‌ی جرائم مقید به نتیجه است یعنی سرقت باید صورت گیرد و صرف رعب و وحشت مشمول این ماده نمی‌گردد).

نکته ۱- «راهزنی» در شوارع، مصداق جرم مقید است.

نکته ۲- در خصوص تأثیر مکان در تحقق جرم محاربه باید گفت: مکان خاص در تحقق محاربه شرط نیست.

ماده ۶۵۴ - سرقت جمعی شبانه و مسلحانه

هرگاه سرقت در شب واقع شده باشد و سارقین دو نفر یا بیشتر باشند و لااقل یک نفر از آنان حامل سلاح ظاهر یا مخفی (در زمان ارتکاب جرم ملاک است) باشد در صورتی که بر حامل اسلحه عنوان محارب صدق نکند جزای مرتکب یا مرتکبان حبس از پنج تا پانزده سال (تعزیر درجه ۳ با ۳ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) و شلاق تا (۷۴) ضربه می‌باشد.

نکته ۱- دو نفر هنگام شب و در حالی که یکی از آن‌ها حامل سلاح است، به قصد سرقت از مغازه‌ی جواهرفروشی مبادرت به شکستن قفل مغازه برای ورود به آن می‌نمایند. با مشاهده‌ی حضور مأمورین انتظامی موفق به انجام سرقت نمی‌گردند. لیکن، مورد تعقیب قرار می‌گیرند، عمل آن‌ها، شروع به جرم و دارای مجازات تا ۵ سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق است.

نکته ۲- شروع به جرم در مورد راهزنی، سرقت شبانه و سرقت مسلحانه قابل است.

نکته ۳- در سرقت موضوع ماده‌ی ۶۵۶ قانون تعزیرات، زمان در تحقق سرقت مؤثر است.

ماده ۶۵۵ - شروع به سرقت مشرده

مجازات شروع به سرقت‌های مذکور در مواد قبل (ماده ۶۵۱ تا ماده ۶۵۴ ق.م.ا) تا پنج سال حبس و شلاق تا (۷۴) ضربه می‌باشد. (این ماده به موجب ماده ۱۲۲ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ نسخ ضمنی شده است).

ماده ۶۵۶ - سرقت توأم با یکی از علل مشرده

در صورتی که سرقت جامع شرایط حد نباشد و مقرون به یکی از شرایط زیر باشد مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌شود:

۱ - سرقت درجایی که محل سکنی یا مهیا برای سکنی یا در توابع آن یا در محل‌های عمومی از قبیل مسجد و حمام و غیر این‌ها واقع شده باشد.

۲ - سرقت درجایی واقع شده باشد که به واسطه درخت و یا بوته یا پرچین یا نرده محرز بوده و سارق حرز را شکسته باشد. (منظور در این جا شکستن معنوی حرز است مثلاً از دیوار خانه بالا رود و وارد خانه شود).

۳ - در صورتی که سرقت در شب واقع شده باشد.

۴ - سارقین دو نفر یا بیشتر باشند.

۵ - سارق مستخدم بوده و مال مخدوم خود را دزدیده یا مال دیگری را در منزل مخدوم خود یا منزل دیگری که به اتفاق مخدوم به آنجا رفته یا شاگرد یا کارگر بوده و یا در محلی که معمولاً محل کار وی بوده از قبیل خانه، دکان، کارگاه، کارخانه و انبار سرقت نموده باشد.

۶ - هرگاه اداره‌کنندگان هتل و مسافرخانه و کاروانسرا و کاروان و به‌طور کلی کسانی که به اقتضای شغل اموالی در دسترس آنان است تمام یا قسمتی از آن را مورد دستبرد قرار دهند.

نکته ۱- سرقت در مناطق طوفان‌زده، سرقت مشدد محسوب نمی‌شود.

نکته ۲- به شرطی که ارزش مال مورد سرقت بیش از دویست میلیون (۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال نباشد و سارق، فاقد سابقه مؤثر کیفری باشد قابل گذشت است و همینطور شروع و معاونت در آن.

ماده ۶۵۷ - کیف‌زنی و جیب‌بری

هر کس مرتکب ربودن مال دیگری از طریق کیف‌زنی، جیب‌بری و امثال آن شود به حبس از یک تا پنج سال (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد. (جیب مخفی و پنهان حرز برای پول و وسایل موجود در آن است).

نکته ۱- ربودن مال غیر از طریق کیف‌زنی، تحت عنوان خاص و مستقل کیف‌زنی قابل تعقیب است.

نکته ۲- شخصی به قصد بدون مال دیگری او را فریب داده و به جای شربت به او نوشیدنی بی‌هوش کننده می‌دهد و پس از بی‌هوشی وی اموال مورد نظر را می‌برد. عنوان جزائی عمل مرتکب، سرقت است.

نکته ۳- به شرطی که ارزش مال مورد سرقت بیش از دویست میلیون (۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال نباشد و سارق، فاقد سابقه مؤثر کیفری باشد قابل گذشت است و همینطور شروع و معاونت در آن.

ماده ۶۵۸ - سرقت در شرایط بمرانی

هرگاه سرقت در مناطق سیل یا زلزله‌زده یا جنگی یا آتش‌سوزی یا در محل تصادف رانندگی (شامل خودروهایی می‌شود که دچار تصادف شده‌اند و نیز سرنشینان این خودروها و نه خودروهایی که برای دیدن صحنه تصادف توقف کرده‌اند) صورت پذیرد و حائز شرایط حد نباشد مرتکب به مجازات حبس از یک تا پنج سال (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد. (موارد مذکور در این ماده احصائی بوده پس شامل مناطق طوفان‌زده و قطعی زده نمی‌شود).

ماده ۶۵۹ - سرقت وسایل و متعلقات مربوط به تأسیسات مورد استفاده عمومی

هرکس وسایل و متعلقات مربوط به تأسیسات مورد استفاده عمومی که به هزینه دولت یا با سرمایه دولت یا با سرمایه مشترک دولت و بخش غیردولتی یا به وسیله نهادها و سازمان‌های عمومی غیردولتی یا مؤسسات خیریه ایجاد یا نصب‌شده مانند تأسیسات بهره‌برداری آب و برق و گاز و غیره را سرقت نماید (سرقت این وسایل هنگامی که در انبار باشند یا بر روی خودرو برای نصب بروند مشمول این ماده نمی‌شود) به حبس از یک تا پنج سال (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم می‌شود و چنانچه مرتکب از کارکنان سازمان‌های مربوطه باشد به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد.

ماده ۶۶۰ (اصلاحی ۱۳۸۷/۸/۲۲) - اسفاره غیرمجاز از آب و فاضلاب و برق و تلفن و گاز

هرکس بدون پرداخت حق انشعاب (با توجه به این لفظ تا قبل از ورود به کنتور را در برمی‌گیرد) آب و فاضلاب و برق و گاز و تلفن مبادرت به استفاده غیرمجاز از آب و برق و تلفن و گاز شبکه فاضلاب نماید علاوه بر جبران خسارت وارده به پرداخت جزای نقدی از یک تا دو برابر خسارت وارده محکوم خواهد شد. چنانچه مرتکب از مأمورین شرکت‌های مذکور باشد به حداکثر مجازات محکوم خواهد شد.

نکته ۱- شخصی با وصل کردن سیم برق کارگاه خود به برق عمومی، مبادرت به استفاده‌ی غیر مجاز از برق نموده است. عمل وی سرقت نیروی برق است.

نکته ۲- کسی که بدون اخذ انشعاب و پرداخت حق انشعاب از آب و برق و گاز و تلفن به طور غیر مجاز استفاده می‌کند، اقدام وی جرم خاص است.

نکته ۳- شخصی با اتصال سیم برق منزل خود به سیم برق‌رسانی سازمان توانیر، از آن استفاده می‌کند و آبونمان هم پرداخت نمی‌کند. اقدام او استفاده غیرمجاز از نیروی برق است.

نکته ۴- گرفتن برق از سیم همسایه با رضایت وی برخلاف مقررات اداره‌ی برق، جرم خاص است.

ماده ۶۶۱ - سرقت تعزیری ساده

در سایر موارد که سرقت مقرون به شرایط مذکور در مواد فوق نباشد مجازات مرتکب، حبس از سه ماه و یک روز تا دو سال (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) و تا (۷۴) ضربه شلاق خواهد بود.

نکته ۱- به شرطی که ارزش مال مورد سرقت بیش از دویست میلیون (۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال نباشد و سارق، فاقد سابقه مؤثر کیفری باشد قابل گذشت است و همینطور شروع و معاونت در آن.

ماده ۶۶۲ - مرافله در اموال مسروقه

هر کس (منظور از کسی غیر از خود سارق می‌باشد) با علم و اطلاع یا با وجود قراین اطمینان آور به اینکه مال در نتیجه ارتکاب سرقت به دست آمده است آن را به نحوی از انحاء تحصیل یا مخفی یا قبول نماید یا مورد معامله قرار دهد (حمل کردن مال مسروقه مورد اشاره قرار نگرفته است) به حبس از شش ماه تا سه سال (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

در صورتی که متهم معامله اموال مسروقه را حرفه خود قرار داده باشد به حداکثر مجازات در این ماده محکوم می‌گردد. (عنصر مادی جرم موضوع این ماده فقط با فعل قابل تحقق است) (چنانچه سارق خود مال مسروقه را مخفی نماید مشمول این ماده نیست) (سرقت و مخفی کردن مال مسروقه توسط خود سارق جرمی ساده و آنی است چرا که مخفی کردن مال مسروقه توسط خود سارق مصداق ندارد و اخفای مال مسروقه مربوطه به فردی غیر از سارق است).

ماده ۶۶۳ - مرافله در اشیاء توقیف شده

هرکس عالماً در اشیای و اموالی که توسط مقامات ذیصلاح توقیف شده است بدون اجازه، دخالت یا تصرفی نماید که منافای با توقیف باشد ولو مداخله کننده یا متصرف مالک آن باشد به حبس از سه ماه تا یک سال (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم خواهد شد.

ماده ۶۶۴ - سافست و یا تهیه هر نوع وسیله برای ارتکاب جرم

هرکس عالماً عامداً برای ارتکاب جرمی اقدام به ساخت کلید یا تغییر آن نماید یا هر نوع وسیله‌ای برای ارتکاب جرم (منظور از وسیله‌ی ذکر شده برای ارتکاب جرم در این ماده خاص جرم بوده و جز برای ارتکاب جرم به کار دیگری نمی‌آید) بسازد، یا تهیه کند به حبس از سه ماه تا یک سال (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

۴۳. *موضوع این ماده نوعی معاونت در جرم است اما طبق این ماده به عنوان جرم مستقل جرم انگاری شده است و در زمره‌ی جرائم مطلق می‌باشد.*

نکته ۱- ساختن کلید برای عمل سرقت جرم مستقل است.

نکته ۲- این ماده احراز نظر مقنن است و از مراحل تفسیر قضائی می‌باشد.

نکته ۳- این ماده مثال برای جرم مانع است.

ماده ۶۶۵ - ربودنی که سرقت نیست

هرکس مال دیگری را برباید و عمل او مشمول عنوان سرقت نباشد (مثلاً مال به صورت علنی و یا با زور از طرف گرفته شده باشد) به حبس از شش ماه تا یک سال (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم خواهد شد و اگر در نتیجه این کار صدمه‌ای به مجنی‌علیه وارد شده باشد به مجازات آن نیز محکوم خواهد شد.

نکته ۱- اگر شخص اتومبیل دیگری را به صورت موقت برباید و پس از چند ساعت اتومبیل را به صاحبش مسترد نماید، اقدام مرتکب، سرقت محسوب می‌شود.

نکته ۲- شخصی اتومبیل دولتی را بدون آنکه قصد تملک آن را داشته باشد می‌رباید و پس از استفاده از آن، عیناً به همان مؤسسه عودت می‌دهد. وصف عمل او سرقت است.

نکته ۳- ربودن مال دیگری اگر به صورت موقت باشد و مال به صاحب آن مسترد گردد، عنوان عمل مرتکب، سرقت است.

نکته ۴- به شرطی که ارزش مال مورد سرقت بیش از دویست میلیون (۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال نباشد و سارق، فاقد سابقه مؤثر کیفری باشد قابل گذشت است و همینطور شروع و معاونت در آن.

ماده ۶۶۶ - تکرار جرم سرقت

این ماده به موجب «قانون کاهش مجازات حبس تعزیری» مصوب ۱۳۹۹ نسخ گردیده است.

نکته ۱- در قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۵) در تکرار جرم سرقت مستوجب تعزیر، تکرار جرم موجب تحمیل حداکثر مجازات بر حسب مورد است.

نکته ۲- تکرار سرقت مستوجب تعزیر توسط سارقی که قبلاً سه فقره محکومیت قطعی به ارتکاب سرقت تعزیری داشته باشد موجب حداکثر مجازات مقرر در قانون بدون حق اعطای تخفیف از سوی قاضی می‌شود.

نکته ۳- در مورد جرم سرقت برای جبران خسارت مدعی خصوصی، ملاک، قیمت بازاری مال مسروقه است.

ماده ۶۶۷ - تکلیف به رد عین یا مثل یا قیمت مال مسروقه یا ربوده شده

در کلیه موارد سرقت و ربودن اموال مذکور در این فصل دادگاه علاوه بر مجازات تعیین شده، سارق یا رباینده را به رد عین و (در جرم سرقت احتیاج به تقدیم دادخواست برای رد مال ندارد) در صورت فقدان عین به رد مثل یا قیمت مال مسروقه یا ربوده شده و جبران خسارت وارده محکوم خواهد نمود. (این ماده استثنایی بر ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری است علاوه بر رد مال جبران خسارت هم مد نظر قرار داده است).

نکته ۱- سارقی پس از سپردن اموال مسروقه به یکی از انبارهای وزارت راه فوت می‌کند. انباردار به علت فقدان سوءنیت از اتهام اختفای اموال مزبور بی‌گناه شناخته می‌شود. با توجه به صدور قرار موقوفی تعقیب سارق و حکم برائت انباردار، اتخاذ تصمیم در مورد استرداد اموال مسروقه با دادگاه صادرکننده حکم، برائت است.

نکته ۲- شخصی متهم به سرقت تعزیری بوده و دادگاه وی را به زندان و ضبط اموال مسروقه محکوم می‌نماید و در اثر عدم تجدیدنظرخواهی حکم قطعی می‌شود. شخص ثالثی مدعی تعلق اموال به خود است. وی برای اثبات ادعای خود باید به دادگاه‌های عمومی مراجعه کرده و با تقدیم دادخواست حقوقی، استرداد اموال را خواستار شود.

نکته ۳- رأی وحدت رویه شماره ۷۹۹ مورخ ۱۳۹۹/۷/۱۵: در موارد شرکت در سرقت، مسؤلیت هر یک از سارقان در رد مال به میزان مالی است که تحصیل کرده است و دادگاه در اجرای ماده ۶۶۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ و ماده ۲۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و ماده ۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ حدود مسؤلیت هر یک از سارقان را بر همین اساس مشخص می‌کند و اگر میزان مال تحصیل شده توسط هر یک از سارقان معلوم نباشد، با توجه به اصل تساوی مسؤلیت که از جمله در مواد ۴۵۳، ۵۲۶ و ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مورد پذیرش قانونگذار قرار گرفته است، مسؤلیت سارقان در رد مال مسروقه به طور مساوی است.

فصل بیست و دوم - تهدید و اکراه

ماده ۶۶۸- افز سنر یا نوشته به عنف و اکراه

هر کس با جبر و قهر یا با اکراه و تهدید دیگری را ملزم به دادن نوشته یا سند یا امضا و یا مهر نماید و یا سند و نوشته‌ای که متعلق به او یا سپرده به او می‌باشد را از وی بگیرد به حبس از سه ماه تا دو سال (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

جرم موضوع این ماده در زمره‌ی جرائم مقید به نتیجه است و با توه به ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی در زمره‌ی جرائم قابل گذشت قرار دارد و نیز جرمی است فوری.

نکته ۱- «الف» با تهدید، «دیگری» را ملزم به دادن نوشته‌ای می‌کند. این جرم فوری است و مقید.

نکته ۲- تطمیع جهت مجازات فردی که دیگری را ملزم به دادن نوشته یا سند نماید، شرط نیست.

نکته ۳- موقعی که شخصی دیگری را ملزم به دادن نوشته یا سند یا امضاء یا مهر نماید، طبق قانون مجازات در قرار دادن دیگری در حالت اضطرار، جرمی انجام نداده است.

نکته ۴- تهدید دیگری در هر حال و بدون قید و شرط، جرم است.

ماده ۶۶۹- تهریر و افادی

هرگاه کسی دیگری را به هر نحو تهدید به قتل یا (تهدید به قتل جرمی مطلق است) ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی (مثل تهدید به باج‌گیری و اخاذی) و یا به افشای سری نسبت به خود یا بستگان او نماید، اعم از اینکه به این واسطه تقاضای وجه یا مال یا تقاضای انجام امر یا ترک فعلی را نموده یا ننموده باشد به مجازات شلاق تا (۷۴) ضربه یا زندان از دو ماه تا دو سال (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم خواهد شد.

جرم موضوع این ماده در زمره‌ی جرائم مطلق می‌باشد و به استناد ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی قابل گذشت می‌باشد.

نکته ۱- تهدید به قتل، جرمی مطلق است.

نکته ۲- تهدید صغیر غیرممیز به ارتکاب سرقت، جرمی مستقل است.

نکته ۳- «الف» بابت بدهی خود به «ب» چکی به او داده است. پس از مدتی به او مراجعه می‌کند و مبلغ بدهی را به او پرداخت می‌کند و چک مربوط را از او می‌گیرد و آن را پاره کرده و دور می‌ریزد. «ب» پس از رفتن «الف» کاغذهای پاره شده‌ی چک را الصاق کرده و از او می‌خواهد که وجه مربوطه را به او دهد در غیر این صورت، علیه او شکایت خواهد کرد. در این فرض، عمل ارتكابی «ب» فقط جرم تهدید کیفری است.

فصل بیست و سوم - ورشکستگی

ماده ۶۷۰- ورشکستگی به تقلب

کسانی که به عنوان ورشکستگی به تقلب محکوم می‌شوند به مجازات حبس از یک تا پنج سال (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم خواهند شد. (رجوع کنید به ماده ۵۴۹ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ اصلاحی ۱۳۴۷).

نکته ۱- از انواع ورشکستگی، ورشکستگی به تقلب و به تقصیر، جنبه‌ی جزائی دارد.

نکته ۲- شخصی که شغلش تجارت است از طریق تقلب در دفاتر تجاری خود و اعلام ورشکستگی، از پرداخت مطالبات طلبکاران خودداری می‌کند. آن شخص ورشکسته به تقلب است.

نکته ۳- فردی با دست کاری در دفاتر تجاری خود اعلام ورشکستگی می‌کند و از پرداخت مطالبات خود فرار می‌کند. رفتار او، ورشکستگی به تقلب است.

نکته ۴- رضایت طلبکاران در ورشکستگی به تقلب تاجر، تأثیری در موضوع ندارد.

نکته ۵- رضایت طلبکاران در ورشکستگی به تقلب تاجر تأثیری در موضوع ندارد.

ماده ۶۷۱ - ورشکستگی به تقصیر

مجازات ورشکسته به تقصیر از شش ماه تا دو سال (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) حبس است. (رجوع کنید به مواد ۵۴۲ و ۵۴۱ قانون تجارت).

نکته ۱- بازرگانی که ورشکست شده است، در صورتی که مرتکب تقلب یا تقصیر شده باشد قابل تعقیب کیفری است.

نکته ۲- اگر کسی با علم و اطلاع برای تاجر ورشکسته قرض کند و تا مدتی مانع ظهور ورشکستگی او شود، عمل او معاونت در جرم است.

نکته ۳- اگر کسی همدست فرد ورشکسته به تقلب باشد، معاون به جرم مستقل است و حبس می‌شود.

ماده ۶۷۲ - تبانی مدیر تصفیه با طلبکاران و یا تاجر ورشکسته

هرگاه مدیر تصفیه در امر رسیدگی به ورشکستگی بین طلبکاران و تاجر ورشکسته مستقیماً یا مع‌الواسطه از طریق عقد قرارداد یا به طریق دیگر تبانی نماید (تبانی شخص تاجر ورشکسته با برخی از طلبکاران مشمول این ماده نیست) به شش ماه تا سه سال حبس (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) و یا به جزای نقدی از سه تا هجده میلیون ریال محکوم می‌گردد.

فصل بیست و چهارم - خیانت در امانت

ماده ۶۷۳ - سوء استفاده از سفید مهر یا سفید امضاء

هرکس (اعم از این که فرد امین باشد یا هر شخص دیگر غیر از امین) از سفید مهر یا سفید امضایی که به او سپرده شده است یا به هر طریق به دست آورده (چه امانت گرفته باشد چه به سرقت برده باشد و چه پیدا کرده باشد) سوء استفاده نماید (چه سفید امضاء به سوء استفاده‌کننده سپرده و چه سپرده نشده باشد مجازاتش یکسان است) به یک تا سه سال (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) حبس محکوم خواهد شد (عنصر مادی موضوع این جرم به صورت فعل محقق می‌شود).

نکته ۱- استفاده از سفید مهر و سفید امضاء جرمی مستقل است در مقابل جعل خیانت در امانت و کلاهبرداری و ...

نکته ۲- استفاده از سفید امضاء در صورتی جرم است که سپرده شده و از آن سوء استفاده شود.

نکته ۳- «الف» از سفید مهری که به او سپرده شده سوء استفاده کرده و از روی تقلب اقدام به انتقال مال به ضرر صاحب مهر نموده است. در این صورت «الف» مرتکب جرم خیانت در امانت شده است.

نکته ۴- در مورد مجازات سوء استفاده از سفید امضاء باید گفت، گرچه سفید امضاء به سوء استفاده‌کننده سپرده وجه، سپرده نشده باشد، مجازاتش یکسان است.

نکته ۵- شخصی از یک ورزشکار معروف امضاء یادگاری می‌گیرد. سپس بالای ورقه‌ی امضاء شده مطلب تعهدآوری می‌نویسد و به استناد آن علیه صاحب امضاء اقامه‌ی دعوا می‌کند. اتهام وی سوء استفاده از سفید امضاء است.

نکته ۶- طبق ماده‌ی ۶۷۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات «هرکس از سفید مهر یا سفید امضایی که به او سپرده شده یا به هر طریقی به دست آورده، سوء استفاده کند به یک تا سه سال حبس محکوم می‌شود» در این ماده «سوء استفاده از سفید مهر» عنصر مادی جرم است.

- نکته ۷-** سوءنیت خاص در استفاده از سفید مهر دیگری عبارت است از: قصد و هدف، ایراد ضرر به صاحب امضاء یا مهر است.
- نکته ۸-** به دست آوردن ورقه‌ای که دیگری آن را به شکل سفید امضاء کرده است و نوشتن مطالبی بر روی آن و بدان وسیله مال کسی را بردن، سوء استفاده از سفید امضاء و کلاهبرداری است.
- نکته ۹-** صدور چک از حساب دیگری بدون شبیه‌سازی امضاء صاحب حساب، کلاهبرداری است.
- نکته ۱۰-** در رابطه با این ماده به رأی وحدت رویه ۵۹۱-۱۶/۱۳۷۳ هیئت عمومی دیوان عالی کشور رجوع کنید.
- نکته ۱۱-** شخص الف چک سفید امضای شخص ب را مخفی کرده و از استرداد آن امتناع می‌کند. در این فرض باید گفت عمل شخص الف عنوان مجرمانه‌ای ندارد.
- نکته ۱۲-** عنصر مادی جرم موضوع این ماده سوء استفاده از سفید مهر است.
- نکته ۱۳-** جرم مندرج در این ماده، قابل گذشت است.

ماده ۶۷۴ - *خیانت در امانت*

هرگاه اموال (این اموال باید حتماً مالیت داشته باشند) منقول یا غیرمنقول یا نوشته‌هایی (مطلق نوشته مدنظر نبوده است بلکه تنها آنهایی مورد حمایت‌اند که مالیت دارند) از قبیل سفته و چک و قبض و نظایر آن به عنوان اجاره یا امانت یا رهن یا برای وکالت یا هر کار با اجرت یا بی‌اجرت به کسی داده شده و بنابراین بوده است که اشیای مذکور مسترد شود یا به مصرف معینی برسد و شخصی که آن اشیاء نزد او بوده آن‌ها را به ضرر (اعم است از ضرر مادی یا معنوی) مالکین یا متصرفین آن‌ها استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود نماید به حبس از شش ماه تا سه سال (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم خواهد شد. (جرم موضوع این ماده در زمره جرائم مقید به نتیجه است و جرمی قابل گذشت می‌باشد و رفتار فیزیکی جرم موضوع این ماده تنها به صورت فعل تحقق می‌یابد) (از بین بردن حق مالی هم خیانت در امانت محسوب می‌شود اگر چنانچه شرایط تحقق جرم خیانت در امانت محرز باشد).

خیانت در امانت در مال مشاع توسط اهر شرکا قابل تصور نیست، لکن تصاحب شریک در سهم شریک دیگر برون اجازه‌ی وی تصرف عدوانی می‌باشد و یا تلف مال مشاع می‌تواند باعث جرم تقریب کیفیت شود.

- نکته ۱-** خیانت در امانت، حق الناس و حق عمومی است.
- نکته ۲-** با توجه به مقررات موجود موضوع جرم خیانت در امانت اعم از مال منقول و غیر منقول است.
- نکته ۳-** جرم خیانت در امانت از نظر عنصر مادی، جرمی است: آنی، فوری و مرکب.
- نکته ۴-** از جمله وجوه تشابه جرم کلاهبرداری و جرم خیانت در امانت عبارت است از: موضوع جرم در هر دو عنوان مجرمانه، می‌تواند منقول یا غیرمنقول باشد.
- نکته ۵-** در جرم «خیانت در امانت» سپردن مال به دیگری شرط محقق شدن جرم است.
- نکته ۶-** جرم خیانت جرمی است مقید به نتیجه.
- نکته ۷-** با وجود تخلف امین از قرارداد امانت به ضرر مالک یا متصرف قانونی، جرم خیانت در امانت محقق می‌شود.
- نکته ۸-** «الف» اتومبیل خود را به «ب» تحویل داده تا آن را بفروشد و ثمن آن را به او مسترد کند. ولی «ب» اتومبیل را فروخته و خود وجه حاصل از فروش اتومبیل را تصاحب کرده است. اقدام مجرمانه‌ی شخص «ب» خیانت در امانت است.
- نکته ۹-** «الف» رادیوضبط خود را برای تعمیر نزد «ب» می‌برد و به علت آشنایی قبلی از اخذ رسید خودداری می‌کند. چند روز بعد که «الف» برای گرفتن رادیوضبط مراجعه می‌کند، «ب» با ارائه‌ی رسید به خط و امضای خودش مدعی استرداد آن می‌شود. در این فرض عمل «ب» خیانت در امانت است.
- نکته ۱۰-** تعمیرکاری به طور متقلبانه وانمود می‌کند که اتومبیل مورد تعمیر در یک سرقت مسلحانه ربوده شده است. عنوان مجرمانه‌ی تعمیرکار خیانت در امانت است.
- نکته ۱۱-** اگر جنسی به شخصی داده شود تا بفروشد و قیمت آن را به مالک جنس رد کند و امین پس از فروش مقداری از قیمت را

تصرف نماید و بقیه را مسترد دارد، عمل او خیانت در امانت است.

نکته ۱۲- هرگاه مأمور دولت برای انجام مأموریت خود مالی به عنوان قرض از دیگری بگیرد و بنابراین باشد که به مصرف معینی برسد، چنانچه مال مذکور را به مصرف شخصی برساند فعل او خیانت در امانت می‌باشد.

نکته ۱۳- تفاوت اصلی اختلاس با خیانت در امانت در این است که: اختلاس فقط قابل انتساب به کارکنان دولت است ولی خیانت در امانت قابل انتساب به دیگران نیز هست.

نکته ۱۴- اگر «الف» به «ب» وکالت داده باشد که ملک او را با هر شرایطی به خود یا دیگری منتقل کند و «ب» پس از فروش ملک ثمن آن را تملک کند، اقدام او خیانت در امانت است.

نکته ۱۵- شخصی یک تخته قالی مستعمل را نزد سمسار گذاشته تا پس از فروش وجه آن را دریافت کند. سمسار از پرداخت وجه حاصل از فروش به صاحب قالی خودداری می‌کند، عمل سمسار مشمول جرم خیانت در امانت است.

نکته ۱۶- اگر کسی مالی را از دیگری به امانت بگیرد که پس از رفع احتیاج رد کند، گرو گذاشتن آن نزد دیگری خیانت در امانت است.

نکته ۱۷- «الف» کیف محتوی چک و اسناد خود را به «ب» داده تا پس از مراجعت از سفر آن را مسترد دارد. «ب» در غیاب «الف» محتویات کیف را بررسی و یک برگ چک در وجه حامل را به نفع خود وصول می‌کند. شخص «ب» تحت عنوان جرم خیانت در امانت قابل تعقیب کیفری است.

نکته ۱۸- رفتار مجرمانه در جرم خیانت در امانت عبارت است از: استعمال ناروا، تصاحب، تلف و مفقود کردن مال امانی به طور حصری.

نکته ۱۹- رفتار امینی که مال امانی را به عنوان رشوه تحویل داده باشد، جرم وی تعدد معنوی با خیانت در امانت کیفری و دادن رشوه است.

نکته ۲۰- در صورتی که شوهر بعد از انحلال نکاح، از استرداد آنچه را که از جهیزیه‌ی زوجه باقی مانده امتناع نماید، مرتکب هیچ جرمی نشده است.

نکته ۲۱- شخص «الف» ورقه‌ی سفید امضایی را به شخص «ب» می‌دهد تا آن را به شخص «ج» برساند؛ اما شخص «ب» عمداً و با سوءنیت ورقه سفید امضاء را پاره کرده و به دست شخص «ج» نمی‌رساند. این عمل شخص «ب» واجد عنوان مجرمانه‌ی خیانت در امانت است.

نکته ۲۲- یکی از مدیران شرکت تجاری غیردولتی از اموال شرکت حیفاومیل نموده است عمل وی مشمول عنوان مجرمانه‌ی خیانت در امانت است.

نکته ۲۳- اگر شریکی سهم خود را از مال مشاع نزد شریکش به امانت گذارد و شریک مذکور بدون اجازه آن را تصاحب کند، عمل شریک مصداق جرم خیانت در امانت است.

نکته ۲۴- اگر موجد از تسلیم اثاث مستأجر امتناع کرد و تسلیم اشیاء مذکور را موکول به پرداخت بقیه‌ی مال الاجاره نماید، عمل وی فاقد عنوان مجرمانه است.

نکته ۲۵- اگر امانت‌گذار مال امانی تحویلی به امین را از او برباید، ماهیت اقدام او واجد عنوان مجرمانه نیست.

نکته ۲۶- هرگاه اموال دولتی به بنگاه‌داری سپرده شود و بنگاه‌دار اموال دولتی را تصاحب نماید، اتهام وی خیانت در امانت است.

نکته ۲۷- کسی در مال گمشده‌ای که مالک آن را می‌شناسد تصرف می‌کند، عمل او غصب است.

نکته ۲۸- شخص الف خودروی خود را با سند عادی به شخص ب می‌فروشد. فروشنده سه روز بعد خودرو را از خریدار برای رفتن به مسافرت عاریه گرفته و دیگر آن را باز نمی‌گرداند. در این صورت شخص الف مرتکب جرم خیانت در امانت شده است.

نکته ۲۹- بر اساس رویه قضائی ایران، امانت مورد نظر در جرم خیانت در امانت اعم از امانت شرعی، عرفی و قراردادی است.

نکته ۳۰- در جرم خیانت در امانت سپردن مال به دیگری شرط تحقق جرم است.

نکته ۳۱- جرم خیانت در امانت از نظر عنصر مادی جرمی است آنی و فوری.

نکته ۳۲- برای تحقق جرم خیانت در امانت ضرر مالک یا متصرف قانونی شرط است.

نکته ۳۳- مجازات جرم خیانت در امانت مطابق ماده ۱۲۷ ق.م.ا تعیین می‌شود یعنی درجه ۶ یا ۷.

نکته ۳۴- طبع قضایی برخی از جرائم از قبیل خیانت در امانت به نحوی است که ارتکاب آن مستلزم وجود عناصر و اجزای خاصی است به طوری که در اثر وجود و اجتماع آن‌ها با هم، عمل مجرمانه مورد نظر مقنن شکل خارجی پیدا می‌کند.

نکته ۳۵- مثال: مالک یک دستگاه کامیون، وسیله نقلیه خود را در قبال دریافت وجه معینی روزانه به دیگری برای حمل و نقل کالای تجاری به وسیله سند رسمی اجاره دهد یا اینکه مکتوبی بین خودشان در حضور شهود به امضا رسیده باشد.

نکته ۳۶- ایجاد رابطه امانی ناشی از عقد امانت آور: این رابطه امانی که معمولاً بر اساس توافق اراده‌ی صاحب مال یا متصرف آن با امین صورت می‌گیرد، لازمه‌اش این است که در چارچوب عقد امانت آوری (ولو غیر معین) مثل ودیعه، اجاره، عاریه، وکالت تحقق پیدا کند (یا در قالب ماده ۱۰ ق.م.ا) پس هرگاه بین دو نفر قرارداد یا عقدی به صورت قرض یا بیع ایجاد شود، مورد از شمول خیانت در امانت خارج است.

نکته ۳۷- ایجاد رابطه امانی عرفی: قانونگذار منشاء این طریقه ایجاد رابطه حقوقی امانت آور را ماده ۶۷۴ با استفاده از جمله زیر بیان کرده است: هر کار با اجرت یا بی اجرت به کسی داده شده و بنابراین بوده است که اشیای مذکور مسترد شود یا به مصرف معینی برسد. در حقیقت تشخیص رابطه امانی در این قبیل موارد بر حسب مورد بر اساس عرف خواهد بود. مثال: مانند اینکه کسی اتومبیل سواری خود را برای تعمیر موتور به نزد مکانیک می‌برد و به او می‌سپارد. در این قبیل موارد، غالباً از نظر عرف نیازی به صدور قبض تحویل اتومبیل از ناحیه مکانیک در بین نیست.

نکته ۳۸- ایجاد رابطه حقوقی امانت آور قضایی: این قسم رابطه امانی بر اساس تصمیم مقامات قضایی برقرار می‌گردد. مانند نصب قیم برای صغار و یا نصب امین برای اداره‌ی اموال غایب مفقود الاثر و مانند این‌ها.

نکته ۳۹- پاره‌ای اوقات منشاء روابط حقوقی امانت آور ممکن است به صورت قهری و بدون نیاز به اعلام توافق قبلی امین با صاحب مال گردد. مثلاً فرض کنید دو نفر به مشارکت یکدیگر نمایندگی اتومبیل راه‌اندازی می‌کنند شریک اول تحویل اتومبیل مراجعان به نمایندگی را عهده دار می‌شود و شریک دیگر مسائل مالی نمایندگی را برعهده می‌گیرد. چنانچه بر اثر تصادف یا حادثه‌ای شریکی که متصدی امر تحویل اتومبیل مراجعان است، نمایندگی را ترک گوید، در این شرایط شریک دیگر از این فرصت استفاده کند و اتومبیل امانی یکی از مشتریان را که در نمایندگی است، با علم و اطلاع از این که متعلق به شریکش نیست، تصاحب کند، در مقام مراجعه‌ی آن از رد اتومبیل به او خودداری کند و در اثر شکایت صاحب اتومبیل تحت پیگرد قرار گیرد، دادگاه با احراز مدارک مربوط به مشارکت نام برده و علم و اطلاع از اینکه اتومبیلی که تصاحب کرده است، امانی است؛ تصرف او نسبت به آن را قهراً امانی خواهد شناخت و در نتیجه ملاک جرم خیانت در امانت همان رابطه امانت آور قهری است که به سبب مشارکت با شریکی که آن را به امانت گرفته است، برقرار خواهد شد.

نکته ۴۰- خیانت در امانت در اموال غیرمنقول با تصرف عدوانی صرفاً به آن جهت خواهد بود که در دعوای تصرف عدوانی تصرفات توأم با قهر و غلبه است و مسبوق به اذن و اجازه مالک نیست. برعکس در مورد خیانت در امانت، تصرف امین در مورد خیانت در امانت، با توجه به توافق قبلی و اجازه‌ی مالک و برپایه‌ی رابطه حقوقی امانت آور برقرار شده که ملاک این جرم تلقی خواهد شد.

نکته ۴۱- موضوع جرم باید وسیله تحصیل مال باشد بنابراین چنانچه بدون رضایت صاحب سر آن را فاش کند، مورد مشمول حکم خیانت در امانت نخواهد بود.

نکته ۴۲- در خصوص امکان تحقق جرم خیانت در امانت در مال مشابه نظری که امکان تحقق را جرم انگاری کرده است به واقع نزدیک‌تر است البته باید شرط مقرر فراهم باشد.

نکته ۴۳- هرگاه مرتبه عین مرهونه را برای مدت کوتاهی به راهن بسپارد تا مجدداً آن را از وی بازپس گرفته و به عنوان وثیقه‌ی

دین تا دیه کامل دین نزد خود نگه دارد ولی راهن از استرداد مال مرهون خودداری کند وی را نمی‌توان مرتکب جرم خیانت در امانت دانست هرچند که تصرف مرتهن بر مال مبتنی بر موازین قانونی بوده است

نکته ۴۴- هرگاه در رسیدگی‌های قضایی در دادگاه معلوم شود که مورد امانت متعلق به امین بوده است و امین از رد آن خودداری کند اقدام او را نمی‌توان خیانت در امانت به حساب آورد و به همین ترتیب اگر نسبت به مال مورد امانت ادعای حقیقی بنماید رویه‌ی قضایی عدم استرداد مال را از ناحیه‌ی امین به علت فقدان عنصر روانی خیانت در امانت نمی‌کند.

نکته ۴۵- تقاص سبب تحقق جرم خیانت در امانت نخواهد شد. مثلاً اگر کسی که موجر خانه‌ی استیجاری شاکی بوده است از تسلیم اثاثیه‌ی خانه‌ی مزبور امتناع کند و تسلیم اشیای مزبور را موکول به پرداخت بقیه مال الاجاره خانه نماید، این عمل از مصادیق خیانت در امانت نخواهد بود.

نکته ۴۶- با توجه به این که امین در مورد مال مورد امانت امانی است اگر مورد امانت بر اثر قوای قهریه از قبیل بلای آسمانی، جنگ، سیل یا حریق از بین برود یا اینکه در اثر قوای قهریه از امین گرفته شود، مسئولیتی متوجه امین نخواهد بود.

نکته ۴۷- اجزای متشکله‌ی عنصر مادی خیانت در امانت: (۱) وجود رابطه‌ی حقوقی امانت آور، (۲) مال یا شیء منقول یا غیر منقول متعلق به غیر، (۳) ارتکاب فعل مرتکب به صورت حصری در قانون، (۴) عدم استرداد مورد امانت از ناحیه‌ی امین.

نکته ۴۸- مرتکب باید آگاهی داشته باشد که این عملی را که انجام می‌دهد بر روی مال امانی متعلق به دیگری است. (یعنی بداند مال دیگری را که تحیتد امانی اوست، تلف، استعمال، تصاحب یا مفقود نماید).

نکته ۴۹- مرتکب در موضوع جرم خیانت در امانت باید امین باشد یعنی رابطه‌ی حقوقی امانت آور با مالک داشته باشد. پس مرتکب در این جرم موضوعیت دارد و اعمال مذکور به عنوان عنصر مادی جرم خیانت در امانت اگر توسط غیر امین صورت گیرد، مشمول این جرم نیست.

نکته ۵۰- با اینکه تحقق جرم خیانت در امانت اساساً متکی به سپرده‌شدن مال به امین است مقنن عدم استرداد مورد امانت را در ماده ۶۷۴، شرط تحقق جرم قرار داده است. بدین ترتیب آخرین جزء از اجزای متشکله‌ی عنصر مادی خیانت در امانت عبارت است از اینکه مالی که به امین سپرده شده است هرگاه توسط او، تصاحب، تلف یا مفقود شود و یا به مصرفی غیر از مصرف معین شده بین طرفین به کار برده شود، مرتکب خائن در امانت خواهد بود.

فصل بیست و پنجم - احراق و تخریب و اتلاف اموال و حیوانات

ماده ۶۷۵ - احراق اموال

هر کس عمداً عمارت یا بنا یا کشتی یا هواپیما یا کارخانه یا انبار و به طور کلی هر محل مسکونی یا معد برای سکنی یا جنگل یا خرمن یا هر نوع محصول زراعی یا اشجار (در این جا به معنی درختانی است که کنده یا بریده نشده‌اند و فقط شامل درختان کاشته شده می‌شود) یا مزارع یا باغ‌های متعلق به دیگری را آتش بزند (سوءنیت خاص) به حبس از دو تا پنج سال (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم می‌شود. (عنصر مادی جرم موضوع این ماده به صورت فعل قابل تحقق است) (اموال مذکور در این ماده به صورت احصایی بیان شده است).

تبصره ۱ -

اعمال فوق در این فصل در صورتی که به قصد مقابله (قصد مقابله انگیزه ارتکاب این جرم است) با حکومت اسلامی (منظور خاص حکومت اسلامی و حکومت جمهوری اسلامی ایران است نه معنای عام حکومت اسلامی) باشد مجازات محارب را خواهد داشت.

تبصره ۲ -

مجازات شروع به جرائم فوق شش ماه تا دو سال حبس می‌باشد. (این تبصره به موجب ماده ۱۲۲ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ نسخ ضمنی شده است).

نکته ۱- کسی که عمداً و به قصد مقابله با حکومت اسلامی کارخانه شخص حقوقی را آتش می‌زند، مجازات محارب دارد.

نکته ۲- مرتکب آتش زدن عمدی هر نوع محصول زراعی یا اشجار متعلق به دیگری به قصد ضدیت با حکومت اسلامی، مجازات محارب دارد.

نکته ۳- تحریق عمدی کشتی، هواپیما و محصولات زراعی در صورتی که به قصد ضدیت با حکومت اسلامی باشد، مجازات محارب دارد.

نکته ۴- تحریق عمدی یک کارخانه در صورتی که کارخانه متعلق به غیر و به قصد مقابله با حکومت باشد، مجازات محارب را دارد.

نکته ۵- برای شروع به آتش زدن جنگل در قانون (مجازات اسلامی ۱۳۷۵) شروع به جرم پیش‌بینی شده است.

ماده ۶۷۶ - عرق اموال منقول متعلق به غیر

هرکس سایر اشیای منقول متعلق به دیگری را آتش بزند به حبس از شش ماه تا سه سال (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم خواهد شد. (جرم موضوع این ماده در زمره جرائم قابل گذشت است مستند به ماده ۱۰۴ ق.م.ا).

نکته ۱- شخصی به قصد مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران، درخت‌های بریده‌شده‌ی دیگری را آتش می‌زند. عمل وی تحت عنوان آتش زدن اموال منقول، قابل تعقیب کیفری خواهد بود.

ماده ۶۷۷ - تقریب و اتلاف اموال

هرکس عمداً اشیای منقول یا غیرمنقول متعلق به دیگری را تخریب نماید (و رود خسارت فیزیکی برای تحقق تخریب شرط است) یا به هر نحو کلاً یا بعضاً تلف نماید و یا از کار اندازد به حبس از شش ماه تا سه سال (در صورتی که میزان خسارت وارده از یکصد میلیون ریال بیشتر باشد) محکوم خواهد شد [در صورتی که میزان خسارت وارده یکصد میلیون ریال یا کمتر باشد به جزای نقدی تا دو برابر معادل خسارت وارده محکوم خواهد شد]. (جرم موضوع این ماده در زمره جرائم قابل گذشت می‌باشد مستند به ماده ۱۰۴ ق.م.ا) (تخریب مال مشاع توسط احد شرکا با قصد اضرار به دیگری مشمول تخریب کیفری خواهد بود) (مرتکب در انجام عمل جرم موضوع این ماده اولاً باید عمداً مرتکب تخریب و اتلاف شود و ثانیاً علم به تحقق مال به غیر داشته باشد).

نکته ۱- از کار انداختن عمدی اموال در مورد مجازات با تخریب عمدی اموال فرقی ندارد.

نکته ۲- در تخریب به وسیله‌ی مواد منفجره مجازات تخریب اشیای منقول و یا غیرمنقول به دیگری موجب تشدید کیفر فاعل جرم از ۶ ماه تا ۳ سال حبس به ۲ تا ۵ سال حبس خواهد بود.

نکته ۳- هرچند در متن ماده ۶۷۷، مجازات مرتکب شش ماه تا سه سال حبس قید گردیده اما چون طبق تبصره ماده ۱۰۴ قانون کاهش ... مجازات حبس‌های درجه چهار تا هشت جرایم قابل گذشت نصف شده است لذا مجازات این جرم نیز نصف شده و به سه ماه تا یک سال و نیم حبس تغییر یافته است.

نکته ۴- هرچند در ماده ۶۷۷، مجازات سه ماه تا یک سال و نیم پیش‌بینی شده است اما طبق اصلاحات ۱۳۹۹ اگر میزان خسارت وارده یکصد میلیون ریال یا کمتر باشد مجازات مرتکب، جزای نقدی تا دو برابر خسارت وارده است مثلاً اگر میزان خسارت وارده ده میلیون ریال باشد مجازات مرتکب تا بیست میلیون ریال (از یک میلیون ریال تا بیست میلیون ریال) است و در موردی که خسارت وارده بیش از یکصد میلیون ریال باشد همان مجازات ماده ۶۷۷ (حبس از سه ماه تا یک سال و نیم) اعمال می‌شود.

ماده ۶۷۸ - تشریح کیفر به واسطه استفاده از مواد منفجره در جرم تقریب و عرق اموال

هرگاه جرائم مذکور در مواد (۶۷۶) و (۶۷۷) به وسیله مواد منفجره (اعم از این که دست‌ساز باشد یا صنعتی مثل نارنجک جنگی) واقع شده باشد مجازات مرتکب دو تا پنج سال (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) حبس است. (جرم موضوع این ماده در زمره جرائم غیر قابل گذشت است).

نکته ۱- تخریب اشیای منقول و غیرمنقول اگر با مواد محترقه انجام شود از موجبات تشدید مجازات است. اگر شخص «الف» مبادرت به ارتکاب این جرم کرده باشد، تشدید او واجد کیفیات مشدده نوعی است.

نکته ۲- تشدید مقرر مجازات در این ماده تشدید نوعی است.

ماده ۶۷۹ - تلف یا مسموم یا ناقص نمودن حیوان حلال گوشت یا ممنوع الشکار

هرکس به عمد و بدون ضرورت حیوان حلال گوشت متعلق به دیگری یا حیواناتی که شکار آن‌ها توسط دولت ممنوع اعلام شده است را بکشد یا مسموم یا تلف یا ناقص کند به حبس از نود و یک روز تا شش ماه (تعزیر درجه ۷ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا

سه میلیون ریال محکوم خواهد شد. (جرم موضوع این ماده هم با فعل و هم با ترک فعل قابل تحقق یافتن است) (جرم موضوع این ماده با توجه به ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی در زمره جرائم قابل گذشت می‌باشد).

ماده ۶۸۰ - شکار و صید برون میوز حیوانات حفاظت‌شده

هر کس برخلاف مقررات و بدون مجوز قانونی اقدام به شکار یا صید (مترادف در علم اصول) حیوانات و جانوران وحشی حفاظت‌شده نماید (معنی مخالف: اگر محافظت نشده باشند جرم نیست) به حبس از سه ماه تا سه سال (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) و یا جزای نقدی از یک و نیم میلیون ریال تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.

نکته ۱- شکار یا صید حیوانات و جانوران وحشی در صورتی که حفاظت‌شده باشند، جرم است.

ماده ۶۸۱ - اوراق و اتلاف اسناد دولتی

هر کس (به صورت عام بیان شده است اعم از کارمند و غیر آن را شامل می‌شود) عالماً (این قید شرط اجرای مجازات است) دفاتر و قباله‌ها و سایر اسناد دولتی (منظور اسنادی است که به دولت تعلق دارد نه اسنادی که توسط دولت صادر می‌شود) را بسوزاند (طریقیت دارد و به هر نحو اعم از سوزاندن و بریدن و... تلف گردد را شامل می‌شود) یا به هر نحو دیگری تلف کند به حبس از دو تا ده سال (تعزیر درجه ۴ با ۳ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم خواهد شد.

نکته ۱- «الف» اوراق بازجویی خود را نزد قاضی دادگاه با وصف اینکه قاضی آن‌ها را امضاء نموده، ولی او مبادرت به امضاء نکرده است، پاره می‌کند. رفتار او اتلاف اسناد دولتی است.

نکته ۲- وقتی قانون مجازات اسلامی، علم داشتن، جهت کسی که به سوزاندن دفاتر و اسناد دولتی اقدام نماید شرط اجرای مجازات است.

ماده ۶۸۲ - اوراق و اتلاف اسناد غیردولتی

هر کس عالماً هر نوع اسناد یا اوراق تجارتي و غیر تجارتي غیردولتی را که اتلاف آن‌ها موجب ضرر غیر است بسوزاند (طریقیت دارد و به هر نحو اعم از سوزاندن و بریدن و ... که تلف گردد) یا به هر نحو دیگر تلف کند به حبس از سه ماه تا دو سال (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم خواهد شد. (جرم موضوع این ماده در زمره جرائم مقید به نتیجه است) (به استناد ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی جرم موضوع این ماده در زمره جرائم قابل گذشت است).

ماده ۶۸۳ - نهب و غارت و اتلاف اموال به نحو قهر و غلبه

هر نوع نهب و غارت و اتلاف اموال و اجناس و امتعه یا محصولات که از طرف جماعتی بیش از سه نفر (هر ۳ نفر یا بیشتر باید حضور داشته باشند و مباشرتاً اقدام کنند) به نحو قهر و غلبه واقع شود چنانچه محارب شناخته نشوند به حبس از دو تا پنج سال (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم خواهند شد. (ر.ک تبصره ۲ ماده ۱۳۴ ق.م.ا)

نکته ۱- «قهر و غلبه» در جرم نهب و غارت و اتلاف اموال به نحو قهر و غلبه از طرف عده‌ای بیش از سه نفر مصداق سوءنیت خاص است.

نکته ۲- در صورتی که تعداد حمله‌کنندگان بیش از سه نفر باشد، نهب و غارت و اتلاف اموال به نحو قهر و غلبه واقع می‌شود.

ماده ۶۸۴ - پراپیدن و قطع و درو نمودن محصول غیر

هر کس محصول دیگری را بچراند یا تاکستان یا باغ میوه یا نخلستان کسی را خراب کند یا محصول دیگری را قطع و درو نماید یا به واسطه سرقت یا قطع آبی که متعلق به آن است یا با اقدامات و وسایل دیگر خشک کند یا باعث تضييع آن بشود یا آسیاب دیگری را از استفاده ببندازد به حبس درجه شش و شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم می‌شود. (جرم موضوع این ماده در زمره جرائم قابل گذشت است مستند به ماده ۱۰۴ ق.م.ا).

ماده ۶۸۵ - اتلاف و قطع اصله نخل

هر کس اصله نخل خرما (به صورت انحصار ذکر شده است و شامل سایر درختان نمی‌شود) را به هر ترتیب یا هر وسیله بدون مجوز قانونی از بین ببرد (شکستن شاخه‌های آن مشمول این ماده نمی‌شود) یا قطع نماید به سه تا شش ماه حبس (تعزیر درجه ۷ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) یا

از یک میلیون و پانصد هزار تا سه میلیون ریال جزای نقدی یا هردو مجازات محکوم خواهد شد. (جرم موضوع این ماده در زمره‌ی جرائم قابل گذشت است مستند به ماده ۱۰۴ ق.م.ا).

ماده ۶۸۶ - قطع و اتلاف درختان موضوع قانون گسترش فضای سبز

ماده ۴ قانون اصلاح لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها مصوب ۱۳۵۹ شورای انقلاب اسلامی به شرح زیر یانشین این ماده شده است. هرکس (به صورت عام بیان شده است و شامل مالک درختان هم می‌شود) درختان موضوع ماده یک قانون گسترش فضای سبز را تماماً و عامداً و برخلاف قانون مذکور قطع یا موجبات از بین رفتن آن‌ها را فراهم آورد علاوه بر جبران خسارت وارده حسب مورد به جزای نقدی از یک میلیون ریال تا ده میلیون ریال برای قطع هر درخت (نوع درخت اعم از مثمر یا غیر مثمر بودن اهمیتی در این ماده ندارد) و در صورتی که قطع درخت بیش از سی اصله باشد به حبس تعزیری از شش ماه تا سه سال (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم خواهد شد.

ماده ۶۸۷ - اوراق و هر نوع فرابکاری در تأسیسات مورد استفاده عمومی

هرکس (به صورت عام بیان شده است اعم از اینکه شخص مستخدم و کارمند دولت باشد یا شخص غیر از آن‌ها باشد) در وسایل و تأسیسات مورد استفاده عمومی از قبیل شبکه‌های آب و فاضلاب، برق، نفت، گاز، پست و تلگراف و تلفن و مراکز فرکانس و ماکروویو (مخابرات) و رادیو و تلویزیون و متعلقات مربوط به آن‌ها اعم از سد و کانال و انشعاب لوله‌کشی و نیروگاه‌های برق و خطوط انتقال نیرو و مخابرات (کابل‌های هوایی یا زمینی یا نوری) و دستگاه‌های تولید و توزیع و انتقال آن‌ها (موارد مذکور در این ماده به صورت حصری بیان شده است) که به هزینه یا سرمایه دولت یا با سرمایه مشترک دولت و بخش غیردولتی یا توسط بخش خصوصی برای استفاده عمومی ایجاد شده (به معنی نصب و راهاندازی این موارد است و در صورتی که این لوازم در انبار باشند مشمول این ماده نمی‌گردد) و همچنین در علائم راهنمایی و رانندگی و سایر علائمی که به منظور حفظ جان اشخاص یا تأمین تأسیسات فوق در شوارع و جاده‌ها نصب شده است، مرتکب تخریب یا ایجاد حریق یا از کار انداختن یا هر نوع خرابکاری دیگر شود بدون آن که منظور او اخلال در نظم و امنیت عمومی باشد به حبس از سه تا ده سال (تعزیر درجه ۴ با ۳ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم خواهد شد.

تبصره ۱-

در صورتی که اعمال مذکور به منظور اخلال در نظم و امنیت جامعه و مقابله با حکومت اسلامی باشد مجازات محارب را خواهد داشت.

تبصره ۲-

مجازات شروع به جرائم فوق یک تا سه سال حبس است. (این تبصره به موجب ماده ۱۲۲ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ نسخ ضمنی شده است) (رجوع کنید به ماده ۲۸۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و نیز ماده ۷۲ قانون جرائم و مجازات‌های نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲).

نکته ۱- هرکس در وسایل و تأسیسات مورد استفاده عمومی، مرتکب تخریب یا ایجاد حریق یا از کار انداختن یا هر نوع خرابکاری دیگر شود، بدون آنکه منظور او اخلال در نظم و امنیت عمومی باشد، به حبس از سه تا ده سال محوم خواهد شد.

نکته ۲- خرابکاری در وسایل و تأسیسات مورد استفاده عمومی اگر به قصد ضدیت با حکومت اسلامی و اخلال در نظم و امنیت جامعه باشد، مجازات محارب دارد.

نکته ۳- هر نوع خرابکاری و تخریب و ایجاد حریق در وسایل و تأسیسات مورد استفاده عمومی از قبیل شبکه‌های آب و فاضلاب، برق، نفت و امثال آن، در صورتی که به منظور اخلال در نظم و امنیت جامعه و مقابله با حکومت باشد، مجازات محارب را خواهد داشت.

نکته ۴- اگر تخریب عمدی علائم راهنمایی و رانندگی به قصد ضدیت با حکومت اسلامی باشد مجازات محارب را دارد.

ماده ۶۸۸ - ارقام علیه بهداشت عمومی

هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیربهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زائد، ریختن مواد مسموم‌کننده در رودخانه‌ها، زباله در خیابان‌ها و کشتار غیر مجاز دام، استفاده غیرمجاز فاضلاب خام یا پس آب تصفیه خانه‌های فاضلاب برای مصارف کشاورزی ممنوع می‌باشد و مرتکبین چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند به حبس تا یک سال (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم خواهند شد.

تبصره (اصلاحی ۱۳۷۶/۵/۱) -

تشخیص اینکه اقدام مزبور تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست شناخته می‌شود و نیز غیر مجاز بودن کشتار دام و دفع فضولات دامی و همچنین اعلام جرم مذکور حسب مورد بر عهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان حفاظت محیط زیست و سازمان دامپزشکی خواهد بود.

تفسره ۲ -

منظور از آلودگی محیط زیست عبارتست از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را به طوری که به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشد تغییر دهد.

نکته ۱- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان حفاظت محیط زیست و سازمان دامپزشکی، مرجع تشخیص اقدامات تهدیدکننده علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست شناخته می‌شوند.

نکته ۲- در جرائم علیه محیط زیست (تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست) حسب مورد بر عهده‌ی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان حفاظت محیط زیست و سازمان دامپزشکی، شاکی خصوصی محسوب می‌شود.

نکته ۳- آلودگی محیط زیست، وفق قانون مجازات اسلامی، عبارت است از: پخش یا آمیختن مواد خارجی با آب و هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را به طوری که به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار ابنیه مضر باشد، تغییر دهد.

ماده ۶۸۹- کیفر مرق و تفریب منبر به قتل و یا صدمه و جراحت برنی

در تمام موارد مذکور در این فصل هرگاه حرق و تخریب و سایر اقدامات انجام شده منتهی به قتل یا نقص عضو یا جراحت و صدمه به انسانی (در این جا منظور انسان معین و مشخص است که اقدام انجام شده سبب بروز صدمه یا قتل وی شده است) شود مرتکب علاوه بر مجازات‌های مذکور حسب مورد به قصاص و پرداخت دیه (تعدد مذکور در این ماده تعدد مادی است) و در هر حال به تأدیه خسارات (جبران خسارت در این ماده به درخواست محکوم‌له و تقدیم دادخواست نیاز دارد) وارده نیز محکوم خواهد شد.

فصل بیست و ششم - هتک حرمت منازل و املاک غیر

ماده ۶۹۰- تهیه آثار تصرف از طریق صحنه‌سازی تصرف عروانی

هرکس (مرتکب این ماده می‌تواند هرکسی باشد و برای محرز شدن جرم نسبت به مرتکب بودن شرط یا شرایط خاصی شرط نیست) به وسیله صحنه‌سازی از قبیل پی‌کنی، دیوارکشی، تغییر حد فاصل، امحای مرز، کرت بندی، نهرکشی، حفر چاه، غرس اشجار و زراعت و امثال آن به تهیه آثار تصرف در اراضی مزروعی اعم از کشت‌شده یا در آیش زراعی، جنگل‌ها و مراتع ملی شده، کوهستان‌ها، باغ‌ها، قلمستان‌ها، منابع آب، چشمه‌سارها، انهار طبیعی و پارک‌های ملی، تأسیسات کشاورزی و دامداری و دامپروری و کشت و صنعت و اراضی موات و بایر و سایر اراضی و املاک متعلق به دولت یا شرکت‌های وابسته به دولت یا شهرداری‌ها یا اوقاف و همچنین اراضی و املاک و موقوفات و محبوسات و اثاث باقیه که برای مصارف عام‌المنفعه اختصاص یافته یا اشخاص حقیقی یا حقوقی به منظور تصرف یا ذی‌حق معرفی کردن خود یا دیگری، مبادرت نماید یا بدون اجازه سازمان حفاظت محیط زیست یا مراجع ذیصلاح دیگر مبادرت به عملیاتی نماید که موجب تخریب محیط زیست و منابع طبیعی گردد یا اقدام به هرگونه تجاوز و تصرف عدوانی یا ایجاد مزاحمت یا ممانعت از حق (رجوع کنید به مواد ۱۵۹ و ۱۶۰ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹) در موارد مذکور نماید به مجازات یک ماه تا یک سال (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) حبس محکوم می‌شود. دادگاه موظف است حسب مورد رفع تصرف عدوانی (رجوع کنید به ماده ۱۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹) یا رفع مزاحمت یا ممانعت از حق یا اعاده وضع به حال سابق نماید.

تفسره ۱ -

رسیدگی به جرائم فوق‌الذکر خارج از نوبت به عمل می‌آید و مقام قضائی با تنظیم صورت‌مجلس دستور متوقف ماندن عملیات متجاوز را تا صدور حکم قطعی خواهد داد.

تفسره ۲ -

در صورتی که تعداد متهمان سه نفر یا بیشتر باشد و قراین قوی بر ارتکاب جرم موجود باشد قرار بازداشت صادر خواهد شد، مدعی می‌تواند تقاضای (باید دادخواست حقوقی به استناد مواد ۴۸ الی ۵۵ قانون آیین دادرسی مدنی تقدیم نماید) خلغ ید و قلع بنا و اشجار و رفع آثار تجاوز را بنماید. (با توجه به اینکه جرم موضوع این ماده در زمره جرائم قابل‌گذشت است پس برای احقاق حق باید طرح شکایت از جانب شخص یا سازمان ذی سمت و ذی‌حق صورت گیرد) (به نظر می‌رسد تصرف در ملک مشاع بدون اذن شرکا می‌تواند از مصادیق این ماده باشد) (عنصر مادی جرم موضوع این ماده از نوع مستمر بوده و به استناد ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی در زمره‌ی جرائم قابل‌گذشت می‌باشد پس این جرم جز با شکایت شاکی خصوصی

تعقیب نمی‌شود).

نکته ۱- در مورد جرم تصرف عدوانی باید گفت که این جرم، جز با شکایات شاکی خصوصی تعقیب نمی‌شود.

نکته ۲- در قوانین موجود حکم تصرف عدوانی به شرح زیر است: علاوه بر مسؤولیت مدنی عمل مرتکب جرم بوده و قابل مجازات از یک ماه تا سه سال حبس می‌شود.

نکته ۳- تصرف در اموال دولتی از مصادیق تصرف عدوانی نیست.

نکته ۴- در جرم تصرف عدوانی متصرف در صورتی قابل مجازات است که مدعی تصرف در مهلت مقرر شکایت کند.

نکته ۵- در صورت احراز وقوع بزه «تصرف عدوانی» اگر غاصب، بنایی در ملک غیر احداث کرده باشد، دادگاه موظف است به قلع و قمع بنا حکم دهد.

نکته ۶- در جرائم تجاوز به ملک غیر و تصرف عدوانی و رفع مزاحمت و ممانعت از حق، صدور قرار بازداشت موقت متهم الزامی است. در صورتی که تعداد متهمان ۳ نفر یا بیشتر باشند و قرائن دلالت بر ارتکاب جرم نماید.

نکته ۷- جزای نقدی که در برخی از مقررات قانونی مانند بند ۲ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸ با اصلاحات بعدی، به عنوان بدیل حبس و به منظور رعایت حال متهم پیش‌بینی شده است، ملاک تعیین درجه جرم نیست؛ بلکه در این موارد درجه جرم بر اساس مجازات حبس مقرر در قانون مربوطه تعیین می‌شود. بر این اساس و با عنایت به ماده ۳۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی، به لحاظ آنکه مجازات حبس مقرر در ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ در خصوص مواردی که املاک و اراضی متعلق به اشخاص خصوصی باشد، به موجب ماده ۱۱ قانون کاهش حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳، به نصف تقلیل یافته و درجه ۷ است، به بزه مذکور به طور مستقیم در دادگاه کیفری دو رسیدگی می‌شود.

ماده ۶۹۱ - ورود به ملک غیر به قهر و غلبه و یا توقف با قهر و غلبه در آن

هرکس به قهر و غلبه (شامل نیرنگ و حيله نمی‌شود) داخل ملکی شود که در تصرف دیگری است (اعم از اینکه متصرف مالک باشد یا غیر مالک) اعم از آن که محصور باشد یا نباشد یا در ابتدای ورود به قهر و غلبه نبوده ولی بعد از اخطار متصرف به قهر و غلبه مانده باشد علاوه بر رفع تجاوز حسب مورد به یک تا شش ماه حبس (تعزیر درجه ۷ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم می‌شود. هرگاه مرتکبین دو نفر یا بیشتر بوده (این اشخاص باید به عنوان مباشر عمل کرده باشند یعنی در اعمال عنصر مادی حضور داشته باشند) و لاقلاً یکی از آنها حامل سلاح (اعم از سلاح ظاهر یا مخفی اما باید لفظ سلاح بر آن دلالت کند پس شامل عصا و چوب‌دستی و اسلحه‌های قلابی نمی‌شود) باشد به حبس از یک تا سه سال (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم خواهند شد.

نکته ۱- در صورتی که مرتکبین دو نفر یا بیشتر باشند و لاقلاً یکی از آنها حامل سلاح باشد و به قهر و غلبه داخلی ملکی شوند که در تصرف دیگری است، مجازات آنها تشدید می‌شود.

ماده ۶۹۲ - تصرف ملک غیر به قهر و غلبه

هرگاه کسی ملک دیگری را به قهر و غلبه تصرف کند (اعم از تصرف مادی مانند وضع ید و یا تصرف معنوی مانند محروم کردن متصرف قبلی و عدم استفاده خود، ناگفته نماند که در این مورد صرف تصرف برای تحقق جرم کافی است و به مالکیت خود درآوردن لازم نیست) علاوه بر رفع تجاوز به حبس از سه ماه تا یک سال (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم خواهد شد. (این جرم، در مواردی که املاک و اراضی متعلق به اشخاص خصوصی باشد از جرائم قابل گذشت است مستند به ماده ۱۰۴ ق.م.ا).

ماده ۶۹۳ - اعاره تجاوز پس از اجرای حکم

اگر کسی به موجب حکم قطعی (یعنی حکمی که قابلیت اعتراض به سبب طرق اعتراض عادی را نداشته باشد) محکوم به خلع ید از مال غیرمنقولی یا محکوم به رفع مزاحمت یا رفع ممانعت از حق شده باشد، بعد از اجرای حکم (منظور همان حکم قطعی است) مجدداً مورد حکم را عدواناً تصرف یا مزاحمت یا ممانعت از حق نماید علاوه بر رفع تجاوز به حبس از شش ماه تا دو سال (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم خواهد شد.

نکته ۱- شخصی برابر حکم قطعی محکوم به خلع ید از مال غیرمنقول شده و حکم نیز درباره‌ی وی اجرا گردیده است. این شخص بعد از اجرای

حکم، مورد حکم را مجدداً به طور عدوان تصرف می‌نماید. در این صورت به زندان از شش ماه تا دو سال و رفع تجاوز محکوم می‌شود.
نکته ۲- تصرف مجدد اموال غیرمنقول در صورتی جرم است که تصرف مجدد عدوانی و پس از اجرای حکم قطعی تصرف عدوانی باشد.
نکته ۳- این جرم، قابل گذشت است.

ماده ۶۹۴ - ورود به عنف یا تهدید به منزل افرار

هرکس (منظور افراد عادی غیر از مأمورین موضوع ماده ۵۸۰ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات می‌باشد) در منزل یا مسکن دیگری (وجود وسایل زندگی در محل، بهترین شاخص مسکونی بودن محل است) به عنف یا تهدید وارد شود (شامل ورود به فریب و حيله نمی‌شود) به مجازات از شش ماه تا سه سال (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) حبس محکوم خواهد شد و در صورتی که مرتکبین دو نفر یا بیشتر بوده و لاقلاً یکی از آنها حامل سلاح (اعم از سرد یا گرم و مخفی یا ظاهر) باشد به حبس از یک تا شش سال (تعزیر درجه ۴ با ۳ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم می‌شوند (جرم موضوع این ماده به استناد ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی در زمره جرم قابل گذشت می‌باشد).

نکته ۱- سه نفر حامل سلاح که به عنف و تهدید وارد منزل و مسکن دیگری می‌شوند به مجازات تعیین شده در قانون محکوم می‌شوند.

نکته ۲- در جرم هتک حرمت منزل یا مسکن دیگری (موضوع ماده ۶۹۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵) وجود وسایل زندگی در محل، بهترین شاخص مسکونی بودن محل است.

نکته ۳- مالک آپارتمانی قصد فروش آن را دارد و آپارتمان در اجاره‌ی غیر است اما مدت اجاره منقضی شده ولی تصرفات مستأجر ادامه دارد. وی با کلید یدکی و همراه با خریداران بدون رضایت مستأجر و در غیاب او وارد آپارتمان شده و آن را به رؤیت خریدار می‌رساند. عمل مالک جرم هتک حرمت منزل است.

نکته ۴- ورود به منزل دیگری به عنف جرمی آنی است.

نکته ۵- یک مأمور دولت در غیر موردی که قانوناً حق دخول به منزل دیگری دارد به منزل وی وارد می‌شود. مقصود از منزل در این جرم عبارت است از: هر محلی که شخص در آن سونت دارد.

نکته ۶- ورود شخص عادی به خانه‌ی دیگری بدون اجازه و رضایت صاحب‌خانه به موجب قوانین کشور، هتک حرمت منزل محسوب می‌شود.

نکته ۷- جرم موضوع این ماده در زمره جرم آنی است.

ماده ۶۹۵ - تشدید کیفر به واسطه ارتکاب تصرف به قهر در شب

چنانچه جرائم مذکور در مواد (۶۹۲) و (۶۹۳) در شب واقع شده باشد مرتکب به حداکثر مجازات محکوم می‌شود.

ماده ۶۹۶ - بازداشت پوم‌الارا مکوم علیه ممتنع از ابرای مکلم ضرر و زیان

در کلیه مواردی که محکوم علیه علاوه بر محکومیت کیفری به رد عین یا مثل مال یا ادای قیمت یا پرداخت دیه و ضرر و زیان ناشی از جرم محکوم شده باشد و از اجرای حکم امتناع نماید در صورت تقاضای محکوم له دادگاه با فروش اموال محکوم علیه به جز مستثنیات دین حکم را اجرا یا تا استیفای حقوق محکوم له، محکوم علیه را بازداشت خواهد نمود. (در صورتی که محکوم علیه از اجرای حکم و ارائه‌ی اموال امتناع ننماید دیگر بازداشت انجام نمی‌گیرد) (اصل بر این است که رد عین و یا مثل مال و ادای قیمت نیازمند تقدیم دادخواست است، جز در موارد مصرحه در قانون مثل ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵).

تبصره -

چنانچه محکوم علیه مدعی اعسار شود تا صدور حکم اعسار و یا پرداخت به صورت تقسیط بازداشت ادامه خواهد داشت. (به استناد ماده ۲۲ قانون نحوه‌ی اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۹۳ که مقرر می‌دارد؛ "کلیه‌ی محکومیت‌های مالی از جمله ضرر و زیان ناشی از جرم، رد مال و امانال آنها جز محکومیت به جزای نقدی، مشمول این قانون خواهد بود" ... نسخ گردیده است).

فصل بیست و هفتم - افتراء و توهین و هتک حرمت

ماده ۶۹۷ - افتراء ساده (نظری)

هر کس به وسیله (در این مورد طریقت دارد و نوع آن اهمیتی در انتساب بزه به مرتکب نسبت به نوع وسیله برای انجام بزه ندارد) اوراق چاپی یا خطی یا به وسیله درج در روزنامه و جراید یا نطق در مجامع یا به هر وسیله دیگر (مثلاً تارنمای خبری یا همان نشریه‌ی الکترونیکی)، به کسی امری را صریحاً نسبت دهد یا آن‌ها را منتشر نماید که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می‌شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید جز در مواردی که موجب حد است (قذف مد نظر است) به جزای نقدی درجه شش محکوم خواهد شد. (جرم موضوع این ماده در زمره‌ی جرائم مطلق بوده و تحقق نتیجه در آن شرط نیست و نیز به استناد ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی در زمره‌ی جرائم قبال گذشت می‌باشد).

تبصره -

در مواردی که نشر آن امر اشاعه فحشا محسوب گردد هر چند بتواند صحت اسناد را ثابت نماید مرتکب به مجازات مذکور محکوم خواهد شد. (رجوع کنید به ماده ۱۸ قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸).

- نکته ۱-** وجه افتراء علمی و افتراء و عملی، این است که اولی مستلزم سوءنیت خاص و دومی مستلزم سوءنیت عام است.
- نکته ۲-** مبدأ شروع مرور زمان در جرم افتراء از تاریخ قطعیت حکم برائت از انتساب به جرم معین است.
- نکته ۳-** «الف» به قصد احقاق حق و رفع ظلم از خود شکایت کیفری مطرح و امری را که جرم بوده به «ب» نسبت داده لکن متهم از جرم انتسابی برائت حاصل نموده است، «الف» با فقدان قصد مجرمانه مرتکب هیچ جرمی نشده است.
- نکته ۴-** شرط عدم وقوع قطعی بزه در مورد اسناد توسط مفتری علیه برای تحقق جرم افتراء لازم است.
- نکته ۵-** «الف» با سوءنیت «ب» را مرتکب به سرقت مال خود معرفی می‌کند. در این صورت عمل او مشمول عنوان مجرمانه‌ی افتراء است.
- نکته ۶-** از جهات افتراق افتراء و نشر اکاذیب باید گفت که در افتراء اسناد قابل اثبات و در نشر اکاذیب قابل اثبات نیست.
- نکته ۷-** چنانچه شخصی بدون قصد اضرار یا تشویش اذهان عمومی برخلاف واقعیت عملی را که دارای عنوان مجرمانه است صریحاً به دیگری نسبت دهد، مرتکب جرم افتراء بیانی شده است.
- نکته ۸-** وصف عمل کسی که با علم به بی‌گناهی دیگری وی را در دادگاه متهم به کلاهبرداری می‌کند افتراء است.
- نکته ۹-** نسبت دادن عنوان مجرمانه به دیگری افتراء لفظی است.
- نکته ۱۰-** شرط اصلی تحقق افتراء این است که امر مورد خطاب به موجب قانون جرم باشد.
- نکته ۱۱-** تفاوت جرم افتراء و قذف در کیفیت مجازات است.
- نکته ۱۲-** شخصی از طریق نطق در مجامع، ارتکاب جرمی را به دیگری نسبت می‌دهد. در این فرض عمل وی می‌تواند افتراء، قذف و یا اشاعه‌ی فحشاء باشد.
- نکته ۱۳-** نسبت دادن جرمی به کسی از طریق انتشار اوراق چاپی یا خطی در صورت اشاعه فحشاء هر چند نسبت دهنده بتواند صحت اسناد را ثابت کند، در مواردی موجب تحقق جرم افتراء است.

ماده ۶۹۸ - نشر و اشاعه اکاذیب - نسبت دادن امر خلاف واقع به دیگری

هر کس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله نامه یا شکوائیه یا مراسلات یا عریض یا گزارش یا توزیع هرگونه اوراق چاپی یا خطی یا امضاء یا بدون امضاء اکاذیبی را اظهار نماید یا با همان مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت رأساً یا به عنوان نقل قول به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی تصریحاً یا تلویحاً نسبت دهد اعم از اینکه از طریق مزبور به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا نه (جرم مطلق است) علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان، باید به حبس از دو ماه تا دو سال و یا شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم شود.

نکته ۱- جرم نشر اکاذیب از جرائم مطلق است.

نکته ۲- جرم نشر اکاذیب در صورتی محقق می‌شود که اکاذیب منتشره به قصد تشویش اذهان عمومی باشد.

نکته ۳- جرم نشر اکاذیب دارای سوءنیت عام و خاص و مطلق است.

- نکته ۴-** اوراق خطی با امضاء، اوراق چاپی با امضاء و اوراق خطی و چاپی با امضاء و بدون امضاء، رکن مادی جرم نشر اکاذیب است.
- نکته ۵-** «الف» در نشریه بدون مجوز از وزارت ارشاد، مطالبی را برخلاف حقیقت به «ب» نسبت می‌دهد. «ب» قصد شکایت از «الف» را دارد. عنوان مجرمانه شخص الف نشر اکاذیب عمومی است.
- نکته ۶-** در جرم نشر اکاذیب (اشاعه‌ی اکاذیب) سوءنیت خاص، اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی لازم و ضروری است.
- نکته ۷-** در صورتی که «الف» نامه‌ای با امضاء خود علیه «ب» به مقامات دولتی بنویسد و در آن امور خلاف و کذبی را به او نسبت دهد اقدام او عنوان جزائی جرم نشر اکاذیب می‌باشد.
- نکته ۸-** وجه اشتراک نشر اکاذیب و افترای عملی این است که در هر دو جرم، احراز سوءنیت خاص متهم ضروری است.
- نکته ۹-** جرم نشر اکاذیب دارای سوءنیت عام و خاص و مطلق است و در زمره‌ی جرائم قابل گذشت قرار دارد.
- ماده ۶۹۹- افترای عملی**

هرکس عالم (منظور عالم به جرم بودن عمل است) عمداً به قصد متهم نمودن دیگری (بیانگر سوءنیت خاص در ارتکاب جرم) آلات و ادوات جرم یا اشیایی را که یافت شدن آن در تصرف یک نفر موجب اتهام او می‌گردد بدون اطلاع آن شخص (اگر با اطلاع و هماهنگی شخص و در راستای کمک یا مساعدت باشد خارج از شمول این ماده می‌باشد) در منزل یا محل کسب یا جیب یا اشیایی که متعلق به اوست بگذارد یا مخفی کند یا به نحوی متعلق به او قلمداد نماید و در اثر این عمل شخص مزبور تعقیب گردد، پس از صدور قرار منع تعقیب و یا اعلام برائت قطعی آن شخص، (معنی مخالف: یعنی اگر این موارد محقق نشود، مرتکب به مجازات مقرر محکوم نمی‌شود) مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال (تعزیر درجه ۵ با ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی) و یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌شود. (جرم موضوع این ماده در زمره‌ی جرائم مقید به نتیجه است یعنی شخص باید تحت تعقیب قرار گیرد و این تحت تعقیب قرار گرفتن منجر به صدور حکم برائت یا قرار منع تعقیب به صورت قطعی گردد تا جرم موضوع این ماده محقق شود) (با توجه به ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی جرم موضوع این ماده در زمره‌ی جرائم قابل گذشت قرار دارد) (رجوع کنید به ماده ۲۶ قانون مبارزه با مواد مخدر نیز نظریه‌ی مشورتی شماره ۴۳/۹۳/۷ مورخ ۹۳/۱/۱۸).

- نکته ۱-** افترای عملی مبتنی است بر انجام فعل مادی مثبت.
- نکته ۲-** اقدام کسی که آلات و ادوات جرم را در منزل یا محل کار دیگری می‌گذارد، در صورتی جرم است که تعقیب صاحب منزل و محل کار منتهی به برائت و منع تعقیب قطعی شود.
- نکته ۳-** کسی که عمداً عمداً و به قصد متهم نمودن دیگری یک بسته محتوی هروئین در جیب شخصی بگذارد در صورتی مجرم و قابل مجازات است که قرار منع تعقیب یا حکم برائت قطعی در مورد کسی که بسته‌ی هروئین در جیب او کشف شده صادر گردد.
- ماده ۷۰۰ - هپو نمورن و هپوه منتشر کردن**

هرکس (به صورت عام بیان شده و مرتکب آن نیاز به وصف خاصی ندارد) با نظم یا نثر یا به صورت کتبی یا شفاهی کسی را هجو کند و یا هجویه را منتشر نماید، به حبس از یک تا شش ماه (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم می‌شود.

کج جرم موضوع این ماده در زمره‌ی جرائم مطلق بوده و به استناد ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی در زمره‌ی جرائم قابل گذشت است.

فصل بیست و هشتم - تجاهر به استعمال مشروبات الکلی و قماربازی و ولگردی

ماده ۷۰۱ - استعمال متجاهرانه الکل

هرکس (صرفاً افراد مسلمان مشمول این ماده می‌شوند) متجاهراً و به نحو علنی در اماکن و معابر و مجامع عمومی مشروبات الکلی استعمال نماید، علاوه بر اجرای حد شرعی شرب خمر (محرومیت از حقوق اجتماعی به مدت ۲ سال به سبب جاری شدن حد شرعی) به دو تا شش ماه حبس تعزیری محکوم می‌شود (رجوع کنید به ماده ۲۶۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲).

نکته ۱- طبق ماده‌ی ۷۰۱ قانون مجازات اسلامی، «هرکس متجاهراً و به نحو علنی در اماکن و معابر و مجامع عمومی مشروبات الکلی استعمال نماید علاوه بر اجرای حد شرعی شرب خمر، به دو ماه تا شش ماه حبس تعزیری محکوم می‌شود» در این ماده، دو ماه تا شش

ماه حبس تعزیری، مجازات اصلی است.

ماده ۷۰۲ (اصلاحی ۱۳۸۷/۸/۲۲) - فریب یا عمل یا نگهداری مشروبات الکلی

هر کس (مشمول مسلمان و غیر مسلمان می شود و هرگاه غیرمسلمانی به مسلمانی مشروب بفروشد مشمول این ماده می شود) مشروبات الکلی را بسازد یا بخرد یا بفروشد یا در معرض فروش قرار دهد یا حمل یا نگهداری کند یا در اختیار دیگری قرار دهد به شش ماه تا یک سال (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) حبس و تا هفتاد و چهار (۷۴) ضربه شلاق و نیز پرداخت جزای نقدی به میزان پنج برابر ارزش عرفی (تجاری) کالای یادشده محکوم می شود. (خرید، حمل و نگهداری مشروبات الکلی توسط غیر مسلمان جرم نیست زیرا آن به آن‌ها اجازه‌ی استعمال مشروبات الکلی داده شده است مشروط بر این که علنی نباشد) (گلدوزیان، محشی قانون مجازات اسلامی، ذیل ماده ۷۰۲، ص ۶۹۴).

ماده ۷۰۳ (اصلاحی ۱۳۸۷/۸/۲۲) - سافت، وارکردن و فروش مشروبات الکلی

وارد نمودن مشروبات الکلی به کشور قاجاق محسوب می گردد و واردکننده صرف نظر از میزان آن به شش ماه تا پنج سال حبس و تا هفتاد و چهار (۷۴) ضربه شلاق و نیز پرداخت جزای نقدی به میزان ده برابر ارزش عرفی (تجاری) کالای یادشده محکوم می شود. رسیدگی به این جرم در صلاحیت محاکم عمومی است. (به استناد قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ جرم موضوع ماده ۷۰۳ در صلاحیت دادگاه انقلاب است).

تبصره ۱ (المافی ۱۳۸۷/۸/۲۲) -

در خصوص مواد (۷۰۲) و (۷۰۳)، هرگاه مشروبات الکلی مکشوفه به میزان بیش از بیست لیتر باشد، وسایلی که برای حمل آن مورد استفاده قرار می گیرد چنانچه با اطلاع مالک باشد به نفع دولت ضبط خواهد شد در غیر این صورت مرتکب به پرداخت معادل قیمت وسیله نقلیه نیز محکوم خواهد شد. آلات و ادواتی که جهت ساخت یا تسهیل ارتکاب جرائم موضوع مواد مذکور مورد استفاده قرار می گیرد و وجوه حاصله از معاملات مربوط به نفع دولت ضبط خواهد شد.

تبصره ۲ (المافی ۱۳۸۷/۸/۲۲) -

هرگاه کارکنان دولت یا شرکت‌های دولتی و شرکت‌ها یا مؤسسات وابسته به دولت، شوراها، شهرداری‌ها یا نهادهای انقلاب اسلامی و به طور کلی قوای سه گانه و همچنین اعضاء نیروهای مسلح و مأموران به خدمات عمومی در جرائم موضوع مواد (۷۰۲) و (۷۰۳) مباشرت، معاونت یا مشارکت نمایند علاوه بر تحمل مجازات‌های مقرر، به انفصال موقت از یک سال تا پنج سال از خدمات دولتی محکوم خواهند شد.

تبصره ۳ (المافی ۱۳۸۷/۸/۲۲) -

دادگاه نمی تواند تحت هیچ شرایطی حکم به تعلیق اجراء مجازات مقرر در مواد (۷۰۲) و (۷۰۳) صادر نماید.

نکته ۱- مشروبات الکلی را در اختیار دیگران قرار دادن جرمی تام است.

ماده ۷۰۴ - دایر نمودن ممل شرب فمر و یا دعوت مردم به آن

هرکس محلی را برای شرب خمر دایر کرده باشد یا مردم را به آنجا دعوت کند به سه ماه تا دو سال حبس (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) و (۷۴) ضربه شلاق و یا از یک میلیون و پانصد هزار تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی یا هر دو آن‌ها محکوم خواهد شد و در صورتی که هر دو مورد را مرتکب شود به حداکثر مجازات محکوم خواهد شد. (موارد مذکور در این ماده از مصادیق معاونت بوده که به عنوان جرم خاص جرم انگاری شده است).

ماده ۷۰۵ - قماربازی یا تهاجره آن

قماربازی (به بازی اطلاق می شود که در مسیر پول یا مالی باشد و الا به بازی‌های تفریحی بدون بردو باخت هیچ اطلاق قمار نمی شود (گلدوزیان دکتر ایرج همان)) با هر وسیله‌ای (نوع وسیله موضوعیت ندارد) ممنوع و مرتکبین آن به یک تا شش ماه حبس (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) و یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می شوند و در صورت تهاجره به قماربازی (در مرئی و منظر عام باشد) به هر دو مجازات محکوم می گردند.

نکته ۱- قماربازی با هر وسیله‌ای ممنوع و مرتکبین به حبس تعزیری و یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می شوند.

نکته ۲- تهاجره به قماربازی موجب محکومیت مرتکب به مجازات حبس از یک تا شش ماه و تا ۷۴ ضربه شلاق خواهد بود.

ماده ۷۰۶ - فریب یا عمل یا نگهداری آلات مخصوص قماربازی

هرکس (به صورت عام بیان شده و اطلاق بر همه دارد) آلات و وسایل مخصوص به قماربازی را بخرد یا حمل یا نگهداری کند به یک تا سه ماه حبس (تعزیر درجه ۸ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) یا تا پانصد هزار تا یک میلیون و پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم می شود. (فروش وسایل

مخصوص قماربازی مشمول این ماده نمی‌شود (رجوع کنید به ماده ۶۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲).

ماده ۷۰۷- «اقتیار قرار دادن و فروش یا در معرض فروش قرار دادن وسایل قماربازی

هرکس آلات و وسایل مخصوص به قماربازی را بسازد یا بفروشد یا در معرض فروش قرار دهد یا از خارج وارد کند یا در اختیار دیگری قرار دهد به سه ماه تا یک سال حبس (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) و یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شود.

ماده ۷۰۸- «دایر نمودن قمارخانه و دعوت به آن

هرکس قمارخانه دایر کند (دایر کردن قهوه‌خانه ملازمه‌ای با ایجاد قمارخانه ندارد اما ممکن است داشتن قهوه‌خانه معاونت در قمار علنی از حیث تسهیل وسیله محسوب گردد دایر کردن قمارخانه در زمره‌ی جرائم مستمر است) یا مردم را برای قمار به آنجا دعوت نماید به شش ماه تا دو سال (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) حبس و یا از سه میلیون تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شود. (موارد مقرر در این ماده از مصادیق معاونت است که به صورت جرم مستقل جرم انگاری شده است).

نکته ۱- جرم مستمر عبارت از فعل یا ترک فعل مجرمانه‌ای است که در طول زمان استمرار دارد و مبین قصد سوء و مستمر فاعل است در نتیجه جرائم مبتنی بر حالت از تعریف جرائم مستمر خارج هستند.

ماده ۷۰۹- «معروم نمودن اسباب و ضبط نفوذ متعلق به قمار

تمام اسباب و نفوذ متعلق به قمار حسب مورد معدوم یا به عنوان جریمه ضبط می‌شود. (در هر حال برنده باید وجوه تحصیلی را به بازنده مسترد نماید).

نکته ۱- در نتیجه‌ی یک قماربازی مبلغ ده میلیون ریال پس از دستگیری از مجرمین به دست آمده که ناشی از بردو باخت در قمار است. در مورد مبالغ مأخوذه باید گفت که این اموال به عنوان جریمه ضبط می‌شود.

ماده ۷۱۰- «قبول خدمت یا کمک به دایر کردن قمارخانه‌ها یا اماکن معدوم صرف مشروبات الکلی

اشخاصی که در قمارخانه‌ها یا اماکن معدوم برای صرف مشروبات الکلی موضوع مواد (۷۰۱) و (۷۰۵) قبول خدمت کنند یا به نحوی از انحاء به دایرکننده این قبیل اماکن کمک نمایند معاون محسوب می‌شوند و مجازات مباشر در جرم را دارند (رفتار فیزیکی، عنصر مادی جرم معاونت در حکم جرم مستقل است) ولی دادگاه می‌تواند نظر به اوضاع و احوال و میزان تأثیر عمل معاون، مجازات را تخفیف دهد. (رجوع کنید به مواد ۷۰۱ و ۷۰۲ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵).

نکته ۱- شخصی به اتهام قبول خدمت در قمارخانه‌ای تحت تعقیب قرار گرفته است. با توجه به مقررات موضوعه‌ی فعلی، شخص مذکور معاون در جرم محسوب می‌شود که مجازات همان مباشر را خواهد داشت.

نکته ۲- فردی به دایر کردن یک قمارخانه به نحوی از انحاء کمک کرده است. در این فرض مجازات او مجازات مباشر جرم است.

ماده ۷۱۱- «عزم گزارش یا گزارش خلاف واقع در خصوص مکان‌های ممنوعه

هرگاه یکی از ضابطین دادگستری و سایر مأمورین صلاحیت‌دار (افراد عادی و غیر مأمور و ضابط را در بر نمی‌گیرد) از وجود اماکن مذکور در مواد (۷۰۴) و (۷۰۵) و (۷۰۸) یا اشخاص مذکور در ماده (۷۱۰) مطلع بوده و مراتب را به مقامات ذیصلاح اطلاع ندهند یا برخلاف واقع گزارش نمایند (عنصر مادی این جرم هم به صورت ترک فعل همان اطلاع ندادن و هم به صورت فعل یعنی گزارش خلاف واقع دادن محقق می‌شود) در صورتی که به موجب قانونی دیگر مجازات شدیدتری نداشته باشند به سه تا شش ماه (تعزیر درجه ۷ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) حبس یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌شوند.

ماده ۷۱۲- «کلاشی، ولگردی، تکدی (عنصر مادی آن با وضعیت یا حالت صورت می‌گیرد)

هرکس (به صورت عام و مطلق بیان شده است و مرتکب آن احتیاج به وصف خاصی ندارد) تکدی یا کلاشی (از جرائم به عادت هستند و برای محقق شدن حداقل باید دو بار انجام گیرند) را پیشه (بیانگر به عادت بودن عنصر مادی جرم موضوع این ماده است) خود قرار داده باشد و از این راه امرار معاش نماید یا ولگردی نماید به حبس از یک تا سه ماه محکوم خواهد شد و چنانچه با وجود توان مالی (به نظر می‌رسد و با توجه به معنی

مخالف ماده در صورت عدم توانایی مالی مرتکب فقط به مجازات محکوم می‌گردد و مصادره‌ی اموالی صورت نمی‌گیرد) مرتکب عمل فوق شود علاوه بر مجازات مذکور کلیه اموالی که از طریق تکدی و کلاشی به دست آورده است مصادره خواهد شد.

در مورد تکدی و کلاشی برای تفهیل مال هیچ‌گونه توسل به وسیله متقلبانه صورت نمی‌گیرد و گرنه از دامنه‌ی شمول این ماده فارغ می‌شود.

نکته ۱- ماهیت جرم ولگردی حالت است.

نکته ۲- از نظر عنصر مادی جرم خرید و فروش مال مسروقه جرم به عادت نمی‌باشد.

نکته ۳- در جرم «تکدی» یا «کلاشی» در صورتی که مجرم با توان مالی مرتکب جرم شود، کلیه‌ی اموال مکتسبه از طریق تکدی و کلاشی مصادره خواهد شد.

نکته ۴- بزه تکدی در زمره‌ی جرائم مطلق و فوری و البته به عادت است.

نکته ۵- در تحقق جرائم به عادت، عادت با تکرار فعل (حداقل ۲ بار) مشکل می‌گیرد.

نکته ۶- مثالی برای کلاشی: شخصی به صورت مکرر و به دروغ به مردم می‌گوید که ماشینش خراب‌شده و همراه خود پول ندارد و برای تعمیر از آن‌ها مبالغی دریافت می‌کند.

ماده ۷۱۳- کمردن اطفال و اشخاص غیر رشید به تکدی

هر کس (اعم از پدر و مادر طفل یا هر شخص دیگری) طفل صغیر یا غیر رشیدی را وسیله تکدی قرار دهد یا افرادی را به این امر بگمارد به سه ماه تا دو سال (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) حبس و استرداد کلیه اموالی (در این ماده به صورت مطلق بیان شده است یعنی چه توان مالی داشته باشد و چه نداشته باشد استرداد اموال صورت می‌گیرد) که از طریق مذکور به دست آورده است محکوم خواهد شد. (رجوع کنید به ماده ۱۲۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲).

نکته ۱- بزه تکدی در زمره‌ی جرائم مطلق و فوری است.

نکته ۲- تکدی جرمی به عادت است.

فصل بیست و نهم - جرائم ناشی از تخلفات رانندگی

ماده ۷۱۴ - قتل غیر عمد ناشی از تخلفات رانندگی

هرگاه بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی یا عدم مهارت (صرف نداشتن گواهینامه دال بر عدم مهارت نمی‌باشد اما از موارد تشدید مجازات در صورت وقوع حادثه است) راننده (اعم از وسایط نقلیه زمینی یا آبی یا هوایی) یا متصدی وسیله موتوری (وسیله‌ی غیر موتوری مانند دوچرخه و گاری را در بر نمی‌گیرد) منتهی به قتل غیر عمدی شود مرتکب به شش ماه تا سه سال (تعزیر درجه ۵ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی به دلیل غیر عمدی بودن عمل مرتکب) حبس و نیز به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه اولیای دم محکوم می‌شود.

تبصره -

اظهار نظر کارشناسی در خصوص تشخیص بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی یا عدم مهارت در مورد سوانح مربوط به وسایل نقلیه (اعم از موتوری و غیر موتوری) زمینی، آبی و هوایی حسب مورد اداره راهنمایی و رانندگی، شرکت راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران، سازمان بنادر و کشتیرانی و سازمان هواپیمایی کشوری می‌باشد.

با توجه به عدم ذکر این ماده در ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی و اصل غیر قابل‌گذشت بودن جرائم، بر مضمون این ماده در زمره‌ی جرائم غیر قابل‌گذشت است. رجوع کنید به ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.

نکته ۱- قتل ناشی از تخلفات رانندگی از نوع قتل در حکم شبه عمد است.

نکته ۲- مجازات قتل شبه عمد ناشی از بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی زندان است و بدون لزوم تقاضای اولیای دم و دیه در صورتی تعیین می‌شود که اولیای دم درخواست کرده باشند.

نکته ۳- سوءنیت احتمالی: وضعی است که در آن فاعل به هیچ وجه خواستار حصول نتیجه زیان‌بار و حتی نتیجه‌ای از رفتار خویش نیست، ولی فاعل می‌تواند این نتیجه را پیش بینی کند و وقوع آن را احتمال دهد چندان که این احتمال به حدی قوی است که فاعل باید از ارتکاب این رفتار امتناع ورزد. مثال: وضع راننده‌ای است که با علم به نقص ترمز با سرعت زیاد در سراسیمگی جاده حرکت می‌کند و سبب واژگونی خودرو و قتل و جرح سرنشینان آن می‌شود.

ماده ۷۱۵ - از بین بردن و از کار انداختن یکی از اعضاء بدن ناشی از تفلقات رانندگی

هرگاه یکی از جهات مذکور در ماده (۷۱۴) موجب مرض جسمی یا دماغی (منظور بیماری‌های روانی گوناگون است) که غیر قابل علاج باشد و یا از بین رفتن یکی از حواس یا از کارافتادن عضوی از اعضای بدن که یکی از وظایف ضروری زندگی انسان را انجام می‌دهد یا تغییر شکل دائمی عضو یا صورت شخص یا سقط جنین (غیر عمدی) شود مرتکب به حبس از دو ماه تا یک سال و به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه مصدوم (معنی مخالف: در صورت عدم مطالبه‌ی مصدوم دادگاه رأساً حکم به پرداخت نمی‌دهد) محکوم می‌شود.

کجایند *پروانه مربوط به صدمات شدید ناشی از تقصیر جزائی با وسیله نقلیه به دلیل عدم ذکر در ماده ۱۰۴ در زمره‌ی جرائم غیر قابل گذشت است. به ماده ۶۸ ق.م.ا.ج. ۱۳۹۰ مجازات‌های جایگزین شود. در جرائم غیر عمدی تا ۲ سال حبس الزامی و بیش از ۲ سال اختیاری است.*

ماده ۷۱۶ - ایثار قصص یا ضعف دائمی یکی از منافع یا اعضاء بدن ناشی از تفلقات رانندگی

هرگاه یکی از جهات مذکور در ماده (۷۱۴) موجب صدمه بدنی شود که باعث نقصان یا ضعف دائم یکی از منافع یا یکی از اعضای بدن شود و یا باعث از بین رفتن قسمتی از عضو مصدوم گردد، بدون آن که عضو از کار بیفتد یا باعث وضع حمل زن (جرم غیر عمدی وضع حمل) قبل از موعد طبیعی شود مرتکب به حبس از دو ماه تا شش ماه و پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه مصدوم محکوم خواهد شد.

کجایند *جرم موضوع این ماده به استناد ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی (با اعمال «قانون کاهش مجازات حبس تعزیری» مصوب ۱۳۹۹) در زمره‌ی جرائم قابل گذشت قرار دارد.*

ماده ۷۱۷ - ایثار صدمات جسمانی سازه ناشی از تفلقات رانندگی

هرگاه یکی از جهات مذکور در ماده (۷۱۴) موجب صدمه بدنی شود مرتکب به حبس از یک تا پنج ماه و پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه مصدوم محکوم می‌شود.

نکته ۱- به موجب ماده‌ی ۷۱۷ قانون مجازات اسلامی بزه ایراد صدمه‌ی بدنی غیر عمدی ناشی از بی‌احتیاطی در رانندگی علاوه بر دیه، مجازات حبس از یک ماه تا پنج ماه تعیین شده است. با اعمال بند ۱ ماده‌ی ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در مورد معین نسبت به جنبه‌ی عمومی بزه مزبور دادگاه می‌تواند هر کدام از موارد زیر را اعمال کند:

(۱) دو ماه حبس

(۲) چهار ماه حبس یا جزای نقدی تا ۳ میلیون ریال

(۳) یک میلیون ریال جزای نقدی

نکته ۲- جرم موضوع این ماده به استناد ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی (با اعمال «قانون کاهش مجازات حبس تعزیری» مصوب ۱۳۹۹) در زمره‌ی جرائم قابل گذشت قرار دارد.

ماده ۷۱۸ - علل تشریح‌کننده در صدمات جسمانی ناشی از تفلقات رانندگی

در مورد مواد فوق هرگاه راننده یا متصدی وسایل موتوری در موقع وقوع جرم مست بوده یا پروانه نداشته یا زیادتر از سرعت مقرر حرکت می‌کرده است یا آن که دستگاه موتوری را با وجود نقص و عیب مکانیکی مؤثر در تصادف به کار انداخته یا در محل‌هایی که برای عبور پیاده‌رو علامت مخصوص گذارده شده است، مراعات لازم ننماید و یا از محل‌هایی که عبور از آن ممنوع گردیده است رانندگی نموده، به بیش از دوسوم حداکثر مجازات مذکور در مواد فوق محکوم خواهد شد. (الزامی است و به موجب رأی وحدت رویه شماره ۶۳۸ مورخ ۷۸/۶/۹ تعدد معنوی است) دادگاه می‌تواند (اختیاری است) علاوه بر مجازات فوق مرتکب را برای مدت یک تا پنج سال از حق رانندگی یا تصدی وسایل موتوری محروم نماید. (مجازات تکمیلی)

تبصره -

اعمال مجازات موضوع مواد (۷۱۴) و (۷۱۸) این قانون از شمول بند (۱) ماده (۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸ مجلس شورای اسلامی مستثنی می‌باشد. (یعنی قتل غیر عمد ناشی از رانندگی قابل تبدیل به جزای نقدی نیست و دادگاه مکلف است که متهم را حبس نماید) (تعلیق حکم اجرای مجازات قتل غیر عمدی ناشی از رانندگی منعی ندارد).

نکته ۱- در رویه‌ی قضائی ایران هرگاه راننده حین رانندگی مرتکب قتل غیر عمد شود و حین وقوع جرم مست باشد و یا پروانه نداشته باشد مورد از مصادیق تعدد معنوی است.

نکته ۲- در خصوص بزه ماده ۷۱۷ باید گفت که: مستی در زمره‌ی کیفیات مشدد مجازات محسوب می‌شود.

نکته ۳- ارتکاب قتل در حین رانندگی با نداشتن گواهینامه موجب تشدید مجازات قتل غیر عمدی ناشی از تخلفات رانندگی است.

نکته ۴- هرگاه راننده‌ی وسیله نقلیه که فاقد گواهینامه‌ی رانندگی است در اثر بی احتیاطی و تصادف عابر موجب سقط جنین وی شود علاوه بر پرداخت دیه به مجازات تعزیری ناشی از ایراد صدمه‌ی منجر به سقط جنین غیر عمدی محکوم می‌شود. در این صورت، نداشتن پروانه‌ی رانندگی از علل مشدده‌ی مجازات تعزیری خواهد بود.

نکته ۵- مجازات تبعی اختیاری علی‌رغم غیر عمدی بودن جرم موضوع این ماده پیش‌بینی شده است.

نکته ۶- با توجه به اصل تفسیر به نفع متهم و مجازات شدیدتری که قانون‌گذار برای این موارد در نظر گرفته است باید گفت که بیان موارد مندرج در این ماده و قتل غیر عمد باید رابطه‌ی سببیت و علت مستقیم وجود داشته باشد و چنانچه یکی از این موارد علت قتل غیر عمد نباشد مجازات تشدید نخواهد شد (گلدوزیان، محشای قانون مجازات اسلامی، ص ۷۰۶).

نکته ۷- اگر جهات تخفیف وجود داشته باشد در این ماده می‌تواند از تخفیف استفاده کند.

ماده ۷۱۹ - تشریح‌کننده به واسطه فرار از صحنه تصادف

هرگاه مصدوم احتیاج به کمک فوری داشته و راننده با وجود امکان رساندن مصدوم به مراکز درمانی و یا استمداد از مأمورین انتظامی از این کار خودداری کند (عنصر مادی برای تحقق این جرم ترک فعل است) و یا به منظور فرار از تعقیب، محل حادثه را ترک و مصدوم را رها کند حسب مورد به بیش از دوسوم حداکثر مجازات مذکور در مواد (۷۱۴) و (۷۱۵) و (۷۱۶) محکوم خواهد شد. دادگاه نمی‌تواند در مورد این ماده اعمال کیفیت مخففه نماید.

تبصره ۱ -

راننده در صورتی می‌تواند برای انجام تکالیف مذکور در این ماده وسیله نقلیه را از صحنه حادثه حرکت دهد که برای کمک‌رسانیدن به مصدوم توسل به طریق دیگر ممکن نباشد.

تبصره ۲ - (معاذیر قانونی تطفیف دهنده)

در تمام موارد مذکور هرگاه راننده مصدوم را به نقاطی برای معالجه و استراحت برساند و یا مأمورین مربوطه را از واقعه آگاه کند و یا به هر نحوی موجبات معالجه و استراحت و تخفیف آلام مصدوم را فراهم کند دادگاه مقررات تخفیف را دربار او رعایت خواهد نمود.

پیرامون موضوع این ماده در زمره‌ی غیر قابل‌گذشت، غیر قابل تطفیف اما قابل تعلیق است و مشمول مرور زمان قرار می‌گیرد. فرار راننده‌ی مقصری که موجب قتل مصدوم شده از محل حادثه، موجب تشریح مجازات می‌باشد اما نوع قتل را از غیر عمر تغییر نمی‌دهد.

نکته ۱- راننده‌ای ضمن عدم رعایت نظامات دولتی مرتکب قتل دیگری شده و از صحنه‌ی تصادف فرار می‌کند. رفتار او مشمول عنوان مجرمانه‌ی قتل در حکم شبه عمد است.

نکته ۲- تخفیف مجازات در مورد خودداری راننده از کمک به مصدوم نیازمند، به‌رغم وجود امکان مجاز نیست.

ماده ۷۲۰ - تغییر پلاک و پلاک تقلبی وسیله نقلیه

هرکس (به صورت عام بیان شده است) و می‌تواند مالک وسایل مذکور یا شخصی غیر از آن باشد، برای مرتکب جرم موضوع این ماده هیچ وصف خاصی شرط نیست) در ارقام و مشخصات پلاک وسایل نقلیه موتوری زمینی، آبی یا کشاورزی تغییر دهد و یا پلاک وسیله نقلیه موتوری دیگری را به آن الصاق نماید یا برای آن پلاک تقلبی بکار برد یا چنین وسایلی را با علم به تغییر و یا تعویض پلاک تقلبی مورد استفاده قرار دهد و همچنین هرکس به نحوی از انحاء در شماره شاسی، موتور یا پلاک وسیله نقلیه موتوری و یا پلاک‌های موتور و شاسی که از طرف کارخانه سازنده حک یا نصب شده بدون تحصیل مجوز (داشتن مجوز هیچ کدام از ضمانت‌اجراه‌های مقرر در این ماده را برای مرتکب نخواهد داشت) از راهنمایی و رانندگی تغییر دهد و آن را از صورت اصلی کارخانه خارج کند به حبس از شش ماه تا یک سال (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم خواهد شد. (محل وقوع جرم در خصوص عمل ارتكابی این ماده جایی است که تغییر رنگ یا وضع اتومبیل در آنجا به عمل آمده است).

نکته ۱- در مورد اقدام نسبت تغییر دادن پلاک خودرو و سپس فروش خودرو به چند برابر قیمت واقعی می‌توان گفت که این کار ممکن است کلاهبرداری محسوب شود.

نکته ۲- تغییر ارقام شاسی اتومبیل جرم مستقل و خاصی در قانون مجازات اسلامی تعزیرات است.

ماده ۷۲۱ - اوراق وسیله نقلیه بدون اثر میوز

هرکس بخواهد وسیله نقلیه موتورسیکلت را اوراق کند مکلف است مراتب را با تعیین محل توقف وسیله نقلیه به راهنمایی و رانندگی محل اطلاع دهد، راهنمایی و رانندگی محل باید ظرف مدت یک هفته اجازه اوراق کردن وسیله نقلیه را بدهد و اگر به دلایلی با اوراق کردن موافقت ندارد تصمیم قطعی خود را ظرف همان مدت با ذکر دلیل به متقاضی ابلاغ نماید، هرگاه راهنمایی و رانندگی هیچ‌گونه اقدامی در آن مدت نکرد اوراق کردن وسیله نقلیه پس از انقضای مدت مجاز است. تخلف از این ماده برای اوراق کننده موجب محکومیت از دو ماه تا یک سال (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) حبس خواهد بود.

ماده ۷۲۲ - امتناع از اعلام سرقت یا مفقودی وسیله نقلیه یا پلاک آن

چنانچه وسیله موتورسیکلت یا پلاک آن سرقت یا مفقود شود، شخصی که وسیله در اختیار و تصرف او بوده است اعم از آن که مالک بوده یا نبوده پس از اطلاع مکلف است بلافاصله مراتب را به نزدیکترین مرکز نیروی انتظامی اعلام نماید، متخلف از این ماده به جزای نقدی از پانصد هزار تا یک میلیون ریال محکوم خواهد شد (جرم موضوع این ماده از جمله جرائم مادی صرف است).

نکته ۱- اطلاع ندادن سرقت یا مفقود شدن پلاک وسیله نقلیه موتورسیکلت به نیروی انتظامی جرم محسوب می‌شود.

نکته ۲- خودداری مالک اتومبیل مسروقه از اعلام سرقت اتومبیل به نزدیکترین مرکز نیروی انتظامی بلافاصله پس از اطلاع، جرم است و مرتکب به جزای نقدی محکوم خواهد شد.

ماده ۷۲۳ - رانندگی بدون پروانه

هرکس بدون گواهینامه رسمی اقدام به رانندگی و یا تصدی وسایل موتورسیکلت (وسایل غیر موتورسیکلت مانند دوچرخه و گاری را در برنمی‌گیرد اما تراکتور را شامل می‌شود) که مستلزم داشتن گواهینامه مخصوص است، بنماید و همچنین هرکس به موجب حکم دادگاه از رانندگی وسایل نقلیه موتورسیکلت ممنوع باشد به رانندگی وسایل مزبور مبادرت ورزد برای بار اول به حبس تعزیری تا دو ماه یا جزای نقدی تا یک میلیون ریال و یا هر دو مجازات و در صورت ارتکاب مجدد به دو ماه تا شش ماه حبس محکوم خواهد شد.

داشتن گواهینامه برای رانندگی با اتومبیل یا موتورسیکلت و رانندگی با اتومبیل غیر اتوماتیک به معنی عدم داشتن گواهی‌نامه است.

طبق رأی وحدت رویه شماره ۶۳۲ مورخ ۷/۹/۷۸ دیوان عالی کشور؛ دادن حبس کمتر از ۹۱ روز مخالف قانون است و چنانچه نظر دادگاه به این باشد باید حبس را به جزای نقدی تبدیل نماید.

نکته ۱- فردی بدون گواهینامه رسمی اقدام به رانندگی می‌کند که به دو ماه حبس تعزیری محکوم می‌شود. در صورت تکرار همین جرم، دادگاه متهم را به دو تا شش ماه حبس محکوم می‌کند.

نکته ۲- چنانچه شخص «الف» که فاقد گواهینامه رانندگی است بدون اطلاع مالک با اتومبیل وی رانندگی و با عابری تصادف نموده و منتهی به فوت عابر شود، راننده مرتکب دو جرم گردیده است. یکی رانندگی بدون پروانه و دیگری قتل در حکم شبه عمدی و مالک مسؤولیت ندارد.

نکته ۳- پدری اتومبیل خود را در اختیار فرزندش که فاقد گواهینامه رانندگی است، می‌گذارد. نامبرده در نتیجه تخطی از سرعت مطمئنه و عدم توجه به جلو با عابر تصادف کرده و در نتیجه عابر فوت می‌نماید. عمل پدر، معاونت در رانندگی بدون پروانه است.

ماده ۷۲۴ - دست‌کاری در دستگاه سرعت‌سنج وسیله نقلیه

هر راننده وسیله نقلیه‌ای که در دستگاه ثبت سرعت وسیله نقلیه عمداً تغییری دهد که دستگاه سرعتی کمتر از سرعت واقعی نشان دهد و یا با علم به اینکه چنین تغییری در دستگاه مزبور داده شده با آن وسیله نقلیه رانندگی کند برای بار اول به حبس از ده روز تا دو ماه و یا جزای نقدی از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال و یا هر دو مجازات و در صورت تکرار به دو تا شش ماه حبس (تعزیر درجه ۷ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم خواهد شد.

جرم موضوع این ماده در زمره جرائم غیرقابل‌گذشت اما قابل‌تفویض و تعلیق و مشمول مرور زمان می‌باشد.

ماده ۷۲۵ - دادن گواهینامه به فرد فاقد مهارت

هریک از مأمورین دولت که متصدی تشخیص مهارت و دادن گواهینامه رانندگی هستند اگر به کسی که واجد شرایط رانندگی نبوده پروانه بدهند به حبس تعزیری از شش ماه تا یک سال (تعزیر درجه ۶ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی) و به پنج سال انقصال از خدمات دولتی محکوم خواهند شد و پروانه صادره نیز ابطال می‌گردد.

ماده ۷۲۶ -

به موجب ماده ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ نسخ شده است.

ماده ۷۲۷ -

به موجب ماده ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ نسخ شده است.

ماده ۷۲۸ -

به موجب ماده ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ نسخ شده است.

ماده ۷۲۹ (اصلاحی مصوب ۱۳۷۷/۲/۲۷) - لغو قوانین مغایر با قوانین قانون مجازات اسلامی

کلیه قوانین مغایر با این قانون از جمله قانون مجازات عمومی مصوب سال ۱۳۰۴ و الحاقات و اصلاحات و الحاقات بعدی آن ملغی است.

قوانین خاص حقوق جزا

قانون جرم سیاسی

ماده ۱- هر یک از جرائم مصرح در ماده (۲) این قانون چنان چه با انگیزه اصلاح امور کشور علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاست‌های داخلی یا خارجی کشور ارتکاب یابد، بدون آن که مرتکب قصد ضربه زدن به اصل نظام را داشته باشد جرم سیاسی محسوب می‌شود.

ماده ۲- جرائم زیر در صورت انطباق با شرایط مقرر در ماده (۱) این قانون جرم سیاسی محسوب می‌شوند.

الف- توهین یا افترا به روسای سه قوا، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونان رئیس‌جمهور، وزراء، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس خبرگان و اعضای شورای نگهبان به واسطه مسئولیت آنان

ب- توهین به رئیس یا نماینده سیاسی دولت خارجی که در قلمرو ایران وارد شده است با رعایت مفاد ماده (۵۱۷) قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات

پ- جرائم مندرج در بندهای (د) و (ه) ماده (۱۶) قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده مصوب ۱۳۶۰/۶/۷

ت- جرائم مقرر در قوانین انتخابات خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شورای اسلامی شهر و روستا به استثنای مجریان و ناظران انتخابات

ث- نشر اکاذیب

ماده ۳- مباشرت، مشارکت، معاونت و شروع به جرائم زیر جرم سیاسی محسوب نمی‌شود:

الف- جرائم مستوجب حدود، قصاص و دیات

ب- سوء قصد به مقامات داخلی و خارجی

پ- آدم‌ربایی و گروگان‌گیری

ت- بمب‌گذاری و تهدید به آن، هواپیماربایی و راهزنی دریایی

ث- سرقت و غارت اموال، ایجاد حریق و تخریب عمدی

ج- حمل و نقل غیرقانونی، قاچاق و خرید و فروش سلاح، مواد مخدر و روان‌گردان

چ- رشاء و ارتشاء، اختلاس، تصرف غیرقانونی در وجوه دولتی، پول‌شویی، اختفای اموال ناشی از جرم مزبور

ح- جاسوسی و افشای اسرار

خ- تحریک مردم به تجزیه طلبی، جنگ و کشتار و درگیری

د- اختلال در داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی به کار گرفته شده برای ارائه خدمات ضروری عمومی یا حاکمیتی

ذ- کلیه جرائم علیه عفت و اخلاقی عمومی اعم از جرائم ارتكابی به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده یا غیر آن.

ماده ۴- نحوه رسیدگی به جرائم سیاسی و مقررات مربوط به هیأت منصفه مطابق آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ / ۱۲ / ۴ است.

ماده ۵- تشخیص سیاسی بودن اتهام با دادسرا یا دادگاهی است که پرونده در آن مطرح است.

متهم می‌تواند در هر مرحله از رسیدگی در دادسرا و تا پایان جلسه اول دادرسی در دادگاه نسبت به غیرسیاسی بودن اتهام خود ایراد کند. مرجع رسیدگی کننده طی قرار در این مورد اظهار نظر می‌نماید.

شیوه صدور و اعتراض به این قرار تابع مقررات آیین دادرسی کیفری است.

ماده ۶- موارد زیر نسبت به متهمان و محکومان جرائم سیاسی اعمال می‌شود:

الف- مجزا بودن محل نگهداری در مدت بازداشت و حبس از مجرمان عادی

ب- ممنوعیت از پوشاندن لباس زندان در طول دوران بازداشت و حبس

پ- ممنوعیت اجرای مقررات ناظر به تکرار جرم

ت- غیرقابل استرداد بودن مجرمان سیاسی

ث- ممنوعیت بازداشت و حبس به صورت انفرادی به جز در مواردی که مقام قضایی بیم تبانی بدهد یا آن را برای تکمیل تحقیقات ضروری بداند، لکن در هر حال مدت آن نباید بیش از پانزده روز باشد.

ج- حق ملاقات و مکاتبه با بستگان طبقه اول در طول مدت حبس
چ- حق دسترسی به کتب، نشریات، رادیو و تلویزیون در طول مدت حبس

قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری

ماده ۱: هرکس از راه حيله و تقلب مردم را به وجود شرکت‌ها یا تجارتخانه‌های یا کارخانه‌ها یا مؤسسات موهوم یا به داشتن اموال و اختیارات واهی فریب دهد یا به امور غیرواقعه امیدوار نماید یا از حوادث و پیش آمدهای غیرواقعه بترساند و یا اسم و یا عنوان مجعول اختیار کند و به یکی از وسایل مذکور و یا وسایل تقلبی دیگر وجوه و یا اموال یا اسناد یا حوالجات یا قبوض یا مفاسد حساب و امثال آنها تحصیل کرده و از این راه مال دیگری را ببرد کلاهبردار محسوب و علاوه بر رد اصل مال به صاحبش، به حبس از یک تا ۷ سال و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است محکوم می‌شود.

در صورتی که شخص مرتکب برخلاف واقع عنوان یا سمت مأموریت از طرف سازمان‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت یا شرکت‌های دولتی یا شوراهای یا شهرداری‌ها یا نهادهای انقلابی و به‌طور کلی قوای سه‌گانه و همچنین نیروهای مسلح و نهادهای و مؤسسات مأمور به خدمت عمومی اتخاذ کرده یا اینکه جرم با استفاده از تبلیغ عامه از طریق وسایل ارتباط جمعی از قبیل رادیو، تلویزیون، روزنامه و مجله یا نطق در مجامع و یا انتشار آگهی چاپی یا خطی صورت گرفته باشد یا مرتکب از کارکنان دولت یا مؤسسات و سازمان‌های دولتی یا وابسته به دولت یا شهرداری‌ها یا نهادهای انقلابی به خدمت عمومی باشد علاوه بر رد اصل مال به صاحبش به حبس از ۲ تا ده سال و انفصال ابد از خدمت دولتی و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است محکوم می‌شود.

تبصره ۱: به موجب ماده ۱۵ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ نسخ شده است.

تبصره ۲: مجازات شروع به کلاهبرداری حسب مورد حداقل مجازات مقرر در همان مورد خواهد بود و در صورتی که نفس عمل انجام‌شده نیز جرم باشد، شروع‌کننده به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌شود.

مستخدمان دولتی علاوه بر مجازات مذکور چنانچه در مرتبه مدیرکل یا بالاتر یا هم‌تراز آنها باشند به انفصال دائم از خدمات دولتی و در صورتی که در مراتب پایین‌تر باشند به شش ماه تا سه سال انفصال موقت از خدمات دولتی محکوم می‌شوند.

ماده ۲: هر کس به نحوی از انحاء امتیازاتی را که به اشخاص خاص به جهت داشتن شرایط مخصوص تفویض می‌گردد نظیر جواز صادرات و واردات و آنچه عرفاً موافقت اصولی گفته می‌شود در معرض خریدوفروش قرار دهد و یا از آن سوءاستفاده کند و یا در توزیع کالاهایی که مقرر بوده طبق ضوابطی توزیع کند مرتکب تقلب شود و یا به‌طور کلی مالی یا وجهی تحصیل کند که طریق تحصیل آن فاقد مشروعیت قانونی بوده است مجرم محسوب و علاوه بر رد اصل مال به مجازات سه ماه تا دو سال حبس و یا جریمه نقدی معادل دو برابر مال به‌دست‌آمده محکوم خواهد شد.

تبصره: در موارد مذکور در این ماده در صورت وجود جهات تخفیف و تعلیق دادگاه مکلف به رعایت مقررات تبصره ۱ ماده ۱ این قانون خواهد بود.

ماده ۳: هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی اعم از قضایی و اداری یا شوراهای یا شهرداری‌ها یا نهادهای انقلابی و به‌طور کلی قوای سه‌گانه و همچنین نیروهای مسلح یا شرکت‌های دولتی یا سازمان‌های دولتی وابسته به دولت و یا مأمورین به خدمات عمومی خواه رسمی یا غیررسمی برای انجام دادن یا انجام ندادن امری که مربوط به سازمان‌های مزبور می‌باشد وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را مستقیماً یا غیرمستقیم قبول نماید در حکم مرتشی است اعم از این که امر مذکور مربوط به وظایف قبول نماید در حکم مرتشی است اعم از این که امر مذکور مربوط به وظایف آنها بوده یا نداده و انجام آن بر طبق حقانیت و وظیفه بوده یا نبوده باشد و یا آن که در انجام یا عدم انجام آن مؤثر بوده یا نبوده باشد به ترتیب زیر مجازات می‌شود.

در صورتی که قیمت مال یا وجه مأخوذ بیش از بیست هزار ریال نباشد به انفصال موقت از شش ماه تا سه سال و چنانچه مرتکب در مرتبه مدیرکل یا هم‌تراز مدیرکل یا بالاتر باشد به انفصال دائم از مشاغل دولتی محکوم خواهد شد و بیش از این مبلغ تا دویست هزار ریال از یک سال تا سه سال حبس و جزای نقدی معادل قیمت مال یا وجه مأخوذ و انفصال موقت از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد و چنانچه مرتکب در مرتبه مدیرکل یا هم‌تراز مدیرکل یا بالاتر باشد به‌جای انفصال موقت به انفصال دائم از مشاغل دولتی محکوم خواهد شد.

در صورتی که قیمت مال یا وجه مأخوذ بیش از دویست هزار ریال تا یک‌میلیون ریال باشد مجازات مرتکب دو تا پنج سال حبس به‌علاوه جزای نقدی معادل قیمت مال یا وجه مأخوذ و انفصال دائم از خدمات دولتی و تا ۷۴ ضربه شلاق خواهد بود و چنانچه مرتکب در مرتبه پایین‌تر از مدیرکل یا هم‌تراز آن باشد بجای انفصال دائم به انفصال موقت از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

در صورتی که قیمت مال یا وجه مأخوذ بیش از یک‌میلیون ریال باشد مجازات مرتکب پنج تا ده سال حبس به‌علاوه جزای نقدی معادل قیمت مال یا وجه مأخوذ و انفصال دائم از خدمات دولتی و تا ۷۴ ضربه شلاق خواهد بود و چنانچه مرتکب در مرتبه پایین‌تر از مدیرکل یا هم‌تراز آن باشد بجای انفصال دائم به انفصال موقت از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

تبصره ۱: مبالغ مذکور از حیث تعیین مجازات و یا صلاحیت محاکم اعم از این است که جرم دفعتاً واحده و یا به دفعات واقع شده و جمع مبلغ مأخوذه بالغ بر نصاب مزبور باشد.

تبصره ۲: در تمامی موارد فوق مال ناشی از ارتشاء به عنوان تعزیر رشوه دهنده به نفع دولت ضبط خواهد شد و چنانچه راشی به وسیله رشوه امتیازی تحصیل کرده باشد این امتیاز لغو خواهد شد.

تبصره ۳: مجازات شروع به ارتشاء حسب مورد حداقل مجازات مقرر در آن مورد خواهد بود (در مواردی که در اصل ارتشاء انفصال دائم پیش بینی شده است در شروع به ارتشاء بجای آن سه سال انفصال تعیین می شود) و در صورتی که نفس عمل انجام شده جرم باشد به مجازات این جرم نیز محکوم خواهد شد.

تبصره ۴: هرگاه میزان رشوه بیش از مبلغ دویست هزار ریال باشد، در صورت وجود دلایل کافی، صدور قرار بازداشت موقت به مدت یک ماه الزامی است و این قرار در هیچ یک از مراحل رسیدگی قابل تبدیل نخواهد بود. همچنین وزیر دستگاه می تواند پس از پایان مدت بازداشت موقت کارمند را تا پایان رسیدگی و تعیین تکلیف نهایی وی از پایان مدت بازداشت موقت کارمند را تا پایان رسیدگی و تعیین تکلیف نهایی وی از خدمت تعلیق کند. به ایام تعلیق مذکور در هیچ حالت، هیچ گونه حقوق و مزایایی تعلق نخواهد گرفت.

تبصره ۵: در هر مورد از موارد ارتشاء هرگاه راشی قبل از کشف جرم مأمورین را از وقوع بزه آگاه سازد از تعزیر مالی معاف خواهد شد و در مورد امتیاز طبق مقررات عمل می شود و چنانچه راشی در ضمن تعقیب با اقرار خود موجبات تسهیل تعقیب مرتشی را فراهم نماید تا نصف مالی که به عنوان رشوه پرداخته است به وی بازگردانده می شود و امتیاز نیز لغو می گردد.

ماده ۴: کسانی که با تشکیل یا رهبری شبکه چند نفری به امر ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مبادرت ورزند علاوه بر ضبط کلیه اموال منقول و غیر منقولی که از طریق رشوه کسب کرده اند به نفع دولت و استرداد اموال مذکور در مورد اختلاس و کلاهبرداری و رد آن حسب مورد به دولت یا افراد، به جزای نقدی معادل مجموع آن اموال و انفصال دائم از خدمات دولتی و حبس از پانزده سال تا ابد محکوم می شوند و در صورتی که مصداق مفسد فی الارض باشند مجازات آن ها، مجازات مفسد فی الارض خواهد بود.

ماده ۵: هر یک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمان ها یا شوراها و یا شهرداری ها و مؤسسات و شرکت های دولتی و یا وابسته به دولت و یا نهادهای انقلابی و دیوان محاسبات و مؤسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می شوند و یا دارندگان پایه قضائی و به طور کلی قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح و مأمورین به خدمات عمومی از رسمی یا غیر رسمی وجوه یا مطالبات یا حواله ها یا سهام و اسناد و اوراق بهادار و یا سایر اموال متعلق به هر یک از سازمان ها و مؤسسات فوق الذکر و یا اشخاص را که بر حسب وظیفه به آن ها سپرده شده است به نفع خود یا دیگری برداشت و تصاحب نماید مختلس محسوب و به ترتیب زیر مجازات خواهد شد.

تبصره ۱: در صورتی که میزان اختلاس تا پنجاه هزار ریال باشد مرتکب به شش ماه تا سه سال حبس و شش ماه تا سه سال انفصال موقت و هرگاه بیش از این مبلغ باشد به دو تا ده سال حبس و انفصال دائم از خدمات دولتی و در هر مورد علاوه بر رد وجه یا مال مورد اختلاس به جزای نقدی معادل دو برابر آن محکوم می شود.

تبصره ۲: چنانچه عمل اختلاس توأم با جعل سند و نظایر آن باشد در صورتی که میزان اختلاس تا پنجاه هزار ریال باشد مرتکب به ۲ تا ۵ سال حبس و یک تا ۵ سال انفصال موقت و هرگاه بیش از این مبلغ باشد به ۷ تا ده سال حبس و انفصال دائم از خدمات دولتی و در هر دو مورد علاوه بر رد وجه یا مال مورد اختلاس به جزای نقدی معادل دو برابر آن محکوم می شود.

تبصره ۳: هرگاه مرتکب اختلاس قبل از صدور کیفرخواست تمام وجه یا مال مورد اختلاس را مسترد کند دادگاه او را از تمام یا قسمتی از جزای نقدی معاف می نماید و اجرا مجازات حبس را معلق ولی حکم انفصال درباره او اجرا خواهد شد.

تبصره ۴: حداقل نصاب مبالغ مذکور در جرائم اختلاس از حیث تعیین مجازات یا صلاحیت محاکم اعم از این است که جرم دفعتاً واحده یا به دفعات واقع شده و جمع مبلغ مورد اختلاس بالغ بر نصاب مزبور باشد.

تبصره ۵: هرگاه میزان اختلاس زائد بر صد هزار ریال باشد، در صورت وجود دلایل کافی، صدور قرار بازداشت موقت به مدت یک ماه الزامی است و این قرار در هیچ یک از مراحل رسیدگی قابل تبدیل نخواهد بود. همچنین وزیر دستگاه می تواند پس از پایان مدت بازداشت موقت، کارمند را تا پایان رسیدگی و تعیین تکلیف نهایی وی از خدمت تعلیق کند. به ایام تعلیق مذکور در هیچ حالت هیچ گونه حقوق و مزایایی تعلق نخواهد گرفت.

تبصره ۶: به موجب ماده ۱۵ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ نسخ شده است.

ماده ۶: مجازات شروع به اختلاس حسب مورد حداقل مجازات مقرر در همان مورد خواهد بود و در صورتی که نفس عمل انجام شده نیز جرم باشد، شروع کننده به مجازات آن جرم نیز محکوم می شود.

مستخدمان دولتی علاوه بر مجازات مذکور چنانچه در مرتبه مدیرکل یا بالاتر و یا هم‌تراز آن‌ها باشند به انفسال دائم از خدمات دولتی و در صورتی که در مراتب پایین تر باشند به شش ماه تا سه سال انفسال موقت از خدمات دولتی محکوم می‌شوند.

ماده ۷: در هر مورد از بزه‌های مندرج در این قانون که مجازات حبس برای آن مقرر شده در صورتی که مرتکب از مأمورین مذکور در این قانون باشد از تاریخ صدور کیفرخواست را به اداره یا سازمان ذی‌ربط اعلام دارد. در صورتی که متهم به‌موجب رأی قطعی برائت حاصل کند ایام تعلیق جزء خدمت او محسوب و حقوق و مزایای مدتی را که به علت تعلیقش نگرفته دریافت خواهد کرد.

ماده ۸: همه دستگاه‌هایی که شمول قانون نسبت به آن‌ها مستلزم ذکر نام است مشمول این قانون خواهند بود همچنین کلیه مقررات مغایر این قانون لغو می‌شود.

قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند

ماده ۱ - هر شخص حقیقی یا حقوقی که مبادرت به هرگونه اعمالی برای معرفی آثار سمعی و بصری غیرمجاز به‌جای آثار مجاز نماید و یا با تکثیر بدون مجوز آثار مجاز، موجب تضییع حقوق صاحبان اثر شود، اعم از جعل برچسب رسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی الصاق شده بر روی نوار و لوح‌های فشرده صوتی و تصویری (CD) و یا تعویض نوار یا محتوای داخل کاست نوار دارای برچسب و نظایر آن، برحسب مورد علاوه بر مجازات جعل و پرداخت خسارت وارده درجایی که تضییع حق موجب خسارت مالی است در صورت مطالبه صاحبان اثر خسارت وارده را جبران می‌کند و در هر حال به جریمه نقدی از دو میلیون (۲,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال محکوم می‌شود.

تبصره - در مرحله تشخیص عمل ارتكابی دادگاه می‌تواند نظر کارشناسی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را ملاک عمل قرار دهد.

ماده ۲ - هرگونه فعالیت تجاری در زمینه تولید، توزیع، تکثیر و عرضه آثار، نوارها و لوح‌های فشرده صوتی و تصویری نیاز به اخذ مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دارد. متخلفان از این امر به جریمه نقدی از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال محکوم می‌شوند.

تبصره ۱ - نیروی انتظامی موظف است ضمن ممانعت از فعالیت این‌گونه اشخاص و مراکز نسبت به پلمپ این‌گونه مراکز و دستگیری افراد طبق موازین قضائی اقدام نماید.

تبصره ۲ - در خصوص شخصیت‌های حقوقی، بالاترین مقام اجرائی تصمیم‌گیرنده مسئول خواهد بود.

ماده ۳ - عوامل تولید، توزیع، تکثیر و دارندگان آثار سمعی و بصری غیرمجاز اعم از این که مجوز فعالیت از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی داشته و یا بدون مجوز باشند با توجه به محتوای اثر حسب مورد علاوه بر ابطال مجوز به یکی از مجازات‌های مشروحه ذیل محکوم خواهند شد:

الف - عوامل اصلی تکثیر و توزیع عمده آثار سمعی و بصری مستهجن در مرتبه اول به یک تا سه سال حبس و ضبط تجهیزات مربوطه و یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال جریمه نقدی و محرومیت اجتماعی به مدت هفت سال و در صورت تکرار به دو تا پنج سال حبس و ضبط تجهیزات مربوطه و دویست میلیون (۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال جزای نقدی و محرومیت اجتماعی به مدت ده سال محکوم می‌شوند. چنانچه عوامل فوق‌الذکر یا افراد زیر از مصادیق مفسد فی‌الارض شناخته شوند، به مجازات آن محکوم می‌گردند.

۱ - تولیدکنندگان آثار مستهجن با عنف و اکراه.

۲ - تولیدکنندگان آثار مستهجن برای سوءاستفاده جنسی از دیگران.

۳ - عوامل اصلی در تولید آثار مستهجن.

تبصره ۱ - عوامل اصلی تولید آثار سمعی و بصری عبارت هستند از تهیه‌کننده (سرمایه‌گذار)، کارگران، فیلمبردار، بازیگران نقش‌های اصلی.

تبصره ۲ - تعداد نوار یا لوح فشرده و مانند آن بیش از «ده نسخه» به‌عنوان «عمده» تلقی می‌گردد.

تبصره ۳ - سایر عوامل تولید، تکثیر و توزیع موضوع بند «الف» چنانچه از مصادیق افساد فی‌الارض نباشند به مجازات شلاق از سی تا هفتاد و چهار ضربه و جزای نقدی از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال و محرومیت اجتماعی از دو تا پنج سال محکوم می‌شوند.

تبصره ۴ - تکثیر و توزیع‌کنندگان آثار سمعی و بصری کمتر از ده نسخه حسب مورد به جریمه نقدی از یک میلیون (۱,۰۰۰,۰۰۰) تا ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال و سی تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم خواهند شد.

تبصره ۵ - آثار سمعی و بصری «مستهجن» به آثاری گفته می‌شود که محتوای آن‌ها نمایش برهنگی زن و مرد و یا اندام تناسلی و یا نمایش آمیزش جنسی باشد.

تبصره ۶ - چنانچه تولید، تکثیر، توزیع و یا داشتن آثار مستهجن از مصادیق افساد فی‌الارض نباشد مجازات مفسد فی‌الارض ندارد.

ب - تهیه و توزیع و تکثیرکنندگان نوارها و دیسک‌ها و لوح‌های فشرده شو و نمایش‌های مبتذل چنانچه از مصادیق افساد فی‌الارض نباشند در مرتبه اول به سه ماه تا یک سال حبس و یا دو میلیون (۲,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال جزای نقدی و در مرتبه دوم به تحمل یک سال تا سه سال حبس و یا پنج میلیون (۵,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا سی میلیون (۳۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال جزای نقدی و در صورت تکرار به سه تا ده سال حبس و یا ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال جزای نقدی و ضبط کلیه تجهیزات مربوطه بنا به مراتب به‌عنوان تعزیر محکوم می‌شوند.

تبصره ۱ - آثار سمعی و بصری «مبتذل» به آثاری اطلاق می‌گردد که دارای صحنه‌ها و صور قبیحه بوده و مضمون مخالف شریعت و اخلاق اسلامی را تبلیغ و نتیجه‌گیری کند.

تبصره ۲ - دارندگان نوارها و دیسک‌ها و لوح‌های فشرده مستهجن و مبتذل موضوع این قانون به جزای نقدی از پانصد هزار (۵۰۰,۰۰۰) ریال تا پنج میلیون (۵,۰۰۰,۰۰۰) ریال و نیز ضبط تجهیزات محکوم می‌شوند و نوارها و دیسک‌ها و لوح‌های فشرده مکشوفه امحاء می‌گردد.

تبصره ۳ - استفاده از صغار برای نگهداری، نمایش، عرضه، فروش و تکثیر نوارها و لوح‌های فشرده غیرمجاز موضوع این قانون موجب اعمال حداکثر مجازات‌های مقرر برای عامل خواهد بود.

ج - عوامل تهیه، تکثیر و توزیع نوارها و لوح‌های فشرده سمعی و بصری که برابر قانون باید دارای پروانه و مجوز عرضه و فروش باشند در صورت نداشتن پروانه نمایش و مجوز عرضه و فروش ولو آنکه فاقد صحنه‌های مستهجن و مبتذل باشد، به دو میلیون (۲,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا ده میلیون ریال جزای نقدی و در صورت تکرار به پنج میلیون (۵,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال جزای نقدی و ضبط کلیه تجهیزات مربوط به‌عنوان تعزیر محکوم می‌شوند.

ماده ۴ - هر کس با سوءاستفاده از آثار مبتذل و مستهجن تهیه‌شده از دیگری، وی را تهدید به افشاء و انتشار آثار مزبور نماید و از این طریق با وی زنا نماید به مجازات زنا به عنف محکوم می‌شود ولی اگر عمل ارتكابی غیر از زنا و مشمول حد باشد حد مزبور بر وی جاری می‌گردد و در صورتی که مشمول تعزیر باشد به حداکثر مجازات تعزیری محکوم خواهد شد.

ماده ۵ - مرتکبان جرائم زیر به دو تا پنج سال حبس و ده سال محرومیت از حقوق اجتماعی و هفتادوچهار ضربه شلاق محکوم می‌شوند:

الف - وسیله تهدید قرار دادن آثار مستهجن به‌منظور سوءاستفاده جنسی، اخاذی، جلوگیری از احقاق حق یا هر منظور نامشروع و غیرقانونی دیگر.

ب - تهیه فیلم یا عکس از محل‌هایی که اختصاصی بانوان بوده و آن‌ها فاقد پوشش مناسب می‌باشند مانند حمام‌ها و استخرها و یا تکثیر و توزیع آن.

ج - تهیه مخفیانه فیلم یا عکس مبتذل از مراسم خانوادگی و اختصاصی دیگران و تکثیر و توزیع آن.

ماده ۶ - رابطه زوجیت مانع از اعمال مجازات مرتکب جرم تکثیر، انتشار و یا توزیع عمده اثر مستهجن نمی‌باشد.

ماده ۷ - زیان‌دیده از جرائم مذکور در این قانون حق مطالبه ضرر و زیان را دارد.

دادگاه با احراز مکره بودن بزه دیده موضوع صدر ماده (۴)، ضمن صدور حکم کیفری، مرتکب را به پرداخت ازش‌البکاره، مهرالمثل یا هر دو (حسب مورد) محکوم می‌نماید. بزه دیده می‌تواند دعوی مطالبه هزینه درمان و ضرر و زیان وارده را در دادگاه کیفری صالحه یا دادگاه محل اقامت خود اقامه نماید.

ماده ۸ - مأموران صلاحیت‌دار و ضابطان دادگستری، مدیران، کارکنان بخش‌های دولتی، عمومی، خصوصی و قضائی که بنا بر اقتضاء شغلی آثار مستهجن در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد، چنانچه با سوءنیت یا برای استفاده مالی مبادرت به انتشار آن‌ها نموده و از مصادیق مفسد فی‌الارض نباشند، به دو تا پنج سال حبس و ده سال محرومیت از حقوق اجتماعی و هفتادوچهار ضربه شلاق محکوم می‌شوند. در صورتی که موارد یادشده در اثر سهل‌انگاری افشاء گردد، مسامحه‌کننده به مجازات تا یک سال حبس و مجازات نقدی از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال محکوم می‌شود.

ماده ۹ - اماکن کسب، تولید و توزیع انواع آثار مستهجن (در صورت اطلاع قبلی مالک) به مدت شش ماه و در مورد آثار مبتذل به مدت سه ماه پلمپ می‌شود. در صورت براءت متهم یا صدور قرار منع تعقیب، از ملک رفع توقیف می‌شود. این دستور ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ قابل‌اعتراض در مرجع قضائی ذی‌صلاح می‌باشد.

ماده ۱۰ - انتشار آثار مستهجن و مبتذل از طریق ارتباطات الکترونیکی و سایت‌های کامپیوتری یا وسیله و تکنیک مشابه دیگر از مصادیق تکثیر و انتشار محسوب و مرتکب حسب مورد به مجازات مقرر در این قانون محکوم می‌شود.

ماده ۱۱ - رسیدگی به جرائم مشروحه موضوع این قانون در صلاحیت دادگاه‌های انقلاب است.

ماده ۱۲ - کلیه وسایل و تجهیزات مربوطه که بر اساس این قانون از محکومان ضبط می‌گردد به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تحویل می‌شود و در خصوص وسایل و تجهیزات تحویل‌شده از سوی مراجع ذی‌صلاح در شهرستان‌ها نیز به همین نحو عمل می‌شود.

ماده ۱۳ - از تاریخ تصویب این قانون کلیه قوانین مغایر با آن از جمله قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند مصوب ۱۳۷۲/۱۱/۲۴ ملغی‌الاثرباشد.

قانون جرائم رایانه‌ای

بخش یکم - جرائم و مجازات

فصل یکم - جرائم علیه محرمانگی داده‌ها و سیستم‌های رایانه‌ای و مخابراتی

مبحث یکم - دسترسی غیرمجاز

ماده (۱) هرکس به‌طور غیرمجاز به داده‌ها یا سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی که به‌وسیله تدابیر امنیتی حفاظت شده است دسترسی یابد، به حبس از نودویک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج تا بیست میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

مبحث دوم - شنود غیرمجاز

ماده (۲) هرکس به‌طور غیرمجاز محتوای در حال انتقال ارتباطات غیرعمومی در سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا امواج الکترومغناطیسی یا نوری را شنود کند، به حبس از شش ماه تا دو سال یا جزای نقدی از ده تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

مبحث سوم - جاسوسی رایانه‌ای

ماده (۳) هرکس به‌طور غیرمجاز نسبت به داده‌های سری در حال انتقال یا ذخیره‌شده در سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده مرتکب اعمال زیر شود، به مجازات‌های مقرر محکوم خواهد شد:

الف: دسترسی به داده‌های مذکور یا تحصیل آن‌ها یا شنود محتوای سری در حال انتقال، به حبس از یک تا سه سال یا جزای نقدی از بیست تا شصت میلیون ریال یا هر دو مجازات.

ب: در دسترس قرار دادن داده‌های مذکور برای اشخاص فاقد صلاحیت، به حبس از دو تا ده سال.

ج: افشا یا در دسترس قرار دادن داده‌های مذکور برای دولت، سازمان، شرکت یا گروه بیگانه یا عاملان آن‌ها، به حبس از پنج تا پانزده سال.

تبصره ۱ - داده‌های سری داده‌هایی است که افشای آن‌ها به امنیت کشور یا منافع ملی لطمه می‌زند.

تبصره ۲ - آئین‌نامه نحوه تعیین و تشخیص داده‌های سری و نحوه طبقه‌بندی و حفاظت آن‌ها طرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزارت اطلاعات با همکاری وزارتخانه‌های دادگستری، کشور، ارتباطات و فناوری اطلاعات و دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح تهیه و به تصویب هیئت دولت خواهد رسید.

ماده (۴) هرکس به‌قصد دسترسی به داده‌های سری موضوع ماده (۳) این قانون، تدابیر امنیتی سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی را نقض کند، به حبس از شش ماه تا دو سال یا جزای نقدی از ده تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

ماده (۵) چنانچه مأموران دولتی که مسئول حفظ داده‌های سری مقرر در ماده (۳) این قانون یا سیستم‌های مربوط هستند و به آن‌ها آموزش لازم داده شده است یا داده‌ها یا سیستم‌های مذکور در اختیار آن‌ها قرار گرفته است بر اثر بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی یا عدم رعایت تدابیر امنیتی موجب دسترسی اشخاص فاقد صلاحیت به داده‌ها، حامل‌های داده یا سیستم‌های مذکور شوند، به حبس از نودویک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات و انفسال از خدمت از شش ماه تا دو سال محکوم خواهند شد.

فصل دوم - جرائم علیه صحت و تمامیت داده‌ها و سیستم‌های رایانه‌ای و مخابراتی

مبحث یکم - جعل رایانه‌ای

ماده (۶) هرکس به‌طور غیرمجاز مرتکب اعمال زیر شود، جاعل محسوب و به حبس از یک تا پنج سال یا جزای نقدی از بیست تا یکصد میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد:

الف: تغییر داده‌های قابل استناد یا ایجاد یا واردکردن متقلبانۀ داده‌ها،

ب: تغییر داده‌ها یا علائم موجود در کارت‌های حافظه یا قابل‌پردازش در سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا تراشه‌ها یا ایجاد یا واردکردن متقلبانۀ داده‌ها یا علائم به آن‌ها.

ماده (۷) هرکس با علم به مجعول بودن داده‌ها یا کارت‌ها یا تراشه‌ها از آن‌ها استفاده کند، به مجازات مندرج در ماده فوق محکوم خواهد شد.

مبحث دوم - تخریب و اخلال در داده‌ها یا سیستم‌های رایانه‌ای و مخابراتی

ماده (۸) هرکس به‌طور غیرمجاز داده‌های دیگری را از سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده حذف یا تخریب یا مختل یا غیرقابل پردازش کند به

حبس از شش ماه تا دو سال یا جزای نقدی از ده تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

ماده (۹) هر کس به طور غیرمجاز با انجام اعمالی از قبیل وارد کردن، انتقال دادن، پخش، حذف کردن، متوقف کردن، دست کاری یا تخریب داده‌ها یا امواج الکترومغناطیسی یا نوری، سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی دیگری را از کار بیندازد یا کارکرد آن‌ها را مختل کند، به حبس از شش ماه تا دو سال یا جزای نقدی از ده تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

ماده (۱۰) هر کس به طور غیرمجاز با انجام اعمالی از قبیل مخفی کردن داده‌ها، تغییر گذرنامه یا رمزنگاری داده‌ها مانع دسترسی اشخاص مجاز به داده‌ها یا سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی شود، به حبس از نودویک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج تا بیست میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

ماده (۱۱) هر کس به قصد به خطر انداختن امنیت یا آسایش عمومی اعمال مذکور در مواد (۸)، (۹) و (۱۰) این قانون را علیه سیستم‌های رایانه‌ای و مخابراتی که برای ارائه خدمات ضروری عمومی به کار می‌روند، از قبیل خدمات درمانی، آب، برق، گاز، مخابرات، حمل‌ونقل و بانکداری مرتکب شود، به حبس از سه تا ده سال محکوم خواهد شد.

فصل سوم - سرقت و کلاهبرداری مرتبط با رایانه

ماده (۱۲) هر کس به طور غیرمجاز داده‌های متعلق به دیگری را بریاید، چنانچه عین داده‌ها در اختیار صاحب آن باشد، به جزای نقدی از یک تا بیست میلیون ریال و در غیر این صورت به حبس از نودویک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج تا بیست میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

ماده (۱۳) هر کس به طور غیرمجاز از سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی با ارتکاب اعمالی از قبیل وارد کردن، تغییر، محو، ایجاد یا متوقف کردن داده‌ها یا مختل کردن سیستم وجه یا مال یا منفعت یا خدمات یا امتیازات مالی برای خود یا دیگری تحصیل کند علاوه بر رد مال به صاحب آن به حبس از یک تا پنج سال یا جزای نقدی از بیست تا یکصد میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

فصل چهارم - جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی

ماده (۱۴) هر کس به وسیله سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده محتویات مستهجن را تولید، ارسال، منتشر، توزیع یا معامله کند یا به قصد ارسال یا انتشار یا تجارت تولید یا ذخیره یا نگهداری کند، به حبس از نودویک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

تبصره ۱ - ارتکاب اعمال فوق در خصوص محتویات مبتذل موجب محکومیت به حداقل یکی از مجازات‌های فوق می‌شود. محتویات و آثار مبتذل به آثاری اطلاق می‌گردد که دارای **صحنه‌ها و صور قبیحه** باشد.

تبصره ۲ - هرگاه محتویات مستهجن به کمتر از ده نفر ارسال شود، مرتکب به یک تا پنج میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

تبصره ۳ - چنانچه مرتکب اعمال مذکور در این ماده را حرفه خود قرار داده باشد یا به طور سازمان یافته مرتکب شود چنانچه مفسد فی الارض شناخته نشود، به حداکثر هر دو مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهد شد.

تبصره ۴ - محتویات مستهجن به تصویر، صوت یا متن واقعی یا غیرواقعی اطلاق می‌شود که بیانگر برهنگی کامل زن یا مرد یا اندام تناسلی یا آمیزش یا عمل جنسی انسان است.

ماده (۱۵) هر کس از طریق سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده مرتکب اعمال زیر شود، به ترتیب زیر مجازات خواهد شد:

الف: چنانچه به منظور دستیابی افراد به محتویات مستهجن، آن‌ها را تحریک یا ترغیب یا تهدید یا تطمیع کند یا فریب دهد یا شیوه دستیابی به آن‌ها را تسهیل کند یا آموزش دهد، به حبس از نودویک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج تا بیست میلیون ریال یا هر دو مجازات، ارتکاب این اعمال در خصوص محتویات مبتذل موجب جزای نقدی از دو تا پنج میلیون ریال است.

ب: چنانچه افراد را به ارتکاب جرائم منافی عفت یا استعمال مواد مخدر یا روان‌گردان یا خودکشی یا انحرافات جنسی یا اعمال خشونت‌آمیز تحریک یا ترغیب یا تهدید یا دعوت کند یا فریب دهد یا شیوه ارتکاب یا استعمال آن‌ها را تسهیل کند یا آموزش دهد، به حبس از نودویک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج تا بیست میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم می‌شود.

تبصره - مفاد این ماده و ماده (۱۴) شامل آن دسته از محتویاتی نخواهد شد که برای مقاصد علمی یا هر مصلحت عقلایی دیگر تهیه یا تولید یا نگهداری یا ارائه یا توزیع یا انتشار یا معامله می‌شود.

• ر.ک به رأی وحدت رویه ۶۴۵-۱۳۷۸/۹/۲۳ هیئت عمومی دیوان عالی کشور.

فصل پنجم - هتک حیثیت و نشر اکاذیب

ماده (۱۶) هر کس به وسیله سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، فیلم یا صوت یا تصویر دیگری را تغییر دهد یا تحریف کند و آن را منتشر یا با علم به تغییر

یا تحریف منتشر کند، به نحوی که عرفاً **موجب هتک حیثیت** او شود، به حبس از نودویک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

تبصره - چنانچه تغییر یا تحریف به صورت مستهجن باشد، مرتکب به حداکثر هر دو مجازات مقرر محکوم خواهد شد.

ماده (۱۷) هرکس به وسیله سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی صوت یا تصویر یا فیلم خصوصی یا خانوادگی یا اسرار دیگری را بدون رضایت او جز در موارد قانونی منتشر کند یا در دسترس دیگران قرار دهد، به نحوی که منجر به ضرر یا عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از نودویک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

ماده (۱۸) هر کس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله سیستم رایانه یا مخابراتی اکاذیبی را منتشر نماید یا در دسترس دیگران قرار دهد یا با همان مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت، رأساً یا به عنوان نقل قول، به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقام‌های رسمی به طور صریح یا تلویحی نسبت دهد، اعم از این که از طریق یادشده به نحوی از انحاء **ضرر مادی یا معنوی** به دیگری وارد شود یا نشود، افزون بر اعاده حیثیت به حبس از نودویک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

فصل ششم - مسئولیت کیفری اشخاص

ماده (۱۹) در موارد زیر، چنانچه جرائم رایانه‌ای به نام شخص حقوقی و در راستای منافع آن ارتکاب یابد، شخص حقوقی دارای مسئولیت کیفری خواهد بود:

الف: هرگاه مدیر شخص حقوقی مرتکب جرم رایانه‌ای شود.

ب: هرگاه مدیر شخص حقوقی دستور ارتکاب جرم رایانه‌ای را صادر کند و جرم به وقوع پیوندد.

ج: هرگاه یکی از کارمندان شخص حقوقی با اطلاع مدیر یا در اثر عدم نظارت وی مرتکب جرم رایانه‌ای شود.

د: هرگاه تمام یا قسمتی از فعالیت شخص حقوقی به ارتکاب جرم رایانه‌ای اختصاص یافته باشد.

تبصره ۱- منظور از مدیر کسی است که اختیار نمایندگی یا تصمیم‌گیری یا نظارت بر شخص حقوقی را دارد.

تبصره ۲- مسئولیت کیفری شخص حقوقی مانع مجازات مرتکب نخواهد بود و در صورت نبود شرایط صدر ماده و عدم انتساب جرم به شخص حقوقی فقط شخص حقیقی مسئول خواهد بود.

ماده (۲۰) اشخاص حقوقی موضوع ماده فوق، با توجه به شرایط و اوضاع و احوال جرم ارتکابی، میزان درآمد و نتایج حاصله از ارتکاب جرم، علاوه بر سه تا شش برابر حداکثر جزای نقدی جرم ارتکابی، به ترتیب ذیل محکوم خواهند شد:

الف: چنانچه حداکثر مجازات حبس آن جرم تا پنج سال حبس باشد، تعطیلی موقت شخص حقوقی از یک تا نه ماه و در صورت تکرار جرم تعطیلی موقت شخص حقوقی از یک تا پنج سال.

ب: چنانچه حداکثر مجازات حبس آن جرم بیش از پنج سال حبس باشد، تعطیلی موقت شخص حقوقی از یک تا سه سال و در صورت تکرار جرم شخص حقوقی منحل خواهد شد.

تبصره - مدیر شخص حقوقی که طبق بند «ب» این ماده منحل می‌شود تا سه سال حق تأسیس یا نمایندگی یا تصمیم‌گیری یا نظارت بر شخص حقوقی دیگری را نخواهد داشت.

ماده (۲۱) ارائه‌دهندگان خدمات دسترسی موظفند طبق ضوابط فنی و فهرست مقرر از سوی کمیته تعیین مصادیق موضوع ماده ذیل محتوای مجرمانه اعم از محتوای ناشی از جرائم رایانه‌ای و محتوایی که برای ارتکاب جرائم رایانه‌ای بکار می‌رود را پالایش کنند. در صورتی که عمداً از پالایش محتوای مجرمانه خودداری کنند، منحل خواهند شد و چنانچه از روی بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی زمینه دسترسی به محتوای غیرقانونی را فراهم آورند، در مرتبه نخست به جزای نقدی از بیست تا یکصد میلیون ریال و در مرتبه دوم به جزای نقدی از یکصد میلیون تا یک میلیارد ریال و در مرتبه سوم به یک تا سه سال تعطیلی موقت محکوم خواهند شد.

تبصره (۱) چنانچه محتوای مجرمانه به وبسایت‌های مؤسسات عمومی شامل نهادهای زیر نظر ولی فقیه و قوای سه‌گانه مقننه، مجریه و قضائیه و مؤسسات عمومی غیردولتی موضوع قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۹ و الحاقات بعدی آن یا به احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده یا به سایر اشخاص حقیقی یا حقوقی حاضر در ایران که امکان احراز هویت و ارتباط با آن‌ها وجود دارد تعلق داشته باشد، با دستور مقام قضایی رسیدگی‌کننده به پرونده و رفع اثر فوری محتوای مجرمانه از سوی دارندگان، وبسایت مزبور تا صدور حکم نهایی پالایش نخواهد شد.

تبصره (۲) پالایش محتوای مجرمانه موضوع شکایت خصوصی با دستور مقام قضایی رسیدگی‌کننده به پرونده انجام خواهد گرفت.

ماده (۲۲) قوه قضائیه موظف است ظرف یک ماه از تاریخ تصویب این قانون کمیته تعیین مصادیق محتوای مجرمانه را در محل دادستانی کل کشور تشکیل دهد. وزیر یا نماینده وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، ارتباطات و فناوری اطلاعات، دادگستری، علوم، تحقیقات و فناوری، فرهنگ و ارشاد اسلامی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، رئیس سازمان صداوسیما و فرمانده نیروی انتظامی، یک نفر خبره در فناوری اطلاعات و ارتباطات به انتخاب کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی و یک نفر نماینده مجلس شورای اسلامی به انتخاب کمیسیون حقوقی و قضایی و تأیید مجلس شورای اسلامی اعضای کمیته را تشکیل خواهند داد: **ریاست کمیته به عهده دادستان کل کشور خواهد بود.**

تبصره ۱- جلسات کمیته حداقل هر پانزده روز یکبار و با حضور هفت نفر عضو دارای حق رأی رسمیت می‌یابد و تصمیمات کمیته با اکثریت نسبی حاضران معتبر خواهد بود.

تبصره ۲- کمیته موظف است به شکایات راجع به مصادیق پالایش شده رسیدگی و نسبت به آن‌ها تصمیم‌گیری کند. رأی کمیته قطعی است.

تبصره ۳- کمیته موظف است هر شش ماه گزارشی در خصوص روند پالایش محتوای مجرمانه را به رؤسای قوای سه‌گانه و شورای عالی امنیت ملی تقدیم کند.

ماده (۲۳) ارائه‌دهندگان خدمات میزبانی موظفانند به محض دریافت دستور کمیته تعیین مصادیق مذکور در ماده فوق یا مقام قضایی رسیدگی‌کننده به پرونده مبنی بر وجود محتوای مجرمانه در سیستم‌های رایانه‌ای خود از ادامه دسترسی به آن ممانعت به عمل آورند. چنانچه عمداً از اجرای دستور کمیته یا مقام قضایی خودداری کنند، منحل خواهند شد. در غیر این صورت، چنانچه در اثر بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی زمینه دسترسی به محتوای مجرمانه مزبور را فراهم کنند، در مرتبه نخست به جزای نقدی از بیست تا یکصد میلیون ریال و در مرتبه دوم به یکصد میلیون تا یک میلیارد ریال و در مرتبه سوم به یک تا سه سال تعطیلی موقت محکوم خواهند شد.

تبصره - ارائه‌دهندگان خدمات میزبانی موظفانند به محض آگاهی از وجود محتوای مجرمانه مراتب به کمیته تعیین مصادیق اطلاع دهند.

ماده (۲۴) هرکس بدون مجوز قانونی از پهنای باند بین‌المللی برای برقراری ارتباطات مخابراتی مبتنی بر پروتکل اینترنتی از خارج ایران به داخل یا برعکس استفاده کند، به حبس از یک تا سه سال یا جزای نقدی از یکصد میلیون تا یک میلیارد ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

فصل هفتم - سایر جرائم

ماده (۲۵) هرکس مرتکب اعمال زیر شود، به حبس از نودویک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج تا بیست میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد:

الف: تولید یا انتشار یا توزیع یا معامله داده‌ها یا نرم‌افزارها یا هر نوع ابزار الکترونیکی که صرفاً به منظور ارتکاب جرائم رایانه‌ای به کار می‌روند.

ب: فروش یا انتشار یا در دسترس قرار دادن گذرواژه یا هر داده‌ای که امکان دسترسی غیرمجاز به داده‌ها یا سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی متعلق به دیگری را فراهم می‌کند.

ج: آموزش نحوه ارتکاب جرائم دسترسی غیرمجاز، شنود غیرمجاز، جاسوسی رایانه‌ای و تخریب و اخلال در داده‌ها یا سیستم‌های رایانه‌ای و مخابراتی.

تبصره - چنانچه مرتکب اعمال یادشده را حرفه خود قرار داده باشد، به حداکثر هر دو مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهد شد.

فصل هشتم - تشدید مجازات‌ها

ماده (۲۶) در موارد زیر، حسب مورد مرتکب به بیش از دوسوم حداکثر یک یا دو مجازات مقرر محکوم خواهد شد:

الف: هر یک از کارمندان و کارکنان اداره‌ها و سازمان‌ها یا شوراهای و یا شهرداری‌ها و موسسه‌ها و شرکت‌های دولتی و یا وابسته به دولت یا نهادهای انقلابی و بنیادها و مؤسسه‌هایی که زیر نظر ولی فقیه اداره می‌شوند و دیوان محاسبات و مؤسسه‌هایی که با کمک مستمر دولت اداره می‌شوند و یا دارندگان پایه قضایی و به‌طور کلی اعضا و کارکنان قوای سه‌گانه و همچنین نیروهای مسلح و مأموران به خدمت عمومی اعم از رسمی و غیررسمی به مناسبت انجام وظیفه مرتکب جرم رایانه‌ای شده باشند.

ب: متصدی یا متصرف قانونی شبکه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی که به مناسبت شغل خود مرتکب جرم رایانه‌ای شده باشد.

ج: داده‌ها یا سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، متعلق به دولت یا نهادها و مراکز ارائه‌دهنده خدمات عمومی باشد.

د: جرم به صورت سازمان یافته ارتکاب یافته باشد.

ه: جرم در سطح گسترده‌ای ارتکاب یافته باشد.

ماده (۲۷) در صورت تکرار جرم برای بیش از دو بار دادگاه می‌تواند مرتکب را از خدمات الکترونیکی عمومی از قبیل اشتراک اینترنت، تلفن همراه، اخذ نام دامنه مرتبه بالای کشوری و بانکداری الکترونیکی محروم کند:

- الف: چنانچه مجازات حبس آن جرم نودویک روز تا دو سال حبس باشد، محرومیت از یک ماه تا یک سال.
ب: چنانچه مجازات حبس آن جرم دو تا پنج سال حبس باشد، محرومیت از یک تا سه سال.
ج: چنانچه مجازات حبس آن جرم بیش از پنج سال حبس باشد، محرومیت از سه تا پنج سال.

بخش دوم - آیین دادرسی

فصل یکم - صلاحیت

ماده (۲۸) علاوه بر موارد پیش‌بینی شده در دیگر قوانین، دادگاه‌های ایران در موارد زیر نیز صالح به رسیدگی خواهند بود:

- الف: داده‌های مجرمانه یا داده‌هایی که برای ارتکاب جرم به کاررفته‌اند به هر نحو در سیستم‌های رایانه‌ای و مخابراتی یا حامل‌های داده موجود در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران ذخیره شده باشد.
ب: جرم از طریق وب‌سایت‌های دارای دامنه مرتبه بالای کد کشوری ایران ارتکاب یافته باشد.
ج: جرم توسط هر ایرانی یا غیر ایرانی در خارج از ایران علیه سیستم‌های رایانه‌ای و مخابراتی و وب‌سایت‌های مورد استفاده یا تحت کنترل قوای سه‌گانه یا نهاد رهبری یا نمایندگی‌های رسمی دولت یا هر نهاد یا مؤسسه‌ای که خدمات عمومی ارائه می‌دهد یا علیه وب‌سایت‌های دارای دامنه مرتبه بالای کد کشوری ایران در سطح گسترده ارتکاب یافته باشد.
د: جرائم رایانه‌ای متضمن سوءاستفاده از اشخاص کمتر از ۱۸ سال، اعم از آنکه مرتکب یا بزه دیده ایرانی یا غیر ایرانی باشد.

ماده (۲۹) چنانچه جرم رایانه‌ای در محلی کشف یا گزارش شود، ولی محل وقوع آن معلوم نباشد، **دادسرای محل کشف** مکلف است تحقیقات مقدماتی را انجام دهد. چنانچه محل وقوع جرم مشخص نشود، دادسرا پس از اتمام تحقیقات مبادرت به صدور قرار می‌کند و دادگاه مربوط نیز رأی مقتضی را صادر خواهد کرد.

ماده (۳۰) قوه قضاییه موظف است به تناسب ضرورت شعبه یا شعبی از دادسراها، دادگاه‌های عمومی و انقلاب، نظامی و تجدیدنظر را برای رسیدگی به جرائم رایانه‌ای اختصاص دهد.

تبصره - قضات دادسراها و دادگاه‌های مذکور از میان قضاتی که آشنایی لازم به امور رایانه دارند انتخاب خواهند شد.

ماده (۳۱) در صورت بروز اختلاف در صلاحیت، حل اختلاف مطابق مقررات قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی خواهد بود.

فصل دوم - جمع‌آوری ادله الکترونیکی

مبحث اول - نگهداری داده‌ها

ماده (۳۲) ارائه‌دهندگان خدمات دسترسی موظفند داده‌های ترافیک را حداقل تا شش ماه پس از ایجاد و اطلاعات کاربران را حداقل تا شش ماه پس از خاتمه اشتراک نگهداری کنند.

تبصره ۱ - داده ترافیک هرگونه داده‌ای است که سیستم‌های رایانه‌ای در زنجیره ارتباطات رایانه‌ای و مخابراتی تولید می‌کنند تا امکان ردیابی آن‌ها از مبدأ تا مقصد وجود داشته باشد. این داده‌ها شامل اطلاعاتی از قبیل مبدأ، مسیر، تاریخ، زمان، مدت و حجم ارتباط و نوع خدمات مربوطه می‌شود.

تبصره ۲ - اطلاعات کاربر هرگونه اطلاعات راجع به کاربر خدمات دسترسی از قبیل نوع خدمات، امکانات فنی مورد استفاده و مدت زمان آن، هویت، آدرس جغرافیایی یا پستی یا IP، شماره تلفن و سایر مشخصات فردی اوست.

ماده (۳۳) ارائه‌دهندگان خدمات میزبانی داخلی موظفاند اطلاعات کاربران خود را حداقل تا شش ماه پس از خاتمه اشتراک و محتوای ذخیره شده و داده ترافیک حاصل از تغییرات ایجاد شده را حداقل تا پانزده روز نگهداری کنند.

مبحث دوم - حفظ فوری داده‌های رایانه‌ای ذخیره شده

ماده (۳۴) هرگاه حفظ داده‌های رایانه‌ای ذخیره شده برای تحقیق یا دادرسی لازم باشد، مقام قضایی می‌تواند دستور حفاظت از آن‌ها را برای اشخاصی که به نحوی تحت تصرف یا کنترل دارند صادر کند. در شرایط فوری، نظیر خطر آسیب دیدن یا تغییر یا از بین رفتن داده‌ها، ضابطان قضایی می‌توانند رأساً دستور حفاظت را صادر کنند و مراتب را حداکثر تا ۲۴ ساعت به اطلاع مقام قضایی برسانند. چنانچه هر یک از کارکنان دولت یا ضابطان قضایی یا سایر اشخاص از اجرای این دستور خودداری یا داده‌های حفاظت شده را افشا کنند یا اشخاصی که داده‌های مزبور به آن‌ها مربوط می‌شود را از مفاد دستور صادره آگاه کنند، ضابطان قضایی و کارکنان دولت به مجازات امتناع از دستور مقام قضایی و سایر اشخاص به حبس از نودویک روز تا شش ماه یا جزای نقدی از پنج تا ده میلیون

ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهند شد.

تبصره ۱ - حفظ داده‌ها به منزله ارائه یا افشای آن‌ها نبوده و مستلزم رعایت مقررات مربوط است.

تبصره ۲ - مدت‌زمان حفاظت از داده‌ها حداکثر سه ماه است و در صورت لزوم با **دستور مقام قضایی** قابل تمدید است.

مبحث سوم - ارائه داده‌ها

ماده (۳۵) مقام قضایی می‌تواند دستور ارائه داده‌های حفاظت‌شده مذکور در مواد (۳۲)، (۳۳) و (۳۴) فوق را به اشخاص یادشده بدهد تا در اختیار ضابطان قرار گیرد. مستنکف از اجرای این دستور به مجازات مقرر در ماده (۳۴) محکوم خواهد شد.

مبحث چهارم - تفتیش و توقیف داده‌ها و سیستم‌های رایانه‌ای و مخابراتی

ماده (۳۶) تفتیش و توقیف داده‌ها یا سیستم‌های رایانه‌ای و مخابراتی به‌موجب دستور قضایی و در مواردی به عمل می‌آید که ظن قوی به کشف جرم یا شناسایی متهم یا ادله جرم وجود داشته باشد.

ماده (۳۷) تفتیش و توقیف داده‌ها یا سیستم‌های رایانه‌ای و مخابراتی در حضور متصرفان قانونی یا اشخاصی که به نحوی آن‌ها را تحت کنترل قانونی دارند، نظیر متصدیان سیستم‌ها انجام خواهد شد. در غیر این صورت، قاضی با ذکر دلایل دستور تفتیش و توقیف بدون حضور اشخاص مذکور را صادر خواهد کرد.

ماده (۳۸) دستور تفتیش و توقیف باید شامل اطلاعاتی باشد که به اجرای صحیح آن کمک می‌کند، از جمله اجرای دستور در محل یا خارج از آن، مشخصات مکان و محدوده تفتیش و توقیف، نوع و میزان داده‌های موردنظر، نوع و تعداد سخت‌افزارها و نرم‌افزارها، نحوه دستیابی به داده‌های رمزنگاری یا حذف‌شده و زمان تقریبی انجام تفتیش و توقیف.

ماده (۳۹) تفتیش داده‌ها یا سیستم‌های رایانه‌ای و مخابراتی شامل اقدامات ذیل می‌شود:

الف: دسترسی به تمام یا بخشی از سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی.

ب: دسترسی به حامل‌های داده از قبیل دیسک‌ها یا لوح‌های فشرده یا کارت‌های حافظه.

ج: دستیابی به داده‌های حذف یا رمزنگاری‌شده.

ماده (۴۰) در توقیف داده‌ها، با رعایت تناسب، نوع، اهمیت و نقش آن‌ها در ارتکاب جرم، به روش‌هایی از قبیل چاپ داده‌ها، کپی‌برداری یا تصویربرداری از تمام یا بخشی از داده‌ها، غیرقابل دسترسی کردن داده‌ها با روش‌هایی از قبیل تغییر گذرواژه یا رمزنگاری و ضبط حامل‌های داده عمل می‌شود.

ماده (۴۱) در شرایط زیر سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی توقیف خواهند شد:

الف: داده‌های ذخیره‌شده به سهولت در دسترسی نبوده یا حجم زیادی داشته باشد،

ب: تفتیش و تجزیه و تحلیل داده‌ها بدون سیستم سخت‌افزاری امکان‌پذیر نباشد،

ج: متصرف قانونی سیستم رضایت داده باشد،

د: کپی‌برداری از داده‌ها به لحاظ فنی امکان‌پذیر نباشد،

ه: تفتیش در محل باعث آسیب داده‌ها شود،

و: سایر شرایطی که قاضی تشخیص دهد.

ماده (۴۲) توقیف سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی متناسب با نوع و اهمیت و نقش آن‌ها در ارتکاب جرم با روش‌هایی از قبیل تغییر گذرواژه به‌منظور عدم دسترسی به سیستم، پلمپ سیستم در محل استقرار و ضبط سیستم صورت می‌گیرد.

ماده (۴۳) چنانچه در حین اجرای دستور تفتیش و توقیف، تفتیش داده‌های مرتبط با جرم ارتكابی در سایر سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی که تحت کنترل یا تصرف متهم قرار دارند ضروری باشد، ضابطان با دستور مقام قضایی دامنه تفتیش و توقیف را به سیستم‌های دیگر گسترش خواهند داد و داده‌های موردنظر را تفتیش یا توقیف خواهند کرد.

ماده (۴۴) توقیف داده‌ها یا سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی که موجب ایراد لطمه جانی یا خسارات مالی شدید به اشخاص یا اختلال در ارائه خدمات عمومی می‌شود ممنوع است.

ماده (۴۵) درجایی که اصل داده‌ها توقیف می‌شود، ذی‌نفع حق دارد پس از پرداخت هزینه از آن‌ها کپی دریافت کند، مشروط به اینکه ارائه داده‌های توقیف‌شده مجرمانه یا منافی با محرمانه بودن تحقیقات نباشد و به روند تحقیقات لطمه‌ای وارد نسازد و داده‌ها مجرمانه نباشند.

ماده (۴۶) در مواردی که اصل داده‌ها یا سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی توقیف می‌شود، قاضی موظف است با لحاظ نوع و میزان داده‌ها و نوع و تعداد سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای موردنظر و نقش آن‌ها در جرم ارتكابی، در مهلت متناسب و متعارف نسبت به آن‌ها تعیین تکلیف کند.

ماده (۴۷) متضرر می‌تواند در مورد عملیات و اقدام‌های مأموران در توقیف داده‌ها و سیستم‌های رایانه‌ای و مخابراتی، اعتراض کتبی خود را همراه با دلایل ظرف ده روز به مرجع قضایی دستوردهنده تسلیم نماید. به درخواست یادشده خارج از نوبت رسیدگی گردیده و تصمیم اتخاذشده قابل اعتراض است.

مبحث پنجم - شنود محتوای ارتباطات رایانه‌ای

ماده (۴۸) شنود محتوای در حال انتقال ارتباطات غیرعمومی در سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی مطابق مقررات راجع به شنود مکالمات تلفنی خواهد بود. تبصره - دسترسی به محتوای ارتباطات غیرعمومی ذخیره‌شده، نظیر پست الکترونیکی یا پیامک در حکم شنود و مستلزم رعایت مقررات مربوط است.

فصل سوم - استناد پذیری ادله الکترونیکی

ماده (۴۹) به منظور حفظ صحت و تمامیت، اعتبار و انکارناپذیری ادله الکترونیکی جمع‌آوری شده، لازم است مطابق آیین‌نامه مربوط از آن‌ها نگهداری و مراقبت به عمل آید.

ماده (۵۰) چنانچه داده‌های رایانه‌ای توسط طرف دعوا یا شخص ثالثی که از دعوا آگاهی نداشته، ایجاد یا پردازش یا ذخیره یا منتقل شده باشد و سیستم رایانه‌ای یا مخابراتی مربوط به نحوی درست عمل کند که به صحت و تمامیت، اعتبار و انکارناپذیری داده‌ها خدشه وارد نشده باشد، قابل استناد خواهند بود.

ماده (۵۱) کلیه مقررات مندرج در فصل‌های دوم و سوم این بخش، علاوه بر جرائم رایانه‌ای شامل سایر جرائمی که ادله الکترونیکی در آن‌ها مورد استناد قرار می‌گیرند نیز می‌شود.

بخش سوم - سایر مقررات

ماده (۵۲) به منظور ارتقای همکاری‌های بین‌المللی در زمینه جرائم رایانه‌ای، وزارت دادگستری موظف است با همکاری وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات اقدامات لازم را در زمینه تدوین لوائح و پیگیری امور مربوط جهت پیوستن ایران به اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای و معاهدات راجع به همکاری و معاضدت دوجانبه یا چندجانبه قضایی انجام دهد.

ماده (۵۳) در مواردی که سیستم رایانه‌ای یا مخابراتی به‌عنوان وسیله ارتکاب جرم بکار رفته و در این قانون برای عمل مزبور مجازاتی پیش‌بینی نشده است، مطابق قوانین جزایی مربوط عمل خواهد شد.

تبصره - در مواردی که در بخش دوم این قانون برای رسیدگی به جرائم رایانه‌ای مقررات خاصی از جهت آیین دادرسی پیش‌بینی نشده است طبق مقررات قانون آیین دادرسی کیفری اقدام خواهد شد.

ماده (۵۴) میزان جزایهای نقدی این قانون بر اساس نرخ رسمی تورم حسب اعلام بانک مرکزی هر سه سال یک‌بار با پیشنهاد رئیس قوه قضاییه و تصویب هیأت وزیران قابل تغییر است.

ماده (۵۵) وزارت دادگستری موظف است ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون با همکاری وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات آیین‌نامه‌های مربوط به جمع‌آوری و استناد پذیری ادله الکترونیکی را تهیه کند و به تصویب رئیس قوه قضاییه خواهد رسید.

ماده (۵۶) قوانین و مقررات مغایر با این قانون ملغی است.

قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر

مصوب ۵ فروردین ۱۳۰۸ مجلس شورای ملی

ماده ۱ - کسی که مال غیر را با علم به اینکه مال غیر است به نحوی از انحاء عیناً یا منفعتاً بدون مجوز قانونی به دیگری منتقل کند کلاهبردار محسوب و مطابق ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی محکوم می‌شود. (جرم انتقال مال غیر، قابل گذشت است) و همچنین است انتقال گیرنده که در حین معامله عالم بعدم مالکیت انتقال‌دهنده باشد.

اگر مالک از وقوع معامله مطلع شده و تا یک ماه پس از حصول اطلاع اظهاریه برای ابلاغ به انتقال گیرنده و مطلع کردن او از مالکیت خود به اداره ثبت اسناد یا دفتر بدایت یا صلحیه یا یکی از دوایر دیگر دولتی تسلیم ننماید معاون مجرم محسوب خواهد شد - هر یک از دوایر و دفاتر فوق مکلفاند در مقابل اظهاریه مالک رسید داده آن را بدون فوت وقت به طرف برسانند.

ماده ۲ - نسبت به انتقالاتی که به طریق فوق قبل از اجرای این قانون واقع شده است هر یک از انتقال‌دهنده انتقال گیرنده یا مالک باید به ترتیب ذیل عمل نمایند:

انتقال دهنده مکلف است در ظرف سه ماه از تاریخ اجرای این قانون یا مالک را وادار به تنفیذ انتقال نموده و یا خسارات وارده بر انتقال گیرنده و مالک را جبران کند [کند].

انتقال گیرنده‌ای که در حین وقوع انتقال عالم بعدم مالکیت انتقال دهنده بوده مکلف است در ظرف سه ماه مذکور خسارات وارده بر مالک را جبران نماید. مالکی که از انتقال مال خود مطلع بوده یا بشود مکلف است در ظرف سه ماه از تاریخ اجرای این قانون در صورتی که قبل از این قانون مطلع شده باشد و از تاریخ حصول اطلاع در صورتی که بعد از اجرای این قانون مطلع شود انتقال گیرنده یا قائم مقام قانونی او را به طریق مذکور در ماده فوق از مالکیت خود مستحضر نماید. **ماده ۳** - متخلف از مقررات ماده ۲ اگر انتقال دهنده یا انتقال گیرنده باشد کلاهبردار و اگر مالک باشد معاون مجرم محسوب و مطابق مقررات قانون مجازات عمومی محکوم خواهد شد.

ماده ۴ - علاوه بر مجازات مذکور در مواد ۱ و ۳ مجرم باید مادام که خسارت وارده بر مدعی خصوصی را جبران نکرده است در توقیف بماند.

ماده ۵ - نسبت به انتقالاتی که قبل از اجرای این قانون واقع شده تعقیب جزایی مرتکب منوط به شکایت مدعی خصوصی است لیکن پس از شکایت استرداد آن مانع از تعقیب نخواهد بود.

ماده ۶ - نسبت به انتقالاتی که قبل از این قانون واقع شده هرگاه قبل از شروع به تعقیب جزایی حق دعوی حقوقی مالک یا انتقال گیرنده به واسطه مرور زمان یا صدور سند رسمی مالکیت ساقط شده باشد مقررات این قانون مجرا نخواهد بود.

ماده ۷ - مجازات اشخاصی که پس از تاریخ اجرای این قانون به موجب قانون سوم مرداد ۱۳۰۷ راجع به تبانی یا به موجب همین قانون در نتیجه انتقال عین یا منافع اموال غیرمنقول و یا در نتیجه تبانی در دعوی مربوطه به عین یا منافع اموال مزبوره حکم محکومیت آن‌ها صادر می‌شود مشمول ماده ۴۵ قانون مجازات عمومی نخواهد بود.

ماده ۸ - کسانی که معاملات تقلبی مذکوره در مواد فوق را به وسیله اسناد رسمی نموده یا بنمایند جاعل در اسناد رسمی محسوب و مطابق قوانین مربوطه به این موضوع مجازات خواهند شد.

ماده ۹ - این قانون از اول اردیبهشت ماه ۱۳۰۸ به موقع اجرا گذاشته می‌شود.

قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی

(مصوب ۱۳۵۴)

ماده واحده

۱ - هر کس شخص یا اشخاصی را در معرض خطر جانی مشاهده کند و بتواند با اقدام فوری خود یا کمک طلبیدن از دیگران یا اعلام فوری به مراجع یا مقامات صلاحیت‌دار از وقوع خطر یا تشدید نتیجه آن جلوگیری کند بدون اینکه با این اقدام خطری متوجه خود او یا دیگران شود و با وجود استمداد یا دلالت اوضاع و احوال بر ضرورت کمک از اقدام به این امر خودداری نماید. به حبس جنحه‌ای تا یک سال و یا جزای نقدی تا پنجاه هزار ریال محکوم خواهد شد. در این مورد اگر مرتکب از کسانی باشد که به اقتضای حرفه خود می‌توانسته کمک مؤثری بنماید به حبس جنحه‌ای از سه ماه تا دو سال یا جزای نقدی از ده هزار ریال تا یکصد هزار ریال محکوم خواهد شد. مسئولان مراکز درمانی اعم از دولتی یا خصوصی که از پذیرفتن شخص آسیب‌دیده و اقدام به درمان او یا کمک‌های اولیه امتناع نمایند به حداکثر مجازات ذکر شده محکوم می‌شوند.

نحوه تأمین هزینه درمان این قبیل بیماران و سایر مسائل مربوط به موجب آیین‌نامه‌ای است که به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

۲ - هرگاه کسانی که حسب وظیفه یا قانون مکلف‌اند به اشخاص آسیب‌دیده یا اشخاصی که در معرض خطر جانی قرار دارند کمک نمایند از اقدام لازم و کمک به آن‌ها خودداری کنند، به حبس جنحه‌ای از شش ماه تا سه سال محکوم خواهند شد.

۳ - دولت مکلف است در شهرها و راه‌ها به تناسب احتیاج مراکز درمان فوری (اورژانس) و وسایل انتقال مصدومین و بیماران که احتیاج به کمک فوری دارند ایجاد و فراهم نماید.

۴ - مأمورین انتظامی نباید متعرض کسانی که خود متهم نبوده و اشخاص آسیب‌دیده را به مراجع انتظامی یا مراکز درمانی می‌رسانند بشوند.

قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور

(مصوب ۱۳۶۹/۹/۱۹ با اصلاحات و الحاقات بعدی)

ماده ۱ - ارتکاب هر یک از اعمال مذکور در بندهای ذیل جرم محسوب می‌شود و مرتکب به مجازات‌های مقرر در این قانون محکوم می‌شود:

الف - اخلال در نظام پولی یا ارزی کشور از طریق قاچاق عمده ارز یا ضرب سکه قلب یا جعل اسکناس یا وارد کردن یا توزیع نمودن عمده آن‌ها اعم از داخلی و خارجی و امثال آن.

ب - اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی از طریق گران‌فروشی کلان‌ارزاق یا سایر نیازمندی‌های عمومی و احتکار عمده ارزاق یا نیازمندی‌های مزبور و پیش‌خرید فراوان تولیدات کشاورزی و سایر تولیدات مورد نیاز عامه و امثال آن‌ها به‌منظور ایجاد انحصار یا کمبود در عرضه آن‌ها.

ج - اخلال در نظام تولیدی کشور از طریق سوءاستفاده عمده از فروش غیرمجاز تجهیزات فنی و مواد اولیه در بازار آزاد یا تخلف از تعهدات مربوط در مورد آن و یا رشاء و ارتشاء عمده در امر تولید یا اخذ مجوزهای تولیدی در مواردی که موجب اختلال در سیاست‌های تولیدی کشور شود و امثال آن‌ها.

د - هر گونه اقدامی به قصد خارج کردن میراث فرهنگی یا ثروت‌های ملی اگرچه به خارج کردن آن نینجامد قاچاق محسوب و کلیه اموالی که برای خارج کردن از کشور در نظر گرفته شده است مال موضوع قاچاق تلقی و به سود دولت ضبط می‌گردد.

ه - وصول وجوه کلان به صورت قبول سپرده اشخاص حقیقی یا حقوقی تحت عنوان مضاربه و نظایر آن که موجب حیف و میل اموال مردم یا اخلال در نظام اقتصادی شود.

و - اقدام باندی و تشکیلاتی جهت اخلال در نظام صادراتی کشور به هر صورت از قبیل تقلب در سپردن پیمان ارزی یا تأدیه آن و تقلب در قیمت‌گذاری کالاهای صادراتی و ...

ز - تأسیس، قبول نمایندگی و عضوگیری در بنگاه، مؤسسه، شرکت یا گروه به‌منظور کسب درآمد ناشی از افزایش اعضاء به نحوی که اعضاء جدید جهت منفعت، افراد دیگری را جذب نموده و توسعه زنجیره یا شبکه انسانی تداوم یابد.

تبصره - قاضی ذیصلاح برای تشخیص عمده یا کلان و یا فراوان بودن موارد مذکور در هر یک از بندهای فوق‌الذکر علاوه بر ملحوظ نظر قرار دادن میزان خسارات وارده و مبالغ مورد سوءاستفاده و آثار فساد دیگر مترتب بر آن می‌تواند حسب مورد، نظر مرجع ذی‌ربط را نیز جلب نماید.

تبصره - (الحاقی ۱۳۸۴) پرونده‌هایی که قبل از تصویب این قانون تشکیل شده است برابر قوانین قبلی رسیدگی می‌شود.

ماده ۲ - هر یک از اعمال مذکور در بندهای ماده ۱ چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور چنانچه در حد فساد فی‌الارض باشد مرتکب به اعدام و در غیر این صورت به حبس از پنج سال تا بیست سال محکوم می‌شود و در هر دو صورت دادگاه به‌عنوان جزای مالی به ضبط کلیه اموالی که از طریق خلاف قانون به دست آمده باشد حکم خواهد داد.

دادگاه می‌تواند علاوه بر جریمه مالی و حبس، مرتکب را به ۲۰ تا ۷۴ ضربه شلاق در انظار عمومی محکوم نماید.

تبصره ۱ (اصلاحی ۱۳۸۴) - در مواردی که اخلال موضوع هر یک از موارد مذکور در بندهای هفتگانه ماده (۱) عمده یا کلان یا فراوان نباشد، مرتکب حسب مورد علاوه بر رد مال به حبس از شش ماه تا سه سال و جزای نقدی معادل دو برابر اموالی که از طریق مذکور به دست آورده محکوم می‌شود.

تبصره ۲ - در مواردی که اقدامات مذکور در بندهای ماده ۱ این قانون از طرف شخص یا اشخاص حقوقی اعم از خصوصی یا دولتی یا نهادها و یا تعاونی‌ها و غیر آن‌ها انجام گیرد فرد یا افرادی که در انجام این اقدامات عالماً و عامداً مباشرت و یا شرکت و یا به‌گونه‌ای دخالت داشته‌اند بر حسب اینکه اقدام آن‌ها با قسمت اول یا دوم ماده ۲ این قانون منطبق باشد به مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهند شد و در این موارد، مدیر یا مدیران و بازرسان یا به‌طور کلی مسئول یا مسئولین ذی‌ربط که به‌گونه‌ای از انجام تمام یا قسمتی از اقدامات مزبور مطلع شوند مکلفند در زمینه جلوگیری از آن یا آگاه ساختن افراد یا مقاماتی که قادر به جلوگیری از این اقدامات هستند اقدام فوری و مؤثری انجام دهند و کسانی که از انجام تکلیف مقرر در این تبصره خودداری کرده یا با سکوت خود به تحقق جرم کمک کنند معاون جرم محسوب و حسب مورد به مجازات مقرر برای معاون جرم محکوم می‌شوند.

تبصره ۳ - مجازات شروع به جرم موضوع قسمت اول این ماده یک سال تا سه سال حبس و پانصد هزار تا پنج میلیون ریال جزای نقدی و مجازات شروع به جرم موضوع قسمت اخیر این ماده شش ماه تا دو سال حبس و دوپست و پنجاه هزار ریال تا دو میلیون و پانصد هزار ریال جزای نقدی و مجازات شروع به جرم موضوع تبصره ۱ این ماده شش ماه تا یک سال و نیم حبس و دوپست هزار ریال تا یک میلیون ریال جزای نقدی است.

تبصره ۴ - مرتکبین جرائم موضوع این ماده و تبصره‌های ۱ تا ۳ آن و کلیه شرکاء و معاونین هر یک از جرائم مزبور علاوه بر مجازات‌های مقرر حسب مورد به محرومیت از هر گونه خدمات دولتی یا انفصال ابد از آن‌ها محکوم خواهند شد.

تبصره ۵ - هیچ‌یک از مجازات‌های مقرر در این قانون قابل تعلیق نبوده و همچنین اعدام و جزای مالی و محرومیت و انفصال دائم از خدمات دولتی و نهادها از طریق محاکم قابل تخفیف یا تقلیل نمی‌باشد.

تبصره ۶ - رسیدگی به کلیه جرائم مذکور در این قانون در صلاحیت دادسراها و دادگاه‌های انقلاب اسلامی است و دادسراها و دادگاه‌های مزبور در مورد جرائم موضوع ماده ۱ این قانون مکلف‌اند فوراً و خارج از نوبت رسیدگی نمایند.

تبصره ۷ - از زمان لازم‌الاجرا شدن این قانون کلیه قوانین مغایر با آن به جز قوانینی که دارای مجازات شدیدتری از مجازات‌های مقرر در این قانون می‌باشند ملغی است.

قانون مجازات اشخاصی که برای بردن مال غیر تبانی می‌نمایند
(مصوب ۱۳۰۷)

ماده ۱ - هرگاه اشخاصی با یکدیگر تبانی کرده و برای بردن مالی که متعلق به غیر است بر همدیگر اقامه دعوی نمایند این اقدام آن‌ها جزء تشبیه به وسایل متقلبانه برای بردن مال دیگری که به موجب ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی پیش‌بینی شده است محسوب و به مجازات مندرجه در ماده مزبوره محکوم خواهند شد.

ماده ۲ - اشخاصی که به‌عنوان شخص ثالث در دعوائی وارد شده یا به‌عنوان شخص ثالث بر حکمی اعتراض کرده یا بر محکوم‌به حکمی مستقیماً اقامه دعوی نمایند و این اقدامات آن‌ها ناشی از تبانی با یکی از اصحاب دعوی برای بردن مال یا تضییع حق طرف دیگر دعوی باشد کلاهبردار محسوب و علاوه بر تأدیه خسارات وارده به مجازات کلاهبرداری محکوم خواهند بود.

تبانی هر یک از طرفین دعوی اصلی با اشخاص فوق نیز در حکم کلاهبرداری است و مرتکب به مجازات مذکوره محکوم می‌گردد.
تبصره - اشخاصی که اقدامات مذکوره در فوق را قبل از تاریخ اجرای این قانون نموده‌اند در صورتی مجازات خواهند شد که پس از تاریخ اجرای این قانون نیز آن اقدامات را تعقیب نمایند.

قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز
(مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات ۱۳۹۴)

فصل اول - تعاریف، مصادیق و تشکیلات

ماده ۱ - اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار می‌روند:

الف - قاچاق کالا و ارز: هر فعل یا ترک فعلی است که موجب نقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج کالا و ارز گردد و بر اساس این قانون و یا سایر قوانین، قاچاق محسوب و برای آن مجازات تعیین شده باشد، در مبادی ورودی یا هر نقطه از کشور حتی محل عرضه آن در بازار داخلی کشف شود.

ب - کالا: هر شیء که در عرف، ارزش اقتصادی دارد.

پ - ارز: پول رایج کشورهای خارجی، اعم از اسکناس، مسکوکات، حوالجات ارزی و سایر اسناد مکتوب یا الکترونیکی است که در مبادلات مالی کاربرد دارد.

ت - تشریفات قانونی: اقداماتی از قبیل تشریفات گمرکی و بانکی، اخذ مجوزهای لازم و ارائه به مراجع ذی‌ربط است که اشخاص موظف‌اند طبق قوانین و مقررات به‌منظور وارد یا خارج کردن کالا یا ارز، انجام دهند.

ث - کالای ممنوع: کالایی که صدور یا ورود آن به‌موجب قانون ممنوع است.

ج - کالای مجاز مشروط: کالایی که صدور یا ورود آن علاوه بر انجام تشریفات گمرکی حسب قانون نیازمند به کسب مجوز قبلی از یک یا چند مرجع ذی‌ربط قانونی است.

چ - کالای مجاز: کالایی است که صدور یا ورود آن با رعایت تشریفات گمرکی و بانکی، نیاز به کسب مجوز ندارد.

ح - ارزش کالای قاچاق ورودی: عبارت است از ارزش سیف کالا (مجموع قیمت خرید کالا در مبدأ و هزینه بیمه و حمل و نقل) به‌اضافه حقوق ورودی زمان کشف و سایر هزینه‌هایی که به آن کالا تا محل کشف تعلق می‌گیرد که بر اساس بالاترین نرخ ارز اعلامی توسط بانک مرکزی در زمان کشف محاسبه می‌شود.

خ - ارزش کالای قاچاق خروجی: عبارت است از قیمت آزاد کالا در نزدیک‌ترین بازار داخلی عمده‌فروشی محل کشف به‌اضافه هزینه حمل و نقل و هزینه‌هایی مانند عوارض ویژه صادراتی و کلیه یارانه‌هایی که به آن کالا تعلق می‌گیرد.

تبصره - فهرست و ارزش کالای قاچاق خروجی مربوط به فرآورده‌های نفتی و محصولات پتروشیمی حسب مورد متناسب با بالاترین قیمت خرید کالا در بازارهای هدف و یا بر اساس بالاترین نرخ ارز رسمی کشور و سایر عوامل مؤثر توسط وزارت نفت و ستاد اعلام می‌شود.

د - بهای ارز: بالاترین نرخ اعلامی ارز که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در زمان کشف اعلام می‌گردد.

ذ - شناسه کالا: شناسه‌ای چندرقمی که مبتنی بر یک نظام جامع طبقه‌بندی کالا است و مشخصات ماهوی هر قلم کالا احصاء و در یک سامانه ثبت می‌شود و به‌صورت رمزین (بارکد) و یا نظایر آن بر روی کالا نصب یا درج می‌گردد.

ر - شناسه رهگیری: شناسه‌ای چندرقمی مبتنی بر شناسه کالا است و به‌منظور منحصر‌به‌فرد نمودن هر واحد کالا به کلیه کالاهای دارای بسته‌بندی با ابعاد

مشخص اختصاص می‌یابد. ماهیت، مالکیت و موقعیت کالا در هر نقطه از زنجیره تأمین مبتنی بر این شناسه قابل استعلام و رهگیری است و در قالب یک رمزین بر روی کالاهای مزبور نصب یا درج می‌شود.

ز- اسناد خلاف واقع: اسنادی است که در آن خصوصیات کالای ذکر شده از حیث نوع، جنس، تعداد و وزن با کالای اظهار یا کشف شده تطبیق نماید و یا جعلی باشد.

ژ- اسناد مثبت گمرکی: عبارت است از اصل سند پروانه ورود گمرکی، پته گمرکی، قبض سپرده موجب ترخیص کالا، حواله فروش و یا قبض خرید کالای متروکه، ضبطی و بلاصاحب، پروانه عبور (ترانزیت)، پروانه مرجوعی، پروانه ورود موقت، پروانه موقت برای پردازش، پته عبور، پروانه کران‌بری (کابوتاژ)، پروانه صادراتی، پروانه صدور موقت و کارت مسافری صادره توسط مناطق آزاد تجاری و صنعتی و کارت هوشمند که توسط گمرک تکمیل و تأیید می‌شود مشروط بر اینکه مشخصات مذکور در این اسناد با مشخصات کالا از هر حیث تطبیق نماید و فاصله بین تاریخ صدور سند و تاریخ کشف کالا با توجه به نوع کالا و نحوه مصرف آن متناسب باشد.

اسناد گمرکات کشورهای خارجی و یا اسنادی که دالیتی بر ورود و یا صدور قانونی کالا از کشور ندارند، اسناد مثبت گمرکی تلقی نمی‌شوند.

س- قاچاق سازمان‌یافته: جرمی است که با برنامه‌ریزی و هدایت گروهی و تقسیم کار توسط یک گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم قاچاق، تشکیل یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم قاچاق منحرف شده است صورت می‌گیرد.

ش (اصلاحی ۹۴) - قاچاقچی حرفه‌ای: شخصی است که بیش از سه بار مرتکب قاچاق شود و ارزش کالا یا ارز قاچاق در هر مرتبه بیش از ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال باشد.

ص- دستگاه کاشف: دستگاه اجرائی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری است که به موجب این قانون و سایر قوانین و مقررات، وظیفه مبارزه با قاچاق کالا و ارز و کشف آن را بر عهده دارد.

ض- دستگاه مأمور وصول درآمدهای دولت: هر یک از دستگاه‌های اجرائی است که به موجب قوانین یا شرح وظایف مصوب، موظف به وصول درآمدهای دولت می‌باشد.

ط- ستاد: ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز موضوع این قانون است.

ماده ۲- علاوه بر مصادیقی که در قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۰/۸/۲۲ ذکر شده است، موارد زیر نیز قاچاق محسوب می‌شود:

الف- برنگرداندن کالای اظهار شده به‌عنوان خروج موقت یا کران‌بری به کشور در مهلت مقرر در صورت ممنوع یا مشروط بودن صادرات قطعی آن کالا

ب- اضافه کردن کالا به محموله عبوری (ترانزیتی) خارجی و تعویض یا کاهش محموله‌های عبوری در داخل کشور

پ- اظهار کالا به گمرک با ارائه اسناد و یا مجوزهای جعلی

ت- تعویض کالای صادراتی دارای پروانه، مشروط بر شمول حقوق و عوارض ویژه صادراتی برای کالای جایگزین شده

ث- ورود کالای موضوع بند (ر) ماده (۱۲۲) قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۰/۸/۲۲

ج- اظهار کالای وارداتی با نام یا علامت تجاری ایرانی بدون اخذ مجوز قانونی از مراجع ذی‌ربط با قصد متقلبانه

چ- واردات کالا به‌صورت تجاری با استفاده از تسهیلات در نظر گرفته شده در قوانین و مقررات مربوط برای کالاهای مورد مصرف شخصی مانند تسهیلات

همراه مسافر، تعاونی‌های مرزنشینی و ملوانی در صورت عدم اظهار کالا به‌عنوان تجاری به تشخیص گمرک

ح- خروج کالاهای وارداتی تجمیع شده مسافری و کالاهای مشمول تسهیلات مرزنشینی و ملوانی از استان‌های مرزی، بدون رعایت تشریفات قانونی

خ (اصلاحی ۹۴) - ورود، خروج، خرید، فروش و حواله ارز بدون رعایت ضوابط تعیینی توسط دولت و بدون مجوزهای لازم از بانک مرکزی

د- عرضه کالا به استناد حواله‌های فروش سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی و یا سایر دستگاه‌ها مشروط بر عدم مطابقت با مشخصات حواله

ذ- عرضه کالاهای وارداتی فاقد شناسه کالا و شناسه رهگیری در سطح خرده‌فروشی با رعایت ماده (۱۳) این قانون [در متن اولیه ماده (۱۰) آمده بود که طبق اصلاحیه ۱۳۹۲/۱۲/۲۵ به ماده (۱۳) اصلاح شد].

ر- هرگونه اقدام به خارج کردن کالا از کشور برخلاف تشریفات قانونی به‌شرط احراز در مراجع ذیصلاح با استناد به قرائن و امارات موجود

ز- سایر مصادیق قاچاق به‌موجب قوانین دیگر

ماده ۳- به‌منظور سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، هماهنگی و نظارت در حوزه امور اجرائی، پیشگیری و مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز متشکل از وزیران دادگستری، اطلاعات، امور اقتصادی و دارایی، کشور، امور خارجه، صنعت، معدن و تجارت، راه و شهرسازی، جهاد کشاورزی، نفت،

بهداشت، درمان و آموزش پزشکی یا معاونان ذی‌ربط آنان و دو نفر از نمایندگان عضو کمیسیون‌های اقتصادی و قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی به انتخاب مجلس و رؤسای سازمان‌های تعزیرات حکومتی، جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی، صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، بازرسی کل کشور، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، فرماندهی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، رؤسای کل بانک مرکزی و گمرک جمهوری اسلامی ایران، رئیس مؤسسه ملی استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و کشاورزی ایران و معاون اجتماعی و پیشگیری قوه قضائیه و نماینده تام‌الاختیار رئیس قوه قضائیه با ریاست رئیس‌جمهور یا نماینده ویژه وی تشکیل می‌گردد.

تصمیمات این ستاد پس از امضای رئیس‌جمهور و یا نماینده ویژه وی با رعایت اصل یک‌صد و بیست و هفتم (۱۲۷) قانون اساسی در موضوعات مرتبط با قاچاق کالا و ارز برای تمامی دستگاه‌های اجرایی لازم‌الاجرا است.

سایر دستگاه‌های مرتبط با امر پیشگیری و مبارزه با قاچاق کالا و ارز از جمله قوه قضائیه، نیروهای نظامی و انتظامی، سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران و دستگاه‌های عضو ستاد وظیفه دارند در حدود اختیارات این ستاد، همکاری لازم را با آن داشته باشند.

تبصره ۱- کمیسیون برنامه‌ریزی، هماهنگی و نظارت بر مبارزه با قاچاق کالا و ارز در استان‌ها به ریاست استاندار و زیر نظر ستاد و حسب مورد با اعضای متناظر ستاد تشکیل می‌شود.

ماده ۴- به‌منظور هماهنگی و نظارت بر اجرای وظایف مندرج در این فصل، ستاد می‌تواند حسب مورد کارگروه‌های کارشناسی از قبیل کارگروه پیشگیری از قاچاق کالا و ارز متشکل از نمایندگان دستگاه‌های عضو ستاد تشکیل دهد.

تبصره ۱- معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه مسئولیت کارگروه پیشگیری از قاچاق کالا و ارز را بر عهده دارد.

تبصره ۲- کلیه پیشنهادها و تصمیمات این کارگروه‌ها پس از تصویب ستاد، با رعایت مقررات این قانون لازم‌الاجرا است.

ماده ۵- دولت مکلف است به‌منظور پیشگیری از ارتکاب قاچاق و شناسایی نظام‌مند آن با پیشنهاد ستاد و پس از ابلاغ رئیس‌جمهور سامانه‌های الکترونیکی و هوشمند جدید مورد نیاز جهت نظارت بر فرآیند واردات، صادرات، حمل، نگهداری و مبادله کالا و ارز را ایجاد و راه‌اندازی نماید.

کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی مکلف به رعایت احکام این قانون مربوط به سامانه‌های راه‌اندازی شده می‌باشند و اشخاص حقیقی متخلف به محرومیت از اشتغال به حرفه خود تا یک سال و اشخاص حقوقی به ممنوعیت از فعالیت تجاری تا شش ماه محکوم می‌شوند.

تبصره ۱- هرگونه دسترسی غیرمجاز به اطلاعات سامانه‌های راه‌اندازی شده به‌موجب این قانون و افشای اطلاعات آن‌ها جرم است و مرتکب به مجازات از شش ماه تا دو سال حبس محکوم می‌شود.

تبصره ۲- وارد نمودن اطلاعات خلاف واقع یا ناقص یا با تأخیر در سامانه‌های موضوع این قانون جرم است و مرتکب به شش ماه تا دو سال انفصال موقت از خدمات دولتی و عمومی محکوم می‌شود.

تبصره ۳- ستاد موظف است از طریق وزارت اطلاعات و با همکاری وزارتخانه‌های صنعت، معدن و تجارت، امور اقتصادی و دارایی (گمرک جمهوری اسلامی ایران)، بانک مرکزی و سایر دستگاه‌های ذی‌ربط به تهیه، اجرا و بهره‌برداری از سامانه شناسایی و مبارزه با کالای قاچاق اقدام نماید. کلیه مراکز مرتبط با تجارت داخلی و خارجی کشور، موظف به ارائه و تبادل اطلاعات از طریق این سامانه می‌باشند.

تبصره ۴- هزینه‌های اجرای حکم موضوع این ماده و بند (ب) ماده (۱۱) که در بودجه سالانه پیش‌بینی می‌شود از محل درآمدهای این قانون تأمین و مطابق آیین‌نامه‌ای که به پیشنهاد ستاد و وزارت دادگستری تهیه می‌شود و به تصویب هیئت‌وزیران می‌رسد، به مصرف خواهد رسید.

فصل دوم - پیشگیری از قاچاق

ماده ۶- به‌منظور تجمیع داده‌ها و یکپارچه‌سازی اطلاعات مربوط به سامانه مذکور در تبصره (۳) ماده (۵) و به‌منظور کاهش زمینه‌های بروز قاچاق کالا و ارز: **الف-** وزارت صنعت، معدن و تجارت موظف است با همکاری ستاد و گمرک جمهوری اسلامی ایران و سایر دستگاه‌های ذی‌ربط اقدام به تهیه، اجرا و بهره‌برداری از سامانه نرم‌افزاری جامع یکپارچه‌سازی و نظارت بر فرآیند تجارت نماید.

تبصره ۱- کلیه دستگاه‌های مرتبط با تجارت خارجی کشور، موظفند با اجرا و بهره‌برداری از این سامانه به ارائه و تبادل اطلاعات از طریق آن اقدام نمایند.

ب- وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و راه و شهرسازی با هدف کاهش توقف‌ها و افزایش دقت در کنترل و بازرسی کالا موظفند به تجهیز مبادی ورودی و خروجی و مسیرهای حمل‌ونقل به امکانات فنی مناسب و الکترونیکی نمودن کلیه اسناد ورود، صدور، عبور، حمل‌ونقل و نظایر آن اقدام نمایند.

پ- وزارت کشور با همکاری ستاد، لایحه توسعه و امنیت پایدار مناطق مرزی را با هدف تقویت معیشت مرزنشینان و توسعه فعالیت‌های اقتصادی مناطق مرزی، تهیه می‌کند و به هیئت‌وزیران ارائه می‌دهد.

ت- وزارت صنعت، معدن و تجارت موظف است، با ایجاد سامانه یکپارچه اعتبارسنجی و رتبه‌بندی اعتباری برای تجارت داخلی و خارجی، با همکاری ستاد و اتاق

بازرگانی و صنایع و معادن و کشاورزی ایران و اتاق تعاون مرکزی جمهوری اسلامی ایران صدور، تمدید و ابطال کارت بازرگانی را از طریق سامانه فوق با هدف پیشگیری از بروز تخلفات و قاچاق کالا و ارز ساماندهی نماید.

ث- وزارت صنعت، معدن و تجارت موظف است با همکاری دستگاه‌های اجرائی ذی‌ربط با استفاده از سامانه نرم‌افزاری به شناسه‌دار کردن کلیه انبارها و مراکز نگهداری کالا و ثبت مشخصات مالک کالا، نوع و میزان کالاهای ورودی و خروجی از این اماکن با هدف شناسایی کالاهای قاچاق اقدام نماید.

ج- وزارت راه و شهرسازی موظف است با همکاری ستاد و دستگاه‌های اجرائی عضو آن، به ساماندهی و تجهیز و تکمیل اسکله‌ها و خورها و انضباط بخشی به تردد و توقف شناورها اقدام نماید.

چ- وزارت راه و شهرسازی موظف است با همکاری ستاد، وزارت نفت و ستاد مدیریت حمل‌ونقل سوخت به تجهیز شناورها و وسایل حمل‌ونقل جاده‌ای کالا به سامانه فنی ردیاب و کنترل مصرف سوخت بر مبنای مسافت طی شده اقدام نماید.

ح- وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است در راستای اجرای برنامه آمایش گمرکات، اولویت‌های پیشنهادی ستاد را با هدف پیشگیری از قاچاق کالا، مدنظر قرار دهد.

خ- گمرک جمهوری اسلامی ایران مکلف است برای جلوگیری از استفاده مکرر از اسناد گمرکی اقدامات لازم را معمول دارد.

د- در صورت عدم تصویب پیشنهاد ستاد مبنی بر منطقی نمودن سود بازرگانی کالاهای پیشنهادی در کارگروه ماده (۱) آیین‌نامه اجرائی قانون مقررات صادرات و واردات، دولت می‌تواند حسب درخواست ستاد، با هدف کاهش انگیزه‌های اقتصادی ارتکاب قاچاق، پیشنهاد ستاد را در دستور کار هیئت‌وزیران قرار دهد.

تبصره- آیین‌نامه اجرائی این ماده توسط ستاد با همکاری دستگاه‌های مربوط تهیه می‌شود و به تصویب هیئت‌وزیران می‌رسد.

ماده ۷- بانک مرکزی موظف است در جهت پیشگیری و کنترل بازار مبادلات غیرمجاز ارز اقدامات زیر را به عمل آورد:

الف- تعیین و اعلام میزان ارز قابل نگهداری و مبادله در داخل کشور، همراه مسافر، همراه رانندگان عبوری و مواردی از این قبیل

ب- ایجاد سامانه اطلاعات مالی صرافی‌ها و رصد و ارزیابی فعالیت آن‌ها

تبصره ۱- دولت مکلف است ارز مورد نیاز اشخاص را تأمین و در صورت عدم کفایت آن، بازارهای مبادله آزاد ارز را به‌گونه‌ای ایجاد نماید که تقاضای اشخاص از قبیل ارز مسافری و عبوری از طرق قانونی تأمین گردد.

تبصره ۲- عرضه و فروش ارز، خارج از واحدهای مجاز تعیین‌شده توسط دولت به‌وسیله اشخاص و واحدهای صنفی، ممنوع است و با مرتکبین مطابق قانون رفتار می‌شود.

تبصره ۳- دولت حدود و مقررات استفاده از ارز را تعیین می‌کند.

ماده ۸- دولت موظف است به‌منظور حمایت از مأمورانی که به‌موجب قانون، متکفل امر مبارزه با قاچاق کالا و ارز می‌باشند و به تشخیص مراجع قضایی در هنگام انجام وظیفه ضمن رعایت ضوابط اداری و قانونی مربوط با زیان جانی و مالی نسبت به خود و یا دیگران مواجه می‌شوند، ردیفی در قوانین بودجه هر سال برای ستاد پیش‌بینی نماید.

اعتبار موضوع این ردیف از شمول قانون محاسبات عمومی مستثنی است. اعتبارات این ردیف توسط دستگاه‌های کاشف به استناد گزارش بدوی و پس از تأیید ستاد هزینه می‌شود.

ماده ۹- به‌منظور صیانت از سرمایه‌های انسانی کلیه دستگاه‌هایی که به‌موجب این قانون متکفل مبارزه با قاچاق کالا و ارز می‌باشند، متناسب با حجم فعالیت‌ها بر اساس دستورالعملی که به تصویب ستاد می‌رسد، اقدامات زیر انجام می‌یابد:

الف- آموزش‌های ضمن خدمت به‌منظور ارتقای دانش کارکنان و صیانت از آنان

ب- به‌کارگیری افراد باتجربه و دارای تخصص لازم برای همکاری با دستگاه‌های مسئول در امر مبارزه با قاچاق کالا و ارز به‌صورت موقت

پ- اجرای برنامه‌های رفاهی - فرهنگی به‌منظور ارتقای سلامت روحی و روانی کارکنان

ماده ۱۰- دستگاه‌های عضو ستاد علاوه بر وظایف ذاتی محوله، موظف‌اند:

حسب مورد با هماهنگی ستاد در امر مبارزه با قاچاق کالا و ارز، اقدامات زیر را به عمل آورند:

الف- ایجاد ساختار سازمانی مناسب و تخصصی با بودجه و امکانات موجود برای هماهنگی و پیگیری تمام امور مربوط به مبارزه با قاچاق کالا و ارز

ب- برگزاری رزمایش‌های سراسری و منطقه‌ای و کارگاه‌های آموزشی با محوریت دستگاه‌های کاشف

پ- شناسایی و کاهش نقاط آسیب‌پذیر و نظارت‌های لازم بر مسیرهای ورود و حمل‌ونقل و مراکز نگهداری کالای قاچاق به‌شرط عدم ممانعت از روند تجارت

قانونی

ت- نظارت بر مدیریت یکپارچه واحدهای صنفی و نظام توزیع کالا به منظور حسن اجرای مقررات صنفی در مبارزه با قاچاق
ث- ایجاد واحد جمع‌آوری گزارش‌های مردمی در دستگاه‌های کاشف

ج- نظارت و بازرسی برای آسیب‌شناسی فعالیت دستگاه‌های عضو ستاد و اقدام در جهت بهبود فرآیندهای مبارزه

ماده ۱۱- قوه قضائیه و سازمان تعزیرات حکومتی حسب مورد، موظف‌اند به منظور تسریع در رسیدگی به پرونده‌ها و پیشگیری از ارتکاب جرم قاچاق کالا و ارز اقدامات زیر را به عمل آورند:

الف- اختصاص شعب ویژه جهت رسیدگی به جرائم قاچاق کالا و ارز توسط رئیس قوه قضائیه

ب- اختصاص شعب بدوی و تجدیدنظر ویژه رسیدگی به تخلفات قاچاق کالا و ارز متشکل از افراد حائز شرایط استخدام قضات مطابق آئین‌نامه مصوب هیئت‌وزیران توسط سازمان تعزیرات حکومتی

تبصره ۱- میزان فوق‌العاده ویژه رئیس و اعضای شعب سازمان تعزیرات حکومتی معادل هشتاد درصد (۸۰٪) فوق‌العاده ویژه مستمر قضات در گروه‌های (۱) تا (۸) قضائی تعیین می‌گردد. نحوه پرداخت و نیز جذب و انتصاب رؤسا و اعضاء مطابق آئین‌نامه‌ای است که به پیشنهاد وزیر دادگستری ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون به تصویب هیئت‌وزیران می‌رسد.

تبصره ۲- هزینه‌های اجرای حکم موضوع این بند از محل اعتبارات موضوع تبصره (۴) ماده (۵) تأمین می‌شود.

پ- ارائه گزارش‌های سه‌ماهه توسط مراجع قضائی از طریق رئیس کل دادگستری درباره اقدامات قضائی به عمل آمده، آراء صادره و احکام اجرائی و علل آن، درباره پرونده‌های قاچاق کالا و ارز به طریق مقتضی به نماینده قوه قضائیه در ستاد

ت- ارائه گزارش‌های سه‌ماهه توسط سازمان تعزیرات حکومتی در موارد مرتبط با آن سازمان در خصوص پرونده‌های قاچاق کالا و ارز به ستاد

ث- تدوین و اجرای برنامه آموزش همگانی با اولویت آموزش اشخاص در معرض خطر جرائم قاچاق کالا و ارز

ج- آسیب‌شناسی قضائی علل گسترش جرم قاچاق کالا و ارز و راهکارهای کاهش زمان دادرسی با انجام پژوهش‌های علمی

چ- تشکیل کارگروه نظارتی به منظور تسریع در اجرای احکام پرونده‌های قاچاق کالا و ارز توسط رئیس قوه قضائیه

ح- انعقاد موافقت‌نامه همکاری‌های حقوقی و قضایی در مورد جرم قاچاق کالا و ارز با اولویت کشورهای مورد پیشنهاد ستاد با رعایت اصل یک‌صد و بیست و پنجم (۱۲۵) قانون اساسی

ماده ۱۲- کلیه دستگاه‌های عضو ستاد موظف‌اند در چهارچوب اولویت‌های تعیین‌شده، برنامه‌های سالانه پیشگیری از قاچاق کالا و ارز دستگاه متبوعه خود را جهت بررسی و تصویب به ستاد ارائه نمایند.

ماده ۱۳- به منظور شناسایی و رهگیری کالاهای خارجی که با انجام تشریفات قانونی وارد کشور می‌شود و تشخیص آن‌ها از کالاهای قاچاق یا فاقد مجوزهای لازم از قبیل کالای جعلی، تقلبی، غیربهداشتی و غیراستاندارد، ترخیص کالای تجاری منوط به ارائه گواهی‌های دریافت شناسه کالا، شناسه رهگیری، ثبت گواهی‌ها و شماره شناسه‌های فوق توسط گمرک است.

در حال توزیع و فروش کالاهای وارداتی در سطح بازار خرده‌فروشی منوط به نصب این دو شناسه است و در غیر این صورت کالاهای مذکور قاچاق محسوب می‌شوند.

تبصره ۱- وزارت صنعت، معدن و تجارت مکلف است با همکاری دستگاه‌های تخصصی مرتبط، برای شناسایی و رهگیری کالا از بدو ورود تا سطح عرضه سامان‌های با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین از جمله رمزیننه دو یا چندبعدی، ایجاد و امکان بهره‌گیری دستگاه‌های مرتبط را از سامانه مزبور فراهم نماید.

تبصره ۲- توزیع و فروش کالاهایی که با استفاده از هرگونه معافیت قانونی از قبیل ملوانی و تعاونی مرزنشین به کشور وارد شده است در هر نقطه از کشور منوط به نصب شناسه کالا و شناسه رهگیری می‌باشد. تشریفات قانونی این کالاهای با رعایت ماده (۹) قانون ساماندهی مبادلات مرزی مصوب ۱۳۸۴/۷/۶ و ماده (۱۲۰) قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۰/۸/۲۲ انجام می‌شود.

تبصره ۳- آیین‌نامه اجرائی این ماده توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت با همکاری ستاد و دستگاه‌های اجرائی عضو آن با لحاظ زمان‌بندی، اولویت کالایی و روش نصب شناسه کالا و شناسه رهگیری بر روی کالا و نحوه تخصیص نیازهای فنی هر دستگاه، ظرف سه ماه تهیه می‌شود و به تصویب هیئت‌وزیران می‌رسد.

ماده ۱۴- دستگاه‌های تبلیغی، فرهنگی، پژوهشی و آموزشی از جمله سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، سازمان تبلیغات اسلامی و وزارتخانه‌های فرهنگ و ارشاد اسلامی، آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فناوری موظف‌اند برنامه‌های فرهنگی، آموزشی، تحقیقاتی و ترویجی را بر اساس سیاست‌های ابلاغی

شورای عالی انقلاب فرهنگی و اولویت‌های ستاد با هدف افزایش کیفیت تولیدات داخلی، ارتقای فرهنگ عمومی برای گرایش به استفاده از کالای تولید داخلی و جلوگیری از مصرف کالای قاچاق، اجرا نمایند.

ماده ۱۵- دستگاه‌های مرتبط در عرصه تجارت بین‌الملل موظف‌اند به منظور مبارزه با قاچاق کالا و ارز در فرآیند مذاکرات مقدماتی موافقت‌نامه‌های تجاری، حمل‌ونقل و گمرکی، سیاست‌ها و برنامه‌های مصوب ستاد را رعایت نمایند.

ماده ۱۶- ستاد، مرجع تخصصی تهیه و ارائه برآوردها و اطلاعات و آمار در امر قاچاق کالا و ارز است. این امر مانع از انجام تکالیف سایر دستگاه‌های مربوط نمی‌شود.

تبصره ۱- ستاد در چهارچوب اختیارات خود دستورالعمل نحوه گردآوری و جمع‌بندی آمار و اطلاعات دستگاه‌های مختلف را تصویب می‌نماید.

تبصره ۲- ستاد موظف است گزارش مربوط به کلیه آمار و اطلاعات قاچاق کالا و ارز از جمله میزان کشفیات و برآورد حجم و تحلیل آن را هر سه ماه یک‌بار به کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی ارائه نماید.

ماده ۱۷- وزارت امور خارجه موظف است با بهره‌گیری از تمام ظرفیت‌های دیپلماسی خود، مصوبات ستاد در زمینه پیشگیری از قاچاق کالا و ارز را در حل مشکلات پیش روی مبارزه با قاچاق رعایت کند و در فرآیند مذاکرات مقدماتی موافقت‌نامه‌های همکاری دو یا چندجانبه به آن‌ها توجه نماید.

فصل سوم- قاچاق کالاهاى مجاز، مجاز مشروط، یارانه‌ای و ارز

ماده ۱۸- هر شخص که مرتکب قاچاق کالا و ارز و حمل و یا نگهداری آن شود، علاوه بر ضبط کالا یا ارز، به جریمه‌های نقدی زیر محکوم می‌شود:

الف- کالای مجاز: جریمه نقدی یک تا دو برابر ارزش کالا

ب - کالای مجاز مشروط: جریمه نقدی معادل یک تا سه برابر ارزش کالا

پ - کالای یارانه‌ای: جریمه نقدی معادل دو تا چهار برابر ارزش کالا

ت (الحاقی ۹۴) - ارز: جریمه نقدی ارز ورودی، یک تا دو برابر بهای ریالی آن، جریمه نقدی ارز خروجی، دو تا چهار برابر بهای ریالی آن و جریمه نقدی خرید، فروش یا حواله ارز، دو برابر بهای ریالی آن

تبصره ۱ (اصلاحی ۹۴) - عرضه و فروش کالای قاچاق موضوع این ماده ممنوع و مرتکب به حداقل مجازات‌های مقرر در این ماده محکوم می‌شود.

تبصره ۲- فهرست کالاهاى یارانه‌ای با پیشنهاد وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و صنعت، معدن و تجارت تهیه می‌شود و به تصویب هیئت‌وزیران می‌رسد.

تبصره ۳- وزارت صنعت، معدن و تجارت مکلف است فهرست کالاهاى مجاز مشروط را اعلام نماید.

تبصره ۴ (الحاقی ۹۴) - خرید، فروش، حمل یا نگهداری کالاهایی که موضوع قاچاق قرار می‌گیرند به‌صورت تجاری مانند فرآورده‌های نفتی و دارویی خارج از ضوابط تعیینی دولت تخلف محسوب و مرتکب علاوه بر ضبط کالای مزبور حسب مورد به حداقل جریمه نقدی مقرر در این ماده محکوم می‌شود. دولت مکلف است ظرف مدت دو ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون دستورالعمل موردنیاز را تصویب نماید.

ماده ۱۸ مکرر (الحاقی ۹۴) - نگهداری، عرضه یا فروش کالا و ارز قاچاق موضوع ماده (۱۸) این قانون حسب مورد توسط واحدهای صنفی یا صرافى‌ها تخلف محسوب و مرتکب علاوه بر ضبط کالا و ارز به ترتیب زیر جریمه می‌شود:

الف - مرتبه اول: جریمه نقدی معادل دو برابر ارزش کالا یا بهای ریالی ارز قاچاق

ب - مرتبه دوم: جریمه نقدی معادل چهار برابر ارزش کالا یا بهای ریالی ارز قاچاق

ج - مرتبه سوم: جریمه نقدی معادل شش برابر ارزش کالا یا بهای ریالی ارز قاچاق و نصب پارچه یا تابلو بر سر در محل کسب به‌عنوان متخلف صنفی و تعطیل محل کسب به مدت شش ماه

ماده ۱۹- در صورتی که کالای قاچاق موضوع ماده (۱۸) این قانون با کالای دیگر مخلوط شود و امکان تفکیک وجود نداشته باشد تمام کالا ضبط و پس از کسر جریمه‌های ماده مذکور و سایر هزینه‌های قانونی به نسبت کالای غیر قاچاق از حاصل فروش به مالک مسترد می‌شود.

ماده ۲۰- وسایل نقلیه مورد استفاده در حمل قاچاق کالای موضوع ماده (۱۸)

این قانون، اعم از زمینی، دریایی و هوایی به شرح زیر ضبط می‌گردد:

الف- وسایل نقلیه سبک در صورتی که ارزش کالای قاچاق مکشوفه یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا بیشتر باشد.

ب - وسایل نقلیه نیمه سنگین زمینی در صورتی که ارزش کالای قاچاق مکشوفه سیصد میلیون (۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا بیشتر باشد.

پ - وسایل نقلیه نیمه سنگین هوایی و دریایی در صورتی که ارزش کالای قاچاق مکشوفه نه صد میلیون (۹۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا بیشتر باشد.

ت - وسایل نقلیه سنگین زمینی در صورتی که ارزش کالای قاچاق مکشوفه یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا بیشتر باشد.

ث - وسایل نقلیه سنگین هوایی و دریایی در صورتی که ارزش کالای قاچاق مکشوفه سه میلیارد (۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا بیشتر باشد.

تبصره ۱ (الحاقی ۹۴) - در غیر از موارد فوق وسیله نقلیه توقیف می‌شود و در صورتی که محکوم علیه ظرف دو ماه از تاریخ ابلاغ حکم قطعی، جریمه نقدی مورد حکم را نپردازد از محل فروش وسیله نقلیه برداشت و مابقی به مالک مسترد می‌گردد. در هر مرحله از رسیدگی چنانچه متهم وثیقه‌ای معادل حداکثر جزای نقدی تودیع نماید از وسیله نقلیه رفع توقیف می‌شود.

تبصره ۲ - در صورتی که ارتکاب جرم قاچاق با هر یک از انواع وسایل نقلیه مذکور حداقل سه بار تکرار شود و ارزش کالا در مجموع معادل یا بیشتر از مبالغ این ماده باشد وسیله نقلیه ضبط می‌شود.

تبصره ۳ - مصادیق وسایل نقلیه در این ماده به پیشنهاد وزارت راه و شهرسازی تهیه می‌شود و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

تبصره ۴ - در صورتی که وسیله نقلیه متعلق به شخصی غیر از مرتکب قاچاق باشد و از قرائنی از قبیل سابقه مرتکب ثابت شود با علم و اطلاع مالک برای ارتکاب قاچاق در اختیار وی قرار گرفته است، وسیله نقلیه ضبط می‌شود و در غیر این صورت وسیله نقلیه به مالک مسترد و معادل ارزش آن به جریمه نقدی مرتکب اضافه می‌گردد.

تبصره ۵ - در صورتی که وسیله نقلیه بلاصاحب یا صاحب متواری و یا مجهول‌المالک باشد، عین وسیله نقلیه به نهاد مأذون از سوی ولی فقیه تحویل می‌شود و یا با هماهنگی و اخذ مجوز فروش از نهاد مأذون کالای مزبور توسط سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی به فروش می‌رسد و وجوه حاصل از آن به حساب نهاد مأذون از سوی ولی فقیه واریز می‌شود.

ماده ۲۱ - در صورتی که ارزش کالای قاچاق و یا ارزش مکشوفه موضوع ماده (۱۸) این قانون، برابر تشخیص اولیه دستگاه کشف معادل ده میلیون (۱۰۰۰۰۰۰) ریال یا کمتر باشد با قید در صورت جلسه کشف به امضای متهم می‌رسد و در صورت استنکاف، مراتب در صورت جلسه کشف قید و حسب مورد، کالا ضبط و به همراه صورت جلسه به سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی تحویل می‌شود و ارزش مکشوفه به حساب مشخص شده توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران واریز و رونوشتی از اوراق به متهم ابلاغ می‌گردد.

تبصره ۱ - صاحب کالا و یا ارزش می‌تواند ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ در اداره تعزیرات حکومتی شهرستان محل کشف به این تصمیم اعتراض نماید. تا تعیین تکلیف قطعی قاچاق از سوی سازمان تعزیرات حکومتی، باید عین کالا نگهداری شود.

تبصره ۲ - مرتکب قاچاق موضوع این ماده در صورت تکرار برای مرتبه سوم و بالاتر علاوه بر ضبط کالا و یا ارزش به جریمه نقدی موضوع ماده (۱۸) این قانون محکوم می‌گردد.

تبصره ۳ - به کشفیات موضوع این ماده وجهی تحت عنوان حق کشف یا پاداش تعلق نمی‌گیرد.

فصل چهارم - قاچاق کالاهای ممنوع

ماده ۲۲ (اصلاحی ۹۴) - هر کس مرتکب قاچاق کالای ممنوع گردد یا کالای ممنوع قاچاق را نگهداری یا حمل نماید یا بفروشد، علاوه بر ضبط کالا به شرح زیر و مواد (۲۳) و (۲۴) مجازات می‌شود:

الف - در صورتی که ارزش کالا تا ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال باشد، به جزای نقدی معادل دو تا سه برابر ارزش کالای ممنوع قاچاق

ب - در صورتی که ارزش کالا از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) تا یک صد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال باشد به جزای نقدی معادل سه تا پنج برابر ارزش کالای ممنوع قاچاق

پ - در صورتی که ارزش کالا از یک صد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) تا یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال باشد به بیش از شش ماه تا دو سال حبس و به جزای نقدی معادل پنج تا هفت برابر ارزش کالای ممنوع قاچاق

ت - در صورتی که ارزش کالا بیش از یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال باشد به دو سال تا پنج سال حبس و به جزای نقدی معادل هفت تا ده برابر ارزش کالای ممنوع قاچاق

تبصره ۱ (اصلاحی ۹۴) - در صورتی که ارزش عرفی (تجاری) مشروبات الکلی مشمول بندهای (الف) و (ب) این ماده باشد مرتکب علاوه بر جریمه نقدی مقرر در این ماده به مجازات حبس از شش ماه تا یک سال محکوم می‌شود.

تبصره ۲ - وجوه حاصل از قاچاق کالای ممنوع، ضبط می‌شود.

تبصره ۳ - آلات و ادواتی که جهت ساخت کالای ممنوع به منظور قاچاق یا تسهیل ارتکاب قاچاق کالای ممنوع مورد استفاده قرار می‌گیرد، ضبط می‌شود.

مواردی که استفاده‌کننده مالک نبوده و مالک عامداً آن را در اختیار مرتکب قرار نداده باشد، مشمول حکم این تبصره نمی‌باشد.

تبصره ۴ (الحاقی ۹۴) - مشروبات الکلی، اموال تاریخی- فرهنگی، تجهیزات دریافت از ماهواره به‌طور غیرمجاز، آلات و وسایل قمار و آثار سمعی و بصری مبتذل و مستهجن از مصادیق کالای ممنوع است. ساخت تجهیزات دریافت از ماهواره نیز مشمول مجازات‌ها و احکام مقرر برای این ماده می‌باشد.

تبصره ۵ (الحاقی ۹۴) - محل نگهداری کالاهای قاچاق ممنوع که در مالکیت مرتکب باشد، در صورتی که مشمول حکم مندرج در ماده (۲۴) این قانون نشود، توقیف و پلمب می‌شود و در صورتی که محکوم‌علیه ظرف دو ماه از تاریخ صدور حکم قطعی، جریمه نقدی را نپردازد، حسب مورد از محل فروش آن برداشت و مابقی به مالک مسترد می‌شود. در هر مرحله از رسیدگی چنانچه متهم وثیقه‌ای معادل حداکثر جزای نقدی تودیع کند از محل نگهداری رفع توقیف می‌شود.

ماده ۲۳ - در مواردی که کالای قاچاق مکشوفه مشمول شرایط بندهای (پ) و (ت) ماده (۲۲) گردد وسیله نقلیه مورد استفاده در قاچاق کالای مزبور، در صورت وجود هر یک از شرایط زیر، ضبط می‌شود:

الف - وسیله نقلیه مورد استفاده، متعلق به شخص مرتکب قاچاق باشد.

ب - با استناد به دلایل یا قرائن از جمله سابقه مرتکب و یا مالک وسیله نقلیه در امر قاچاق، ثابت شود که مالک وسیله نقلیه عامداً، آن را جهت استفاده برای حمل کالای قاچاق در اختیار مرتکب قرار داده است.

تبصره ۵ - در غیر موارد فوق، وسیله نقلیه به مالک مسترد و معادل ارزش آن به جریمه نقدی مرتکب اضافه می‌شود.

ماده ۲۴ - محل نگهداری کالای قاچاق ممنوع در صورتی که متعلق به مرتکب بوده و یا توسط مالک عامداً جهت نگهداری کالای قاچاق در اختیار دیگری قرار گرفته باشد و ارزش کالا بیش از یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال باشد، صادره می‌گردد، مشروط به اینکه ارزش ملک از پنج برابر ارزش کالای قاچاق نگهداری شده بیشتر نباشد که در این صورت ملک به مقدار نسبت پنج برابر قیمت کالای قاچاق نگهداری شده به قیمت اصل ملک، مورد مصادره قرار می‌گیرد و چنانچه ارزش کالا کمتر از مبلغ مذکور باشد و حداقل دو بار به این منظور استفاده شود و محکومیت قطعی یابد در مرتبه سوم ارتکاب، به کیفیت مذکور مصادره می‌گردد.

در صورتی که مرتکب بدون اطلاع مالک از آن محل استفاده کند، از سه تا پنج برابر ارزش کالای قاچاق نگهداری شده به جزای نقدی وی افزوده می‌شود.

تبصره ۵ - آیین‌نامه اجرائی این ماده توسط قوه قضائیه تهیه می‌شود و حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون به تأیید رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

ماده ۲۵ - هرکس بدون اخذ مجوز قانونی از سازمان حفاظت محیط‌زیست و عدم رعایت سایر ترتیبات پیش‌بینی شده در قوانین و مقررات به صدور حیوانات وحشی عادی، در معرض نابودی و کمیاب، انواع موجودات آبی، پرندگان شکاری و غیرشکاری اعم از بومی یا مهاجر وحشی به‌طور زنده یا غیرزنده و نیز اجزای این حیوانات مبادرت کند، یا در حین صدور و خارج نمودن دستگیر شود، هرچند عمل او منجر به خروج موارد مذکور از کشور نشود، به مجازات قاچاق کالای ممنوع محکوم می‌گردد. تعیین مصادیق این حیوانات بر عهده سازمان حفاظت محیط‌زیست است.

ماده ۲۶ - صید، عمل‌آوری، تهیه، عرضه، فروش، حمل، نگهداری و صدور خاویار و ماهیان خاویاری که میزان و مصادیق آن توسط سازمان شیلات تعیین می‌شود، بدون مجوز این سازمان مشمول مجازات قاچاق کالای ممنوع است.

ماده ۲۷ - هر شخص حقیقی یا حقوقی که اقدام به واردات و صادرات دارو، مکمل‌ها، ملزومات و تجهیزات پزشکی، مواد و فرآورده‌های خوراکی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی بدون انجام تشریفات قانونی نماید به مجازات کالاهای قاچاق به شرح زیر محکوم می‌شود.

این مجازات مانع از پرداخت دیه و خسارت‌های وارده نیست:

الف (الحاقی ۹۴) - قاچاق مواد و فرآورده‌های دارویی (فرآورده‌های زیستی «بیولوژیک»، مکمل‌ها، ملزومات و تجهیزات پزشکی مشمول مجازات قاچاق کالاهای ممنوع موضوع ماده (۲۲) این قانون می‌باشد.

ب - در صورتی که کالای قاچاق مکشوفه شامل مواد و فرآورده‌های خوراکی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی باشد، مرجع رسیدگی‌کننده مکلف است نسبت به استعلام مجوز مصرف انسانی کالاهای مذکور اقدام و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظف است ظرف ده روز به این استعلام پاسخ دهد.

هرگاه کالای مکشوفه مذکور موفق به اخذ مجوزهای بهداشتی و درمانی در خصوص مصرف انسانی گردد جرم قاچاق مشمول مجازات مندرج در بند (ب) ماده (۱۸) این قانون خواهد شد و در غیر این صورت کالای مکشوفه، کالای تقلبی، فاسد، تاریخ‌مصرف گذشته و یا مضر به سلامت مردم شناخته‌شده و مشمول مجازات قاچاق کالاهای ممنوع می‌باشد.

تبصره ۱ (اصلاحی ۹۴) - ساخت، حمل، نگهداری، عرضه یا فروش محصولات فوق نیز مشمول مجازات‌ها و احکام مقرر در این ماده می‌باشد.

تبصره ۲ - آیین‌نامه اجرائی این ماده در مورد چگونگی اجرا و میزان لازم از کالا برای استعلام مجوز مصرف انسانی با پیشنهاد وزارتخانه‌های بهداشت، درمان و

آموزش پزشکی، صنعت، معدن و تجارت و ستاد تهیه می‌شود و حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون به تصویب هیئت‌وزیران می‌رسد.

فصل پنجم - قاچاق سازمان یافته و حرفه‌ای

ماده ۲۸- در صورتی که قاچاق کالاهای ممنوع به نحو سازمان یافته ارتکاب یابد، مرتکب علاوه بر جزای نقدی مندرج در ماده (۲۲) این قانون به ترتیب زیر محکوم می‌شود:

الف- در خصوص بند (الف) ماده (۲۲) به نودویک روز تا شش ماه حبس

ب- در خصوص بند (ب) ماده (۲۲) به بیش از شش ماه تا دو سال حبس

پ- در خصوص بندهای (پ) و (ت) ماده (۲۲) به حداکثر مجازات حبس مندرج در بندهای مذکور

تبصره- کسانی که در ارتکاب جرائم این ماده نقش سازمان‌دهی، هدایت و یا سردستگی گروه سازمان یافته را بر عهده دارند، حسب مورد به حداکثر مجازات‌های مقرر در بندهای (الف) و (ب) محکوم می‌شوند.

ماده ۲۹- در صورتی که کالاهای مجاز، مجاز مشروط، یارانه‌ای و یا ارز به نحو سازمان یافته قاچاق شود، علاوه بر مجازات‌های موضوع ماده (۱۸) این قانون، حسب مورد مرتکب به مجازات‌های زیر محکوم می‌شود.

الف- چنانچه ارزش کالای مجاز یا مجاز مشروط تا یکصد میلیون (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال باشد به نودویک روز تا شش ماه حبس و در صورتی که ارزش کالا بیش از مبلغ مذکور باشد به بیش از شش ماه تا دو سال حبس

ب- چنانچه ارزش کالای یارانه‌ای یا ارز تا یکصد میلیون (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال باشد به دو سال تا پنج سال حبس و در صورتی که ارزش کالا بیش از مبلغ مذکور باشد به حداکثر مجازات مذکور در این بند

تبصره- کسانی که در جرائم فوق نقش سازمان‌دهی، هدایت و یا سردستگی گروه سازمان یافته را بر عهده دارند، حسب مورد به حداکثر مجازات‌های مقرر در بندهای (الف) و (ب) محکوم می‌شوند.

ماده ۳۰- در صورتی که ارتکاب قاچاق کالا و ارز به صورت انفرادی و یا سازمان یافته به قصد مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران یا با علم به مؤثر بودن آن صورت گیرد و منجر به اخلال گسترده در نظام اقتصادی کشور شود، موضوع مشمول قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹/۹/۱۹ می‌گردد و مرتکب طبق مقررات قانون مزبور مجازات می‌شود.

ماده ۳۱- در صورتی که احراز شود مرتکب جرائم قاچاق کالا و ارز با علم و عمد، عواید و سود حاصل از این جرائم را به نحو مستقیم یا غیرمستقیم برای تأمین مالی تروریسم و اقدام علیه امنیت ملی و تقویت گروه‌های معاند با نظام اختصاص داده یا هزینه نموده است، علاوه بر مجازات‌های مقرر در این قانون حسب مورد به مجازات محارب یا مفسد فی الارض محکوم می‌گردد.

ماده ۳۲- کسانی که مطابق این قانون قاچاقچی حرفه‌ای محسوب می‌شوند، علاوه بر ضبط کالا و یا ارز قاچاق، به حداکثر جزای نقدی و تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری و مجازات‌های حبس به شرح زیر محکوم می‌شوند:

الف- نودویک روز تا شش ماه حبس برای کالا و ارز با ارزش تا یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال

ب- بیش از شش ماه تا دو سال برای کالا و ارز با ارزش بیش از یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال

تبصره- مرتکبین قاچاق حرفه‌ای کالاهای ممنوع علاوه بر مجازات‌های مندرج در ماده (۲۲) این قانون حسب مورد به نصف حداکثر حبس مقرر در این ماده محکوم می‌شوند.

فصل ششم - جرائم مرتبط

ماده ۳۳- هر کس در اسناد مثبت گمرکی اعم از کتبی یا رقمی (دیجیتالی)، مهر و موم یا پلمب گمرکی و سایر اسناد از قبیل اسناد سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی، مؤسسه ملی استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، ثبت سفارش و سایر مجوزهای مورد نیاز صادرات و واردات، شناسه کالا و رهگیری، مرتکب جعل گردد و یا با علم به جعلی بودن، آن‌ها را مورد استفاده قرار دهد، حسب مورد علاوه بر مجازات حبس مذکور در قانون مجازات اسلامی به جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر ارزش کالای موضوع اسناد مجعول محکوم می‌شود.

تبصره- خرید و فروش اسناد اصیل گمرکی که قبلاً در ترخیص کالا استفاده شده است و همچنین استفاده مکرر از آن اسناد، جرم محسوب و مرتکب به مجازات فوق محکوم می‌شود.

ماده ۳۴- در صورتی که شخص حامل یا مالک کالا و یا ارز قاچاق، در مواجهه با مأموران کاشف به هر نحوی مقابله یا مقاومت نماید، اگر عمل مذکور از

مصادیق دست بردن به سلاح و سلب امنیت مردم نباشد علاوه بر مجازات‌های مقرر برای ارتکاب قاچاق، به شش ماه تا دو سال حبس و تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم می‌شود.

ماده ۳۵- در صورتی که مأموران دستگاه‌های کاشف یا وصول درآمدهای دولت، خود مرتکب قاچاق شوند و یا شرکت یا معاونت در ارتکاب نمایند، علاوه بر مجازات قاچاق مقرر در این قانون به مجازات مختلس نیز محکوم می‌شوند.

تبصره ۱- مأمورانی که با علم به ارتکاب قاچاق از تعقیب مرتکبان خودداری یا برخلاف قوانین و مقررات عمل نمایند در حکم مختلس محسوب و به مجازات مقرر برای مختلسین اموال دولتی محکوم می‌گردند مگر آنکه عمل مرتکب به موجب قانون دیگری مستلزم مجازات شدیدتری باشد که در این صورت به مجازات شدیدتر محکوم می‌شوند.

تبصره ۲- کارکنان تمامی دستگاه‌ها و سازمان‌های مؤثر در امر مبارزه با قاچاق کالا و ارز از جمله ستاد و سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی نیز مشمول حکم این ماده و تبصره (۱) آن می‌شوند.

فصل هفتم - مقررات مربوط به دستگاه کاشف و کشف کالا

ماده ۳۶- دستگاه‌های زیر در حدود وظایف محوله قانونی، کاشف در امر قاچاق محسوب می‌شوند:

الف- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

ب- وزارت جهاد کشاورزی

پ- گمرک جمهوری اسلامی ایران در محدوده اماکن گمرکی

ت- سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان

ث- سازمان حفاظت محیط‌زیست

ج- سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی

چ- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

ح- شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران

خ- شرکت سهامی شیلات ایران

د- شرکت دخانیات ایران

تبصره- ضابطین نیز در حدود وظایف محوله قانونی خود کاشف محسوب می‌شوند.

ماده ۳۷- به موجب این قانون، حفاظت گمرک‌های کشور زیر نظر رئیس کل گمرک جمهوری اسلامی ایران برای حفاظت اماکن گمرکی و کالاهای موجود در آن‌ها و امور اجرائی مبارزه با قاچاق در محدوده آن اماکن با اخذ مجوز از ستاد کل نیروهای مسلح، تشکیل و مأموران آن در حدود وظایف و با شرایط مذکور در قانون آیین دادرسی کیفری ضابط خاص قضائی محسوب می‌شوند.

تبصره ۱- رئیس حفاظت گمرک‌های کشور به پیشنهاد رئیس کل گمرک جمهوری اسلامی ایران پس از تأیید فرمانده نیروی انتظامی و با حکم ستاد کل نیروهای مسلح منصوب می‌شود.

تبصره ۲- نحوه تسلیح نیروهای حفاظت گمرک‌های کشور، حمل و به‌کارگیری سلاح به موجب دستورالعملی است که توسط نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تهیه می‌شود و به تصویب ستاد کل نیروهای مسلح می‌رسد.

ماده ۳۸- هرگاه در زمان کشف جرم قاچاق دستگاه اجرائی کاشف یا دستگاه اجرائی مأمور وصول درآمدهای دولت بر مبنای قرائن و امارات موجود از جمله وسایل و تجهیزات مورد استفاده در ارتکاب جرم، حجم و ارزش کالای مکشوفه احراز نمایند یا احتمال قوی دهند که جرم در یکی از وضعیت‌های زیر واقع گردیده است مکلفند این موضوع را با ذکر قرائن و امارات مزبور برای انجام اقدامات قانونی به مقام قضائی اعلام نمایند:

الف- وقوع جرم به صورت سازمان‌یافته

ب- تعلق کالای قاچاق یا عواید و سود حاصل از آن به شخص یا اشخاصی غیر از متهم

پ- سابقه ارتکاب جرم قاچاق توسط متهم

ماده ۳۹- وزارت اطلاعات و نیروی انتظامی موظف‌اند با هماهنگی مرجع ذیصلاح قضائی، خود یا بنا بر اعلام دستگاه کاشف، شبکه‌های اصلی، گروه‌های سازمان‌یافته قاچاق کالا و ارز و دارایی‌های آن‌ها را شناسایی و اقدام به تشکیل پرونده و تکمیل تحقیقات نمایند.

ماده ۴۰- ضابطین مکلفاند در مبارزه با جرائم قاچاق طبق قانون آیین دادرسی کیفری رفتار نمایند.

ماده ۴۱- به استثنای موارد منطبق با ماده (۲۱) این قانون، هنگام کشف قاچاق، ضابطین مکلفاند اموال مکشوفه و وسایل حمل کالا و یا ارز قاچاق یا محل نگهداری و اختفای آن را مطابق این قانون حسب مورد توقیف و پلمب کنند و صورت جلسه کشف را با ذکر دقیق مشخصات کالا و یا ارز قاچاق، مالک و حاملان آن‌ها تنظیم نمایند و به امضای متهم یا متهمان برسانند و در صورت استنکاف، مراتب را در صورت جلسه کشف قید کنند. ضابطین مکلفاند بلافاصله و در صورت عدم دسترسی ظرف بیست و چهار ساعت از زمان دستگیری، ضمن تحت نظر قرار دادن متهم، پرونده تنظیمی را نزد مرجع صالح ارسال نمایند.

تبصره ۱- در مواردی که دستگاه‌های کاشف فاقد اختیارات ضابطین دادگستری باشند، موظفاند پس از کشف بلافاصله با تنظیم صورت جلسه کشف موضوع را جهت اقدام قانونی به ضابطین یا مراجع قضائی اطلاع دهند.

تبصره ۲- در مورد سایر جرائم مقرر به استثنای ماده (۲۱) این قانون، در صورتی که بیم اختفای ادله، فرار متهم یا تبانی باشد و همچنین در پرونده‌هایی با ارزش کالای قاچاق مکشوفه بالای یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال، صدور قرار وثیقه متناسب با مجازات مقرر الزامی است.

ماده ۴۲- در صورت دلالت قرائن و امارات قوی بر وجود کالا و یا ارز قاچاق، ضابطین می‌توانند پس از کسب مجوز بازرسی از مرجع قضائی به انبارها و اماکن و مستغلات محل اختفاء یا نگهداری کالا و یا ارز قاچاق وارد شوند و حتی المقدور با حضور صاحب محل نسبت به بازرسی محل و کشف قاچاق اقدام نمایند و حسب مورد جهت رسیدگی به مرجع صالح ارجاع دهند.

تبصره ۱- تنظیم صورت جلسه بازرسی محل با ذکر جزئیات امر مانند ساعت بازرسی، افراد حاضر و مشخصات کالا و یا ارز قاچاق مکشوفه الزامی است.

تبصره ۲- بازرسی از اماکن عمومی، نیازی به مجوز موضوع این ماده ندارد.

ماده ۴۳- در پرونده‌هایی که صاحب کالا و ارز قاچاق شناسایی نشده و یا متواری است، ضابطین موظفاند با اخذ دستور از مرجع ذیصلاح و با همکاری تمامی نهادهای ذی‌ربط، بلافاصله به شناسایی مالک اقدام کنند و در صورت عدم حصول نتیجه ظرف یک ماه از تاریخ وصول پرونده به مراجع ذیصلاح، مرجع رسیدگی صالح باید به صورت غیابی رسیدگی و مطابق مقررات این قانون رأی مقتضی را صادر نماید.

تبصره ۱- در رسیدگی غیابی به پرونده‌های قاچاق مکشوفه بلاصاحب، صاحب متواری و یا مجهول‌المالک، ضبط کالای قاچاق مکشوفه مانع رسیدگی به جرائم مالک کالا نیست.

تبصره ۲- در صورتی که کالای قاچاق مکشوفه بلاصاحب، صاحب متواری و یا مجهول‌المالک باشد، کالای مزبور عیناً به ستاد مأذون از سوی ولی فقیه تحویل یا حسب درخواست رسمی نهاد مزبور به فروش رسیده و وجه آن به حساب آن نهاد واریز می‌شود.

فصل هشتم - مراجع صالح رسیدگی به جرم قاچاق

ماده ۴۴- رسیدگی به جرائم قاچاق کالا و ارز سازمان یافته و حرفه‌ای، قاچاق کالاهای ممنوع و قاچاق کالا و ارز مستلزم حبس و یا انفصال از خدمات دولتی در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب است.

سایر پرونده‌های قاچاق کالا و ارز، تخلف محسوب و رسیدگی به آن در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است. چنانچه پرونده‌ای، متهمان متعدد داشته و رسیدگی به اتهام یکی از آنان در صلاحیت مرجع قضائی باشد، به اتهامات سایر اشخاص نیز در این مراجع رسیدگی می‌شود.

تبصره (اصلاحی ۹۴) - در صورتی که پس از ارجاع پرونده به سازمان تعزیرات حکومتی و انجام تحقیقات محرز شود رسیدگی به جرم ارتكابی در صلاحیت مرجع قضائی است، شعبه مرجوع‌الیه مکلف است بلافاصله قرار عدم صلاحیت خود را صادر کند. این قرار پس از تأیید مقام مافوق شعبه در سازمان تعزیرات حکومتی و یا در صورت عدم اعلام نظر آن مقام ظرف مدت یک هفته، قطعی است و پرونده مستقیماً به مرجع قضائی ذیصلاح ارسال می‌شود. همچنین در مواردی که پرونده به تشخیص مرجع قضائی در صلاحیت تعزیرات حکومتی است، پرونده مستقیماً به مرجع مذکور ارسال می‌گردد و شعب سازمان تعزیرات حکومتی مکلف به رسیدگی می‌باشند.

مقررات این تبصره از شمول ماده (۲۸) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ مستثنی است.

ماده ۴۵- هرکدام از شعب دادسرا و دادگاه انقلاب اسلامی، تعزیرات حکومتی و شعب تجدیدنظر آن‌ها ظرف یک ماه از زمان تحویل پرونده باید رسیدگی و رأی نهائی را صادر کنند، مگر مواردی که حسب نوع جرم یا تخلف و علل دیگر، تکمیل شدن تحقیقات نیاز به زمان بیشتری داشته باشد که در این صورت حسب مورد مرجع رسیدگی کننده موظف است علت تأخیر را به صورت مکتوب به مقام مافوق گزارش دهد. عدم ارسال این گزارش موجب محکومیت انتظامی تا درجه سه می‌گردد.

ماده ۴۶- در کلیه مواردی که سازمان تعزیرات حکومتی صالح به رسیدگی است شعب تعزیرات حکومتی همان اختیار مراجع قضائی در رسیدگی به پرونده‌های

مزبور را دارند جز در مواردی که در این قانون به ضرورت اخذ دستور مقام قضائی تصریح شده است.

تبصره ۱- اعضای شعب ویژه رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز سازمان تعزیرات حکومتی به جز در موارد اثبات سوءنیت یا ارتکاب اعمالی که در قانون جرم است، در رابطه با ایفای وظایف قانونی در آراء صادره تحت تعقیب قضائی قرار نمی‌گیرند.

تبصره ۲- به کلیه اتهامات رؤسا و اعضای شعب سازمان تعزیرات حکومتی که در مقام رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز مرتکب می‌شوند در دادسرا و دادگاه‌های مرکز رسیدگی می‌شود.

ماده ۴۷- شعبه رسیدگی کننده ضمن ارسال رونوشتی از مدارک پرونده به گمرک یا سایر سازمان‌های مأمور وصول درآمدهای دولت حسب مورد، در مورد تعیین ارزش کالا و یا ارز مکشوفه و بررسی اسناد ابرازی برای احراز جرم قاچاق استعمال می‌نماید.

همچنین وقت رسیدگی به سازمان‌های مذکور و متهم ابلاغ می‌گردد. سازمان مأمور وصول درآمدهای دولت موظف است ظرف ده روز از تاریخ دریافت استعمال، پاسخ آن را ارسال و نماینده حقوقی خود را نیز برای حضور در جلسه رسیدگی معرفی نماید. در هر صورت، تشکیل جلسه رسیدگی منوط به حضور نماینده مذکور نیست.

ماده ۴۸- در پرونده‌های قاچاق کالای ممنوع، سازمان یافته، حرفه‌ای و یا پرونده‌هایی که ارزش کالای قاچاق مکشوفه بیش از یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال است، مرجع رسیدگی مکلف است نسبت به صدور دستور شناسایی و توقیف اموال متعلق به متهم در حدود جزای نقدی احتمالی از طرق مقتضی، از جمله استعمال از ادارات ثبت اسناد و املاک، مخابرات، بانک‌ها و سازمان بورس و اوراق بهادار، اقدام نماید. مراجع طرف استعمال نیز موظفند ظرف پنج روز پاسخ لازم را به مرجع رسیدگی اعلام کنند.

ماده ۴۹- به منظور اعمال نظارت قضائی بر پرونده‌های قاچاق در سازمان تعزیرات حکومتی، رئیس شعب تجدیدنظر ویژه رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز به پیشنهاد رئیس سازمان پس از تأیید وزیر دادگستری از بین قضات دارای پایه نه قضائی پس از موافقت رئیس قوه قضائیه با ابلاغ ایشان منصوب می‌شوند. **تبصره-** در مواردی که از شعب ویژه تجدیدنظر تعزیرات در موارد مشابه احکام مختلفی صادر شود با درخواست رئیس سازمان یا وزیر دادگستری، موارد جهت ایجاد وحدت رویه به هیئت عمومی دیوان عالی کشور ارسال می‌گردد.

ماده ۵۰- آراء شعب بدوی تعزیرات در مورد قاچاق کالا و ارز که ارزش آن‌ها کمتر از بیست میلیون (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال باشد، قطعی است. در سایر موارد آراء شعب ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ با درخواست محکوم علیه قابل تجدیدنظرخواهی است.

تبصره ۱- جهات تجدیدنظرخواهی در شعب تعزیرات حکومتی مطابق قانون آیین دادرسی کیفری است.

تبصره ۲- آراء صادره از شعب تعزیرات حکومتی در مورد پرونده‌های قاچاق کالا و ارز قابل اعتراض در دیوان عدالت اداری و سایر مراجع قضائی نیست.

تبصره ۳- آراء صادره از شعب بدوی تعزیرات حکومتی و دادگاه انقلاب در صورتی که مبنی بر برائت متهم باشد ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ و پس از درخواست دادستان یا دستگاه مأمور وصول درآمدهای دولت یا ستاد و یا عنداللزوم دستگاه کاشف، قابل تجدیدنظرخواهی است.

پرونده حسب مورد از سوی رئیس سازمان تعزیرات حکومتی یا رئیس کل دادگستری استان برای رسیدگی مجدد به یکی از شعب تجدیدنظر مربوطه ارجاع می‌شود. رأی شعبه تجدیدنظر قطعی و لازم‌الاجرا است.

تبصره ۴ (الحاقی ۹۴)- در کلیه آراء بدوی قطعی یا آرائی که به لحاظ عدم تجدیدنظرخواهی قطعی شده‌اند هرگاه دلیلی بر عدم انطباق رأی با قانون یا عدم تناسب جریمه نقدی با قانون موجود باشد، رئیس سازمان تعزیرات حکومتی می‌تواند تقاضای تجدیدنظر کند.

ماده ۵۱- در کلیه مواردی که شرایط و ضوابط دادرسی در این قانون پیش‌بینی نشده است، مطابق قانون آیین دادرسی کیفری رفتار می‌شود.

ماده ۵۲- متهمانی که به منظور رد اتهام قاچاق به اسناد مثبت گمرکی استناد می‌کنند، مکلف‌اند ظرف ده روز از زمان طرح پرونده در مرجع رسیدگی کننده، اصل آن سند را ارائه نمایند.

این مهلت با عذر موجه به تشخیص مرجع رسیدگی کننده حداکثر یک‌بار دیگر به مدت ده روز قابل تمدید است. به اسنادی که خارج از این مهلت‌ها ارائه شود ترتیب اثری داده نمی‌شود.

فصل نهم - اموال ناشی از قاچاق

ماده ۵۳- دستگاه‌های کاشف و ضابطین موظف‌اند کالاهای قاچاق مکشوفه و کلیه اموال منقول و غیرمنقول و وسایل نقلیه اعم از زمینی، دریایی و هوایی را که در اجرای این قانون، توقیف می‌شوند، به استثنای کالای ممنوع و وسایل نقلیه موضوع ماده (۵۶) این قانون، همراه با رونوشت صورت‌جلسه کشف و توقیف و تشخیص اولیه ارزش کالا، بلافاصله پس از کشف، تحویل سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی نمایند.

این سازمان اقدام به نگهداری کالا نموده و فروش کالای قاچاق منوط به صدور رأی قطعی است.

تبصره ۱- در کلیه مواردی که کالای قاچاق مکشوفه بلاصاحب یا صاحب متواری و یا مجهول‌المالک باشد، عین کالای مزبور به نهاد مأذون از سوی ولی فقیه تحویل می‌شود و یا با هماهنگی و اخذ مجوز فروش از نهاد مأذون کالای مزبور توسط سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی به فروش می‌رسد و وجوه حاصل از آن به حساب نهاد مأذون از سوی ولی فقیه واریز می‌شود.

تبصره ۲- سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی موظف است در مورد کالاهای سریع‌الفساد، سریع‌الاشتعال، احشام و طیور و یا کالاهایی که مرور زمان سبب ایجاد تغییرات کمی و کیفی در آن‌ها می‌شود، پس از اخذ مجوز فروش از مرجع رسیدگی‌کننده، بلافاصله کالا را بر اساس مقررات مربوط به فروش برساند.

تبصره ۳- شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی موظف است فرآورده‌های نفتی قاچاق مکشوفه را از دستگاه کاشف تحویل بگیرد و پس از فروش آن وجه حاصله را به خزانه‌داری کل کشور واریز نماید.

تبصره ۴- دستگاه کاشف مکلف است ارزش مکشوفه به ظن قاچاق را به حساب تعیین شده از سوی بانک مرکزی واریز نماید و پس از قطعیت حکم آن را به حساب ویژه خزانه‌داری کل کشور واریز کند.

در صورتی که وجوه موضوع این تبصره از مصادیق قیدشده در تبصره (۱) این ماده باشد، مطابق تبصره مذکور اقدام می‌شود.

ماده ۵۴- در موارد صدور رأی قطعی براءت متهم و حکم به استرداد کالا، صاحب کالا در صورت وجود عین، مستحق دریافت آن و در غیر این صورت حسب مورد مستحق دریافت مثل یا بهای کالا به قیمت روز فروش بوده و در صورتی که فروش شرعاً یا قانوناً جایز نبوده، در خصوص پرداخت قیمت، مستحق قیمت یوم‌الاداء می‌باشد. حکم این ماده شامل کالاهایی که فروش آن‌ها قانوناً جایز نیست، نمی‌گردد.

تبصره- در مواردی که موضوع ماده مرتبط با قاچاق ارزش باشد، ارزش واریزی به حساب بانک مرکزی با رعایت مقررات مربوط به صاحب آن مسترد می‌شود.

ماده ۵۵- فروش کالای قاچاق منوط به رعایت کلیه ضوابط قانونی از جمله ضوابط فنی، ایمنی، بهداشتی و قرنطینه‌ای است.

در صورتی که فروش کالا مطابق ضوابط فوق بلامانع باشد و به تولید و تجارت قانونی و نیاز واقعی بازار لطمه وارد نکند، پس از اخذ مجوز از مراجع ذی‌ربط و نصب رمزینه موضوع ماده (۱۳) این قانون، توسط سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی فروخته می‌شود.

آیین‌نامه اجرائی این ماده توسط ستاد تهیه می‌شود و به تصویب هیئت‌وزیران می‌رسد.

تبصره - درباره آن دسته از کالاهای قاچاق که وفق قوانین در اختیار سازمان‌ها و نهادهای دیگر از جمله نهاد مأذون از سوی ولی فقیه قرار دارد مانند کالاهای قاچاق بلاصاحب و صاحب متواری و مجهول‌المالک، سازمان یا نهاد مربوط موظف است در فروش اموال مذکور مقررات این قانون را رعایت نماید.

ماده ۵۶- صدور یا معدوم کردن کالاهای قاچاق مکشوفه که فاقد ضوابط فنی، ایمنی، بهداشتی و قرنطینه‌ای است و کالاهای قاچاق ممنوع و همچنین آن بخش از کالاهای موضوع ماده (۵۴) که فروش آن در کشور به تولید داخلی و تجارت قانونی لطمه می‌زند برابر آیین‌نامه‌ای است که توسط ستاد تهیه می‌شود و به تصویب هیئت‌وزیران می‌رسد.

فصل دهم - مقررات عمومی

ماده ۵۷- قاچاق کالا و ارزش از مصادیق جرائم اقتصادی محسوب می‌شود.

ماده ۵۸- در کلیه جرائم و تخلفات موضوع این قانون در خصوص کالا و ارزش، در صورت موجود نبودن عین کالا و یا ارزش قاچاق، مرتکب حسب مورد علاوه بر محکومیت به مجازات‌های مقرر، به پرداخت معادل ارزش کالا و ارزش نیز محکوم می‌شود. موارد خارج از اراده مرتکب در تلف کالا و ارزش مشمول این ماده نمی‌شود.

ماده ۵۹- در صورتی که کشف کالا و یا ارزش قاچاق، همراه با درگیری مسلحانه مرتکبان قاچاق با انواع سلاح گرم و آتش‌زا با مأموران کاشف باشد، در صورتی که وسیله نقلیه متعلق به مرتکبان باشد و یا با استناد به قرائنی از قبیل سابقه مرتکب معلوم شود که مالک عامداً آن را جهت ارتکاب قاچاق در اختیار مرتکب قرار داده است، با حکم مرجع قضائی به نفع دستگاه کاشف جهت استفاده در امر مبارزه با قاچاق ضبط می‌شود. در غیر این صورت خودرو به مالک مسترد و معادل ارزش آن به جزای نقدی مرتکب یا مرتکبان افزوده می‌شود.

ماده ۶۰- در صورتی که محکومان به جریمه‌های نقدی مقرر در این قانون ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ حکم قطعی به پرداخت جریمه‌های مقرر اقدام نمایند، جریمه نقدی از محل وثیقه‌های سپرده‌شده و یا فروش اموال شناسایی‌شده محکوم‌علیه اخذ و مابقی به مالک مسترد می‌شود و چنانچه اموالی شناسایی نشود و یا کمتر از میزان جریمه باشد و جریمه مورد حکم، وصول نشود، جرائم نقدی مذکور مطابق قانون آیین دادرسی کیفری حسب مورد با دستور قضائی اجرای احکام دادسرای مربوطه یا قضائی اجرای احکام تعزیرات حکومتی که از بین قضات دارای پایه پنج قضائی به روش مندرج در ماده (۴۹) این قانون انتخاب می‌شوند به حبس تبدیل می‌شود. در هر صورت حبس بدل از جزای نقدی نباید از پانزده سال بیشتر باشد.

تبصره ۱- در مورد احکام صادره از شعب تعزیرات حکومتی پرونده جهت صدور حکم مبنی بر تبدیل جزای نقدی به حبس به شعبه یا شعبی از دادگاه‌های حوزه قضائی مربوطه که توسط رئیس قوه قضائیه تعیین می‌شود ارجاع می‌گردد تا ظرف ده روز نسبت به مورد، اقدام مقتضی معمول نمایند.

تبصره ۲- جزای نقدی مازاد بر حبس تبدیلی در صورت شناسایی اموالی از محکوم علیه، حتی پس از اتمام حبس وصول می‌گردد.

ماده ۶۱- ستاد می‌تواند در خصوص پرونده‌های مربوط به جرائم موضوع این قانون و یا جرائم مرتبط حسب مورد از طریق دادستان، تعقیب و رسیدگی به پرونده را از بدو تشکیل تا مرحله اجرای احکام، از مراجع رسیدگی کننده تقاضا نماید.

ماده ۶۲- سازمان مأمور وصول درآمدهای دولت مکلف است، فهرست ارزش کالاهای وارداتی را بر اساس نرخ برابری ارز اعلامی توسط بانک مرکزی به صورت سالانه در اختیار کلیه دستگاه‌های کاشف و ضابطین قضائی مرتبط برای تعیین ارزش اولیه قرار دهد.

در صورتی که در طول سال در فهرست ارزش کالاهای وارداتی تغییرات عمده‌ای رخ دهد، توسط سازمان ذی ربط اعلام می‌شود.

ماده ۶۳- حکم تعدد و یا تکرار ارتکاب قاچاق و معاونت آن و مجازات تبعی و تکمیلی، مطابق قانون مجازات اسلامی است.

ماده ۶۴- به موجب قانون سال ۱۳۹۴ حذف شد.

ماده ۶۵- چنانچه قرائنی از قبیل جاسازی و نظایر آن حاکی از اطلاع مالک وسیله نقلیه یا محل نگهداری، از استفاده آن‌ها در قاچاق کالا و ارز باشد و مالک نیز اقدام بازدارنده به عمل نیاورده باشد علاوه بر حداقل مجازات مقرر برای مرتکب، وسیله نقلیه به شرح مندرج در ماده (۲۰) این قانون، ضبط می‌شود و در مورد ضبط محل نگهداری کالای ممنوع، ماده (۲۲) این قانون و تبصره‌های آن اعمال می‌گردد.

در صورتی که محکوم علیه ظرف دو ماه از تاریخ صدور حکم قطعی، جزای نقدی مورد حکم را نپردازد، از محل فروش آن‌ها برداشت و مابقی به مالک مسترد می‌گردد.

ماده ۶۶- چنانچه دو یا چند نفر در ارتکاب قاچاق شرکت نمایند، مرجع رسیدگی علاوه بر حکم به ضبط کالای قاچاق، سهم هر یک را از کل جزای نقدی تعیین و به پرداخت آن محکوم می‌نماید و در صورتی که کالا یا ارز قاچاق، از بین رفته باشد بهای آن نیز به نسبت مالکیت دریافت می‌شود.

تبصره- چنانچه جرم ارتکابی مجازات حبس و یا شلاق نیز داشته باشد، هر یک از شرکا به مجازات حبس و یا شلاق مقرر محکوم می‌گردد.

ماده ۶۷- اگر قاچاق توسط شخص حقوقی ارتکاب یابد، مرجع صدور حکم نسبت به ضبط کالا و یا ارز قاچاق مکشوفه اقدام می‌کند و شخص حقوقی، علاوه بر محکومیت به جزای نقدی، حسب مورد به دو تا چهار برابر حداکثر جریمه مقرر برای شخص حقیقی به ترتیب زیر محکوم می‌شود:

الف- در مورد قاچاق کالای غیر ممنوع و ارز در مرتبه اول ممانعت از فعالیت شخص حقوقی از یک تا دو سال و در مرتبه دوم انحلال شخص حقوقی

ب- در مورد قاچاق کالای ممنوع و یا سازمان یافته، انحلال شخص حقوقی

تبصره ۱- افراد موضوع این ماده محکومیت قطعی می‌یابند و تا پنج سال مجاز به تأسیس و مشارکت در اداره شخص حقوقی نیستند.

تبصره ۲- چنانچه شخص حقوقی، وابسته به دولت یا مأمور به خدمات عمومی باشد، مرجع رسیدگی کننده، کارکنان و مدیران مرتکب قاچاق را علاوه بر مجازات‌های مربوط حسب مورد به محرومیت یا انفصال دائم یا موقت از خدمات دولتی و عمومی غیردولتی محکوم می‌نماید.

تبصره ۳- اگر منافع حاصل از قاچاق به شخص حقوقی تعلق یابد و یا برای تأمین منافع شخص حقوقی به قاچاق اقدام گردد، جریمه‌ها از محل دارایی شخص حقوقی وصول می‌شود.

تبصره ۴- در خصوص مدیر شخص حقوقی که از عمل مباشران، علم و اطلاع داشته باشد نیز مطابق قانون مجازات اسلامی عمل می‌شود. منظور از مدیر شخص حقوقی کسی است که اختیار نمایندگی یا تصمیم‌گیری یا نظارت بر شخص حقوقی را دارد.

ماده ۶۸ (اصلاحی ۹۴)- مجازات شروع به قاچاق، علاوه بر ضبط کالا یا ارز حسب مورد حداقل مجازات قاچاق کالا و ارز موضوع این قانون است.

تبصره- چنانچه وسایل نقلیه حامل کالای ممنوع به آب‌های تحت نظارت جمهوری اسلامی ایران داخل یا قبل از ورود از طریق قرائن و اماراتی حرکت به مقصد ایران احراز شود و یا اقدامات فوق با همکاری شناورهای ایرانی انجام شود، حامل به مجازات شروع به جرم موضوع این ماده محکوم می‌شود.

ماده ۶۹- مرجع رسیدگی کننده ذیصلاح حسب مورد می‌تواند با توجه به شرایط، نحوه، دفعات ارتکاب جرم و شخصیت مرتکب، علاوه بر مجازات‌های مقرر در این قانون، وی را به‌عنوان تکمیل مجازات، به یک یا چند مورد مرتبط از محرومیت‌های زیر محکوم نماید:

الف- تعلیق موقت یا ابطال دائم:

۱- کارت بازرگانی

۲- کارت مبادلات مرزی

۳- کارت ملوانی

۴- پروانه کسب، تأسیس، بهره‌برداری یا حق‌العمل کاری

۵- پروانه حمل و نقل

۶- گواهینامه رانندگی وسایل نقلیه زمینی، دریایی و هوایی

ب- تعطیل موقت یا دائم محل کسب و پیشه و تجارت

پ- محرومیت از اشتغال به حرفه یا حرف خاص از یک تا پنج سال

ت- محرومیت از تأسیس شرکت و یا عضویت در هیئت‌مدیره و مدیرعاملی اشخاص حقوقی از یک تا پنج سال

ث- ممنوعیت خروج از کشور تا پنج سال

ماده ۷۰- مرجع رسیدگی‌کننده ذی‌صلاح در مورد شرکت‌ها و مؤسسات حمل و نقل داخلی و بین‌المللی که مدیران یا متصدیان آنها مرتکب قاچاق کالا یا حمل کالای خارجی فاقد اسناد مثبت گمرکی شده‌اند با توجه به شرایط، نحوه، دفعات ارتکاب جرم و شخصیت مرتکب علاوه بر مجازات‌های مقرر در این قانون به شرح زیر حکم می‌نماید:

الف- مرتبه اول سه تا شش ماه محرومیت اشتغال مدیران یا متصدیان

ب- مرتبه دوم شش ماه تا یک سال محرومیت اشتغال مدیران یا متصدیان

تبصره- در صورتی که شرکت و مؤسسه به قصد قاچاق تأسیس شود و یا پس از تأسیس، فعالیت و هدف آن به این منظور منحرف گردد در مرتبه اول، فعالیت شرکت سه ماه تا یک سال تعلیق می‌شود و در صورت تکرار، شرکت منحل می‌گردد.

ماده ۷۱- جزای نقدی مقرر در این قانون از سوی مرجع رسیدگی‌کننده قابل تعلیق و تخفیف نیست و مجازات‌های حبس و شلاق در جرائم قاچاق کالاهای ممنوعه، حرفه‌ای و سازمان‌یافته موضوع این قانون نیز قابل تعلیق نمی‌باشد.

ماده ۷۲- هرگاه اشخاصی که مرتکب جرائم موضوع این قانون شده‌اند، در مراحل تحقیقات مقدماتی، با اقرار خود موجبات کشف کالا و ارز و یا دستگیری سر شبکه‌های قاچاق و سایر متهمان را فراهم کنند، بنا به تشخیص مرجع رسیدگی، ضمن ضبط کالا و ارز قاچاق از کیفرهای موضوع این قانون معاف یا در مجازات آنان تخفیف متناسب داده می‌شود.

ماده ۷۳- به منظور ثبت و دسترسی سریع به سوابق محکومان و ارائه آن به مراجع ذی‌ربط، پایگاه اطلاعات محکومان قاچاق کالا و ارز در مرکز فن‌آوری و اطلاعات قوه قضائیه تشکیل می‌گردد.

تمامی واحدهای اجرای احکام مکلف‌اند به محض دریافت رأی قطعی محکومیت‌های راجع به قاچاق کالا و ارز، مشخصات فردی محکومان را در این پایگاه ثبت نمایند.

مبادله اطلاعات بین سازمان تعزیرات حکومتی و قوه قضائیه باید به نحوی باشد که امکان تعامل داده‌ها و استفاده کاربران طرفین وجود داشته باشد.

تبصره- نحوه و سطوح دسترسی مراجع ذی‌ربط به داده‌ها به موجب آیین‌نامه‌ای است که توسط سازمان تعزیرات حکومتی و قوه قضائیه تهیه می‌شود و حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

ماده ۷۴- مسئولان مستقیم دستگاه‌های کاشف و مأمور وصول درآمدهای دولت و سایر مراجعی که برای رسیدگی به پرونده‌های قاچاق موضوع این قانون مورد خطاب کتبی مرجع رسیدگی‌کننده و یا دستگاه مأمور وصول درآمدهای دولت قرار می‌گیرند، چنانچه ظرف بیست روز از تاریخ وصول استعلام نسبت به پاسخگویی مستند اقدام ننمایند، به مجازات منع اشتغال در شغل خود در نوبت اول و انقصال موقت تا شش ماه از خدمات دولتی در نوبت‌های بعدی محکوم می‌گردند، مگر اینکه اثبات نمایند عدم ارسال پاسخ، مستند به عذر موجه قانونی بوده است. رسیدگی به این امر در صلاحیت محاکم کیفری دادگستری مراکز استان‌ها می‌باشد.

ماده ۷۵- نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران موظف است برای ابلاغ و اجرای احکام موضوع این قانون مأموران انتظامی آموزش‌دیده را در واحدهای اجرای احکام قوه قضائیه و تعزیرات حکومتی مستقر نماید. وزارت دادگستری و سازمان تعزیرات حکومتی موظف‌اند امکانات لازم را برای استقرار این نیروها فراهم کنند.

ماده ۷۶- به موجب قانون سال ۱۳۹۴ حذف شد.

ماده ۷۷- از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲/۱۲/۲۹ با اصلاحات بعدی، قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴/۲/۱۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام، قانون راجع به جلوگیری از عمل قاچاق توسط وسایل نقلیه موتوری دریایی مصوب ۱۳۳۶/۸/۹، مواد (۳۵) و (۳۶) قانون تأسیس سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی مصوب ۱۳۷۰/۱۰/۲۴، ماده (۶۲) قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴، تبصره ماده (۳)، ماده (۸) و بند (ب) ماده (۹) قانون ممنوعیت به‌کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره مصوب ۱۳۷۳/۱۱/۲۳، بند (د) ماده (۲۲) قانون حفاظت از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۴/۶/۱۴، تبصره (۱) ماده (۳) قانون الحاق یک تبصره به ماده (۱) و اصلاح ماده (۳) قانون مربوط به مقررات امور

پزشکی و دارویی و خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۷۹/۱۲/۱۰، بندهای (۱)، (۲) و (۴) ماده (۱۲) قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۴/۸/۵، مواد (۳)، (۴)، (۵)، (۶) و (۷) قانون اختیارات مالی و استخدامی سازمان بنادر و کشتیرانی و تشکیل گارد بنادر و گمرکات مصوب ۱۳۴۸/۴/۱۹ و لایحه قانونی انحلال گارد بنادر و گمرکات مصوب ۱۳۵۸/۹/۱۴ شورای انقلاب نسخ می‌شود.

تبصره ۵ - کلیه مبالغ حاصل از اجرای این قانون از قبیل وجوه ناشی از فروش کالا و ارز قاچاق، وسایل ضبطی و جریمه‌های وصولی به حساب ویژه‌ای نزد خزانه‌داری کل کشور واریز می‌گردد.

از وجوه واریزی، سالانه تا مبلغ دویست میلیارد (۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال برای مبارزه با قاچاق کالا و ارز متناسب با تأثیر دستگاه‌های متکفل امر مبارزه با قاچاق و برنامه‌های ارائه شده مطابق آیین‌نامه‌ای که به پیشنهاد ستاد و وزارت دادگستری تهیه می‌شود و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد، میان کاشفان، دستگاه‌های ذی‌ربط و مراجع رسیدگی کننده هزینه می‌گردد.

این مبلغ در مهرماه هر سال متناسب با نرخ تورم کشور نسبت به سال قبل تعدیل می‌شود. در مواردی که متهمان اصلی شناسایی و به مرجع رسیدگی کننده معرفی گردند، ضریب پرداخت وجوه مربوط به حق‌الکشف در هر پرونده دو برابر سایر موارد است. میزان کارمزد فروش و نحوه محاسبه هزینه محل نگهداری و تأمین سایر هزینه‌های مترتبه بر کالای موضوع این قانون در آیین‌نامه مذکور تعیین و پرداخت می‌شود.

مصرف و اختصاص وجوه موضوع این ماده در غیر از موارد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، تصرف غیرقانونی در اموال دولتی محسوب و مرتکب به مجازات مقرر در قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود.

ستاد موظف است عملکرد این تبصره را هر شش ماه یک‌بار به کمیسیون‌های اقتصادی و قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی گزارش نماید.

قانون مبارزه با پول‌شویی

مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۲ با اصلاحات ۱۳۹۷/۱۰/۱۵

ماده ۱ (اصلاحی ۱۵/۱۰/۱۳۹۷) - اصطلاحات مندرج در این قانون در معانی مشروح زیر به کار می‌رود:

الف - جرم منشأ: هر رفتاری است که مطابق ماده (۲) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱/۲/۱۳۹۲ جرم محسوب شود. از منظر این قانون تخلفات مذکور در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز با اصلاحات بعدی جرم محسوب می‌شود.

ب - مال: هر نوع دارایی اعم از مادی یا غیرمادی، منقول یا غیرمنقول، مشروع یا غیر مشروع و هر نوع منفعت یا امتیاز مالی و همچنین کلیه اسناد مبین حق اعم از کاغذی یا الکترونیکی نظیر اسناد تجاری، سهام یا اوراق بهادار.

پ - مال حاصل از جرم: هر مالی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم از جرم منشأ به دست آید از قبیل مالی که از جرائم اقتصادی و جرم تأمین مالی تروریسم حاصل می‌شود

همچنین، مال موضوع جرم یا مالی که برای ارتکاب جرم اختصاص داده شده است در حکم مال به‌دست‌آمده از جرم است.

ت - اشخاص مشمول: اشخاص مذکور در مواد (۵) و (۶) این قانون.

ث - مشاغل غیرمالی: مشاغلی که شاغلین آن معاملات زیادی را به‌صورت نقدی انجام داده و از نظر پول‌شویی در معرض خطر قرار دارند از قبیل پیش‌فروش‌کنندگان مسکن یا خودرو، طلافروشان، صرافان، فروشندگان خودرو، فرش‌های قیمتی، فروشندگان عتیقه‌جات و هر نوع محصول گران‌قیمت.

ج - خدمات پایه: خدماتی است که طبق مقررات مربوطه، پیش‌نیاز و لازمه ارائه سایر خدمات توسط اشخاص مشمول می‌باشد و پس از آن ارباب‌رجوع به منظور اخذ خدمات مکرر و متمادی به اشخاص مشمول مراجعه می‌کنند.

چ - معاملات و عملیات مشکوک:

معاملات و عملیات مشکوک شامل هر نوع معامله، دریافت یا پرداخت مال اعم از فیزیکی یا الکترونیکی یا شروع به آن‌ها است که بر اساس قرائن و اوضاع و احوالی مانند موارد زیر ظن وقوع جرم را ایجاد کند:

۱ - معاملات و عملیات مالی مربوط به ارباب‌رجوع که بیش از سطح فعالیت مورد انتظار وی باشد.

۲ - کشف جعل، اظهار کذب یا گزارش خلاف واقع از سوی مراجعان قبل یا بعد از آنکه معامله یا عملیات مالی صورت گیرد و نیز در زمان اخذ خدمات پایه.

۳ - معاملات یا عملیات مالی که به هر ترتیب مشخص شود صوری یا ظاهری بوده و مالک شخص دیگری است.

۴ - معاملات یا عملیات مالی بیش از سقف مقرر در آیین‌نامه اجرائی این قانون هر چند مراجعان قبل یا حین معامله یا عملیات مزبور از انجام آن انصراف داده یا بعد از انجام آن بدون دلیل منطقی نسبت به فسخ قرارداد اقدام نمایند.

ماده ۲ (اصلاحی ۱۳۹۷/۱۰/۱۵) - پول‌شویی عبارت است از:

الف - تحصیل، تملک، نگهداری یا استفاده از عواید حاصل از ارتکاب جرائم با علم به منشأ مجرمانه آن.

ب - تبدیل، مبادله یا انتقال عوایدی به منظور پنهان یا کتمان کردن منشأ مجرمانه آن با علم به اینکه به طور مستقیم یا غیرمستقیم از ارتکاب جرم به دست آمده یا کمک به مرتکب جرم منشأ به‌نحوی که وی مشمول آثار و تبعات قانونی ارتکاب آن جرم نشود.

پ - پنهان یا کتمان کردن منشأ، منبع، محل، نقل و انتقال، جابه‌جایی یا مالکیت عوایدی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در نتیجه جرم تحصیل شده باشد.

تبصره ۱ - هرگاه ظن نزدیک به علم به عدم صحت معاملات و تحصیل اموال وجود داشته باشد مانند آن که نوعاً و با توجه به شرایط امکان تحصیل آن میزان دارایی در یک زمان مشخص وجود نداشته باشد مسؤولیت اثبات صحت آن‌ها بر عهده متصرف است. منظور از علم در این تبصره و تبصره (۳) همان است که در قانون مجازات اسلامی برای علم قاضی تعریف شده است.

تبصره ۲ - دارا شدن اموال موضوع این قانون منوط به ارائه اسناد مثبت می‌باشد. علاوه بر این چنانچه ارزش اموال مزبور بیش از ده میلیارد (۱۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال برای سال پایه و معادل افزایش‌یافته آن بر اساس نرخ تورم برای سال‌های بعد باشد وجود سابقه از آن در سامانه‌های مربوطه مطابق قوانین و مقررات لازم است. عدم تقدیم اسناد مثبت که قابل راستی‌آزمایی باشد به حکم دادگاه مستوجب جزای نقدی به میزان یک‌چهارم ارزش آن اموال خواهد بود، در این صورت اصل مال موضوع قانون تا زمان رسیدگی قضائی توقیف می‌شود. چنانچه پس از رسیدگی اثبات شود دارا شدن مشروع بوده از مال رفع توقیف و در غیر این صورت ضبط می‌شود.

تبصره ۳ - چنانچه ظن نزدیک به علم بر تحصیل مال از طریق نامشروع وجود داشته باشد در حکم مال نامشروع محسوب و مرتکب در صورتی که مشمول مجازات شدیدتری نباشد به حبس درجه شش محکوم می‌شود. در هر صورت مال مزبور ضبط خواهد شد مگر اینکه تحصیل مشروع آن اثبات شود.

ماده ۳ (اصلاحی ۱۳۹۷/۱۰/۱۵) - عواید حاصل از جرم به معنای هر نوع مال یا امتیازی است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم از ارتکاب جرائم، اعم از جرائم منشأ و پول‌شویی، به دست آمده باشد.

تبصره ۱ - جرم منشأ موضوع این ماده اعم است از اینکه در داخل یا در خارج از کشور واقع شده باشد مشروط بر اینکه جرم واقع شده در خارج از کشور جمهوری اسلامی ایران نیز مطابق قانون جرم باشد.

تبصره ۲ - کلیه آلات و ادواتی که در فرآیند جرم پول‌شویی وسیله ارتکاب جرم بوده یا در اثر جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب، استعمال و یا برای استعمال اختصاص یافته و در هر مرحله از مراحل تعقیب و رسیدگی به دست آید در صورت احراز اطلاع مالک از قصد مجرمانه مرتکب توقیف می‌شود. این ابزار و اموال از لحاظ شیوه نگهداری و سایر امور تابع مقررات ماده (۱۴۷) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۴/۱۲/۱۳۹۲ خواهد بود.

ماده ۴ (اصلاحی ۱۳۹۷/۱۰/۱۵) - به‌منظور هماهنگی برای پیشگیری و مقابله با جرائم پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم، شورای عالی مقابله و پیشگیری از جرائم پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم که در این قانون به اختصار شورا نامیده می‌شود، به ریاست وزیر امور اقتصادی و دارایی و با عضویت وزرای صنعت، معدن و تجارت، اطلاعات، کشور، دادگستری و امور خارجه، نماینده رئیس قوه قضائیه، دادستان کل کشور یا نماینده وی، رئیس سازمان اطلاعات سپاه، رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و سه نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به‌عنوان ناظر به پیشنهاد کمیسیون‌های اقتصادی، شوراها و امور داخلی کشور و قضائی و حقوقی و تصویب مجلس با وظایف ذیل تشکیل می‌شود:

۱ - تعیین راهبردها و برنامه‌ریزی در جهت اجرای قانون.

۲ - تهیه و پیشنهاد آیین‌نامه‌های لازم در خصوص اجرای قانون برای تصویب به هیئت‌وزیران.

۳ - هماهنگ کردن دستگاه‌های زیر مجموعه دولت در امر جمع‌آوری، پردازش و تحلیل اخبار، اسناد، مدارک، اطلاعات و گزارش‌های واصله، تهیه سامانه‌های هوشمند و شناسایی معاملات مشکوک و گزارش به مراجع ذی‌ربط جهت انجام اقدامات لازم.

تبصره ۱ - دبیرخانه شورا در وزارت امور اقتصادی و دارایی خواهد بود.

تبصره ۲ - ساختار و تشکیلات اجرائی شورا متناسب با وظایف قانونی آن با پیشنهاد شورا به تصویب هیئت‌وزیران خواهد رسید.

تبصره ۳ - کلیه آیین‌نامه‌های اجرائی شورای فوق‌الذکر پس از تصویب هیئت‌وزیران برای تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی ذی‌ربط، با رعایت ماده (۱۴) این قانون لازم‌الاجرا خواهد بود. متخلف از این امر به تشخیص مراجع اداری و قضائی حسب مورد به دو تا پنج سال انفصال از خدمت مربوط یا محرومیت از همان شغل محکوم خواهد شد.

ماده ۵ (اصلاحی ۱۳۹۷/۱۰/۱۵) - کلیه صاحبان مشاغل غیرمالی و مؤسسات غیرانتفاعی و همچنین اشخاص حقیقی و حقوقی از جمله بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک‌ها، مؤسسات مالی و اعتباری، بیمه‌ها، بیمه مرکزی، صندوق‌های قرض‌الحسنه، بنیادها و مؤسسات خیریه، شهرداری‌ها، صندوق‌های بازنشستگی، نهادهای عمومی غیردولتی، تعاونی‌های اعتباری، صرافی‌ها، بازار سرمایه (بورس‌های اوراق بهادار) و سایر بورس‌ها، شرکت‌های کارگزاری، صندوق‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری و همچنین مؤسساتی که شمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر نام می‌باشد از قبیل شرکت ملی نفت ایران، سازمان گسترش و نوسازی ایران و غیر آن‌ها، مکلفانند آیین‌نامه‌های اجرائی هیئت‌وزیران در ارتباط با این قانون و قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم را اجرا کنند.

ماده ۶ (اصلاحی ۱۳۹۷/۱۰/۱۵) - کلیه اشخاص موضوع ماده (۵) این قانون، از جمله گمرک جمهوری اسلامی ایران، سازمان امور مالیاتی کشور، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، دفاتر اسناد رسمی، وکلای دادگستری، حساب‌برسان، حسابداران، کارشناسان رسمی دادگستری و بازرسان قانونی مکلفانند اطلاعات مورد نیاز در اجرای این قانون را طبق مصوبات هیئت‌وزیران حسب درخواست شورا یا مرکز اطلاعات مالی به آن‌ها ارائه نمایند.

ماده ۷ (اصلاحی ۱۳۹۷/۱۰/۱۵) - اشخاص، نهادها و دستگاه‌های مشمول این قانون (موضوع مواد ۵ و ۶) برحسب نوع فعالیت و ساختار سازمانی خود مکلف به رعایت موارد زیر هستند:

الف - احراز هویت و شناسایی مراجعان، مالکان واقعی و در صورت اقدام توسط نماینده یا وکیل، احراز سمت و هویت نماینده، وکیل و اصیل.

تبصره - مقررات این بند نافی ضرورت احراز هویت به موجب قوانین و مقررات دیگر نیست.

ب - ارائه اطلاعات، گزارش‌ها، اسناد و مدارک لازم به مرکز اطلاعات مالی در چهارچوب قانون و آیین‌نامه مصوب هیئت‌وزیران.

پ - ارائه گزارش معاملات یا عملیات یا شروع به عملیات بیش از میزان مصوب شورا یا معاملات و عملیات مشکوک بانکی، ثبتی، سرمایه‌گذاری، صرافی، کارگزاری و مانند آن‌ها به مرکز اطلاعات مالی.

تبصره - معاملات و عملیات مشکوک شامل هر نوع معامله، دریافت یا پرداخت مال اعم از فیزیکی یا الکترونیکی یا شروع به آن‌ها است که بر اساس اوضاع و احوالی مانند ارزش، موضوع یا طرفین آن برای انسان به طور متعارف ظن وقوع جرم را ایجاد کند؛ نظیر:

۱ - معاملات و عملیات مالی مربوط به ارباب‌رجوع که به نحو فاحش بیش از سطح فعالیت مورد انتظار وی باشد.

۲ - کشف جعل، اظهار کذب یا گزارش خلاف واقع از سوی مراجعان قبل یا بعد از آنکه معامله یا عملیات مالی صورت گیرد و نیز در زمان اخذ خدمات پایه.

۳ - معاملات یا عملیات مالی که به هر ترتیب مشخص شود صوری یا ظاهری بوده و مالک شخص دیگری است.

۴ - معاملات یا عملیات مالی که اقامتگاه قانونی هریک از طرفین در مناطق پرخطر (از نظر پول‌شویی) واقع شده است. فهرست این مناطق توسط شورا مشخص می‌شود.

۵ - معاملات یا عملیات مالی بیش از سقف مقرر در آیین‌نامه اجرائی. هرچند مراجعان، قبل یا حین معامله یا عملیات مزبور از انجام آن انصراف داده یا بعد از انجام آن بدون دلیل منطقی نسبت به فسخ قرارداد اقدام نمایند.

ت - نگهداری سوابق مربوط به شناسایی ارباب‌رجوع، مالک، سوابق حساب‌ها، عملیات و معاملات داخلی و خارجی حداقل به مدت پنج سال پس از پایان رابطه کاری یا انجام معامله موردی است که شیوه آن به موجب آیین‌نامه اجرائی این قانون تعیین می‌شود.

تبصره - این بند ناقض سایر قوانین که نگهداری اسناد را بیش از مدت یادشده الزامی نموده نخواهد بود.

ث - تدوین معیارهای کنترل داخلی و آموزش مدیران و کارکنان به منظور رعایت مفاد این قانون و آیین‌نامه‌های اجرائی آن.

تبصره - هر یک از مدیران و کارکنان دستگاه‌های اجرائی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۸/۷/۱۳۸۶ عالمأ و عامداً و به قصد تسهیل جرائم موضوع این قانون از انجام تکالیف مقرر در هر یک از بندهای فوق به استثنای بند «ث» خودداری نماید علاوه بر انفصال موقت درجه شش به جزای نقدی درجه شش محکوم می‌شود. در صورتی که عدم انجام تکالیف مقرر ناشی از تقصیر باشد مرتکب به انفصال موقت درجه هفت محکوم خواهد شد. مدیران و کارکنان سایر دستگاه‌های حاکمیتی و بخش‌های غیردولتی در صورت عدم انجام تکالیف مقرر در این ماده به استثنای بند «ث»، به جزای نقدی درجه شش محکوم می‌گردند.

ماده ۷ مکرر (الحاقی ۱۳۹۷/۱۰/۱۵) - به منظور اجرای این قانون و قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم، سیاست‌ها و تصمیمات شورا، «مرکز اطلاعات مالی» با ساختار و ترکیب مندرج در تبصره (۲) این ماده زیر نظر شورا با وظایف و اختیارات زیر در وزارت امور اقتصادی و دارایی تشکیل می‌شود:

الف - دریافت، گردآوری، نگهداری، تجزیه و تحلیل و ارزیابی اطلاعات و بررسی معاملات و عملیات مشکوک به پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم، ردیابی جریان وجوه و انتقال اموال با رعایت ضوابط قانونی و گزارش معاملات و عملیات مشکوک به پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم.

ب - وزارت اطلاعات، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، گمرک جمهوری اسلامی ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک‌ها، سازمان ثبت

احوال کشور، بیمه مرکزی ایران، سازمان امور مالیاتی کشور، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، سازمان حسابرسی، سازمان بورس و اوراق بهادار، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ستاد مبارزه با مواد مخدر و سازمان تعزیرات حکومتی، موظفان پاسخ استعلامات مرکز در مورد اطلاعات تکمیلی مرتبط با معاملات و تراکنش‌های مالی مشکوک به پول‌شویی را به صورت برخط امن به این مرکز ارسال نمایند. همچنین، اطلاعات موضوع این ماده با لحاظ مفاد ماده (۱۱۷) قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۴/۱۲/۱۳۹۵ در اختیار قوه قضائیه قرار می‌گیرد.

تبصره - واگذاری اطلاعات امنیتی طبقه‌بندی‌شده بعد از طی مراحل رسیدگی اطلاعاتی ارائه خواهد شد.

پ - بررسی و ارزیابی نحوه تحصیل و مشروعیت دارایی‌ها و عملیات مشکوک اشخاص در گزارش‌های واسله و ارسال آن‌ها به مراجع ذی‌صلاح قضائی برای رسیدگی در مواردی که به احتمال قوی صحت دارد و یا محتمل بودن آن از اهمیت برخوردار است.

ت - جلوگیری از نقل و انتقال وجوه یا اموال مشکوک به پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم و اطلاع به مرجع صالح قضائی جهت رسیدگی مطابق حکم تبصره (۱) این ماده.

ث - ارائه مشاوره به اشخاص مشمول برای مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم در قالب ابلاغ اصول راهنما.

ج - تدوین آیین‌نامه‌های مربوط به روش‌ها و مصادیق گزارش معاملات مالی مشکوک و اعمال موضوع این قانون و قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم جهت تصویب در هیئت‌وزیران و سپس ارجاع به مراجع ذی‌ربط.

چ - تهیه برنامه‌های آموزشی در زمینه آثار زیان‌بار پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم، شیوه‌های متداول در انجام جرائم مذکور و ابزارهای مؤثر پیشگیری از آن، از طریق شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم.

ح - همکاری با اشخاص، سازمان‌ها و نهادها یا دستگاه‌های دولتی و سازمان‌های مردم‌نهاد که در زمینه مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم فعالیت می‌کنند.

خ - تهیه و ارسال منظم گزارش‌هایی درباره اقدامات انجام‌شده و ارائه پیشنهادهاى مربوط به شورا و شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم.

د - همکاری و تبادل اطلاعات با مراکز مشابه در سایر کشورها، سازمان‌ها، مجامع منطقه‌ای، بین‌الدولی و بین‌المللی ذی‌ربط مطابق قوانین و مقررات.

ضوابط و نحوه همکاری و تبادل اطلاعات و همچنین چگونگی انتخاب طرف‌های تبادل به موجب آیین‌نامه‌ای است که توسط شورا تهیه شده و به تصویب شورای عالی امنیت ملی می‌رسد.

ذ - انجام سایر وظایف محوله از سوی شورا در چهارچوب مقررات این قانون.

تبصره ۱ - توقیف و جلوگیری از نقل و انتقال وجوه یا اموال مشکوک به جرائم پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم و یا انجام هرگونه تحقیقات منوط به اخذ مجوز از مراجع قضائی ذی‌صلاح است؛ مگر در موارد فوری که به مقام قضائی دسترسی نیست که در این صورت مرکز اطلاعات مالی می‌تواند دستور توقیف و جلوگیری از انتقال وجوه و اموال مشکوک را حداکثر تا بیست‌و‌چهار ساعت صادر و بلافاصله پس از حصول دسترسی، مراتب را به مقام قضائی گزارش و مطابق دستور وی عمل کند. چنانچه بعد از بیست‌و‌چهار ساعت مجوز مراجع قضائی صادر نشود، رفع توقیف می‌شود.

تبصره ۲ - مرکز اطلاعات مالی یک مؤسسه دولتی تابع وزارت امور اقتصادی و دارایی است. این مرکز متشکل از رئیس و به تعداد لازم معاون و گروه‌های کارشناسی از قبیل کارگروه حقوقی قضائی، پیگیری و نظارت، تحلیل و بررسی اطلاعات مالی می‌باشد. رئیس مرکز از میان افراد دارای حداقل ده سال سابقه مدیریتی یا قضائی مرتبط و با شرایط زیر با رأی حداقل دوسوم اعضای شورا و با حکم رئیس شورا منصوب می‌شود. دوره ریاست چهار سال و تجدید آن برای یک‌بار مجاز است. تشکیلات این مرکز در چهارچوب این قانون بر اساس آیین‌نامه‌ای است که توسط شورا تدوین می‌شود و به تصویب هیئت‌وزیران می‌رسد.

علاوه بر رعایت قوانین و مقررات عمومی، رئیس و کارکنان مرکز باید دارای این شرایط باشند:

۱ - وثاقت و حسن شهرت

۲ - توانایی انجام وظایف

۳ - نداشتن هرگونه سابقه محکومیت کیفری

۴ - سلامت مالی، اخلاقی و امنیتی

۵ - تعهد به اسلام، انقلاب، نظام اسلامی و قانون اساسی و التزام اعتقادی و عملی به ولایت‌فقیه

شرایط مقرر در بندهای (۱)، (۴) و (۵) از وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه استعلام می‌شود و صرفاً پس از احراز کلیه شرایط مذکور و همچنین پس از دریافت موافقت این دو نهاد در خصوص بندهای مورد اشاره، رئیس مرکز مطابق مقررات فوق و سایر کارکنان مرکز، توسط رئیس مرکز تعیین می‌شوند. کلیه دستگاه‌های اجرائی از قوای سه‌گانه و نیروهای نظامی و انتظامی مکلف‌اند در صورت درخواست مرکز اطلاعات مالی و با تصویب شورا نسبت به تأمین کارکنان بخش‌های مرکز که از افراد مجرب و با سابقه آن نهاد انتخاب می‌شوند همکاری لازم را داشته باشند. همکاری نیروهای نظامی و انتظامی بر اساس ضوابط

مربوطه فرماندهی کل قوا است.

تبصره ۳ - علاوه بر ضابطین عام، وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه در جرائم این قانون و قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم ضابط دادگستری می‌باشند.

تبصره ۴ - نحوه و سطح دسترسی به اطلاعات مالی و اداری مربوط به جرائم پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم و همچنین تعریف برخط امن به موجب دستورالعملی است که توسط شورا تهیه می‌شود و به تصویب شورای عالی امنیت ملی می‌رسد.

ماده ۸ (اصلاحی ۱۳۹۷/۱۰/۱۵) - اطلاعات و اسناد گردآوری شده در اجرای این قانون، صرفاً در جهت کشف و رسیدگی به جرائم استفاده می‌شود. افشای اطلاعات و اسناد یا استفاده از آن‌ها به نفع خود یا دیگری به طور مستقیم یا غیرمستقیم توسط مأموران دولتی یا سایر اشخاص مقرر در این قانون ممنوع بوده و متخلف به مجازات حبس تعزیری درجه پنج محکوم خواهد شد.

ماده ۹ (اصلاحی ۱۳۹۷/۱۰/۱۵) - اصل مال و درآمد و عواید حاصل از ارتکاب جرم منشأ و جرم پول‌شویی (و اگر موجود نباشد مثل یا قیمت آن) مرتکبین جرم پول‌شویی مصادره می‌شود و همچنین چنانچه جمع اموال، درآمد و عواید مذکور تا ده میلیارد (۱۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال باشد به حبس تعزیری درجه پنج و ارقام بیشتر از آن به حبس تعزیری درجه چهار در هر دو مورد علاوه بر مجازات قبل به جزای نقدی معادل وجوه یا ارزش مالی که مورد پول‌شویی واقع گردیده محکوم می‌شوند.

تبصره ۱ - چنانچه عواید حاصل از جرم به اموال دیگری تبدیل یا تغییر یافته باشد همان اموال و در صورت انتقال به ثالث با حسن نیت، معادل آن از اموال مرتکب ضبط می‌شود.

تبصره ۲ - صدور و اجرای حکم ضبط دارایی و منافع حاصل از آن در صورتی است که متهم به لحاظ جرم منشأ، مشمول این حکم قرار نگرفته باشد.

تبصره ۳ - مرتکبین جرم منشأ در صورت ارتکاب جرم پول‌شویی علاوه بر مجازات‌های مقرر مربوط به جرم منشأ، به مجازات‌های پیش‌بینی شده در این قانون نیز محکوم خواهند شد. مرتکبین جرم پول‌شویی در صورت عدم ارتکاب جرم منشأ صرفاً به مجازات مقرر در این ماده محکوم می‌شوند.

تبصره ۴ - در صورتی که جرم پول‌شویی به صورت سازمان‌یافته ارتکاب یابد، موجب تشدید در مجازات به میزان یک درجه خواهد بود.

تبصره ۵ - در صورتی که اشخاص حقوقی مرتکب جرم پول‌شویی شوند علاوه بر مجازات‌های مقرر در ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی به جزای نقدی معادل دو تا چهار برابر وجوه یا ارزش مالی که مورد پول‌شویی واقع گردیده محکوم می‌شوند.

تبصره ۶ - چنانچه این اموال متعلق به غیر باشد و در دادگاه صالحه مشخص شود که بدون اطلاع مالک استفاده شده یا اینکه مالک رضایت نداشته و این امر را به مراجع قانونی اعلام نموده یا اینکه امکان اعلام نداشته است به مالک آن مسترد می‌شود.

ماده ۱۰ - کلیه اموری که در اجرا این قانون نیاز به اقدام یا مجوز قضائی دارد باید طبق مقررات انجام پذیرد. قوه قضائیه موظف است طبق مقررات همکاری نماید.

ماده ۱۱ (اصلاحی ۱۳۹۷/۱۰/۱۵) - شعبی از دادگاه‌های عمومی در تهران و در صورت نیاز در مراکز استان‌ها به امر رسیدگی به جرم پول‌شویی و جرائم مرتبط اختصاص می‌یابد. تخصصی بودن شعبه مانع رسیدگی به سایر جرائم نمی‌باشد.

تبصره - در مواردی که مرتکب جرم پول‌شویی از مقامات موضوع مواد (۳۰۷) و (۳۰۸) قانون آیین دادرسی کیفری و مرتکب جرم منشأ، شخصی غیر از مقامات مذکور باشد، به جرم پول‌شویی حسب مورد در دادگاه‌های کیفری تهران یا مرکز استان رسیدگی می‌شود.

ماده ۱۲ - در مواردی که بین دولت جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورها قانون معاضدت قضایی و اطلاعاتی در امر مبارزه با پول‌شویی تصویب شده باشد، همکاری طبق شرایط مندرج در توافقنامه صورت خواهد گرفت.

ماده ۱۳ (الحاقی ۱۳۹۷/۱۰/۱۵) - مجازات شروع به جرم، معاونت و شرکت در جرائم موضوع این قانون و مقررات راجع به تشدید و تخفیف مجازات، حسب مورد تابع قانون مجازات اسلامی است.

ماده ۱۴ (الحاقی ۱۳۹۷/۱۰/۱۵) - آیین‌نامه اجرائی این قانون ظرف مدت سه ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط شورا تهیه می‌شود و پس از تأیید توسط رئیس قوه قضائیه به تصویب هیئت‌وزیران می‌رسد.

قانون مبارزه با قاچاق انسان

ماده ۱ - قاچاق انسان عبارت است از:

الف - خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت مجاز یا غیرمجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور با اجبار و اکراه یا تهدید یا خدعه و نیرنگ و یا با سوءاستفاده از قدرت یا موقعیت خود یا سو استفاده از وضعیت فرد یا افراد یادشده، به قصد فحشا یا برداشت اعضا و جوارح، بردگی و ازدواج.

ب - تحویل گرفتن یا انتقال دادن یا مخفی نمودن یا فراهم ساختن موجبات اخفاء فرد یا افراد موضوع بند (الف) این ماده پس از عبور از مرز با همان مقصود.

ماده ۲ - اعمال زیر در حکم (قاچاق انسان) محسوب می‌شود:

الف - تشکیل یا اداره دسته یا گروه که هدف آن انجام امور موضوع ماده (۱) این قانون باشد.

ب - عبور دادن (خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت)، حمل یا انتقال مجاز یا غیرمجاز فرد یا افراد به‌طور سازمان‌یافته برای فحشاء یا سایر مقاصد موضوع ماده (۱) این قانون هرچند با رضایت آنان باشد.

ج - عبور دادن (خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت)، حمل یا انتقال غیرمجاز افراد به‌قصد فحشاء هرچند با رضایت آنان باشد.

ماده ۳ - چنانچه عمل مرتکب (قاچاق انسان) از مصادیق مندرج در قانون مجازات اسلامی باشد مطابق مجازات‌های مقرر در قانون یادشده و در غیر این صورت به حبس از دو تا ده سال و پرداخت جزای نقدی معادل دو برابر وجوه یا اموال حاصل از بزه یا وجوه و اموالی که از طرف بزه دیده یا شخص ثالث وعده پرداخت آن به مرتکب داده شده است، محکوم می‌شود.

تبصره ۱ - چنانچه فرد قاچاق شده کمتر از هجده سال تمام داشته باشد و عمل ارتكابی از مصادیق محاربه و افساد فی‌الارض نباشد، مرتکب به حداکثر مجازات مقرر در این ماده محکوم می‌شود.

تبصره ۲ - کسی که شروع به ارتکاب جرائم موضوع این قانون نماید لیکن نتیجه منظور بدون اراده وی محقق نگردد، به شش ماه تا دو سال حبس محکوم می‌گردد.

تبصره ۳ - مجازات معاونت در جرم (قاچاق انسان) به میزان دو تا پنج سال حبس حسب مورد و نیز جزای نقدی معادل وجوه یا اموال حاصل از بزه یا وجوه و اموالی که از طرف بزه دیده یا شخص ثالث وعده پرداخت آن به مرتکب داده شده است، خواهد بود.

ماده ۴ - هرگاه کارکنان دولت یا مؤسسات، شرکت‌ها و سازمان‌های وابسته به دولت و نیروهای مسلح یا مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی یا نهادهای انقلاب اسلامی یا به‌طور کلی کارکنان قوای سه‌گانه به نحوی از انحا در جرائم موضوع این قانون دخالت داشته باشند، علاوه بر مجازات‌های مقرر در این قانون، با توجه به نقش مجرم به انفصال موقت یا دائم از خدمات محکوم خواهند شد.

ماده ۵ - چنانچه مؤسسات و شرکت‌های خصوصی به‌قصد ارتکاب جرائم موضوع این قانون، ولو بانام و عنوان دیگری تشکیل شده باشند، علاوه بر اعمال مجازات‌های مقرر، پروانه فعالیت یا مجوز مربوط ابطال و موسسه و شرکت به دستور مقام قضایی تعطیل خواهد گردید.

ماده ۶ - چنانچه (قاچاق انسان) توأم با ارتکاب جرائم دیگری تحقق یابد، مرتکب یا مرتکبان علاوه بر مجازات مقرر در این قانون، به مجازات‌های مربوط به آن عناوین نیز محکوم خواهند شد.

ماده ۷ - هر تبعه ایرانی که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرائم موضوع این قانون گردد، مشمول مقررات این قانون خواهد بود.

ماده ۸ - تمامی اشیاء، اسباب و وسایط نقلیه‌ای که عالماً و عامداً به امر (قاچاق انسان) اختصاص داده شده‌اند به نفع دولت ضبط خواهد شد.

قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز

فصل اول - کلیات

ماده ۱ - قاچاق سلاح، مهمات، اقلام و مواد تحت کنترل عبارت از واردکردن آن‌ها به کشور و یا خارج نمودن آن‌ها از کشور به‌طور غیرمجاز است.

ماده ۲ - مقصود از سلاح و مهمات در این قانون انواع سلاح‌های گرم و سرد جنگی و شکاری اعم از گلوله‌زنی و غیر گلوله‌زنی و مهمات مربوط به آن‌ها است.
تبصره - اسلحه لیزری و آن دسته از شبه سلاح‌هایی که به دلیل مشابهت و کاربرد، قابلیت جایگزینی سلاح را دارند از حیث احکام مندرج در این قانون، حسب مورد تابع احکام سلاح گرم قرار می‌گیرند و سلاح‌های آموزشی و بیهوش‌کننده تابع احکام سلاح شکاری می‌باشند.

ماده ۳ - اقلام و مواد تحت کنترل عبارت از انواع مواد محترقه، ناریه، منفجره اعم از نظامی و غیرنظامی، شیمیایی، رادیواکتیو، میکروبی، گازهای بیهوش‌کننده، بی‌حس‌کننده و اشک‌آور و شوک‌دهنده‌ها (شوکرها) و تجهیزات نظامی و انتظامی است.

ماده ۴ - وارد کردن هر نوع سلاح، مهمات، اقلام و مواد تحت کنترل به کشور، خارج کردن آن‌ها از کشور، ساخت، مونتاژ، نگهداری، حمل، توزیع، تعمیر و هرگونه معامله آن‌ها بدون مجوز مراجع ذیصلاح جرم است و مرتکب به مجازات‌های مندرج در این قانون محکوم می‌شود.

فصل دوم - سلاح و مهمات

ماده ۵ - هر کس مرتکب قاچاق سلاح گرم یا سرد جنگی یا سلاح شکاری یا قطعات مؤثر یا مهمات آن‌ها شود یا نسبت به ساخت، مونتاژ، فروش یا توزیع هر یک از آن‌ها اقدام کند به ترتیب زیر به حبس تعزیری محکوم می‌شود:

الف - سلاح سرد جنگی، سلاح شکاری یا مهمات آن، به حبس از شش ماه تا دو سال

ب - سلاح گرم سبک غیر خودکار، مهمات یا قطعات مؤثر آن، به حبس از دو تا پنج سال

پ - سلاح گرم سبک خودکار، مهمات یا قطعات مؤثر آن، به حبس از پنج تا ده سال

ت - سلاح گرم نیمه سنگین و سنگین، مهمات یا قطعات مؤثر آن، به حبس از ده تا پانزده سال

تبصره - هرگاه موضوع جرم این ماده بیش از یک قبضه یا قطعات مؤثر از چند قبضه باشد مجازات مرتکب حسب مورد یک درجه تشدید می‌شود.

ماده ۶ - هر کس به‌طور غیرمجاز سلاح گرم یا سرد جنگی یا سلاح شکاری یا قطعات مؤثر یا مهمات آن‌ها را خریداری، نگهداری یا حمل نماید یا با آن‌ها معامله دیگری انجام دهد، به ترتیب زیر به حبس تعزیری محکوم می‌شود:

الف - سلاح سرد جنگی، سلاح شکاری یا مهمات آن، به حبس از نودویک روز تا شش ماه یا جزای نقدی از ده میلیون تا بیست میلیون ریال

ب - سلاح گرم سبک غیر خودکار، قطعات مؤثر یا مهمات آن، به حبس از شش ماه تا دو سال یا جزای نقدی از بیست میلیون تا هشتاد میلیون ریال

پ - سلاح گرم سبک خودکار، قطعات مؤثر یا مهمات آن، به حبس از دو تا پنج سال

ت - سلاح گرم نیمه سنگین و سنگین، قطعات مؤثر یا مهمات آن‌ها، به حبس از پنج تا ده سال

تبصره - هرگاه موضوع جرم این ماده بیش از یک قبضه یا قطعات مؤثر از چند قبضه باشد مجازات مرتکب حسب مورد یک درجه تشدید می‌شود.

ماده ۷ - در صورتی که قاضی با نظر کارشناسان وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح یا سازمان انرژی اتمی در مورد مواد رادیواکتیو تشخیص دهد اسلحه، قطعات مؤثر یا مهمات آن‌ها، با توجه به مقدار و میزان خسارات احتمالی، انبوه بوده است، وی را به حبس تعزیری از ده تا پانزده سال محکوم می‌نماید.

تبصره - آیین‌نامه اجرائی این ماده ظرف شش ماه در خصوص تعیین جدول انبوه هر یک از مصادیق این قانون توسط وزارت کشور با همکاری وزارتخانه‌های دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، دادگستری و اطلاعات تهیه می‌شود و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

ماده ۸ - هر کس به‌طور غیرمجاز حرفه خود را تعمیر سلاح قرار دهد در مورد سلاح گرم جنگی به حبس تعزیری از شش ماه تا سه سال و در مورد سلاح شکاری به جزای نقدی از پنجاه تا یکصد میلیون ریال محکوم می‌شود.

ماده ۹ - دارنده پروانه حمل سلاح شکاری مکلف است پس از انقضای مدت به تمدید پروانه اقدام نماید و چنانچه ظرف سه ماه پس از پایان مدت به تمدید آن اقدام ننماید، سلاح غیرمجاز تلقی می‌شود و مرتکب به جزای نقدی از ده تا بیست میلیون ریال محکوم می‌گردد.

ماده ۱۰ - هر کس مبادرت به تغییر در کالیبر، لوله و آلات متحرک هر نوع سلاح نماید یا شماره یا نشانه (آرم) سلاح را جعل نماید به جزای نقدی از بیست میلیون تا هشتاد میلیون ریال محکوم می‌شود. چنانچه تغییر یا جعل به درخواست مالک اسلحه یا متصرف آن صورت گیرد متقاضی نیز به مجازات مباشر محکوم می‌شود.

فصل سوم - اقلام و مواد تحت کنترل

ماده ۱۱ - هر کس مرتکب قاچاق اقلام یا مواد تحت کنترل شود یا به ساخت و مونتاژ هر یک از آن‌ها اقدام کند به ترتیب زیر به مجازات تعزیری محکوم می‌شود:

الف - مواد رادیواکتیو یا میکروبی، به حبس از بیست و پنج تا سی سال

ب - مواد منفجره نظامی یا شیمیایی، به حبس از پنج تا ده سال

پ - مواد ناربه یا منفجره غیرنظامی، به حبس از دو تا پنج سال و جزای نقدی یک تا دو برابر ارزش مواد کشف‌شده و در صورتی که هدف از ارتکاب جرم مقاصد غیرامنیتی از قبیل بهره‌برداری غیرمجاز از معادن باشد، به حبس از شش ماه تا دو سال

ت - گازهای بی‌حس‌کننده، بیهوش‌کننده و اشک‌آور به حبس از دو تا پنج سال

ث - مواد محترقه و شوک‌دهنده‌ها (شوکرها)، به حبس از شش ماه تا دو سال

ماده ۱۲ - هر کس به‌طور غیرمجاز اقلام یا مواد تحت کنترل را خریداری، نگهداری یا حمل نماید و یا به توزیع یا فروش آن‌ها اقدام کند و یا هرگونه معامله دیگری با آن‌ها انجام دهد به ترتیب زیر به مجازات تعزیری محکوم می‌شود:

الف - مواد رادیواکتیو یا میکروبی، به حبس از پانزده تا بیست و پنج سال

ب - مواد منفجره نظامی یا شیمیایی، به حبس از دو تا پنج سال

پ - مواد ناربه یا منفجره غیرنظامی، به حبس از شش ماه تا دو سال و جزای نقدی یک تا دو برابر ارزش مواد کشف شده و در صورتی که هدف از ارتکاب جرم مقاصد غیرامنیتی از قبیل بهره برداری غیرمجاز از معادن باشد، به حبس از نود و یک روز تا شش ماه

ت - گازهای بی حس کننده، بیهوش کننده و اشک آور، به حبس از شش ماه تا دو سال

ث - مواد محترقه و شوک دهنده ها (شوکرها)، به حبس از نود و یک روز تا شش ماه

تبصره - خرید و حمل مواد محترقه غیرمجاز که برای جشن ها و مراسم استفاده می شود مستوجب جزای نقدی از پانصد هزار ریال تا ده میلیون ریال است. مواد محترقه ای که به تشخیص وزارت دفاع خرساز نیست از شمول این ماده و تبصره آن خارج است.

ماده ۱۳ - در صورتی که قاضی با جلب نظر کارشناسان وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح یا سازمان انرژی اتمی در مورد مواد رادیواکتیو تشخیص دهد اقلام یا مواد تحت کنترل، با توجه به مقدار و میزان خسارات احتمالی، عمده و انبوه بوده است، چنانچه مرتکب محارب شناخته نشود، وی را به حبس تعزیری از بیست و پنج تا سی سال محکوم می نماید.

فصل چهارم - تشدید و تخفیف مجازات ها

ماده ۱۴ - هرگاه جرائم موضوع این قانون توسط گروه سازمان یافته ارتکاب یابد، مجازات مرتکبین حسب مورد یک درجه تشدید می شود.

ماده ۱۵ - هرگاه مرتکبین جرائم موضوع مواد (۵)، (۶)، (۱۱) و (۱۲) این قانون یا یکی از آنها مسلح باشد، حسب مورد مجازات، یک درجه تشدید می شود و چنانچه در برابر مأموران دولتی مقاومت مسلحانه نمایند، در صورتی که محارب شناخته نشوند، به حبس تعزیری از بیست و پنج تا سی سال محکوم می شوند.

ماده ۱۶ - چنانچه دارندگان غیرمجاز انواع اسلحه، مهمات، اقلام و مواد تحت کنترل، داوطلبانه ظرف شش ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون، موارد مذکور را به یکی از مراکز نظامی، انتظامی یا امنیتی تحویل دهند، از مجازات مقرر معاف می شوند و در صورتی که با سلاح مزبور مرتکب جرمی شده باشند فقط به مجازات مقرر در قوانین مربوط به همان جرم محکوم می شوند.

تبصره ۱ - چنانچه سلاح تحویلی از نوع شکاری باشد و در مهلت مقرر در این ماده تحویل گردد مراجع ذی ربط مکلفاند سلاح مذکور را ظرف سه ماه از تاریخ تحویل به تحویل دهنده آن در صورت عدم سابقه محکومیت مؤثر کیفری و احراز شرایط با صدور جواز حمل و نگهداری مسترد نمایند.

تبصره ۲ - تحویل داوطلبانه بعد از مدت مذکور در جرائم تعزیری درجه یک تا شش، موجب دو درجه تخفیف و در جرائم تعزیری درجه هفت موجب یک درجه تخفیف می شود.

ماده ۱۷ - همکاری متهمان و محکومان جرائم موضوع این قانون با مأموران نظامی، انتظامی و امنیتی برای کشف اسلحه، مهمات، اقلام و مواد تحت کنترل و شناسایی و تعقیب معاونین و شرکا جرائم موضوع این قانون به تشخیص مراجع قضائی رسیدگی کننده در مجازات های تعزیری درجه یک تا شش، موجب یک درجه تخفیف و در مجازات های تعزیری درجه هفت و هشت موجب معافیت از مجازات قانونی می شود.

فصل پنجم - سایر مقررات

ماده ۱۸ - کلیه سلاح ها، مهمات، اقلام و مواد تحت کنترل کشف شده موضوع این قانون به موجب حکم دادگاه به نفع دولت (وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح) ضبط می شود.

ماده ۱۹ - با توجه به معضلات امنیتی و اجتماعی ناشی از وجود اقلام موضوع این قانون در جامعه، ضرورت استمرار مبارزه با این معضل و لزوم تأمین امنیت پایدار، دولت موظف است سالانه برای پیشگیری از وقوع هر یک از جرائم موضوع این قانون و مقابله با آنها و اجرای طرح های ویژه خلع سلاح، اعتبار لازم را از محل بودجه عمومی کشور در اختیار شورای امنیت کشور قرار دهد.

ماده ۲۰ - آیین نامه اجرائی این قانون توسط وزارت کشور با همکاری وزارتخانه های دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، دادگستری و اطلاعات ظرف شش ماه پس از تصویب این قانون تهیه می شود و به تصویب هیئت وزیران می رسد.

ماده ۲۱ - از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون، ماده (۴۵) قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲/۱۲/۲۹ و قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مسلح مصوب ۱۳۵۰/۱۱/۲۶ و بند (۲) تبصره (۲) ماده (۴۳) قانون تأسیس سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی و اساسنامه آن مصوب ۱۳۷۰/۱۰/۲۴ لغو می گردد.

(با اصلاحات و الحاقات)

ماده ۱ - اعمال زیر جرم است و مرتکب به مجازات‌های مقرر در این قانون محکوم می‌شود:

۱ - کشت خشخاش و کوکا مطلقاً و کشت شاهدانه به‌منظور تولید مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیر داروئی.

۲ - وارد کردن، ارسال، صادر کردن، تولید و ساخت انواع مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیر داروئی.

۳ - نگهداری، حمل، خرید، توزیع، اخفاء، ترانزیت، عرضه و فروش مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیر داروئی.

۴ - دایر کردن یا اداره کردن مکان برای استعمال مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیر داروئی.

۵ - استعمال مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیر داروئی به هر شکل و طریق، مگر در مواردی که قانون مستثنی کرده باشد.

۶ - تولید، ساخت، خرید، فروش، نگهداری آلات و ادوات و ابزار مربوط به ساخت و استعمال مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیر داروئی.

۷ - قرار دادن یا پناه دادن متهمین، محکومیت مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیر داروئی که تحت تعقیب‌اند و یا دستگیر شده‌اند.

۸ - امحاء یا اخفاء ادله جرم مجرمان.

۹ - قرار دادن مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیر داروئی یا آلات و ادوات استعمال در محلی به‌قصد متهم کردن دیگری.

تبصره ۱ - منظور از مواد مخدر در این قانون، کلیه موادی است که در تصویب‌نامه راجع به فهرست مواد مخدر مصوب ۱۳۳۸ و اصلاحات بعدی آن احصاء یا توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به‌عنوان مخدر شناخته و اعلام می‌گردد.

تبصره ۲ - رسیدگی به جرائم مواد روان‌گردان‌های صنعتی غیر داروئی تابع مقررات رسیدگی به جرائم مواد مخدر می‌باشد.

ماده ۲ - هرکس مبادرت به کشت خشخاش یا کوکا کند و یا برای تولید مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیر داروئی به کشت شاهدانه بپردازد علاوه بر امحاء کشت برحسب میزان کشت به شرح زیر مجازات خواهد شد:

۱ - بار اول، ده تا صد میلیون ریال جریمه نقدی.

۲ - بار دوم، ۵۰ تا ۵۰۰ میلیون ریال جریمه نقدی و سی تا هفتاد ضربه شلاق.

۳ - بار سوم، صد میلیون تا یک میلیارد ریال جریمه نقدی و یک تا هفتاد ضربه شلاق و دو تا پنج سال حبس.

۴ - بار چهارم، اعدام.

تبصره - هرگاه ثابت شود کشت خشخاش یا کوکا یا شاهدانه به دستور مالک و یا مستأجر ملک و یا قائم‌مقام قانونی آن‌ها صورت گرفته است، شخص دستوردهنده که سبب بوده است به‌شرط آن‌که اقوی از مباشر باشد، به مجازات‌های مقرر در این ماده محکوم می‌شود و مباشر که متصدی کشت بوده است، به ۱۰ تا ۳۰ میلیون ریال جریمه نقدی و پانزده تا چهل ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

ماده ۳ - هرکس بذریه یا گرز خشخاش یا بذریه برگ کوکا و یا بذریه شاهدانه را نگهداری، مخفی و یا حمل کند به یک میلیون تا ۳۰ میلیون ریال جریمه نقدی و یک تا هفتاد ضربه شلاق محکوم خواهد شد، در مورد بذریه شاهدانه قصد تولید مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیر داروئی از آن‌ها باید احراز شود.

ماده ۴ - هر کس بنگ، چرس، گراس، تریاک، شیره، سوخته، تفاله تریاک و یا دیگر مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیر داروئی که فهرست آن‌ها به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد را به هر نحوی به کشور وارد و یا به هر طریقی صادر یا ارسال نماید یا مبادرت به تولید، ساخت، توزیع یا فروش کند یا در معرض فروش قرار دهد با رعایت تناسب و با توجه به مقدار مواد مذکور به مجازات‌های زیر محکوم می‌شود:

۱ - تا پنجاه گرم تا چهار میلیون ریال جریمه نقدی و تا پنجاه ضربه شلاق.

۲ - بیش از پنجاه گرم تا پانصد گرم، از چهار میلیون تا پنجاه میلیون ریال جریمه نقدی و بیست تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و در صورتی که دادگاه لازم بداند تا سه سال حبس.

۳ - بیش از پانصد گرم تا پنج کیلوگرم، از پنجاه میلیون ریال تا دویست میلیون ریال جریمه نقدی و پنجاه تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و سه تا پانزده سال حبس.

۴ - بیش از پنج کیلوگرم، اعدام و مصادره اموال ناشی از همان جرم.

تبصره - هرگاه محرز شود مرتکبین جرائم موضوع بند ۴ این ماده برای بار اول مرتکب این جرم شده و موفق به توزیع یا فروش آن‌ها هم نشده و مواد، بیست کیلو یا کمتر باشد دادگاه با جمع شروط مذکور آن‌ها را به حبس ابد و هفتاد و چهار ضربه شلاق و مصادره اموال ناشی از همان جرم می‌نماید. در اوزان بالای بیست کیلوگرم مرتکبین تحت هر شرایطی اعدام می‌شوند.

ماده ۵ - هرکس تریاک و دیگر مواد مذکور در ماده ۴ را خرید، نگهداری، مخفی یا حمل کند با رعایت تناسب و با توجه به مقدار مواد و تبصره ذیل همین ماده به مجازات‌های زیر محکوم می‌شود:

۱ - تا پنجاه گرم تا سه میلیون ریال جریمه نقدی و تا پنجاه ضربه شلاق.

۲ - بیش از پنجاه گرم تا پانصد گرم، پنج تا پانزده میلیون ریال جریمه نقدی و ده تا هفتاد و چهار ضربه شلاق.

۳ - بیش از پانصد گرم تا پنج کیلوگرم، پانزده میلیون تا شصت میلیون ریال جریمه نقدی و چهل تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و دو تا پنج سال حبس.

۴ - بیش از پنج کیلوگرم یا بیست کیلوگرم، شصت تا دویست میلیون ریال جریمه نقدی و پنجاه تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و پنج تا ده سال حبس و در صورت تکرار برای بار دوم علاوه بر مجازات‌های مذکور، به جای جریمه مصادره اموال ناشی از همان جرم و برای بار سوم اعدام و مصادره اموال ناشی از همان جرم.

۵ - بیش از بیست کیلوگرم تا یکصد کیلوگرم، علاوه بر مجازات مقرر در بند ۴ به ازای هر کیلوگرم دو میلیون ریال به مجازات جزای نقدی مرتکب اضافه می‌گردد و در صورت تکرار اعدام و مصادره اموال ناشی از همان جرم.

۶ - بیش از یکصد کیلوگرم، علاوه بر مجازات جریمه نقدی و شلاق مقرر در بندهای ۴ و ۵ حبس ابد و در صورت تکرار اعدام و مصادره اموال ناشی از همان جرم.

تبصره - مرتکبین جرائم فوق چنانچه به صورت زنجیره‌ای عمل کرده باشند و مواد برای مصرف داخل باشد مشمول مجازات‌های ماده ۴ خواهند بود و چنانچه یکی از دو شرط موجود نباشد به مجازات‌های این ماده محکوم می‌گردند.

ماده ۶ - مرتکبین جرائم مذکور در هر یک از بندهای ۱، ۲ و ۳ دو ماده ۴ و ۵ در صورت تکرار جرم مذکور در همان بند یا هر یک از بندهای دیگر، برای بار دوم به یک برابر و نیم، برای بار سوم به دو برابر و در مرتبه‌های بعد به ترتیب دو و نیم، سه، سه و نیم و... برابر مجازات جرم جدید محکوم خواهند شد. مجازات شلاق برای بار دوم به بعد، حداکثر هفتاد و چهار ضربه است. چنانچه در نتیجه تکرار جرائم موضوع بندهای مذکور از ماده ۴ میزان مواد به بیش از پنج کیلوگرم برسد مرتکب به مجازات اعدام و مصادره اموال ناشی از همان جرم محکوم می‌شود و چنانچه در نتیجه تکرار جرائم مذکور از دو ماده ۴ و ۵ یا بندهای مذکور در ماده ۵ مواد به بیش از پنج کیلوگرم برسد به دو برابر مجازات بند ۴ از ماده ۵ محکوم خواهد شد.

ماده ۷ - در صورتی که مرتکب جرائم مذکور در مواد ۴ و ۵ از کارکنان دولت یا شرکت‌های دولتی و مؤسسات و سازمان‌ها و شرکت‌های وابسته به دولت باشد و مطابق قوانین استخدامی مشمول انفصال از خدمات دولتی نگردد علاوه بر مجازات‌های مذکور در مواد قبل برای بار اول به شش ماه انفصال و برای بار دوم به یک سال انفصال و برای بار سوم به انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم می‌شود.

ماده ۸ - هر کس هروئین، مرفین، کوکائین و دیگر مشتقات شیمیایی مرفین و کوکائین و یا لیزرژیک اسید دی اتیل آمید (ال.اس.دی)، متیلن دی اکسی مت آمفتامین (ام.دی.ام.آ. یا اکستاسی)، گاما هیدروکسی بوتیریک اسید (جی.اچ.بی)، فلونیترازپام، آمفتامین، مت آمفتامین (شیشه) و یا دیگر مواد مخدر یا روان گردان‌های صنعتی غیر دارویی که فهرست آن‌ها به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد را وارد کشور کند و یا مبادرت به ساخت، تولید، توزیع، صدور، ارسال، خرید یا فروش نماید و یا در معرض فروش قرار دهد و یا نگهداری، مخفی یا حمل کند با رعایت تناسب و با توجه به میزان مواد به شرح زیر مجازات خواهد شد.

۱ - تا پنج سانتی گرم، از پانصد هزار ریال تا یک میلیون ریال جریمه نقدی و بیست تا پنجاه ضربه شلاق.

۲ - بیش از پنج سانتی گرم تا یک گرم، از دو میلیون تا شش میلیون ریال جریمه نقدی و سی تا هفتاد ضربه شلاق.

۳ - بیش از یک گرم تا چهار گرم، از هشت میلیون تا بیست میلیون ریال جریمه نقدی و دو تا پنج سال حبس و سی تا هفتاد ضربه شلاق.

۴ - بیش از چهار گرم تا پانزده گرم، از بیست میلیون تا چهل میلیون ریال جریمه نقدی و پنج تا هشت سال حبس و سی تا هفتاد و چهار ضربه شلاق.

۵ - بیش از پانزده گرم تا سی گرم، از چهل میلیون تا شصت میلیون ریال جریمه نقدی و ده تا پانزده سال حبس و سی تا هفتاد و چهار ضربه شلاق.

۶ - بیش از سی گرم، اعدام و مصادره اموال ناشی از همان جرم.

تبصره ۱ - هرگاه محرز شود مرتکب جرم موضوع بند (۶) این ماده برای بار اول مرتکب این جرم شده و موفق به توزیع یا فروش آن‌هم نشده در صورتی که میزان مواد بیش از یکصد گرم نباشد با جمع شروط مذکور یا عدم احراز قصد توزیع یا فروش در داخل کشور با توجه به کیفیت و مسیر حمل، دادگاه به حبس ابد و مصادره اموال ناشی از همان جرم، حکم خواهد داد.

تبصره ۲ - در کلیه موارد فوق چنانچه متهم از کارکنان دولت یا شرکت‌های دولتی و شرکت‌ها و مؤسسات وابسته به دولت باشد، علاوه بر مجازات‌های مذکور در این ماده به انفصال دائم از خدمات دولتی نیز محکوم خواهد شد.

ماده ۹ - مجازات‌های مرتکبین جرائم مذکور در بندهای ۱ تا ۵ ماده ۸ برای بار دوم یک برابر و نیم مجازات مذکور در هر بند و برای بار سوم دو برابر میزان مقرر در هر بند خواهد بود. مجازات شلاق برای بار دوم به بعد، حداکثر هفتاد و چهار ضربه می‌باشد. چنانچه در مرتبه چهارم مجموع مواد مخدر در اثر تکرار به سی گرم برسد مرتکب در حکم مفسد فی الارض است و به مجازات اعدام محکوم می‌شود. حکم اعدام در صورت مصلحت در محل زندگی محکوم و در ملأعام اجرا خواهد شد. چنانچه مجموع مواد مخدر در مرتبه چهارم در اثر تکرار به سی گرم نرسد مرتکب به چهل تا شصت میلیون ریال جریمه نقدی ده تا پانزده سال حبس

و سی تا هفتادوچهار ضربه شلاق محکوم می‌شود.

ماده ۱۰ - حذف شد.

ماده ۱۱ - مجازات اقدام به قاچاق مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیر داروئی موضوع این قانون به‌طور مسلحانه اعدام است و حکم اعدام در صورت مصلحت در محل زندگی مرتکب در ملاعام اجرا خواهد شد.

ماده ۱۲ - هرکس مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیر داروئی را به داخل زندان یا بازداشتگاه یا اردوگاه بازپروری و نگهداری معتادان وارد نماید، حسب مورد به اشد مجازات‌های مذکور در مواد ۴ تا ۹ محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب از مأموران دولت باشد به انفصال دائم از مشاغل دولتی نیز محکوم می‌شود.

هرگاه در اثر سهل‌انگاری و مسامحه مأموران، مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیر داروئی به داخل این مراکز وارد شود مأموران خاطی به‌تناسب، به مجازات: الف: تنزل درجه. ب: انفصال موقت. ج: انفصال دائم محکوم می‌شوند.

ماده ۱۳ - هرگاه کسی واحد صنعتی، تجاری، خدماتی و یا محل مسکونی خود را برای انبار کردن، تولید و یا توزیع مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیر داروئی معد سازد و یا مورد استفاده قرار دهد و یا بدین منظور آن‌ها را در اختیار دیگری بگذارد و نیز هرگاه نماینده مالک با اطلاع یا اجازه وی مرتکب این امور شود. موافقت اصولی و پروانه بهره‌برداری واحد صنعتی یا جواز کسب واحد تجاری و خدماتی مربوط لغو و واحد یا واحدهای مذکور در این ماده به نفع دولت ضبط می‌گردد.

ماده ۱۴ - هرکس به‌منظور استعمال مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیر داروئی مکانی را دایر و یا اداره کند به پنج میلیون تا ده میلیون ریال جریمه نقدی و بیست تا هفتادوچهار ضربه شلاق و یک تا دو سال حبس و انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم می‌شود. مجازات تکرار این جرم، دو تا چهار برابر مجازات بار اول خواهد بود.

تبصره - در صورتی که مکان مذکور در این ماده واحد تولیدی یا تجاری و یا خدماتی باشد علاوه بر مجازات مقرر در این ماده، موافقت اصولی و پروانه بهره‌برداری واحد تولیدی و نیز پروانه کسب واحد تجاری و خدماتی مربوط به مدت یک سال از اعتبار می‌افتد و در صورت تکرار جرم، واحد مذکور به نفع دولت ضبط می‌شود.

ماده ۱۵ - معتادان مکلف‌اند با مراجعه به مراکز مجاز دولتی، غیردولتی یا خصوصی و یا سازمان‌های مردم‌نهاد درمان و کاهش آسیب، اقدام به ترک اعتیاد نمایند. معتادی که با مراجعه به مراکز مذکور نسبت به درمان خود اقدام و گواهی تحت درمان و کاهش آسیب دریافت نماید، چنانچه تجاهر به اعتیاد نماید از تعقیب کیفری معاف می‌باشد. معتادانی که مبادرت به درمان یا ترک اعتیاد ننمایند، مجرم‌اند.

تبصره ۱ - مراکز مجاز موضوع این ماده، بر اساس آیین‌نامه‌ای که توسط وزارتخانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و رفاه و تأمین اجتماعی ظرف مدت سه ماه پس از تصویب این قانون تهیه و به تصویب ستاد می‌رسد، تعیین می‌شود.

تبصره ۲ - وزارت رفاه و تأمین اجتماعی موظف است ضمن تحت پوشش درمان و کاهش آسیب قرار دادن معتادان بی‌بضاعت، تمام هزینه‌های ترک اعتیاد را مشمول بیمه‌های پایه و بستری قرار دهد. دولت مکلف است همه‌ساله در لوائح بودجه، اعتبارات لازم را پیش‌بینی و تأمین نماید.

تبصره ۳ - دولت مکلف است برای احیا و ایجاد اردوگاه‌های بازپروری معتادین به مواد مخدر اقدام لازم را به عمل آورد.

ماده ۱۶ - معتادان به مواد مخدر و روان‌گردان مذکور در دو ماده (۴) و (۸) فاقد گواهی موضوع ماده (۱۵) و متجاهر به اعتیاد، با دستور مقام قضایی برای مدت یک تا سه ماه در مراکز دولتی و مجاز درمان و کاهش آسیب نگهداری می‌شوند. تمدید مهلت برای یک دوره سه‌ماهه دیگر با درخواست مراکز مذکور بلامانع است. با گزارش مراکز مذکور و بنا بر نظر مقام قضایی، چنانچه معتاد آماده تداوم درمان طبق ماده (۱۵) این قانون باشد، تداوم درمان وفق ماده مزبور بلامانع می‌باشد.

تبصره ۱ - با درخواست مراکز مذکور و طبق دستور مقام قضایی، معتادان موضوع این ماده مکلف به اجرای تکالیف مراقبت بعد از خروج می‌باشند که بنا بر پیشنهاد دبیرخانه ستاد با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط، تهیه و به تصویب رئیس قوه قضاییه می‌رسد.

تبصره ۲ - مقام قضایی می‌تواند برای یک‌بار با اخذ تأمین مناسب و تعهد به ارائه گواهی موضوع ماده (۱۵) این قانون، نسبت به تعلیق تعقیب به مدت شش‌ماهه اقدام و معتاد را به یکی از مراکز موضوع ماده مزبور معرفی نماید. مراکز مذکور موظف‌اند ماهیانه گزارش روند درمان معتاد را به مقام قضایی یا نماینده وی ارائه نمایند. در صورت تأیید درمان و ترک اعتیاد با صدور قرار موقوفی تعقیب توسط دادستان، پرونده بایگانی و در غیر این صورت طبق مفاد این ماده اقدام می‌شود. تمدید مهلت موضوع این تبصره با درخواست مراکز ذی‌ربط برای یک دوره سه‌ماهه دیگر بلامانع است.

تبصره ۳ - متخلف بدون عذر موجه از تکالیف موضوع تبصره (۲) این ماده به حبس از نودویک روز تا شش ماه محکوم می‌شود.

ماده ۱۷ - چنانچه اتباع جمهوری اسلامی ایران با هر قصدی اقدام به نگهداری، حمل یا قاچاق هر مقدار مواد موضوع این قانون به داخل یا خارج از کشور نمایند، از زمان قطعی شدن حکم به مدت یک تا پنج سال گذرنامه آنان ابطال و ممنوع الخروج می‌شوند و در صورت تکرار، به مدت پنج تا پانزده سال گذرنامه آنان ابطال و ممنوع الخروج می‌شوند. صدور هرگونه گذرنامه برای اتباع ایرانی که در خارج از کشور به سبب جرائم موضوع این قانون محکوم شده‌اند مشمول ممنوعیت موضوع این ماده می‌باشد.

ماده ۱۸ - هرکس برای ارتکاب هر یک از جرائم موضوع این قانون، اشخاصی را اجیر کند یا به خدمت گمارد و یا فعالیت آن‌ها را سازمان‌دهی و یا مدیریت کند و از فعالیت‌های مذکور پشتیبانی مالی یا سرمایه‌گذاری نماید، در مواردی که مجازات عمل مجرمانه حبس ابد باشد به اعدام و مصادره اموال ناشی از ارتکاب این جرم و در سایر موارد به حداکثر مجازات عمل مجرمانه، محکوم می‌شود. مجازات سرکرده یا رئیس باند یا شبکه اعدام خواهد بود.

ماده ۱۹ - افراد غیر معتادی که مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیر داروئی استعمال نمایند، برحسب نوع مواد به شرح ذیل مجازات می‌شوند:

۱ - استعمال مواد مذکور در ماده (۴) به بیست تا هفتادوچهار ضربه شلاق و یک میلیون تا پنج میلیون ریال جزای نقدی.

۲ - استعمال مواد مذکور در ماده (۸) به پنجاه تا هفتادوچهار ضربه شلاق و دو تا ده میلیون ریال جزای نقدی.

ماده ۲۰ - هرکس آلات و ادوات مخصوص تولید یا استعمال مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیر داروئی را وارد کند، بسازد، خرید یا فروش کند، علاوه بر ضبط آن‌ها به یک میلیون تا پنج میلیون ریال جزای نقدی و ده تا پنجاه ضربه شلاق محکوم می‌شود. مرتکبین نگهداری، اخفاء یا حمل آلات و ادوات استعمال مواد مخدر، علاوه بر ضبط آن‌ها به ازای هر عدد صد تا پانصد هزار ریال جزای نقدی یا پنج تا بیست ضربه شلاق محکوم می‌شوند. عتایق از شمول این ماده مستثنی می‌باشند.

ماده ۲۱ - هرکس متهم موضوع این قانون را که تحت تعقیب یا در حین دستگیری است عالمأ و عامداً پناه یا قرار دهد و یا در پناه دادن یا فرار دادن او همکاری کند در هر مورد، به یک‌پنجم تا یک‌دوم مجازات جرمی که متهم به آن را فرار یا پناه داده است محکوم می‌شود. در مورد حبس ابد و اعدام مرتکب به ترتیب به چهار تا ده سال حبس و ده تا پانزده سال حبس و از سی تا هفتادوچهار ضربه شلاق محکوم می‌شود.

تبصره ۱ - مجازات اقبای درجه‌یک متهم در حال بیش از یک‌دهم مجازات متهم اصلی نخواهد بود.

تبصره ۲ - در صورتی که مرتکب از مأموران انتظامی و یا مأموران زندان و یا از مأموران قضایی باشد، علاوه بر مجازات مذکور، از خدمات دولتی نیز منفصل می‌شود.

ماده ۲۲ - هرکس متهم موضوع این قانون را پس از دستگیری و نیز محکوم موضوع این قانون را پناه یا فرار دهد و یا در فرار آن‌ها همکاری و مشارکت نماید، به نصف مجازات متهم یا مجرم اصلی محکوم خواهد شد. در مورد حبس ابد و اعدام، مرتکب به ترتیب به ده سال و بیست سال حبس و از سی تا هفتادوچهار ضربه شلاق محکوم می‌شود.

تبصره ۱ - در صورتی که مرتکب از مأموران انتظامی و امنیتی و یا مأموران زندان و یا از مأموران قضایی باشد به مجازات متهم یا مجرم اصلی و نیز انفعال از خدمات دولتی محکوم می‌شود به استثنای مورد اعدام که مجازات مأمور، بیست و پنج سال حبس و انفعال دائم از خدمات دولتی خواهد بود.

تبصره ۲ - در موارد مشمول دو ماده ۲۱ و ۲۲ در صورتی که متهم اصلی پس از دستگیری تبرئه شود اجرای احکام بلافاصله نسبت به ترخیص او اقدام و همچنین چنانچه متهم اصلی به جرم خفیف‌تری محکوم گردد در هر صورت محکومیت فرار یا پناه دهنده وفق ماده ۳۲ این قانون قابل تجدیدنظر می‌باشد.

ماده ۲۳ - هرکس عالمأ و عامداً به امحاء یا اخفاء ادله جرم مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیر داروئی اقدام کند به یک‌پنجم تا نصف مجازات متهم اصلی محکوم می‌شود. در مورد حبس ابد مرتکب به چهار تا ده سال و در مورد اعدام به هشت تا بیست سال حبس محکوم می‌شود.

ماده ۲۴ - هر یک از اعضای شورای اسلامی روستا موظف است به محض آگاهی از کشت خشخاش یا کوکا یا شاهدانه در حوزه روستا مراتب را کتباً به دهمدار و نزدیک‌ترین پاسگاه یا حوزه انتظامی اطلاع دهد. فرماندهان پاسگاه‌ها و حوزه‌های انتظامی موظف‌اند فوراً و هم‌زمان با گزارش موضوع به فرمانده بالاتر خود، به‌اتفاق دهمدار یا بخشدار و نماینده شورای اسلامی روستا در محل کشت حاضر شوند و آن را امحاء و صورت‌جلسه امر را تهیه کنند و همراه متهم یا متهمین به مراجع ذیصلاح قضائی تحویل نمایند.

تبصره - در صورتی که خشخاش یا کوکا یا شاهدانه در حوزه‌های شهری کشت یا روئیده شده باشد، مأمورین (نیروی انتظامی، شهرداری، نیروی مقاومت بسیج منطقه) حسب مورد موظف‌اند به محض آگاهی مراتب را به نزدیک‌ترین پاسگاه انتظامی و یا پایگاه نیروی مقاومت بسیج منطقه اطلاع دهند و مسئولان مربوطه به‌اتفاق نماینده مرجع قضائی ذیصلاح وفق مقررات این ماده اقدام نمایند.

ماده ۲۵ - اشخاص مذکور در ماده ۲۴ و تبصره آن در صورتی که بدون عذر موجه از انجام وظیفه خودداری یا کوتاهی کنند بار اول به شش ماه تا یک سال محرومیت از مشاغل دولتی و بار دوم به انفعال دائم از خدمات دولتی محکوم می‌شوند. اعضای شورای اسلامی نیز بار اول به شش ماه تا یک سال و بار دوم

برای همیشه از عضویت شوراهای اسلامی محروم می‌شوند.

ماده ۲۶ - هر کس به قصد متهم کردن دیگری، مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیر داروئی و یا آلات و ادوات استعمال آن را در محلی قرار دهد به حداکثر مجازات همان جرم محکوم خواهد شد.

ماده ۲۷ - هرگاه شخصی دیگری را به منظور تعقیب در مراجع ذیصلاح، تعمداً و به خلاف واقع متهم به یکی از جرائم موضوع این قانون نماید به بیست‌تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

ماده ۲۸ - کلیه اموالی که از راه قاچاق مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیر داروئی تحصیل شده و نیز اموال متهمان فراری موضوع این قانون در صورت وجود ادله کافی برای مصادره، به نفع دولت ضبط و مشمول اصل ۵۳ قانون اساسی در خصوص اموال دولتی نمی‌باشد.

تبصره - وسایل نقلیه‌ای که در درگیری مسلحانه از قاچاقچیان مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیر داروئی به دست می‌آید دادگاه آن را به نفع سازمان عمل‌کننده ضبط می‌کند.

ماده ۲۹ - دستگاه‌های ذی‌ربط مکلف‌اند جریمه‌ها و دیگر وجوه حاصل از اجرای این قانون را به حساب درآمد عمومی واریز نمایند. به منظور تأمین اهداف طرح ملی مبارزه با مواد مخدر، دولت اعتبار مورد نیاز برای اجرای برنامه‌های مصوب ستاد مبارزه با مواد مخدر را تحت همین عنوان، سالانه در لایحه بودجه کل کشور منظور می‌نمایند.

ماده ۳۰ - وسایط نقلیه‌ای که حامل مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیر داروئی شناخته می‌شوند به نفع دولت ضبط و با تصویب ستاد مبارزه با مواد مخدر در اختیار سازمان کاشف قرار می‌گیرد. چنانچه حمل مواد مخدر بدون اذن و اطلاع مالک وسیله نقلیه صورت گرفته باشد وسیله نقلیه به مالک آن مسترد می‌شود.

تبصره - کلیه افرادی که به هر نحو اقدام به ساخت یا تعبیه جاسازی جهت حمل مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیر داروئی در وسایل نقلیه می‌نمایند، در صورت وقوع یک جرم به‌عنوان معاون در جرم ارتكابی و در غیر آن از سه ماه تا شش ماه حبس و حسب مورد از ده میلیون ریال تا پنجاه میلیون ریال جریمه نقدی محکوم می‌شوند.

ماده ۳۱ - محکومانی که قادر به پرداخت تمام یا بخشی از جریمه نقدی مورد حکم نباشند باید به ازای روزی ده هزار ریال در زندان‌های نیمه‌باز و باز و یا مراکز اشتغال و حرفه‌آموزی اقامت نمایند، در صورتی که طرز کار و رفتار محکومان در مدت اقامت مذکور شایسته باشد بنا به تقاضا و تشخیص مسئولان اداره مراکز و موافقت اجرای احکام، مبلغ فوق به ازای روزی بیست تا پنجاه هزار ریال محاسبه می‌شود.

تبصره ۱ - تقسیط جزای نقدی مورد حکم پس از اجرای مدت حبس توسط اجرای احکام، منوط است به اخذ وثیقه‌ای معادل آن و تضمین معتبر از طرف شخص ثالث که مدت آن بیش از سه سال نباشد

تبصره ۲ - طول مدت حبس بدل از جزای نقدی به‌رحال بیشتر از ده سال نخواهد بود.

ماده ۳۲ - به‌موجب ماده ۵۷۰ ق.آ.د.ک مصوب ۹۲ نسخ شده است.

ماده ۳۳ - به‌منظور پیشگیری از اعتیاد و مبارزه با قاچاق مواد مخدر از هر قبیل، اعم از تولید، توزیع، خرید، فروش و استعمال آن‌ها و نیز موارد دیگری که در این قانون ذکر شده است، ستادی به ریاست رئیس‌جمهور تشکیل و کلیه عملیات اجرائی و قضائی و برنامه‌های پیشگیری و آموزش عمومی و تبلیغ علیه مواد مخدر در این ستاد متمرکز خواهد بود، اعضای ستاد به شرح زیر می‌باشند:

۱ - رئیس‌جمهور

۲ - دادستان کل کشور

۳ - وزیر کشور

۴ - وزیر اطلاعات

۵ - وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

۶ - وزیر آموزش و پرورش

۷ - رئیس سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران

۸ - فرمانده نیروی انتظامی

۹ - سرپرست دادگاه انقلاب اسلامی ایران

۱۰ - سرپرست سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی

۱۱ - فرمانده نیروی مقاومت بسیج

۱۲ - وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

تبصره ۱ - رئیس‌جمهور می‌تواند برای اداره جلسات ستاد مبارزه با مواد مخدر یک نفر نماینده از جانب خود تعیین نماید.

تبصره ۲ - برای پیشگیری از ارتکاب جرائم مواد مخدر، دولت موظف است هر سال بودجه‌ای برای این امر اختصاص و به دستگاه‌های ذی‌ربط موضوع همین ماده ابلاغ نماید.

ماده ۳۴ - به ستاد مبارزه با مواد مخدر اجازه داده می‌شود که بر اساس ضرورت به تهیه و تدوین آئین‌نامه‌های اجرایی مورد نیاز اقدام نماید.

ماده ۳۵ - هرکس اطفال و نوجوانان کمتر از هجده سال تمام هجری شمسی و افراد محجور عقلی را به هر نحو به مصرف و یا به ارتکاب هر یک از جرائم موضوع این قانون وادار کند و یا دیگری را به هر طریق مجبور به مصرف مواد مخدر یا روان‌گردان نماید و یا مواد مذکور را جبراً به وی تزریق و یا از طریق دیگری وارد بدن وی نماید به یک و نیم برابر حداکثر مجازات قانونی همان جرم و در مورد حبس ابد به اعدام و مصادره اموال ناشی از ارتکاب این جرم محکوم می‌شود. در صورت سایر جهات از جمله ترغیب، مرتکب به مجازات مباشر جرم محکوم می‌شود.

ماده ۳۶ - در کلیه مواردی که در این قانون، مرتکبین علاوه بر مجازات‌های مقرر به مصادره اموال ناشی از جرائم موضوع این قانون محکوم می‌شوند، دادگاه مکلف است مشخصات دقیق اموال مصادره شده را دقیقاً در حکم یا در حکم اصلاحی قید نماید. تخلف از مقررات مذکور موجب تعقیب انتظامی و محکومیت از درجه ۴ به بالا می‌باشد.

تبصره - محاکم موظف‌اند رونوشت کلیه احکام صادر شده را پس از قطعیت به ستاد مبارزه با مواد مخدر ارسال دارند.

ماده ۳۷ - طول مدت بازداشت موقت به‌رحال بیش از ۴ ماه نخواهد بود، چنانچه در مدت مذکور پرونده اتهامی منتهی به صدور حکم نشده باشد مرجع صادرکننده قرار، مکلف به فک و تخفیف قرار تأمین فوق می‌باشد مگر آنکه جهات قانونی یا علل موجهی برای ابقاء قرار بازداشت وجود داشته باشد که در این صورت با ذکر علل و جهات مزبور قرار ابقاء می‌شود.

ماده ۳۸ - دادگاه می‌تواند در صورت وجود جهات مخففه مجازات‌های تعزیری مقرر در این قانون را تا نصف حداقل مجازات آن جرم تخفیف دهد در صورتی که مجازاتی فاقد حداقل باشد همان مجازات تا نصف تخفیف می‌یابد. میزان تخفیف در احکام حبس ابد ۱۵ سال خواهد بود و در مورد مجازات اعدام تقاضای عفو و تخفیف مجازات به کمیسیون عفو ارسال خواهد شد.

تبصره - کلیه محکومینی که پس از صدور حکم به نحوی با نیروی انتظامی یا سازمان عمل‌کننده همکاری نمایند و اقدام آن‌ها منجر به کشف شبکه‌ها گردد دادگاه صادرکننده رأی می‌تواند با تقاضای نیروی انتظامی و یا سازمان عمل‌کننده بر اساس اسناد مربوطه، مجازات وی را ضمن اصلاح حکم سابق‌الصدور تا نصف تخفیف دهد.

ماده ۳۹ - در تشدید مجازات بر اثر تکرار جرم در کلیه موارد مصرح در این قانون محکومیت‌ها یا سوابق بعد از اجرای قانون مبارزه با مواد مخدر سال ۱۳۶۷ منوط اعتبار است.

ماده ۴۰ - هرکس عالماً عامداً به‌قصد تبدیل یا تولید مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیر داروئی، مبادرت به ساخت، خرید، فروش، نگهداری، حمل، ورود، صدور و عرضه مواد صنعتی و شیمیائی از قبیل ایندیرید استیک، اسید انتر اتیلیک، اسید فنیل استیک، کلرور استیل و سایر مواد مندرج در جداول یک و دو ضمیمه به ماده ۱۲ کنوانسیون مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روان‌گردان مصوب میلادی ۱۹۸۸ و اصلاحات و الحاقات بعدی آن بنماید، همچنین نسبت به ورود، خرید، فروش، ساخت، مصرف، نگهداری یا صدور کدئین و متادون اقدام بنماید با رعایت تناسب و با توجه به مقدار مواد حسب مورد به مجازات‌های مقرر در ماده ۵ قانون مبارزه با مواد مخدر محکوم خواهد شد.

ماده ۴۱ - ساخت، تولید، خرید، فروش، ارسال، نگهداری، ورود، صدور، مصرف و حمل مواد ممنوع حسب مورد برای مصارف پزشکی، تحقیقاتی و صنعتی با مجوز وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از شمول این قانون مستثنی است.

تبصره - کشت شقایق پاپاور سامنیو فرم الی‌فرا به درخواست وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تحت نظر وزارت جهاد کشاورزی و با نظارت ستاد مبارزه با مواد مخدر، برای مصارف دارویی و تأمین داروهای جایگزین بلامانع است.

ماده ۴۲ - به قوه قضائیه اجازه داده می‌شود که بخشی از محکومان مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیر داروئی را به‌جای زندان در اردوگاه‌های خاص (با شرایط سخت و عادی) نگهداری نمایند.

دولت موظف است اعتبارات و تسهیلات و مقررات لازم را برای تهیه و اداره این اردوگاه‌ها در ظرف مدت یک سال تأمین کند.

تبصره ۱ - اداره این اردوگاه‌ها به عهده قوه قضائیه است.

تبصره ۲ - دادگاه‌ها می‌توانند به‌جای کیفر حبس کیفر توقف در اردوگاه‌ها را برای محکومین معین نمایند.

ماده ۴۳- نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران اجازه دارد در چارچوب موافقت‌نامه‌های قانونی دو یا چندجانبه بین جمهوری اسلامی ایران و سایر دولت‌ها با مشارکت مأمورین دیگر کشورها به منظور شناسایی مجرمین موضوع این قانون، ردیابی منابع مالی، کشف طرق ورود یا عبور محموله‌های قاچاق از کشور، کشف وسایل یا مکان کشت یا تولید یا ساخت مواد مذکور با تنظیم طرح عملیاتی و درخواست فرمانده نیروی انتظامی با حکم دادستان کل کشور، محموله‌های تحت کنترل را در قلمرو داخلی و با موافقت سایر کشورها در قلمرو آن کشورها مورد تعقیب قرار داده و پس از تکمیل تحقیقات، گزارش اقدام را به دادستان کل کشور یا قاضی‌ای که او تعیین می‌کند تسلیم نماید. هرگونه تغییر در طرح عملیاتی مذکور در حین اجرا با مجوز کتبی دادستان کل کشور بلامانع است.

تبصره ۱- درهرحال احراز هویت و درج مشخصات مأموران دیگر کشورها در طرح عملیات الزامی می‌باشد. ضبط، جایگزینی کلی و یا جزئی و یا اجازه عبور محموله‌های موضوع این ماده از کشور و یا اخذ، نگهداری، اخفاء، حمل و یا تحویل مواد مخدر و روان‌گردان صنعتی غیر دارویی و یا تهیه وسایل و تسهیل اقدامات موردنیاز توسط ضابطان طبق موافقت‌نامه‌های قانونی دو یا چندجانبه و با رعایت کنوانسیون‌های الحاقی با حکم دادستان کل کشور بلامانع است.

تبصره ۲- رسیدگی به اتهامات متهمان موضوع این ماده در مرحله دادرسی در صلاحیت مرجع قضایی است که از طرف دادستان کل کشور تعیین می‌شود.

ماده ۴۴- وزارت اطلاعات مکلف است ضمن جمع‌آوری اطلاعات لازم در زمینه شبکه‌های اصلی منطقه‌ای و بین‌المللی قاچاق سازمان‌یافته مرتبط با جرائم موضوع این قانون، در حوزه اختیارات قانونی نسبت به شناسایی و تعقیب آن‌ها با حکم دادستان کل یا قاضی‌ای که او تعیین می‌کند اقدام و همچنین نسبت به ارائه سرویس اطلاعاتی به نیروی انتظامی و مراجع ذیصلاح نیز اقدام نماید.

ماده ۴۵- اصلاح این قانون توسط مجلس شورای اسلامی بلامانع است.

تبصره - فهرست مواد مخدر و روان‌گردان‌های موردنظر این قانون افزون بر مواد مندرج در این قانون در قالب طرح یا لایحه در مجلس شورای اسلامی به تصویب خواهد رسید.

احکام جزایی از قانون ثبت اسناد و املاک

مصوب ۱۳۱۰/۱۲/۲۶ با اصلاحات و الحاقات بعدی

باب ششم - جرائم و مجازات

ماده ۱۰۰- هر یک از مستخدمین و اجزای ثبت اسناد و املاک و صاحبان دفاتر رسمی عمداً یکی از جرم‌های ذیل را مرتکب شود جاعل در اسناد رسمی محسوب و به مجازاتی که برای جعل و تزویر اسناد رسمی مقررات محکوم خواهد شد. اولاً: اسناد مجعوله یا مزوره را ثبت کند.

ثانیاً: سندی را بدون حضور اشخاصی که مطابق قانون باید حضورداشته باشند ثبت نماید.

ثالثاً: سندی را به اسم کسانی که آن معامله را نکرده‌اند ثبت کند.

رابعاً: تاریخ سند یا ثبت سندی را مقدم یا مؤخر در دفتر ثبت کند.

خامساً: تمام یا قسمتی از دفاتر ثبت را معدوم یا مکتوم کند یا ورقی از آن دفاتر را پاره کند یا به وسایل متقلبانه دیگر ثبت سندی را از اعتبار و استفاده بیندازد.

سادساً: اسناد انتقالی را با علم به عدم مالکیت انتقال‌دهنده ثبت کند.

سابعاً: سندی را که به‌طور وضوح سندیت نداشته و یا از سندیت افتاده، ثبت کند.

ماده ۱۰۱- هرگاه اعضای ثبت اسناد و املاک سندی را که مفاد آن مخالفت صریح با قوانین موضوعه‌ی مملکتی داشته ثبت کند، از یک سال تا سه سال از خدمات دولتی منفصل خواهد شد.

ماده ۱۰۲- هر یک از اعضای ثبت اسناد و املاک قبل از احراز هویت اشخاص و یا اهلیت اصحاب معامله و یا قابلیت موضوع معامله سندی را عمداً ثبت نماید و به مجازات اداری فوق محکوم خواهد گردید.

ماده ۱۰۳- هر یک از مستخدمین و اجزای ثبت اسناد و املاک عمداً تصدیقاتی دهد که مخالف واقع باشد، در حکم جاعل اسناد رسمی خواهد بود.

ماده ۱۰۴- در موارد تقصیراتی که مجازات آن‌ها به‌موجب این باب معین نشده مستخدمین و اجزای ثبت اسناد و املاک که مرتکب جرم عمومی و یا تقصیر اداری می‌شوند موافق مقررات قوانین جزایی و یا قانون استخدام، تعقیب و مجازات خواهند شد.

ماده ۱۰۵- جز در مورد مذکور در ماده ۳۳ (راجع به بیع شرط و امثال آن) هرکس تقاضای ثبت ملکی را بنماید که قبلاً به دیگری انتقال داده با علم به این‌که به نحوی از انحاء قانونی سلب مالکیت از او شده است تقاضای ثبت نماید، کلاهبردار محسوب می‌شود و همچنین است اگر در موقع تقاضا مالک بوده ولی در موقع ثبت ملک در دفتر ثبت املاک، مالک نبوده و مع‌هذا سند مالکیت بگیرد یا سند مالکیت نگرفته ولی پس از اخطار اداره ثبت، حاضر برای تصدیق حق طرف

نباشد.

ماده ۱۰۶- مقررات فوق در مورد وارثی نیز جاری است که با علم به انتقال ملک از طرف مورث خود یا با علم به اینکه به نحوی از انحاء قانونی سلب مالکیت از مورث او شده بوده است تقاضای ثبت آن ملک یا تقاضای صدور سند مالکیت آن ملک را به اسم خود کرده و یا مطابق قسمت اخیر ماده فوق پس از اخطار اداره ثبت رفتار نکند. در تمام این موارد علم وارث باید به وسیله امضاء یا مهر و یا نوشته به خط او محرز شود.

ماده ۱۰۷- هرکس به عنوان اجاره یا عمری یا رقبی یا سکنی و یا مباشرت و به طور کلی هرکس نسبت به ملکی امین محسوب بوده و به عنوان مالکیت تقاضای ثبت آن را بکند، به مجازات کلاهبردار محکوم خواهد شد.

ماده ۱۰۸- هرگاه شخصی که ملک را به یکی از عناوین مذکوره در فوق متصرف بوده، شخصاً تقاضای ثبت نموده ولی به واسطه خیانت یا تبانی او، ملک به نام دیگری به ثبت برسد به طریق ذیل عمل خواهد شد:

الف- اگر کسی که ملک به اسم او ثبت شده مشمول مقررات یکی از مواد ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۹ باشد شخص او و امین هر دو به عنوان مجرم اصلی به مجازات کلاهبردار محکوم شده و نسبت به خسارات مدعی خصوصی متضامناً مسئول خواهند بود.

ب- هرگاه کسی که ملک به نام او به ثبت رسیده مشمول هیچ یک از مقررات مواد ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۹ نباشد شخص مزبور به هیچ عنوان اعم از حقوقی و جزایی قابل تعقیب نیست ولی امین به عنوان مجرم اصلی تعقیب و مطابق ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی محکوم شده و به علاوه برای جبران خسارت صاحب ملک، در توقیف خواهد ماند. در صورتی که در ظرف پنج سال نتوانست با تأدیه خسارت یا از طریق دیگر رضایت مدعی خصوصی را فراهم سازد و زیر عدلیه از مقام سلطنت عفو او را استدعا می کند.

ماده ۱۰۹- هرکس نسبت به ملکی که در تصرف دیگری بوده خود را متصرف قلمداد کرده و تقاضای ثبت کند کلاهبردار محسوب می شود. اختلافات راجع به تصرف در حدود، مشمول این ماده نیست.

ماده ۱۱۰- در مورد مواد فوق و همچنین در کلیه مواد دیگر این قانون اظهارنامه ای که در مورد ثبت عمومی املاک داده می شود به منزله تقاضانامه است.

ماده ۱۱۱- در مورد مواد قبل تعقیب متهم موکول به شکایت مدعی خصوصی است.

ماده ۱۱۱ مکرر (الحاقی ۱۳۱۲/۵/۷) - اگر مورد مواد ۱۰۷ و ۱۰۸ متهم کسی باشد که املاک موقوفه عام المنفعه را به عنوان متولی یا متصدی و یا املاک مولی علیه را به عنوان ولایت و قیمومت در تصرف دارد، تعقیب جزایی موکول به شکایت مدعی خصوصی نیست.

ماده ۱۱۲- در صورتی که مدعی خصوصی قبل از صدور حکم نهایی شکایت خود را مسترد داشت تعقیب متروک خواهد شد.

ماده ۱۱۳- تجدید شکایت از مدعی خصوصی پذیرفته نمی شود.

ماده ۱۱۴- در مورد مواد ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۰۹ (به استثنای مورد مذکور در بند ب ماده ۱۰۸) مجرم علاوه بر مجازات مقرر برای جرم کلاهبرداری تا موقعی که به وسیله تصدیق حق مدعی خصوصی در اداره ثبت املاک یا به وسایل دیگر خساراتی را که مستقیماً به واسطه تقاضای ثبت و صدور سند مالکیت به طرف وارد آورده و مدعی خصوصی به وسیله تقدیم عرض حال مطالبه نموده و مورد حکم واقع شده جبران نماید، در توقیف خواهد ماند.

تعیین میزان خسارت با محکمه ای است که به جنبه جزایی رسیدگی کرده ولو این که عرض حال خسارت از طرف مدعی خصوصی پس از صدور حکم جزایی داده شده باشد - خسارات غیرمستقیم (خسارات ناشی از محاکمه) مطابق اصول معموله تعیین و وصول خواهد شد.

ماده ۱۱۵- هرکس یکی از اعمال مشروحه در مواد ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۰۹ را قبل از اول اسفندماه ۱۳۰۸ مرتکب شده و تا اول خردادماه ۱۳۰۹ به وسیله تصدیق حق طرف در دفاتر ثبت یا به وسایل دیگر خسارت وارده بر صاحب ملک را جبران ننموده کلاهبردار محسوب شده و علاوه بر مجازات مقرر برای این جرم تا موقعی که خسارت وارده به طرف را مطابق ماده ۱۱۴ جبران نکرده در توقیف خواهد ماند.

ماده ۱۱۶- در موارد املاکی که به رهن یا به یکی از عناوین مذکوره در ماده ۳۳ انتقال داده شده، رهن یا انتقال دهنده مکلف است حق طرف را در ضمن اظهارنامه خود قید نماید. در صورتی که رهن یا انتقال دهنده به این تکلیف عمل ننموده مرتبه یا انتقال گیرنده می تواند تا یک سال از تاریخ انقضاء مدت حق استرداد یا رهن، به وسیله اظهارنامه رسمی حق خود را مطالبه کند. هرگاه در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه رهن یا انتقال دهنده حق طرف را نداد، کلاهبردار محسوب و با رعایت مواد ۱۱۱ و ۱۱۲ و ۱۱۳ مطابق ماده ۱۱۴ با او رفتار خواهد شد.

اگر اخطار قبل از انقضاء مدت حق استرداد و یا رهن به عمل آمده باشد، رهن یا انتقال دهنده وقتی مجرم خواهد بود که در صورت بقاء ملک به ملکیت او، حق طرف را تا ده روز پس از ابلاغ اظهارنامه در اداره ثبت تصدیق ننماید و در صورتی که ملک به ملکیت او باقی نباشد، وقتی مجرم محسوب خواهد شد که تا ده روز پس از انقضاء مدت حق استرداد یا رهن، حق مرتبه یا انتقال گیرنده را تأدیه نکند.

تبصره- مرتبه یا انتقال گیرنده که در ظرف مدت یک سال، اخطار مذکور در فوق را نکرد مادام که مرور زمان منقول شامل طلب او نشده، حق مطالبه طلب

خود را خواهد داشت.

ماده ۱۱۷ (اصلاحی ۱۳۱۲/۵/۷) - هرکس به موجب سند رسمی یا عادی نسبت به عین یا منفعت مالی (اعم از منقول یا غیرمنقول) حقی به شخص یا اشخاص داده و بعد نسبت به همان عین یا منفعت به موجب سند رسمی معامله یا تعهدی معارض با حق مزبور بنماید به حبس با اعمال شاقه از سه تا ده سال محکوم خواهد شد.

قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن

مصوب ۲۱/۷/۱۳۹۸

ماده ۱- هرکس عمداً با پاشیدن اسید یا هر نوع ترکیبات شیمیایی دیگر، با هر میزان غلظت موجب جنایت بر نفس، عضو یا منفعت شود در صورت مطالبه از ناحیه مجنی‌علیه یا ولی دم حسب مورد با رعایت شرایط مقرر در کتاب قصاص، به قصاص نفس، عضو یا منفعت محکوم می‌شود.
تبصره ۱- ریختن اسید یا سایر ترکیبات شیمیایی بر روی فرد، فرو بردن اعضای بدن در درون اسید و اعمالی نظیر آن در حکم اسیدپاشی است.
تبصره ۲- در مواردی که اسیدپاشی مشمول مقررات ماده (۲۸۶) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ باشد؛ اقدام مرتکب، افساد فی الارض محسوب و به مجازات آن محکوم می‌شود.

ماده ۲- هرگاه شخصی مرتکب جرم موضوع این قانون شود و مجازات آن قصاص نباشد یا به هر علتی مانند مصالحه اولیای دم، قصاص اجراء نشود، مرتکب علاوه بر پرداخت دیه یا ارش یا وجه‌المصلحه حسب مورد مطابق مقررات مربوطه، به ترتیب زیر مجازات می‌شود:

الف - در جنایت بر نفس و جنایت منجر به تغییر شکل دائمی صورت بزه‌دیده به حبس تعزیری درجه یک؛

ب - در جنایتی که میزان دیه آن بیش از نصف دیه کامل باشد، به حبس تعزیری درجه دو؛

پ - در جنایتی که میزان دیه آن از یک‌سوم تا نصف دیه کامل باشد، به حبس تعزیری درجه سه؛

ت - در جنایتی که میزان دیه آن تا یک‌سوم دیه کامل باشد، به حبس تعزیری درجه چهار؛

ماده ۳- در مورد جرائم موضوع این قانون و شروع به آن، مقررات مربوط به آزادی مشروط، تعلیق و تخفیف مجازات قابل اعمال نیست مگر آنکه بزه‌دیده یا اولیای دم نسبت به مجازات تعزیری مرتکب نیز اعلام گذشت کرده باشند که در این صورت دادگاه می‌تواند مجازات مرتکب را یک درجه تخفیف دهد.

ماده ۴- مجازات معاونت در جرائم موضوع این قانون به ترتیب زیر تعیین می‌شود:

الف - در صورتی که مجازات قانونی مرتکب، سلب حیات باشد، به حبس تعزیری درجه دو؛

ب - در صورتی که مجازات قانونی مرتکب، قصاص عضو باشد، به حبس تعزیری درجه سه؛

پ - در صورتی که مجازات مرتکب قصاص نباشد یا به هر علتی قصاص نفس یا عضو اجراء نشود، به یک درجه پایین‌تر از مجازات تعزیری مرتکب.

ماده ۵- در کلیه موارد مذکور در این قانون، مرتکب علاوه بر جبران خسارت‌های مقرر در ماده (۱۴) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، ملزم به پرداخت هزینه‌های درمان بزه‌دیده می‌باشد. در صورتی که مرتکب با تشخیص قاضی رسیدگی‌کننده متمکن از پرداخت هزینه‌های درمان نباشد، هزینه‌های مربوطه از محل صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پرداخت می‌شود.

تبصره ۱- سازمان بهزیستی کشور مکلف است با تشخیص قاضی رسیدگی‌کننده، به بزه‌دیده‌گان موضوع این قانون خدمات روانشناختی، مددکاری و توانبخشی ارائه کند.

تبصره ۲- در مواردی که هزینه‌های موضوع این ماده و تبصره (۱)، از صندوق تأمین خسارت‌های بدنی و سازمان بهزیستی پرداخت می‌شود، صندوق یا سازمان بهزیستی می‌تواند برای دریافت هزینه‌های پرداخت‌شده به مرتکب رجوع کند.

ماده ۶- به دعوی و شکایات مربوط به جرائم این قانون خارج از نوبت رسیدگی می‌شود.

ماده ۷- از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، لایحه قانونی مربوط به مجازات پاشیدن اسید مصوب ۱۳۳۷ نسخ می‌شود.

نکته ۱: قانون مجازات اسلامی مشتمل بر جرائم و مجازات‌های حدود، قصاص، دیات و تعزیرات، اقدامات تأمینی و تربیتی، شرایط و موانع مسؤولیت کیفری و قواعد حاکم بر آن‌ها است.

نکته ۲: هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود. (اصل قانونی بودن جرم و مجازات)

نکته ۳: قوانین جزائی ایران درباره کلیه اشخاصی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می‌شود مگر آنکه به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد. (اصل سرزمینی بودن)

نکته ۴: هرگاه قسمتی از جرم یا نتیجه آن در قلمرو حاکمیت ایران واقع شود در حکم جرم واقع شده در جمهوری اسلامی ایران است.

نکته ۵: استثنائات اصل صلاحیت سرزمینی قوانین کیفری: ۱. مصونیت سیاسی مأمورین سیاسی ۲. جرائم واقع شده در کشتی‌های جنگی ۳. جرائم واقع شده در هواپیما.

نکته ۶: اگر جرمی در یک کشتی جنگی در قلمرو دریایی ایران واقع شود طبق قانون کشور صاحب پرچم به آن رسیدگی می‌شود، اما این استثنا شامل کشتی‌های مسافربری و تجاری نمی‌شود.

نکته ۷: اگر جرمی در یک هواپیما که در قلمرو هوایی ایران در حال پرواز است واقع شود و هیچ یک از شرایط زیر وجود نداشته باشد به رغم وقوع جرم در سرزمین ایران قانون و محاکم ایران صالح به رسیدگی نیستند؛ اما اگر هر یک از شرایط زیر محقق باشد قانون و دادگاه ایران صالح است. این شرایط عبارت‌اند از: ۱. مرتکب یا مجنی علیه تبعه ایران باشد. ۲. هواپیما پس از وقوع جرم در ایران فرود بیاید. ۳. جرم مخل امنیت عمومی ایران باشد.

نکته ۸: هریک از اتباع ایران در خارج از کشور مرتکب جرمی شود، در صورتی که در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود مشروط بر اینکه:

الف- رفتار ارتكابی به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران جرم باشد.

ب- در صورتی که جرم ارتكابی از جرائم موجب تعزیر باشد، متهم در محل وقوع جرم محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجرا نشده باشد.

پ- طبق قوانین ایران موجبی برای منع یا موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات یا سقوط آن نباشد. (صلاحیت شخصی فعال یا مبتنی بر تابعیت بزهکار)

نکته ۹: به جرائم اتباع ایران در خارج از کشور نمی‌توان به شکل غیابی رسیدگی کرد.

نکته ۱۰: اگر تبعه ایران در خارج از کشور مرتکب جرائم حدی یا تعزیرات منصوص شرعی شود، حتی اگر در آن کشور محاکمه و تبرئه شده باشد یا مجازات در مورد او اجرا شده باشد در صورتی که در ایران یافت شود و یا به ایران اعاده گردد، مرتکب در ایران مجدداً محاکمه و مجازات خواهد شد.

نکته ۱۱: هر شخص ایرانی یا غیرایرانی که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرائم زیر یا جرائم مقرر در قوانین خاص گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود و هرگاه رسیدگی به این جرائم در خارج از ایران به صدور حکم محکومیت و اجرای آن منتهی شود، دادگاه ایران در تعیین مجازات‌های تعزیری، میزان محکومیت اجرا شده را محاسبه می‌کند:

الف- اقدام علیه نظام، امنیت داخلی یا خارجی، تمامیت ارضی یا استقلال جمهوری اسلامی ایران؛

ب- جعل مهر، امضاء، حکم، فرمان یا دستخط مقام رهبری یا استفاده از آن؛

پ- جعل مهر، امضاء، حکم، فرمان یا دستخط رسمی رئیس‌جمهور، رئیس قوه قضائیه، رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، رئیس مجلس خبرگان، رئیس دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور، اعضای شورای نگهبان، رئیس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، وزرا یا معاونان رئیس‌جمهور یا استفاده از آن‌ها؛

ت- جعل آراء مراجع قضائی یا اجرائیه‌های صادره از این مراجع یا سایر مراجع قانونی و یا استفاده از آن‌ها؛

ث- جعل اسکناس رایج یا اسناد تعهدآور بانکی ایران و همچنین جعل اسناد خزانه و اوراق مشارکت صادر شده یا تضمین شده از طرف دولت یا تهیه یا ترویج سکه قلب در مورد مسکوکات رایج داخل؛ (صلاحیت واقعی یا مبتنی بر امنیت)

نکته ۱۲: در مورد صلاحیت واقعی رسیدگی غیابی ممکن است.

نکته ۱۳: در موارد اعمال صلاحیت واقعی قاعده منع مجازات مضاعف در جرائم تعزیری پذیرفته شده است و به موجب قانون هرگاه رسیدگی به این جرائم در خارج از ایران به صدور حکم محکومیت و اجرای آن منتهی شود، دادگاه ایران در تعیین مجازات‌های تعزیری، میزان محکومیت اجرا شده را محاسبه می‌کند.

نکته ۱۴: در موارد زیر نیز صالح به رسیدگی خواهند بود:

الف- داده‌های مجرمانه یا داده‌هایی که برای ارتکاب جرم به کار رفته است به هر نحو در سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی یا حامل‌های داده موجود در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران ذخیره شده باشد.

ب- جرم از طریق تارنما (وبسایت‌های) دارای دامنه مرتبه بالای کد کشوری ایران ارتکاب یافته باشد.

ج- جرم توسط هر ایرانی یا غیرایرانی در خارج از ایران علیه سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی و تارنماهای (وبسایت‌های) مورد استفاده یا تحت کنترل قوای سه‌گانه یا نهاد رهبری یا نمایندگی‌های رسمی دولت یا هر نهاد یا مؤسسه‌ای که خدمات عمومی ارائه می‌دهد یا علیه تارنماهای (وبسایت‌های) دارای دامنه مرتبه بالای کد کشوری ایران در سطح گسترده ارتکاب یافته باشد.

د- جرائم رایانه‌ای متضمن سوءاستفاده از اشخاص کمتر از ۱۸ سال، اعم از آنکه مرتکب یا بزه‌دیده ایرانی یا غیرایرانی باشد.

نکته ۱۵: هرگاه شخص غیرایرانی در خارج از ایران علیه شخصی ایرانی یا علیه کشور ایران مرتکب جرمی به جز جرائم مذکور در صلاحیت واقعی شود و در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جزائی جمهوری اسلامی ایران به جرم او رسیدگی می‌شود، مشروط بر اینکه:

الف- متهم در جرائم موجب تعزیر در محل وقوع جرم، محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً در باره او اجرا نشده باشد.

ب- رفتار ارتكابی در جرائم موجب تعزیر به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران و قانون محل وقوع، جرم باشد. (صلاحیت شخصی منفعل یا مبتنی بر تابعیت بزه‌دیده)

نکته ۱۶: به جرائم اتباع غیر ایرانی در خارج از کشور علیه تبعه یا کشور ایران نمی‌توان به شکل غیابی رسیدگی کرد.

نکته ۱۷: اگر تبعه غیرایرانی در خارج از کشور علیه تبعه یا کشور ایران مرتکب جرائم حدی یا تعزیرات منصوص شرعی شود، حتی اگر در آن کشور محاکمه و تبرئه شده باشد یا مجازات در مورد او اجرا شده باشد در صورتی که در ایران یافت شود و یا به ایران اعاده گردد، مرتکب در ایران مجدداً محاکمه و مجازات خواهد شد.

نکته ۱۸: به جرائم مستخدمان دولت اعم از ایرانی یا غیرایرانی که در رابطه با شغل و وظیفه خود در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب شده‌اند و به جرائم مأموران سیاسی و کنسولی و دیگر وابستگان دولت ایران که از مصونیت سیاسی برخوردارند طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران رسیدگی می‌شود.

نکته ۱۹: مرتکب جرائمی که به موجب قانون خاص یا عهدنامه‌ها و مقررات بین‌المللی در هر کشوری بافت شود در همان کشور محاکمه می‌شود، اگر در ایران یافت شود طبق قوانین جزائی جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌گردد. (صلاحیت جهانی)

نکته ۲۰: نتایج اصل قانونی بودن جرم و مجازات: (۱) تفسیر مضیق قوانین ماهوی (۲) عطف به ما سبق نشدن قوانین ماهوی.

نکته ۲۱: نتایج اصل تفسیر مضیق قوانین ماهوی کیفری: (۱) منع استفاده از قیاس در تفسیر قوانین ماهوی کیفری. (۲) تبرئه در حال شک.

نکته ۲۲: در مقررات و نظامات دولتی مجازات و اقدام تأمینی و تربیتی باید به موجب قانونی باشد که قبل از وقوع جرم مقرر شده است و مرتکب هیچ رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل را نمی‌توان به موجب قانون مؤخر به مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی محکوم کرد. (اصل عطف به ماسبق نشدن قوانین ماهوی)

نکته ۲۳: موارد استثنایی عطف به ما سبق شدن قوانین ماهوی کیفری: (۱) تصریح قانون‌گذار در قانون لاحق. (۲) قوانین تفسیری که همیشه عطف به ما سبق می‌شوند. (۳) قوانین جرم‌زدا یا به هر نحو مساعد به حال متهم (۴) قوانین شرعی

نکته ۲۴: قوانین شرعی یعنی مقررات مربوط به حدود، قصاص و دیات تابع قانون لاحق است و همیشه و در هر حال عطف به سابق می‌شود؛ یعنی در این موارد قانون زمان رسیدگی ملاک است و نه قانون زمان وقوع جرم.

نکته ۲۵: اگر قانون جدید جرم‌زدایی کرده باشد و عملی را که قبلاً جرم بوده مباح اعلام کرده باشد و در حالی که موجب قانون سابق، حکم قطعی لازم الاجرا صادر شده باشد در این حالت حکم قطعی اجرا نمی‌شود و اگر در جریان اجرا باشد اجرای آن موقوف می‌شود. در این موارد و همچنین در موردی که حکم قبلاً اجرا شده است هیچ‌گونه اثر کیفری بر آن مترتب نیست.

نکته ۲۶: اگر مجازات جرمی به موجب قانون لاحق، تخفیف یابد، اما مطابق قانون سابق حکم قطعی صادر شده باشد در این حالت، قاضی اجرای احکام موظف است قبل از شروع به اجرا یا در حین اجرا از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، اصلاح آن را طبق قانون جدید تقاضا کند. محکوم علیه نیز می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم، تخفیف مجازات را تقاضا نماید. دادگاه صادرکننده حکم با لحاظ قانون لاحق، مجازات قبلی را تخفیف می‌دهد. مقررات این فرض در مورد اقدام تأمینی و تربیتی که در مورد اطفال بزهکار اجرا می‌شود نیز جاری است. در این صورت ولی یا سرپرست وی نیز می‌تواند تخفیف اقدام تأمینی و تربیتی را تقاضا نماید.

- نکته ۲۷:** مقررات ناظر بر عطف به ما سبق شدن قوانین مساعد به حال متهم در مورد قوانینی که برای مدت معین و یا موارد خاص وضع شده است، مگر به تصریح قانون لاحق، اعمال نمی‌شود.
- نکته ۲۸:** اصل بر این است که قوانین شکلی به نفع متهم است و عطف به ماسبق می‌شود، اما در مواردی که قانون جدید حقوق مکاتبه متهم را زائل کند این قانون عطف به ماسبق نمی‌شود.
- نکته ۲۹:** به طور استثنایی در موارد زیر قانون شکلی لاحق عطف به سابق می‌شود ولو اینکه به ضرر متهم باشد:
- الف- قوانین مربوط به تشکیلات قضائی و صلاحیت
ب- قوانین مربوط به ادله اثبات دعوی تا پیش از اجرای حکم
پ- قوانین مربوط به شیوه دادرسی
ت- قوانین مربوط به مرور زمان
- نکته ۳۰:** تغییر ادله اثبات دعوا حین یا بعد از اجرای مجازات بی‌تأثیر است اما تغییر ادله اثبات دعوا قبل یا پس از صدور حکم قطعی تا زمان اجرای مجازات عطف به ما سبق می‌شود در این حالت در صورت صدور حکم قطعی پرونده برای بررسی به دادگاه صادرکننده حکم قطعی ارسال می‌شود.
- نکته ۳۱:** حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی و اجرای آن‌ها باید از طریق دادگاه صالح، به موجب قانون و با رعایت شرایط و کیفیات مقرر در آن باشد. (اصل قانونی بودن مجازات و دادرسی)
- نکته ۳۲:** حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی و اجرای آن‌ها حسب مورد نباید از میزان و کیفیتی که در قانون و حکم دادگاه مشخص شده است تجاوز کند و هر گونه صدمه و خسارتی که از این جهت حاصل شود، در صورتی که از روی عمد باشد مسؤولیت کیفری و در صورتی که از روی تقصیر باشد موجب مسؤولیت مدنی است و در صورتی که نه از روی عمد باشد و نه از روی تقصیر، خسارت از بیت‌المال جبران می‌شود.
- نکته ۳۳:** انواع مجازات عبارت‌اند از: الف- حد ب- قصاص پ- دیه ت- تعزیر
- نکته ۳۴:** حد مجازاتی است که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس، تعیین شده است.
- نکته ۳۵:** قصاص مجازات اصلی جنایات عمدی بر نفس، اعضاء و منافع است.
- نکته ۳۶:** دیه اعم از مقدر و غیرمقدر، مالی است که در شرع مقدس برای ایراد جنایت غیرعمدی بر نفس، اعضاء و منافع و یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد به موجب قانون مقرر می‌شود.
- نکته ۳۷:** دیه مقدر، مال معینی است که در شرع مقدس به سبب جنایت غیرعمدی بر نفس، عضو یا منفعت، یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد، مقرر شده است.
- نکته ۳۸:** ارش، دیه غیرمقدر است که میزان آن در شرع تعیین نشده است و دادگاه با لحاظ نوع و کیفیت جنایت و تأثیر آن بر سلامت مجنی‌علیه و میزان خسارت وارده با در نظر گرفتن دیه مقدر و با جلب نظر کارشناس میزان آن را تعیین می‌کند. مقررات دیه مقدر در مورد ارش نیز جریان دارد مگر اینکه در این قانون ترتیب دیگری مقرر شود.
- نکته ۳۹:** تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد.
- نکته ۴۰:** نوع، مقدار، کیفیت اجرا و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می‌شود.
- نکته ۴۱:** دادگاه در صدور حکم تعزیری، با رعایت مقررات قانونی، موارد زیر را مورد توجه قرار می‌دهد:
- الف- انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم
ب- شیوه ارتکاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیان‌بار آن
پ- اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم
ت- سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی
- چنانچه دادگاه در حکم صادره مجازات حبس را بیش از حداقل مجازات مقرر در قانون تعیین کند، باید مبتنی بر بندهای مقرر در این ماده و یا سایر جهات قانونی، علت صدور حکم به بیش از حداقل مجازات مقرر قانونی را ذکر کند. عدم رعایت مفاد این تبصره موجب مجازات انتظامی درجه چهار می‌باشد.
- نکته ۴۲:** مجازات‌های تعزیری به هشت درجه تقسیم می‌شود:

درجه ۱

- حبس بیش از بیست و پنج سال

- جزای نقدی بیش از یک میلیارد (۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال

- مصادره کل اموال

- انحلال شخص حقوقی

درجه ۲

- حبس بیش از پانزده تا بیست و پنج سال

- جزای نقدی بیش از پانصد و پنجاه میلیون (۵۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا یک میلیارد (۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال

درجه ۳

- حبس بیش از ده تا پانزده سال

- جزای نقدی بیش از سیصد و شصت میلیون (۳۶۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا پانصد و پنجاه میلیون (۵۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال

درجه ۴

- حبس بیش از پنج تا ده سال

- جزای نقدی بیش از یکصد و هشتاد میلیون (۱۸۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا سیصد و شصت میلیون (۳۶۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال

- انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی

درجه ۵

- حبس بیش از دو تا پنج سال

- جزای نقدی بیش از هشتاد میلیون (۸۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا یکصد و هشتاد میلیون (۱۸۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال

- محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از پنج تا پانزده سال

- ممنوعیت دائم از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشخاص حقوقی

- ممنوعیت دائم از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه برای اشخاص حقوقی

درجه ۶

- حبس بیش از شش ماه تا دو سال

- جزای نقدی بیش از بیست میلیون (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا هشتاد میلیون (۸۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال

- شلاق از سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه و تا نود و نه ضربه در جرائم منافی عفت

- محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از شش ماه تا پنج سال

- انتشار حکم قطعی در رسانه‌ها

- ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال

- ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال

- ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری توسط اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال

درجه ۷

- حبس از نود و یک روز تا شش ماه

- جزای نقدی بیش از ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال

- شلاق از یازده تا سی ضربه

- محرومیت از حقوق اجتماعی تا شش ماه

درجه ۸

- حبس تا سه ماه

- جزای نقدی تا ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال

- شلاق تا ده ضربه

نکته ۴۳: موارد محرومیت از حقوق اجتماعی همان است که در مجازت‌های تبعی ذکر شده است. (ماده ۲۶ ق.م.ا)

نکته ۴۴: مجازاتی که حداقل آن منطبق بر یکی از درجات تعزیر و حداکثر آن منطبق با درجه بالاتر باشد، از درجه بالاتر محسوب می‌شود.

نکته ۴۵: در صورت تعدد مجازات‌ها، مجازات شدیدتر و در صورت عدم امکان تشخیص مجازات شدیدتر، مجازات حبس ملاک است. همچنین اگر مجازاتی با هیچ‌یک از بندهای هشت‌گانه مجازات‌های تعزیری مطابقت نداشته باشد مجازات درجه هفت محسوب می‌شود. تمام حبس‌های ابد غیرحدی مقرر در قانون به حبس درجه یک تبدیل می‌شود.

نکته ۴۶: در مسؤولیت کیفری اصل بر مسؤولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسؤولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود. مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسؤولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست.

نکته ۴۷: در صورتی که شخص حقوقی مسؤول شناخته شود، با توجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیان‌بار آن به یک تا دو مورد از موارد زیر محکوم می‌شود:

الف- انحلال شخص حقوقی

ب- مصادره کل اموال

پ- ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال

ت- ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه به‌طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال

ث- ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری حداکثر برای مدت پنج سال

ج- جزای نقدی

چ- انتشار حکم محکومیت به‌وسیله رسانه‌ها

نکته ۴۸: مجازات اشخاص حقوقی، در مورد اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیردولتی در مواردی که اعمال حاکمیت می‌کنند، اعمال نمی‌شود.

نکته ۴۹: چنانچه رابطه علیت بین رفتار شخص حقوقی و خسارت وارده احرز شود دیه و خسارت، قابل مطالبه خواهد بود.

نکته ۵۰: میزان جزای نقدی قابل اعمال بر اشخاص حقوقی حداقل دو برابر و حداکثر چهار برابر مبلغی است که در قانون برای ارتکاب همان جرم به‌وسیله اشخاص حقیقی تعیین می‌شود.

نکته ۵۱: انحلال شخص حقوقی و مصادره اموال آن زمانی اعمال می‌شود که برای ارتکاب جرم، به وجود آمده یا با انحراف از هدف مشروع نخستین، فعالیت خود را منحصراً در جهت ارتکاب جرم تغییر داده باشد.

نکته ۵۲: در مورد مسؤولیت اشخاص حقوقی در جرائم رایانه‌ای توجه به ماده ۷۴۷ کتاب تعزیرات ق.م.ا مفید خواهد بود. به موجب این ماده:

در موارد زیر، چنانچه جرائم رایانه‌ای به نام شخص حقوقی و در راستای منافع آن ارتکاب یابد، شخص حقوقی دارای مسؤولیت کیفری خواهد بود:

الف- هرگاه مدیر شخص حقوقی مرتکب جرم رایانه‌ای شود.

ب- هرگاه مدیر شخص حقوقی دستور ارتکاب جرم رایانه‌ای را صادر کند و جرم به وقوع پیوندد.

ج- هرگاه یکی از کارمندان شخص حقوقی با اطلاع مدیر یا در اثر عدم نظارت وی مرتکب جرم رایانه‌ای شود.

د- هرگاه تمام یا قسمتی از فعالیت شخص حقوقی به ارتکاب جرم رایانه‌ای اختصاص یافته باشد.

تبصره ۱- منظور از مدیر کسی است که اختیار نمایندگی یا تصمیم‌گیری یا نظارت بر شخص حقوقی را دارد.

اشخاص حقوقی موضوع ماده فوق‌الذکر، با توجه به شرایط و اوضاع و احوال جرم ارتكابی، میزان درآمد و نتایج حاصله از ارتکاب جرم، علاوه بر سه تا شش برابر حداکثر جزای نقدی جرم ارتكابی، به ترتیب ذیل محکوم خواهند شد:

الف- چنانچه حداکثر مجازات حبس آن جرم تا پنج سال حبس باشد، تعطیلی موقت شخص حقوقی از یک تا نه ماه و در صورت تکرار جرم تعطیلی موقت شخص حقوقی از یکتا پنج سال.

ب- چنانچه حداکثر مجازات حبس آن جرم بیش از پنج سال حبس باشد، تعطیلی موقت شخص حقوقی از یک تا سه سال و در صورت تکرار جرم شخص حقوقی منحل خواهد شد.

تبصره - مدیر شخص حقوقی که طبق بند «ب» این ماده منحل می‌شود تا سه سال حق تأسیس یا نمایندگی یا تصمیم‌گیری یا نظارت بر شخص حقوقی دیگری را نخواهد داشت.

نکته ۵۳: دادگاه می‌تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری محکوم کرده است، با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات‌های تکمیلی بندها و تبصره‌های این ماده محکوم نماید:

الف- اقامت اجباری در محل معین

- ب- منع از اقامت در محل یا محل‌های معین
- پ- منع از اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین
- ت- انفصال از خدمات دولتی و عمومی
- ث- منع از رانندگی با وسایل نقلیه موتوری و یا تصدی وسایل موتوری
- ج- منع از داشتن دسته‌چک و یا اصدار اسناد تجارت
- چ- منع از حمل سلاح
- ح- منع از خروج اتباع ایران از کشور
- خ- اخراج بیگانگان از کشور
- د- الزام به خدمات عمومی
- ذ- منع از عضویت در احزاب، گروه‌ها و دستجات سیاسی یا اجتماعی
- ر- توقیف وسایل ارتکاب جرم یا رسانه یا مؤسسه دخیل در ارتکاب جرم
- ز- الزام به یادگیری حرفه، شغل یا کار معین
- ژ- الزام به تحصیل
- س- انتشار حکم محکومیت قطعی

نکته ۵۴: اعمال مجازات تکمیلی اختیاری است؛ دادگاه مکلف است در صورت اعمال این نوع مجازات، آن را در حکم خود قید کند.

نکته ۵۵: اعمال مجازات تکمیلی در جرائم عمدی یا غیرعمدی تعزیری و حدود و قصاص ممکن است.

نکته ۵۶: در جرائم مستوجب دیه، اعمال مجازات تکمیلی ممکن نیست.

نکته ۵۷: مصادیق مجازات تکمیلی به طور حصری در قانون پیش‌بینی شده است.

نکته ۵۸: منع از اشتغال به شغل، کسب، حرفه یا کار مُعین مستلزم لغو جواز کار یا پروانه کسب، حرفه یا کار است مشروط به اینکه جرم به سبب اشتغال به شغل، کسب، حرفه یا کار ارتکاب یابد یا آن اشتغال وقوع جرم را تسهیل نماید.

نکته ۵۹: منع از رانندگی و تصدی وسیله نقلیه موتوری مستلزم ابطال گواهینامه و ممنوعیت از درخواست مجدد است.

نکته ۶۰: منع از اصدار چک مستلزم ابطال برگه‌های سفید دسته‌چک و انسداد حساب جاری و ممنوعیت از درخواست مجدد افتتاح حساب جاری است.

نکته ۶۱: منع از حمل اسلحه مجاز مستلزم ابطال پروانه حمل و توقیف سلاح است.

نکته ۶۲: منع از خروج اتباع ایران از کشور مستلزم ابطال گذرنامه و ممنوعیت از درخواست مجدد است.

نکته ۶۳: اخراج موقت یا دائم بیگانگان محکوم به مجازات از کشور پس از اجرای مجازات و با حکم دادگاه انجام می‌شود.

نکته ۶۴: مدت مجازات تکمیلی بیش از دو سال نیست مگر در مواردی که قانون به نحو دیگری مقرر نماید.

نکته ۶۵: چنانچه مجازات تکمیلی و مجازات اصلی از یک نوع باشد، فقط مجازات اصلی مورد حکم قرار می‌گیرد.

نکته ۶۶: چنانچه محکوم طی مدت اجرای مجازات تکمیلی، مفاد حکم را رعایت ننماید، دادگاه صادرکننده حکم به پیشنهاد قاضی اجرای احکام برای بار اول مدت مجازات تکمیلی مندرج در حکم را تا یک‌سوم افزایش می‌دهد و در صورت تکرار، بقیه مدت محکومیت را به حبس یا جزای نقدی درجه هفت یا هشت تبدیل می‌کند. این تشدید مجازات تکمیلی الزامی است.

نکته ۶۷: بعد از گذشتن نیمی از مدت مجازات تکمیلی، دادگاه می‌تواند با پیشنهاد قاضی اجرای احکام در صورت اطمینان به عدم تکرار جرم و اصلاح مجرم، نسبت به لغو یا کاهش مدت مجازات تکمیلی وی اقدام کند. این تخفیف مجازات تکمیلی اختیاری است.

نکته ۶۸: محکومیت قطعی کیفری در جرائم عمدی، پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان، در مدت زمان مقرر در ذیل محکوم را از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی محروم می‌کند:

الف- هفت سال در محکومیت به مجازات‌های سالب حیات و حبس ابد از تاریخ توقف اجرای حکم اصلی؛

ب- سه سال در محکومیت به قطع عضو، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده بیش از نصف دیه مَجْنِيَّ عَلَیْهِ باشد، نفی بلد و حبس تا درجه چهار؛

پ- دو سال در محکومیت به شلاق حدی، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده نصف دیه مَجْنِيَّ عَلَیْهِ یا کمتر از آن باشد و حبس درجه پنج؛

نکته ۶۹: اعمال مجازات تبعی الزامی است و در حکم قید نمی‌شود.

نکته ۷۰: اعمال مجازات‌های تبعی پس از صدور حکم محکومیت قطعی و اجرای آن حکم یا شمول مرور زمان اجرای مجازات ممکن است.

نکته ۷۱: در مورد جرائم موجب جزای نقدی به هر درجه که باشد، شلاق تعزیری به هر درجه که باشد، حبس تعزیری درجه ۶، ۷ و ۸ و در مورد جرائم غیرعمدی اعمال مجازات‌های تبعی ممکن نیست.

نکته ۷۲: محکومیت‌های کیفری اطفال و نوجوانان فاقد آثار کیفری است.

نکته ۷۳: در جرائمی که در آن‌ها مجازات تبعی اعمال می‌شود مراتب محکومیت هم در پیشینه کیفری محکوم درج می‌شود و هم در گواهی‌های صادره از مراجع ذی‌ربط.

نکته ۷۴: در جرائمی که در آن‌ها مجازات تبعی اعمال نمی‌شود، مراتب محکومیت در پیشینه کیفری محکوم درج می‌شود لکن در گواهی‌های صادره از مراجع ذی‌ربط منعکس نمی‌گردد مگر به درخواست مراجع قضائی برای تعیین یا بازنگری در مجازات.

نکته ۷۵: در مورد جرائم قابل گذشت در صورتی که پس از صدور حکم قطعی با گذشت شاکی یا مدعی خصوصی، اجرای مجازات موقوف شود اثر تبعی آن نیز رفع می‌شود.

نکته ۷۶: در عفو (خصوصی) و آزادی مشروط، اثر تبعی محکومیت پس از گذشت مدت‌های فوق از زمان عفو یا اتمام مدت آزادی مشروط رفع می‌شود. محکوم در مدت زمان آزادی مشروط و همچنین در زمان اجرای حکم نیز از حقوق اجتماعی محروم می‌گردد.

نکته ۷۷: عفو عمومی باعث زوال آثار تبعی مجازات می‌شود، اما عفو خصوصی باعث زوال آثار تبعی مجازات نخواهد شد. در این صورت مبدأ محرومیت از حقوق اجتماعی زمان اعطای عفو است.

نکته ۷۸: مصادیق مجازات‌های تبعی (مصادیق محرومیت از حقوق اجتماعی) در قانون احصاء شده است.

نکته ۷۹: حقوق اجتماعی موضوع این قانون به شرح زیر است:

الف- داوطلب شدن در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس خبرگان رهبری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا؛

ب- عضویت در شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام یا هیئت دولت و تصدی معاونت رئیس جمهور؛

پ- تصدی ریاست قوه قضائیه، دادستانی کل کشور، ریاست دیوان عالی کشور و ریاست دیوان عدالت اداری؛

ت- انتخاب شدن یا عضویت در انجمن‌ها، شوراهای، احزاب و جمعیت‌ها به موجب قانون یا با رأی مردم؛

ث- عضویت در هیأت‌های منصفه و امناء و شوراهای حل اختلاف؛

ج- اشتغال به عنوان مدیر مسؤول یا سردبیر رسانه‌های گروهی؛

چ- استخدام و یا اشتغال در کلیه دستگاه‌های حکومتی اعم از قوای سه‌گانه و سازمان‌ها و شرکت‌های وابسته به آن‌ها، صداوسیما جمهوری

اسلامی ایران، نیروهای مسلح و سایر نهادهای تحت نظر رهبری، شهرداری‌ها و مؤسسات مأمور به خدمات عمومی و دستگاه‌های مستلزم تصریح

یا ذکر نام برای شمول قانون بر آن‌ها؛

ح- اشتغال به عنوان وکیل دادگستری و تصدی دفاتر ثبت اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفتریاری؛

خ- انتخاب شدن به سمت قیم، امین، متولی، ناظر یا متصدی موقوفات عام؛

د- انتخاب شدن به سمت داور یا کارشناسی در مراجع رسمی؛

ذ- استفاده از نشان‌های دولتی و عناوین افتخاری؛

ر- تأسیس، اداره یا عضویت در هیئت‌مدیره شرکت‌های دولتی، تعاونی و خصوصی یا ثبت نام تجاری یا مؤسسه آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و علمی؛

نکته ۸۰: محرومیت از حقوق اجتماعی هم مصداقی از مجازات اصلی است و هم مصداقی از مجازات تکمیلی و تبعی می‌باشد.

نکته ۸۱: مستخدمان دستگاه‌های حکومتی در صورت محرومیت از حقوق اجتماعی، خواه به عنوان مجازات اصلی و خواه مجازات تکمیلی یا تبعی، حسب مورد در مدت مقرر در حکم یا قانون، از خدمت منفصل می‌شوند.

نکته ۸۲: اعاده حیثیت یعنی بازگشت قهری و خود به خود به حقوق اجتماعی محکوم علیه پس از انقضای مواعد قانونی.

نکته ۸۳: در موارد زیر به طور استثنایی محرومیت از حقوق اجتماعی دائمی است و هرگز اعاده حیثیت در مورد این حقوق اعمال نمی‌شود. این حقوق عبارت‌اند از:

الف- داوطلب شدن در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس خبرگان رهبری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا؛

ب- عضویت در شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام یا هیئت دولت و تصدی معاونت رئیس جمهور؛

پ- تصدی ریاست قوه قضائیه، دادستانی کل کشور، ریاست دیوان عالی کشور و ریاست دیوان عدالت اداری؛

نکته ۸۴: کلیه مبالغ مذکور در این قانون و سایر قوانین از تاریخ تصویب آن‌ها در مورد تمام جرائم و تخلفات از جمله مجازات نقدی، به تناسب نرخ تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی، هر سه سال یک بار به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب هیأت وزیران تعدیل و در مورد احکامی که بعد از آن صادر می‌شود، لازم الاجراء می‌گردد.

نکته ۸۵: حکم محکومیت قطعی در جرائم موجب حد محاربه و افساد فی الارض یا تعزیر تا درجه چهار و نیز کلاهبرداری بیش از یک میلیارد (۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال در صورتی که موجب اخلال در نظم یا امنیت نباشد در یکی از روزنامه‌های محلی در یک نوبت منتشر می‌شود.

نکته ۸۶: انتشار حکم محکومیت قطعی در جرائم زیر که میزان مال موضوع جرم ارتكابی، یک میلیارد (۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا بیش از آن باشد، الزامی است و در رسانه ملی یا یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر می‌شود:

الف- رشاء و ارتشاء

ب- اختلاس

پ- اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال توسط مجرم یا دیگری

ت- مداخله وزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری

ث- تبانی در معاملات دولتی

ج- أخذ پورسانت در معاملات خارجی

چ- تعدیات مأموران دولتی نسبت به دولت

ح- جرائم گمرکی

خ- قاچاق کالا و ارز

د- جرائم مالیاتی

ذ- پولشویی

ر- اخلال در نظام اقتصادی کشور

ز- تصرف غیرقانونی در اموال عمومی یا دولتی

نکته ۸۷: در صورت وجود يك یا چند جهت از جهات تخفیف، دادگاه می‌تواند مجازات تعزیری را به نحوی که به حال متهم مناسب‌تر باشد به شرح زیر تقلیل دهد یا تبدیل کند:

الف- تقلیل مجازات حبس به میزان يك تا سه درجه در مجازات‌های درجه چهار و بالاتر؛

ب- تقلیل مجازات حبس درجه پنج و درجه شش به میزان یک تا دو درجه یا تبدیل این مجازات و مجازات حبس درجه هفت حسب مورد به جزای نقدی متناسب با همان درجه؛

پ- تبدیل مصادره کل اموال به جزای نقدی درجه یکتا چهار؛

ت- تقلیل انفصال دائم به انفصال موقت به میزان پنج تا پانزده سال؛

ث- تقلیل سایر مجازات‌های تعزیری به میزان يك یا دو درجه یا تبدیل آن به مجازات دیگر از همان درجه یا یک درجه پایین‌تر؛

تبصره- چنانچه در اجرای مقررات این ماده یا سایر مقرراتی که به موجب آن مجازات تخفیف می‌یابد، حکم به حبس کمتر از نود و يك روز صادر شود، به مجازات جایگزین مربوط تبدیل می‌شود.

نکته ۸۸: تخفیف قضایی یا تخفیف مجازات به جهت وجود کیفیات مخففه اختیاری است.

نکته ۸۹: در قانون مجازات اسلامی جدید مقنن برای تخفیف مجازات و حدود آن مطابق ترتیب مذکور در فوق چهارچوب مشخص کرده است.

نکته ۹۰: دادگاه نمی‌تواند در مقام تخفیف هم مجازات را تقلیل دهد و هم تبدیل کند.

نکته ۹۱: جهات تخفیف به طور حصری در قانون پیش‌بینی شده‌اند این جهات تخفیف عبارت‌اند از:

الف- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی

ب- همکاری مؤثر متهم در شناسایی شرکا یا معاونان، تحصیل ادله یا کشف اموال و اشیاء حاصله از جرم یا به کار رفته برای ارتکاب آن

پ- اوضاع و احوال خاص مؤثر در ارتکاب جرم، از قبیل رفتار یا گفتار تحریک‌آمیز بزه‌دیده یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم

ت- اعلام متهم قبل از تعقیب یا اقرار مؤثر وی در حین تحقیق و رسیدگی

ث- ندامت، حُسن سابقه و یا وضع خاص متهم از قبیل کهولت یا بیماری

ج- کوشش متهم به منظور تخفیف آثار جرم یا اقدام وی برای جبران زیان ناشی از آن

چ- خفیف بودن زیان وارده به بزه‌دیده یا نتایج زیان‌بار جرم

ح- مداخله ضعیف شریک یا معاون در وقوع جرم

نکته ۹۲: در جرائم تعزیری درجه ۱ تا ۵ با توبه مرتکب دادگاه می‌تواند مجازات او را تخفیف دهد.

نکته ۹۳: با توجه به قانون جدید آیین دادرسی کیفری اگر برای مرتکب قرار نظارت قضایی صادر شده باشد، در صورت انجام دستورات مقام قضایی دادگاه می‌تواند با پیشنهاد دادستان با رعایت مقررات قانونی در مجازات وی تخفیف دهد.

نکته ۹۴: دادگاه مکلف است جهات تخفیف مجازات را در حکم خود قید کند.

نکته ۹۵: هرگاه نظیر جهات مذکور در فوق در مواد خاصی پیش‌بینی شده باشد، دادگاه نمی‌تواند به موجب همان جهات، مجازات را دوباره تخفیف دهد.

نکته ۹۶: جرائم موضوع قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور اعم از اعدام یا جزای نقدی قابل تخفیف یا تقلیل نیست.

نکته ۹۷: هرگاه مصدوم احتیاج به کمک فوری داشته و راننده با وجود امکان رساندن مصدوم به مراکز درمانی و یا استمداد از مأمورین انتظامی از این کار خودداری کند و یا به منظور فرار از تعقیب محل حادثه را ترک و مصدوم را رها کند حسب مورد به بیش از دو سوم حداکثر مجازات جرم ارتكابی محکوم خواهد شد. دادگاه نمی‌تواند در مورد این ماده اعمال کیفیت مخففه نماید.

نکته ۹۸: در مورد جرائم تعزیری اطفال و نوجوانان غیر از تعزیرات منصوص شرعی دادگاه می‌تواند در صورت احراز جهات تخفیف، مجازات‌ها را تا نصف حداقل تقلیل دهد و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان را به اقدام دیگری تبدیل نماید.

نکته ۹۹: در تعدد جرم در صورت وجود جهات تخفیف، دادگاه می‌تواند مجازات مرتکب را تا میانگین حداقل و حداکثر و چنانچه مجازات، فاقد حداقل و حداکثر باشد تا نصف آن تقلیل دهد.

نکته ۱۰۰: در تکرار جرائم تعزیری، در صورت وجود جهات تخفیف مطابق مواد (۳۷) و (۳۸) این قانون اقدام می‌شود.

نکته ۱۰۱: چنانچه مرتکب دارای سه فقره محکومیت قطعی مشمول مقررات تکرار جرم یا بیشتر از آن باشد، مقررات تخفیف اعمال نمی‌شود.

نکته ۱۰۲: در جرائم حدود، قصاص و دیات مقررات تخفیف اعمال نمی‌شود.

نکته ۱۰۳: در جرائم تعزیری درجه‌های هفت و هشت در صورت احراز جهات تخفیف چنانچه دادگاه پس از احراز مجرمیت، تشخیص دهد که با عدم اجرای مجازات نیز مرتکب، اصلاح می‌شود در صورت فقدان سابقه کیفری مؤثر و گذشت شاکی و جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران آن می‌تواند حکم به معافیت از کیفر صادر کند.

نکته ۱۰۴: معافیت قضایی همچون تخفیف قضایی از اختیارات دادگاه محسوب می‌شود.

نکته ۱۰۵: معافیت قضایی در تعزیرات منصوص شرعی و جرائم تعزیری درجه ۱ تا ۶ اعمال نمی‌شود.

نکته ۱۰۶: تعویق صدور حکم فقط در جرائم تعزیری درجه ۶ تا ۸ به غیر از تعزیرات منصوص شرعی ممکن است.

نکته ۱۰۷: در جرائم موضوع نکته قبل، دادگاه می‌تواند پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتكاب جرم گردیده است در صورت وجود شرایط زیر صدور حکم تعویق اندازد:

الف- وجود جهات تخفیف

ب- پیش‌بینی اصلاح مرتکب

پ- جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران

ت- فقدان سابقه کیفری مؤثر

نکته ۱۰۸: تعویق صدور حکم در جرائم تعزیری درجه ۱ تا ۵ و تعزیرات منصوص شرعی و در حدود و قصاص و دیات ممکن نیست.

نکته ۱۰۹: مدت تعویق صدور حکم ۶ ماه تا دو سال می‌باشد.

نکته ۱۱۰: محکومیت مؤثر، همان اعمال مجازات‌های تبعی است.

نکته ۱۱۱: تعویق به شکل ساده یا مراقبتی است.

نکته ۱۱۲: در تعویق ساده مرتکب به طور کتبی متعهد می‌گردد، در مدت تعیین شده به‌وسیله دادگاه، مرتکب جرمی نشود و از نحوه رفتار وی پیش‌بینی شود که در آینده نیز مرتکب جرم نمی‌شود.

نکته ۱۱۳: در تعویق مراقبتی علاوه بر شرایط تعویق ساده، مرتکب متعهد می‌گردد دستورها و تدابیر مقرر شده به وسیله دادگاه را در مدت تعویق رعایت کند یا به موقع اجرا گذارد.

نکته ۱۱۴: تعویق مراقبتی همراه با تدابیر زیر است:

الف - حضور به موقع در زمان و مکان تعیین شده توسط مقام قضائی یا مددکار اجتماعی ناظر

ب - ارائه اطلاعات و اسناد و مدارک تسهیل کننده نظارت بر اجرای تعهدات محکوم برای مددکار اجتماعی

پ - اعلام هرگونه تغییر شغل، اقامتگاه یا جابه‌جایی در مدت کمتر از پانزده روز و ارائه گزارشی از آن به مددکار اجتماعی

ت - کسب اجازه از مقام قضائی به منظور مسافرت به خارج از کشور

نکته ۱۱۵: در تعویق مراقبتی، دادگاه صادرکننده قرار می‌تواند با توجه به جرم ارتكابی و خصوصیات مرتکب و شرایط زندگی او به نحوی که در زندگی وی یا خانواده‌اش اختلال اساسی و عمده ایجاد نکند مرتکب را به اجرای یک یا چند مورد از دستورهای زیر در مدت تعویق، ملزم نماید:

الف - حرفه‌آموزی یا اشتغال به حرفه‌ای خاص

ب - اقامت یا عدم اقامت در مکان معین

پ - درمان بیماری یا ترک اعتیاد

ت - پرداخت نفقه افراد واجب‌النفقه

ث - خودداری از تصدی کلیه یا برخی از وسایل نقلیه موتوری

ج - خودداری از فعالیت حرفه‌ای مرتبط با جرم ارتكابی یا استفاده از وسایل مؤثر در آن

چ - خودداری از ارتباط و معاشرت با شرکا یا معاونان جرم یا دیگر اشخاص از قبیل بزه‌دیده به تشخیص دادگاه

ح - گذراندن دوره یا دوره‌های خاص آموزش و یادگیری مهارت‌های اساسی زندگی یا شرکت در دوره‌های تربیتی، اخلاقی، مذهبی، تحصیلی یا ورزشی

نکته: تعویق صدور حکم در غالب قرار صادر می‌شود. دادگاه نمی‌تواند قرار تعویق صدور حکم را به‌صورت غیابی صادر کند.

نکته ۱۱۶: چنانچه متهم در بازداشت باشد، دادگاه پس از صدور قرار تعویق صدور حکم، بلافاصله دستور آزادی وی را صادر می‌نماید. دادگاه می‌تواند در این مورد تأمین مناسب أخذ نماید. در هر صورت أخذ تأمین نباید به بازداشت مرتکب منتهی گردد.

نکته ۱۱۷: در مدت تعویق صدور حکم، در صورت ارتكاب جرم موجب حد، قصاص، جنایات عمدی موجب دیه یا تعزیر تا درجه هفت، دادگاه به لغو قرار تعویق اقدام و حکم محکومیت صادر می‌کند.

نکته ۱۱۸: در صورت عدم اجرای دستورهای دادگاه در مدت تعویق صدور حکم، قاضی می‌تواند برای یک بار تا نصف مدت مقرر در قرار به مدت تعویق اضافه یا حکم محکومیت صادر کند.

نکته ۱۱۹: در صورت الغای قرار تعویق و صدور حکم محکومیت، صدور قرار تعلیق اجرای مجازات ممنوع است.

نکته ۱۲۰: پس از گذشت مدت تعویق با توجه به میزان پابندی مرتکب به اجرای دستورهای دادگاه، گزارش‌های مددکار اجتماعی و نیز ملاحظه وضعیت مرتکب، دادگاه حسب مورد به تعیین کیفر یا صدور حکم معافیت از کیفر اقدام می‌کند.

نکته ۱۲۱: تعلیق اجرای مجازات در جرائم تعزیری ۳ تا ۸ ممکن است سایر شرایط تعلیق اجرای مجازات همانند شرایط تعویق صدور حکم می‌باشد.

نکته ۱۲۲: تعلیق اجرای مجازات در تعزیرات منصوص شرعی و جرائم تعزیری درجه ۱ و ۲ و در جرائم حدود و قصاص و تعزیرات ممکن نیست.

نکته ۱۲۳: دادگاه مختار است در صورت وجود شرایط مقرر برای تعلیق اجرای مجازات، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را از یک تا پنج سال معلق نماید.

نکته ۱۲۴: دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری پس از اجرای یک‌سوم مجازات می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، تقاضای تعلیق اجرای مجازات نماید. همچنین محکوم می‌تواند پس از تحمل یک‌سوم مجازات، در صورت دارا بودن شرایط قانونی، از طریق دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری تقاضای تعلیق اجرای مجازات نماید.

نکته ۱۲۵: صدور حکم و اجرای مجازات در مورد جرائم زیر و شروع به آن‌ها قابل تعویق و تعلیق نیست:

الف - جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، خرابکاری در تأسیسات آب، برق، گاز، نفت و مخابرات

ب - جرائم سازمان‌یافته، سرقت مسلحانه یا مقرون به آزار، آدم‌ربایی و اسیدپاشی

پ - قدرت‌نمایی و ایجاد مزاحمت با چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر، جرائم علیه عفت عمومی، تشکیل یا اداره مراکز فساد و فحشا

ت- قاچاق عمده مواد مخدر یا روان‌گردان، مشروبات الکلی و سلاح و مهمات و قاچاق انسان

ث- تعزیر بدل از قصاص نفس، معاونت در قتل عمدی و محاربه و افساد فی الارض

ج- جرائم اقتصادی، با موضوع جرم بیش از یک صد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال

در جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور در صورت همکاری مؤثر مرتکب در کشف جرم و شناسایی سایر متهمان، تعلیق بخشی از مجازات بلامانع است. همچنین تعلیق مجازات جرائم علیه عفت عمومی (به جز جرائم موضوع مواد (۶۳۹) و (۶۴۰) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی) و کلاهبرداری و کلیه جرائم در حکم کلاهبرداری و جرائمی که مجازات کلاهبرداری درباره آن‌ها مقرر شده یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب می‌شود و شروع به جرائم مقرر در این تبصره، بلامانع است. رعایت ماده (۴۶) این قانون در خصوص این تبصره الزامی است.

نکته ۱۲۶: شروع به جرائم مذکور در فوق نیز قابل تعویق و تعلیق نیست.

نکته: از میان انواع سرقت‌های تعزیری فقط سرقت مسلحانه یا مقرون به آزار غیرقابل تعلیق و تعویق است لذا سایر انواع سرقت‌های تعزیری مثل راه زنی قابل تعویق و تعلیق است. لازم به ذکر است که سرقت حدی نیز همچون سایر جرائم حدی غیرقابل تعلیق و تعویق است.

نکته ۱۲۷: تعزیر بدل از قصاص عضو قابل تعلیق و تعلیق است.

نکته ۱۲۸: معاونت در حدود جز معاونت در محاربه و افساد فی الارض قابل تعلیق و تعویق است.

نکته ۱۲۹: معاونت در کلیه جرائم جز معاونت در معاونت در قتل عمدی و محاربه و افساد فی الارض قابل تعلیق و تعویق است.

نکته ۱۳۰: دادگاه می‌تواند در مورد تمام جرائم تعزیری ارتكابی توسط نوجوانان به غیر از تعزیرات منصوص شرعی، صدور حکم را به تعویق اندازد و یا اجرای مجازات را معلق کند.

نکته ۱۳۱: تعلیق اجرای مجازات به صورت قرار ضمن صدور حکم یا پس از آن صادر می‌شود.

نکته ۱۳۲: تعلیق مجازات با رعایت مقررات مندرج در تعویق صدور حکم، ممکن است به‌طور ساده یا مراقبتی باشد.

نکته ۱۳۳: چنانچه محکومی که مجازات او معلق شده است در مدت تعلیق بدون عذر موجه از دستورهای دادگاه تبعیت نکند، دادگاه صادرکننده حکم قطعی می‌تواند به درخواست دادستان یا قاضی اجرای احکام، برای بار اول یک تا دو سال به مدت تعلیق اضافه یا قرار تعلیق را لغو نماید. تخلف از دستور دادگاه برای بار دوم، موجب الغای قرار تعلیق و اجرای مجازات می‌شود.

نکته ۱۳۴: هرگاه محکوم از تاریخ صدور قرار تا پایان مدت تعلیق، مرتکب یکی از جرائم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت شود، پس از قطعیت حکم اخیر، دادگاه قرار تعلیق را لغو و دستور اجرای حکم معلق را نیز صادر و مراتب را به دادگاه صادرکننده قرار تعلیق اعلام می‌کند. دادگاه به هنگام صدور قرار تعلیق به‌طور صریح به محکوم اعلام می‌کند که اگر در مدت تعلیق مرتکب یکی از جرائم فوق شود، علاوه بر مجازات جرم اخیر، مجازات معلق نیز درباره وی اجرا می‌شود.

نکته ۱۳۵: هرگاه پس از صدور قرار تعلیق اجرای مجازات، دادگاه احراز نماید که محکوم دارای سابقه محکومیت کیفری مؤثر یا محکومیت‌های قطعی دیگری بوده است که در میان آنها محکومیت تعلیقی وجود داشته و بدون توجه به آن اجرای مجازات معلق شده است، قرار تعلیق را لغو می‌کند. دادستان یا قاضی اجرای احکام نیز موظف است در صورت اطلاع از موارد فوق، لغو تعلیق مجازات را از دادگاه درخواست نماید.

نکته ۱۳۶: هرگاه پس از صدور قرار تعویق صدور حکم، دادگاه احراز نماید که محکوم دارای سابقه محکومیت کیفری مؤثر یا محکومیت‌های قطعی دیگری بوده است که در میان آنها محکومیت تعلیقی وجود داشته و بدون توجه به آن صدور حکم معوق شده است، قرار تعویق را لغو می‌کند. دادستان یا قاضی اجرای احکام نیز موظف است در صورت اطلاع از موارد فوق، لغو تعویق صدور حکم را از دادگاه درخواست نماید.

نکته ۱۳۷: تعلیق اجرای مجازات محکوم، نسبت به حق مدعی خصوصی تأثیری ندارد و حکم پرداخت خسارت یا دیه در این موارد اجرا می‌شود.

نکته ۱۳۸: هرگاه محکوم از تاریخ صدور قرار تا پایان مدت تعلیق، مرتکب جرم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت شود، محکومیت تعلیقی بی‌اثر می‌شود.

نکته ۱۳۹: در صورتی که قسمتی از مجازات یا یکی از مجازات‌های مورد حکم معلق شود، مدت تعلیق از زمان خاتمه اجرای مجازات غیرمعلق محاسبه می‌گردد.

نکته ۱۴۰: در مواردی که به موجب قوانین اداری و استخدامی، محکومیت کیفری موجب انفصال است در صورت تعلیق، محکومیت معلق، موجب انفصال نمی‌گردد، مگر آنکه در قانون تصریح یا قرار تعلیق لغو شود.

نکته ۱۴۱: نظام نیمه آزادی، شیوه‌ای است که بر اساس آن محکوم می‌تواند در زمان اجرای حکم حبس، فعالیت‌های حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی،

درمانی و نظایر این‌ها را در خارج از زندان انجام دهد. اجرای این فعالیت‌ها زیر نظر مراکز نیمه آزادی است که در سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی تأسیس می‌شود.

نکته ۱۴۲: در حبس‌های تعزیری درجه پنج تا هفت دادگاه صادرکننده حکم قطعی می‌تواند مشروط به گذشت شاکی و سپردن تأمین مناسب و تعهد به انجام یک فعالیت شغلی، حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی یا درمان اعتیاد یا بیماری که در فرآیند اصلاح یا جبران خسارت وارد بر بزه‌دیده مؤثر است، محکوم را با رضایت خود او، تحت نظام نیمه آزادی قرار دهد.

مقررات این ماده در مورد حبس‌های تعزیری درجه دو، درجه سه و درجه چهار، در صورت گذراندن یک‌چهارم مدت حبس قابل اعمال است.

نکته ۱۴۴: محکوم می‌تواند در طول دوره تحمل مجازات در صورت دارا بودن شرایط قانونی، صدور حکم نیمه آزادی را تقاضا نماید و دادگاه موظف به رسیدگی است.

مقررات این ماده در مورد حبس‌های تعزیری درجه دو، درجه سه و درجه چهار، در صورت گذراندن یک‌چهارم مدت حبس قابل اعمال است.

نکته ۱۴۵: در مورد محکومیت به حبس تعزیری، دادگاه صادرکننده حکم می‌تواند در مورد محکومان به حبس بیش از ده سال پس از تحمل نصف و در سایر موارد پس از تحمل یک‌سوم مدت مجازات به پیشنهاد دادستان یا قاضی اجرای احکام با رعایت شرایط خاصی حکم به آزادی مشروط را صادر کند.

نکته ۱۴۶: شرایط صدور آزادی مشروط:

الف- محکوم در مدت اجرای مجازات همواره از خود حسن اخلاق و رفتار نشان دهد.

ب- حالات و رفتار محکوم نشان دهد که پس از آزادی، دیگر مرتکب جرمی نمی‌شود.

پ- به تشخیص دادگاه محکوم تا آنجا که استطاعت دارد ضرر و زیان مورد حکم یا مورد موافقت مدعی خصوصی را بپردازد یا قراری برای پرداخت آن ترتیب دهد.

ت- محکوم پیش از آن از آزادی مشروط استفاده نکرده باشد.

نکته ۱۴۷: صدور آزادی مشروط با دادگاه صادرکننده حکم قطعی است.

نکته ۱۴۸: انقضای مواعد لازم برای آزادی مشروط و همچنین مراتب مذکور در بندهای (الف) و (ب) نکته قبل پس از گزارش رئیس زندان محل به تأیید قاضی اجرای احکام می‌رسد. قاضی اجرای احکام موظف است مواعد مقرر و وضعیت زندانی را درباره تحقق شرایط مذکور بررسی و در صورت احراز آن، پیشنهاد آزادی مشروط را به دادگاه تقدیم نماید.

نکته ۱۴۹: مدت آزادی مشروط شامل بقیه مدت مجازات می‌شود، لکن دادگاه می‌تواند مدت آن را تغییر دهد و در هر حال آزادی مشروط نمی‌تواند کمتر از یک سال و بیشتر از پنج سال باشد جز در مواردی که مدت باقیمانده کمتر از یک سال باشد که در این صورت مدت آزادی مشروط معادل بقیه مدت حبس است.

نکته ۱۵۰: دادگاه صادرکننده حکم قطعی می‌تواند با توجه به اوضاع و احوال وقوع جرم و خصوصیات روانی و شخصیت محکوم، او را در مدت آزادی مشروط، به اجرای دستورهای مندرج در قرار تعویق صدور حکم، ملزم کند.

نکته ۱۵۱: دادگاه، دستورهای مذکور در نکته قبل و آثار عدم تبعیت از آنها و نیز آثار ارتکاب جرم جدید را در حکم خود قید و به محکوم تفهیم می‌کند.

نکته ۱۵۲: هرگاه محکوم در مدت آزادی مشروط بدون عذر موجه از دستورهای دادگاه تبعیت نکند برای بار اول یک تا دو سال به مدت آزادی مشروط وی افزوده می‌شود. در صورت تکرار علاوه بر مجازات جرم جدید، مدت باقیمانده محکومیت نیز به اجرا درمی‌آید، در غیر این صورت آزادی او قطعی می‌شود.

نکته ۱۵۳: هرگاه محکوم در مدت آزادی مشروط مرتکب هر یک از جرائم عمدی حدود، قصاص، دیات و تعزیرات درجه ۷ شود، علاوه بر مجازات جرم جدید، مدت باقیمانده محکومیت نیز به اجرا درمی‌آید، در غیر این صورت آزادی او قطعی می‌شود.

نکته ۱۵۴: در جرائم تعزیری از درجه پنج تا درجه هشت، دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر در تعویق مراقبتی، محکوم به حبس را با رضایت وی در محدوده مکانی مشخص تحت نظارت سامانه (سیستم)‌های الکترونیکی قرار دهد.

- دادگاه در صورت لزوم می‌تواند محکوم را تابع تدابیر نظارتی یا دستورهای ذکرشده در تعویق مراقبتی قرار دهد.

- مقررات این ماده در مورد حبس‌های تعزیری درجه دو، درجه سه و درجه چهار نیز پس از گذراندن یک‌چهارم مجازات‌های حبس قابل اعمال است.

- قوه قضائیه می‌تواند برای اجرای تدابیر نظارتی موضوع این ماده یا سایر مقرراتی که به موجب آن متهم یا محکوم تحت نظارت الکترونیکی قرار می‌گیرد، با نظارت سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور از ظرفیت بخش خصوصی استفاده کند. آیین‌نامه اجرائی این تبصره توسط معاونت حقوقی قوه قضائیه با همکاری مرکز آمار و فناوری و سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه

قضائیه می‌رسد.

نکته ۱۵۵: آیین‌نامه اجرایی مواد مربوط به نظام نیمه آزادی و آزادی مشروط ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون مجازات اسلامی به‌وسیله سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

نکته ۱۵۶: مجازت‌های جایگزین حبس عبارت از دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی است.

نکته ۱۵۷: دوره مراقبت دوره‌ای است که طی آن محکوم، به حکم دادگاه و تحت نظارت قاضی اجرای احکام به انجام یک یا چند مورد از دستورهای مندرج در تعویق مراقبتی محکوم می‌گردد.

نکته ۱۵۸: خدمات عمومی رایگان، خدماتی است که با رضایت محکوم برای مدت معین مورد حکم واقع می‌شود و تحت نظارت قاضی اجرای احکام اجرا می‌گردد.

نکته ۱۵۹: ساعات ارائه خدمت عمومی برای افراد شاغل بیش از چهار ساعت و برای افراد غیرشاغل بیش از هشت ساعت در روز نیست.

نکته ۱۶۰: در هر حال ساعات ارائه خدمت در روز نباید مانع امرارمعاش متعارف محکوم شود.

نکته ۱۶۱: حکم به ارائه خدمت عمومی مشروط به رعایت همه ضوابط و مقررات قانونی مربوط به آن خدمت از جمله شرایط کار زنان و نوجوانان، محافظت های فنی و بهداشتی و ضوابط خاص کارهای سخت و زیان‌آور است.

نکته ۱۶۲: دادگاه نمی‌تواند به بیش از یک خدمت عمومی حکم دهد.

نکته ۱۶۳: در هر حال در صورت عدم رضایت محکوم، به انجام خدمات عمومی، مجازات اصلی مورد حکم واقع می‌شود.

نکته ۱۶۴: جزای نقدی روزانه عبارت است از یک هشتم تا یک چهارم درآمد روزانه محکوم مورد حکم واقع می‌شود و با نظارت قاضی اجرای احکام وصول می‌گردد.

نکته ۱۶۵: محکوم موظف است در پایان هر ماه ظرف ده روز مجموع جزای نقدی روزانه آن ماه را پرداخت نماید.

نکته ۱۶۶: مجازت‌های جایگزین حبس در صورت گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف با ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه‌دیده و سایر اوضاع و احوال، تعیین و اجرا می‌شود.

نکته ۱۶۷: دادگاه در ضمن صدور حکم به مجازت‌های جایگزین حبس، به سختی و تناسب مجازات مورد حکم با شرایط و کیفیات مقرر برای تعیین این نوع از مجازات‌ها تصریح می‌کند.

نکته ۱۶۸: دادگاه نمی‌تواند به بیش از دو نوع از مجازت‌های جایگزین حکم دهد.

نکته ۱۶۹: مرتکبان جرائم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها سه ماه حبس است به‌جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند. (الزامی)

نکته ۱۷۰: مرتکبان جرائم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها نود و یک روز تا شش ماه حبس است به‌جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند (اجباری) مگر این که به دلیل ارتکاب جرم عمدی دارای سابقه محکومیت کیفری به شرح زیر باشند و از اجرای آن پنج سال نگذشته باشد: (ممنوع)

الف- بیش از یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس تا شش ماه یا جزای نقدی بیش از ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا شلاق تعزیری

ب- یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس بیش از شش ماه یا حد یا قصاص یا پرداخت بیش از یک‌پنجم دبه

نکته ۱۷۱: دادگاه می‌تواند مرتکبان جرائم عمدی را که حداکثر مجازات قانونی آنها بیش از شش ماه تا یک سال حبس است به مجازات جایگزین حبس محکوم کند (اختیاری)، مگر اینکه به دلیل ارتکاب جرم عمدی دارای سابقه محکومیت کیفری به شرح زیر باشند و از اجرای آن پنج سال نگذشته باشد: (ممنوع)

الف- بیش از یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس تا شش ماه یا جزای نقدی بیش از ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا شلاق تعزیری

ب- یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس بیش از شش ماه یا حد یا قصاص یا پرداخت بیش از یک‌پنجم دبه

نکته ۱۷۲: مرتکبان جرائم غیرعمدی به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند (اجباری) مگر اینکه مجازات قانونی جرم ارتكابی بیش از دو سال حبس باشد که در این صورت حکم به مجازات جایگزین حبس، اختیاری است.

نکته ۱۷۳: در جرائم عمدی که مجازات قانونی آنها بیش از یک سال حبس است در صورت تخفیف مجازات به کمتر از یک سال، دادگاه نمی‌تواند به مجازات جایگزین حبس حکم نماید.

نکته ۱۷۴: مرتکبان جرائمی که نوع یا میزان تعزیر آنها در قوانین موضوعه تعیین نشده است به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند. (اجباری)

نکته ۱۷۵: دادگاه ضمن تعیین مجازات جایگزین، مدت مجازات حبس را نیز تعیین می‌کند تا در صورت تعذر اجرای مجازات جایگزین، تخلف از دستورها یا عجز از پرداخت جزای نقدی، مجازات حبس اجرا شود.

نکته ۱۷۶: اعمال مجازات‌های جایگزین حبس در مورد جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور ممنوع است.

نکته ۱۷۷: تعدد جرائم عمدی که مجازات قانونی حداقل یکی از آنها بیش از یک سال حبس باشد، مانع از صدور حکم به مجازات جایگزین حبس است.

نکته ۱۷۸: همراه بودن سایر مجازات‌ها با مجازات حبس، مانع از صدور حکم به مجازات جایگزین حبس نیست. در این صورت دادگاه می‌تواند به مجازات‌های مذکور هم‌زمان با مجازات جایگزین حبس حکم دهد.

نکته ۱۷۹: ملاک تعیین صلاحیت دادگاه و تجدیدنظرخواهی از حکم محکومیت به مجازات جایگزین حبس، مجازات قانونی جرم ارتكابی است.

نکته ۱۸۰: قاضی اجرای احکام می‌تواند با توجه به وضعیت محکوم و شرایط و آثار اجرای حکم جایگزین حبس، تشدید، تخفیف، تبدیل یا توقف موقت مجازات مورد حکم را به دادگاه صادرکننده رأی پیشنهاد کند.

نکته ۱۸۱: محکوم در طول دوره محکومیت به مجازات جایگزین حبس، باید تغییراتی نظیر تغییر شغل و محل اقامت را که مانع یا مخل اجرای حکم باشد به قاضی اجرای احکام اطلاع دهد.

نکته ۱۸۲: تعیین انواع خدمات عمومی و دستگاه‌ها و مؤسسات دولتی و عمومی پذیرنده محکومان و نحوه همکاری آنان با قاضی اجرای احکام و محکوم، به‌موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون به‌وسیله وزارتخانه‌های کشور و دادگستری تهیه می‌شود و با تأیید رئیس قوه قضائیه به تصویب هیئت‌وزیران می‌رسد.

نکته ۱۸۳: مقررات مربوط به اعمال مجازات‌های جایگزین حبس که در قانون جدید مجازات اسلامی پیش‌بینی شده است، پس از تصویب آیین‌نامه موضوع نکته قبل لازم‌الاجرا می‌شود.

نکته ۱۸۴: چنانچه رعایت مفاد حکم مجازات جایگزین حبس دادگاه از سوی محکوم حاکی از اصلاح رفتار وی باشد دادگاه می‌تواند به پیشنهاد قاضی اجرای احکام برای یک‌بار بقیه مدت مجازات را تا نصف آن تقلیل دهد.

نکته ۱۸۵: چنانچه محکوم از اجرای مفاد حکم مجازات جایگزین حبس یا دستورهای دادگاه تخلف نماید، به پیشنهاد قاضی اجرای احکام و رأی دادگاه برای بار نخست یک چهارم تا یک‌دوم به مجازات مورد حکم افزوده می‌شود و در صورت تکرار، مجازات حبس اجرا می‌گردد.

نکته ۱۸۶: دادگاه در متن حکم به مجازات جایگزین حبس آثار تبعیت و تخلف از مفاد حکم را به طور صریح قید و به محکوم تفهیم می‌کند.

نکته ۱۸۷: قاضی اجرای احکام در ضمن اجرا مجازات جایگزین حبس با رعایت مفاد حکم دادگاه و مقررات مربوط، نحوه نظارت و مراقبت بر محکوم را مشخص می‌نماید.

نکته ۱۸۸: چنانچه اجرای تمام یا بخشی از مجازات‌های جایگزین حبس با مانعی مواجه گردد، مجازات مورد حکم یا بخش اجرا نشده آن بعد از رفع مانع اجرا می‌گردد.

نکته ۱۸۹: چنانچه مانع اجرای حکم مجازات جایگزین حبس به واسطه رفتار عمدی محکوم و برای متوقف کردن مجازات ایجاد گردد مجازات اصلی اجرا می‌شود.

نکته ۱۹۰: قاضی اجرای احکام می‌تواند بنا به وضع جسمانی و نیاز به خدمات پزشکی یا معذوریت‌های خانوادگی و مانند آنها، انجام خدمات عمومی را به طور موقت و حداکثر تا سه ماه در طول دوره، تعلیق نماید یا تبدیل آن را به مجازات جایگزین دیگر به دادگاه صادرکننده حکم پیشنهاد دهد.

نکته ۱۹۱: دادگاه می‌تواند ضمن حکم به مجازات جایگزین حبس، با توجه به جرم ارتكابی و وضعیت محکوم، وی را به یک یا چند مورد از مجازات‌های تبعی و یا تکمیلی نیز محکوم نماید. در این صورت مدت مجازات مذکور نباید بیش از دو سال شود.

نکته ۱۹۲: درباره اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرائم تعزیری می‌شوند و سن آنها در زمان ارتكاب، نه تا پانزده سال تمام شمسی است حسب مورد، دادگاه یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ می‌کند:

الف- تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان

ب- تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه به مصلحت طفل یا نوجوان بداند با الزام به انجام دستورهای مذکور دربند (الف) در صورت عدم صلاحیت والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان و با عدم دسترسی به آنها با رعایت مقررات ماده (۱۱۷۳) قانون مدنی

پ- نصیحت به وسیله قاضی دادگاه

ت- اخطار و تذکر و یا اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم

ث- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال در مورد جرائم تعزیری درجه یک تا پنج

نکته ۱۹۳: تسلیم طفل به اشخاص واجد صلاحیت منوط به قبول آنان است.

نکته ۱۹۴: تصمیمات مذکور در بندهای (ت) و (ث) فقط درباره اطفال و نوجوانان دوازده تا پانزده سال قابل اجرا است.

نکته ۱۹۵: اعمال مقررات بند (ث) در مورد اطفال و نوجوانانی که جرائم موجب تعزیر درجه یک تا پنج را مرتکب شده‌اند، الزامی است.

نکته ۱۹۶: هرگاه نابالغ مرتکب یکی از جرائم موجب حد یا قصاص گردد در صورتی که از دوازده تا پانزده سال قمری داشته باشد به یکی از اقدامات مقرر در بندهای (ت) و (ث) مذکور در فوق محکوم می‌شود و در غیر این صورت یکی از اقدامات مقرر در بندهای (الف) تا (پ) مذکور در مورد آنها اتخاذ می‌گردد.

نکته ۱۹۷: در مورد تصمیمات مورد اشاره در بندهای (الف) و (ب) این ماده، دادگاه اطفال و نوجوانان می‌تواند با توجه به تحقیقات به عمل آمده و همچنین گزارش‌های مددکاران اجتماعی از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او، هر چند بار که مصلحت طفل یا نوجوان اقتضاء کند در تصمیم خود تجدیدنظر نماید.

نکته ۱۹۸: نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال که مرتکب جرائم تعزیری می‌شوند حسب مورد به پرداخت جزای نقدی، نگهداری در کانون اصلاح و تربیت و یا انجام خدمات عمومی رایگان محکوم می‌شوند.

نکته ۱۹۹: ساعات ارائه خدمات عمومی، بیش از چهار ساعت در روز نیست.

نکته ۲۰۰: دادگاه می‌تواند با توجه به وضع متهم ۱۵ تا ۱۸ ساله و جرم تعزیری ارتكابی، به جای صدور حکم به مجازات نگهداری یا جزای نقدی، به اقامت در منزل در ساعاتی که دادگاه معین می‌کند یا به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت در دو روز آخر هفته حسب مورد برای سه ماه تا پنج سال حکم دهد.

نکته ۲۰۱: دادگاه می‌تواند با توجه به گزارش‌های رسیده از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او در کانون اصلاح و تربیت یک بار در رأی خود تجدیدنظر کند و مدت نگهداری را تا یک سوم تقلیل دهد یا نگهداری را به تسلیم طفل یا نوجوان به ولی یا سرپرست قانونی او تبدیل نماید. تصمیم دادگاه مبنی بر تجدیدنظر در صورتی اتخاذ می‌شود که طفل یا نوجوان حداقل یک‌پنجم از مدت نگهداری در کانون اصلاح و تربیت را گذرانده باشد. رأی دادگاه در این مورد قطعی است. این امر مانع استفاده از آزادی مشروط و سایر تخفیفات قانونی با تحقق شرایط آنها نیست.

نکته ۲۰۲: در جرائم موجب حد یا قصاص هرگاه افراد بالغ کمتر از هجده سال، ماهیت جرم انجام‌شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آنها به مجازات‌های مذکور در فوق محکوم می‌شوند.

نکته ۲۰۳: دادگاه برای تشخیص رشد و کمال عقل می‌تواند نظر پزشکی قانونی را استعلام یا از هر طریق دیگر که مقتضی بداند، استفاده کند.

نکته ۲۰۴: سن بلوغ، در دختران و پسران، به ترتیب نه و پانزده سال تمام قمری است.

نکته ۲۰۵: در جرائمی که مستلزم پرداخت دیه یا هر ضمان مالی دیگری است، دادگاه اطفال و نوجوانان مطابق مقررات مربوط به پرداخت دیه و خسارت حکم می‌کند.

نکته ۲۰۶: برای ارتکاب جرم عبور از یک مسیر مجرمانه لازم است که به این مسیر فرایند ارتکاب جرم گفته می‌شود. این مسیر عبارت است از: ۱. وجود اندیشه مجرمانه (قصد مجرمانه)، ۲. عملیات مقدماتی (تهیه وسیله)، ۳. عملیات اجرای (شروع به جرم)، ۴. جرم تام.

نکته ۲۰۷: صرف داشتن اندیشه مجرمانه بدون هیچ استثنایی جرم نیست در جرمی مثل تباخی نیز صرف داشتن اندیشه جرم نیست بلکه در راستای قصد تباخی برای ارتکاب جرم اشخاص اقداماتی را انجام می‌دهند.

نکته ۲۰۸: اصل بر این است که عملیات مقدماتی جرم و صرف تهیه وسیله جرم نیست مگر در موارد استثنایی که خود قانون‌گذار عملیات مقدماتی را به طور خاص جرم‌انگاری کرده است.

نکته ۲۰۹: برخی از مصادیق عملیات مقدماتی که قانون‌گذار آن را مستقلاً جرم‌انگاری کرده است عبارت‌اند از:

حمل و تهیه سلاح غیرمجاز، تهیه و فراهم ساختن وسایل سقط‌جنین توسط طبیب، ماما و داروفروش (ماده ۶۲۲۴ کتاب تعزیرات ق.م.ا)، ساختن کلید یا هر وسیله دیگر برای ارتکاب جرم (ماده ۶۶۴ کتاب تعزیرات ق.م.ا) فراهم ساختن وسایل ارتکاب جرم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور (ماده ۶۱۰ کتاب تعزیرات ق.م.ا) و...

نکته ۲۱۰: مجرد قصد ارتکاب جرم و یا عملیات و اقداماتی که فقط مقدمه جرم است و ارتباط مستقیم با وقوع جرم ندارد، شروع به جرم نیست و از این حیث قابل مجازات نمی‌باشد.

نکته ۲۱۱: پس از شروع به عملیات اجرایی یعنی پس از شروع عنصر مادی جرم، اگر جرم متوقف شود دو حالت متصور است یا این توقف ارادی است که در این حالت شروع به جرم محقق نشده است و یا اینکه این توقف غیرارادی بوده که در این حالت شروع به جرم محقق شده است.

نکته ۲۱۲: هرگاه کسی شروع به جرمی نماید و به اراده خود آن را ترک کند به اتهام شروع به آن جرم، تعقیب نمی‌شود لکن اگر همان مقدار رفتاری که مرتکب شده است جرم باشد به مجازات آن محکوم می‌شود.

نکته ۲۱۳: هر کس قصد ارتکاب جرمی کرده و شروع به اجرای آن نماید، لکن به واسطه عامل خارج از اراده او قصدش معلق بماند، به شرح زیر مجازات می‌شود:

الف - در جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، حبس دائم یا حبس تعزیری درجه یک تا سه است به حبس تعزیری درجه چهار

ب - در جرائمی که مجازات قانونی آنها قطع عضو یا حبس تعزیری درجه چهار است به حبس تعزیری درجه پنج

پ - در جرائمی که مجازات قانونی آنها شلاق حدی یا حبس تعزیری درجه پنج است به حبس تعزیری یا شلاق یا جزای نقدی درجه شش

نکته ۲۱۴: ارکان تشکیل دهنده شروع به جرم عبارت‌اند از: ۱. قصد مجرمانه ۲. شروع به اجرا ۳. توقف عملیات اجرایی به واسطه حدوث موانع خارجی (انصراف غیرارادی)

نکته ۲۱۵: به جهت ضرورت وجود قصد مجرمانه در شروع به جرم، پس شروع به جرم در جرائم غیرعمدی ممکن نیست.

نکته ۲۱۶: به جهت ضرورت شروع به عملیات اجرایی در شروع به جرم پس شروع به جرائم ترک فعلی ممکن نیست.

نکته ۲۱۷: شروع به جرائم مطلق هر چند دور از ذهن اما ممکن است، پس شروع به جرمی مثل جرم جعل نیز جرم است.

نکته ۲۱۸: شروع به جرائم موجب مجازات حبس تعزیری درجه ۶ تا ۸، جرائم موجب مجازات جزای نقدی و شلاق تعزیری به هر درجه و جرائم موجب مجازات مصادره اموال یا انفصال دائم جرم نیست.

نکته ۲۱۹: با خاتمه مسیر مجرمانه و گذر از مرحله شروع به جرم، ۳ حالت متصور است یا جرم تمام و کمال انجام شده و مرتکب به قصد خود می‌رسد و یا اینکه جرم محال یا جرم عقیم واقع می‌شود.

نکته ۲۲۰: جرم عقیم جرمی است که تمام مسیر مجرمانه تا انتها رفته شده است و عملیات اجرایی خاتمه یافته است اما به جهت عدم مهارت مرتکب یا وقوع عامل اتفاقی و غیرقابل پیش‌بینی جرم به مقصود نهایی مرتکب نرسیده است. مثلاً مرتکب به جهت عدم مهارت در تیراندازی نتوانسته هدف خود را به قتل برساند.

نکته ۲۲۱: جرم محال جرمی است که عملیات اجرایی خاتمه یافته است اما در نهایت مرتکب به قصد خود نرسیده است اما این بار به جهت محال بودن امکان وقوع جرم، یا به خاطر فقدان موضوع (مثل سقط جنین زنی که حامله نیست) و یا نقصان در وسیله (شلیک کردن با تفنگی که در آن فشنگ نیست).

نکته ۲۲۲: جرم عقیم جرمی ممکن الحصول و جرم محال جرمی ممتنع الحصول می‌باشد.

نکته ۲۲۳: در قانون جدید مجازات اسلامی مقنن صراحتاً جرم محال موضوعی را قابل مجازات و آن را در حکم شروع به جرم دانسته است. به موجب تبصره ماده ۱۲۲: هرگاه رفتار ارتكابی، ارتباط مستقیم با ارتكاب جرم داشته، لکن به جهات مادی که مرتکب از آنها بی‌اطلاع بوده وقوع جرم غیرممکن باشد، اقدام انجام شده در حکم شروع به جرم است.

نکته ۲۲۴: قواعد عام شروع به جرم و مجازات آن در ماده ۱۲۲ ق.م.ا پیش‌بینی شده است و به نظر می‌رسد احکام خاصی که در خصوص مجازات شروع به جرم در کتاب تعزیرات ق.م.ا و یا قوانین خاص پیش‌بینی شده است به موجب این ماده نسخ شده باشند.

نکته ۲۲۵: هر کس با شخص یا اشخاص دیگر در عملیات اجرائی جرمی مشارکت کند و جرم، مستند به رفتار همه آنها باشد خواه رفتار هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد، خواه نباشد و خواه اثر کار آنان مساوی باشد خواه متفاوت، شریک در جرم محسوب و مجازات و مجازات فاعل مستقل آن جرم است.

نکته ۲۲۶: برای شرکت در جرم مداخله شرکا در عملیات اجرایی جرم و عنصر مادی آن ملاک است.

نکته ۲۲۷: برای تحقق شرکت در جرم وقوع جرم تام ضرورت ندارد بلکه اگر عمل شرکا در حد شروع به جرم متوقف شود جملگی به عنوان شریک در شروع به جرم مسئول شناخته می‌شوند.

نکته ۲۲۸: در مورد جرائم غیرعمدی چنانچه جرم، مستند به تقصیر دو یا چند نفر باشد مقصران، شریک در جرم محسوب می‌شوند و مجازات هر یک از آنان، مجازات فاعل مستقل آن جرم است.

نکته ۲۲۹: مداخله ضعیف شریک در وقوع جرم یکی از جهات مخففه قضایی محسوب می‌شود که به قاضی این اجازه را می‌دهد که مجازات شریک را تخفیف دهد.

نکته ۲۳۰: در نظام حقوقی ایران برای معاونت در جرم از نظام مجرمیت استعاره‌ای استفاده شده است به این ترتیب که معاون مجرمیت خود را از مباشر به عاریه می‌گیرد.

نکته ۲۳۱: با توجه به نظام مجرمیت استعاره‌ای معاونت، رفتار مباشر باید جرم باشد تا معاونت در آن نیز جرم محسوب شود.

- نکته ۲۳۲:** با توجه به نظام مجرمیت استعاره‌ای معاونت، رفتار معاون در وقوع و ارتکاب جرم توسط مباشر باید تأثیر بگذارد پس اگر رفتار معاون به طور کامل انجام شود اما هیچ اقدامی از سوی مباشر صورت نگیرد عمل معاون هم جرم محسوب نمی‌شود.
- نکته ۲۳۳:** شروع به معاونت جرم نیست اما معاونت در شروع به جرم، جرم است.
- نکته ۲۳۴:** معاونت در معاونت در حقوق ایران به نظر جرم نیست.
- نکته ۲۳۵:** رفتار و مصادیق معاونت در جرم به طور حصری در قانون پیش‌بینی شده است، به موجب ماده ۱۲۶ ق.م.ا: اشخاص زیر معاون جرم محسوب می‌شوند:
- الف- هرکس، دیگری را ترغیب، تهدید، تطمیع، یا تحریک به ارتکاب جرم کند یا بادیسیسه یا فریب یا سوءاستفاده از قدرت، موجب وقوع جرم گردد.
- ب- هر کس وسایل ارتکاب جرم را بسازد یا تهیه کند یا طریق ارتکاب جرم را به مرتکب ارائه دهد.
- پ- هر کس وقوع جرم را تسهیل کند.
- نکته ۲۳۶:** سکوت یا عدم اعلام جرم از مصادیق معاونت نیست.
- نکته ۲۳۷:** با توجه به مصادیق و رفتار معاونت مشاهده می‌شود که اغلب مصادیق معاونت در قالب فعل قرار می‌گیرد اما به نظر می‌رسد که تسهیل در وقوع جرم به عنوان یکی از مصادیق معاونت از طریق ترک فعل نیز محقق می‌شود.
- نکته ۲۳۸:** برای تحقق معاونت در جرم وجود تقدم یا اقتران زمانی بین رفتار معاون و مرتکب جرم شرط است. لذا هرگونه مساعدت و کمک بعد از وقوع جرم از شمول معاونت خارج است و ممکن است مصداق جرم مستقلی باشد؛ مانند اخفاء مال مسروقه توسط شخصی غیر از سارق بعد از وقوع سرقت (ماده ۶۶۲ کتاب تعزیرات) یا جرم موضوع ماده ۶۳۶ کتاب تعزیرات (اخفای جسد مقتول).
- نکته ۲۳۹:** به موجب قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر مصوب ۱۳۰۸ هرگاه مالک ظرف ۱ ماه از تاریخ اطلاع از وقوع جرم، مالکیت خود را با اظهارنامه به انتقال گیرنده اطلاع ندهد او معاون در جرم انتقال مال غیر محسوب می‌شود. (در این فرض هم یک ترک فعل به عنوان مصداقی از معاونت معرفی شده و هم به طور استثنایی عمل پس از وقوع جرم به عنوان معاونت معرفی شده است.)
- نکته ۲۴۰:** برای تحقق معاونت در جرم، وجود وحدت قصد میان معاون با مرتکب جرم شرط است. منظور این است که مباشر در راستای توافق به عمل آمده با معاون مرتکب جرم شده باشد.
- نکته ۲۴۱:** برای وجود وحدت قصد نیازی به تبانی نیست و این وحدت قصد می‌تواند در یک لحظه و در سر صحنه جرم حاصل شود.
- نکته ۲۴۲:** به جهت ضرورت وجود وحدت قصد چنانچه فاعل اصلی جرم، جرمی شدیدتر از آنچه مقصود معاون بوده است مرتکب شود، معاون به مجازات معاونت در جرم خفیف‌تر محکوم می‌شود.
- نکته ۲۴۳:** به جهت ضرورت وجود وحدت قصد معاونت در جرائم غیرعمدی غیرممکن است.
- نکته ۲۴۴:** در صورتی که در شرع، مجازات دیگری برای معاون تعیین نشده باشد، مجازات وی به شرح زیر است:
- الف- در جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات یا حبس دائم است، حبس تعزیری درجه دو یا سه
- ب- در سرقت حدی و قطع عمدی عضو، حبس تعزیری درجه پنج یا شش
- پ- در جرائمی که مجازات قانونی آنها شلاق حدی است سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش
- ت- در جرائم موجب تعزیر، یک تا دو درجه پایین‌تر از مجازات جرم ارتكابی.
- نکته ۲۴۵:** در جرائم موجب تعزیر مجازات معاون از نوع مجازات قانونی جرم ارتكابی است.
- نکته ۲۴۶:** به طور استثنایی در مورد جرم موجب مصادره اموال، انفصال دائم و انتشار حکم محکومیت مجازات معاون به ترتیب، جزای نقدی درجه چهار، شش و هفت است.
- نکته ۲۴۷:** در صورتی که به هر علت قصاص نفس یا عضو اجرا نشود، مجازات معاون یک تا دو درجه پایین‌تر از میزان تعزیر فاعل اصلی جرم می‌باشد.
- نکته ۲۴۸:** هرکس از فرد نابالغ به عنوان وسیله ارتکاب جرم مستند به خود استفاده نماید به حداکثر مجازات قانونی همان جرم محکوم می‌گردد.
- نکته ۲۴۹:** هرکس در رفتار مجرمانه فرد نابالغی معاونت کند به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌شود.
- نکته ۲۵۰:** هرگاه در ارتکاب رفتار مجرمانه، مرتکب به جهتی از جهات شخصی مانند صغر و جنون، قابل تعقیب نباشد یا اجرای مجازات او به جهتی از این جهات، موقوف گردد تأثیری در تعقیب و مجازات معاون جرم ندارد.
- نکته ۲۵۱:** عوامل موجه جرم عواملی عینی است و هم در مباشر جرم و هم بر معاون او اثر می‌گذارد اما عوامل رافع مسئولیت کیفری شخصی هستند و تأثیر آن بر مباشر لزوماً باعث تأثیر آن بر معاون جرم نخواهد شد.

نکته ۲۵۲: سردستگی عبارت از تشکیل یا طراحی یا سازمان‌دهی یا اداره گروه مجرمانه است.

نکته ۲۵۳: گروه مجرمانه عبارت است از گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم تشکیل می‌شود یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف می‌گردد.

نکته ۲۵۴: هرکس سردستگی یک گروه مجرمانه را بر عهده گیرد به حداکثر مجازات شدیدترین جرمی که اعضای آن گروه در راستای اهداف همان گروه مرتکب شوند، محکوم می‌گردد مگر آنکه جرم ارتكابی موجب حد یا قصاص یا دیه باشد که در این صورت به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌شود.

نکته ۲۵۵: در محاربه و افساد فی الارض زمانی که عنوان محارب یا مفسد فی الارض بر سر دسته گروه مجرمانه صدق کند حسب مورد به مجازات محارب یا مفسد فی الارض محکوم می‌گردد.

نکته ۲۵۶: سردستگی و ارتکاب جرم سازمان‌یافته از جمله جرائمی است که صدور حکم آن غیرقابل تعویق و اجرای مجازات آن غیرقابل تعلیق است.

نکته ۲۵۷: سردستگی یک کیفیت مشدده عام و نوعی است.

نکته ۲۵۸: تعدد جرم یک کیفیت مشدده عام و نوعی است.

نکته ۲۵۹: تعدد جرم یعنی شخصی مرتکب جرائم متعددی شود و در میان آن‌ها برای هیچ یک حکم محکومیت قطعی صادر نشود. تعدد جرم به دو نوع است: تعدد مادی یا معنوی.

نکته ۲۶۰: تعدد مادی یعنی شخصی در عالم خارج مرتکب حداقل دو رفتار مجرمانه شده است و از بابت هیچ یک محکومیتی قطعی دریافت نکرده است.

نکته ۲۶۱: تعدد معنوی یعنی شخصی در عالم خارج مرتکب یک رفتار مجرمانه شود اما این رفتار مجرمانه در بردارنده عناوین متعدد مجرمانه باشد.

نکته ۲۶۲: در تعدد جرائم تعزیری، تعیین و اجرای مجازات به شرح زیر است:

الف- هرگاه جرائم ارتكابی مختلف نباشد، فقط یک مجازات تعیین می‌شود و در این صورت، دادگاه می‌تواند مطابق ضوابط مقرر در این ماده که برای تعدد جرائم مختلف ذکر شده، مجازات را تشدید کند.

ب- در مورد جرائم مختلف، هرگاه جرائم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد، حداقل مجازات هر یک از آن جرائم بیشتر از میانگین حداقل و حداکثر مجازات مقرر قانونی است.

پ- چنانچه جرائم ارتكابی مختلف، بیش از سه جرم باشد، مجازات هر یک، حداکثر مجازات قانونی آن جرم است. در این صورت دادگاه می‌تواند مجازات هر یک را بیشتر از حداکثر مجازات مقرر قانونی تا یک‌چهارم آن تعیین کند.

ت- در تعدد جرائم درجه هفت و درجه هشت با یکدیگر، حسب مورد مطابق مقررات این ماده اقدام می‌شود و جمع جرائم درجه هفت و درجه هشت با درجه شش و بالاتر سبب تشدید مجازات جرائم اخیر نمی‌شود. در جمع این جرائم با جرائم درجه شش و بالاتر، به طور جداگانه برای جرائم درجه هفت و درجه هشت مطابق این ماده تعیین مجازات می‌شود و در هر صورت مجازات اشد قابل اجراء است.

ث- در هر یک از بندهای فوق، فقط مجازات اشد مندرج در دادنامه قابل اجراء است و اگر مجازات اشد به یکی از علل قانونی تقلیل یابد یا تبدیل شود یا به موجبی از قبیل گذشت شاکی خصوصی، نسخ مجازات قانونی یا مرور زمان غیرقابل اجراء گردد، مجازات اشد بعدی اجراء می‌شود و در این صورت میزان مجازات اجراء شده قبلی در اجرای مجازات اشد بعدی محاسبه می‌شود. آزادی مشروط، تعلیق اجرای مجازات و عفو در حکم اجراء است.

ج- در هر مورد که مجازات قانونی فاقد حداقل یا ثابت باشد، اگر جرائم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد دادگاه می‌تواند تا یک ششم و اگر بیش از سه جرم باشد تا یک چهارم به اصل آن اضافه کند.

چ- در صورتی که در جرائم تعزیری، از رفتار مجرمانه واحد، نتایج مجرمانه متعدد حاصل شود، مرتکب به مجازات جرم اشد محکوم می‌شود.

ح- هرگاه در قانون برای جرمی یکی از مصادیق مجازات‌های مندرج در مواد (۲۳) یا (۲۶) این قانون به‌عنوان مجازات اصلی مقرر شده باشد، آن مجازات در هر صورت اجراء می‌شود، حتی اگر مربوط به مجازات غیراشد باشد. همچنین اگر مجازات اشد وفق ماده (۲۵) این قانون، فاقد آثار تبعی و مجازات خفیف‌تر دارای آثار تبعی باشد، علاوه بر مجازات اصلی اشد، مجازات تبعی مزبور نیز اجراء می‌شود.

خ- در تعدد جرم در صورت وجود جهات تخفیف مجازات برای هر یک از جرائم، مطابق مواد (۳۷) و (۳۸) این قانون اقدام می‌شود.

د- در صورتی که مجموع جرائم ارتكابی در قانون عنوان مجرمانه خاصی داشته باشد، مقررات تعدد جرم اعمال نمی‌شود و مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شود.

نکته ۲۶۳: رفتار مجرمانه واحد ولی دارای نتایج مجرمانه متعدد: مثلاً کسی با یک عبارت به دو نفر فحاشی کند.

- نکته ۲۶۴:** در جرائم موجب حد، تعدد جرم چه تعدد مادی چه معنوی، موجب تعدد مجازات است مگر در مواردی که جرائم ارتكابی و نیز مجازات آنها یکسان باشد.
- نکته ۲۶۵:** اگر کسی مثلاً دو بار مرتکب جرم شرب خمر شده باشد ولی حد بر او جاری نشده باشد فقط بر او یک حد جاری خواهد شد.
- نکته ۲۶۶:** اگر شخصی یکبار مرتکب زنا مستوجب شلاق شده باشد و قبل از اجرای حد مرتکب زنا مستوجب رجم شده باشد، هر دو مجازات بر او اجرا خواهد شد.
- نکته ۲۶۷:** در حدود برخلاف تعزیرات ملاک در تعدد جرم اجرای مجازات است و نه صدور حکم قطعی پس اگر شخصی تا قبل از اجرای مجازات مرتکب دو نوع حد یکسان با مجازات یکسان شود مشمول قواعد تعدد جرم در حدود قرار می‌گیرد و فقط یک حد بر او جاری می‌شود.
- نکته ۲۶۸:** چنانچه مرتکب به اعدام و حبس یا اعدام و تبعید محکوم گردد، تنها اعدام اجرا می‌شود.
- نکته ۲۶۹:** چنانچه دو یا چند جرم حدی در راستای هم و در یک واقعه باشند، فقط مجازات اشد اجرا می‌شود؛ مانند تفخیز در هنگام لواط که تنها مجازات لواط اجرا می‌شود.
- نکته ۲۷۰:** اگر مرد و زنی چند بار با یکدیگر مرتکب زنا شوند، چنانچه مجازات اعدام و جلد یا رجم و جلد ثابت باشد، تنها اعدام یا رجم حسب مورد اجرا می‌شود.
- نکته ۲۷۱:** در تعدد جرائم موجب حد و قصاص، مجازات‌ها جمع می‌شود. لکن چنانچه مجازات حدی، موضوع قصاص را از بین ببرد یا موجب تأخیر در اجرای قصاص گردد، اجرای قصاص، مقدم است و در صورت عدم مطالبه فوری اجرای قصاص یا گذشت یا تبدیل به دیه، مجازات حدی اجرا می‌شود.
- نکته ۲۷۲:** در تعدد جرائم موجب حد و تعزیر و نیز جرائم موجب قصاص و تعزیر مجازات‌ها جمع و ابتدا حد یا قصاص اجرا می‌شود مگر حد یا قصاص، سالب حیات و تعزیر، حق الناس یا تعزیر معین شرعی باشد و موجب تأخیر اجرای حد نیز نشود که در این صورت ابتدا تعزیر اجرا می‌گردد.
- نکته ۲۷۳:** در صورتی که جرم حدی از جنس جرم تعزیری باشد مانند سرقت حدی و سرقت غیر حدی یا مانند زنا و روابط نامشروع کمتر از زنا، مرتکب فقط به مجازات حدی محکوم می‌شود و مجازات تعزیری ساقط می‌گردد، مگر در حد قذف که اگر قذف نسبت به شخصی و دشنام به دیگری باشد، مرتکب به هر دو مجازات محکوم می‌شود.
- نکته ۲۷۴:** چنانچه قذف، نسبت به دو یا چند نفر باشد، دو یا چند مجازات اجرا می‌گردد.
- نکته ۲۷۵:** کسی که چند نفر را به طور جداگانه قذف کند خواه همه آنها با هم خواه جداگانه شکایت کنند، در برابر قذف هر یک، حد مستقلی بر او جاری می‌شود.
- نکته ۲۷۶:** کسی که چند نفر را به یک لفظ قذف نماید هر کدام از قذف‌شوندگان می‌تواند جداگانه شکایت نماید و در صورت صدور حکم محکومیت، اجرای آن را مطالبه کند. چنانچه قذف‌شوندگان یکجا شکایت نمایند بیش از یک حد جاری نمی‌شود.
- نکته ۲۷۷:** کسی که دیگری را به یک یا چند سبب، یکبار یا بیشتر قبل از اجرای حد، قذف نماید فقط به یک حد محکوم می‌شود.
- نکته ۲۸۹:** هرگاه کسی سه بار مرتکب یک نوع جرم موجب حد شود و هر بار حد آن جرم بر او جاری گردد، حد وی در مرتبه چهارم اعدام است.
- نکته ۲۹۰:** قواعد ناظر بر تکرار جرم سرقت حدی:
- الف- در مرتبه اول، قطع چهار انگشت دست راست سارق از انتهای آن است. به طوری که انگشت شست و کف دست باقی بماند.
- ب- در مرتبه دوم، قطع پای چپ سارق از پایین برآمدگی است، به نحوی که نصف قدم و مقداری از محل مسح باقی بماند.
- پ- در مرتبه سوم، حبس ابد است.
- ت- در مرتبه چهارم، اعدام است هر چند سرقت در زندان باشد.
- نکته ۲۹۱:** هرکس به علت ارتکاب جرم عمدی به موجب حکم قطعی به یکی از مجازات‌های تعزیری از درجه یک تا درجه پنج محکوم شود و از تاریخ قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان اجرای مجازات، مرتکب جرم عمدی تعزیری درجه یک تا شش گردد، حداقل مجازات جرم ارتكابی میانگین بین حداقل و حداکثر مجازات قانونی آن جرم است و دادگاه می‌تواند وی را به بیش از حداکثر مجازات تا یک چهارم آن محکوم کند.
- در تکرار جرائم تعزیری، در صورت وجود جهات تخفیف مطابق مواد (۳۷) و (۳۸) این قانون اقدام می‌شود.
- نکته ۲۹۲:** مقررات مربوط به تکرار جرم در جرائم سیاسی و مطبوعاتی و جرائم اطفال اعمال نمی‌شود.
- نکته ۲۹۳:** تکرار جرم از کیفیات مشدده عام و نوعی است.
- نکته ۲۹۴:** تشدید مجازات به سبب سردستگی، تعدد جرم یا تکرار جرم برای دادگاه الزامی است.
- نکته:** مسؤولیت کیفری در حدود، قصاص و تعزیرات تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم، عاقل، بالغ و مختار باشد به جز در مورد اکراه بر قتل

که حکم آن کتاب قصاص ق.م.ا ذکر شده است.

نکته ۲۹۵: برای تعلق دیه به مرتکب لزومی به احراز مسئولیت کیفری نیست؛ زیرا قانون‌گذار در قانون جدید مجازات اسلامی صراحتاً احکام و آثار مسئولیت مدنی و ضمان مالی را بر دیه بار کرده است (ماده ۴۵۲ و ۴۵۳ ق.م.ا)

نکته ۲۹۶: اصل بر مسؤولیت کیفری، شخصی است و مسئولیت ناشی از فعل غیر استثناء است.

نکته ۲۹۷: مسؤولیت کیفری به علت رفتار دیگری تنها در صورتی ثابت است که شخص به طور قانونی مسؤول اعمال دیگری باشد یا در رابطه با نتیجه رفتار ارتكابی دیگری، مرتکب تقصیر شود.

نکته ۲۹۸: در مسؤولیت کیفری اصل بر مسؤولیت شخص حقیقی است و مسؤولیت کیفری شخص حقوقی استثناء است.

نکته ۲۹۹: شخص حقوقی در صورتی دارای مسؤولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود.

نکته ۳۰۰: مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسؤولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست.

نکته ۳۰۱: عوامل رافع مسؤولیت کیفری به عواملی اطلاق می‌شود که موجب دفع مسؤولیت کیفری و زوال مجازات می‌شود.

نکته ۳۰۲: عوامل رافع مسؤولیت کیفری عواملی کاملاً شخصی هستند لذا فقط در حق کسی مؤثر است که دارای آن شرایط باشد. برای مثال اگر مباشر جرم به دلیل جنون در حال وقوع جرم از مسؤولیت کیفری مبرا شود، این موضوع ارتباطی به معاون ندارد.

نکته ۳۰۳: عوامل رافع مسؤولیت کیفری فقط مجازات را زائل می‌کند، اما مسؤولیت مدنی به قوت خود باقی است.

نکته ۳۰۴: در صورت تحقق یکی از عوامل رافع مسؤولیت کیفری مقام قضایی قرار موقوفی تعقیب صادر می‌کند.

نکته ۳۰۵: مصادیق عوامل رافع مسؤولیت کیفری عبارت‌اند از: ۱. صغر سن ۲. مستی ۳. اکراه (اجبار) ۴. خواب و بیهوشی.

نکته ۳۰۶: افراد نابالغ مسؤولیت کیفری ندارند.

نکته ۳۰۷: سن بلوغ، در دختران و پسران، به ترتیب نه و پانزده سال تمام قمری است.

نکته ۳۰۸: در مورد افراد نابالغ، بر اساس مقررات ق.م.ا، اقدامات تأمینی و تربیتی اعمال می‌شود. (مواد ۸۸ تا ۹۵ ق.م.ا)

نکته ۳۰۹: در جنایات بر نفس واقع شده توسط اطفال، جنایت آنها از نوع خطای محض بوده و عاقله آنها عهده‌دار پرداخت دیه خواهد بود.

نکته ۳۱۰: در مورد جنایات بر عضو و منفعت واقع شده توسط اطفال و نوجوانان این نوع جنایات هم خطای محض محسوب می‌شوند اما عاقله فقط دیه جنایات موضعه و بالاتر را می‌پردازند و پرداخت دیه کمتر از موضعه بر عهده خود طفل می‌باشد.

نکته ۳۱۱: جرائم اطفال و نوجوانان فاقد آثار تبعی مجازات است و احکام تکرار جرم نیز در مورد اطفال اجرا نمی‌شود و کلیه جرائم تعزیری اطفال و نوجوانان جز تعزیرات منصوص شرعی قابل تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات می‌باشند.

نکته ۳۱۲: هرگاه مرتکب در زمان ارتکاب جرم دچار اختلال روانی بوده به نحوی که فاقد اراده یا قوه تمییز باشد مجنون محسوب می‌شود و مسؤولیت کیفری ندارد.

نکته ۳۱۳: اگر پس از تحقیق و بررسی به وسیله مقام قضایی، در بالغ یا عاقل بودن مرتکب، هنگام ارتکاب جنایت، تردید وجود داشته باشد و ولی دم یا مَجْنِیِّ عَلَیْهِ ادعا کند که جنایت عمدی در حال بلوغ وی یا افاقه وی از جنون سابقش انجام گرفته است لکن مرتکب خلاف آن را ادعا کند، ولی دم یا مَجْنِیِّ عَلَیْهِ باید برای ادعای خود بینه اقامه کند. در صورت عدم اقامه بینه، قصاص منتفی است. اگر حالت سابق بر جنایت، افاقه مرتکب بوده است، مرتکب باید جنون خود در حال ارتکاب جرم را اثبات کند تا قصاص ساقط شود؛ در غیر این صورت با سوگند ولی دم یا مَجْنِیِّ عَلَیْهِ یا ولی او قصاص ثابت می‌شود.

نکته ۳۱۴: اگر جنون پس از ارتکاب جرم و قبل از صدور حکم قطعی واقع شود به موجب تبصره ۱ ماده ۱۵۰ ق.م.ا: در حدودی که جنبه حق الهی دارد تعقیب و محاکمه تا زمان افاقه به تأخیر می‌افتد. نسبت به مجازات‌هایی که جنبه حق الناسی دارد مانند قصاص و دیه و همچنین ضرر و زیان ناشی از جرم، جنون مانع از تعقیب و رسیدگی نیست.

نکته ۳۱۵: به موجب تبصره ۲ قانون جدید آیین دادرسی کیفری: هرگاه مرتکب جرم پیش از صدور حکم قطعی مبتلا به جنون شود، تا زمان افاقه، تعقیب و دادرسی متوقف می‌شود. مگر آنکه ادله اثبات جرم به نحوی باشد که فرد در حالت افاقه نیز نمی‌توانست از خود رفع اتهام کند. در این صورت به ولی یا قیم وی ابلاغ می‌شود که ظرف مهلت پنج روز نسبت به معرفی وکیل اقدام نماید. در صورت عدم معرفی، صرف‌نظر از نوع جرم ارتكابی و میزان مجازات آن وفق مقررات برای وی وکیل تسخیری تعیین می‌شود و تعقیب و دادرسی ادامه می‌یابد.

نکته ۳۱۶: اگر جنون پس از صدور حکم قطعی و در حین اجرای مجازات حادث شود به موجب تبصره ۱ ق.م.ا "حد ساقط نمی‌شود."

نکته ۳۱۷: به موجب ماده ۵۰۳ ق.ا.د.ک جدید هرگاه محکوم‌علیه در جرائم تعزیری، پس از صدور حکم قطعی، مبتلا به جنون شود، تا زمان افاقه، اجرای

حکم به تعویق می‌افتد؛ مگر در مورد مجازات‌های مالی که از اموال محکوم‌علیه وصول می‌شود.

نکته ۳۱۸: به موجب تبصره ماده ۵۰۳ ق.ا.د.ک جدید: محکوم به حبس یا کسی که به علت عدم پرداخت جزای نقدی در حبس به سر می‌برد، در صورت جنون تا بهبودی در بیمارستان روانی یا مکان مناسب دیگری نگهداری می‌شود. این ایام جزء مدت محکومیت وی محاسبه می‌شود.

نکته ۳۱۹: هرگاه مرتکب جرم در حین ارتکاب، مجنون باشد یا در جرائم موجب تعزیر پس از وقوع جرم مبتلا به جنون شود چنانچه جنون و حالت خطرناک مجنون با جلب نظر متخصص، ثابت و آزاد بودن وی محل نظم و امنیت عمومی باشد به دستور دادستان تا رفع حالت خطرناک در محل مناسب نگهداری می‌شود.

نکته ۳۲۰: شخص نگهداری‌شده در نکته قبل یا خویشاوندان او می‌توانند در دادگاه به این دستور اعتراض کنند که در این صورت، دادگاه با حضور معترض، موضوع را با جلب نظر کارشناس در جلسه اداری رسیدگی می‌کند و با تشخیص رفع حالت خطرناک در مورد خاتمه اقدام تأمینی و در غیر این صورت در تأیید دستور دادستان، حکم صادر می‌کند، این حکم قطعی است. ولی شخص نگهداری‌شده یا خویشاوندان وی، هرگاه علائم بهبود را مشاهده کردند، حقی اعتراض به این حکم را دارند.

نکته ۳۲۱: حق اعتراض مذکور در نکته قبل و قطعی بودن آری دادگاه، مانع از آن نیست که هرگاه بنا به تشخیص متخصص بیماری‌های روانی، مرتکب، درمان شده باشد برحسب پیشنهاد مدیر محل نگهداری او دادستان دستور خاتمه اقدام تأمینی را صادر کند.

نکته ۳۲۲: قوه قضائیه موظف است مراکز اقدام تأمینی را در هر حوزه قضائی برای نگهداری افراد مجنون تدارک ببیند. تا زمان شروع به کار این اماکن، قسمتی از مراکز روان‌درمانی بهزیستی یا بیمارستانی موجود به این افراد اختصاص داده می‌شود.

نکته ۳۲۳: اصل بر این است که مستی و بی‌ارادگی حاصل از مصرف اختیاری مسکرات، مواد مخدر و روان‌گردان و نظایر آنها، مانع مجازات نیست.

نکته ۳۲۴: اگر ثابت شود مرتکب به جهت استفاده از مسکرات، مواد مخدر و روان‌گردان و نظایر آنها حین ارتکاب جرم به‌طور کلی مسلوب‌الاختیار بوده است این امر می‌تواند عامل رفع مسئولیت کیفری او شود.

نکته ۳۲۵: چنانچه ثابت شود مصرف مسکرات، مواد مخدر و روان‌گردان و نظایر آنها به‌منظور ارتکاب جرم یا با علم به تحقق آن بوده است و جرم موردنظر واقع شود، به مجازات هر دو جرم محکوم می‌شود.

نکته ۳۲۶: ارتکاب جنایت در حال مستی و عدم تعادل روانی در اثر مصرف موادمخدر، روان‌گردان و مانند آنها، موجب قصاص است. (اصل بر عدم تأثیر مصرف این مواد در مسئولیت کیفری است.)

نکته ۳۲۷: اگر ثابت شود بر اثر مستی و عدم تعادل روانی، مرتکب به کلی مسلوب‌الاختیار بوده است، در این صورت، علاوه بر دیه به مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود. (جنایت شبه عمد)

نکته ۳۲۸: اگر ثابت شود که مرتکب قبلاً خود را برای ارتکاب جنایت مست کرده و یا علم داشته است که مستی و عدم تعادل روانی وی ولو نوعاً موجب ارتکاب آن جنایت یا نظیر آن از جانب او می‌شود، جنایت، عمدی محسوب می‌گردد.

نکته ۳۲۹: هرگاه کسی بر اثر اکراه غیرقابل تحمل مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود مجازات نمی‌گردد.

نکته ۳۳۰: در جرائم موجب تعزیر، اکراه‌کننده به مجازات فاعل جرم محکوم می‌شود.

نکته ۳۳۱: در جرائم موجب حد و قصاص طبق مقررات مربوط به این مباحث رفتار می‌شود.

نکته ۳۳۲: تنها شرط قانونی برای تحقق اکراه غیرقابل تحمل بودن آن می‌باشد. در تعیین غیرقابل تحمل بودن یا نبودن هم از معیار شخصی استفاده می‌شود هم از معیار نوعی؛ یعنی نوع آن فرد را در همان شرایط ملاک قرار می‌دهند.

نکته ۳۳۳: اکراه در تمام جرائم موجب رفع مسئولیت کیفری است جزء اکراه در قتل که مجوز قتل نیست.

نکته ۳۳۴: اکراه در قتل مجوز قتل نیست و مرتکب، قصاص می‌شود و اکراه‌کننده، به حبس ابد محکوم می‌گردد.

نکته ۳۳۵: اگر اکراه‌شونده طفل غیرممیز یا مجنون باشد فقط اکراه‌کننده محکوم به قصاص است.

نکته ۳۳۶: اگر اکراه‌شونده طفل ممیز باشد عاقله او دیه مقتول را می‌پردازد و اکراه‌کننده به حبس ابد محکوم می‌شود.

نکته ۳۳۷: مجازات حبس ابد برای اکراه‌کننده مشروط به وجود شرایط عمومی قصاص در اکراه‌کننده و حق اولیای دم می‌باشد و قابل گذشت و مصالحه است.

نکته ۳۳۸: اگر اکراه‌کننده به هر علت به حبس ابد محکوم نشود، به مجازات معاون در قتل محکوم می‌شود.

نکته ۳۳۹: اکراه در جنایت بر عضو موجب قصاص اکراه‌کننده است.

نکته ۳۴۰: ادعای اکراه بر جنایت بر عضو باید در دادگاه ثابت شود و در صورت عدم اثبات با سوگند صاحب حق قصاص، مباشر قصاص می‌شود.

نکته ۳۴۱: هرگاه کسی دیگری را به رفتاری اکراه کند که موجب جنایت بر اکراه‌شونده گردد، جنایت عمدی است و اکراه‌کننده قصاص می‌شود مگر اکراه‌کننده قصد جنایت بر او را نداشته و آگاهی و توجه به این که این اکراه نوعاً موجب جنایت بر او می‌شود نیز نداشته باشد که در این صورت جنایت شبه‌عمدی است و اکراه‌کننده به پرداخت دیه محکوم می‌شود.

نکته ۳۴۲: اگر شخصی برای دفاع و رهایی از اکراه با رعایت شرایط مقرر در دفاع مشروع، مرتکب قتل اکراه‌کننده شود یا آسیبی به او وارد کند، قصاص، دیه و تعزیر ندارد.

نکته ۳۴۳: هرکس در حال خواب، بیهوشی و مانند آنها، مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود مجازات نمی‌گردد (اصل) مگر اینکه شخص با علم به اینکه در حال خواب یا بیهوشی مرتکب جرم می‌شود، عمداً بخوابد و یا خود را بیهوش کند. (استثنا)

نکته ۳۴۴: ارتکاب جنایت در خواب و بیهوشی باعث تحقق جنایت خطای محض خواهد شد مگر اینکه مرتکب آگاه و متوجه باشد که اقدام او نوعاً موجب جنایت بر دیگری می‌گردد که در این صورت جنایت واقع شده عمدی و موجب قصاص محسوب می‌شود.

نکته ۳۴۵: عوامل موجهه جرم یا اسباب اباحه عواملی هستند که رکن قانونی جرم را زائل می‌کنند. بدین مفهوم که عملی که در شرایط عادی و به حکم قانون جرم محسوب می‌شود به موجب حکم دیگری از مقنن با وجود شرایطی جرم محسوب نمی‌شود.

نکته ۳۴۶: اسباب اباحه یا عوامل موجهه اثر عینی دارند؛ یعنی به لحاظ زوال رکن قانونی جرم در حق همه مداخله‌گران در جرم مؤثر است. پس اگر مباشر از علل موجهه استفاده کند شامل معاون هم خواهد شد.

نکته ۳۴۷: در صورت تحقق یکی از عوامل موجهه جرم مقام قضایی مبادرت به صدور قرار منع تعقیب یا حکم برائت خواهد نمود.

نکته ۳۴۸: در عوامل موجهه جرم علاوه بر مجازات مسئولیت مدنی و ضمان مالی هم علی‌الاصول منتفی می‌شود.

نکته ۳۴۹: مصادیق عوامل موجهه عبارت‌اند از: ۱. حکم یا اجازه قانون ۲. اجرای قانون اهم ۳. امر قانونی آمر قانونی ۴. اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرستان صغار و مجانبین به منظور تأدیب یا محافظت از آنها ۵. رضایت به جرم در عملیات طبی یا جراحی و عملیات ورزشی ۶. ضرورت یا اضطرار ۷. دفاع مشروع.

نکته ۳۵۰: به موجب ق.م.ا در صورتی که ارتکاب رفتار به امر قانونی مقام ذی‌صلاح باشد و امر مذکور خلاف شرع نباشد عمل انجام‌شده جرم محسوب نمی‌شود و مرتکب قابل مجازات نیست.

نکته ۳۵۱: هرگاه به امر غیرقانونی یکی از مقامات رسمی، جرمی واقع شود آمر و مأمور به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شوند.

نکته ۳۵۲: هرگاه به امر غیرقانونی یکی از مقامات رسمی، جرمی واقع شود لکن مأموری که امر آمر را به علت اشتباه قابل قبول و به تصور این که قانونی است، اجرا کرده باشد، مأمور مجازات نمی‌شود اما در دیه و ضمان تابع مقررات مربوطه است؛ و در این حالت فقط آمر مجازات خواهد شد. (نظریه رعایت ظواهر قانونی)

نکته ۳۵۳: اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرستان صغار و مجانبین که به منظور تأدیب یا حفاظت آن‌ها انجام می‌شود، مشروط بر اینکه اقدامات مذکور در حد متعارف و حدود شرعی تأدیب و محافظت باشد جرم نبوده و قابل مجازات نمی‌باشد. مبنای این عدم مجازات اجازه قانون‌گذار می‌باشد.

نکته ۳۵۴: اصل بر این است که رضایت بزه‌دیده تأثیری در وقوع جرم و مجازات مرتکب ندارد.

نکته ۳۵۵: در ۲ مورد استثنایی رضایت بزه‌دیده باعث عدم مجازات مرتکب می‌شود: ۱. جایی که عدم رضایت بزه‌دیده جزء عناصر تشکیل‌دهنده جرم محسوب می‌شود در این حالت، رضایت بزه‌دیده باعث عدم تحقق جرم می‌شود. مثلاً در جرم سرقت، آدم‌ربایی، کلاهبرداری، توقیف غیرقانونی و... عدم رضایت بزه‌دیده شرط است و در این موارد رضایت بزه‌دیده موجب عدم تحقق جرم می‌شود. ۲. در جایی که قانون‌گذار این اجازه رو داده که رضایت بزه‌دیده به عنوان عامل موجهه جرم محسوب شود.

نکته ۳۵۶: مقنن به طور کلی در دو حالت رضایت بزه‌دیده را به عنوان عامل رافع مسئولیت کیفری اعلام کرده است: ۱. عملیات ورزشی و حوادث ناشی از آن، مشروط بر اینکه سبب حوادث، نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد و این مقررات هم مغایر موازین شرعی نباشد. ۲. هر نوع عمل جراحی یا طبی مشروع که با رضایت شخص یا اولیاء یا سرپرستان یا نمایندگان قانونی وی و رعایت موازین فنی و علمی و نظامات دولتی انجام می‌شود. (در موارد فوری أخذ رضایت ضروری نیست.)

نکته ۳۵۷: هرگاه پزشک در معالجاتی که انجام می‌دهد موجب تلف یا صدمه بدنی گردد، ضامن دیه است مگر آنکه عمل او مطابق مقررات پزشکی و موازین فنی باشد؛ یا اینکه قبل از معالجه برائت گرفته باشد و مرتکب تقصیری هم نشود.

نکته ۳۵۸: چنانچه أخذ برأت از مریض به دلیل نابالغ یا مجنون بودن او، معتبر نباشد و یا تحصیل برأت از او به دلیل بیهوشی و مانند آن ممکن نگردد، برأت از ولی مریض تحصیل می‌شود. نکته: در صورت عدم قصور یا تقصیر پزشک در علم و عمل برای وی ضمان وجود ندارد هر چند برأت أخذ نکرده باشد.

نکته ۳۵۹: ولی بیمار اعم از ولی خاص است مانند پدر و ولی عام که مقام رهبری است.

نکته ۳۶۰: در موارد فقدان یا عدم دسترسی به ولی خاص بیمار، رئیس قوه قضائیه با استیذان از مقام رهبری و تفویض اختیار به دادستان‌های مربوطه به اعطای برأت به طبیب اقدام می‌نماید.

نکته ۳۶۱: پزشک در معالجاتی که دستور انجام آن را به مریض یا پرستار و مانند آن صادر می‌نماید، در صورت تلف یا صدمه بدنی ضامن است مگر آنکه مطابق مقررات مذکور در فوق عمل نماید.

نکته ۳۶۲: در موارد مذکور در نکته قبل، هرگاه مریض یا پرستار بداند که دستور، اشتباه است و موجب صدمه و تلف می‌شود و با وجود این به دستور عمل کند، پزشک ضامن نیست بلکه صدمه و خسارت مستند به خود مریض یا پرستار است.

نکته ۳۶۳: در قطع عضو یا جراحات ایجادشده در معالجات پزشکی مقررات مذکور در فوق عمل می‌شود.

نکته ۳۶۴: در موارد ضروری که تحصیل برأت ممکن نباشد و پزشک برای نجات مریض، طبق مقررات اقدام به معالجه نماید، کسی ضامن تلف یا صدمات وارده نیست.

نکته ۳۶۵: هرکس هنگام بروز خطر شدید فعلی یا قریب‌الوقوع از قبیل آتش‌سوزی، سیل، طوفان، زلزله یا بیماری به منظور حفظ نفس یا مال خود یا دیگری مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود قابل مجازات نیست مشروط بر اینکه خطر را عمداً ایجاد نکند و رفتار ارتكابی با خطر موجود متناسب و برای دفع آن ضرورت داشته باشد.

نکته ۳۶۶: کسانی که حسب وظیفه یا قانون مکلف به مقابله با خطر می‌باشند نمی‌توانند با تمسک به اضطرار از ایفای وظایف قانونی خود امتناع نمایند.

نکته ۳۶۷: شرایط خطر برای تحقق اضطرار: ۱. خطر باید شدید باشد ۲. خطر باید فعلی یا قریب‌الوقوع باشد.

نکته ۳۶۸: شرایط تحقق اضطرار: ۱. مرتکب خطر را عمداً ایجاد نکرده باشد. ۲. رفتار ارتكابی با خطر موجود متناسب باشد. ۳. رفتار ارتكابی برای دفع خطر ضرورت داشته باشد.

نکته ۳۶۹: با حصول شرایط مذکور در فوق با حدوث اضطرار، ارتكاب عملی برای حفظ نفس و مال خود و دیگری جرم نخواهد بود.

نکته ۳۷۰: هرگاه فردی در مقام دفاع از نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز یا خطر فعلی یا قریب‌الوقوع با رعایت مراحل دفاع مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود، در صورت اجتماع شرایط زیر مجازات نمی‌شود:

الف - رفتار ارتكابی برای دفع تجاوز یا خطر ضرورت داشته باشد.

ب - دفاع مستند به قرائن معقول یا خوف عقلائی باشد.

پ - خطر و تجاوز به سبب اقدام آگاهانه یا تجاوز خود فرد و دفاع دیگری صورت نگرفته باشد.

ت - توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد یا مداخله آنان در دفع تجاوز و خطر مؤثر واقع نشود.

نکته ۳۷۱: دفاع از نفس، ناموس، عرض، مال و آزادی تن دیگری در صورتی جایز است که او از نزدیکان دفاع‌کننده بوده یا مسؤولیت دفاع از وی بر عهده دفاع‌کننده باشد یا ناتوان از دفاع بوده یا تقاضای کمک نماید یا در وضعیتی باشد که امکان استمداد نداشته باشد.

نکته ۳۷۲: هرگاه اصل دفاع محرز باشد ولی رعایت شرایط آن محرز نباشد اثبات عدم رعایت شرایط دفاع بر عهده مهاجم است.

نکته ۳۷۳: چنانچه نفس دفاع صدق کند ولی از مراتب آن تجاوز شود و به موجب آن جنایتی بر مهاجم وارد شود قصاص منتفی است، لکن مرتکب به شرح مقرر در قانون به دیه و مجازات تعزیری محکوم می‌شود.

نکته ۳۷۴: در موارد دفاع مشروع دیه نیز ساقط است جز در مورد دفاع در مقابل تهاجم دیوانه که دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود.

نکته ۳۷۵: مقاومت در برابر قوای انتظامی و دیگر ضابطان دادگستری در مواقعی که مشغول انجام وظیفه خود باشند، دفاع محسوب نمی‌شود.

نکته ۳۷۶: هرگاه قوای انتظامی و دیگر ضابطان دادگستری از حدود وظیفه خود خارج شوند و حسب ادله و قرائن موجود خوف آن باشد که عملیات آنان موجب قتل، جرح، تعرض به عرض یا ناموس یا مال گردد، دفاع در برابر آنان جایز است.

نکته ۳۷۷: مبنای دفاع مشروع اجرای حق است.

نکته ۳۷۸: شرایط تجاوز یا خطر برای تحقق دفاع مشروع: ۱. تجاوز یا خطر فعلی یا قریب‌الوقوع باشد. ۲. تجاوز یا خطر غیرقانونی باشد. ۳. خطر و تجاوز به سبب اقدام آگاهانه یا تجاوز خود فرد و دفاع دیگری صورت نگرفته باشد.

نکته ۳۷۹: شرایط دفاع برای تحقق دفاع مشروع: ۱. دفاع باید مستند به قرائن معقول یا خوف عقلایی باشد. ۲. مدافع در دفاع، مراحل دفاع را رعایت کرده باشد. ۳. توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد یا مداخله آنان در دفع تجاوز و خطر مؤثر واقع نشود. ۴. رفتار ارتكابی برای دفع تجاوز یا خطر ضرورت داشته باشد.

نکته ۳۸۰: رکن روانی یا عنصر معنوی جرائم عمدی عبارت است از: از دو بخش علم و عمد تشکیل می‌شود.

نکته ۳۸۱: علم خود به دو بخش علم به حکم و علم به موضوع تشکیل می‌شود علم به حکم مگر در شرایط خاص مفروض است و نیازی به اثبات ندارد اما علم به موضوع نیاز به احراز دارد.

نکته ۳۸۲: عمد خود به دو بخش تقسیم می‌شود. عمد در فعل (سوءنیت عام) و عمد در نتیجه یا علم به وقوع نتیجه (سوءنیت خاص) که در جرائم مطلق که احراز نتیجه لازم نیست احراز سوءنیت خاص هم لازم نیست.

نکته ۳۸۳: اصل بر مطلق بودن جرائم است و در اثبات جرائم احراز نتیجه ضروری نیست.

نکته ۳۸۴: رکن معنوی جرائم عمدی: عبارت است از علم به موضوع و عمد در فعل.

اگر جرم عمدی از نوع مقید باشد عنصر معنوی آن عبارت است از علم به موضوع، عمد در فعل و عمد در نتیجه یا علم به وقوع آن.

نکته ۳۸۵: جهل به حکم، مانع از مجازات مرتکب نیست مگر اینکه تحصیل علم عادتاً برای وی ممکن نباشد یا جهل به حکم شرعاً عذر محسوب شود.

نکته ۳۸۶: جهل به نوع یا میزان مجازات مانع از مجازات نیست.

نکته ۳۸۷: در تحقق جرائم عمدی علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، باید قصد او در ارتكاب رفتار مجرمانه احراز گردد. در جرائمی که وقوع آنها بر اساس قانون منوط به تحقق نتیجه است، قصد نتیجه یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود.

نکته ۳۸۸: عنصر و رکن روانی یا معنوی جرائم غیرعمدی از تقصیر تشکیل می‌شود.

نکته ۳۸۹: تحقق جرائم غیرعمدی، منوط به احراز تقصیر مرتکب است.

نکته ۳۹۰: تقصیر اعم از بی احتیاطی و بی‌مبالاتی است.

نکته ۳۹۱: مسامحه، غفلت، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی و مانند آنها، حسب مورد، از مصادیق بی احتیاطی یا بی‌مبالاتی محسوب می‌شود.

نکته ۳۹۲: در جرائم موجب حد، مرتکب در صورتی مسؤول است که علاوه بر داشتن علم، قصد و شرایط مسؤولیت کیفری به حرمت شرعی رفتار ارتكابی نیز آگاه باشد.

نکته ۳۹۳: در حدود احراز علم به حکم نیز ضروری است.

نکته ۳۹۴: در جرائم موجب حد هرگاه متهم ادعای فقدان علم یا قصد یا وجود یکی از موانع مسؤولیت کیفری را در زمان ارتكاب جرم نماید در صورتی که احتمال صدق گفتار وی داده شود، ادعای وی پذیرفته می‌شود.

نکته ۳۹۵: در جرائم موجب حد هرگاه متهم ادعا کند که اقرار او با تهدید و إرعاب یا شکنجه گرفته شده است ادعای مذکور بدون نیاز به بینة و سوگند پذیرفته می‌شود.

نکته ۳۹۶: در جرائم محاربه و افساد فی الارض و جرائم منافی عفت با عنف، اکراه، ربایش یا إغفال، صرف ادعا، مُسقط حد نیست و دادگاه موظف به بررسی و تحقیق است.

نکته ۳۹۷: اقرار در صورتی اعتبار شرعی دارد که نزد قاضی در محکمه انجام گیرد.

نکته ۳۹۸: دادگاه نمی‌تواند کیفیت، نوع و میزان حدود شرعی را تغییر یا مجازات را تقلیل دهد یا تبدیل یا ساقط نماید.

نکته ۳۹۹: حدود، تنها از طریق توبه و عفو به کیفیت مقرر ق.م.ا قابل سقوط، تقلیل یا تبدیل است.

نکته ۴۰۰: در مورد حدودی که در ق.م.ا ذکر نشده است طبق اصل یکصد و شصت و هفتم (۱۶۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عمل می‌شود؛ یعنی برای استخراج حکم مسئله قاضی مکلف است به منابع و فتاوی معتبر فقهی رجوع کند.

نکته ۴۰۱: زنا عبارت است از جماع مرد و زنی که علقه زوجیت بین آنها نبوده و از موارد وطی به شبهه نیز نباشد.

نکته ۴۰۲: جماع با دخول اندام تناسلی مرد به اندازه ختنه‌گاه در قُبُل یا دُبُر زن محقق می‌شود.

نکته ۴۰۳: هرگاه طرفین یا یکی از آنها نابالغ باشد، زنا محقق است لکن نابالغ مجازات نمی‌شود و حسب مورد به اقدامات تأمینی و تربیتی مقرر در کتاب اول این قانون محکوم می‌گردد.

نکته ۴۰۴: جماع با میت، زنا است مگر جماع زوج با زوجه متوفای خود که زنا نیست لکن موجب سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش

می‌شود.

نکته ۴۰۵: هرگاه متهم به زنا، مدعی زوجیت یا وطی به شبهه باشد، ادعای وی بدون بینه یا سوگند پذیرفته می‌شود مگر آنکه خلاف آن با حجت شرعی لازم ثابت شود.

نکته ۴۰۶: حد زنا در موارد زیر اعدام است:

الف- زنا با محارم نسبی

ب- زنا با زن پدر که موجب اعدام زانی است.

پ- زنا با مرد غیرمسلمان یا زن مسلمان که موجب اعدام زانی است.

ت- زنا با به عنف یا اکراه از سوی زانی که موجب اعدام زانی است.

نکته ۴۰۷: هرگاه کسی با زنی که راضی به زنا باشد در حال بیهوشی، خواب یا مستی زنا کند رفتار او در حکم زنا با به عنف است.

نکته ۴۰۸: زنا از طریق اغفال و فریب دادن دختر نابالغ یا از طریق ربایش، تهدید و یا ترساندن زن اگرچه موجب تسلیم شدن او شود در حکم زنا با به عنف است.

نکته ۴۰۹: حد زنا برای زانی محصن و زانیه محصنه رجم است.

نکته ۴۱۰: در صورت عدم امکان اجرای رجم با پیشنهاد دادگاه صادرکننده حکم قطعی و موافقت رئیس قوه قضائیه چنانچه جرم با بینه ثابت شده باشد، موجب اعدام زانی محصن و زانیه محصنه است.

نکته ۴۱۱: در صورت عدم امکان اجرای رجم با پیشنهاد دادگاه صادرکننده حکم قطعی و موافقت رئیس قوه قضائیه چنانچه جرم با بینه ثابت نشده باشد (مثلاً با اقرار یا علم قاضی ثابت شده باشد)، موجب صد ضربه شلاق برای هر یک می‌باشد.

نکته ۴۱۲: احصان مرد عبارت است از آنکه دارای همسر دائمی و بالغ باشد و در حالی که بالغ و عاقل بوده از طریق قُبُل با وی در حال بلوغ جماع کرده باشد و هر وقت بخواهد امکان جماع از طریق قُبُل را با وی داشته باشد.

نکته ۴۱۳: احصان زن عبارت است از آنکه دارای همسر دائمی و بالغ باشد و در حالی که بالغ و عاقل بوده، با او از طریق قُبُل جماع کرده باشد و امکان جماع از طریق قُبُل را با شوهر داشته باشد.

نکته ۴۱۴: اموری از قبیل مسافرت، حبس، حیض، نفاس، بیماری مانع از مقاربت یا بیماری که موجب خطر برای طرف مقابل می‌گردد مانند ایدز و سفلیس، زوجین را از احصان خارج می‌کند.

نکته ۴۱۵: در زنا با محارم نسبی و زنا با محصنه، چنانچه زانیه بالغ و زانی نابالغ باشد مجازات زانیه فقط صد ضربه شلاق است.

نکته ۴۱۶: مردی که همسر دائم دارد، هرگاه قبل از دخول، مرتکب زنا شود حد وی صد ضربه شلاق، تراشیدن موی سر و تبعید به مدت یک سال قمری است.

نکته ۴۱۷: حد زنا در مواردی که مرتکب غیرمحصن باشد، صد ضربه شلاق است.

نکته ۴۱۸: در موارد زنا با به عنف و در حکم آن، در صورتی که زن باکره باشد مرتکب علاوه بر مجازات مقرر به پرداخت اُرش البکاره و مهرالمثل نیز محکوم می‌شود.

نکته ۴۱۹: در موارد زنا با به عنف و در حکم آن، در صورتی که زن باکره نباشد، مرتکب فقط به مجازات و پرداخت مهرالمثل محکوم می‌گردد.

نکته ۴۲۰: یکی از ادله اثبات جرائم زنا و لواط و تفخیز و مساحقه ۴ بار اقرار مرتکب است.

نکته ۴۲۱: هرگاه مرد یا زنی کمتر از چهار بار اقرار به زنا نماید به سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش محکوم می‌شود. حکم این مقرره در مورد لواط، تفخیز و مساحقه نیز جاری است.

نکته ۴۲۲: لواط عبارت از دخول اندام تناسلی مرد به اندازه ختنه‌گاه در دبر انسان مذکر است.

نکته ۴۲۳: حد لواط برای فاعل، در صورت عنف، اکراه یا دارا بودن شرایط احصان و همچنین در صورتی که فاعل غیرمسلمان و مفعول، مسلمان باشد، اعدام است.

نکته ۴۲۴: حد لواط برای فاعل در غیر موارد مذکور در نکته قبل صد ضربه شلاق است.

نکته ۴۲۵: حد لواط برای مفعول در هر صورت (وجود یا عدم احصان) اعدام است.

نکته ۴۲۶: احصان عبارت است از آنکه مرد همسر دائمی و بالغ داشته باشد و در حالی که بالغ و عاقل بوده از طریق قبل با همان همسر در حال بلوغ وی جماع کرده باشد و هر وقت بخواهد امکان جماع از همان طریق را با وی داشته باشد.

نکته ۴۲۷: تفخیز عبارت از قرار دادن اندام تناسلی مرد بین ران‌ها یا نشیمنگاه انسان مذکر است.

نکته ۴۲۸: دخول کمتر از ختنه‌گاه در حکم تفخیز است.

نکته ۴۲۹: در تفخیز، حد فاعل و مفعول صد ضربه شلاق است و از این جهت فرقی میان محصن و غیرمحصن و علف و غیرعلف نیست.

نکته ۴۳۰: در صورتی که فاعل تفخیز غیرمسلمان و مفعول آن، مسلمان باشد، حد فاعل اعدام است.

نکته ۴۳۱: همجنس‌گرایی انسان مذکر در غیر از لواط و تفخیز از قبیل تقبیل و ملامسه از روی شهوت، موجب سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش است.

نکته ۴۳۲: مساحقه عبارت است از اینکه انسان مؤنث، اندام تناسلی خود را بر اندام تناسلی همجنس خود قرار دهد.

نکته ۴۳۳: حد مساحقه، صد ضربه شلاق است.

نکته ۴۳۴: در حد مساحقه، فرقی بین فاعل و مفعول و مسلمان و غیرمسلمان و محصن و غیرمحصن و علف و غیرعلف نیست.

نکته ۴۳۵: همجنس‌گرایی انسان مؤنث در غیر از مساحقه از قبیل تقبیل و ملامسه از روی شهوت، موجب سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش است.

نکته ۴۳۶: در صورت نبود ادله اثبات قانونی بر وقوع جرائم منافی عفت و انکار متهم هرگونه تحقیق و بازجویی جهت کشف امور پنهان و مستور از انظار ممنوع است. موارد احتمال ارتکاب با علف، اکراه، آزار، ربایش یا اغفال یا مواردی که به موجب این قانون در حکم ارتکاب با علف است از شمول این حکم مستثنی است.

نکته ۴۳۷: قوادی عبارت از به هم رساندن دو یا چند نفر برای زنا یا لواط است.

نکته ۴۳۸: حد قوادی منوط به تحقق زنا یا لواط است. (حد قوادی مقید است)

نکته ۴۳۹: در صورت به نتیجه نرسیدن قوادی عامل، به سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود.

نکته ۴۴۰: در قوادی، تکرار عمل شرط تحقق جرم نیست. (قوادی جرم به عادت نیست)

نکته ۴۴۱: حد قوادی برای مرد هفتاد و پنج ضربه شلاق است و برای بار دوم علاوه بر هفتاد و پنج ضربه شلاق به عنوان حد، به تبعید تا یک سال نیز محکوم می‌شود که مدت آن را قاضی مشخص می‌کند.

نکته ۴۴۲: حد قوادی برای زن در هر حال فقط هفتاد و پنج ضربه شلاق است.

نکته ۴۴۳: کسی که دو یا چند نابالغ را برای زنا یا لواط به هم برساند مستوجب حد نیست لکن به سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود.

نکته ۴۴۴: قذف عبارت است از نسبت دادن زنا یا لواط به شخص دیگر هرچند مرده باشد.

نکته ۴۴۵: قذف باید روشن و بدون ابهام باشد.

نکته ۴۴۶: برای تحقق جرم نسبت‌دهنده باید به معنای لفظ آگاه بوده و قصد انتساب داشته باشد گرچه مقذوف یا مخاطب در حین قذف از مفاد آن آگاه نباشد.

نکته ۴۴۷: قذف علاوه بر لفظ با نوشتن، هرچند به شیوه الکترونیکی نیز محقق می‌شود.

نکته ۴۴۸: هرگاه کسی به فرزند مشروع خود بگوید «تو فرزند من نیستی» قذف مادر وی محسوب می‌شود.

نکته ۴۴۹: هرگاه کسی به فرزند مشروع دیگری بگوید «تو فرزند پدرت نیستی»، قذف مادر وی محسوب می‌شود.

نکته ۴۵۰: هرگاه قرینه‌ای در بین باشد که مشخص گردد منظور قذف نبوده است، حد ثابت نمی‌شود.

نکته ۴۵۱: هرگاه کسی به دیگری بگوید «تو با فلان زن زنا یا با فلان مرد لواط کرده‌ای» فقط نسبت به مخاطب، قاذف محسوب می‌شود.

نکته ۴۵۲: حد قذف، هشتاد ضربه شلاق است.

نکته ۴۵۳: قذف در صورتی موجب حد می‌شود که قذف‌شونده در هنگام قذف، بالغ، عاقل، مسلمان، معین و غیرمتظاهر به زنا یا لواط باشد.

نکته ۴۵۴: هرگاه قذف‌شونده، نابالغ، مجنون، غیرمسلمان یا غیرمعین باشد قذف‌کننده به سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش محکوم می‌شود.

نکته ۴۵۵: قذف متظاهر به زنا یا لواط، مجازات ندارد.

نکته ۴۵۶: قذف کسی که متظاهر به زنا یا لواط است نسبت به آنچه متظاهر به آن نیست موجب حد است مثل نسبت دادن لواط به کسی که متظاهر به زنا

است.

نکته ۴۵۷: کسی که به قصد نسبت دادن زنا یا لواط به دیگری، الفاظی غیر از زنا یا لواط به کار ببرد که صریح در انتساب زنا یا لواط به افرادی از قبیل همسر، پدر، مادر، خواهر یا برادر مخاطب باشد، نسبت به کسی که زنا یا لواط را به او نسبت داده است، محکوم به حد قذف و درباره مخاطب اگر به علت این انتساب اذیت شده باشد، به مجازات توهین محکوم می‌گردد.

نکته ۴۵۸: هرگاه کسی زنا یا لواطی که موجب حد نیست مانند زنا یا لواط در حال اکراه یا عدم بلوغ را به دیگری نسبت دهد به سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش محکوم می‌شود.

نکته ۴۵۹: نسبت دادن زنا یا لواط به کسی که به خاطر همان زنا یا لواط محکوم به حد شده است، قبل از توبه مقذوف، مجازات ندارد.

نکته ۴۶۰: حد قذف حق الناس است.

نکته ۴۶۱: تعقیب و اجرای مجازات منوط به مطالبه مقذوف است.

نکته ۴۶۲: در صورت گذشت مقذوف در هر مرحله، حسب مورد تعقیب، رسیدگی و اجرای مجازات موقوف می‌شود.

نکته ۴۶۳: کسی که چند نفر را به طور جداگانه قذف کند خواه همه آنها با هم، خواه جداگانه شکایت کنند، در برابر قذف هر یک، حد مستقلی بر او جاری می‌شود.

نکته ۴۶۴: کسی که چند نفر را به یک لفظ قذف نماید هرکدام از قذف‌شوندگان می‌تواند جداگانه شکایت نماید و در صورت صدور حکم محکومیت، اجرای آن را مطالبه کند. در این حالت برای هر یک حد جداگانه‌ای اجرا می‌شود.

نکته ۴۶۵: کسی که چند نفر را به یک لفظ قذف نماید چنانچه قذف‌شوندگان یکجا شکایت نمایند بیش از یک حد جاری نمی‌شود.

نکته ۴۶۶: کسی که دیگری را به یک یا چند سبب، یک بار یا بیشتر قبل از اجرای حد، قذف نماید فقط به یک حد محکوم می‌شود.

نکته ۴۶۷: اگر قاذف پس از اجرای حد، قذف را تکرار نماید حد نیز تکرار می‌شود.

نکته ۴۶۸: اگر قاذف پس از اجرای حد بگوید آنچه گفته‌ام حق بود به سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش محکوم می‌گردد.

نکته ۴۶۹: پدر یا جد پدری که فرزند یا نوه خود را قذف کند به سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش محکوم می‌گردد.

نکته ۴۷۰: حد قذف اگر اجرا نشده و مقذوف نیز گذشت نکرده باشد به همه ورثه به غیر از همسر منتقل می‌گردد.

نکته ۴۷۱: هر یک از ورثه می‌تواند تعقیب و اجرای حد قذف را مطالبه کند هر چند دیگران گذشت کرده باشند.

نکته ۴۷۲: در صورتی که قاذف، پدر یا جد پدری وارث باشد، وارث نمی‌تواند تعقیب متهم یا اجرای حد را مطالبه کند.

نکته ۴۷۳: هرگاه مقذوف، قاذف را تصدیق نماید حد قذف در هر مرحله از مراحل تعقیب، رسیدگی و اجرا ساقط می‌شود.

نکته ۴۷۴: هرگاه آنچه به مقذوف نسبت داده شده با شهادت یا علم قاضی اثبات شود، حد قذف در هر مرحله از مراحل تعقیب، رسیدگی و اجرا ساقط می‌شود.

نکته ۴۷۵: هرگاه مقذوف و در صورت فوت وی، ورثه او، گذشت کند حد قذف در هر مرحله از مراحل تعقیب، رسیدگی و اجرا ساقط می‌شود.

نکته ۴۷۶: هرگاه مردی زنش را پس از قذف به زنا یا پیش از زوجیت یا زمان زوجیت لعان کند، حد قذف در هر مرحله از مراحل تعقیب، رسیدگی و اجرا ساقط می‌شود.

نکته ۴۷۷: هرگاه دو نفر یکدیگر را قذف کنند، خواه قذف آن‌ها همانند، خواه مختلف باشد؛ حد قذف در هر مرحله از مراحل تعقیب، رسیدگی و اجرا ساقط می‌شود. در این حالت مجازات مرتکبان سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش است.

نکته ۴۷۸: هر کس پیامبر اعظم صلی‌الله علیه و آله و سلم و یا هر یک از انبیاء عظام الهی را دشنام دهد یا قذف کند سب‌النبی است و به اعدام محکوم می‌شود.

نکته: قذف هر یک از ائمه معصومین علیهم‌السلام و یا حضرت فاطمه زهرا سلام‌الله علیها یا دشنام به ایشان در حکم سب‌النبی است.

نکته ۴۷۹: هرکس به مقدسات اسلام و یا هر یک از انبیاء عظام یا ائمه طاهرین (ع) یا حضرت صدیقه طاهره (س) اهانت نماید اگر مشمول حکم سب‌النبی باشد اعدام می‌شود و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد.

نکته ۴۸۰: هرگاه متهم به سب، ادعا نماید که اظهارات وی از روی اکراه، غفلت، سهو یا در حالت مستی یا غضب یا سبق لسان یا بدون توجه به معانی کلمات و یا نقل قول از دیگری بوده است سب‌النبی محسوب نمی‌شود.

نکته ۴۸۱: هرگاه سب در حالت مستی یا غضب یا به نقل از دیگری باشد و صدق اهانت کند موجب تعزیر تا هفتاد و چهار ضربه شلاق است.

- نکته ۴۸۲:** مصرف مُسکِر از قبیل خوردن، تزریق و تدخین آن کم باشد یا زیاد، جامد باشد یا مایع، مست کند یا نکند، خالص باشد یا مخلوط به گونه‌ای که آن را از مُسکِر بودن خارج نکند، موجب حد است.
- نکته ۴۸۳:** خوردن قُفَاع (آبجو مُسکِر) موجب حد است هر چند مستی نیاورد.
- نکته ۴۸۴:** حد مصرف مسکر، هشتاد ضربه شلاق است.
- نکته ۴۸۵:** غیرمسلمان تنها در صورت تظاهر به مصرف مسکر، محکوم به حد می‌شود.
- نکته ۴۸۶:** اگر مصرف مسکر توسط غیرمسلمان علنی نباشد لکن مرتکب در حال مستی در معابر یا اماکن عمومی ظاهر شود به مجازات مقرر برای تظاهر به عمل حرام محکوم می‌گردد.
- نکته ۴۸۷:** جنایت بر نفس، عضو و منفعت بر سه قسم عمدی، شبه‌عمدی و خطای محض است.
- نکته ۴۸۸:** هرگاه مرتکب با انجام کاری قصد ایراد جنایت بر فرد یا افرادی معین یا فرد یا افرادی غیرمعین از یک جمع را داشته باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن واقع شود، جنایت واقع شده عمدی است. خواه کار ارتكابی نوعاً موجب وقوع آن جنایت یا نظیر آن بشود، خواه نشود.
- نکته ۴۸۹:** اگر کسی به علت اشتباه در هویت، مرتکب جنایتی بر دیگری شود در صورتی که مَجْنِيٌّ عَلَيَّه و فرد موردنظر هر دو مهدورالدم نباشند، جنایت عمدی محسوب می‌شود.
- نکته ۴۹۰:** هرگاه مرتکب، عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، می‌گردد، هر چند قصد ارتکاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد ولی آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود، جنایت واقع شده عمدی است.
- نکته ۴۹۱:** در خصوص نکته قبل اصل بر آگاهی مرتکب می‌باشد و عدم آگاهی و توجه مرتکب باید اثبات گردد و در صورت عدم اثبات، جنایت عمدی است.
- نکته ۴۹۲:** اگر جنایت واقع شده فقط به علت حساسیت زیاد موضع آسیب، واقع شده باشد و حساسیت زیاد موضع آسیب نیز غالباً شناخته شده نباشد و مرتکب هم قصد جنایت نداشته باشد، در این صورت آگاهی و توجه مرتکب نسبت به حساسیت موضع باید اثبات شود و در صورت عدم اثبات، جنایت عمدی ثابت نمی‌شود.
- نکته ۴۹۳:** هرگاه مرتکب قصد ارتکاب جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته و کاری را هم که انجام داده است، نسبت به افراد متعارف نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، نمی‌شود لکن در خصوص مَجْنِيٌّ عَلَيَّه، به علت بیماری، ضعف، پیری یا هر وضعیت دیگر و یا به علت وضعیت خاص مکانی یا زمانی نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن شود جنایت واقع شده عمدی است. مشروط بر آن که مرتکب به وضعیت نامتعارف مَجْنِيٌّ عَلَيَّه یا وضعیت خاص مکانی یا زمانی آگاه و متوجه باشد.
- نکته ۴۹۴:** در خصوص نکته قبل اصل بر عدم آگاهی و توجه مرتکب می‌باشد و باید آگاهی و توجه مرتکب به اینکه کار نوعاً نسبت به مَجْنِيٌّ عَلَيَّه، موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن می‌شود ثابت گردد و در صورت عدم اثبات، جنایت عمدی ثابت نمی‌شود.
- نکته ۴۹۵:** هرگاه مرتکب قصد ایراد جنایت واقع شده یا نظیر آن را داشته باشد، بدون آنکه فرد یا جمع معینی مقصود وی باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن، واقع شود، جنایت واقع شده عمدی است؛ مانند اینکه در اماکن عمومی بمب‌گذاری کند.
- نکته ۴۹۶:** هرگاه مرتکب نسبت به مَجْنِيٌّ عَلَيَّه قصد رفتاری را داشته لکن قصد جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته باشد و از مواردی که مشمول تعریف جنایات عمدی می‌گردد، نباشد جنایت واقع شده شبه عمد است.
- نکته ۴۹۷:** هرگاه مرتکب، جهل به موضوع داشته باشد مانند آن که جنایتی را با اعتقاد به این که موضوع رفتار وی شیء یا حیوان و یا شخص مهدورالدم است به مَجْنِيٌّ عَلَيَّه وارد کند، سپس خلاف آن معلوم گردد جنایت واقع شده شبه عمد است.
- نکته ۴۹۸:** هرگاه جنایت به سبب تقصیر مرتکب واقع شود، مشروط بر اینکه جنایت واقع شده مشمول تعریف جنایت عمدی نباشد جنایت واقع شده شبه عمد است.
- نکته ۴۹۹:** جنایت اگر در حال خواب و بیهوشی و مانند آنها واقع شود جنایت خطای محض است.
- نکته ۵۰۰:** در خصوص نکته قبل هرگاه مرتکب آگاه و متوجه باشد که اقدام او نوعاً موجب جنایت بر دیگری می‌گردد، جنایت عمدی محسوب می‌شود.
- نکته ۵۰۱:** جنایت واقع شده به وسیله صغیر و مجنون جنایت خطای محض است.
- نکته ۵۰۲:** جنایتی که در آن مرتکب نه قصد جنایت بر مَجْنِيٌّ عَلَيَّه را داشته باشد و نه قصد ایراد فعل واقع شده بر او را، مانند آن که تیری به قصد شکار رها کند و به فردی برخورد نماید جنایت خطای محض می‌باشد.

نکته ۵۰۳: در خصوص نکته قبل هرگاه مرتکب آگاه و متوجه باشد که اقدام او نوعاً موجب جنایت بر دیگری می‌گردد، جنایت عمدی محسوب می‌شود.

نکته ۵۰۴: در ق.م.ا جدید دیگر جنایت در حکم خطای محض و در حکم شبه عمد پیش بینی نشده است.

نکته ۵۰۵: هرگاه فردی مرتکب جنایت عمدی گردد لکن نتیجه رفتار ارتكایی، بیشتر از مقصود وی واقع شود، چنانچه جنایت واقع شده، مشمول تعریف جنایات عمدی نشود، نسبت به جنایت کمتر، عمدی و نسبت به جنایت بیشتر، شبه‌عمدی محسوب می‌شود.

نکته ۵۰۶: اگر کسی عمداً انگشت کسی را قطع کند و به سبب آن دست وی قطع شود و یا فوت کند نسبت به قطع انگشت عمدی و نسبت به قطع دست و یا فوت شبه‌عمدی است.

نکته ۵۰۷: اگر کسی، عمداً جنایتی را بر عضو فردی وارد سازد و او به سبب سرایت جنایت فوت کند، چنانچه جنایت واقع شده مشمول تعریف جنایات عمدی باشد، قتل عمدی محسوب می‌شود، در غیر این صورت، قتل شبه‌عمدی است و مرتکب علاوه بر قصاص عضو به پرداخت دیه نفس نیز محکوم می‌شود.

نکته ۵۰۸: هرگاه کسی فعلی که انجام آن را بر عهده گرفته یا وظیفه خاصی را که قانون بر عهده او گذاشته است، ترک کند و به سبب آن، جنایتی واقع شود، چنانچه توانایی انجام آن فعل را داشته است جنایت حاصل به او مستند می‌شود و حسب مورد عمدی، شبه‌عمدی، یا خطای محض است، مانند این که مادر یا دایه‌ای که شیردادن را بر عهده گرفته است، کودک را شیر ندهد یا پزشک یا پرستار وظیفه قانونی خود را ترک کند.

نکته ۵۰۹: شرایط تحقق جنایت از طریق ترک فعل: ۱. شخصی به موجب قانون یا قرارداد تعهدی را بر عهده گرفته باشد. ۲. متعهد به رغم توانایی در انجام تعهد از انجام آن خودداری کند.

۳. جنایت واقع شده مستند به ترک فعل او باشد. (رابطه سببیت)

نکته ۵۱۰: اگر مرتکب با یک ضربه عمدی، موجب جنایتی بر عضو شود که منجر به قتل مَجْنِيَّ عَلِيَه گردد، چنانچه جنایت واقع شده مشمول تعریف جنایات عمدی باشد، قتل عمدی محسوب می‌شود و به علت نقص عضو یا جراحی که سبب قتل شده است به قصاص یا دیه محکوم نمی‌گردد.

نکته ۵۱۱: اگر کسی با یک ضربه عمدی، موجب جنایات متعدد بر اعضای مَجْنِيَّ عَلِيَه شود، چنانچه همه آنها به طور مشترک موجب قتل او شود و قتل نیز مشمول تعریف جنایات عمدی باشد فقط به قصاص نفس محکوم می‌شود.

نکته ۵۱۲: اگر کسی با یک ضربه عمدی، موجب جنایات متعدد بر اعضای مَجْنِيَّ عَلِيَه شود، چنانچه برخی از آنها موجب قتل شود و برخی در وقوع قتل نقشی نداشته باشند مرتکب علاوه بر قصاص نفس، حسب مورد، به قصاص عضو یا دیه جنایتهایی که تأثیری در قتل نداشته است، محکوم می‌شود.

نکته ۵۱۳: اگر کسی با ضربه‌های متعدد عمدی، موجب جنایات متعدد و قتل مَجْنِيَّ عَلِيَه شود و قتل نیز مشمول تعریف جنایات عمدی باشد، چنانچه برخی از جنایات‌ها موجب قتل شود و برخی در وقوع قتل نقشی نداشته باشند، مرتکب علاوه بر قصاص نفس، حسب مورد، به قصاص عضو یا دیه جنایتهایی که تأثیری در قتل نداشته است، محکوم می‌شود.

نکته ۵۱۴: اگر کسی با ضربه‌های متعدد عمدی، موجب جنایات متعدد و قتل مَجْنِيَّ عَلِيَه شود و قتل نیز مشمول تعریف جنایات عمدی باشد، اگر قتل به وسیله مجموع جنایات پدید آید، در صورتی که ضربات به صورت متوالی وارد شده باشد در حکم یک ضربه است و مرتکب فقط قصاص نفس می‌شود. در غیر این صورت به قصاص یا دیه عضوی که جنایت بر آن، متصل به فوت نبوده است نیز محکوم می‌گردد.

نکته ۵۱۵: اگر مَجْنِيَّ عَلِيَه به تصور این که جنایت وارده بر او به قتل منجر نمی‌شود و یا اگر به قتل منجر شود قتل، عمدی محسوب نمی‌شود، قصاص کند یا گذشت یا مصالحه بر دیه یا غیر آن نماید و بعد از آن، جنایت واقع شده، به نفس سرایت کند و به فوت مَجْنِيَّ عَلِيَه منجر شود، همچنین قتل مشمول تعریف جنایات عمدی باشد، قاتل به قصاص نفس محکوم می‌شود و چنانچه عضو مرتکب، قصاص شده یا با او مصالحه شده باشد، ولی دم باید قبل از قصاص نفس، دیه عضو قصاص شده یا وجه‌المصالحه را به وی بپردازد.

نکته ۵۱۶: اگر مَجْنِيَّ عَلِيَه به تصور این که جنایت وارده بر او به قتل منجر نمی‌شود و یا اگر به قتل منجر شود قتل، عمدی محسوب نمی‌شود، قصاص کند یا گذشت یا مصالحه بر دیه یا غیر آن نماید و بعد از آن، جنایت واقع شده، به نفس سرایت کند و به فوت مَجْنِيَّ عَلِيَه منجر شود، اگر جنایت مشمول تعریف جنایات عمدی نگردد، قاتل به پرداخت دیه نفس، بدون احتساب دیه عضو قصاص شده یا وجه‌المصالحه اخذ شده، محکوم می‌شود.

نکته ۵۱۷: قصاص در صورتی ثابت می‌شود که مرتکب، پدر یا از اجداد پدری مَجْنِيَّ عَلِيَه نباشد و مَجْنِيَّ عَلِيَه، عاقل و در دین با مرتکب مساوی باشد.

نکته ۵۱۸: این ادعا که مرتکب، پدر یا یکی از اجداد پدری مَجْنِيَّ عَلِيَه است، باید در دادگاه ثابت شود و در صورت عدم اثبات، حتی قصاص، حسب مورد، با سوگند ولی دم یا مَجْنِيَّ عَلِيَه یا ولی او ثابت می‌شود.

نکته ۵۱۹: جنایت عمدی بالغ نسبت به نابالغ، موجب قصاص است.

نکته ۵۲۰: جنایت نابالغ نسبت به نابالغ یا بالغ خطای محض است و موجب قصاص نیست.

نکته ۵۲۱: مرتکب جنایت عمدی عاقل نسبت به مجنون علاوه بر پرداخت دیه به تعزیر مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» نیز محکوم می‌شود.

نکته ۵۲۲: جنایت مجنون نسبت به عاقل یا مجنون خطای محض است و موجب قصاص نیست.

نکته ۵۲۳: اگر پس از تحقیق و بررسی به وسیله مقام قضائی، در عاقل بودن مرتکب، هنگام ارتکاب جنایت، تردید وجود داشته باشد و ولی دم یا مَجْنِیِّ عَلَیْهِ ادعا کند که جنایت عمدی در حال افاقه او از جنون سابقش انجام گرفته است لکن مرتکب خلاف آن را ادعا کند، ولی دم یا مَجْنِیِّ عَلَیْهِ باید برای ادعای خود بینه اقامه کند. در صورت عدم اقامه بینه، قصاص منتفی است.

نکته ۵۲۴: اگر پس از تحقیق و بررسی به وسیله مقام قضائی، در عاقل بودن مرتکب، هنگام ارتکاب جنایت، تردید وجود داشته باشد و ولی دم یا مَجْنِیِّ عَلَیْهِ ادعا کند که جنایت عمدی در حال افاقه انجام گرفته است و حالت سابق بر زمان جنایت، افاقه مرتکب بوده است، مرتکب باید جنون خود در حال ارتکاب جرم را اثبات کند تا قصاص ساقط شود؛ در غیر این صورت با سوگند ولی دم یا مَجْنِیِّ عَلَیْهِ یا ولی او قصاص ثابت می‌شود.

نکته ۵۲۵: اگر پس از تحقیق و بررسی به وسیله مقام قضائی، در بالغ بودن مرتکب، هنگام ارتکاب جنایت، تردید وجود داشته باشد و ولی دم یا مَجْنِیِّ عَلَیْهِ ادعا کند که جنایت عمدی در حال بلوغ وی انجام گرفته است لکن مرتکب خلاف آن را ادعا کند، ولی دم یا مَجْنِیِّ عَلَیْهِ باید برای ادعای خود بینه اقامه کند. در صورت عدم اقامه بینه، قصاص منتفی است.

نکته ۵۲۶: هرگاه غیرمسلمان، مرتکب جنایت عمدی بر مسلمان، ذمی، مستأمن یا معاهد شود، حَقِّ قصاص ثابت است. در این امر، تفاوتی میان ادیان، فرقه‌ها و گرایش‌های فکری نیست.

نکته ۵۲۷: اگر مسلمان، ذمی، مستأمن یا معاهد، بر غیرمسلمانی که ذمی، مستأمن و معاهد نیست جنایتی وارد کند، قصاص نمی‌شود. در این صورت مرتکب به مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود.

نکته ۵۲۸: غیرمسلمانانی که ذمی، مستأمن و معاهد نیستند و تابعیت ایران را دارند یا تابعیت کشورهای خارجی را دارند و با رعایت قوانین و مقررات وارد کشور شده‌اند، در حکم مستأمن می‌باشند.

نکته ۵۲۹: اگر مَجْنِیِّ عَلَیْهِ غیرمسلمان باشد و مرتکب پیش از اجرای قصاص، مسلمان شود، قصاص ساقط و علاوه بر پرداخت دیه به مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات»، محکوم می‌شود.

نکته ۵۳۰: اگر پس از تحقیق و بررسی به وسیله مقام قضائی، در مسلمان بودن مَجْنِیِّ عَلَیْهِ، هنگام ارتکاب جنایت، تردید وجود داشته و حالت او پیش از جنایت، عدم اسلام باشد و ولی دم یا مَجْنِیِّ عَلَیْهِ ادعا کند که جنایت عمدی در حال اسلام او انجام شده است و مرتکب ادعا کند که ارتکاب جنایت، پیش از اسلام آوردن وی بوده است، ادعای ولی دم یا مَجْنِیِّ عَلَیْهِ باید ثابت شود و در صورت عدم اثبات، قصاص منتفی است و مرتکب به پرداخت دیه و مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود.

نکته ۵۳۱: اگر پس از تحقیق و بررسی به وسیله مقام قضائی، در مسلمان بودن مَجْنِیِّ عَلَیْهِ، هنگام ارتکاب جنایت، تردید وجود داشته، اگر حالت پیش از زمان جنایت، اسلام او بوده است، وقوع جنایت در حالت عدم اسلام مَجْنِیِّ عَلَیْهِ باید اثبات شود تا قصاص ساقط گردد و در صورت عدم اثبات، حسب مورد با سوگند ولی دم یا مَجْنِیِّ عَلَیْهِ یا ولی او قصاص ثابت می‌شود.

نکته ۵۳۲: چنانچه مَجْنِیِّ عَلَیْهِ مسلمان باشد، مسلمان نبودن مرتکب، مانع قصاص نیست.

نکته ۵۳۳: در صورتی که مَجْنِیِّ عَلَیْهِ دارای یکی از حالات زیر باشد، مرتکب به قصاص و پرداخت دیه، محکوم نمی‌شود:

نکته ۵۳۴: در صورتی که مَجْنِیِّ عَلَیْهِ مرتکب جرم حدی که مستوجب سلب حیات است باشد، جنایت بر او موجب قصاص و پرداخت دیه، نخواهد شد.

نکته ۵۳۵: در خصوص نکته قبل اقدام بدون اجازه دادگاه جرم است و مرتکب به تعزیر مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود.

نکته ۵۳۶: در صورتی که مَجْنِیِّ عَلَیْهِ مرتکب جرم حدی که مستوجب قطع عضو است باشد، جنایت بر او موجب قصاص و پرداخت دیه، نخواهد شد. مشروط بر این که جنایت وارد شده، بیش از مجازات حدی او نباشد، در غیر این صورت، مقدار اضافه بر حد، حسب مورد، دارای قصاص و یا دیه و تعزیر است.

نکته ۵۳۷: در خصوص نکته قبل اقدام بدون اجازه دادگاه جرم است و مرتکب به تعزیر مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود.

نکته ۵۳۸: در صورتی که مَجْنِیِّ عَلَیْهِ مستحق قصاص نفس یا عضو باشد، فقط نسبت به صاحب حَقِّ قصاص و به مقدار آن قصاص نمی‌شود.

نکته ۵۳۹: در خصوص نکته قبل اقدام بدون اجازه دادگاه جرم است و مرتکب به تعزیر مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود.

نکته ۵۴۰: در صورتی که مَجْنِیِّ عَلَیْهِ متجاوز و کسی که تجاوز او قریب‌الوقوع است باشد و در مقام دفاع مشروع با رعایت شرایط آن جنایتی بر او وارد شود جنایت واقع شده موجب قصاص و پرداخت دیه، نخواهد شد.

نکته ۵۴۱: در خصوص نکته قبل چنانچه نفس دفاع صدق کند ولی از مراتب آن تجاوز شود قصاص منتفی است، لکن مرتکب به شرح مقرر در قانون به دیه و مجازات تعزیری محکوم می‌شود.

- نکته ۵۴۲:** در صورتی که مَجْنِيٌّ عَلَيْهِ زانی و زانیه در حال زنا باشند که در این حالت در غیرموارد اکراه و اضطرار این دو نسبت به شوهر زانیه مهدورالدم هستند و جنایت واقع شده بر آنها موجب قصاص و پرداخت دیه، نخواهد شد.
- نکته ۵۴۳:** به موجب ماده ۶۳۰ کتاب تعزیرات: هرگاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و علم به تمکین زن داشته باشد می‌تواند در همان حال آنان را به قتل برساند و در صورتی که زن مُکْرَه باشد فقط مرد را می‌تواند به قتل برساند. حکم ضرب و جرح در این مورد نیز مانند قتل است.
- نکته ۵۴۴:** هرگاه مرتکب، مدعی باشد که مَجْنِيٌّ عَلَيْهِ، حسب مورد در نفس یا عضو، مهدورالدم است یا وی با چنین اعتقادی، مرتکب جنایت بر او شده است این ادعا باید طبق موازین در دادگاه ثابت شود و دادگاه موظف است نخست به ادعای مذکور رسیدگی کند. اگر ثابت نشود که مَجْنِيٌّ عَلَيْهِ مهدورالدم است و نیز ثابت نشود که مرتکب بر اساس چنین اعتقادی، مرتکب جنایت شده است مرتکب به قصاص محکوم می‌شود ولی اگر ثابت شود که به اشتباه با چنین اعتقادی، دست به جنایت زده و مَجْنِيٌّ عَلَيْهِ نیز مهدورالدم نباشد مرتکب علاوه بر پرداخت دیه به مجازات مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود.
- نکته ۵۴۵:** جنایت عمدی بر جنین، هر چند پس از حلول روح باشد، موجب قصاص نیست. در این صورت مرتکب علاوه بر پرداخت دیه به مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود.
- نکته ۵۴۶:** اگر جنینی زنده متولد شود و دارای قابلیت ادامه حیات باشد و جنایت قبل از تولد، منجر به نقص یا مرگ او پس از تولد شود و یا نقص او بعد از تولد باقی بماند قصاص ثابت است.
- نکته ۵۴۷:** قسامه ادله اختصاصی اثبات جنایات می‌باشد. جنایات علاوه بر طرق عام اثبات جرم (اقرار، شهادت، علم قاضی) از طریق قسامه نیز ثابت می‌شود.
- نکته ۵۴۸:** قسامه عبارت از سوگندهایی است که در صورت فقدان ادله دیگر غیر از سوگند منکر و وجود لوث، شاکی برای اثبات جنایت عمدی یا غیرعمدی یا خصوصیات آن و متهم برای دفع اتهام از خود اقامه می‌کند.
- نکته ۵۴۹:** لوث عبارت از وجود قرائن و اماراتی است که موجب ظن قاضی به ارتکاب جنایت یا نحوه ارتکاب از جانب متهم می‌شود.
- نکته ۵۵۰:** فقدان قرائن و امارات موجب ظن و صرف حضور فرد در محل وقوع جنایت، از مصادیق لوث محسوب نمی‌شود و او با ادای یک سوگند، تبرئه می‌گردد.
- نکته ۵۵۱:** مقام قضائی موظف است در صورت استناد به قسامه، قرائن و امارات موجب لوث را در حکم خود ذکر کند.
- نکته ۵۵۲:** مقام قضائی موظف است در مواردی که سوگند یا قسامه را رد می‌کند، قرائن و امارات موجب رد قسامه را در حکم خود ذکر کند.
- نکته ۵۵۳:** در صورت حصول لوث، نخست از متهم، مطالبه دلیل بر نفی اتهام می‌شود. اگر دلیلی ارائه شود، نوبت به قسامه شاکی نمی‌رسد و متهم تبرئه می‌گردد.
- نکته ۵۵۴:** در صورت حصول لوث و عدم ارائه دلیل توسط متهم برای نفی اتهام، با ثبوت لوث، شاکی می‌تواند اقامه قسامه کند یا از متهم درخواست قسامه نماید.
- نکته ۵۵۵:** اگر شاکی اقامه قسامه نکند و از مطالبه قسامه از متهم نیز خودداری ورزد، متهم در جنایات عمدی، با تأمین مناسب و در جنایات غیرعمدی، بدون تأمین آزاد می‌شود لکن حق اقامه قسامه یا مطالبه آن برای شاکی باقی می‌ماند.
- نکته ۵۵۶:** در خصوص نکته قبل در مواردی که تأمین گرفته می‌شود، حداکثر سه ماه به شاکی فرصت داده می‌شود تا اقامه قسامه نماید یا از متهم مطالبه قسامه کند و پس از پایان مهلت از تأمین آخذشده رفع اثر می‌شود.
- نکته ۵۵۷:** در جنایت بر نفس عمدی با اجرای قسامه توسط شاکی قصاص ثابت می‌شود اما در جنایات غیرعمدی و جنایات عمدی بر عضو با اجرای قسامه توسط شاکی فقط دیه ثابت می‌شود.
- نکته ۵۵۸:** اگر شاکی از متهم درخواست قسامه کند و وی حاضر به قسامه نشود به پرداخت دیه محکوم می‌شود و اگر اقامه قسامه کند، تبرئه می‌گردد و شاکی حق ندارد برای بار دیگر، با قسامه یا بینه، دعوی را علیه او تجدید کند. در این مورد متهم نمی‌تواند قسامه را به شاکی رد نماید.
- نکته ۵۵۹:** اقامه قسامه یا مطالبه آن از متهم، باید حسب مورد، توسط صاحب حق قصاص یا دیه، یا ولی یا وکیل آنها باشد.
- نکته ۵۶۰:** اقامه قسامه برای برائت متهم حسب مورد به وسیله متهم یا ولی او یا وکیل آنها صورت می‌گیرد.
- نکته ۵۶۱:** اتیان سوگند به وسیله افراد قابل توکیل نیست.
- نکته ۵۶۲:** اگر مَجْنِيٌّ عَلَيْهِ یا ولی دم فوت کند هر یک از وارثان متوفی، بدون نیاز به توافق دیگر ورثه متوفی یا دیگر اولیای دم، حق مطالبه یا اقامه قسامه را دارند.

- نکته ۵۶۳:** اگر برخی از ورثه، اصل اتهام یا برخی خصوصیات آن را از متهم نفی کنند، حقی دیگران با وجود لوث، برای اقامه قسامه محفوظ است.
- نکته ۵۶۴:** اگر چند نفر، متهم به شرکت در یک جنایت باشند ولو ثعلب علیه همه آنان باشد، اقامه یک قسامه برای اثبات شرکت آنان در ارتکاب جنایت، کافی است و لزومی به اقامه قسامه برای هر یک نیست.
- نکته ۵۶۵:** اگر شاکی ادعا کند که تنها یک شخص معین از دو یا چند نفر، مجرم است و قسامه بر شرکت در جنایت اقامه شود، شاکی نمی‌تواند غیر از آن یک نفر را قصاص کند و چنانچه دینه قصاص شونده بیش از سهم دیه جنایت او باشد شریک یا شرکای دیگر باید مازاد دینه مذکور را به قصاص شونده بپردازند.
- نکته ۵۶۶:** در خصوص نکته قبل رجوع شاکی از اقرار به انفراد مرتکب، پس از اقامه قسامه مسموع نیست.
- نکته ۵۶۷:** چنانچه لوث تنها علیه برخی از افراد حاصل شود و شاکی علیه افراد بیشتری ادعای مشارکت در ارتکاب جنایت را نماید، با قسامه، جنایت به مقدار ادعای مدعی، در موردی که لوث حاصل شده است اثبات می‌شود مانند آن که ولی دم مدعی مشارکت سه مرد در قتل عمدی مردی باشد و لوث فقط علیه مشارکت دو نفر از آنان باشد، پس از اقامه قسامه علیه آن دو نفر، حق قصاص علیه آن دو به مقدار سهم‌شان ثابت است. اگر ولی دم بخواهد هر دو نفر را قصاص کند، باید به سبب اقرار خود به اشتراک سه مرد، دو سوم دیه را به هر یک از قصاص شوندگان بپردازد.
- نکته ۵۶۸:** رجوع شاکی از اقرار به شرکت افراد بیشتر پذیرفته نیست مگر اینکه از ابتدا، شرکت افراد بیشتر را به نحو تردید ذکر کرده باشد و کسانی که در قسامه اتیان سوگند کرده‌اند نیز شرکت افراد دیگر را در ارتکاب جنایت نفی کرده و بر ارتکاب قتل توسط افراد کمتر سوگند یاد کرده باشند.
- نکته ۵۶۹:** اگر برخی از صاحبان حقی قصاص یا دیه از متهم درخواست قسامه کنند، قسامه متهم فقط حقی مطالبه‌کنندگان را ساقط می‌کند و حقی دیگران برای اثبات ادعایشان محفوظ است و اگر بتوانند موجب قصاص را اثبات کنند، باید پیش از استیفای قصاص، سهم دیه گروه اول را حسب مورد به خود آنها یا به مرتکب بپردازند.
- نکته ۵۷۰:** اگر شاکی علی‌رغم حصول لوث علیه متهم اقامه قسامه نکند و از او مطالبه قسامه کند و متهم درباره اصل جنایت یا خصوصیات آن، ادعای عدم علم کند، شاکی می‌تواند از وی مطالبه اتیان سوگند بر عدم علم نماید.
- نکته ۵۷۱:** در خصوص نکته قبل اگر متهم بر عدم علم به اصل جنایت سوگند یاد کند، دعوی متوقف و وی بدون تأمین آزاد می‌شود و اگر سوگند متهم فقط بر عدم علم به خصوصیات جنایت باشد، دعوی فقط در مورد آن خصوصیات متوقف می‌گردد.
- نکته ۵۷۲:** در خصوص نکته قبل اگر متهم از سوگند خوردن خودداری ورزد و شاکی بر علم داشتن او سوگند یاد کند، ادعای متهم به عدم علم رد می‌شود و شاکی حق دارد از متهم اقامه قسامه را درخواست نماید. در این صورت اگر متهم اقامه قسامه نکند به پرداخت دیه محکوم می‌شود.
- نکته ۵۷۳:** در صورتی که شاکی متعدد باشد، اقامه یک قسامه برای همه آنان کافی است.
- نکته ۵۷۴:** در صورت تعدد متهمان، برای برائت هر یک، اقامه قسامه مستقل لازم است.
- نکته ۵۷۵:** در صورت تعدد متهمان، هر یک از آنها می‌تواند به نفع متهم دیگر، در قسامه شرکت کند.
- نکته ۵۷۶:** قسامه فقط نسبت به مقداری که لوث حاصل شده است، موجب اثبات می‌شود.
- نکته ۵۷۷:** اثبات خصوصیات جنایت از قبیل عمد، شبه‌عمد، خطا، مقدار جنایت و شرکت در ارتکاب جنایت یا انفراد در آن نیازمند حصول لوث در این خصوصیات است.
- نکته ۵۷۸:** اگر نسبت به خصوصیات جنایت لوث حاصل نشود یا سوگند خوردن، بر آن خصوصیات سوگند یاد نکنند و فقط بر انتساب جنایت به مرتکب سوگند بخورند، اصل ارتکاب جنایت اثبات می‌شود و دیه تعلق می‌گیرد.
- نکته ۵۷۹:** چنانچه اصل ارتکاب جنایت، با دلیلی به جز قسامه اثبات شود، خصوصیات آن در صورت حصول لوث در هر یک از آنها به وسیله قسامه قابل اثبات است مانند آن که یکی از دو شاهد عادل، به اصل قتل و دیگری به قتل عمدی شهادت دهد که در این صورت اصل قتل با بینه اثبات می‌شود و در صورت لوث، عمدی بودن قتل با اقامه قسامه ثابت می‌گردد.
- نکته ۵۸۰:** اگر لوث علیه دو یا چند نفر به شکل مردد حاصل شود، پس از تعیین مرتکب به وسیله مجنی‌علیه یا ولی دم و اقامه قسامه علیه او، وقوع جنایت اثبات می‌شود.
- نکته ۵۸۱:** اگر لوث علیه دو یا چند نفر به شکل مردد ثابت باشد و قسامه به همین‌گونه علیه آنان اقامه شود، جنایت بر عهده یکی از چند نفر، به صورت مردد اثبات می‌شود و قاضی از آنان می‌خواهد که بر برائت خود سوگند بخورند.
- نکته ۵۸۲:** در خصوص نکته قبل اگر همگی از سوگند خوردن خودداری ورزند یا برخی از آنان سوگند یاد کنند و برخی نکنند، دیه بر ممتنعان ثابت می‌شود و اگر ممتنعان متعدد باشند، پرداخت دیه به نسبت مساوی میان آنان تقسیم می‌شود.

- نکته ۵۸۳:** در خصوص دو نکته قبل اگر همه آنان بر برائت خود سوگند یاد کنند، در خصوص قتل، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود.
- نکته ۵۸۴:** در خصوص سه نکته قبل اگر همه آنان بر برائت خود سوگند یاد کنند در خصوص غیر قتل، دیه به نسبت مساوی میان آنان تقسیم می‌گردد.
- نکته ۵۸۵:** اگر لوث علیه دو یا چند نفر به شکل مردد ثابت باشد، چنانچه شاکی از آنان درخواست اقامه قسامه کند هر یک از آنان باید اقامه قسامه کند.
- نکته ۵۸۶:** در مورد نکته قبل در صورت خودداری همه یا برخی از آنان از اقامه قسامه، پرداخت دیه بر ممتنع ثابت می‌شود و در صورت تعدد ممتنعان، پرداخت دیه به نسبت مساوی میان آنان تقسیم می‌شود.
- نکته ۵۸۷:** در مورد دو نکته قبل اگر همگی اقامه قسامه کنند، در قتل، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌گردد.
- نکته ۵۸۸:** نصاب قسامه برای اثبات قتل عمدی، سوگند پنجاه مرد از خویشاوندان و بستگان مدعی است. با تکرار سوگند قتل ثابت نمی‌شود.
- نکته ۵۸۹:** سوگند شاکی، خواه مرد باشد خواه زن، جزء نصاب محسوب می‌شود.
- نکته ۵۹۰:** در صورتی که شاکی از متهم درخواست اقامه قسامه کند، متهم باید برای برائت خود، اقامه قسامه نماید که در این صورت، باید حسب مورد به مقدار نصاب مقرر، اداءکننده سوگند داشته باشد. اگر تعداد آنان کمتر از نصاب باشد، سوگندها تا تحقق نصاب، توسط آنان یا خود او تکرار می‌شود و با نداشتن اداءکننده سوگند، خود متهم، خواه مرد باشد خواه زن، همه سوگندها را تکرار می‌نماید و تبرئه می‌شود.
- نکته ۵۹۱:** قتل عمدی موجب دیه، به شرح مقرر در باب قصاص با قسام پنجاه مرد و قتل غیرعمدی با قسام بیست و پنج مرد، تنها در صورت حصول لوث و فقدان ادله دیگر غیر از سوگند منکر، اثبات می‌شود.
- نکته ۵۹۲:** در جنایت بر اعضا و منافع اعم از عمدی و غیرعمدی در صورت لوث و فقدان ادله دیگر غیر از سوگند منکر، مجنی‌علیه می‌تواند با اقامه قسامه به شرح زیر، جنایت مورد ادعا را اثبات و دیه آن را مطالبه کند:
- الف - شش قسم در جنایتی که دیه آن به مقدار دیه کامل است.
 - ب - پنج قسم در جنایتی که دیه آن پنج‌ششم دیه کامل است.
 - پ - چهار قسم در جنایتی که دیه آن دوسوم دیه کامل است.
 - ت - سه قسم در جنایتی که دیه آن یک‌دوم دیه کامل است.
 - ث - دو قسم در جنایتی که دیه آن یک‌سوم دیه کامل است.
 - ج - یک قسم در جنایتی که دیه آن یک‌ششم دیه کامل یا کمتر از آن است.
- نکته ۵۹۳:** در هر یک از موارد فوق چنانچه مقدار دیه، بیش از مقدار مقرر در آن بند و کمتر از مقدار مقرر در بند قبلی باشد، رعایت نصاب بیشتر لازم است.
- نکته ۵۹۴:** در مورد اجرای قسامه در اثبات جنایت بر عضو توسط شاکی در صورت نبودن نفرات لازم، مجنی‌علیه، خواه مرد باشد خواه زن، می‌تواند به همان اندازه قسم را تکرار کند.
- نکته ۵۹۵:** در مورد اجرای قسامه در اثبات جنایت بر نفس توسط شاکی در صورت نبودن نفرات لازم، مجنی‌علیه، خواه مرد باشد خواه زن، نمی‌تواند به همان اندازه قسم را تکرار کند و باید قسامه را به متهم رد کند.
- نکته ۵۹۶:** با حصول لوث اگر مدعی به ترتیب فوق، اقامه قسامه نکند، می‌تواند از مدعی علیه، مطالبه قسامه کند و در این صورت مدعی علیه با قسامه تبرئه می‌شود.
- نکته ۵۹۷:** مقررات سوگند در قسامه برای اثبات دیه همان مقررات سوگند در قسامه برای اثبات قصاص است.
- نکته ۵۹۸:** هرگاه در اثر جنایت واقع شده مجنی‌علیه یا ولی او مدعی زوال یا نقصان منفعت عضو شود در صورت لوث و عدم دسترسی به کارشناس مورد وثوق و عدم امکان آزمایش و اختبار موجب علم، ادعای مجنی‌علیه یا ولی او با قسامه به ترتیبی که ذکر شد، اثبات می‌شود.
- نکته ۵۹۹:** در اختلاف میان مرتکب و مجنی‌علیه یا ولی او نسبت به بازگشت تمام یا بخشی از منفعت زائل شده یا نقصان یافته، در صورت فقدان دلیل اثباتی، قول مجنی‌علیه یا ولی او با سوگند مقدم است و نوبت به اجرای قسامه نمی‌رسد.
- نکته ۶۰۰:** هرگاه مجنی‌علیه در ایامی که کارشناس مورد وثوق برای بازگشت منفعت زائل شده تعیین نموده است فوت نماید و مرتکب، مدعی بازگشت منفعت قبل از وفات بوده و اولیای میت، منکر آن باشند، در صورتی که مرتکب نتواند ادعای خود را ثابت کند، قول اولیا با سوگند مقدم است و نوبت به اجرای قسامه نمی‌رسد.
- نکته ۶۰۱:** در خصوص نکته قبل چنانچه تنها برخی از اولیا سوگند بخورند، دیه نسبت به سهم آنان ثابت می‌شود.
- نکته ۶۰۲:** در قسامه، همه شرایط مقرر که برای اتیان سوگند ذکر شده است رعایت می‌شود.
- نکته ۶۰۳:** لازم نیست اداءکننده سوگند، شاهد ارتکاب جنایت بوده باشد و علم وی به آن چه بر آن سوگند یاد می‌کند، کافی است.

- نکته ۶۰۴:** لازم نیست قاضی، منشأ علم اداءکننده سوگند را بداند و ادعای علم از سوی اداکننده سوگند تا دلیل معتبری برخلاف آن نباشد، معتبر است.
- نکته ۶۰۵:** در هر صورت تحقیق و بررسی مقام قضائی از اداءکننده سوگند بلامانع است.
- نکته ۶۰۶:** اگر احتمال آن باشد که اداءکننده سوگند، بدون علم و بر اساس ظن و گمان یا با تباہی سوگند می‌خورد، مقام قضائی موظف به بررسی موضوع است. اگر پس از بررسی، امور یاد شده احراز نشود، سوگند وی معتبر است.
- نکته ۶۰۷:** لازم است اداءکنندگان سوگند از کسانی باشند که احتمال اطلاع آنان بر وقوع جنایت، موجه باشد.
- نکته ۶۰۸:** قاضی می‌تواند پیش از اجرای قسامه، مجازات قانونی و مکافات اخروی سوگند دروغ و عدم جواز توریه در آن را برای اداکنندگان سوگند بیان کند.
- نکته ۶۰۹:** اگر پس از اقامه قسامه و پیش از صدور حکم، فقدان شرایط قسامه اثبات گردد، قسامه باطل می‌شود.
- نکته ۶۱۰:** اگر پس از اقامه قسامه و پیش از صدور حکم، دلیل معتبری برخلاف قسامه یافت شود قسامه باطل می‌شود.
- نکته ۶۱۱:** اگر پس از صدور حکم، دلیل معتبری بر خلاف قسامه یافت شود و یا فقدان شرایط قسامه اثبات گردد، قسامه باطل می‌شود و موضوع از موارد اعاده دادرسی است.
- نکته ۶۱۲:** اگر پس از صدور حکم، بطلان همه یا برخی از سوگندها ثابت شود مانند آن که برخی از اداءکنندگان سوگند، از سوگندشان عدول کنند یا دروغ بودن سوگند یا از روی علم نبودن سوگند، برای دادگاه صادرکننده حکم ثابت شود، مورد از جهات اعاده دادرسی است.
- نکته ۶۱۳:** پس از اقامه قسامه توسط متهم، شاکی نمی‌تواند با بینه یا قسامه، دعوی را علیه متهم تجدید کند.
- نکته ۶۱۴:** صاحب حق قصاص در هر مرحله از مراحل تعقیب، رسیدگی یا اجرای حکم می‌تواند به طور مجانی یا با مصالحه، در برابر حق یا مال گذشت کند.
- نکته ۶۱۵:** ولی دم نمی‌تواند پیش از فوت مَجْنُونِ عَلَیْهِ، مرتکب را قصاص کند و در صورتی که اقدام به قتل مرتکب نماید، چنانچه جنایت در نهایت سبب فوت مَجْنُونِ عَلَیْهِ نشود مستحق قصاص است.
- نکته ۶۱۶:** ولی دم نمی‌تواند پیش از فوت مَجْنُونِ عَلَیْهِ، مرتکب را قصاص کند و در صورتی که اقدام به قتل مرتکب نماید، چنانچه جنایت در نهایت سبب فوت مَجْنُونِ عَلَیْهِ شود ولی دم به تعزیر مقرر در قانون، محکوم می‌شود؛ مگر در موردی که ولی دم اعتقاد دارد مرتکب مهدورالدم است که در این صورت، مستحق قصاص نیست.
- نکته ۶۱۷:** در صورت تعدد اولیای دم، حق قصاص برای هر یک از آنان به طور جداگانه ثابت است.
- نکته ۶۱۸:** ولی دم، همان ورثه مقتول است به جز زوج یا زوجه او که حق قصاص ندارد.
- نکته ۶۱۹:** اگر حق قصاص، به هر علت، تبدیل به دیه شود یا به مال یا حقی مصالحه شود، همسر مقتول نیز از آن ارث می‌برد.
- نکته ۶۲۰:** اگر برخی از اولیای دم، خواهان قصاص و برخی خواهان دیه باشند، همسر مقتول، از سهم دیه کسانی که خواهان دیه می‌باشند، ارث می‌برد.
- نکته ۶۲۱:** حق قصاص، به شرح مندرج قانون مجازات اسلامی به ارث می‌رسد.
- نکته ۶۲۲:** هرگاه صاحب حق قصاص فوت کند، حق قصاص به ورثه او می‌رسد حتی اگر همسر مَجْنُونِ عَلَیْهِ باشد.
- نکته ۶۲۳:** اگر مَجْنُونِ عَلَیْهِ یا همه اولیای دم یا برخی از آنان، صغیر یا مجنون باشند، ولی آنان با رعایت مصلحتشان حق قصاص، مصالحه و گذشت دارد و همچنین می‌تواند تا زمان بلوغ یا افاقه آنان منتظر بماند.
- نکته ۶۲۴:** اگر برخی از اولیای دم، کبیر و عاقل و خواهان قصاص باشند، می‌توانند مرتکب را قصاص کنند لکن در صورتی که ولی صغیر یا مجنون خواهان اداء یا تأمین سهم دیه مولی علیه خود از سوی آنها باشد باید مطابق خواست او عمل کنند.
- نکته ۶۲۵:** در مورد نکته قبل جنین در صورتی ولی دم محسوب می‌شود که زنده متولد شود.
- نکته ۶۲۶:** اگر مقتول مَجْنُونِ عَلَیْهِ یا ولی دم که صغیر یا مجنون است ولی نداشته باشد و یا ولی او شناخته نشود و یا به او دسترسی نباشد، ولی او، مقام رهبری است و رئیس قوه قضائیه با استیذان از مقام رهبری و در صورت موافقت ایشان، اختیار آن را به دادستان‌های مربوط تقویض می‌کند.
- نکته ۶۲۷:** اگر مرتکب یا شریک در جنایت عمدی، از ورثه باشد، ولی دم به شمار نمی‌آید و حق قصاص و دیه ندارد و حق قصاص را نیز به ارث نمی‌برد. در این صورت مرتکب از دیه و از اموال متوفی ارث نمی‌برد.
- نکته ۶۲۸:** اگر مَجْنُونِ عَلَیْهِ یا ولی دم، صغیر یا مجنون باشد و ولی او، مرتکب جنایت عمدی شود یا شریک در آن باشد، در این مورد، ولایت ندارد.

- نکته ۶۲۹:** در موارد ثبوت حق قصاص، اگر قصاص مشروط به رد فاضل دیه نباشد، مَجْنیُّ عَلَیْهِ یا ولیِّ دم، تنها می‌تواند قصاص یا گذشت نماید و اگر خواهان دیه باشد، نیاز به مصالحه با مرتکب و رضایت او دارد.
- نکته ۶۳۰:** در مواردی که اجرای قصاص، مستلزم پرداخت فاضل دیه به قصاص شونده است، صاحب حق قصاص، میان قصاص با رد فاضل دیه و گرفتن دیه مقرر در قانون و لو بدون رضایت مرتکب مخیر است.
- نکته ۶۳۱:** اگر مَجْنیُّ عَلَیْهِ یا ولیِّ دم، گذشت و اسقاط حق قصاص را مشروط به پرداخت وجه‌المصالحه یا امر دیگری کند، حق قصاص تا حصول شرط، برای او باقی است.
- نکته ۶۳۲:** اگر پس از مصالحه یا گذشت مشروط، مرتکب حاضر یا قادر به پرداخت وجه‌المصالحه یا انجام دادن تعهد خود نباشد یا شرط محقق نشود، حق قصاص محفوظ است و پرونده برای بررسی به همان دادگاه ارجاع می‌شود، مگر مصالحه شامل فرض انجام ندادن تعهد نیز باشد.
- نکته ۶۳۳:** گذشت یا مصالحه، پیش از صدور حکم یا پس از آن، موجب سقوط حق قصاص است.
- نکته ۶۳۴:** رجوع از گذشت پذیرفته نیست.
- نکته ۶۳۵:** اگر مَجْنیُّ عَلَیْهِ یا ولیِّ دم، پس از گذشت، مرتکب را قصاص کند، مستحق قصاص است.
- نکته ۶۳۶:** در قتل و سایر جنایات عمدی، مَجْنیُّ عَلَیْهِ می‌تواند پس از وقوع جنایت و پیش از فوت، از حق قصاص گذشت کرده یا مصالحه نماید و اولیای دم و وارثان نمی‌توانند پس از فوت او، حسب مورد، مطالبه قصاص یا دیه کنند، لکن مرتکب به تعزیر مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود.
- نکته ۶۳۷:** اگر وقوع قتل‌های عمد از جانب دو یا چند نفر ثابت باشد، لکن مقتول هر قاتلی مردد باشد مانند این که دو نفر، توسط دو نفر به قتل رسیده باشند و اثبات نشود که هر کدام به دست کدام قاتل کشته شده است، اگر اولیای هر دو مقتول، خواهان قصاص باشند، هر دو قاتل قصاص می‌شوند.
- نکته ۶۳۸:** در مورد نکته قبل، اگر اولیای هر دو مَجْنیُّ عَلَیْهِ، خواهان قصاص باشند و دو مَجْنیُّ عَلَیْهِ از نظر دیه، یکسان نباشند و دیه مرتکبان بیش از دیه مَجْنیُّ عَلَیْهِ باشد، مانند این که هر دو قاتل، مرد باشند و یکی از دو مقتول، زن باشد، خواهان قصاص از سوی زن باید نصف دیه کامل را بپردازد که در این صورت، به سبب مشخص نبودن مرتکب قتل زن، فاضل دیه مذکور میان مرتکبان به نسبت مساوی تقسیم می‌شود.
- نکته ۶۳۹:** اگر وقوع قتل‌های عمد از جانب دو یا چند نفر ثابت باشد، لکن مقتول هر قاتلی مردد باشد مانند این که دو نفر، توسط دو نفر به قتل رسیده باشند و اثبات نشود که هر کدام به دست کدام قاتل کشته شده است، اگر اولیای یکی از دو مقتول، به هر سبب، حق قصاص نداشته باشند یا آن را ساقط کنند، حق قصاص اولیای مقتول دیگر نیز به سبب مشخص نبودن قاتل، به دیه تبدیل می‌شود.
- نکته ۶۴۰:** اگر وقوع جنایت عمدی بر عضو از جانب دو یا چند نفر ثابت باشد، لکن مسئول هر جنایت مردد باشد اگر جنایت‌های وارده بر هر یک از مَجْنیُّ عَلَیْهِم با جنایت‌های دیگری یکسان باشد و اولیای هر دو مقتول، خواهان قصاص باشند، هر دو قاتل قصاص می‌شوند.
- نکته ۶۴۱:** در مورد نکته قبل، اگر اولیای هر دو مَجْنیُّ عَلَیْهِ، خواهان قصاص باشند و دو مَجْنیُّ عَلَیْهِ از نظر دیه، یکسان نباشند و دیه مرتکبان بیش از دیه مَجْنیُّ عَلَیْهِم باشد، مانند این که هر دو قاتل، مرد باشند و یکی از دو مقتول، زن باشد، خواهان قصاص از سوی زن باید نصف دیه کامل را بپردازد که در این صورت، به سبب مشخص نبودن مرتکب قتل زن، فاضل دیه مذکور میان مرتکبان به نسبت مساوی تقسیم می‌شود.
- نکته ۶۴۲:** اگر وقوع جنایت عمدی بر عضو از جانب دو یا چند نفر ثابت باشد، لکن مسئول هر جنایت مردد باشد اگر جنایت‌های وارده بر هر یک از مَجْنیُّ عَلَیْهِم با جنایت‌های دیگری یکسان باشد، اگر اولیای یکی از دو مقتول، به هر سبب، حق قصاص نداشته باشند یا آن را ساقط کنند، حق قصاص اولیای مقتول دیگر نیز به سبب مشخص نبودن مسئول جنایت، به دیه تبدیل می‌شود.
- نکته ۶۴۳:** اگر وقوع جنایت عمدی بر عضو از جانب دو یا چند نفر ثابت باشد، لکن مسئول هر جنایت مردد باشد اگر جنایت‌های وارده بر هر یک از مَجْنیُّ عَلَیْهِم با جنایت‌های دیگری متفاوت باشد، امکان قصاص حتی در فرضی که همه مَجْنیُّ عَلَیْهِم خواهان قصاص باشند نیز منتفی است و به دیه تبدیل می‌شود.
- نکته ۶۴۴:** فاضل دیه باید قبل از اجرای قصاص به مستحق پرداخت شود.
- نکته ۶۴۵:** اگر عده‌ای، آسیب‌هایی را بر مَجْنیُّ عَلَیْهِ وارد کنند و تنها برخی از آسیب‌ها موجب قتل او شود فقط واردکنندگان این آسیب‌ها، شریک در قتل می‌باشند و دیگران حسب مورد، به قصاص عضو یا پرداخت دیه محکوم می‌شوند.
- نکته ۶۴۶:** قتل یا هر جنایت دیگر، می‌تواند نسبت به هر یک از شرکا حسب مورد عمدی، شبه‌عمدی یا خطای محض باشد.
- نکته ۶۴۷:** ثابت نبودن حق قصاص بر بعضی از شرکا، به هر دلیل، مانند فقدان شرطی از شرایط معتبر در قصاص یا غیرعمدی بودن جنایت نسبت به او، مانع از حق قصاص بر دیگر شرکا نیست و هر یک از شرکا حکم خود را دارند.

- نکته ۶۴۸:** هرگاه کسی آسیبی به شخصی وارد کند و بعد از آن دیگری او را به قتل برساند قاتل همان نفر دوم است اگر چه آسیب سابق به تنهایی موجب مرگ می‌گردید و اولی فقط به قصاص عضو محکوم می‌شود.
- نکته ۶۴۹:** هرگاه کسی آسیبی به شخصی وارد کند به گونه‌ای که وی را در حکم مرده قرار دهد و تنها آخرین رمق حیات در او باقی بماند و در این حال دیگری با انجام رفتاری به حیات غیرمستقر او پایان دهد نفر اول قصاص می‌شود و نفر دوم به مجازات جنایت بر میت محکوم می‌گردد.
- نکته ۶۵۰:** در موارد شرکت در جنایت عمدی، حسب مورد، مَجْنِیُّ عَلَیْهِ یا ولی دم می‌تواند یکی از شرکا در جنایت عمدی را قصاص کند و دیگران باید بلافاصله سهم خود از دیه را به قصاص‌شونده بپردازند.
- نکته ۶۵۱:** در موارد شرکت در جنایت عمدی، حسب مورد، مَجْنِیُّ عَلَیْهِ یا ولی دم می‌تواند همه شرکا یا بیش از یکی از آنان را قصاص کند، مشروط بر اینکه دیه مازاد بر جنایت پدید آمده را پیش از قصاص، به قصاص‌شوندگان بپردازد. اگر قصاص‌شوندگان همه شرکا نباشند، هر یک از شرکا که قصاص نمی‌شود نیز باید سهم خود از دیه جنایت را به نسبت تعداد شرکا بپردازد.
- نکته ۶۵۲:** اگر مَجْنِیُّ عَلَیْهِ یا ولی دم، خواهان قصاص برخی از شرکا باشد و از حَقِّ خود نسبت به برخی دیگر مجانی گذشت کند یا با آنان مصالحه نماید، در صورتی که دیه قصاص‌شوندگان بیش از سهم جنایت‌شان باشد، باید پیش از قصاص، مازاد دیه آنان را به قصاص‌شوندگان بپردازد.
- نکته ۶۵۳:** هرگاه دیه جنایت، بیش از دیه مقابل آن جنایت در مرتکب باشد مانند این که زنی، مردی را یا غیرمسلمانی، مسلمانی را عمداً به قتل برساند یا دست وی را قطع کند، اگر مرتکب یک نفر باشد، صاحب حَقِّ قصاص افزون بر قصاص، حق گرفتن فاضل دیه را ندارد و اگر مرتکبان متعدد باشند، صاحب حَقِّ قصاص می‌تواند پس از پرداخت مازاد دیه قصاص‌شوندگان بر دیه جنایت به آنان، همگی را قصاص کند. همچنین می‌تواند به اندازه دیه جنایت، از شرکا در جنایت، قصاص کند و چیزی نپردازد، که در این صورت، شرکایی که قصاص نمی‌شوند، سهم دیه خود از جنایت را به قصاص‌شوندگان می‌پردازند. افزون بر این، صاحب حَقِّ قصاص می‌تواند یکی از آنان را که دیه‌اش کمتر از دیه جنایت است، قصاص کند و فاضل دیه را از دیگر شرکا بگیرد لکن صاحب حَقِّ قصاص نمی‌تواند بیش از این مقدار را از هر یک مطالبه کند، مگر در صورتی که بر مقدار بیشتر مصالحه نماید. همچنین اگر صاحب حَقِّ قصاص خواهان قصاص همه آنان که دیه مجموع‌شان بیش از دیه جنایت است باشد، نخست باید فاضل دیه قصاص‌شونده نسبت به سهمش از جنایت را به او بپردازد و سپس قصاص نماید.
- نکته ۶۵۴:** مجازات قتل عمدی در صورت تقاضای ولی دم و وجود سایر شرایط مقرر در قانون، قصاص و در غیر این صورت مطابق مواد دیگر قانون از حیث دیه و تعزیر عمل می‌گردد.
- نکته ۶۵۵:** هرکس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته یا شاکی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد و یا به هر علت قصاص نشود در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجزیه مرتکب یا دیگران گردد دادگاه مرتکب را به حبس از سه تا ده سال محکوم می‌نماید.
- نکته ۶۵۶:** هرگاه زن مسلمانی عمداً کشته شود، حَقِّ قصاص ثابت است لکن اگر قاتل، مرد مسلمان باشد، ولی دم باید پیش از قصاص، نصف دیه کامل را به او بپردازد و اگر قاتل، مرد غیرمسلمان باشد، بدون پرداخت چیزی قصاص می‌شود.
- نکته ۶۵۷:** در قصاص مرد غیرمسلمان به سبب قتل زن غیرمسلمان، پرداخت مابه‌التفاوت دیه آنها لازم است.
- نکته ۶۵۸:** اگر یک نفر، دو یا چند نفر را عمداً به قتل برساند، اولیای دم هر یک از مقتولان می‌توانند به تنهایی و بدون گرفتن رضایت اولیای مقتولان دیگر و بدون پرداخت سهمی از دیه به آنان اقدام به قصاص کنند.
- نکته ۶۵۹:** اگر یک نفر، دو یا چند نفر را عمداً به قتل برساند و اولیای دم همه مقتولان، خواهان قصاص باشند، قاتل بدون این که دیه‌ای بپردازد، قصاص می‌شود.
- نکته ۶۶۰:** اگر یک نفر، دو یا چند نفر را عمداً به قتل برساند، اگر اولیای دم برخی از مقتولان، خواهان قصاص باشند و اولیای دم مقتول یا مقتولان دیگر، خواهان دیه باشند، در صورت موافقت قاتل به پرداخت دیه به آنان در مقابل گذشت از حَقِّ قصاص‌شان، دیه آنان از اموال قاتل پرداخت می‌شود و بدون موافقت قاتل، حَقِّ أخذ دیه از او و یا اموالش را ندارند.
- نکته ۶۶۱:** هرگاه رفتار مرتکب و فوت مَجْنِیُّ عَلَیْهِ هر دو در ماه‌های حرام «محرم، رجب، ذی‌القعدة و ذی‌الحجه» یا در محدوده حرم مکه، واقع شود خواه جنایت عمدی خواه غیرعمدی باشد، علاوه بر دیه نفس، یک‌سوم دیه نیز افزوده می‌گردد.
- نکته ۶۶۲:** سایر مکان‌ها و زمان‌های مقدس و متبرک مشمول حکم تغلیظ دیه نیست.
- نکته ۶۶۳:** معیار شروع و پایان ماه‌های حرام، مغرب شرعی است مانند ماه رجب که از مغرب شرعی آخرین روز ماه جمادی‌الثانی، شروع و با مغرب شرعی آخرین روز ماه رجب به پایان می‌رسد.

نکته ۶۶۴: در حکم تغلیظ دیه فرقی میان بالغ و غیربالغ، زن و مرد و مسلمان و غیرمسلمان نیست.

نکته ۶۶۵: سقط جنین پس از پیدایش روح، مشمول حکم تغلیظ است.

نکته ۶۶۶: تغلیظ دیه، در مواردی که عاقله یا بیت‌المال پرداخت‌کننده دیه باشد نیز جاری است.

نکته ۶۶۷: در قتل عمدی که به علت عدم امکان قصاص یا عدم جواز آن دیه پرداخت می‌شود نیز قواعد تغلیظ دیه جاری است.

نکته ۶۶۸: تغلیظ دیه مخصوص قتل نفس است و در جنایت بر اعضاء و منافع جاری نیست.

نکته ۶۶۹: اگر قتل در یکی از ماه‌های حرام (محرم، رجب، ذی‌القعدة و ذی‌الحجه) یا در حرم مکه مکرمه واقع شده باشد یا قاتل در زمان یا مکان مذکور، قصاص گردد و قصاص مستلزم پرداخت فاضل دیه از سوی ولی‌دم به قاتل باشد، فاضل دیه تغلیظ نمی‌شود.

نکته ۷۰۰: دیه‌ای که ولی‌دم به دیگر اولیاء می‌پردازد تغلیظ نمی‌شود.

نکته ۷۰۱: اگر قتل در زمان یا مکان مذکور در نکته قبل باشد، دیه‌ای که شرکای قاتل، به علت سهم‌شان از جنایت، حسب مورد به قصاص شونده یا ولی‌دم و یا به هر دو آنان می‌پردازند، تغلیظ می‌شود.

نکته ۷۰۲: مجازات جنایت عمدی بر عضو در صورت تقاضای مَجْنیِّ عَلَیْهِ یا ولی او و وجود سایر شرایط مقرر در قانون، قصاص و در غیر این صورت مطابق قانون از حیث دیه و تعزیر عمل می‌گردد.

نکته ۷۰۳: هرکس عمداً به دیگری جرح یا ضربی وارد آورد که موجب نقصان یا شکستن یا از کارافتادن عضوی از اعضا یا منتهی به مرض دائمی یا فقدان یا نقص یکی از حواس یا منافع یا زوال عقل مَجْنیِّ عَلَیْهِ گردد در مواردی که قصاص امکان نداشته باشد چنانچه اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجزّی مرتکب یا دیگران گردد به **حبس درجه ۶** محکوم خواهد شد و در صورت درخواست مَجْنیِّ عَلَیْهِ مرتکب به پرداخت دیه نیز محکوم می‌شود.

نکته ۷۰۴: جنایت بر عضو عبارت از هر آسیب کمتر از قتل مانند قطع عضو، جرح و صدمه‌های وارد بر منافع است.

نکته ۷۰۵: زن و مرد مسلمان، در قصاص عضو برابرند و مرد به سبب آسیبی که به زن وارد می‌کند، به قصاص محکوم می‌شود لکن اگر دیه جنایت وارد بر زن، مساوی یا بیش از ثلث دیه کامل باشد، قصاص پس از پرداخت نصف دیه عضو مورد قصاص به مرد، اجرا می‌شود. حکم مذکور در صورتی که مَجْنیِّ عَلَیْهِ زن غیرمسلمان و مرتکب مرد غیرمسلمان باشد نیز جاری است.

نکته ۷۰۶: اگر مَجْنیِّ عَلَیْهِ، زن مسلمان و مرتکب، مرد غیرمسلمان باشد، مرتکب بدون پرداخت نصف دیه، قصاص می‌شود.

نکته ۷۰۷: اگر به علت یک یا چند ضربه، جنایت‌های متعددی در یک یا چند عضو به وجود آید، حقی قصاص برای هر جنایت، به طور جداگانه ثابت است و مَجْنیِّ عَلَیْهِ می‌تواند درباره بعضی با مرتکب مصالحه نماید، نسبت به بعضی دیگر گذشت و بعضی را قصاص کند.

نکته ۷۰۸: اگر جنایت بر عضو، دارای مراتب باشد، مَجْنیِّ عَلَیْهِ می‌تواند با رضایت مرتکب قسمتی از جنایت را قصاص کند مانند آن که در جراحت موضعه به متلاحمه و در قطع دست از آرنج به قطع دست از مچ بسنده و از قصاص قسمت دیگر گذشت یا مصالحه نماید.

نکته ۷۰۹: هرگاه کسی جنایت عمدی بر اعضای متعدد یک نفر وارد کند و امکان قصاص همه آنها نباشد مانند این که هر دو دست یک نفر را قطع کند و خود یک دست بیشتر نداشته باشد، مرتکب در مقابل جنایت‌هایی که قصاص آن امکان دارد، قصاص می‌شود و برای دیگر جنایات، به پرداخت دیه و تعزیر مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود.

نکته ۷۱۰: هرگاه کسی جنایت عمدی بر اعضای چند نفر وارد کند، اگر امکان قصاص همه آنها باشد، قصاص می‌شود و اگر امکان قصاص برای همه جنایات نباشد مَجْنیِّ عَلَیْهِ اول که جنایت بر او پیش از دیگری واقع شده است، در استیفای قصاص مقدم است و در صورت انجام قصاص، مرتکب برای جنایاتی که محلی برای قصاص آن نیست به پرداخت دیه و تعزیر مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود. اگر وقوع دو جنایت، در یک زمان باشد، هر یک از دو مَجْنیِّ عَلَیْهِ می‌توانند مبادرت به قصاص کنند و پس از استیفای قصاص، برای دیگر جنایت‌هایی که قصاص ممکن نیست، مرتکب به پرداخت دیه و تعزیر مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود. در صورتی که پس از قصاص اول، محل قصاص برای مَجْنیِّ عَلَیْهِ دوم باقی باشد لکن کمتر از عضو مورد جنایت از او باشد، می‌تواند مقدار موجود را قصاص کند و مابه‌التفاوت را دیه بگیرد مانند این که مرتکب، نخست انگشت دست راست کسی و آنگاه دست راست شخص دیگری را قطع کرده باشد که در این صورت، مَجْنیِّ عَلَیْهِ اول در اجرای قصاص مقدم است و با اجرای قصاص او، مَجْنیِّ عَلَیْهِ دوم می‌تواند دست راست مرتکب را قصاص کند و دیه انگشت خود را نیز از او بگیرد.

نکته ۷۱۱: در قصاص عضو، علاوه بر شرایط عمومی قصاص، شرایط زیر، باید رعایت شود:

الف- محل عضو مورد قصاص، با مورد جنایت یکی باشد.

ب- قصاص با مقدار جنایت، مساوی باشد.

پ- خوف تلف مرتکب یا صدمه بر عضو دیگر نباشد.

ت- قصاص عضو سالم، در مقابل عضو ناسالم نباشد.

ث- قصاص عضو اصلی، در مقابل عضو غیراصلی نباشد.

ج- قصاص عضو کامل در مقابل عضو ناقص نباشد.

نکته ۷۱۲: در صورتی که مجرم دست راست نداشته باشد دست چپ او و چنانچه دست چپ هم نداشته باشد پای او قصاص می‌شود.

نکته ۷۱۳: رعایت تساوی مقدار طول و عرض، در قصاص جراحات لازم است.

نکته ۷۱۴: اگر طول عضو مورد قصاص، کمتر از طول عضو آسیب‌دیده در مَجْنِيٌّ عَلَيْهِ باشد، قصاص نباید به عضو دیگر سرایت کند و نسبت به مازاد جنایت، دیه گرفته می‌شود.

نکته ۷۱۵: میزان در عمق جنایت، صدق عنوان جنایت وارده است.

نکته ۷۱۶: اگر عضو مورد جنایت، سالم یا کامل باشد و عضو مرتکب، ناسالم یا ناقص باشد، مَجْنِيٌّ عَلَيْهِ می‌تواند قصاص کند یا با رضایت مرتکب، دیه بگیرد.

نکته ۷۱۷: عضو ناسالم، عضوی است که منفعت اصلی آن از بین رفته باشد مانند عضو فلج و در غیر این صورت، عضو سالم محسوب می‌شود، هر چند دارای ضعف یا بیماری باشد.

نکته ۷۱۸: عضو قوی و صحیح، در برابر عضو ضعیف و معیوب غیرفلج، قصاص می‌شود.

نکته ۷۱۹: عضو کامل، در برابر عضو ناقص قصاص نمی‌شود.

نکته ۷۲۰: عضو ناقص، در برابر عضو کامل قصاص می‌شود که در این صورت، مرتکب باید مابه‌التفاوت دیه را بپردازد.

نکته ۷۲۱: عضو ناقص، عضوی است که فاقد بخشی از اجزاء باشد مانند دستی که فاقد یک یا چند انگشت یا فاقد بخشی از یک یا چند انگشت است.

نکته ۷۲۲: اگر عضو مورد جنایت و عضو مورد قصاص، هر دو ناقص یا ناسالم باشند، فقط در صورتی که نقصان و عدم سلامت در عضو مورد قصاص، مساوی یا بیشتر از عضو مورد جنایت باشد، حَقِّ قصاص ثابت است.

نکته ۷۲۳: اگر عضو مورد جنایت، زائد باشد و مرتکب، عضو زائد مشابه نداشته باشد، به پرداخت اَرش محکوم می‌شود.

نکته ۷۲۴: اگر رعایت تساوی در طول و عرض و عمق جنایت، ممکن نباشد و قصاص به مقدار کمتر ممکن باشد مَجْنِيٌّ عَلَيْهِ می‌تواند به قصاص کمتر، اکتفا کند و مابه‌التفاوت را اَرش مطالبه نماید و یا با رضایت جانی دیه جنایت را بگیرد.

نکته ۷۲۵: در جنایت مأمومه، دامغه، جانفه، هاشمه، مُنْقَلَه، شکستگی استخوان و صدماتی که موجب تغییر رنگ پوست یا ورم بدن می‌شود، قصاص ساقط است و مرتکب علاوه بر پرداخت دیه به تعزیر مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» نیز محکوم می‌شود.

نکته ۷۲۶: در هر مورد که خطر تجاوز در قصاص عضو یا منافع وجود داشته باشد، قصاص ساقط است و مرتکب علاوه بر پرداخت دیه به تعزیر مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» نیز محکوم می‌شود.

نکته ۷۲۷: اگر شخصی یک چشم کسی را درآورد یا کور کند، قصاص می‌شود، گرچه مرتکب بیش از یک چشم نداشته باشد و دیه‌ای به وی پرداخت نمی‌شود. این حکم در مورد همه اعضای زوج بدن جاری است.

نکته ۷۲۸: اگر شخصی که دارای دو چشم است، چشم کسی را که فقط یک چشم دارد، درآورد یا آن را کور کند، مَجْنِيٌّ عَلَيْهِ می‌تواند یک چشم مرتکب را قصاص کند و نصف دیه کامل را هم دریافت دارد یا از قصاص یک چشم مرتکب منصرف شود و دیه کامل بگیرد مگر اینکه مَجْنِيٌّ عَلَيْهِ یک چشم خود را قبلاً در اثر قصاص یا جنایتی که استحقاق دیه آن را داشته است، از دست داده باشد که در این صورت می‌تواند یک چشم مرتکب را قصاص کند و یا با رضایت مرتکب، نصف دیه کامل را دریافت نماید.

نکته ۷۲۹: اگر شخصی بدون آسیب رساندن به حدقه چشم دیگری، بینایی آن را از بین ببرد، فقط بینایی چشم مرتکب، قصاص می‌شود. چنانچه بدون آسیب به حدقه چشم مرتکب، قصاص ممکن نباشد، تبدیل به دیه می‌شود و مرتکب به پرداخت دیه و تعزیر مقرر در قانون محکوم می‌شود.

نکته ۷۳۰: چشم سالم، در برابر چشم‌هایی که از لحاظ دید و یا شکل، متعارف نیستند، قصاص می‌شود.

نکته ۷۳۱: پلک دارای مژه، در برابر پلک بدون مژه قطع نمی‌شود لکن پلک چشم بینا در برابر پلک چشم نابینا قصاص می‌شود.

نکته ۷۳۲: قطع لاله گوش که موجب زوال شنوایی یا قطع بینی که موجب زوال بویایی شود، دو جنایت محسوب می‌شود.

نکته ۷۳۳: قطع بینی یا گوش، موجب قصاص است گرچه حسب مورد حس بویایی و شنوایی نداشته باشند.

نکته ۷۳۴: قطع زبان یا لب، موجب قصاص است و باید مقدار و محل آنها رعایت شود.

نکته ۷۳۵: اگر شخص گویا، زبان کسی را که لال است قطع کند، قصاص ساقط است و دیه گرفته می‌شود لکن زبان کسی که لال است، در برابر زبان لال دیگری و زبان گویا قصاص می‌شود و زبان دارای حس چشایی در برابر زبان بدون حس چشایی قصاص می‌شود.

نکته ۷۳۶: زبان گویا در برابر زبان کودکی که هنوز به حد سخن گفتن نرسیده است، قصاص می‌شود مگر آنکه لال بودن کودک ثابت شود.

نکته ۷۳۷: اگر کسی دندان دیگری را بشکند یا بکند به قصاص محکوم می‌شود و در قصاص آن، رعایت تساوی در محل دندان، لازم است.

نکته ۷۳۸: اگر دندان کسی توسط دیگری کنده شود، چنانچه تا زمان قصاص، دندان سالمی به جای آن برآید، مرتکب قصاص نمی‌شود و به تعزیر مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» و آرش جراحت و مدتی که مَجْنیَّ عَلَیْهِ بدون دندان بوده است محکوم می‌شود. اگر دندان جدید معیوب باشد، مرتکب افزون بر محکومیت‌های مذکور، به پرداخت آرش عیب نیز محکوم می‌شود. اگر مَجْنیَّ عَلَیْهِ کودک باشد، صدور حکم به مدت متعارف برای روییدن دندان به تأخیر می‌افتد و در صورت رویش دندان یک‌صدم دیه پرداخت می‌شود. اگر مَجْنیَّ عَلَیْهِ در این مدت فوت کند، مرتکب افزون بر تعزیر مذکور، به پرداخت دیه محکوم می‌شود.

نکته ۷۳۹: اگر دندان مرتکب، شیری و دندان مَجْنیَّ عَلَیْهِ غیرشیری باشد، مَجْنیَّ عَلَیْهِ بین قصاص دندان شیری و تأخیر قصاص تا رویش دندان غیرشیری در مرتکب، مختار است.

نکته ۷۴۰: اگر دندان مَجْنیَّ عَلَیْهِ پس از اجرای قصاص یا گرفتن دیه برآید، چیزی بر عهده مَجْنیَّ عَلَیْهِ نیست و اگر گرفتن دیه به جهت عدم امکان قصاص بوده باشد دیه نیز بازگردانده نمی‌شود.

نکته ۷۴۱: اگر دندان مرتکب، پس از اجرای قصاص برآید، مَجْنیَّ عَلَیْهِ حَقِّ قصاص دوباره آن را ندارد.

نکته ۷۴۲: در اجرای قصاص، اذن مقام رهبری یا نماینده او لازم است.

نکته ۷۴۳: استیذان از مقام رهبری در اجرای قصاص، برای نظارت بر صحت اجرا و رعایت حقوق صاحب حَقِّ قصاص و اطراف دیگر دعوی است و نباید مراسم استیذان، مانع از امکان استیفای قصاص توسط صاحب حَقِّ قصاص و محروم شدن او از حَقِّ خود شود.

نکته ۷۴۴: اجرای قصاص و مباشرت در آن، حسب مورد، حَقِّ ولی دم و مَجْنیَّ عَلَیْهِ است که در صورت مرگ آنان، این حق به ورثه ایشان منتقل می‌شود و باید پس از استیذان از مقام رهبری از طریق واحد اجرای احکام کیفری مربوط انجام گیرد.

نکته ۷۴۵: اگر صاحب حَقِّ قصاص، بر خلاف مقررات اقدام به قصاص کند به تعزیر مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود.

نکته ۷۴۶: هیچ‌کس غیر از مَجْنیَّ عَلَیْهِ یا ولی او حَقِّ قصاص مرتکب را ندارد و اگر کسی بدون اذن آنان او را قصاص کند، مستحق قصاص است.

نکته ۷۴۷: در هر حَقِّ قصاصی هر یک از صاحبان آن به‌طور مستقل حَقِّ قصاص دارند لکن هیچ‌یک از آنان در مقام استیفا نباید حق دیگران را از بین ببرد و در صورتی که بدون اذن و موافقت دیگر افراد خواهان قصاص، مبادرت به استیفای قصاص کند، ضامن سهم دیه دیگران است.

نکته ۷۴۸: در هر حَقِّ قصاصی اگر بعضی از صاحبان آن، خواهان دیه باشند یا از قصاص مرتکب گذشت کرده باشند، کسی که خواهان قصاص است باید نخست سهم دیه دیگران را در صورت گذشت آنان به مرتکب و در صورت درخواست دیه به خود آنان بپردازد.

نکته ۷۴۹: در هر حَقِّ قصاصی اگر بعضی از صاحبان آن، غائب باشند و مدت غیبت آنان کوتاه باشد صدور حکم تا آمدن غائب به تعویق می‌افتد.

نکته ۷۵۰: در هر حَقِّ قصاصی اگر بعضی از صاحبان آن، غائب باشند و غیبت طولانی باشد و یا امیدی به بازگشتن آنان نباشد مقام رهبری به عنوان ولی غائب به جای آنان تصمیم می‌گیرد و چنانچه زمان بازگشت معلوم نباشد مقام رهبری برای آنها پس از گذشت زمان کوتاه و قبل از طولانی شدن زمان غیبت اتخاذ تصمیم می‌نماید، کسانی که حاضرند، می‌توانند پس از تأمین سهم غائبان در دادگاه، قصاص کنند و اگر حاضران، گذشت کنند یا با او مصالحه نمایند، حَقِّ قصاص غائبان محفوظ است و اگر آنان پس از حاضر شدن، خواهان قصاص باشند، باید نخست سهم دیه کسانی را که گذشت نموده‌اند یا با مرتکب مصالحه کرده‌اند به مرتکب بپردازند و سپس قصاص کنند.

نکته ۷۵۱: اگر مرتکب عمداً جنایتی بر دیگری وارد کند و دیه جنایت وارد شده بر مَجْنیَّ عَلَیْهِ بیش از دیه آن در مرتکب باشد مانند آن که زن مسلمانی در مسلمانی را به قتل برساند صاحب حَقِّ قصاص نمی‌تواند افزون بر قصاص، تفاوت دیه را نیز مطالبه کند.

نکته ۷۵۲: در موارد ثبوت حَقِّ قصاص، اگر دیه جنایت وارده بر مَجْنیَّ عَلَیْهِ کمتر از دیه آن در مرتکب باشد، صاحب حَقِّ قصاص در صورتی می‌تواند قصاص را اجرا کند که نخست فاضل دیه را به او بپردازد و بدون پرداخت آن اجرای قصاص جایز نیست.

نکته ۷۵۳: در مورد نکته قبل در صورت مخالفت ولی دم و اقدام به قصاص مرتکب بدون پرداخت فاضل دیه به او، افزون بر الزام به پرداخت فاضل دیه، به مجازات مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود.

نکته ۷۵۴: در مواردی که صاحب حق قصاص برای اجرای قصاص باید بخشی از دیه را به دیگر صاحبان حق قصاص بپردازد، پرداخت آن باید پیش از قصاص صورت گیرد و در صورت تخلف صاحب حق قصاص از این امر، افزون بر پرداخت دیه مذکور به مجازات مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود.

نکته ۷۵۵: در مواردی که جنایت، نظم و امنیت عمومی را بر هم زند یا احساسات عمومی را جریحه‌دار کند و مصلحت در اجرای قصاص باشد لکن خواهان قصاص تمکن پرداخت فاضل دیه یا سهم دیگر صاحبان حق قصاص را نداشته باشد، با درخواست دادستان و تأیید رئیس قوه قضائیه، مقدار مذکور از بیت‌المال پرداخت می‌شود.

نکته ۷۵۶: در مواردی که محکوم به قصاص، در زندان است و صاحب حق قصاص، بدون عذر موجه یا به علت ناتوانی در پرداخت فاضل دیه یا به جهت انتظار برای بلوغ یا افاقه ولی دم یا مَجْنُیِّ عَلَیْهِ، مرتکب را در وضعیت نامعین رها نماید، با شکایت محکوم علیه از این امر، دادگاه صادرکننده حکم، مدت مناسبی را مشخص و به صاحب حق قصاص اعلام می‌کند تا طرف مهلت مقرر نسبت به گذشت، مصالحه یا اجرای قصاص اقدام کند. در صورت عدم اقدام او در این مدت، دادگاه می‌تواند پس از تعیین تعزیر بر اساس کتاب پنجم «تعزیرات» و گذشتن مدت زمان آن با أخذ وثیقه مناسب و تأیید رئیس حوزه قضائی و رئیس کل دادگستری استان تا تعیین تکلیف از سوی صاحب حق قصاص، مرتکب را آزاد کند.

نکته ۷۵۷: در موارد لزوم پرداخت فاضل دیه اگر مقتول یا صاحب حق قصاص، طلبی از مرتکب داشته باشد، طلب مذکور با رضایت صاحب آن، هر چند بدون رضایت مرتکب، به عنوان فاضل دیه، قابل محاسبه است.

نکته ۷۵۸: فاضل دیه یا سهم پرداختی شرکا از دیه جنایت، متعلق به قصاص شونده است و او می‌تواند آن را به صاحب حق قصاص یا شرکای خود ببخشد و یا هر نوع تصرف مالکانه دیگری در آن انجام دهد لکن اگر آن را دریافت کرده باشد و قصاص صورت نگیرد، باید آن را برگرداند.

نکته ۷۵۹: هرگاه مَجْنُیِّ عَلَیْهِ پیش از استیفای حق قصاص، فوت کند و ترکه او برای ادای دیون او کافی نباشد، صاحب حق قصاص، بدون اداء یا تضمین آن دیون، حق استیفای قصاص را دارد لکن حق گذشت مجانی، بدون ادا یا تضمین دیون را ندارد و اگر به هر علت، قصاص به دیه تبدیل شود، باید در ادای دیون مذکور صرف شود. این حکم در مورد ترکه مقتول نیز جاری است.

نکته ۷۶۰: اگر مَجْنُیِّ عَلَیْهِ یا همه اولیای دم، پیش از قصاص یا در حین اجرای آن از قصاص مرتکب گذشت کنند، قصاص متوقف می‌شود و آنان ضامن خساراتی که در حین اجرای قصاص به مرتکب رسیده است، نمی‌باشند و اگر برخی از آنان گذشت نمایند یا مصالحه کنند، خواهان قصاص باید پیش از اجرای قصاص، سهم آنها را حسب مورد به آنان یا مرتکب بپردازد.

نکته ۷۶۱: هرگاه کسی فردی را که مرتکب جنایت عمدی شده است فراری دهد به تحویل وی الزام می‌شود. اگر در موارد قتل و جنایت بر عضو که منجر به قطع یا نقص عضو یا از بین رفتن یکی از منافع آن شده است، بازداشت فراری‌دهنده مؤثر در حضور مرتکب یا الزام فراری‌دهنده به احضار مرتکب باشد، دادگاه باید با درخواست صاحب حق قصاص تا زمان دستگیری مرتکب، فراری‌دهنده را بازداشت کند. اگر مرتکب پیش از دستگیری یا دستگیری وی متعذر شود یا صاحب حق قصاص رضایت دهد، فراری‌دهنده آزاد می‌شود و صاحب حق قصاص در همه موارد قصاص نفس و عضو، می‌تواند در صورت فوت مرتکب یا تعذر دستگیری او، دیه را از اموال وی یا فراری‌دهنده بگیرد. فراری‌دهنده می‌تواند پس از پرداخت دیه برای دریافت آن به مرتکب رجوع کند.

نکته ۷۶۲: هرگاه در جنایت عمدی، به علت مرگ یا فرار، دسترسی به مرتکب ممکن نباشد با درخواست صاحب حق، دیه جنایت از اموال مرتکب پرداخت می‌شود و در صورتی که مرتکب مالی نداشته باشد در خصوص قتل عمد، ولی دم می‌تواند دیه را از عاقله بگیرد و در صورت نبود عاقله یا عدم دسترسی به آنها یا عدم تمکن آنها، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود و در غیر قتل، دیه بر بیت‌المال خواهد بود. چنانچه پس از أخذ دیه، دسترسی به مرتکب جنایت اعم از قتل و غیرقتل، ممکن شود در صورتی که أخذ دیه به جهت گذشت از قصاص نباشد، حق قصاص حسب مورد برای ولی دم مَجْنُیِّ عَلَیْهِ محفوظ است، لکن باید قبل از قصاص، دیه گرفته شده را برگرداند.

نکته ۷۶۳: قصاص نفس فقط به شیوه‌های متعارف، که کمترین آزار را به قاتل می‌رساند، جایز است و مثله کردن او پس از قصاص، ممنوع و موجب دیه و تعزیر مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» است.

نکته ۷۶۴: زن حامله، که محکوم به قصاص نفس است، نباید پیش از وضع حمل قصاص شود.

نکته ۷۶۵: در مورد قصاص نفس زن حامله اگر پس از وضع حمل بیم تلف طفل باشد، تا زمانی که حیات طفل محفوظ بماند، قصاص به تأخیر می‌افتد.

نکته ۷۶۶: اگر پس از اجرای قصاص نفس، قاتل زنده بماند، حق قصاص برای ولی دم محفوظ است. لکن اگر وی را به گونه‌ای که جایز نیست، قصاص کرده باشد، در صورتی که قاتل آسیب بیند مشروط به شرایط قصاص عضو از جمله عدم خوف تلف ولی دم، قاتل حق قصاص عضو او را دارد و حق قصاص نفس نیز برای ولی دم باقی است ولی قبل از اجرای قصاص نفس، قاتل باید حق خود را استیفاء، مصالحه یا گذشت کند لکن اگر ولی دم نخواهد دوباره

قصاص کند، قاتل حق قصاص او را ندارد. اگر قاتل برای فرار از قصاص نفس حاضر به گذشت، مصالحه و استیفای حق خود نشود با شکایت ولی دم از این امر، دادگاه مدت مناسبی را مشخص و به قاتل اعلام می‌کند تا ظرف مهلت مقرر به گذشت، مصالحه یا مطالبه قصاص عضو اقدام کند. در صورت عدم اقدام او در این مدت، ولی دم به تعزیر مقرر در قانون محکوم می‌شود و با مطالبه او قصاص نفس اجرا می‌گردد و حق قصاص عضو برای ورثه جانی، محفوظ است.

نکته ۷۷۰: ابزار قطع و جرح در قصاص عضو باید تیز، غیرآلوده و مناسب با اجرای قصاص باشد و ایداء مرتکب، بیش از مقدار جنایت او ممنوع و موجب تعزیر مقرر در قانون است.

نکته ۷۷۱: در مورد اجرای قصاص عضو اگر مرتکب، بیمار یا شرایط زمان و مکان به گونه‌ای باشد که در قصاص، بیم سرایت به نفس یا صدمه دیگر باشد، در صورت امکان، موانع رفع و قصاص اجرا می‌شود. در غیر این صورت تا برطرف شدن بیم سرایت، قصاص به تأخیر می‌افتد.

نکته ۷۷۲: قصاص عضو را می‌توان فوراً اجرا کرد لکن اگر علم به سرایت وجود نداشته باشد و قصاص اجرا شود و پس از آن، جنایت سرایت کند و سرایت پدیدآمده، عمدی محسوب شود، مرتکب حسب مورد، به قصاص نفس یا عضو محکوم می‌شود لکن پیش از اجرای قصاص نفس ولی دم باید، دیه جنایتی را که به عنوان قصاص عضو بر مرتکب وارد شده است به او بپردازد و اگر سرایت پدید آمده، غیرعمدی محسوب شود، مرتکب به دیه جنایتی که به وسیله سرایت، پدید آمده است، محکوم می‌شود و دیه مقداری که قصاص شده است کسر نمی‌شود.

نکته ۷۷۳: برای رعایت تساوی قصاص عضو با جنایت، باید حدود جراحت کاملاً اندازه‌گیری شود و هر چیزی که مانع از استیفای قصاص یا موجب ازدیاد آن باشد، برطرف گردد.

نکته ۷۷۴: اگر مرتکب به سبب حرکت یا غیر آن، موجب شود که قصاص عضو بیش از جنایت انجام شود، قصاص کننده ضامن نیست.

نکته ۷۷۵: در اجرای قصاص عضو اگر قصاص کننده یا فرد دیگری موجب زیاده باشد حسب مورد به قصاص یا دیه محکوم می‌شود.

نکته ۷۷۶: اگر زن حامله، محکوم به قصاص عضو باشد و در اجرای قصاص، پیش یا پس از وضع حمل، بیم تلف یا آسیب بر طفل باشد، قصاص تا زمانی که بیم مذکور برطرف شود به تأخیر می‌افتد.

نکته ۷۷۷: قصاص کردن مرتکب در جنایت بر عضو، بدون بیهوش کردن وی یا بی‌حس کردن عضو او، حق مَجْنِيٌّ عَلَيْهِ است مگر اینکه جنایت در حال بیهوشی یا بی‌حسی عضو مَجْنِيٌّ عَلَيْهِ اتفاق افتاده باشد.

نکته ۷۷۸: مداوا و بیهوش کردن مرتکب و بی‌حس کردن عضو او پس از اجرای قصاص جایز است.

نکته ۷۷۹: اگر شخصی همه یا مقداری از عضو دیگری را قطع کند و مَجْنِيٌّ عَلَيْهِ قسمت جدا شده را پیوند بزند، قصاص ساقط نمی‌شود.

نکته ۷۸۰: دیه مُقَدَّر، مال معینی است که در شرع مقدس به سبب جنایت غیرعمدی بر نفس، عضو یا منفعت، یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد، مقرر شده است.

نکته ۷۸۱: آرش، دیه غیرمُقَدَّر است که میزان آن در شرع تعیین نشده است و دادگاه با لحاظ نوع و کیفیت جنایت و تأثیر آن بر سلامت مَجْنِيٌّ عَلَيْهِ و میزان خسارت وارده با در نظر گرفتن دیه مُقَدَّر و با جلب نظر کارشناس میزان آن را تعیین می‌کند.

نکته ۷۸۲: مقررات دیه مُقَدَّر در مورد آرش نیز جریان دارد مگر این که در قانون مجازات اسلامی ترتیب دیگری مقرر شود.

نکته ۷۸۳: در جنایت شبه‌عمدی، خطای محض و جنایت عمدی که قصاص در آن جایز یا ممکن نیست، در صورت درخواست مَجْنِيٌّ عَلَيْهِ یا ولی دم دیه پرداخت می‌شود مگر به نحو دیگری مصالحه شود.

نکته ۷۸۴: در صورتی که قاتل از ورثه مقتول باشد و قتل عمدی باشد از اموال و دیه مقتول ارث نمی‌برد.

نکته ۷۸۵: در صورتی که قاتل از ورثه مقتول باشد و قتل خطای محض یا شبه‌عمدی باشد از دیه وی ارث نمی‌برد اما از اموال او ارث می‌برد.

نکته ۷۸۶: در موارد فقدان وارث برای دریافت دیه، مقام رهبری وارث مقتول است.

نکته ۷۸۷: دیه، حسب مورد حق شخصی مَجْنِيٌّ عَلَيْهِ یا ولی دم است و احکام و آثار مسؤولیت مدنی یا ضمان را دارد.

نکته ۷۸۹: ذمه مرتکب جنایت در صورت لزوم پرداخت دیه، جز با پرداخت دیه، مصالحه، ابراء و تهاتر، بری نمی‌گردد.

نکته ۷۹۰: ورثه مقتول به جز بستگان مادری به نسبت سهم الارث از دیه مقتول نیز ارث می‌برند.

نکته ۷۹۱: هرگاه دو یا چند نفر به نحو اشتراک مرتکب جنایت موجب دیه گردند، حسب مورد هر یک از شرکا یا عاقله آنها به طور مساوی مکلف به پرداخت دیه است.

نکته ۷۹۱: ادله اثبات دیه، علاوه بر قسامه، همان ادله اثبات دیون و ضمان مالی است.

نکته ۷۹۲: پرداخت دیه جنایت عمدی و شبه‌عمدی بر عهده خود مرتکب است.

نکته ۷۹۳: در جنایت خطای محض در صورتی که جنایت یا بی‌بینه یا قسامه یا علم قاضی ثابت شود، پرداخت دیه بر عهده عاقله است.

- نکته ۷۹۴:** در جنایت خطای محض در صورتی که جنایت با اقرار مرتکب یا نکول او از سوگند یا قسامه ثابت شد پرداخت دیه بر عهده خود او است.
- نکته ۷۹۵:** هرگاه پس از اقرار مرتکب به جنایت خطایی، عاقله اظهارات او را تصدیق نماید، عاقله مسؤول پرداخت دیه است.
- نکته ۷۹۶:** در موارد ثبوت اصل جنایت با شهادت، علم قاضی یا قسامه، اگر مرتکب مدعی خطائی بودن آن گردد و عاقله خطائی بودن جنایت را انکار نماید، قول عاقله با سوگند پذیرفته می‌شود و دیه بر عهده مرتکب است و چنانچه عاقله از اتیان قسم نکول کند با قسم مدعی، عاقله مکلف به پرداخت دیه است.
- نکته ۷۹۷:** در خصوص نکته قبل در صورتی که برخی از افراد عاقله سوگند یاد نمایند از پرداخت دیه معاف می‌شوند و سهم آنها به‌وسیله مرتکب پرداخت می‌گردد.
- نکته ۷۹۸:** عاقله، مکلف به پرداخت دیه جنایت‌هایی که شخص بر خود وارد می‌سازد نیست.
- نکته ۷۹۹:** عاقله، تنها مکلف به پرداخت دیه خطای محض است، لیکن ضامن اتلاف مالی که به طور خطائی تلف شده است نمی‌باشد، هر چند مرتکب، نابالغ یا مجنون باشد.
- نکته ۸۰۰:** عاقله، مکلف به پرداخت دیه جنایت‌های کمتر از موضعه نیست، هر چند مرتکب، نابالغ یا مجنون باشد.
- نکته ۸۰۱:** هرگاه در اثر یک یا چند ضربه خطائی، صدمات متعددی بر یک یا چند عضو وارد آید، ملاک رسیدن به دیه موضعه، دیه هر آسیب به طور جداگانه است و برای ضامن عاقله، رسیدن دیه مجموع آنها به دیه موضعه کافی نیست.
- نکته ۸۰۲:** عاقله عبارت است از پدر، پسر و بستگان ذکور نسبی پدری و مادری یا پدری به ترتیب طبقات ارث است. همه کسانی که در زمان فوت می‌توانند ارث ببرند به صورت مساوی مکلف به پرداخت دیه می‌باشند.
- نکته ۸۰۳:** عاقله در صورتی مسؤول است که علاوه بر داشتن نسب مشروع، عاقل، بالغ و در مواعد پرداخت اقساط دیه، تمکن مالی داشته باشد.
- نکته ۸۰۴:** در صورتی که مرتکب، دارای عاقله نباشد، یا عاقله او به دلیل عدم تمکن مالی نتواند دیه را در مهلت مقرر بپردازد، دیه توسط مرتکب و در صورت عدم تمکن از بیت‌المال پرداخت می‌شود. در این مورد فرقی میان دیه نفس و غیر آن نیست.
- نکته ۸۰۵:** هرگاه فرد ایرانی از اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی که در ایران زندگی می‌کند، مرتکب جنایت خطای محض گردد، شخصاً عهده دار پرداخت دیه است لکن در صورتی که توان پرداخت دیه را نداشته باشد، بها و مهلت مناسب داده می‌شود و اگر با مهلت مناسب نیز قادر به پرداخت نباشد، معادل دیه توسط دولت پرداخت می‌شود.
- نکته ۸۰۶:** در مواردی که اصل جنایت ثابت شود لکن نوع آن اثبات نشود دیه ثابت و پرداخت آن بر عهده مرتکب است.
- نکته ۸۰۷:** هرگاه مأموری در اجرای وظایف قانونی، عملی را مطابق مقررات انجام دهد و همان عمل موجب فوت یا صدمه بدنی کسی شود، دیه بر عهده بیت‌المال است.
- نکته ۸۰۸:** هرگاه شخصی با علم به خطر یا از روی تقصیر، وارد منطقه ممنوعه نظامی و یا هر مکان دیگری که ورود به آن ممنوع است، گردد و مطابق مقررات، هدف قرار گیرد، ضامن ثابت نیست.
- نکته ۸۰۹:** هرگاه شخصی وارد منطقه ممنوعه نظامی و یا هر مکان دیگری که ورود به آن ممنوع است، گردد و مطابق مقررات، هدف قرار گیرد، در صورتی که از ممنوعه بودن مکان مزبور آگاهی نداشته باشد، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود.
- نکته ۸۱۰:** در جنایت شبه‌عمدی در صورتی که به دلیل مرگ یا فرار به مرتکب دسترسی نباشد، دیه از مال او گرفته می‌شود و در صورتی که مال او کفایت نکند از بیت‌المال پرداخت می‌شود.
- نکته ۸۱۱:** در جنایت خطای محض در مواردی که پرداخت دیه بر عهده مرتکب است اگر به علت مرگ یا فرار، دسترسی به او ممکن نباشد دیه جنایت از اموال او پرداخت می‌شود و در صورتی که مرتکب مالی نداشته باشد دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود.
- نکته ۸۱۲:** در صورت فوت مرتکب در مواردی که خود وی مسؤول پرداخت دیه می‌باشد، دیه تابع احکام سایر دیون متوفی است.
- نکته ۸۱۳:** در موارد علم اجمالی به ارتکاب جنایت، توسط یک نفر از دو یا چند نفر معین، در صورت عدم وجود لوث، صاحب حق می‌تواند از متهمان مطالبه سوگند کند که اگر همگی سوگند یاد کنند در خصوص قتل دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود و در غیر قتل، دیه به نسبت مساوی از متهمان دریافت می‌شود.
- نکته ۸۱۴:** هرگاه منشأ علم اجمالی، اقرار متهم انباشد، حسب مورد اولیای دم یا مجنی‌علیه مخیرند برای دریافت دیه به هر یک از متهمان مراجعه کنند و در این امر تفاوتی بین جنایت عمدی و غیرعمدی و قتل و غیر قتل نیست.
- نکته ۸۱۵:** هرگاه همه یا برخی از اطراف علم اجمالی، از اتیان سوگند یا اقامه قسامه امتناع کنند دیه به طور مساوی بر عهده امتناع‌کنندگان ثابت می‌شود و در صورتی که امتناع‌کننده یکی باشد به تنهایی عهده‌دار پرداخت دیه خواهد بود. در حکم فوق تفاوتی میان قتل و غیر آن نیست.

- نکته ۸۱۶:** هرگاه کسی در اثر رفتار عده‌ای کشته یا مصدوم شود و جنایت، مستند به برخی از رفتارها باشد و مرتکب هر رفتار مشخص نباشد، همه آنها باید دیه نفس یا دیه صدمات را به طور مساوی بپردازند.
- نکته ۸۱۷:** هرگاه مَجْنِيْ عَلَيِّهِ یا اولیای دم ادعا کنند که مرتکب شخصی نامعین از دو یا چند نفر معین است، در صورت تحقق لوث، مدعی می‌تواند اقامه قسامه نماید. با اجرای قسامه بر مجرم بودن یکی از آنها، مرتکب به علم اجمالی مشخص می‌شود.
- نکته ۸۱۸:** در موارد علم اجمالی به انتساب جنایت به یکی از دو یا چند نفر و عدم امکان تعیین مرتکب، چنانچه جنایت، عمدی باشد قصاص ساقط و حکم به پرداخت دیه می‌شود.
- نکته ۸۱۹:** هرگاه کسی اقرار به جنایت موجب دیه کند سپس شخص دیگری اقرار کند که مرتکب همان جنایت شده است و علم تفصیلی به کذب یکی از دو اقرار نباشد مدعی مخیر است فقط از یکی از آن دو مطالبه دیه کند.
- نکته ۸۲۰:** در موارد وقوع قتل و عدم شناسایی قاتل که با تحقق لوث نوبت به قسامه مدعی علیه برسد و او اقامه قسامه کند، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود و در غیر موارد لوث چنانچه نوبت به سوگند متهم برسد و طبق مقررات بر عدم انجام قتل سوگند بخورد دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود.
- نکته ۸۲۱:** هرگاه محکوم به قصاص عضو یا تعزیر یا حد غیرمستوجب سلب حیات در اثر اجرای مجازات کشته شود یا صدمه‌ای بیش از مجازات مورد حکم به او وارد شود، چنانچه قتل یا صدمه، عمدی یا مستند به تقصیر باشد، مجری حکم، حسب مورد به قصاص یا دیه محکوم می‌شود.
- نکته ۸۲۲:** هرگاه محکوم به قصاص عضو یا تعزیر یا حد غیرمستوجب سلب حیات در اثر اجرای مجازات کشته شود یا صدمه‌ای بیش از مجازات مورد حکم به او وارد شود، چنانچه قتل یا صدمه، عمدی یا مستند به تقصیر نباشد در مورد قصاص و حد، ضمان منتفی است و در تعزیرات، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود.
- نکته ۸۲۳:** در خصوص نکته قبل چنانچه ورود آسیب اضافی مستند به محکوم علیه باشد ضمان منتفی است.
- نکته ۸۲۴:** هرگاه پس از اجرای حکم قصاص، حد یا تعزیر که موجب قتل، یا صدمه بدنی شده است پرونده در دادگاه صالح طبق مقررات آیین دادرسی، رسیدگی مجدد شده و عدم صحت آن حکم ثابت شود، دادگاه رسیدگی کننده مجدد، حکم پرداخت دیه از بیت‌المال را صادر و پرونده را با ذکر مستندات، جهت رسیدگی به مرجع قضائی مربوط ارسال می‌نماید تا طبق مقررات رسیدگی شود.
- نکته ۸۲۵:** در خصوص نکته قبل در صورت ثبوت عمد یا تقصیر از طرف قاضی صادرکننده حکم قطعی، وی ضامن است و به حکم مرجع مذکور، حسب مورد به قصاص یا تعزیر مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» و بازگرداندن دیه به بیت‌المال محکوم می‌شود.
- نکته ۸۲۶:** اگر شخصی به قتل برسد و قاتل شناخته نشود یا بر اثر ازدحام کشته شود دیه از بیت‌المال پرداخت می‌گردد.
- نکته ۸۲۷:** مهلت پرداخت دیه در جنایت عمد موجب دیه، ظرف یک سال قمری از زمان وقوع جنایت است مگر این که به نحو دیگری تراضی شده باشد.
- نکته ۸۲۸:** در مواردی که بین مرتکب جنایت عمدی و اولیای دم یا مَجْنِيْ عَلَيِّهِ بر گرفتن دیه توافق شود لکن مهلت پرداخت آن مشخص نگردد، دیه باید ظرف یک سال از حین تراضی پرداخت گردد.
- نکته ۸۲۹:** مهلت پرداخت دیه در جنایت شبه عمد، ظرف دو سال قمری از زمان وقوع جنایت است مگر این که به نحو دیگری تراضی شده باشد.
- نکته ۸۳۰:** مهلت پرداخت دیه در جنایت خطای محض، ظرف سه سال قمری از زمان وقوع جنایت است مگر این که به نحو دیگری تراضی شده باشد.
- نکته ۸۳۱:** هرگاه پرداخت کننده در بین مهلت‌های مقرر نسبت به پرداخت تمام یا قسمتی از دیه اقدام نماید، محکوم له مکلف به قبول آن است.
- نکته ۸۳۲:** در جنایت خطای محض، پرداخت کننده باید ظرف هر سال، یک سوم دیه و در شبه‌عمدی، ظرف هر سال نصف دیه را بپردازد.
- نکته ۸۳۳:** در صورتی که پرداخت کننده بخواهد هر یک از انواع دیه را پرداخت نماید و یا پرداخت دیه به صورت اقساطی باشد، معیار، قیمت زمان پرداخت است مگر آن که بر یک مبلغ قطعی توافق شده باشد.
- نکته ۸۳۴:** جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد اعم از آن که به نحو مباشرت یا به تسبیب یا به اجتماع آنها انجام شود.
- نکته ۸۳۵:** وجود فاصله زمانی، میان رفتار مرتکب و نتیجه ناشی از آن، مانع از تحقق جنایت نیست مانند فوت ناشی از انتقال عامل بیماری‌کشنده که حسب مورد موجب قصاص یا دیه است.
- نکته ۸۳۶:** مباشرت آن است که جنایت مستقیماً توسط خود مرتکب واقع شود.
- نکته ۸۳۷:** هرگاه شیئی که توسط انسان یا وسیله‌تقلیه حمل می‌گردد به نحوی از انحا موجب جنایت گردد حمل کننده ضامن دیه است.
- نکته ۸۳۸:** هرگاه کسی دیگری را بترساند و آن شخص در اثر ترس بی اختیار فرار کند یا بدون اختیار حرکتی از او سر بزند که موجب ایراد صدمه بر خودش یا دیگری گردد، ترساننده حسب تعاریف جنایات عمدی و غیرعمدی مسؤول است.

- نکته ۸۳۹:** در مواردی که جنایت یا هر نوع خسارت دیگر مستند به رفتار کسی نباشد، مانند این که در اثر علل قهری واقع شود، ضمان منتفی است.
- نکته ۸۴۰:** هرگاه کسی به روی شخصی سلاح بکشد یا حیوانی مانند سگ را به سوی او برانگیزد یا هر کار دیگری که موجب هراس او می‌گردد مانند فریادکشیدن یا انفجار صوتی انجام دهد و بر اثر این ارباب، شخص بمیرد یا مصدوم گردد حسب مورد بر اساس تعاریف انواع جنایات به قصاص یا دیه محکوم می‌شود.
- نکته ۸۴۱:** هرگاه کسی خود را از جای بلندی پرت کند و بر روی شخصی بیفتد و سبب جنایت شود بر اساس تعاریف انواع جنایات حسب مورد به قصاص یا دیه محکوم می‌شود لکن اگر فعلی از او سر نزند و به علل قهری همچون طوفان و زلزله پرت شود و به دیگری بخورد و صدمه به او وارد کند، کسی ضامن نیست.
- نکته ۸۴۲:** هرگاه کسی دیگری را به روی شخص ثالثی پرت کند و شخص ثالث یا شخص پرت‌شده بمیرد یا مصدوم گردد در صورتی که مشمول تعریف جنایت عمدی نگردد، جنایت شبه‌عمدی است.
- نکته ۸۴۳:** هرگاه راننده‌ای که با داشتن مهارت و سرعت مجاز و مطمئن و رعایت سایر مقررات در حال حرکت است در حالی که قادر به کنترل وسیله نباشد و به کسی که حضورش در آن محل مجاز نیست، بدون تقصیر برخورد نماید، ضمان منتفی و در غیر این صورت راننده ضامن است.
- نکته ۸۴۴:** در موارد فوق هرگاه عدم رعایت برخی از مقررات رانندگی تأثیری در حادثه نداشته باشد به گونه‌ای که تقصیر مرتکب علت جنایت حاصله نباشد، راننده ضامن نیست.
- نکته ۸۴۵:** هرگاه هنگام رانندگی به سبب حوادثی مانند واژگون‌شدن خودرو و یا برخورد آن با موانع، سرنشینان خودرو مصدوم یا تلف شوند در صورتی که سبب حادثه، علل قهری همچون زلزله و سیل نبوده و مستند به راننده باشد، راننده ضامن دیه است. چنانچه وقوع حادثه مستند به شخص حقوقی یا حقیقی دیگری باشد آن شخص ضامن است.
- نکته ۸۴۶:** تسبیب در جنایت آن است که کسی سبب تلف شدن یا مصدومیت دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود به طوری که در صورت فقدان رفتار او جنایت حاصل نمی‌شد مانند آن که چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند.
- نکته ۸۴۷:** هرگاه شخصی در معاشره و اماکن عمومی یا ملک دیگری بدون اذن مالک، گودالی حفر کند یا چیز لغزنده‌ای در آن قرار دهد و یا هر عملی انجام دهد که سبب آسیب دیگری گردد، ضامن دیه است مگر این که فرد آسیب‌دیده با علم به آن و امکان اجتناب، عمداً با آن برخورد نماید.
- نکته ۸۴۸:** هرگاه شخصی در ملک خویش یا مکانی که در تصرف و اختیار اوست، گودالی حفر کند یا چیز لغزنده‌ای در آن قرار دهد و یا هر عملی انجام دهد سبب آسیب دیگری گردد، ضامن نیست مگر این که شخصی را که آگاه به آن نیست به آن جا بخواند و به استناد آن، جنایتی به وی وارد گردد.
- نکته ۸۴۹:** هرگاه شخص آسیب‌دیده بدون اذن مالک یا با اذنی که قبل از انجام اعمال مذکور از مالک گرفته، وارد شود و صاحب ملک از ورود او اطلاع نداشته باشد، مالک ضامن نیست مگر این که صدمه یا تلف به علت اغواء، سهل‌انگاری در اطلاع‌دادن و مانند آن مستند به مالک باشد.
- نکته ۸۵۰:** هرگاه کسی در ملک دیگری و بدون اذن او، مرتکب یکی از کارهای مذکور در دو نکته قبل گردد و شخص ثالثی که بدون اذن وارد آن ملک شده است، آسیب ببیند، مرتکب عهده‌دار دیه است مگر این که بروز حادثه و صدمه مستند به خود مصدوم باشد که در این صورت مرتکب ضامن نیست مانند این که مرتکب علامتی هشداردهنده بگذارد یا درب محل را قفل کند لکن مصدوم بدون توجه به علائم یا با شکستن درب وارد شود.
- نکته ۸۵۱:** هرگاه کسی در معاشره یا اماکن عمومی با رعایت مقررات قانونی و نکات ایمنی عملی به مصلحت عابران انجام دهد و اتفاقاً موجب وقوع جنایت یا خسارت گردد، ضامن نیست.
- نکته ۸۵۲:** هرگاه شخصی با انگیزه احسان و کمک به دیگری رفتاری را که به جهت حفظ مال، جان، عرض یا ناموس او لازم است، انجام دهد و همان عمل موجب صدمه و یا خسارت شود در صورت رعایت مقررات قانونی و نکات ایمنی، ضامن نیست.
- نکته ۸۵۳:** کسی که در ملک خود یا در مکان یا راهی که توقف در آنجا مجاز است توقف کند یا وسیله نقلیه خود یا هر شیء مجاز دیگری را در آنجا قرار دهد و شخصی با آنها برخورد کند و مصدوم گردد یا فوت کند ضامن نیست و چنانچه خسارتی بر او یا مالش وارد شود، برخوردکننده ضامن است.
- نکته ۸۵۴:** هرگاه شخصی در محل‌هایی که توقف در آنها مجاز نیست، توقف نماید یا شیء و یا حیوانی را در این قبیل محل‌ها مستقر سازد یا چیز لغزنده‌ای در آن قرار دهد و دیگری بدون توجه به آنها در اثر برخورد یا لغزش مصدوم شود یا فوت کند یا خسارت مالی ببیند، شخص متوقف یا کسی که آن شیء یا حیوان را مستقر نموده یا راه را لغزنده کرده است، ضامن دیه و سایر خسارات می‌باشد مگر آن که عابر با وسعت راه و محل عمداً با آن برخورد کند که در این صورت نه فقط خسارت به او تعلق نمی‌گیرد بلکه عهده‌دار خسارت وارده نیز می‌شود.

نکته ۸۵۵: هرگاه شخصی را که شبانه و به طور مشکوکی از محل اقامتش فراخوانده و بیرون برده‌اند، مفقود شود، دعوت‌کننده، ضامن دیه اوست مگر این که ثابت کند که دعوت‌شده زنده است یا اگر فوت کرده به مرگ عادی یا علل قهری بوده که ارتباطی به او نداشته است یا اگر کشته شده دیگری او را به قتل رسانده است. این حکم در مورد کسی که با حيله یا تهدید یا هر طریق دیگری، کسی را برآید و آن شخص مفقود گردد نیز جاری است.

نکته ۸۵۶: هرگاه پس از دریافت دیه، مشخص شود که شخص مفقود زنده است و یا قاتل شناسایی گردد، دیه مسترد می‌گردد و چنانچه اثبات شود که دعوت‌کننده شخص مفقود را عمداً کشته است قصاص ثابت می‌شود.

نکته ۸۵۷: هرگاه در اثر علل قهری مانند سیل و زلزله مانعی به وجود آید و موجب آسیب گردد، هیچ‌کس ضامن نیست، گرچه شخص یا اشخاصی تمکن برطرف کردن آنها را داشته باشند و اگر سیل یا مانند آن، چیزی را به همراه آورد ولکن کسی آن را جایی نامناسب مانند جای اول یا در جای بدتری قرار دهد که موجب آسیب شود، عهده‌دار دیه است و اگر آن را از جای نامناسب بردارد و در جهت مصلحت عابران در جای مناسب‌تری قرار دهد ضامن نیست.

نکته ۸۵۸: هرگاه مانع مزبور توسط شخصی به وجود آمده باشد تغییردهنده وضعیت به حالت مناسب‌تر نیز ضامن نیست.

نکته ۸۵۹: افراد یا دستگاه‌هایی که مسئولیت اصلاح یا رفع آثار این‌گونه حوادث را بر عهده دارند، در صورت تقصیر یا قصور قابل استناد در انجام وظیفه، ضامن می‌باشند.

نکته ۸۶۰: هرگاه قراردادن کالا در خارج مغازه یا توقف اتومبیل در مقابل منزل و امثال آن عرف و عادت شده باشد، گذارنده کالا یا متوقف‌کننده اتومبیل در صورت عدم منع قانونی و عریض بودن معبر و عدم ایجاد مزاحمت برای عابران ضامن زیان‌های وارده نیست.

نکته ۸۶۱: هرگاه کسی چیزی را در مکانی مانند دیوار یا بالکن ملک خود که قرار دادن اشیاء در آن جایز است، قرار دهد و در اثر حوادث پیش‌بینی‌نشده به معبر عام و یا ملک دیگری بیفتد و موجب صدمه یا خسارت شود ضمان منتفی است مگر آن که آن را طوری گذاشته باشد که نوعاً مستعد صدمه یا خسارت باشد.

نکته ۸۶۲: اگر مالک یا کسی که عهده‌دار احداث ملکی است بنایی را به نحو مجاز بسازد یا بالکن و مانند آن را با رعایت نکات ایمنی و ضوابط فنی که در استحکام بنا لازم است در محل مجاز احداث کند و اتفاقاً موجب آسیب یا خسارت گردد، ضامن نیست.

نکته ۸۶۳: اگر عمل غیرمجاز به گونه‌ای باشد که نتوان آن را به مالک مستند نمود مانند آن که مستند به مهندسان ذی‌ربط ساختمان باشد ضمان از مالک منتفی و کسی که عمل مذکور مستند به اوست ضامن است.

نکته ۸۶۴: هرگاه شخصی بنا یا دیواری را بر پایه محکم و با رعایت مقرراتی که در استحکام بنا و ایمنی لازم است احداث نماید لکن به علت حوادث پیش‌بینی‌نشده، مانند زلزله یا سیل، سقوط کند و موجب آسیب گردد، ضامن نیست.

نکته ۸۶۵: چنانچه شخصی دیوار یا بنا را به سمت ملک خود احداث نماید که اگر سقوط کند طبعاً در ملک خود، سقوط می‌کند لکن اتفاقاً به سمت دیگری سقوط نماید و موجب آسیب گردد، ضامن نیست.

نکته ۸۶۶: هرگاه دیوار یا بنایی که بر پایه استوار و غیر متمایل احداث شده است در معرض ریزش قرار گیرد یا متمایل به سقوط به سمت ملک دیگری یا معبر گردد اگر قبل از آن که مالک تمکن اصلاح یا خراب‌کردن آن را پیدا کند ساقط شود و موجب آسیب گردد، ضمان منتفی است مشروط به آن که به نحو مقتضی افراد در معرض آسیب را از وجود خطر آگاه کرده باشد.

نکته ۸۶۷: چنانچه در خصوص نکته قبل مالک با وجود تمکن از اصلاح یا رفع یا آگاه‌سازی و جلوگیری از وقوع آسیب، سهل‌انگاری نماید، ضامن است.

نکته ۸۶۸: هرگاه دیوار یا بنایی که ساقط شده متعلق به صغیر یا مجنون باشد ولی او ضامن است.

نکته ۸۶۹: هرگاه دیوار یا بنایی که ساقط‌شده از بناهای عمومی و دولتی باشد، متولی و مسؤول آن ضامن است.

نکته ۸۷۰: هرگاه شخصی دیوار یا بنای دیگری را بدون اذن او متمایل به سقوط نماید، عهده‌دار صدمه و خسارت ناشی از سقوط آن است.

نکته ۸۷۱: هرگاه شخصی در ملک خود یا مکان مجاز دیگری، آتشی روشن کند و بداند که به جایی سرایت نمی‌کند و غالباً نیز سرایت نکند لکن اتفاقاً به جایی دیگر سرایت نماید و موجب خسارت و صدمه گردد ضمان ثابت نیست و در غیر این صورت ضامن است.

نکته ۸۷۲: متصرف هر حیوانی که از احتمال حمله آن آگاه است باید آن را حفظ نماید و اگر در اثر تقصیر او، حیوان مزبور به دیگری صدمه وارد سازد، ضامن است.

نکته ۸۷۳: متصرف هر حیوانی اگر از احتمال حمله حیوان آگاه نبوده و عدم آگاهی ناشی از تقصیر او نباشد و حیوان مزبور به دیگری صدمه وارد سازد، ضامن نیست.

نکته ۸۷۴: نگهداری حیوانی که شخص توانایی حفظ آن را ندارد، تقصیر محسوب می‌شود.

- نکته ۸۷۵:** نگهداری هر وسیله یا شئی خطرناکی که دیگران را در معرض آسیب قرار دهد و شخص قادر به حفظ و جلوگیری از آسیب‌رسانی آن نباشد، تقصیر محسوب می‌شود.
- نکته ۸۷۶:** هرگاه شخصی با اذن کسی که حق اذن دارد، وارد منزل یا محلی که در تصرف اوست، گردد و از ناحیه حیوان یا شئی که در آن مکان است صدمه و خسارت ببیند، اذن‌دهنده ضامن است، خواه آن شئی یا حیوان قبل از اذن در آن محل بوده یا بعداً در آن قرار گرفته باشد و خواه اذن‌دهنده نسبت به آسیب‌رسانی آن علم داشته باشد خواه نداشته باشد.
- نکته ۸۷۷:** در مواردی که آسیب مستند به مصدوم باشد مانند آن که واردشونده بداند حیوان مزبور خطرناک است و اذن‌دهنده از آن آگاه نیست و یا قادر به رفع خطر نمی‌باشد، ضمان منتفی است.
- نکته ۸۷۸:** هرگاه کسی که سوار حیوان است آن را در معابر عمومی یا دیگر محل‌های غیرمجاز متوقف نماید در مورد تمام خسارت‌هایی که آن حیوان وارد می‌کند و مستند به فعل شخص مزبور می‌باشد ضامن است و چنانچه مهار حیوان در دست دیگری باشد مهارکننده به ترتیب فوق ضامن است.
- نکته ۸۷۹:** هرگاه شخصی عملی انجام دهد که موجب تحریک یا وحشت حیوان گردد ضامن جنایت‌هایی است که حیوان در اثر تحریک یا وحشت وارد می‌کند مگر آن که عمل مزبور مصداق دفاع مشروع باشد.
- نکته ۸۸۰:** هرگاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی، تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد به طور مساوی ضامن می‌باشند مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هر یک به میزان تأثیر رفتارشان مسؤول هستند. در صورتی که مباشر در جنایت بی‌اختیار، جاهل، صغیر غیرممیز یا مجنون و مانند آنها باشد، فقط سبب؛ ضامن است.
- نکته ۸۸۱:** هرگاه دو نفر بر اثر برخورد بی‌واسطه با یکدیگر کشته شوند یا آسیب ببینند، چنانچه میزان تأثیر آنها در برخورد، مساوی باشد در مورد جنایت شبه‌عمدی نصف دیه هرکدام از مال دیگری و در مورد خطای محض نصف دیه هر کدام به‌وسیله عاقله دیگری پرداخت می‌شود و اگر تنها یکی از آنها کشته شود یا آسیب ببیند، حسب مورد عاقله یا خود مرتکب، نصف دیه را باید به مَجْنُیِّ عَلَیْهِ یا اولیای دم او بپردازند.
- نکته ۸۸۲:** هرگاه در اثر برخورد دو وسیله نقلیه زمینی، آبی یا هوایی، راننده یا سرنشینان آنها کشته شوند یا آسیب ببینند در صورت انتساب برخورد به هر دو راننده، هر یک مسؤول نصف دیه راننده مقابل و سرنشینان هر دو وسیله نقلیه است و چنانچه سه وسیله نقلیه با هم برخورد کنند هر یک از رانندگان مسؤول یک سوم دیه راننده‌های مقابل و سرنشینان هر سه وسیله نقلیه می‌باشد و به همین صورت در وسایل نقلیه بیشتر، محاسبه می‌شود.
- نکته ۸۸۳:** هرگاه در تصادف یکی از طرفین مقصر باشد به گونه‌ای که برخورد به او مستند شود، فقط او ضامن است.
- نکته ۸۸۴:** در کلیه مواردی که تقصیر موجب ضمان مدنی یا کیفری است، دادگاه موظف است استناد نتیجه حاصله به تقصیر مرتکب را احراز نماید.
- نکته ۸۸۵:** هرگاه برخورد بین دو یا چند نفر یا وسیله نقلیه بر اثر عوامل قهری مانند سیل و طوفان به وجود آید، ضمان منتفی است.
- نکته ۸۸۶:** در موارد برخورد هرگاه حادثه به یکی از طرفین مستند باشد مثل این که حرکت یکی از طرفین به قدری ضعیف باشد که اثری بر آن مترتب نگردد، تنها درباره طرفی که حادثه مستند به او است، ضمان ثابت است.
- نکته ۸۸۷:** در برخورد دو وسیله نقلیه هرگاه رفتار هر دو یا یکی از آنها مشمول تعریف جنایات عمدی گردد حسب مورد به قصاص یا دیه حکم می‌شود.
- نکته ۸۸۸:** هرگاه دو یا چند نفر به نحو شرکت سبب وقوع جنایت یا خسارتی بر دیگری گردند به طوری که آن جنایت یا خسارت به هر دو یا همگی مستند باشد، به طور مساوی ضامن می‌باشند.
- نکته ۸۸۹:** هرگاه بر اثر ایجاد مانع یا سببی دو یا چند نفر یا وسیله نقلیه با هم برخورد کنند و به علت برخورد آسیب ببینند و یا کشته شوند، مسبب ضامن است.
- نکته ۸۹۰:** هرگاه دو یا چند نفر با انجام عمل غیرمجاز در وقوع جنایتی به نحو سبب و به‌صورت طولی دخالت داشته باشند کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب یا اسباب دیگر باشد، ضامن است مانند آن که یکی از آنان گودالی حفر کند و دیگری سنگی در کنار آن قرار دهد و عابری به سبب برخورد با سنگ به گودال بیفتد که در این صورت، کسی که سنگ را گذاشته، ضامن است مگر آنکه همه قصد ارتکاب جنایت را داشته باشند که در این صورت شرکت در جرم محسوب می‌شود.
- نکته ۸۹۱:** هرگاه در مورد نکته قبل عمل یکی از دو نفر غیرمجاز و عمل دیگری مجاز باشد مانند آن که شخصی وسیله یا چیزی را در کنار معبر عمومی که مجاز است، قرار دهد و دیگری کنار آن چاهی حفر کند که مجاز نیست، شخصی که عملش غیرمجاز بوده، ضامن است.
- نکته ۸۹۲:** در خصوص دو نکته قبلی اگر عمل شخصی پس از عمل نفر اول و با توجه به این که ایجاد آن سبب در کنار سبب اول موجب صدمه زدن به دیگران می‌شود انجام گرفته باشد، نفر دوم ضامن است.

نکته ۸۹۳: هرگاه جنایت منحصرأ مستند به عمد و یا تقصیر مَجْنِيٌّ عَلَيه باشد ضمان ثابت نیست.

نکته ۸۹۴: در مواردی که اصل جنایت مستند به عمد یا تقصیر مرتکب باشد لکن سرایت آن مستند به عمد یا تقصیر مَجْنِيٌّ عَلَيه باشد مرتکب نسبت به مورد سرایت ضامن نیست.

نکته ۸۹۵: در تعدد جنایات، اصل بر تعدد دیات و عدم تداخل آنها است مگر مواردی که در این قانون خلاف آن مقرر شده است.

نکته ۸۹۶: هرگاه در اثر یک ضربه یا هر رفتار دیگر، آسیب‌های متعدد در اعضای بدن به‌وجود آید چنانچه هر یک از آنها در اعضای مختلف باشد یا همه در یک عضو بوده ولی نوع هر آسیبی غیر از نوع دیگری باشد و یا از یک نوع بوده ولکن در دو یا چند محل جداگانه از یک عضو باشد، هر آسیب دیه جداگانه دارد.

نکته ۸۹۷: هرگاه در اثر رفتارهای متعدد، آسیب‌های متعدد ایجاد شود هر آسیبی دیه جداگانه دارد.

نکته ۸۹۸: هرگاه در اثر یک یا چند رفتار، منافع متعدد زائل یا ناقص شود مانند این که در اثر ضربه به سر، بینایی، شنوایی و عقل کسی از بین برود یا کم شود، هر یک دیه جداگانه دارد.

نکته ۸۹۹: هرگاه یک استخوان از چند نقطه جدای از هم بشکند یا خرد شود یا ترک بخورد، در صورتی که عرفاً جنایت‌های متعدد محسوب گردد، هر یک دیه جداگانه دارد هر چند با یک ضربه به وجود آید و مجموع دیه جنایت‌های مزبور از دیه عضو هم بیشتر باشد.

نکته ۹۰۰: هرگاه صدمه بر استخوان، موجب نقص عضو یا صدمه دیگری گردد، هر یک دیه جداگانه‌ای دارد.

نکته ۹۰۱: هرگاه بر اثر یک یا چند ضربه، علاوه بر دررفتگی مفصل، استخوان نیز بشکند یا ترک بخورد، دو جنایت محسوب می‌شود و هر یک دیه یا آرش جداگانه دارد.

نکته ۹۰۲: اگر بر اثر ضربه‌ای، هم استخوان بشکند و هم جراحی مانند موضحه یا نافذه و یا جائفه در بدن ایجاد شود دو جنایت محسوب می‌شود و هر یک دیه یا آرش جداگانه دارد.

نکته ۹۰۳: هرگاه کسی چشم و پلک را یکجا از بین ببرد، هر یک دیه جداگانه دارد.

نکته ۹۰۴: هرگاه آسیب‌رساندن به گوش به حس شنوایی سرایت کند یا موجب سرایت به استخوان و شکستگی آن شود هر کدام دیه جداگانه‌ای دارد.

نکته ۹۰۵: دیه فک، مستقل از دیه دندان و سایر اعضاء است و اگر با فک، دندان یا غیر آن از بین برود یا آسیب ببیند هر کدام دیه یا آرش جداگانه دارد.

نکته ۹۰۶: هرگاه قطع نخاع موجب عیب عضو دیگر شود، حسب مورد دیه یا آرش آن عضو بر دیه نخاع افزوده می‌شود.

نکته ۹۰۷: هرگاه در اثر صدمه‌ای مانند شکستن سر یا صورت، عقل زائل شود یا نقصان یابد، هر یک دیه یا آرش جداگانه‌ای دارد.

نکته ۹۰۸: هرگاه با قطع یا از بین بردن گوش و یا هر جنایت دیگری شنوایی از بین برود یا نقصان یابد هر یک از جنایت‌ها، دیه یا آرش جداگانه دارد.

نکته ۹۰۹: هرگاه در اثر بریدن یا از بین بردن بینی یا جنایت دیگری حس بویایی نیز از بین برود یا نقصان یابد هر جنایت، دیه یا آرش جداگانه دارد.

نکته ۹۱۰: در صورتی که جنایت، علاوه بر زوال صوت، موجب زوال نطق نیز گردد، دو دیه ثابت می‌شود.

نکته ۹۱۱: هرگاه مَجْنِيٌّ عَلَيه در اثر سرایت صدمه یا صدمات غیر عمدی فوت نماید یا عضوی از اعضای او قطع شود یا آسیب بزرگتری ببیند در صورتی که صدمه وارده یکی باشد، تنها دیه نفس یا عضو یا آسیب بزرگتر ثابت می‌شود.

نکته ۹۱۲: هرگاه مَجْنِيٌّ عَلَيه در اثر سرایت صدمه یا صدمات غیر عمدی فوت نماید یا عضوی از اعضای او قطع شود یا آسیب بزرگتری ببیند در صورت تعدد صدمات چنانچه مرگ یا قطع عضو یا آسیب بیشتر، در اثر سرایت تمام صدمات باشد، تنها دیه نفس یا عضو یا آسیب بزرگتر ثابت می‌شود.

نکته ۹۱۳: هرگاه مَجْنِيٌّ عَلَيه در اثر سرایت صدمه یا صدمات غیر عمدی فوت نماید یا عضوی از اعضای او قطع شود یا آسیب بزرگتری ببیند در صورت تعدد صدمات اگر مرگ یا قطع عضو یا آسیب بزرگتر در اثر سرایت برخی از صدمات باشد، دیه صدمات مسری در دیه نفس یا عضو یا آسیب بزرگتر تداخل می‌کند و دیه صدمات غیر مسری، جداگانه محاسبه و مورد حکم واقع می‌شود.

نکته ۹۱۴: هرگاه صدمه وارده عمدی باشد و نوعاً کشنده یا موجب قطع عضو یا آسیب بیشتر نباشد لکن اتفاقاً سرایت کند، علاوه بر حق قصاص یا دیه، نسبت به جنایت عمدی کمتر، حسب مورد دیه جنایت بیشتر نیز باید پرداخت شود مانند این که شخصی عمداً انگشت دیگری را قطع کند و اتفاقاً این قطع سرایت کند و موجب فوت مَجْنِيٌّ عَلَيه یا قطع دست او گردد، علاوه بر حق قصاص یا دیه انگشت، حسب مورد دیه نفس یا دیه دست مَجْنِيٌّ عَلَيه نیز باید پرداخت شود.

نکته ۹۱۵: در صورت وجود مجموع شرایط چهارگانه ذیل، دیه آسیب‌های متعدد تداخل می‌کند و تنها دیه یک آسیب ثابت می‌شود:

الف - همه آسیب‌های ایجاد شده مانند شکستگی‌های متعدد یا جراحات متعدد از یک نوع باشد.

ب - همه آسیب‌ها در یک عضو باشد.

پ- آسیب‌ها متصل به هم یا به گونه‌ای نزدیک به هم باشد که عرفاً یک آسیب محسوب شود.

ت- مجموع آسیب‌ها با یک رفتار مرتکب به وجود آید.

نکته ۹۱۶: از بین بردن یا بیرون آوردن چشم از حدقه فقط یک دیه دارد و از بین رفتن بینایی، دیه دیگری ندارد لکن اگر در اثر صدمه دیگری مانند شکستن سر، بینایی نیز از بین برود یا نقصان یابد، هرکدام حسب مورد دیه یا آرش جداگانه دارد.

نکته ۹۱۷: هرگاه با قطع تمام زبان، حس چشایی از بین برود، فقط دیه قطع زبان پرداخت می‌شود و اگر با قطع بخشی از زبان، چشایی از بین برود یا نقصان یابد، در صورتی که چشایی از بین رفته مربوط به همان قسمت زبان باشد، هرکدام از آرش چشایی و دیه زبان که بیشتر باشد، باید پرداخت شود و اگر چشایی از بین رفته مربوط به همان قسمت از زبان نباشد، آرش چشایی و دیه زبان جداگانه باید پرداخت شود مگر این که از دیه کامل بیشتر باشد که در این صورت فقط به میزان دیه کامل پرداخت می‌شود و اگر با جنایت بر غیر زبان، چشایی از بین برود یا نقصان پیدا کند، دیه یا آرش آن جنایت بر آرش چشایی افزوده می‌گردد.

نکته ۹۱۸: هرگاه منفعتی قائم به عضوی باشد در جنایت بر آن عضو که منجر به زوال یا اختلال منفعت گردد تنها دیه بیشتر ثابت می‌شود ولی اگر منفعت قائم به آن عضو نبوده و میان از بین رفتن عضو و زوال منفعت ملازمه نباشد، اگر چه وجود آن عضو در تقویت و تسهیل منفعت مؤثر باشد، مانند لاله گوش و بینی که در تقویت شنوایی و بویایی مؤثرند و به سبب قطع لاله گوش یا بینی، شنوایی یا بویایی نیز زائل یا ناقص گردد، هر کدام دیه جداگانه دارد.

نکته ۹۱۹: چنانچه به سبب ایراد ضربه یا جراحت، صدمه بزرگتری به وجود آید مانند این که با شکستن سر، عقل زائل شود، هرگاه آن جراحت علت و سبب زوال یا نقصان منفعت باشد اگر با یک ضربه یا جراحت واقع شده باشد دیه ضربه یا جراحت در دیه بیشتر تداخل می‌کند و تنها دیه زوال یا نقصان منفعت که بیشتر است پرداخت می‌شود و چنانچه زوال منفعت یا نقصان آن با ضربه یا جراحت دیگری غیر از ضربه‌ای که جراحت را ایجاد کرده است، واقع شده باشد و یا ضربه یا جراحت وارده علت زوال یا نقصان منفعت به گونه‌ای که لازم و ملزوم یکدیگرند، نباشد و اتفاقاً با آن ضربه و جراحت، منفعت نیز زائل گردد یا نقصان یابد، ضربه یا جراحت و منفعت، هرکدام دیه جداگانه دارد.

نکته ۹۲۰: هرگاه جراحت عمیقی مانند منقله و یا جائفه یک‌باره واقع شود، تنها دیه همان جراحت عمیق پرداخت می‌شود و اگر به تدریج واقع شود یعنی ابتدا جراحت خفیف‌تر مانند موضحه و سپس جراحت شدیدتر مانند منقله ایجاد شود، چنانچه به سبب سرایت جراحت اول باشد تنها دیه جراحت شدیدتر پرداخت می‌شود و در صورتی که به سبب ضربه دیگری باشد، خواه دو ضربه از یک نفر خواه از چند نفر باشد، هر یک از دو جراحت، دیه جداگانه دارد.

نکته ۹۲۱: در اعضاء و منافع، مقدار آرش یک جنایت، بیش از دیه مُقَدَّر برای آن عضو یا منفعت نیست و چنانچه به سبب آن جنایت، منفعت یا عضو دیگری از بین رود یا عیبی در آنها ایجاد شود، برای هر آسیب دیه جداگانه‌ای تعیین می‌گردد.

نکته ۹۲۲: موارد دیه کامل همان است که در مقررات شرع تعیین شده است و میزان آن در ابتدای هر سال توسط رئیس قوه قضائیه به تفصیل بر اساس نظر مقام رهبری تعیین و اعلام می‌شود.

نکته ۹۲۳: دیه قتل زن، نصف دیه مرد است.

نکته ۹۲۴: دیه خنثای ملحق به مرد، دیه مرد است.

نکته ۹۲۵: دیه خنثای ملحق به زن، دیه زن است.

نکته ۹۲۶: دیه خنثای مشکل، نصف دیه مرد به علاوه نصف دیه زن است.

نکته ۹۲۷: در کلیه جنایاتی که مَجْنُوعٌ عَلَیْهِ مرد نیست، معادل تفاوت دیه تا سقف دیه مرد از صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پرداخت می‌شود.

نکته ۹۲۸: شخص متولد از زنا در صورتی که هر دو یا یکی از طرفین زنا مسلمان باشند، در احکام دیه مانند مسلمان است.

نکته ۹۲۹: وارث دیه شخص متولد از زنا در صورتی که فرزند و همسر نداشته باشد و زنا از هر دو طرف با رضایت صورت گرفته باشد، مقام رهبری است و چنانچه یکی از طرفین شبهه داشته یا اکراه شده باشد، همان طرف یا اقوام او، وارث دیه می‌باشند.

نکته ۹۳۰: بر اساس نظر حکومتی مقام رهبری، دیه جنایت بر اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به اندازه دیه مسلمان تعیین می‌گردد.

نکته ۹۳۱: در جنایت غیرعمدی بر اعضاء و جنایت عمدی که قصاص ندارد یا قصاص در آن ممکن نیست یا بر دیه، مصالحه شده و مقدار آن مشخص نشده است به شرح مقرر قانون مجازات اسلامی دیه ثابت می‌شود.

نکته ۹۳۲: هرگاه در اثر جنایت صدمه‌ای بر عضو یا منافع وارد آید چنانچه برای آن جنایت در شرع دیه مقدر یا نسبت معینی از آن به شرح مندرج در این قانون مقرر شده باشد مقدار مقرر و چنانچه شرعاً مقدار خاصی برای آن تعیین نشده آرش آن قابل مطالبه است.

- نکته ۹۳۳:** دیه زن و مرد در اعضاء و منافع تا کمتر از ثلث دیه کامل مرد یکسان است و چنانچه ثلث یا بیشتر شود دیه زن به نصف تقلیل می‌یابد.
- نکته ۹۳۴:** هرگاه در اثر یک یا چند ضربه، آسیب‌های متعددی بر یک یا چند عضو وارد شود، ملاک رسیدن دیه به ثلث، دیه هر آسیب به طور جداگانه است مگر این که آسیب‌های وارده بر عضو، عرفاً یک آسیب و جنایت محسوب شود.
- نکته ۹۳۵:** در موارد آرش فرقی میان زن و مرد نیست لکن میزان آرش جنایت وارده بر اعضاء و منافع زن نباید بیش از دیه اعضاء و منافع او باشد، اگر چه مساوی با آرش همان جنایت در مرد باشد.
- نکته ۹۳۶:** از بین بردن هر یک از اعضاء فرد و هر دو عضو از اعضاء زوج، دیه کامل و از بین بردن هر یک از اعضاء زوج، نصف دیه کامل دارد. خواه عضو مزبور از اعضاء داخلی بدن باشد خواه از اعضاء ظاهری مگر این که در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.
- نکته ۹۳۷:** فلج کردن عضو دارای دیه معین، دوسوم دیه آن عضو و از بین بردن عضو فلج، یک سوم دیه همان عضو را دارد. در فلج کردن نسبی عضو که درصدی از کارایی آن از بین می‌رود، با توجه به کارایی از دست رفته، آرش تعیین می‌گردد.
- نکته ۹۳۸:** از بین بردن قسمتی از عضو یا منفعت دارای دیه مقرر به همان نسبت دیه دارد به این ترتیب که از بین بردن نصف آن به میزان نصف و از بین بردن یک‌سوم آن به میزان یک‌سوم دارای دیه است مگر این که در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.
- نکته ۹۳۹:** در مواردی که نسبت از بین رفته قابل تشخیص نباشد، آرش تعیین می‌شود.
- نکته ۹۴۰:** هرگاه جنایت، عضو را در وضعیتی قرار دهد که به تشخیص کارشناس، مَجْنُیْ عَلَیْهِ ناگزیر از قطع آن باشد دیه قطع عضو ثابت می‌شود.
- نکته ۹۴۱:** دیه اعضائی که با پیوند و امثال آن در محل عضو از بین رفته، قرار گرفته است و مانند عضو اصلی دارای حیات می‌شوند به میزان دیه عضو اصلی است و اگر دارای حیات گردد ولی از جهت دیگری معیوب شود، دیه عضو معیوب را دارد.
- نکته ۹۴۲:** از بین بردن اعضاء مصنوعی، تنها موجب ضمان مالی است.
- نکته ۹۴۳:** در مواردی که رفتار مرتکب نه موجب آسیب و عیبی در بدن گردد و نه اثری از خود در بدن بر جای بگذارد ضمان منتفی است لکن در موارد عمدی در صورت عدم تصالح، مرتکب به حبس یا شلاق تعزیری درجه هفت محکوم می‌شود.
- نکته ۹۴۴:** دیه شکستن، ترک برداشتن و خردشدن استخوان هر عضو دارای دیه مقرر به شرح زیر است:
- الف- دیه شکستن استخوان هر عضو یک‌پنجم دیه آن عضو و اگر بدون عیب درمان شود چهارپنجم دیه شکستن آن است.
- ب- دیه خردشدن استخوان هر عضو یک‌سوم دیه آن عضو و اگر بدون عیب درمان شود چهارپنجم دیه خردشدن آن استخوان است.
- پ- دیه ترک برداشتن استخوان هر عضو چهارپنجم دیه شکستن آن عضو است.
- ت- دیه جراحی که به استخوان نفوذ کند بدون آن که موجب شکستگی آن گردد و نیز دیه موضعه آن، یک‌چهارم دیه شکستگی آن عضو است.
- نکته ۹۴۵:** پیوند خوردن عضو پس از جنایت تأثیری در دیه ندارد.
- نکته ۹۴۶:** کندن و یا از بین بردن تمام موی سر یا ریش مرد، در صورتی که دیگر نروید، دیه کامل دارد.
- نکته ۹۴۷:** کندن و یا از بین بردن تمام موی سر یا ریش مرد، در صورتی که دوباره برآید، نسبت به موی سر، آرش و نسبت به ریش یک‌سوم دیه کامل ثابت دارد.
- نکته ۹۴۸:** کندن و یا از بین بردن تمام موی سر زن، در صورتی که دیگر نروید، موجب دیه کامل زن است.
- نکته ۹۴۹:** کندن و یا از بین بردن تمام موی سر زن، در صورتی که دوباره برآید، موجب مهرالمثل است. اگر مهرالمثل بیش از دیه کامل زن باشد فقط به مقدار دیه کامل زن، پرداخت می‌شود.
- نکته ۹۵۰:** در خصوص چهار نکته قبلی فرقی میان موی کمپشت و پرپشت و کودک و بزرگسال نیست.
- نکته ۹۵۱:** درآوردن و یا از بین بردن دو چشم بینا دیه کامل و هر یک از آنها نصف دیه دارد. چشم‌هایی که بینایی دارند در این حکم یکسان‌اند هر چند میزان بینایی آنها متفاوت باشد یا از جهات دیگر مانند شب‌کوری و منحرف بودن با هم فرق داشته باشند.
- نکته ۹۵۲:** هرگاه لکه دائمی موجود در چشم مانع بینایی قسمتی از چشم گردد، در صورتی که تعیین مقدار آن ممکن باشد به همان نسبت از دیه کسر و در غیر این صورت، آرش پرداخت می‌شود.
- نکته ۹۵۳:** درآوردن و یا از بین بردن چشم بینای کسی که فقط یک چشم بینا دارد و چشم دیگرش نابینای مادرزادی و یا به علل غیر جنایی از بین رفته باشد موجب دیه کامل است لکن اگر چشم دیگرش را در اثر قصاص یا جنایتی که استحقاق دیه آن را داشته است از دست داده باشد دیه چشم بینا، نصف دیه کامل می‌باشد.
- نکته ۹۵۴:** دیه درآوردن و یا از بین بردن هر چشمی که بینایی ندارد یک‌ششم دیه کامل است.

- نکته ۹۵۵:** دیه مجموع چهار پلک دو چشم، دیه کامل، دیه هر یک از پلک‌های بالا، یک‌ششم دیه کامل و دیه هر یک از پلک‌های پایین، یک‌چهارم دیه کامل است.
- نکته ۹۵۶:** شکافتن هر یک از پلک‌های بالا، موجب یک‌ششم دیه و شکافتن هر یک از پلک‌های پایین، موجب یک‌چهارم دیه است.
- نکته ۹۵۷:** قطع کردن و یا از بین بردن تمام بینی یا نرمه‌ای که پایین استخوان بینی است دیه کامل دارد. از بین بردن تمام نرمه با تمام یا مقداری از استخوان بینی در صورتی که در یک دفعه باشد، موجب دیه کامل است لکن اگر نرمه بینی در یک دفعه و تمام یا مقداری از استخوان بینی در دفعه دیگر از بین برود، برای نرمه دیه کامل و برای استخوان، آرش تعیین می‌شود.
- نکته ۹۵۸:** دیه از بین بردن نوک بینی که محل چکیدن خون است، نصف دیه کامل می‌باشد.
- نکته ۹۵۹:** از بین بردن دو لاله گوش، دیه کامل و از بین بردن هر یک از آنها نصف دیه کامل دارد.
- نکته ۹۶۰:** از بین بردن نرمه هر گوش، موجب یک‌ششم دیه کامل است.
- نکته ۹۶۱:** پاره کردن پرده گوش، موجب آرش است و اگر در اثر آن حس شنوایی نیز از بین برود یا نقصان پیدا کند، دیه آن نیز باید پرداخت شود.
- نکته ۹۶۲:** از بین بردن دو لب، دیه کامل و هر یک، نصف دیه کامل دارد و دیه از بین بردن مقداری از لب به نسبت تمام لب محاسبه می‌شود.
- نکته ۹۶۳:** حدود لب بالا از نظر عرض، مقداری است که لثه را می‌پوشاند و به دو روزنه و دیواره بینی متصل و طول آن همان طول دهان است و حدود لب پایین از نظر عرض، مقداری است که لثه را می‌پوشاند و طول آن همان طول دهان است. حاشیه گونه‌ها جزء لب‌ها محسوب نمی‌شود.
- نکته ۹۶۴:** قطع و یا از بین بردن تمام زبان گویا موجب دیه کامل است و دیه از بین بردن قسمتی از آن به نسبت گویایی از بین رفته است که با تقسیم تمام دیه به حروف محاسبه می‌شود.
- نکته ۹۶۵:** دیه از بین بردن ادای هر حرف با توجه به حروف زبان تکلم مَجْنُئٌ عَلَیْهِ تعیین می‌شود مانند این که از بین بردن قدرت ادای یک حرف شخص فارسی‌زبان، یک‌سی‌ودوم دیه کامل است.
- نکته ۹۶۶:** شخصی که دارای لکنت زبان است و یا به کندی یا تندى سخن می‌گوید یا برخی از حروف را نمی‌تواند تلفظ کند، گویا محسوب می‌شود.
- نکته ۹۶۷:** قطع و از بین بردن تمام زبان لال موجب یک‌سوم دیه کامل است و از بین بردن مقداری از آن، موجب همان مقدار دیه به نسبت مساحت تمام زبان است.
- نکته ۹۶۸:** لال اعم از مادرزادی و عارضی است لکن کسی که به واسطه عارضه‌ای به طور موقت قادر به سخن گفتن نیست، گویا محسوب می‌شود.
- نکته ۹۶۹:** قطع و از بین بردن تمام زبان کودکی که زمان سخن گفتن او فرا نرسیده، موجب دیه کامل است لکن اگر بعداً معلوم شود که لال بوده است، مازاد بر یک‌سوم دیه مسترد می‌شود.
- نکته ۹۷۰:** از بین بردن تمام دندان‌های دائم بیست‌وهشت‌گانه دیه کامل دارد که به ترتیب زیر توزیع می‌شود:
- الف- دندان‌های جلو که عبارت‌اند از: پیش، چهارتایی و نیش که از هرکدام دو عدد در بالا و دو عدد در پایین می‌روید و جمعاً دوازده عدد است، هرکدام یک‌بیستم دیه کامل دارد.
- ب- دندان‌های عقب که در چهار سمت پایانی از بالا و پایین در هرکدام یک ضاحک و سه ضرس قرار دارد و جمعاً شانزده عدد است، هرکدام یک‌چهلیم دیه کامل دارد.
- نکته ۹۷۱:** دندان‌های اضافی به هر نام که باشد و به هر نحو که روییده باشد اگر در کندن آنها نقصی حاصل شود، آرش ثابت می‌گردد و اگر هیچ‌گونه نقصی حاصل نشود آرش نیز ندارد.
- نکته ۹۷۲:** هرگاه در کندن دندان زائد نقصی حاصل نشود لکن جراحی به وجود آید، برای جراحی مزبور، آرش ثابت است.
- نکته ۹۷۳:** هرگاه در مورد این که دندان کنده‌شده اصلی است یا زائد، تردید وجود داشته باشد و با رجوع به کارشناس، زائد یا اصلی بودن آن مشخص نشود، اقل‌الامرین از دیه دندان اصلی و آرش دندان زائد پرداخت می‌شود.
- نکته ۹۷۴:** هرگاه دندان‌های اصلی دائمی از بیست‌وهشت عدد کمتر باشد به همان نسبت از دیه کامل کاهش می‌یابد خواه خلقتاً کمتر باشد یا در اثر عارضه ای کم شده باشد.
- نکته ۹۷۵:** در میزان دیه تفاوتی میان دندان‌هایی که رنگ‌های گوناگون دارند، وجود ندارد و اگر دندانی در اثر جنایت، سیاه شود و نیفتد دیه آن دوسوم دیه همان دندان است و دیه دندانی که قبلاً سیاه شده است، یک‌سوم دیه همان دندان است.

- نکته ۹۷۶:** در تغییر رنگ دندان، بدون آن که سیاه شود یا منفعت آن از بین برود، آرش ثابت است و اگر پس از آن شخصی دندان مزبور را بکند، باید دیه کامل همان دندان را بدهد.
- نکته ۹۷۷:** ایجاد ترک یا لق کردن دندان هرگاه در حکم از بین بردن آن باشد، موجب دیه همان دندان و در غیر این صورت موجب آرش است.
- نکته ۹۷۸:** کندن دندان لق یا ترک خورده که منفعت آن باقی است، موجب دیه همان دندان و در غیر این صورت موجب آرش است.
- نکته ۹۷۹:** کج شدن و خمیدگی گردن در اثر شکستگی در صورت عدم بهبودی و باقیماندن این حالت موجب دیه کامل و در صورت بهبودی و زوال حالت خمیدگی و کج شدگی موجب آرش است.
- نکته ۹۸۰:** شکستگی گردن بدون کج شدن و خمیدگی آن موجب آرش است.
- نکته ۹۸۱:** جنایت بر گردن که مانع فروردن یا جویدن غذا و یا نقص آن و یا مانع حرکت گردن شود موجب آرش است.
- نکته ۹۸۲:** قطع کردن و یا از بین بردن دو استخوان چپ و راست فک که محل رویش دندان‌های پایین است، دیه کامل، هرکدام از آنها نصف دیه کامل و مقداری از آنها به همان نسبت دیه دارد.
- نکته ۹۸۳:** فلج کردن فک پایین، دوسوم دیه کامل و قطع فک فلج، یکسوم دیه کامل دارد.
- نکته ۹۸۴:** قطع کردن و یا از بین بردن هر یک از دست‌ها از مفصل میچ به شرط آن که دارای انگشتان کامل باشد، موجب نصف دیه کامل است خواه مَجْنیِّ عَلَیْهِ دارای دو دست و خواه به هر علت دارای یک دست باشد.
- نکته ۹۸۵:** قطع تمام انگشتان یک دست از انتهای انگشتان یا تا میچ، موجب نصف دیه کامل است.
- نکته ۹۸۶:** قطع کردن و یا از بین بردن کف دستی که به هر علت دارای انگشت نمی‌باشد، موجب آرش است.
- نکته ۹۸۷:** قطع دست دارای ساعد از آرنج، خواه دارای کف باشد خواه نباشد نصف دیه کامل دارد و قطع دست دارای بازو از شانه، خواه دارای آرنج باشد خواه نباشد، نصف دیه کامل دارد.
- نکته ۹۸۸:** دیه هر یک از انگشتان اصلی دست، یکدهم دیه کامل است.
- نکته ۹۸۹:** بریدن یا از بین بردن هر بند انگشت غیر شست، موجب یکسوم دیه آن انگشت و هر بند انگشت شست، موجب نصف دیه شست است.
- نکته ۹۹۰:** دیه فلج کردن هر دست دوسوم دیه دست، دیه فلج کردن هر انگشت دوسوم دیه همان انگشت، دیه قطع دست فلج یکسوم دیه دست و دیه قطع انگشت فلج یکسوم دیه همان انگشت است.
- نکته ۹۹۱:** احکام مذکور در دیه دست و انگشتان آن، در پا و انگشتان آن نیز جاری است.
- نکته ۹۹۲:** دیه شکستن ستون فقرات به ترتیب ذیل است:
- الف- شکستن ستون فقرات در صورتی که اصلاً درمان نشود و یا بعد از علاج به صورت خمیده درآید، موجب دیه کامل است.
- ب- شکستن ستون فقرات که بی‌عیب درمان شود ولی موجب از بین رفتن یکی از منافع گردد مانند این که مَجْنیِّ عَلَیْهِ توان راه رفتن یا نشستن نداشته باشد و یا توان جنسی یا کنترل ادرار وی از بین برود، موجب دیه کامل است.
- پ- شکستن ستون فقرات که درمان نشود و موجب عوارضی از قبیل موارد مندرج در بند (ب) شود، علاوه بر دیه کامل شکستگی ستون فقرات، موجب دیه یا آرش هر یک از عوارض حاصله نیز است.
- ت- شکستن ستون فقرات که بدون عیب درمان شود، موجب یکدهم دیه کامل است.
- ث- شکستن ستون فقرات که موجب فلج و بی‌حس شدن پاها گردد علاوه بر دیه ستون فقرات، موجب دوسوم دیه برای فلج دو پا نیز است.
- نکته ۹۹۳:** قطع نخاع دیه کامل و قطع جزئی از آن به نسبت مساحت عرض، دیه دارد.
- نکته ۹۹۴:** از بین بردن دو کپل به نحوی که به استخوان برسد، دیه کامل و هرکدام از آنها، نصف دیه کامل و قسمتی از آن، به همان نسبت دیه دارد.
- نکته ۹۹۵:** هرگاه صدمه‌ای که به حد فاصل بیضه‌ها و مقعد وارد شده است موجب عدم ضبط ادرار یا مدفوع یا هر دو گردد، یک دیه کامل دارد.
- نکته ۹۹۶:** دیه شکستن هر یک از دنده‌های محیط به قلب که از آن حفاظت می‌کند، یک‌چهارم دیه کامل و دیه شکستن هر یک از دنده‌های دیگر، یک صدم دیه کامل می‌باشد.
- نکته ۹۹۷:** کندن دنده موجب آرش است.
- نکته ۹۹۸:** قطع و از بین بردن دو استخوان ترقوه، موجب دیه کامل و هرکدام از آنها، موجب نصف دیه کامل است.
- نکته ۹۹۹:** هرگاه ازاله بکارت غیر همسر با مقاربت یا به هر وسیله دیگری و بدون رضایت صورت گرفته باشد موجب ضمان مهرالمثل است.
- نکته ۱۰۰۰:** هرگاه ازاله بکارت با مقاربت و با رضایت انجام گرفته باشد چیزی ثابت نیست.

نکته ۱۰۰۱: رضایت دختر نابالغ یا مجنون یا مکرهی که رضایت واقعی به زنا نداشته در حکم عدم رضایت است.

نکته ۱۰۰۲: هرگاه به همراه ازاله بکارت جنایت دیگری نیز به وجود آید مانند آن که مثانه آسیب دیده و شخص نتواند ادرار خود را ضبط کند، جنایت مزبور حسب مورد دیه یا آرش جداگانه دارد.

نکته ۱۰۰۳: افضای همسر به ترتیب ذیل موجب ضمان است:

الف- هرگاه همسر، بالغ و افضاء به سببی غیر از مقاربت باشد، دیه کامل زن باید پرداخت شود.

ب- هرگاه همسر، نابالغ و افضاء به سبب مقاربت جنسی باشد علاوه بر تمام مهر و دیه کامل زن، نفقه نیز تا زمان وفات یکی از زوجین بر عهده زوج است هر چند او را طلاق داده باشد.

نکته ۱۰۰۴: افضاء عبارت از یکی شدن دو مجرای بول و حیض یا حیض و غائط است.

نکته ۱۰۰۵: افضای غیر همسر، به ترتیب ذیل موجب ضمان است:

الف- هرگاه افضاء شده نابالغ یا مکره بوده و افضاء به سبب مقاربت باشد، علاوه بر مهرالمثل و دیه کامل زن، در صورت ازاله بکارت، آرش البکاره نیز ثابت خواهد بود و اگر افضاء به غیر مقاربت باشد، دیه کامل زن و در صورت ازاله بکارت، مهرالمثل نیز ثابت است.

ب- هرگاه افضاء با رضایت زن بالغ و از طریق مقاربت انجام گرفته باشد، تنها پرداخت دیه کامل زن ثابت خواهد بود.
پ- افضای ناشی از وطی به شبهه علاوه بر مهرالمثل و دیه، در صورت ازاله بکارت، موجب آرش البکاره نیز می‌باشد.

نکته ۱۰۰۶: قطع دو بیضه یک‌باره دیه کامل و قطع بیضه چپ، دو ثلث دیه و قطع بیضه راست، ثلث دیه دارد.

نکته ۱۰۰۷: فرقی در حکم مذکور بین جوان و پیر و کودک و بزرگ و عنین و سالم و مانند آن نیست.

نکته ۱۰۰۸: در قطع کردن شیر پستان زن یا از بین بردن قدرت تولید شیر یا متعذرکردن خروج شیر از پستان و یا ایجاد هر نقص دیگری در آن، آرش ثابت است.

نکته ۱۰۰۹: ادله اثبات دیه منافع، همان ادله اثبات دیه اعضاء است.

نکته ۱۰۱۰: در موارد اختلاف میان مرتکب و مَجْنُیِّ عَلَیْهِ در زوال منفعت یا نقصان آن، چنانچه از طریق اختیار و آزمایش، اقرار، بینه، علم قاضی یا قول کارشناس مورد وثوق، زوال یا نقصان منفعت ثابت نشود در صورت تحقق لوث، مَجْنُیِّ عَلَیْهِ می‌تواند با قسامه به نحوی که در دیه اعضاء مقرر است، دیه را ثابت کند و چنانچه نسبت به بازگشت منفعت زائل یا ناقص شده اختلاف باشد دیه با یک سوگند مَجْنُیِّ عَلَیْهِ ثابت می‌شود و نیازی به قسامه نیست.

نکته ۱۰۱۱: در مواردی که نظر کارشناسی بازگشت منفعت زائل یا ناقص شده در مدت معینی باشد چنانچه مَجْنُیِّ عَلَیْهِ قبل از مدت تعیین شده فوت کند دیه ثابت می‌شود.

نکته ۱۰۱۲: هرگاه جنایتی که موجب زوال یکی از منافع شده است، سرایت کند و سبب مرگ مَجْنُیِّ عَلَیْهِ شود دیه منفعت در دیه نفس تداخل می‌کند و تنها دیه نفس قابل مطالبه است.

نکته ۱۰۱۳: هرگاه در مهلتی که به طریق معتبری برای بازگشت منفعت زائل یا ناقص شده، تعیین گردیده، عضوی که منفعت، قائم به آن است از بین برود، به عنوان مثال چشمی که بینایی آن به طور موقت از بین رفته است از حدقه بیرون بیاید، مرتکب، فقط ضامن آرش زوال موقت آن منفعت است و چنانچه از بین رفتن آن عضو به سبب جنایت شخص دیگر باشد مرتکب دوم، ضامن دیه کامل آن عضو می‌باشد.

نکته ۱۰۱۴: زائل کردن عقل موجب دیه کامل و ایجاد نقص در آن موجب آرش است، خواه جنایت در اثر ایراد ضربه و جراحت و خواه ترساندن و مانند آن باشد.

نکته ۱۰۱۵: در صورتی که مَجْنُیِّ عَلَیْهِ دچار جنون ادواری شود آرش ثابت است.

نکته ۱۰۱۶: هرگاه در اثر جنایتی عقل زائل گردد و پس از دریافت دیه کامل عقل برگردد، دیه مسترد و آرش پرداخت می‌شود.

نکته ۱۰۱۷: جنایت بر کسی که در اغماء یا بیهوشی و مانند آن است از جهت احکام مربوط به قصاص و دیه، جنایت بر شخص هوشیار محسوب می‌شود.

نکته ۱۰۱۸: از بین بردن شنوایی هر دو گوش دیه کامل و از بین بردن شنوایی یک گوش نصف دیه کامل دارد هر چند شنوایی دو گوش به یک اندازه نباشد.

نکته ۱۰۱۹: از بین بردن شنوایی گوش شنوای شخصی که یکی از گوش‌های او نمی‌شنود، موجب نصف دیه کامل است.

نکته ۱۰۲۰: هرگاه کودکی که زمان سخن گفتن او فرا نرسیده است در اثر کر شدن نتواند سخن بگوید و یا کودکی که تازه زمان سخن گفتن او فرا رسیده است در اثر کر شدن نتواند کلمات دیگر را یاد گیرد و بر زبان آورد، علاوه بر دیه شنوایی، دیه یا آرش زوال یا نقص گفتار نیز، حسب مورد ثابت می‌شود.

نکته ۱۰۲۱: از بین بردن بینایی هر دو چشم دیه کامل و از بین بردن بینایی یک چشم نصف دیه کامل دارد.

- نکته ۱۰۲۲:** چشم‌هایی که بینایی دارند در حکم مذکور یکسان هستند هرچند میزان بینایی آنها متفاوت باشد یا از جهات دیگر مانند شب‌کوری و منحرف‌بودن با هم تفاوت داشته باشند.
- نکته ۱۰۲۳:** از بین بردن بینایی چشم کسی که فقط یک چشم بینا دارد و چشم دیگرش نابینای مادرزادی بوده و یا در اثر علل غیرجنایی از بین رفته باشد، موجب دیه کامل است لکن اگر چشم دیگرش را در اثر قصاص یا جنایتی که استحقاق دیه آن را داشته است، از دست داده باشد، دیه چشم بینا، نصف دیه کامل می‌باشد.
- نکته ۱۰۲۴:** از بین بردن کامل بویایی، موجب دیه کامل است و از بین بردن قسمتی از آن، آرش دارد.
- نکته ۱۰۲۵:** اگر در اثر جنایت، بویایی یکی از دو سوراخ بینی به طور کامل از بین برود نصف دیه کامل دارد.
- نکته ۱۰۲۶:** از بین بردن حس چشایی و نقصان آن، موجب آرش است.
- نکته ۱۰۲۷:** از بین بردن صوت به طور کامل به گونه‌ای که شخص نتواند صدایش را آشکار کند، دیه کامل دارد گرچه بتواند با اخفات و آهسته صدایش را برساند.
- نکته ۱۰۲۸:** از بین بردن گوپایی به طور کامل و بدون قطع زبان، دیه کامل و از بین بردن قدرت ادای برخی از حروف به همان نسبت دیه دارد.
- نکته ۱۰۲۹:** جنایتی که موجب عیبی در صوت مانند کاهش طنین صدا، گرفتگی آن و یا صحبت کردن از طریق بینی شود، آرش دارد.
- نکته ۱۰۳۰:** از بین بردن قدرت انزال یا تولید مثل مرد یا بارداری زن و یا از بین بردن لذت مقاربت زن یا مرد موجب آرش است.
- نکته ۱۰۳۱:** از بین بردن کامل قدرت مقاربت، موجب دیه کامل است.
- نکته ۱۰۳۲:** جراحات سر و صورت عبارت‌اند از: حارصه، دامیه، متلاحمه، سمحاق، موضحه، هاشمه، منقله، مأمومه و دامغه.
- نکته ۱۰۳۳:** حارصه: خراش پوست بدون آن که خون جاری شود، یک‌صدم دیه کامل.
- نکته ۱۰۳۴:** دامیه: جراحی که اندکی وارد گوشت شود و همراه با جریان کم یا زیاد خون باشد، دوصدم دیه کامل.
- نکته ۱۰۳۵:** متلاحمه: جراحی که موجب بریدگی عمیق گوشت شود لکن به پوست نازک روی استخوان نرسد، سه‌صدم دیه کامل.
- نکته ۱۰۳۶:** سمحاق: جراحی که به پوست نازک روی استخوان برسد، چهارصدم دیه کامل.
- نکته ۱۰۳۷:** موضحه: جراحی که پوست نازک روی استخوان را کنار بزند و استخوان را آشکار کند، پنج‌صدم دیه کامل.
- نکته ۱۰۳۸:** هاشمه: جنایتی که موجب شکستگی استخوان شود گرچه جراحی را تولید نکند، ده‌صدم دیه کامل.
- نکته ۱۰۳۹:** مَنقله: جنایتی که درمان آن جز با جابه‌جا کردن استخوان میسر نباشد، پانزده صدم دیه کامل.
- نکته ۱۰۴۰:** مأمومه: جراحی که به کیسه مغز برسد، یک‌سوم دیه کامل.
- نکته ۱۰۴۱:** دامغه: صدمه یا جراحی که کیسه مغز را پاره کند، که علاوه بر دیه مأمومه، موجب آرش پاره شدن کیسه مغز نیز می‌باشد.
- نکته ۱۰۴۲:** جراحات گوش، بینی، لب، زبان و داخل دهان، در غیر مواردی که برای آن دیه معین شده است، در حکم جراحات سر و صورت است.
- نکته ۱۰۴۳:** ملاک دیه در جراحات‌های مذکور، مقدار نفوذ جراحت بوده و طول و عرض آن تأثیری در میزان دیه ندارد.
- نکته ۱۰۴۴:** جراحات وارده به گردن، در حکم جراحات بدن است.
- نکته ۱۰۴۵:** هرگاه هر یک از جراحات‌های مذکور در فوق با یک ضربه به‌وجود آمده باشد که از حیث عمق متعدد باشد یک جراحت محسوب می‌شود و دیه جراحت بیشتر را دارد لکن اگر با چند ضربه ایجاد شود مانند این که با یک ضربه حارصه ایجاد شود و با ضربه دیگر آن جراحت به موضحه مبدل شود برای هر جراحت، دیه مستقل ثابت است، خواه مرتکب هر دو جنایت یک نفر خواه دو نفر باشد.
- نکته ۱۰۴۶:** **جائفه** جراحی است که با وارد کردن هر نوع وسیله و از هر جهت به درون بدن انسان اعم از شکم، سینه، پشتو پهلو ایجاد می‌شود و موجب یک‌سوم دیه کامل است. در صورتی که وسیله مزبور از یک طرف وارد و از طرف دیگر خارج گردد، دو جراحت جائفه محسوب می‌شود.
- نکته ۱۰۴۷:** هرگاه در جائفه به اعضای درونی بدن آسیب برسد و یا از بین برود، علاوه بر دیه جائفه، دیه یا آرش آن نیز محاسبه می‌شود.
- نکته ۱۰۴۸:** هرگاه نیزه یا گلوله و مانند آن علاوه بر ایجاد جراحت موضحه یا هاشمه و یا منقله به داخل بدن مانند حلق و گلو یا سینه فرو رود، دو جراحت محسوب و علاوه بر دیه موضحه یا هاشمه و منقله، دیه جراحت جائفه نیز ثابت می‌شود.
- نکته ۱۰۴۹:** **نافذ** جراحی است که با فرو رفتن وسیله‌ای مانند نیزه یا گلوله در دست یا پا ایجاد می‌شود دیه آن در مرد یک‌دهم دیه کامل است و در زن آرش ثابت می‌شود.
- نکته ۱۰۵۰:** حکم مذکور در این ماده نسبت به اعضای است که دیه آن عضو بیشتر از یک‌دهم دیه کامل باشد، در عضوی که دیه آن مساوی یا کمتر از یک‌دهم دیه کامل باشد، آرش ثابت است مانند این که گلوله در بند انگشت فرو رود.

نکته ۱۰۵۱: هرگاه شئی که جراحت نافذه را به وجود آورده است از طرف دیگر خارج گردد، دو جراحت نافذه محسوب می‌شود.

نکته ۱۰۵۲: ديه صدماتی که موجب تغییر رنگ پوست می‌شود، به شرح ذیل است:

الف- سیاه شدن پوست صورت، شش هزارم، کبودشدن آن، سه هزارم و سرخ شدن آن، یک‌ونیم هزارم ديه کامل

ب- تغییر رنگ پوست سایر اعضا، حسب مورد نصف مقادیر مذکور در بند (الف)

نکته ۱۰۵۳: در حکم مذکور فرقی بین این که عضو دارای ديه مقرر باشد یا نباشد، نیست. همچنین فرقی بین تغییر رنگ تمام یا قسمتی از عضو و نیز بقاء یا زوال اثر آن نمی‌باشد.

نکته ۱۰۵۴: در تغییر رنگ پوست سر، آرش ثابت است.

نکته ۱۰۵۵: صدمه‌ای که موجب تورم بدن، سر یا صورت گردد، آرش دارد و چنانچه علاوه بر تورم موجب تغییر رنگ پوست نیز گردد، حسب مورد ديه و آرش تغییر رنگ به آن افزوده می‌شود.

نکته ۱۰۵۶: ديه سقط جنین به ترتیب ذیل است:

الف- نطفه‌ای که در رحم مستقر شده است، دوصدم ديه کامل

ب- علقه که در آن جنین به صورت خون بسته درمی‌آید، چهارصدم ديه کامل

پ- مضغه که در آن جنین به صورت توده گوشتی درمی‌آید، شش صدم ديه کامل

ت- عظام که در آن جنین به صورت استخوان درآمده لکن هنوز گوشت روییده نشده است، هشت صدم ديه کامل

ث- جنینی که گوشت و استخوان بندگی آن تمام شده ولی روح در آن دمیده نشده است یک‌دهم ديه کامل

ج- ديه جنینی که روح در آن دمیده شده است اگر پسر باشد، ديه کامل و اگر دختر باشد نصف آن و اگر مشتبه باشد، سه‌چهارم ديه کامل

نکته ۱۰۵۷: هرگاه در اثر جنایت وارد بر مادر، جنین از بین برود، علاوه بر ديه یا آرش جنایت بر مادر، ديه جنین نیز در هر مرحله‌ای از رشد که باشد پرداخت می‌شود.

نکته ۱۰۵۸: هرگاه زنی جنین خود را، در هر مرحله‌ای که باشد، به عمد، شبه‌عمد یا خطاء از بین ببرد، ديه جنین، حسب مورد توسط مرتکب یا عاقله او پرداخت می‌شود.

نکته ۱۰۵۹: هرگاه جنینی که بقای آن برای مادر خطر جانی دارد به منظور حفظ نفس مادر سقط شود، ديه ثابت نمی‌شود.

نکته ۱۰۶۰: هرگاه چند جنین در یک رحم باشند سقط هر یک از آنها، ديه جداگانه دارد.

نکته ۱۰۶۱: هرگاه در اثر جنایت و یا صدمه، چیزی از زن سقط شود که به تشخیص کارشناس مورد وثوق، منشأ انسان بودن آن ثابت نگردد، ديه و آرش ندارد لکن اگر در اثر آن، صدمه‌ای بر مادر وارد گردد، حسب مورد ديه یا آرش تعیین می‌شود.

نکته ۱۰۶۲: ديه جنایت بر میت، یک‌دهم ديه کامل انسان زنده است مانند جداکردن سر از بدن میت که یک‌دهم ديه و جداکردن یک دست، یک‌بیستم ديه و هر دو دست، یک‌دهم ديه و یک انگشت، یک‌صدم ديه کامل دارد. ديه جراحات وارده به سر و صورت و سایر اعضا و جوارح میت به همین نسبت محاسبه می‌شود.

نکته ۱۰۶۳: ديه جنایت بر میت به ارث نمی‌رسد بلکه متعلق به خود میت است که در صورت مدیون بودن وی و عدم کفایت ترکه، صرف پرداخت بدهی او می‌گردد و در غیر این صورت برای او در امور خیر صرف می‌شود.

نکته ۱۰۶۴: هرگاه آسیب وارده بر میت، ديه مقرر نداشته باشد، یک‌دهم آرش چنین جنایتی نسبت به انسان زنده محاسبه و پرداخت می‌گردد.

نکته ۱۰۶۵: قطع اعضای میت برای پیوند به دیگری در صورتی که با وصیت او باشد، ديه ندارد.

نکته ۱۰۶۶: ديه جنایت بر میت حال است مگر این که مرتکب نتواند فوراً آن را پرداخت کند که در این صورت به او مهلت مناسب داده می‌شود.

نکته ۱۰۶۷: ديه جنایت بر میت خواه عمدی باشد یا خطائی توسط خود مرتکب پرداخت می‌شود.

نکته ۱۰۶۸: هرگاه شخصی به طور عمدی، جنایتی بر میت وارد سازد یا وی را هتک نماید، علاوه بر پرداخت ديه یا آرش جنایت، به سی‌ویک تا هفتادوچهار ضربه شلاق تعزیری در جه شش محکوم می‌شود.

نکته ۱۰۶۹: کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون از جمله قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۵/۸، مواد (۶۲۵) تا (۶۲۹) و مواد (۷۲۶) تا (۷۲۸) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی «تعزیرات و مجازت‌های بازدارنده» مصوب ۱۳۷۵/۳/۲، قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹/۲/۱۲ و قانون تعریف محکومیت‌های مؤثر در قوانین جزائی مصوب ۱۳۶۶/۷/۲۶ و اصلاحات و الحاقات بعدی آنها نسخ می‌گردد.

عبارت «حداکثر مجازات کمتر از نود و یک روز حبس و یا» از بند (۱) ماده (۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸ و عبارت «یا قانون» از صدر ماده (۱۲۷) این قانون حذف می‌شود و تبصره (۱) ماده (۱) و تبصره (۶) ماده (۵) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام و مصادیق خاص قانونی که در آنها برای شروع به جرم و معاونت در جرم مشخص تحت همین عناوین مجازات تعیین شده است و ماده (۶۶۶) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ و تبصره آن نسخ می‌گردد.

نکته ۱۰۷۰: محاربه عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها است، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد. هرگاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد محارب محسوب نمی‌شود.

کسی که به روی مردم سلاح بکشد، ولی در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود، محارب محسوب نمی‌شود.

نکته ۱۰۷۱: فرد یا گروهی که برای دفاع و مقابله با محاربان، دست به اسلحه ببرد محارب نیست.

نکته ۱۰۷۲: راهزنان، سارقان و قاچاقچیان که دست به سلاح ببرند و موجب سلب امنیت مردم و راه‌ها شوند محارب‌اند.

نکته ۱۰۷۳: حد محاربه یکی از چهار مجازات زیر است:

الف- اعدام

ب- صلب

پ- قطع دست راست و پای چپ

ت- نفی بلد

نکته ۱۰۷۴: انتخاب هر یک از امور چهارگانه مذکور در فوق به اختیار قاضی است.

نکته ۱۰۷۵: مدت نفی‌بلد در هر حال کمتر از یک سال نیست، اگر چه محارب بعد از دستگیری توبه نماید و در صورتی که توبه نکند همچنان در تبعید باقی می‌ماند.

نکته ۱۰۷۶: در نفی بلد، محارب باید تحت مراقبت قرار گیرد و با دیگران معاشرت، مراد و رفت و آمد نداشته باشد.

نکته ۱۰۷۷: در محاربه استفاده از سلاح شرط نیست اما ظاهر کردن آن شرط است.

نکته ۱۰۷۸: محاربه جرمی است مقید.

نکته ۱۰۷۹: هرکس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اختلال در نظام اقتصادی کشور، إحراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد به گونه‌ای که موجب إخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مُفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد.

نکته ۱۰۸۰: افساد فی الارض جرمی است مقید.

نکته ۱۰۸۱: هرگاه دادگاه از مجموع ادله و شواهد قصد اختلال گسترده در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمده و یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع و یا علم به مؤثر بودن اقدامات انجام‌شده را احراز نکند و جرم ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد، با توجه به میزان نتایج زیان‌بار جرم، مرتکب به حبس تعزیری درجه پنج یا شش محکوم می‌شود.

نکته ۱۰۸۲: گروهی که در برابر اساس نظام جمهوری اسلامی ایران، قیام مسلحانه کند باغی محسوب می‌شود و در صورت استفاده از سلاح، اعضای آن به مجازات اعدام محکوم می‌گردند.

نکته ۱۰۸۳: در جرم بغی استفاده از سلاح شرط نیست.

نکته ۱۰۸۴: هرگاه اعضای گروه باغی، قبل از درگیری و استفاده از سلاح، دستگیر شوند، چنانچه سازمان و مرکزیت آن وجود داشته باشد به حبس تعزیری درجه سه و در صورتی که سازمان و مرکزیت آن از بین رفته باشد به حبس تعزیری درجه پنج محکوم می‌شوند.

نکته ۱۰۸۵: هرکس با هر مرامی، دسته، جمعیت یا شعبه جمعیتی بیش از دو نفر در داخل یا خارج از کشور تحت هر اسم یا عنوانی تشکیل دهد یا اداره نماید که هدف آن بر هم زدن امنیت کشور باشد و محارب شناخته نشود مرتکب جرم تعزیری شده است.

نکته ۱۰۸۶: عضویت در گروه‌های مذکور در فوق نیز جرم است مگر اینکه ثابت شود مرتکب از اهداف آن گروه بی‌اطلاع بوده است. (اصل بر اطلاع و مجرمیت است؛ یعنی خلاف اصل برائت)

نکته ۱۰۸۷: هرکس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروه‌ها و سازمان‌های مخالف نظام به هر نحو فعالیت تبلیغی نماید مرتکب جرم تعزیری

شده است. این جرم مطلق است.

نکته ۱۰۸۸: هرکس به نفع یک دولت بیگانه و به ضرر دولت بیگانه دیگر در قلمرو ایران مرتکب یکی از جرائم جاسوسی شود به نحوی که به امنیت ملی صدمه وارد نماید مرتکب جرم تعزیری شده است. (جرم مقید)

نکته ۱۰۸۹: هرکس به قصد سرقت یا نقشه‌برداری یا کسب اطلاع از اسرار سیاسی یا نظامی یا امنیتی به مواضع مربوطه داخل شود مرتکب جرم شده است.

نکته ۱۰۹۰: اشخاصی که بدون اجازه مأمورین یا مقامات ذیصلاح در حال نقشه‌برداری یا گرفتن فیلم یا عکسبرداری از استحکامات نظامی یا اماکن ممنوعه دستگیر شوند مرتکب جرم شده‌اند.

نکته ۱۰۹۱: هرکس نیروهای رزمنده یا اشخاصی را که به نحوی در خدمت نیروهای مسلح هستند تحریک مؤثر به عصیان، فرار، تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی کند در صورتی که قصد براندازی حکومت یا شکست نیروهای خودی در مقابل دشمن را داشته باشد محارب محسوب می‌شود والا چنانچه اقدامات وی مؤثر واقع شود به حبس از دو تا ده سال و در غیراینصورت به شش ماه تا سه سال حبس محکوم می‌شود. (این جرم مطلق است)

نکته ۱۰۹۲: هرکس با هدف برهم زدن امنیت کشور به هر وسیله اطلاعات طبقه‌بندی شده را با پوشش مسؤولین نظام یا مأمورین دولت یا به نحو دیگر جمع‌آوری کند چنانچه بخواهد آن را در اختیار دیگران قرار دهد و موفق به انجام آن شود به حبس از دو تا ده سال و در غیراینصورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم می‌شود. (صرف جمع‌آوری اطلاعات جرم است. این جرم جرمی مطلق است.)

نکته ۱۰۹۳: چنانچه مأمورین دولتی که مسؤول امور حفاظتی و اطلاعاتی طبقه‌بندی شده می‌باشند و به آنها آموزش لازم داده شده است در اثر بی‌مبالاتی و عدم رعایت اصول حفاظتی توسط دشمنان تخلیه اطلاعاتی شوند مرتکب جرم شده‌اند. (تنها مصداقی از جرائم علیه امنیت است که به شکل غیر عمد واقع می‌شود.)

نکته ۱۰۹۴: هر کس داخل دستجات مفسدین یا اشخاصی که علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور اقدام می‌کنند بوده و ریاست یا مرکزیتی نداشته باشد و قبل از تعقیب، قصد جنایت و اسامی اشخاصی را که در فتنه و فساد دخیل هستند به مأمورین دولتی اطلاع دهد و یا پس از شروع به تعقیب با مأمورین دولتی همکاری مؤثری به عمل آورد از مجازات معاف و در صورتی که شخصاً مرتکب جرم دیگری شده باشد فقط به مجازات آن جرم محکوم خواهد شد. (معاذیر قانونی معاف‌کننده)

نکته ۱۰۹۵: هرکس یا گروهی با دول خارجی متخاصم به هر نحو علیه جمهوری اسلامی ایران همکاری نماید، در صورتی که محارب شناخته نشود به یک تا ده سال حبس محکوم می‌گردد. (جرم مطلق است و صرف همکاری جرم است)

نکته ۱۰۹۶: هرکس در زمان جنگ مرتکب یکی از جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی به مجازات اشد همان جرم محکوم می‌گردد.

نکته ۱۰۹۷: هرکس به قصد برهم زدن امنیت ملی یا کمک به دشمن، جاسوسانی را که مأمور تفتیش یا واردکردن هرگونه لطمه به کشور بوده‌اند شناخته و مخفی نماید یا سبب اخفای آنها بشود مرتکب جرم شده است. این جرم مطلق است.

نکته ۱۰۹۸: هرکس بدون آنکه جاسوسی کند و یا جاسوسان را مخفی نماید، افرادی را به هر نحو شناسایی و جذب نموده و جهت جاسوسی علیه امنیت کشور به دولت خصم یا کشورهای بیگانه معرفی نماید مرتکب جرم شده است. این به نوعی یک جرم مرکب با اجزای متعدد است همچنین این جرم جرمی است مطلق.

نکته ۱۰۹۹: هرکس به قصد برهم زدن امنیت کشور و تشویش اذهان عمومی تهدید به بمب‌گذاری هواپیما، کشتی و وسایل نقلیه عمومی نماید یا ادعا نماید که وسایل مزبور بمب‌گذاری شده است علاوه بر جبران خسارت وارده به دولت و اشخاص به مجازات محکوم می‌گردد. (جرم مطلق)

نکته ۱۱۰۰: هرکس مردم را به قصد برهم زدن امنیت کشور به جنگ و کشتار با یکدیگر اغوا یا تحریک کند صرف نظر از اینکه موجب قتل و غارت بشود یا نشود به مجازات محکوم می‌گردد. (جرم مطلق - این جرم یکی از مصادیق معاونت است که به طور خاص و مستقل جرم‌انگاری شده است)

نکته ۱۱۰۱: هر کس به طور غیرمجاز نسبت به داده‌های سری در حال انتقال یا ذخیره شده در سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده مرتکب اعمال زیر شود، به مجازات‌های محکوم خواهد شد:

الف - دسترسی به داده‌های مذکور یا تحصیل آنها یا شنود محتوای سری در حال انتقال.

ب - در دسترس قراردادن داده‌های مذکور برای اشخاص فاقد صلاحیت.

ج - افشاء یا در دسترس قرار دادن داده‌های مذکور برای دولت، سازمان، شرکت یا گروه بیگانه یا عاملان آنها.

نکته ۱۱۰۲: در خصوص نکته قبل داده‌های سری داده‌هایی است که افشای آنها به امنیت کشور یا منافع ملی لطمه می‌زند.

نکته ۱۱۰۳: هرکس به قصد دسترسی به داده‌های سری موضوع نکته قبل تدابیر امنیتی سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی را نقض کند، مجازات خواهد شد.

نکته ۱۱۰۴: چنانچه مأموران دولتی که مسؤول حفظ داده‌های سری مقرر در نکته قبل یا سامانه‌های مربوط هستند و به آنها آموزش لازم داده شده است یا داده‌ها یا سامانه‌های مذکور در اختیار آنها قرار گرفته است بر اثر بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی یا عدم رعایت تدابیر امنیتی موجب دسترسی اشخاص فاقد صلاحیت به داده‌ها، حامل‌های داده یا سامانه‌های مذکور شوند، به مجازات محکوم خواهند شد.

نکته ۱۱۰۵: هرکس به جان رئیس کشور خارجی یا نماینده سیاسی آن در قلمرو ایران سوء قصد نماید به مجازات محکوم می‌شود مشروط به اینکه در آن کشور نیز نسبت به ایران معامله متقابل بشود والا اگر مجازات خفیف‌تر اعمال گردد به همان مجازات محکوم می‌شود. (جرم قابل گذشت)

نکته ۱۱۰۶: هرکس علناً نسبت به رئیس کشور خارجی یا نماینده سیاسی آنکه در قلمرو خاک ایران وارد شده است توهین نماید به مجازات محکوم می‌شود مشروط به اینکه در آن کشور نیز در مورد مذکور نسبت به ایران معامله متقابل بشود. (جرم قابل گذشت)

نکته ۱۱۰۷: اعمال مقررات مذکور در نکته قبلی منوط به تقاضای دولت مربوطه یا نماینده سیاسی آن دولت یا مطالبه مجنی‌علیه یا ولی او است و در صورت استرداد تقاضا تعقیب جزایی نیز موقوف خواهد شد.

نکته ۱۱۰۸: هرکس شبیه هر نوع مسکوک طلا یا نقره داخلی یا خارجی از قبیل سکه بهار آزادی، سکه‌های حکومت‌های قبلی ایران، لیره و نظایر آن را از پول‌ها و ارزهای دیگر که مورد معامله (رواج نسبی) واقع می‌شود، بسازد یا عالماً داخل کشور نماید یا مورد خرید و فروش قرار دهد یا ترویج سکه قلب نماید به مجازات محکوم می‌شود.

نکته ۱۱۰۹: در جرم ساختن، خرید و فروش و ترویج سکه طلا و نقره مورد معامله، شبیه بودن شرط است.

نکته ۱۱۱۰: هرکس به قصد تقلب به هرنحو از قبیل تراشیدن، بریدن و نظایر آن از مقدار مسکوکات طلا یا نقره ایرانی یا خارجی بکاهد یا عالماً عمداً در ترویج این قبیل مسکوکات شرکت یا آن را داخل کشور نماید به مجازات محکوم می‌شود. (جرم تخدیش سکه طلا و نقره)

نکته ۱۱۱۱: تخدیش سکه‌های طلا و نقره مورد معامله جرم است و تخدیش سکه‌های غیر طلا و نقره جرم نیست.

نکته ۱۱۱۲: در تخدیش سکه‌های طلا و نقره قصد تقلب شرط است، پس طلا فروشی که یک سکه طلا را سوارخ می‌کند تا گردنبنندی بسازد مرتکب این جرم نشده است.

نکته ۱۱۱۳: هرکس شبیه مسکوکات رایج داخلی یا خارجی غیر از طلا و نقره را بسازد یا عالماً عمداً آنها را داخل کشور نماید یا در ترویج آنها شرکت کند یا مورد خرید و فروش قرار دهد به مجازات محکوم می‌شود.

نکته ۱۱۱۴: برای تحقق جرم ساختن، ترویج و خرید و فروش سکه‌های تقلبی غیر طلا و نقره رایج کشور، شبیه بودن شرط است.

نکته ۱۱۱۵: هرگاه اشخاصی که مرتکب جرائم ساخت و ترویج یا تخدیش سکه‌های طلا و نقره مورد معامله و یا ساخت و ترویج سکه‌های غیر طلا و نقره رایج می‌شوند قبل از کشف قضیه، مأمورین تعقیب را از ارتکاب جرم مطلع نمایند یا در ضمن تعقیب به واسطه اقرار خود موجبات تسهیل تعقیب سایرین را فراهم آورند یا مأمورین دولت را به نحو مؤثری در کشف جرم کمک و راهنمایی کنند بنا به پیشنهاد رئیس حوزه قضائی مربوط و موافقت دادگاه و یا با تشخیص دادگاه در مجازات آنان تخفیف متناسب داده می‌شود و حسب مورد از مجازات حبس معاف می‌شوند مگر آنکه احراز شود قبل از دستگیری توبه کرده‌اند که در این صورت از کلیه مجازات‌های مذکور معاف خواهند شد. (عذر قانونی معاف‌کننده)

نکته ۱۱۱۶: علاوه بر مجازات مقرر در مورد جرائم مربوط به سکه‌های تقلبی، کلیه اموال تحصیلی از طریق موارد مذکور نیز به عنوان تعزیر به نفع دولت ضبط می‌شود. (مجازات تکمیلی اجباری)

نکته ۱۱۱۷: رفتار مرتکب در جرم جعل عبارت است از: ۱. ساختن نوشته یا سند یا ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمی یا غیررسمی ۲. مخدوش کردن نوشته یا سند ۳. به کار بردن مهر دیگری

نکته ۱۱۱۸: صرف ساختن مهر و صرف استفاده از مهر دیگری بدون اجازه وی موجب تحقق جرم جعل می‌شود.

نکته ۱۱۱۹: مصادیق مخدوش کردن سند یا نوشته عبارت است از: خراشیدن یا تراشیدن یا قلم بردن یا الحاق یا محو اثبات یا سیاه کردن یا تقدیم یا تأخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی یا الصاق نوشته‌ای به نوشته دیگر.

نکته ۱۱۲۰: تقدیم یا تأخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی هم می‌تواند در قالب جعل مادی انجام شود هم جعل معنوی یا جعل مفادی.

نکته ۱۱۲۱: صرف دروغ نویسی جعل نیست. سند جعلی باید راجع به خود یا نویسنده‌اش دروغ بگوید.

نکته ۱۱۲۲: انجام معامله صوری جعل نیست؛ اما اگر از طریق آن مالی تحصیل شود می‌تواند موجب تحقق جرم کلاهبرداری شود.

نکته ۱۱۲۳: ساختن نوشته بدون امضا مشروط بر اینکه قابلیت ضرر زدن به دیگری داشته باشد جعل است.

نکته ۱۱۲۴: در جعل شبیه‌سازی شرط نیست آنچه شرط است قابلیت به اشتباه انداختن و قابلیت ضرر زدن است. در جعل موارد مشهور شبیه‌سازی طبیعتاً شرط است چون اگر شبیه نباشد قابلیت به اشتباه انداختن نخواهد داشت.

نکته ۱۱۲۵: فردی که خود را جای دیگری معرفی کرده در دفتر خانه‌ای و اسناد رسمی را امضا کرده است و ثمن معامله را گرفته باشد هم مرتکب جرم جعل و هم کلاهبرداری شده است.

نکته ۱۱۲۶: موضوع جرم جعل سند یا نوشته است و اشیاء مذکور در قانون می‌باشد (مهر، تمپر، منگنه و علامت)

نکته ۱۱۲۷: نوشته موضوع جعل باید اصیل باشد، پس تغییر در فتوکپی جعل نیست مگر اینکه فتوکپی برابر اصل باشد.

نکته ۱۱۲۸: تغییر سند مجعول جعل نیست.

نکته ۱۱۲۹: جرم جعل یک جرم مطلق است اما در تحقق این جرم قابلیت اضرار باید وجود داشته باشد. منظور از قابلیت ضرر رسانی ورود قابلیت ورود ضرر مادی، معنوی و یا ضرر عمومی و اجتماعی می‌باشد.

نکته ۱۱۳۰: جعل مادی یعنی دست بردن در سند تنظیم شده اما جعل معنوی یعنی دست بردن در نوشتن و تنظیم سند.

نکته ۱۱۳۱: مصادیق جعل معنوی در ماده ۵۳۴ کتاب تعزیرات بیان شده است، به موجب این ماده: هریک از کارکنان ادارات دولتی و مراجع قضائی و مأمورین به خدمات عمومی که در تحریر نوشته‌ها و قراردادهای راجع به وظایف‌شان مرتکب جعل و تزویر شوند اعم از اینکه موضوع یا مضمون آن را تغییر دهند یا گفته و نوشته یکی از مقامات رسمی، مهر یا تقریرات یکی از طرفین را تحریف کنند یا امر باطلی را صحیح یا صحیحی را باطل یا چیزی را که بدان اقرار نشده است اقرار شده جلوه دهند علاوه بر مجازات‌های اداری و جبران خسارت وارده به حبس از یک تا پنج سال یا شش تا سی میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.

نکته ۱۱۳۲: معمولاً جعل معنوی توسط مأمورین دولت و در اسناد رسمی واقع می‌شود تحقق جعل معنوی توسط اشخاص عادی هم متصور است.

نکته ۱۱۳۳: هریک از کارمندان و مسؤولان دولتی که در اجرای وظیفه خود در احکام و تقریرات و نوشته‌ها و اسناد و سجلات و دفاتر و غیر آنها از نوشته‌ها و اوراق رسمی تزویر کند اعم از اینکه امضا یا مهری را ساخته یا امضا یا مهر یا خطوط را تحریف کرده یا کلمه‌ای الحاق کند یا اسامی اشخاص را تغییر دهد علاوه بر مجازات‌های اداری و جبران خسارت وارده به حبس از یک تا پنج سال یا به پرداخت شش تا سی میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد. (جعل مادی)

نکته ۱۱۳۴: استفاده از سند مجعول جرمی است مستقل. این جرم مطلق است. اگر کسی هم مرتکب جعل و هم مرتکب استفاده از سند مجعول شود مرتکب تعدد مادی شده است. برای تحقق استفاده از سند مجعول سوءنیت خاص لازم نیست.

نکته ۱۱۳۵: عکسبرداری از کارت شناسایی، اوراق هویت شخصی و مدارک دولتی و عمومی و سایر مدارک مشابه در صورتی که موجب اشتباه با اصل شود باید مهور به مهر یا علامتی باشد که نشان دهد آن مدارک رونوشت یا عکس می‌باشد، در غیر این صورت عمل فوق جعل محسوب می‌شود و تهیه‌کنندگان این‌گونه مدارک و استفاده‌کنندگان از آنها به جای اصلی عالماً عامداً علاوه بر جبران خسارت مجازات محکوم خواهند شد.

نکته ۱۱۳۶: هرکس شخصاً یا توسط دیگری برای معافیت خود یا شخص دیگری از خدمت دولت یا نظام‌وظیفه یا برای تقدیم به دادگاه گواهی پزشکی به اسم طبیب جعل کند به مجازات محکوم خواهد شد.

نکته ۱۱۳۷: هرگاه طبیب تصدیق‌نامه برخلاف واقع درباره شخصی برای معافیت از خدمت در ادارات رسمی یا نظام‌وظیفه یا برای تقدیم به مراجع قضائی مجازات محکوم خواهد شد (جرم صدور تصدیق‌نامه خلاف واقع) و هرگاه تصدیق‌نامه مزبور به واسطه اخذ مال یا وجهی انجام گرفته علاوه بر استرداد و ضبط آن به عنوان جریمه، به مجازات مقرر برای رشوه‌گیرنده محکوم می‌گردد. (جرم مطلق)

نکته ۱۱۳۸: برای سایر تصدیق‌نامه‌های خلاف واقع که موجب ضرر شخص ثالثی باشد یا آن که خسارتی بر خزانه دولت وارد آورد مرتکب علاوه بر جبران خسارت وارده به مجازات خواهد شد. (جرم مقید)

نکته ۱۱۳۹: هرکس به جای داوطلب اصلی هر یک از آزمون‌ها اعم از کنکور ورودی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، دانشسراها، مراکز تربیت معلم، اعزام دانشجو به خارج از کشور یا امتحانات داخلی و نهایی واحدهای مزبور یا امتحانات دبیرستان‌ها، مدارس راهنمایی و هنرستان‌ها و غیره در جلسه امتحان شرکت نماید حسب مورد مرتکب و داوطلب علاوه بر مجازات اداری و انتظامی به مجازات تعزیری محکوم خواهد شد.

نکته ۱۱۴۰: هرکس به طور غیرمجاز مرتکب اعمال زیر شود، جاعل محسوب و به مجازات محکوم خواهد شد:

الف- تغییر یا ایجاد داده‌های قابل استناد یا ایجاد یا وارد کردن متقلبانه داده به آنها.

ب- تغییر داده‌ها یا علایم موجود در کارت‌های حافظه یا قابل پردازش در سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا تراشه‌ها یا ایجاد یا وارد کردن متقلبانه داده‌ها یا علایم به آنها.

نکته ۱۱۴۱: هر کس با علم به مجعول بودن داده‌ها یا کارت‌ها یا تراشه‌ها از آنها استفاده کند، به مجازات محکوم خواهد شد.

نکته ۱۱۴۲: هرگاه محلی یا چیزی برحسب امر مقامات صالح رسمی مهر یا پلمپ شده باشد و کسی عالماً و عامداً آنها را بشکند یا محو نماید یا عملی مرتکب شود که در حکم محو یا شکستن پلمپ تلقی شود مرتکب به مجازات محکوم خواهد شد. در صورتی که مستحفظ آن مرتکب شده باشد به مجازات بیشتری محکوم می‌شود و اگر ارتکاب به واسطه اهمال مستحفظ واقع گردد مجازات مستحفظ یک تا شش ماه حبس یا حداکثر (۷۴) ضربه شلاق خواهد بود.

نکته ۱۱۴۳: در صورتی که مرتکب به عنف مهر یا پلمپ را محو نماید یا بشکند یا عملی مرتکب شود که در حکم محو یا شکستن پلمپ تلقی شود یا نوشته یا اسناد را بریاید یا معدوم کند حسب مورد به حداکثر مجازات‌های مقرر برای محو یا شکستن پلمپ محکوم خواهد شد و این مجازات مانع از اجرای مجازات جرائمی که از قهر و تشدد حاصل شده است نخواهد بود.

نکته ۱۱۴۴: هر زندانی که از زندان یا بازداشتگاه فرار نماید به شلاق تا (۷۴) ضربه یا سه تا شش ماه حبس محکوم می‌شود و اگر برای فرار درب زندان را شکسته یا آن را خراب کرده باشد، علاوه بر تأمین خسارت وارده به هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

نکته ۱۱۴۵: زندانیانی که مطابق آیین‌نامه زندان‌ها به مرخصی رفته و خود را در موعد مقرر بدون عذر موجه معرفی ننمایند فراری محسوب و به مجازات فوق محکوم می‌گردند.

نکته ۱۱۴۶: هرکس به شخص زندانی یا توقیف شده برای مساعدت به فرار اسلحه بدهد به مجازات محکوم می‌شود. (یک جرم مطلق است و همچنین یکی از مصادیق معاونت در جرم است که به طور مستقل جرم انگاری شده است.)

نکته ۱۱۴۷: در صورتی که احراز شود فرد فراری‌دهنده یا مخفی‌کننده متهم، یقین به بی‌گناهی فرد متهم یا زندانی داشته و در دادگاه نیز ثابت شود از مجازات معاف خواهد شد. (عذر معاف‌کننده)

نکته ۱۱۴۸: هرکس از وقوع جرمی مطلع شده و برای خلاصی مجرم از محاکمه و محکومیت مساعدت کند از قبیل اینکه برای او منزل تهیه کند یا ادله جرم را مخفی نماید یا برای تبرئه مجرم ادله جعلی ابراز کند به مجازات محکوم خواهد شد.

نکته ۱۱۴۹: در موارد مذکور در هر دو نکته قبلی در صورتی که مرتکب از اقارب درجه اول متهم باشد مقدار مجازات در هر مورد از نصف حداکثر تعیین شده بیشتر نخواهد بود. (عذر قانونی تخفیف‌دهنده)

نکته ۱۱۵۰: هرکس بدون سمت رسمی یا اذن از طرف دولت خود را در مشاغل دولتی اعم از کشوری یا لشگری و انتظامی که از نظر قانون مربوط به او نبوده است دخالت دهد یا معرفی نماید به مجازات محکوم خواهد شد (ضعب عنوان) و چنانچه برای دخالت یا معرفی خود در مشاغل مزبور، سندی جعل کرده باشد، مجازات جعل را نیز خواهد داشت.

نکته ۱۱۵۱: غصب عنوان و کلاهبرداری تعدد معنوی است اما غصب عنوان و جعل تعدد مادی.

نکته ۱۱۵۲: هرکس بدون مجوز و به صورت علنی لباس‌های رسمی مأموران نظامی یا انتظامی جمهوری اسلامی ایران یا نشان‌ها، مدال‌ها یا سایر امتیازات دولتی را بدون تغییر یا با تغییر جزئی که موجب اشتباه شود مورد استفاده قرار دهد مرتکب جرم شده است.

نکته ۱۱۵۳: استفاده از البسه و اشیاء مذکور در نکته قبل در اجرای هنرهای نمایشی مشمول مقررات این ماده نخواهد بود.

نکته ۱۱۵۴: هرکس علنی و به صورت غیرمجاز لباس‌های رسمی یا متحدالشکل مأموران کشورهای بیگانه یا نشان‌ها یا مدال‌ها یا سایر امتیازات دولت‌های خارجی در ایران را مورد استفاده قرار دهد به شرط معامله متقابل و با در صورتی که موجب اختلال در نظم عمومی گردد مجازات خواهد شد.

نکته ۱۱۵۵: هرکس به تمام یا قسمتی از ابنیه، اماکن، محوطه‌ها و مجموعه‌های فرهنگی - تاریخی یا مذهبی که در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است، یا تزئینات، ملحقات، تأسیسات، اشیاء و لوازم و خطوط و نقوش منصوب یا موجود در اماکن مذکور که مستقلاً نیز واجد حیثیت فرهنگی - تاریخی یا مذهبی باشد، خرابی وارد آورد علاوه بر جبران خسارات وارده به مجازات محکوم می‌شود.

نکته ۱۱۵۶: هرکس اشیاء و لوازم و همچنین مصالح و قطعات آثار فرهنگی - تاریخی را از موزه‌ها و نمایشگاه‌ها، اماکن تاریخی و مذهبی و سایر اماکن که تحت حفاظت یا نظارت دولت است سرقت کند یا با علم به مسروقه بودن اشیای مذکور را بخرد یا پنهان دارد در صورتی که مشمول مجازات حد سرقت نگردد علاوه بر استرداد آن به مجازات تعزیری محکوم می‌شود.

نکته ۱۱۵۷: در خصوص نکته قبل اگر مال دولتی باشد و محل مراقبت از آن هم دولتی باشد موضوع مشمول سرقت حدی نمی‌شود اما اگر مال خصوصی باشد و در محل خصوصی هم توسط قوای دولتی محافظت شود، سرقت آن می‌تواند سرقت حدی باشد.

نکته ۱۱۵۸: هرکس بدون اجازه از سازمان میراث فرهنگی کشور، یا با تخلف از ضوابط مصوب و اعلام شده از سوی سازمان مذکور در حریم آثار فرهنگی - تاریخی مذکور در این ماده مبادرت به عملیاتی نماید که سبب تزلزل بنیان آنها شود، یا در نتیجه آن عملیات به آثار و بناهای مذکور خرابی یا لطمه وارد آید، علاوه بر رفع آثار تخلف و پرداخت خسارات وارده به مجازات محکوم می‌شود. (جرم مقید)

نکته ۱۱۵۹: هرگونه اقدام به خارج کردن اموال تاریخی - فرهنگی از کشور هرچند به خارج کردن آن نینجامد قاچاق محسوب و مرتکب علاوه بر استرداد

اموال به مجازات و پرداخت جریمه معادل دو برابر قیمت اموال موضوع قاچاق محکوم می‌گردد. (شروع به جرم قاچاق به عنوان جرم)

نکته ۱۱۶۰: در مورد جرائم علیه اموال تاریخی و فرهنگی تشخیص ماهیت تاریخی- فرهنگی به عهده سازمان میراث فرهنگی کشور می‌باشد.

نکته ۱۱۶۱: هرگونه حفاری و کاوش به قصد به دست آوردن اموال تاریخی- فرهنگی ممنوع بوده و مرتکب به مجازات و ضبط اشیاء مکشوفه به نفع سازمان میراث فرهنگی کشور و آلات و ادوات حفاری به نفع دولت محکوم می‌شود. (جرم مطلق)

نکته ۱۱۶۲: چنانچه حفاری در اماکن و محوطه‌های تاریخی که در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است صورت گیرد علاوه بر ضبط اشیاء مکشوفه و آلات و ادوات حفاری مرتکب به حداکثر مجازات مقرر محکوم می‌شود.

نکته ۱۱۶۳: هرکس اموال تاریخی- فرهنگی را حسب تصادف به دست آورد و طبق مقررات سازمان میراث فرهنگی کشور نسبت به تحویل آن اقدام ننماید به ضبط اموال مکشوفه محکوم می‌گردد.

نکته ۱۱۶۴: خرید و فروش اموال تاریخی- فرهنگی حاصله از حفاری غیرمجاز ممنوع است و خریدار و فروشنده علاوه بر ضبط اموال فرهنگی مذکور، به مجازات محکوم می‌شوند. هرگاه فروش اموال مذکور تحت هر عنوان از عناوین به طور مستقیم یا غیرمستقیم به اتباع خارجی صورت گیرد، مرتکب به حداکثر مجازات مقرر محکوم می‌شود.

نکته ۱۱۶۵: هرکس به اراضی و تپه‌ها و اماکن تاریخی و مذهبی که به ثبت آثار ملی رسیده و مالک خصوصی نداشته باشد تجاوز کند به مجازات محکوم می‌شود مشروط بر آنکه سازمان میراث فرهنگی کشور قبلاً حدود مشخصات این قبیل اماکن و مناطق را در محل تعیین و علامت‌گذاری کرده باشد.

نکته ۱۱۶۶: هرکس بدون اجازه سازمان میراث فرهنگی و برخلاف ضوابط مصوب اعلام شده از سوی سازمان مذکور به مرمت یا تعمیر، تغییر، تجدید و توسعه اینبیه یا تزئینات اماکن فرهنگی- تاریخی ثبت شده در فهرست آثار ملی مبادرت نماید، به مجازات و پرداخت خسارت وارده محکوم می‌گردد. (جرم مطلق است و نیازی هم به سوءنیت خاص ندارد)

نکته ۱۱۶۷: هرکس برخلاف ترتیب مقرر در قانون حفظ آثار ملی اموال فرهنگی- تاریخی غیرمنقول ثبت شده در فهرست آثار ملی را با علم و اطلاع از ثبت آن به نحوی به دیگران انتقال دهد به مجازات محکوم می‌شود.

نکته ۱۱۶۸: هرکس نسبت به تغییر نحوه استفاده از اینبیه، اماکن و محوطه‌های مذهبی- فرهنگی و تاریخی که در فهرست آثار ملی ثبت شده‌اند، برخلاف شؤونات اثر و بدون مجوز از سوی سازمان میراث فرهنگی کشور، اقدام نماید علاوه بر رفع آثار تخلف و جبران خسارت وارده به مجازات محکوم می‌شود.

نکته ۱۱۶۹: هر کس نمونه تقلبی آثار فرهنگی- تاریخی اعم از ایرانی و خارجی را به جای اثر اصلی بسازد یا آن را به قصد عرضه، قاچاق یا فروش، معرفی، حمل یا نگهداری کند یا با آگاهی از تقلبی بودن اثر خریداری کند به مجازات محکوم می‌شود.

نکته ۱۱۷۰: نمونه تقلبی به اشیائی اطلاق می‌گردد که در دوره معاصر ساخته شده و از حیث نقوش، خطوط، شکل، جنس، اندازه، حجم و وزن شبیه آثار فرهنگی- تاریخی اصیل بوده یا بدون آن که نمونه اصلی وجود داشته باشد به عنوان اثر فرهنگی- تاریخی اصیل معرفی شود و علامتی از سوی سازنده یا سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری برای تشخیص از اصل، بر روی آن حک نشده باشد.

نکته ۱۱۷۱: چنانچه شیء تقلبی نمونه اصلی نداشته باشد، ارزش آن به فرض وجود توسط کارشناسان سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری تعیین می‌گردد.

نکته ۱۱۷۲: اشیاء مکشوفه موضوع نکته قبل به نفع سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری ضبط می‌گردد.

نکته ۱۱۷۳: در کلیه جرائم علیه اموال یا میراث تاریخی و فرهنگی، سازمان میراث فرهنگی یا سایر دوایر دولتی برحسب مورد شاکی یا مدعی خصوصی محسوب می‌شود.

نکته ۱۱۷۴: در مورد جرائم علیه اموال یا میراث تاریخی و فرهنگی که به وسیله اشخاص حقوقی انجام شود هریک از مدیران و مسؤول آن که دستوردهنده باشند، برحسب مورد به مجازات‌های مقرر محکوم می‌شوند.

نکته ۱۱۷۵: اموال فرهنگی- تاریخی حاصله از جرائم علیه اموال یا میراث تاریخی و فرهنگی تحت نظر سازمان میراث فرهنگی کشور توقیف و در کلیه مواردی که حکم به ضبط و استرداد اموال، وسایل، تجهیزات و خسارات داده می‌شود به نفع سازمان میراث فرهنگی کشور مورد حکم قرار خواهد گرفت.

نکته ۱۱۷۶: در مورد جرائم علیه اموال یا میراث تاریخی و فرهنگی در صورتی که ملک مورد تخریب، ملک شخصی بوده و مالک از ثبت آن به عنوان آثار ملی بی‌اطلاع باشد از مجازات‌های مقرر در مواد فوق معاف خواهد بود.

نکته ۱۱۷۷: جرائم علیه اموال و میراث تاریخی و فرهنگی جزء جرائم غیرقابل گذشت می‌باشند.

نکته ۱۱۷۸: هرکس از مقامات یا مأمورین دولتی یا نیروهای مسلح یا غیرآنها بدون حکمی از مقامات صلاحیت‌دار در غیرمواردی که در قانون جلب یا توقیف

اشخاص را تجویز نموده، شخصی را توقیف یا حبس کند یا عنفاً در محلی مخفی نماید به مجازات محکوم خواهد شد.

نکته ۱۱۷۹: کسی که با علم و اطلاع برای ارتکاب جرم مذکور در نکته مکانی تهیه کرده و بدین طریق معاونت با مرتکب نموده باشد به مجازات حبس از سه ماه تا یک سال یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال محکوم خواهد شد.

نکته ۱۱۸۰: اگر مرتکب یا معاون قبل از آنکه تعقیب شود شخص توقیف شده را رها کند یا اقدام لازم جهت رها شدن وی به عمل آورد در صورتی که شخص مزبور را زیاده از پنج روز توقیف نکرده باشد مجازات او حبس از دو تا شش ماه خواهد بود. (عذر قانونی تخفیف دهنده)

نکته ۱۱۸۱: هرگاه مرتکب برای ارتکاب توقیف و بازداشت غیرقانونی اسم یا عنوان مجعول یا اسم و علامت مأمورین دولت یا لباس منتسب به آنان را به تزویر اختیار کرده یا حکم جعلی ابراز نموده باشد علاوه بر مجازات ماده مزبور به مجازات جعل یا تزویر محکوم خواهد شد.

نکته ۱۱۸۲: چنانچه مرتکب جرائم نکات قبلی توقیف شده یا محبوس شده یا مخفی شده را تهدید به قتل نموده یا شکنجه و آزار بدنی وارد آورده باشد علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به یک تا پنج سال حبس و محرومیت از خدمات دولتی محکوم خواهد شد.

نکته ۱۱۸۳: هرکس عالماً و عامداً برای اقدام به امری یا امتناع از انجام امری که از وظایف اشخاص مذکور در ماده (۳) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌باشد وجه یا مالی یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را مستقیم یا غیرمستقیم بدهد در حکم راشی است و به عنوان مجازات علاوه بر ضبط مال ناشی از ارتشاء به حبس از شش ماه تا سه سال و یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌شود.

نکته ۱۱۸۴: هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی اعم از قضائی و اداری یا شوراها یا شهرداری‌ها یا نهادهای انقلابی و به طور کلی قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح یا شرکت‌های دولتی یا سازمان‌های دولتی وابسته به دولت و یا مأمورین به خدمات عمومی خواه رسمی یا غیررسمی برای انجام دادن یا انجام ندادن امری که مربوط به سازمان‌های مزبور می‌باشد وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را مستقیماً یا غیرمستقیم قبول نماید در حکم مرتشی است اعم از این که امر مذکور مربوط به وظایف آنها بوده یا آن که مربوط به مأمور دیگری در آن سازمان باشد، خواه آن کار را انجام داده یا نداده و انجام آن بر طبق حقانیت و وظیفه بوده و یا نبوده باشد و یا آن که در انجام یا عدم انجام آن مؤثر بوده یا نبوده مجازات می‌شود.

نکته ۱۱۸۵: مبلغ رشوه در میزان مجازات مرتشی مؤثر است در تعیین این مبلغ ملاک اعم از این است که جرم دفعتاً واحدهً و یا به دفعات واقع شده و جمع مبلغ مأخوذه بالغ بر نصاب مزبور باشد.

نکته ۱۱۸۶: در تمامی موارد تحقق جرم ارتشاء مال ناشی از ارتشاء به عنوان تعزیر رشوه دهنده به نفع دولت ضبط خواهد شد و چنانچه راشی به وسیله رشوه امتیازی تحصیل کرده باشد این امتیاز لغو خواهد شد.

نکته ۱۱۸۷: در هر مورد از موارد ارتشاء هرگاه راشی قبل از کشف جرم مأمورین را از وقوع بزه آگاه سازد از تعزیر مالی معاف خواهد شد و در مورد امتیاز طبق مقررات عمل می‌شود و چنانچه راشی در ضمن تعقیب با اقرار خود موجبات تسهیل تعقیب مرتشی را فراهم نماید تا نصف مالی که به عنوان رشوه پرداخته است به وی بازگردانده می‌شود و امتیاز نیز لغو می‌گردد.

نکته ۱۱۸۸: هریک از داوران و ممیزان و کارشناسان اعم از این که توسط دادگاه معین شده باشد یا توسط طرفین، چنانچه در مقابل اخذ وجه یا مال به نفع یکی از طرفین اظهار نظر یا اتخاذ تصمیم نماید به مجازات محکوم و آنچه گرفته است به عنوان مجازات مؤدی به نفع دولت ضبط خواهد شد.

نکته ۱۱۸۹: در صورتی که حکام محاکم به واسطه ارتشاء حکم به مجازاتی اشد از مجازات مقرر در قانون داده باشند علاوه بر مجازات ارتشاء حسب مورد به مجازات مقدار زایدی که مورد حکم واقع شده محکوم خواهند شد.

نکته ۱۱۹۰: اگر رشوه به صورت وجه نقد نباشد بلکه مالی بلاعوض یا به مقدار فاحش ارزان‌تر از قیمت معمولی یا ظاهراً به قیمت معمولی و واقعاً به مقدار فاحشی کمتر از قیمت به مستخدمین دولتی اعم از قضائی و اداری به طور مستقیم یا غیرمستقیم منتقل شود یا برای همان مقاصد مالی به مقدار فاحشی گران‌تر از قیمت از مستخدمین یا مأمورین مستقیم یا غیرمستقیم خریداری گردد، مستخدمین و مأمورین مزبور مرتشی و طرف معامله راشی محسوب می‌شود.

نکته ۱۱۹۱: هرگاه ثابت شود که راشی برای حفظ حقوق حقه خود ناچار از دادن وجه یا مالی بوده تعقیب کیفری ندارد و وجه یا مالی که داده به او مسترد می‌گردد.

نکته ۱۱۹۲: در صورتی که رشوه‌دهنده برای پرداخت رشوه مضطر بوده و یا پرداخت آن را گزارش دهد یا شکایت نماید از مجازات حبس مزبور معاف خواهد بود و مال به وی مسترد می‌گردد.

نکته ۱۱۹۳: هرکس عالماً و عامداً موجبات تحقق جرم ارتشاء از قبیل مذاکره، جلب موافقت یا وصول و ایصال وجه یا مال یا سند پرداخت وجه را فراهم نماید به مجازات راشی بر حسب مورد محکوم می‌شود.

نکته ۱۱۹۴: مجازات شروع به عمل رشاء و ارتشاء در هر مورد حداقل مجازات مقرر در آن مورد است.

نکته ۱۱۹۵: جرم رشاء و ارتشاء هر دو مطلق هستند.

نکته ۱۱۹۶: هر نوع توافق بین دو یا چند نفر تحت هر قراردادی از قبیل بیع، قرض، صلح و امثال آن جنسی را با شرط اضافه با همان جنس مکیل و موزون معامله نماید و یا زائد بر مبلغ پرداختی، دریافت نماید با محسوب و جرم شناخته می‌شود مرتکبین اعم از ربا دهنده، رباگیرنده و واسطه بین آنها علاوه بر رد اضافه به صاحب مال به مجازات محکوم می‌گردند.

نکته ۱۱۹۷: در صورت معلوم نبودن صاحب مال، مال مورد ربا از مصادیق اموال مجهول المالک بوده و در اختیار ولی فقیه قرار خواهد گرفت.

نکته ۱۱۹۸: هرگاه ثابت شود ربا دهنده در مقام پرداخت وجه یا مال اضافی مضطر بوده از مجازات مذکور در این ماده معاف خواهد شد.

نکته ۱۱۹۹: هرگاه قرارداد مذکور بین پدر و فرزند یا زن و شوهر منعقد شود یا مسلمان از کافر ربا دریافت کند مشمول مقررات این ماده نخواهد بود.

نکته ۱۲۰۰: هرکس با استفاده از ضعف نفس شخصی یا هوی و هوس او یا حوائج شخصی افراد غیر رشید به ضرر او نوشته یا سندی اعم از تجاری یا غیرتجاری از قبیل برات، سفته، چک، حواله، قبض و مفاصاحساب و یا هرگونه نوشته‌ای که موجب التزام وی یا برات ذمه گیرنده سند یا هر شخص دیگر می‌شود به هر نحو تحصیل نماید علاوه بر جبران خسارات مالی به مجازات محکوم می‌شود و اگر مرتکب ولایت یا وصایت یا قیمومت بر آن شخص داشته باشد مجازات وی علاوه بر جبران خسارات مالی از حالت عادی بیشتر است. خواهد بود.

نکته ۱۲۰۱: کلاهبرداری جرمی مرکب، مقید و آنی است.

نکته ۱۲۰۲: تعلیق مجازات جرم کلاهبرداری و کلیه جرائم در حکم کلاهبرداری و جرائمی که مجازات کلاهبرداری درباره آنها مقرر شده یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب می‌شود و شروع به این جرائم، بلامانع است. (تبصره الحاقی به ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹)

نکته ۱۲۰۳: کلاهبرداری یعنی بردن مال غیر با توسل به وسیله متقلبانه.

نکته ۱۲۰۴: رفتار مجرمانه کلاهبرداری توسل به اعمال متقلبانه است. این رفتار به صورت فعل محقق می‌شود نه ترک فعل، صرف دروغ‌گویی رفتار متقلبانه محسوب نمی‌شود. ترک فعل و صرف سکوت نیز رفتار متقلبانه محسوب نمی‌شود.

نکته ۱۲۰۵: برای تحقق کلاهبرداری توسل به وسایل متقلبانه باید قبل از بردن مال صورت گرفته باشد.

نکته ۱۲۰۶: برای تحقق کلاهبرداری باید وسایل متقلبانه سبب اغفال بزه‌دیده شود و او باید به سبب این اغفال مال خود را در اختیار کلاهبردار قرار دهد.

نکته ۱۲۰۷: تحقق کلاهبرداری منوط است به ورود ضرر به علاوه انتفاع کلاهبردار یا دیگری از وقوع جرم البته منضور از ضرر، ضرر مالی است.

نکته ۱۲۰۸: در خصوص کلاهبرداری رایانه‌ای باید گفت: هر کسبه طور غیرمجاز از سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی با ارتکاب اعمالی از قبیل وارد کردن، تغییر، محو، ایجاد یا متوقف کردن داده‌ها یا مختل کردن سامانه وجه یا مال یا منفعت یا خدمات یا امتیازات مالی برای خود یا دیگری تحصیل کند علاوه بر رد مال به صاحب آن به مجازات محکوم خواهد شد.

نکته ۱۲۰۹: هرگاه مدیر تصفیه در امر رسیدگی به ورشکستگی بین طلبکاران و تاجر ورشکسته مستقیماً یا مع‌الواسطه از طریق عقد قرارداد یا به طریق دیگر تبنی نماید به مجازات محکوم می‌گردد.

نکته ۱۲۱۰: ورشکستگی به تقلب و تقصیر جرم است و مجازات دارد.

نکته ۱۲۱۱: هر شخصی عهده‌دار انجام معامله یا ساختن چیزی یا نظارت در ساختن یا امر به ساختن آن برای هریک از ادارات و سازمان‌ها و مؤسسات دولتی بوده است به واسطه تدلیس در معامله از جهت تعیین مقدار یا صفت یا قیمت بیش از حد متعارف مورد معامله یا تقلب در ساختن آن چیز نفعی برای خود یا دیگری تحصیل کند (جرم مقید) علاوه بر جبران خسارات وارده به حبس از شش ماه تا پنج سال محکوم خواهد شد. (جرم خاص تدلیس در معاملات دولتی)

نکته ۱۲۱۲: هریک از مقامات قضائی که شکایت و تظلمی مطابق شرایط قانونی نزد آنها برده شود و با وجود این که رسیدگی به آنها از وظایف آنان بوده به هر عذر و بهانه اگرچه به عذر سکوت یا اجمال یا تناقض قانون از قبول شکایت یا رسیدگی به آن امتناع کند یا صدور حکم را برخلاف قانون به تأخیر اندازد یا برخلاف صریح قانون رفتار کند دفعه اول از شش ماه تا یک سال و در صورت تکرار به انفصال دائم از شغل قضائی محکوم می‌شود و در هر صورت به تأدیه خسارات وارده نیز محکوم خواهد شد. (انفصال از خدمت به عنوان مجازات اصلی)

نکته ۱۲۱۳: هرگونه حمله یا مقاومتی که با علم و آگاهی نسبت به مأمورین دولت در حین انجام وظیفه آنان به عمل آید تَمَرُد محسوب می‌شود و مرتکب مجازات می‌شود.

نکته ۱۲۱۴: اگر متمرّد در هنگام تَمَرُد مرتکب جرم دیگری هم بشود به مجازات هر دو جرم محکوم خواهد شد.

نکته ۱۲۱۵: توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک چنانچه موجب حد قذف نباشد موجب مجازات تعزیری خواهد بود. (جرم قابل گذشت)

نکته ۱۲۱۶: شرایط لازم برای تحقق جرم توهین: ۱. موهن بودن رفتار (تشخیص موهن بودن با عرف است) ۲. مخاطب توهین باید شخص معینی باشد توهین به یک گروه کلی جرم نیست. ۳. مخاطب توهین باید شخص حقیقی باشد. ۴. مخاطب توهین باید شخص زنده باشد و توهین به مردگان جرم نیست مگر اینکه توهین به بازماندگان آنها محسوب شود. ۵. توهین باید حضوری یا علنی باشد. ۶. توهین باید صریح یا ظاهر باشد. ۷. در توهین ارتجالی بودن شرط نیست.

نکته ۱۲۱۷: توهین جرمی است مطلق.

نکته ۱۲۱۸: برای تحقق حد قذف مخاطب قذف باید شخص معینی باشد اما قذف شخص غیر معین نیز جرم موجب تعزیر است.

نکته ۱۲۱۹: قذف مردگان موجب تحقق حد قذف است.

نکته ۱۲۲۰: هرکس با توجه به سمت، یکی از رؤسای سه قوه یا معاونان رئیس جمهور یا وزرا یا یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی یا نمایندگان مجلس خبرگان یا اعضای شورای نگهبان یا قضات یا اعضای دیوان محاسبات یا کارکنان وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها در حال انجام وظیفه یا به سبب آن توهین نماید به مجازات محکوم می‌شود. (جرم غیرقابل گذشت)

نکته ۱۲۲۱: هرگاه دو نفر یا بیشتر اجتماع و تبانی نمایند که جرائمی بر ضد امنیت داخلی یا خارج کشور مرتکب شوند یا وسایل ارتکاب آن را فراهم نمایند در صورتی که عنوان محارب بر آنان صادق نباشد به مجازات تعزیری محکوم خواهند شد.

نکته ۱۲۲۲: هرگاه دو نفر یا بیشتر اجتماع و تبانی بنمایند که علیه اعراض یا نفوس یا اموال مردم اقدام نمایند و مقدمات اجرایی را هم تدارک دیده باشند ولی بدون اراده خود موفق به اقدام نشوند حسب مراتب به مجازات تعزیری محکوم خواهند شد.

نکته ۱۲۲۳: جرم تبانی جرمی مطلق و مستمر است.

نکته ۱۲۲۴: هرگاه عده‌ای با یکدیگر منازعه نمایند هر یک از شرکت‌کنندگان در نزاع حسب مورد به مجازات زیر محکوم می‌شوند:

۱- در صورتی که نزاع منتهی به قتل شود به حبس از یک تا سه سال.

۲- در صورتی که منتهی به نقص عضو شود به حبس از شش ماه تا سه سال.

۳- در صورتی که منتهی به ضرب و جرح شود به حبس از سه ماه تا یک سال.

نکته ۱۲۲۵: مجازات‌های مذکور در نکته قبل مانع اجرای مقررات قصاص یا دیه حسب مورد نخواهد شد.

نکته ۱۲۲۶: شرکت در منازعه جرمی است مقید.

نکته ۱۲۲۷: در صورتی که قتل غیرعمد به واسطه بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا اقدام به امری که مرتکب در آن مهارت نداشته است یا به سبب عدم رعایت نظامات واقع شود مسبب به حبس از یک تا سه سال و نیز به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه اولیای دم محکوم خواهد شد مگر این که خطای محض باشد.

نکته ۱۲۲۸: مقررات نکته قبل شامل قتل غیرعمد در اثر تصادف رانندگی نمی‌گردد.

نکته ۱۲۲۹: هرکس به وسیله چاقو و یا هر نوع اسلحه دیگر تظاهر یا قدرت‌نمایی کند یا آن را وسیله مزاحمت اشخاص یا آذایی یا تهدید قرار دهد یا با کسی گلاویز شود در صورتی که از مصادیق محارب نباشد به مجازات محکوم خواهد شد. (جرم آنی و مطلق)

نکته ۱۲۳۰: هرکس با هیاهو و جنجال یا حرکات غیرمتمعارف یا تعرض به افراد موجب اختلال نظم و آسایش و آرامش عمومی گردد یا مردم را از کسب و کار بازدارد به مجازات محکوم خواهد شد. (جرم آنی و مقید)

نکته ۱۲۳۱: هرکس در اماکن عمومی یا معابر متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود یا با الفاظ و حرکات مخالف شؤون و حیثیت به آنان توهین نماید به مجازات محکوم خواهد شد.

نکته ۱۲۳۲: هرکس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگر به عنف یا تهدید (در صورتی که آدم‌ربایی توأم با عنف یا تهدید باشد: حبس درجه ۴) یا حمله یا به هر نحو دیگر (در صورتی که آدم‌ربایی توأم با حمله یا به انحاء دیگر باشد: حبس درجه ۵) شخصاً یا توسط دیگری شخصی را بر باید (رکن رکیب جرم آدم‌ربایی «ربودن» است که به صورت آنی محقق می‌شود) یا مخفی کند به حبس درجه ۴ (در صورت توأم بودن با عنف یا تهدید) یا درجه ۵ (در غیر عنفی یا تهدیدی) محکوم خواهد شد (آدم‌ربایی ساده). در صورتی که سن مجنی‌علیه (اعم از مؤنث یا مذکر) کمتر از پانزده سال تمام باشد یا ربودن توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی‌علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود (اعم از اینکه بزه دیده مؤنث باشد یا مذکر) مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد و در صورت ارتکاب جرائم دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌گردد (آدم‌ربایی مشدد).

نکته ۱۲۳۳: هرکس عالماً عامداً به واسطه ضرب یا اذیت و آزار زن حامله، موجب سقط جنین وی شود علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص حسب مورد به حبس

از یک تا سه سال محکوم خواهد شد.

نکته ۱۲۳۴: هرکس به واسطه دادن ادویه یا وسایل دیگری موجب سقط جنین زن گردد مجازات محکوم می‌شود و اگر عالماً و عامداً زن حامله‌ای را دلالت به استعمال ادویه یا وسایل دیگری نماید که جنین وی سقط گردد مجازات محکوم خواهد شد مگر اینکه ثابت شود این اقدام برای حفظ حیات مادر می‌باشد و در هر مورد حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات مربوط داده خواهد شد.

نکته ۱۲۳۵: اگر طیب یا ماما یا دارو فروش و اشخاصی که به عنوان طبابت یا مامایی یا جراحی یا دارو فروشی اقدام می‌کنند وسایل سقط جنین فراهم سازند و یا مباشرت به اسقاط جنین نمایند به مجازات شدیدتری محکوم خواهند شد و حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات مربوط صورت خواهد پذیرفت.

نکته ۱۲۳۶: اگر کسی از دادن طفلی که به او سپرده شده است در موقع مطالبه اشخاصی که قانوناً حق مطالبه دارند امتناع کند به مجازات محکوم خواهد شد.

نکته ۱۲۳۷: هرکس بدون مجوز مشروع نبش قبر نماید به مجازات محکوم می‌شود و هرگاه جرم دیگری نیز با نبش قبر مرتکب شده باشد به مجازات آن جرم هم محکوم خواهد شد.

نکته ۱۲۳۸: هرکس بدون رعایت نظامات مربوط به دفن اموات جنازه‌ای را دفن کند یا سبب دفن آن شود یا آن را مخفی نماید به مجازات محکوم خواهد شد.

نکته ۱۲۳۹: هرکس جسد مقتولی را با علم به قتل مخفی کند یا قبل از اینکه به اشخاصی که قانوناً مأمور کشف و تعقیب جرائم هستند خبر دهد آن را دفن نماید به مجازات محکوم خواهد شد. (این جرم شامل خود قاتل نمی‌شود.)

نکته ۱۲۴۰: هرگاه زن و مردی که بین آنها علقه زوجیت نباشد، مرتکب روابط نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا از قبیل تقبیل یا مضاجعه شوند، به شلاق تا نود و نه ضربه محکوم خواهند شد و اگر عمل با عنف و اکراه باشد فقط اکراه کننده تعزیر می‌شود.

نکته ۱۲۴۱: هرکس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید علاوه بر کیفر عمل به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نمی‌باشد ولی عفت عمومی را جریحه دار نماید فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

نکته ۱۲۴۲: زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.

نکته ۱۲۴۳: افراد زیر به حبس از یک تا ده سال محکوم می‌شوند و در مورد بند «الف» علاوه بر مجازات مقرر، محل مربوطه به طور موقت با نظر دادگاه بسته خواهد شد:

الف- کسی که مرکز فساد و یا فحشا دایر یا اداره کند.

ب- کسی که مردم را به فساد یا فحشا تشویق نموده یا موجبات آن را فراهم نماید. (جرم مطلق)

نکته ۱۲۴۴: هرگاه بر عمل فوق عنوان قوادی صدق نماید علاوه بر مجازات مذکور به حد قوادی نیز محکوم می‌گردد.

نکته ۱۲۴۵: هرکس به وسیله سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده، محتویات مستهجن را منتشر، توزیع یا معامله کند یا به قصد تجارت یا افساد تولید یا ذخیره یا نگهداری کند، به مجازات محکوم خواهد شد.

نکته ۱۲۴۶: چنانچه مرتکب اعمال مذکور در نکته قبل را حرفه خود قرار داده باشد یا به طور سازمان یافته مرتکب شود چنانچه مفسد فی الارض شناخته نشود، به حداکثر هر دو مجازات جزای نقدی و حبس مقرر برای این جرم محکوم خواهد شد.

نکته ۱۲۴۷: ارتکاب اعمال فوق در خصوص محتویات مبتذل موجب کاهش مجازات می‌شود.

نکته ۱۲۴۸: محتویات و آثار مبتذل به آثاری اطلاق می‌گردد که دارای صحنه‌ها و صور قبیحه باشد.

نکته ۱۲۴۹: هرگاه محتویات مستهجن به کمتر از ده نفر ارسال شود، مرتکب به یک تا پنج میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

نکته ۱۲۵۰: محتویات مستهجن به تصویر، صوت یا متن واقعی یا غیرواقعی یا متنی اطلاق می‌شود که بیانگر برهنگی کامل زن یا مرد یا اندام تناسلی یا آمیزش یا عمل جنسی انسان است.

نکته ۱۲۵۱: هرکس از طریق سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده مرتکب اعمال زیر شود، به ترتیب زیر مجازات خواهد شد:

الف- چنانچه به منظور دستیابی افراد به محتویات مستهجن، آن‌ها را تحریک یا ترغیب یا تهدید یا تطمیع کند یا فریب دهد یا شیوه دستیابی به آنها را تسهیل نموده یا آموزش دهد، به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج تا بیست میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد. ارتکاب این اعمال در خصوص محتویات مبتذل موجب جزای نقدی از دو تا پنج میلیون ریال است.

ب- چنانچه افراد را به ارتکاب جرائم منافی عفت یا استعمال مواد مخدر یا روان گردان یا خودکشی یا انحرافات جنسی یا اعمال خشونت آمیز تحریک یا ترغیب یا تهدید یا دعوت کرده یا فریب دهد یا شیوه ارتکاب یا استعمال آنها را تسهیل کند یا آموزش دهد، به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج تا بیست میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم می‌شود.

نکته ۱۲۵۲: هرگاه کسی به وسیله تلفن یا دستگاه‌های مخابراتی دیگر برای اشخاص ایجاد مزاحمت نماید علاوه بر اجرای مقررات خاص شرکت مخابرات، مرتکب به حبس از یک تا شش ماه محکوم خواهد شد.

نکته ۱۲۵۳: هرکس با داشتن استطاعت مالی، نفقه زن خود را در صورت تمکین او ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب‌النفقه امتناع کند به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود.

نکته ۱۲۵۴: در خصوص جرم ترک انفاق تعقیب کیفری، منوط به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت گذشت وی از شکایت در هر زمان تعقیب جزایی یا اجرای مجازات موقوف می‌شود.

نکته ۱۲۵۵: امتناع از پرداخت نفقه زوجه‌ای که به موجب قانون، مجاز به عدم تمکین است و نیز نفقه فرزندان ناشی از تلقیح مصنوعی یا کودکان تحت سرپرستی مشمول مقررات ترک انفاق قرار می‌گیرد.

نکته ۱۲۵۶: هرگاه کسی عالماً زن شوهردار یا زنی را که در عده دیگری است برای مردی عقد نماید به حبس یا جزای نقدی و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌شود و اگر دارای دفتر ازدواج و طلاق یا اسناد رسمی باشد برای همیشه از تصدی دفتر ممنوع خواهد گردید.

نکته ۱۲۵۷: کسانی که عالماً مرتکب یکی از اعمال زیر شوند به حبس و جزای نقدی محکوم می‌شوند:

۱- هر زنی که در قید زوجیت یا عده دیگری است خود را به عقد دیگری درآورد در صورتی که منجر به واقعه نگردد.

۲- هرکسی که زن شوهردار یا زنی را که در عده دیگری است برای خود تزویج نماید در صورتی که منتهی به واقعه نگردد.

نکته ۱۲۵۸: چنانچه مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی به ازدواج دائم، طلاق یا فسخ نکاح اقدام یا پس از رجوع تا یک ماه از ثبت آن خودداری یا در مواردی که ثبت نکاح موقت الزامی است از ثبت آن امتناع کند، ضمن الزام به ثبت واقعه به پرداخت جزای نقدی درجه پنج و یا حبس تعزیری درجه هفت محکوم می‌شود. این مجازات در مورد مردی که از ثبت انفساخ نکاح و اعلام بطلان نکاح یا طلاق استنکاف کند نیز مقرر است.

نکته ۱۲۵۹: هرگاه مردی بر خلاف مقررات ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی ازدواج کند، به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود. هرگاه ازدواج مذکور به واقعه منتهی به نقص عضو یا مرض دائم زن منجر گردد، زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه پنج و اگر به واقعه منتهی به فوت زن منجر شود، زوج علاوه بر پرداخت دیه، به حبس تعزیری درجه چهار محکوم می‌شود.

نکته ۱۲۶۰: هرگاه ولی قهری، مادر، سرپرست قانونی یا مسؤول نگهداری و مراقبت و تربیت زوجه در ارتکاب جرم موضوع نکته قبل تأثیر مستقیم داشته باشند به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شوند، این حکم در مورد عاقد نیز مقرر است.

نکته ۱۲۶۱: چنانچه هریک از زوجین قبل از عقد ازدواج طرف خود را به امور واهی از قبیل داشتن تحصیلات عالی، تمکن مالی، موقعیت اجتماعی، شغل و سمت خاص، مجرد و امثال آن فریب دهد و عقد بر مبنای هریک از آنها واقع شود مرتکب به حبس تعزیری محکوم می‌گردد.

نکته ۱۲۶۲: اطباء و جراحان و ماماها و دارو فروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند هرگاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشا کنند به حبس و یا به جزای نقدی محکوم می‌شوند.

نکته ۱۲۶۳: هرکس در دعوی حقوقی یا جزایی که قسم متوجه او شده باشد سوگند دروغ یاد نماید به حبس محکوم خواهد شد.

نکته ۱۲۶۴: هر کس در دادگاه نزد مقامات رسمی شهادت دروغ بدهد به حبس و یا جزای نقدی محکوم خواهد شد.

نکته ۱۲۶۵: مجازات مذکور در نکته قبل علاوه بر مجازاتی است که در باب حدود و قصاص و دیات برای شهادت دروغ ذکر گردیده است.

نکته ۱۲۶۶: سرقت عبارت از ربودن مال متعلق به غیر است.

نکته ۱۲۶۷: سرقت جرمی است آنی ساده و مقید، موضوع آن مال و هر شیء منقول متعلق به دیگری است.

نکته ۱۲۶۸: سرقت در صورتی که دارای تمام شرایط زیر باشد موجب حد است:

الف- شیء مسروق شرعاً مالیت داشته باشد.

ب- مال مسروق در حرز باشد.

پ- سارق هتک حرز کند.

ت- سارق مال را از حرز خارج کند.

ث- هتک حرز و سرقت مخفیانه باشد.

ج- سارق پدر یا جد پدری صاحب مال نباشد.

چ- ارزش مال مسروق در زمان اخراج از حرز، معادل چهار و نیم نخود طلای مسکوک باشد.

ح- مال مسروق از اموال دولتی یا عمومی، وقف عام و یا وقف بر جهات عامه نباشد.

خ- سرقت در زمان قحطی صورت نگیرد.

د- صاحب مال از سارق نزد مرجع قضائی شکایت کند.

ذ- صاحب مال قبل از اثبات سرقت سارق را نبخشد.

ر- مال مسروق قبل از اثبات سرقت تحت ید مالک قرار نگیرد.

ز- مال مسروق قبل از اثبات جرم به ملکیت سارق در نیاید.

ژ- مال مسروق از اموال سرقت شده یا مغضوب نباشد.

نکته ۱۲۶۹: حرز عبارت از مکان متناسبی است که مال عرفاً در آن از دستبرد محفوظ می ماند.

نکته ۱۲۷۰: در صورتی که مکان نگهداری مال از کسی غصب شده باشد، نسبت به وی و کسانی که از طرف او حق دسترسی به آن مکان را دارند، حرز محسوب نمی شود.

نکته ۱۲۷۱: هتک حرز عبارت از نقض غیرمجاز حرز است که از طریق تخریب دیوار یا بالا رفتن از آن یا باز کردن یا شکستن قفل و امثال آن محقق می شود.

نکته ۱۲۷۲: هرگاه کسی مال را توسط مجنون، طفل غیر ممیز، حیوان یا هر وسیله بی اراده ای از حرز خارج کند مباشر محسوب می شود و در صورتی که مباشر طفل ممیز باشد رفتار آمر حسب مورد مشمول یکی از سرقت های تعزیری است.

نکته ۱۲۷۳: در صورتی که مال در حرزهای متعدد باشد، ملاک، اخراج از بیرونی ترین حرز است.

نکته ۱۲۷۴: برای تحقق سرقت حدی ربایش مال به اندازه نصاب باید در یک سرقت انجام شود.

نکته ۱۲۷۵: هرگاه دو یا چند نفر به طور مشترک مالی را برابیند باید سهم جداگانه هر کدام از آنها به حد نصاب برسد تا مشمول سرقت حدی قرار گیرند.

نکته ۱۲۷۶: سرقت در صورت فقدان هریک از شرایط موجب حد، حسب مورد مشمول یکی از سرقت های تعزیری است.

نکته ۱۲۷۷: هرگاه شریک یا صاحب حق، بیش از سهم خود، سرقت نماید و مازاد بر سهم او به حد نصاب برسد، مستوجب حد است و اگر به حد نصاب نرسد مستوجب تعزیر.

نکته ۱۲۷۸: حد سرقت به شرح زیر است:

الف- در مرتبه اول، قطع چهار انگشت دست راست سارق از انتهای آن است، به طوری که انگشت شست و کف دست باقی بماند.

ب- در مرتبه دوم، قطع پای چپ سارق از پایین برآمدگی است، به نحوی که نصف قدم و مقداری از محل مسح باقی بماند.

پ- در مرتبه سوم، حبس ابد است.

ت- در مرتبه چهارم، اعدام است هر چند سرقت در زندان باشد.

نکته ۱۲۷۹: هرگاه سارق، فاقد عضو متعلق قطع باشد، حسب مورد مشمول یکی از سرقت های تعزیری می شود.

نکته ۱۲۸۰: در مورد حبس مقرر به عنوان مجازات سرقت حدی برای بار سوم و سایر حبس هایی که مشمول عنوان تعزیر نیست هرگاه مرتکب حین اجرای مجازات توبه نماید و مقام رهبری آزادی او را مصلحت بداند با عفو ایشان از حبس آزاد می شود. همچنین مقام رهبری می تواند مجازات او را به مجازات تعزیری دیگری تبدیل نماید.

نکته ۱۲۸۱: هرکس در راهها و شوارع به نحوی از انحاء مرتکب راهزنی شود در صورتی که عنوان محارب بر او صادق نباشد به حبس و شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم می شود.

نکته ۱۲۸۲: در جرم راهزنی استفاده از سلاح شرط است، حتماً باید سرقت واقع شود و محل آن نیز در راهها و شوارع باشد.

نکته ۱۲۸۳: هرگاه سرقت در مناطق سیل یا زلزله زده یا جنگی یا آتش سوزی یا در محل تصادف رانندگی صورت پذیرد و حائز شرایط حد نباشد مرتکب به مجازات حبس و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

نکته ۱۲۸۴: هرکس وسایل و متعلقات مربوط به تأسیسات مورد استفاده عمومی که به هزینه دولت یا با سرمایه دولت یا سرمایه مشترک دولت و بخش غیردولتی یا به وسیله نهادها و سازمان های عمومی غیردولتی یا مؤسسات خیریه ایجاد یا نصب شده مانند تأسیسات بهره برداری آب و برق و گاز و غیره را سرقت نماید به حبس از یک تا پنج سال محکوم می شود و چنانچه مرتکب از کارکنان سازمان های مربوطه باشد به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد.

- نکته ۱۲۸۵:** هر کس بدون پرداخت حق انشعاب آب و فاضلاب و برق و گاز و تلفن مبادرت به استفاده غیرمجاز از آب و برق و تلفن و گاز و شبکه فاضلاب نماید علاوه بر جبران خسارت وارده به پرداخت جزای نقدی از یک تا دو برابر خسارت وارده محکوم خواهد شد. چنانچه مرتکب از مأمورین شرکت‌های مذکور باشد به حداکثر مجازات محکوم خواهد شد.
- نکته ۱۲۸۶:** هرکس با علم و اطلاع یا با وجود قرائن اطمینان آور به اینکه مال در نتیجه ارتکاب سرقت به دست آمده است آن را به نحوی از انحاء تحصیل یا مخفی یا قبول نماید یا مورد معامله قرار دهد به حبس از شش ماه تا سه سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد. در صورتی که متهم معامله اموال مسروقه را حرفه خود قرار داده باشد به حداکثر مجازات محکوم می‌گردد.
- نکته ۱۲۸۷:** هرکس عالماً در اشیاء و اموالی که توسط مقامات ذیصلاح توقیف شده است، بدون اجازه دخالت یا تصرفی نماید که منافعی با توقیف باشد ولو مداخله کننده یا متصرف مالک آن باشد به حبس محکوم خواهد شد.
- نکته ۱۲۸۸:** هرکس عالماً عمداً برای ارتکاب جرمی اقدام به ساخت کلید یا تغییر آن نماید یا هر نوع وسیله‌ای برای ارتکاب جرم بسازد، یا تهیه کند به حبس و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.
- نکته ۱۲۸۹:** هرکس مال دیگری را بریابد و عمل او مشمول عنوان سرقت نباشد به حبس محکوم خواهد شد و اگر در نتیجه این کار صدمه‌ای به مجنی‌علیه وارد شده باشد به مجازات آن نیز محکوم خواهد شد.
- نکته ۱۲۹۰:** در صورت تکرار جرم سرقت، مجازات سارق حسب مورد حداکثر مجازات مقرر در قانون خواهد بود.
- نکته ۱۲۹۱:** در کلیه موارد سرقت و ربودن اموال، دادگاه علاوه بر مجازات تعیین شده سارق یا رباینده را به رد عین و در صورت فقدان عین به رد مثل یا قیمت مال مسروقه یا ربوده شده و جبران خسارت وارده محکوم خواهد نمود.
- نکته ۱۲۹۲:** هرکس به طور غیرمجاز داده‌های متعلق به دیگری را بریابد، چنانچه عین داده‌ها در اختیار صاحب آن باشد، به جزای نقدی از یک میلیون (۱۰۰۰/۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال و در غیر این صورت به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی پنج میلیون (۵۰۰۰/۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.
- نکته ۱۲۹۳:** خیانت در امانت جرمی است ساده، مقید و آنی.
- نکته ۱۲۹۴:** رفتار مجرمانه در خیانت در امانت عبارت است از: استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود کردن مال امانی. رفتار مجرمانه خیانت در امانت هم با فعل ممکن است هم با ترک فعل.
- نکته ۱۲۹۵:** برای تحقق خیانت در امانت وجود یک رابطه امانی و سپردن لازم است. سپردن در خیانت در امانت شرط وقوع این جرم است.
- نکته ۱۲۹۶:** مال باید به طور قانونی در ید امین باشد تا جرم خیانت در امانت محقق شود، پس اگر سارقی مال مسروقه را به کسی امانت دهد چون سارق مالک و متصرف قانونی مال نبوده پس در مورد این مال ارتکاب خیانت در امانت توسط امین ممکن نیست.
- نکته ۱۲۹۷:** موضوع خیانت در امانت مال اعم از مال منقول و غیرمنقول می‌باشد.
- نکته ۱۲۹۸:** هرگاه اموال منقول یا غیرمنقول یا نوشته‌هایی از قبیل سفته و چک و قبض و نظایر آن به عنوان اجاره یا امانت یا رهن یا برای وکالت یا هر کار با اجرت یا بی‌اجرت به کسی داده شده و بنابراین بوده است که اشیاء مذکور مسترد شود یا به مصرف معینی برسد و شخصی که آن اشیاء نزد او بوده آنها را به ضرر مالکین یا متصرفین آنها استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود نماید به حبس محکوم خواهد شد.
- نکته ۱۲۹۹:** در مورد عقود تملیکی مثل بیع ارتکاب خیانت در امانت منتفی است اما در مورد عقود عهده‌ای مثل ودیعه یا عاریه یا وکالت تحقق خیانت در امانت ممکن است.
- نکته ۱۳۰۰:** جرم اختلاس جرمی ساده، آنی و مقید است. مرتکب آن باید کارمند دولت باشد، در آن سپردن شرط است. موضوع اختلاس وجوه و یا اموال منقول است. در اختلاس علاوه بر ورود ضرر انتفاع مرتکب یا دیگری شرط است. رفتار مجرمانه این جرم تصاحب است.
- نکته ۱۳۰۱:** هریک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمان‌ها یا شوراها و یا شهرداری‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و یا وابسته به دولت و یا نهادهای انقلابی و دیوان محاسبات و مؤسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می‌شوند و یا دارندگان پایه قضائی و به طور کلی قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح و مأمورین به خدمات عمومی اعم از رسمی یا غیررسمی وجوه یا مطالبات یا حواله‌ها یا سهام و اسناد و اوراق بهادار و یا سایر اموال متعلق به هریک از سازمان‌ها و مؤسسات فوق‌الذکر و یا اشخاص را که برحسب وظیفه به آنها سپرده شده است به نفع خود یا دیگری برداشت و تصاحب نماید مختلس محسوب و مجازات خواهد شد.
- نکته ۱۳۰۲:** در صورت اتلاف عمدی مرتکب علاوه بر ضمان به مجازات اختلاس محکوم می‌شود.
- نکته ۱۳۰۳:** چنانچه عمل اختلاس توأم با جعل سند و نظایر آن باشد در صورتی که میزان اختلاس تا پنجاه هزار ریال باشد مرتکب به ۲ تا ۵ سال حبس و

یک تا ۵ سال انفصال موقت و هرگاه بیش از این مبلغ باشد به ۷ تا ده سال حبس و انفصال دائم از خدمات دولتی و در هر دو مورد علاوه بر رد وجه یا مال مورد اختلاس به جزای نقدی معادل دو برابر آن محکوم می‌شود.

نکته ۱۳۰۴: هرگاه مرتکب اختلاس قبل از صدور کیفرخواست تمام وجه یا مال مورد اختلاس را مسترد نماید دادگاه او را از تمام یا قسمتی از جزای نقدی معاف می‌نماید و اجرای مجازات حبس را معلق ولی حکم انفصال درباره او اجرا خواهد شد.

نکته ۱۳۰۵: حداقل نصاب مبالغ مذکور در جرائم اختلاس از حیث تعیین مجازات یا صلاحیت محاکم اعم از این است که جرم دفعتاً واحده یا به دفعات واقع شده و جمع مبلغ مورد اختلاس بالغ بر نصاب مزبور باشد.

نکته ۱۳۰۶: مجازات شروع به اختلاس حسب مورد حداقل مجازات مقرر در همان مورد خواهد بود و در صورتی که نفس عمل انجام شده نیز جرم باشد، شروع کننده به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌شود.

نکته ۱۳۰۷: جرم تصرف غیرقانونی جرمی است ساده، آبی و مطلق؛ در این جرم انتفاع شرط نیست، مرتکب این جرم حتماً باید کار کند دولت باشد و مال به او به حسب وظیفه‌اش سپرده شده باشد. رفتار مجرمانه این جرم استفاده غیرمجاز از مال سپرده شده به کارمند می‌باشد.

نکته ۱۳۰۸: اعمال زبر در حکم تصرف غیرقانونی می‌باشد می‌باشد: در صورتی که کارمند به علت اهمال یا تفریط موجب تضییع اموال و وجوه دولتی گردد که به او سپرده شده است و یا آن را به مصارفی برساند که در قانون اعتباری برای آن منظور نشده یا در غیر مورد معین یا زائد بر اعتبار مصرف نموده باشد.

نکته ۱۳۰۹: هریک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمان‌ها یا شوراها و یا شهرداری‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و یا وابسته به دولت و یا نهادهای انقلابی و بنیادها و مؤسساتی که زبر نظر ولی فقیه اداره می‌شوند و دیوان محاسبات و مؤسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می‌شوند و یا دارندگان پایه قضائی و به طور کلی اعضا و کارکنان قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح و مأمورین به خدمات عمومی اعم از رسمی و غیررسمی و وجوه نقدی یا مطالبات یا حوالات یا سهام و سایر اسناد و اوراق بهادار یا سایر اموال متعلق به هریک از سازمان‌ها و مؤسسات فوق‌الذکر یا اشخاصی که برحسب وظیفه به آنها سپرده شده است را مورد استفاده غیرمجاز قرار دهد بدون آنکه قصد تملک آنها را به نفع خود یا دیگری داشته باشد، متصرف غیرقانونی محسوب و علاوه بر جبران خسارات وارده و پرداخت اجرت‌المثل به شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم می‌شود و در صورتی که منتفع شده باشد علاوه بر مجازات مذکور به جزای نقدی معادل مبلغ انتفاعی محکوم خواهد شد و همچنین است در صورتی که به علت اهمال یا تفریط موجب تضییع اموال و وجوه دولتی گردد و یا آن را به مصارفی برساند که در قانون اعتباری برای آن منظور نشده یا در غیر مورد معین یا زائد بر اعتبار مصرف نموده باشد.

نکته ۱۳۱۰: هرکس از سفید مهر یا سفید امضایی که به او سپرده شده است یا به هر طریق به دست آورده سوء استفاده نماید به یک تا سه سال حبس محکوم خواهد شد.

نکته ۱۳۱۱: هرکس عالمماً دفاتر و قباله‌ها و سایر اسناد دولتی را بسوزاند یا به هر نحو دیگری تلف کند به حبس محکوم خواهد شد. (جرم مطلق و غیرقابل گذشت)

نکته ۱۳۱۲: هرکس عالمماً هر نوع اسناد یا اوراق تجارتي و غیرتجارتی غیردولتی را که اتلاف آنها موجب ضرر غیر است بسوزاند یا به هر نحو دیگر تلف کند به حبس محکوم خواهد شد. (جرم مقید و قابل گذشت)

نکته ۱۳۱۳: هر نوع نهب و غارت و اتلاف اموال و اجناس و امتعه یا محصولات که از طرف جماعتی بیش از سه نفر به نحو قهر و غلبه واقع شود چنانچه محارب شناخته نشوند به حبس از دو تا پنج سال محکوم خواهند شد.

نکته ۱۳۱۴: هرکس اصله نخل خرما را به هر ترتیب یا هر وسیله بدون مجوز قانونی از بین ببرد یا قطع نماید به حبس یا از جزای نقدی یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

نکته ۱۳۱۵: هرکس درختان موضوع ماده (۱) قانون گسترش فضای سبز را عالمماً و عامداً و برخلاف قانون مذکور، قطع یا موجبات از بین رفتن آنها را فراهم آورد، علاوه بر جبران خسارت وارده، حسب مورد به جزای نقدی برای قطع هر درخت و در صورتی که قطع درخت بیش از سی اصله باشد به حبس تعزیری محکوم خواهد شد.

نکته ۱۳۱۶: هرکس در وسایل و تأسیسات مورد استفاده عمومی از قبیل شبکه‌های آب و فاضلاب، برق، نفت، گاز، پست و تلگراف و تلفن و مراکز فرکانس و ماکروویو (مخابرات) و رادیو و تلویزیون و متعلقات مربوط به آنها اعم از سد و کانال و انشعاب لوله‌کشی و نیروگاه‌های برق و خطوط انتقال نیرو و مخابرات (کابل‌های هوایی یا زمینی یا نوری) و دستگاه‌های تولید و توزیع و انتقال آنها که به هزینه یا سرمایه دولت یا با سرمایه مشترک دولت و بخش غیردولتی یا توسط بخش خصوصی برای استفاده عمومی ایجاد شده و همچنین در علائم راهنمایی و رانندگی و سایر علائمی که به منظور حفظ جان اشخاص یا تأمین تأسیسات فوق یا شوارع و جاده‌ها نصب شده است، مرتکب تخریب یا ایجاد حریق یا از کار انداختن یا هر نوع خرابکاری دیگر شود بدون آنکه منظور او اخلال در نظم و

امنیت عمومی باشد به حبس محکوم خواهد شد.

نکته ۱۳۱۷: در صورتی که اعمال مذکور در نکته قبل به منظور اخلال در نظم و امنیت جامعه و مقابله با حکومت اسلامی باشد مجازات محارب را خواهد داشت.

نکته ۱۳۱۸: هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیربهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زاید، ریختن مواد مسموم کننده در رودخانه‌ها، زباله در خیابان‌ها و کشتار غیرمجاز دام، استفاده غیرمجاز فاضلاب خام یا پس آب تصفیه‌خانه‌های فاضلاب برای مصارف کشاورزی ممنوع می‌باشد و مرتکبین چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد.

نکته ۱۳۱۹: تشخیص اینکه اقدام مزبور تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط‌زیست شناخته می‌شود و نیز غیرمجاز بودن کشتار دام و دفع فضولات دامی و همچنین اعلام جرم مذکور حسب مورد بر عهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان حفاظت محیط‌زیست و سازمان دامپزشکی خواهد بود.

نکته ۱۳۲۰: منظور از آلودگی محیط‌زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را به طوری که به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشد تغییر دهد.

نکته ۱۳۲۱: در تمام موارد ارتکاب جرم تخریب کیفری هرگاه حرق و تخریب و سایر اقدامات انجام شده منتهی به قتل یا نقص عضو یا جراحت و صدمه به انسانی شود مرتکب علاوه بر مجازات‌های مذکور حسب مورد به قصاص و پرداخت دیه و در هر حال به تأدیه خسارات واره نیز محکوم خواهد شد.

نکته ۱۳۲۲: هر کس به طور غیرمجاز داده‌های دیگری را از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده حذف یا تخریب یا مختل یا غیرقابل پردازش کند به حبس یا جزای نقدی یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

نکته ۱۳۲۳: هر کس به طور غیرمجاز با انجام اعمالی از قبیل وارد کردن، انتقال دادن، پخش، حذف کردن، متوقف کردن، دستکاری یا تخریب داده‌ها یا امواج الکترومغناطیسی یا نوری، سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی دیگری را از کار بیندازد یا کارکرد آنها را مختل کند، به حبس یا جزای نقدی یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

نکته ۱۳۲۴: هرکس به طور غیرمجاز با انجام اعمالی از قبیل مخفی کردن داده‌ها، تغییر گذرواژه یا رمزنگاری داده‌ها مانع دسترسی اشخاص مجاز به داده‌ها یا سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی شود، به حبس یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

نکته ۱۳۲۵: هرکس به قصد به خطر انداختن امنیت، آسایش و امنیت عمومی اعمال مذکور هر سه نکته قبلی را علیه سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی که برای ارائه خدمات ضروری عمومی به کار می‌روند، از قبیل خدمات درمانی، آب، برق، گاز، مخابرات، حمل و نقل و بانکداری مرتکب شود، به حبس از سه تا ده سال محکوم خواهد شد.

نکته ۱۳۲۶: هرکس به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به وسیله درج در روزنامه و جراید یا نطق در مجامع یا به هر وسیله دیگر به کسی امری را صریحاً نسبت دهد یا آنها را منتشر نماید که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می‌شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید جز در مواردی که موجب حد است به جزای نقدی درجه شش محکوم خواهد شد. (افترا لفظی جرمی مطلق است.)

نکته ۱۳۲۷: در خصوص نکته قبل در مواردی که نشر آن امر اشاعه فحشا محسوب گردد هرچند بتواند صحت اسناد را ثابت نماید مرتکب به مجازات مذکور محکوم خواهد شد.

نکته ۱۳۲۸: هرکس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله نامه یا شکواییه یا مراسلات یا عرایض یا گزارش یا توزیع هرگونه اوراق چاپی یا خطی یا امضاء یا بدون امضاء اکاذیبی را اظهار نماید یا با همان مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت رأساً یا به عنوان نقل قول به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی تصریحاً یا تلویحاً نسبت دهد اعم از اینکه از طریق مزبور به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا نه علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان، باید به حبس و یا شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم شود. (جرم تشویش اذهان عمومی جرمی است مطلق)

نکته ۱۳۲۹: هر کس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله سامانه رایانه‌ای یا مخابراتی اکاذیبی را منتشر نماید یا در دسترس دیگران قرار دهد یا با همان مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت، رأساً یا به عنوان نقل قول، به شخص حقیقی یا حقوقی به طور صریح یا تلویحی نسبت دهد، اعم از این که از طریق یاد شده به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به دیگری وارد شود یا نشود، افزون بر اعاده حیثیت در صورت امکان به حبس یا جزای نقدی یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد. (تشویش اذهان عمومی رایانه‌ای جرمی است مطلق)

نکته ۱۳۳۰: هرکس عالماً عامداً به قصد متهم نمودن دیگری آلات و ادوات جرم یا اشیایی را که یافت شدن آن در تصرف یک نفر موجب اتهام او می‌گردد بدون اطلاع آن شخص در منزل یا محل کسب یا جیب یا اشیایی که متعلق به اوست بگذارند یا مخفی کند یا به نحوی متعلق به او قلمداد نماید و در اثر این

- عمل شخص مزبور تعقیب گردد، پس از صدور قرار منع تعقیب و یا اعلام برائت قطعی آن شخص، مرتکب به حبس و یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌شود. (جرم افتراء عملی جرمی است مقید)
- نکته ۱۳۳۱:** هرکس با نظم یا نثر یا به صورت کتبی یا شفاهی کسی را هجو کند و یا هجویه را منتشر نماید به حبس محکوم می‌شود.
- نکته ۱۳۳۲:** هرکس به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، فیلم یا صوت یا تصویر دیگری را تغییر دهد یا تحریف کند و آن را منتشر یا با علم به تغییر یا تحریف منتشر کند، به نحوی که عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس یا جزای نقدی یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد. (جرم قابل گذشت)
- نکته ۱۳۳۳:** در خصوص نکته قبل چنانچه تغییر یا تحریف به صورت مستهجن باشد، مرتکب به حداکثر هر دو مجازات مقرر محکوم خواهد شد.
- نکته ۱۳۳۴:** هرکس به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی صوت یا تصویر یا فیلم خصوصی یا خانوادگی یا اسرار دیگری را بدون رضایت او جز در موارد قانونی منتشر کند یا در دسترس دیگران قرار دهد، به نحوی که منجر به ضرر یا عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس یا جزای نقدی یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.
- نکته ۱۳۳۵:** هرکس متجاهراً و به نحو علنی در اماکن و معابر و مجامع عمومی مشروبات الکلی استعمال نماید، علاوه بر اجرای حد شرعی شرب خمر به حبس تعزیری محکوم می‌شود.
- نکته ۱۳۳۶:** هر کس مشروبات الکلی را بسازد یا بخرد یا بفروشد یا در معرض فروش قرار دهد یا حمل و یا نگهداری کند یا در اختیار دیگری قرار دهد به شش ماه تا یک سال حبس و تا هفتاد و چهار (۷۴) ضربه شلاق و نیز پرداخت جزای نقدی به میزان پنج برابر ارزش عرفی (تجاری) کالای یاد شده محکوم می‌شود.
- نکته ۱۳۳۷:** وارد نمودن مشروبات الکلی به کشور قاچاق محسوب می‌گردد و واردکننده صرف‌نظر از میزان آن به شش ماه تا پنج سال حبس و تا هفتاد و چهار (۷۴) ضربه شلاق و نیز پرداخت جزای نقدی به میزان ده برابر ارزش عرفی (تجاری) کالای یاد شده محکوم می‌شود. رسیدگی به این جرم در صلاحیت محاکم عمومی است.
- نکته ۱۳۳۸:** درخصوص دو نکته قبلی، هرگاه مشروبات الکلی مکشوفه به میزان بیش از بیست لیتر باشد، وسایلی که برای حمل آن مورد استفاده قرار می‌گیرد چنانچه با اطلاع مالک باشد به نفع دولت ضبط خواهد شد در غیر این صورت مرتکب به پرداخت معادل قیمت وسیله نقلیه نیز محکوم خواهد شد. آلات و ادواتی که جهت ساخت یا تسهیل ارتکاب جرائم موضوع مواد مذکور مورد استفاده قرار می‌گیرد و وجوه حاصله از معاملات مربوط به نفع دولت ضبط خواهد شد.
- نکته ۱۳۳۹:** هرگاه کارکنان دولت یا شرکت‌های دولتی و شرکت‌ها یا مؤسسات وابسته به دولت، شوراها، شهرداری‌ها یا نهادهای انقلاب اسلامی و به طور کلی قوای سه گانه و همچنین اعضاء نیروهای مسلح و مأموران به خدمات عمومی در جرائم موضوع مواد (۷۰۲) و (۷۰۳) مباشرت، معاونت یا مشارکت نمایند علاوه بر تحمل مجازات‌های مقرر، به انفصال موقت از یک سال تا پنج سال از خدمات دولتی محکوم خواهند شد.
- نکته ۱۳۴۰:** هرکس محلی را برای شرب خمر دایر کرده باشد یا مردم را به آنجا دعوت کند به حبس و (۷۴) ضربه شلاق و یا جزای نقدی یا هر دو آنها محکوم خواهد شد و در صورتی که هر دو مورد را مرتکب شود به حداکثر مجازات محکوم خواهد شد.
- نکته ۱۳۴۱:** قماربازی با هر وسیله‌ای ممنوع و مرتکبین آن حبس و یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌شوند و در صورت تجاهر به قماربازی به هر دو مجازات محکوم می‌گردند.
- نکته ۱۳۴۲:** هرکس آلات و وسایلی مخصوص به قماربازی را بخرد یا حمل یا نگهداری کند به حبس یا جزای نقدی محکوم می‌شود.
- نکته ۱۳۴۳:** هرکس آلات و وسایلی مخصوص به قماربازی را بسازد یا بفروشد یا در معرض فروش قرار دهد یا از خارج وارد کند یا در اختیار دیگری قرار دهد به حبس و جزای نقدی محکوم می‌شود.
- نکته ۱۳۴۴:** هرکس قمارخانه دایر کند یا مردم را برای قمار به آنجا دعوت نماید به حبس و یا جزای نقدی محکوم می‌شود.
- نکته ۱۳۴۵:** تمام اسباب و نقود متعلق به قمار حسب مورد معدوم یا به عنوان جریمه ضبط می‌شود.
- نکته ۱۳۴۶:** اشخاصی که در قمارخانه‌ها یا اماکن معد برای صرف مشروبات الکلی قبول خدمت کنند یا به نحوی از انحاء به دایرکننده این قبیل اماکن کمک نمایند معاون محسوب می‌شوند و مجازات مباشر در جرم را دارند ولی دادگاه می‌تواند نظر به اوضاع و احوال و میزان تأثیر عمل معاون مجازات را تخفیف دهد.
- نکته ۱۳۴۷:** هرکس تکدی یا کلاشی را پیشه خود قرار داده باشد و از این راه امرار معاش نماید یا ولگردی نماید به حبس محکوم خواهد شد و چنانچه با وجود توان مالی مرتکب عمل فوق شود علاوه بر مجازات مذکور کلیه اموالی که از طریق تکدی و کلاشی به دست آورده است مصادره خواهد شد.
- نکته ۱۳۴۸:** هرکس طفل صغیر یا غیررشیدی را وسیله تکدی قرار دهد یا افرادی را به این امر بگمارد به حبس و استرداد کلیه اموالی که از طریق مذکور به دست آورده است محکوم خواهد شد.

- نکته ۱۳۴۹:** هرگاه بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی یا عدم مهارت راننده (اعم از وسایط نقلیه زمینی یا آبی یا هوایی) یا متصدی وسیله موتوری منتهی به قتل غیر عمدی شود مرتکب به حبس و نیز به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه اولیای دم محکوم می شود.
- نکته ۱۳۵۰:** اظهار نظر کارشناسی در خصوص تشخیص بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی یا عدم مهارت در مورد سوانح مربوط به وسایل نقلیه زمینی و آبی و هوایی حسب مورد اداره راهنمایی و رانندگی شرکت راه آهن جمهوری اسلامی ایران، سازمان بنادر و کشتی رانی و سازمان هواپیمایی کشور می باشد.
- نکته ۱۳۵۱:** در صدمات ناشی از بی احتیاطی در رانندگی هرگاه راننده یا متصدی وسایل موتوری در موقع وقوع جرم مست بوده یا پروانه نداشته یا زیادتیر از سرعت مقرر حرکت می کرده است یا آنکه دستگاه موتوری را با وجود نقص و عیب مکانیکی مؤثر در تصادف به کار انداخته یا در محل هایی که برای عبور پیاده رو علامت مخصوص گذارده شده است، مراعات لازم ننماید و یا از محل هایی که عبور از آن ممنوع گردیده است رانندگی نموده به بیش از دو سوم حداکثر مجازات مذکور در هر مورد محکوم خواهد شد. دادگاه می تواند علاوه بر مجازات فوق مرتکب را برای مدت یک تا پنج سال از حق رانندگی یا تصدی وسایل موتوری محروم نماید.
- نکته ۱۳۵۲:** هرگاه مصدوم احتیاج به کمک فوری داشته و راننده با وجود امکان رساندن مصدوم به مراکز درمانی و یا استمداد از مأمورین انتظامی از این کار خودداری کند و یا به منظور فرار از تعقیب محل حادثه را ترک و مصدوم را رها کند حسب مورد به بیش از دو سوم حداکثر مجازات جرم مربوطه محکوم خواهد شد. دادگاه نمی تواند در مورد این ماده اعمال کیفیت مخفیه نماید.
- نکته ۱۳۵۳:** راننده در صورتی می تواند برای انجام تکالیف مذکور در نکته قبل وسیله نقلیه را از صحنه حادثه حرکت دهد که برای کمک رسانیدن به مصدوم توسل به طریق دیگر ممکن نباشد.
- نکته ۱۳۵۴:** در تمام موارد مذکور هرگاه راننده مصدوم را به تقاطعی برای معالجه و استراحت برساند و یا مأمورین مربوطه را از واقعه آگاه کند و یا به هر نحوی موجبات معالجه و استراحت و تخفیف آلام مصدوم را فراهم کند دادگاه مقررات تخفیف را در باره او رعایت خواهد نمود.
- نکته ۱۳۵۵:** هرکس در ارقام و مشخصات پلاک وسایل نقلیه موتوری زمینی، آبی یا کشاورزی تغییر دهد و یا پلاک وسیله نقلیه موتوری دیگری را به آن الصاق نماید یا برای آن پلاک تقلبی به کار برد یا چنین وسایلی را با علم به تغییر و یا تعویض پلاک تقلبی مورد استفاده قرار دهد و همچنین هرکس به نحوی از انحاء در شماره شاسی، موتور یا پلاک وسیله نقلیه موتوری و یا پلاک های موتور و شاسی که از طرف کارخانه سازنده حک یا نصب شده بدون تحصیل مجوز از راهنمایی و رانندگی تغییر دهد و آن را از صورت اصلی کارخانه خارج کند به حبس محکوم خواهد شد.
- نکته ۱۳۵۶:** هرکس بخواهد وسیله نقلیه موتوری را اوراق کند، مکلف است مراتب را با تعیین محل توقف وسیله نقلیه به راهنمایی و رانندگی محل اطلاع دهد، راهنمایی و رانندگی محل باید ظرف مدت یک هفته اجازه اوراق کردن وسیله نقلیه را بدهد و اگر به دلایلی با اوراق کردن موافقت ندارد تصمیم قطعی خود را ظرف همان مدت با ذکر دلیل به متقاضی ابلاغ نماید. هرگاه راهنمایی و رانندگی هیچ گونه اقدامی در آن مدت نکرد اوراق کردن وسیله نقلیه پس از انقضای مدت مجاز است. تخلف از این ماده برای اوراق کننده موجب محکومیت به حبس خواهد بود.
- نکته ۱۳۵۷:** چنانچه وسیله موتوری یا پلاک آن سرقت یا مفقود شود، شخصی که وسیله در اختیار و تصرف او بوده است اعم از آنکه مالک بوده یا نبوده پس از اطلاع مکلف است بلافاصله مراتب را به نزدیک ترین مرکز نیروی انتظامی اعلام نماید، متخلف از این ماده به جزای نقدی محکوم خواهد شد.
- نکته ۱۳۵۸:** هرکس بدون گواهینامه رسمی اقدام به رانندگی و یا تصدی وسایل موتوری که مستلزم داشتن گواهینامه مخصوص است، بنماید و همچنین هرکس به موجب حکم دادگاه از رانندگی وسایل نقلیه موتوری ممنوع باشد به رانندگی وسایل مزبور مبادرت ورزد برای بار اول به حبس تعزیری تا دو ماه یا جزای نقدی تا یک میلیون ریال و یا هر دو مجازات و در صورت ارتکاب مجدد به دو ماه تا شش ماه حبس محکوم خواهد شد.
- نکته ۱۳۵۹:** هر راننده وسیله نقلیه ای که در دستگاه ثبت سرعت وسیله نقلیه عمداً تغییری دهد که دستگاه سرعتی کمتر از سرعت واقعی نشان دهد و یا با علم به اینکه چنین تغییری در دستگاه مزبور داده شده با آن وسیله نقلیه رانندگی کند برای بار اول به حبس از ده روز تا دو ماه و یا جزای نقدی از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال و یا هر دو مجازات و در صورت تکرار به دو تا شش ماه حبس محکوم خواهد شد.
- نکته ۱۳۶۰:** هر یک از مأمورین دولت که متصدی تشخیص مهارت و دادن گواهینامه رانندگی هستند اگر به کسی که واجد شرایط رانندگی نبوده پروانه بدهند به حبس تعزیری و انفصال از خدمات دولتی محکوم خواهند شد و پروانه صادره نیز ابطال می گردد.
- نکته ۱۳۶۱:** هر کس به طور غیرمجاز به داده های سامانه های رایانه ای یا مخابراتی که به وسیله تدابیر امنیتی حافظت شده است دسترسی یابد، به حبس یا جزای نقدی یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.
- نکته ۱۳۶۲:** هر کس به طور غیرمجاز محتوای در حال انتقال ارتباطات غیرعمومی در سامانه های رایانه ای یا مخابراتی یا امواج الکترومغناطیسی یا نوری را شنود کند. به حبس یا جزای نقدی یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

نکته ۱۳۶۳: هرکس بدون مجوز قانونی از پهنای باند بین‌المللی برای برقراری ارتباطات مخابراتی مبتنی بر پروتکل اینترنتی از خارج ایران به داخل یا برعکس استفاده کند، به حبس یا جزای نقدی یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

نکته ۱۳۶۴: هر شخصی که مرتکب اعمال زیر شود، به حبس یا جزای نقدی یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد:

الف- تولید یا انتشار یا توزیع یا معامله داده‌ها یا نرم‌افزارها یا هر نوع ابزار الکترونیکی که صرفاً به منظور ارتکاب جرائم رایانه‌ای به کار می‌رود.

ب- فروش یا انتشار یا در دسترس قرار دادن گذرواژه یا هر داده‌ای که امکان دسترسی غیرمجاز به داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی متعلق به دیگری را بدون رضایت او فراهم می‌کند.

ج- انتشار یا در دسترس قرار دادن محتویات آموزش دسترسی غیرمجاز، شنود غیرمجاز، جاسوسی رایانه‌ای و تخریب و اخلال در داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی.

نکته ۱۳۶۵: چنانچه مرتکب، اعمال یادشده در نکته قبلی را حرفه خود قرار داده باشد، به حداکثر هر دو مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهد شد.

نکته ۱۳۶۶: در موارد زیر، در خصوص جرائم رایانه‌ای حسب مورد مرتکب به بیش از دوسوم حداکثر یک یا دو مجازات مقرر محکوم خواهد شد:

الف- هر یک از کارمندان و کارکنان اداره‌ها و سازمان‌ها یا شوراها و یا شهرداری‌ها و موسسه‌ها و شرکت‌های دولتی و یا وابسته به دولت یا نهادهای انقلابی و بنیادها و مؤسسه‌هایی که زیر نظر ولی فقیه اداره می‌شوند و دیوان محاسبات و مؤسسه‌هایی که با کمک مستمر دولت اداره می‌شوند و یا دارندگان پایه قضایی و به طور کلی اعضاء و کارکنان قوای سه‌گانه و همچنین نیروهای مسلح و مأموران به خدمت عمومی اعم از رسمی و غیررسمی به مناسبت انجام وظیفه مرتکب جرم رایانه‌ای شده باشند.

ب- متصدی یا متصرف قانونی شبکه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی که به مناسبت شغل خود مرتکب جرم رایانه‌ای شده باشد.

ج- داده‌ها یا سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، متعلق به دولت یا نهادهای مراکز ارائه‌دهنده خدمات عمومی باشد.

د- جرم به صورت سازمان‌یافته ارتکاب یافته باشد.

ه- جرم در سطح گسترده‌ای ارتکاب یافته باشد.

نکته ۱۳۶۷: در خصوص جرائم رایانه‌ای در صورت تکرار جرم برای بیش از دو بار دادگاه می‌تواند مرتکب را از خدمات الکترونیکی عمومی از قبیل اشتراک اینترنت، تلفن همراه، اخذ نام دامنه مرتبه بالای کشوری و بانکداری الکترونیکی محروم کند.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۹۴)، دوره ۳ جلدی حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات میزان، چاپ چهل و سوم.
۳. بخشی زاده اهری، امین، (۱۳۹۴)، شرح جدولی قانون مجازات اسلامی جزای عمومی، چاپ اول.
۴. ساولانی، اسماعیل، (۱۳۹۶)، حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات دادآفرین، چاپ پنجم.
۵. شکرپیگی، علیرضا، پیری، یحیی، (۱۳۹۷)، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تهران، انتشارات توازن.
۶. شکرپیگی، علیرضا، پیری، یحیی، (۱۳۹۷)، قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحی ۱۳۹۴، تهران، انتشارات توازن.
۷. صبری، نور محمد، (۱۳۹۷)، سوالات چهارگزینه‌ای حقوق جزای اختصاصی، تهران، انتشارات میزان.
۸. صبری، نور محمد، (۱۳۹۷)، سوالات چهارگزینه‌ای حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات میزان.
۹. غفوری، احمد، (۱۳۹۶)، شرح آزمون قانون مجازات اسلامی، تهران، انتشارات آریاداد، چاپ دوم.
۱۰. غفوری، احمد، (۱۳۹۹)، درسنامه موجود در کانال تلگرام موضوع تغییرات قانون مجازات در سال ۱۳۹۹.
۱۱. فخرالدین، عباس زاده، (۱۳۹۷)، حقوق جزای عمومی، تهران، آوا، چاپ اول.
۱۲. کار خیران، محمدحسین، (۱۳۹۲)، محشای قانون مجازات اسلامی دوره ۴ جلدی چاپ دوم.
۱۳. گلدوزیان، ایرج، (۱۳۹۶)، محشای قانون مجازات اسلامی، تهران، انتشارات مجد، چاپ ششم.
۱۴. میرمحمد صادقی، حسین، (۱۳۹۴)، جرائم علیه اشخاص، تهران، انتشارات میزان، چاپ بیستم.
۱۵. میرمحمد صادقی، (۱۳۹۵)، جرائم علیه اموال و مالکیت، تهران، انتشارات میزان، چاپ چهل و هشتم.
۱۶. میرمحمد صادقی، حسین، (۱۳۹۳)، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران، انتشارات میزان، چاپ بیست و هفتم.
۱۷. ناتری، شمس، (۱۳۹۵)، شرح قانون مجازات اسلامی، تهران، انتشارات میزان، جلد اول، چاپ دوم.
۱۸. ساولانی، اسماعیل، (۱۳۹۷)، نکته‌های جزای اختصاصی، جلد اول و دوم انتشارات میزان، چاپ اول.

۱۹. سماواتی، امیر، جزوه‌ی کلاسی جزای عمومی و اختصاصی گردآوری داود بلدی
۲۰. حیدری، علیمراد، (۱۳۹۶)، حقوق جزای عمومی انتشارات سمت، چاپ اول
۲۱. صیادی، مهدی، (۱۳۹۶)، وکیل یار حقوق جزای عمومی انتشارات کمک آزمون، چاپ اول
۲۲. صیادی، مهدی، (۱۳۹۷)، وکیل یار حقوق جزای اختصاصی انتشارات کمک آزمون، چاپ اول
۲۳. سپهوند، امیر خان، (۱۳۸۹)، جرائم علیه اشخاص - قتل، انتشارات مجد
۲۴. پیمانی، سید ضیاءالدین، (۱۳۹۲)، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، انتشارات میزان
۲۵. ولیدی، محمد صالح، (۱۳۹۲)، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، انتشارات مجد
۲۶. رضا شکری و قادر سیروس (۱۳۹۸)، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، انتشارات ققنوس
۲۷. آقایی نیا، حسین، (۱۳۹۷) جرائم علیه اشخاص جلد اول، نشر میزان
۲۸. الهام، غلامحسین و برهانی، محسن (۱۳۹۵) درآمدی بر حقوق جزای عمومی دوره سه جلدی نشر میزان
۲۹. باهری، محمد (۱۳۸۹) بایسته‌های حقوق جزای عمومی، انتشارات مجد
۳۰. آشوری، محمد (۱۳۹۲) حقوق آیین دادرسی کیفری دور ه دو جلدی، انتشارات سمت
۳۱. طهماسبی، جواد (۱۳۹۵) حقوق آیین دادرسی کیفری دوره چهار جلدی، انتشارات میزان
۳۲. عباس زراعت (۱۳۹۲) شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی، انتشارات جنگل
۳۳. حسین قافی و سعید شریعتی (۱۳۹۷) اصول فقه کاربردی دوره سه جلدی انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه
۳۴. خالقی، علی (۱۳۹۶) آیین دادرسی کیفری دوره‌ی دوجلدی، انتشارات شهر دانش
۳۵. هادی رستمی (۱۳۹۵) آیین دادرسی کیفری، نشر میزان
۳۶. مجتبی باری (۱۳۸۹) قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، نشر میثاق عدالت
۳۷. بسته جمع‌بندی و کالت (۱۳۹۷)، انتشارات مؤسسه طرح نوین اندیشه

نکات مهم مهم مهم موفقیتی

- * باید مسائلی وسوسه‌انگیز (همچون تلفن همراه، تلویزیون و ...) در اطرافمان را کنترل کنیم. آنچه به طور معمول اتفاق می‌افتد این است که ما بی‌اختیار به سمت آنها می‌رویم. یک تلفن همراه ساده تهیه کنید؛ باور کنید که در سه/چهار ماه آخر، کلی وقت کم می‌آید.
- * شما [برای موفقیت] باید [مدتی] از آسایش دور باشید؛ ممکنه برخی از دوستانتون رو از دست بدید؛ مجبور بشید شب‌بیداری بکشید. هرچند که بسیاری از مردم حاضر نیستند چنین کاری را انجام دهند ...
- * ۳۰ تا ۴۵ دقیقه مطالعه کنید سپس ۴ تا ۵ دقیقه استراحت. در استراحت‌ها از موبایل، تلویزیون و وسایل ارتباطی دوری کنید. مراقب دزدهای زمان باشید! در زمان‌های استراحت بین مطالعه، اگر فعالیت سرگرم‌کننده را شروع کنید، ممکن است زنگ تفریح شما طولانی‌تر از زمان درس خواندنتان شود.
- * در زمان‌های استراحت بین مطالعه: کمی راه بروید؛ دست‌ها، انگشتان، شانه‌ها، گردن و چشمانتان را نرمش بدهید. سعی کنید در این بازه زمانی از فعالیت‌های فکری دوری کنید.
- * بدانید که حتی در آرام‌ترین محیط، حداکثر دقت و تمرکز انسان بر روی یک متن درسی، ۲۵ دقیقه است.
- * یک مطالعه مطلوب سه ساعته باید شامل ۴ مطالعه چهل دقیقه‌ای با فاصله ۴ تا ۵ دقیقه‌ای در میان آنها باشد. این روش، علاوه بر اینکه دقت شما را در بالاترین حد خود نگاه می‌دارد باعث می‌شود از نظر جسمی خسته نشوید.
- * یک هدف را انتخاب کنید و فقط به سوی آن حرکت کنید؛ رویاهای خود را مکتوب کنید؛ در رویاهایتان زندگی کنید! و نهایتاً رویاهایتان را دنبال کنید و یقین داشته باشید که رویاهایتان راه را بلد هستند.
- * زمان مطالعه خود را به صورت ترکیبی از ساعت و تعداد فصل‌های کتاب برنامه‌ریزی کنید. مثلاً اگر مطالعه فصلی از کتاب تا بعد از ساعت ۶ کامل می‌شود تنها با به پایان رسانیدن آن فصل، مطالعه خود را متوقف کنید.
- * در هنگام درس خواندن، باید یک لیوان آب بر روی میز خود بگذارید و به یاد داشته باشید که گه‌گاه جرعه‌ای از آن بنوشید ...
- * همواره قبل از مطالعه، مقدار درسی که باید خوانده شود را تعیین کنید و نه مدت زمان درس خواندن را. برای به پایان رساندن مقدار مطلبی که برای مطالعه مشخص کرده‌اید شتاب‌زده عمل نکنید! در عین حال، اهداف غیر واقعی را هم برای خود در نظر نگیرید.
- * خوردن یک صبحانه سالم، یعنی فراهم کردن انرژی کافی برای فعالیت در پرتحرک‌ترین و ثمربخش‌ترین ساعات روز؛ یعنی صبح‌ها!

* یکی از تکنیک‌های مطالعه، مطالعهٔ اجمالی قبل از خواندن دقیق است. ابتدا باید با تُندخوانی (روزنامه‌ای خوانی)، موضوع را به سرعت مطالعه کرد. این کار به ذهن شما کمک می‌کند تا اطلاعات شاخص را جمع‌آوری کرده و پیش‌زمینهٔ مناسبی برای درس خواندن مؤثر فراهم آورید. تُندخوانی (روزنامه‌ای خوانی)، را نمی‌توان جایگزین مطالعهٔ معمولی کرد بلکه این روش، صرفاً تمرینی است که برای مؤثر ساختن مطالعه به کار گرفته می‌شود. در تُندخوانی باید از انگشتان خود کمک بگیرید و به چشمان خود یاد دهید که حرکت انگشتان را تعقیب کنند.

* از افرادی که سعی دارند بلندپروازی‌هایتان را کوچک شمارند دور شوید.

* یادداشت‌برداری در جریان مطالعه، به شما کمک می‌کند تا تأثیرات آنچه در جریان مطالعه گذشته است را ثبت کنید. یادداشت‌کردن نکات مهم، تأثیر بسزایی در تثبیت آن در ذهن دارد. به یاد داشته باشید مغز حدود هفتاد و پنج درصد آنچه را که فرا گرفته پس از یک روز فراموش می‌کند.

* شما به هیچ کس نیاز ندارید که رؤیای شما را تأیید کند! رؤیای شما برای شماست... اگر دیگران رؤیای شما را تأیید نمی‌کنند به این دلیل است که: این رؤیای آنها نیست و آن را درک نمی‌کنند.

* اگر انگیزهٔ مطالعه و درس خواندن به اندازهٔ کافی جذاب نباشد یقیناً با جدیت تلاش نخواهید کرد. برای خود آرزوی بزرگی را تصور کنید. همانا که داشتن آرزوی بزرگ، انگیزه‌ای برای این خواهد شد که با اراده‌ای استوار به مطالعه ادامه دهید.

* از قدیم به ما می‌گفتند: «آزمون وکالت یا قضاوت نص محور است.» به عبارت دیگر، متن قوانین و آرای وحدت رویه، مورد سؤال قرار می‌گیرد. این گفته، تاحدودی فریب‌دهنده است و متأسفانه عده‌ای از داوطلبان در دام این معنی می‌افتند و صرفاً به متن قوانین اکتفا می‌کنند. یک داوطلب ناچار است برای فهم ابعاد یک مادهٔ قانونی، علاوه بر متن ساده قوانین، کتاب‌های کم‌حجم و جزوات را نیز مطالعه کند.

* دونده‌ای با برنامهٔ تمرینی‌اش توانست بزرگترین، سریعترین و با استعدادترین دوندهٔ جهان شود. او می‌گوید: من صبح‌ها ۱۰ کیلومتر و شب‌ها ۲۰ کیلومتر می‌دوم. وقتی به او گفتند که برنامهٔ تمرینی‌اش خیلی ساده است، گفت: برنامهٔ تمرینات من ساده است، ولی من ۳۶۵ روز در سال این کار را می‌کنم. علت اینکه بعضی‌ها به خواسته‌هایشان نمی‌رسند، این نیست که برنامهٔ ساده‌ای دارند، بلکه آنها نمی‌توانند این برنامهٔ ساده را دنبال کنند.

* وضع نشستن برای افرادی که زیاد مطالعه می‌کنند بسیار مهم است. نباید به صورت خمیده و یا مایل به سمت طرفین مطالعه نمود؛ ستون فقرات به هنگام مطالعه باید راست باشد. باید ضمن مطالعه و در وقت‌های استراحت چشم‌ها و وضع نشستن خود را تغییر داده، مختصری حرکت نمایید تا از رکود خون در پاها جلوگیری شود. مطالعه در حال دراز کشیدن برای چشم مناسب نیست چراکه روشنائی کتاب تأمین نمی‌شود و خستگی زودتر فرا می‌رسد.

* اگر بخواهی اصلاحات مهمی در زندگی‌ات ایجاد کنی، باید دلیلی داشته باشی و برای اینکه بخواهی تغییرات ضروری را در زندگی‌ات بدهی، چرایی باید در نظرت انگیزه‌بخش باشد و تو را برای دست زدن به هر اقدام لازمی به هیجان آورد. تو باید بخواهی که بلند شوی و برای سال‌های متمادی ... بروی و بروی و بروی و بروی ...

* بد نیست که یک همراه موفقیت پیدا کنید. مثلاً به دوستی که هدفش قبولی در آزمونه و به اندازهٔ کافی انگیزهٔ قوی برای قبولی در آزمون داره! اینایی که باشگاه ورزشی می‌زن یک حریف تمرینی دارند که بهشون انگیزه می‌ده و به موقع‌های سرشون داد می‌زنه و بعضی اوقان هم می‌تونن باهاش درد دل کنند. کلاً این رو می‌دونید که هم‌نشینا و معاشران خیلی - یعنی خیلی - مهم هستند. با همراه موفقیت‌تان راجع به مخمصه‌ها و اشتباهاتتان صحبت کنید.

* موفقیت در سایهٔ سخت‌کوشی، نظم و عادات‌های خوب به دست می‌آید؛ نباید در انتظار کسب نتایج آنی باشیم؛ این داستان‌هایی که مطرح می‌شود که به نفر یک‌شنبه میلیارد شده، یک در میلیون! و موفقیت، مایکروبووی و فست‌فودی نیست!

* درس‌ها رو متنوع بخونید مثلاً در یک روز، دو درس را بخوانید؛ آدمی از یکنواخت بودن به زودی ملول می‌شود.

* کتاب قانونی را که با آن کار می‌کنید و انس می‌گیرید هرگز عوض نکنید چون ذهن شما تصویر صفحات مطالعه‌شده را نیز حفظ می‌کند (مثلاً من می‌دونم که توی قانونم مادهٔ فلان در بالای صفحه سمت چپه! این مزیت حافظهٔ تصویری، وقتی که حافظهٔ علمی در آزمون کار نمی‌کنه معجزه می‌کنه! به پیشنهاد دیگه: از مجموعه قوانین «معاونت تدوین، تحقیق و انتشار قوانین و مقررات ریاست جمهوری» به نشانی dotic.ir استفاده کنید.

* دو راه مفید برای مواجهه با صداهای مزاحم هنگام مطالعه وجود داره:

یک: استفاده از صدای «نویز سفید» هنگام مطالعه: صدای «White noise» - شیب صدایی که توی این تلویزیون قدیمی‌ها هم‌زمان با دیدن برفک پخش می‌شد - رو دانلود کنید و موقع درس خواندن پخش کنید. دو: گذاشتن گوش‌گیرها (محافظ گوش): برای رفع عامل صدای محیط، صداگیرهای اسفنجی کوچک ارزان‌قیمتی در داروخانه‌ها قابل تهیه هستند و داخل مجرای گوش قرار می‌گیره و بی‌نظیره.

- * جزوات و کتاب‌ها تون رو حتماً سیمی کنید که باهاش یک سال گلنجر نرید. از نگهدارنده‌های کتاب که هنگام مطالعه از خم کردن سر و گردن و پایین‌نگاه‌داشتن چشم‌هایتان جلوگیری می‌کند استفاده کنید. این Book Holder ها با جنس‌های مختلف در بازار موجوده.
- * همیشه اوون آدمه باش که نه می‌گه! هم‌رنگ جماعت شدن افتخاری نداره!
- * اگه تا به حال به جایی نرسیدید دیگران را مقصر ندونید چون «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» و اینکه برای انسان جز حاصل تلاش او نیست «وَأَنْ سَعَيْهِ سَوْفَ يُرَى» و [نتیجه] کوشش او به زودی دیده خواهد شد.
- * روانشناسان می‌گویند چیزی تبدیل به عادت نمی‌شود مگر اینکه آن را سه هفته مکرر انجام دهید. این حرف علمی نیست اما من ازش جواب گرفتم!
- * موفقیت واقعی و ماندگار، نیازمند کارکردن است - و البته کار زیاد!
- * برابان تریسی می‌گه: «افراد موفق هدف‌های خیلی روشنی دارند. آنها می‌دانند که کی هستند و می‌دانند که چه می‌خواهند. آنها هدفشان را روی کاغذ می‌نویسند و برای رسیدن به آن برنامه‌ریزی می‌کنند. از نظر من هدفی که نوشته نشده فقط خیال است!»
- * یه چیز دیگه هم بگم: در آزمون‌های آزمایشی مؤسسات شرکت نکنید چون روحیه‌تون خراب می‌شه چرا که سوالات این آزمون‌ها کاملاً غیراستاندارد و در اغلب موارد بسیار دشوار و بی‌ارتباط با آزمون اصلی است.
- * افراد سست‌اراده همیشه منتظر معجزه‌ها و رویدادهای شگفت‌انگیزند اما افراد قوی، خود آفریننده معجزه‌ها و رویدادهای شگفت‌انگیزند.
- * و هر که بر خدا توکل کند خدا او را کفایت خواهد کرد (آیه ۳ سوره طلاق) منظور از «توکل» سپردن کارها به خدا، اعتماد بر لطف اوست زیرا «توکل» از ماده «وکالت» به معنای انتخاب وکیل نمودن و اعتماد بر دیگری کردن است. بدیهی است هر قدر وکیل توانایی بیشتر و آگاهی فزون‌تر داشته باشد، شخص موکل احساس آرامش بیشتری می‌کند و از آنجا که علم خدا بی‌پایان و توانایی‌اش نامحدود است، هنگامی که انسان، توکل بر او می‌کند، آرامش فوق‌العاده احساس می‌کند چه آنکه حتی اگر از بدی هم بر او برسد «خیر» است. آیه ۲۱۶ سوره بقره می‌گه: «و چه بسا چیزی را خوش ندارید و آن برای شما خیر است و چه بسا چیزی را دوست دارید و آن برای شما بد است؛ و خدا [مصلحت شما را در همه امور] می‌داند و شما نمی‌دانید.» و در آخر هم آیه ۲۸ سوره رعد رو همیشه گوشه ذهن داشته باشد که با دل‌تون بازی می‌کنه: «و دل‌ها تنها با یاد خدا آرام می‌گیرد.»
- در پایان اینکه کل رسانه‌ها رو در مدتی که درس می‌خونید بذارید کنار! چون بخشی از ظرفیت ذهن شمار رو اخبار اشغال می‌کنه و این سمه! و این رو بدونید که ۹۹ درصد از کل اخبار هیچ اثر شخصی روی زندگی ما، یا هدف‌ها، رویاها و بلندپروازی ما نداره! البته استثنائاً رسانه‌هایی که روی حوزه رشد فردی کار می‌کنن و رسانه‌های ملاکریمی رو دنبال کنید!
- یه توصیه مخلصانه:** از بهترین راه‌های دستیابی به اهداف این است که انرژی‌مان را در بخشش به دیگران متمرکز کنیم. اگر می‌خواهیم اعتماد به نفس خودمان بیشتر شود، سعی کنیم اعتماد به نفس اطرافیان‌مان را بالا ببریم. اگر حس امیدواری و مثبت‌اندیشی می‌خواهیم باید در شخص دیگری این‌ها را القا کنیم و اگر موفقیت را برای خودمان می‌خواهیم برای دیگران هم بخواهیم. این «اثر دیگران» است بر زندگی ما! اثر موجی کمک به دیگران و بخشیدن سخاوتمندانه وقت و انرژی‌مان به آنها این است که خودمان بزرگ‌ترین ذینفع این «نوع دوستی» خواهیم بود. وقتی هم آموختیم یکی از تأثیرگذارترین بخش‌ها بر زندگی هر کس اطرافیانش می‌باشد، لذا با بهبود وضع اطرافیان در واقع زندگی خودمان را به سمت خوبی تغییر داده‌ایم. اثر دیگران یعنی اینکه اگر دوستم جزوه حقوق مدنی را خوانده است و از آن متأثر شده، آن را به من هدیه کند، من به دیگری هدیه کنم یا با نوشتن مطلبی درباره این جزوه، دیگران را تشویق به خواندن آن کنم تا هم خودم لذت ببرم، هم جامعه و اطرافیانم هم موجی از لذت و تغییر مثبت را احساس کنند. من متوجه شده‌ام بهترین راه برای به دست آوردن چیزهایی که در زندگی‌ام می‌خواهم این است که انرژی‌ام را روی بخشش به دیگران متمرکز کنم. اگر این جزوه به تو کمک کرده اوون رو برای پنج نفر بفرست؛ چون بدون تو حتی ممکن نبود آن را پیدا کند.

از حضرت امیر (ع) نقل است: «نوکِ قلم‌های خود را تیز تراشید و خطوط را نزدیک به هم بنویسید، عبارت‌های اضافی را حذف و اصل سخن را مورد توجه قرار دهید؛ پیرهیزید از زیاده‌روی و مصرف بیش از حد که اموال مسلمانان، تحملِ ضرر و زیان را ندارد»؛ انتخابِ قلم، چینش و آماده‌سازی این جزوه با هدف استفاده و صرفه‌جویی حداکثری از کاغذ انجام شده؛ امید داریم چنانچه احتمالاً از سهولت استفاده از مجموعه کاسته شده، خوانندگان عزیز من را ببخشند و همچنین شایان ذکر است که: اگر در حین مطالعه با موارد سهو قلم و یا خطاهای انسانی دیگر که ما از آن غافل مانده‌ایم، مواجه شدید؛ از طریق ایمیل mollakarimi.omid@gmail.com یا

واتساپ [۰۹۳۵۲۲۱۳۱۷۵](tel:09352213175) با ما در میان بگذارید تا اصلاح نماییم. **به روزرسانی جزوه / کتاب: بهار ۱۴۰۰ اینستاگرام: @omid_mollakarimi**



امید ملاکریمی هستم؛ یه حواس پرت متولد دهه ۶۰! ارزش اصلی من در زندگی، کمک به دیگران و تأثیرگذاری بر زندگی آنهاست. به یادگیری و اشتراک گذاشتن آموخته‌هایم با دیگران علاقه‌ی زیادی دارم. البته همه تلاشم را می‌کنم تا روش‌هایی را که به افزایش کیفیت یادگیری کمک می‌کنند یاد بگیرم و بعد از افزودن تجربیات خودم، آنها را به دیگران هم انتقال بدهم. در حوزه آموزش و نویسندگی در رشته حقوق با روش «ساده‌نویسی» و «به کار بردن مثال‌های روان» متفاوتم! من به این جمله ایمان دارم: «اگر موفقیت بیشتری می‌خواهی باید به دیگران کمک کنی تا به موفقیت بیشتری دست یابند.»

داستان نویسنده: بعد از اینکه لیسانس رو گرفتم مثل خیلی از دانش‌آموخته‌های حقوق وارد دوره کارشناسی ارشد شدم؛ البته باید بگم که یه کار ثابت هم داشتم که ماهانه یه حقوق ثابت از اوون می‌گرفتم. رفته رفته به این نتیجه رسیدم که اگه بخوام اینجوری ادامه بدم دست آخر بعد از دریافت مدرک کارشناسی ارشد و یا حتی دکتری در بهترین حالت می‌خوام یه کارمند سطح بالا توو به اداره بشم که نهایتاً یه حقوق خوب دریافت کنم. شاید برای خیلی‌ها رسیدن به یه حقوق کارمندی خوب نقطه اوج آرزوهاشون محسوب بشه اما من رسیدن به یه حقوق ثابت خوب رو مطلوب نمی‌دیدم. همیشه دوست داشتم مثل قهرمانای این فیلما به آدمایی که توو موقعیت‌های بد قرار گرفتن کمک کنم و با کلی غرور و کمال رضایت از مفید بودن خودم یه نفس عمیق بکشم و بگم «تونستم!». از این فیلما که بگذریم ذات زندگی آدمیزاد اینه که باید بجنگه و از «یه جا نشستن» یا همون «صبح به صبح کارت زدن توو یه محیط اداری» فراری باشه. خلاصه اواخر اسفند ماه بود که تصمیم گرفتم عطای حقوق ثابت را به لقاییش ببخشم و از اول فروردین شروع کنم به خوندن! البته این اشتیاق سوزان باید اول اول توو خود آدم ایجاد بشه و حتی اگه دوستان و اطرافیان با تمسخر بهت بگن: «تو که کار ثابت داری، می‌خوای بشینی و بخونی که چی!»، یا بگن: «صد و ده هزار تا شرکت می‌کنن و نهایتاً سه هزار تا ور می‌دارن و تو بدون سهمیه عمراً شانس نداری!» اطمینان نداشتم که به موفقیت برسم اما با خودم عهد کردم که اول فروردین «بسمه‌الله» بگم و با همه توانم پیش برم؛ البته قبلش از خانواده‌ام خواستم که توو این مسیر کمک کنن و این هشت ماه یه کم توقع و انتظارشون رو از من کم کنن. من ریسک شیرین بلندپروازانه‌ای رو آغاز کرده بودم؛ خلاصش کنم برات: «با وجود تمام ترسی که از شکست داشتم، از تصمیمم راضی بودم!». جمله یه بنده‌ی خدا اوومد توو ذهنم که می‌گفت اگر آرزوت اینه که یه ماشین بخری، اول برو یه جاسوییچی برای ماشینی که توو رو بانه تهیه کن و یقین داشته باش که به ماشینه می‌رسی! منم بدون معطلی، رفتم یک سنجاق سینه کوچولو که رووش آرم کانون رو داره و وکیل‌های کانون همیشه روی گت یا ماتوشون می‌زنن تهیه کردم. تا شروع کردم کمک‌های خدا رو دیدم که یکی یکی برام می‌اومد. مثلاً با مسوول یه کتابخونه صحبت کردم و با وجود اینکه ساعت کار اوونجا تا ۶ بعد از ظهر بود بهم گفت: می‌تونن با نگرهبان مجموعه هماهنگ کنی و تا ۱۱ شب هم از کتابخونه استفاده کنی! خلاصه اینکه ایمان داشتم اگر امروز زحمت بکشم فردا از نتیجه و میوه شیرین اوون زحمات بهره‌مند می‌شم؛ به فرموده قرآن: «فان مع العسر، یسرا». خوشحالم از اینکه که امروز که این متن رو نوشتم در وضعیتی هستم که در تمامی آزمون‌های حقوقی (وکالت، قضاوت، ارشد، دکتری) قبول شدم و به عضویت «هیأت علمی» رسیدم و می‌خوام متنم رو با یه جمله تموم کنم: «تووی سکوت تلاش کن و اجازه بده صدای موفقیتت همه جا بیچه!»

چشم‌انتظار خواندن داستان موفقیت‌تان هستم. به امید موفقیت تو؛ امید ملاکریمی
پایان گفتار ما: حمد و سپاس مخصوص پروردگار جهانیان است.

Telegram Channel: @OmidMollakarimi E-mail: mollakarimi.omid@gmail.com

Instagram: @vekalatyar web: mollakarimi.ir

به شماره همراه [۰۹۳۵۲۲۱۳۱۷۵](tel:09352213175) واتساپ بدهید و جزوات رایگان آزمون‌های حقوقی را از من بخواهید تا به رایگان برایتان بفرستم!

